

صحیفہ رضویہ

مجموعہ از زندگی امامان و علماء و زیارت این بزرگوار حضرت امام رضا
روایت شده و یاد و باره آن حضرت از بقیه امامان جداگانه نقل گردیده است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه رضویه / الصحیفه الرضویه (علیه السلام)

نویسنده:

مرتضی مجتهدی سیستانی

ناشر چاپی:

الماس

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۲	صحیفه رضویه
۲۲	مشخصات کتاب
۲۳	فهرست مطالب
۵۰	هشت سوره از قرآن (۱)
۵۰	۱. سوره «یس»
۵۸	۲. سوره «الرحمن»
۶۲	۳. سوره «إنسان»
۶۵	۴. سوره «قدر»
۶۵	۵. سوره «زلزلت»
۶۶	۶. سوره «عادیات»
۶۷	۷. سوره «نصر»
۶۷	۸. سوره «کافرون»
۶۷	مقدمه
۶۷	سخنانی پیرامون حرم حضرت امام رضا علیه السلام پیگیری اعداد و ارقام (۲)
۶۷	از «صفر» تا «یک دلی»
۶۹	«دو زیارت» و «دو حرم»!
۷۰	موالید «سه گانه» (۷)
۷۱	«چهار گوشه ضریح»
۷۲	«پنج گنج انسان»
۷۳	برتر از «شش طاق پادشاهی» (۱۲)
۷۴	«قبله هفتم»
۷۵	«امام هشتم»
۷۵	«نه فلک»

- ۷۵ «یازده اختر فروزان»
- ۷۶ «امام دوازدهم»
- ۷۶ «سیزده بار» هدایت و رحمت
- ۷۷ «چهارده معصوم علیهم السلام»
- ۷۷ الفبایی درباره حرم و آداب زیارت (۲۲)
- ۸۳ چند نکته دیگر
- ۸۴ گفتار حضرت امام رضاعلیه السلام
- ۸۵ بمب گذاری در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام
- ۸۷ آیا بمب گذار حرم را می شناسید؟! -
- ۹۲ راهنمایی حضرت امام رضاعلیه السلام درباره شناخت افراد
- ۹۵ دوستان منافق
- ۹۵ عظمت حرم حضرت امام رضاعلیه السلام در کلام آن بزرگوار
- ۹۷ توسل به اهل بیت علیهم السلام
- ۹۸ فضیلت نماز در حرم ائمه علیهم السلام
- ۹۸ فضیلت زمین نجف، کربلا و طوس
- ۹۹ دعا در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام
- ۱۰۱ «هشت» روایت از معصومین علیهم السلام درباره ثواب زیارت امام هشتم علیه السلام
- ۱۰۴ «هشت» روایت از امام هشتم علیه السلام درباره ثواب زیارت آن حضرت
- ۱۱۱ چه کسانی زیارتشان پذیرفته می شود؟
- ۱۱۵ گوشه ای از اخلاق و رفتار حضرت امام رضاعلیه السلام
- ۱۱۶ هدیه حضرت امام رضاعلیه السلام
- ۱۱۷ درس حضرت امام رضاعلیه السلام به نیازمندان و هشدار آن حضرت به ثروتمندان
- ۱۱۸ سلام و پیام حضرت امام رضاعلیه السلام به دوستان خویش
- ۱۱۹ خدام حضرت امام رضاعلیه السلام
- ۱۲۰ کودک باایمان در خدمت حضرت امام رضاعلیه السلام
- ۱۲۲ درسی از این روایت

- یک بحث مهم اخلاقی ۱۲۳
- مرگ شخصی بهتر است یا حیات همگانی؟! ۱۲۴
- اشعار دعبل در خدمت امام رضاعلیه السلام ۱۲۶
- گریستن حضرت امام رضاعلیه السلام برای امام زمان ارواحنا فداه ۱۲۷
- حضرت امام رضاعلیه السلام و گریه اهل آسمان و زمین برای امام زمان ارواحنا فداه ۱۲۹
- دعای حضرت امام رضاعلیه السلام برای امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ۱۳۰
- فرمان حضرت امام رضاعلیه السلام به دعا نمودن برای امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ۱۳۱
- دو نقطه مشترک در امام رضاعلیه السلام و امام زمان ارواحنا فداه ۱۳۵
- اشاره ۱۳۵
- ۱ - بحث، اقامه برهان و دلیل ۱۳۵
- اشاره ۱۳۵
- نمونه دیگری از بحث های حضرت امام رضاعلیه السلام با دانشمندان بزرگ آن زمان ۱۴۲
- ۲ - امام زمان ارواحنا فداه و اقامه برهان و دلیل ۱۵۳
- اشاره ۱۵۳
- ۲ - رأفت و مهربانی ۱۵۴
- ۱ - رأفت و مهربانی حضرت امام رضاعلیه السلام ۱۵۴
- اشاره ۱۵۴
- جنازه یک شیعه و حضرت امام رضاعلیه السلام ۱۵۴
- جوان گنهگارولی از دوستان حضرت امام رضاعلیه السلام ۱۵۶
- ۲ - مهربانی و رأفت امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ۱۵۸
- اشاره ۱۵۸
- یک جریان بسیار مهم یا مهربانی حضرت امام رضاعلیه السلام و امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه به دو جوان مسیحی ۱۵۹
- بخش اول ۱۷۶
- هشت نماز زیارت ۱۷۶
- نماز اول ۱۷۶
- نماز دوم ۱۷۶

- ۱۷۷ نماز سوّم
- ۱۷۷ نماز چهارم
- ۱۷۷ نماز پنجم
- ۱۷۸ نماز زیارت در سفر نیابتی
- ۱۷۸ نماز زیارت به نیابت از شخص خاص
- ۱۷۸ نماز زیارت در سفر نیابتی
- ۱۷۹ بخش دوّم
- ۱۷۹ هشت نماز حاجت
- ۱۷۹ نماز حاجت در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام
- ۱۷۹ نماز حاجت یا نماز رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم
- ۱۸۱ نماز حاجت، از حضرت امام رضاعلیه السلام
- ۱۸۲ نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضاعلیه السلام
- ۱۸۳ نیز نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضاعلیه السلام
- ۱۸۴ نماز حاجت در روز جمعه از حضرت امام رضاعلیه السلام
- ۱۸۵ نماز حاجت (مخصوص ازدواج)
- ۱۸۷ بخش سوّم
- ۱۸۷ هشت نماز از حضرت امام رضاعلیه السلام
- ۱۸۷ نماز حضرت امام رضاعلیه السلام به روایت دیگر
- ۱۸۷ نیز نماز حضرت امام رضاعلیه السلام به روایت دیگر
- ۱۸۸ نماز استخاره به گونه دیگر
- ۱۸۹ نماز استخاره به گونه دیگر
- ۱۸۹ نماز هنگام سفر
- ۱۹۰ نماز هنگام سفر این نماز از حضرت امام رضاعلیه السلام نقل شده است:
- ۱۹۰ نماز جناب جعفر طیار
- ۱۹۰ نماز جناب جعفر طیار
- ۱۹۳ ثواب نماز جناب جعفر طیار در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام

۱۹۵	بخش چهارم
۱۹۵	هشت روایت از حضرت امام رضا علیه السلام
۱۹۵	نماز شب و صبح و روز جمعه
۱۹۵	نافله های روز جمعه
۱۹۶	نماز شب نیمه شعبان
۱۹۶	نماز جمعه، عید فطر و قربان
۱۹۶	نماز شب نیمه شعبان
۱۹۸	نماز در روز ششم ماه مبارک رمضان
۱۹۸	نمازهای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ...
۲۰۰	نماز و دعای روز اول محرم
۲۰۰	نماز و دعای روز اول محرم
۲۰۳	علت تشریح نمازهای واجب
۲۰۳	علت تشریح نمازهای واجب
۲۰۴	علت تشریح تعداد رکعت های نمازهای واجب
۲۰۵	علت تشریح تعداد تکبیر در اول نمازهای واجب
۲۰۶	علت تشریح تعداد تکبیر در ...
۲۰۷	علت تشریح تعداد تکبیر در نماز میت
۲۰۷	علت تشریح نمازهای واجب و نافله
۲۰۸	بخش پنجم
۲۰۸	هشت دعا در قنوت نمازها
۲۰۸	دعا در قنوت نمازها
۲۰۸	دعای دیگر در قنوت نمازها
۲۰۸	دعای قنوت حضرت امام رضا علیه السلام در نماز جمعه
۲۱۰	دعای قنوت در نماز عید فطر و قربان
۲۱۱	دعا در قنوت نماز وتر
۲۱۱	دعا در قنوت نماز وتر

- ۲۱۲ دعای قنوت امام رضا علیه السلام ...
- ۲۱۴ دعای قنوت در نماز کسوف
- بخش ششم
- ۲۱۴ هشت دعا و ذکر از ادعیه و اذکار بعد از نمازهای واجب
- ۲۱۴ دعای بعد از نماز صبح
- ۲۱۶ دعا بعد از هر نماز واجب
- ۲۱۷ ذکر «یا رَحمن یا رَحیم» بعد از هر نماز
- ۲۱۷ ذکر بعد از نماز صبح
- ۲۱۷ ذکر بعد از نماز صبح و مغرب
- ۲۱۸ ذکر بعد از نماز عصر
- ۲۱۸ ذکر دیگر بعد از نماز عصر
- بخش هفتم
- ۲۱۸ هشت دعا
- ۲۱۹ دعا بعد از نماز جناب جعفر طیار
- ۲۲۰ دعای فرج بعد از نماز حاجت
- ۲۳۵ دعای حضرت امام رضا علیه السلام پس از هشت رکعت نماز شب
- ۲۳۶ دعا پس از نماز در مقام جبرئیل علیه السلام
- ۲۳۷ دعا پس از نماز زیارت به نیابت از دیگران
- ۲۳۷ دعا پس از نماز زیارت به نیابت از شخص خاص
- ۲۳۷ دعا پس از نماز زیارت در سفر نیابتی
- بخش هشتم
- ۲۳۹ هشت دعا در سجده
- ۲۳۹ دعای طلب خیر در سجده
- ۲۳۹ دعا در سجده پس از نماز ظهر
- ۲۴۰ ذکر سجده شکر
- ۲۴۰ ذکر دیگر سجده شکر

- ۲۴۰ دعای حضرت امام رضاعلیه السلام در سجده
- ۲۴۲ دعا در سجده نماز
- ۲۴۳ دعا در سجده سهو
- ۲۴۳ دعای سجده هنگام مشکلات
- ۲۴۳ بخش نهم
- ۲۴۳ هشت دعای دعاهای هر روز
- ۲۴۳ دعای مهمتی برای اداء حقوق خداوند
- ۲۴۴ دعای ایام غیبت که حضرت امام رضا علیه السلام
- ۲۴۴ دعای ایام غیبت ...
- ۲۵۲ دعای ایام غیبت، به روایتی دیگر
- ۲۵۲ دعای ایام غیبت به روایتی دیگر
- ۲۶۲ دعا برای محشورشدن با حضرت امام رضاعلیه السلام
- ۲۶۲ دعای محشور شدن با اهل بیت علیهم السلام
- ۲۶۲ دعای توبه، هنگام شنیدن اذان صبح و مغرب
- ۲۶۲ دعای هر روز بعد از اقامه و قبل از نماز
- ۲۶۴ دعای ساعت هشتم هر روز
- ۲۶۵ دعای دیگر در ساعت هشتم هر روز
- ۲۶۶ بخش دهم
- ۲۶۶ هشت عمل عبادی در رابطه با ایام هفته
- ۲۶۶ نماز هدیه به حضرت امام رضاعلیه السلام در روز یکشنبه
- ۲۶۸ زیارت حضرت امام رضا علیه السلام و ...
- ۲۶۹ زیارت دیگر حضرت امام رضا علیه السلام در روز چهارشنبه
- ۲۷۱ طلب حاجت در روز پنجشنبه
- ۲۷۱ دعای امام رضاعلیه السلام در روز جمعه
- ۲۷۱ دعای حضرت امام رضاعلیه السلام در روز جمعه
- ۲۷۳ صد مرتبه صلوات در روز جمعه

۲۷۳	صلوات در عصر جمعه
۲۷۳	اشاره
۲۷۴	جواز شعر خواندن در شب جمعه و ماه مبارک رمضان
۲۷۴	بخش یازدهم
۲۷۴	هشت ماه و اعمال عبادی آن ها
۲۷۴	اشاره
۲۷۴	ماه مبارک رمضان
۲۷۴	حضرت امام رضاعلیه السلام و نقل خطبه رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم
۲۷۸	فضیلت ماه مبارک رمضان در گفتار حضرت امام رضاعلیه السلام
۲۷۹	دعای مهمّ در سحرهای ماه مبارک رمضان
۲۸۳	نکته ای درباره جریان ولایتعهدی
۲۸۷	دعای حضرت امام رضاعلیه السلام هنگام ولایتعهدی
۲۸۹	پانزدهم ماه مبارک رمضان
۲۹۱	فضیلت شب های قدر
۲۹۱	ماه شوال
۲۹۱	اعمال روز عید فطر
۲۹۳	رفتن حضرت امام رضاعلیه السلام برای خواندن نماز عید فطر
۲۹۸	ماه ذی القعدة
۲۹۸	ولادت حضرت امام رضاعلیه السلام
۳۰۰	روز ششم و بیست و سوم ذی القعدة
۳۰۱	زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام در روز بیست و سوم ذی القعدة
۳۰۲	زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام در روز بیست و پنجم ذی القعدة (دحو الأرض)
۳۰۴	ماه ذی الحجّه
۳۰۴	دعای روز عرفه
۳۰۴	نماز عید قربان
۳۰۵	فضیلت روز عید غدیر

- کلام حضرت امام رضاعلیه السلام درباره خطبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر ۳۰۸
- گفتار حضرت امام رضاعلیه السلام درباره ایام عاشورا ۳۲۳
- روز عاشورا ۳۲۵
- لعن بر یزید و پیروان او لعنه الله علیهم ۳۲۶
- دعای حضرت فاطمه علیها السلام در روز قیامت ۳۲۷
- اماه صفر ۳۲۸
- زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام در روز شهادت آن حضرت ۳۲۸
- کیفیت شهادت و دفن حضرت امام رضاعلیه السلام ۳۲۸
- روایت دیگر درباره شهادت ۳۳۵
- ماه رجب ۳۴۵
- ثواب روزه در ماه رجب ۳۴۵
- ثواب زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام در ماه رجب ۳۴۶
- زیارت رجبیه ۳۴۷
- ماه شعبان ۳۵۰
- ثواب روزه و استغفار در ماه شعبان ۳۵۰
- ثواب روزه و صدقه در ماه شعبان ۳۵۰
- دعا در هر روز ماه شعبان ۳۵۱
- نماز و... در شب نیمه شعبان ۳۵۱
- زیارت امام حسین علیه السلام در روز نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان ۳۵۱
- دعا در روزهای آخر ماه شعبان ۳۵۲
- بخش دوازدهم ۳۵۳
- هشت دعا برای حفظشدن از گرفتاری ها ۳۵۳
- دعای توجه به خداوند در بازار برای حفظ نفس ۳۵۳
- دعا برای حفظ شدن از انواع بلا ۳۵۳
- دعا برای حفظشدن از گرفتاری در سفر ۳۵۳
- دعا برای حفظشدن در سفر ۳۵۴

- ۳۵۶ دعا برای حفظشدهن از گرفتاری هنگام خروج از منزل
- ۳۵۶ دعای دیگر هنگام خارج شدن از منزل
- ۳۵۶ دعا برای حفظ شدن در شب
- ۳۵۸ تسبیح حضرت زهراعلیها السلام و «آیه الکرسی» برای حفظ شدن از گرفتاری ها
- ۳۵۹ بخش سیزدهم
- ۳۵۹ هشت دعا برای نجات از گرفتاری ها
- ۳۵۹ دعا برای برطرف شدن گرفتاری های مهم
- ۳۶۵ دعای دیگر هنگام گرفتاری های سخت
- ۳۶۶ دعا برای برطرف شدن هر درد و مرض
- ۳۶۶ دعای دیگر برای برطرف شدن هر درد و مرض
- ۳۶۶ دعا برای رهایی از چشم خوردگی
- ۳۶۷ دعا برای برطرف شدن سحر
- ۳۶۷ دعا برای برطرف شدن تب
- ۳۶۷ دعا برای برطرف شدن تب
- ۳۶۸ بخش چهاردهم
- ۳۶۸ هشت دعا برای نجات از شرّ ظالم
- ۳۶۸ نفرین دشمنان
- ۳۶۸ دعا برای غلبه بر دشمن و ناراحتی های دیگر
- ۳۶۹ دعای حجاب و حفظشدهن از شرّ دشمنان
- ۳۷۰ دعا برای وارد شدن بر کسی که انسان از شرّ او می ترسد
- ۳۷۱ دعا برای برطرف شدن شرّ ظالم
- ۳۷۳ دعای دیگر برای نجات از شرّ ظالم
- ۳۷۴ دعا برای سرکوب شدن دشمن و برطرف شدن ناراحتی های دیگر
- ۳۷۵ دعا برای غلبه بر ظالم
- ۳۸۹ بخش پانزدهم
- ۳۸۹ هشت حرز از حضرت امام رضاعلیه السلام

- ۳۹۲ حرز دیگری نیز به نام رقعہ الجیب
- ۳۹۵ حرز دیگری از حضرت امام رضاعلیہ السلام
- ۳۹۵ حرز دیگر از حضرت امام رضاعلیہ السلام برای برطرف شدن بیماری
- ۳۹۶ حرز دیگری از حضرت امام رضاعلیہ السلام
- ۴۰۸ حرز حضرت امام رضاعلیہ السلام و...
- ۴۰۹ حرز دیگر از حضرت امام رضاعلیہ السلام
- ۴۱۲ حرز برای حفظ از شر دشمنان اهل بیت علیہم السلام
- ۴۱۵ بخش شانزدهم
- ۴۱۵ هشت دستور برای برطرف شدن هشت بیماری
- ۴۱۵ دعا برای درد چشم
- ۴۱۵ دعا برای برطرف شدن صرع
- ۴۱۵ دعا برای برطرف شدن سردرد
- ۴۱۶ دعا برای برطرف شدن سل
- ۴۱۶ دستور برای فرزنددار شدن و برطرف شدن مریضی
- ۴۱۶ دعا برای رفع زگیل
- ۴۱۷ دستور برای بواسیر
- ۴۱۸ بخش هفدهم
- ۴۱۸ هشت دستور برای وسعت رزق و رفع فقر
- ۴۱۸ دعا برای طلب رزق
- ۴۱۸ دعا هنگام رسیدن نعمت و کم شدن رزق و وارد شدن حزن و اندوه
- ۴۱۸ دعا برای طلب روزی
- ۴۱۹ گفتن اذان برای رفع فقر
- ۴۱۹ دستور برای برکت مال
- ۴۱۹ دعای دیگر در هر روز برای برطرف شدن فقر
- ۴۲۰ دعا برای حفظ چیزی که خریداری شده
- ۴۲۰ دعا برای حفظ شدن مال از تلف شدن و...

- بخش هیجدهم - ۴۲۱
- هشت دعای مهتم ۴۲۱
- دعای توحید ۴۲۱
- دعای مهتمی در عظمت خداوند ۴۲۲
- دعای مهتم دیگری از حضرت امام رضاعلیه السلام ۴۲۳
- دعای حمد و شکرگزاری ۴۲۵
- دعای مهتمی برای عافیت و عاقبت بخیر شدن ۴۲۶
- ادعای تنزیه خداوند ۴۲۷
- صلوات مهتم حضرت امام رضا علیه السلام ۴۲۷
- دعای مهتم حضرت امام رضاعلیه السلام در لعن ۴۲۸
- بخش نوزدهم - ۴۳۱
- هشت دعای بسیار مهتم که حضرت امام رضاعلیه السلام نقل کرده اند ۴۳۱
- دعای مهتمی که حضرت امام رضاعلیه السلام ۴۳۱
- دعای مهتمی در ستایش خداوند ۴۴۴
- دعای صباح ۴۴۶
- دعای دیگر بعد از دعای صباح ۴۵۲
- استغفار بسیار مهتم ۴۵۳
- نود و نه اسم خداوند ۴۶۳
- دعای مهتم برای طلب خیر ۴۶۴
- دعای مهتم برای رفع ترس و غم ... (۸۹) ۴۶۶
- بخش بیستم - ۴۶۸
- هشت دعای متفرقه ۴۶۸
- دعا هنگام رؤیت هلال ۴۶۸
- دعا در روز دهم و یازدهم هر ماه ۴۶۸
- دعای عافیت ۴۷۰
- دعا هنگام خوردن غذا یا شیر ۴۷۰

- ۴۷۱ دعا هنگام شادمانی
- ۴۷۱ دعا هنگام ناراحتی
- ۴۷۱ دعای حضرت امام رضاعلیه السلام پس از ولایتعهدی
- ۴۷۱ زیارت قبر مؤمن
- ۴۷۲ بخش بیست و یکم
- ۴۷۲ آثار و خواص هشت سوره از سوره های قرآن
- ۴۷۲ اثر سوره «حمد» برای رفع سردرد
- ۴۷۲ اشاره
- ۴۷۲ تفسیر آیه شریفه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»
- ۴۷۸ فضیلت سوره «انعام»
- ۴۷۸ ثواب خواندن سوره «یس»
- ۴۷۸ ثواب خواندن سوره «زُمر»
- ۴۷۸ ثواب سوره «قدر»
- ۴۷۸ اشاره
- ۴۷۹ اثر سوره «قدر»
- ۴۷۹ ثواب خواندن سوره «إِذَا زُلْزِلَتْ»
- ۴۷۹ اشاره
- ۴۷۹ ثواب خواندن سوره «نصر»
- ۴۸۰ فضیلت سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»
- ۴۸۰ اشاره
- ۴۸۰ ثواب خواندن سوره «توحید» در قبرستان
- ۴۸۰ بخش بیست و دوم
- ۴۸۰ هشت دستور درباره بعضی از آیات و سوره ها
- ۴۸۰ ثواب «آیه الکرسی»
- ۴۸۱ خواندن آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يُمِصُّ...» برای حفظ خانه از خرابی
- ۴۸۱ سه آیه برای پنهان شدن از چشم افراد بی ایمان

- ٤٨٢ ثواب خواندن پنجاه آیه بعد از نماز صبح
- ٤٨٢ خواندن صد آیه برای رفع ترس
- ٤٨٣ اثر سه سوره، هنگام پوشیدن لباس نو
- ٤٨٣ خواندن چهار سوره برای رفع چشم خوردگی
- ٤٨٣ پنج سوره برای رفع سردرد و دردهای دیگر
- ٤٨٣ بخش بیست و سوم
- ٤٨٣ هشت ثواب برای بعضی از اذکار
- ٤٨٣ ثواب «صلوات»
- ٤٨٤ ثواب دیگر برای «صلوات»
- ٤٨٤ ثواب «لا إله إلا الله»
- ٤٨٤ ثواب دیگر برای «لا إله إلا الله»
- ٤٨٤ ثواب گفتن «تسبیحات اربعه» با تسبیح تربت امام حسین علیه السلام
- ٤٨٤ ثواب پنج ذکر و ...
- ٤٨٧ اثر گفتن «یا عَلِيُّ یا عَظِيم»
- ٤٨٧ اثر «یا مُمیت» برای نجات از نفس اماره
- ٤٨٧ بخش بیست و چهارم
- ٤٨٧ هشت ذکر مهم دیگر از حضرت امام رضاعلیه السلام
- ٤٨٨ «یا حئی یا قیّوم»
- ٤٨٨ «یا مَلِک»
- ٤٨٨ «یا خفیظ»
- ٤٨٨ «یا باسط»
- ٤٨٨ «یا فَتّاح»
- ٤٨٩ «یا قُدّوس»
- ٤٨٩ «یا سلام»
- ٤٨٩ بخش بیست و پنجم
- ٤٨٩ هشت روایت از حضرت امام رضاعلیه السلام درباره نقش نگین انگشتر و دعای آن

۴۸۹	نقش نگین انگشتر پیامبران و ائمه علیهم السلام
۴۹۲	نقش نگین انگشتر حضرت امام رضاعلیه السلام
۴۹۲	نقش نگین انگشتر حضرت امام رضاعلیه السلام به روایت دیگر
۴۹۲	نقش نگین انگشتر حضرت امام رضاعلیه السلام نیز به روایت دیگر
۴۹۳	همراه داشتن انگشتر عقیق زرد و فیروزه در راه زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام
۴۹۴	نقش نگین انگشتر فیروزه برای فرزندان شدن
۴۹۴	انگشتر عقیق و دعا برای حفظ شدن از شرهای آسمانی و زمینی
۴۹۴	دعا هنگام دست نمودن انگشتر
۵۰۵	بخش بیست و ششم
۵۰۵	هشت زیارت از زیارت های حضرت امام رضاعلیه السلام
۵۰۷	آداب زیارت
۵۱۲	آغاز آداب زیارت
۵۱۳	دعای اذن ورود به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام
۵۱۳	اشاره
۵۱۵	زیارت اول حضرت امام رضا علیه السلام
۵۲۵	زیارت دوم حضرت امام رضا علیه السلام
۵۲۹	زیارت سوم حضرت امام رضا علیه السلام
۵۳۱	زیارت جوادیه (۱۹) یا زیارت چهارم امام رضاعلیه السلام
۵۴۴	زیارت پنجم حضرت امام رضا علیه السلام
۵۴۵	زیارت ششم حضرت امام رضا علیه السلام
۵۵۳	زیارت هفتم حضرت امام رضاعلیه السلام (زیارت هفت حدیث)
۵۵۹	زیارت هشتم حضرت امام رضا علیه السلام
۵۵۹	اشاره
۵۷۲	زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه در حرم شریف حضرت امام رضا علیه السلام
۵۷۳	بخش بیست و هفتم
۵۷۳	هشت دعای بعد از زیارت

۵۷۳ دعای اول (عالیه المضمین)
۵۸۱ دعای دوم
۵۸۳ دعای سوم
۵۸۴ دعای چهارم
۵۸۸ دعای پنجم
۵۹۰ دعای ششم
۵۹۱ دعای هفتم
۶۳۷ دعای هشتم دعا بعد از زیارت به نیابت از دیگری
۶۴۲ بخش بیست و هشتم
۶۴۲ هشت زیارت از زیارت های جامعه
۶۴۲ زیارت «امین الله»
۶۴۵ زیارت جامعه کبیره
۶۶۱ زیارت جامعه سوم
۶۹۰ زیارت جامعه چهارم
۷۱۳ زیارت جامعه پنجم
۷۲۹ زیارت جامعه ششم
۷۳۱ زیارت جامعه هفتم
۷۳۵ زیارت جامعه هشتم
۷۳۸ بخش بیست و نهم
۷۳۸ هشت زیارت از زیارت های وداع
۷۳۹ زیارت وداع پس از زیارت «امین الله»
۷۴۰ زیارت دوم وداع
۷۴۲ زیارت سوم وداع
۷۴۹ زیارت چهارم وداع
۷۵۵ زیارت پنجم وداع
۷۵۶ زیارت ششم وداع

۷۵۹ زیارت هفتم وداع
۷۵۹ زیارت هشتم وداع
۷۶۱ بخش سی ام
۷۶۱ هشت زیارت از زیارت های اهل بیت علیهم السلام
۷۶۱ زیارت رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در حرم آن حضرت
۷۶۴ زیارت سوّم رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در حرم آن حضرت
۷۶۵ زیارت رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم پس از نماز واجب
۷۶۶ زیارت ائمه علیهم السلام
۷۷۲ زیارت هنگام وداع با هر کدام از ائمه علیهم السلام
۷۷۵ زیارت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و سایر ائمه علیهم السلام (۹۵)
۷۷۷ زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
۷۷۷ اشاره
۷۸۱ نگاهی کوتاه به عظمت مقام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
۷۸۳ یک نکته مهمّ درباره شفاعت نمودن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
۷۸۸ پی نوشتها
۷۹۵ منابع و مصادر کتاب
۸۰۶ درباره مرکز

صحیفه رضویه

مشخصات کتاب

صحیفه رضویه

مجموعه ارزنده ای از نمازها، دعاها و زیارت‌هایی که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده و یا درباره آن حضرت از بقیه امامان علیهم السلام نقل گردیده است

تألیف

سید مرتضی مجتهدی سیستانی

مترجم

محمد ظریف

- مؤلف: سید مرتضی مجتهدی سیستانی

مترجم: محمد ظریف

ناشر: نشر الماس

چاپ: انصار المهدی علیه السلام

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۸۷

قطع و صفحه: وزیری / ۷۴۴

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

- شابک: ۵ - ۹۳ - ۳۵۷۷ - ۴۶۹ - ISBN ۸۷۹ :

- نشر الماس: (۰۲۵۱) (۲۶۱۳۸۲۱)

۹۹۷۹ ۱۵۳ ۰۹۱۲ - ۰۳۵۸ ۲۵۱ ۰۹۱۲

قسمتی از زیارت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه :

یا أنوار الله فی أرضه التي لا تطفی

یا عیون الله فی خلقه

أنا منتظر لأمرکم مترقب لدولتکم

معکم لا مع غیرکم إلیکم لا إلی عدوکم

آمنت بکم وبما أنزل إلیکم وأبرء إلی الله من عدوکم.

ای نورهای جاویدان الهی

ای دیدگان خداوند در میان آفریدگان

من در انتظار امر شما و فرا رسیدن حکومت شما هستم

من با شما هستم نه با غیر شما

من به شما ایمان دارم و از دشمنانتان بیزارم

-بحار الأنوار: ۳۴۵/۱۰۰، الصحیفه المبارکه المهدیه: ۵۸۴

فهرست مطالب

هشت سوره از قرآن

سوره «یس» ... ۲۵

سوره «الزحمن» ... ۳۲

سوره «إنسان» ... ۳۵

سوره «قدر» ... ۳۸

سوره «زلزلت» ... ۳۸

سوره «عادیات» ... ۳۹

سوره «نصر» ... ۴۰

سوره «کافرون» ... ۴۰

مقدمه

سخنانی پیرامون حرم حضرت امام رضا علیه السلام با پیگیری اعداد و ارقام ... ۴۱

از «صفر» تا «یک دلی» ... ۴۱

«دو زیارت» و «دو حرم!» ... ۴۲

موالید «سه گانه» ... ۴۳

«چهار گوشه ضریح» ... ۴۴

«پنج گنج انسان» ... ۴۵

برتر از «شش طاق پادشاهی» ... ۴۶

«قبله هفتم» ... ۴۷

«امام هشتم» ... ۴۸

«نه فلک» ... ۴۹

«معصوم دهم» ... ۴۹

«یازده اختر فروزان»

«امام دوازدهم» ... ۴۹

«سیزده بار» هدایت و رحمت ... ۵۰

«چهارده معصوم علیهم السلام» ... ۵۰

الفبایی درباره حرم و آداب زیارت ... ۵۱

چند نکته دیگر ... ۵۶

گفتار حضرت امام رضاعلیه السلام درباره کارشکنی های دشمنان اهل بیت علیهم السلام ... ۵۸

بمب گذاری در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام ... ۵۹

آیا بمب گذار حرم را می شناسید؟! ... ۶۱

راهنمایی حضرت امام رضاعلیه السلام درباره شناخت افراد ... ۶۶

دوستان منافق ... ۶۸

عظمت حرم حضرت امام رضاعلیه السلام در کلام آن بزرگوار ... ۶۹

توسل به اهل بیت علیهم السلام ... ۷۱

فضیلت نماز در حرم ائمه علیهم السلام ... ۷۲

فضیلت زمین نجف، کربلا و طوس ... ۷۲

دعا در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام ... ۷۴

«هشت» روایت از معصومین علیهم السلام درباره ثواب زیارت امام هشتم علیه السلام ... ۷۵

«هشت» روایت از امام هشتم علیه السلام درباره ثواب زیارت آن حضرت ... ۷۹

چه کسانی زیارتشان پذیرفته می شود؟ ... ۸۵

گوشه ای از اخلاق و رفتار حضرت امام رضاعلیه السلام ... ۸۹

هدیه حضرت امام رضا علیه السلام ... ۹۰

درس حضرت امام رضا علیه السلام به نیازمندان و هشدار آن حضرت به ثروتمندان ... ۹۱

سلام و پیام حضرت امام رضا علیه السلام به دوستان خویش ... ۹۲

خدّام حضرت امام رضا علیه السلام ... ۹۳

کودک باایمان در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام ... ۹۴

درسی از این روایت ... ۹۶

یک بحث مهم اخلاقی ... ۹۷

مرگ شخصی بهتر است یا حیات همگانی؟! ... ۹۸

اشعار دعبل در خدمت امام رضا علیه السلام ... ۱۰۰

گریستن حضرت امام رضا علیه السلام برای امام زمان ارواحنا فداه ... ۱۰۱

حضرت امام رضا علیه السلام و گریه اهل آسمان و زمین برای امام زمان ارواحنا فداه ... ۱۰۴

دعای حضرت امام رضا علیه السلام برای امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فرجه ... ۱۰۵

فرمان

حضرت امام رضا علیه السلام به دعا نمودن برای امام زمان عَجَل الله تعالی فرجه ... ۱۰۶

دو نقطه مشترک در امام رضا علیه السلام و امام زمان ارواحنا فداه ... ۱۱۰

۱ - بحث، اقامه برهان و دلیل ... ۱۱۰

۱ - حضرت امام رضا علیه السلام و اقامه برهان و دلیل ... ۱۱۰

نمونه دیگری از بحث های حضرت امام رضا علیه السلام با دانشمندان بزرگ آن زمان ... ۱۱۶

۲ - امام زمان ارواحنا فداه و اقامه برهان و دلیل ... ۱۲۶

۲ - رأفت و مهربانی ... ۱۲۷

۱ - رأفت و مهربانی حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۲۷

جنازه یک شیعه و حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۲۸

جوان گنهگار ولی از دوستان حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۲۹

۲ - مهربانی و رأفت امام زمان عَجَل الله تعالی فرجه ... ۱۳۱

یک جریان بسیار مهم، یا مهربانی امام رضا علیه السلام و امام زمان عَجَل الله تعالی فرجه

به دو جوان مسیحی ... ۱۳۲

بخش اول

هشت نماز زیارت

۱ - نماز اول ... ۱۴۱

۲ - نماز دوم ... ۱۴۲

۳ - نماز سوم ... ۱۴۲

۴ - نماز چهارم ... ۱۴۲

۵ - نماز پنجم ... ۱۴۳

۶ - نماز زیارت به نیابت از عده ای از افراد ... ۱۴۴

۷ - نماز زیارت به نیابت از شخص خاص ... ۱۴۵

۸ - نماز زیارت در سفر نیابتی ... ۱۴۵

بخش دوم

هشت نماز حاجت

۱ - نماز حاجت در حرم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۴۷

۲ - نماز حاجت یا نماز رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است ... ۱۴۸

۳ - نماز حاجت، از حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۴۹

۴ - نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضا علیه السلام ...

۵ - نیز نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۵۱

۶ - نماز حاجت در روز جمعه از حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۵۲

۷ - نماز حاجت در روز جمعه به گونه دیگر ... ۱۵۴

۸ - نماز حاجت (مخصوص ازدواج) که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است ... ۱۵۵

بخش سوم

هشت نماز از حضرت امام رضا علیه السلام

۱ - نماز حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۵۷

۲ - نماز حضرت امام رضا علیه السلام به روایت دیگر ... ۱۵۷

۳ - نیز نماز حضرت امام رضا علیه السلام به روایت دیگر ... ۱۵۸

۴ - نماز استخاره ... ۱۵۹

۵ - نماز استخاره به گونه دیگر ... ۱۵۹

۶ - نماز استسقاء یا طلب باران ... ۱۶۰

۷ - نماز هنگام سفر ... ۱۶۱

۸ - نماز جناب جعفر طیار ... ۱۶۲

ثواب نماز جناب جعفر طیار در حرم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۱۶۴

بخش چهارم

هشت روایت از حضرت امام رضا علیه السلام

درباره نماز در روزهای معین

۱ - نماز شب و صبح و روز جمعه ... ۱۶۷

۲ - نافله های روز جمعه ... ۱۶۷

۳ - نماز نافله و فریضه ظهر جمعه ... ۱۶۸

۴ - نماز جمعه، عید فطر و قربان ... ۱۶۸

۵ - نماز شب نیمه شعبان ... ۱۶۹

۶ - نماز در روز ششم ماه مبارک رمضان ... ۱۷۰

۷ - نمازهای رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در ماه مبارک رمضان ... ۱۷۰

۸ - نماز و دعای روز اول محرم ... ۱۷۲

عَلَّتْ تشریح نمازهای واجب ... ۱۷۵

عَلَّتْ تشریح تعداد رکعت های نمازهای واجب ... ۱۷۶

عَلَّتْ تشریح تعداد تکبیر در اول نمازهای واجب ... ۱۷۷

عَلَّتْ تشریح حمد و سوره و تسیحات اربعه در نمازهای واجب

علت تشریح ذکر رکوع و سجود ... ۱۷۸

علت تشریح تعداد رکوع و سجود ... ۱۷۸

علت تشریح تعداد تکبیر در نماز میت ... ۱۷۹

علت تشریح نمازهای واجب و نافله ... ۱۸۰

بخش پنجم

هشت دعا در قنوت نمازها

۱ - دعا در قنوت نمازها ... ۱۸۱

۲ - دعای دیگر در قنوت نمازها ... ۱۸۲

۳ - دعای قنوت حضرت امام رضا علیه السلام در نماز جمعه ... ۱۸۲

۴ - دعای قنوت در نماز عید فطر و قربان ... ۱۸۳

۵ - استغفار در قنوت نماز وتر ... ۱۸۴

۶ - دعا در قنوت نماز وتر ... ۱۸۵

۷ - دعای قنوت حضرت امام رضا علیه السلام برای رفع گرفتاری و نجات از شرّ ستمگران ... ۱۸۶

۸ - دعای قنوت در نماز کسوف ... ۱۸۸

بخش ششم

هشت دعا و ذکر از ادعیه و اذکار

بعد از نمازهای واجب

۱ - دعای بعد از نماز صبح ... ۱۸۹

۲ - دعا بعد از هر نماز واجب برای درخواست روزی ... ۱۹۱

۳- ذکر «یا رَحْمَن یا رَحِیم» بعد از هر نماز ... ۱۹۲

۴- ذکر بعد از نماز صبح ... ۱۹۲

۵- ذکر دیگر بعد از نماز صبح ... ۱۹۳

۶- ذکر بعد از نماز صبح و نماز مغرب ... ۱۹۳

۷- ذکر بعد از نماز عصر ... ۱۹۴

۸- ذکر دیگر بعد از نماز عصر ... ۱۹۴

بخش هفتم

هشت دعا از ادعیه بعد از نمازهای مستحب

۱- دعا بعد از نماز جناب جعفر طیار ... ۱۹۵

۲- دعای فرج، بعد از نماز حاجت ... ۱۹۶

۳- دعای حضرت امام رضا علیه السلام پس از هشت رکعت نماز شب ... ۲۱۰

۴- دعا پس از نماز در مقام جبرئیل علیه السلام ...

۵ - دعا پس از نماز زیارت به نیابت از دیگران ... ۲۱۲

۶ - دعا پس از نماز زیارت به نیابت از شخص خاص ... ۲۱۲

۷ - دعا پس از نماز زیارت در سفر نیابتی ... ۲۱۳

۸ - دعا پس از نماز زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام از راه دور در بیست و پنجم ذیقعدہ ... ۲۱۴

بخش هشتم

هشت دعا در سجده

۱ - دعای طلب خیر در سجده ... ۲۱۵

۲ - دعا در سجده پس از نماز ظهر ... ۲۱۶

۳ - ذکر سجده شکر ... ۲۱۷

۴ - ذکر دیگر سجده شکر ... ۲۱۷

۵ - دعای حضرت امام رضاعلیه السلام در سجده ... ۲۱۸

۶ - دعا در سجده نماز ... ۲۱۹

۷ - دعا در سجده سهو ... ۲۲۰

۸ - دعای سجده هنگام مشکلات ... ۲۲۰

بخش نهم

هشت دعا از دعاهای هر روز

۱ - دعای مهمی برای اداء حقوق خداوند ... ۲۲۱

۲ - دعای ایام غیبت که حضرت امام رضا علیه السلام به خواندن آن دستور داده اند ... ۲۲۲

دعای ایام غیبت، به روایتی دیگر ... ۲۲۸

۳ - دعا برای محشورشدن با حضرت امام رضا علیه السلام ... ۲۳۶

۴ - دعای محشورشدن با اهل بیت علیهم السلام ... ۲۳۶

۵ - دعای توبه، هنگام شنیدن اذان صبح و مغرب ... ۲۳۷

۶ - دعای هر روز بعد از اقامه و قبل از نماز ... ۲۳۷

۷ - دعای ساعت هشتم هر روز ... ۲۳۸

۸ - دعای دیگر در ساعت هشتم هر روز ... ۲۳۹

بخش دهم

هشت عمل عبادی در رابطه با ایام هفته

۱ - نماز هدیه به حضرت امام رضا علیه السلام در روز یکشنبه ... ۲۴۱

۲ - زیارت حضرت امام رضا علیه السلام و ...

در روز چهارشنبه ... ۲۴۳

۳ - زیارت دیگر حضرت امام رضا علیه السلام در روز چهارشنبه ... ۲۴۴

۴ - طلب حاجت در روز پنجشنبه ... ۲۴۶

۵ - دعا پس از غسل روز جمعه ... ۲۴۶

۶ - دعای حضرت امام رضا علیه السلام در روز جمعه ... ۲۴۷

۷ - صد مرتبه صلوات در روز جمعه ... ۲۴۸

۸ - صلوات در عصر جمعه ... ۲۴۹

جواز شعر خواندن در شب جمعه و ماه مبارک رمضان ... ۲۴۹

بخش یازدهم

هشت ماه و اعمال عبادی آن ها

۱ - ماه مبارک رمضان

حضرت امام رضا علیه السلام و نقل خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم درباره ماه مبارک رمضان ... ۲۵۱

فضیلت ماه مبارک رمضان در گفتار حضرت امام رضا علیه السلام ... ۲۵۴

دعای مهمّ در سحرهای ماه مبارک رمضان ... ۲۵۵

نکته ای درباره جریان ولایتعهدی حضرت امام رضا علیه السلام ... ۲۵۹

دعای حضرت امام رضا علیه السلام هنگام ولایتعهدی ... ۲۶۲

پانزدهم ماه مبارک رمضان ... ۲۶۴

فضیلت شب های قدر ... ۲۶۶

۲ - ماه شوّال

اعمال روز عید فطر ... ۲۶۷

رفتن حضرت امام رضا علیه السلام برای خواندن نماز عید فطر ... ۲۶۸

۳ - ماه ذی القعدة

ولادت حضرت امام رضا علیه السلام ... ۲۷۲

روز ششم و بیست و سوم ذی القعدة ... ۲۷۴

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در روز بیست و سوم ذی القعدة ... ۲۷۵

فضیلت روز بیست و پنجم ذی القعدة ... ۲۷۵

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در روز بیست و پنجم ذی القعدة (دحو الأرض) ... ۲۷۶

۴ - ماه ذی الحجه

دعای روز عرفه ... ۲۷۸

نماز عید قربان ... ۲۷۹

فضیلت روز عید غدیر ... ۲۸۰

کلام حضرت امام رضا علیه السلام درباره خطبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر ... ۲۸۲

۵ - ماه محرم

الحرام

گفتار حضرت امام رضا علیه السلام درباره ایام عاشورا ... ۲۹۶

روز عاشورا ... ۲۹۸

لعن بر یزید و پیروان او لعنه الله علیهم ... ۲۹۸

دعای حضرت فاطمه علیها السلام در روز قیامت ... ۲۹۹

۶ - ماه صفر

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در روز شهادت آن حضرت ... ۳۰۱

کیفیت شهادت و دفن حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۰۱

روایت دیگر درباره شهادت حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۰۷

۷ - ماه رجب

ثواب روزه در ماه رجب ... ۳۱۶

ثواب زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در ماه رجب ... ۳۱۸

زیارت رجبیه ... ۳۱۹

۸ - ماه شعبان

ثواب روزه و استغفار در ماه شعبان ... ۳۲۱

ثواب روزه و صدقه در ماه شعبان ... ۳۲۲

دعا در هر روز ماه شعبان ... ۳۲۲

نماز و... در شب نیمه شعبان ... ۳۲۳

زیارت امام حسین علیه السلام در روز نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان ... ۳۲۳

دعا در روزهای آخر ماه شعبان ... ۳۲۴

بخش دوازدهم

هشت دعا برای حفظشدن از گرفتاری ها

- ۱ - دعای توجّه به خداوند در بازار برای حفظ نفس ... ۳۲۵
- ۲ - دعا برای حفظ شدن از انواع بلا ... ۳۲۶
- ۳ - دعا برای حفظشدن از گرفتاری در سفر ... ۳۲۶
- ۴ - دعا برای حفظشدن در سفر در ساعت مخصوص به حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۲۷
- ۵ - دعا برای حفظشدن از گرفتاری هنگام خروج از منزل ... ۳۲۹
- ۶ - دعای دیگر هنگام خارج شدن از منزل ... ۳۲۹
- ۷ - دعا برای حفظشدن در شب ... ۳۳۰
- ۸ - تسبیح حضرت زهرا علیها السلام و «آیه الکرسی» برای حفظشدن از گرفتاری ها ... ۳۳۱

بخش سیزدهم

هشت دعا برای نجات از گرفتاری ها

- ۱ - دعا برای برطرف شدن گرفتاری های مهم ... ۳۳۳
- ۲ - دعای دیگر هنگام گرفتاری های

۳ - دعا برای برطرف شدن هر درد و مرض ... ۳۳۹

۴ - دعای دیگر برای برطرف شدن هر درد و مرض ... ۳۳۹

۵ - دعا برای رهایی از چشم خوردگی ... ۳۴۰

۶ - دعا برای برطرف شدن سحر ... ۳۴۰

۷ - دعا برای برطرف شدن تب ... ۳۴۱

۸ - دعا برای پیدا شدن گمشده ... ۳۴۲

بخش چهاردهم

هشت دعا برای نجات از شرّ ظالم

۱ - نفرین دشمنان ... ۳۴۳

۲ - دعا برای غلبه بر دشمن و ناراحتی های دیگر ... ۳۴۳

۳ - دعای حجاب و حفظ شدن از شرّ دشمنان ... ۳۴۴

۴ - دعا برای وارد شدن بر کسی که انسان از شرّ او می ترسد ... ۳۴۵

۵ - دعا برای برطرف شدن شرّ ظالم ... ۳۴۶

۶ - دعای دیگر برای نجات از شرّ ظالم ... ۳۴۸

۷ - دعا برای سرکوب شدن دشمن و برطرف شدن ناراحتی های دیگر ... ۳۴۹

۸ - دعا برای غلبه بر ظالم ... ۳۵۰

بخش پانزدهم

هشت حرز از حضرت امام رضا علیه السلام

۱ - حرز حضرت امام رضا علیه السلام یا رقعہ الجیب ... ۳۵۱

۲ - حرز دیگری نیز به نام رقعہ الجیب ... ۳۵۴

۳ - حرز دیگری از حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۵۶

۴ - حرز دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام برای برطرف شدن بیماری ... ۳۵۷

۵ - حرز دیگری از حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۵۸

۶ - حرز حضرت امام رضا علیه السلام و ... ۳۶۹

۷ - حرز دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۷۱

۸ - حرز برای حفظ از شرّ دشمنان اهل بیت علیهم السلام ... ۳۷۴

بخش شانزدهم

هشت دستور برای برطرف شدن هشت بیماری

۱ - دعا برای درد چشم ... ۳۷۷

۲ - دعا برای برطرف شدن صرع ... ۳۷۷

۳ - دعا برای

برطرف شدن سردرد ... ۳۷۸

۴ - دعا برای برطرف شدن سلّ ... ۳۷۸

۵ - دستور برای فرزنددار شدن و برطرف شدن مریضی ... ۳۷۹

۶ - دعا برای رفع زگیل ... ۳۷۹

۷ - دستور برای بواسیر ... ۳۸۰

۸ - دعا برای رفع غده خنازیر ... ۳۸۰

بخش هفدهم

هشت دستور برای وسعت رزق و رفع فقر

۱ - دعا برای طلب رزق ... ۳۸۱

۲ - دعا هنگام رسیدن نعمت و کم شدن رزق و وارد شدن حزن و اندوه ... ۳۸۲

۳ - دعا برای طلب روزی ... ۳۸۲

۴ - گفتن اذان برای رفع فقر ... ۳۸۳

۵ - دستور برای برکت مال ... ۳۸۳

۶ - دعای دیگر در هر روز برای برطرف شدن فقر ... ۳۸۴

۷ - دعا برای حفظ چیزی که خریداری شده ... ۳۸۵

۸ - دعا برای حفظ شدن مال از تلف شدن و... ... ۳۸۵

بخش هیجدهم

هشت دعای مهمّ که حضرت امام رضاعلیه السلام خوانده اند

۱ - دعای توحید ... ۳۸۷

۲ - دعای مهمّی در عظمت خداوند ... ۳۸۹

۳ - دعای مهمّ دیگری از حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۹۰

۴ - دعای حمد و شکرگزاری ... ۳۹۲

۵ - دعای مهمّی برای عافیت و عاقبت بخیر شدن ... ۳۹۳

۶ - دعای تنزیه خداوند ... ۳۹۴

۷ - صلوات مهمّ حضرت امام رضا علیه السلام ... ۳۹۴

۸ - دعای مهمّ حضرت امام رضا علیه السلام در لعن ... ۳۹۵

بخش نوزدهم

هشت دعای بسیار مهمّ

که حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده اند

۱ - دعای مهمّی که حضرت امام رضا علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام آن را می خواندند ... ۳۹۹

۲ - دعای مهمّی در ستایش خداوند ... ۴۱۱

۳ - دعای صباح ... ۴۱۲

۴ - دعای دیگر بعد از دعای صباح ... ۴۱۸

- ۵

استغفار بسیار مهم ... ۴۱۹

۶ - نود و نه اسم خداوند ... ۴۲۷

۷ - دعای مهم برای طلب خیر ... ۴۲۹

۸ - دعای مهم برای رفع ترس و غم ... ۴۳۰

بخش بیستم

هشت دعای متفرقه

۱ - دعا هنگام رؤیت هلال ... ۴۳۳

۲ - دعا در روز دهم و یازدهم هر ماه ... ۴۳۴

۳ - دعای عافیت ... ۴۳۵

۴ - دعا هنگام خوردن غذا یا شیر ... ۴۳۵

۵ - دعا هنگام شادمانی ... ۴۳۶

۶ - دعا هنگام ناراحتی ... ۴۳۶

۷ - دعای حضرت امام رضا علیه السلام پس از ولایتعهدی ... ۴۳۷

۸ - زیارت قبر مؤمن ... ۴۳۷

بخش بیست و یکم

آثار و خواص هشت سوره از سوره های قرآن

۱ - اثر سوره «حمد» برای رفع سردرد ... ۴۳۹

تفسیر آیه شریفه «الحمد لله رب العالمین» ... ۴۴۰

۲ - فضیلت سوره «انعام» ... ۴۴۴

۳ - ثواب خواندن سوره «یس» ... ۴۴۵

۴ - ثواب خواندن سوره «زُمر» ... ۴۴۵

۵ - ثواب سوره «قدر» ... ۴۴۶

اثر سوره «قدر» برای رفع وحشت در روز قیامت ... ۴۴۶

۶ - ثواب خواندن سوره «إِذَا زُلْزِلَتْ» ... ۴۴۷

ثواب دیگر برای سوره «إِذَا زُلْزِلَتْ» ... ۴۴۷

۷ - ثواب خواندن سوره «نصر» ... ۴۴۷

۸ - فضیلت سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ... ۴۴۸

ثواب خواندن سوره «توحید» در قبرستان ... ۴۴۸

بخش بیست و دوم

هشت دستور درباره بعضی از آیات و سوره ها

۱ - ثواب «آیه الکرسی» ... ۴۴۹

۲ - خواندن آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يُمِصُّكُ...» برای حفظ خانه از خرابی ... ۴۵۰

۳ - سه آیه برای پنهان شدن از چشم افراد بی ایمان ... ۴۵۰

۴ - ثواب خواندن پنجاه آیه بعد از نماز صبح ... ۴۵۲

۵ - خواندن صد آیه برای

رفع ترس ... ۴۵۳

۶- اثر سه سوره، هنگام پوشیدن لباس نو ... ۴۵۳

۷- خواندن چهار سوره برای رفع چشم خوردگی ... ۴۵۴

۸- پنج سوره برای رفع سردرد و دردهای دیگر ... ۴۵۴

بخش بیست و سوم

هشت ثواب برای بعضی از اذکار

۱- ثواب «صلوات» ... ۴۵۵

۲- ثواب دیگر برای «صلوات» ... ۴۵۶

۳- ثواب «لا إله إلا الله» ... ۴۵۶

۴- ثواب دیگر برای «لا إله إلا الله» ... ۴۵۸

۵- ثواب گفتن «تسبیحات اربعه» با تسبیح تربت امام حسین علیه السلام ... ۴۵۸

۶- ثواب پنج ذکر و ... ۴۵۹

۷- اثر گفتن «یا عَلِيُّ یا عَظِيمُ» ... ۴۶۰

۸- اثر «یا مُمِيتُ» برای نجات از نفس اماره ... ۴۶۰

بخش بیست و چهارم

هشت ذکر مهم دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام

۱- «یا حَيُّ یا قَيُّوْمُ» ... ۴۶۱

۲- «یا مَلِکُ» ... ۴۶۲

۳- «یا حَفِیْظُ» ... ۴۶۲

۴- «یا باسِطُ» ... ۴۶۲

۵ - «یا فُتَّاح» ... ۴۶۳

۶ - «یا وَدُود» ... ۴۶۳

۷ - «یا قُدُّوس» ... ۴۶۴

۸ - «یا سَلام» ... ۴۶۴

بخش بیست و پنجم

هشت روایت از حضرت امام رضاعلیه السلام

درباره نقش نگین انگشتر و دعای آن

۱ - نقش نگین انگشتر پیامبران و ائمه علیهم السلام ... ۴۶۵

۲ - نقش نگین انگشتر حضرت امام رضاعلیه السلام ... ۴۶۸

۳ - نقش نگین انگشتر حضرت امام رضاعلیه السلام به روایت دیگر ... ۴۶۹

۴ - نقش نگین انگشتر حضرت امام رضاعلیه السلام نیز به روایت دیگر ... ۴۶۹

۵ - همراه داشتن انگشتر عقیق زرد و فیروزه در راه زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام ... ۴۷۰

۶ - نقش نگین انگشتر فیروزه برای فرزندان شدن ... ۴۷۱

انگشتر عقیق و دعا برای حفظشدن از شرّهای آسمانی و زمینی ... ۴۷۱

۸ - دعا هنگام دست نمودن انگشتر ... ۴۷۲

بخش بیست و ششم

هشت زیارت از زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام

آداب زیارت ... ۴۷۴

آغاز آداب زیارت ... ۴۸۲

دعای اذن ورود به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام ... ۴۸۳

۱ - زیارتِ اوّل حضرت امام رضا علیه السلام ... ۴۸۵

۲ - زیارتِ دوّم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۴۹۶

۳ - زیارتِ سوّم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۴۹۹

۴ - زیارتِ جوادیّه یا زیارتِ چهارم امام رضا علیه السلام ... ۵۰۱

۵ - زیارتِ پنجم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۵۱۴

۶ - زیارتِ ششم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۵۱۵

۷ - زیارتِ هفتم حضرت امام رضا علیه السلام (زیارت هفت حدیث) ... ۵۲۳

۸ - زیارتِ هشتم حضرت امام رضا علیه السلام ... ۵۲۹

زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه در حرم شریف حضرت امام رضا علیه السلام ... ۵۴۱

بخش بیست و هفتم

هشت دعا از دعاهای بعد از زیارت

۱ - دعای اوّل (عالیه المضامین) ... ۵۴۳

۲ - دعای دوّم ... ۵۵۱

۳ - دعای سوّم ... ۵۵۳

۴ - دعای چهارم ... ۵۵۴

۵ - دعای پنجم ... ۵۵۷

۶ - دعای ششم ... ۵۵۹

۷ - دعای هفتم ... ۵۶۰

۸ - دعای هشتم، دعا بعد از زیارت به نیابت از دیگری ... ۵۹۸

بخش بیست و هشتم

هشت زیارت از زیارت های جامعه

۱ - زیارت «امین الله» ... ۶۰۳

۲ - زیارت جامعه کبیره ... ۶۰۷

۳ - زیارت جامعه سوّم ... ۶۲۰

۴ - زیارت جامعه چهارم ... ۶۴۵

۵ - زیارت جامعه پنجم ... ۶۶۵

۶ - زیارت جامعه ششم ... ۶۸۰

۷ - زیارت جامعه هفتم ...

۸ - زیارت جامعه هشتم ... ۶۸۵

بخش بیست و نهم

هشت زیارت از زیارت های وداع

۱ - زیارت وداع پس از زیارت «امین الله» ... ۶۹۰

۲ - زیارت دوّم وداع ... ۶۹۱

۳ - زیارت سوّم وداع ... ۶۹۳

۴ - زیارت چهارم وداع ... ۶۹۹

۵ - زیارت پنجم وداع ... ۷۰۵

۶ - زیارت ششم وداع ... ۷۰۶

۷ - زیارت هفتم وداع ... ۷۰۸

۸ - زیارت هشتم وداع ... ۷۰۹

بخش سی ام

هشت زیارت از زیارت های اهل بیت علیهم السلام

که از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است

۱ - زیارت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در حرم آن حضرت ... ۷۱۱

۲ - زیارت دیگر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در حرم آن حضرت ... ۷۱۳

۳ - زیارت سوّم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در حرم آن حضرت ... ۷۱۴

۴ - زیارت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم پس از نماز واجب ... ۷۱۵

۵ - زیارت ائمه علیهم السلام ... ۷۱۶

۶- زیارت هنگام وداع با هر کدام از ائمه علیهم السلام ... ۷۲۲

۷- زیارت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و سایر ائمه علیهم السلام ... ۷۲۵

۸- زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ... ۷۲۸

نگاهی کوتاه به عظمت مقام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ... ۷۳۱

یک نکته مهم درباره شفاعت نمودن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ... ۷۳۳

منابع و مصادر کتاب ... ۷۳۷

هشت سوره از قرآن (۱)

۱. سوره «یس»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

یس ا وَالْقُرْآنِ الْحَکِیْمِ ا اِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِیْنَ ا عَلِیْکِیْ اِزْ نَامَہَاۃِیْ قُرْآنِیْ رَسُوْلِ خِدا اِسْتِ سُوْکُنْدُ بَہِ قُرْآنِیْ کَہِ اَیَاتِشْ ہَمَہِ مَحْکَمِ
و حَکْمَتِ اَمِیْزِ اِسْتِ کَہِ تُو بَدُوْنِ تَرْدِیْدِ اِزْ رَسُوْلَانِ صِرَاطِ مُسْتَقِیْمِ ا تَنْزِیْلِ الْعَزِیْزِ الرَّحِیْمِ ا لِتَنْذِیْرِ قَوْمًا مَّالِہِیْ

أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا تَقْوِيَتُ كَرْدِيمُ وَ كَفْتَنَد: مَا بَسُوِي شَمَا فَرَسْتَاة شَدِه اِيْم كَفْتَنَد: شَمَا جَز اِنْسَان هَايِي هَمَانَد مَا نِيَسْتِيَد، وَأَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْوِيْدُونَ اِقَالُوا رَبُّنَا يَعْْلَمُ خَدَاوَنَد رَحْمَان چِيَزِي فَرُو نَفَرَسْتَاة، وَ شَمَا دَرُوغ مِي كُوِيْد كَفْتَنَد: پَرُوْر دِگَارْمَان مِي دَانْدِ اِنَّا اِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ا وَمَا عَلَيْنَا اِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِيْنُ اِقَالُوا اِنَّا كَه مَا بَه سُوِي شَمَا فَرَسْتَاة شَدِه اِيْم وَ بَر مَا چِيَزِي جَز اِبْلَاغِ اَشْكَار وَ رَسَانْدِن پِيَام نِيَسْت كَفْتَنَد: مَا شَمَا رَا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجِمَنَّكُمْ وَ لِيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ بَه فَال بَد كَرَفْتَه اِيْم، وَ اِگَر اَز كَفْتَه خُوْد دَسْت بَرِنْدَارِيَد شَمَا رَا سَنگَسَار مِي كَنِيْم وَ اَز مَا عَذَابِ اَلِيْمٍ اِقَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ اَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ دَرْدِنَاكِي بَه شَمَا خُوَاَهْد رَسِيَد كَفْتَنَد: فَال بَد وَ شُوْمِي شَمَا بَا خُوْدتَان اَسْت اِگَر تُوْجَه دَاشْتَه بَاشِيَد بَلَكَه شَمَا مَرْدَمِي مُسِيْرْفُونَ ا وَجَاءَ مِنْ اَقْصَايِ الْمَدِيْنَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اسْرَفُوا كَار وَ تَجَاوَزْ كَرِيَد وَ مَرْدِي اَز دُوْر تَرِيْن نَقْطَه شَهْر شَتَابَان اَمْد وَ كَفْت: اِي مَرْدَم اَتَّبِعُوا الْمُرْسَلِيْنَ اَتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسِيْرُكُمْ اَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ اَز رَسُوْلَان وَ فَرَسْتَا دِگَان الهِي پِيروِي كَنِيْد اَز كَسَانِي كَه اَجْر وَ پاداَشِي اَز شَمَا دَر خُوَاَسْت نَمِي كَنْد وَ خُوْد هَدَايْت يَافْتَه اَنْد پِيروِي كَنِيْد وَ مَا لِيْ لَا اَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَ اِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ا ءَاَتَيْتُكُمْ مِنْ وِجْهٍ اَسْت مَرَا كَه پَرَسْتَش نَكْنَم كَسِي كَه مَرَا اَفْرِيَدَه وَ بَسُوِي او بَا ز كَشْت دَاَدَه مِي شُوِيْد اِيَا غَيْر اَز دُوْنِه اِلَهَه اِنْ يُرْدِنِ الرَّحْمَنُ بَصُرًا لَّا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا مَعْبُوْدَهَائِي رَا اَخْتِيَار كَنْم كَه اِگَر خَدَاي رَحْمَان اَرَاَدَه ضَرَر وَ زِيَانِي نَمَايِد مَرَا شَفَاعَتِ اَنَان هِيچ كُوْنَه سُوْدِي نَمِي بَخْشَد وَ لَا يَنْفَعُ دُونَ اِنِّي اِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ مُّبِيْنٍ اِنِّي اَمْنْتُ بِرَبِّكُمْ وَ نَجَاتَم نَمِي دَهْد وَ دَر اَن

صورت

در گمراهی آشکاری گرفتار گشته ام من به پروردگار شما ایمان آورده ام فَاسْتَجِمْونِ اَقِيلْ اَدْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ اِپس سخن مرا گوش کنید به او گفته شد: وارد بهشت شو، گفت: ای کاش طایفه من و این مردم می دانستند بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ اَوْ مَا اَنْزَلْنَا عَلَیْكَهَ بِه چه چیزی پروردگارم مرا آمرزید و مرا از اهل کرامت قرار داد و گرامی داشت و پس از او بر قومیه مِتْنٌ بَعْدِهِ مِتْنٌ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِیْنَ اِنْ كَانَتْ قَوْمِش سپاه و لشکری از آسمان فرو نفرستادیم و ما فرو فرستنده نبودیم و تنها اِلَّا صَیْحَهٗ وَاحِدَهٗ فَاِذَا هُمْ خَامِدُونَ اِیَا حَسْرَهٗ عَلَی الْعِبَادِ مایک صیحه و صدای آسمانی بود که ناگهان همگی به خاموشی گرائیدند دروغ و افسوس بر این بندگان هیچ یَأْتِیْهِمْ مِنْ رَّسُولٍ اِلَّا كَانُوا بِه یَسْتَهْزِءُونَ اَلَمْ یَرَوْا كَمْ پیامبری برای ایشان نیامد مگر آنکه او را مسخره کردند آیا ندیدند و نیندیشیدند که پیش از آنان اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ اَنَّهُمْ اِلَیْهِمْ لَا یَرْجِعُونَ اَوْ اِنْ كَمَلُّ لَمَّا چَه مقدار از مردمان را هلاک و نابود کردیم و آنها دیگر بسوی ایشان باز نمی گردند و همگی آنان جَمِیْعٌ لَمَدِیْنَا مُخْضَرُونَ اَوْ اَیَّهٗ لَهُمُ الْاَرْضُ الْمَیْتَهٗ اَحْیِنَا هَا نَزِد مَا حَاضِرٌ مِی شوند و زمین مرده برای آنان آیت و نشانه ای است که آن را زنده کردیم و دانه ها و اَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ یَأْكُلُونَ اَوْ جَعَلْنَا فِیْهَا جَنَّاتٍ مِنْ رَا از آن بیرون آوردیم که از آن می خورند و در آن باغ هایی از نَخِیْلِ وَاَعْنَابٍ وَفَجْرْنَا فِیْهَا مِنَ الْعُیُونِ اِلَیَّا کُلُّوا مِنْ ثَمَرِهٖ وَمَا نَخِلْهَا و انگورها قرار دادیم و چشمه هائی در آن جاری ساختیم تا از میوه آن وَعَمِلْتُهُ

أَيُّدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ السُّبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ دَسْتَرَجِحَ خَوِيْشِ بَخُوْرِنْدِ آيَا سِپَاْسْكَرَاْرِيْ نَمِيْ كَنِيْدِ پَاكْ وَ مَنَزَهْ اسْتِ خَدَائِيْ
كِهْ جَفْتْ هَا رَا آفَرِيْدْ كَلِّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ وَإِيَّاهُزْ أَنْجِهْ زَمِيْنِ مِيْ رُوِيَانْدِ وَ ازْ خُوْدَشَاْنِ وَ ازْ أَنْجِهْ
نَمِيْ دَاْنَنْدِ وَ نَشَاْنِهْ اِيْ لُهُمْ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ وَالشَّمْسُ بَرَاْ اِيْشَاْنِ شَبْ اسْتِ كِهْ مَا رُوْزْ رَا ازْ اَنِّ بَرْكَرْفْتِهْ وَ
نَاْكَهَانِ هَمِهْ جَا دَرِ تَارِيْكَيْ فَرُوْ مِيْ رُوْدِ وَ خُوْرَشِيْدِ تَجْرِيْ لِمَسِيَّتَقَرَّ لَهَا ذَلِكْ تَقْدِيْرُ الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَا نِيْزْ دَرِ قَرَارْكَاهْ
خُوْدِ دَرِ حَرَكْتِ اسْتِ، اِيْنِ تَقْدِيْرِ وَ اَنْدَاْزِهْ گِيْرِيْ دَقِيْقِ وَ مَنظَمِ خَدَاوَنْدِ مَقْتَدِرِ دَاْنَا اسْتِ وَ بَرَاْ اِيْ مَاهِ مَنَزَلْكَاهَاْئِيْ مَنَاْزِلَ حَتِّيْ عَاْدَ
كَالْعُرْجُوْنِ الْقَدِيْمِ اِلَّا الشَّمْسُ يَنْبَغِيْ لَهَا أَنْ نَهَادِهْ اِيْمِ) كِهْ بَعْدِ ازْ طِيْ كَرْدَنْ اَنِّهَا (سَرَاْنَجَاْمِ مَانَنْدِ شَاْخِهْ خَشْكِيْدِهْ خَمِيْدِهْ خَرْمَاْ بَاْزِ
مِيْ گَرْدَدِ نِهْ خُوْرَشِيْدِ رَا مِيْ سَزْدِ كِهْ تُدْرِكُ الْقَمَرَ وَلَمَّا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلُّ فِيْ فَلَكَ يَسْبِيْحُونَ اِمَاهِ رَا دَرِكْ كَنْدِ وَ بِهْ اَنِّ
بَرَسْدِ، وَ نِهْ شَبْ پِيْشِيْ گِيْرَنْدِهْ اسْتِ بَرِ رُوْزِ وَ هَرِ يَكْ دَرِ مَدَاْرِيْ مَعِيْنِ دَرِ حَرَكْتِ وَ شَنَاوَرَنْدِ وَاْيَهْ لُهُمْ اَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِيْ
الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ وَخَلَقْنَا لَهُمْ نَشَاْنِهْ اِيْ دِيْكَرِ بَرَاْ اِيْشَاْنِ اَنِّ اسْتِ كِهْ مَا فَرَزَنْدَاْنِشَاْنِ رَا دَرِ كَشْتِيْ هَاْئِيْ پَرَاْزِ بَارِ حَمَلِ كَرْدِيْمِ وَ
مَرَكَبْهَاْيِ دِيْكَرِيْ مِنْ مِثْلِهْ مَا يَزْكَبُونَ اَوْ اِنْ نَشَأْ نُغْرِقُهُمْ فَلَا صَرِيْحَ لُهُمْ وَلَا هُمْ هَمَانَنْدِ اَنِّ بَرَاْ اِيْشَاْنِ آفَرِيْدِهْ اِيْمِ كِهْ بَرِ اَنِّ سُوَاْرِ
مِيْ شُوْنْدِ وَ اِكْرِ بَخُوَاْهِمِ اِيْشَاْنِ رَا غَرَقِ مِيْ سَاْزِيْمِ كِهْ فَرِيَادْرَسِيْ بَرِ اِيْشَاْنِ نَبَاْشْدِ وَيُنْفِقُونَ اِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا اِلَى حِيْنٍ اَوْ اِذَا
قِيْلَ لَّهُمْ رَهَائِيْ نِيَابَنْدِ مَكْرِ رَحْمْتِ مَا ازْ اَنَّاْنِ دَسْتْگِيْرِيْ كَنْدِ وَ تَاْ مَدْتِيْ بَهْرِهْ مَنْدِ گَرْدَنْدِ وَ هَنْگَاْمِيْ

پیشگاه ما گرد آیند امروز به هیچ کس ستم نشود نَفْسٌ شَيْئاً وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ جز به آنچه انجام دادید پاداش داده نشوید بدون تردید اهل بهشت الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكَيْفُونا هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَىٰ امروز سرگرم و شادمانند آنها با همسرانشان در سایه رحمت الهی بر الْأَرَْائِكِ مُتَّكِنُونَ اللَّهُمَّ فِيهَا فَكَيْفَهُ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ السَّلَامُ تختها تکیه زده اند در آنجا برای ایشان میوه ها است و آنچه بخواهند سلام و سلامت قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ اَوَامَتُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ أَلَمْ باد گفتاری است از پروردگار مهربان ای تبه کاران امروز) از پاکان (جدا شوید ای اَعْهَدُ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ فرزندان آدم آیا با شما عهد نکردم که شیطان را نپرستید که او دشمنی آشکار است مُبِينٌ اَوَّانِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ اَوْلَقَدْ أَضَلَّ برای شما و اینکه مرا پرستید که این راهی است راست و استوار او گروه بسیاری مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ اِهْذِهِ جَهَنَّمَ الَّتِي كُنْتُمْ از شما را به گمراهی کشانیده است آیا اندیشه نمی کنید این همان دوزخی است که بدان تُوَعِدُونَ اِضْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ الْيَوْمَ نَخْتِمُ وعده داده شده اید امروز به آن وارد شوید بخاطر کفری که داشتید و انکاری که می کردید امروز علی أَفْوَهِمُ وَتَكَلَّمْنَا أَيُّدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا بر دهان های ایشان مهر می زنیم و دستهایشان با ما سخن می گویند، و پاهایشان گواهی می دهند به آنچه يَكْسِبُونَ اَوْلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصُّرَاطَ کرده اند و اگر بخواهیم دیدگانشان را کور می سازیم پس بخواهند پیشی بگیرند در راه، فَأَنَّى يُبْصِرُونَ اَوْلَوْ نَشَاءُ لَمَسْخَانَهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا لِي بِكَيْفِهِمْ؟ و اگر بخواهیم آنها

را در جایگاه و موقعیتی که دارند مسخ می کنیم اَسِيءَاتُ عَمَلِهِمْ وَلَا يَزِدُّهُمْ اِيْمَانًا وَلَا يُنْقِصُهُمْ اِيْمَانًا وَمَنْ نَعَمَّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ تَا نَتَوَانَدُ كَذَرَ كَنَدُ وَ نَه بَا ز كَرْدَنَد وَ بَه كَسِي كَه عَمَر دَرَا ز مِي دَهِي م دَر خَلْق وَ خُو ي او رَا سَسْت وَ نَا تَوَان مِي كَر دَانِي م اَفْلَا - يَعْقِلُوْنَ اَوْ مَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهٗ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرًا اِيَا اِنْدِي شَه نَمِي كَنِي د مَّا بَه او هَر كَز شَعْر نِيَا مُو خْتَه اِي م وَ شَا يَسْتَه او نِي سْت اِي ن كِتَاب جَز يَا د اَوْرِي كَنَدَه وَ قُرْآنٌ مُّبِيْنٌ اَلْيُنْدِرُ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلٰى الْكٰفِرِيْنَ وَ قَرْآنِي اَشْكَار نَمِي بَاشَد تَا اَنَان رَا كَه زَنَدَه اِنْد بِي م دَهْد وَ حَجَّتْ بَر كَا فَرَان تَمَام كَر دَدَا اَوْلَم يَرُوْا اَنَا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ اَيْ دِيْنَا اَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا اِيَا نَمِي نَكْرَنَد وَ نَمِي اِنْدِي شَنَد كَه بَا دَسْتَان تَوَانَا ي خُود بَرَا ي اِي شَان چَهَار پَا يَانِي اَفْرِي دَه اِي م كَه مَالِكُوْنَ اَوْ ذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُوْنَ اَوْ لَهُمْ مَالِكٌ اَنْ كَشْتَه اِنْد؟ وَ اَنهَا رَا رَام اِي شَان كَر دَه اِي م پَس بَعْضِي اَز اَنهَا رَا سُوَار مِي شُوْنَد وَ بَر خِي دِي كَر رَا مِي خُورَنَد وَ بَرَا ي اِي شَان فِي هَا مَنَافِعٌ وَمَشَارِبٌ اَفْلَا يَشْكُرُوْنَ اَوْ اَتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ دَر اَن هَا بَهْرَه هَا وَ رَغْبَت هَا ي دِي كَر اَسْت اِيَا سِيَا سَكَزَارِي نَمِي كَنَدَن؟ وَ بَه جَا ي خُود اَوْنَد بَرَا ي خُود اِلَهَه لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُوْنَ اَلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مَعْبُودَهَا ي دِي كَر كَر فَتَه اِنْد شَا يَد يَارِي شُوْنَد وَ لِي اَنهَا نَمِي تَوَانَد يَارِي دَهْنَد اِي شَان رَا وَ بَرَا ي اَنَان لَشْكْرِي مُحْضَرُوْنَ اَفْلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ اِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسْرُوْنَ وَمَا حَاضِر هَسْتَنَد وَ دَر خُدْمَت اَنَان پَس كَفْتَار اِي شَان تُو رَا اِنْدُو هَكِي ن سَا زَد، مَّا اَنچَه رَا پَنَهَان مِي كَنَد وَ يُعْلِنُوْنَ اَوْ لَمْ يَرِ الْاِنْسَانَ اَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَهٗ فَاِذَا هُوَ خَصِيْمٌ اَشْكَار مِي سَا زَنَد مِي دَانِي م اِيَا اِنْسَان نَمِي اِنْدِي شَد كَه مَّا او رَا اَز نَطْفَه اِي اَفْرِي دَه اِي م وَ او اَكُنُون سَتِي زَه كَرِي مُّبِيْنٌ اَوْ ضَرَبُ

لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ أَشْكَارَ گشته است و برای ما مثلی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: این استخوان های وَهَى رَمِيمٌ اَقْلُ يُحْيِيهَا الَّذِي اَنْشَأَهَا اَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ فَرْسُودَةٍ رَا حَةً كَمَا يَفْعَلُ لَكُمْ مِثْلَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الاخْضَرِ نَارًا فَاِذَا اَفْرِنْتُمْ دَانَا اَسْتِ هَمَانِ كَسِي كِه بَرَايِ شَمَا اَز دَرخْتِ سَبْزِ اَتَشِ بَوِجُودِ اَوْرِدَا نَتُّمُ مِنْهُ تَوْقِدُونَ اَوَّلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضَ وَشَمَا اَز اَن اَتَشِ بَرِ مِي اَفْرُوزِيْدِ اَيَا اَن كَسِي كِه اَسْمَانَهَا وَزَمِيْنِ رَا اَفْرِيْدِه اَسْتِ بِقَادِرٍ عَلٰى اَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلٰى وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيْمُ اِنَّمَا نَمِي تَوَانِدِ هَمَانِدِ اَن رَا بِيَا فَرِيْنِدِ؟ چَرَا اَو مِي تَوَانِدِ وَ اَو اَفْرِيْنِدِه اِي دَانَا اَسْتِ شَأْنِ اَو چِنِيْنِ اَسْتِ كِه اَمْرُهُ اِذَا اَرَادَ شَيْئًا اَنْ يَقُوْلَ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ اَفْسِيْبِحَانِ الَّذِي چُونِ چِيْزِي بَخَوَاهِدِ بَكُوِيْدِ: «بَاشِ» پَسِ فَوْرًا مِي بَاشِدِ وَ مَوْجُودِ مِي گَرْدِدِ پَسِ پَاكِ وَ مَنَزَهِ اَسْتِ كَسِي كِه بِيْدِه مَلَكُوْتِ كُلِّ شَيْءٍ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ا

ملکوت هر چیزی به دست او است و شما به سوی او باز گردانده می شوید

۲ سوره «الرَّحْمَنُ»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الرَّحْمٰنُ اَعَلَّمَ الْقُرْاٰنَ اَخْلَقَ الْاِنْسَانَ اَعَلَّمَهُ الْبَيَانَ اِخْدَاوْنِدِ مِهْر گَسْتَرِ قُرْاٰنِ رَا يَادِ دَادِ اِنْسَانَ رَا اَفْرِيْدِ بِهِ اَو بِيَانِ تَعْلِيْمِ نَمُوْدِ اَلشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ اَو النَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ اِخْوَر شِيْدِ وَ مَاهِ بِهِ حَسَابِنِدِ سِتَارِهِ وَ دَرخْتِ سَجْدِه مِي كِنْنِدِ وَالسَّمَاءُ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ اَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ اَسْمَانَ رَا بَرَا فَرَا شْتِ وَ مِيْزَانَ رَا نِهَادِ تَا دَر مِيْزَانَ اَز اِنْدَا زِهِ تَجَاوُزِ نَكْنِيْدِ وَ اَقِيْمُوا الْوَزْنَ

بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ وَالْأَرْضَ وَوزن را به انصاف و داد بپادارید و از میزان نگاهید و زمین را وَّضَعَهَا لِلْأَنَامِ فِيهَا فَكَيْفَهُ
وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ وَالْحَبُّ لِلرِّيحِ وَالرَّيْحَانُ فَبِأَيِّ آيَةٍ رَبُّكُمْ تُكذَّبَانِ اَخْلَقَ که از خوشه هایش کاه بجا می ماند و گیاهانی که خوش بویند پس کدامیک از
نعمتهای پروردگارتان را دروغ می پندارید الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ اَوَخَلَقَ الْجَانَ مِنْ مَرَجٍ مَنْ نارِ اِنْسَانِ را از گل خشکیده
ای چون سفال آفرید و جن را از زبانه های آتش پدید آورد فَبِأَيِّ آيَةٍ رَبُّكُمْ تُكذَّبَانِ اَرَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ پس
کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید پروردگار دو خاور و دو باختر فَبِأَيِّ آيَةٍ رَبُّكُمْ تُكذَّبَانِ اَمَرَجَ الْبَحْرَيْنِ
يَلْتَقِيَانِ اَبَيْنَهُمَا پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را دروغ می انگارید دو دریا را جاری ساخت تا به هم بیوندند میان
آن دو دَبَّوْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَبِأَيِّ آيَةٍ رَبُّكُمْ تُكذَّبَانِ اَيَخْرُجُ مِنْهُمَا بَرْزَخٌ وَحَائِلِيٌّ است که تجاوز نکنند پس کدامیک از نعمتهای
پروردگارتان را دروغ می پندارید از آن دو دریا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ فَبِأَيِّ آيَةٍ رَبُّكُمْ تُكذَّبَانِ اَوَلَهُ الْجَوَارِمُ رَوَارِدٌ و مرجان بیرون
آید پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می پندارید و برای آن است الْمُنْشَاتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ فَبِأَيِّ آيَةٍ
رَبُّكُمْ تُكذَّبَانِ اَكشْتِي هَي بزرگی که در دریا لنگر انداخته و همچون کوهی در حرکتند پس کدامیک از نعمتهای
پروردگارتان را دروغ می پندارید كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ اَوَيَبْقَى وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اَتَمَامِي اَنانکه روی زمین هستند از
بین می روند و تنها ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی می ماند فَبِأَيِّ آيَةٍ رَبُّكُمْ تُكذَّبَانِ اَيَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید هر که در آسمانها و زمین است از او درخواست می‌کند کُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ أَفَبِأَيِّ آيَةٍ رَبُّكُمْ تُكَذِّبَانِ اسِنَّفُرُغْ لَكُمْ او هر روزی در شأنی و کاری است پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید ای گروه جنّ أَتَيْتَهُ الثَّقَلَانِ أَفَبِأَيِّ آيَةٍ رَبُّكُمْ تُكَذِّبَانِ ایا مَعْشَرَ الْجِنَّ و انس به زودی به حسابتان رسیدگی خواهیم کرد پس به کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید ای گروه جنّ وَالْإِنْسِ اِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ و انس اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمان و زمین گذر کنید، فَاَنْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ أَفَبِأَيِّ آيَةٍ رَبُّكُمْ تُكَذِّبَانِ اپس بگذرید، اِنَّا جَزَّ بِا قَدْرَتِ و نیروئی هرگز نمی‌توانید درگذرید پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ شَوَاطِئَ مِنْ نَارٍ و نَحَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرُونَ اَفَبِأَيِّ آيَةٍ رَبُّكُمْ تُكَذِّبَانِ ایا بر شما شراره‌هایی از آتش و مس‌های گداخته فرستاده می‌شود و یاوری نجوئید پس کدامیک از نعمتهای رَبُّكُمْ تُكَذِّبَانِ اَفَاذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ اپروردگارتان را دروغ می‌پندارید در آن هنگام آسمان شکافته گردد و چون روغن گداخته گلگون شود أَفَبِأَيِّ آيَةٍ رَبُّكُمْ تُكَذِّبَانِ اَفَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا نَجَسٌ و لا پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید پس در آن روز از گناه هیچ یک از انسان جَانُّ أَفَبِأَيِّ آيَةٍ رَبُّكُمْ تُكَذِّبَانِ اَيُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ و جنّ پرسیده نشود پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید تبه کاران از چهره‌های شان شناخته شوند فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ أَفَبِأَيِّ آيَةٍ رَبُّكُمْ تُكَذِّبَانِ اهذه و آن‌ها را از موهای بالای پیشانی شان و پاهای شان بگیرند پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید اِنْ جَهَنَّمَ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ا

يُطَوَّفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ دَوْخَىٰ است که تبه کاران آن را دروغ می پنداشتند اکنون میان آن و میان آبی سوزنده و جوشان در گردشان اَفْبَآئِی الْآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ اَوْلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ باشند پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را دروغ می پندارید و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ بهشتی است اَفْبَآئِی الْآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ اَذَوَاتَا اَفْبَآئِی الْآءِ رَبُّكُمَا پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می پندارید آندو باغ دارای درختانی است که شاخه هایش درهم پیچیده است پس کدام یک از تُكَذِّبَانِ اَفِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ اَفْبَآئِی الْآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ انعمتهای پروردگارتان را دروغ می پندارید در آنها دو چشمه است که جاری و رواند پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می پندارید فیهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ اَفْبَآئِی الْآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ ادر آنها از هر میوه ای یک جفت وجود دارد پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می پندارید مُتَّكِنِينَ عَلٰی فُرْشٍ بَطَّأْنُهَا مِنْ اِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانِ اهل آن بر فرشهایی تکیه داده اند که آستر آن از حریر و ابریشم است و میوه های دو بوستان نزدیک و در دسترس ایشان است اَفْبَآئِی الْآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ اَفِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می پندارید در آنجا زنانی هستند با چشمان درشت که نگاه خود را فروهسته اند اِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ اَفْبَآئِی الْآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ اَكَاَنَّهُنَّ و پیش از آنان هیچ انس و جنی با آنان تماس نداشته اند پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می پندارید گویا اَلْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ اَفْبَآئِی الْآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ اهل جزآء که آنان یاقوت و مرجانند پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می پندارید آیا

پاداش الإحسانِ إِلَّا الإحسانُ اَفَبِأَيِّ الآءِ رَبُّكُمَا تُكذِّبانِ اَوْ مِنْ نيكی جز نیکی است پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید و دُونِهِمَا جَنَّتَانِ اَفَبِأَيِّ الآءِ رَبُّكُمَا تُكذِّبانِ اَمُدَّ هَامَّتَانِ اِبَیْنِ تر از آنها دو بوستان دیگر است پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید آندو بوستان سبز و خرمند اَفَبِأَيِّ الآءِ رَبُّكُمَا تُكذِّبانِ اَفِیهما عَیْنَانِ نَضَّاحَتَانِ اَفَبِأَيِّ پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید در آنها دو چشمه است که آب از آنها فوران دارد پس کدام یک از الآءِ رَبُّكُمَا تُكذِّبانِ اَفِیهما فَاکِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ اَفَبِأَيِّ الآءِ نِعْمَتِهای پروردگارتان را دروغ می‌پندارید در آندو بوستان میوه‌ها و درختان خرما و انار است پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را اَفِیهنَّ خَیْرَاتٌ حِسانٌ اَفَبِأَيِّ الآءِ رَبُّكُمَا دروغ می‌پندارید در آنجا زنانی نیکو خو و زیباروی هستند پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را اَتُكذِّبانِ اِحْوَرٌ مَقْصُورَاتٌ فِی الخِیامِ اَفَبِأَيِّ الآءِ رَبُّكُمَا دروغ می‌پندارید آنها حوریانی پرده نشین در خیمه‌ها دارند پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را اَتُكذِّبانِ اَلَمْ یَطْمِئِنَّ اِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جِآنٌ اَفَبِأَيِّ الآءِ رَبُّكُمَا دروغ می‌پندارید که پیش از آنها در دسترس هیچ انسان و جنی نبوده‌اند پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را اَتُكذِّبانِ اَمُتِّکَیْنِ عَلٰی رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِیٌّ حِسانٌ اَفَبِأَيِّ دروغ می‌پندارید بر بالشهای سبزرنگ و بسترهای تزیین شده و زیبا تکیه داده‌اند پس کدام یک از الآءِ رَبُّكُمَا تُكذِّبانِ ا تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِی الْجَلالِ وَالْاِکرامِ انعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌پندارید پاک و پربرکت است نام پروردگارت که دارای شکوه و عظمت و بزرگواری است.

۳سوره «انسان»

□

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

هَلْ أَتٰی عَلٰی الْاِنْسٰنِ حَیْنٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ

يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً آيا برهه ای از زمان بر انسان گذشت که چیزی در خور ذکر نبود إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَيِّئاً مَعِياً ما انسان را از نطفه ای آمیخته آفریدیم و او را می آزماییم و لذا او را شنوا و بینا قرار بصریاً إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَإِمَّا كَفُوراً إِنَّا أَعْتَدْنَا دَادِيمَ مَا رَاهُ رَاهُ او نشان دادیم یا سپاسگزار خواهد بود و یا بسیار ناسپاس ما برای الْكَافِرِينَ سَلْسِلٍ وَأَغْلَالاً وَسَعِيراً إِنْ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْفِرَانِ زنجیرها و غلها و شعله های سوزان آماده کردیم به راستی نیکوکاران از ساغری می آشامند كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُوراً أَعْيُنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ که با عطر خوش کافور آمیخته است چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند يُفَجِّرُونَهَا تَفْجيراً يُوقُونَ بِاللَّذْرِ وَالْخُفُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ و در هر کجا جاریش می کنند به نذر خویش وفا می کنند و از روزی که شر آن فرا گیر و گسترده است مُسْتَطِيراً وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِيناً وَيَتِيماً دارند و خوراک خود را در حالی که به آن علاقه دارند به بینوا و یتیم وَأَسِيراً إِنْما نُطْعِمُكُمْ لِرُؤْفَةِ اللَّهِ لِأَنْتُمْ كَانُمْرًا وَلا تَسْمَعُونَ ما دهند می گویند ما فقط به خاطر خشنودی خدا به شما خوراک می دهیم و از شما هیچ گونه پاداش و شُكُوراً إِنْما نَخَافُ مِنْ رَبِّنا يَوْمًا عَبُوساً قَمْطَرِيراً أَوْ قَاهُكُمْ سِياسی را نمی خواهیم ما از پروردگار خود از روزی که عبوس و سخت است می ترسیم و خداوند از الله شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُوراً وَجَزَاهُمْ بِما شَرَّ أَنْ رَأَوْهُمُ يَحْفَظُونَ كَرَمًا وَشَادَابِي وَشَادَمَانِي بِه آنان ارزانی داشت و به پاس شکیبائی صَبَرُوا جَنَّةً وَحَريراً مُتَّكِنِينَ فِيها عَلَى الْأَرْأَيْكَ لا يَرُونَ فِيها به

ایشان بهشت و پرریان پاداش داد در آنجا بر تخت ها تکیه کرده اند و نه آفتابی می بینند شمساً ولا - زَمَّهْرِيْرًا ا وَدَانِيَهٗ عَلَيْهِمْ
ظِلَالُهَا وَذَلَّلَتْ قُطُوْفُهَا وَنَه سِرْمَائِي را در آنجا احساس می کنند شاخسارها بر سر آنان سایه افکنده و میوه هایش سر فرود آورده
تَذْلِيْلًا ا وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِمَائِيَهٗ مِنْ فِضِّهٖ وَاَكْوَابٍ كَانَتْ و در دسترس است و ظرف های نقره ای و جام های بلورین در میان آنان
قَوَارِيْرًا ا قَوَارِيْرًا مِنْ فِضِّهٖ قَدَّرُوْهَا تَقْدِيْرًا ا وَيُسْقَوْنَ فِيْهَا كَرْدَانَدَه می شود جام های بلورینی که از نقره است و آن را اندازه گیری
مناسب کرده اند و در آنجا از جامی که با کأساً كَانَ مِرَاجِيْهَا زَنْجِيْلًا ا عَيْنًا فِيْهَا تُسَمِّي سَلْسِيْلًا ازنجیل در آمیخته سیراب می
شوند از چشمه ای در آنجا که سلسبیل نامیده می شود وَيَطُوْفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ اِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسَبَتْهُمْ لَوْلُوْا ا و بر گرد آنان
نوجوانانی جاوید می گردند، هنگامی که بینی آنان را می پنداری که مرواریدهایی مَثُوْرًا ا وَاِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيْمًا وَمُلْكًا
كَبِيْرًا ا عَلِيْهِمْ پراکنده اند و چون به دَقَّتْ در آنجا نگاه کنی نعمت های فراوان و ملك عظيم را خواهی دید روپوش آنان ثِيَابُ
سُنْدُسٍ خُضْرٍ وَاِسْتَبْرَقٍ وَحُلُوْا اَسَاوِرَ مِنْ فِضِّهٖ وَسَقَاهُمْ لِبَاسَ هَائِي از پرریان سبزرنگ و زربفت است که با دستبندهایی از نقره
آراسته گردیده رُبُّهُمْ شَرَابًا طَهُوْرًا ا اِنَّ هٰذَا كَان لَكُمْ جَزَاءً وَاِنْ كَان سَعِيْكُمْ و پروردگارشان به آنان شراب طهور می نوشاند همانا
این پاداش شما است و تلاش شما مورد مشكوراً ا اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيْلًا ا فَاصْبِرْ قَدْرَدَانِي است ما قرآن را بر تو آن
گونه که شایسته است فرو فرستادیم برای فرمان لِحْكَمِ رَبِّكَ وَاِذَا تَطَّعْتُمْ مِنْهُمْ اِثْمًا اَوْ كَفَرْتُمْ اَوْ اذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ پروردگارت
شکيائي داشته و از هیچ گنه کار یا ناسپاسی اطاعت نکن و نام پروردگارت را بُكْرَةً وَاَصِيْلًا

اَوْ مِنْ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا اِبَامَدَادان و شامگاهان یاد کن و پاره ای از شب را برای او سجده کن و شب طولانی را به تسبیح او بپرداز إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا اِنْحُنْ اینان زورگذر را دوست دارند و روز سخت و گرانبار که پشت سر دارند رها می کنند ماخَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا يَدُلُّنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا اِنَّ آنان را آفریده و پیوندهای ایشان را محکم کردیم و زمانی که بخواهیم به نظایرشان تبدیل شان می نماییم این هدیه تذکره فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ اِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا اَوْ مَا تَشَاءُونَ اِلْيَاد آوری کننده است، پس هر که خواهد راهی را به سوی پروردگارش در پیش گیرد و نمی خواهید مگر آنکه اَنْ يَشَاءَ اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا اِيَدْخُلُ مَنْ يَشَاءُ فَيَخْدَاوَنَد بخواهد، و بدون تردید خدا دانائی است حکیم هر که را خواهد در رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ اَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا اَلِيمًا ا

رحمت خویش وارد کند و برای ستمگران عذابی دردناک آماده کرده است

□

سوره «قدر»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ا وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ا لَيْلَهُمَا اَن رَا در شب قدر فرو فرستادیم و تو چه می دانی که شب قدر چه شبی است؟ شب الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ا تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ قَدْرٍ ا از هزار ماه بهتر است در آن شب، فرشتگان و روح با اجازه و فرمان رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ا سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ ا

پروردگارشان برای رساندن همه امور نزد امام عصر علیه السلام فرود می آیند این شب همه اش سلامت و رحمت است تا دمیدن فجر

سوره «زلزلت»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ا هَنَگَامِی که زمین با زلزله سختی به لرزه درآید و زمین دینه های خود را بیرون ریزد وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ا یَوْمَئِذٍ تُخَدِّثُ أَخْبَارَهَا ا بِأَنَّ رَبَّكَ ا و انسان گوید: آن را چه شده است در آن روز زمین خبرهای خود را باز گوید که پروردگارت به آن اَوْحَى لَهَا ا یَوْمَئِذٍ یَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ا فَمَنْ هَامَ نَمُودَه است در آن روز مردم به صورت پراکنده بیرون آیند تا کارهای شان به آن ها نشان داده شود پس هر که یَعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا ا یَرَهُ ا وَمَنْ یَعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا ا یَرَهُ ا به اندازه ذره ای کار خوب کرده آن را ببیند و هر که به مقدار ذره ای کار بد انجام داده آن را

عسوره «عادیات»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا سَوَّكَتِ بِهٖ اَسْبَانَ تيزتک که در دویدن به نفس نفس افتند و سم های آنها در برخورد با سنگها اخگر افروزد و صبحگاهان به افأَثْرَنَ بِهٖ نَقْعًا فَوَسَّطْنَ بِهٖ جَمْعًا اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهٖ دَشْمَنٌ يُّورِشُ بَرْنَدٌ پس گرد و غبار بر هوا رود و خود را در جمع سپاه افکنند بدون تردید انسان لَكَنُودًا وَاِنَّهٗ عَلٰى ذٰلِكَ لَشَهِيدٌ وَاِنَّهٗ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيْدٌ نسبت به پروردگارش ناسپاس است و بی گمان او خودش بر این گواهی دهد و سخت شیفته و دلباخته مال اَفْلَا يٰعَلَمُ اِذَا بُعْثِرَ مَا فِى الْقُبُوْرِ اَوْ حُصِّلَ مَا فِى دُنْيَا اِسْتَا يَا نَمٰى دَانَد هِنْكَامٰى كَه اَنچَه در مِيَان گُورهَا اسْت بِيروُن رِيخْتَه شُود و اَنچَه در الصُّدُوْر اِنَّ رَبَّهُمْ بِهٖمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيْرٌ ا

سینه ها است برآید

قرار داده و محبت غیر او را در آن ریشه کن سازد؛ تا به مقام «رضا» که بهترین مقام اهل دل است راه یابد.

در این صورت، از درد و درمان و وصل و هجران، آنچه را که خدا به آن راضی است می پسندد، نه این که فقط تسلیم باشد؛ بلکه علاوه بر مقام تسلیم در برابرخواسته خداوند، آنچه را که او بخواهد به آن راضی است.

«یکی» درد و

«یکی» درمان پسندد

«یکی» وصل و «یکی» هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران

پسندم آنچه را جانان پسندد

«دو زیارت» و «دو حرم»!

کسانی که به این مقام رسیده اند تولّدی «دوباره» یافته اند؛ زیرا «دو دیده» قلب و «دو گوش» باطنی خود را گشوده اند و از حیاتی تازه برخوردارند و به این گونه، سعادت خود را در «دو جهان» تأمین نموده اند.

هاله آنان شفاف و نورانی و سراسر وجودشان را نور فرا می گیرد. اینان نور و روشنایی خود را از این خاندان کسب کرده اند، نه تنها اینان بلکه هر چه نورافشانی می کند، فروغی از پرتو انوار درخشان آل الله گرفته است، حتی نورافشانی «دو چشمه» (۳) از نور وجود ایشان سرچشمه می گیرد و «دو برادران» (۴) که بر فراز آسمان می درخشند، درخشندگی خود را از نور این دودمان گرفته اند.

این خاندان، اصل نور و روشنایی می باشند، و آن گاه که دوران حکومت اهل بیت علیهم السلام فرا رسد، ظلمت و تاریکی از جهان رخت بسته و شب و روز با انوار درخشان حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه روشن می شود.

این خاندان، نه تنها اصل نور و روشنایی می باشند؛ بلکه اصل هر خیر و خوبی هستند و همگان هر چه در باب فضایل و معارف این خاندان بگویند یا بنویسند، «دویتی» (۵) از بحر معارف این بزرگواران را نسروده اند.

از بیان اصل نور و روشنایی «دو دنیا» و از بحر معارف این خاندان بگذریم و به شرح «دو زیارت» و «دو حرم» پردازیم:

انسان ممکن است بر اثر پاکدلی، وجود عرشی حضرت امام رضاعلیه السلام را در حرم مطهر آن بزرگوار زیارت نموده و ببیند. و نیز ممکن است بر اثر پاکسازی قلب از آلودگی و خارج نمودن اغیار از حریم قلب که حرم خداوند است، به خاطر تجلّی حضرت امام رضاعلیه السلام بر

قلب انسان، حتی در غیر حرم آن حضرت را زیارت نماید. این گونه حالات، معمولاً مکاشفه (۶) است و گاهی ممکن است مشاهده باشد.

باید توجه داشته باشیم که گفتگوی این مطالب آسان است ولی آنان که دارای این گونه حالات هستند وجودشان همچون کبریت احمر و اکسیر اعظم است.

البته همان گونه که گفتیم همه کسانی که به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب می شوند، هر کدام از لطف و عنایت آن حضرت توشه می گیرند.

موالید «سه گانه» (۷)

نه تنها انسان و دیگر موجودات هوشمند جهان آفرینش - که بر فراز آسمان هایا در اعماق زمین جای دارند - با ولایت و سرپرستی خاندان وحی علیهم السلام آشنایند؛ بلکه جمادات و «موالید سه گانه» بر این حقیقت اعتراف دارند.

خاندان وحی علیهم السلام با بیان این نکته که ولایت آنان بر همه مخلوقات جهان آفرینش عرضه شده، شعور جمادی، گیاهی و حیوانی جمادات، گیاهان و حیوانات را نیز بیان نموده اند؛ هر چند دانشمندان دوران غیبت، تازه به شعور آب و سایر اشیاء پی برده و در تلاش و جستجو برای تکمیل آن هستند.

اکنون مردم از زیارت برخی از «موالید سه گانه» در حرم حضرت امام رضا علیه السلام خبر دارند، هر چند ممکن است به آن توجه نداشته باشند - و ما به خاطر این که تذکر آن ها سبب طولانی شدن مطلب می شود از بیان آن خودداری می کنیم - اما برای این که هنگام زیارت از توجه بیشتری برخوردار باشیم این نکته را بیان می کنیم:

چه بسا انسان با لباسی که از حلال تهیه شده به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب می شود، و توجه لباس او به حضرت امام رضا علیه السلام - به وسیله شعور جمادی که از آن برخوردار است - بیشتر از خود انسان که فکرش پراکنده است، می باشد.

آیا پسندیده است که توجه

لباس ما با شعور جمادی خود بیشتر از توجه ما با روح و شعور انسانی ما باشد؟!!

درست است که حالت کامل حضور، کار مردان خدا و اولیاء الهی است و از کسانی برمی آید که دنیا را «سه طلاقه» کرده اند؛ اما ما نیز اگر قبل از شرفیابی به حرم حضرت امام رضاعلیه السلام مقداری درباره عظمت و بزرگواری آن حضرت بیندیشیم و توجه کنیم که می خواهیم به چه بارگاهی قدم بگذاریم، بی شک در چگونگی زیارت ما اثر می گذارد.

«چهار گوشه ضریح»

در نظر گرفتن عظمت و بزرگواری حضرت امام رضاعلیه السلام و توجه به مقام ولایت و معرفت آن بزرگوار به نورانیت، در کیفیت و چگونگی زیارت زائر، اثربسزایی دارد و در نتیجه لطف و عنایت حضرت امام رضاعلیه السلام به چنین زائری بی حساب خواهد بود. در این گونه مواقع، «چهار عمل اصلی (۸)» به کار نمی آید و لطف و کرم آن بزرگوار بی حد و بی حساب است.

در این موارد سوز و توجه زائر، زمینه ساز عنایت حضرت امام رضاعلیه السلام می شود و علم و آگاهی از «نسب اربعه (۹)» در آن تأثیری ندارد؛ همان گونه که شناخت «علل چهارگانه (۱۰)» و سایر گفته های ارسطو و دیگران در آن نقشی ندارد و زر و زیورخسرو پرویز، و زور و بازوی رستم زال نیز، زاد و توشه این راه نبوده و زمینه ساز عنایت بی زوال حضرت امام رضاعلیه السلام به زائران نمی باشد.

در برخی از موارد، پناهندگان به امام رضاعلیه السلام نه قلب نورانی دارند نه علم و آگاهی، نه دارای زر و زیورند و نه....؛ ولی امام رئوف حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام بر اساس ولایت مطلقه خود که مقتید به قیدی نیست، به خاطر حکمتی که خود می دانند، از آنان دستگیری می نمایند و آنچنان زائران خود را تحت تأثیر قرار می دهند

که گویی «چهار گوشه ضریح» را همچون «چهار گوشه بیت المعمور» در عرش می بینند و آنچنان با حضرت امام رضاعلیه السلام به گفتگو می نشینند که گویی کاملاً آن حضرت را می بینند.

همه زائران باید کاری کنند که این گونه مورد توجه و عنایت کامل حضرت امام رضاعلیه السلام قرار گیرند.

«پنج گنج انسان»

وجود انسان، سرشار از گنج های گران بها است. رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند:

الناس معادن، كمعادن الذهب والفضة. (۱۱)

مردم، معدن هایی هستند همچون معدن های طلا و نقره.

ما باید وقت و فرصت را تلف نکنیم و با استمداد از خداوند و توسل به «پنج تن» و سایر معصومین علیهم السلام از نعمت های بزرگی که خداوند در وجود ما نهفته آگاه شویم.

ما باید «پنج روزه دنیا» را غنیمت شمرده و مواظب «حواص پنجگانه ظاهری» خود - که آن را «پنج گنج» نامیده اند - باشیم و آن ها را در راه رضایت خداوند به کار ببریم تا از وجود گنج هایی که در باطن ما هست، آگاه شده و بتوانیم آن ها را استخراج کنیم.

درست است که باطن همه انسان ها همانند هم نیست و همان گونه که در ظاهر باهم تفاوت دارند از نظر حواص باطنی نیز باهم فرق می کنند و بنا بر مثل، «پنج انگشت» برادر هستند امّا برابر نیستند؛ ولی به هر حال هر انسانی از گنج های نهانی، حواص باطنی و نیروهای نهفته برخوردار است که باید آن ها را شناسایی کرده و بکار گیرد.

انسان باید با استخراج این گنج ها و بیدار ساختن این نیروها از دکان داری سخت پرهیز نموده و هدف خود را از به دست آوردن آن ها، کمک به دین خدا و خدمت به حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه قرار دهد.

زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام بهترین فرصت و موقعیت برای زائرین محترم است

که از آن حضرت بخواهند قدرت های باطنی آنان را بیدار نموده و آن ها را با تمام وجود و با همه توانایی های ظاهری و باطنی در راه انتظار و خدمت به امام عصر ارواحنا فداه موقّق نمایند.

برتر از «شش طاق پادشاهی» (۱۲)

زائرینی که فوج فوج به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب می شوند تنها کسانی که بر عالم خاک راه می روند نیستند، بلکه آفریده های گوناگون خداوند از «شش جهت» با آداب گوناگون راهی بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می شوند. خوشا به حال آن افرادی که با ایمان کامل و کنترل فکر، «شش دانگ» حواس خود را جمع کرده و به زیارت می پردازند.

گروهی از زائرین از نزدیک شدن به ضریح مطهر حضرت امام رضا علیه السلام شرم دارند و خود را لایق آن مکان با عظمت نمی دانند، به کنجی نشسته و به زیارت و نماز و راز و نیاز می پردازند، آنان هر نقطه و هر گوشه حرم را بسی برتر از «شش طاق پادشاهی» می دانند.

و گروهی دیگر از زائران، اگر دستشان به ضریح نورانی آن حضرت نرسد، خود را شرمنده و شرمسار دانسته گویی که زیارت شان پذیرفته و قبول نشده است.

چه بسیارند زائرینی که با شفا گرفتن مریضان خود و یا روا شدن حاجات خویش، شاهد مهربانی و رأفت حضرت امام رضا علیه السلام می شوند و به شکرانه آن به صلوات و درود می پردازند و به این وسیله، چهره های گرفته و دل های شکسته خود را شکفته و شاد می نمایند و به هر شهر و دیاری که می روند با بیان معجزه امام غریب علیه السلام شمیم خوش شفایابی را پخش می کنند و به این شیوه همه را شیفته و شیدای زیارت آن حضرت می نمایند.

پرتو نگاه مهرآمیز حضرت امام رضا علیه السلام شامل هر دو گروه می شود و قلب آنانی را که با صفا

و اخلاص به زیارت آمده اند فروغ و روشنایی می بخشد.

«قبله هفتم»

آری؛ از آنجا که همه روزه هزاران نفر از «هفت اقلیم» جهان به زیارت «قبله هفتم» شرفیاب می شوند، از آداب و رسوم و فرهنگ های گوناگونی برخوردارند، و حضرت امام رضاعلیه السلام به همه کسانی که به زیارت حضرتش شرفیاب می شوند به دیده رأفت، مهربانی و بزرگواری می نگرند؛ چه آنان که همسایه و در جوار آن بزرگوار هستند و چه آنان که از سرزمین های دور با مشکلات فراوان راه را طی نموده و از «هفت خوان» رستم گذر نموده و به زیارت آن بزرگوار می شتابند.

بدیهی است همه کسان، یکسان نیستند و آنان که برای شرفیاب شدن به حرم حضرت امام رضاعلیه السلام، رنج ها و زحمت های فراوان را تحمل نموده اند با کسانی که به راحتی به بارگاه حضرت امام رضاعلیه السلام رسیده اند تفاوت دارند. هرچند همه کسانی که آن حضرت زیارت شان را بپذیرند، «هفت درب جهنم» به رویشان بسته شده و «إن شاء الله از» هفت چشمه بهشت (۱۳) «سیراب می شوند.

ولی با اینهمه، همه همانند هم نیستند و آنان که از همگان دل بریده و همچون «هفت تنان» (۱۴) از ناپاکان برائت جسته و از دشمنان دوری گزیده اند و تنها به سوی خدا و اهل بیت علیهم السلام روی آورده و واله او گشته اند، به مراتب برتر از دیگرانند و کسی همتا و همانند آنان نیست.

در نزد این گونه کسان - که دلی خالی از اغیار دارند - «عجایب هفتگانه جهان» (۱۵) بسی کوچکتر از آنست که آنان را به شگفت آورده و به سوی خود جذب نمایند.

این گونه کسان، مجذوب رایحه های عطر آگین معنوی بارگاه حضرت امام رضاعلیه السلام می شوند و تالو انوار پرفروغ، تابناک و شادی بخشی که در فضای حرم می درخشد، آن ها را به خود جذب می کند.

اینان نه به «عجایب هفتگانه جهان» در

زمین، بلکه به «خاتون هفت قلعه» (۱۶) آسمان نیز نمی نگرند.

اینان گنج های طالقان و دیگر یاوران امام عصر عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه می باشند که باقلب های محکم و استوار و آهنین خود، دمار از دشمنان نگون بخت امام عصر ارواحنفاده درمی آورند.

اینان بزرگترین قدرت های جهان را بازیچه ای بیش نمی دانند.

یاد قلب های آهنین و استوار گنج های طالقان و دیگر یاوران امام زمان عَجَلُ اللّٰهِ تعالی فرجه، یاد محکم بودن طالیقون یا «هفت جوش» (۱۷) را از خاطر ما می زداید.

«امام هشتم»

فکرِ سالم، قوی و متمرکز در چگونگی زیارت، اثر فراوانی دارد؛ همان گونه که جمع نبودن حواس و تشتت فکری مانع توجه کامل می شود.

نه تنها گناه بلکه بعضی از کسالت های جسمی - مانند کم کاری کلیه و... - و نیز غلبه یکی از «هشت طبع» (۱۸) اثر زیادی در تشتت فکر دارد.

در صورتی که انسان بتواند به زیارت کامل پردازد و زائر واقعی «امام هشتم» علیه السلام باشد، «هشت باب بهشت» به روی او گشوده خواهد شد و می تواند در «هشت بستان بهشت» (۱۹) بیارامد.

برای این گونه افراد حتی «هشت گنج» (۲۰)، کوچکترین اهمیت و ارزشی ندارد.

«نه فلک»

همان گونه که گفتیم افلاکیان نیز از ماورای «نه فلک» پر می گشایند و «نه سپهر نیلی» و «نه طارم کبود» (۲۱) را پشت سر می گذارند و به سوی سرزمین طوس روی می آورند.

«معصوم دهم»

آنان «معصوم دهم» حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام را زیارت نموده و همچون خلائق دیگر بوسه بر خاک عنبرین بارگاه «دهمین مقام عصمت» می زنند.

«یازده اختر فروزان»

کسی که با اعتقاد به مقام امامت حضرت امام رضا علیه السلام، آن بزرگوار را زیارت نماید، به یازده اختر دیگر امامت نیز اعتقاد دارد؛ زیرا برخی از فرقه هایی که در روزگاران قدیم در شیعه پیدا شده و امامان بعد از حضرت امام رضا علیه السلام را قبول نداشتند همه نابود شده و از میان رفته اند.

الآن همه کسانی که حضرت امام رضاعلیه السلام را به عنوان امام زیارت می کنند، شیعیان «دوازده امامی» هستند و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان دیگر تا حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه را به عنوان «دوازده امام» معتقدند و در هر زمان که توفیق شامل حالشان شود به زیارت این بزرگواران می روند.

اگرچه در برخی از ماه ها مانند ماه رجب، ذی القعدة و ماه صفر سیل جمعیت برای زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام بسیار بیشتر از ماه های دیگر روانه مشهد مقدس می شود، ولی با اینهمه در تمامی دوران سال و در همه «دوازده ماه» هجوم جمعیت برای زیارت امام رضاعلیه السلام که قبله دل ها و کعبه آمال و آرزوها است همچنان ادامه دارد.

«سیزده بار» هدایت و رحمت

زائرین محترم باید به این نکته توجه داشته باشند که در زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام اخلاص داشته باشند و قصد زیارت آن بزرگوار را با سیاحت و «سیزده بدر» توأم نکنند. اگرچه گاهی سیاحت بر اساس شرع لازم است ولی مسافرت به قصد «سیزده بدر» از خرافاتی است که هوسرانی ها و دست های بیگانه آن را پشتیبانی و تقویت می کند.

از نظر دین اسلام، عدد «سیزده» نحس نیست تا انسان بخواهد به وسیله مسافرت آن را از خانه و کاشانه خود خارج سازد.

خداوند در قرآن، کلمه نحس را یک بار آورده است؛ ولی هدایت و رحمت (هدی و رحمه) را «سیزده بار» تکرار فرموده است.

نحس بودن در صورتی است که زائر، زیارت را با تفریحات غیر سالم همراه نماید. این گونه زیارت از نظر شرع، نحس و پلید است. ولی آنان که سفر به کنار دریا را کنار نهاده و با کوله بار امید به سوی بارگاه حضرت امام رضاعلیه السلام روانه می شوند، شاهد امواج خروشان دریای بیکران مهر و عنایت حضرت امام رضاعلیه السلام

خواهند بود.

«چهارده معصوم علیهم السلام»

بنابراین باید توجه داشته باشیم سیاحت هایی را که خلاف شرع است رها ساخته و با زیارت های غیر خالصانه، خدا و «چهارده معصوم» علیهم السلام را از خود ناراضی نسازیم.

باید این نکته مهم را از یاد نبریم که برخی از زمان ها و مکان ها از خصوصیت ها و ویژگی های مهمی برخوردارند که با در نظر داشتن آن ها انسان می تواند مشکلات بزرگی را برطرف نماید. اهمیتی که شب قدر و برخی از شب های دیگر و نیز برخی روزها و ماه ها دارا هستند، روشن و آشکار است.

می گویند در «شب چهاردهم» هر ماه، ساعتی وجود دارد که دعا در آن هنگام مستجاب است. با از دست دادن این زمان ها، فرصت های بزرگی را از دست می دهیم.

همچنین مکان هایی چون بارگاه نورانی حضرت امام رضاعلیه السلام دارای آثار و عظمت های مهمی است که ما با توجه نداشتن به آن و یا با نیت های غیر خالص در زیارت، این فرصت های مهم را از دست می دهیم و به آنچه خدا و «چهارده معصوم» علیهم السلام می خواهند عمل نمی کنیم.

الفبایی درباره حرم و آداب زیارت (۲۲)

آستان قدس رضوی، آرامش بخش آفریدگان آفریدگار، و پناهگاه آشنا و بیگانه است. مردم در همه آفاق، شوق زیارت این بارگاه را دارند؛ و آرزو دارند از آب حیات سقاخانه حرم، جرعه ای بنوشند.

اذن ورود به حرم مطهر امام رضاعلیه السلام، اشک شادی را در دیدگان شیفتگان ارض اقدس جاری می سازد و انس با آن حضرت را در انسان افزایش می دهد.

در این بارگاه، باران رحمت بر همه کسانی که از برّ و بحر آمده اند می بارد و بزرگ و کوچک را در بوستان ولایت و باغ ملکوتی خویش پذیرایی می کند.

این سرزمین، پناهگاه همگان است؛ پارسایان پاکدل و نیز پر و بال سوختگان پریشان حال را پذیرا می شوند و راه پیشرفت و پرواز را به همه می آموزند.

گنبد زیبا

و تابناک حرم، انسان را به تماشا وامی دارد و توجّه او را به خود جلب می کند؛ گویی به او می آموزد که قبل از تشرف به حرم، قدری تأمل نموده و درس توبه بیاموزد تا بتواند در حضور حضرت امام رضا علیه السلام از تبلیس ابلیس در امان مانده و راه تقوا را برای همیشه پیشه سازد.

باید به رأفت و مهربانی حضرت ثامن الحجج علیهم السلام اطمینان داشته باشیم و با ثبات قدم در این عقیده به ثناگویی آن حضرت پرداخته تا بر ثواب و ثمره زیارت خودبیفزاییم و با زیارتی که همراه با معرفت و شناخت است نام ما در زمره بهترین زائران امام هشتم علیه السلام از ثری تا ثریا، ثبت شود.

در جوار حضرت امام رضاعلیه السلام باید از جاذبه ولایت آن بزرگوار بهره مند شویم و روح و جان خود را با جلوه های رحمانی جلا داده و جرعه نوش جام ولایت و جان نثار آن حضرت باشیم.

باید از چشمه سار شفابخش حرم که برتر از چشمه خورشید است بهره مند گشته و چنان در چمن زار ولایت جای گیریم که چشم از جهان پوشیده و با چابکی برای چاره جویی و فرار از ظلمت به نور ولایت چهارده معصوم علیهم السلام پناهنده شویم.

در حرم امام هشتم علیه السلام به حمد و ستایش خداوند پرداخته و ظهور حجت الهی امام عصر ارواحنا فداه را خواستار شویم و برای فرارسیدن «دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» (۲۳) و حکومت آن بزرگوار، دست به نیایش بلند نموده تا با ظهور و حضور آن حضرت، حجاب غیبت از میان برداشته شود و مردم از حیرت نجات یابند.

مشهد مقدّس نقطه آمال خلائق است، خادمان حرم دست به سینه ایستاده اند و خوشحالی در سیمای زائران امام هشتم علیه السلام موج می زند، سیل

خروشان خلق باحاجت ها و خواسته های گوناگون به سوی حرم سلطان خراسان روی می آورند. ای کاش؛ همه خواستار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه می بودند.

پنجره فولاد، درمانگاه درماندگان بی پناه است. مردم با دخیل شدن به آن، به دعا و توسل می پردازند و هر لحظه منتظر خروش دریای رحمت حضرت امام رضاعلیه السلام هستند تا با نگاه و دلجویی آن حضرت، دل شکسته آنان شاد شده و با حاجت روا شده از دولت سرای آن بزرگوار بازگردند.

زائران با اخلاص با ذوق تمام به زیارت می پردازند و سعی می کنند ذهاب و رفت و آمد مردم، فکر و ذهن آنان را مشوش نکند و با توسل به حضرت امام رضاعلیه السلام دل از ذهاب و فضّه شسته، به ذکر ذات پاک الهی مشغول شده و یاد خداوند ذوالجلال را ذخیره آخرت خویش قرار می دهند.

رأفت و مهربانی حضرت امام رضاعلیه السلام با زائرین، روان انسان را شاد می سازد و جلوه های رحمانی در آن روضه رضوان، آموزنده طریق خلوص و روزنه ای برای خودسازی - نه خودستایی - است.

در زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام زر و زیور زائران نفعی ندارد؛ همان گونه که زهد زاهدان ریاکار بی ارزش است. در حرم امام هشتم علیه السلام زنده دلانی که در زورق ولایت نشسته و با قطرات اشکی که با اخلاص می ریزند، امواج عظیم رأفت آن حضرت را به خروش می آورند و کاملاً مورد توجه قرار می گیرند.

در حرم امام هشتم علیه السلام ژنرال های لشکر و ژنده پوشان کشور با یک دید نگاه می شوند. حضرت امام رضاعلیه السلام از ژرفای افکار همه آگاهند و به آنان که ژست و قیافه خود را آراسته و نیز به ژولیدگان زبان بسته با ژرف بینی نگریسته و از اعماق قلب همه خبر دارند، و در این میان آنان که قلبی بس روشن تر از ژنراتورهای قوی

دارند مورد عنایت و توجه خاصّ واقع می شوند هر چند ژنده پوش باشند.

برخی از زوّار بهترین سوغات سفر خود را آبی که از سقاخانه برداشته اند می دانند، گویا که کوثر و سلسبیل، سرچشمه آنند و یا... آنان با نوشیدن جرعه ای از جام آن، بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام سلام و درود می فرستند و خدا را بر این نعمت سپاس می گویند.

درب این بارگاه همیشه به روی همه گشوده است و مردم با گرفتن شفا و سایر حاجت های خود، شاهد رأفت و مهربانی امام رئوف می شوند و به شکرانه آن، به درود و صلوات می پردازند. و در هر شهر و دیار با هیجان و شادی، جریان شفایابی راحکایت می کنند و به این شیوه همه را شیفته این بارگاه می نمایند.

صاحب دلانی که از صحن ها گذشته و صادقانه به حرم مطهر حضرت امام رضاعلیه السلام مشرف می شوند، می دانند که در طول صدها سال هر جایگاه این بارگاه، قدمگاه حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه است و با صدق و صفا، صورت بر این خاک پاک نهاده و بوسه بر آن می زنند.

هر روز در کنار ضریح ضامن آهو و در هر ضلع و گوشه حرم، هزاران نفر مهمان و ضیف امام رضاعلیه السلام هستند. نور و ضیاء معنوی آن بارگاه، ضمیر و باطن آنان را پاک و بهشت را برای شان ضمانت می کند و نام شان در طومار بهشتیان ثبت و ضبط می گردد.

طایران قدسی که بر ایوان طلا می نشینند، می دانند که طاق کسری در برابر آن، مخروبه ای بیش نیست. کوه طور با آنهمه جلالت، شکوه و طمطراق شهر طوس را ندارد. کبک و تیهو بلکه هر پرنده و طیفور، آرزوی طوف سقاخانه اش را می کند.

برخی از ظاهرپرستان نیز می دانند: ظفرمندی ظفرمندان معنویت و صاحبان ظرفیت، در ظلّ عنایت صاحب این بقعه

و بارگاه به مرحله ظهور رسیده است و با نگاه آن حضرت، ظرف دل را از ظلمت و تاریکی رها ساخته اند.

صحن عتیق با سقاخانه زیبایی که دارد یاد علمدار کربلا حضرت ابوالفضل علیه السلام و شدت عاطفه آن حضرت را در خاطره ها زنده می سازد، چگونه سقای دشت کربلا با شدت عطش از خوردن آب در روز عاشورا امتناع ورزیده و تا جان در بدن داشتند علم را در دست داشته و با عمال ابن زیاد لعنه الله جنگیدند.

همه از غریب نوازی امام غریب علیه السلام آگاهند و می دانند که آن حضرت غمگسار غریبان هستند، غبار غم را از قلب آنان می زدایند؛ به گونه ای که فریاد و غریو شادی از قلب غمزدگان برمی خیزد.

فرج و ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه و فتح و ظفر را در این بارگاه از خداوند بخواهید، و فرجام نیک را در این مکان بدست آورید تا به دریای فضایل و فیوضات راه بیابید و با توسل به امام رئوف علیه السلام برای نجات از فریب فتنه های فراوان آخرالزمان و دوران تیره غیبت دعا کنید.

شهر مقدس مشهد به قداست معروف است، زائرین و مجاورین آن دیار مقدس باید قدر و احترام آن را نگه دارند و تلاش کنند که ریشه فساد و گناه در آن شهر قطع گردد. مبادا زنان و مردان از قانون شرع تجاوز کرده و با قیافه های غیرمشروع قد و قامت خود را در منظر دید دیگران قرار دهند.

کفشداران پاک دل این بارگاه - که اظهار ملال نمی کنند - کلیدداران گنجینه های قرب هستند. آنان به کاروان جویندگان کمال خوشآمد می گویند و کامیابان کوکب صبح رارج نهاده و در راه خدمتگزاری به زوار از هر کوششی دریغ نمی ورزند.

گلدسته های حرم، گمشدگان راه را هدایت می کنند و با قد کشیده و

استوار خود، گرفتاران گوشه نشین و کهنسالان قدخمیده را درس امید و ثبات قدم آموخته و به همه می آموزند که گشوده شدن گره های کور در این آستان، در گرو ایمان و یقین است، از یأس و سرافکنندگی گریزان و همچون ما سربلند باشید.

لطف و کرم حضرت امام رضاعلیه السلام زبانزد خاصّ و عامّ است، همه می توانند از این بارگاه، لاله لاهوتی، لؤلؤ لالا یا لعل گهربار بگیرند. کلید دنیا و آخرت در دستان حضرت امام رضاعلیه السلام است، هر لحظه امیدوار باشید و یأس و ناامیدی را - که لشکر نفس و شیطان است - شکست دهید.

زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام مشکل گشای همه و مایه امید مردم هر مرز و بوم است. آنان که با ایمان و یقین به این بارگاه مشرف می شوند، به امید و آرزوی خود رسیده و مدال افتخار لطف و عنایت حضرت امام رضاعلیه السلام را بر سینه می زنند.

در این زمان نقاره خانه حضرت امام رضاعلیه السلام، هنگام طلوع و غروب خورشید را به اطلاع مردم می رساند؛ ولی روزی فرا می رسد که ناگهان ناکامی ها، ناگواری ها و... به پایان می رسد و از آن مکان مرتفع ندای «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» بلند می شود. آن روز، نوبت نیک فرجامان جهان است.

با توجه، وارد حرم مطهر شوید؛ تا می توانید از هنگام ورود تا وقت خروج، حالت حضور در خدمت حضرت امام رضاعلیه السلام را رعایت کنید، از وهم، خیال و وسوسه بپرهیزید. از آن بزرگوار بخواهید شما را برای خدمتگزاری به مقام والای ولایت اهل بیت علیهم السلام موقّق نمایند.

همای رحمت حضرت امام رضاعلیه السلام بر سر همگان سایه می افکند و همه زوّار از الطاف بیکران و همایونی آن امام همام بهره مند می گردند؛ به این جهت در هنگام زیارت، حواسّ خود را جمع نموده و

هشیار باشید و همواره متوجه آن حضرت بوده و مواظب باشید فکر شما به این سو و آن سو جلب نشود.

همیشه به یاد داشته باشید: پیامبران الهی و اولیاء خدا با پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام، به کمک دین خدای یکتا و یگانه پرداخته اند. از امام هشتم علیه السلام طلب یاری کنید و با یقین از آن حضرت بخواهید شما را از یاران و یاوران امام عصر ارواحنا فداه قرار دهند تا در صف یاری کنندگان دین خدا باشید.

چند نکته دیگر

از حکمت زیارت بگذریم که این، از آن مردان خدا است. «عنقا را بلند است آشیانه» و «سیمرغ دیگر است و سی مرغ دیگر»، و سخن گفتن از آن برای برخی ملال آور است.

گاهی انسان بر اثر بی توجهی و یا کم توجهی و مخلوط شدن نیت ها و انجام برخی از کارهای ناپسند، ثواب اعمالی را که خداوند کریم در قرآن مجید بارها آن را بلفظهای گوناگون آورده است از دست می دهد و از حکمت مهم آن - که به دست آوردن ارتباط با خدا و اهل بیت علیهم السلام است - بی بهره می ماند.

آنان که حیا و حجاب را رعایت نمی کنند، آنان که مواظب دیدگان خود نیستند، آنان که از موسیقی های... دست بر نمی دارند و... باید بدانند: آنان که «سی لحن باربد» (۲۴) را گوش می کردند سرانجام سر به تیره خاک بردند، اینان هم که موسیقی را با «همراه» خود تا کنار ضریح حضرت امام رضا علیه السلام همراه خود می برند و... نیز سرانجام خواهند مرد و نه از خسرو اثری خواهد ماند و نه از پرویز! و در زیر لحد باید از سی لحن باربد و یا... پاسخ دهند.

آیا سزاوار است انسان از گوشه و کنار ایران یا جهان، راه های طولانی را برای زیارت حضرت امام رضا علیه السلام بپیماید ولی

به خاطر انجام این گونه کارها، جلالت و عظمت و زیبایی بارگاه نورانی آن حضرت را درک نکنند و دلش در بند دیگران و موردیگر باشد؟!

متأسفانه وهابیت برای از بین بردن ارزش و اهمیت زیارت اهل بیت علیهم السلام تلاش می کند و می خواهد عظمت و ارزش زیارت را از نظر زائرین نابود کرده و یا حداقل کم رنگ نماید. یکی از مؤثرترین راه های آن ها برای رسیدن به این هدف، ترویج از زیارت هایی است که همراه با انجام کارهای ناپسند می باشد.

آن ها از یک سو مردم را به مسافرت های غیر سالم تشویق می کنند و از سوی دیگری خواهند عظمت مقام اهل بیت علیهم السلام را در نظر مردم کم رنگ نمایند. آن ها در پنهان سازی مقام اهل بیت علیهم السلام وارث و بازمانده بنی امیه و بنی العباس و نشخوار کننده خوراک شیطانی معاویه و عمرو عاص هستند.

هرچه آنان بکوشند که نام و یاد خاندان وحی علیهم السلام را از قلب و زبان مردم بزدايندولی خداوند خود فضیلت و جلال این خاندان را برای مردم آشکار می سازد. بهتر است در ارتباط با این گفتار، کلامی از حضرت امام رضاعلیه السلام بیاوریم:

گفتار حضرت امام رضاعلیه السلام

درباره کارشکنی های دشمنان اهل بیت علیهم السلام

حضرت امام رضاعلیه السلام فرمودند:

الحمد لله الذي حفظ منا ما ضيع الناس، ورفع منا ما وضعوه حتى لقد لعنا على منابر الكفر ثمانين عاماً، وكتمت فضائلنا، وبذلت الأموال في الكذب علينا، والله تعالى يأبى لنا إلا أن يعلى ذكرنا، ويبين فضلنا، والله ما هذا بنا، وإنما هو برسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وقربتنا منه حتى صار أمرنا ومانروى عنه أنه سيكون بعدنا من أعظم آياته ودلالات نبوته.

سپاس خداوندی را که نسبت به ما حفظ کرد آنچه را که مردم ضایع و تباه ساختند و نسبت به ما بالا برد آنچه را آن ها پست

نمودند تا آنجا که بر منابر کفر هشتاد سال مارا لعن نمودند و فضائل ما را کتمان کردند و مال‌ها برای دروغ بستن بر ما مبذول داشتند، خداوند تبارک و تعالی نپسندید برای ما و نخواست جز اینکه شأن ما والا و فضل ما ظاهر گردد، و به خدا قسم این نه بخاطر ما بلکه بخاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و قرابت و خویشاوندی ما با وی بود، تا آنکه امر ما و آنچه از او روایت می‌کنیم پس از ما از بزرگترین آیات و نشانه‌های نبوت او خواهد شد. (۲۵)

کارگزاران و هَیْئَت باید بدانند کارشکنی‌های معاویه و... و نقشه‌های شوم آن‌ها برای پنهان ساختن فضایل اهل بیت علیهم السلام از جهاتی ده‌ها برابر کارشکنی‌های و هَیْئَت در این زمان بوده است؛ ولی سرانجام آن‌ها سر به تیره خاک برده و آرزوهای خود را به گور بردند و هر روز نام خاندان وحی علیهم السلام درخشان تر شد.

سرانجام کارگزاران و هَیْئَت نیز این گونه است.

بمب گذاری در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام

اکنون که از دستان آلوده و هَیْئَت - که پدیده پلید یهود عنودند - سخن به میان آمد، سزاوار است به مناسبت بمب گذاری در حرم مطهر حضرت امام رضاعلیه السلام در ظهر روز عاشورای سال ۱۴۱۵ هـ ق برابر با ۳۰ خرداد ۱۳۷۳ هـ ش مطالبی را بیان کنیم؛ تا همه بدانیم این گونه اعمال ناشایسته، با نقشه‌های پیش ساخته دشمنان اسلام انجام می‌گیرد.

دستان به خون آلوده و هَیْئَت با فعالیت فراوان در جهان، به مقابله با تشیع پرداخته و با خیال خام خود برای شکست و نابودی شیعیان، دستور اربابان یهودی خود را اجرا می‌کنند، غافل از آن که نقشه‌های آنان نقش بر آب خواهد شد و سرانجام نتیجه رفتارشان را سراب خواهند دید.

آنان به خوبی می‌دانند از صدر اسلام، یهودیانی که به شدت به

مقابله با اسلام پرداختند و افرادی چون ابوسفیان و ابوجهل و... را برای نابودی اسلام با خود همگام ساختند، با شکست روبرو شدند؛ نه تنها آنان بلکه کسانی که لباس اسلام پوشیدند و در پوشش نفاق ضربه به ریشه اسلام زدند اگرچه در میان امت اختلاف افکندند و بسیاری را گمراه ساختند، ولی سرانجام شمار شیعیان همواره روزافزون شد و - باهمه نقشه های شوم دشمنان - همچنان رو به افزایش است تا روزگاری که شیعیان بر سراسر جهان حکومت کنند و دمار از روزگار دشمنان گمراه بر آورند و آنان را به دیار عدم رهسپار سازند.

توجه داشته باشیم که تعداد مسلمانان جهان را در هنگام شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هفت میلیون نفر بر آورد کرده اند که در جریان سقیفه افرادی که بر پیروی و ولایت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام باقی ماندند از تعداد انگشتان دست هم کمتر بود، ولی باهمه تلاش ها و کوشش ها و نقشه های فراوان برای نابودی شیعیان، اکنون نزدیک به یک سوّم مسلمانان را شیعیان جهان تشکیل می دهند و سرانجام دین تشیع سراسر جهان را فرامی گیرد.

گروهی مأموریت یافته، چگونه می توانند دینی را که خداوند خود پشتیبان آنست از میان بردارند؟ مگر نه این است که خدا وعده داده است دین خود را بر تمامی ادیان جهان پیروز گرداند؟

چرا افراد ناآگاه را - که شستشوی مغزی شده و از اندیشه های سالم دور گشته اند - برای ویران ساختن مکان های مقدّس و یا به شهادت رساندن شیعیان اجیر می کنند؟!

آیا مزدوران خود فروخته نمی دانند که هر چند با انفجار بمب، در و دیوار حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام آسیب دید، ولی علاقه و محبت دوستان خاندان وحی علیهم السلام همچنان بیشتر شد و کانون شور و شوق آتشین آنان شعله ورتتر گشت؟! به گونه ای که حاضرند هر چند

با چنگ و دندان، این فریب خوردگان بدفرجام را پاره پاره نموده تا اثری از آنان در صحنه گیتی باقی نماند. و نه تنها این مزدورانِ گمراه بلکه آنان را که به گمراه ساختن این ابلهان کوتاه فکر می پردازند، نابود سازند.

این حقیقتی است که حتی بسیاری از دستان ناشناخته بلکه اربابان آنان نیز قبول دارند.

آنان به خوبی می دانند همان گونه که ابوسفیان ها و ابوجهل ها و معاویه ها و عمروعاص ها نتوانستند دین خدا را سرنگون سازند، این عنکبوتان جدید نیز نمی توانند با تیدن تارِ سست و بی بنیاد خود، بنیان محکم و استوار تشیع را ویران کنند.

آری؛ این نکته ای است که آنان آن را به خوبی می دانند.

آیا بمب گذار حرم را می شناسید؟!

نکته ای دیگر نیز هست که باید همه شیعیان، پیروان و دوستان اهل بیت علیهم السلام به آن توجه داشته باشیم:

هرچند ما با شور و شوق، در و دیوار و زمین حرم را می بوسیم؛ هرچند ما با تمام وجود از کسانی که به در و دیوار حرم آسیب رساندند متنفر و بیزاریم، اگر پاسداری از حرم حضرت امام رضاعلیه السلام به عهده ما نیست و ما توان آن را نداریم، ولی حراست و پاسداری از حرم خدا - که حرم اهل بیت علیهم السلام نیز هست - وظیفه ما است.

هر انسانی که به خداوند ایمان آورده و به مقام ولایت معصومین علیهم السلام ارج می نهد باید در حفظ این حرم بکوشد و با پاسداری و حراست از حرم، آن را از هر گونه آسیب و گزند حفظ نماید.

خداوند بزرگ پاسداری از این حرم را به عهده همه گذارده است و از تمامی آن ها خواسته است که تا حدّ قدرت و توان خود در حفظ این حرم بکوشند.

در سخنان خاندان وحی علیهم السلام در این باره بسیار تأکید شده و همواره درباره عظمت، اهمّیت

و بزرگداشت این حرم هشدار داده اند و بر آنان که اهمیتی به آن نمی دهند سخت برآشفته اند و شیفتگان خدمت گذاری به آن حرم را بسیار نواخته اند.

آیا می دانید آن حرم، کدام حرم است که هر فرد باایمان باید در آن، راه داشته باشد؟

آیا می دانید آن حرم، کدام حرم است که همه باید در پاسداری آن بکوشند و آن را از آسیب و بمب گذاری حفظ و حراست نمایند؟

آیا می دانید آن حرم، کدام حرم است که هر انسانی باید با پاسداری از آن، بیگانگان را در آن راه ندهد؟ اگر نشانی از آن حرم به خاطر نمی آورید از مکتب اهل بیت علیهم السلام جویا شوید تا شما را با آن حرم آشنا کنند.

علامه مجلسی در «بحار الأنوار» از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند:

القلب حرم الله فلا تُسَكَّنُ في حرم الله غير الله. (۲۶)

قلب، حرم خداوند است؛ پس در حرم خدا، غیر خدا را جای نده.

و نیز در روایت بسیار مهم دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده است که آن حضرت فرمودند:

ناجی داود ربّه فقال: إلهی لکلّ ملک خزانه، فأین خزانتک؟

قال جلّ جلاله: لی خزانه أعظم من العرش، وأوسع من الكرسي، وأطيب من الجنّه، وأزین من الملكوت:

أرضها المعرفه، وسماؤها الإیمان، وشمسها الشوق، وقمرها المحبّه، ونجومها الخواطر، وسحابها العقل، ومطرها الرحمه، وأثمارها الطاعه، وثمرها الحكمه.

ولها أربعة ابواب: العلم والحلم والصبر والرضا؛ ألا وهی «القلب». (۲۷)

داود با خدای خود مناجات کرد و گفت: خدای من؛ هر پادشاهی خزانه ای دارد خزانه تو کجاست؟

خداوند جلّ جلاله فرمود: برای من خزانه ای است که از عرش، با عظمت تر و از کرسی، وسیع تر و از بهشت، پاکیزه تر و از ملکوت، بازینت تر است:

زمین آن، معرفت و آسمان آن، ایمان و خورشید آن، شوق و ماه

آن، محبت و ستارگان آن، خطورها و ابر آن، عقل و باران آن، رحمت و میوه های آن، طاعت و نتیجه آن، حکمت است.

و برای آن، چهار درب است: علم، حلم، صبر و رضا؛ آگاه باش که آن، قلب است.

همان طور که دیدیم از قلب، به حرم خداوند و با عظمت تر از عرش الهی و... تعبیر شده است. اگر از این حرم به خوبی پاسداری نموده و در احترام و اهمیت آن کوشش نماییم، در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام پذیرفته شده و در آن بارگاه با عظمت، پذیرایی معنوی می شویم.

پس توجه داشته باشیم که چگونه قلب ما باید با حضرت امام رضاعلیه السلام در ارتباط باشد.

ما باید قلب خود را پاک کنیم، بیگانگان را در آن جای ندهیم، از هر مالی استفاده نکنیم، به هر صدایی گوش ندهیم، به هر منظره ای ننگریم و حرمت حرم یا قلب خود را حفظ کنیم تا چشم باطنی ما بینا و گوش باطنی ما شنوا گردد. کسی که این گونه باشد می تواند از پذیرایی های معنوی در حرم مطهر حضرت امام رضاعلیه السلام برخوردار گردد.

بنابراین ما باید از این حرم پاسداری نموده و به آن ارج نهیم. اگر ما از نفس و هواهای نفسانی خود پیروی کنیم، در راه انهدام و نابودی این حرم گام برداشته ایم. اگر کردار، گفتار و افکار ما بر اساس فرموده های اهل بیت علیهم السلام نباشد و به گناه و خطاکاری پردازیم؛ اگر دست از آنچه مورد تحریم شرع قرار گرفته برداریم، اعمال ناپسند ما همچون بمبی است که در حرم خدا یا قلب خود منفجر می کنیم.

همچنان که انفجار بمب در حرم مطهر حضرت امام رضاعلیه السلام ما را سخت افسرده ساخت، باید توجه داشته باشیم که گناهان ما نیز همانند بمب هایی است که با آن

به تخریب قلب خود - که باید حرم الهی باشد - می پردازیم.

ما همان گونه که از عامل بمب گذاری در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام متنفر و او را یک فرد خودفروخته و خائن می دانیم، باید بدانیم که نفس ما - که ما را وادار به تخریب قلبمان می سازد - بزرگترین دشمن ما می باشد؛ همان طور که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند:

أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسِكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ. (۲۸)

دشمن ترین دشمن تو، نفس تو است که همراه توست.

به این نکته مهم باید توجه کنیم که ممکن است چنان انسان را غفلت فراگیرد که خدا را فراموش نموده و در اثر آن، خود را نیز فراموش نماید.

خداوند می فرماید:

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ». (۲۹)

نباشید مانند کسانی که خدا را فراموش کردند، پس خداوند هم خود آنان را از یادشان برد.

اگر انسان این گونه باشد ممکن است جرم و جنایات دیگران را به خوبی درک کند و با آب و تاب آن را برای دیگران آشکار سازد، اما از جرم و جنایت خود نه تنها دم نمی زند بلکه اصلاً متوجه آن نشده و خود را مجرم نمی داند تا درصدد علاج آن برآید. این گونه افراد در جهل مرکب گرفتارند و نمی دانند که نمی دانند.

اگر انسان این گونه باشد ممکن است از بمب گذاری در حرم مطهر حضرت امام رضاعلیه السلام و جاهای دیگر آزرده شود، ولی چون خود را فراموش کرده است از بمب گذاری و تخریبی که همواره بر قلب خود وارد می سازد کاملاً بی توجه و از آن اطلاعی نداشته باشد. قلبی که باید حرم خدا و جایگاه جانشینان او باشد، منزل دیوان و شیاطین گشته است. به این جهت هر چه بیشتر بر قلب خود آسیب وارد کند از آن بی خبرتر و دورتر می شود.

چون مکتب اهل

بیت علیهم السلام به شیعیان دستور می دهد که شیعه باید دشمن شناس باشد، ما نه تنها باید دشمنان خارجی را بشناسیم بلکه نفس اماره خود را نیز که دشمن ترین دشمنان ما هست، بشناسیم و بدانیم آنچه بیش از همه بر ما ضربه می زند دشمن خارجی نیست، بلکه آن، نفس انسان است که گاهی دشمن خارجی را نیز در قلب او جای می دهد.

در این صورت، انسان مهم ترین تخریب و بمب گذاری را در قلب خود و در وجود خویش انجام می دهد ولی - همان طور که خداوند فرموده است - آن را فراموش کرده و توجهی به آن ندارد.

پس ما نه تنها باید از دشمن خارجی و وسوسه ها و تبلیس ابلیس و نقشه ها و تدلیس انگلیس و حيله ها و مکاری های آمریکا باخبر باشیم، بلکه از دشمن داخلی و نفس اماره خویش نیز بر حذر باشیم.

حال که دانستیم ما با گناه و کارهای خلاف، بمب گذار حرم و قلب خود هستیم، این را نیز بدانیم که اگر مردم از اول تا به حال، اهل بیت علیهم السلام را تنها نمی گذاردند و به گرد آنان جمع می شدند، نوبت به بمب گذاری مکان های مقدس نمی رسید که بیگانگان دست به این جنایت های بزرگ بزنند.

همان طور که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره امام عصر عجل الله تعالی فرجه فرمودند:

صاحب هذا الأمر الشريد الطريد الفريد الوحيد. (۳۰)

صاحب این امر (اظهار ولایت و قدرت در سراسر عالم هستی) رانده شده، دور شده، تنها و تک می باشد.

اگر جامعه ما در این گناه بزرگ - که طرد امام زمان عجل الله تعالی فرجه است - شرکت نداشت، چگونه خیانتکاران می توانستند دست به این جنایت زده و به حرم مطهر حضرت امام رضاعلیه السلام آسیب وارد نمایند؟ پس ما هر چند از کردار و اعمال آن هابی زاریم ولی به جای این که ما فدایی امام زمان

عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ وَ سَائِرِ أَهْلِ بَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِاشْتِمِ، بِا كِنَارِهِ كِغِيرِي وَ غَفْلَتِ اَزْ اَنَانِ سَدِّ رَاهِ دِشْمَانِشَانِ نَشْدِيمِ، وَ رَاهِ رَا بَرَايِ وَاوَرْدِشْدَنِ اَنَانِ بَا زِ كِزَارْدِيمِ!

در نتیجه دشمنان دین، به ایجاد و تقویت فرقه های وهابی، بهائی و... پرداختند و با کمک دستان ناشناخته، برای رسیدن به اهداف پلید خود گام برداشتند.

حاحام های یهود با خیال خام خود برای نابودی دین الهی کوشش می کنند ولی غافل از اینکه خدایی که میلیاردها میلیارد ستارگان فروزان را آفریده، خود وعده داده است که سرانجام، خورشید عالم آفرینش حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ رَا بَه یاری دین می فرستد و با نابودی تاروپود دشمنان، تارهای تنیده شان از هم گسسته و نابود می شوند.

آنان اگر به پندار خود به برخی از هدف های شوم خود دست یابند ولی سرانجام کوس رسوایی آن ها در سراسر گیتی نواخته خواهد شد.

دستان ناشناخته و خودفروخته فقط سیاهی زاغ و زغن را دیده اند و به همان بسنده کرده اند و چون گوش شنوا ندارند از هزاران آوای هزاران (۳۱) یکی را هم نشنیده اند.

ای کاش؛ آنان می دانستند که مدت شان کوتاه و مهلت شان رو به پایان است. ای کاش؛ آنان می توانستند بفهمند: پایان شب سیه، سفید است و سرانجام سیاهی شب به پایان می رسد و انوار پرفروغ حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ سراسر جهان را روشن می سازد...

راهنمایی حضرت امام رضاعلیه السلام درباره شناخت افراد

متأسفانه این گونه افراد ممکن است در ظاهر به صورت دوست و... در میان مردم جا باز کنند و در باطن نقشه های دشمن را پیاده کنند. به این جهت، حضرت امام رضاعلیه السلام به همگان سخت هشدار داده اند که همه باید افراد را درست بشناسند و گول ظاهر فریبنده افراد را نخورند. به این دو روایت توجه کنید:

۱ - حضرت امام رضاعلیه السلام از امام

سَجَادِ عَلَيْهِ السَّلَامِ روایت کرده اند که فرمود:

اگر شخصی را دیدید که باوقار و خوشرفتار است، در گفتارش به عبادت و پارسائی تظاهر می کند و در حرکاتش فروتنی می نماید تائی کنید، مبادا شما را بفریبید، چه بسا کسی که در برابر دنیا و ارتکاب محرمات ناتوان است به خاطر ضعف نیت و پستی و ترسش، پس دین را دامی برای دنیا قرار می دهد و همواره مردم را با ظاهر آراسته می فریبید، اگر قدرت بر حرامی پیدا کند به آن هجوم می آورد.

و اگر دیدید که او از حرام خودداری می کند باز هم تائی کنید، مبادا شما را بفریبید؛ چرا که خواسته ها و تمایلات خلق متفاوت است؛ چه بسا کسی که ازال حرام هر چند زیاد باشد دوری می کند ولی خود را به کارهای زشت دیگروامی دارد، اگر زشت را هم بیاید به حرام سراغ او می رود.

و اگر دریافتید که از آن هم دوری می کند باز تائی کنید، مبادا شما را بفریبید تا میزان عقلش را بنگرید، چه بسیار کسانی هستند که می توانند همه آن بدی هارا ترک کنند اما به عقل متین و استوار رجوع نمی کنند، لذا آنچه را به خاطر جهل و نادانی اش تباه می سازد بیشتر است از آنچه با عقلش آن را اصلاح می کند.

حال اگر عقلش را متین یافتید باز تائی کنید مبادا شما را بفریبید تا بنگرید: آیا به همراهی هواهایش برخلاف عقلش عمل می کند، یا به همراهی عقلش برخلاف هواهایش عمل می کند و اینکه علاقه اش به ریاست های باطل چگونه است؟ و آیا نسبت به آن بی اعتنا هست یا نه؟ چرا که در میان مردم کسانی هستند که خسر الدنیا والآخرتند؛ یعنی دنیا و آخرت هر دو را بر باد می دهند، دنیا را بخاطر دنیا رها می کنند و می پندارند

که لذت ریاست باطل بیش از لذت اموال و نعمت های مباح و حلال است، لذا همه آن ها را رها می کنند به خاطر رسیدن به ریاست باطل.

«وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ» (۳۲)

«و زمانی که به آن ها گفته شود: از خدا بترسید غرور و لجاجت آن ها را به گناه کشاند، برای آن ها آتش دوزخ کافی است و بد جایگاهی است.»

پس او همچون شتری که جلو خود را نبیند - یعنی بدون بصیرت - گام برمی دارد و او را اولین باطل به سوی دورترین هدف های زیانکاری می کشاند و بعد از آنکه طلب کرد آنچه را که قدرت بر آن ندارد پروردگارش او را در طغیانش کشاند، پس او آنچه را خدا حرام ساخته حلال دارد و آنچه را خداوند حلال ساخته حرام دارد و باکی ندارد به آنچه از دینش از دست رود در صورتی که ریاستش که به خاطر آن، شقی و بدبخت گردیده سالم بماند.

آن ها همان کسانی هستند که خدا بر ایشان غضب کرده و مورد لعن خویش قرار داده و بر ایشان عذاب خوارکننده ای آماده ساخته است.

ولی مرد، مرد کامل و مرد خوب کسی است که هوا و خواسته هایش را تابع امر خدا گردانیده و توانش را در راه خدا بذل نماید، خواری به همراه حق را نزدیکتر به عزت جاوید و همیشگی ببیند از عزت در باطل، و بداند ضرر و زیان کم دنیا وسختی اندکی را که تحمل می کند او را به نعمت پایدار در سرای جاودان و فناپذیر می رساند، ولی سرور و شادمانی فراوان دنیا که بر اثر پیروی هواهای نفسانی بدست آورده او را به عذاب پیوسته ای که هرگز زایل نمی گردد می کشاند.

این است مرد واقعی و مرد خوب،

به او پیوندید و به روش او اقتدا کنید و به وسیله او به سوی پروردگارتان توسّل جویید؛ زیرا که دعای او رد نمی گردد و نسبت به خواسته اش ناکام و ناامید نمی شود. (۳۳)

دوستان منافق

۲ - حسن بن علی خزاز گوید: از حضرت امام رضاعلیه السلام شنیدم که فرمود:

در میان کسانی که مودّت و دوستی ما اهل بیت را به خود می بندند کسانی هستند که فتنه انگیزی آنان برای شیعیان ما از دجال بیشتر است.

عرض کردم: با چه وسیله و از چه راهی؟

فرمود: با ارادت نشان دادن و دوستی کردن با دشمنان ما و دشمنی کردن با دوستان ما؛ زیرا هرگاه چنین شود حقّ و باطل آمیخته می گردد و امر مشتبه می شود، در نتیجه مؤمن از منافق شناخته نمی شود. (۳۴)

عظمت حرم حضرت امام رضاعلیه السلام در کلام آن بزرگوار

قبل از آنکه به بیان ثواب زیارت امام هشتم علیه السلام پردازیم، اندکی درباره عظمت حرم حضرت امام رضاعلیه السلام و بارگاه نورانی آن حضرت، توضیح می دهیم؛ تا هنگام زیارت توجّه داشته باشیم که به چه جایگاهی گام نهاده ایم، تا در آستان مقدّس حضرت امام رضاعلیه السلام هر چه بهتر و بیشتر خود را در برابر و در حضور آن بزرگوار بینیم:

در این بارگاه، همیشه اولیاء خدا از ملائکه و... حضور دارند. حضرت امام رضاعلیه السلام در ضمن حدیثی فرموده اند:

هذه البقعه روضه من رياض الجنّة، ومختلف الملائكة، لا يزال فوج ينزل من السماء وفوج يصعد إلى أن ينفخ في الصور. (۳۵)

این بقعه و بارگاه، باغی از باغ های بهشت و محلّ رفت و آمد فرشتگان است؛ همواره گروهی فرود می آیند و گروهی بالا می روند تا هنگامی که صور دمیده شود.

همه فرشتگان در برابر آن حضرت می ایستند و تا آن بزرگوار اجازه نشستن به آن ها ندهند به زمین نخواهند نشست.

در این باره، روایت جالبی از حضرت امام جوادعلیه السلام وارد شده که با این کلام ارتباط دارد: از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

یکی از اصحاب حضرت امام رضاعلیه السلام مریض شد، آن حضرت

به عبادت او رفت و فرمود: چگونه تو را می یابیم (در چه حالی هستی)؟

عرض کرد: بعد از شما مرگ را ملاقات کردم (مقصودش شدت بیماری و سختی و درد و ناراحتی بوده است).

امام علیه السلام فرمود: مرگ را چگونه دیدار کردی؟

عرض کرد: بسیار سخت و دردناک.

فرمود: مرگ را دیدار نکرده ای بلکه چیزی که تو را آگاه کند و بعضی از احوال مرگ را به تو نشان دهد دیدار کرده ای، مردم نسبت به مرگ دو نوعند: گروهی با مردن راحت می شوند، و گروهی با مردن آن ها دیگران راحت می شوند؛ پس ایمان به پروردگار و ولایت ما اهل بیت را تازه کن تا از نوع اول باشی و راحت شوی.

آن شخص به دستور امام علیه السلام عمل کرد، سپس عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! این ها فرشتگان پروردگارند که با درود و احترام و هدایا آمده اند، بر شما سلام می کنند و در پیش روی شما ایستاده اند، به آن ها اجازه دهید که بنشینند.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: ای فرشتگان پروردگار من؛ بنشینید.

سپس به آن مریض فرمود: از این فرشتگان بپرس: آیا به آن ها دستور داده شده که در حضور من بایستند؟

مریض گفت: از آن ها پرسش نمودم، جواب دادند که اگر همه فرشتگانی که خدا آفریده است در پیشگاه شما حاضر شوند همگی خواهند ایستاد و هرگز نمی نشینند تا به آن ها اجازه دهی، و خداوند به آن ها این گونه دستور داده است. (۳۶)

حرم حضرت امام رضا علیه السلام - همان گونه که آن حضرت فرموده اند - همواره، جایگاه رفت و آمد ملائکه است.

بدیهی است که دربار همه ائمه اطهار علیهم السلام از این عظمت برخوردار می باشند و فرشتگان همه مأمور به خضوع و تواضع نسبت به تمامی معصومین علیهم السلام می باشند. نه تنها فرشتگان، بلکه پیامبران اولوا العزم الهی نیز از مقام

و منزلت آن بزرگواران آگاه بوده و در گرفتاری های بسیار سخت خداوند را به حقّ این بزرگواران خوانده و نجات یافته اند.

توسّل به اهل بیت علیهم السلام

شیخ صدوق به سند خود از حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام روایت کرده است که فرمود:

چون حضرت نوح در معرض غرق شدن قرار گرفت، خدا را به حقّ ما خواند و خدا او را از غرق شدن رها کرد، و چون حضرت ابراهیم در آتش رها شد خدا را به حقّ ما خواند و خدا برای او آتش را سرد و سلامت - یعنی بدون ضرر و آسیب - قرار داد، و چون حضرت موسی عصا را به دریا زد خدا را به حقّ ما خواند و خدا آن را خشک قرار داد، و چون حضرت عیسی در خطر کشته شدن به دست یهودیان قرار گرفت خدا را به حقّ ما خواند و از کشته شدن نجات یافت و خدا او را بسوی خود بالا برد. (۳۷)

همان گونه که پیامبران الهی در سختی ها خدا را به نام اهل بیت علیهم السلام می خواندند، مانیز وظیفه داریم در مشکلات و گرفتاری های خود که مهمّترین و سخت ترین آن ها غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه می باشد، به آن بزرگواران متوسّل شویم و خداوند را به نام آنان بخوانیم.

در روایت دیگر حضرت امام رضاعلیه السلام فرموده اند:

هرگاه دچار گرفتاری و مشکل سختی شدید، در پیشگاه الهی به واسطه ما یاری بجوئید، خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

«وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» (۳۸).

برای خدا نام هائی نیکو است، او را با آن ها بخوانید.

و امام صادق علیه السلام فرموده اند:

به خدا قسم؛ ما آن نام های نیکوی پروردگار هستیم که خداوند جز با معرفت ما از کسی چیزی نمی پذیرد. (۳۹)

توسّل به این بزرگواران در همه جا پسندیده است و بدیهی است که اگر در

حرم آن بزرگواران به آنان متوسل شویم، اثر بسیار زیادتری خواهد داشت؛ همان گونه که نمازخواندن در حرم های معصومین علیهم السلام از آثار و ثواب های بسیار بیشتری برخوردار است.

فضیلت نماز در حرم ائمه علیهم السلام

مرحوم محدث قمی نوشته است: عالم جلیل و فقیه بی بدیل، شیخ خضر شلال رحمه الله در مزار خود فرموده:

از دلیل های عقلی و نقلی استفاده می شود که نماز در حرم حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و همچنین حرم های سایر ائمه علیهم السلام افضل است از نماز در مسجد الحرام که فضیلت نماز در آن برابر هزار نماز در جای دیگر است، با آنکه نماز در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم برابر ده هزار نماز است که در جای دیگر خوانده شود. (۴۰)

بدیهی است که مجاورین محترم و زائرین گرامی وظیفه دارند حق دیگران را نیز رعایت نمایند.

آنچه تاکنون گفتیم راجع به حرم حضرت امام رضا علیه السلام و سایر معصومین علیهم السلام بود. باید به این نکته توجه داشته باشیم که برخی از شهرها دارای ویژگی هایی می باشند.

به این دو روایت توجه کنید:

فضیلت زمین نجف، کربلا و طوس

۱ - امام صادق علیه السلام فرموده است:

أربعة بقاع ضجت إلى الله أيام الطوفان: البيت المعمور فرفعه الله والغرى وكربلاء وطوس. (۴۱)

در ایام طوفان - که در دوران حضرت نوح علیه السلام واقع شد - چهار بقعه و سرزمین به درگاه خداوند ضجه زدند و فریاد برآوردند: بیت المعمور که خدا آن را بالا برد، نجف، کربلا و طوس.

این روایت، صراحت دارد که سرزمین طوس مانند نجف و کربلا دارای ویژگی می باشد.

صاحب کتاب «وافی» فرموده است: ضجه این سرزمین ها به سوی خداوند این بوده که بر اثر طوفان کسی وجود نخواهد داشت تا روی این زمین ها خداوند راعبادت کند. به خاطر این جهت، خداوند آن ها را محل دفن اولیاء خود قرار داد.

اولین محلی که در این زمین مقدس بنا شد «سناباد» بود که اسکندر ذوالقرنین - صاحب سد - آن را ساخت و تا زمان بناء

۲ - در روایت دیگری درباره فضیلت سرزمین طوس چنین وارد شده است: داود بن قاسم جعفری گوید: از حضرت محمد بن علی الجواد علیهما السلام شنیدم که فرمود:

إِنَّ بَيْنَ جَبَلِي طُوسٍ قَبْضَهُ قَبْضَتُ مِنَ الْجَنَّةِ، مَنْ دَخَلَهَا كَانَ آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ. (۴۳)

میان دو کوه طوس، قطعه ای است که از بهشت گرفته شده است؛ کسی که به آنجا وارد شود در روز قیامت از آتش دوزخ ایمن است.

از این دو روایت استفاده می شود: علاوه بر عظمت و اهمیت حرم حضرت امام رضاعلیه السلام، شهر طوس نیز دارای عظمت و احترام است و زائرین و مجاورین محترم باید به این نکته توجه داشته باشند و احترام این سرزمین را رعایت کنند.

پس از بیان مطالب گذشته، جریان جالبی درباره دعا و توسل در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام نقل می کنیم و سپس به نتیجه گیری از آن می پردازیم:

دعا در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام

ابوالعباس احمد بن محمد حاکم گوید: از عامر بن عبدالله - که حاکم «مرورود» و از راویان حدیث بود - شنیدم که می گفت:

به مشهد حضرت امام رضاعلیه السلام در طوس رفتم، مردی ترک زبان را دیدم که وارد بارگاه حضرت امام رضاعلیه السلام شد و در قسمت بالای سر امام ایستاد و شروع کرد به گریستن و به ترکی دعا می کرد و می گفت: پروردگارا! اگر پسر من زنده است بین من و او جمع نما و اگر مرده است مرا از خبر او آگاه فرما.

من با لغت ترکی آشنا بودم و فهمیدم چه می گوید و چه حاجتی دارد، به او گفتم: ای مرد؛ تو را چه شده است؟

گفت: پسری داشتم که در جنگ اسحاق آباد همراه من بود، او را گم کرده ام و خبری از او ندارم و مادری دارد که

همواره بر او گریه می کند، من اینجا برای این مطلب دعا می کنم؛ زیرا شنیده ام دعا در این حرم مستجاب است.

گفت: دلم به حالش سوخت، دستش را گرفتم و او را بیرون آوردم تا در آن روز از او پذیرایی کنم، چون از مسجد گوهرشاد خارج شدیم جوان بلندقامتی که تازه مو بر گونه اش روئیده بود و لباس وصله داری بر تن داشت به ما برخورد کرد، تا چشم آن مرد به او افتاد به سویش دوید، با او معانقه کرد و گریست و هر کدام دیگری را شناخت، و او پسرش بود که کنار مرقد پاک حضرت امام رضا علیه السلام از خداوندی خواست که او را و یا خبرش را به وی برساند.

گفت: از او پرسیدم: چگونه به اینجا آمدی؟

گفت: بعد از جنگ اسحاق آباد به طبرستان رفتم، مردی از اهل دیلم مرا به خانه اش برد و پرورش داد و اکنون که به این سن رسیده ام به دنبال پدر و مادرم که خبرشان بر من پوشیده بود به راه افتادم و همراه گروهی که به این سو می آمدند رهسپار شدم تا به اینجا رسیدم.

آن مرد ترک زبان گفت: از آنچه در این حرم برای من آشکار شد یقین من به این مکان کامل شد و محکم گردید و سوگند یاد نمودم که از این صحن و سرا و از این بارگاه تا وقتی که زنده ام جدا نشوم. و حمد و ستایش مخصوص خداوند است در آغاز و انتها و آشکار و نهان، و درود و سلام بر محمد مصطفی، آن پیامبر برگزیده و خاندان پاک او باد. (۴۴)

ای کاش؛ می دانستیم که نه تنها آن جوان و افرادی چون او، بلکه ما همه گم شده ایم؛ زیرا از امام خود دور شده و آن حضرت

را نمی یابیم و در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام و سایر ائمه اطهارعلیهم السلام برای یافتن منجی عالم بشریت امام زمان عجل الله تعالی فرجه دست به دعا و توسل بلند می کردیم.

«هشت» روایت از معصومین علیهم السلام درباره ثواب زیارت امام هشتم علیه السلام

تاکنون نکته هایی را درباره حرم و بارگاه حضرت امام رضاعلیه السلام بیان نمودیم و اینک هشت روایت از روایاتی را که درباره ثواب زیارت امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام می باشد، نقل می کنیم:

روایت اول:

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده است که فرمود:

سیدفن بضعه منی بأرض خراسان لایزورها مؤمن إلا أوجب الله عزوجل له الجنة، وحرّم جسده علی النار. (۴۵)

به زودی پاره ای از تن من در سرزمین خراسان دفن خواهد شد، هیچ مؤمنی او را زیارت نمی کند مگر اینکه خداوند بهشت را برایش واجب گرداند و جسد او را بر آتش حرام فرماید.

روایت دوم:

نعمان بن سعد گوید: امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

سیقتل رجل من ولدی بأرض خراسان بالسمّ ظلماً، اسمه إسمی وإسم أبيه إسم ابن عمران موسی.

آلا- فمّن زاره فی غربته غفر الله تعالی ذنوبه ما تقدّم منها وما تأخّر، ولو كانت مثل عدد النجوم، وقطر الأمطار، وورق الأشجار. (۴۶)

به زودی یکی از فرزندانم را در سرزمین خراسان از روی ظلم و ستم با سمّ به شهادت می رسانند، نام او نام من و نام پدرش نام پسر عمران (موسی) است.

آگاه باشید؛ هر کس او را در شهر غربت زیارت کند خداوند گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد؛ گرچه به تعداد ستارگان و قطره باران ها و برگ درختان باشد.

روایت سوم:

قیصه بن جابر گوید: از بازمانده اوصیاء و وارث علم پیامبران، ابوجعفر محمدبن علی، امام باقرعلیه السلام شنیدم که فرمود:

سرور عبادت کنندگان،

از پدرش سرور شهیدان، و او از پدرش سرور اوصیاء امیرمؤمنان علیهم السلام، و آن حضرت از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده است که فرمود:

ستدفن بضعه منی بأرض خراسان، ما زارها مکروب إلا نفس الله کرته، ولا مذنب إلا غفر الله ذنوبه. (۴۷)

به زودی پاره ای از تن من در سرزمین خراسان دفن شود، هیچ اندوهناکی او را زیارت نکند مگر آنکه اندوهش برطرف شود، و هیچ گناه کاری او را زیارت نکند مگر آن که گناهش آمرزیده شود.

روایت چهارم:

حمزه بن حرمان گوید: امام صادق علیه السلام فرموده است:

یقتل حفدتی بأرض خراسان فی مدینه یقال لها «طوس»، من زاره إليها عارفاً بحقّه أخذته بیدی یوم القیامه فأدخلته الجنّه وإن کان من أهل الکبائر.

نوه ام را در خراسان در شهری بنام «طوس» به شهادت می رسانند، هر کس او را زیارت کند در حالی که معرفت به حق آن حضرت داشته باشد روز قیامت دست او را گرفته وارد بهشت می کنم؛ گرچه از اهل گناهان کبیره باشد.

عرض کردم: شناخت حق آن حضرت، چگونه تحقیق پیدا می کند؟ فرمود:

یعلم أنه إمام مفترض الطاعه شهید، من زاره عارفاً بحقّه أعطاه الله تعالی له أجر سبعین ألف شهید ممن استشهد بین یدی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم علی حقیقه. (۴۸)

بداند که او امامی است واجب الإطاعه (یعنی اطاعت او بر همگان واجب است)، و (او) شهید و شاهد (اعمال مردم) است، هر کس او را با این معرفت زیارت کند خداوند به او پاداش هفتاد هزار شهید از شهیدانی که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به شهادت رسیده اند مرحمت فرماید.

روایت پنجم:

سلیمان بن حفص مروزی گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که فرمود:

إنّ إبنی علیّ مقتول بالسم ظلماً ومدفون إلى جنب

هارون بطوس، من زاره کمن زار رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم. (۴۹)

فرزندم علی به وسیله سم از روی ظلم و ستم کشته شود و در طوس کنار هارون دفن گردد، هر کس او را زیارت کند مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را زیارت کرده باشد.

روایت ششم:

سلیمان بن حفص مروزی گفت: از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام شنیدم که فرمود:

من زار قبر ولدی علی کان له عند الله تعالی سبعون حجّه مبروره.

هر کس قبر فرزندم علی را زیارت کند، برای او نزد خداوند تبارک و تعالی ثواب هفتاد حجّ نیکو باشد.

عرض کردم: هفتاد حجّ؟

فرمود: آری؛ و هفتاد هزار حجّ، سپس فرمود:

ربّ حجّه لا تقبل، ومن زاره أو بات عنده ليله کان کمن زار الله تعالی فی عرشه.

چه بسیار حجّی که پذیرفته نگردد، و هر کس او را زیارت کند یا شبی نزد او بماند مانند کسی است که خداوند تعالی را در عرشش زیارت کند.

عرض کردم: مانند کسی که خدا را در عرش زیارت کند؟!

فرمود: آری؛ وقتی روز قیامت شود چهار نفر از پیشینیان و چهار نفر از پسینیان بر عرش خداوند باشند؛ از پیشینیان نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام و از پسینیان محمد، علی، حسن و حسین علیهم السلام باشند، سپس ریسمان سنجش اعمال کشیده شود، پس زوّار قبور امامان با ما بنشینند.

آگاه باشید که بالاترین آنان از جهت رتبه و درجه، و بهترین آنان از جهت عطا و بخشش، زائرین قبر فرزندم علی می باشند.

(۵۰)

روایت هفتم:

حضرت عبدالعظیم حسنی گوید: امام جواد علیه السلام فرمود:

ضمنت لمن زار أبی بطوس عارفاً بحقه الجنّه علی الله تعالی. (۵۱)

من بهشت را برای کسی که پدرم را در طوس زیارت کند و به حقّ آن حضرت معرفت داشته

باشد ضمانت می کنم.

روایت هشتم:

حضرت عبدالعظیم حسنی روایت کرده و گفته است که از امام هادی علیه السلام شنیدم فرمود:

أهل قم وأهل آبه مغفور لهم، لزيارتهم لجدي علي بن موسى الرضاعليه السلام بطوس. ألا ومن زاره فأصابه في طريقه قطره من السماء حرّم الله جسده على النار. (۵۲)

اهل قم و اهل آبه گناهان شان آمرزیده شده است؛ چون جدّم علی بن موسی الرضاعلیه السلام را در طوس زیارت می کنند.

بدانید که هر کس او را زیارت کند و در مسیر راه قطره ای باران به او برسد، خداوند جسدش را بر آتش حرام گرداند.

«هشت» روایت از امام هشتم علیه السلام درباره ثواب زیارت آن حضرت

روایت اول:

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از حضرت امام رضاعلیه السلام روایت کرده است که فرمود:

من زارني على بُعد داري، أتيته يوم القيامة في ثلاث مواطن حتى أُخْلِصه من أهوالها: إذا تطايرت الكتب يميناً وشمالاً، وعند الصراط، وعند الميزان. (۵۳)

هر کس مرا با دور بودن مزارم زیارت کند، روز قیامت در سه جایگاه به دیدار اومی روم و از سختی ها و وحشت ها او را می رهانم: (یکی) هنگامی که پرونده ها را به دست راست یا چپ آنان می دهند، (دوم) هنگامی که می خواهند از صراط عبور کنند، (سوم) در کنار میزان و هنگام سنجش اعمال.

روایت دوم:

شخصی از اهل خراسان به حضرت امام رضاعلیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا؛ در خواب، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را زیارت کردم؛ گویا به من فرمود:

چه حالی خواهید داشت هنگامی که پاره تن من در سرزمین شما دفن شود، امانت من به شما سپرده شود، و ستاره من در زمین شما پنهان گردد؟

حضرت امام رضاعلیه السلام فرمود:

أنا المدفون في أرضكم، وأنا بضعه نبيكم، فأنا الوديعه والنجم.

ألا ومن زارني وهو يعرف ما أوجب الله تبارك وتعالى من حقّي وطاعتي فأنا وآبائي

شفعاؤه يوم القيامة، ومن كُنّا شفعاؤه نجى ولو كان عليه مثل وزر الثقلين الجنّ والإنس.

منم آن دفن شونده در سرزمین شما، و پاره تن پیامبرتان، و منم آن امانت و آن ستاره.

آگاه باشید که هر کس مرا زیارت کند در حالی که حقّی را که خدا برای من واجب نموده بشناسد و به طاعت من ملتزم باشد، من و پدرانم شفیعان او در روز قیامت خواهیم بود، و هر کس ما شفیع او باشیم اهل نجات و رستگاری خواهد بود؛ گرچه گناہانی مانند گناہان جنّ و انس بر عهده او باشد.

سپس فرمود: پدرم از جدّم و او از پدرانش روایت کرده است که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: کسی که مرا در خواب زیارت کند در واقع مرا زیارت کرده است؛ زیرا هرگز شیطان به صورت من یا یکی از اوصیاء و جانشینان من و یا به صورت یکی از شیعیان ایشان هرگز ظاهر نمی گردد، و بدون تردید رؤیای صادقه جزئی از هفتاد جزء از نبوت است. (۵۴)

روایت سوّم:

علی بن حسن بن فضال از پدرش روایت کرده است که گفت: از حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام شنیدم که فرمود:

أنا مقتول ومسموم ومدفون بأرض غربه، أعلم ذلك بعهد عهده إلیّ أبی، عن أبیه، عن آبائه، عن علی بن أبی طالب علیهم السلام، عن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم.

ألا فمن زارنی فی غربتی كنت أنا وآبائی شفعاؤه يوم القيامة، ومن كُنّا شفعاؤه نجى ولو كان عليه مثل وزر الثقلين. (۵۵)

من کشته و مسموم می شوم و در سرزمین غربت دفن می گردم و آن را می دانم به عهدی که پدرم از پدرش، از پدرانش، از علی بن ابی طالب علیهم السلام، از رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم به من سپرده است.

آگاه باشید و بدانید

که هر کس مرا در غربتم زیارت کند من و پدرانم شفیع او در روزقیامت خواهیم بود، و هر کس ما شفیع او باشیم نجات یابد؛ گرچه مانند گناه جنّ و انس بر او باشد.

روایت چهارم:

اباصلت هروی گفت: نزد حضرت امام رضا علیه السلام بودم گروهی از اهل قم شرفیاب شدند و سلام کردند و امام علیه السلام به آن ها پاسخ داد و نزدیک خود نشانید و به آن ها فرمود:

مرحباً بکم وأهلاً فأنتم شیعتنا حقاً، و سیأتی علیکم یوم تزورونی فیه تربتی بطوس.

ألا فمن زارنی وهو علی غسل خرج من ذنوبه کیوم ولدته أمه. (۵۶)

مرحباً، خوش آمدید، شما به راستی از شیعیان ما هستید و روزی می رسد که شمادر آن روز قبر مرا در طوس زیارت می کنید.

بدانید هر کس در حالی که غسل کرده باشد مرا زیارت کند، از گناهانش خارج شودمانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده است.

روایت پنجم:

بنزطی روایت کرده است: حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در نامه مبارکش که آن را قرائت کردم مرقوم فرموده بودند:

أبلغ شیعتی أنّ زیارتی تعدل عند الله ألف حجّه.

به شیعیانم ابلاغ کن که زیارت من نزد خدا پاداشی معادل هزار حجّ دارد.

بنزطی گوید: به حضرت جواد الأئمه علیه السلام عرض کردم: ثواب هزار حجّ دارد؟ فرمود:

بلکه بخدا قسم ثواب هزار هزار (یعنی یک میلیون) حجّ دارد برای کسی که بامعرفت به حقّ آن حضرت، او را زیارت کند. (۵۷)

روایت ششم:

عبدالسلام بن صالح گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

إنّی سأقتل بالسمّ مظلوماً وأقبر إلی جنب هارون الرشید ویجعل الله عزّوجلّ تربتی مختلف شیعتی وأهل محبّتی، فمن زارنی فی غربتی وجبت له زیارتی یوم القیامه.

والذى أكرم محمداً بالنبوه واصطفاه على جميع الخلقه لا يصلى

أحدمنكم عند قبري إلا استحقَّ المغفرة من الله عزَّ وجلَّ يوم يلقاه.

والَّذي أكرمنا بعد محمدصلى الله عليه وآله وسلم بالإمامه، وخصَّنا بالوصيَّه، إنَّ زوَّار قبري أكرم الوفود على الله عزَّ وجلَّ يوم القيامه، وما من مؤمن يزورني فتصيب وجهه قطره من الماء إلا حَرَّمَ الله جسده على النَّار. (٥٨)

همانا من به زودی با زهر جفا مظلومانه کشته می شوم و در کنار قبر هارون دفن می شوم و خداوند مرقد مرا محلّ رفت و آمد شیعیان و دوستانم قرار می دهد، هرکس مرا در غربت زیارت کند بر من واجب می شود که او را در قیامت زیارت کنم.

سوگند به آنکه محمدصلى الله عليه وآله وسلم را به نبوت گرامی داشته و او را بر همه آفریدگان برگزیده هیچ يك از شما کنار قبر من نماز نمی گزارد مگر آنکه سزاوار آمرزش پروردگار می شود روزی که او را ملاقات کند.

و سوگند به آنکه بعد از حضرت محمدصلى الله عليه وآله وسلم ما را به امامت گرامی داشته و به وصایت مخصوص گردانیده که زائرین قبر من گرامی ترین کسانی هستند که روز قیامت بر خداوند تبارک و تعالی وارد می شوند، و هیچ مؤمنی نیست که مرا زیارت کند در حالی که قطره آبی بر چهره او اصابت کرده باشد مگر آنکه خداوند جسم او را بر آتش دوزخ حرام گرداند.

روایت هفتم:

عبدالله بن صالح هروی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت داخل جایگاهی شد در سرای حمید بن قحطبه که قبر هارون بود، سپس فرمود:

هذه تربتی وفيها أُدْفَن، وسيجعل الله هذا المكان مختلف شيعتي وأهل محبتي، والله لا يزورني منهم زائر، ولا يسلم على منهم مسلم إلا وجب له غفران الله ورحمته بشفاعتنا أهل البيت.

اینجا محلّ قبر من است و در اینجا دفن

می شوم، و خداوند به زودی این مکان را محلّ رفت و آمد شیعیان و دوستانم قرار می دهد، و به خدا سوگند؛ زائری از آنان مرا زیارت نکند و سلام کننده ای از آنان بر من سلام نکند مگر آن که برای او آمرزش خداوند و رحمت او به شفاعت ما اهل بیت واجب گردد.

سپس رو به قبله ایستاد و چند رکعت نماز بجای آورد و دعاهائی خواند و چون فارغ گشت، سجده ای طولانی نمود که شمر دم پانصد تسبیح در آن گفت و سپس باز گشت. (۵۹)

روایت هشتم:

یاسر خادم گوید: حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند:

لاتشدد الرحال إلى شیء من القبور إلّا إلى قبورنا. ألا- وإنّی مقتول بالسمّ ظلماً ومدفون فی موضع غربه، فمن شدّ رحله إلى زیارتی استجیب دعاؤه وغفر له ذنوبه. (۶۰)

بار سفر مبندید به سوی قبری از قبرها مگر قبور ما. بدانید که من مظلومانه با زهر جفا کشته می شوم و در محلّ غربت مدفون می گردم، هر کس برای زیارت من بار سفر بندد دعایش مستجاب و گناهانش آمرزیده شود.

در روایاتی که درباره ثواب زیارت حضرت امام رضا علیه السلام - و یا سایر اهل بیت علیهم السلام - نقل شده، از نظر مقدار و کیفیت ثواب تفاوت هایی دیده می شود. برای حل شدن اختلافی که از این نظر در روایات وجود دارد به این نکته توجه نمایید:

همان گونه که گفتیم مردم از سراسر عالم به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می شتابند که از نظر فرهنگ و آداب ظاهری و نیز جهات روحی و معنوی تفاوت های فراوانی با یکدیگر دارند و این در چگونگی زیارت افراد تأثیر بسیاری دارد.

بدیهی است همان گونه که در کیفیت زیارت زوّار تفاوت های زیادی وجود دارد، در ثواب آن ها نیز باید تفاوت های فراوان وجود داشته باشد. بدیهی است هر

کس از نظر اخلاق، رفتار و عقیده، به حضرت امام رضا علیه السلام نزدیکتر باشد، از ثواب بیشتری برخوردار است.

بنابراین، اختلاف در روایاتی که بیان کننده مقدار ثواب زائرین وجود دارد، به خاطر تفاوتی است که زائرین گرامی در مراحل روحی و چگونگی زیارتی که انجام می دهند، دارند.

چه کسانی زیارتشان پذیرفته می شود؟

آیا فقط اولیاء خدا زیارتشان پذیرفته می شود یا برای گناهکاران نیز راه هایی برای پذیرفته شدن و قبولی زیارت آنان وجود دارد؟ اگر راه یا راه هایی وجود دارد آن ها کدامند؟

برای یافتن پاسخ این سؤال، به این نکته توجه کنید:

آنان که دارای قلبی پاک هستند و از حرم باطنی خود (یعنی قلب) پاسداری نموده و با انجام گناهان به بمب گذاری در آن پرداخته اند، در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام به ضیافت معنوی راه یافته و از توجهات امام هشتم علیه السلام برخوردار می شوند و با زیارت قبول شده بازمی گردند.

ما از آنان التماس دعا داریم و از این افراد می خواهیم در بهترین حالات روحی و معنوی به این نکته توجه داشته باشند که در عصر غیبت هیچ مسأله ای به عظمت و اهمیت فرارسیدن و تعجیل ظهور حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه نیست، بنابراین آن رامهمترین حاجت خود و در سرلوحه همه آن ها قرار دهند.

نکته مهم این است: افرادی که احترام و حرمت قلب را نگاه نداشته و با انجام گناه به آن آسیب وارد ساخته اند، چگونه به حرم حضرت امام رضا علیه السلام وارد شوند و با همه کم و کاستی ها از عنایات و مهربانی های آن امام رئوف برخوردار شوند؟

چگونه ما می توانیم با قلبی که به آن آسیب زده ایم و چشم و گوش آن را کور و کرساخته ایم، از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام بهره مند شده و مورد توجه و عنایت آن حضرت قرار گیریم؟

چگونه می توانیم

آثار گناهان را برطرف ساخته و از آن بزرگوار شفای روحی بگیریم!؟

با چه حال و هوایی به زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام برویم که با تمام گناهان و آلودگی هایمان، نه تنها آن حضرت از ما روی نگردانند؛ بلکه زیارت ما را قبول کرده و به ما توجه نمایند و ما را مورد لطف و عنایت خود قرار دهند؟

این پرسش بسیار مهمی است که آگاه بودن از جواب آن، نتیجه فراوانی دربردارد. ما قبل از این که پاسخ این سؤال را بیان کنیم توجه شما را به این جریان جلب می کنیم:

«نقل است که روزی فقیری با جامه شوخگین (۶۱) به نزد پادشاهی درآمد، پادشاه از آمدن او روی درهم کشید.

یکی از نزدیکان پادشاه گفت: ای بی ادب؛ این مقدار ندانسته ای که با جامه شوخگین پیش پادشاهان آمدن عیب است!؟

او در پاسخ گفت: با جامه شوخگین پیش پادشاهان آمدن عیب نیست، امّا با جامه شوخگین از پیش پادشاهان بیرون رفتن عیب است.

پادشاه را این سخن خوش آمد و او را به خلعت فراوان و گرانبها مخصوص گردانید.» (۶۲)

در این داستان، آلودگی آن شخص نه تنها مانع لطف و کرم پادشاه نشد بلکه به خاطر اعتقادی که به جود و بخشش سلطان داشت سبب شد که از خلعت های گرانبها و ویژه پادشاه بهره مند شود و با همه آلودگی، پادشاه را از خود شاد و مسرور کند.

نتیجه ای که از این داستان می گیریم این است: همان گونه که گاهی آلودگی های ظاهری نه تنها مانع لطف و کرم پادشاهان مجازی نمی شود، آلودگی های ظاهری و باطنی نیز گاهی نه تنها مانع جود و بخشش سلاطین واقعی - که اهل بیت علیهم السلام می باشند- نمی شود؛ بلکه گاهی سبب افزایش و زیادتر شدن لطف آنان نیز می شود و این در صورتی است که انسان از راهی

وارد شود که بیشتر سبب جلب محبت و عنایت اهل بیت علیهم السلام بشود.

برای رسیدن به این هدف، راه بلکه راه هایی مانند واسطه قرار دادن بعضی از اهل بیت علیهم السلام - مانند حضرت امام جواد علیه السلام - وجود دارد که وسیله عنایت بیشتر حضرت امام رضا علیه السلام می گردد.

در اینجا ما راهی را نشان می دهیم که از جهتی مناسب تر با وضع عموم مردم است. قبل از بیان آن، برای روشن شدن مطلب، مثالی می آوریم:

بعضی از افراد، کارشان باربری و حمل و نقل است، آنان بار مردم را بر دوش کشیده و به مقصد می رسانند. این گونه افراد گاهی آنچنان بارهای سنگین را بر دوش می کشند که از گذاردن آن به زمین عاجز می مانند و باید به کمک دیگران آن را از دوش خود به زمین بگذارند در حالی که بارهای سبک را به راحتی از دوش خود برمی دارند. بار گناهان نیز همین گونه است؛ انسان گاهی به راحتی می تواند توبه کند و خود را از بار گناه نجات دهد، ولی گاهی آنچنان بار گناهان سنگین و کمر شکن است که انسان نمی تواند بدون کمک، خود را نجات دهد.

متأسفانه شاید معمولاً بار گناهان انسان از نوع دوّم باشد که برای نجات و رهایی یافتن از آن باید از راه آن وارد شود.

انسانی که سال ها نفس خود را آزاد گذارده و مهار نکرده است و دمامد بر گناهان خود افزوده است؛ انسانی که به عصر غیبت معتاد شده و همیشه در ظلمت بسر برده است؛ انسانی که معتاد به غفلت و دور بودن از امام زمانش شده و خدمتی برای آن حضرت انجام نداده است؛ چگونه می تواند بدون کمک و یاری، یک باره بار اعتیاد به گناه و غفلت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه را

چگونه می تواند با تضمین، پس از یک عمر معتاد بودن به گناه و غفلت، خود را از آن نجات دهد؟!

برای پاسخ به این سؤال، توجه شما را به جریان مردی که نقل کردیم با جامه آلوده به دربار پادشاه رفت و با همه آلودگی، خلعت گرانبهایی گرفت، جلب می کنیم.

اگر ما با پشت خمیده از بار گناه به حرم حضرت امام رضاعلیه السلام شرفیاب شویم، اگرچه ناپسند است ولی از این جهت که کار حضرت امام رضاعلیه السلام بخشندگی و پاکسازی است مهم نیست، مهم این است که با بار گناه به حرم وارد شویم و با بار گناه برگردیم.

باید به امام رئوف حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام عرض کنیم:

بار گناه ما آنچنان سنگین و دشوار است که به تنهایی نمی توانیم آن را از دوش خود برداریم، نیاز به کمک شما داریم، باید با یاری شما از زیر بار سنگین گناهان خارج شویم.

یقین داشته باشید اگر انسان با تمامی وجود و از اعماق قلب خود - نه با لقلقه زبان بلکه با صداقت - از حضرت امام رضاعلیه السلام کمک بخواهد و خود را عاجز از ترک گناه بداند، آن حضرت به یاری او می شتابند، بار گناه را از دوش او دور می کنند، دست او را می گیرند و با دیدگانی پر از مهر و محبت به او می نگرند و با نگاه معجزه گر خود او را پاک می سازند و در او تحوّل ایجاد می کنند.

هرچند حضرت امام رضاعلیه السلام نیازی به زمینه سازی ما ندارند، ولی ما باید برای نجات خود زمینه سازی کنیم.

زمینه سازی آن، این است که مانند کسانی که خدا را فراموش کرده و خود را از یادبرده و در نتیجه توجهی به گناهان خویش

ندارند وارد حرم نشویم، بلکه درک کنیم که ما به گناه و نافرمانی و به عصر غیبت و غفلت از امام عصر عجل الله تعالی فرجه خو گرفته و معتاد شده ایم و برای نجات از این اعتیاد، نیاز به کمک حضرت امام رضاعلیه السلام داریم.

در حرم مطهر به این جرم معتقد باشیم و با صداقت تمام از آن حضرت بخواهیم ما را از هیولای غفلت نجات دهند.

در این صورت نگاه محبت آمیز حضرت امام رضاعلیه السلام قلب تیره ما را شفا می بخشد و در نتیجه به گروه دلیرمردان و شیرزنانی که در میدان جهاد با نفس دلیرانه جنگیده و پیروز گشته اند، می پیوندیم.

گوشه ای از اخلاق و رفتار حضرت امام رضاعلیه السلام

در کتاب «عیون اخبار الرضاعلیه السلام» آمده است: ابراهیم بن عباس - در توصیف ویژگی های والای اخلاقی حضرت امام رضاعلیه السلام - گوید: هرگز ندیدم که حضرت امام رضاعلیه السلام با سخنش کسی را ناراحت نموده و برنجاند.

هرگز ندیدم که سخن کسی را قطع نماید، بلکه صبر می کرد تا صحبت خود را تمام می کرد.

هرگز ندیدم نیازمندی را رد کند؛ بلکه به اندازه ای که توان داشت او را یاری می کرد.

هرگز پایهای خود را در برابر همنشین خود دراز نمی کرد و هرگز در برابر همنشین خود، تکیه نمی داد.

هرگز ندیدم کسی از غلامان و کنیزان خود را دشنام دهد.

هرگز ندیدم آب دهان بیندازد.

هرگز ندیدم در موقع خنده، قهقهه نماید؛ بلکه خنده آن حضرت، تبسم و لبخند بود.

وقتی محفل خلوت می شد و سفره غذا را می گسترده، همه غلامان خود - حتی دربانان و چارواداران خود - را بر سر سفره خویش می خواند.

حضرت امام رضاعلیه السلام شب ها کم می خوابید و بسیار بیداری می کشید، بیشتر شب ها از اول شب تا بامداد، شب زنده داری می کرد.

آن حضرت، زیاد روزه می گرفت و هیچ وقت

روزه سه روز از هر ماه را ترک نمی کرد و می فرمود:

ذلك صوم الدهر.

روزه این سه روز، مانند روزه تمام عمر است.

آن حضرت، زیاد کارهای خیر انجام می داد، پنهانی صدقه می داد، و بیشتر این کارهای خیر را در شب های تاریک انجام می داد. بنابراین، اگر کسی گمان می کند که در مقام و فضیلت و شخصیت همانند او را دیده، از او باور نکنید. (۶۳)

هدیه حضرت امام رضاعلیه السلام

یسع بن حمزه گوید: در مجلس حضرت امام رضاعلیه السلام شرفیاب بودم و با آن حضرت گفتگو می کردم، مردم فراوانی گرد ایشان جمع شده بودند و از حلال و حرام می پرسیدند، در این هنگام مردی بلند قد و گندمگون وارد شد و عرض کرد:

سلام بر شما ای فرزند رسول خدا؛ مردی از دوستان شما و دوستان پدر و اجداد پاک شما هستم، از حج بازگشته و زاد و توشه و خرجی خود را گم کرده ام و چیزی که مرا یک مرحله پیش ببرد به همراه ندارم، اگر عنایتی کنید و من به شهر خودم برسم، خدا به من نعمت داده است و من هنگامی که به آنجا رسیدم آن مبلغ را از طرف شما صدقه خواهم داد و من سزاوار صدقه نیستم و محتاج و فقیر نمی باشم.

امام علیه السلام به او فرمود: بنشین خداوند تو را رحمت کند، و رو کرد به مردم و به گفتگوی با آن ها پرداخت تا آن که کم کم متفرق شدند و تنها او، سلیمان جعفری، خیثمه و من ماندم، در این هنگام امام علیه السلام فرمود: به من اجازه می دهید که به اندرون وارد شوم؟ و آن گاه برخاست و وارد حجره شد و پس از مدتی خارج شد و پشت در قرار گرفت و دست خود را از بالای در بیرون آورده و فرمود:

آن مرد خراسانی کجاست؟

عرض کرد: بلی، من اینجا هستم.

فرمود: این دوست دینار را بگیر و در راه خوراک و پوشاک و خرجی خود بکار بپرو به آن تبرک جو و از طرف من لازم نیست صدقه بدهی، و پس از آنکه گرفتی از اینجا بیرون برو تا مرا نبینی و من تو را نبینم.

سپس امام علیه السلام خارج شد، سلیمان عرض کرد: فدای شما شوم؛ عنایت فراوانی کردی و محبت بسیاری نمودی، چرا چهره ات را از او پوشاندی؟ فرمود:

ترس آن داشتم که ذلت سؤال و درخواست را به خاطر برآوردن حاجتش در چهره او ببینم، آیا این حدیث گرانقدر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را نشنیده ای که فرمود:

المستتر بالحسنه تعدل سبعین حجّه، والمذبح السيئه مخذول والمستتر بها مغفور له.

آنکه کار نیکوی خود را پنهان می کند ارزشی معادل هفتاد حجّ پیدا می کند و آنکه کار زشت خود را آشکار می کند خوار و مخذول و آنکه آن را پوشاند آمرزیده شود.

آیا قول پیشینیان را نشنیده ای:

متی آتہ یوماً لأطلب حاجه

رجعت إلى أهلی ووجهی بمائه (۶۴)

هرگاه روزی برای درخواست حاجتی نزد او رفتم، بسوی اهل و عیالم باز گشتم درحالی که آبرویم محفوظ ماند.

درس حضرت امام رضاعلیه السلام به نیازمندان و هشدار آن حضرت به ثروتمندان

بزنطی گوید: روزی خواسته ای را برای حضرت امام رضاعلیه السلام مطرح کردم، امام علیه السلام فرمود:

صبر کن، امیدوارم ان شاء الله خدا برایت انجام دهد، سپس فرمود: به خدا سوگند؛ آنچه خدا برای مؤمن از این دنیا ذخیره کرده، برای او بهتر است از آنچه برایش شتاب کرده و در این دنیا به او رسانیده.

سپس دنیا را حقیر و کوچک جلوه داد و فرمود: دنیا چه چیزی است و چه ارزشی دارد؟

سپس فرمود: همانا دارنده نعمت در موقعیت سختی

قرار دارد، بر او واجب است حقوق الهی را که در اموال او است بپردازد. به خدا سوگند؛ بر من نعمت هائی از طرف پروردگار می باشد و من همواره به خاطر آن ها بیمناکم - و دست خود را حرکت داد - تا آنکه حقوقی که برای خدا در آن ها بر من واجب شده خارج کنم.

عرض کردم: فدای شما شوم؛ شما با این موقعیت و جایگاه ویژه، از این مطلب نگران هستید؟!

فرمود: بلی؛ پروردگارم را ستایش و سپاس می گویم بر نعمت هائی که بر من منت گذاشته است. (۶۵)

سلام و پیام حضرت امام رضاعلیه السلام به دوستان خویش

شیخ مفید رحمه الله در کتاب «الإختصاص» از جناب عبدالعظیم حسنی، و او از حضرت امام رضاعلیه السلام روایت کرده است که فرمود:

ای عبدالعظیم؛ دوستانم را از طرف من سلام برسان و به آنان بگو:

راهی برای تسلط شیطان بر خودشان نگشایند، و به آنان دستور ده به راستگویی در سخن گفتن و اداء امانت، و دستور ده به ساکت بودن و رها کردن جدال در آنچه سودی ندارد، و روی آوردن آنان به سوی همدیگر، و دیدار کردن یکدیگر؛ زیرا که این باعث نزدیک شدن به من می گردد، و خود را مشغول ن سازند به کناره گیری از یکدیگر و پراکنده شدن، که من سوگند یاد کرده ام هر کس چنین کند و ارادتمندی از ارادتمندان مرا به خشم آورد او را نفرین کنم تا خداوندوی را در دنیا به سخت ترین عذاب گرفتار کند و در آخرت از زیانکاران باشد.

و آنان را آگاه کن که خدا نیکوکاران ایشان را می آمرزد و از گنهکاران می گذرد (مگر کسی که به من شرک ورزد یا دوستی از دوستان مرا اذیت و آزار نماید) یادر خاطر خود نسبت به او فکر بدی داشته باشد، خداوند چنین کسی

رانمی آمرزد تا از آن فکر باز گردد، پس اگر بازگشت و توبه کرد راه را یافته است و گرنه روح ایمان را از قلب او می گیرد و از تحت سرپرستی من خارج می شود و برایش بهره ای از ولایت ما نیست و از چنین چیزی به خدا پناه می بریم. (۶۶)

خدّام حضرت امام رضاعلیه السلام

امام رئوف حضرت امام رضاعلیه السلام در آخرین لحظات عمر - که در آتش زهرمی سوختند - تمام خدمتگزاران خود را فراخواندند و در کنار سفره با آنان نشستند تا همگی طعام بخورند.

آن حضرت در حیات خود با خدمتگزارانشان مهربانی ویژه ای داشتند و الآن نیز به کسانی که به عنوان خدمتگزاری پذیرفته اند، توجّه بیشتری دارند.

خدّام حضرت علیّ بن موسی الرضاعلیهما السلام از نظر آشنایی با اخلاق و رفتار آن حضرت، وظیفه حسّاس تری دارند.

این وظیفه خدّام امام رئوف، حضرت امام رضاعلیه السلام است که با آگاهی از این نکته، رأفت و مهربانی آن حضرت را با پذیرایی شایسته و خدمتگزاری به زوّار آن حضرت ادامه دهند.

گرفتار تندی و خشونت - که از اخلاق حضرت امام رضاعلیه السلام نبوده است - نشوند و با مهربانی و آرامش، زوّار را پذیرایی و راهنمایی نمایند.

آنان باید نسبت به مقام حضرت امام رضاعلیه السلام معرفت و آشنایی پیدا کنند و بدانند در چه بارگاه با عظمتی گام نهاده اند.

آنان باید توجّه داشته باشند که هر مکانی از حرم در طول صدها سال، قدمگاه حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است.

خدّام حضرت امام رضاعلیه السلام باید بدانند در میان زوّار آن حضرت، امام زمان ارواحنا فداه، و اولیاء الهی که مورد توجّه خاصّ خداوند می باشند حضور دارند. مبدا باتندی نمودن به زوّار به یکی از اولیاء خدا توهین کنند.

علاوه بر این، حضرت امام رضاعلیه السلام به همه زوّار خود

با رأفت و مهربانی می نگرند، حتی گناهکاران را می پذیرند و شرمساری و توبه آنان را قبول می نمایند؛ پس خدام حرم باید به همه زوار با دیده احترام بنگرند.

خدام حضرت امام رضا علیه السلام باید توجه داشته باشند که مردم از تمام نقاط جهان با آداب و فرهنگ های گوناگون به زیارت آن حضرت می شتابند، بدیهی است در میان آنان کسانی هستند که نیاز به راهنمایی دارند و تندی و خشونت با آنان اثر منفی دارد.

نباید با زوار آن حضرت به گونه ای رفتار کنند که از آمدن به زیارت با خاطره ای دلگیرکننده به وطن بازگردند؛ زیرا آنان به خدام حضرت امام رضا علیه السلام با دیده احترام می نگرند و در نتیجه توقع بیشتری از آنان دارند.

بنابراین خدام حضرت امام رضا علیه السلام باید از صبر و بردباری، حوصله و خویشن داری برخوردار باشند و بدانند زوار آن حضرت، میهمانان آن بزرگوارند و با آنان آنگونه که حضرت امام رضا علیه السلام می پسندند رفتار نمایند.

خدام و زوار حضرت امام رضا علیه السلام نه تنها در حرم باید مواظب افکار و رفتار خود باشند، بلکه باید قبل از تشرّف به خدمت آن حضرت، اگر اشتباهی انجام داده اند آن را با اعمال پسندیده جبران کنند.

خدام حضرت امام رضا علیه السلام نیز توجه داشته باشند که آن حضرت کسانی را که به مقام خدمتگزاری قبول کرده اند یاوران خود می دانند، و همان گونه که از آنان انتظار بیشتری دارند، با نگاهی پرفروغ تر به آنان می نگرند؛ زائران گرامی نیز باید به این نکته توجه داشته باشند و به آنان احترام بگذارند.

کودک باایمان در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام

چون حضرت امام رضا علیه السلام مظهر مهربانی و خلق حسن می باشند یک بحث مهم اخلاقی را عنوان می کنیم. قبل از آنکه به این بحث پردازیم، روایت بسیار جالبی را از حضرت امام رضا علیه السلام عنوان

می کنیم و سپس به نتیجه گیری از آن می پردازیم:

در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است:

در مقابل حضرت امام رضا علیه السلام اسب چموشی بود و گروهی در آنجا بودند که اسب های چموش را رام می کردند، ولی هیچ یک از آن ها جرأت نمی کرد بر آن اسب سوار شود، و اگر سوار می شد جرأت نمی کرد آن را راه ببرد، از ترس اینکه مبادا اسب دست هایش را بلند کرده و او را به زمین پرتاب کند و با سم خود او را لگدمال نماید.

در این میان، کودک هفت ساله ای پیدا شد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! آیا اجازه می دهی بر آن اسب سوار شوم و او را راه ببرم و رام کنم؟

فرمود: تو این کار را می کنی؟ عرض کرد: بلی.

فرمود: چگونه این کار را انجام می دهی؟ عرض کرد:

لَأَنِّي قَدْ اسْتَوْتَقْتُ مِنْهُ قَبْلَ أَنْ أُرَكِبَهُ بِأَنْ صَلَّيْتُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ مَائَةَ مَرَّةٍ، وَجَدَدْتُ عَلَى نَفْسِي الْوَلَايَةَ لَكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ.

قبل از این که سوار او شوم از او خاطر جمع شده و اطمینان حاصل می کنم، به این وسیله که بر محمد و آل طاهرين او صد مرتبه صلوات می فرستم و بر خودم ولایت شما اهل بیت را تجدید می کنم و تازه می گردانم.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: سوار شو.

او سوار شد، سپس فرمود: او را راه بینداز.

پس اسب را راه انداخت و پیوسته او را راه برد و دوانید تا اینکه او را خسته و ناتوان کرد به طوری که ناله اسب بلند شد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! امروز این اسب سوار مرا خسته و دردمند نمود، یا مرا معاف بدار و یا تحمیل و طاقت مرا افزون کن.

پسر بچه گفت: آنچه برای تو بهتر

است - که سواری دادن به مؤمن باشد - آن را درخواست کن.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: راست گفت، بعد برای اسب دعا نمود که: خدایا؛ به او تحمّل بیشتر و توان افزونتر مرحمت فرما.

اسب آرام گرفت و به راه خود ادامه داد. سپس وقتی که پسر بچه از اسب پیاده شد، حضرت امام رضا علیه السلام به او فرمود: از این چهار پایان که در خانه اند، یا از غلامان و کنیزان و یا اموالی که در خزانه است هر چه را می خواهی درخواست کن، همانا تو مؤمن هستی و خداوند تو را در دنیا به ایمانت مشهور ساخت.

پسر بچه گفت: ای فرزند رسول خدا؛ آیا اجازه می دهی درخواست خود را مطرح کنم؟

فرمود: ای مؤمن؛ پیشنهاد کن و آنچه می خواهی مطرح نما؛ همانا خداوند تبارک و تعالی تو را به اندیشه درست توفیق دهد.

عرض کرد: سل لی ربک التقیه الحسنه، والمعرفه بحقوق الإخوان، والعمل بما أعرف من ذلک.

برای من از خداوند تقیه ای نیکو و شناخت حقوق برادران و عمل کردن به آنچه شناخته ام تقاضا نما.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

قد أعطاک الله ذلک، لقد سألت أفضل شعار الصالحین و دثارهم.

خداوند آن را به تو عطا فرمود، و هر آینه بهترین نشانه و زیور بندگان صالح و آنچه آبروی آن ها را حفظ می کند درخواست کردی. (۶۷)

درسی از این روایت

یک کودک چگونه توانست بر اثر استوار ساختن ولایت در قلب و جان خود بر اسب چموشی که همه از رام ساختن او عاجز بودند، غالب شود؟! همان گونه که او این قدرت را با معرفت به مقام ولایت پیدا کرد، ما نیز می توانیم با درک مقام عظیم ولایت و پذیرش و جای دادن آن در اعماق وجودمان، اسب سرکش نفس را مهار سازیم.

از نشانه های شناخت مقام والای ولایت خاندان وحی علیهم السلام

و معرفت به آن، دگرگونی و تحوّل است که در انسان پدید می آید و به این جهت می تواند کارهایی را انجام دهد که دیگران قدرت و توانایی انجام آن را ندارند.

معرفت به مقام اهل بیت علیهم السلام، در مرحله اوّل افکار و اندیشه های انسان را تغییر می دهد، به گونه ای که افکار انسان نسبت به امور مادی و معنوی با دیگران تفاوت محسوسی پیدا می کند.

با استمرار این حالت و عمل کردن بر طبق افکار و اندیشه های رحمانی که بر او وارد می شود در مسیر تکامل قرار می گیرد، به گونه ای که نه تنها در فکر و اندیشه؛ بلکه در اراده و خواست او نیز تحوّل ایجاد می گردد و او می تواند در صورت رضایت خداوند و اهل بیت علیهم السلام کاری را که دیگران نمی توانند انجام دهند، عملی سازد.

این تحوّل در برخی از افراد نیاز به مدّت زیاد و طولانی دارد و گاهی در بعضی از افراد، در زمانی کوتاه صورت می گیرد.

روایتی که نقل کردیم، بشارتی است برای جامعه شیعه که حتّی کودکان در صورت درک مقام ولایت و جای دادن آن در اعماق وجودشان، می توانند از آن استفاده خارق العاده داشته باشند.

از این روایت چنین نتیجه می گیریم: ایمان انسان و اعتقاد و یقین او به عظمت مقام ولایت می تواند حتّی در زمان کودکی او را ممتاز و برتر از دیگران قرار دهد؛ همان گونه که آن کودک توانست کاری را انجام دهد که دیگران قدرت آن را نداشتند و حضرت امام رضاعلیه السلام او را به خاطر معرفت و ایمانش به عنوان «مؤمن» و کسی که مراحل ایمان را پیموده است، ستودند.

یک بحث مهمّ اخلاقی

اکنون یک بحث بسیار مهمّ اخلاقی را بیان می کنیم:

بسیاری از دانشمندان و علمای «علم اخلاق» برای تهذیب و پاکسازی نفس، راهکارهایی را

ارائه داده اند که راه صد ساله است؛ به گونه ای که هنوز انسان راه را به پایان نرسانده که: «بانکی برآمد خواجه مرد»، یا چند صفت رذیله را از خود دور ساخته ولی بر اثر طولانی شدن مدت به چند صفت مذموم دیگر مبتلا می گردد.

به این جهت، گاهی راه هایی که علمای بزرگی همچون مرحوم نراقی در «معراج السعاده» نشان داده اند مورد انتقاد علمای دیگر قرار گرفته است.

راه هایی که برای ریشه کن ساختن رذایل اخلاقی در برخی از کتاب ها ذکر شده همانند تعمیر خانه مخروبه ای است که هر روز باید گوشه ای از آن را تعمیر نمایند. بدیهی است که این کار، چاره اساسی نیست.

انسان نیز همین گونه است تا وقتی که گرفتار نفس اماره باشد بر فرض که یکی از صفات رذیله آن برطرف شود، انسان را به صفت دیگری مبتلا می سازد. پس باید راهی را بیابیم که اساسی و کارساز باشد و در نفس تحوّل ایجاد نماید.

مرگ شخصی بهتر است یا حیات همگانی!!

به این جهت، علمای بزرگ دیگری مانند مرحوم آیه الله میرزا مهدی اصفهانی پیمودن این گونه راه ها را نمی پسندیده اند و معتقد بوده اند باید راهی را برگزید که اساسی باشد و انسان را به هدف برساند...

ایشان برای یافتن راهی که در نفس انسان تحوّل کلی ایجاد شود - تا هر روز به گونه ای دچار لغزش های روحی و اخلاقی نشود - فکر مرگ را برگزیده اند و چنین گفته اند که: اگر انسان هر روز درباره مرگ بیندیشد به گونه ای که نفس او باور کند که دیر یا زود از دنیا خواهد رفت، هواها و هوس های نفسانی او از بین رفته و نفس اماره او به نفس لّوامه و کم کم به مراحل بالا تبدیل می گردد.

بنابراین انسان به وسیله ادامه فکر مرگ، نفس خود را کشته و از هواها و هوس های

آن نجات می یابد.

بدیهی است این راه بهتر از راه های دیگری می باشد که در برخی از کتاب های «علم اخلاق» نوشته شده است؛ ولی آیا می توان راهی برتر از آن یافت که نتیجه ودست آورد آن، هم برای فرد و هم برای اجتماع بهتر و کاملتر باشد؟!

نویسنده این سطور بر این باور است که ما برای ریشه کن ساختن هوس ها و یافتن راه نجات، به جای این که در فکر مردن و مرگ شخصی باشیم بهتر است درباره زنده شدن و حیات اجتماعی بیندیشیم.

اگر انسان بداند در عصر غیبت، قدرت ها و توانایی های فکری و روحی او مرده است و با فرارسیدن روزگار پرشکوه ظهور به زندگی ارزنده دست می یابد، به حیات کنونی بسنده نمی کند و زندگی عصر غیبت را مردگی می داند و به این جهت در اندیشه حیات و زندگی نه تنها برای خود بلکه برای همه انسان ها در سراسر گیتی خواهد بود.

او درک می کند که اندیشه حیات نیز، حیاتبخش و زندگی ساز است.

صحیح است که انسان می تواند با فکر مرگ، رذایل اخلاقی خود را نابود سازد، ولی با درک حیات واقعی و آگاهی کامل از معنای زنده بودن، می تواند قدرت های روحی و توانایی های روانی خود را زنده سازد؛ به گونه ای که پایگاه های رذایل اخلاقی در او ویران و ریشه کن شده و جایگاهی برای آن ها باقی نماند.

آری؛ انسان می تواند به جای این که در فکر خوابیدن در قبر و فاسد شدن اعضاء و جوارح و پوسیده شدن کفن خویش باشد، در فکر زنده شدن انسان ها با کفن های سالم و شمشیرهای آویخته باشد.

انسان می تواند به جای اندیشیدن درباره مرگ خود، به حیات همگان و زنده شدن اجتماع بیندیشد.

انسان می تواند به جای این که قبری کوچک و تاریک را در نظر مجسم سازد، درباره جهانی بزرگ و نورانی

از تابش انوار تابناک و پرفروغ عصر ظهور امام عصر عَجَل الله تعالی فرجه بیندیشد.

انسان می تواند به جای این که لحظه شمار فرارسیدن مرگ باشد، صبح و شام در انتظار فرارسیدن روزگار پرشکوه دولت کریمه امام زمان عَجَل الله تعالی فرجه باشد.

انسان می تواند به جای این که خود را آماده مرگ نماید، خود را آماده شهادت در رکاب حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه نماید.

آری؛ انسان می تواند با آماده ساختن خود برای ظهور و به دست آوردن انتظار راستین، همه خوبی ها و ارزش ها را داشته باشد؛ زیرا «چون که صد آید، نود هم پیش ما است».

با به دست آوردن انتظار راستین - که به بیان رسول گرامی خداصلی الله علیه وآله وسلم برترین جهاد و کوشش امت است - انسان می تواند از رذایل اخلاقی دور شده و با به دست آوردن قدرت ها و نیروهای فوق العاده، به حیات و زنده بودن راه یابد. بدیهی است که «نابرده رنج، گنج میسر نمی شود».

ما باید در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام برای بدست آوردن انتظار راستین و برای زنده شدن دل های مرده، دعا کنیم و با توسل به آن حضرت و سوگند دادن خداوند به حق آن بزرگوار، ظهور حیاتبخش جهان و منجی عالم بشریت را بخواهیم.

ما باید به شور و شوق و علاقه خود به امام زمان عَجَل الله تعالی فرجه و ظهور آن بزرگوار هر چه بیشتر بیفزاییم. در این صورت از حضرت امام رضاعلیه السلام پیروی نموده ایم.

برای روشن شدن این مطلب، شعر دعبل را آورده، سپس به نکاتی در این باره می پردازیم:

اشعار دعبل در خدمت امام رضاعلیه السلام

دعبل در «تائیه» بیشتر از غضب حق خاندان پیغمبرصلی الله علیه وآله وسلم سخن گفته است. از جمله در این دو بیت که حضرت امام رضاعلیه السلام را سخت

اندوهگین و محزون گردانید و اشک ایشان را جاری کرد:

بیت اول:

أَرَى فَيْئَهُمْ فِي غَيْرِهِمْ مُتَقَسِّمًا

وَأَيِّدِيَهُمْ مِنْ فَيْئِهِمْ صَفْرَاتِ

من، حقّ خاندان عصمت عليهم السلام را تقسیم شده نزد دیگران می بینم و دست هایشان از حقّ و اموالشان خالی است.

هنگامی که حضرت امام رضاعلیه السلام این بیت را شنیدند، گریه کردند و فرمودند:

صَدَقْتَ يَا خُزَاعِي.

ای دعبل؛ راست گفتی.

بیت دوم:

إِذَا وُزِّرُوا مَدُّوا إِلَيَّ وَاتْرَبَهُمْ

أَكْفَأَ عَنِ الْأَوْتَارِ مُنْقِضَاتِ

هنگامی که از سوی کینه توزان به عترت ستم می شود، آنان دست های بسته را برای دریافت حقّ خود، دراز می کنند (دست هایشان به حَقّشان نمی رسد).

بعد از این که حضرت امام رضاعلیه السلام این بیت را شنیدند، دو دست شریف خود را برگرداندند، و با اندوه فرمودند:

به خدا قسم؛ که دست های ما بسته است. (۶۸)

گریستن حضرت امام رضاعلیه السلام برای امام زمان ارواحنا فداه

دعبل اشعار خود را درباره غضب خلافت ادامه داده و سپس به بیان ظهور امام عصر عَجَل اللهُ تعالی فرجه می پردازد.

هروی گوید: از دعبل خزاعی شنیدم که فرمود: برای حضرت امام رضاعلیه السلام قصیده ام را خواندم ... و چون به این شعر رسیدم:

خروج إمام لا محاله خارج

يقوم على اسم الله والبركات

يَمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ

وَيَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَالنَّقَمَاتِ

خروج امامی که حتماً و بدون تردید خروج خواهد کرد، و با نام مبارک خدا و برکات الهی قیام می کند.

هر حق و باطلی را در میان ما جدا می کند، و مردمان را به پاداش عملشان (یا) نعمت می دهد و (یا) کیفر می کند.

حضرت امام رضا علیه السلام به شدت گریست (۶۹)، سپس سر مبارک را بلند کرد و فرمود:

ای خزاعی؛ این دو بیت را روح القدس بر زبان تو جاری ساخت، آیا می دانی آن امام قیام کننده کیست؟ و چه زمانی قیام خواهد کرد؟

عرض کردم: نه مولای من؛ تنها شنیده ام که امامی از شما

خروج می کند و او زمین را از هر گونه فساد و آلودگی پاک می کند و پراز عدل و داد می گرداند همان گونه که پراز ستم شده باشد. فرمود:

ای دعبل؛ پیشوای بعد از من فرزندانم محمّد است، بعد از او فرزندش علی، و پس از علی فرزندش حسن، و پس از حسن فرزندش حجّت خدا آن قیام کننده است؛ او که در دوران غیبتش باید انتظارش را کشید و در دوران ظهورش باید اطاعتش کرد، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن را طولانی گرداند تا آن حضرت خروج کند و جهان را پراز عدل و داد نماید؛ همان طور که پراز ستم شده باشد.

و اما چه زمانی خواهد بود؟ خبر دادن از وقت است، و پدرم از پدرش، از پدرانش، از حضرت علی علیه السلام خبر داده اند که فرمود:

شخصی از رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم سؤال کرد که آن امام قیام کننده از فرزندان شما، چه زمانی خروج خواهد کرد؟

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: مثل خروج او مثل قیامت است، کسی جز او از وقت آن خبر ندارد و برایش روشن و آشکار نیست، او جز ناگهانی نمی آید و خروج نمی کند (۷۱). (۷۰)

حضرت امام رضاعلیه السلام و گریه اهل آسمان و زمین برای امام زمان ارواحنا فداه

حسن بن محبوب گوید: حضرت امام رضاعلیه السلام به من فرمود:

ناگزیر فتنه کور و کر و بهم پیچیده سختی روی خواهد داد که در آن هر زیرک رازدار و هر بزرگ اصیل - یعنی حتی آن ها که از خواص هستند - سقوط خواهند کرد، و آن، هنگامی است که شیعیان، سؤمین پسر را از دست بدهند.

بر آن حضرت (۷۲) همه اهل آسمان و زمین، و همه تشنگان دیدارش و شیفتگان جمالش و همه ستمدیدگان و دلسوختگان گریه کنند.

سپس فرمود: پدر و مادرم

فدای آنکه همانم جدم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است.

بر او لباس های قدسی و جامه های ربّانی است که از گریبان آنها انوار فضل و هدایت خداوند تبارک و تعالی فروزان است، چه بسیار زنان و مردان که تشنه دیدار اویند، و چه بسیار مؤمنی که افسوس می خورد و حیران و سرگردان و غمگین است برای از دست دادن آب گوارا، گویا آنان را می بینم که مایوس گشته اند، ندایی برخیزد که آن هایی که دورند آن را مانند کسانی که نزدیکند بشنوند، بر مؤمنان رحمت و بر کافران عذاب می باشد. (۷۳)

دعای حضرت امام رضاعلیه السلام برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه

مرحوم محدّث قمی می نویسد: آقا سید حسن موسوی کاظمی ادام الله بقائه در تکمله، «أمل الآمل» مطلبی را نقل نموده که خلاصه آن این است:

یکی از علماء امامیه کتابی درباره شهادت حضرت امام رضاعلیه السلام نوشته است به نام «تأجیح نیران الأحزان فی وفاه سلطان خراسان» و از متفردات آن کتاب این است که فرموده:

روایت شده که دعبل خزاعی وقتی که قصیده تائیه خود را برای حضرت امام رضاعلیه السلام خواند، چون به این شعر رسید:

خروج امام لا محاله خارج

يقوم علی اسم الله بالبرکات

حضرت امام رضاعلیه السلام برخاست و روی پاهای مبارک خود ایستاد و سر نازنین خود را به سوی زمین خم کرد، پس از آن که کف دست راست خود را بر سر گذاشته بود گفت:

اللّهم عجل فرجه ومخرجه، وانصرنا به نصراً عزیزاً. (۷۴)

خداوندا؛ در ظهور و زمان خروج او تعجیل فرما و به وسیله او به ما کمک فرما کمکی کم نظیر.

جالب توجه است که در این جریان با اینکه دعبل شاعر بزرگ شیعه، نه از نام مخصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه یاد کرده و نه هیچ یک از اسامی دیگر آن حضرت را

به زبان جاری ساخته و تنها قیام آن بزرگوار و روزهای شکوهمند و پربرکت ظهور را یادآور شده، ولی حضرت امام رضا علیه السلام به خاطر یاد آن بزرگوار و یاد دولت کریمه ایشان - نه به خاطر شنیدن نام مخصوص آن حضرت - به پا خواسته و سرنازنین را به سوی زمین خم کرده و در حالی که دست راست خود را بر روی سرگزارده بودند برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت دعا نمودند.

و این، دلیل بر شدت علاقه، توجه و عنایت حضرت امام رضاعلیه السلام به امام عصر عجل الله تعالی فرجه و همچنین فرا رسیدن دولت کریمه آن حضرت می باشد.

از آنجا که رفتار ائمه علیهم السلام باید برای همه سرمشق باشد به طوری که در کردار خودپیرو آن بزرگواران باشند، همان گونه که حضرت امام رضاعلیه السلام با یاد امام عصر ارواحنا فداه شور و اشتیاق خود را ظاهر ساختند، ما نیز باید با شنیدن نام آن حضرت و یاد دولت کریمه آن بزرگوار با اظهار شوق و علاقه خود نسبت به آن بزرگوار، ارادت خود را به آن وجود مقدس محکم و استوار نماییم.

فرمان حضرت امام رضاعلیه السلام به دعا نمودن برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه

حضرت امام رضاعلیه السلام تجلیل های ویژه ای را نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه انجام می دادند و همان گونه که از شعر دعبل و احترام خاص آن حضرت استفاده می شود، امام رضاعلیه السلام می خواسته اند با رفتار ویژه خود همه دوستان و شیعیان را به انجام این گونه احترام، به خاطر یاد امام عصر ارواحنا فداه راهنمایی کنند.

و نیز حضرت امام رضاعلیه السلام به کسانی که به حضورشان شرفیاب می شدند پیوسته دستور می دادند دعای غیبت (۷۵) را بخوانند.

از جمله «وکان يأمر بالدعاء...» تأکید و اصرار حضرت امام رضاعلیه السلام به

خواندن این دعا استفاده می شود.

اگر چشم و گوش باطنی ما باز می بود، شاید به ما نیز خواندن این دعا را سفارش می فرمودند.

به زائرین محترم حضرت امام رضا علیه السلام توصیه می شود در بارگاه ملکوتی آن حضرت، از خواندن زیارت های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و دعانمودن برای تعجیل ظهور آن بزرگوار غفلت و کوتاهی نکنند؛ زیرا یکی از مکان هایی که در آن ها دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه سفارش و تأکید شده، حرم نورانی حضرت امام رضا علیه السلام است.

ما باید مواظب باشیم وقتی که وارد حرم و بارگاه آن حضرت می شویم درباره خواسته ها و حاجت های خود دقت کنیم و با در نظر داشتن عظمت ولایت و قدرت آن بزرگوار، از درخواست حاجت های بزرگ دریغ نورزیم و توجه داشته باشیم که حاجتی مهمتر و بزرگتر از فرارسیدن فرج و ظهور منتقم آل محمد علیهم السلام و دوران پرشکوه حکومت آن بزرگوار نیست.

ولی متأسفانه هدف برخی از زائرین، فقط درخواست حاجت های مادی از حضرت امام رضا علیه السلام است و این کار یقیناً اشتباه است. مخصوصاً اگر انسان حاجت خود را رسیدن به ثروت های کلان و مال بی شمار قرار دهد که در بسیاری از موارد سبب طغیان صاحبان آن شده به گونه ای که هیچ گونه توجهی به مسئولیت خود در برابر ثروت های انباشته خویش ندارند.

واضح است کسانی که دارای چنین ثروت هایی نیستند در برابر آن، مسئولیتی ندارند.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر کس از خداوند به روزی کم راضی شود، خدا از او به عمل کم راضی می شود.

و روایت شده از ابن ابی شعبه حلبی و نوفلی که بر حضرت امام رضا علیه السلام وارد شدیم و به آن حضرت گفتیم که ما در وسعت رزق و فراوانی در زندگی بودیم ولی حال ما تغییر

کرد و فقیر شدیم، دعا کنید که خدا آن را به ما برگرداند.

حضرت فرمود:

می خواهید چگونه بشوید؟ آیا می خواهید شاه باشید؟! آیا خوشحال می شوید که مانند طاهر و هرثمه (که از سرکردگان مأمون بودند) باشید ولی برخلاف این عقیده و آئینی که اکنون بر آن هستید می بودید؟!

گفتم: نه والله! مرا شاد نمی کند که دنیا و آنچه در آن است از طلا و نقره از من باشد و من برخلاف این عقیده باشم که معتقد هستم.

حضرت فرمود:

حق تعالی می فرماید:

«إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورِ» (۷۶).

ای آل داود؛ شکر (نعمت ها) را بجای آورید و عده کمی از بندگان من شکر گزارند.

آن گاه فرمود: گمان خود را به خدا نیکو کن؛ همانا هر کس گمان او به خدا نیکو شد، خدا نزد گمان او است و کسی که به روزی کم راضی شد، خداوند از او عمل کم را می پذیرد، و کسی که به مال حلال اندک راضی شد، مؤونه او سبک می شود، و خانواده او بانشاط می باشند، و خداوند او را به درد دنیا و دواء آن بینامی کند، و او را از دنیا به سوی بهشت به سلامت بیرون می برد. (۷۷)

بنابراین به شکر و سپاس خداوند بزرگ پردازید و هم و غم خود را فقط نیازهای مادی قرار ندهید؛ بلکه به حاجت های معنوی پردازید و توجه داشته باشید که بزرگترین حاجت معنوی - که نیازهای مادی را نیز برطرف می سازد - فرارسیدن ظهور پرشکوه امام زمان عجل الله تعالی فرجه می باشد.

یکی از نکته های بسیار ارزشمند و اساسی این است که ما باید فرج و گشایش را - نه برای خودمان - بلکه برای اهل بیت علیهم السلام بخواهیم که نتیجه آن، گشایش و راحتی خودمان نیز می باشد. به

این دلیل که هر کسی باید محمّد و آل محمّد صلوات الله عليهم اجمعین نزد او مقدّم بر خود و نزدیکانش باشند.

به این مقدّمه توجّه کنید: ما می دانیم ظلم ها و ستم های فراوانی که بر اهل بیت عليهم السلام وارد شده تا ظهور حضرت بقیّه الله الأعظم ارواحنا فداه ادامه دارد و شدّت ها و سختی های وارده بر خاندان وحی عليهم السلام هنوز وجود دارد. به این جهت در دعاهای گوییم: «اللّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» و تعبیرات بسیار دیگری از این نمونه که فرج و گشایش آن ها را از خداوند می خواهیم و تحقّق فرج در صورتی است که ظلم و سختی وجود داشته باشد. پس چون ظلم و ستم و سختی و شدّت هنوز بر اهل بیت عليهم السلام ادامه دارد، فرج و ظهور آن بزرگواران را از خداوند می خواهیم.

بنابراین اگر جامعه ما در سختی و شدّت به سر می برد و گرفتاری ها ما را احاطه کرده است، از آنجا که ستم ها و سختی ها بر پیامبر و آل پیامبر صلوات الله عليهم هنوز ادامه دارد، ما باید برطرف شدن گرفتاری و ظلم و ستم از آنان را مقدّم بر رفع گرفتاری و ظلم و ستم از خود بدانیم و برای برطرف شدن آن دعا کنیم که اگر چنین کاری انجام دهیم، در نتیجه برای خودمان نیز دعا کرده ایم.

شخصی در صحن حرم حضرت امام رضا علیه السلام زنی را می بیند که به شدّت می گریسته است. آن زن به او می گوید: شوهر من فرار کرده و مرا با چهار دختر تنها گذارده و چون پول اجاره خانه ندارم، صاحبخانه اساس ما را بیرون ریخته، با این وضع چکنم؟

آن شخص مقداری به آن زن کمک کرده و از اینکه نتوانسته مشکل آن زن را حلّ کند و خانه ای برای او اجاره

کند غمگین به حرم مطهر حضرت امام رضاعلیه السلام مشرف می شود و به حضرت امام رضاعلیه السلام می گوید: آقا جان؛ به خاطر این افراد ستم دیده و مظلوم، فرج را از خداوند بخواهید و مشکل غیبت را پایان دهید.

ناگهان متوجه می شود که حضرت امام رضاعلیه السلام به صورت الهام به او می فرمایند:

ظلم و ستمی که بر ما اهل بیت وارد شده، از همه بیشتر است. (۷۸)

امیدواریم خداوند به زودی به صاحب امر ولایت الهی، فرمان قیام و انتقام را صادر فرماید تا با ظهور مقام ولایت خاندان وحی علیهم السلام ریشه ظلم و ستم در سراسر جهان ریشه کن شود.

دو نقطه مشترک در امام رضاعلیه السلام و امام زمان ارواحنا فداه

اشاره

چون از توجه و علاقه شدید حضرت امام رضاعلیه السلام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه سخن گفتیم، مناسب است برخی از نقطه های اشتراک حضرت امام رضاعلیه السلام و امام زمان عجل الله فرجه را بیان کنیم:

حضرت امام رضاعلیه السلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه در چندین خصلت مشترک هستند، ما در اینجا دو نمونه از عمده ترین آن ها را نام می بریم:

۱ - بحث، اقامه برهان و دلیل

اشاره

یکی از نقطه های مهم اشتراک حضرت امام رضاعلیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه، بحث و اقامه برهان و دلیل برای مخالفان است.

حضرت امام رضاعلیه السلام با دانشمندان مخالف بحث نموده و آنان را محکوم می ساختند؛ امام عصر ارواحنا فداه نیز به مخالفان مهلت بحث می دهند و برای همگان در سراسر عالم به بیان برهان و دلیل می پردازند.

برای توضیح این مطلب به تشریح آن می پردازیم:

۱ - حضرت امام رضاعلیه السلام و اقامه برهان و دلیل

یکی از برنامه های عملی حضرت امام رضاعلیه السلام در دوران امامت شان مناظره ها، بحث ها و اقامه دلیل و برهان برای اثبات وجود خداوند و حقایق آئین مقدس اسلام و مکتب حیاتبخش شیعه بوده است.

آن حضرت با هر دانشمندی از دانشمندان بزرگ آن روزگار از هر نژاد و ملّتی که بودند با زبان خود آن ها به بحث می پرداختند و بدون این که نیاز به مترجم باشد ببحث و استدلال به زبان خود آن ها، بنیان عقاید آنان را بر مبنای فکری و اعتقادی خود آن ها متزلزل نموده و ویران می ساختند.

این بحث ها که با شرکت افراد دیگر در مجلس بحث و مناظره انجام می گرفت، تأثیر بسیار مهمی در اثبات حق بودن مکتب حیاتبخش شیعه داشت.

بحث های حضرت امام رضا علیه السلام با دانشمندان بزرگ ادیان دیگر

و محکوم ساختن آنان و اعتراف خود آن ها به مغلوب شدنشان فراوان است، ما نمونه ای از آن را در اینجا می آوریم:

روایت مفصل و بسیار جالبی را محمّد بن فضل هاشمی نقل کرده است که مختصر آن چنین است:

یک روز قبل از وفات حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام خدمت آن بزرگوار شرفیاب شدم. حضرت فرمودند:

چون من از دنیا رفتم، این امانت ها را به مدینه برسان و به فرزندم علی بن موسی الرضا علیهما السلام بده. و او حجّت خدا و صاحب امر امامت بعد از من است.

محمّد هاشمی گوید: چنانکه آن حضرت فرموده بود انجام دادم. در مدینه خدمت حضرت امام رضا علیه السلام رسیدم و امانت ها را به آن حضرت رساندم و عرض کردم: من به بصره می روم و خبر وفات پدر بزرگوارت منتشر می شود و از امامت شما از من سؤال می نمایند. ای کاش؛ از راه لطف و احسان از دلیل هایی که بر مقام امامت شما هست چیزی به من نشان می دادید.

حضرت، آثار و اشیاء مخصوص حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را - که نزد ائمه هدی علیهم السلام بوده - به من نشان داد و فرمود: من به بصره خواهم آمد.

عرض کردم: آمدن شما به بصره در چه زمانی است؟

فرمود: سه روز بعد از ورود شما.

من از خدمت حضرت امام رضا علیه السلام مرخص شدم و به بصره آمدم. دوستان به دیدن من آمدند و از من سؤال کردند. جریان را برای آن ها نقل کردم.

از میان جمعیت مردی ناصبی به نام عمرو بن هذّاب ایستاد و به من اعتراض نمود و گفت: مقام امامت برای حسن بن محمّد که بزرگ اهل بیت است و زاهد و عابد است اولی می باشد، و علی بن موسی جوان

است شاید در مسائل عاجز بماند.

حسن بن محمّد در مجلس حاضر بود و از گفتار او جلوگیری کرد و گفت: محمّد هاشمی می گوید: سه روز دیگر علی بن موسی به بصره تشریف می آورد، و این خود دلیل قطعی است، تا سه روز دیگر (صبر کنید).

پس مردم متفرّق شدند. روز سوّم حضرت امام رضا علیه السلام در منزل حسن بن محمّد تشریف آوردند و او خودش شخصاً انجام وظیفه خدمت به حضرت امام رضا علیه السلام را متعهّد شد.

حضرت دستور فرمودند آن جمعیت و سایر دوستان و بزرگ یهود و نصارا را در مجلس خود حاضر نمایند. او چنین کرد و برای حضرت امام رضا علیه السلام مسند مخصوصی قرار داد.

حضرت در مجلس تشریف آوردند و ابتدا به سلام نمودند و فرمودند:

منم علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (صلوات الله وسلامه علیهم).

امروز در مدینه در مسجد پیغمبر نماز صبح را که خواندم، حاکم مدینه پیش من آمد و درباره چند چیز با من مشورت نمود.

من صلاح او را بیان کردم و به او وعده کردم که وقت عصر به سوی او برگردم. هر کس هر چه می خواهد از آثار و علامات امامت از من سؤال نماید.

عمرو بن هدّاب حرکت کرد و گفت: محمد بن فضل هاشمی از جانب شما چیزهایی نقل کرده که دل های ما آن را قبول نمی کند.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: مگر او چه گفته؟

عرض کرد: می گوید شما تمام کتاب های آسمانی و تمام لغات اهل دنیا را می دانید.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: راست گفته است. هر چه می خواهید سؤال کنید.

عرض کرد: اشخاص متفرقه ای را از روم و هند و فارس و ترک و غیره احضار کردیم

تا شما را امتحان کنیم. اگر شما راست می گوئید با یک یک اینها سخن گوئید.

امام با تمام آن ها به زبان و لهجه خودشان تکلم نمودند و به سؤال های هر یک پاسخ دادند به گونه ای که همه متحیر شدند و اقرار کردند که آن حضرت از همه آن هافصیحتر صحبت می کند.

در اینجا امام متوجه عمرو بن هذاب شده، فرمودند:

اگر به تو خبر دهم که تا چند روز دیگر خون یکی از خویشان خود را خواهی ریخت تصدیق می کنی؟

عرض کرد: خیر، تصدیق نمی کنم؛ زیرا غیب را غیر از خداوند دیگری نمی داند.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

مگر نمی دانی که خداوند فرموده است:

«عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ» (۷۹).

«همانا خداوند دانای غیب است و بر غیب خود کسی را آگاه نفرموده مگر آن کس را که پسندیده است و آن پیامبر است.»

و ما هم وارث پیامبر هستیم. و لذا می دانیم آنچه را که واقع شده است و آنچه را که تا روز قیامت انجام می گیرد. تو مبتلا به ریختن خون یکی از ارحام تا پنج روز دیگر خواهی شد. و اگر نشدی بدان من امام نیستم.

و فرمود: تا چند روز دیگر نابینا می شوی و سوگند به دروغ یاد می کنی و سپس خواهی شد.

راوی گوید: به خدا قسم آنچه حضرت فرمودند پس از چند روز دیده شد و همه واقع گردید.

و بعد با بزرگ یهود و نصارا و دیگران به لغت خود آن ها احتجاج نمودند و رسالت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را از کتاب های خودشان ثابت فرمودند.

همه به راستی گفتار حضرت اقرار نموده، عرض کردند: اگر ریاست ما بر یهود و نصارا نبود، به شما ایمان می آوردیم.

حضرت امام

رضاعلیه السلام به سؤالات همه مردم پاسخ داده و حوائج شان را مرحمت نمودند و نماز ظهر را با جماعت خواندند و فرمودند: من به مدینه برمی گردم و فردانیز خواهم آمد ان شاء الله تعالی.

روز بعد باز بوی بهشت همانند روز پیش فضا را تسخیر کرد، نسیم عطرآمیز همه جا را فرا گرفت، شب انتظار به پایان رسید و بار دیگر سعادت به روی مردم بصره روی آورد و در حالی که مردم بصره اجتماع کرده بودند، دوباره ماه مجلس طلوع کرد و دیدگان را روشن نمود.

کنیزی از اهل روم را به حضورش آوردند. امام علیه السلام با زبان رومی با او تکلم نموده، فرمودند:

ای کنیز؛ محمدصلی الله علیه و آله وسلم را بیشتر دوست داری یا عیسی را؟

- تا موقعی که محمدصلی الله علیه و آله وسلم را نمی شناختم عیسی را بیشتر دوست داشتم ولی اکنون که محمدصلی الله علیه و آله وسلم را شناختم او را بیشتر دوست دارم.

فرمود: حال که محمدصلی الله علیه و آله وسلم را شناختی عیسی را دوست نداری.

- چرا، لیکن محمدصلی الله علیه و آله وسلم را بیشتر دوست دارم.

جائلیق به امر آن حضرت، گفتگوی آنان را برای مردم ترجمه کرد و به حضرت امام رضاعلیه السلام گفت: مردی نصرانی از اهل سند اهل بحث و کلام است، اگر اجازه می فرمایید او را به خدمت شما بیاوریم.

فرمود: مانعی ندارد. او را آوردند و حضرت با لغت سندی با او سخن گفتند و در امر توحید و رسالت با او احتجاج نمودند تا اینکه مرد سندی شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم داده، زُنار خود را پاره کرد.

حضرت امام رضاعلیه السلام به مردم فرمود: اکنون به

آنچه محمّد بن فضل می گفت ایمان آوردید؟

مردم گفتند: بلکه مقام شما بیش از آنچه محمّد گفته بود بر ما ثابت شد و همچنین محمّد به ما گفت که شما را به سرزمین خراسان می برند، آیا اینهم درست است؟!

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: بلی درست است.

همه اقرار به امامت ایشان نمودند و متفرّق شدند. ابر رحمت بر مزرعه دل های مردم بصره باریده و حجت بر همگان تمام شده بود. خورشید هم انوار خویش را به آرامی جمع می کرد و می رفت.

مردم بصره شب را با تشرف به خدمت حضرت ثامن الحجج علیه السلام به پایان رسانیدند.

شد روشن از فروغ سحر، طارم کبود

نقّاش صبح، رنگ شب از آسمان زدود

بگریخت از شراره مشرق، غبار شب

چون از لهیب شعله آتش غبار دود

و بالأخره شب وصال گذشت و روز فراق رسید و امام از همه خداحافظی نمودند و رفتند.

محمّد بن فضل می گوید: من به مشایعت آن حضرت رفتم. در بین راه به جایی رسیدیم که حضرت امام رضا علیه السلام از راه خارج شدند و چهار رکعت نماز خواندند و فرمودند: ای محمّد؛ چشمان خود را ببند. اطاعت کردم.

فرمودند: چشمانت را باز کن. باز کردم، خود را درب منزل در بصره دیدم و حضرت امام رضا علیه السلام از نظرم ناپدید شدند.

آن حضرت به من دستور داده بودند که به کوفه بروم و به شیعیان خبر دهم که امام هشتم به کوفه تشریف می آورند و به منزل حفص بن عمیر تشریف می برند.

من به وظیفه خود عمل کردم و آن حضرت تشریف آوردند و امر فرمودند مسلمانان و دانشمندان یهود و نصارا جمع شدند و حضرت با تمام آن ها به لغت خودشان سخن گفتند و حقاّیت خود و اجدادشان را ثابت نمودند و

به جاثلیق نصار افرمودند:

آیا علم داری به آن ورقه ای که پنج اسم در آن نوشته شده بود و به همراه حضرت عیسی بود که اگر می خواست از مشرق به مغرب و یا از مغرب به مشرق برود، خدا را به یکی از آن اسماء می خواند و به یک لحظه این مسافت را طی می کرد؟

جاثلیق گفت: چنین بود، ولی من آن اسماء را نمی دانم.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

حجت خدا و امام بعد از پیغمبر نیست مگر اینکه باید به جمیع علوم و کمالات پیغمبران واقف باشد و همه کتاب های آسمانی را بداند و به تمام لغات دنیا بتواند سخن گوید و هیچ لغتی از او پوشیده نباشد و از گناه و معصیت و اخلاق فاسده به دور باشد ... (۸۰).

نمونه دیگری از بحث های حضرت امام رضا علیه السلام با دانشمندان بزرگ آن زمان

محمد بن عمر بن عبدالعزیز انصاری گفت: کسی که خودش از حسن بن محمد نوفلی شنیده بود برایم نقل کرد:

هنگامی که حضرت امام رضا علیه السلام بر مأمون وارد شدند، مأمون به فضل بن سهل دستور داد تا صاحبان رأی و نظر و آن هائی که حرفی برای گفتن دارند - مانند: جاثلیق (مسیحی)، رأس الجالوت (یهودی)، رؤسای صابئین (منکرین دین و خدا و پیامبر)، هربذ اکبر؛ بزرگ زردشتی ها، نسطاس رومی و دانشمندان آگاه به علم کلام - را گرد آورد تا گفتار حضرت امام رضا علیه السلام و کلام آنان را بشنود.

فضل بن سهل به دستور مأمون عمل کرد و آنان را جمع آوری نمود، سپس او را از اجتماع آنان باخبر نمود، مأمون دستور داد تا همه آنان را به حضور او ببرند و چنین کردند.

مأمون در ضمن خوش آمدگویی به آن ها گفت: من شما را برای کار خیری جمع کرده و دوست دارم که با پسرعمویم، این شخصی که

از مدینه بر من وارد گشته مناظره و گفتگو کنید، فردا بامدادان همه نزد من آئید و هیچ کدام از شما از این دستورسریچی نکنند.

همگی گفتند: فرمانت را شنیده و اطاعت می کنیم، فردا صبح زود خواهیم آمد.

حسن بن محمد نوفلی گوید: در حینی که ما نزد حضرت امام رضا علیه السلام مشغول گفتگو بودیم یاسر بر ما وارد شد. او عهده دار کارهای حضرت امام رضا علیه السلام بود.

عرض کرد: ای سرور من؛ مأمون به شما سلام می رساند و می گوید: فدای شما برادران؛ دانشمندان صاحب نظر و علمای علم کلام از تمام ملت ها نزد من گردآمده اند، اگر دوست دارید گفتار آنان را بشنوید نزد ما بیائید و اگر کراهت دارید خوش ندارید خود را به زحمت نیندازید، و اگر دوست داشته باشید ما نزد شما بیائیم این کار بر ما آسان است.

حضرت امام رضا علیه السلام پیغام دادند:

به او سلام برسان و بگو: آنچه اراده کرده ای دانستم و من فردا صبح انشاء الله به سوی تو خواهم آمد.

حسن بن محمد نوفلی گوید: هنگامی که یاسر رفت، امام علیه السلام رو به ما کرد و فرمود:

ای نوفلی؛ تو عراقی هستی و عراقی ها دقت نظر دارند، چه فکر می کنی درباره این کار مأمون پسر عمویت که اهل شرک و علمای ادیان را گرد آورده است؟

عرض کردم: فدای شما شوم؛ می خواهد شما را بیازماید و دوست دارد از آنچه نزد شما است از علم و دانش آگاهی پیدا کند، کار خود را بر اساس نامطمئنی بنا کرده و بد بنائی نهاده است.

امام علیه السلام فرمود: بنای او در این باب چیست؟

عرض کردم: دانشمندان علم کلام و اهل بدعت برخلاف علماء هستند؛ زیرا عالم مطلب درست را انکار نمی کند ولی

علمای ادیان و متکلمین و اهل شرک همه اهل انکار و دروغ بافی هستند، اگر بر آنان احتجاج کنی که خداوند تبارک و تعالی یکتا و یگانه است، خواهند گفت: یکتائی او را اثبات کن، و اگر بگویی که محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است خواهند گفت: رسالتش را ثابت کن، سپس شخص را کلافه می کنند و او دلیل خود را باطل می کند، و با او مغالطه می کنند تا دست از حرف خود بردارد، از آنان پرهیز کن و مواظب باش فدایت شوم.

امام علیه السلام تبسمی کرد، سپس فرمود:

ای نوفلی؛ آیا می ترسی که آنان دلیل مرا رد کنند؟!

عرض کردم: نه به خدا قسم؛ هرگز در مورد شما ترسی ندارم و امیدوارم که خداوند انشاء الله شما را بر آنان پیروز سازد.

امام علیه السلام فرمود:

ای نوفلی؛ آیا دوست داری بدانی که مأمون چه زمانی از کار خود پشیمان می گردد؟ عرض کردم: آری.

فرمود: زمانی که احتجاج مرا با اهل تورات به تورات شان و با اهل انجیل به انجیل شان و با اهل زبور به زبورشان و با صابئین به کلام عبری و با زردشتی ها به فارسی و با رومیان به رومی و با صاحبان نظر و علمای ادیان هر یک به زبان ولغت خودشان بشنود و چون دلیل هر یک را باطل کردم و او را محکوم نمودم و اودست از گفتار خود برداشت و سخنان مرا پذیرفت مأمون خواهد فهمید موضعی که اتخاذ کرده شایسته او نیست و در این هنگام است که دچار پشیمانی می شود و هیچ حرکت و نیروئی جز به وسیله خداوند نیست.

چون صبح کردیم فضل بن سهل نزد ما آمد و به امام علیه السلام عرض کرد: فدای شما شوم؛ پسرعمویت منتظر شما است و

همه دعوت شدگان اجتماع کرده اند، نظر شما در آمدن چیست؟

امام علیه السلام فرمود: تو پیش برو و من إنشاء الله خواهم آمد، سپس وضو گرفت وضوی نماز و شربت سویق (شوربا که با آرد گندم و جو درست کنند) آشامید و مقداری به مامرحمت کرد، سپس از منزل بیرون آمد و ما به همراه آن حضرت بیرون آمدیم تا بر مأمون وارد گشتیم، مجلس سرشار از جمعیت بود، محمد بن جعفر (عموی آن حضرت) به همراه گروهی از طالبین و هاشمیین و فرماندهان لشکر حضور داشتند.

همینکه حضرت امام رضا علیه السلام وارد شدند مأمون بپا خاست، محمد بن جعفر و تمام بنی هاشم به احترام آن حضرت برخاستند. امام علیه السلام و مأمون نشستند و آنان ایستاده بودند تا دستور داد بنشینند.

مأمون رو به حضرت امام رضا علیه السلام کرد و مدتی با آن حضرت گفتگو کرد سپس به جاثلیق رو کرد و گفت: ای جاثلیق؛ این پسر عموی من علی بن موسی است و او از فرزندان فاطمه علیها السلام دختر پیامبر ما و پسر علی بن ابی طالب علیه السلام است، دوست دارم با او به گفتگو پردازم، بحث کنی، دلیل آوری و انصاف را از دست ندهی.

جاثلیق گفت: ای امیر مؤمنان! چگونه با کسی بحث کنم که بر من با کتابی احتجاج می کند که من منکر آن هستم و با گفتار پیامبری استدلال می کند که من به آن ایمان ندارم.

امام علیه السلام فرمود:

ای مسیحی؛ اگر با انجیل خودت بر تو احتجاج کنم و دلیل آورم می پذیری و اعتراف می کنی؟

جاثلیق گفت: مگر می توانم آنچه را که انجیل به آن گویا است رد کنم، آری بخدا قسم؛ گرچه برخلاف میل من باشد به آن اقرار خواهم کرد.

آن گاه امام علیه السلام بر او

از انجیل خواند و ثابت کرد برای او که پیامبر ما در انجیل ذکر شده، سپس به او از عدد حواریون حضرت عیسی و احوال ایشان خیر داد و با دلایل فراوانی احتجاج کرد و او به آن ها اقرار کرد، سپس کتاب شعیا و غیر آن را بر او قرائت کرد تا آن که جاثلیق گفت: اکنون کسی غیر از من از تو سؤال کند، به حقّ مسیح سوگند؛ هرگز گمان نمی کردم در میان علمای مسلمان مانند شما شخصیتی باشد.

پس از آن، حضرت امام رضاعلیه السلام رو به «رأس الجالوت» کرد و با تورات و زبور و کتاب شعیا و حیقوق بر او استدلال نمود تا آنکه ساکت ماند و پاسخی برای گفتن نداشت.

سپس امام علیه السلام «هربذ اکبر» یعنی بزرگ زردشتیان را فراخواند و بر او استدلال فرمود به گونه ای که موقعیت خود را از دست داد و جوابی برای گفتن نداشت، آن گاه حضرت امام رضاعلیه السلام رو به حاضرین کرد و فرمود:

اگر در میان شما کسی مخالف اسلام است و می خواهد سئوالی بپرسد بدون هیچ گونه شرمندگی و خجالت بپرسد.

عمران صابی - که یکی از متکلمین بود - از جا برخاست و عرض کرد: ای دانشمند؛ اگر تو دعوت به پرسش ننموده بودی اقدام به سؤال کردن نمی نمودم، من به شهر کوفه، بصره، شام و الجزیره سفر کرده ام، متکلمین فراوانی دیده ام، کسی راتاکنون نیافته ام که برای من اثبات کند وجود واحدی را که غیر از او کسی قائم به وحدانیت نباشد، آیا اجازه می دهی که از شما سؤال کنم؟

حضرت امام رضاعلیه السلام فرمود:

اگر در میان این جمعیت کسی به نام عمران صابی باشد تو همان هستی.

عرض کرد: من عمران صابی هستم.

امام علیه السلام

فرمود:

سؤال کن ولی انصاف را رعایت کن و از گفتار زشت و فاسد و اندیشه های نادرست و بیراهه رفتن بپرهیز.

عمران عرض کرد: به خدا قسم؛ ای سرور من؛ تنها می خواهم چیزی را برایم ثابت کنی که بتوانم به آن تمسک جویم و چنگ بزنم و از آن تجاوز نخواهم کرد.

امام علیه السلام فرمود: از آنچه در خاطر داری سؤال کن.

مردم ازدحام کردند و نزدیک هم آمدند، حضرت امام رضا علیه السلام بر او استدلال فرمود و به سئوالات او پاسخ گفت و گفتگو میان آن دو به طول انجامید تا آنکه وقت نماز فرارسید، امام علیه السلام رو به مأمون کرد و فرمود: هنگام نماز است.

عمران عرض کرد: سرور من؛ اکنون که دلم نرم گردیده پاسخ مرا ناتمام نگذار، امام علیه السلام فرمود: نماز می خوانیم و بازمی گردیم، و از جا برخاست، مأمون نیز برخاست. حضرت در اندرونی نماز خواند، و مردم به امامت جعفر بن محمد نماز را پیا داشتند. پس از انجام فریضه، امام علیه السلام به جایگاه خود بازگشت و عمران را فراخواند و فرمود: ای عمران؛ سؤال کن.

او سئوالات خود را پیرامون آفریدگار متعال و صفات او مطرح کرد، و امام علیه السلام به همه آن ها پاسخ داد تا آن که فرمود: آیا درست فهمیدی ای عمران؟

عرض کرد: آری؛ فهمیدم ای سرور من و گواهی می دهم که خداوند آنگونه است که توصیف نمودی و او را یکتا دانستی، و این که محمد بنده او است که به هدایت و دین حق مبعوث گشته، سپس رو به قبله به سجده افتاد و اسلام آورد.

حسن بن محمد نوفلی گوید: متکلمین دیگر که در مجلس حضور داشتند وقتی عمران صابی را مشاهده کردند که با آن همه سرسختی و

جدال که کسی قادر نبود او رامحکوم نماید در برابر امام علیه السلام چنین کلامی گفت، آن ها نزدیک آن حضرت نیامدند و سئوالی را مطرح نکردند تا هنگام غروب فرا رسید، مأمون و حضرت امام رضاعلیه السلام برخاستند و به داخل حجره رفتند و مردم پراکنده شدند، من در میان جمعی از یاران و همراهانم بودم که محمد بن جعفر کسی را به دنبال من فرستاد و من نزد او رفتم.

محمد بن جعفر گفت: ای نوفلی؛ دیدی دوستت امروز چه کرد؟ به خدا سوگند؛ هرگز گمان نمی کردم که علی بن موسی بتواند این گونه در این موضوعات فرو رود و او را این گونه نمی شناختیم، آیا او در مدینه کلام تدریس می کرد یا دانشمندان علم کلام گرد او می آمدند؟

گفتم: آن ها که به حج می رفتند نزد او شرفیاب می شدند و از حلال و حرام و احکام الهی می پرسیدند و امام علیه السلام به آن ها جواب می داد و گاهی کسی می آمد که مناظره کند و امام علیه السلام برایش استدلال می فرمود.

محمد بن جعفر گفت: ای ابا محمد؛ من بر او نگرانم و می ترسم که این شخص بر او حسد ورزد و او را مسموم سازد یا دچار بلائی نماید، تو به آن حضرت اشاره کن که از این گونه امور خودداری کند.

گفتم: از من نمی پذیرد، این شخص جز آزمودن آن حضرت چیزی در نظر نداشت و می خواست بفهمد که آیا از علوم پدرانش چیزی نزد او هست یا نه؟

محمد بن جعفر گفت: به آن حضرت بگو: عمویت این گونه اظهار فضل ها رانمی پسندد و به خاطر عللی دوست دارد که از این کارها خودداری کنی.

هنگامی که من به منزل حضرت امام رضاعلیه السلام باز گشتم گفتار عمویش محمد بن جعفر را به

ایشان رساندم.

آن حضرت تبسمی کرد و فرمود:

خدا عمویم را حفظ کند، نمی دانم چرا از این کار خوشش نمی آید.

سپس فرمود: نزد عمران صابی برو و او را نزد من آور.

عرض کردم: فدای شما شوم؛ من جای او را می دانم، او نزد بعضی از برادران شیعه است.

فرمود: اشکال ندارد، چهارپائی برایش حاضر کنید تا بیاید.

من نزد عمران آمده و او را آوردم. امام علیه السلام به او خوش آمد گفت، جامه ای به او خلعت داد و به او پوشانید و ده هزار درهم طلبید و به او هدیه نمود.

عرض کردم: فدایت شوم؛ کار جدّت امیرالمؤمنین علیه السلام را در خاطر ما زنده کردی.

فرمود: باید اینگونه رفتار کرد. سپس دستور فرمود شام بیاورند. مرا طرف راست خود و عمران را در طرف چپ نشانید، پس از صرف شام به عمران فرمود:

اکنون به منزل بازگرد و فردا صبح زود نزد ما بیا تا از خوراکی های اهل مدینه به تو بدهم.

پس از آن، عمران با دانشمندان علم کلام از ادیان گوناگون اجتماع می کرد و حجّت و دلیل آنان را باطل می نمود تا آنکه از او کناره گرفتند. (۸۱)

بحث و مناظره های جالب حضرت امام رضاعلیه السلام - که همیشه همراه با غلبه و پیروزی بر خصم بود - بر محبوبیت حضرت امام رضاعلیه السلام در سراسر کشور پهناور آن زمان افزود و علاقه و توجه مردم در سراسر کشور به آن حضرت، آنچنان گسترش پیدا کرد که ترس و هراس از دست رفتن حکومت، مأمون و سایر بنی العباس رافراگرفت.

به این جهت او برای حفظ موقعیت خود و شکست شخصیت حضرت امام رضاعلیه السلام، برنامه هایی را طرح کرد تا شاید بتواند به هدف شوم خود دست یابد؛ ولی نقشه های او

همیشه با شکست روبرو می شد و سیل علاقه و ارادت مردم در سراسر کشور پهناور آن زمان به حضرت امام رضاعلیه السلام رو به افزایش بود؛ تا سرانجام، آن جرثومه ننگین تاریخ، حضرت امام رضاعلیه السلام را شهید نمود.

بحث ها و مناظره های حضرت امام رضاعلیه السلام و غلبه و پیروزی کامل آن بزرگوار بر آنان، روشنگر احاطه علمی و دانش بی شمار آن حضرت بود.

آری؛ بر اثر معجزات شگفت آور و بحث های بسیار مهم حضرت امام رضاعلیه السلام با بزرگترین دانشمندان زمان، محبوبیت آن حضرت در میان مردم گسترش یافت و سرانجام مأمون تصمیم به شهادت آن حضرت گرفت.

هرثمه بن اعین گفت: بر سرور و مولایم حضرت امام رضاعلیه السلام در خانه مأمون وارد شدم و در آنجا شایع شده بود که حضرت امام رضاعلیه السلام وفات یافته است و این درست نبود، من وارد شدم و اجازه ملاقات می خواستم.

هرثمه گوید: در میان خدمتگزاران مورد اعتماد مأمون، جوانی بود که او را «صبیح دیلمی» می گفتند، او به حق ولایت سرورم را داشت و او را واقعاً دوست می داشت، در آن هنگام خارج شد و چون مرا دید گفت:

ای هرثمه؛ حتماً می دانی که من مورد اطمینان مأمون بر امور پنهان و آشکار او هستم، اکنون بدان که مأمون من و سی تن از غلامان مورد اطمینان دیگرش را که اهل سرّ او بودند در ثلث اول شب خواست، بر او داخل شدیم در حالی که شبش از زیادی شمع ها همچون روز شده بود و در مقابلش شمشیرهایی بیرون آمده از نیام بود، تیز وزهر آگین شده، ما را یکی یکی خواست و از هر کدام عهد و پیمان گرفت، و در آن جایگاه از خلق خدا غیر از ما کسی نبود، به ما

گفت:

این کار به عهده شماست و لازم است آنچه را بدان فرمان می دهم اجرا کنید و هرگز در مورد آن مخالفت نکنید، ما سوگند یاد کردیم که فرمانش را انجام دهیم.

آن گاه گفت: هر یک شمشیری بردارید و بروید تا بر علی بن موسی الرضا در اتاقش وارد شوید، او را در هر حالی که دیدید نشسته یا ایستاده و یا خوابیده، با اوسخن نگوئید و شمشیرهایتان را بر او فرود آورید، و گوشت، خون، مو، مغز و استخوان او را بهم بیامیزید، سپس فرشش را بر او بیفکنید و شمشیرهای تان را با آن پاک کنید و به سوی من بازگردید و برای هر یک از شما بر این کار و کتمان آن، ده کیسه درهم و ده قطعه زمین انتخابی بدهم و نزد من تا آن زمان که زنده باشم بهره مند خواهید بود.

«صبح» ادامه داد: ما شمشیرها را به دست گرفتیم و بر آن حضرت در اتاقش وارد شدیم، به پهلو خوابیده بود و انگشتان خود را حرکت می داد و کلامی می گفت که مانفهمیدیم.

غلام ها با شمشیرها به سوی او حمله ور شدند و من در حالی که ایستاده بودم و به او نگاه می کردم شمشیرم را پائین آوردم، گویا آمدن ما را خبر داشت، او لباس به تن نکرده بود که شمشیرها بر آن اثر نکند و کارگر نباشد. فرش را بر او پیچیدند و از آنجا خارج شدند تا بر مأمون وارد گشتند، از آن ها پرسید چه کردید؟

گفتند: آنچه ما را به آن دستور دادی انجام دادیم ای امیرالمؤمنین!!

گفت: هیچ کدام این مطلب را اعاده نکنید.

چون فجر طلوع کرد و هوا روشن شد مأمون خارج شد، سر برهنه در حالی که دکمه هایش را باز کرده بود

به هیئت عزادار در مجلسش نشست و وفات آن حضرت را اظهار می کرد، سپس با سر و پای برهنه برخاست به طرف حجره حضرت امام رضا علیه السلام به راه افتاد و من به همراه او بودم، وقتی در اتاق وارد شد صدای همهمه ای از او شنیدم، لزره بر اندامش افتاد، به من گفت: نزد او کیست؟

گفتم: نمی دانم ای امیرالمؤمنین!!

گفت: بشتابید و نگاه کنید.

صبح گفت: به سوی اتاق شتافتیم، سرورم بود که در محراب نشسته نماز می خواند و تسبیح می گفت، به سوی مأمون بازگشته و گفتیم: در محراب کسی رامی بینم که نماز می خواند و تسبیح می گوید.

از این خبر بهت زده شد و دوباره به خود لرزید و گفت: شما مرا فریب دادید، خدالعنتتان کند، آن گاه از میان آن گروه رو به من کرد و گفت: ای صبیح؛ تو او رامی شناسی، نگاه کن کیست که نزد او نماز می خواند.

صبح گفت: من داخل شدم و مأمون بازگشت، چون به درگاه در رسیدم به من فرمود: ای صبیح.

گفتم: لئیک مولای من، و به رو افتادم.

حضرت فرمود:

برخیز خداوند تو را رحمت کند، «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (۸۲).

می خواهند که با دهان های خود نور خداوند را خاموش کنند و خداوند نور خود را کامل می گرداند؛ گرچه کافران را خوش آیند نباشد.

صبح گفت: به سوی مأمون بازگشتم، چهره او را مانند پاره ای از پاره های شب تاریک یافتم، به من گفت: ای صبیح؛ چه خبر.

به او گفتم: ای امیرالمؤمنین!! به خدا قسم او در حجره اش نشسته بود، مرا صدا زدو به من چنین گفت.

صبح گفت: مأمون که از گفته من مطمئن شد، دکمه هایش را بست و دستور دادلباس هایش را آوردند، پوشید و گفت: بگوئید علی بن

موسی از هوش رفته بود و اکنون به هوش آمده است.

هرثمه گفت: من خدا را شکر کرده و بسیار سپاس گفتم، سپس بر آقا‌یم حضرت امام رضا علیه السلام وارد شدم، چون مرا دید فرمود:

ای هرثمه؛ آنچه «صبیح» برایت گفت به کسی بازگو مکن، مگر آن که خداوند قلبش را با محبت و ایمان به ولایت ما آزموده است.

گفتم: اطاعت می کنم ای آقای من. فرمود:

ای هرثمه؛ به خدا قسم مگر آن ها هیچ ضرری به ما نمی زند تا آنچه نوشته شده به زمان معین خود برسد. (۸۳)

۲ - امام زمان ارواحنا فداه و اقامه برهان و دلیل

اشاره

آری؛ همان گونه که بحث ها و مناظره های حضرت امام رضا علیه السلام در شهرهای مختلف با بزرگترین دانشمندان جهان به زبان های گوناگون، بر محبوبیت و توجه مردم نسبت به آن حضرت افزود و باعث گرایش مردم به آن بزرگوار شد، در عصر ظهور نیز امام عصر عجل الله تعالی فرجه بساط بحث و استدلال را با دانشمندان بزرگ جهان می گسترانند و سراسر گیتی را برهان و دلیل و فرهنگ عظیم و مستدل فرا خواهد گرفت. و به این جهت در بسیاری از نقاط جهان بدون نیاز به جنگ و شمشیر، مردم جهان فوج فوج و گروه گروه به صف مؤمنان می پیوندند. (۸۴)

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده اند که آن بزرگوار فرمودند:

... يملأ الأرض عدلاً وقسطاً وبرهاناً. (۸۵)

(آن حضرت) سراسر گیتی را سرشار از عدالت، قسط و برهان می سازد.

به همین جهت، یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه «حجت» می باشد؛ زیرا آن حضرت، حجت و دلیل را بر همه مردم تمام می کنند و هر گونه مشکلی را بایان و دلیل و حجت آسان می سازند.

این، یکی از وجوه مشترک میان حضرت ثامن الحجج امام هشتم علیه السلام و حضرت حجت امام زمان

ارواحنا فداه می باشد.

۲ - رأفت و مهربانی

یکی دیگر از نقطه های اشتراک میان حضرت امام رضاعلیه السلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه رأفت و مهربانی شدید آن دو امام رئوف به مردم است. در این باره مطالب و دلایل فراوانی وجود دارد که ما اکنون به اختصار آن را پی گیری می کنیم:

۱ - رأفت و مهربانی حضرت امام رضاعلیه السلام

اشاره

رأفت و مهربانی حضرت امام رضاعلیه السلام به مردم آنچنان زیاد بوده و هست که همگان کم و بیش از آن آگاهیم. علاوه بر روایاتی که در این باره وجود دارد، معجزات بسیار شگفت انگیزی که از آن حضرت واقع شده خود دلیل بر مهربانی و رأفت بسیار شدید آن حضرت به مردم است. مهربانی و پذیرش دو جوان مسیحی - که در آخر مقدمه این کتاب نقل می کنیم - دلیل بسیار روشنی بر لطف و مهربانی آن بزرگوار حتی نسبت به غیر شیعیانی که خواهان لطف و عنایت هستند می باشد.

اکنون جریانی را می آوریم که حضرت امام رضاعلیه السلام چگونه جسد بی جان یکی از شیعیان را در آغوش محبت گرفته و اظهار لطف و مهربانی نمودند.

جنازه یک شیعه و حضرت امام رضاعلیه السلام

ابن شهر آشوب از موسی بن سیار روایت کرده که گفت: من با حضرت امام رضاعلیه السلام بودم و با آن حضرت به شهر طوس نزدیک شده بودیم که صدای شیون و فغانی شنیدیم، در پی آن صدا رفتیم، ناگاه به جنازه ای برخوردیم.

چون نگاهم به جنازه افتاد، دیدم آقام پا از رکاب خالی کرد و از اسب پیاده شد و نزدیک جنازه رفت و او را بلند کرد، پس خود را به آن جنازه چسبانید؛ آنگونه که برّه نوزاد، خود را به مادر می چسباند.

آنگاه رو به من نمود و فرمود:

ای موسی بن سیار؛ هر کس مشایعت کند جنازه دوستی از دوستان ما را، از گناهان خود بیرون می شود مانند روزی که از مادر متولد شده که هیچ گناهی براو نیست.

چون جنازه را نزدیک قبر بر زمین نهادند، آقای خود امام رضاعلیه السلام را دیدم که به طرف میت رفت و مردم را کنار کرد

تا خود را به جنازه رسانید، پس دست

خود را به سینه او نهاد و فرمود:

ای فلان بن فلان؛ بشارت باد تو را به بهشت، بعد از این ساعت دیگر وحشت و ترسی برای تو نیست.

من عرض کردم: فدای تو شوم؛ آیا این میّت را می شناسی و حال آن که به خداسوگند این سرزمین را تا به حال ندیده و نیامده بودید؟!

فرمود:

ای موسی؛ آیا می دانی که اعمال شیعیان ما در هر صبح و شام بر ما امامان عرضه می شود؟ پس اگر تقصیری در اعمال ایشان دیدیم از خدا می خواهیم که او را عفو کند و اگر کار خوب از او دیدیم از خدا برای او پاداش نیکو درخواست می کنیم. (۸۶)

جوان کنهکارولی از دوستان حضرت امام رضاعلیه السلام

محدّث عالی مقام، عمادالدین طبری می نویسد: ابراهیم بن ابی البلاد گوید:

همسایه ای داشتم که شراب خوار بود، و خدا می داند که چه هتک حرمتی انجام می داد، در عین حال حضرت امام رضاعلیه السلام را نیز دوست داشت.

روزی جریان او را برای حضرت امام رضاعلیه السلام نقل کردم. حضرت فرمود:

یا ابا إسحاق؛ أما علمت أنّ ولیّ علیّ علیه السلام لم تزلّ له قدم إلّا وثبت له أُخری؟

ای ابا اسحاق؛ آیا نمی دانی که دوست علی علیه السلام اگر گامی از او بلغزد، گام دیگرش ثابت و استوار می ماند؟!

ابراهیم گفت: من از خدمت حضرتش مرخص شدم، ناگاه نامه ای از جانب حضرت امام رضاعلیه السلام دریافت نمودم که در آن نامه حضرتش برخی اشیا را خواسته و دستور فرموده بود که آن ها را به مبلغ شصت دینار خریداری نمایم.

من با خود گفتم: سوگند به خدا؛ چنین چیزی سابقه نداشته که برای من چیزی بنویسد؛ زیرا من چیزی ندارم و فکر نمی کنم که او چیزی (از خمس و غیره) نزد من داشته باشد.

شب شد، ناگاه درب خانه ام را زدند، متوجّه

شدم که شخص مستی مرا صدامی زند، پشت درب آمدم.

گفت: بیرون بیا.

گفتم: در این موقع از شب چه کار با من داری و برای چه آمده ای؟

او که از مستی نمی توانست خوب حرف بزند، گفت: دست خودت را بیرون آور و این کیسه را بگیر و برای مولایم بفرست تا در موارد نیاز مصرف نماید.

من کیسه را گرفتم و او رفت، نگاه کردم دیدم به اندازه شصت دینار است.

گفتم: سوگند به خدا؛ این مصداق همان فرمایش مولایم امام رضا علیه السلام است که در مورد دوست علی علیه السلام فرمود و در نامه اش خواسته خویش را نوشت.

من همه آنچه را که حضرت خواسته بود خریدم، و طی نامه ای رفتار آن همسایه رانیز نوشته و برای حضرتش فرستادم.

حضرت نوشت:

این از همان موارد است. (۸۷)

از این جریان استفاده می شود که اساس کار، ولایت و دوستی اهل بیت علیهم السلام است و سرانجام باعث نجات کسانی که دارای آن هستند، می شود و پذیرش هدایای یک فرد گنهکار، دلیل بر لطف و مهربانی نسبت به او می باشد.

این گونه جریانات، دلیل بر شدت رأفت و مهربانی حضرت امام رضا علیه السلام نسبت به دوستان و شیعیان شان می باشد. به این جهت یکی از القاب آن حضرت، «امام رئوف» است.

تاکنون مطالبی را بیان کردیم تا آنان که به آستان حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب شده و به بارگاه ملکوتی آن بزرگوار وارد می شوند، بدانند انسان در همه زمان ها، از کودکی تا جوانی و بزرگسالی، تا پس از مرگ و جدایی از این جهان، می تواند در پناه مقام عظیم ولایت و مورد توجه و عنایات اهل بیت علیهم السلام باشد.

ما باید لحظاتی را که در حرم امام رئوف حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام هستیم قدر بدانیم و آگاه باشیم که ممکن

است در هنگام زیارت، بزرگترین تحوّل روحی برای ما ایجاد شود و با نگاه آن حضرت، از خاک به افلاک رسیم.

۲ - مهربانی و رأفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه

اشاره

مهربانی امام عصر ارواحنا فداه نیز آنچنان وسیع و گسترده است که در عصر ظهور، آن حضرت نه تنها در میان دوستان و شیعیان خاص بلکه در سراسر عالم، بساط رأفت و مهربانی را میان تمامی مردمان عصر ظهور می گسترانند.

مرحوم علامه مجلسی نقل کرده است که خداوند انوار آل محمّد صلوات الله عليهم اجمعین را به حضرت آدم نشان داد و به او فرمود:

اینان وسیله تو و وسیله هر فرد سعادت مند از آفریدگان من هستند.

آنگاه حضرت آدم نگاه کرد:

فإذا بشیح فی آخرهم، یزهر فی ذلک الصفیح؛ کما یزهر کوب الصبح لأهل الدنیا.

فقال الله تبارک و تعالی: وبعبدی هذا السعید أفکک عن عبادی الأغلال، وأضع عنهم الاصار، وأملاً أرضی به حناناً ورأفه وعدلاً؛ کما ملئت من قبله قسوه و شقوه وجوراً. (۸۸)

حضرت (امام زمان ارواحنا فداه) را در آخرین نفر از چهارده معصوم عليهم السلام شبیحی از نور دید که در آن پهنه می درخشید؛ همانگونه که ستاره صبح بر اهل دنیا می درخشد.

آنگاه خداوند تبارک و تعالی (به حضرت آدم) فرمود:

به وسیله این شخص سعادت مند، غل و زنجیر از بندگانم می گشایم و سختی ها را از آنان برمی دارم، و سراسر زمینم را به وسیله او پر از شفقت و مهربانی و عدالت می نمایم؛ همان گونه که قبل از او از قساوت و شقاوت و ستم پر شده باشد.

بنابراین همان گونه که خداوند فرموده است در عصر ظهور مهربانی و رأفت خداوند به وسیله حضرت بقیّه الله الأعظم ارواحنا فداه در سراسر جهان حکمفرما و ستم ها و شقاوت هایی که در عصر غیبت، جهان را فراگرفته است ریشه کن خواهد شد.

ما باید با دعا برای تعجیل

ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه که مظهر رأفت و مهربانی خداوند در سراسر عالم هستند، به این وظیفه مهم و حیاتی خود عمل نماییم تا انشاء الله با حضور در دولت کریمه آن حضرت، نظاره گر رأفت و مهربانی آن بزرگوار در سراسر جهان باشیم.

یک جریان بسیار مهم یا مهربانی حضرت امام رضاعلیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه به دو جوان مسیحی

جریان بسیار جالبی نقل شده که نشان دهنده مهربانی عظیم حضرت امام رضاعلیه السلام است و نیز هاله ای از رأفت و مهربانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه را دربردارد:

شخصی که مورد اطمینان می باشد گفته است: در مشهد مقدس، منزل یکی از دوستان، با دو دانشجوی آمریکایی که زن و شوهر بودند، ملاقات کردم. برای آن دو، داستان شگفت آوری رخ داده بود که به تقاضای میزبان، آن داستان را برای ما نقل کردند:

آن دو جوان آمریکایی گفتند: وقتی که ما در یکی از دانشگاه های آمریکا مشغول تحصیل بودیم، پیوسته در خود احساس کمبود می کردیم.

با اشاره به سینه اش گفت: احساس می کردم که این جا خالی است، سپس گمان کردم که این کمبود، ناشی از غریزه جنسی است و با ازدواج و انتخاب همسر، آن خلأ پر می شود؛ از این رو، هر دو تصمیم گرفتیم باهم ازدواج کنیم؛ اما پس از ازدواج نیز آن خلأ پر نشد و همچنان آن کمبود را در خود احساس می کردیم.

از این امر سخت ناراحت شدم و با این که به همسرم علاقه داشتم، در ظاهر تمایلی به او نشان نمی دادم و گاهی حتی حوصله صحبت کردن با او را هم نداشتم، روزی برای عذرخواهی به او گفتم: اگر گاهی می بینی که من حال خاصی دارم و از تو دوری می گزینم، گمان نکنی علاقه ای به تو ندارم؛ بلکه این ناراحتی و افسردگی و احساس خلأ از دوران دانشجویی در من بوده و

تاکنون رفع نشده است و گاهی بدان مبتلامی شوم.

همسرم گفت: اتفاقاً من نیز چنین حالتی دارم. پی بردم که این احساس خلأ درونی، درک مشترک هر دوی ما است؛ در نتیجه تصمیم گرفتیم برای رفع آن، چاره‌ای بیندیشیم. در آغاز بنا گذاشتیم که بیشتر به کلیسا رفت و آمد داشته باشیم و به مسایل معنوی پردازیم تا شاید آن خلأ برطرف شود.

ارتباطمان را با کلیسا و مسایل معنوی گسترش دادیم و در آن زمینه، کتاب‌هایی رانیز مطالعه کردیم؛ اما آن خلأ و عطش معنوی رفع نشد.

چون شنیده بودیم که در کشورهای شرقی، به ویژه چین و هندوستان مذاهبی وجود دارند که مردم را به ریاضت و انجام تمرین‌های ویژه‌ای برای رسیدن به حقیقت دعوت می‌کنند، تصمیم گرفتیم به آن کشورها سفر کنیم، و چون چین، از دیگر کشورهای شرقی، به آمریکا نزدیک تر است، ابتدا به چین سفر کردیم. در چین از مسئولان سفارت آمریکا خواستیم کسانی را که در آن کشور در زمینه مسایل معنوی و ریاضت سرآمدند، به ما معرفی کنند. آن‌ها شخصی را به ما معرفی کردند که می‌گفتند رهبر روحانیان مذهبی چین و بزرگ‌ترین شخصیت معنوی آن کشور است.

با کمک سفارت، موفق شدیم نزد او برویم و با راهنمایی و کمک او مدتی به ریاضت مشغول شدیم، اما کمبود معنوی و خلأ درونی ما برطرف نشد.

از چین به تبت رفتیم. در آن جا و در دامنه‌های کوه هیمالیا معبدهایی بود که عده‌ای در آن‌ها به عبادت و ریاضت می‌پرداختند. به ما اجازه دادند که به یکی از معبدها راه یابیم و مدتی به ریاضت پردازیم.

ریاضت‌هایی که در آنجا متحمل می‌شدیم، بسیار سخت بود؛ از جمله چهل شب روی تختی که روی آن، میخ‌های

تیزی کوییده بودند می خوایدیم. پس از گذراندن مدّتی در آن جا و انجام ریاضت ها و عبادت ها، باز احساس کردیم خلأ درونی ما همچنان باقی است.

از آن جا به هندوستان رفتیم و با مرتاضان فراوانی تماس گرفتیم و مدّتی در آن جا به ریاضت پرداختیم، اما نتیجه نگرفتیم و مأیوس شدیم.

سرانجام این تصوّر در ما پدید آمد که اصلاً در عالم، واقعیتی وجود ندارد که بتواند خلأ درونی انسان را برطرف کند.

ناامیدانه تصمیم گرفتیم از طریق خاورمیانه به اروپا و سپس آمریکا رهسپار شویم. از هندوستان به پاکستان و از طریق افغانستان به ایران آمدیم و ابتدا وارد شهر بزرگ مشهد شدیم و آن را شهر عجیبی یافتیم که نمونه آن را تاکنون مشاهده نکرده بودیم:

در وسط شهر، ساختمانی جالب و باشکوه با گنبد و گلدسته های طلا که پیوسته انبوهی از مردم به آن رفت و آمد داشتند ما را به خود جلب کرد.

پرسیدم: اینجا چه خبر است و این مردم چه دینی دارند؟ گفتند: این مردم مسلمانند و کتاب مذهبی آنان قرآن است و در این شهر و در این ساختمان یکی از رهبران مذهبی آن ها که به او امام می گویند، دفن شده است.

پرسیدم: امام کیست و چه می کند؟

گفتند: امام علیه السلام، انسان کاملی است که دارای عالی ترین مراحل کمال انسانی است و او با داشتن آن مقام، دیگر مرگی ندارد و پس از رخت بر بستن از دنیا نیز زنده است.

مسلمانان چون چنین اعتقادی دارند؛ به زیارت امام شان می روند و با عرض ادب و احترام از او حاجت می خواهند و امام علیه السلام نیاز آن ها را بر آورده می سازد.

گفتم: قسمت های مهمی از قرآن را برای ما نقل کنید.

گفتند: در یکی از آیات قرآن آمده است که هر چیزی خدا را

تسبیح می گوید.

آن سخنان برای ما معمای شد که چطور با این که امام آن ها مرده است، باز او رازنده می دانند و افزون بر این معتقدند که همه چیز، حتی کوه ها و درختان، خدا را تسبیح می گویند! باور نکردیم و تصمیم گرفتیم برای تماشا وارد حرم رضوی شویم.

در صحن، یکی از خادمان که وسیله ای شبیه چماق با روکش نقره در دست داشت، وقتی متوجه شد ما خارجی هستیم، از ورودمان به صحن جلوگیری کرد و گفت: ورود خارجی ها ممنوع است.

گفتم: ما چندین هزار کیلومتر در دنیا سفر کرده ایم و به اماکن گوناگون وارد شده ایم و هیچ کجا به ما نگفتند که ورود خارجی ممنوع است، چرا شما از ورود ما جلوگیری می کنید؟ قصد ما فقط تماشای این محل است و نیت بدی نداریم. هر چه اصرار کردیم، فایده ای نداشت و از ورود ما جلوگیری کردند.

ما با ناراحتی از آن جا دور شدیم و در آن حوالی روبروی مسافرخانه ای لب جوی آب نشستیم (۸۹)، من مدتی به فکر فرو رفتم که نکند در عالم حقیقتی باشد که در این جانهاست و ما نمی شناسیم؟ اگر در اینجا خبری باشد و آنان ما را راه ندهند تا از آن آگاه شویم، برایمان سخت حسرت آور و رنج آور است که با آن همه زحمت، تلاش و تحمل رنج سفر از رسیدن به آن حقیقت محروم بمانیم. بی اختیار گریه ام گرفت و مدتی گریستم.

ناگهان این فکر به ذهنم خطور کرد که آن شخص مدفون یا امام و انسان کامل است و آن ها راست می گویند، یا دروغ می گویند و او انسان کامل نیست؛ اگر آن ها راست بگویند و به واقع او زنده است و بر همه جا احاطه دارد، خودش می داند که ما به دنبال چه هدفی

این همه راه آمده ایم و باید ما را دریابد و اگر آنان دروغ می گویند، ضرورتی ندارد به تماشای آن جا برویم.

همین طور که اشک می ریختم و خود را تسلی می دادم، دست فروشی که تعدادی آئینه، مهر و تسبیح در دست داشت، نزد آمد و به زبان انگلیسی و با لهجه شهر خودمان گفت: چرا ناراحتی؟

سر بلند کردم و جریان را برای او گفتم که ما برای کشف حقیقت به چندین کشور سفر کرده ایم و سال ها ریاضت کشیده ایم و اکنون که به این جا آمده ایم، به حرم راهمان نمی دهند.

گفت: ناراحت نباش برو. راهتان می دهند!

گفتم: الان ما به آن جا رفتیم و راهمان ندادند.

گفت: آن وقت اجازه نداشتند. من در آن لحظه فکر نکردم که چطور آن دست فروش به انگلیسی آنهم با لهجه محلی با من حرف می زند و از کجا خبر دارد که پیش تر خادمان حرم اجازه نداشتند ما را راه بدهند و اکنون اجازه دارند، و چرا من راز دلم را برای او گفتم؟!

سرانجام به سوی حرم راه افتادیم و وقتی به درِ صحن رسیدیم، خادم مانع ورود مانشد. پیش خود گفتم: شاید ما را ندیده است. برگشتیم و به او نگاه کردیم؛ اما انعکاس عملی نشان نداد.

وارد صحن شدیم و به راهروی رسیدیم که جمعیت انبوهی از آن جا وارد حرم می شدند ما نیز همراه جمعیت وارد راهرو شدیم.

فشار جمعیت ما را از این سو به آن سو می کشاند تا این که به درِ حرم رسیدیم؛ اما ناگهان من احساس کردم که اطرافم خالی است و هر چه جلو رفتم، پیرامونم خلوت ترمی شد و بدون مزاحمت و فشارِ جمعیت به پنجره های ضریح مقدس رسیدم و مشاهده کردم که درون ضریح، شخصی ایستاده است.

بی اختیار تعظیم و سلام کردم. آن

حضرت با لبخند جواب سلام مرا داد و فرمود: چه می خواهی؟

من هر چه پیش تر در ذهنم بود، یکباره از ذهنم رفت و هر چه خواستم بگویم که چه می خواهم چیزی به ذهنم نیامد. فقط یک مطلب به ذهنم آمد و در محضر حضرت گفتم و آن این بود که من شنیده ام در قرآن آمده است: همه موجودات خدا را تسبیح می گویند! وقتی آن مطلب را عرض کردم، فرمود: به تو نشان می دهم.

بعد بی اختیار از حرم بیرون آمدم، باز احساس کردم که پیرامونم خلوت است و کسی مزاحم من نمی شود، خدا حافظی کردم و از حرم خارج شدم اما مبهوت مانده بودم.

وقتی از حرم خارج و به صحن وارد شدم، حالتی به من دست داد که می شنیدم هر چه پیرامون من وجود دارد از در و دیوار و درخت و زمین و آسمان همه تسبیح می گویند.

با مشاهده این صحنه، دیگر چیزی نفهمیدم و بی هوش به روی زمین افتادم، پس از به هوش آمدن خود را در اتاقی بر روی تختی دیدم که عده ای آب به صورتم می ریختند تا به هوش آیم.

پس از آن واقعه، متوجه شدم که در عالم، حقیقتی وجود دارد و آن حقیقت در این جااست و انسان می تواند به مقامی برسد که مرگ و زندگی برای او یکسان باشد و مرگ نداشته باشد و همچنین پی بردم که قرآن راست می گوید که همه چیز تسبیح گوی خداست.

از این جریان چنین نتیجه می گیریم که مردم هر چند در دنیا و مادیات غرق شده باشند، اگر از آن دل ببرند و به راستی جویای راه هدایت شوند، راهنمایان الهی از آنان دستگیری می کنند؛ همان گونه که در این جریان، حضرت امام رضاعلیه السلام دو جوان مسیحی را به راه راست راهنمایی نمودند.

آری؛

اگر انسان برای پیدا کردن راه، صداقت داشته باشد؛ گرچه مدّتی به بی راهه رود، سرانجام راهنمایی شده و راه اصلی را پیدا می کند.

با اطمینان و یقین می توان گفت: اگر در آنچه تاکنون خوانده اید، دقت و توجه کرده باشید، در فکر و اندیشه شما تأثیر نیکویی داشته است.

بنابراین تا می توانید هنگام زیارت، توجه بیشتری داشته باشید و عظمت حضرت امام رضاعلیه السلام را - که ولایت بر ما سوی الله دارند و حجت خداوند در زمین تا کهکشان ها و... می باشند - به خاطر داشته باشید.

لحظه هایی را که در بارگاه آن حضرت و در حضورشان هستید غنیمت بشمارید و بدانید حضرت امام رضاعلیه السلام از شما چه انتظاری دارند! و با دعا نمودن برای هرچه زودتر فرارسیدن دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه، وظیفه خود را انجام داده و به این وسیله، لطف و عنایت حضرت امام رضاعلیه السلام را به خود بیشتر کنید.

از خداوند بزرگ و مهربان می خواهیم که این اثر را قبول نموده و مؤثر فرماید و از امام رئوف حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام و حضرت بقیه الله الأعظم امام زمان ارواحنا فداه طلب عفو و رأفت نموده و اگر تألیف این کتاب از ثواب برخوردار باشد، آن را به شفیع روز جزا اخت الرضا حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که ریزه خواری از ریزه خواران خوان آن خاتون دو عالم هستم، هدیه می نمایم.

ملتمس دعا

مرتضی مجتهدی سیستانی

۱) هشت سوره ای که انتخاب نمودیم، به این مناسبت است که دستور خواندن آن ها در روایاتی که در این کتاب نقل گردیده، وارد شده است.

۲) در اینجا مطالبی را تحت عنوان ارقام از یک تا چهارده به تعداد چهارده معصوم علیهم السلام می آوریم.

۳) دو چشمه: خورشید و ماه.

(۴)

دو برادران: دو ستاره درخشان در قطب شمال که آن‌ها را به عربی «فرقدان» گویند.

(۵) دوبیتی: شعری مرگب از چهار مصرع، که مطلب کاملی را بیان کند.

(۶) برای توضیح بیشتر رجوع کنید به: «اسرار موفقیت ج ۲ ص ۲۵۵» از مؤلف این کتاب.

(۷) موالید سه گانه: گیاه، حیوان و انسان.

(۸) چهار عمل اصلی: جمع و تفریق و ضرب و تقسیم.

(۹) نسب اربعه: ۱ - تساوی، ۲ - عموم و خصوص مطلق، ۳ - عموم و خصوص من وجه، ۴ - تباین.

(۱۰) علل چهار گانه: ارسطو تقسیم بندی علل را به این صورت بیان کرد: ۱ - علت فاعلی، ۲ - علت غایی، ۳ - علت مادی، ۴ - علت صوری.

(۱۱) بحار الأنوار: ۶۵/۶۱ و ۱۰۶.

(۱۲) شش طاق پادشاهی: نوعی از خیمه پادشاهان که دارای شش گوشه بوده است.

(۱۳) هفت چشمه بهشت طبق نقلی عبارتند از: کوثر، کافور، میم، سلسبیل، تسنیم، معین و زنجبیل.

(۱۴) اصحاب کهف را «هفت تنان» گویند که به نقلی عبارتند از: یملیخا، مگشلینیا، مشلیتیا، مرنوش، دبرنوش، شادنوش و مرطونش.

(۱۵) عجایب هفتگانه جهان عبارتند از: دو مقبره (اهرام مصر و آرامگاه موزله)، دو مجسمه، یک معبد، یک فانوس دریایی و باغ‌های معلق بابل.

(۱۶) خاتون هفت قلعه: ستاره زهره.

(۱۷) طالیقون یا هفت جوش: فلز محکمی است که از ترکیب هفت فلز ساخته می‌شود، آن‌ها عبارتند از: طلا، نقره، مس، قلع، سرب، آهن و روی.

(۱۸) هشت طبع عبارتند از: حار، بارد، یابس، رطب، حار رطب، حار یابس، بارد رطب و بارد یابس.

(۱۹) هشت بستان بهشت، کنایه از هشت رتبه بهشت است که عبارتند از: خُلد، دار السلام، دار القرار، جنت عدن، جنّهمأوی، جنة النعیم، علیین و فردوس.

(۲۰) هشت گنج، نام گنج‌های هشتگانه خسرو پرویز است

که عبارت بودند از: گنج فردوس، گنج بادآورد، دیبه خسروی، گنج افراسیاب، گنج سوخته، گنج خضراء، گنج شاه آور و گنج بارد.

(۲۱) در قدیم هفت ستاره معروف: زهره، مشتری، مریخ و... را دارای هفت فلک می دانستند و قائل به دو فلک دیگر (فلک اطلس و فلک الأفلاک) نیز بودند، مجموع آن ها را نُه فلک، نُه سپهر نیلی و نُه طارم کبود می نامیدند.

(۲۲) در این قسمت هر یک از حروف الفباء به ترتیب، به وسیله کلمه ای که در اوّل آن قرار گرفته اند، هشت بار - به نام امام هشتم علیه السلام - تکرار شده اند.

(۲۳) نام کتابی است از مؤلف، پیرامون شکوفایی عقل و اندیشه، پیشرفت دانش و بینش، توسعه اقتصادی و... در حکومت آینده جهان با نکته های تازه، مهم و حیاتی.

(۲۴) سی لحن باربد: چند سرود است که باربد - موسیقی دان معروف دوره ساسانی - برای خسرو پرویز می نواخت و آن ها را می خواند.

(۲۵) عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۱۶۲/۲، بحار الأنوار: ۱۴۲/۴۹.

(۲۶) بحار الأنوار: ۲۵/۷۰.

(۲۷) بحار الأنوار: ۵۹/۷۰.

(۲۸) بحار الأنوار: ۶۴/۷۰.

(۲۹) سوره حشر، آیه ۱۹.

(۳۰) بحار الأنوار: ۱۲۰/۵۱.

(۳۱) هزاران جمع هزار: بلبل و عندلیب.

(۳۲) سوره بقره، آیه ۲۰۶.

(۳۳) جامع أحادیث الشیعه: ۳۱۱/۷.

(۳۴) وسائل الشیعه: ۴۴۱/۱۱.

(۳۵) مستدرک الوسائل: ۳۵۷/۱۰.

(۳۶) الدعوات: ۲۴۸.

۳۷) جامع أحاديث الشيعة: ۳۰۲/۱۹، وسائل الشيعة: ۱۱۴۳/۴. (احاديث در اين مورد بسيار فراوان است و دعاهائي كه از آن بزرگواران صادر گشته بر آن دلالت دارد، زيرا در آن ها توسل به ايشان زياد وارد شده است.)

۳۸) سوره اعراف، آيه ۱۸۰.

۳۹) جامع أحاديث الشيعة: ۲۹۷/۱۹.

۴۰) هديّۀ الزائرین وبهجة الناظرين: ۱۹۰.

۴۱) بحار الأنوار: ۳۹/۱۰۲ ح ۳۸.

۴۲) عجائب زياره الإمام الرضا عليه السلام: ۲۵.

۴۳) وسائل الشيعة: ۴۳۶/۱۰.

۴۴) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ۲۹۲/۲.

۴۵) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ۲۵۸/۲، وسائل

الشيعة: ٤٣٦/١٠.

(٤٦) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٦٢/٢، وسائل الشيعة: ٤٣٥/١٠.

(٤٧) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٦١/٢، وسائل الشيعة: ٤٣٥/١٠ و ٤٣٧.

(٤٨) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٦٣/٢، وسائل الشيعة: ٤٣٥/١٠، بحار الأنوار: ٣٥/١٠٢ ح ١٧ و ١٩.

(٤٩) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٦٤/٢، وسائل الشيعة: ٤٣٨/١٠.

(٥٠) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٦٣/٢، بحار الأنوار: ٣٥/١٠٢.

(٥١) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٥٩/٢، وسائل الشيعة: ٤٣٥/١٠ و ٤٣٧، بحار الأنوار: ٣٧/١٠٢.

(٥٢) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٦٤/٢، وسائل الشيعة: ٤٣٨/١٠، بحار الأنوار: ٣٨/١٠٢.

(٥٣) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٥٨/٢، وسائل الشيعة: ٤٣٣/١٠.

(٥٤) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٦٠/٢، بحار الأنوار: ٣٢/١٠٢، وسائل الشيعة: ٤٣٦/١٠.

(٥٥) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٦٦/٢، بحار الأنوار: ٣٤/١٠٢.

(٥٦) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٦٤/٢، وسائل الشيعة: ٤٤٦/١٠.

(٥٧) وسائل الشيعة: ٤٤٤/١٠، بحار الأنوار: ٣٣/١٠٢.

(٥٨) وسائل الشيعة: ٤٣٩/١٠، بحار الأنوار: ٣٦/١٠٢.

(٥٩) وسائل الشيعة: ٤٣٩/١٠ و ١٠٧٣/٤، بحار الأنوار: ١٩٨/٨٦.

(٦٠) وسائل الشيعة: ٤٤١/١٠، بحار الأنوار: ٣٦/١٠٢.

(٦١) شوخكين: چركين.

(٦٢) رك: كشكول امامت: ٣٥٦/٣.

(٦٣) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ١٨٢/٢، بحار الأنوار: ٩٠/٤٩.

(٦٤) بحار الأنوار: ١٠١/٤٩.

۶۵) بحار الأنوار: ۱۰۵/۴۹.

۶۶) مستدرک الوسائل: ۱۰۲/۹ و ۱۴۰.

۶۷) قطره ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام: ۶۱۵/۱ به نقل از تفسیر امام عسکری علیه السلام: ۳۲۳ ح ۱۷۰، بحار الأنوار: ۴۱۶/۷۵ ضمن ح ۶۸ و مدینه المعاجز: ۱۰۰/۷ ح ۱۰۲.

۶۸) دعبل شاعر امام رضاعلیه السلام: ۲۴۵.

۶۹) دعبل گوید: زمانی که از خلیفه فرار کرده بودم، شبی در نیشابور تنها بیتوته کردم و تصمیم گرفتم در آن شب قصیده ای برای عبداللّه بن طاهر بگویم. همین که در فکر آن بودم - در حالی که در را بر روی خود بسته بودم - شنیدم صدائی بلند شد: «السّلام علیک، یرحمک اللّهُ»، بدنم به لرزه درآمد و حالت عظیمی بر من دست

داد، صاحب آن صدا به من گفت: نترس خداوند تو را عافیت دهد، من مردی از برادران تو از جنّ از ساکنین یمن هستم، بر ما شخصی از اهل عراق وارد شد و قصیده تو را - «مدارس آیات» - برای ما خواند، من دوست داشتم که قصیده تو را از خودت بشنوم.

دعبل گوید: من قصیده را برای او خواندم و او چنان گریست که بر زمین افتاد. سپس گفت: خدا تو را رحمت کند، آیا حدیثی برایت بگویم که بر تبت تو بیفزاید و در تمسک به مذهب تو را کمک نماید؟ گفتم: بلی، حدیث کن.

گفت: مدّتی نام جعفر بن محمد علیهما السلام را می شنیدم، در مدینه به خدمتش رفتم شنیدم که فرمود: حدیث کرد مرا پدرم از پدرش از جدّش این که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «علیّ و شیعه هم الفائزون»؛ «علی و شیعه او فیروز و رستگارانند».

پس با من وداع کرد و خواست برود. گفتم: خدا تو را رحمت کند نام خود را به من بگو. گفت: منم ظبیان عامر.

نظیر این داستان از دعبل در «دار السلام عراقی» نقل شده است. (کشکول امامت: ۹۵/۱)

جریان بسیار جالب دیگری برای دعبل درباره قصیده تائیه واقع شده است که آن را نیز نقل می کنیم:

شیخ طریحی در کتاب «منتخب» از ثقات، از ابی محمّد کوفی نقل کرده که دعبل خزاعی گفت: چون از شهر مرو از خدمت حضرت امام رضا علیه السلام برگشتم، وارد شهر ری شدم. در شبی از شب ها در منزل خود تنها نشسته بودم و قصیده تائیه خود را اصلاح می کردم تا آنکه بعض شب گذشت، ناگاه آواز دقّ الباب بلند شد. پرسیدم: کوبنده در کیست؟ گفت: شخصی از

برادران تو. پس به نزدیک در دویدم و گشودم، شخصی داخل گردید که از مشاهده او بدنم لرزید و نفسم مقطوع گردید. پس در گوشه ای نشست و به سوی من نگریست و گفت: نترس، من برادر تو از طائفه جن هستم و در روز ولادت تو متولد شده ام و با تو بزرگ گردیده ام و آمده ام برای تو حدیثی نقل کنم که باعث خوشحالی تو گردد و اعتقاد تو را قوی گرداند و بصیرت تو را زیاد نماید.

چون این را شنیدم دلم ساکن گردید و نفسم برگشت. پس گفتم: ای دعبل؛ بدان که بغض و عداوت من به علی بن ابی طالب علیه السلام از سایر آفریدگان خدا شدیدتر بود تا آنکه با جماعتی از طایفه جن - که سرکش و بدکار بودند - بیرون رفتیم، پس عبور ما بر جمعی افتاد که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می رفتند، تاریکی شب ایشان را فرو گرفته بود و ما اراده نمودیم که ایشان را اذیت کنیم.

چون نگاه کردیم ملائکه را دیدیم که در طرف آسمان ایستاده و ما را از اذیت کردن آنها منع می نمایند و دیدیم ملائکه دیگر را که بر زمین ایستاده اند و ایشان را از هوام زمین منع می نمایند. چون این کرامت را مشاهده کردم گویا خواب بودم و بیدار شدم، و غافل بودم هشیار گردیدم، و دانستم که این کرامات نیست مگر از برکات آن کسی که به زیارت قبر او می روند و قصد او را کرده اند، پس از اعمال بد خود و آن اراده قبیحه پشیمان شدم و توبه نمودم و با ایشان به زیارت قبر امام حسین علیه السلام مشرف شدم و با آن ها در همان سال به حج رفتم و

قبر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم را زیارت نمودم.

در مسجد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم مردی را دیدم که جماعتی بر اطراف او بودند و چون از نام او پرسیدم، گفتند: این پسر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم جعفر بن محمد الصادق علیه السلام است. چون این سخن شنیدم به نزد آن حضرت و خدمت آن سرور رسیدم و بر او سلام کردم و جواب شنیدم.

حضرت فرمود: «مرحباً بک یا أخوا أهل العراق؛ آیا بخاطر داری آن شب خود را در بطن کربلا و آن کرامت را که از خدادر خصوص اولیاء او مشاهده کردی؟ به درستی که خدا توبه تو را قبول نمود و گناه و خطای تو را آمرزید.

عرض کردم: حمد خداوند را که به معرفت شما بر من منت گذاشت و دل مرا به نور هدایت شما نورانی گردانید و مرا از متمسکین به ریسمان ولایت شما قرار داد، یابن رسول الله؛ از برای من حدیثی ذکر کن که آن را هنگام بازگشت، هدیه و تحفه قوم خود نمایم.

آن حضرت فرمود: روایت فرمود پدرم از پدر خود علی بن الحسین علیهما السلام، از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام، از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که فرمود: «یا علی؛ الجنة محرمة علی الأنبياء حتی أدخلها، و علی الأوصیاء حتی تدخلها، و علی الأمم حتی تدخل أمتی، و علی أمتی حتی تقرؤا بولایتک و تدینوا بامامتک، یا علی؛ و الذی بعثنی بالحق نبیاً؛ لا يدخل الجنة إلا من أخذ منك بنسب أو سبب.

یا علی؛ بهشت بر پیغمبران حرام است تا آنکه من داخل شوم، و بر اوصیاء پیغمبران حرام است تا آنکه تو داخل شوی، و بر ائمتها حرام است تا آنکه ائمت تو

داخل شوند، و بر ائمت تو حرام است تا آنکه اقرار به ولایت تو نمایند و اعتقاد به امامت تو داشته باشند. یا علی؛ قسم به آن کسی که مرا به حقیقت به پیامبری برگزیده؛ داخل بهشت نمی شود مگر کسی که نسب یا سبب از تو اخذ نماید.

دعبل گوید: بعد از آن گفت: ای دعبل؛ این را بگیر که دیگر مثل آن را از مثل من نخواهی شنید.

این بگفت و در زمین فرو رفت و دیگر او را ندیدم. (کشکول امامت: ۹۶/۱)

(۷۰) بحار الأنوار: ۱۵۴/۵۱ و ۲۳۷/۴۹، عیون اخبار الرضاعیه السلام: ۲۶۹/۲، بهجه النظر: ۱۲۱.

(۷۱) برادر دعبل از حضرت امام رضاعیه السلام روایت کرده است که در ضمن حدیثی فرمود: آن حضرت پیراهنی از خز (پشم نرم و نازک) به عنوان خلعت به دعبل بخشید و به او فرمود: «احتفظ بهذا القمیص فقد صلّیت فیه ألف لیله کلّ لیله ألف رکعه، و ختمت فیه القرآن ألف ختمه»؛ «این پیراهن را نگهداری کن که من هزار شب، هر شب هزار رکعت در آن نماز خوانده ام و در آن هزار ختم قرآن نموده ام».

نجاشی به سند خود این حدیث را از حضرت امام رضاعیه السلام روایت کرده است با این تفاوت که گفت: حضرت امام رضاعیه السلام پیراهنی سبزرنگ از جنس خز خلعت داد و انگشتری با نگین عقیق بخشید. (وسائل الشیعه: ۷۳/۳)

لباسی را که حضرت امام رضاعیه السلام به دعبل هدیه کرده بودند، مردم قم به زور گرفتند و به او سی هزار درهم با یک آستین از آن لباس دادند. (دعبل شاعر امام رضاعیه السلام: ۵۸)

علامه مجلسی رحمه الله در کتاب «شرح تائیه دعبل خزاعی» چنین می گوید: دعبل کنیزی داشت که او را بسیار

دوست می داشت، و رمد عظیمی در هر دو چشم او به هم رسید، چون أطبًا و کَحَّالان، چشم های او را ملاحظه کردند گفتند که چشم راستش از بین رفته است، آن را نمی توانیم علاج کنیم، ولی چشم چپش را معالجه می کنیم و امید هست که خوب شود.

دعبل از این واقعه بسیار غمگین شد و جزع بسیار کرد تا به خاطرش رسید که بقیه لباس مبارک حضرت امام رضاعلیه السلام با او هست، پناه به آن قطعه لباس برد، و آن را بر دیده های جاریه مالید، و قدری از آن جامه شریف را در اوّل شب به عنوان عصابه بر دیده های او بست. چون صبح شد به برکت جامه آن حضرت، دیده های جاریه خوب شد و بیناتر از اوّل گردید. (دعبل شاعر امام رضاعلیه السلام: ۵۳)

(۷۲) شاید مقصود، امام عسکری علیه السلام باشد ولی به قرینه جمله های بعد اشاره به امام زمان علیه السلام است.

(۷۳) بحار الأنوار: ۱۵۲/۵۱.

(۷۴) منتهی الآمال: ۱۱۷۶.

(۷۵) این دعا را در «بخش نهم: ص ۲۲۳» نقل می کنیم.

(۷۶) سوره سبأ، آیه ۱۳.

(۷۷) منتهی الآمال: ۹۲۸.

(۷۸) یکی از موارد ظلم و ستمی که بر اهل بیت علیهم السلام روا شده است، کم توجهی و یا بی توجهی بسیاری از افراد به متن دعاها و زیاراتی می باشد که از خاندان وحی علیهم السلام وارد شده است. با توجه و دقت در متن دعاها و زیارات، به معارف و عقاید مهمی دست می یابیم که چه بسا مانند آن ها در روایات اندک است. با اینهمه، متأسفانه برخی از افراد به دعاها و زیارت هافقط از جنبه ثواب آن ها می نگرند و به آثار مهم دیگر آن توجهی نمی کنند.

(۷۹) سوره جن، آیه ۲۶.

(۸۰) علم غیب: ۲۲ به نقل از بحار الأنوار: ۷۳/۴۹.

(۸۱) بحار الأنوار: ۱۷۳/۴۹.

سوره صف، آیه ۸.

(۸۳) عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲/۲۱۵.

(۸۴) پیروزی امام عصر عجل الله تعالی فرجه بر سراسر جهان، عوامل گوناگونی دارد که یکی از آن ها جنگ است. جنگ و ستیز نیز مخصوص کسانی است که به پیکار با آن حضرت برمی خیزند و دیگران مانند پیران، زنان، کودکان و... از آن معاف هستند. متأسفانه دست های ناشناخته برای ترساندن مردم از فرارسیدن حکومت امام زمان ارواحنا فداه عامل پیروزی آن حضرت را فقط جنگ و کشتار میان مردم قلمداد کرده و از سایر عوامل تسخیر جهان حرفی نمی گویند. در این باره رجوع کنید به کتاب دیگر مؤلف: «امام زمان عجل الله تعالی فرجه و تسخیر جهان»

(۸۵) بحار الأنوار: ۲۱/۴۴ و ۲۸۰/۵۲.

(۸۶) منتهی الآمال: ۹۱۰.

(۸۷) قطره ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام: ۲/۶۸۳ به نقل از الثاقب فی المناقب: ۴۹۳.

(۸۸) بحار الأنوار: ۳۱۲/۲۱ و ۳۱۲/۲۶.

(۸۹) در زمان گذشته در خیابان شیرازی، جوی آب وجود داشت.

بخش اول

هشت نماز زیارت

در این بخش، هشت نماز از نمازهای زیارت را که بعضی از آن ها مخصوص حرم حضرت امام رضاعلیه السلام و برخی دیگر در حرم های سایر معصومین علیهم السلام نیز خوانده می شود نقل می کنیم:

نماز اول

پس از زیارت، دو رکعت نماز زیارت در حرم حضرت امام رضاعلیه السلام بخوانید؛ در رکعت اول پس از «حمد» سوره «یس» و در رکعت دوم پس از «حمد» سوره «الرحمن» را بخوانید.

آداب قبل از نماز و پس از آن را در زیارت اول در «بخش زیارت های حضرت امام رضاعلیه السلام» می آوریم.

نماز دوم

پس از زیارت، دو رکعت نماز بخوانید با هر سوره ای که می خواهید سپس سایر آداب زیارت را انجام دهید. آداب آن را در زیارت دوم، سوم و هفتم در «بخش زیارت های حضرت امام رضاعلیه السلام» می آوریم.

این نماز را در زیارت سایر ائمه علیهم السلام نیز می توانید بخوانید.

نماز سوم

پس از زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام، دو رکعت نماز بخوانید و در رکعت اول، پس از «حمد» سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» را پنجاه مرتبه یا کمتر، و در رکعت دیگر هر سوره که خواستید بخوانید.

آداب قبل و بعد از این نماز را در زیارت ششم در «بخش زیارت های حضرت امام رضاعلیه السلام» می آوریم.

نماز چهارم

مرحوم شیخ مفید در کتاب «الإشراف» می نویسد: نماز زیارت، دو رکعت است؛ در رکعت اول پس از «حمد» سوره «الرحمن»، و در رکعت دوم پس از «حمد» سوره «یس» خوانده می شود. (۱)

خواندن این نماز که در رکعت اول سوره «الرحمن» و در رکعت دوم سوره «یس» خوانده شود، اختصاص به زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام ندارد و آن را در حرم های مطهر سایر ائمه علیهم السلام نیز می توان خواند.

نماز پنجم

مرحوم شیخ کفعمی فرموده است: دو رکعت نماز در حرم مطهر حضرت امام رضاعلیه السلام (و نیز سایر ائمه علیهم السلام) با هر سوره ای که می خواهید بخوانید، و پس از آن بگویید:

اللَّهُمَّ إِنِّي لَكَ صَبَّيْتُ، وَلَكَ رَكَعْتُ، وَلَكَ سَجَدْتُ، وَحَدَاكَ لَا خَدَاوندَا؛ من برای تو نماز گزاردم، و برای تو رکوع نمودم، و برای تو سجده کردم، یگانه ای تو، شریک لک، لِأَنَّهُ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ إِلَّا لَكَ، شریکی برایت نیست، زیرا که نماز و رکوع و سجود جایز نیست مگر برای تو، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْ عَلِيَّ مِنْهُمْ مُحَمَّدَ هَسْتِي كِه خدایي جز تو نیست. خداوندَا؛ بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ السَّلَامِ وَالتَّحِيَّةِ، وَارْزُقْ عَلِيَّ مِنْهُمْ مُحَمَّدَ درود فرست، و از من برترین سلام و تحیت بر آنان برسان، و برگردان به من از آنان السَّلَامِ وَالتَّحِيَّةِ. اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةً مِنِّي إِلَى سَيِّدِي سَلَامٍ وَتَحِيَّةً رَا. خداوندَا؛ این دو رکعت هدیه ای از من برای سَيِّدِ وَمَوْلَايَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. (۲) اللَّهُمَّ صَلِّ وَ مَوْلَايِم عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا اسْتِ كِه بر آن دو سلام و درود باد. خداوندَا؛ بر عَلِيٍّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي، وَأَجْزِنِي عَلَيْهِمَا أَفْضَلَ أَمَلِي مُحَمَّدٍ وَآلِ او درود فرست، و این دو (رکعت) را

از من قبول فرما، و بر این دو رکعت (پاداش ده به من برترین آرزو و رجائی فیک و فی ولئک، یا ولئ المؤمنین. (۳)

و امیدم را که به تو و به ولایت دارم، ای ولی مؤمنان.

انماز زیارت

به نیابت از عده ای از افراد

نماز زیارت در سفر نیابتی

در کتاب «فی الزیارات والأدعیه» می نویسد: سید بن طاووس رحمه الله در «مصباح الزائر» فرموده است:

اگر بخواهید یکی از امامان علیهم السلام را از طرف همه برادران مؤمن یا گروه مخصوصی از آنان زیارت کنید، به نیابت از طرف آنان نیت زیارت نموده و آن امام را با یکی از زیارات، زیارت کنید و پس از آن، دو رکعت نماز زیارت بخوانید و سپس بگویید:

اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذِهِ الزِّيَارَةَ، وَصَلَّيْتُ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ... (۵). (۴) خداوند! من این زیارت را انجام دادم، و این دو رکعت (نماز) را خواندم.

نماز زیارت به نیابت از شخص خاص

در آن کتاب نقل کرده است: اگر بخواهید به نیابت از شخص خاصی زیارت کنید، پس از نیت زیارت، به نیابت از طرف او بگویید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ أَتَيْتُكَ زَائِرًا عَنْهُ، سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ وَلِيَّ خَدَا، از طرف فلانی فرزند فلانی، به محضرت شرفیاب شده ام، تا از طرف او زیارت کنم، فَاشْفَعْ لَهُ عِنْدَ رَبِّكَ، وَأَجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ.

پس برای او نزد پروردگارت شفاعت کن، و مرا بر این کار پاداش ده.

پس دو رکعت نماز زیارت به نیابت از او بخوانید و سپس بگویید:

اللَّهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ سَجَدْتُ... (۷). (۶)

خداوند! برای تو نماز خواندم و برای تو رکوع نمودم و برای تو سجده کردم.

نماز زیارت در سفر نیابتی

و نیز در آن کتاب نقل کرده است: اگر از اول سفر زیارت، نایب کسی باشید و بخواهید زیارت مختصری انجام دهید، کافی

است که پس از نیت زیارت از طرف آن شخص، امام را با یکی از زیارت های مخصوصه زیارت کنید، و بعد از آن، دو رکعت نماز زیارت بخوانید و سپس بگویید:

اَللّٰهُمَّ مَا اَصَابَنِيْ مِنْ تَعَبٍ اَوْ نَصَبٍ اَوْ سَعَبٍ اَوْ لُغُوْبٍ، فَاَجْرِ خَدَاوَنَدَا؛ در مقابل رنج و ناراحتی و گرسنگی و خستگی که در این سفر به من رسیده، فُلَانٌ بِنِ فُلَانٍ عَلَيْهِ... (۹). (۸)

فلانی فرزند فلانی را پاداش بده.

نماز حاجت در حرم امام رضا علیه السلام

بخش دوم

هشت نماز حاجت

در این بخش، هشت نماز از نمازهایی را که در ارتباط با حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام و درخواست حاجت است، نقل می کنیم:

نماز حاجت در حرم حضرت امام رضا علیه السلام

صقر بن دلف گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که فرمود:

هر کسی حاجتی به درگاه الهی داشته باشد باید مرقد منور جدم حضرت امام رضا علیه السلام را در طوس در حالی که غسل کرده باشد زیارت کند، در طرف بالاسر آن حضرت دو رکعت نماز بخواند و حاجت خود را در قنوت نمازش از خداوند بخواهد که اگر در مورد قطع رحم و گناه نباشد آن دعا به اجابت خواهد رسید.

و بدون تردید محلّ قبر آن حضرت، بقعه ای است از بقعه های بهشت، هیچ مؤمنی آنجا را زیارت نمی کند مگر این که خداوند او را از آتش دوزخ رهایی می بخشد و در بهشت که جایگاه ابدی است ساکن می گرداند. (۱۰)

نماز حاجت از امام رضا علیه السلام

نماز حاجت یا نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است

سید بن طاووس رحمه الله به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از آن حضرت، از نماز جناب جعفر طیار سؤال کردند. حضرت فرمودند:

چرا از نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم غافلید؟ شاید حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نماز جعفر را انجام

نداده باشد و شاید جعفر نماز آن حضرت را انجام نداده باشد.

راوی گفت: پس آن نماز را به من بیاموزید.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

دو رکعت نماز بجا می آوری، در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و پانزده مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» می خوانی، و در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجده اول و بعد از سر برداشتن، و در سجده دوم و بعد از سر برداشتن؛ هر یک پانزده مرتبه سوره «قدر» را می خوانی، سپس تشهد خوانده و بعد از آن سلام می گویی.

و چون فارغ شوی میان تو و خدا گناهی نمی ماند مگر آنکه

آمرزیده می شود و هر حاجت که بطلبی رواست و بعد از آن، این دعا را می خوانی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ... (۱۲). (۱۱)

مرحوم علامه مجلسی فرموده: این نماز از نمازهای مشهور است و عامه و خاصه در کتب خود روایت کرده اند و بعضی آن را از نمازهای روز جمعه شمرده اند و از روایت، اختصاصی معلوم نمی شود و ظاهراً در سایر روزها نیز می توان انجام داد. (۱۳)

نماز حاجت، از حضرت امام رضا علیه السلام

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند:

هر گاه دچار امر دشواری شدی، دو رکعت نماز بخوان؛ در یک رکعت «حمد» و «آیه الکرسی» و در رکعت دیگر «حمد» و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، سپس قرآن را بردار و بالای سر خود قرار بده و بگو:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ اِلَى خَلْقِكَ، وَبِحَقِّ كُلِّ اَيَةٍ فِيهِ، وَبِحَقِّ خَدَاوْنَدَا؛ به حَقِّ كَسِي كِه اَو رَا بَسُو ي اَفْرِي دْ كَا نَت فَرَسْتَا دِي، وَ بَه حَقِّ هَر اَيَه اِي كِه دَر اَن اَسْت، وَ بَه حَقِّ كُلِّ مَنْ مَدَحْتَهُ فِيهِ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَيَّ، وَلَا نَعْرِفُ اَحَدًا اَعْرَفَ هَر كَسِي كِه اَو رَا دَر اَن مَدَح وَ ثَنَا ء كَفْتِي وَ بَه حَقِّ تُو بَر اَو، وَ كَسِي رَا نَمِي شَنَا سِي م كِه اَشْنَا تَرِ بِحَقِّكَ مِنْكَ، دَه مَرْتَبَه: «يَا سَيِّدِي يَا اَللّٰهُ»، دَه مَرْتَبَه: بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، دَه بَه حَقِّ تُو اَز خُو دَت بَاشَد. اِي سُرُو ر مَن؛ اِي خَدَا؛ بَه حَقِّ حَضْرَت مُحَمَّد صَلِي اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، مَرْتَبَه: بِحَقِّ عَلِيٍّ، دَه مَرْتَبَه: بِحَقِّ فَاطِمَه، دَه مَرْتَبَه: بِحَقِّ الْحَسَنِ، دَه بَه حَقِّ حَضْرَت عَلِي عَلَيْهِ السَّلَام، بَه حَقِّ اِمَام حَسَن عَلَيْهِ السَّلَام، مَرْتَبَه: بِحَقِّ الْحُسَيْنِ، دَه مَرْتَبَه: بِحَقِّ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، دَه مَرْتَبَه: بِحَقِّ بَه حَقِّ اِمَام حَسِي ن عَلَيْهِ السَّلَام، بَه حَقِّ اِمَام سَجَاد عَلَيْهِ السَّلَام، بَه حَقِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، دَه مَرْتَبَه: بِحَقِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ،

ده مرتبه: بِحَقِّ امام مُحَمَّد باقر علیه السلام، به حَقِّ امام جعفر صادق علیه السلام، به حَقِّ ا. زاد المعاد: ۵۱۶.

مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، ده مرتبه: بِحَقِّ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، ده مرتبه: بِحَقِّ امام كاظم علیه السلام، به حَقِّ امام رضا علیه السلام، به حَقِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، ده مرتبه: بِحَقِّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، ده مرتبه: بِحَقِّ امام جواد علیه السلام، به حَقِّ امام هادی علیه السلام، به حَقِّ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، ده مرتبه: بِحَقِّ الْحُجَّهِ.

امام حسن عسکری علیه السلام، به حَقِّ حضرت حجت علیه السلام.

(و اگر چنین کردی) پیش از آنکه از جای برخیزی، خداوند حاجت را بر آورده می سازد. (۱۴)

نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضا علیه السلام

نیز نماز دیگر برای حاجت

نماز برای کسی که دچار غم و اندوه گشته یا حاجتی به درگاه الهی دارد.

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است:

دو رکعت نماز بجای آور، در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و سیزده مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را بخوان، وقتی که نماز را تمام نمودی در سجده بگو:

اَللّٰهُمَّ يَا فَارِجَ الْهَمِّ، وَيَا كاشِفَ الْغَمِّ، وَمُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، خداوندا؛ ای زداينده اندوه، و ای برطرف کننده غم، و اجابت کننده دعای بیچارگان، یا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَرَحِيمَ الْآخِرَةِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، ای کسی که رحمت در دنیا عام است و مؤمن و کافر را فرامی گیرد و در آخرت خاص است و تنها شامل مؤمن می شود، بر محمّد و آل محمّد درود و آرزوی رَحْمَةً تُطْفِئُ بِهَا عَنِّي غَضَبَكَ وَسَيِّئَاتِكَ، وَتُغْنِيَنِي بِهَا فِرْسَتَ، و به من رحمتی فرست که با آن، آتش خشم و غضبیت را نسبت به من خاموش سازی، و مرا ۱. مستدرک الوسائل: ۳۱۵/۶، مکارم الأخلاق: ۱۱۲/۲، بحار الأنوار: ۳۵۳/۹۱.

عَنْ رَحْمَةٍ مِّنْ سِوَاكَ.

از رحمت دیگران بی نیاز نمایی.

سپس طرف راست صورت را به زمین بگذار و بگو:

يَا مُنْذِلَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَمُعِزِّ كُلِّ

ذَلِيلٌ، وَحَقَّكَ قَدْ بَلَغَ الْمَجْهُودَ ذَلِيلٌ كُنْتُمْ هَرَّ زُورِ كَوِي عِنَادِ بِيْشَه؛ وَ عَزِيْزِ كُنْتُمْ هَرَّ خَوَارِ شَدَه؛ سَوَكُنْدَ بَه حَقِّ تُو كَه دَر اِيْن اَمْر تَاب وَ تُوَان وَ طَاقْتُمْ مِّنِّي فَي اَمْرٍ كَذَا، فَفَرَّجْ عَنِّي.

به پایان رسیده، پس فرجی و گشایشی برای من برسان.

سپس طرف چپ صورت را بر زمین بگذار و همین دعا را بخوان، سپس به سجده بازگرد و همین دعا را بخوان، که خداوند غم و غصه ات را برطرف کند و حاجتت را برآورده فرماید. (۱۵)

نیز نماز دیگر برای حاجت از حضرت امام رضاعلیه السلام

مقاتل بن مقاتل گوید: به حضرت امام رضاعلیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم؛ دعایی برای برآورده شدن حاجت ها به من بیاموزید.

حضرت فرمود:

هنگامی که حاجتی مهم از خداوند داشتی غسل کن و پاکیزه ترین لباس هایت را بپوش و خود را خوشبو کن، سپس زیر آسمان برو، دو رکعت نماز بجای آور.

وقتی نماز را شروع نمودی، سوره «حمد» را بخوان و سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را پانزده مرتبه تکرار کن، سپس به رکوع برو و در آن پانزده مرتبه، مانند نماز تَسْبِيْح (نماز جناب جعفر طیار) و با همان کیفیت جز اینکه قرائت در اینجا پانزده مرتبه است (۱۶)، پس از نماز سجده کن و در سجده ات بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ كُلَّ مَعْبُوْدٍ مِنْ لَمَدُنْ عَرْشِكَ اِلَى قَرَارِ اَرْضِكَ فَهُوَ خَدَاوَنْدَا؛ هَر مَعْبُوْدِيْ اَز كِنَارِ عَرْشِ تَا قَعْرٍ وَ اَنْتَهَايِ زَمِيْنِ هَر كَجَا كَه بَاشَد بَاطِلٌ سِوَاكَ، فَاِنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبِيْنُ، اِقْضِ لِيْ حَاجَةً كَذَابَا طَلٍ وَ نَارُوا اَسْت؛ جَزْ ذَاتِ مَقْدَسْتِ كَه سَزَاوَارِ پَرَسْتَشِ اَسْت وَ تَنهَا تُو هَسْتِي كَه خَدَاوَنْدَ حَقِّ اَشْكَارِي، حَاجَتِ مَرَا - كَه فَلَانِ وَ كَذَا، اَلْسَاعَةَ السَّاعَةَ.

و فلان است - در همین ساعت، در همین ساعت برآورده ساز.

و نسبت به آنچه می خواهی اصرار و التماس نما (۱۷)، [در «مکارم

از او تولد نیافته و جدا نگشته (وَيُولَدُ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، يَا مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ، فرزند کسی نیست) از چیزی به وجود نیامده و جدا نگشته (و احدی هم شأن او نیست، ای کسی که اینگونه ای و با این اوصافی و غیر اَشْهَدُ أَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ عَزْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ بَاطِلٌ از تو هیچکس اینگونه نیست) و این اوصاف را ندارد، گواهی می دهم که هر معبودی از عرش تا فرش جز ذات مقدس و با عظمت و إِلَّا وَجْهَكَ جَلَّ جَلَالُكَ، يَا مُعَزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ، وَيَا مُيَدَّلَ كُلِّ عَزِيزٍ، بلند مرتبه ات باطل است، ای عزیز کننده هر ذلیل و خوار، و ای ذلیل کننده هر عزیز و قدرتمند، تَعَلَّمَ كُرْبَتِي، فَصَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَرَّجَ عَنِّي.

تو اندوه مرا می دانی، پس بر حضرت (محمد) و آل او درود فرست و مرا گشایش عنایت فرما.

سپس طرف راست صورت را بر خاک نهد و سه مرتبه این دعا را بخواند، پس از آن طرف چپ را بر زمین نهد و سه مرتبه دعا را بخواند.

نماز حاجت در روز جمعه ...

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

وقتی که بنده ای چنین عملی را انجام داد، خداوند حاجت او را بر آورده می سازد، و باید در مورد حاجتش به خدا، به محمد و آل محمد علیه وعلیهم السلام متوسل شود و آن ها را یکی بعد از دیگری نام ببرد. (۱۹)

نماز حاجت در روز جمعه به گونه دیگر

نماز حاجت (مخصوص ازدواج)

این نماز منسوب به حضرت امام رضا علیه السلام است:

هنگامی که حاجتی به درگاه الهی داشتی چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیر، روز جمعه پیش از ظهر رو به سوی خدا آورده و در حالی که غسل کرده ای دو رکعت نماز بجای

آور، در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و پانزده مرتبه سوره «توحید» بخوان، در رکوع و بعد از سر برداشتن از رکوع و در سجده و پس از سر برداشتن از آن، و در سجده دوم هر کدام ده مرتبه «سوره توحید» را؛ طبخوان، پس از آن برخیز و رکعت دوم را مانند رکعت اول انجام بده و در آن قنوت بخوان.

پس از تمام شدن نماز، خدا را زیاد حمد و ستایش نما و بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرست و حاجت دنیا و آخرت خود را از پروردگارت درخواست کن.

و هنگامی که خداوند به لطف خویش حاجتت را برآورده نمود، دو رکعت نماز به عنوان شکر آن بجای آور؛ در رکعت اول سوره «حمد» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، در رکعت دوم سوره «حمد» و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» را بخوان، در رکوع رکعت اول بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا، شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا»؛ و در سجده آن بگو: «شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا»، (و در رکوع و سجده رکعت دوم بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَىٰ حَاجَتِي، وَأَعْطَانِي سُؤْلِي وَمَسْأَلَتِي. (۲۰) سپاس خداوندی را که حاجتم را برآورده نمود، خواسته و درخواست مرا عطا کرد.

نماز حاجت (مخصوص ازدواج)

که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است

این نماز نیز منسوب به حضرت امام رضا علیه السلام است:

هر گاه خواستی ازدواج کنی از خداوند طلب خیر کن و در پی آن برو، سپس دو رکعت نماز بخوان و دست هایت را (برای دعا) بالا ببر و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّزْوِيجَ فَسَيِّئِلْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَحْسَنَ بَهْنٍ خَلَقَ خَدَاوَنَدَا؛ می خواهم ازدواج کنم، پس فراهم کن برای من از زنان؛ نیکوترین آن ها را از جهت نقش و نگار و خلقا، و اعفهن فرجا، و احفظهن نفسا فی و فی مالی، و خلق

و خوی، و پاکدامن ترین آن ها، و حفظ کننده ترین آن ها خود را در مورد من و مال من، وَأَكْمَلَهُنَّ جَمَالًا، وَأَكْثَرَهُنَّ أَوْلَادًا. (۲۱)

و کاملترین آن ها از جهت زیبایی و جمال، و فراوانترین آن ها از جهت آوردن فرزند.

نماز حضرت امام رضاعلیه السلام

بخش سوم

هشت نماز از حضرت امام رضاعلیه السلام

در این بخش، هشت نماز دیگر از حضرت امام رضاعلیه السلام نقل می کنیم:

۱۰

نماز حضرت امام رضا علیه السلام

نماز آن حضرت، شش رکعت است (سه تا دو رکعت)؛ در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و ده مرتبه سوره «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» و پس از تمام شدن نماز، صد مرتبه صلوات می فرستید و دعا نموده و حاجت خود را درخواست می نمایید. (۲۲)

نماز حضرت امام رضاعلیه السلام به روایت دیگر

نماز حضرت امام رضاعلیه السلام شش رکعت است (سه تا دو رکعت)؛ در هر رکعت، یک مرتبه سوره «حمد» و ده مرتبه سوره «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» خوانده می شود. (۲۳)

نیز نماز حضرت امام رضاعلیه السلام به روایت دیگر

نماز آن حضرت، شش رکعت است؛ در هر رکعت بعد از سوره «حمد»، ده مرتبه سوره «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» را قرائت کند و پس از نماز، دعای حضرت علی بن موسی الرضاعلیهما السلام را بخواند:

يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، وَيَا إِلَهِي وَإِلَهَ أَيَّارِ وَهَمْدِ مَنْ دَرَسَخْتِي هَا وَگِرْفَتَارِي هَايِمِ، وَ أَيُّ وَلِيِّ نِعْمَتِ مَنْ، وَ أَيُّ مَعْبُودِ مَنْ وَ مَعْبُودِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، يَا رَبَّ كَهَيْعِصِ وَيَسِ اِبْرَاهِيمَ وَ اِسْمَاعِيلَ وَ اِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ، أَيُّ پُرُودِ گَارِ كَهَيْعِصِ وَ يَسِ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا أَحْسَنَ مَنْ سِئِلَ، وَيَا خَيْرَ مَنْ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ؛ دَرِخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ از تُو أَيُّ نِيكُوتَرِينِ كَسِي كِه مَورِدِ طَلَبِ وَ دَرِخَوَاسْتِ قَرَارِ گِرْفَتِه أَيُّ، وَ أَيُّ بَهْتَرِينِ كَسِي كِه دُعِي، وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، وَيَا خَيْرَ مُرْتَجِي، أَسْأَلُكَ أَنْ خَوَانَدِه شَدِه أَيُّ، وَ أَيُّ بَخْشَنَدِه تَرِينِ كَسِي كِه عَطَا كَنَدِه أَيُّ، وَ أَيُّ بَهْتَرِينِ مَايِه اَمِيدِ، دَرِخَوَاسْتِ مِي كَنَمِ از تُو كِه تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. (۲۴)

بر (حضرت) محمد و آل محمد درود فرستی.

نماز استخاره به گونه دیگر

نماز استخاره

این نماز به حضرت امام رضا علیه السلام منسوب است:

هنگامی که کاری اراده کردی، دو رکعت نماز بخوان و صد و یک مرتبه از خدا طلب خیر کن و هر تصمیمی به نظرت آمد آن را زود انجام بده، و در دعایت بگو:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، رَبِّ خَدَائِي جَزَّ خَدَاوَنَد بَلَنَد مَرْتَبَه بَزْرَكْ نِيَسْت، خَدَائِي جَزَّ خَدَاوَنَد بَرْدَبَار بَزْرَكْوَار نِيَسْت، (ای پروردگار مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ خِرِّ لِي فِي أَمْرِي - كَذَا وَكَذَا - لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، خَيْرَهُمُ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ؛ برای من در مورد فلان کارم آنچه برای دنیا و آخرت خیر است پیش آور، که اختیار آن مِنْ عِنْدِكَ، مَا لَكَ فِيهِ رِضَى وَ

لی فیہ صلاح فی خیرٍ وَعَافِیهِ، از جانب تو باشد، و آنچه خشنودی تو و صلاح من در آن است و مقرون با خیر و عافیت باشد، یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ. (۲۵)

ای دارنده لطف و احسان.

نماز استخاره به گونه دیگر

علی بن اسباط گوید: محضر حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب شدم و از آن حضرت درباره سفرم به مصر سؤال کردم که از طریق دریا روم یا خشکی؟

به من فرمود:

إیتِ مسجد النَّبِیِّ صلی الله علیه وآله وسلم فی غیر وقت صلاه، فصلِّ رکعتین واستخر الله تعالی مائه مرّه، وانظر أی شیء یقع فی قلبک فاعمل به. (۲۶)

به مسجد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در غیر وقت نماز برو، پس دو رکعت نماز بخوان و صد مرتبه از خدا طلب خیر کن، آنگاه بین انجام چه کاری به قلبت الهام می شود، به آن عمل کن.

نماز استسقاء یا طلب باران

نماز هنگام سفر

نماز استسقاء که منسوب به حضرت امام رضا علیه السلام است: این نماز دو رکعت است و اذان و اقامه ندارد، امام جماعت با مردم بیرون می رود و در زیر آسمان دو رکعت نماز می خواند، سپس بر بالای منبر می رود و در حالی که ردای خود را وارونه می پوشد روبه قبله نموده با صدای بلند صد مرتبه تکبیر می گوید.

سپس به طرف راست خود رو کرده و با صدای بلند صد مرتبه تسبیح - یعنی «سُبْحَانَ اللَّهِ» - می گوید و سپس به طرف چپ رو کرده و صد مرتبه با صدای بلند تهلیل - یعنی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» - می گوید، آنگاه رو به مردم نموده و صد مرتبه با صدای بلند «الْحَمْدُ لِلَّهِ» می گوید و پس از آن دست ها را به سوی آسمان بالا می برد و این دعا را می خواند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا خَدَاوِنْدَا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست. خداوندا؛ ما را از بارانی سیراب کن که فریادرسنده مُجَلَّلًا، طَبَقًا مُطْبَقًا جَلَلًا مُونِقًا راجيًا عَمْدًا مُعْدَقًا، طَيِّبًا مُبَارَكًا، فراگیر، پوشاننده، دربرگیرنده، زیبا و پرطراوت،

امیدوارکننده، با قطرات فراوان، پُر آب، پاک، بابرکت، ۱. فتح الأبواب: ۱۴۱، المصباح: ۵۱۵، البلد الأمين: ۲۳۰.

هَاطِلًا مُنْهَاطِلًا مُتْهَاطِلًا رَعْدًا هَيْئًا مَرِيئًا دَائِمًا رَوِيًّا سَرِيعًا، پیاپی، با قطره های درشت، فراخ، گوارا، خوش عاقبت، بادوام، سیراب کننده، شتابان روان، عامًّا مُسْرِبًا نَافِعًا غَيْرَ ضَارٍّ، تُحْيِي بِهِ الْعِبَادَ وَالْبِلَادَ، وَتَثْبُتُ بِهِ فِرَاقِي، گسترده بر روی زمین، سودمند، بدون آسیب. به وسیله آن بندگان و شهرها را زنده گردانی، وَالزَّرْعَ وَالنَّبَاتَ، وَتَجْعَلُ فِيهِ بَلَاغًا لِلْحَاضِرِ مِنَّا وَالْبَادِ. اَللّٰهُمَّ زِرَاعَتِ وَ گِیَاهِ رَا بَرَوِيَانِي، وَ دَرِ اَنِّ قَرَارِ دِهِي رَسَانِدِه بَرَايِ شَهْرِنَشِيْنَانِ وَ بَادِيَه نَشِيْنَانِ. خَدَاوِنْدَا؛ اَنْزَلْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِ سَمَائِكَ مَاءً طَهُورًا، وَ اَنْتَبْ لَنَا مِنْ بَرَكَاتِ اَسْمَانَتِ بَر مَا اَبِي پَاك نَازِل كُنْ، وَ اَز بَرَكَاتِ اَرْضِكَ نَبَاتًا مُسْقِيًا، وَ تَسْقِيهِ مِمَّا خَلَقْتَ اَنْعَامًا وَ اِنَاْسِيَّ كَثِيْرًا. زَمِيْنَتِ گِيَاهِي سِيْرَاب كِنْدِه بَرَايِ مَا بَرَوِيَانِ، وَ چَهَار پَايَانِ وَ مَرْدَمَانِ رَا كِه اَفْرِيْدِه اِي زِيَاد سِيْرَابِ كُنِي. اَللّٰهُمَّ اَرْحَمْنَا بِمَشَايِخِ رُكْعٍ، وَ صِبْيَانِ رُكْعٍ، وَ بَهَائِمِ رُكْعٍ، خَدَاوِنْدَا؛ بَه مَا رَحْمِ كُنْ بَه خَاطِرِ پِيْرَانِ رُكُوْعِ كِنْدِه وَ كُوْدَكَانِ شِيْرخَوَارِ وَ حِيَوَانَاتِ عِلْفَخَوَارِ وَ شَبَّانِ خُضَّعٍ. (۲۷)

و جوانان فروتن.

نماز هنگام سفر این نماز از حضرت امام رضاعلیه السلام نقل شده است:

هر گاه اراده سفر کردی اهل و عیالت را جمع کن و پس از خواندن دو رکعت نماز بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَوِدِعُكَ دِيْنِيْ وَ نَفْسِيْ وَ اَهْلِيْ وَ وُلْدِيْ وَ عِيَالِيْ. (۲۸) خدایا؛ من دینم، خودم، اهل و عیالم و فرزندانم را به تو می سپارم. ۱. فقه الرضاعیه السلام: ۱۵۳، بحار الأنوار: ۳۳۳/۹۱ ح ۱۸.

۲. فقه الرضاعیه السلام: ۳۹۹، مستدرک الوسائل: ۱۲۹/۸.

نماز جناب جعفر طیار

نماز جناب جعفر طیار

حضرت امام رضاعلیه السلام از پدر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده اند که شخصی از امام صادق علیه السلام از نماز تسبیح - نماز جعفر طیار - سؤال کرد، آن حضرت فرمود:

این نماز، عطا و بخششی بزرگ است.

پدرم از جدّم حضرت علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

چون جعفر بن ابی طالب از سرزمین حبشه بازگشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نزدیک استراحتگاه خود در خیبر با او ملاقات کرد، و هنگامی که جعفر آن حضرت را دید با سرعت و شتابان آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم با او معانقه کرد و از دیدارش خوشحال شد و با او گفتگو کرد، سپس بر ناقه خود سوار شد و او را سوار کرد و چون مرکب براه افتاد به طرف جعفر رو کرد و فرمود:

ای جعفر؛ ای برادر؛ آیا هدیه ای به تو ندهم؟ عطائی تو را نبخشم؟ تو را برنگزینم؟

مردم که این گفتار را شنیدند گمان کردند که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم هم اکنون به او مال فراوانی خواهد داد، چون خداوند پیروزی را در جنگ خیبر نصیب پیامبر کرده و غنیمت فراوانی بدست آمده بود.

جعفر عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت؛ عنایت کنید.

آنگاه رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم نماز تسبیح را - که به نماز جعفر طیار معروف است - به ایشان

به حضرت امام رضا علیه السلام منسوب است که فرمودند:

بر تو باد به نماز جعفر بن ابی طالب؛ زیرا در آن، فضل و فضیلت فراوانی است.

... و هر وقت از شب یا روز که خواستی در صورتی که وقت نماز واجب نباشد می توانی نماز جعفر را بخوانی و اگر خواستی آن را از نوافل حساب کن و اگر عجله داشتی آن را بدون تسبیح بخوان سپس تسبیحات آن را انجام بده.

هرگاه خواستی آن را بجا آوری نماز را با یک تکبیر شروع کن، سپس در رکعت اول بعد از «حمد»، سوره «عادیات»، در رکعت دوم «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ» (۳۰)، در رکعت سوم «إِذَا جَاءَ نَصِيرُ اللَّهِ»، و در رکعت چهارم «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخوان و اگر خواستی در تمام رکعات بعد از سوره «حمد» می توانی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخوانی.

و هر گاه تسبیح را در رکوع یا سجده و یا در حال قیام فراموش کردی، هر وقت به یاد آمد آن را انجام بده.

و کیفیت آن چنین است:

بعد از قرائت «حمد» و سوره، پانزده مرتبه بگویی: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، و در رکوع ده مرتبه و پس از سر برداشتن از رکوع ده مرتبه، و در سجده اول ده مرتبه و بین دو سجده ده مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن از سجده دوم ده مرتبه تسبیحات را بگو که مجموع آن هفتاد و پنج مرتبه می شود.

سپس برخیز و رکعت دوم را مانند رکعت اول انجام بده و بعد از آن، تشهد و سلام نماز را بخوان و پس از آن، دو رکعت دیگر را مانند دو رکعت اول بجای آور. (۳۱)

بنابراین، تعداد تسبیحات

اربعه در چهار رکعت، سیصد مرتبه می شود.

ثواب نماز جناب جعفر طیار در حرم حضرت امام رضا علیه السلام

خواندن نماز جناب جعفر طیار از جهاتی دارای اهمیت فراوان است:

الف) خواندن آن، در حرم حضرت امام رضا علیه السلام تأکید شده است.

ب) در یکی از تشریفات مشاهده شده است که حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه در بالاسر حرم حضرت امام رضا علیه السلام مشغول خواندن نماز جعفر طیار بودند.

ج) حضرت امام رضا علیه السلام نماز جعفر طیار می خواندند: «احمد بن علی انصاری از رجاء بن ابی ضحاک نقل کرده است که حضرت امام رضا علیه السلام در سفر خراسان هر شب بعد از هشت رکعت نماز، چهار رکعت نماز جعفر طیار می خواندند...» (۳۲)

د) حضرت امام رضا علیه السلام خواندن نماز جعفر طیار را در روز دحو الأرض (بیست و پنجم ذی قعدة) سفارش فرمودند.

مرحوم علامه مجلسی می گوید: به خط شیخ حسین بن عبدالصمد یافتم آنچه را که عبارتش چنین است:

شیخ ابوطیب حسین بن احمد فقیه ذکر نموده که هر کس حضرت امام رضا علیه السلام یا یکی دیگر از ائمه طاهرين عليهم السلام را زیارت کند و در حرم آن بزرگوار نماز جعفر طیار بخواند، برای او در برابر هر رکعت نوشته شود ثواب کسی که هزار حج و هزار عمره انجام داده و هزار بنده آزاد نموده، و هزار وقوف با پیامبر مرسل در راه خدا بجای آورده باشد، و به هر گامی که برداشته ثواب صد حج و صد عمره و آزاد کردن صد بنده در راه خدا به او دهند، و صد حسنه برایش بنویسند و صد گناه از نامه عملش پاک نمایند. (۳۳)

علامه مجلسی رحمه الله در «زاد المعاد» می نویسد: روایات درباره این نماز متواتر است و مخالفان نیز این نماز را مستحب می دانند مگر اندکی از ایشان، ولی اکثر آنان به اعتبار عداوت

باطنی که با امیرالمؤمنین علیه السلام و نزدیکان آن حضرت دارند، این نماز را به عباس عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم نسبت داده اند.

بعد از نوافل شبانه روزی، نمازی به حسب صحّت سند و کثرت ثواب به این نماز نمی رسد. (۳۴)

مرحوم علامه مجلسی احکام این نماز را در چند مقصد بیان نموده که خلاصه آن را می آوریم:

اول: بدان که مشهور میان علما آن است که نماز جعفر را به جای نوافل شبانه روزی می توان انجام داد که به جای هر دو حساب شود و همچنین به نیت قضای نافله می توان انجام داد و احادیث بر این مضامین وارد شده است.

دوم: در روایات وارد شده است و اکثر علما گفته اند: کسی که ضرورتی و تعجیلی داشته باشد، می تواند نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد و تسبیحات را در راه بخواند.

سوم: در حدیث صحیح وارد شده است: کسی که دو رکعت از نماز جعفر را بخواند و برای او کار ضروری پیش آید، می تواند دنبال آن کار برود و دو رکعت دیگر را در وقت دیگر بخواند و اگر بدون عذر چنین نکند و همه را باهم بخواند بهتر است.

چهارم: روایت معتبری از حضرت قائم علیه السلام وارد شده است که اگر کسی تسبیحات نماز جعفر را فراموش کند، هر وقت به خاطرش آمد بخواند.

پنجم: در تعیین سوره هایی که مستحب است در این نماز خوانده شود اختلاف است و مشهور آن است که در رکعت اول (بعد از سوره حمد) «إِذَا زُلْزِلَتْ» و در دوم «وَالْعَادِيَات» و در سوم «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» و در چهارم «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» باید خواند.

و ابن بابویه و پدرش در رکعت اول «وَالْعَادِيَات» و در رکعت دوم «إِذَا زُلْزِلَتْ» گفته اند.

و در روایتی در رکعت اول «إِذَا زُلْزِلَتْ» و

در دوّم «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» و در سوّم «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و در چهارم «توحید» وارد شده است.

و در روایت صحیحی فرموده اند که در هر رکعت «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» هر دو را بخواند.

و در روایتی وارد شده است: هر سوره را که می خواهد بخواند، و ابن بابویه گفته است: همه را با سوره «توحید» می تواند بجا آورد و ظاهراً همه خوبست؛ اگر چه اوّل و سوّم افضل است.

ششم: مشهور آن است که تسبیحات را بعد از سجده دوّم رکعت اوّل و سوّم نشسته می خواند و بعضی گفته اند بعد از برخاستن به رکعت دیگر پیش از قرائت می خواند و عمل به مشهور اولی است.

هفتم: بعضی گفته اند که چهار رکعت را به یک سلام بخواند و مشهور و اقوی دو سلام است چنانچه گذشت.

هشتم: مشهور میان علماء آنست که تسبیحات این نماز را پیش از رکوع و بعد از قرائت باید بخواند و ابن بابویه موافق بعضی از روایات قائل شده است که مخیر است میان آنکه پیش از قرائت بخواند یا بعد از قرائت و عمل به مشهور اقوی و اولی است. (۳۵)

نافله های روز جمعه

بخش چهارم

هشت روایت از حضرت امام رضاعلیه السلام

درباره نماز در روزهای معین

در این بخش، هشت روایت از حضرت امام رضاعلیه السلام درباره نماز در روزهای معین نقل می کنیم:

۱۰۱

نماز شب و صبح و روز جمعه

احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: حضرت امام رضاعلیه السلام فرموده است:

شب جمعه در نماز سوره «جمعه» و سوره «اعلی»، صبح جمعه سوره «جمعه» و سوره «توحید»، و در نماز جمعه سوره «جمعه» و سوره «منافقین» را بخوان، و قنوت در رکعت اوّل پیش از رکوع است. (۳۶)

نافله های روز جمعه

سعد بن سعد اشعری گوید: از حضرت امام رضاعلیه السلام در مورد نوافل روز جمعه سؤال کردم که پیش از زوال چند رکعت باید بخواند؟ فرمود:

در آغاز صبح و بامدادان شش رکعت، بعد از آن شش رکعت دیگر، و پس از آن شش رکعت که مجموعاً هجده رکعت می شود و دو رکعت بعد از زوال و دو رکعت بعد از عصر که بیست و دو رکعت می گردد. (۳۷)

نماز نافله و فریضه ظهر جمعه

نماز شب نیمه شعبان

بزنطی - که از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام است - گوید: از آن حضرت در مورد دو رکعت نافله زوال در روز جمعه سؤال کردم، امام علیه السلام فرمود:

هنگامی که خورشید بالا آمد و در روی سر قرار گرفت دو رکعت نماز بخوان، و هنگام زوال که خورشید از وسط آسمان به سوی مغرب مایل گردید نماز واجب را بخوان، و اگر پیش از آنکه آن دو رکعت را بخوانی زوال خورشید صورت گرفت آن را رها کن و به نماز واجب پرداز و بعد از انجام فریضه، آن دو رکعت را بجای آور. (۳۸)

نماز جمعه، عید فطر و قربان

فضل بن شاذان از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

همانا خطبه در نماز جمعه ابتدای نماز، و در نماز عید فطر و قربان بعد از نماز قرار داده شده است؛ زیرا جمعه امری است پیوسته و همیشگی و در هر ماه چندبار و در هر سال تعدادش زیاد است، و چون زیاد است اگر بعد از نماز خوانده می شد مردم خسته می شدند و آن را رها می کردند و بعد از نماز برای خطبه نمی نشستند و متفرق می گشتند؛ لذا پیش از نماز قرار داده شده تا مردم به خاطر نماز بمانند و پراکنده نشوند و اما نماز عید فطر و قربان در هر سال بیش از دو بار نیست و آن عظمتش بیشتر از نماز و ازدحام در آن زیادتر و مردم به آن راغب ترند و اشتیاقشان افزونتر است و اگر عده ای متفرق شوند بیشتر مردم باقی می ماندند، و آن تعدادش در سال زیاد نیست که خسته کننده باشد و آن را سبک شمارند. (۳۹)

نماز شب نیمه شعبان

علی بن حسن فضال از پدرش روایت کرده است که گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد فضیلت شب نیمه شعبان پرسیدم، فرمود:

شبی است که خداوند در آن، دوزخیان را از آتش رهائی می بخشد و گناهان بزرگ را می آمرزد.

عرض کردم: آیا در آن شب، نمازی زیادتر از سایر شب ها معین گشته است؟ فرمود:

چیزی به خصوص آن واجب نگردیده است ولی اگر خواستی کار مستحبی انجام دهی تو را سفارش می کنم به خواندن نماز جعفر طیار، ذکر خداوند تبارک و تعالی، در آن شب زیاد استغفار کن و بسیار دعا نما؛ زیرا پدرم می فرمود دعا در آن شب به اجابت می رسد.

عرض کردم: مردم می گویند که آن شب، شبی است که برای هر

کس آنچه مقدرش باشد حواله می کنند. فرمود:

آنچه گفتمی مربوط به شب قدر در ماه رمضان است. (۴۰)

نماز در روز ششم ماه مبارک رمضان

مرحوم علامه مجلسی از سید بن طاووس رحمه الله نقل کرده است: روایت شده که در روز ششم ماه رمضان دو رکعت نماز بجا می آورید، در هر رکعت «حمد» یک مرتبه و سوره «اخلاص» را بیست و پنج مرتبه می خوانید، و این نماز را برای آنچه ظاهر گشته از حقوق مولای مان حضرت امام رضاعلیه السلام در آن روز انجام می دهید.

مرحوم علامه مجلسی فرموده است: شیخ مفید رحمه الله در کتاب «تواریخ الشرعیّه» مرقوم فرموده که در روز ششم ماه رمضان مبیعت مأمون با حضرت امام رضاعلیه السلام صورت گرفته است. (۴۱)

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: مناسب است این نماز را در حرم مقدس آن حضرت پس از زیارت بجای آورد. (۴۲)

مؤلف گوید: بیعت با حضرت امام رضاعلیه السلام در روز اول ماه مبارک رمضان نیز نقل شده است.

نمازهای رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در ماه مبارک رمضان

نمازهای رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم ...

محمد بن سلیمان گوید: عده ای از اصحاب ما بر این حدیث اتفاق نموده اند - و نیز از حضرت امام رضاعلیه السلام سؤال کردم مرا به آن خبر داد - و همگی گفته اند: ما از کیفیت نمازهای مستحبی در ماه رمضان پرسیدیم و این که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم آن ها را چگونه انجام می داد؟

در پاسخ ما فرمودند:

هنگامی که شب اول ماه رمضان فرارسید، رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم نماز مغرب را خواند، سپس چهار رکعت نافله ای که هر شب بعد از نماز مغرب خوانده می شود بجای آورد، پس از آن هشت رکعت نماز خواند، و چون نماز عشاء و آن دو رکعت نافله نشسته بعد از آن را بجای آورد برخاست و دوازده رکعت دیگر خواند، سپس وارد منزل گردید.

مردم که مشاهده کردند رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم با فرارسیدن ماه

رمضان به نمازهای خود افزود، در مورد آن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم سؤال کردند و علت را جویا شدند.

رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم فرمود: این نمازها را به خاطر برتری ماه رمضان بر سایر ماههای دیگر بجا آوردم.

شب دیگر که رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم اراده فرمودند نافله ها را بجای آورند، مردم پشت سر حضرت صف کشیدند و جماعت تشکیل دادند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رو به آن ها کرده و فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ هَذِهِ الصَّلَاةَ نَافِلَةٌ وَلَنْ تَجْتَمَعَ لِلنَّافِلَةِ، فَلْيَصِلْ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ وَحَدَهُ، وَلِيَقُلَّ مَا عَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ كِتَابِهِ، وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لِاجْتِمَاعِهِ فِي نَافِلَةٍ.

این نمازها نافله است و نافله را نباید با جماعت خواند، هر یک از شما باید خودش به تنهایی نمازش را بخواند و آنچه خداوند از کتابش به او آموخته بگوید، بدانید که در نافله جماعت نیست.

مردم پراکنده شدند و هر کس نماز خود را خواند.

در شب نوزدهم ماه رمضان، هنگام غروب، رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم غسل کرد و نماز مغرب را با غسل بجای آورد، و بعد از نماز مغرب چهار رکعت نافله همیشگی را خواند، و وارد منزل گردید.

هنگامی که بلال برای نماز عشاء اذان گفت، رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم از منزل بیرون آمد و با مردم نماز عشاء را بجا داشت، و چون از آن فارغ شد دو رکعت نافله نشسته آن را بجای آورد، سپس برخاست و صد رکعت نماز در هر رکعت بعد از «حمد» ده مرتبه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را خواند، و بعد از تمام کردن آن، نافله شب - که هر شب بجا می آورد - و نماز «شفع» و «وتر»

را خواند.

در شب بیستم ماه رمضان، نمازها را مانند شب های دیگر آن ماه یعنی هشت رکعت بعد از مغرب و دوازده رکعت بعد از عشاء انجام داد.

در شب بیست و یکم هنگام غروب غسل کرد و نماز را با همان کیفیت شب نوزدهم بجای آورد.

در شب بیست و دوّم، بیست رکعت نافله، هشت رکعت بعد از مغرب و دوازده رکعت بعد از عشاء مانند شب های دیگر ماه رمضان بجای آورد.

در شب بیست و سوّم، مانند شب بیست و یکم غسل کرد و نمازها را همانند آن شب انجام داد.

از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد پنجاه و یک رکعت نماز همیشگی (یعنی مجموع نمازهای یومیّه و نوافل آن را) سؤال کردند که در ماه رمضان چگونه است؟

فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در ماه رمضان این نمازهای مخصوص را انجام می داد و آن پنجاه و یک رکعت را همان گونه که در غیر ماه رمضان بجا می آورد، می خواند و چیزی از آن ها نمی کاست. (۴۳)

نماز و دعای روز اوّل محرّم

نماز و دعای روز اوّل محرّم

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در روز اوّل ماه محرّم دو رکعت نماز بجا می آوردند و چون از نماز فارغ می شدند دست به دعا برمی داشتند و سه مرتبه این دعا را می خواندند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْإِلَهُ الْقَدِيمُ وَهَذِهِ سَيِّئَةٌ جَدِيدَةٌ، فَاسْأَلُكَ فِيهَا خَدَاوَنَدَا؛ تو معبود ازلی هستی، و این سال جدید است، پس از تو درخواست می کنم که در این سال جدید مرا الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَالْقُوَّةَ عَلَى هَذِهِ النَّفْسِ الْأَمَّارَةِ بِالسُّوءِ، از شرّ شیطان مصون بداری و بر این نفسی که به بدی دستور می دهد قدرت و توانایی بخشی، وَالْإِسْتِغَالَ بِمَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ، یا کریم، یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، و به آنچه مرا به

ساحت مقدّس تو نزدیک می کند مشغول سازی، ای بزرگوار؛ ای صاحب شکوه و عظمت و بزرگواری؛ یا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، یا ذَخِيرَةَ مَنْ لَا ذَخِيرَةَ لَهُ، یا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ، یا تَکِيهَ گاه کسی که تکیه گاهی ندارد؛ ای اندوخته کسی که اندوخته ای ندارد؛ ای جایگاه محکم و استوار لا حِرْزَ لَهُ، یا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، یا سَيِّدَ مَنْ لَا سَيِّدَ لَهُ، برای کسی که جایگاه استواری ندارد؛ ای فریادرس کسی که فریادرسی برایش نیست؛ ای پشتیبان کسی که پشتیبانی ندارد؛ یا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ، یا حَسَنَ الْبَلَاءِ، یا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، یا عِزَّای گنج کسی که برایش گنجی نیست؛ ای دارای نعمت و آزمون نیکو؛ ای مایه امید بسیار؛ ای نیرو دهنده الضُّعْفَاءِ، یا مُنْقِذَ الْغُرَقَى، یا مُنْجِيَ الْهَلْكَى، یا مُنْعِمٌ یا مُجْمِلٌ ناتوانان؛ ای نجات بخش غرق شدگان؛ ای رهاننده به هلاکت افتادگان؛ ای نعمت دهنده؛ ای نیکوکننده؛ یا مُفْضِلٌ یا مُحْسِنٌ، أَنْتَ الَّذِي سَيَجِدُ لَكَ سَوَادَ اللَّيْلِ، وَ نُورَای فِزُونِی بِخَش؛ ای نیکوکار؛ توئی آنکه برایت سجده کرده سیاهی شب، و روشنی النَّهَارِ، وَ ضَوْءَ الْقَمَرِ، وَ شُعَاعَ الشَّمْسِ، وَ دَوِيَّ الْمَاءِ، وَ حَفِيْفُ رُوزِ، وَ نُورِ مَاهِ، وَ پرتو خورشید، و زمزمه آب، و صدای الشَّجَرِ، یا اَللّهُ لَا شَرِيكَ لَكَ. اَللّهُمَّ اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا يَظُنُّونَ، درخت، ای خدا؛ تو هرگز شریکی نداری. خداوندا؛ ما را بهتر از آنچه گمان می کنند قرار بده، وَاغْفِرْ لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا يَقُولُونَ، حَسْبِيَ اَللّهُ لَاؤِ اَنْچِه را که نسبت به ما نمی دانند بیامرزد، و به آنچه درباره ما می گویند ما را مؤاخذه مفرما، تنها خداوند مرا بس است، اِلَهَ اِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اَمَّنَّا بِهِ، كُلَّ خَدَائِي جِزْ اَوْ نِيْسْت، بر اَوْ تَوَكَّلْ كَرْدَمِ و اَوْ پَروردگار عرش باعظمت است، به اَوْ اِيْمَانِ

آوردیم، همه مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا، وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ، رَبَّنَا لَا تَجْعَلْ قُلُوبَنَا مِنْ بَدُونِكُمْ لَا يَلْمُوكَ الْفَاسِقِينَ إِذْ يَخْتَصِمُونَ. (۴۴) ما را رهنمون گردیدی منحرف مکن، و از ناحیه خودت رحمتی بر ما ببخش که تو بسیار بخشنده ای.

و چون حضرت سیدالشهداء علیه السلام در دهم این ماه به سعادت شهادت رسیدند و در اکثر این دهه، محزون و غمگین بوده اند و اخبار غم انگیز و وحشت آور به ایشان می رسیده، باید که شیعیان ایشان در تمام این دهه به لوازم عزاداری آن حضرت قیام نمایند و محزون باشند، و اخبار و احادیثی را که مشتمل بر ذکر مصائب ایشان است بخوانند. و بعضی از علما گفته اند که ترک بعضی از لذایذ بکنند.

و از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:

ماه محرم ماهی بود که کافران در این ماه جنگ کردن را حرام می دانستند و منافقان این امت در این ماه، خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر نمودند و آتش در خیمه های ما زدند و اموال و اسباب ما را به غارت بردند و حرمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را در باب ما رعایت نکردند.

به درستی که مصیبت امام حسین علیه السلام پلک چشم های ما را مجروح گردانید و آب دیده های ما را جاری ساخت و عزیز ما را ذلیل کرد و واقعه کربلا اندوه و بلا از برای ما تا روز قیامت مهیا کرد.

پس باید که بر مصیبت آن حضرت، گریه کنندگان بگریند؛ به درستی که گریه بر آن حضرت، گناهان بزرگ

را از بین می برد.

علت تشریح نمازهای واجب

پس فرمود: پدرم امام موسی بن جعفر علیهما السلام چون ماه محرم داخل می شد کسی آن حضرت را خندان نمی دید و اثر حزن و اندوه در تمام دهه محرم بر آن حضرت ظاهر می شد، و چون روز دهم می شد، روز مصیبت و گریه و اندوه او بود و می گفت: امروز، روز شهادت امام حسین علیه السلام است. ۲.

در پایان بخش های مربوط به نمازها، هشت روایت درباره علت تشریح نمازها و مسائل مربوط به آن را - که حضرت امام رضا علیه السلام بیان فرموده اند - نقل می کنیم:

علت تشریح نمازهای واجب

درباره این مطلب که: چرا خواندن نماز بر مردم واجب شده است؟ محمد بن سنان گوید: در آنچه حضرت امام رضا علیه السلام برای او در جواب مسائلی مرقوم داشته اند این است که:

علت تشریح نماز و وجوب آن، اقرار به ربوبیت خداوند تبارک و تعالی و رها کردن همتیان و حضور در پیشگاه خداوند مقتدر با اظهار ذلت و بیچارگی و درخواست گذشت از گناهان گذشته و نهادن چهره بر خاک هر روز به عنوان بزرگداشت خداوند عزیز والا مقام است، و اینکه همواره به یاد او باشد، نسبت به او فراموشی و سرکشی نداشته، فروتن و مشتاق و خواهان زیادتى در دین و دنیا باشد، با آنچه در آن از مقزّر نمودن و مداومت بر یاد خدا در شب و روز است تا آنکه بنده، سیرور و مدبر و آفریننده خویش را فراموش نکند که در نتیجه دچار سرکشی و طغیان گردد و یاد پروردگار و حضور در پیشگاه او بازدارنده او از نافرمانی ها و مانع او از انواع فسادها و تباهی ها است. (۴۵)

و نیز درباره تشریح نماز به «فضل بن شاذان» فرمودند:

همانا بندگان خدا به نماز مأمور شده اند؛ زیرا در آن، اقرار به ربوبیت

پروردگارا است و آن درستی حال عموم (مردم) است، چون در آن رها کردن همتایان و حضور در پیشگاه خداوند مقتدر است.
(۴۶)

علت تشریح تعداد رکعت های نمازهای واجب

علت تشریح تعداد تکبیر...

فضل بن شاذان از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

اصل نماز دو رکعت قرار داده شده، بر بعضی از نمازها یک رکعت و بر برخی دو رکعت و بر برخی دیگر چیزی افزوده نشده است، زیرا اصل نماز یک رکعت است، چون اصل عدد یک است. از یک اگر چیزی کاسته گردد دیگر نماز نخواهد بود و خداوند تبارک و تعالی می دانست که بندگان، آن یک رکعت را - که کمتر از آن نماز نیست - نمی توانند کامل و تمام و با توجه و حضور قلب انجام دهند، لذا رکعت دیگری را با آن همراه کرد تا کاستی های رکعت اول با دومی برطرف گردد، از این رو اصل نماز را خداوند دو رکعت مقرر نمود.

پس از آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دانست که بندگان، آن دو رکعت را هم به تمام آنچه به آن دستور داده شده اند و بطور کامل بجای نمی آورند، لذا به نماز ظهر و عصر و عشاء دو رکعت افزود تا با این دو رکعت اضافی، آن دو رکعت اصلی کامل گردد. سپس دانست که نماز مغرب هنگامی است که مردم بیشتر مشغولند؛ زیرا زمان بازگشتن به شهر و دیار و منزل و هنگام خوردن و وضو ساختن و امثال آن است؛ به نماز مغرب یک رکعت افزود تا برای آنان سبک تر و راحت تر باشد، و مجموع رکعت های نمازها در شبانه روز فرد باشد و نماز صبح را به حال خود رها کرد چون هنگام صبح اشتغال مردم بیشتر و شتافتن و پرداختن به نیازها و خواسته ها در

آن وقت فراگیرتر است و به خاطر اینکه دل ها در آن زمان فارغ از مکر و اندیشه است؛ زیرا داد و ستد مردم در شب و گرفتن و پرداختن آنان اندک است در نتیجه انسان در نماز صبح توجه بیشتری دارد و نسبت به نمازهای دیگر حضور قلبش افزونتر است؛ چون در شب به استراحت پرداخته و کارنکرده تا در مورد آن فکر و اندیشه نماید.

و همانا نمازهای مستحبی سی و چهار رکعت قرار داده شد؛ زیرا نمازهای واجب هفده رکعت است، نمازهای مستحبی یعنی نافله دو برابر آن گردید تا نمازهای واجب را کامل گردانند.

و همانا نمازهای نافله در زمان های مختلف قرار داده شده نه در یک زمان؛ زیرا بهترین اوقات سه وقت است: هنگام زوال خورشید یعنی ظهر، و بعد از مغرب و سحرگاهان، لذا خداوند دوست دارد که در این زمان های سه گانه برای او نماز بخوانند، و برای اینکه اگر نمازهای نافله در اوقات پراکنده تقسیم شود انجام آن راحت تر و آسانتر است از اینکه بخواهند همه آن ها را در یک زمان انجام دهند. (۴۷)

عَلَّتْ تَشْرِيعَ تَعْدَادِ تَكْبِيرِ فِي اَوَّلِ نَمَازِهَايِ وَاجِبِ

فضل بن شاذان از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

تکبیرها در ابتدای نماز، هفت تا گردیده است؛ زیرا اصل نماز دو رکعت است و هفت تکبیر دارد: تکبیره الإحرام که نماز با آن شروع می شود، تکبیر برای رکوع، دو تکبیر برای دو سجده، تکبیر برای رکوع رکعت دوم و دو تکبیر برای دو سجده رکعت دوم که مجموعاً هفت تکبیر می شود، و چون انسان در ابتدای نماز هفت تکبیر بگوید، سپس از روی سهو و یا فراموشی آن تکبیرها را نگفت نقص و کمبودی در نماز ایجاد نمی شود. (۴۸)

عَلَّتْ تَشْرِيعَ حَمْدِ وَ سُورَةِ وَ تَسْبِيحَاتِ اَرْبَعَهُ

در نمازهای واجب

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است:

در دو رکعت اول نماز، قرائت حمد و سوره (و در دو رکعت دوم، تسبیحات واجب گذشته است تا فرق باشد بین آنچه خداوند واجب کرده و آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم واجب نموده است). (۴۹)

علت تشریح ذکر رکوع و سجود

علت تشریح تعداد تکبیر در...

فضل بن شاذان از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

همانا در رکوع و سجده ذکر تسبیح قرار داده شده به خاطر عللی که عبارتند از: بنده با خضوع و خشوع و تعبد و پارسائی و اظهار بینوائی و ذلت و فروتنی و تقرّبی که به سوی پروردگارش دارد تقدیس کننده و تمجید کننده و تسبیح کننده و بزرگ دارنده و شکر گزار آفریننده و روزی دهنده خویش باشد، و تسبیح و تحمید را بکار برد همان طور که تکبیر و تهلیل بکار برده می شود و قلب و ذهن خود را به ذکر و یاد خدا مشغول بدارد و فکر و اندیشه و آرزوها او را به غیر خدامتوجه نسازد و منحرف نکند. (۵۰)

علت تشریح تعداد رکوع و سجود

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از فضل بن شاذان روایت کرده است که گفت: حضرت امام رضا علیه السلام درباره نماز خورشید گرفتگی فرمود:

همانا در آن سجده قرار داده شده؛ زیرا نمازی نیست که در آن رکوع باشد مگر اینکه در آن سجده نیز هست و همانا چهار سجده در آن معین گذشته است؛ زیرا هر نمازی که سجده های آن از چهار سجده کمتر باشد نماز نیست، چون کمترین مقدار واجب از سجود در هر نماز، چهار سجده است.

و همانا در هر رکعت نماز، یک رکوع و دو سجده قرار داده شده؛ زیرا رکوع از کارهای در حال قیام است و سجده از کارهای

در

حال قعود، و نماز نشسته نیم نماز ایستاده است) یعنی دو رکعت آن، یک رکعت حساب می شود، لذا سجده دوچندان شده تا با رکوع برابر گردد و میان آن دو تفاوتی نباشد، چون نماز بدون تردید رکوع و سجده است. (۵۱)

علت تشریح تعداد تکبیر در نماز میت

حسن بن نصر گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: علت اینکه در نماز میت پنج تکبیر می گویند چیست؟

حضرت فرمود:

روایت کرده اند که آن را از پنج نماز یومیّه برگرفته اند، ولی این ظاهر قضیه است باطنش این است که خداوند تبارک و تعالی پنج چیز بر بندگانش واجب فرموده که نماز، زکات، روزه، حجّ و ولایت می باشد، از هر کدام از این واجبات برای میت یک تکبیر قرار دارد.

لذا هر کس ولایت را پذیرفته باشد بر جنازه او پنج تکبیر و آنکه نپذیرفته باشد بر او چهار تکبیر گفته می شود، و به همین خاطر شما شیعیان پنج تکبیر و مخالفین شما چهار تکبیر می گویند. (۵۲)

علت تشریح نمازهای واجب و نافله

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

برای نماز گزار سه ویژگی است:

۱ - خیر و خوبی بر او از آسمان تا فرق سرش پاشیده گردد.

۲ - فرشتگان از جایگاه قدمش تا کرانه آسمان او را احاطه کنند.

۳ - منادی فریاد بر آورد: اگر نماز گزار بداند چه فضیلت و کرامتی برای او است هرگز از نماز دست برندارد.

دعا در قنوت نمازها

هنگامی که بنده در نمازش تکبیره الإحرام گفت، خداوند به لطف خویش بر او روی می آورد و فرشته ای را بر او گمارد تا قرآن را از دهان او بازگیرد، پس اگر این شخص روی گردانید خداوند از او روی می گرداند و او را به فرشته واگذار می کند؛ اگر با تمام وجود به نمازش توجه داشته و حضور قلب او کامل باشد، نمازش به طور کامل بالا برده می شود، ولی اگر به خود مشغول شود و در آن غفلت ورزد از نماز او به همان اندازه که بی توجهی کرده و غفلت ورزیده کاسته می گردد و آن مقداری که حضور قلب داشته بالا برده می شود و خدا

به قلب غافل چیزی عطامی کند، و همانا نافله قرار داده شده تا به وسیله آن، فریضه کامل گردد. (۵۳)

بخش پنجم

هشت دعا در قنوت نمازها

در این بخش، هشت دعا از دعاهای قنوت را که از حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام روایت شده است، نقل می‌کنیم:

۱۰۱

دعا در قنوت نمازها

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

اگر در نمازی باشی که در آن قنوت باید انجام داد، پس قنوت را پس از تمام شدن قرائت و پیش از رکوع بجا آور و در آن بگو:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْاَلْحِيْمُ الْكَرِيْمُ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ خَدَاوْنَدَا؛ تُو خَدَاوْنَدِي، مَعْبُوْدِي جَز تُو كِه بَرْدْبَار و بَزْر كُوَارِي نِيَسْت، خَدَائِي جَز تُو كِه الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ، سُبْحَانَكَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبُّ الْأَرْضِيْنَ بَلَنْد مَرْتَبَه عَظِيْم الشَّأْنِي نِيَسْت، پَاك و مَنزّهِي، پَرُوْر د گَار آسْمَان هَاي هَفْتَكَاْنَه، و زَمِيْن هَاي السَّبْعِ، و مَا فِيْهِنَّ و مَا بَيْنَهُنَّ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ، بِاللّٰهِ لَيْسَ هَفْتَكَاْنَه، و آنچَه دَر آن مِيَان و مِيَان آن اَسْت مِي بَاشِي، و پَرُوْر د گَار عَرْش عَظِيْمِي، سُو كَنْد بَه ذَات پَاكْت كِه كَمِثْلِه شَيْءٌ، صَيَّلَ عَلِيٌّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي وَ لِيْوَآلِدِيْ چِيْزِي مَانَنْد او نِيَسْت، بَر مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ دَرُوْد فَرَسْت، و مَرَا و پَدْر و مَادَرَم رَا و لِيْجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، إِنَّكَ عَلَي ذَلِيْكَ قَادِرٌ. (۵۴)

و تمام مردان و زنان مؤمن را بیامرز، که تو بر آن توانا هستی.

دعای دیگر در قنوت نمازها

احمد بن علی انصاری گوید: از رجاء بن ابی ضحاک - که در سفر حضرت امام رضا علیه السلام به خراسان همراه آن حضرت بود - شنیدم که گفت: ... حضرت امام رضا علیه السلام در همه نمازها، قنوتش چنین بود:

رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ. (۵۵) پَرُوْر د گَارَا؛ بِيَاْمَرْز و رَحْم كَنْ و از آنچَه مِي دَانِي بَگَدْر كِه تُو عَزِيْز تَر و بَاشْ كُوَهْتَر و بَزْر كُوَار تَرِي.

دعای قنوت حضرت امام رضا علیه السلام در نماز جمعه

ابن مقاتل گوید: حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

یاوران او قرار ده، که تو بی گمان بر هر چیز توانایی.

دعای قنوت در نماز عید فطر و قربان

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

... و قنوت (نماز عید فطر و قربان) این است که بگوئی:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ غَوَاهِي مَيِّ دَهْمٌ كَمَا خَدَائِي جَزَّ خَدَاوْنَدٌ نَيْسْت، أَوْ يَكْتَا أَسْت وَ شَرِيكَ نَدَارْد، وَ اَيْنَكِه مُحَمَّد بِنْدَه وَرَسُولُهُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ، وَأَهْلُ الْجُودِ وَفَرَسْتَا دَهْ أَوْ اَسْت. خَدَاوْنَدَا؛ كَبْرِيَائِي وَ عَظْمَت شَائِسْتَه تُو اَسْت، وَ جُود وَ بَخْشِش

۱. مصباح المتهجد: ۳۶۶، جمال الأسبوع: ۲۵۶، بحار الأنوار: ۲۵۱/۸۹، أبواب الجنات: ۱۸۳.

وَالْجَبْرُوتِ، [أَوْ أَهْلَ الْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ]، وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالرَّحْمَةِ، وَ بَزَرْگِي وَ جَبْرُوت سَزَاوَار تُو اَسْت وَ (تُو) اَهْل عَفْو وَ آمَرْزِش وَ اَهْل تَقْوَا وَ رَحْمَتِي، أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا، وَ لِمُحَمَّدٍ آيَا تُو اَمْرُوزْ كِهْ آن رَا بَرَايِ مُسْلِمَانان عِيدِ وَ بَرَايِ (حَضْرَت) مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا وَ مَزِيدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ، - كِهْ دَرُودِ خُدَا بَرَاوِ وَ آلِ اَوْ بَادِ - اَنْدُوخْتَه وَ بَاْعَثْ فَرْوَنِي قَرَارِ دَادِي مِي خَوَاهِمْ كِهْ بَرَاوِ وَ آلِ اَوْ دَرُودِ فَرْسْتِي، وَ أَسْأَلُكَ بِهَذَا الْيَوْمِ الَّذِي شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ وَ فَضَّلْتَهُ وَ اَزْ تُو مِي خَوَاهِمْ بَهْ (حَرَمَت) اَمْرُوزْ كِهْ آن رَا شَرَاْفَتِ وَ كَرَامَتِ وَ عَظْمَتِ وَ بَرْتَرِي بَخْشِيدِي بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَنْ تُغْفِرَ لِي وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ بَهْ (حَضْرَت) مُحَمَّدٍ - كِهْ دَرُودِ خُدَا بَرَاوِ وَ آلِ اَوْ بَادِ - كِهْ مَرَا وَ هَمَهْ مَرْدَانِ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ، وَ زَنَانِ بَا اِيْمَانِ وَ مَرْدَانِ وَ زَنَانِ مُسْلِمَانِ، مَرْدَگَانِ وَ زَنْدَگَانِ آن هَا رَا بِيَا مَرْزِي، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۵۷)

که تو اجابت کننده دعاها هستی، ای مهربانترین مهربانان.

استغفار در قنوت نماز

نمی گردد، و آنکه با او دشمن باشی عزّت نمی یابد، تو برکت آفرین و بلندمرتبه ای ای پروردگار.

ادعای قنوت حضرت امام رضا علیه السلام

برای رفع گرفتاری و نجات از شرّ ستمگران

دعای قنوت امام رضاعلیه السلام ...

الْفَرْعُ الْفَرْعُ إِلَيْكَ يَا ذَا الْمُحَاضَرَةِ، وَالرَّغْبَةُ الرَّغْبَةُ إِلَيْكَ يَا مَنْ پناه بر تو، پناه بر تو ای همه جا حضوردارنده، و میل و اشتیاق به سوی تو است ای آنکه به المفاخره، وَأَنْتَ اللَّهُمَّ مُشَاهِدٌ هِيَ وَاجِسِ النَّفُوسِ، وَمُرَاصِدُ الْفِتْرِ وَبِرْتَرِي بِهِ سَبَبٌ أَوْ اسْتِ، وَ تُو خداوندا؛ شاهد خطورات و وسوسه های نفس ها، و مراقب حرکات القلوب، وَمُطَالِعُ مَسْرَاتِ السَّرَائِرِ مِنْ غَيْرِ تَكْلُفٍ وَلَا حَرَكَاتِ دَلِّهَا، وَ آگَهِ از اسرار و پنهان کاری های باطن ها بدون هیچ گونه دشواری تَعَسُفٍ، وَقَدْ تَرَى اللَّهُمَّ مَا لَيْسَ عَنْكَ بِمُنْطَوِي، وَلَكِنْ جِلْمَكَ وَ زحمتی هستی، و خداوندا؛ می بینی آنچه را که از تو پیچیده نشده و پنهان نمانده است، ولی حلم و بردباری تَوَامَنَ أَهْلُهُ عَلَيْهِ جُزْأَةً وَتَمَرُّدًا وَعَتُوًّا وَعِنَادًا، وَمَا يُعَانِيهِ أَوْلِيَاؤُكَ اِيْمَنِي بَخْشِيْدَةً بِيْ اِهْلِ خِلَافِ تَا جِرَاتِ كَنْنِدِ وَ سَرِيْجِي وَ كَرْدَنْكْشِي وَ دَشْمَنِي بَا تُو دَاشْتَه بَاشَنْدِ، وَ (تُو مِي بِيْنِي) اَنْجَه دُوسْتَانْتِ مِّنْ تَغْفِيْهِ اِثَارِ الْحَقِّ، وَدُرُوسِ مَعَالِمِهِ، وَتَرْتِيْدِ الْفَوَاحِشِ، مِي بِيْنِنْدِ اَز نَابُودِي اَثَارِ حَقِّ وَ مَنْدَرَسِ كَشْتَنْ نَشَانَه اِيْ اَنْ، وَ اَفْزَايشِ كَارِهَايِ زَشْتِ، وَاسْتِمْرَارِ اَهْلِيْهَا عَلِيْهَا، وَظُهُورِ الْبَاطِلِ، وَعُمُومِ التَّغَاشِمِ، وَادامه دادن اهل آن بر آن کارها، و آشکار شدن باطل، و عمومی گشتن ظلم و ستم، وَالتَّرَاضِي بِيْذَلِكَ فِي الْمُعَامَلَاتِ، وَالمُتَّصِرَاتِ مُذْ جَرَتْ بِهٍ وَ رَاضِي شَدْنِ بِيْ اَنْ دَر دَا دِ وَ سْتَدِهَا، وَ اَنْجَه تَصْرَفِ مِي شُودِ كِه اِيْنِ كَارِالْعَادَاتُ، وَصَارَ كَالْمَفْرُوضَاتِ وَالمَسْتَبُونَاتِ. اَللّهُمَّ فَبَادِرْنَا مِنْكَ عَادِي كَشْتَه وَ مَانِنْدِ وَاجِبَاتِ وَ مَسْتَحَبَاتِ كَرْدِيْدَه اِسْتِ. خداوندا؛ شتاب كن نسبت به ما از جانب خودت بِالْعَوْنِ الَّذِي مَنْ اَعْتَنَتْ بِهٍ فَاَزَ، وَمَنْ اَيَّدَتْهَ لَمْ

يَخْفُ لَمَزَ لَمَازٍ، با کمکی که هر کس را آنگونه کمک کنی رستگار شود، و هر کسی را که تأیید نمائی از عیب جوئی دیگران و طعنه آنان نترسد، وَخُذِ الظَّالِمِ أَخْذًا عَنيفًا، وَلَا تَكُنْ لَهُ رَاحِمًا وَلَا بِهِ رَوُوفًا. اَللّٰهُمَّ وَ ستمگر را به شدت در چنگ خود گرفتار کن، و نسبت به او رحم کننده و مهربان نباش. خدایا! اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ بِادْرِهٖم. اَللّٰهُمَّ عَاجِلِهٖم. اَللّٰهُمَّ لَا تُمَهِّلِهٖم. اَللّٰهُمَّ خدایا؛ خدایا؛ در مورد آنان شتاب کن. خداوندا؛ عجله کن. خداوندا؛ مهلت به ایشان مده. خدایا؛ غادرهٗم بُكْرَةً وَهَجِيرَةً وَسُحْرَةً وَبَيَاتًا وَهَيْمًا نَائِمُونَ، وَضَحَىٰ اَنان را بامدادان، و در وسط روز، و در سحرها، و شب هنگام که در خوابند، و در میان روز که سرگردمند و هُم يَلْعَبُونَ، وَمَكْرًا وَهَمَّ يَمْكُرُونَ، وَفُجْرًا وَهَمَّ امْنُونَ. اَللّٰهُمَّ وَ مشغولند گرفتارشان کن، و در مقابل مکر و حيله آنان بر آنان مکر کن، و در حالیکه در ایمنی و آرامش اند ناگهان بر آنان هجوم آور. خداوندا؛ يَدِّدْهُمْ، وَيَدِّدْ اَعْوَانَهُمْ، وَافْلُ اَعْصَادَهُمْ، وَاهْزِمْ جُنُودَهُمْ، اَنان را و یارانشان را پراکنده ساز، و هم دستان و یاورانشان را شکست بده، و لشکریان ایشان را فراری بده، وَافْلُ حَدَّهُمْ، وَاجْتَثَّ سَيِّئَاتِهِمْ، وَأَضْعَفْ عَزَائِمَهُمْ. اَللّٰهُمَّ وَ لبه تیز شمشیرشان را بشکن، و سران و مهتران آنان را ریشه کن ساز، و پایداری و سرسختی ایشان را دچار ضعف گردان. خداوندا؛ اَمْنَحْنَا اَكْتافَهُمْ، وَمَلَكْنَا اَكْنافَهُمْ، وَبَدَّلْهُمْ بِالنَّعْمِ النَّقْمِ، وَيَدِّلْنَا شانه های ایشان را برای ما ببند، و ما را مالک سرزمین هایشان گردان، و نعمت های آنان را به گرفتاری و بلا تبدیل کن، و ترس مایم مُحَادَرَتِهِمْ وَبَغِيهِم السَّلَامَةَ، وَاغْنِمْنَا هُمْ اَكْمَلَ الْمَغْنَمِ. اَللّٰهُمَّ را از ایشان و ستم ایشان به سلامتی و امتیّت مبدل گردان، و کامل ترین غنیمت ها را از آنان به ما برسان. خداوندا؛ لَا تَرُدَّ عَنْهُمْ بِأَسْكَ الذِّي

إِذَا حَلَّ بِقَوْمٍ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ. (۶۱) از آنان بازمدار خشم و عذاب خود را؛ همان عذابی که به هر گروهی برسد، روزگار آنان را سیاه می گرداند.

دعای قنوت در نماز کسوف

از حضرت امام رضاعلیه السلام نقل شده است:

در قنوت (نماز کسوف) می خوانی:

إِنَّ اللَّهَ يَشْفِي جُدُّهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ، وَالشَّمْسُ هَمَانَا هِرْ كَسْ كِهْ دِرْ آسْمَانْ هَا وَ هِرْ كَسْ كِهْ Dِرْ زَمِينْ اسْتْ وَ خورشید و الْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالشَّجَرُ وَالِدَّوَابُّ وَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، وَ كَثِيرٌ وَ مَاهْ وَ سْتَارِ كَانْ وَ دِرْخْتَانْ وَ جَانُورَانْ وَ بَسِيَارِيْ از مِرْدَمْ بَرَايْ خِدا سَجْدَهْ مِيْ كِنْدَنْدْ، وَ بَسِيَارِيْ حَقُّ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ عَذَابِ بَرِ آنان سزاوار گشته است. خداوند؛ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دِرُودِ فِرْسْتِ. خداوند؛ لَا تُعَذِّبْنَا بِعَذَابِكَ، وَلَا تَشْفِ خُطْ عَلَيْنَا بِسَيِّئِ خَطِيئَتِكَ، وَلَا تُهْلِكْنَا بِعَذَابِ خود عذاب مکن، و به خشم خود گرفتار مساز، و به غضب خویش هلا-كْ بَغْضِ بِيْكَ، وَلَا تُأْخِذْنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا، وَاعْفُ عَنَّا، وَاعْفِرْ مَكْرَدَانْ، وَ بَهْ آنچِهْ سَفِيهَانْ وَ نَابِخِرْدَانْ مَا اِنْجَامِ مِيْ دِهَنْدْ مَا رَا مُؤَاخِذَهْ مَفْرَمَا، وَ مَا رَا بِيْخَشْ، وَ (گناهان) لَنَا، وَاصْرِفْ عَنَّا الْبَلَاءَ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ. (۶۲)

ما را بیمارز، و بلا را از ما دور گردان، ای دارنده لطف و احسان.

دعای بعد از نماز صبح

بخش ششم

هشت دعا و ذکر از ادعیه و اذکار بعد از نمازهای واجب

در این بخش، هشت دعا و ذکر از دعاها و اذکاری را که پس از نمازهای واجب خوانده می شوند، نقل می کنیم:

□

دعای بعد از نماز صبح

حضرت امام رضاعلیه السلام فرموده اند:

کسی که پس از نماز صبح این دعا را بخواند، حاجتی را درخواست نمی کند مگر آنکه برایش میسر گردد و خداوند او را کفایت فرماید:

بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، «وَافْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ بِنَامِ خِدا، وَ دِرُودِ وَ رِحْمَتِ خِداوندِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ اوْ بَادِ،» وَ كَارِ خُوِيْشِ رَا بَهْ خِدا وَ اِگْذَارِ مِيْ كِنَمْ، إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَوْقَهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكْرُوا» (۶۳)، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» كِهْ خِداوندِ نَسَبْتِ بَهْ بِنْدِگَانِ بِيْنَا

است پس خدا او را از بدی های آنچه درباره اش نیرنگ زدند نگهداشت»، «خدایی جز

۱. سوره غافر، آیه ۴۴ و ۴۵.

إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ تُو نِيسْت، تُو پاك و منزهي، همانا من از ستمكاران مي باشم پس ندای او را پاسخ گفتيم و او را من الغم و كذلك ننجي المؤمنين» (۶۴)، «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ از غم و غصه رهايديم و همان گونه مؤمنان را نجات مي بخشيم»، «خدا ما را بس است و او خوب دفاع كننده و پشتيباني است فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمِهِ مِنَ اللَّهِ وَفَضِّلْ لَمْ يَمَسُّهُمْ سُوءٌ» (۶۵)، ما شاء الله، پس به نعمت خداوند و فضل و احسان او كه هيچ بدی به او نرسد دگرگون گشتند»، آنچه خدا بخواهد (همان شود)، لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ما شاء الله لا ما شاء الناس، ما شاء هيچ جنبش و نيرويي جز به سبب خداوند نيست، آنچه خدا خواهد (همان شود) نه آنچه مردم بخواهند، آنچه الله و ان كره الناس. حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ خدا بخواهد (همان شود) گرچه مردم را خوش آيند نباشد. پرورش دهنده

او درود فرست، و از فضل و احسانت به من روزی بده، وَأَعْطِنِي فِيمَا تَزُقُّنِي الْعَافِيَةَ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۶۷) و در آنچه روزی می دهی عافیت عطا کن، به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

ذکر «یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ» بعد از هر نماز

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

هر فرد باایمان بعد از هر نماز، دو بیست و نود و هشت مرتبه با نیت خالص و توجه به خدا و معنی آن بگوید: «یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ»، جمله مردمان او را دوست دارند و اهل تحقیق گردد. (۶۸)

ذکر بعد از نماز صبح

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

کسی که بعد از نماز صبح، صد مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. بنام خداوند بخشنده مهربان، هیچ جنبش و نیرویی جز به سبب خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست.

این نزدیک تر است به اسم اعظم از سیاهی چشم به سفیدی آن، و اسم اعظم در آن داخل گشته است. (۶۹)

ذکر بعد از نماز صبح و مغرب

اذکر دیگر بعد از نماز صبح

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر کس هر روز پس از نماز صبح، اسم «یا عزیز» را چهل و یک مرتبه باایمان و نیت خالص و توجه به خدا و معنی آن بخواند، محتاج خلق نگردد و در میان مردمان عزیز و مکرم باشد. (۷۰)

اذکر بعد از نماز صبح و نماز مغرب

اسماعیل بن همام از حضرت امام رضا علیه السلام و آن حضرت از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

هر کس بعد از نماز مغرب و نماز صبح - پیش از آنکه صحبت کند - هفت مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. بنام خداوند بخشنده مهربان، و هیچ جنبش و نیرویی جز به سبب خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست.

خداوند هفتاد نوع از انواع بلا را که کمترین آن ها جذام و برص و شرّ سلطان و شیطان است، از او برطرف کند. (۷۱)

ذکر بعد از نماز عصر

رجاء بن ابی ضحاک گوید: حضرت امام رضا علیه السلام در راه خراسان که بودند، بعد از سلام نماز عصر در مصلاّی خود می نشست و تسبیح و تمجید و تکبیر و تهلیل فراوان می گفتند و آنگاه سجده شکر می نمود و در آن، صد مرتبه می گفت:

«حَمْدًا لِلَّهِ!» «حمد و سپاس مخصوص خداوند است.» (۷۲)

ذکر دیگر بعد از نماز عصر

محمد بن فضیل صیرفی از حضرت امام رضا علیه السلام، و آن حضرت از پدرانیش علیهم السلام، از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به شخصی فرمود:

دعا بعد از نماز جناب جعفر طیار

هنگامی که نماز عصر را بجا آوردی، هفتاد و هفت مرتبه استغفار بگو و از خدا طلب آمرزش کن، خداوند گناه هفتاد و هفت سال تو را فرو ریزد.

عرض کرد: اگر من هفتاد و هفت سال عمر نکنم.

فرمود: تو و پدرت را.

عرض کرد: اگر من و پدرم باهم هفتاد و هفت سال عمر نکنیم.

فرمود: تو و پدر و مادرت را.

عرض کرد: اگر باز هم هفتاد و هفت سال نشود.

فرمود: تو و پدر و مادر و خویشاوندات را شامل شود. (۷۳)

بخش هفتم

هشت دعا

از ادعیه بعد از نمازهای مستحبّ

در این بخش، هشت دعا از دعاهایی را که پس از نمازهای مستحبّ خوانده می شوند، نقل می کنیم:

و آخرتم کفایتم کن، که تنها تو بر هر چیزی توانا هستی.

ادعای فرج، بعد از نماز حاجت

دعای فرج بعد از نماز حاجت

این دعا بعد از دو رکعت نماز حاجت خوانده می شود که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است. چون سلام نماز را گفتی، این دعا را بخوان در حالی که ایستاده باشی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، خَالِقُ الْخَلْقِ، غَوَاهِي مِي دَهْمِ كِه خَدَائِي وَ مَعْبُودِي جَزْ خَدَاوَنْدِ نِيَسْتِ، اَوِ يِگَانِهِ اسْتِ وَ شَرِيكِي بَرَايشِ نِيَسْتِ، آفَرِينَنْدِهِ هَسْتِي وَ قَاسِمُ الرِّزْقِ، وَ فَالِقُ الْإِصْبَاحِ، وَ جَاعِلُ اللَّيْلِ سَكَنًا، وَ الشَّمْسِ وَ تَقْسِيمُ كَنْدِهِ رِزْقِ وَ رُوزِي اسْتِ، وَ شَكَاْفَنْدِهِ صَبْحِ) وَ آشْكَارِ كَنْدِهِ (آن اسْتِ، وَ شَبِّ رَا مَايِهِ آرَامَشِ، وَ خُورَشِيدِ

۱. فقه الرضا عليه السلام: ۱۵۵، مستدرک الوسائل: ۶/۲۲۴ و ۲۳۱) باختصار، بحار الأنوار: ۲۰۹/۹۱.

وَالْقَمَرِ حُسْبَانًا، ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ وَ مَا هِ رَا وَسِيلَه شَمَرْدَنْ) وَ حَسَابِ رُوزَهَا (قَرَارِ دَادِه. آن، اَنْدَازَه گيرِي شَخْصِ نِيرومَنْدِ آگَاهِ اسْتِ، خَدَائِي جَزْ اَوِ نِيَسْتِ كِه قُويِ الْحَكِيمِ. وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَوَيْتُهُ وَنَبِيِّتُهُ، وَصَاحِبِ حَكْمَتِ اسْتِ. وَ گَوَاهِي مِي دَهْمِ كِه) حَضْرَتِ (مُحَمَّدِ بَنْدِهِ وَ فَرَسْتَادِهِ اَوِ اسْتِ، وَ كَارِگَرَارِ وَ پِيَامْبَرِ اَوِ اسْتِ، وَ خَلِيلُهُ وَ صَيِّفِيَّتُهُ، وَ حَبِيبُهُ وَ خَالِصِيَّتُهُ، وَ خَاصَّتُهُ مِنْ خَلْقَتِهِ، وَ أَمِينُهُ وَ يَارِ وَ بَرِگَزِيدِه، وَ دُوسْتِ وَ مَخْلُصِ اَوِ اسْتِ، وَ اَزِ مِيانِ آفَرِيدِگَانَشِ مَقَامِ مَخْصُوصِ وَ وِيژَهِ اِي دَارْدِ، وَ اَمَانْتِدَارِ اَوِ عَلِي وَ حِيَه، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ بِرِ وَ حِيَشِ اسْتِ، اَوِ رَا بَه هِدَايَتِ وَ دِينِ وَ آئِينِ حَقِّ فَرَسْتَادِهِ اسْتِ، تَا اَوِ رَا بَرِ تَمَامِ اَدِيانِ پِيروَزِ گَرْدَانْدُولُو كَرِهِ الْمُشْرِكُونَ، بَشِيرًا وَ نَذِيرًا، وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ، گَرچِه مَشْرَكَانِ نِيَسَنْدَنْدِ وَ خُوشِ آيَنْدِ آن هَا نَبَاشْدِ، اَوِ بَشَارَتِ دِهَنْدِه

و بیم دهنده، و به فرمان خدا دعوت کننده بسوی او است، وَسِرَاجاً مُنِيرًا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ و چراغ نوردهنده و روشنی بخش است، درود و رحمت خدا بر او و اهل بیتش باد که خدا هر گونه عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا. یا مُقَوِّى كُلِّ ذَلِيلٍ، وَمُعَزِّ آلُودِغَى و پلیدی را از وجودشان دور نموده و آنان را پاک و پاکیزه گردانیده است. ای نیرودهنده به هر خوارشده؛ و عَزَّتْ دهنده الْمُؤْمِنِينَ، وَمُيَدِّلُ الْجَبَّارِينَ، قَدْ وَحَقَّكَ بَلَّغَ مِنِّي الْمَجْهُودُ، به اهل ایمان، و ذلیل کننده زورگویان؛ به حق تو سوگند که تلاش و کوشش من به نهایت رسیده، فَفَرَّجْ عَنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. یا مُفَرِّجْ، الْفَرَجِ؛ یا کریم، پس گشایشی در کارم ایجاد کن، ای از همه مهربانان مهربانتر. ای گشایش دهنده، گشایش؛ ای بزرگوار، الْفَرَجِ؛ یا عزیز، الْفَرَجِ؛ یا جَبَّارُ، الْفَرَجِ؛ یا رَحْمَانُ، الْفَرَجِ؛ یا گشایش؛ ای نیرومند، گشایش؛ ای قدرتمند، گشایش؛ ای رحم کننده، گشایش؛ ای رَحِيمُ، الْفَرَجِ؛ یا جَلِيلُ، الْفَرَجِ؛ یا جَمِيلُ، الْفَرَجِ؛ یا كَفِيلُ، مهربان، گشایش؛ ای بزرگ مرتبه، گشایش؛ ای نیکوسیرت، گشایش؛ ای عهده دار امور، الْفَرَجِ؛ یا مُنِيلُ، الْفَرَجِ؛ یا مُقِيلُ، الْفَرَجِ؛ یا مُجِيرُ، الْفَرَجِ؛ یا گشایش؛ ای برخوردار کننده، گشایش؛ ای نادیده گیرنده، گشایش؛ ای پناه دهنده، گشایش؛ ای خَبِيرُ، الْفَرَجِ؛ یا مُنِيرُ، الْفَرَجِ؛ یا مُبَلِّغُ، الْفَرَجِ؛ یا مُيَدِّلُ، الْفَرَجِ؛ آگاه، گشایش؛ ای روشن بخش، گشایش؛ ای رساننده، گشایش؛ ای توجّه دهنده، گشایش؛ یا مُحِيلُ، الْفَرَجِ؛ یا كَبِيرُ، الْفَرَجِ؛ یا قَدِيرُ، الْفَرَجِ؛ یا بَصِيرُ، ای تغییردهنده، گشایش؛ ای بزرگ، گشایش؛ ای توانا گشایش؛ ای بِنَا، الْفَرَجِ؛ یا بُرُّ، الْفَرَجِ؛ یا طُهْرُ، الْفَرَجِ؛ یا طَاهِرُ، الْفَرَجِ؛ یا قَاهِرُ، گشایش؛ ای نیکوکار، گشایش؛ ای پاک، گشایش؛ ای پاک کننده، گشایش؛ ای چیره شونده، الْفَرَجِ؛ یا ظَاهِرُ، الْفَرَجِ؛ یا باطن، الْفَرَجِ؛ یا سَاتِرُ، الْفَرَجِ؛ یا گشایش؛ ای آشکار، گشایش؛ ای پنهان، گشایش؛

ای پوشاننده، گشایش؛ ای مُحِیْطُ، اَلْفَرَجُ؛ یا مُقْتَدِرُ، اَلْفَرَجُ؛ یا حَفِیْظُ، اَلْفَرَجُ؛ یا مُتَجَبِّرُ، دربر گیرنده، گشایش؛ ای توانمند، گشایش؛ ای حفظکننده، گشایش؛ ای قدرتمند، اَلْفَرَجُ؛ یا قَرِیْبُ، اَلْفَرَجُ؛ یا وَدُوْدُ، اَلْفَرَجُ؛ یا حَمِیْدُ، اَلْفَرَجُ؛ یا گشایش؛ ای نزدیک، گشایش؛ ای دوستدار، گشایش؛ ای ستوده، گشایش؛ ای مَجِیْدُ، اَلْفَرَجُ؛ یا مُبْدِئُ، اَلْفَرَجُ؛ یا مُعِیْدُ، اَلْفَرَجُ؛ یا شَهِیْدُ، شکوهمند، گشایش؛ ای آغازکننده، گشایش؛ ای بازگرداننده، گشایش؛ ای گواه، اَلْفَرَجُ؛ یا مُحْسِنُ، اَلْفَرَجُ؛ یا مُجْمِلُ، اَلْفَرَجُ؛ یا مُنْعِمُ، اَلْفَرَجُ؛ یا گشایش؛ ای احسان کننده، گشایش؛ ای نیکوکار، گشایش؛ ای نعمت دهنده، گشایش؛ ای مُفْضَلُ، اَلْفَرَجُ؛ یا قَابِضُ، اَلْفَرَجُ؛ یا بَاسِطُ، اَلْفَرَجُ؛ یا هادی، افزونی بخش، گشایش؛ ای گیرنده، گشایش؛ ای گستراننده، گشایش؛ ای هدایت کننده، اَلْفَرَجُ؛ یا مُرْسِلُ، اَلْفَرَجُ؛ یا دَافِعُ، اَلْفَرَجُ؛ یا رَافِعُ، اَلْفَرَجُ؛ یا گشایش؛ ای فرستنده، گشایش؛ ای دورکننده، گشایش؛ ای برطرف کننده، گشایش؛ ای باقی، اَلْفَرَجُ؛ یا واقی، اَلْفَرَجُ؛ یا خَلَعَاقُ، اَلْفَرَجُ؛ یا وَهَّابُ، ماندگار، گشایش؛ ای نگهدارنده، گشایش؛ ای بسیار آفریننده، گشایش؛ ای بخشنده، اَلْفَرَجُ؛ یا تَوَّابُ، اَلْفَرَجُ؛ یا فَتَّاحُ، اَلْفَرَجُ؛ یا نَفَّاحُ، اَلْفَرَجُ؛ یا گشایش؛ ای بسیار توبه پذیر، گشایش؛ ای گشاینده، گشایش؛ ای وزنده رحمت، گشایش؛ ای مُرْتَّاحُ، اَلْفَرَجُ؛ یا نَفَّاعُ، اَلْفَرَجُ؛ یا رُوْفُ، اَلْفَرَجُ؛ یا عَطُوْفُ، راحتی بخش، گشایش؛ ای بسیار سودرساننده، گشایش؛ ای بسیار مهربان، گشایش؛ ای با محبت، اَلْفَرَجُ؛ یا کافی، اَلْفَرَجُ؛ یا شافی، اَلْفَرَجُ؛ یا مُعَافِی، اَلْفَرَجُ؛ یا گشایش؛ ای کفایت کننده، گشایش؛ ای شفا دهنده، گشایش؛ ای عافیت دهنده، گشایش؛ ای مُکَافِی، اَلْفَرَجُ؛ یا وَفِی، اَلْفَرَجُ؛ یا مُهَیْمِنُ، اَلْفَرَجُ؛ یا سَیِّاْمُ، پاداش دهنده، گشایش؛ ای وفا کننده، گشایش؛ ای نگهبان، گشایش؛ ای سلامتی بخش، اَلْفَرَجُ؛ یا مُتَكَبِّرُ، اَلْفَرَجُ؛ یا مُؤْمِنُ، اَلْفَرَجُ؛ یا أَحْمَدُ، اَلْفَرَجُ؛ یا گشایش؛ ای صاحب رفعت و عظمت، گشایش؛ ای ایمنی دهنده، گشایش؛ ای یکتا، گشایش؛ ای صَیِّمَدُ، اَلْفَرَجُ؛ یا نُورُ، اَلْفَرَجُ؛ یا مُدَبِّرُ، اَلْفَرَجُ؛ یا فَرْدُ، اَلْفَرَجُ؛ یا بی نیاز، گشایش؛ ای روشنی دهنده، گشایش؛ ای

تدبیرکننده، گشایش؛ ای فرد، گشایش؛ ای وَتْر، الْفَرَج؛ یا ناصِر، الْفَرَج؛ یا مُونس، الْفَرَج؛ یا باعِث، الْفَرَج؛ تنها، گشایش؛ ای یاری کننده، گشایش؛ ای مونس، گشایش؛ ای برانگیزنده، گشایش؛ یا وارِث، الْفَرَج؛ یا عالم، الْفَرَج؛ یا حاکم، الْفَرَج؛ یا بارئ، ای ارث برنده، گشایش؛ ای دانا، گشایش؛ ای حکم کننده، گشایش؛ ای به وجود آورنده، الْفَرَج؛ یا مُتعالی، الْفَرَج؛ یا مُصَوِّر، الْفَرَج؛ یا مُجیب، الْفَرَج؛ یا گشایش؛ ای بلندمرتبه، گشایش؛ ای صورت آفرین، گشایش؛ ای اجابت کننده، گشایش؛ ای قَائِم، الْفَرَج؛ یا دَائِم، الْفَرَج؛ یا عَلیم، الْفَرَج؛ یا حَکیم، الْفَرَج؛ یا برپادارنده، گشایش؛ ای جاودان، گشایش؛ ای بسیار دانا، گشایش؛ ای صاحب حکمت، گشایش؛ ای حَیوَاد، الْفَرَج؛ یا بار، الْفَرَج؛ یا سار، الْفَرَج؛ یا عَدْل، الْفَرَج؛ یا دارنده جود و بخشش، گشایش؛ ای نیکوکار، گشایش؛ ای خشنودکننده، گشایش؛ ای عدالت پیشه، گشایش؛ ای فاضل، الْفَرَج؛ یا دَيَان، الْفَرَج؛ یا حَنَان، الْفَرَج؛ یا مَنَان، الْفَرَج؛ صاحب فضل و برتری، گشایش؛ ای جزادهنده گشایش؛ ای بسیار دلسوز و رحم کننده، گشایش؛ ای زیاد لطف کننده، گشایش؛ یا سَمیع، الْفَرَج؛ یا خَفِی، الْفَرَج؛ یا مُعین، الْفَرَج؛ یا ناشِر، ای شنوا، گشایش؛ ای پنهان، گشایش؛ ای مددکار، گشایش؛ ای پراکنده کننده، الْفَرَج، یا غافِر، الْفَرَج، یا قَدیم، الْفَرَج؛ یا مُسَهِّلُ الْفَرَج؛ یا گشایش؛ ای آمرزنده، گشایش؛ ای بی آغاز، گشایش؛ ای آسان کننده، گشایش؛ ای مُیسِر، الْفَرَج؛ یا مُمیت، الْفَرَج؛ یا مُحیی، الْفَرَج؛ یا نافع، مهیاکننده، گشایش؛ ای میراننده، گشایش؛ ای زنده کننده، گشایش؛ ای فایده دهنده، الْفَرَج؛ یا رازِق، الْفَرَج؛ یا مُسَبِّب، الْفَرَج؛ یا مُغیث، الْفَرَج؛ گشایش؛ ای روزی دهنده، گشایش؛ ای سبب ساز، گشایش؛ ای فریادرس، گشایش؛ یا مُغنی، الْفَرَج؛ یا مُقنی، الْفَرَج؛ یا خالِق، الْفَرَج؛ یا راصِد، ای بی نیازکننده، گشایش؛ ای مال دارکننده، گشایش؛ ای آفریننده، گشایش؛ ای کمین کننده، الْفَرَج؛ یا حاضِر، الْفَرَج؛ یا جابِر، الْفَرَج؛ یا حافِظ، الْفَرَج؛ یا گشایش؛ ای حضوردارنده، گشایش؛ ای جبران کننده،

گشایش؛ ای نگهدارنده، گشایش؛ ای شدید، الْفَرَجُ، یا غیاث، الْفَرَجُ؛ یا عَازِمٌ، الْفَرَجُ؛ یا اللَّهُ، الْفَرَجُ؛ شدید، گشایش؛ ای
دادرس، گشایش؛ ای پناه دهنده، گشایش؛ ای خداوند، گشایش؛ یا عَظِيمٌ، الْفَرَجُ؛ یا حَيٌّ، الْفَرَجُ؛ یا قَيُّومٌ، الْفَرَجُ؛ یا عالی، ای
باعظمت، گشایش؛ ای زنده، گشایش؛ ای پاینده، گشایش؛ ای برتر، الْفَرَجُ؛ یا رَبُّ، الْفَرَجُ؛ یا أَعْظَمُ، الْفَرَجُ؛ یا أَعَزُّ، الْفَرَجُ؛ یا
أَجَلٌ، گشایش؛ ای پروردگار، گشایش؛ ای عظیمتر، گشایش؛ ای عزیزتر، گشایش؛ ای بزرگ مرتبه تر، الْفَرَجُ؛ یا غَنِيٌّ، الْفَرَجُ؛
یا أَكْبَرُ، الْفَرَجُ؛ یا أَزَلِيٌّ، الْفَرَجُ؛ یا أَوَّلُ، گشایش؛ ای بی نیاز، گشایش؛ ای بزرگتر، گشایش؛ ای همیشگی، گشایش؛ ای
نخست بدون ابتدا، الْفَرَجُ؛ یا اِحْرُ، الْفَرَجُ؛ یا حَقٌّ، الْفَرَجُ؛ یا مُبِينٌ، الْفَرَجُ؛ یا يَقِينٌ، گشایش؛ ای آخر بدون نهایت، گشایش؛ ای
حقّ مطلق و ثابت، گشایش؛ ای آشکار، گشایش؛ ای یقین بدون شبهه، الْفَرَجُ؛ یا مَالِكٌ، الْفَرَجُ؛ یا قُدُّوسٌ، الْفَرَجُ؛ یا مُتَقَدِّسٌ،
الْفَرَجُ؛ گشایش؛ ای صاحب اختیار، گشایش؛ ای منزّه از هر گونه عیب، گشایش؛ ای پاک از هر گونه نقص، گشایش؛ یا
وَاحِدٌ، الْفَرَجُ؛ یا أَحَدٌ، الْفَرَجُ؛ یا مُتَوَحِّدٌ، الْفَرَجُ؛ یا مُمَدِّدٌ، ای یکتا، گشایش؛ ای بی همتا، گشایش؛ ای یگانه، گشایش؛ ای ادامه
دهنده، الْفَرَجُ؛ یا قَهَّارٌ، الْفَرَجُ؛ یا رَاحِمٌ، الْفَرَجُ؛ یا مُفَضَّلٌ، الْفَرَجُ؛ گشایش؛ ای صاحب قهر و غلبه، گشایش؛ ای رحم کننده،
گشایش؛ ای برتری دهنده، گشایش؛ یا مُتَرَحِّمٌ، الْفَرَجُ؛ یا قَاصِمٌ، الْفَرَجُ؛ یا مُكْرِمٌ، الْفَرَجُ؛ یا مُعَلِّمٌ، ای ترحم کننده، گشایش؛ ای
درهم شکننده، گشایش؛ ای گرمی دارنده، گشایش؛ ای آموزنده، الْفَرَجُ؛ یا مُصِيْطَفِيٌّ، الْفَرَجُ؛ یا مُرَكِّيٌّ، الْفَرَجُ؛ یا وافی،
الْفَرَجُ؛ گشایش؛ ای برگزیننده، گشایش؛ ای پاک کننده، گشایش؛ ای وفا کننده، گشایش؛ یا کاشف، الْفَرَجُ؛ یا مُصَرِّفٌ، الْفَرَجُ؛
یا داعی، الْفَرَجُ؛ یا مَرْجُوٌّ، ای برطرف کننده (اندوه)، گشایش؛ ای دگرگون کننده، گشایش؛ ای دعوت کننده، گشایش؛ ای
مایه امید، الْفَرَجُ؛ یا مُتَجَاوِزٌ، الْفَرَجُ؛ یا فَاتِحٌ، الْفَرَجُ؛ یا مَلِيْكٌ،

الْفَرَجُ؛ گشایش؛ ای گذشت کننده، گشایش؛ ای فتح کننده، گشایش؛ ای دارنده هستی، گشایش؛ یا مُقَدِّرُ، الْفَرَجُ؛ یا مُؤَلَّفُ، الْفَرَجُ؛ یا مُمَهَّدُ، الْفَرَجُ؛ یا مُؤَيَّدُ، ای اندازه گیری کننده، گشایش؛ ای گردآورنده، گشایش؛ ای آماده کننده، گشایش؛ ای تأیید کننده، الْفَرَجُ؛ یا شاهِدُ، الْفَرَجُ؛ یا صَادِقُ، الْفَرَجُ؛ یا مُصَدِّقُ، الْفَرَجُ؛ گشایش؛ ای گواه، گشایش؛ ای راستگو، گشایش؛ ای تصدیق کننده، گشایش؛ یا مُدْرِكُ، الْفَرَجُ؛ یا سَابِقُ، الْفَرَجُ؛ یا عَوْنُ، الْفَرَجُ؛ یا لَطِيفُ، ای دریابنده، گشایش؛ ای سبقت گیرنده، گشایش؛ ای یاری دهنده، گشایش؛ ای لطف کننده، الْفَرَجُ؛ یا رَقِيبُ، الْفَرَجُ؛ یا فَاطِرُ، الْفَرَجُ؛ یا مُفْنِي، الْفَرَجُ؛ گشایش؛ ای مراقب و دیدبان، گشایش؛ ای پدیدآورنده (و بروزدهنده استعدادها)، گشایش، ای از بین برنده، گشایش؛ یا مَسِيحٌ، الْفَرَجُ؛ یا مَمَّجِدُ، الْفَرَجُ؛ یا مَعْبُودُ، الْفَرَجُ؛ یا مَدْعُوُّ، ای تسخیر کننده، گشایش؛ ای شکوهمند کننده، گشایش؛ ای پرستش شده، گشایش؛ ای خواننده شده، الْفَرَجُ؛ یا مَرْهُوبُ، الْفَرَجُ؛ یا مُسْتَعَانُ، الْفَرَجُ؛ یا مُلْتَجِيٌّ، الْفَرَجُ؛ گشایش؛ ای ترسناک، گشایش؛ ای یاری رسان، گشایش؛ ای پناه دهنده، گشایش؛ یا كَهْفُ، الْفَرَجُ؛ یا عِمْدَةٌ، الْفَرَجُ؛ یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. اَللّٰهُمَّ اِي پناهگاه، گشایش؛ ای سرمایه و ساز و برگ، گشایش؛ ای صاحب بزرگی و بزرگواری. خداوندا؛ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى، وَالْكَلِمَاتِ الْعُلْيَا، وَبِحَقِّ «بِسْمِ اللَّهِ بِهِ حَقٌّ اَيْنَ نَامِ هَايَ نِيكُو، وَ كَلِمَاتِ بَلَنْدِ مَرْتَبَه، وَ بِهِ حَقِّ» (سوره توحيد) «بِنَامِ خِداوَنْدِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ قُلُّ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمِيْدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَخْشَدْ مَهْرَبانِ بگو او خداوندی است یکتا خداوند بی نیاز است توّلد نیافته و از او یوْلَد و لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ» (۷۵)، اَهْلِكَ عَيْدُوْ مُحَمَّدٍ وَالِ چيزی متوّلد نشده و هيچ کس شبیه او نمی باشد»، دشمن محمد و آل محمد را به هلاکت برسان مُحَمَّد. اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ فُلانٌ عَيْدُوْ اللّٰهِ وَعَيْدُوْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَيَلَى اللّٰهُ وَ نَابُوْد كُن. خداوندا؛ اگر فلانی دشمن خدا و دشمن رسول خدا - که درود خدا عَلَيْهِ وَ اِلَيْهِ

وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَشِيعَتِهِ، جَحَدَ حَقًّا، وَادَّعَى بَاطِلًا، بر او و آل او باد - و دشمن (اهل بیت آن حضرت و فرزندان و شیعیانش باشد، حقی را انکار کرده، و باطلی را ادعا نموده است، فَأَنْزَلَ عَلَيْهِ حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ وَعَذَابًا عَاجِلًا، امین امین بر او صاعقه ای از آسمان و عذابی فوری نازل گردان، اجابت کن، اجابت کن، امین رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَأَمَانَ الْخَائِفِينَ، أَذْرِكُنَا فِي هَذِهِ الْحَاجَةِ، اجابت کن پروردگار جهانیان، و ایمنی بخش بیمناکان، ما را در مورد این حاجت دریاب، وَأَغْنِنَا يَا إِلَهِي بِحَقِّ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ و به فریاد ما برس ای خدای من؛ به حق فرشتگان مقربت و پیامبران فرستاده شده الْمُطَهَّرِينَ، وَبِشَفَاعَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ پاكِت، و به شفاعت پیامبرت (حضرت) محمد که درود خدا بر او و آل او باد. خداوندا؛ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا أَبَا الْقَاسِمِ من به واسطه پیامبرت (حضرت) محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - به سوی تو توجه پیدا می کنم، ای ابوالقاسم؛ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ، إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، ای رسول خدا؛ ای پیشوای رحمت؛ ما به واسطه تو به سوی خدا روی آورده، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدْ مُنَّاكَ بَيْنَ و به وسیله تو به درگاه خدا توسل جسته، و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش حاجت های مان ۱. سوره إخلاص، آیه ۱ - ۴.

يَدِي حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. يَا أَبَا مَقْدَمٍ دَاشْتَهُ ائِم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای ابوالحسن، يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ الْحَسَنَ؛ ای علی بن ابی طالب؛ ای امیر مؤمنان؛

ای حجت خداوند علی خَلْقِهِ، یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِرِ آفْرِید گانش؛ ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطه تو به سوی خدا روی آورده، و به وسیله تو بِعِکَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ بِه درگاه خدا تو سَیِّل جسته، و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش حاجت های مان حاجاتِنَا، یا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. یا فَاطِمَهُمُ مَقْدَم داشته ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای فاطمه الزَّهْرَاءُ، یا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، یا سَيِّدَتْنَا وَمَوْلَاتِنَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ زهرا؛ ای دختر رسول خدا؛ ای سرور و مولای ما؛ ما به واسطه تو به سوی خدا روی آورده، إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ وَبِه وسیله تو به درگاه خدا تو سَیِّل جسته، و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنَا، یا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. حاجت های مان مَقْدَم داشته ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. یا أَحْسَنَ بِنِ عَلِيٍّ، یا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّةَ اللَّهِ ای ابا مُحَمَّد؛ ای حسن بن علی؛ ای زاده رسول خدا، ای حجت خدا علی خَلْقِهِ، یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِرِ آفْرِید گانش؛ ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطه تو به سوی خدا روی آورده، و به وسیله تو بِعِکَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ بِه درگاه خدا تو سَیِّل جسته، و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش حاجت های مان حاجاتِنَا، یا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. یا ابا عَبْدِ اللَّهِ، مَقْدَم داشته ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای ابا عَبْدِ اللَّهِ؛ یا حُسَيْنَ

بْنَ عَلِيٍّ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، أَي حَسِينِ بْنِ عَلِيٍّ؛ أَي فَرَزْنَدِ رَسُولِ خُدَا؛ أَي حُجَّتِ خُدَا بِرِ آفَرِيدِ گَانَشِ؛ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، أَي سُرُورِ وَ سَالَارِ مَا؛ مَا بِهٖ وَاسْطَهٗ تُو بِهٖ سُوِي خُدَا رُوِي آوَرْدَهٗ، وَ بِهٖ وَ سِيْلَهٗ تُو بِهٖ دَرِ گَاهِ خُدَا تُو سَّلَّ جِسْتَهٗ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، أَي آوَرْمَنْدَعِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. يَا أَبَا الْحَسَنِ، يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، نَزْدِ خُدَا؛ بَرَايِ مَا نَزْدِ خُدَا وَنَدِ شَفَاعَتِ كُنْ. أَي اِبَا الْحَسَنِ؛ أَي عَلِيَّ بْنَ حَسِينِ؛ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا أَي فَرَزْنَدِ رَسُولِ خُدَا؛ أَي حُجَّتِ خُدَا بِرِ آفَرِيدِ گَانَشِ؛ أَي سُرُورِ وَ سَالَارِ مَا؛ مَا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، أَي سُرُورِ وَ سَالَارِ مَا؛ مَا بِهٖ وَاسْطَهٗ تُو بِهٖ سُوِي خُدَا رُوِي آوَرْدَهٗ، وَ بِهٖ وَ سِيْلَهٗ تُو بِهٖ دَرِ گَاهِ خُدَا تُو سَّلَّ جِسْتَهٗ، وَ تُو رَا شَفِيْعِ خُوْدِ گَرْدَانِيْدَهٗ، اللَّهُ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا وَبِيْشَايِيْشِ حَاجَتِ هَايِ مَا نِ مَقْدَمِ دَاشْتَهٗ اِيْمِ، أَي آوَرْمَنْدِ نَزْدِ خُدَا؛ بَرَايِ مَا نَزْدِ خُدَا وَنَدِ عِنْدَ اللَّهِ. يَا أَبَا جَعْفَرٍ، يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، شَفَاعَتِ كُنْ. أَي اِبَا جَعْفَرٍ؛ أَي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ؛ أَي فَرَزْنَدِ رَسُولِ خُدَا؛ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، أَي حُجَّتِ خُدَا بِرِ آفَرِيدِ گَانَشِ؛ أَي سُرُورِ وَ سَالَارِ مَا؛ مَا بِهٖ وَاسْطَهٗ تُو بِهٖ سُوِي خُدَا رُوِي آوَرْدَهٗ، وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ وَ بِهٖ وَ سِيْلَهٗ تُو بِهٖ دَرِ گَاهِ خُدَا تُو سَّلَّ جِسْتَهٗ وَ تُو رَا شَفِيْعِ خُوْدِ

گردانیده، و پیشاپیش بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. یا حاجت های مان مقدم داشته ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ اِبَاعِدَ اللَّهِ؛ ای جعفر بن محمد؛ ای فرزند رسول خدا؛ ای حجت خدا علی خَلْقِهِ، یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِرِ آفَرِيدِ گَانَش؛ ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطه تو به سوی خدا روی آورده، و به وسیله تو به درگاه خدا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ تَوَسَّلَ جَسْتَه، و تو را شفیع خود گردانیده و پیشاپیش حاجت های مان حَاجَتِنَا، یا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. یا اَبَا اِبْرَاهِيمَ، مَقْدَمَ دَاشْتَه ايم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای ابا ابراهیم؛ یا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلٰی خَلْقِهِ، ای موسی بن جعفر؛ ای فرزند رسول خدا؛ ای حجت خدا بر آفریدگان؛ یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطه تو به سوی خدا روی آورده و به وسیله تو به درگاه خدا تَوَسَّلَ جَسْتَه وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَتِنَا، یا وَجِيهًا و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش حاجت های مان مقدم داشته ایم، ای آبرومند عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. یا اَبَا الْحَسَنِ، یا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى، نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای ابا الحسن؛ ای عَلِيَّ بْنَ مُوسَى؛ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلٰی خَلْقِهِ، یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، ای سرور و سالار ما؛ ما تَوَجَّهْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ،

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَيَّ بِه واسطه تو به سوی خدا روی آورده و به وسیله تو به درگاه خدا توسل جسته و تو را شفیع خوداللّه، وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ يَدَي حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا كَرْدَانِيْدَه، و پیشاپیش حاجت های مان مقدّم داشته ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوندعِنْدَ اللَّهِ. يَا أَبَا جَعْفَرٍ، يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا شَفَاعَتَ كُن. ای ابا جعفر؛ ای محمد بن علی؛ ای فرزند رسول خدا؛ ای حُجَّةَ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، حَجَّتْ خُدا بر آفریدگانِش؛ ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطه تو به سوی خدا روی آورده وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ وَبِه وسیله تو به درگاه خدا توسل جسته و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش حاجت های مان یَدَي حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. يَا أَبَا مَقْدَمٍ دَاشْتَه ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای اباالحسن، يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَي الْحَسَنِ؛ ای علی بن محمد؛ ای فرزند رسول خدا؛ ای حَجَّتْ خُدا بر خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ آفریدگانِش؛ ای سرور و سالار ما؛ ما به واسطه تو بسوی خدا روی آورده و به وسیله تو به درگاه خدا تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَيَّ، وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ يَدَي حَاجَاتِنَا، جسته و تو را شفیع خود گردانیده، و پیشاپیش حاجت های مان مقدّم داشته ایم، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، يَا حَسَنَ بْنَ آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت کن. ای ابا محمد؛ ای حسن

بن عَلِيٍّ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا عَلِيٌّ؛ ای فرزند رسول خدا؛ ای حجت خدا بر آفریدگانش؛ ای سرور و سالار ما؛ إِنَّا تَوَجَّهْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ مَا بِهِ وَسَطُهُ تُو بِهِ سَوَى خِدا رُوى آورده و به وسیله تو به درگاه خدا توسل جسته و تو را شفیعِ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعُ خِودِ گِردانیده، و پیشاپیش حاجت های مان مقدم داشته ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزدلنا عِنْدَ اللَّهِ. يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفَ الصَّالِحِ، يَا بَنَ رَسُولِ خِداوند شفاعت کن. ای وصی امام حسن، و جانشین شایسته او؛ ای فرزند رسولِ اِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعُ خِودِ گِردانیده، و پیشاپیش حاجت های مان مقدم داشته ایم، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خِداوند؛ صِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاكْشِفْ عَنَّا كُلَّ هَمٍّ، وَفَرِّجْ عَنَّا بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دِرود فرست، و از ما هر اندوهی را برطرف کن، و هر غمی را کُفِّلْ غَمًّا، وَاقْضِ لَنَا كُلَّ حَاجَةٍ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اَللَّهُمَّ دِرِور کن، و برای ما هر حاجتی از حاجت های دنیا و آخرت را برآورده ساز. خِداوند؛ صِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعِدْنَا مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ. بِرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دِرِود فرست، و ما را از شرِّ و

بدی آنچه آفریده ای پناه بده. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّالِ مُحَمَّدٍ، وَاَلْبِسِنَا دِرْعَكَ الْحَصِيْنَةَ، خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و زره محکمت را بر ما بپوشان، وَقِنَا شَرَّ جَمِيْعِ خَلْقِكَ. اَللّٰهُمَّ صِلْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّالِ مُحَمَّدٍ، و ما را از شرّ و بدی تمام آفریدگانت محفوظ بدار. خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، وَاَحْفَظْ غُرْبَتَنَا، وَاَسْتُرْ عَوْرَتَنَا، وَاَمِنْ رَوْعَنَا، وَاكْفِنَا مِنْ بَغْيِ دُوْرِي و بِيْغَانِكِي مَا رَا) از غیر خودت (حفظ کن، و زشتی های ما را بپوشان، و ترس و وحشت ما را ایمنی بخش، و از ستم آنانکه عَلَيْنَا، وَاَنْصُرْنَا عَلٰی مَنْ ظَلَمْنَا، وَاَعِدْنَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ، بر ما گردنکشی می کنند و دست دراز می نمایند کفایت کن، و ما را بر کسانی که به ما ظلم می کنند یاری فرما، و از شیطان رانده شده، وَاَمِنْ جَوْرِ السُّلْطَانِ، وَاَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي و ستم سلطان و شرّ و آزار هر بدی کننده ای پناه بده. خداوندا؛ ما را در سِتْرِكَ وَاَمِنْ حَفْظِكَ، وَاَمِنْ كَنْفِكَ وَاَمِنْ حِرْزِكَ، وَاَمِنْ عِيَاذِكَ پوشش خودت و در حفظ و حمایت و حراست و پناه وَاَمِنْ عِزِّكَ وَاَمِنْ مَنَعِكَ، عَزَّ جَارُكَ وَاَمِنْ ثَنَاؤِكَ، وَاَمِنْ عَائِدَتِكَ، و عَزَّتْ و بازدارندگیت قرار بده، آنکه در جوار تو باشد عزیز است و مدح و ثنای تو بلندمرتبه است، و پناهنده ات در دسترس دشمن وَاَمِنْ غَيْرِكَ، تَوَكَّلْتُ عَلٰی الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَاَلْحَمْدُ لِلّٰهِنِيسْت، و معبودی غیر تو نباشد، بر خداوند زنده ای که نمی میرد توکل کردم، و حمد و ستایش مخصوص خداوندی الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَاَمِنْ دَلًّا، وَاَمِنْ يَكُنْ لَهُ شَرِيْكٌ فِي الْمُلْكِ وَاَمِنْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنْ الدُّلِّ، وَاَمِنْ كَبْرَهُ تَكْبِيْرًا، وَاَمِنْ سُبْحَانَ

اللَّهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، خواری و ناتوانی ندارد، و او را به بزرگی یاد می کنم، و هر صبحگاه و شامگاه خدا را تسبیح می گویم، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهِجْ قدرت و نیرویی جز به سبب خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست، و درود خدا بر مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ. اَللّهُمَّ كُفِّ عَنِّ عَبْدِكَ الضَّعِيفِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَهُمَّ آلُ او باد. خداوندا؛ از فلانی پسر فلانی بنده ضعیف، شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ، وَذُبَّ عَنْهُ كَيْدُهُ وَمَكْرُهُ، وَغَائِلَتُهُ وَبَطْشُهُ، شَرِّ و آزار فلانی پسر فلانی را باز مدار، و از او فکر و نیرنگ و بدی و چیرگی وَحِيلَتُهُ وَغَمْرُهُ، وَطُمَهُ بِالْعَذَابِ طَمًّا، وَقَمَّهُ بِالْبَلَاءِ قَمًّا، وَأَبِخْ وَحِيلَهُ وَفَرِيبَ وَبَدِغُوئِي او را دور کن، و او را به شدت غرق عذاب و سختی گردان و بلای فراگیری را بر او مسلط ساز، و حریم حریمه، وَارْمِهِ بِيَوْمٍ لَا مَعَادَ لَهُ، وَبِسَاعِهِ لَا- مَرَدَّ لَهَا، إِنَّكَ عَلِيَاوِ را که جز بر اهلش روا نیست بر همگان مباح کن، و به روزی بینداز که بازگشتی برایش نباشد، و به ساعتی که راه رهایی برایش نباشد، که تَوَكَّلْ شَيْءٌ قَدِيرٌ. اَللّهُمَّ بِحَقِّ الْمَائِمَةِ الْمَعْصُومِينَ، وَبِحَقِّ حُرْمَتِهِمْ بر هر چیز توانایی. خداوندا؛ به حق امامان پاک و معصوم، و به حرمتی که لَمَدَيْكَ، وَمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَكَ، أَهْلِكَ هَلَاكًا عَاجِلًا غَيْرَ أَجَلٍ، وَخُذْهُ در پیشگاه تو، و جایگاه و مرتبه ای که نزد تو دارند، او را فوری و بدون تأخیر به هلاکت برسان، و مجازات کن أَخَذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اَللّهُمَّ بِحَقِّكَ مجازات کردن شخص نیرومند باقتدار، به مهربانیت ای مهربانتر از همه مهربان ها. خداوندا؛ به حق بزرگ العظیم، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبِحَقِّ أَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ و

والایت، و به حقّ محمّد و آل محمّد، و به حقّ پیامبران و رسولانت، وَبِحَقِّ هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ، وَبِحَقِّ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، و به حقّ امامان پاک و معصوم، و به حقّ بندگان شایسته ات، وَبِحَقِّ مَنْ نَادَاكَ وَنَاجَاكَ، وَدَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، صَلِّ عَلَيَّوْهُ بِه حَقِّ آنانکه تو را صدا بزندی و با تو نجوا کنند، و در خشکی و دریا تو را بخوانند، بِرُمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْت، و در فرج ایشان شتاب کن، و بر مردان و زنان وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَالْبَرَكَهَ، وَعَلَى مَرَضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مَوْمِنِ فَقِيرِ بَه تَوَانْگَرِی و برکت لطف کن، و بر مردان و زنان مَوْمِنِ مَرِيضِ بِالشِّفَاءِ وَالْعَافِيهِ، وَعَلَى مَوْتَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ شِفَا مَرَحْمَتِ كُنْ و عَافِيَتِ بَدَه، و بر مردان و زنان مَوْمِنِ كَه از دُنْیَا رَفْتَه اَنْد آمَرِزِش وَالرَّحْمَه، وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ و رَحْمَتِ ارْزَانِی بَدَار و بر مردان و زنان مَوْمِنِ غَرِيبِ بَه بازگشت ایشان سَالِمِينَ غَانِمِينَ، وَعَلَى الْإِثْمَانِ وَأَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا وَأَهْلِ بَا سَلَامَتِی و بَهْرَه مَنْدِی بَه وَطَنِ هَايْشَانِ عَنَايَتِ فَرْمَا، و بر پَدْرَانِ و مَادْرَانِ و هَمْسَرَانِ و فَرْزَنْدَانِ حُزْنَانَتِنَا بِالْعَتَقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ، وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَاوْهُ آنانکه بَه مَا مَرْبُوطِنْدِ بَا رَهَائِیِ ايشان از آتِشِ و کَامِيَابِیِ بَه بَهْشْتِ کَرْمِ کُنْ، و احسان فرما در کار مَافَرَجًا و مَخْرَجًا، وَارْزُقْنَا رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا مِنْ حَيْثُ نَحْتَسِبُ فَرَجِ و گشایشی عَنَايَتِ کُنْ، و بَه مَا رُوزِیِ حَلَالِ پَاکِ از جایی که گمان داریم و مِنْ حَيْثُ لَانَحْتَسِبُ، وَاخْتِمَ لَنَا بِخَيْرٍ، وَأَصْلِحْ لَنَا شَأْنَنَا، وَأَعِنَّاوْهُ از آنجا که گمان نداریم رُوزِیِ گَرْدَانِ، و عَاقِبَتِ و سَرَانْجَامِ کَارِ مَا رَا بَه خَيْرِ گَرْدَانِ، و شُئُونِ مَا رَا اَصْلَاحِ کُنْ،

وَلِدِينَنَا

وَدُنْيَانَا، وَأَقْضِ حَوَائِجَنَا كُلَّهَا مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، بِرَأْسِ دِينٍ وَدُنْيَا مَا رَا كَمُكِّ كُنْ، وَهَمَّةِ حَاجَتِ هَآئِ دُنْيَوِي وَآخِرَوِي مَا رَامَمَّا لَكَ فِيهِ رِضَى وَلَنَا فِيهِ صَلَاحٌ، وَأَغْنِنَا وَأَدْرِ كُنَّا، وَأَرْزُقْنَا كَمَا خَشِنَا كَمَا خَشِنَا تُو وَ مَصْلَحَتِ مَا دَرِ آنِ اسْتِ بِرَأْوَرْدِهِ سَازِ، وَ بِه فَرِيَادِ مَا بَرَسِ وَ مَا رَا دَرِيَابِ، وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ النَّبِيِّ وَالْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فِي حَجِّ خَانِه مَحْتَرَمِ خُودَتِ وَ زِيَارَتِ پِيَامْبَرِ وَ ائِمَّةِ طَاهِرِينَ رَا - كِه سَلَامِ وَ دَرُودِ بِرِ آنَانِ بَادِ - دَرَعَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَاجْعَلْنَا فِي طَاعَتِكَ مُجِدِّينَ، وَفِي هَمِينِ اَمْسَالِ وَ دَرِ هَرِ سَالِي رُوزِي مَا كَرْدَانِ، وَ مَا رَا دَرِ اطَاعَتِ خُودِ كُوشَا، وَ دَرِ خِدْمَتِكَ رَاغِبِينَ، وَ قِنَا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ عَذَابِ الْفَقْرِ وَالْقَبْرِ وَالنَّارِ خِدْمَتِ خُودِ مَشْتَاقِ قَرَارِ بَدِه، وَ بِه فَضْلِ رَحْمَتِ ازِ سَخْتِي فَقْرِ وَ عَذَابِ قَبْرِ وَ آتَشِ وَ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ، وَ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَ سَخْتِي جَانِ كَنْدَنِ وَ وَحْشَتِ هَآئِ رُوزِ قِيَامَتِ مَا رَا حَفْظِ كُنْ، أَيِ مَهْرَبَاترِينَ مَهْرَبَانَانِ.

سپس سجده شکر نموده و در آن، حاجت خود را بخواهد که ان شاء الله برآورده می شود. (۷۶)

دعای حضرت امام رضا علیه السلام پس از هشت رکعت نماز شب

این دعا از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است و بعد از هشت رکعت نافله نماز شب خوانده می شود:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عَادَ بِكَ مِنْكَ، وَ لَجَا اِلَى عِزِّكَ، خُداوَنَدَا؛ از تُو دَرِ خُواسْتِ مِي كُنَمِ بِه اَحْتِرَامِ آنَكِه بِه (رَحْمَتِ) تُو از (عَقَابِ) تُو پِنَاهِنْدِه كِشْتِ، وَ بِه عَزَّتِ پِنَاهِ بَرْدِ، وَ اسْتَنْظَلَ بِفَيْئِكَ، وَ اعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ، وَ لَمْ يَثِقْ اِلَّا بِكَ، يَا جَزِيْلَ وَ دَرِ سَايِه لَطْفَتِ قَرَارِ كَرَفْتِ، وَ بِه رِيَسْمَانِ تُو چَنگِ زَدِ، وَ تَنهَا بِه تُو اطمِينانِ كَرْدِ، أَيِ صَاحِبِ الْعَطَايَا، يَا مُطْلِقَ الْاَسَارِي، يَا مَنْ سَمِيَ نَفْسَهُ مِنْ جُودِهِ عَطَا وَ بَخْشَشِ بَسِيَارًا؛ أَيِ

آزادکننده اسیران؛ ای آنکه خود را به خاطر جود و بخشش فراوان و هاباً، اُدْعُوکَ رَغْباً وَرَهْباً، وَخَوْفاً وَطَمَعاً، وَإِلْحاحاً وَإِلْحافاً، و هاب» یعنی زیاد بخشنده نامیده است، تو را از روی اشتیاق و هراس، و ترس و طمع، و الحاح و اصرار و خواری، دعا پس از نماز در مقام جبرئیل

۱. البلد الأمين: ۴۴۹، جامع الأثر: ۶۰۵) با اختصار).

وَتَضَرُّعاً وَتَمَلُّقاً، وَقَائِماً وَقَاعِداً، وَرَاكِعاً وَسَاجِداً، وَرَاكِباًو زاری و فروتنی، و در حال ایستاده و نشسته، و رکوع و سجده، و سواره و ماشیاً، وَذَاهِباً وَجَائِئاً، وَفِي كُلِّ حَالَتِي، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَيِّلِي وَپیاده، و رفتن و آمدن، و در همه حالاتم می خوانم، و از تو می خواهم که علی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا. (۷۷)

بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فرستی، و با من «چنین و چنان» کنی.

دعا پس از نماز در مقام جبرئیل علیه السلام

این دعا منسوب به حضرت امام رضا علیه السلام است:

در مقام جبرئیل علیه السلام، دو رکعت نماز بخوان و بگو:

يا جوادُ يا كريمُ، يا قريباَ غَيْرَ بعيدِ، أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَيْسَ اى بخشنده؛ ای بزرگوار؛ ای نزدیکی که دور نیستی؛ از تو درخواست می کنم - به اینکه تو خداوندی كَمِثْلِكَ شَيْءٌ أَنْ تَعْصِمَنِي مِنَ الْمَهَالِكِ، وَأَنْ تُسَلِّمَنِي مِنْ أَفَاتٍ وَهیچ چیز مانند تو نیست - که مرا از موارد هلاکت نگهداری، و از آفت های الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَوَعْتَاءِ السَّفَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ، وَأَنْ تَرُدَّنِي سَالِماًدُنْيَا وَآخِرَتِ، و دشواری های سفر و بدی بازگشت سلامت بداری، و اینکه مرا اِلَى وَطَنِي بَعْدَ حَجِّ مَقْبُولٍ وَسَيِّحِي مَشْكُورٍ، وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ، وَلَا تَجْعَلْهُ بَعْدَ از حَجِّ پذیرفته شده، و تلاش پاداش داده شده، و عمل مورد قبول سالم به وطنم بازگردانی، و آن را اِخْرَ الْعَهْدِ مِنِّي مِنْ حَرَمِكَ وَحَرَمِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (۷۸) آخرین دیدار من از حرمت و حرم پیامبرت

- که درود خدا بر او و آل او باد - قرار ندهی.

۱. مصباح المتهجد: ۱۵۰، بحار الأنوار: ۲۵۷/۸۷.

۲. هدیه الزائرین و بهجه الناظرین: ۳۱۳، مستدرک الوسائل: ۱۹۶/۱۰.

همان گونه که می توانیم برای خود زیارت بخوانیم، می توانیم به نیابت از افراد دیگر یا فرد معین نیز زیارت کنیم یا اصل زیارت را به نیابت از دیگری انجام دهیم.

دستور نماز این گونه زیارت ها را در «بخش نمازها» بیان کردیم و اکنون دعاهایی که پس از نماز آن ها خوانده می شود بیان می کنیم:

دعا پس از نماز زیارت به نیابت از دیگران

اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذِهِ الزِّيَارَةَ، وَصَلَّيْتُ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ، وَجَعَلْتُ خَدَاوَنَدَا؛ مِنْ أَيْنِ زِيَارَتِ رَا انْجَام دَادَم، وَ أَيْنِ دُو رَكَعْتِ نَمَاز رَا خَوَانَدَم، وَ ثَوَابَهُمَا لِجَمِيعِ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَلِجَمِيعِ مَنْ ثَوَابَ آَن دُو رَا بَرَايِ هَمَمَ مَرْدَانِ وَ زَنَانِ مَؤْمِنِ وَ هَمَمَ آَنهَائِي كِه أَوْصَانِي بِالزِّيَارَةِ وَالِدُعَاءِ لَهُ. اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي وَمِنْهُمْ، مَرَا بَه زِيَارَتِ وَ دَعَا سَفَارَشِ كَرْدَنَدِ قَرَارِ دَادَم. خَدَاوَنَدَا؛ آَن رَا از مَن وَ از ايشان قبول كن، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۷۹)

به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

دعا پس از نماز زیارت به نیابت از شخص خاص

دعا پس از نماز زیارت ...

اللَّهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ وَ لَكَ رَكَعْتُ وَ لَكَ سَجَدْتُ، لِأَنَّهُ لَا يُبْعَى خَدَاوَنَدَا؛ بَرَايِ تُو نَمَازِ خَوَانَدَم وَ بَرَايِ تُو رَكَوعِ نَمُودَم وَ بَرَايِ تُو سَجَدَه كَرْدَم، زِيَرِ الصَّلَاةِ وَ الزُّكُوعِ وَ السُّجُودِ إِلَّا لَكَ. اللَّهُمَّ وَقَدْ جَعَلْتُ ثَوَابَ نَمَازِ وَ رَكَوعِ وَ سَجُودِ جِزِ بَرَايِ تُو سَزَاوَارِ نِيسَت. خَدَاوَنَدَا؛ ثَوَابِ سِيَلَامِي وَ زِيَارَتِي وَ صَلَاتِي هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةً مِنِّي إِلَى سَلَامِ وَ زِيَارَتِ وَ أَيْنِ دُو رَكَعْتِ نَمَازِمَ رَا هَدِيَه كَرْدَم بَه فُلَانِ بِنِ فُلَانٍ، فَتَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي وَمِنْهُ، وَأَجْرُنِي عَلَيْهِ، إِنَّكَ فُلَانِي فِرْزَنَدِ فُلَانِي، آَن رَا از مَن وَ از او بِيذِيرِ، وَ مَرَا بَرِ آَن پَادَاشِ دَه، كِه تُو عَلِي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۸۰)

بر هر چیز توانا هستی.

دعا پس از نماز زیارت در سفر نیابتی

اللَّهُمَّ مَا أَصَابَنِي مِنْ تَعَبٍ أَوْ نَصَبٍ أَوْ سَعَبٍ أَوْ لُغُوبٍ، فَأَجْزُ فُلَانٍ خَدَاوَنَدَا؛ دَرِ مَقَابِلِ رَنجِ وَ نَارَا حَتِي وَ كِرْسَنگِي وَ خَسْتَنگِي كِه دَرِ أَيْنِ سَفَرِ بَه مَن رَسِيدَه، فُلَانِي بِنِ فُلَانٍ عَلَيْهِ، وَأَجْرُنِي فِي نِيَابَتِي عَنْهُ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ فِرْزَنَدِ فُلَانِي رَا پَادَاشِ بَدَه، وَ مَرَا

در نیابتم از او اجری مرحمت کن. سلام بر تو ای مولای من؛ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ أَتَيْتُكَ زَائِراً عَنْهُ، فَاشْفَعْ لَهُ وَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ. از طرف فلانی فرزند فلانی به پیشگاه تو به عنوان زیارت از طرف او آمده ام، پس شفاعت کن برای او و برای من نزد پروردگارت.

آنگاه برای آن شخص و مؤمنان دیگر دعا کنید، و هنگام وداع نیز همین عمل را انجام دهید. (۸۱)

ادعا پس از نماز زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

از راه دور در بیست و پنجم ذیقعد

اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ، هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رُوحِ سَيِّدِي وَإِمَامِي خَدَاوَنَدَا؛ این دو رکعت نماز هدیه ای است از طرف من به روح پاک سرورم و امامم و پیشوایم، عِنْدَكَ وَوَلِيِّكَ، أَبِي

الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، صَلَوَاتُكَ بِنْدِهِ تُو و وَلِيِّ تُو اَبَا الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، كِه دَرُودُ تَشِيْلِيْمَاتُكَ عَلَي رُوحِهِ وَجَسَدِهِ. اَللّٰهُمَّ فَبَلِّغْهُمَا مِنِّي اِلَيْهِ سَلَامٌ فِرَاوَانَتِ بَر رُوحِ پَاكٍ وَ جَسَدِ طَاهِرٍ اَوْ بَاد. خَدَاوَنَدَا؛ اَيْن هِدِيَه مَرَا بَه رُوحِهِ، وَازْدُدْ عَلَي مِنْ رُوحِهِ التَّحِيَّهَ وَالسَّلَامَ. اَللّٰهُمَّ وَاجْزِنِي رُوحِ اَوْ بَرَسَان، وَ اَز طَرَفِ رُوحِ پَاكٍ اَوْ دَرُودِ وَ سَلَامَشِ رَا بَه مِنْ بَازْگَرْدَان. خَدَاوَنَدَا؛ بَه مِنْ بَه خَاطِرِ اَيْن كَارَعَلِي ذَلِكْ اَفْضَلَ الْجَزَاءِ مِنْكَ، وَفِي رَسُوْلِكَ، وَفِي وُلْدِ رَسُوْلِكَ، اَز طَرَفِ خُودِ بَهْتَرِيْنَ جَزَا وَ پَادَاشِ رَا مَرَحْمَتِ فَرْمَا، وَ دَر مَورِدِ رَسُوْلَتِ وَ فِرَزَنْدَانِ رَسُوْلَتِ، وَفِي وَلِيِّكَ، وَفِي وُلْدِ وَلِيِّكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِيْنَ (۸۳). (۸۲)

و درباره ولایت، و فرزندان ولایت چنین کن، ای سرپرست مؤمنان.

دعای طلب خیر در سجده

بخش هشتم

هشت دعا در سجده

در این بخش، هشت دعا که در سجده خوانده می شوند، نقل می کنیم:

□

دعای طلب خیر در سجده

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام» با سند خود از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

پس از نماز واجب سجده می کنی و صد مرتبه می گویی:

اَللّٰهُمَّ خِرْ لِيْ.

خداوندا؛ آنچه خیر است برای من قرار بده.

سپس به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه طاهرين عليهم السلام توسل بجو، و بر آنان درود فرست و درخواست شفاعت کن، آنگاه ببین خداوند چه چیزی به تو الهام می نماید؟ آن را انجام بده که آن، از عنایات خداوند تبارک و تعالی است. (۸۴).

دعا در سجده پس از نماز ظهر

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

... سپس سجده کنان خود را بر خاک می افکنی و در سجده ات می گوئی:

يا أَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَنْتَ مَوْلَايَ اِي اهل تقوا و آمرزش، اِي مهربانترين مهربانان، تو مولاؤَسَيِّدِي فَارزُقْنِي، أَنْتَ خَيْرُ لِي مِنْ أَبِي وَأُمِّي وَمِنَ النَّاسِ و سرور من هستي پس مرا روزي بده، تو براي من بهتر از پدر و مادر و همه مردمان أَجْمَعِينَ، بِي إِلَيْكَ فَقَرُّ وَفَاقَةٌ، وَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِّي، أَسْأَلُكَ هَسْتِي، بسوي تو نياز و احتياج من است، و تو از من بي نيازي، از تو مي خواهم بَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، به حرمت ذات بزرگوارت، و درخواست مي کنم که بر مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ وَعَلَيَّ إِخْوَانِهِ النَّبِيِّينَ، وَالْأَيْمَةَ الطَّاهِرِينَ، وَتَشِيَّتَجِيبَ دُعَائِي، و بر برادرانش پيامبران، و امامان پاک درود فرستي، و دعائم را به اجابت برساني وَتَرْحَمَ تَضَرُّعِي، وَاصْرِفْ عَنِّي أَنْوَاعَ الْبَلَاءِ يا رَحْمَنُ. (۸۵) و به ناله و زاري من رحم کنی، و انواع بلا را از من بازگردانی، اِي (خداوند) بخشنده. ذکر ديگر سجده شکر

ذکر سجده شکر

به سند معتبر از حضرت امام رضا عليه السلام روايت شده است که فرمود:

در سجده شکر اگر خواستی صد مرتبه «شُكْرًا شُكْرًا» بگو و اگر خواستی صد مرتبه «عَفْوًا عَفْوًا» بگو. (۸۶)

ذکر ديگر سجده شکر

شيخ صدوق رحمه الله به سند خود از حضرت امام رضا عليه السلام روايت کرده است که فرمود:

سجده شکر پس از نماز واجب، به خاطر توفیقي است که خدا به بنده اش مرحمت فرموده تا توانسته فريضة را بجا آورد، و کمترین مقداری که کفایت می کند اين است که سه مرتبه بگويد: «شُكْرًا لِلَّهِ».

حسن بن علی بن فضال - که راوی حدیث است - گوید: به حضرت امام رضا عليه السلام عرض کردم: معنی «شُكْرًا لِلَّهِ» چیست؟ فرمود:

يعنی می گوید: اين سجده، سپاس توفیقي است که خداوند به من داده تا او را خدمت کنم، و واجباتش را بجا آورم. و همواره شکر کردن باعث فزونی نعمت می گردد؛ پس اگر در نماز تقصیری و کمبودی داشته که با نوافل کامل نگردیده با اين سجده کامل می گردد. (۸۷)

دعای حضرت امام رضا عليه السلام در سجده

دعا در سجده نماز

ابوالحسن صائغ از عمويش روايت کرده است که گفت: با حضرت امام رضا عليه السلام بسوي خراسان بيرون آمدیم، با او در مورد قتل رجاء بن ابي ضحاک - که مأمور بردن آن حضرت به خراسان بود - مشورت کردم، مرا از آن بازداشت و فرمود:

آيا می خواهی شخص مؤمنی را در مقابل شخص کافری به قتل رسانی؟

چون به اهواز رسیدیم، به اهل اهواز فرمود:

برای من مقداری نیشکر تهیه کنید.

یکی از اهل اهواز - از آن ها که بی خردند - گفت: این مرد، اعرابی است نمی داند که نی در تابستان یافت نمی شود.

عرض کردند: ای سرور ما؛ نی در این فصل یافت نمی شود و فقط در زمستان پیدامی شود. فرمود: شما آن را بجوئید پیدا خواهید کرد.

اسحاق بن ابراهیم گفت: به خدا قسم؛ سرور من چیزی را که وجود نداشته باشد طلب نمی کند، در هر طرف عدّه ای را فرستادند و بالأخره کارگران اسحاق

آمدند و گفتند: نزد ما مقداری نی هست که آن را برای بذری که می خواهیم زراعت کنیم ذخیره کرده ایم، و این یکی از براهین و دلائل امامت آن حضرت بود.

و وقتی در قریه ای رسید، از او شنیدم که در سجده اش می گفت:

لَكَ الْحَمْدُ إِنَّ أَطْعَمَكَ، وَلَا حُجَّةَ لِي إِنَّ عَصَيْتُكَ، وَلَا صُنْعَ لِي سَتَائِشِ سَزَاوَارِ تُو اسْتِ اِغْرَ تُو رَا اِطَاعَتِ نَمَائِمِ، وَ هِيْجِ حَجَّتِي نِدَارَمِ اِغْرَ نَافْرَمَانِيْتِ كَنَمِ، وَ كَارِي بَرَايِ مَن وَ لَا لِيْغَيْرِي فِيْ اِحْسَانِيْكَ، وَ لَا عُذْرَ لِيْ اِنْ اَسَاْتُ، مَا اَصَابَنِيْ مِنْ وَ غَيْرِ مَن نِيْسْتِ دَرِ اِحْسَانِ تُو، وَ اِغْرَ بَدِي كَنَمِ هِيْجِ عَذْرِي نِدَارَمِ، اِنْجِهْ بَهْ مَن اَزْ حَسَبِيْ نَهْ فَمِنْكَ يَا كَرِيْمُ، اِغْفِرْ لِمَنْ فِيْ مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا خَيْرِ وَ خُوْبِي بَرَسْدِ اَزْ نَاحِيَهْ تُو اسْتِ اِيْ بَزْرْگُوَارِ، بِيَاْمَرْزِ هَرِ كَسِيْ كِهْ دَرِ مَشْرِقِ وَ مَغْرَبِ عَالَمِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ. (۸۸)

از مرد و زن باایمان هست.

دعا در سجده نماز

از حضرت امام رضا علیه السلام چنین نقل شده است:

سپس تکبیر بگو و سجده کن، و سجده بر هفت عضو انجام می شود که عبارتند از: پیشانی، کف دو دست، سر دو زانو، و سر دو انگشت بزرگ پا، و بر بینی سجده تحقق پیدا نمی کند بلکه بر خاک مالیدن آن، کنایه از ذلت و خواری در پیشگاه پروردگار است. در وقت سجده کردن به طرف بینی ات نظر کن، و در بین دو سجده و نیز در تشهد نگاهت به دامن باشد و در سجده ات بگو:

اَللّٰهُمَّ لَكَ سَبَّحْتُ، وَبِكَ اَمْتُ، وَ لَكَ اَسْلَمْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، خُدَاوَنَدَا؛ بَرَايِ تُو سَجْدَهْ كَرْدَمِ، وَ بَهْ تُو اِيْمَانِ اَوْرَدَمِ، وَ تَسْلِيْمِ تُو كَرْدِيْدَمِ، وَ بَرِ تُو تُو كَلِّ نَمُوْدَمِ، اَنْتَ رَبِّيْ، سَبَّحْتُ لَكَ وَجْهِيْ وَ شَعْرِيْ وَ بَشْرِيْ وَ مَخِيْ وَ لَحْمِيْ تُو پَرُوْرْدِگَارِ مَن هَسْتِيْ، بَرَايِ تُو چِهْرَهْ اَمِ وَ مَوِيْمِ وَ

پوستم و مغزم و گوشتم و دمی و عصبی و عظامی، سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي الدَّلِيلُ و خونم و رگم و استخوانم سجده کرد، چهره فرسوده شونده از بین رونده پست خوار من سجده کرد الْمَهِينُ، لِذِي خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ، وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ، تَبَارَكَ اللَّهُ برای آنکه او را آفریده و صورت بخشیده و گوش و چشم او را گشوده است، پاک است خداوندی که أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ، «سَيِّحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» سه یا پنج یا هفت نیکوترین آفریننده است، «منزه است پروردگار بلندمرتبه من و به ستایش او مشغولم».

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲/۲۰۶، و در بحار الأنوار: ۳۴/۸۵ و ج: ۲۲۸/۸۶ با اختصار و مقباس المصابیح: ۲۱۷.

مرتبه، و اگر نه مرتبه بگویی افضل است. (۸۹)

دعا در سجده سهو

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که ذکر سجده سهو این است:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (۹۰) به نام خدا و به یاری خدا، سلام بر تو ای پیامبر، و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

دعای سجده هنگام مشکلات

این دعا از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

هنگامی که خسته و بی تاب و توان شده باشی سجده کن، سپس گونه راست و پس از آن گونه چپ خود را بر زمین بگذار و در هر یک بگو:

يَا مُيَدَّلُ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، يَا مُعَزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ، قَدْ وَحَقَّكَ بَلَعُ آيِ خَوَارِ كُنُنْدَه هِر زورگوي عنادپيشه، اي عزيز كننده هر ذليل، به حق تو سوگند كه مجهودي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَرِّجْ عَنِّي. (۹۱)

ناتوان شده و بی تاب گشته ام، پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و گشایشی در کارم بده.

دعای مهمی برای اداء حقوق...

بخش نهم

هشت دعای هر روز

در این بخش، هشت دعا از دعاهایی که هر روز خوانده می شوند نقل می کنیم:

□

دعای مهمی برای اداء حقوق خداوند

مرحوم سید بن طاووس دعایی را نقل کرده است که خلاصه کلام ایشان چنین است: حضرت امام رضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل کردند:

هر کس دوست دارد اعمال او با میزانی که سنگین وزن تر است وزن شود، و حقوق نعمت هایی را که خداوند به او داده ادا نماید، باید هر روز بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَتَّبَعِي لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَمَا يَتَّبَعِي لِلَّهِ، مَنْزَهُ اسْتِخْدَاوْنِدْ أَنْكُونَهُ تَنْزِيهِهِ كَمَا سَزَاوَارِ خِدَاوَسْتِ، وَخِدَاوَسْتِ اسْتِخْدَاوْنِدْ أَنْكُونَهُ سَتَاوَارِ كَمَا يَتَّبَعِي لِلَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ وَسَتَاوَارِشِ مَخْصُوصِ خِدَاوْنِدْ اسْتِ أَنْكُونَهُ سَتَاوَارِشِ كَمَا سَزَاوَارِ خِدَاوَسْتِ، وَقُدْرَتِ وَقُوَّتِي نِسْتِ مَكْرَبِهِ وَسَيْلِهِ خِدَاوْنِدْ، وَدُرُودِ خِدَاوْنِدْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، النَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ الْهَاشِمِيِّ، وَصَلَّى اللَّهُ بِرِ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ أَوْ بَادِ، بِرِامْبِرِ عَرَبِ هَاشِمِي نَسَبِ، وَدُرُودِ خِدَاوْنِدْ عَلَيَّ جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ. (۹۲)

بر همه رسولان و پیامبران تا خداوند راضی شود.

دعای ایام غیبت که حضرت امام رضا علیه السلام

به خواندن آن دستور داده اند

دعای ایام غیبت ...

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس در کتاب «جمال الأسبوع» گوید:

سابقاً در ضمن کارهای عبادی روز و شب، اهتمام بزرگان دین و پیشوایان راستین را در زمان های گذشته درباره دعا کردن برای حضرت مهدی ارواحنا فداه بیان داشتیم و آن به گونه ای بود که ما را آگاه می کرد مسأله دعا نمودن برای حضرت مهدی ارواحنا فداه از امور مهم و مورد توجه مسلمانان و مؤمنان بوده است.

در تعقیب نماز ظهر دعای امام صادق حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام را برای حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت کردیم که از آن استفاده می شد، آن حضرت در مورد دعا کردن برای حضرت مهدی ارواحنا فداه بیش از دعا کردن برای خودش اهمیت می داد.

و در تعقیب نماز عصر فصل نیکویی را از دعای امام کاظم علیه السلام برای حضرت مهدی ارواحنا فداه ذکر کردیم و اهمیت دادن آن حضرت را در مورد دعا برای حضرت مهدی ارواحنا فداه - که پیش از دعا برای خودش بود - بیان داشتیم، و کسی که موقعیت این دو امام و جایگاه والای ایشان را در اسلام شناخته باشد، برایش روشن است که باید به ایشان اقتدا کند، و به زودی یادآور می شویم دستور حضرت امام رضا علیه السلام و غیرایشان را به دعا کردن برای حضرت مهدی ارواحنا فداه و دعایی را که ایشان در مورد فرزندش حضرت مهدی ارواحنا فداه سفارش می کرد.

جَدِّمَ ابوجعفر شیخ طوسی رحمه الله با طرق مختلف از یونس بن عبدالرحمان روایت کرده است که گفت: حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام همیشه و مدام دستور می داد که مردم برای حضرت مهدی ارواحنا فداه این گونه دعا کنند:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ خَدَاوَنَدَا؛ از ولی

بده که هر کس در آن قرار گرفت مورد تجاوز واقع فيه، وَأَيْدُهُ بِنَصْرِ رِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيْدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقُوَّةٌ نَشُودُ، و او را به نصرت قوی و نیرومندی یاری کن، و به لشکر پیروزمندت تأیید نما، و به نیروی خویش بقوتتک، وَأَرْدِفُهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ، نیرومند فرما، و فرشتگانت را با او همراه ساز، و دوست بدار هر کسی که او را دوست دارد، و دشمن بدار هر کسی که با او دشمنی کند، وَأَلْبِسُهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَحُفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَفًّا. اللَّهُمَّ وَبَلِّغُهُ وَبَلِّغُهُ وَبَلِّغُهُ و به او زره محکم خود را بیوشان، و گرداگرد او را با فرشتگان احاطه کن. خداوندا؛ و او را برسان أَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْمِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ. اللَّهُمَّ به مقامی برتر از آنچه برپادارندگان عدالت از پیروان پیامبران را رسانده ای. خداوندا؛ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ، وَأَمْتٌ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهَرُ پراکنندگی امور ما را به وسیله او اصلاح کن، و گسستگی ما را به وسیله او به پیوستگی تبدیل کن، و ظلم و ستم را به وسیله او بمیران، و عدل به الْعِدْلَ، وَزَيْنٌ بِطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَيْدُهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصِرْهُ وَدَادَ رَا بِه وَسِيلَهُ او آشکار ساز، و زمین را با طولانی ماندن او زینت بده، و او را با یاریت تأیید کن، و به وسیله رعب بِالرُّعْبِ، وَقُوَّةٌ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِيدٌ عَلَى مَنْ نَصَبَ) بر دل ها(او را پیروز نما، و یارانش را نیرومند فرما، و آن ها را که دست از یاری او برداشتند خوار گردان، و هر کس آشکارا با او لَهْ، وَدَمَّرَ مَنْ غَشَّهْ. وَأَقْتُلْ بِهِ جَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَعُمْدَةَ وَدَعَائِمَهُ، دشمنی می کند یا به جنگ برخاسته هلاک کن، و هر کس خدعه و خیانت می کند نابود گردان،

و به وسیله او زورگویان کافر و استوانه ها و ارکان و اقصم به رؤوس الضلاله و شارعه البدع، و مُمیتة السنه، آنها را به هلاکت برسان، و به وسیله او سران و رؤسای گمراهی، و بدعت گزاران، و از بین برندگان سنت، و مقویة الباطل، و دَلَل به الجبارین، و اَبَر به الکافرین و جمیع و تقویت کنندگان باطل را درهم بشکن، و زورگویان را به وسیله او ذلیل کن، و ریشه کن ساز به وسیله او کافران و تمام المُلحِدین، فی مشارِق الارض و مغاربها، و بَرها و بحرِها، ملحدان را در شرق و غرب عالم، و در خشکی و دریای آن، و سیئه لها و جیلها، حتّی لاتدع منهم دياراً، و لاتبقی لهم اثاراً. و در کوه و بیابان آن، تا آنکه کسی از آنان را باقی نگذاری، و برای آنان اثری بجای نماند. اَللّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلادَكَ، و اَشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، و اَعِزَّ بِهِ خداوندا؛ شهرهایت را از وجود آنان پاک گردان، و (سینه) بندگان را از آنان شفا بخش، و مؤمنان را به واسطه المؤمنین، و اَحْيِ بِهِ سِنَنَ الْمُرْسَلین، و دَارِسَ حِكْمِهِ النَّبیین، آن حضرت عزیز فرما، و سنّت های رسولان، و حکمت های مندرس گشته پیامبران را به وسیله او زنده نما، و حِدِّدْ بِهِ مِیَا اَمْتِحی مِنْ دینِکَ، و یُدِلْ مِنْ حُکْمِکَ، حتّی تُعیدَ و آنچه از دین تو محو و نابود گشته، و از حکم و فرمانت دگرگون شده بازسازی فرما؛ تا آنکه دین تودینک به، و علی یدیه غصاً مَحْضاً صَیحِحاً، لا عِوَجَ فِیهِ، و لابه وسیله او و با دست مبارکش دوباره تازه و خرم و صحیح و بی آلایش اعاده شود؛ به گونه ای که در آن هیچ کجی نباشد، و بدعتی بَدَعَهُ مَعَهُ، و حتّی تُنیرَ بِعَدْلِهِ ظُلْمَ الْجُورِ، و تُطْفِئَ بِهِ نیرانَ در آن راه پیدا نکند، و تا آنکه تاریکی های ظلم و ستم به نور عدالت او روشن شود، و

آتش کفر به وسیله او الکفر، وتوضیح به معاد الحیق و مجهول العیدل. فَإِنَّهُ عَبْدُكَ خَامُوشِ گردد، و پیچیدگی های حق و ناشناخته مانده های عدل به وسیله او واضح و آشکار شود؛ زیرا آن حضرت، بنده ای الذی استخلصته لنفسك، واصطفيته من خلقك، واصطفيته است که تو او را برای خود خالص گردانیدی، و از میان آفریدگانت برگزیدی، و بر علی عبادك، وائتمنته علی غیبك، وعصيته من الذنوب، بندگانت برگزیدی، و بر غیب خویش امین دانستی، و از گناهان او را عصمت دادی و حفظ کردی، و بر آفته من العیوب، و طهرته من الرجس، و سلمته من الدنس. و ساختش را از هر گونه عیبی مبرا ساختی، و از هر نوع پلیدی او را پاک نمودی، و از آلودگی سالم داشتی. اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ، أَنَّهُ لَمْ خُداوندا؛ ما روز قیامت و روزی که آن حادثه وحشت زای بزرگ فرا رسد، برای او یذنب ذنباً ولا آتی حوباً، ولم يرتكب معصية، ولم يضيع لك گواهی می دهیم که هرگز گناهی نکرده و خطا و جرمی انجام نداده، و معصیت و نافرمانی مرتکب نشده، و هرگز طاعتی را برای توطاعه، ولم يهتك لك حرمة، ولم يبدل لك فريضة، ولم يعجز عن دست نداده، و) با نافرمانی (حرمت تو را هتک نکرده، و فريضة ای از فرایض تو را دگرگون نساخته، و قانونی از لک شریعه، و أنه الهادي المهدى الطاهر النقي النقي الرضى القوانینت را تغییر نداده است، و بدون تردید او هدایت گری هدایت یافته، پاکیزه، باتقوا، پاک سرشت، پسندیده الرکى. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ، وَوَلَدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَأُمَّتِهِ وَآرَاسْتَهُ است. خداوندا؛ عطا کن او را در مورد خودش و خاندانش، و فرزندانش، و ذریه اش، و امتش و جمیع رعیتش، ما تقر به عينه، وتسر به نفسه، وتجمع له و همه کسانی

که تحت سرپرستی او هستند؛ آنچه را که چشم او را به آن روشن نمایی، و جانش را به آن خشنود کنی، و برای او مُلک المملکاتِ کُلِّها، قَریبها و بَعیدها، و عَزیزها و ذَلیلها، حَتّی فرمانروائی همه ممالک؛ نزدیک و دور آن را، و عزیز و خوارش را فراهم فرما، تا آنکه یَجری حُکْمُه عَلی کُلِّ حُکْم، و یَغلب بِحَقِّه کُلِّ باطل. اَللّهُمَّ اسئَلُکَ حکم و فرمان او بر هر حکم و فرمانی جاری گردد، و حقّ او هر باطلی را مغلوب گرداند. خداوندا؛ بنا عَلی یَدِیْه مِنهاجِ الهُدی، و المَحَجَّة العُظمی، و الطَّریقَهما را با دست مبارک او بر راه روشن هدایت، و شاهراه شریعت، و جاده الوَسْطی، الّتی یَرْجِعُ إِلَیْها العالی، و یَلْحَقُ بِها التّالی، و قَوّنا وسط که دور از افراط و تفریط است، و تندروها باید به سوی آن بازگردند، و عقب مانده ها خود را به آن برسانند روان ساز، و ما را عَلی طاعتِه، و تَبَتُّنا عَلی مُشایعَتِه، و اَمُنُّ عَلَینا بِمُتابَعَتِه، بر اطاعت او نیرومند، و بر همراهی او ثابت و استوار گردان، و به پیروی او بر ما مَنّت گذار، و اجْعَلْنا فی حِزْبِه القَوّامینَ بِأَمْرِه، الصّابِرینَ مَعَه، الطّالِبینَ و ما را از حزب او که به امر و فرمانش قیام کننده اند، و) در راه او شکیبایند، و بارِضاکَ بِمُناصَحَتِه، حَتّی تَحْشُرْنا یَوْمَ القِیامَه فی أنصارِه خیرخواهی و دلسوزی نسبت به او رضا و خشنودی تو را طالبند قرار بده، تا آنکه روز قیامت ما را در زمره یاران و اَعوانِه و مُقَوِّیَه سُلطانِه. اَللّهُمَّ و اجْعَلْ ذَلِکَ لَنا خالِصاً مِنْ کُلِّ و مددکاران و تقویت کنندگان سلطنت و حکومت او محشور گردانی. خداوندا؛ همه اینها را که از تو خواستیم برای ما خالص و پاک شُکِّ و شُبّهه و رِیاءِ و سُمعِه، حَتّی لا نَعْتَمِدَ بِه غَیْرَکَ، و لا نَطْلُبَ بِه از هر شُکِّ

و شبهه قرار بده که نخواهیم با آن خودنمایی کنیم، و نخواهیم به گوش دیگران برسد، تا آنجا که به خاطر آن به غیر تو تکیه
وَاللَّاءِ وَجْهَكَ، وَحَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَأَعِدُّنَا عِمَادًا نَدَاثَةً وَبِهِ وَسِيلَةٌ لَّنُجِزَ بِهَا خَشْيَتَكَ، وَتَأْتِي
آنکه در جایگاه او ما را وارد نمائی، و در بهشت با او قرار دهی، مِنَ السَّمَاءِ وَالْكَسَلِ وَالْفَقْرِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَما
را از خستگی و بی حوصلگی و سستی پناه بده، و از کسانی که دینت را به وسیله او یاری می کنی، وَتُعِزُّ بِهِ نَصِيرَ وَوَلِيَّكَ،
وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَاوِ نَصْرَتِ وَپِروزی و لیت را تقویت می نمائی قرار بده، و غیر ما را جایگزین ما مگردان،
که این جایگزینی غَیْرِنَا عَلَیْكَ یَسِیرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا عَسِیرٌ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی وُلاهِبِرَاى تُو سَادَه و آسان، و بر ما بسی دشوار است.
خداوندا؛ درود فرست بر والیان و عَهْدِهِ، وَالْاَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ اَمَالَهُمْ، وَزِدْ فِى اَجَالِهِمْ، فرمانداران او، و پیشوایان از فرزندان
او، و ایشان را به آرزوهایشان برسان، و بر مدت عمرشان بیفزای، وَأَعِزَّنْ نَصِيرَهُمْ، وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ فِى أَمْرِكَ لَهُمْ، وَتَبَّتْ
و پیروزی ایشان را تقویت فرما، و آنچه را به ایشان مربوط ساخته ای در امر و فرمانت برای ایشان کامل گردان، وَدَعَائِمُهُمْ،
وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَغْوَانًا، وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ پايه ها و اساس کار ایشان را ثابت و استوار نما، و ما را مددکار آنان، و
یاور دینت قرار بده، که بدون تردید ایشان معدن های کَلِمَاتِكَ، وَأَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ، وَوُلاهُ أَمْرِكَ، وَخَالِصَةُ تِكْ
کلمات تو، و ارکان توحید تو، و ستون های دین تو، و کارگزاران و والیان امر

تو، وَمِنْ عِبَادِكَ، وَصِيْفُوْتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَيِّدَاتُكَ وَأَوْلِيَاؤُكَ، بندگان خالص تو، و برگزیده از میان آفریدگان تو، و اولیای تو و فرزندان اولیای تو، وَصِيْفُوهُ أَوْلَادِ رُسُلِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (۹۳) و برگزیده از میان فرزندان رسولان تو، و درود و رحمت و برکات بی پایان الهی بر همه آنان باد.

۱. جمال الأسبوع: ۳۰۷، و در مصباح المتهجد: ۴۰۹، المصباح: ۷۲۶، و البلد الأمين: ۱۲۲ با تفاوتی اندک، و نیز سیدرحمه الله آن را در «مصباح الزائر: ۴۵۷» با اندکی اختلاف روایت کرده است، صحیفه مهدیه (مترجم، چاپ نهم: ۳۴۰)

دعای ایام غیبت، به روایتی دیگر

دعای ایام غیبت به روایتی دیگر

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله چنین می گوید: یونس بن عبدالرحمان از حضرت امام رضا علیه السلام روایت می کند که آن حضرت پیوسته دستور به دعا برای صاحب الزمان ارواحنا فداه می داد و از جمله دعاهاى ایشان برای حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه این دعاست:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ خَدَايَا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و از ولی و خلیفه ات و حجتت علی خلقک، ولسانک المعبّر عنک یا ذنک، الناطق و حجت بر بندگان، هر بلایی را (دفع فرما. همان کسی که با اجازه تو زبان گویا و بیان کننده حقایق از طرف تو است، و بحکمیتک، و عینک الناظره فی بریتک، الشاهد علی عبادک، با حکمت تو سخن می گوید؛ و چشم بینای تو در میان بندگان است؛ گواه بر آن ها است؛ الججاج المجاهد المجهّد، عبّدک العائذ بک. اللهم وأعدّه آن بزرگمرد مجاهد کوشا و بنده ای که به تو پناه آورده است. بار خدایا؛ او را پناه بده من شرّ ما خلقت و ذرأت، و برأت و أنشأت و صوّرت، واحفظه از شرّ هر آنچه خلق کردی و آفریدی و پدید آوردی و ایجاد نمودی و صورت و شکل بخشیدی. و او

را حفظ فرما من بین یدیه و من خلفه، وعن یمینه وعن شماله، ومن فوقه از مقابلش و پشت سرش و راست و چپش و از بالای سرش و من تحتیه، بحفظک الذی لا یضیع من حفظته به، واحفظو زیر پایش؛ به حفظی که هر که را به آن حفظ کنی ضایع نگردد. و با این محافظت، فیہ رسولک و وصی رسولک و ابائہ، ائمتک و دعائیم دینک، پیامبر و وصی پیامبر و پدرانش را - آنان که ائمه تو و استوانه های دین تو هستند - حفظ فرما، صیلمواتک علیهم اجمعین، واجعله فی ودیعتک الّتی لا تضيع، درود تو بر همه آنان باد؛ و قرار بده او را در ودیعه خویش که از بین نمی رود؛ و فی جوارک الذی لا یحترق، و فی منعتک و عزک الذی لا یقهر. و در جوار رحمت که حقیر و پست نمی شود؛ و در حمایت و پناه عزت که هرگز مقهور نمی شود. اللهم و امنه بامانک الوثیق الذی لا یخذل من امنته به، واجعله خدایا؛ او را در نگاهبانی محکم خود ایمن دار؛ که هر کس در آن نگاهبانی درآید مخدول و مغلوب نشود. او را فی کنفک الذی لا یضام من کان فیہ، وانصیه بنصیرک العزیز، در احاطه و سایه لطف خود که هر کس در آن قرار گیرد مورد ستم واقع نشود قرار بده، او را با یاری قدرت مندت یاری کن، و ایدہ بیجندک الغالب، وقوه بقوتک، و ارددہ بملائکتک. اللهم و با سپاه غالبت تأییدش فرما، و با قوت لایتناهی خود نیرومندش گردان، و فرشتگانت را با او همراه ساز. خدایا؛ وال من والاه، و عاد من عاداه، و الیسہ درعک الحصینہ، و حفہ دوستش را دوست بدار، و دشمنش را دشمن بدار، و زره محکم خود را بر او بپوشان؛ و گرداگرد وجودش را بملائکتک حفّا. اللهم و بلّغه افضل ما بلّغت القائمین بقسطک با

فرشتگان، احاطه کن. خداوندا؛ او را به برترین مرتبه ای که هر برپاکننده عدلی را مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ. اَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِه الصَّدْعَ، وَاَرْتُقْ بِه الْفَتْقَ،- از پیروان پیامبران - رسانیده ای برسان. بارخدايا؛ اختلاف ها را به واسطه وجود مقدّسش برطرف گردان، و تفرقه ها و پراکندگی ها را به واسطه او وَاَمِّتْ بِه الْجُورَ، وَاَظْهَرْ بِه الْعِدْلَ، وَرَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، از میان بردار. ستم را به وسیله او بمیران و عدل را ظاهر فرما، و با ماندن طولانی اش زمین را زینت بخش، وَاَيِّدُهُ بِالنَّصْرِ، وَاَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ، وَاَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَاَجْعَلْ و با یاری خود تأییدش کن، و با رعب انداختن بر دل دشمنانش نصرتش بده؛ و فتح و گشایشی آسان بدو نصیب فرما، وَلَهُ مِنْ لَعْنَتِكَ عَلَى عِدْوِكَ وَعِدْوِهِ سَيِّطَانًا نَّصِيرًا. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ از جانب خودت سلطنت و قدرتی ظفرمندانه بر دشمنان خود و دشمنان او، به او مرحمت فرما. خدايا؛ او را همان الْقَائِمِ الْمُتَنْظَرِ، وَالْإِمَامِ الَّذِي بِهِ تَنْتَصِرُ، وَاَيِّدُهُ بِنَصْرِ عَزِيزٍ بِرِپَاكُنْدِه عدل و داد قرار ده، که مورد انتظار همگان است؛ و او را امامی قرار ده که به وسیله او ما را یاری می نمایی؛ و با نصرتی و فَتْحٍ قَرِيبٍ، وَوَرْتَهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا اللَّاتِي بَارَكْتَ بِاعْزَتِ و گشایشی زود هنگام تأییدش بفرما. مشرق و مغرب زمینت را به او ارث بده؛ البتّه قلمروی که برایش مبارک فيها، وَأَخِي بِه سَيْنَهُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَالله، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ قَرَار داده باشی؛ به واسطه او سنّت پیامبرت را - که درود خدا بر او و آل او باد - حیاتی دیگر بخش، تا این که بِشَيْءٍ مِّنَ الْحَقِّ مَخَافَهُ أَحَدٍ مِّنَ الْخَلْقِ، وَقُوَّ نَاصِرُهُ، وَاخْذَلْ چیزی از حق را به خاطر ترس از آفریدگان پنهان ندارد. یاورش را قوی گردان، و

کسی را که خذلان و خواریش را خواهد، مخدول خاذله، ودمدم علی من نصب له، ودمر علی من غشه. اللهم و مغلوب فرما؛ کسی که با او دشمنی آشکار نماید مورد خشم خویش قرار بده؛ آن که را با او نیرنگ کند نابود کن. خداوندا؛ واقتل به جباره الکفر وعمده، ودعائمه والقوام به، واقصم به به واسطه او کافران زورگو و ارکان و سردسته های آن ها و هر آن که باعث دوام و قوام آن ها باشد را نابود کن. رؤوس الضلاله، وشارعه البدعه، وممیتة السنه، ومقویهسران گمراهی، و سرچشمه های بدعت و هر که سنت را بمیراند و باطل را تقویت کند، با نیروی الهی اش الباطل، واذلل به الجبارین، وابر به الکافرین والمنافقین، درهم شکن. سرکشان ستمگر را به وسیله او ذلیل کن و کافران و دورویان وجمیع الملحدین، حیث كانوا وأین كانوا من مشارق الأرض و همه ملحدان را به واسطه او هلاک نما؛ در هر زمان و هر مکانی که باشند؛ مشرق و مغربها، و برها و بحرها، و سهیلها و جبلها، حتی لاتدع منهم و مغرب، دریا و خشکی، کوه و دشت؛ تا این که از آنان، دیاراً، ولاتبقی لهم اثاراً. اللهم و طهر منهم بلادک، و اشف کسی باقی نگذاری و اثری بجا نماند. خدایا؛ سرزمین خود را از وجود آن ها پاک کن منهم عبادک، و اعز به المؤمنین، و اخی به سین المرسلین، و قلب مؤمنان را با نابودی آنان شفا بخش؛ و به واسطه آن حضرت، مؤمنان را عزیز فرما، و سنت های رسولان و داریس حکم النبیین، و حدد به ما میحی من دینک، ویدل من و فرستادگان را، و احکام پیامبران را - که رو به نابودی رفته است - بار دیگر زنده نما، و هر آن چه از دینت محو شده و از حکمک، حتی تعید دینک به

وَعَلَىٰ يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَحِيحًا أَحْكَامَاتٍ دَرَكًا كَرِيمًا، تازہ و نو گردان؛ تا این کہ دین حقیقی تو بہ دست او؛ شاداب، تازہ، جدید، خالص و مَحْضًا، لَاعِوَجَ فِيهِ، وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّىٰ تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ، صَحِيحٌ بَدُونِ هَيْجٍ كَثْرَىٰ وَ بَدْعَتَىٰ گِردَانِی. تا آن کہ تاریکی های ستم را با نور عدلش روشن گردانی، وَ تُطْفِئِي بِهٖ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَ تُظْهِرِ بِهٖ مَعَاقِدَ الْحَقِّ، وَ مَجْهُولَ وَ آتَشَ فِتْنَةِ هَی كَافِرَانَ رَا بِهٖ وَسِيلَهٗ اَوْ خَامُوشَ گِردَانِی، وَ گِره خورَدگی هَا وَ پِیچِیدگی هَایِ حَقِّ رَا بِهٖ وَسِيلَهٗ اَوْ آشكار گِردَانِی وَ عَدْلَ وَ داد گم شده و العَدْلِ، وَ تُوضِحِ بِهٖ مُشْكِلَاتِ الْحُكْمِ. اَللّٰهُمَّ وَاِنَّهٗ عَبْدُكَ الَّذِی نَاشِناختَهٗ رَا بِهٖ وَسِيلَهٗ اَوْ ظَاهَرَ گِردَانِی؛ مُشْكِلَاتِ وَ دشواری های احكام را - با پرتوهای نورافشان او - واضح گردانی. بار خدایا؛ هَمَانَا اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَ اصِيهٗ طَفِيئَتُهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَ اصِيهٗ طَفِيئَتُهُ عَلِیَا وَ بِنْدَهٗ اِی از بندگان توست که برای خود خالصش گردانیدی، وَ از میان آفریدگانت او را برگزیدی، وَ او رَاعِبَادِكَ، وَ اَتَمَمْتَهُ عَلِی غَیْبِكَ، وَ عَصَيْتَهُ مِنْ الذُّنُوبِ، وَ بَرَّاتُهُ بِر بندگان برگزیدی، وَ او را برای سپردن غیب خود امین یافتی، وَ از گناهان معصومش داشتی، وَ از عیب هَا مِبْرَایش کردی، وَ مِنَ الْعُیُوبِ، وَ طَهَّرْتَهُ جَمِنَ الرَّجْسِ ج، وَ صَيَّرْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ، وَ از هر گونه آلودگی پاکیزه اش کردی، وَ از ناپاکی و پلیدی بہ دورش گردانیدی، وَ سَيَّلَمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ. اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَشْهَدُ لَهٗ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ يَوْمَ وَ از هر شكِّ وَ شَبَههٗ اِی سلامتش فرمودی. خدایا؛ ما در روز قیامت - وَ رَوْضِ لَوْلِ الطَّامَّةِ، اَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ وَ لَمْ يَأْتِ حَوْبًا، وَ لَمْ يَزْتَكِبْ لَكَ بِرِپَا شَدَن حَادِثَهٗ عَظِيمَهٗ مُحْشَر - گواهی می دهیم که او گناهی نکرده است؛ جرمی انجام نداده مَعْصِيَهٗ، وَ لَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَهٗ، وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَهٗ، وَ لَمْ يُبَدِّلْ وَ مَعْصِيَتِي مَرْتَكِبَ نَشَدَهٗ اسْت؛ طَاعَتِي رَا تَبَاهَ نَكْرَدَهٗ

است؛ حرمتی را هتک نکرده است؛ وَلَكَ فَرِيضَةٌ، وَلَمْ يُعَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً، وَأَنَّهُ الْإِمَامُ التَّقِيُّ الْهَادِي وَاجِبِي رَا عَوْضَ نَمُودَه اَسْت؛ و قانونی را تغییر نداده است؛ او امامی پرهیزکار، هدایت گر، الْمَهْدِيُّ الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ. اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ رَهْبِرِي هِدَايَتِ شَدَه، پاك سرشت، باتقوا، باوفا، پسندیده و نیک سیرت است. خداوندا؛ بر او و علی آباءه، وَأَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَوُلْدِهِ، وَأَهْلِهِ وَدُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ و پدرانش درود فرست، و در مورد خودش، فرزندان و خانواده اش، اَمّت و جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسِيرُ بِهِ نَفْسُهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُكَ و رعیتش، چیزی عطا کن که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی؛ و حکومت همه الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا، قَرِيْبَهَا وَبَعِيْدَهَا، وَعَزِيْزِهَا وَذَلِيْلَهَا، حَتّٰى مَمَالِكِ - اَعْمَ از دور و نزدیک، قوی و ضعیف - تحت سیطره او درآید، يَجْرِي حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَيَغْلِبُ بِحَقِّهِ عَلَى كُلِّ بَاطِلٍ. و فرمانش بر هر حکمی نافذ باشد، و کلمه حَقِّش، بر هر باطلی غالب گردد. اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ بِنَا عَلِيٍّ يَدِيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدٰى، وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمٰى، خدایا؛ به دست مبارکش ما را بر طریق هدایت روان کن، و بر شاهراه روشن وَالطَّرِيْقَةَ الْوَسِيْطِيَّ، الَّتِي يَرْجِعُ اِلَيْهَا الْعَالِي، وَيَلْحَقُ بِهَا النَّالِي. و راه میانه و اعتدال - که هر افراطگر پیشرو و هر تفریطی عیب مانده باید بدان باز گردد - استوار فرما. اَللّٰهُمَّ وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَتَبَتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ، وَامْنُنْ عَلَيْنَا خدایا؛ ما را بر طاعتش نیرومند گردان، و بر پیرویش ثابت قدم بدار، و با نعمت پیروی از او بر ما مَنّت بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَامِيْنَ بِأَمْرِهِ، الصَّابِرِيْنَ مَعَهُ، بگذار، و ما را جزو گروه او که عهده دار امر او هستند قرار ده که به فرمانش، سر فرود می آورند، و در راهش صبر پیشه می کنند، اَلطَّالِبِيْنَ

رِضَاكَ بِمُنَاصِيحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي وَادٍ خَيْرٍ خَوَاهِي أَوْ رِضَايَ تُوْرَا مِي طَلَبِنْد. تَا دَر نِهَائِت، دَر رُوْز قِيَامَت، مَا رَا
دَر أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَمَقْوِيَّتِهِ سُلْطَانِهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ غُرُوْهِ يَارَان و مددکاران و تقویت کنندگان حکومت بابرکتش،
مَحْشُوْر نَمَايِي. خَدَاوَنَدَا؛ بَر مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ ذَلِكْ كَلْمَةً مِّنَّا لَكَ خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ مُحَمَّدٌ دَرُوْد فَرَسْت، و
هَمِه اِيْن هَا رَا اَز مَا خَالِص و به دور از هر شك و شبهه و رِيَاء و سِيْمَعِه، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِه غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِه اِلَّا وَجْهَكَ، و رِيَا و
سَمْعِه قَرَار بَدِه؛ اَنْ كُوْنِه كِه بَا اِيْن كَار، بِه غَيْر تُوْ اعْتِمَاد نَكْنِيْم و از اِيْن كَار، جَز تُوْ رَا نَطْلِيْم؛ وَحَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَّنَا فِي
الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَلَا تَبْتَلِنَا فِيْ بَاشَد كِه مَا رَا دَر مَحَلِّ و جايگاه اَنْ حَضْرَت وَاْرَد نَمَايِي، و مَا رَا دَر بَهْشْت هَمْرَاه اَوْ گَرْدَانِي، و دَر اَمْرِهِ
بِالسَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَقْرِ وَالْفَسْلِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ اِنْجَام فَرْمَان اَوْ مَا رَا بِه تَبْلِي، سَسْتِي، ضَعْف و گَسَسْتَكِي مَبْتَلَا نَسَازِي؛ و مَا
رَا اَز كَسَانِي قَرَار دِه كِه بِه لِدِيْنِكَ، وَتُعْزُ بِه نَصْرًا وَوَلِيَّتِكَ، وَلَا تَسْتَبِدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَاِنْ دِيْنَت رَا بِه وَسِيْلَه اَنَان يَارِي مِي كْنِي، و يَارِي
وَلِيَّت رَا بِه اَوْ تَقْوِيْت مِي كْنِي، كَسِي رَا جَايْگَزِيْن مَا مَكْن؛ زِيْرَا، اسْتَبَدَا لَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيْرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَبِيْرٌ، اِنْكَ عَلٰى كُلِّ
اِيْن جَايْگَزِيْنِي بَر تُوْ آسَان اسْت، و لِي بَر مَا بَسِي سَنَكِيْن و دَشْوَار. بَاوْر دَارْم كِه تُوْ بَر هَر شَيْءٍ قَدِيْرٌ. اَللّٰهُمَّ وَصِّلْ عَلٰى وَّلَاةِ
عُهُوْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ اَمَالَهُمْ، چِيْزِي تُوْ اِنَايِي. خَدَايَا؛ بَر فَرْمَانْدَارَانَش دَرُوْد فَرَسْت، و بِه آرزوهای (مَقْدَس شَان) بَر سَان، وَزِدْ فِيْ اَجَالِهِمْ
وَانْصُرْهُمْ وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا اَسْنَدْتَ اِلَيْهِمْ مِنْ اَمْرٍ بَر عَمْرَشَان بِيْفَزَا، و يَارِيْشَان فَرْمَا، و اَنْ

چه از امر دینت به آن‌ها مربوط ساخته‌ای، کامل و دینک، و اجعلنا لهم اعدواناً و علی دینک انصاراً، وصل علی تمام گردان، و ما را از مددکاران آنان قرار ده، و از یاری کنندگان دینت مقرر فرما. بر ابائیه الطاهرین المائمه الراشدين. اللهم فإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، پدران پاکش، امامان رشید و راهنمای بشر، درود فرست. بار خدایا؛ آنان، معدن‌های کلمات تو، و خزان علمک، و ولاة امرک، و خالصه تک من عبادک، و خیرتک و گنجینه‌های دانش، و علوم تو، و سرپرستان امر تو، و بندگان مخلص تو، و نیکوکاران من خلقک، و اولیائک و سلائل اولیائک، و صفوتک و اولاد از میان بندگان تو، و دوستان تو و فرزندان اولیای تو، و برگزیدگان و فرزندان اصفیائک، صلواتک و رحمتک و بركاتک علیهم اجمعین. اللهم برگزیدگان تو هستند. درود و رحمت و برکت‌های تو بر آنان نثار باد. خدایا؛ و شرکاؤه فی امره، و معاوونوه علی طاعتک، الّذین جعلتهم آنان که در امر او شریک اند، و بر طاعت تو مددکاران اویند؛ کسانی که توحصیه نه و سلاحه و مفرعه و انس، الّذین سئلوا عن الأهل دژ، اسلحه، پناهگاه و مایه انس او قرارشان دادی؛ آن‌هایی که از اهل و الاولاد، و تجافوا الوطن، و عطلوا الوثیر من المهاد، قدو اولاد خود بریدند، و ترک وطن گفتند، و تخت‌های استراحت را رها کردند؛ رفضوا تجارتهم، و أضروا بمعایشهم، و فقدوا فی اندیتهم تجارت‌ها را کنار گذاشتند؛ و به معیشت‌های خودشان ضرر زدند؛ و بدون این که از بغیر غیبیه عن مضرهم، و حالفوا البعید ممن عاضدهم علی شهرهای شان خارج شوند، به عزلت و گوشه نشینی افتادند؛ و با هر کس که در کارها یاری شان نماید پیمان بستند؛ امرهم، و خالفوا القریب ممن صد عن وجهتهم، و ائلفوا بعدگرچه نسبتی دور با آن‌ها داشتند، و با نزدیکانی که آن‌ها را از مقصودشان باز بدارد مخالفت ورزیدند؛ بعد التدابر و التقاطع فی دهرهم، و قطعوا الأسباب المتصله بعاجل از

جدایی ها گردهم آمدند و اسباب به هم پیوسته دنیوی را که وسیله بهره بردن حطامِ مِنَ الدُّنْيَا. فَاجْعَلُهُمُ اللَّهُمَّ فِي حِرْزِكَ وَفِي ظِلِّ كَنَفِكَ، وَرُدَّانِكَ از دنیا بود، قطع نمودند. بدین سان، خدایا؛ آن ها را در حفظ و حراست خود، و در سایه لطف و حمایت خویش قرار ده، عَنْهُمْ بِأَسْ مَنْ قَصِدَ إِلَيْهِمْ بِالْعِدَاوَةِ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَجْزِلْ لَهُمْ مِنْ وَشَرِّ هَرِّ أَنْ كَهْ قَصِدَ بَدِي بَهْ أَنْ هَا رَا دَارِدْ، از آنان باز گردان؛ وَدَعْوَتِكَ مِنْ كِفَايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ لَهُمْ، وَتَأْيِيدِكَ وَنَصْرِكَ إِلَيْهِمْ، كِفَايَتِ وَكَمَكِ وَتَأْيِيدِ وَيَارِيَتِ رَا نَسِبَتِ بَهْ أَنْ هَا زِيَادِ كُنْ، مَا تُعِينُهُمْ بِي عَلَي طَاعَتِكَ، وَأَزْهَقُ بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ أَنْجَهْ اَيْشَانِ رَا بَرِ طَاعَتِ تُو يَارِي شَانِ كُنْدْ، وَبِهْ وَاسَطَهْ حَقَّانِيَتِ اَيْشَانِ بَاطِلِ هَرِّ كَسِي رَا كَهْ مِي خَوَاهِدُنُورِكَ، وَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَأَمْلَأْ بِهِمْ كُلَّ أَفْقٍ مِنَ الْأَفَاقِ، نُوْرَ تُو رَا خَامُوْشِ كُنْدِ نَابُوْدِ گِرْدَانِ، وَبَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ او دَرُوْدِ فَرَسْتِ. خدایا؛ بَهْ وَسِيْلَهْ أَنْ هَا تَمَامِ أَفْقِ هَايِ عَالَمِ وَقُطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ قَسِيْطًا وَعَدْلًا وَرَحْمَةً وَفَضْلًا، وَأَشْكُرْ لَهُمْ وَاقْطَارِ دُنْيَا رَا از عَدْلِ وَقَسْطِ وَرَحْمَتِ وَفَضْلِ خُوْدَتِ، پُرِ كُنْ، وَازِ أَنْ هَا بَهْ عَلِيْحَسْبِ كَرَمِكَ وَجُوْدِكَ، وَمَا مَنَنْتَ بِي عَلَي الْقَائِمِيْنَ بِالْقِسْطِ اِنْدَازَهْ كَرَمِ وَبَخْشِشِ خُوْدَتِ وَآنِ گُوْنَهْ كَهْ بَرِ بَرِيَا كُنْدِ گَانِ عَدْلِ وَدَادِمِنْ عِبَادِكَ، وَادْخِرْ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا تَرْفَعُ لَهُمْ بِي الدَّرَجَاتِ، از مِيَانِ بِنْدِگَانَتِ مَنْتِ گِذَارْدِي سِيَاَسْگِرَارِي كُنْ، وَبَرِ اِيْ آنِ هَا ثَوَابِي ذَخِيْرَهْ سَازِ كَهْ بَهْ وَسِيْلَهْ أَنْ بَهْ دَرَجَاتِ وَمَرْتَبَهْ اِي رَفِيْعِ بَرَسِنْدْ؛ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، اَمِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ. (۹۴) هَمَانَا تُو هَرِّ أَنْجَهْ رَا بَخُوَاهِي اِنْجَامِ مِي دَهِي، وَبِدَانِ چَهْ اِرَادَهْ نَمَائِي حَكَمِ مِي كُنِي؛ اِي پُرُوْرْدِگَارِ عَالَمِيَانِ؛ اِيْنِ

دعاها را

اجابت فرما. سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله می فرماید: این روایت، شامل بخشی از دعاست که روایت اولی آن را نداشت. پس، اگر می خواهی از اهل سعادت گردی این دعا را بخوان، و در این دعاها جانب پروردگار را حفظ کن، و در پیشگاه او کمال ادب را به جای آور. (۹۵)

کفعمی رحمه الله در «المصباح» چنین می گوید: یونس بن عبدالرحمان از حضرت امام رضا علیه السلام روایت می کند که آن حضرت، پیوسته بر دعا کردن برای صاحب الأمر صلوات الله علیه باخواندن این دعا دستور می داد: «اللهم اذفع عن وليك وخليفتك...» وی، دعا را مانند آنچه گذشت تا عبارت «وهو علينا كبير» ادامه داده، سپس این قسمت را نقل کرده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلاةِ عَهْدِهِ وَالْأئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ اِمَالَهُمْ، خدایا؛ بر والیان عهدش و پیشوایان پس از او رحمت فرست، و به آرزوهای شان برسان، و زود فی اجالِهِمْ، وَاَعِزَّ نَصْرَهُمْ، وَتَمِّمْ لَهُمْ ما اَشَيْتَ لَهُمْ و بر عمرشان بیفزا، و یاری ایشان را تقویت فرما، و آن چه از دینت را به آن هامنْ اَمْرِكَ لَهُمْ، وَتَبَّتْ دَعَائِمُهُمْ، وَاَجْعَلْنَا لَهُمْ اَعْوَانًا، و عَلِمِرْبُوطِ سَاخِطَةِ اِی كَامِلِ نَمَا، و پايه های آن ها را استوار کن، و ما را یاران آن ها و یاوران دینک اَنْصَارًا، فَاِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، وَخُزَّانُ عِلْمِكَ، وَاَرْكَانُ دِينِ ت قرار ده. همانا آن ها معدن های کلمات تو، گنجینه های علم و دانش تو، استوانه های تَوْحِيدِكَ، و دَعَائِمُ دِينِكَ، و وُلاةُ اَمْرِكَ، و خَالِصَةُ تَكَّ مِنْ عِبَادِكَ، توحید تو، پایه های دین تو، سرپرستان امر تو، بندگان خالص تو، و صَفْوَةُ نَفْسِكَ مِنْ خَلْقِكَ، و اَوْلِيَاؤُكَ و سَلَائِلُ اَوْلِيَاؤِكَ، و صَفْوَهُرْ گزیده از میان بندگان تو، دوستان و فرزندان دوستان تو، و برگزیدگان او ۲. جمال الأسبوع: ۳۱۰ و ۳۱۴.

أَوْلَادِ نَبِيِّكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (۹۶)

فرزندان پیامبر تو هستند؛ درود و سلام و رحمت خداوند

و برکت های او بر همه آنان نثار باد.

دعا برای محشور شدن با حضرت امام رضاعلیه السلام

اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي الْهُدٰى، وَبَثِّنِي عَلَيْهِ اِمْنًا، اَمِّنْ مَنْ لَا خَوْفَ خِدَاوِنْدَا؛ مرا هدایت کن، و بر آن ثابت بدار در حالیکه ایمن باشم، ایمنی کسی که هیچ گونه ترسی علیه، و لا - حُرْنَ وَلَا جَزَعَ، اِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوٰى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ. بر او نیست، و هرگز غم و غصه و بی تابی ندارد که تو شایسته تقوا و اهل آمرزش هستی.

هر کس این دعا را بخواند و آن را دعای خود قرار دهد (یعنی زیاد بخواند)، باحضرت امام رضاعلیه السلام محشور می شود. (۹۷)

دعای محشور شدن با اهل بیت علیهم السلام

اسماعیل بن سهل گفت: به حضرت امام رضاعلیه السلام عرض کردم: دعایی به من بیاموز که وقتی آن را خواندم، در دنیا و آخرت با شما خاندان باشم.

آن حضرت برایم نوشت:

دعای هر روز بعد از اقامه و...

سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را زیاد بخوان، و دو لب ت را به ذکر استغفار تر و تازه بدار، (یعنی زیاد استغفار کن). (۹۸)

دعای توبه، هنگام شنیدن اذان صبح و مغرب

عباس - خادم حضرت امام رضاعلیه السلام - گوید: از مولایم شنیدم که فرمود:

هر کس هنگامی که اذان صبح را می شنود، و نیز هنگام شنیدن اذان مغرب این دعا را بخواند، سپس در آن روز یا در آن شب مرگ به سراغ او آید، توبه کننده از دنیا رود و وارد بهشت گردد:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِاِقْبَالِ نَهَارِكَ وَاِدْبَارِ لَيْلِكَ وَحُضُوْرِ صِلَوَاتِكَ خِدَاوِنْدَا؛ از تو درخواست می کنم به روی آوردن روزت و روی گردان شبت و حضور یافتن نمازهایی که برای تو و اَصْوَاتِ دُعَائِكَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ اَنْجِمَ لِيْ دُعَايَكَ وَاَنْ تَجْعَلَ لِيْ مِنْ اَعْمَالِيْ وَتَوْبَتِيْ وَتَوْبَةِ عَلِيٍّ، اِنَّكَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ. (۹۹)

توبه ام را بپذیری که تو بسیار توبه پذیر و مهربان هستی.

دعای هر روز بعد از اقامه و قبل از نماز

عبدالرحمان بن نجران از حضرت امام رضاعلیه السلام روایت کرده است که فرمود:

پس از اقامه و قبل از شروع نماز بگو:

اَللّٰهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، بَلِّغْ مُحَمَّدًا خَدَاوَنَدَا؛ اِي پُروردگار اِيْن دَعْوَتِ كَامِل، وَ نِمَاز بِرپَا شُدِه، (حضرت) مُحَمَّدِ رَا) صَيَّمَلَى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ)، كِه دَرُودِ خَدَا بِر اُو وَ آلِ اُو بَاد (بِه اَن دَرَجِهِ الْاُو وَ مَرْتَبِهِ وَسِيَلِهِ وَ بَرْتَرِي وَ فَضِيَلَتِ بَرَسَان، ۱. عِيُون اَخْبَار الرِّضَاعِيَلِيَه السَّلَام: ۱۹۸/۱، الْبَلَدِ الْاَمِيْن: ۵۰، الْمَصْبَاح: ۵۶).

بِاللّٰهِ اَسْتَفْتِحُ، وَبِاللّٰهِ اَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِه نَامِ خَدَا وَ كَمَكِ اُو اَغَاذِ مِي كَنَم، وَ اَز اُو مَوْفَقِيَّتِ وَ رَسْتِگَارِي مِي طَلِبَم، وَ بِه وَاسَطَه (حضرت) مُحَمَّدِ رَسُوْلِ خَدَا وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَتَوَجَّه. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي بِهَمَّ بِه خَدَا رُوِي اَوْرَدِه وَ تَوَجَّه مِي كَنَم. خَدَاوَنَدَا؛ بِر مُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدِ دَرُودِ فَرَسْت، وَ مَرَا بِه وَاسَطَه اِيْشَانِ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا

در دنیا و آخرت نزد خودت آبرومند و از مقربان در گاهت قرار بده.

دعای ساعت هشتم هر روز

دعای دیگر در ساعت هشتم...

ساعت هشتم - از هنگامی که چهار رکعت نماز بعد از فرا رسیدن ظهر خوانده شود تا وقت نماز عصر - اختصاص به حضرت امام رضا علیه السلام دارد، در آن ساعت این دعا را بخوانید:

يا خَيْرَ مَدْعُوٍّ، يا خَيْرَ مَنْ أُعْطِيَ، يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، يا مَنْ اى بهترين خواننده شده؛ اى بهترين عطاکننده؛ اى بهترين كسى كه از او درخواست شده؛ اى آنكه اَضَاءَ بِاسْمِهِ ضَوْءَ النَّهَارِ، وَأَظْلَمَ بِهِ ظُلْمَةَ اللَّيْلِ، وَسَالَ بِاسْمِهِ روشنائى داده به نام خود روشنى روز را؛ و تاريكى داده به نام خود تاريكى شب را، و باران شديد را به نام خود اَبَلِ السَّيْلِ، وَرَزَقَ أَوْلِيَاءَهُ كُلَّ خَيْرٍ، يا مَنْ عَلَا السَّمَاوَاتِ روان گردانده، و هر خير و خوبى را به اولياء و دوستانش روزى کرده، اى كسى كه نورش آسمان ها را نُوْرَهُ، وَالْأَرْضَ ضَوْئَهُ، وَالشَّرْقَ وَالْغَرْبَ رَحْمَتُهُ، يا واسِعَ پر کرده، و روشنائى اش زمين را فرا گرفته، و رحمتش بر شرق و غرب گسترده گشته، اى داراى جود الخُجُودِ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، و بخشش فرا گیر. از تو مى خواهم به حق و لیت (حضرت) على بن موسى الرضا - كه بر او سلام باد - ۱. فلاح السائل: ۱۵۵، مستدرک الوسائل: ۱۲۳/۴، بحار الأنوار: ۳۷۵/۸۴.

وَأَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي، وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ، أَنْ تُصَلِّىَ عَلَيَّ او را پيشاپيش حاجت ها و درخواست هايم در پيشگاه تو مقدم مى دارم كه بر مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْفِينِي بِهِ، وَتُنَجِّنِي مِمَّا أَخَافُهُ مُحَمَّدٍ و آل محمد درود فرستى، و مرا به واسطه او كفايت كنى، و از آنچه مى ترسم وَأَخْذَرُهُ فى جميع أسفارى، وَفى البرارى وَالْقِفَارِ، وَالْأَوْدِيهِو

اجتناب می کنم در همه سفرهایم، و در دشت و صحرا، و درّه ها و اَلْاَکَام، و اَلْغِیَاضِ و اَلْجِبَالِ، و اَلشَّعَابِ و اَلْبِحَارِ، یا وَاِحْدُ یَاوِ تَبِهَها، و جنگل ها و کوه ها، گردنه ها و دریاها مرا رهایی بخش، ای یگانه؛ ای قَهَّارُ، یا عَزِيزُ یا جَبَّارُ یا سَيِّئَرُ، وَاَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَاَكْذَا. (۱۰۱) بسیار چیره شونده؛ ای نیرومند؛ ای قدرتمند؛ ای بسیار پوشنده؛ و (از تو می خواهم که) «با من» چنین و چنان» کنی.

دعای دیگر در ساعت هشتم هر روز

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْكَاشِفُ لِلْمَلَمَاتِ، وَاَلْكَافِي لِلْمُهَمَّاتِ، وَاَلْمُفْرِجُ خِدَاوِنْدَا؛ تو برطرف کننده بلاها و مصیبت هائی، و کفایت کننده سختی ها، و گشاینده لَلْکُرْبَاتِ، وَاَلْسَامِعُ لَلْاَصْوَاتِ، وَاَلْمُخْرِجُ مِنَ الظُّلُمَاتِ، وَاَلْمُجِيبُ اِنْدُوهِها، و شنونده صداها، و خارج کننده از تاریکی ها، و اجابت کننده لَلدَعَوَاتِ، اَلرَّاحِمُ لَلْعَبْرَاتِ، جَبَّارُ الْاَرْضِ وَاَلسَّمَاوَاتِ. یا وَلِیِّ دَعَاها، رحم کننده به اشک چشم ها، آفریننده زمین و آسمان هستی. ای سرپرست؛ یا مَوْلٰی، یا عَلِیُّ یا اَعْلٰی، یا کَرِیْمُ یا اَکْرَمُ، یا مَنْ لَهٗ الْاِسْمُ ای عَهْدِه دَار (امور)؛ ای بلندمرتبه؛ ای برتر؛ ای بزرگوار؛ ای ارجمند؛ ای کسی که اسم اَلْاَعْظَمُ، یا مَنْ عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ یَعْلَمْ، فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ اعظم از برای اوست، ای کسی که انسان را آموختی آنچه را که نمی دانست، آفریننده آسمان ها ۱. البلد الامین: ۲۱۰، المصباح: ۱۸۷، و در مصباح المتهجد: ۵۱۵ با تفاوت.

وَالْاَرْضِ، وَهُوَ یُطْعِمُ وَلَا یُطْعَمُ. اَسْأَلُکَ بِمُحَمَّدِنِ الْمُضِیَّطَفِی مِنْ وَ زمین است، و او است که روزی می دهد، و کسی به او روزی نمی دهد. از تو درخواست می کنم به حَقِّ (حضرت) مُحَمَّدٍ که برگزیده شده اَلْخَلْقِ، اَلْمُبْعُوْثِ بِاَلْحَقِّ، وَاَمِیرِ الْمُؤْمِنِیْنَ الَّذِیْ اَوْلَیَّتُهُ فَالْفِیْتَهُ از میان آفریدگان است، و به حَقِّ، برانگیخته شده است، و به حَقِّ امیر مؤمنان که به او لطف و احسان کردی و او را شاکراً، وَاَبْتَلِیَّتُهُ فَوَجَدْتُهُ صَابِرًا، وَاَبَالِ اِمَامِ الرِّضَا عَلِیِّ بْنِ مُوسٰی شکر گزار دیدی، و مبتلایش ساختی پس او را شکریا یافتی،

و به حق امام رضا حضرت علی بن موسی اَلَّذِی اَوْفَى بِعَهْدِکَ، وَوَثَّقَ بِوَعْدِکَ، وَاعْرَضَ عَنِ الدُّنْیَا وَقَدَّكَهَ به عهد و پیمان تو وفا کرد، و به وعده ات اطمینان نمود، و از دنیا روی گردانید، در حالی که اَقْبَلْتُ اِلَيْهِ، وَرَغِبَ عَنْ زِينَتِهَا وَقَدْ رَغِبْتُ فِيهِ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيْهِ او روی آورده بود، و زینت آن را نخواست در حالیکه زینت دنیا به او تمایل نشان داد، که بر مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ اِلَيْکَ، وَقَدَّمْتُهُمْ اَمَامِي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ درود فرستی، به راستی که من به واسطه ایشان به تو توسل جسته ام، و آنان را پیشاپیش خود و بیّن یدِی حَوَّاجِی، اَنْ تَهْدِيَنِي اِلَى سَبِيلِ مَرْضَاتِکَ، وَتُسِّرُو حَاجَتِ هَایمِ مَقْدَمِ ساخته ام تا مرا به راهی که رضا و خشنودی تو در آن است رهنمون گردی، ولی اَسْبَابَ طَاعَتِکَ، وَتُوَفَّقُنِي لِاتِّغَاءِ الزُّلْفَةِ بِمُوَالَاهِ اَوْلِيَاکَ، اسباب اطاعت خود را برایم فراهم سازی، و مرا توفیق دهی برای یافتن منزلت به وسیله دوستی اولیائت، و اِذْرَاکِ الحَظْوَةِ مِنْ مُعَادَاهِ اَعْیُدْ اِنَّکَ، وَتُعَيِّنِنِي عَلٰی اَدَاءِ و درک کردن حظ و بهره از دشمنی دشمنانت، و یاری رسانی مرا در انجام دعای مهمی در هر روز

فَرَأْنِصْکَ، وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِکَ، وَتُوَفَّقُنِي عَلٰی الْمَحَجَّةِ الْمُؤَدِّيهِ و اجابت، و به کار گرفتن سنتت، و هموار سازی برایم راهی را که نماز هدیه به امام رضاعلیه السلام ...

اِلَى الْعِتْقِ مِنْ عَذَابِکَ وَالْفَوْزِ بِرَحْمَتِکَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱۰۲) به رهایی از عذابت و رستگاری من کشیده شود، به رحمت ای مهربان ترین مهربانان. بخش دهم

بخش دهم

هشت عمل عبادی در رابطه با ایام هفته

در این بخش، هشت عمل عبادی را که در ارتباط با حضرت علی بن موسی الرضاعلیهما السلام در روزهای هفته است، نقل می کنیم:

□

نماز هدیه به حضرت امام رضاعلیه السلام در روز یکشنبه

راوندی رحمه الله در کتاب «سلوه الحزین» می نویسد: فرموده اند:

بنده روز جمعه هشت رکعت نماز می گذارد؛ چهار رکعت را هدیه به رسول خداصلی الله علیه وآله و چهار رکعت دیگر را هدیه به حضرت فاطمه علیها السلام می نماید، روز شنبه چهار رکعت هدیه به امیرالمؤمنین علیه السلام، روز یکشنبه چهار رکعت هدیه به امام حسن مجتبی علیه السلام، روز دوشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت اباعبدالله حسین بن علی علیهما السلام، روز سه شنبه چهار رکعت هدیه به حضرت علی بن الحسین علیهما السلام، روز چهارشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت محمد بن علی علیهما السلام، روز پنجشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت جعفر بن محمدعلیهما السلام می نماید.

سپس در روز جمعه دوباره هشت رکعت نماز می خواند، چهار رکعت را به رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم و چهار

رکعت دیگر را به حضرت فاطمه علیها السلام هدیه می کند، روز شنبه چهار رکعت هدیه به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام، روز یکشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام، روز دوشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت محمد بن علی علیهما السلام، روز سه شنبه چهار رکعت هدیه به حضرت علی بن محمد علیهما السلام، روز چهارشنبه چهار رکعت به حضرت حسن بن علی علیهما السلام و روز پنجشنبه چهار رکعت هدیه به حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه) می نماید. (۱۰۳)

و بعد از هر رکعت، این دعا را می خواند:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَ اِلَيْكَ يَعُوذُ السَّلَامُ، حَيِّنَا خِدَاوَنَدَا؛ تو از هر گونه عیب و نقصی پاکی و (تو سلامت دهنده ای، و سلامت از تو است و بازگشت آن بسوی تو است، رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ. اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذِهِ الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِّنِّي

إِلِپِروردگارا؛ به ما از ناحیه خودت سلام و سلامت هدیه کن. خداوندا؛ این چند رکعت نماز، هدیه ای است از من به ولّیک
«فُلانِ بْنِ فُلانٍ» (۱۰۴)، فَضَّلَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَبَلَّغَهُ وَلِيَّيْ تو «فُلانِ پسر فُلان» پس بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فرست، و
این (هدیه) را به ایّها، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمْلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ وَفِيهِ... آن حضرت برسان، و برتر از آنچه آرزو و امید
به تو و رسالت و این امام بزرگوار دارم به من عطا کن....

و آنچه دوست داری دعا کن و از خدا بخواه. (۱۰۵)

زیارت امام رضا علیه السلام و ...

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام و ...

در روز چهارشنبه

روز چهارشنبه به نام حضرت موسی بن جعفر، حضرت امام رضا، امام جواد و امام هادی صلوات الله علیهم اجمعین است.
زیارت آن بزرگواران در این روز، چنین است:

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا حُجَجَ اللَّهِ، السَّلَامُ سَلَامٌ بِرِ شَمَائِیْ اَوْلِیایِ خدائِند، سَلَامٌ بِرِ شَمَائِیْ حُجَّتِ هَایِ
الهِی، سَلَامٌ عَلَیْكُمْ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ صِلَوَاتُ بِرِ شَمَائِیْ نورِ خدایِ در تاریکی هَایِ زمین، سَلَامٌ بِرِ
شَمَائِی، درود و صلواتِ اللَّهِ عَلَیْكُمْ وَعَلَى الْبَيْتِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِينَ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي خدائِند بِرِ شَمَائِی و بر اهل بیت پاک و پاکیزه
شَمَائِ، پدر و مادرم فدایِ شَمَائِ؛ لَقَدْ عَبَدْتُمْ اللَّهَ مُخْلِصِينَ، وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى خدایِ را خالصانه پرستش کردید، و
آنگونه که شایسته است در راه خدایِ جهاد کردید تا تَأْتَاكُمْ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ اللَّهُ أَعْيَادَكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ، آنکه دنیا را
وداع کردید، خدائِند همه دشمنان شما را از آدَمیان و پریان لعنت کند، وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ. يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا إِبْرَاهِيمَ
مُوسَى و من به سوی خدای و شما

از آنان بیزاری می جویم. ای مولای من؛ ای ابا ابراهیم موسی بن جعفر، یا مولای یا ابا الحسن علی بن موسی، یا مولای یا بن جعفر؛ ای مولای من؛ ای ابا الحسن علی بن موسی؛ ای مولای من؛ ای ابا جعفر محمد بن علی، یا مولای یا ابا الحسن علی بن اباجعفر محمد بن علی؛ ای مولای من؛ ای ابا الحسن علی بن محمد، انا میولی لکم، مؤمن بسرکم و جهرکم، منصف بکم محمد؛ من بنده شما هستم، به پنهان شما و آشکار شما ایمان دارم، فی یومکم هذا وهو یوم الأربعاء، و مستجیر بکم، فأضیفونی در این روزی که بنام شما است یعنی روز چهارشنبه میهمان شما، و پناهنده به درگاه شما هستم، پس میهمان نوازی کنید وَأَجِیْرُونِی بِالْبَیْتِکُمُ الطَّیِّبِ الطَّاهِرِینَ. (۱۰۶)

و مرا پناه دهید به حرمت اهل بیت پاک و پاکیزه تان.

زیارت دیگر حضرت امام رضا علیه السلام در روز چهارشنبه

زیارت دیگر امام رضاعلیه السلام ...

مرحوم علامه مجلسی این سلام و صلوات را در باب «زیارات معصومین علیهم السلام در ایام هفته» آورده است. چون درباره حضرت امام رضاعلیه السلام می باشد، ممکن است خواندن این زیارت، مخصوص روز چهارشنبه باشد:

السَّلَامُ عَلَی الرَّضَا الْمُتَضَى، سَیِّدِی سَیِّدِ الْوَصِیِّینَ، وَإِمَامِ سَلَامٍ بِرَضَا إِمَامٍ بِرِکْزِیدِهِ، هَمْنَامِ سُرُورِ اَوْصِیَاءِ، وَ پِشْوایِ الْمُتَّقِینَ، خَلِیفَةِ الرَّحْمَنِ، وَإِمَامِ أَهْلِ الْقُرْآنِ، وَصَاحِبِ التَّوْلِیْلِ، پَرهیزِ کَارَانِ، جَانَشِینِ خَدَاوَنْدِ بَخْشَنْدِهِ، وَ رَهْبِرِ اَهْلِ قُرْآنِ، وَ عَالِمِ بَه عِلْمِ تَاوِیْلِی، وَ مَعْدِنِ الْفُرْقَانِ، وَ حَامِلِ التَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِیْلِ، وَ إِفْنَاءِ الْخَبِیْثَاتِ وَ مَعْدِنِ تَشْخِیْصِ حَقِّ اَزِ بَاطِلِ وَ جَدَا کَنْنَنْدِهِ اَنْ، وَ دَرِبَرْدَارَنْدِهِ تَوْرَاتِ وَ اِنْجِیْلِی، وَ اَزِ بَیْنِ بَرَنْدِهِ اَنْچِه پَلِیْدِیِ وَ الْاَبَاطِیْلِی، وَ الْقَائِلِ الْفَاعِلِی، وَ الْحَاکِمِ الْعَادِلِی، وَ الصَّادِقِ الْبَرِّی، وَ بَاطِلِ وَ نَارِوَا اِسْتِ، وَ گَوِیْنْدِهِ اِی کِه خُودِ بَه گُفْتِه اَش عَمَلِ مِی کَنْدِ، وَ حَاکِمِ عَدَالْتِ پِیْشِه، وَ رَاسْتِگُویِ نِیْکُو کَارِ،

۱. جمال الأسبوع: ۴۰، بحار الأنوار: ۲۱۵/۱۰۲.

وَ الْحَاثِرِ الْفَخْرِ. جَدُّهُ سَیِّدُ النَّبِیِّینَ،

وَأَبُوهُ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَإِلَيْهِ وَصِيَّتُهُ وَصِيَّتُكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ بَارِقَةَ هَمَّةٌ بِشِينِيَانٍ وَآيِنْدَگَانِ بِه سَوِي اَو اَسْت. سَلَام بِر تَو اِي اَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ مُّوسٰى الرَّضَا وَرَحْمَتِ خَدَا وَبَرَكَاتِ (بِي پَايَان) اَو بِر تَو بَاد. خَدَاوَنَدَا؛ بِر مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اِلِ مُحَمَّدٍ، وَكَمَا اَكْرَمْتَهُ بِمُحَمَّدٍ رَسُوْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ فِيْ وَبِر آلِ مُحَمَّدٍ دَرُوْدِ فَرَسْت، وَهَمَانِ كُوْنَه كِه اَو رَا بِه) حَضْرَتِ (مُحَمَّدِ رَسُوْلَتِ كِرَامِي دَاشْتِي، وَ دَر مُوْرِدِ الْحَقِّ دَلِيْلِكَ، فَدَعَا اِلٰى سَبِيْلِكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، حَقِّ دَلِيْلِ وَ رَاهِنَمَايِ خُوْدَتِ قَرَارِ دَادِي، پَس بِا حَكْمَتِ وَ بِا پَنَدِ وَ اَنْدَرَزِ نِيكُو مَرْدَمِ رَا بِه رَاهِ تُو دَعُوْتِ كَرْد، فَكَوْمَلٌ لَّهُ الْعَهْدُ، وَتَمَّ لَّهُ الْوَعْدُ، وَآيْدُهُ وَذُرِّيَّتُهُ وَأَوْلِيَآءُهُ پَس پِيْمَانِ رَا بِرَايِ اَو كَامَلِ وَ وَعْدَه رَا بِرَايِ اَو تَمَامِ كِرْدَانِ، وَ اَو وَ فَرَزَنْدَانِ وَ دُوَسْتَانِشِ رَا بِالنَّصِيْرِ وَالْجُنْدِ، لِيُخَلِّصَ الدِّيْنَ بِالْجِدِّ، فَيَعْمَلَ فِيْ ذٰلِكَ بِالْجُهْدِ، بِا يَارِي وَ لَشْكْرِ خُوْدِ نِيروْمَنْدِ وَ قُوِي كِرْدَانِ، تَا دِيْنِ رَا بِه طُوْرِ جَدِي وَ قَطْعِي خَالِصِ كِرْدَانِدِ، وَ دَر اِيْنِ رَاهِ تَلَاشِ وَ كُوْشِشِ خُوْدِ رَا بِه كَارِ بَرْدِ، وَيُصَيِّرُ لَكَ الدِّيْنَ خَالِصًا، وَالْحَمْدُ تَامًا. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ حَيًّا وَ دِيْنِ رَا بِرَايِ تُو خَالِصِ كِرْدَانِدِ، وَ سِيَّاسِ كِرَارِي رَا كَامَلِ نَمَايِدِ. خَدَاوَنَدَا؛ بِر اَو دَر حَالِ حَيَاتِ وَ زَنْدَگِيِ وَ وُمَيَّتًا، وَ عَجَّلْ فَرَجَنَا بِه، وَ بِالْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ، وَأَنْصُرْهُ عَلَيِّسِ اَزِ وِفَاتِ دَرُوْدِ فَرَسْت، وَ دَر فَرَجِ مَا بِه سَبَبِ اَو وَ جَانِشِيْنِ بَعْدِ اَزِ اَو شَتَابِ فَرَمَا، وَ اَو رَا بِر اَنهَا كِه اَز اَهْلِ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ، وَأَعَزِّرْ بِه الْإِيْمَانَ، وَأَذِلِّ بِه

الشَّيْطَانُ. (۱۰۷) شیطان پیروی و فرمانبرداری می کنند یاری نما، و به واسطه او ایمان را عزت و سرافرازی بخش، و شیطان را خوار و ذلیل گردان.

طلب حاجت در روز پنجشنبه

حضرت امام رضا علیه السلام از پدراناش علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

هر گاه یکی از شما حاجت و خواسته ای دارد، روز پنجشنبه بامدادان در طلب آن رود، و چون از منزل بیرون آمد آخر سوره «آل عمران»، «آیه الكرسي»، «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و سوره «حمد» را بخواند که در آن، برآورده شدن حاجت های دنیا و آخرت است. (۱۰۸)

ادعا پس از غسل روز جمعه

دعای امام رضا علیه السلام در روز جمعه

به حضرت امام رضا علیه السلام منسوب است که فرمودند:

غسل جمعه سنتی است واجب، آن را در سفر و هنگامی که در شهر خودت هستی ترک مکن.

از بعد از طلوع فجر هر گاه غسل کردی کفایت می کند و هر چه به ظهر نزدیکتر باشد بهتر است، و چون از غسل فارغ شدی بگو:

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ نِيَّ وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَانْقِ غُسْلِي، وَاجْرِ عَلَيَّ لِسَانِي خَدَاوَنَدَا؛ مرا پاک گردان و قلب و روحم را پاک فرما، و غسلم را پاکیزه گردان، وَذِكْرَكَ وَذِكْرَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ ذَكَرٍ وَيَادِ خُودَتِ وَبِامْبَرَتِ حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ رَا - که درود خدا بر او و آتش باد - بر زبانت جاری کن، و مرا از التَّوَابِيْنِ وَمِنْ الْمُتَطَهِّرِيْنَ.

توبه کنندگان و پاک شدگان قرار بده.

و اگر غسل جمعه را فراموش کردی هنگام صبح انجام دهی و عصر آن روز یافردایش به یاد آوردی، آن را انجام بده. (۱۰۹)

دعای حضرت امام رضا علیه السلام در روز جمعه

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است:

در ظهر روز جمعه این دعا را بخوان:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ مَعْبُودِي جَزَا خَدَا نِيْسَتْ وَخَدَا بَزْرَكْتَرَا از توصیف است، پاک و

منزه است خداوند، و ستایش خداوندی را سزااست که وَلَئِن لَّمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَئِن لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنْ فَرْزَنْدِي
نگرفته و شریکی در پادشاهی و سلطنت ندارد، و هیچ یار و سرپرستی از روی ذلت و ناتوانی اختیار نکرده است الذُّلُّ وَكَبْرُهُ
تَكْبِيرًا، يَا سَابِغَ النُّعْمِ، يَا دَافِعَ النُّقْمِ، يَا بَارِيَّ و او را به عظمت و بزرگی یاد کن، ای آنکه نعمت هایش سرازیر است، ای دور
کننده سختی ها، ای آفریدگار النَّسَمِ، يَا عَلِيَّ الْهَمَمِ، يَا مُغْشِيَ الظُّلَمِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، موجودات،

ای دارای همت های والا، ای پوشاننده تاریکی ها، ای صاحب جود و بخشش و بزرگواری، یا کاشف الضرر و الألم، یا مونس المَشْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ، یا ای برطرف کننده زیان و ضرر و دشواری و درد، ای همدم وحشت زدگان در تاریکی ها، ای

۱. فقه الرضا عليه السلام: ۱۷۵.

عَالِمًا لَا يَعْلَمُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَأَفْعَلُ بِي مَا أَنْتَ دَانَائِي كَه دَانِش نِيَامُوخْتَه و تعلیم داده نشده، بر محمد و آل محمد درود فرست، و با من چنان کن که تو اهلُهُ، یا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنَاءٌ، إِرْحَمْ شَائِسْتَه آن هستی، ای کسی که نامش دوا، و ذکر و یادش شفا، و اطاعت او سرمایه بی نیازی است، رَحْمَ كَنْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ، وَسِبَاحَتُهُ الْبُكَاءُ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كَسِي كَه تمام سرمایه اش امید، و اسلحه اش گریه است، پاك و منزهی، هیچ معبودی جز آنست، یا حَنَّانُ یا مَنَّانُ، یا بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، یا تو نیست، ای روی آورنده به کسی که از او روی گردانیده، ای ابتداکننده به نعمت و لطف پیش از درخواست، ای پدیدآورنده آسمان ها و زمین، ای ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (۱۱۰)

صاحب عظمت و بزرگی و بزرگواری.

صد مرتبه صلوات در روز جمعه

محمد بن فضیل از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است:

من صَلَّى عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةَ صَلَاةٍ، قَضَى اللَّهُ لَهُ سِتِّينَ حَاجَةً؛ ثَلَاثُونَ حَاجَةً لِلدُّنْيَا، وَثَلَاثُونَ حَاجَةً لِلآخِرَةِ. (۱۱۱)

هر کس در روز جمعه بر من صد مرتبه صلوات فرستد، خداوند شصت حاجت او را برآورده سازد؛ سی حاجت در مورد دنیا و سی حاجت در مورد آخرت.

جواز شعر خواندن ...

صلوات در عصر جمعه

اشاره

این صلوات از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

در روز جمعه بعد از نماز عصر، هفت مرتبه بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ الْمُصَيِّطَيْنِ، بِأَفْضَلِ خِدَائِنَا؛ درود فرست بر محمد و آل محمد که برگزیده شده اند، به برترین صِلَوَاتِكَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيَّ دُرُودِهَاتِ، و برکت بده به ایشان به برترین برکت هایت، و سلام بر أزواجِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

جسم و جان پاک ایشان و رحمت خدا و برکات او بر آنان باد.

و اگر سوره «قدر» را بعد از نماز عصر ده مرتبه بخوانی، پاداش فراوانی خواهی داشت. (۱۱۲)

جواز شعر خواندن در شب جمعه و ماه مبارک رمضان

در پایان این بخش، مطلبی را که از حضرت امام رضا علیه السلام درباره جواز شعر خواندن در شب جمعه و ماه مبارک رمضان روایت شده نقل می کنیم:

خلف بن حماد گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: اصحاب ما از پدران شما روایت می کنند که شعر خواندن در شب جمعه و در ماه رمضان و در شب مکروه است و من گاهی می خواهم و دوست دارم برای حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام مرثیه سرائی می کنم و اکنون در ماه رمضان هستیم.

امام علیه السلام فرمود:

ارث أبا الحسن فی ليله الجمعة وفي شهر رمضان وفي الليل، وفي سائر الأيام؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَكْفِيكَ عَلَى ذَلِكَ.

برای حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام مرثیه سرائی کن در شب جمعه و در ماه رمضان و در هر زمانی که خواستی، که خداوند تو را بر آن پاداش می دهد. (۱۱۳)

ماه مبارک رمضان

بخش یازدهم

هشت ماه و اعمال عبادی آن ها

اشاره

برخی از ماه های قمری مانند ماه رجب، ذی القعدة و ماه صفر با حضرت امام رضا علیه السلام بیشتر ارتباط دارد؛ ما در این بخش، اعمال عبادی هشت ماه را که ارتباط بیشتری با امام هشتم علیه السلام دارد - با برخی از جریانات مربوطه - نقل می کنیم:

□

ماه مبارک رمضان

حضرت امام رضا علیه السلام و نقل خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

درباره ماه مبارک رمضان

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام» از حضرت امام رضا علیه السلام، و ایشان از پدران بزرگوارش علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روزی برای ما خطبه خواند و فرمود:

ای مردم؛ به راستی ماه خدا با برکت، رحمت و آمرزش به شما روی آورده است. ماهی که نزد خداوند بهترین ماه ها و روزهایش بهترین روزها و شب هایش بهترین شب ها و ساعت هایش بهترین ساعت ها است.

ماهی که در آن به میهمانی خداوند دعوت شده و از اهل کرامت او قرار داده شده اید. نفس های شما در آن، ثواب تسبیح دارد و خواب شما در آن، عبادت و عمل شما در آن، پذیرفته شده و دعایتان در آن، مستجاب است.

پس با نیت های درست و دل های پاک از خدا درخواست کنید که توفیق روزه داری و تلاوت قرآن به شما مرحمت کند، که بدون تردید شقی و بدبخت کسی است که از آمرزش الهی در این ماه بزرگ محروم گردد. و با گرسنگی و تشنگی خود در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را به یاد آورید. و برفقیان و بینویان کمک کنید و صدقه دهید. بزرگسالان را احترام کنید و بر خردسالان رحم نمائید، و صله رحم (یعنی پیوند با خویشاوندان) داشته باشید. زبان خود را از آنچه نباید گفت و چشم خود را از آنچه نباید دید و گوش خود را از آنچه

نباید شنید ببندید.

با یتیمان مردم مهربانی کنید تا با یتیمان شما مهربانی نمایند، از گناهان خود توبه کنید و به سوی خدا بازگشت نمائید و دست های خود را در اوقات نمازها به دعا بلند کنید که هنگام نمازها بهترین ساعت ها است، خداوند به سوی بندگانش نظر رحمت دارد؛ اگر با او راز و نیاز کنند به آن ها جواب می دهد، اگر او را ندا دهند جواب گوید و اگر او را بخوانند دعایشان را مستجاب فرماید.

ای مردم؛ به راستی جان شما در گرو اعمال شما است، با استغفار خویش آن را رها کنید. و پشت شما از بار گناه سنگین است، با طولانی کردن سجده آن راسبک نمائید. و بدانید که خداوند تبارک و تعالی به عزت خود سوگند یاد کرده است که نمازگزاران و سجده کنندگان را عذاب نکند و آنان را به آتش دوزخ نترساند روزی که همگان در پیشگاه پروردگار جهانیان بپاخیزند.

ای مردم؛ هر یک از شما روزه دار مؤمنی را در این ماه افطاری دهد، نزد خدا ثواب آزاد کردن یک بنده دارد و گناهان گذشته اش آمرزیده شود.

عرض کردند: همه ما چنین قدرتی نداریم.

فرمود: خود را از آتش برهانید گرچه با دادن نصف خرما باشد و از آتش دوربیدارید گرچه با دادن لیوانی آب باشد.

ای مردم؛ هر یک از شما در این ماه اخلاقش را نیکو گرداند، بر صراط به راحتی بگذرد روزی که قدم ها بر آن بلغزد. و هر کس در این ماه نسبت به غلامان و کنیزان و خدمتگزارانش آسان بگیرد، خداوند حساب او را در قیامت آسان بگیرد. و هر کس از شرّ و بدی و آزار دیگران در این ماه خودداری کند، خداوند روز دیدارش با او از غضب خویش خودداری می کند.

و هر کس یتیمی را در این ماه گرامی بدارد، خدا او را در روز ملاقات گرامی بدارد.

و کسی که با خویشاوندان خود در این ماه خوش رفتاری و مهربانی کند، خداوند در روز ملاقات با او به رحمت خویش خوشرفتاری نماید. و کسی که در این ماه رابطه خویشاوندی خود را با آنان قطع کند، خداوند در روز ملاقات رحمتش را از او قطع خواهد کرد. و کسی که در این ماه نماز مستحبی بجای آورد، خداوند برای او برات آزادی از آتش نویسد. و کسی که در این ماه فریضه ای را بجا آورد، ثواب هفتاد فریضه در غیر این ماه به او دهند.

و کسی که در این ماه بر من زیاد صلوات فرستد، خداوند میزان او را سنگین گرداند روزی که میزان ها سبک باشند. و کسی که در این ماه آیه ای از قرآن بخواند پاداش یک ختم قرآن در غیر این ماه دارد.

ای مردم؛ درهای بهشت در این ماه گشوده شده است، از خدا بخواهید که آن رابه روی شما نبندد. و درهای دوزخ بسته شده است، از پروردگار خویش درخواست کنید که آن را به روی شما باز نگرداند. و شیاطین در بند هستند، از خدا بخواهید که آن ها را بر شما مسلط نسازد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من از جا برخاستم و عرض کردم: ای رسول خدا؛ بهترین اعمال در این ماه چیست؟

فرمود: ای ابالحسن؛ برترین اعمال در این ماه، پارسائی و پرهیزکردن از آنچه خدا حرام کرده می باشد.

سپس رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم گریست، علت گریه اش را سؤال کردم، فرمود: علی جان؛ گریه ام برای مصیبتی است که در این ماه بر تو وارد می شود؛ گویا می بینم که تو در حال نمازی در پیشگاه پروردگارت و آن

شقی ترین اوّلین و آخرین و همتای پی کننده ناقه نمود، ضربتی را بر فرق تو زده که محاسنت را با خون سرت خضاب نموده است.

عرض کردم: این جریان با سلامت دینم صورت می گیرد؟

فرمود: آری؛ تو در سلامت دینت هستی.

سپس فرمود: علی جان؛ هر کس تو را بکشد مرا کشته است، و هر کس با تو دشمنی کند با من دشمنی کرده، و هر کس تو را دشنام دهد مرا دشنام داده است؛ زیرا که تو نسبت به من مانند جان من هستی، روح تو از روح من و طینت تو از طینت و سرشت من است، خداوند تبارک و تعالی من و تو را آفریده و برگزیده است؛ مرا برای نبوت و تو را برای امامت اختیار فرموده است. پس هر کس امامت تو را انکار کند، در حقیقت نبوت مرا انکار کرده است.

ای علی؛ تو وصی من و پدر فرزندانم و همسر دخترم و جانشینم بر امتم در زندگی و پس از مرگ من هستی. امر و فرمان تو، امر و فرمان من و نهی تو، نهی من است، به آن کسی که مرا به پیامبری مبعوث نمود و مرا بهترین آفریده اش قرار داد سوگند یاد می کنم که تو حجت خدا بر مخلوقات او و امین اسرار او و جانشین بر بندگانش می باشی. (۱۱۴)

فضیلت ماه مبارک رمضان در گفتار حضرت امام رضاعلیه السلام

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از حضرت علی بن موسی الرضاعلیهما السلام شنیدم که فرمود:

دعای مهمّ در سحرهای ماه...

عمره در ماه رمضان معادل حجّ است، یک شب اعتکاف در مسجد الرسول و کنار قبر آن حضرت، معادل حجّ و عمره است. کسی که امام حسین علیه السلام را سس ظخزیرت کند و ده روز باقی مانده از ماه رمضان را اعتکاف کند گویا کنار قبر پیامبر صلی الله

علیه وآله وسلم اعتکاف کرده و کسی که کنار قبر رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم اعتکاف کند برای او از حج و عمره بعد از حج واجب بهتر است. (۱۱۵)

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

کسی که امام حسین علیه السلام را در ماه رمضان زیارت کند باید سعی و تلاش کند که شب بیست و سوم آن را - که به ليله الجهنی معروف است - از دست ندهد؛ زیرا آن شیبی است که امید می رود شب قدر باشد و کمترین مقدار اعتکاف، یک ساعت بین نماز مغرب و عشاء است، کسی که آن یک ساعت را اعتکاف کند بهره خود را برده است، یا فرمود: به سهم و نصیب خود از شب قدر رسیده است. (۱۱۶)

دعای مهمّ در سحرهای ماه مبارک رمضان

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

این دعایی است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در سحرهای ماه مبارک رمضان می خواندند و می فرمودند:

اگر مردم از عظمت این دعا نزد خدا و سرعت اجابت آن باخبر بودند، در راه بدست آوردن آن - گرچه با شمشیر بود - به جنگ می پرداختند و خدا هر کس را بخواهد به رحمت خویش مخصوص می گرداند.

اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعا است، هر آینه راست گفته ام. پس این دعا را با اهتمام و تضرّع بخوانید که آن از علم مکنون است و آن را جز از اهلش و آنان که شایستگی آن را دارند پنهان بدارید، منافقان و تکذیب کنندگان و منکرین حق، اهل این دعا نیستند، و آن، دعای مباهله است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأُبْهَاءٍ وَكُلِّ بَهَائِكَ بِهِي. اللَّهُمَّ خدائوندا؛ همانا از تو درخواست می کنم از شکوه و درخشندگی ات به درخشنده ترین آن، و همه درخشندگی ات درخشان است. خدائوندا؛

۲۰۱. بحار الأنوار: ۱۵۱/۹۸.

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ

كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِاَجْمَلِهِ از تو درخواست مى كنم به تمام شكوه و درخشندگى ات. خداوندا؛ همانا از تو درخواست مى كنم از جمال و زيبائى ات به زيباترين و كُلُّ جَمَالِكَ جَمِيْلٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَنْ و همه زيبائى هايت زيبا است. خداوندا؛ از تو درخواست مى كنم به تمام جمال و زيبائى هايت. خداوندا؛ همانا اَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِاَجَلِّهِ و كُلُّ جَلَالِكَ جَلِيْلٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ از تو درخواست مى كنم از جلال و بزرگى ات به بزرگترين آن و همه جلال و بزرگى ات بزرگ است. خداوندا؛ از تو درخواست مى كنم بِجَلَالِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِهَا و كُلِّ به تمام جلال و بزرگى ات. خداوندا؛ همانا از تو درخواست مى كنم از عظمت تو به عظيم ترين آن، و همه عَظَمَتِكَ عَظِيْمَةٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ عَظَمْتُ تو عَظِيْمٌ است. خداوندا؛ از تو درخواست مى كنم به تمام عظمت. خداوندا؛ همانا اَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِاَنْوَرِهِ و كُلُّ نُورِكَ نَبِيْرٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ از تو درخواست مى كنم از نور تو به نورانى ترين آن، و همه نور تو نورانى است. خداوندا؛ از تو درخواست مى كنم بِنُورِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِهَا و كُلِّ به تمام نورت. خداوندا؛ همانا از تو درخواست مى كنم از رحمت تو به گسترده ترين آن، و همه رَحْمَتِكَ رَحِيْمَةٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ گسترده است. خداوندا؛ از تو درخواست مى كنم به تمام رحمت. خداوندا؛ همانا اَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِاَتْمَمِّهَا و كُلُّ كَلِمَاتِكَ تَامَةٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ از تو درخواست مى كنم از كلمات تو به كاملترين آن، و همه كلمات تو كامل است. خداوندا؛ از اَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِاَكْمَلِهِ تو درخواست مى كنم به تمام كلمات. خداوندا؛ همانا از تو درخواست مى كنم از كمالت به كاملترين آن و كُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي وَهَمَّ كَمَالَاتٍ تَوْ كَامِلٍ اسْت. خَدَاوْنَدَا؛ اَز تَوْ دَرخَواسْت مِي كَنَم بَه تَمَام كَمَالَات. خَدَاوْنَدَا؛ هَمَانَا أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا وَكُلُّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي اَز تَوْ دَرخَواسْت مِي كَنَم اَز نَام هَايْت بَه بَزْرگَتَرين آن، وَ هَمَّ نَام هَايْت بَزْرگ اسْت. خَدَاوْنَدَا؛ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا اَز تَوْ دَرخَواسْت مِي كَنَم بَه تَمَام نَام هَايْت. خَدَاوْنَدَا؛ هَمَانَا اَز تَوْ دَرخَواسْت مِي كَنَم اَز عِزَّتْ بَه عِزِزْتَرين آن وَكُلُّ عِزَّتِكَ عِزِزَةٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي وَ هَمَّ عِزَّتْ تَوْ عِزِز اسْت. خَدَاوْنَدَا؛ اَز تَوْ دَرخَواسْت مِي كَنَم بَه تَمَام عِزَّتْ وَ تَوَانَمَدِيت. خَدَايَا؛ أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا، وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي اَز تَوْ دَرخَواسْت مِي كَنَم اَز مَشِيَّتْ وَ خَواسْتَه ات بَه اَجْرَا شَوْنَدَه تَرين آن، وَ هَمَّ خَواسْتَه ات اَجْرَا شَوْنَدَه اسْت. خَدَاوْنَدَا؛ اَز تَوْ أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ دَرخَواسْت مِي كَنَم بَه تَمَام مَشِيَّتْ وَ خَواسْتَه ات. خَدَايَا؛ اَز تَوْ دَرخَواسْت مِي كَنَم اَز قَدْرَتْ وَ تَوَانَائِي ات الَّتِي اسِي تَطَلَّتْ بِهَا عَلَي كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسَدِّ تَطِيلَةٌ. اللَّهُمَّ كِه بِرِ هَر چيز غَلْبَه وَ بَرْتَرِي دَارِد، وَ هَمَّ قَدْرَتْ وَ تَوَانَائِي ات غَلْبَه دَارِنْدَه اسْت. خَدَاوْنَدَا؛ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَعِدِهِ اَز تَوْ دَرخَواسْت مِي كَنَم بَه تَمَام تَوَانَائِي ات. خَدَايَا؛ اَز تَوْ دَرخَواسْت مِي كَنَم اَز عِلْمْ وَ دَانِشْت بَه نَافِذْتَرين آن وَكُلُّ عِلْمِكَ نَافِذٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي وَ هَمَّ عِلْمْ وَ دَانِشْ تَوْ نَافِذْ اسْت. خَدَاوْنَدَا؛ اَز تَوْ دَرخَواسْت مِي كَنَم بَه هَمَّ عِلْمْ وَ دَانِشْت. خَدَايَا؛ أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضَاءُ وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِيٌّ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ اَز تَوْ دَرخَواسْت مِي كَنَم اَز كَفْتَارْت بَه پَسْنَدِيدَه تَرين آن وَ هَمَّ كَفْتَارْت تَوْ پَسْنَدِيدَه اسْت. خَدَاوْنَدَا؛ اَز تَوْ دَرخَواسْت مِي كَنَم بِقَوْلِكَ كُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

مَسْأَلَتِكَ بِأَحَبِّهَا إِلَيْكَ، وَكُلُّ بِه تمام گفتارت. خدایا؛ از تو درخواست می کنم از خواسته شده هایت به محبوبترین آن ها، و همه مَسْأَلَتِكَ إِلَيْكَ حَبِيبَهُ. اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِمَسْأَلَتِكَ كُلِّهَا. اَللّهُمَّ خواسته شده هایت محبوب و دوست داشتنی است. خداوندا؛ از تو درخواست می کنم به تمام خواسته شده هایت. خدایا؛ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ. اَللّهُمَّ اِنِّي از تو درخواست می کنم از شرافت و بزرگواریت به شریفترین آن و همه شرف تو شریف و بزرگوار است. خداوندا؛ اَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ. اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ، از تو درخواست می کنم به تمام شرافت. خدایا؛ از تو درخواست می کنم از سلطنت تو به پایدارترین آن، وَكُلُّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ. اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ. اَللّهُمَّ اِنِّي و همه سلطنت تو پایدار است. خداوندا؛ از تو درخواست می کنم به تمام سلطنت. خدایا؛ از تو اَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاحِزٌ. اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ درخواست می کنم از فرمانروایی تو به ارزشمندترین آن و همه فرمانروایی تو افتخارآمیز و ارزشمند است. خداوندا؛ از تو درخواست بِمُلْكِكَ كُلِّهِ. اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِأَعْلَاهُ وَكُلُّ عُلُوِّكَ می کنم به تمام فرمانروایت. خدایا؛ از تو درخواست می کنم از برتری تو به برترین آن و همه برتری تو برتر و عالٍ. اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ. اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بَلَنْدَمَرْتَبَهُ است. خداوندا؛ از تو درخواست می کنم به تمام برتری هایت. خدایا؛ از تو درخواست می کنم از لطف و احسان تو بِأَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَدِيمٌ. اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ. اَللّهُمَّ به دیرینه ترین آن و همه لطف تو دیرینه است. خداوندا؛ از تو درخواست می کنم به تمام لطف و احسانت. خدایا؛ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ اِيَاتِكَ بِأَكْرَمِهَا وَكُلُّ اِيَاتِكَ كَرِيمَةٌ. اَللّهُمَّ اِنِّي از تو درخواست می کنم از آیات و نشانه هایت به گرامی ترین آن و همه آیات و نشانه هایت

گرامی است. خداوندا؛ اَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِمَا اَنْتَ فِيْهِ مِنَ الشَّانِ اِذْ تُوْجِبُ لِيْ رِزْقِيْ وَتُجِيبُنِيْ بِرِزْقِكَ بِمَا اَسْأَلُكَ بِمَا a

و نسبت به من چنین و چنان کن.

... ولا يتعهدى امام رضا عليه السلام

و حاجت خود را ذکر می کنی که ان شاء الله برآورده می شود و آن را به تو عطا می کنند. (۱۱۷)

نکته ای درباره جریان ولایتعهدی

حضرت امام رضا علیه السلام در روز ششم ماه مبارک رمضان

مرحوم محدث قمی فرموده است: اگرچه به حسب ظاهر مأمون در تعظیم و توقیر حضرت امام رضا علیه السلام می کوشید و احترام آن جناب را فروگذار نمی کرد، اما در باطن به طور شیطنت و نفاق با آن حضرت دشمنی می کرد و به حکم آیه شریفه «هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ» دشمن واقعی بلکه سخت ترین دشمنان او بود که به حسب ظاهر به طریق محبت و دوستی و خوش زبانی با آن حضرت رفتار می نمود اما در باطن مثل مار و افعی آنجناب را می گزید و پیوسته کاسه های زهر به کام آن بزرگوار می رسانید، مثل معروف است «شیطان الفقهاء فقيه الشياطين».

لاجرم از زمانی که آن حضرت ولیعهد شد، اول مصیبت و اذیت و صدمات آن حضرت شد، و در همان روزی که با آن حضرت بیعت کردند یکی از خواص آن حضرت گفت:

من در خدمت آنجناب بودم و به جهت ظاهر شدن فضل آن حضرت مستبشر و خوشحال بودم، آن حضرت مرا به نزد خود طلبید و آهسته به من فرمود:

به این امر خوشحال مباش چه این کار به اتمام نخواهد رسید و به این حال نخواهم ماند.

و در حدیث حسن بن جهم است: چون مأمون علمای امصار و فقهای اقطار را جمع کرد که با حضرت امام رضا علیه السلام مباحثه و مناظره نمایند و آن حضرت بر همه غالب شد و همگی اقرار به فضیلت آن جناب نمودند و از مجلس مأمون برخاست و به منزل خود معاودت فرمود، من در خدمت آن حضرت رفتم و گفتم: خدا را حمد می کنم که مأمون را مطیع شما گردانیده و در اکرام شما مبالغه می نماید و غایت سعی مبذول می دارد. حضرت فرمود:

یابن جهم؛ محبت های مأمون نسبت به من، ترا فریب ندهد؛ زیرا به این زودی از روی ستم و ظلم، مرا با زهر شهید خواهد کرد، این خبری است که از پدران من به من رسیده است، این سخن را پنهان دار و تا من زنده ام با کس نگوی.

و بالجمله پیوسته آنجناب از سوء معاشرت مأمون، درد در دل نازنینش بود و به کسی نمی توانست اظهار کند و آخر کار چندان به تنگ آمده بود که از خدا مرگ خود را می خواست، چنانچه یاسر خادم گفته: در هر روز جمعه که آن حضرت از مسجد جامع مراجعت می کرد به همان حالتی که عرق دار و غبارآلود بود، دست ها به درگاه الهی برمی داشت و عرضه می کرد:

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ فَرَجِي مِمَّا أَنَا فِيهِ الْمَوْتُ، فَعَجِّلْ لِي السَّاعَةَ.

خداوندا! اگر فرج من و رهاییم از این گرفتاری به مرگ من حاصل می شود آن را تعجیل

فرما.

و آن حضرت، پیوسته در غم و حزن بود تا از دنیا رحلت فرمود.

و اگر شخص متفطن در وضع معاشرت و سلوک مأمون با آن حضرت تأمل کند تصدیق این مطلب را خواهد نمود.

آیا عاقلی تصور می کند که مأمون دنیاپرست - که به جهت طلب خلافت و ریاست دستور داد برادرش محمد امین را در کمال سختی بکشند و سرش را برای او آورند، و در صحن خانه خود او را بر چوبی نصب کنند و سپاهیان خود را دستور داد که هر کسی برخیزد و بر این سر لعنت کند و جایزه خود را بگیرد، آیا چنین کسی که این قدر طالب خلافت و ملک است، - حضرت امام رضاعلیه السلام را از مدینه به مرو می طلبد و تا دوماه اصرار می کند که من می خواهم خود را از خلافت خلع کنم و لباس خلافت را بر تو بیوشانم، جز شیطنت و نفاق نکته دیگر در نظر اوست؟ در حالی که خلافت، قره‌العین مأمون بود و در حق سلطنت گفته اند: «الملک عقیم» و برادرش امین خوب او را شناخته بود؛ چنانچه به احمد بن سلام هنگامی که او را دستگیر کرده بودند گفت: آیا مأمون مرا می کشد؟ احمد گفت: ترا نخواهد کشت چه آنکه علاقه رحم، دل او را بر تو مهربان خواهد کرد. امین گفت: «هیئات؛ الملک عقیم لا رحم له».

در هر صورت، مأمون ابداً میل نداشت که از حضرت امام رضاعلیه السلام فضیلت و منقبتی ظاهر شود، چنانچه از ملاحظه روایات رفتن آن حضرت به نماز عید و غیره این مطلب واضح و آشکار است.

و در ذیل حدیث رجاء بن ابی ضحاک است که وقتی او فضائل و عبادات حضرت امام رضاعلیه السلام را برای مأمون نقل

کرد، مأمون گفت: مردم را به اینها که گفتی خبر نده، و برای مصلحت از روی شیطنت گفت: به جهت آنکه می خواهم فضایل آن جناب جزاز زبان من ظاهر نشود.

و در آخر کار، وقتی دید هر روز انوار علم و کمال و آثار رفعت و جلال آن حضرت بر مردم ظاهر می شود و محبت آن حضرت در دل های ایشان جا می کند، آتش حسد در کانون سینه اش مشتعل شد و در مقام تدبیر آن حضرت برآمد و آن حضرت را مسموم نمود.

چنانچه شیخ صدوق رحمه الله از احمد بن علی روایت کرده است که گفت: از ابوالصلت هروی پرسیدم: چگونه مأمون به قتل حضرت امام رضاعلیه السلام راضی شد؛ با آن اکرام و محبتی که نسبت به او اظهار می کرد و او را ولیعهد گردانیده بود؟

ابوالصلت گفت: مأمون برای این، آن حضرت را گرامی می داشت که فضیلت و بزرگواری او را می دانست، و ولایتعهد را به او تفویض کرد برای آنکه مردم آن حضرت را چنان بشناسند که در دنیا راغب است، و محبت او از دل های مردم کم شود؛ چون دید که این، باعث زیادتی محبت و اخلاص مردم شد، علمای جمیع فرق را از یهود، نصاری، مجوس، صائبان، براهمه، ملحدان، دهریان و علمای جمیع ملل و ادیان را جمع کرد که با آن حضرت مباحثه و مناظره نماید شاید که بر او غالب شوند و در آن جناب عجز و نقصی ظاهر شود و به این سبب اعتقاد مردم نسبت به آن حضرت ضعیف گردد و این تدبیر نیز برخلاف مقصود او نتیجه داد و همگی آن ها مغلوب آن حضرت گردیدند و اقرار به فضیلت و جلالت آن جناب نمودند. (۱۱۸)

در کتاب «ایجاج الأحزان: ۶۶» نامه مأمون را به حضرت

امام رضا علیه السلام درباره ولایتعهدی نقل کرده و دعایی از آن حضرت در این باره آورده است.

دعای حضرت امام رضا علیه السلام هنگام ولایتعهدی

دعای حضرت هنگام ولایتعهدی

یاسر گوید: هنگامی که حضرت امام رضا علیه السلام (در روز ششم ماه مبارک رمضان) به اکراه ولیعهد گردید، دست های مبارک خود را به طرف آسمان بالا برد و شنیدم که فرمودند:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعَلَّمْتَ اَتَى مُكْرَهُ مَضْطَرًّا، فَلَا تُؤَاخِذْنِي كَمَا لَمْ تُؤَاخِذْ خَدَاوَنَدَا؛ تو می دانی که من مجبور و ناچارم، پس مرا مؤاخذه مکن، همان گونه که عَبْدَكَ وَنَبِيَّكَ يُوسُفَ حِيْنَ وَقَعَ اِلَى وِلَايَةِ مِصْرَ. (۱۱۹)

بنده و پیامبرت حضرت یوسف را مؤاخذه نفرمودی؛ هنگامی که او به فرمانروائی و حکومت مصر رسید.

شواهد بسیاری وجود دارد که تحمیل ولایتعهدی حضرت امام رضا علیه السلام نه براساس محبت و علاقه مأمون، بلکه به خاطر شیطنت و سیاست شوم او بوده است.

دشمنی او با خاندان وحی علیهم السلام به گونه ای بود که گاه از بنی امیه - که با بنی العباس دشمن خونخوار بودند - برای سرکوب اهل بیت علیهم السلام و علویان کمک می گرفت. جریانی که نقل می کنیم دلیل بر این مطلب است:

«وقتی عبدالرحمن علوی در یمن بر ضد مأمون قیام کرد، در این هنگام مأمون، طالبیین را از ورود به نزد خویش منع کرد و دستور داد آنان را به پوشیدن جامه سیاه مجبور سازند(۱۲۰)».

پس از آن، مأمون سیاست ثابت و تازه ای را برای حکومت سرزمین یمن آغاز کرد و از هر گونه جنبش شیعی که امکان داشت در آن جا سر بردارد، جلوگیری نمود. مأمون چاره را در آن دید که بر یمن حکمرانی بگمارد که به نیرومندی و قاطعیت شناخته شده باشد.

وزیرش حسن بن سهل به او توصیه کرد یکی از نوادگان زیاد بن ابیه، والی اموی معروف را انتخاب کند. این فرد پیشنهادشده محمد بن ابراهیم

زیادی بود. مأمون او را حاکم یمن نمود و سلیمان بن هشام بن عبدالملک اموی را به وزارت او گماشت (۱۲۱). بدین سان، چنین شد که حکمران و وزیرش هر دو به امویان وابستگی داشتند و این درحالی است که ما از دشمنی شدید آنان با دودمان علوی به خوبی آگاهیم.

حکمران تازه - محمد بن ابراهیم زیادی - توانست تهامه را فتح کند. او بنای شهرزبید را طرح ریزی کرد و آن را پایتخت خود برگزید (۱۲۲) و بر روح تمرّدی که قبایل یمنی داشتند غلبه کرد. وی که بنا به توصیف ابن خلدون نسبت به دودمان علی بن ابی طالب علیه السلام سخت کینه می ورزید (۱۲۳)، یاران و هواداران علویان را تعقیب کرد.

قدرت «محمد زیادی» رو به فزونی نهاد و موفق شد پایه های حکومت بنی زیاد را در یمن محکم کند. این حکومت با آنکه پیوسته از خلیفگان عباسی در خطبه ها نام می برد و خراج و هدایا را به سوی آنان روانه می کرد، نوعی حکومت خودمختار و برخوردار از استقلال داخلی شناخته شده است (۱۲۴).

«محمد زیادی» در طول حیاتش بر یمن حکم راند و فرزندانش حکمرانی را پیایی از او ارث بردند. سپس برخی از وابستگان و غلامان ایشان زمام حکومت را به دست گرفتند و تا سال ۵۵۳ ه ق با این عنوان حکم راندند. این دولت را که نخستین دولت مستقلی است که سرزمین یمن را تجربه کرد (۱۲۵)، دولت زیادیان می خواندند. پایه های این استقلال با ضعف دولت عباسیان استحکام یافت.

«محمد زیادی» با قدرتی که مأمون به او تفویض کرده بود و با علاقه ای که مأمون به تقویت حکمرانی او داشت فرمانروایی کرد. چه مأمون با هزار سواره نظام که در میان آنان هفتصد تن از خراسانی ها بودند، او را یاری

داد. بعدها قلمرو دولت زیادیان توسعه یافت و حضرموت، دیار کِنده، شحر، برباط، لحج، عدن و فلات های واقع میان این آبادی ها را شامل گردید (۱۲۷). (۱۲۶)

پانزدهم ماه مبارک رمضان

پانزدهم ماه مبارک رمضان

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

پدرم موسی بن جعفر، از پدرش جعفر بن محمد، و آن حضرت از پدرش محمد بن علی، و آن حضرت از پدرش علی بن الحسین علیه السلام و آن حضرت از اسماء بنت عمیس، و او از حضرت فاطمه علیها السلام روایت کرده است که فرمود: هنگامی که فرزندم حسن علیه السلام را به دنیا آوردم، پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نزد ما آمد و فرمود: ای اسماء؛ پسر را بیاور.

اسماء گوید: او را در حالی که در میان پارچه زردرنگی بود به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دادم، آن حضرت در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت، سپس به علی علیه السلام فرمود: پسر را چه نام نهاده ای؟

علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا؛ هرگز در نامگذاری او بر شما سبقت نمی گیرم، دوست داشتم او را «حرب» بنامم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: من نیز در نامگذاری او بر پروردگارم پیشی نمی گیرم. در این هنگام جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: ای محمد؛ پروردگار بلندمرتبه به شما سلام می رساند و می فرماید: جایگاه علی نسبت به تو، مانند جایگاه هارون نسبت به موسی است؛ جز اینکه پیامبری بعد از تو نیست، این پسرت را بنام پسر هارون نامگذاری کن.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: نام پسر هارون چه بوده است؟

عرض کرد: «شَبْر».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: زبان من عربی است.

جبرئیل عرض کرد: نام او را «حسن» بگذار.

اسماء گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم او را «حسن» نامید و هنگامی

که روز هفتم ولادت اورسید، از طرف او دو قوچ فربه عقیقه کرد و یک ران و یک دینار به قابله مرحمت فرمود، سپس سر حسن علیه السلام را تراشید و به وزن موی او نقره صدقه داد و مادّه خوش بوئی به سر او مالید، سپس فرمود: ای اسماء؛ خون به پیشانی و سر طفل مالیدن از کارهای جاهلیت است.

اسماء گوید: پس از گذشت یکسال حسین علیه السلام به دنیا آمد و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نزدما آمد و فرمود: ای اسماء؛ پسر مرا بیاور. من او را در حالی که در پارچه سفیدی بود به آن حضرت دادم، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت و آن گاه در دامان خود نهاد و گریه کرد.

عرض کردم: پدر و مادرم فدای شما؛ چرا گریه می کنید؟

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: بر این پسر.

عرض کردم: او که تازه به دنیا آمده است.

فرمود: او را پس از من گروه ستمگری می کشند، خداوند شفاعت مرا شامل حال آنان نگرداند.

سپس فرمود: ای اسماء؛ این خبر را به فاطمه ام نگو؛ زیرا که نوزادش تازه تولّد یافته است.

سپس به علی علیه السلام فرمود: این پسر را چه نام نهاده ای؟

عرض کرد: ای رسول خدا؛ هرگز در نامگذاری او بر شما پیشی نگرفته ام، ولی دوست داشتم او را «حرب» بنامم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: من نیز پروردگارم را در نامگذاری او پیشی نخواهم گرفت، در این هنگام جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: خداوند والای بلند مرتبه به شما سلام می رساند و می فرماید: جایگاه علی علیه السلام نسبت به تو مانند جایگاه هارون نسبت به موسی است، این پسر را بنام پسر هارون نامگذاری کن.

رسول

خداصلی الله علیه و آله وسلم فرمود: نام فرزند هارون چیست؟

عرض کرد: «شبیر».

پیامبر فرمود: زبان من عربی است.

جبرئیل عرض کرد: نام او را «حسین» بگذار.

روز هفتم ولادت که فرارسید، رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم از طرف او دو قوچ فربه را عقیقه کرد و به زن قابله یک ران آن و یک دینار مرحمت فرمود، سپس سر حسین علیه السلام را تراشید و به وزن موی او نقره داد و ماده خوش بوئی بنام «خلوق» بر سر او مالید و فرمود: ای اسماء؛ مالیدن خون بر سر و پیشانی طفل از کارهای دوران جاهلیت است. (۱۲۸)

فضیلت شب های قدر

حضرت امام رضا علیه السلام، از پدران علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت کرده است که فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: من أحيى ليلة القدر غفرت له ذنوبه ولو كانت عدد نجوم السماء ومثاقيل الجبال ومكائيل البحار.

کسی که شب قدر را به شب زنده داری پردازد، گناهانش آمرزیده شود؛ گرچه به عدد ستارگان آسمان و وزن کوه ها و پیمانہ دریاها باشد. (۱۲۹)

اعمال روز عید فطر

شهادت حضرت امام رضا علیه السلام در روز چهاردهم ماه مبارک رمضان نیز نقل شده، و مرحوم شیخ صدوق در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام» شهادت آن حضرت را در روز بیست و یکم ماه مبارک رمضان نقل کرده است. بنابراین، زیارت آن حضرت در این دو روز دارای فضیلت بیشتری است.

ماه شوال

اعمال روز عید فطر

فضل بن شاذان از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

همانا روز فطر، عید قرار داده شده؛ تا زمان اجتماعی برای مسلمانان فراهم آید و در آن گرد هم جمع گردند و برای خداوند عزیز والامقام بیرون آیند و او را تمجید کنند بر الطاف و نعمت هایش که مرحمت فرموده است، پس روز عیدمی باشد و روز اجتماع و روز فطر و روز رغبت و روز تضرع.

و برای این که اولین روز سال است که خوردن و آشامیدن در آن حلال می شود؛ زیرا اولین ماه سال نزد اهل حق ماه رمضان است، و خداوند عزیز باجلالت دوست دارد که در آن روز برای ایشان مجمعی باشد که او را سپاس گویند و تقدیس نمایند. و همانا در این نماز، تکبیر بیش از تکبیر در غیر آن قرار داده شده؛ چون تکبیر، بزرگداشت خداوند و تمجید او است بر هدایتی که کرده و عافیتی که بخشیده است؛ همان طور که خداوند تبارک و تعالی فرموده

است:

«وَلْتَكْبِرُوا لِلَّهِ عَلَىٰ مَا هَدَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (۱۳۰).

تا خدا را بر این که شما را هدایت کرده بزرگ شمارید، و باشد که شکرگزاری کنید.

و همانا در آن، دوازده تکبیر قرار داده شده، در دو رکعت دوازده تکبیر، هفت تادر رکعت اول و پنج تا در رکعت دوم می باشد و هر دو را مساوی نگردانیده؛ زیرا سنت در نماز فریضه این است که با هفت تکبیر شروع شود، لذا در اینجا هم هفت تکبیر را مقدم داشته و به آن شروع کرده، و در رکعت دوم پنج تکبیر قرار داده شده؛ چون تکبیره الإحرام در روز و شب پنج تکبیر است، برای اینکه عدد تکبیرها در هر یک از دو رکعت، فرد باشد. (۱۳۱)

رفتن حضرت امام رضاعلیه السلام برای خواندن نماز عید فطر

... خواندن نماز عید فطر

علی بن ابراهیم گفت: یاسر خادم هنگامی که بعد از وفات حضرت امام رضاعلیه السلام از خراسان بازگشت، همه اخبارش را بازگو کرد.

و نیز علی بن ابراهیم گفت: ریّان بن صلت - که از اطرافیان حسن بن سهل بود - برایم حدیث کرد و گفت: پدرم از محمد بن عرفه و صالح بن سعید حدیث کرد که تمامی اینها اخبار حضرت امام رضاعلیه السلام را بازگو نموده اند و گفته اند:

هنگامی که آن خلع شده (یعنی امین) برکنار شد و مأمون زمام قدرت و ریاست را در دست گرفت، به حضرت امام رضاعلیه السلام نامه نوشت و آن حضرت را به خراسان دعوت کرد.

امام برای او عذر می آورد و از رفتن خودداری می نمود، ولی مأمون به درخواست خویش ادامه می داد و پیوسته مکاتبه می کرد تا آن که حضرت امام رضاعلیه السلام دانست که اودست بردار نیست، به ناچار از مدینه خارج شد در حالی که فرزندش ابوجعفرعلیه السلام سنّ مبارکش هفت سال بود.

مأمون نوشت که از

راه کوفه و قم حرکت نکن، لذا آن حضرت را از راه بصره و اهواز و فارس عبور دادند تا به مرو رسید، پس چون امام علیه السلام به مرو رسید مأمون امر خلافت و امارت را به امام علیه السلام پیشنهاد کرد، و امام علیه السلام نپذیرفت، و گفتگوهای فراوانی در مورد آن شد و تا دو ماه این گفتگوها جریان داشت و مأمون اصرار می ورزید و امام علیه السلام از پذیرفتن خودداری می نمود، لذا یک مرحله پائین آمد و ولایتعهدی را پیشنهاد کرد و امام علیه السلام فرمود:

با شروطی که از تو می خواهم آن را می پذیرم.

مأمون عرض کرد: هر شرطی که می خواهی بخواه، امام علیه السلام نوشت:

من در امر ولایتعهدی وارد می شوم به شرط آنکه هیچگونه امر و نهی نداشته باشم، قضاوت نکنم، و چیزی را تغییر ندهم و از همه این امور اجرائی معاف باشم.

مأمون شروط امام علیه السلام را پذیرفت، آنگاه کارگزاران و قضات و فرماندهان و سران لشکر و همه فرزندان عباس را دعوت کرد که با آن حضرت به ولایتعهدی بیعت کنند، آن ها بر او خروشیدند و اختلاف کلمه در میان آنان پیدا شد.

مأمون اموال فراوانی به سران و فرماندهان بخشید و همه آنان را راضی نمود جز سه نفر به نام های عیسی جلودی، علی بن عمران، و ابو یونس که از بیعت با حضرت امام رضاعلیه السلام سرباز زدند، لذا آن ها را در زندان انداخت و بیعت صورت گرفت و این خبر را به همه شهرها اعلام کردند و بر درهم و دینار به نام آن حضرت سکه زدند و در منبرها خطبه بنام او خواندند، و مأمون در این راه - برای انجام هدف شوم و پشت پرده ای که قصد انجام آن را در آینده داشت -

خرج فراوان و مال بسیاری مصرف کرد.

چون هنگام عید فرا رسید، مأمون کسی را نزد حضرت امام رضا علیه السلام فرستاد و از او خواست که برای نماز عید حضور پیدا کند و خطبه بخواند تا دل های مردم مطمئن گردد و فضل و دانش او را همگان بشناسند و دل های آنان بر این دولت مبارک قرار گیرد. امام علیه السلام پیغام داد:

از قراردادی که میان من و تو در هنگام پذیرش ولایتعهدی صورت گرفته باخبری و هنوز آن شروط را از یاد نبرده ای.

مأمون پاسخ داد: با این کار می خواهم این مطلب در دل های عموم مردم و همه مأموران لشکری و کشوری رسوخ پیدا کند و دل های آنها مطمئن گردد و به آنچه خداوند از فضیلت و برتری به شما داده اقرار کنند.

و چون مدتی بین آن ها کلمات رد و بدل شد و مأمون بر آن اصرار ورزید، امام علیه السلام فرمود:

... اگر مرا از این کار معاف داری بیشتر مایلیم، ولی اگر نمی پذیری من با همان هیئتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و علی بن ابی طالب علیه السلام برای نماز بیرون می رفتند خارج می شوم.

مأمون عرض کرد: آنگونه که دوست داری انجام بده.

از آن طرف، مأمون به همه سران لشکر و مردم دستور داد که بامداد عید، درب خانه حضرت امام رضا علیه السلام اجتماع کنند، زن و مرد و کودک همگی بر سر راه ها نشستند و کوچه ها پر از جمعیت گردید و سران و فرماندهان لشکر اطراف خانه حضرت امام رضا علیه السلام گرد آمدند.

همینکه خورشید طلوع کرد، حضرت امام رضا علیه السلام غسل کرد و عمامه سفیدرنگی که از پنبه بود بر سر مبارک نهاد و یک طرف آن را روی سینه و طرف دیگر آن را برشانه اش رها کرد و

آماده گردید، سپس به همه موالیانش دستور داد: آنچه من انجام دادم شما هم انجام دهید.

آنگاه عصائی بدست گرفت و خارج شد و ما پیشاپیش آن حضرت بودیم درحالی که با پای برهنه راه می رفت، پاچه های شلوار را تا نیمی از زانو بالا- زده، و جامه را از روی پاها نیز بالا- زده بود، پس چون حرکت کرد و ما پیشاپیش او براه افتادیم سرمبارک خود را به سوی آسمان بالا- برد و چهار تکبیر گفت، بگونه ای که ما خیال کردیم همه هوا و فضا و دیوارها با او همصدا شدند.

سران لشکر و مأموران همگی خود را آراسته و سلاح پوشیده با زیباترین هیئت در کنار در ایستاده بودند، ما با این هیئت پای برهنه، دامن به کمر بسته بر آنان ظاهر شدیم و حضرت امام رضاعلیه السلام بیرون آمد کنار درب خانه توقف کوتاهی کرد و فرمود:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا.

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا را به بزرگی می ستایم که ما را هدایت کرد، خدا را به بزرگی می ستایم که ما را از گوشت چهارپایان روزی داد، ستایش سزاوار خداوند است بر نعمتهائی که به ما بخشید.

و صدای مبارک خود را به آن جملات بلند کرد و ما صدای خود را بلند کردیم، ناگهان مرو از صدای ناله و گریه به لرزه درآمد، امام رضاعلیه السلام سه مرتبه این جملات را تکرار کرد، فرماندهان و سران لشکر با دیدن حضرت امام رضاعلیه السلام همگی خود را از مرکبها بر زمین انداختند و کفش ها را از پاهای خود بیرون آوردند، و مرو یکپارچه ضجّه و ناله گردید بگونه ای

که مردم نمی توانستند از گریه و ناله خودداری کنند.

حضرت امام رضاعلیه السلام راه می رفت و در هر ده قدمی که برمی داشت توقّف کوتاهی می نمود و چهار مرتبه تکبیر می گفت، ما می پنداشتیم که آسمان و زمین و همه در و دیوارها با او همصدا می شوند.

این خبر به مأمون رسید، فضل بن سهل به او گفت: ای امیرالمؤمنین! اگر امام رضابه مصلی و جایگاه آماده شده برای نماز با این کیفیت برسد مردم همه شیفته اومی گردند و از تو برمی گردند، نظر من این است که از او بخواهی باز گردد.

مأمون فوراً کسی را نزد امام علیه السلام فرستاد و از او درخواست رجوع کرد، حضرت امام رضاعلیه السلام کفش های خود را خواست و پوشید و از آنجا بازگشت. (۱۳۲)

محمد بن فضیل گوید: حضرت امام رضاعلیه السلام به بعضی از غلامان خود در روز فطر - در حالی که برایش دعا می کرد - فرمود:

یا فلان؛ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْكَ وَمِنَّا.

فلانی؛ خداوند از تو و از ما قبول فرماید.

سپس ماند تا روز عید قربان شد، به او فرمود:

یا فلان؛ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنَّا وَمِنْكَ.

فلانی؛ خداوند از ما و از تو قبول فرماید.

محمد بن فضیل گوید: به آن حضرت، عرض کردم: ای پسر رسول خدا؛ در فطر چیزی فرمودی و در قربان چیزی غیر از آن می فرمائی. فرمود:

آری؛ در فطر به او گفتم: خداوند از تو و از ما قبول فرماید؛ زیرا او همانند کار من انجام داد و من و او در انجام کار مساوی بودیم، و در عید قربان گفتم: خداوند از ما و از تو قبول فرماید؛ چون برای ما ممکن است قربانی کنیم و برای او امکان ندارد که قربانی کند، پس ما کاری غیر از کار او

کردیم. (۱۳۳)

ماه ذی القعدة

ولادت حضرت امام رضاعليه السلام

همان گونه که گفتیم، روزهایی که مناسبت بیشتری با حضرت امام رضاعليه السلام نسبت به ایام دیگر دارد، زیارت آن حضرت از فضیلت و برتری زیادتری برخوردار است.

بنابر مشهور، ولادت آن حضرت در روز یازدهم ماه ذیقعده است (۱۳۴).

ولادت حضرت امام رضاعليه السلام

عمادالدین طبری در «بشاره المصطفی» می نویسد: هشام بن احمد گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

هل علمت أحداً من أهل المغرب قدم؟

آیا خبر داری که کسی از اهل مغرب آمده؟

عرض کردم: نه.

فرمود: چرا، یک نفر آمده، برخیز و به سوی او برویم.

هر دو بر مرکب سوار شدیم و به نزد او رفتیم، دیدم مردی از اهل مغرب است که چند برده با خود دارد، امام کاظم علیه السلام به او فرمود:

کنیزهای خود را نشان بده.

وی نه کنیز برای ما نشان داد که هر کدام از آن ها را نشان می داد امام کاظم علیه السلام می فرمود: این را نمی خواهیم.

در این موقع امام کاظم علیه السلام به او فرمود: کنیز دیگری نشان بده.

وی گفت: دیگر کنیزی ندارم.

حضرت فرمود: چرا؛ کنیز دیگری نشان بده.

گفت: سوگند به خدا؛ فقط یک کنیز دارم که آن هم بیمار است.

حضرت فرمود: اگر اشکالی ندارد او را نشان بده.

او از نشان دادن آن کنیز امتناع ورزید و امام علیه السلام بازگشت. فردا صبح امام علیه السلام مرا نزد او فرستاد و فرمود:

به او بگو: نهایت قیمت آن کنیز چقدر است؟ وقتی گفت: فلان مبلغ، تو بگو: خریدم.

فردا صبح نزد او رفتم و گفتم: آن کنیز را چند می فروشی؟

گفت: کمتر از فلان مبلغ نمی فروشم.

گفتم: به همان مبلغ خریدم.

گفت: (من هم پذیرفتم) کنیز مال تو، ولی به من بگو: آن شخصی که دیروز با تو بود، کیست؟

گفتم: شخصی از بنی هاشم بود.

گفت: از کدام بنی هاشم؟

گفتم: بیش از این در

مورد او نمی دانم.

او گفت: من همینک داستان این کنیز را برایت تعریف می کنم: من او را ازدورترین منطقه مغرب خریدم، زنی از اهل کتاب مرا دید و گفت: این چه کنیزی است که نزد توست؟

گفتم: او را برای خودم خریده ام.

گفت: سزاوار نیست که چنین کنیزی نزد چون تو باشد، این کنیز شایسته است نزدبهرترین فرد روی زمین باشد، اندکی پیش او نمی ماند جز این که از او فرزندی متولدخواهد شد که شرق و غرب عالم تابع او می شوند.

هشام بن احمد گوید: من آن کنیز را خدمت مولایم امام کاظم علیه السلام آوردم و چیزی نگذشت که حضرت امام رضا علیه السلام از او متولد شد. (۱۳۵)

روز ششم و بیست و سوم ذی القعدة

... بیست و پنجم ذی القعدة

مرحوم شیخ مفید فرموده است: در روز ششم ماه ذیقعدة، خداوند تورات را برحضرت موسی بن عمران نازل فرمود، و در آن روز در سال ۲۰۱ هجری بیعت گرفتن برای سرور ما حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام تحقق یافت، و آن، روز شریف و ارزشمندی است که سرور و شادمانی برای اهل ایمان تجدید می گردد، صدقه دادن به مساکین و تهیدستان و نیکی کردن به آنان و شکرگزاری فراوان برای خداوند عزیز - به خاطر آنچه از حق آل محمدعلیهم السلام آشکار ساخته و بینی منافقان را به خاک مالیده - درچنین روزی مستحب است.

و در بیست و سوم ماه ذیقعدة وفات سرور ما حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام درشهر طوس از سرزمین خراسان به سال ۲۰۳ هجری اتفاق افتاده است. (۱۳۶)

بزرگان روزهای دیگری را نیز برای شهادت حضرت امام رضا علیه السلام تعیین کرده اند و در «ارشاد» فرموده است: در ماه صفر سال ۲۰۳ آن حضرت به شهادت رسیده است. در کتاب «کافی»، کتاب «دُرّ» و کتاب

«عتیق» نیز چنین گفته اند. در کتاب «موالید الأئمه علیهم السلام» شهادت را در سال ۲۰۲ هجری و در کتاب «مناقب» روز جمعه هفت روزمانده از ماه مبارک رمضان سال ۲۰۲ هجری نقل کرده اند.

در کتاب «در» گفته است: مأمون در روز جمعه اول ماه رمضان سال ۲۰۲، آن حضرت را با زهری که در انگور پنهان کرده بود در شهر طوس در سناباد مسموم کرد. (۱۳۷)

شهادت آن حضرت، در روز چهاردهم و بیست و یکم ماه مبارک رمضان نیز نقل شده است.

زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام در روز بیست و سوم ذی القعدة

علامه مجلسی رحمه الله از سید بن طاووس رحمه الله نقل کرده است: در بعضی از تألیفات و نوشته های علمای فارسی زبان شیعه دیده ام که فرموده اند:

زیارت مولای ما حضرت امام رضاعلیه السلام در روز بیست و سوم ذیقعدة از دور یا نزدیک به بعضی از زیارت های معروف آن حضرت یا به آنچه مانند زیارت باشد مستحب است. (۱۳۸)

فضیلت روز بیست و پنجم ذی القعدة

حسن بن علی و شاء گفت: به همراه پدرم - در حالی که نوجوان بودم - در شب بیست و پنجم ذیقعدة خدمت حضرت امام رضاعلیه السلام رسیدیم، و نزد آن حضرت شام خوردیم، امام علیه السلام به پدرم فرمود:

در شب بیست و پنجم ذیقعدة حضرت ابراهیم علیه السلام تولد یافته و حضرت عیسی بن مریم به دنیا آمده و در آن شب، زمین زیر کعبه گسترده شده است، هر کس آن را روزه بگیرد مانند کسی است که شصت ماه روزه گرفته باشد.

و روایت شده است که در بیست و نهم ذیقعدة، خدا کعبه را فرو فرستاده و آن اول رحمتی است که نازل شده است، هر کس آن روز را روزه بگیرد کفاره هفتاد سال گناه او است.

علامه حلی رحمه الله در کتاب «منتهی المطلب» نیز چنین آورده، اما رئیس المحدثین

ابوجعفر کلینی رضوان الله تعالی علیه در «کافی» و شیخ طوسی روح الله تعالی ضریحه در «تهذیب» روایت کرده اند که: حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه فرموده است:

در بیست و پنجم ذیقعد، خدا کعبه را بنا نهاده و آن اول رحمتی است که بر روی زمین نهاده شده است، خداوند آن را پناهگاه و محل امن برای مردم قرار داده، پس هر کس آن روز را روزه بگیرد برای او روزه شصت ماه بنویسد. (۱۳۹)

زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام در روز بیست و پنجم ذی القعدة (دحو الأرض)

زیارت ... در روز دحوالأرض

مرحوم میرداماد در رساله «اربعه ایام» می نویسد: زیارت سیدنا ومولانا امام الوری ومنار الهدی ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه من الصلوات أنماها ومن التسلیمات أزکاهها، در این روز افضل اعمال مستحبّه و آكد آداب مسنونه است.

و همچنین زیارت آن حضرت در روز اول ماه رجب نیز بسیار زیاد تأکید شده است.

ابو جعفر بن بابویه رضوان الله تعالی علیه در کتاب «من لایحضره الفقیه» روایت کرده است که استقرار سفینه نوح نبی علی نبینا وآله وعلیه السلام بر جودی در روز اول ماه رجب بوده است، و آن روزی است عظیم القدر و جلیل المنزله، اما از ایام اربعه نیست.

و در روایت جمعی از اصحاب رضوان الله تعالی علیهم روز استقرار سفینه بر جودی بیست و پنجم ذی القعدة الحرام است که از ایام اربعه است و روز «دحو الأرض» است.

وظیفه زیارت در این روز از دور - هرگاه زائر در مشهد مقدس نباشد - آن است که بعد از غسل «دحو الأرض»، غسل زیارت کند، و به فارسی چنین نیت کند: غسل زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام از دور در روز دحو الأرض می کنم برای آن که سنت است قربه إلى الله.

و به عربی: «أغتسل غسل

زیاره اَبی الحسن الرضاعلیه السلام عن البعد فی یوم دَحْو الأَرْض لَنَدْبِهِ قُرْبَهُ إِلَى اللَّهِ.»

پس اگر در یکی از مشاهد ائمه معصومین علیهم السلام واقع باشد، و خواهد که در تحت قبه آن معصوم، حضرت امام رضاعلیه السلام را زیارت نماید، زیارت را بر نماز زیارت مقدم دارد، و اگر در حرم هیچ معصومی نباشد، باید که به صحرا بیرون رود، یا پشت بام خانه خود، یا بر موضعی مرتفع زیر آسمان که هیچ سقفی نباشد برآید، و نماز زیارت را بر زیارت مقدم داشته، اول دو رکعت نماز زیارت بخواند، و افضل آن است که شش رکعت نماز زیارت بجا آورد، یا چهار رکعت هر دو رکعت به یک سلام.

نیت آن به فارسی: نماز زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام از دور در روز دَحْو الأَرْض می گذارم از برای آن که سنت است قربه إلى الله.

و به عربی: «أصلى صلاة زیاره مولای الرضاعلیه السلام عن البعد فی یوم دحو الأرض لندبها قربه إلى الله.»

و چون از نماز فارغ شود، تسبیح حضرت فاطمه زهراء علیها السلام بگوید، پس سر به سجده نهاده، پیشانی و بینی را بر تربت مبارکه امام حسین علیه السلام گذاشته، بگوید:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ، هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رُوحِ سَيِّدِي وَإِمَامِي خَدَاوَنَدَا؛ این دو رکعت نماز هدیه ای است از طرف من به روح پاک سرورم و امامم و پیشوایم، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ، أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا... (۱۴۰).

بنده تو و ولی تو ابا الحسن علی بن موسی الرضا... .

پس سر از سجده برداشته، به زیارت برخیزد، و متوجه جانب مشهد مقدس رضوی ایستاده، نیت زیارت کند به فارسی:

زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام می کنم از دور در روز «دَحْو الأَرْض» از جانب خود و پدر و مادرم، و از جانب

جميع مؤمنين و مؤمنات، از برای آن که سنت است قربه إلى الله.

و به عربی: «أزور سيدي ومولاي وإمامي أبا الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام عن البعد في مقامي هذا عني وعن والدي، وعن جميع المؤمنين والمؤمنات، لندبها قربها إلى الله.»

سپس مرحوم میرداماد «زیارت جوادیه» را - که در «بخش زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام» می آوریم - نقل کرده است. (۱۴۱)

ماه ذی الحجه

دعای روز عرفه

نماز عید قربان

از حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما خواندن این دعا در روز عرفه روایت شده است:

اللَّهُمَّ كَمَا سَتَرْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ أَعْلَمْ فَاعْفِرْ لِي مَا تَعَلَّمْتُ، وَكَمَا خَدَاوَنَدَا؛ أَنْ كَوْنَهُ كَمَا بَرَّ مِنْ بِيئَتِي أَنْ يَنْجِي دَانِسْتُمْ، بِيَامِرْزٍ وَبِيَخْشٍ أَنْ يَجْعَلَ رَا كَهْ مِنْ خَطَايَايَ مِنْ مِي دَانِي؛ وَهَمَا نَطُورُ كَمَا وَسَعَنِي عِلْمُكَ فَلْيَسَعْنِي عَفْوُكَ، وَكَمَا بَدَأْتَنِي بِالْإِحْسَانِ فَأَتِمِّمْ عِلْمِي وَآكَاهِي تُو مَرَا دَرِ بَرِّكَرْفَتِهِ، عَفْوِي وَكَذْشَتِ خُودِي رَا فَرَا كِيرِمِ نَمَا؛ وَهَمَا نَكُونَهُ كَمَا نَسَبْتُ بِي مِنْ بِي لَطْفٍ وَاحْسَانٍ ابْتِدَاءً نَمُودِي، نِعْمَتِكَ بِالْعُقْرَانِ، وَكَمَا أَكْرَمْتَنِي بِمَعْرِفَتِكَ فَاشْفَعْهَا بِمَعْفَرَتِكَ، پَسْ نِعْمَتِ خُوِيْشِ رَا بَا آمْرِزْشِ، كَامِلِ كَرْدَانِ؛ وَهَمِچْنَانَكِهْ مَرَا بِي مَعْرِفَتِ خُودِ كَرَامِي دَاشْتِي، پَسْ بَا مَعْفَرَتِ خُودِ آن رَا زِيَادِهْ كَرْدَانِ؛ وَكَمَا عَرَّفْتَنِي وَخِيْدَائِيَّتِكَ فَأَكْرِمْنِي طَمَاعِيَّتِكَ، وَكَمَا عَصَيْتَنِي وَهَمَا نِ طُورِ كَمَا يَكْتَائِي خُودِي رَا بِي مِنْ شِنَاسَانِيْدِي پَسْ مَرَا بِي اَمِيْدُوَارِ بُوْدِنِ بِي خُودَتِ كَرَامِي بَدَارِ، وَهَمَا نِ كُونَهُ كَمَا مَرَا حَفْظِ كَرْدِي دَرِمَمَّا لَمْ أَكُنْ أَعْتَصِمُ مِنْهُ إِلَّا بِعِضْمَتِكَ، فَاعْفِرْ لِي مَا لَوْ شِئْتَ مَوَارِدِي كَمَا اِكْرَ حَفْظِ وَنَكْهَدَارِي تُو نَبُودِ هَر كَزِ نَمِي تُوَانِسْتَمِ خُودِي رَا حَفْظِ كَنْمِ وَنَكْه دَارَمِ، پَسْ بِيَامِرْزِ وَبِيَخْشَايِ بَرِّ مِنْ أَنْ يَجْعَلَ رَا كَهْ

۱. أربعة أيام: ۵۲.

عَصَيْتَنِي مِنْهُ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (۱۴۲) اگر خواسته بودی مرا از آن حفظ می کردی، ای بخشنده؛ ای بزرگوار؛

ای صاحب بزرگی و بزرگواری.

نماز عید قربان

مأمون روز عیدی برایش مشکل مزاجی پیش آمد کرد که او را از رفتن به نمازبازداشت، به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد: ای ابالحسن؛ شما برخیزید و نماز را با مردم بپا دارید.

حضرت امام رضا علیه السلام خارج شد در حالی که پیراهن کوتاه سفیدرنگ پوشیده و عمامه سفید پاکیزه ای بر سر نهاده که هر دو از پنبه بود و چوبی در دست گرفته، به طرف جایگاه نماز پیاده به راه افتاد و می فرمود:

السَّلَامُ عَلَى أَيُّوَىٰ آدَمَ وَنُوحٍ، السَّلَامُ عَلَى أَيُّوَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ، السَّلَامُ عَلَى أَيُّوَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

سلام بر پدرانم آدم و نوح، سلام بر پدرانم ابراهیم و اسماعیل، سلام بر پدرانم محمد و علی، سلام بر بندگان شایسته خداوند.

همینکه مردم او را مشاهده کردند با شتاب به سویش آمده و برای بوسیدن دست مبارکش هجوم آوردند. بعضی از کسان و بستگان مأمون که وضع را چنین دیدند فوراً نزد خلیفه آمدند و گفتند: مردم را دریاب و نماز را خودت با آن ها پیادار و گرنه الآن است که خلافت را از دست بدهی، و او را وادار کردند که با شتاب بیرون رود.

حضرت امام رضا علیه السلام به خاطر جمعیت و شلوغی به محلّ برگزاری نماز نرسیده بوده، در این هنگام مأمون پیشی گرفت و به نماز ایستاد تا مردم با او نماز را بپا دارند. (۱۴۳)

در کتاب «ایجاج الأحزان» این موضوع را نقل کرده و تصریح نموده است که این جریان در روز عید قربان واقع شده است. ۳.

فضیلت روز عید غدیر

فضیلت روز عید غدیر

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: خدمت حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب بودم و مجلس پر از جمعیت بود، درباره روز غدیر صحبت

به میان آمد، بعضی از حاضرین فضیلت آن را انکار کردند، حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

پدرم از پدرش روایت کرده است که فرمود:

إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ فِي السَّمَاءِ أَشْهَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ، إِنَّ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلًّا فِي الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى قَصْرًا لَبَنَهُ مِنْ ذَهَبٍ وَلَبَنُهُ مِنْ فِضَّةٍ، فِيهِ مَائَةٌ أَلْفٌ قَبْهَمِنْ يَاقُوتِهِ حَمْرَاءٌ وَمَائَةٌ أَلْفٌ خَيْمَةٌ مِنْ يَاقُوتٍ أَخْضَرَ تَرَابَهُ الْمَسْكُ وَالْعَنْبَرُ، فِيهِ أَرْبَعَةٌ أَنْهَارٌ: نَهْرٌ مِنْ خَمْرٍ، وَنَهْرٌ مِنْ مَاءٍ، وَنَهْرٌ مِنْ لَبَنٍ، وَنَهْرٌ مِنْ عَسَلٍ. حَوَالِيهِ أَشْجَارٌ جَمِيعُ الْفَوَاكِهِ. عَلَيْهِ طَيُورٌ أَبْدَانُهَا مِنْ لَوْلُؤٍ وَأَجْنِحَتُهَا مِنْ يَاقُوتٍ تَصَوَّتُ بِأَلْوَانِ الْأَصْوَاتِ.

فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْغَدِيرِ وَرَدَ إِلَى ذَلِكَ الْقَصْرِ أَهْلُ السَّمَوَاتِ يَسْتَبِحُونَ اللَّهَ وَيَقْدَسُونَهُ وَيَهْلَلُونَهُ، فَتَطِيرُ تِلْكَ الطَّيُورُ فَتَقَعُ فِي ذَلِكَ الْمَاءِ وَتَتَمَرَّغُ عَلَى ذَلِكَ الْمَسْكِ وَالْعَنْبَرِ، فَإِذَا اجْتَمَعَتِ الْمَلَائِكَةُ طَارَتْ تِلْكَ الطَّيُورُ فَتَنْفِضُ ذَلِكَ.

وَأَنْتُمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ لِيَتَهَادُونَ نِشَارَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، فَإِذَا كَانَ آخِرَ الْيَوْمِ نَادُوا: أَنْصِرْفُوا إِلَى مَرَاتِبِكُمْ فَقَدْ أَمْنْتُمْ مِنَ الْخَطَا وَالزَّلَلِ إِلَى قَابِلٍ فِي مِثْلِ الْيَوْمِ تَكْرِمَةً لِمُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

روز غدیر در آسمان بیش از زمین شهرت دارد، برای خداوند عزیز بلندمرتبه در فردوس برین قصری است که یک خشت آن از طلا و خشت دیگر آن از نقره است، در آن، صد هزار قبّه از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه از یاقوت سبز است و خاک آن مشک و عنبر است. در آن، چهار نهر جاری است: نهری از شراب پاک، نهری از آب، نهری از شیر و نهری از عسل. اطراف آن، درختان میوه است و بر آن، پرندگان نشسته اند که بدن آن ها از مروارید و بال های آن ها از یاقوت است و با صداهای گوناگون آواز می خوانند.

روز غدیر که فرارسد اهل آسمان ها به آن قصر وارد شوند، تسبیح و تقدیس و تهلیل خدا گویند، پرندگان

به پرواز درآیند و بر روی آن آب نشینند و در آن خاکی که مشک و عنبر است بغلطنند، چون فرشتگان اجتماع کنند، آن ها پرواز کنند و آنچه باخود دارند فرو ریزند، و آنچه بر سر حضرت زهرا علیها السلام ریخته اند به یکدیگر هدیه کنند، و روز که پایان پذیرد ندائی بلند شود:

به جایگاههای خود باز گردید که تا سال آینده مثل امروز به خاطر گرامی داشت حضرت (محمد و علی علیهما السلام از خطا و لغزش ایمن گشتید.

سپس حضرت امام رضا علیه السلام رو به من کرد و فرمود:

یا بنی نصر؛ این ما کنت فاحضر یوم الغدیر عند امیر المؤمنین علیه السلام؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَغْفِرُ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ وَمُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ ذَنْبِ سِتِّينَ سَنَةٍ، وَيَعْتَقُ مِنَ النَّارِ ضِعْفَ مَا أَعْتَقَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَلَيْلَةَ الْفِطْرِ، وَلِكُلِّ دَرَاهِمٍ بِأَلْفٍ دَرَاهِمٍ لِإِخْوَانِكَ الْعَارِفِينَ، وَأَفْضَلَ عَلَيَّ إِخْوَانِكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَسُرِّ فِيهِ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ.

ای پسر ابی نصر؛ در روز غدیر هر کجا باشی خود را نزد امیر المؤمنین علیه السلام برسان و آنجا حضور پیدا کن که خداوند تبارک و تعالی گناهان شصت ساله هر زن و مرد مؤمن و هر زن و مرد اهل تسلیم را بیامرزد، و دو برابر مقداری که در ماه رمضان و شب قدر و شب عید فطر از آتش آزاد کرده است در آن روز آزاد گرداند، و برای هر درهم که به برادران بامعرفت دهی هزار درهم پاداش دهد، در این روز نسبت به برادران احسان کن و هر مرد و زن مؤمنی را شادمان گردان.

سپس فرمود:

ای اهل کوفه؛ به شما خیر فراوانی عنایت شده است و همانا برخی از شما از کسانی هستید که خدا دل های آنان را برای ایمان آزموده است، آن ها خوار شمرده شده

و مورد قهر و غلبه قرار گرفته و امتحان شده اند، بلا بر ایشان سرازیر می گردد و سپس خداوندی که برطرف کننده گرفتاری های بزرگ است آن را برطرف می کند.

والله لو عرف الناس فضل هذا اليوم بحقيقته لصافحتهم الملائكة في كل يوم عشر مرات.

به خدا قسم؛ اگر مردم فضیلت این روز را آنگونه که هست می شناختند فرشتگان با آنان هر روز ده مرتبه مصافحه می کردند. (۱۴۴)

کلام حضرت امام رضا علیه السلام درباره خطبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر

کلام امام رضا علیه السلام درباره...

فیاض بن محمد طوسی در سال ۲۵۹ هجری در سنّ نود سالگی در شهر طوس روایت کرده است که در روز غدیر شرفیاب محضر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام شدم، عده ای از یاران خاصّ ایشان در خدمتش بودند، امام علیه السلام آن ها را برای افطار نگه داشته بود و خوراک و گندم و لباس و هدایا حتّی انگشتر و کفش برای خانواده های آنان فرستاده بود، و احوال ایشان و اطرافیان دیگر را تغییر داده بود و وسیله های جدیدی برای اینکه به عنوان عیدی بدهند بود و وسیله هایی که از قبل برای عیدی دادن رسم بود نیز وجود داشت، و آن حضرت پیوسته فضیلت آن روز و پیشینه آن را بیان می کرد که بخشی از سخنان ایشان چنین بود:

پدرم حضرت موسی بن جعفر، از پدرش امام صادق، و او از پدرش امام باقر، و او از پدرش امام سجّاد، و او از پدرش امام حسین علیهم السلام روایت کرد:

در سال های حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، یک سال روز جمعه با عید غدیر مقارن گشته بود، آن حضرت پنج ساعت که از آن روز گذشت بر فراز منبر رفت و خدا را حمد و ثنا و ستایش نمود؛ ستایشی که مانند آن را کسی نشنیده بود، و تمجیدی کرد که کسی غیر از او چنین تمجیدی نکرده بود،

و پس از آن، سخنانی فرمود که آنچه از آن سخنان محفوظ مانده، چنین است:

ستایش سزاوار خداوندی است که ستایش را بدون آنکه نیازی به ستایشگرانش داشته باشد راهی از راههای اعتراف به الوهیت و ربوبیت و یکتائی خویش، و وسیله ای برای افزودن رحمتش، و راهی برای جویندگان فضل و احسانش قرار داد، و حقیقت اعتراف را به اینکه او منعم است بر آفریدگانش در باطن لفظپنهان داشت گرچه بزرگ باشد.

و گواهی می دهد که خدائی جز خداوند یکتا نیست و شریکی ندارد، آنگونه گواهی که از اخلاص باطنی سرچشمه گرفته و زبان به آن گویا گشته، عبارتی را که از صداقت نهانی برآمده است که او آفریننده، به وجود آورنده، صورت آفرین است، برایش نام هائی نیکو است، همانند او چیزی نیست؛ زیرا هر چیزی از اراده و خواست او پدید آمده اند و لذا هیچگونه شباهتی با پدیدآورنده ندارد.

و گواهی می دهد که محمّد بنده و فرستاده او است، او را در عالم ذر و قبل از آفرینش جهان از روی علم و آگاهی بر دیگر امت ها برگزید و ویژگی داد و او باهموعانش همانند نیست، او را به عنوان فرمان دهنده و بازدارنده از طرف خودش انتخاب کرد و در هر کجای عالم جانشین خود ساخت؛ زیرا خداوند قابل مشاهده نیست، دیدگان او را نمی بینند و خطورات فکر و اندیشه او را دربر نمی گیرند و گمان های پنهان و پوشیده در اسرار نمی توانند برایش مثالی بیابند.

خدائی جز او که پادشاهی قدرتمند است وجود ندارد، اعتراف به نبوت پیامبرش را با اعتراف به الوهیت خویش مقرون ساخته، و او را به خاطر گرامی داشت خود امتیازاتی بخشید که هیچ یک از آفریدگانش را در آن شرکت نداد، و تنها او شایستگی آن را دارد که از خواصّ و اهل

خَلت و دوستی ویژه باشد؛ زیرا آنکه دگرگونی (تغییر در عقیده) با او آمیخته گردد از خواصّ نباشد، و کسی که دچار شک گردد شایسته خَلت و دوستی ویژه نباشد.

و مردمان را دستور داد که بر او درود فرستند و با این فرمان، کرامت وی را افزون نمود و راهی به سوی اجابت برای دعا کننده گشود، پس خداوند بر او درود فرستد، گرمی اش دارد، شرافت بخشید و بزرگ بدارد، و آنقدر افزون گرداند که پایانی برایش نباشد و برای همیشه پیوسته باشد و قطع نگردد و همانا خداوند تبارک و تعالی پس از پیامبرش - که درود خداوند بر او و آل او باد - گروهی از خاصّان را از میان آفریدگانش برای خویش برگزید، آنان را به برتری خود برتری بخشید، و تا مرتبه او بالا برد، و آنان را دعوت کننده حقیقی به سوی خود و راهنمایانی که در هر دوران و زمانی به او ارشاد کنند قرار داد.

آنان را در عالم پیشین پیش از هر آفریده و پدید آمده به صورت نورهایی آفرید و آنان را به ستایش خود گویا ساخت و سپاس و تمجید خود را به آنها الهام نمود و حجت قرار داد بر هر که به مالک ربوبیت و سلطان عبودیت اعتراف دارد، و به وسیله آنان زبان کسانی را که گنگ بود و توانائی گفتن نداشت به انواع لغت ها گویا ساخت تا به خداوندی او اعتراف کنند و اینکه او پدید آورنده آسمانها و زمین است.

و ایشان را بر آفرینش خود گواه گرفت و آنچه از امر و فرمان خود خواست به عهده ایشان نهاد، آنان را مترجم خواسته خود و زبان بیان کننده اراده اش قرارداد، بندگانی که «در گفتار بر او پیشی نمی گیرند، به

دستور او عمل می کنند، او آنچه پیش روی آنان و آنچه پشت سر ایشان است می داند، و جز برای کسانی که او بیسندد شفاعت نمی کنند و خود از ترس او هراسانند» (۱۴۵).

به احکام او حکم می کنند و سنت او را اجرا می نمایند و حدود او را برپا می دارند و آنچه واجب فرموده انجام می دهند. او آفریدگان را در مبهمات ناشنوا و در تاریکی ها همچون گنگ ها رها نکرده است، بلکه برای آنان خردهایی قرار داده که با ظاهر ایشان آمیخته و در کالبدهایشان پخش گردیده و در جان آنان استوار ساخته و حواسشان را برده آن گردانیده، پس به وسیله آن بر گوش ها، دیدگان، افکار و خاطره ها اقرار گرفت و آنان را به وسیله آن پای بند حجتش نمود و راهش را به آنان نشان داد. و آنان را از آنچه با زبان های رسا گواهی داده به آنچه پایدار ساخته در آن از قدرت و حکمتش گویا ساخته، و به وسیله آن نزد ایشان بیان کرد «تا کسی که باید هلاک شود با دلیل روشن هلاک گردد و کسی که زنده گردیده با دلیلی واضح زنده باشد و خداوند بدون تردید شنوا و دانا است» (۱۴۶).

ای گروه مؤمنان؛ امروز خداوند تبارک و تعالی دو عید بزرگ ارزشمند را برای شما فراهم آورده است؛ دو عیدی که هر کدام جز به دیگری استوار نمی ماند تا آنکه کار نیکو و لطف خود را نزد شما کامل گرداند و شما را به راه رشدش آگاه نماید و پیرو آثار روشن جویندگان به نور هدایتش فرماید، و شما را در راه اعتدالش راه برد، و بخشش گوارایش را بر شما فراوان کند، پس جمعه را هنگام تجمّع و گرد آمدن قرار داد و بسوی آن فراخواند تا آنچه پیش از آن

بوده پاک گردانند و آنچه کاسبی های بد از آن جمعه تا این جمعه ایجاد کرده از آلودگی، شستشو دهد، و یادآور مؤمنان و بیانگر بیم و هراس پروا پیشگان باشد، و ثواب و پاداش اعمال را در آن دوچندان مقداری که برای اهل طاعت خود در پیش از آن می بخشد قرار داده است، و آن را ناتمام قرار داده مگر با انجام دادن آنچه به آن امر فرموده و خودداری کردن از آنچه نهی کرده و بازداشته، و گردن نهادن به اطاعتش در آنچه به سوی آن فراخوانده و تشویق نموده است. و او توحیدش راجز با اعتراف به نبوت پیامبرش نمی پذیرد، و هیچ دینی را جز با پذیرش ولایت آنکس که به ولایت او فرمان داده قبول نمی کند. و اسباب طاعتش جز با چنگ زدن به دست آویزهای او و دست آویزهای اهل ولایتش فراهم نمی گردد.

پس خداوند در روز غدیر (روزی که به خاطر گرمای زیاد آن، زیر درختان بزرگ یا چادر بزرگی گرد آمده بودند) بر پیامبرش - که درود خدا بر او و آل او باد - نازل فرمود آنچه بیانگر خواست و اراده او در مورد خالصان و برگزیدگانش بود، و دستور داد آن را ابلاغ نماید و از اهل انحراف و نفاق بینی به خود راه ندهد و برایش ضمانت کرد که او را از آزار آنان حفظ فرماید، و از باطن پنهان اهل شک و درون اهل ارتداد و از دین برگشته با رمز و اشاره پرده برداشت به گونه ای که مؤمن و منافق آن را فهمید. پس روی گردان رو گردانید و آن که ثابت بود بر حق ثابت و استوار ماند، نادانی منافقان و تعصب خارج شدگان از دین زیادتیر شد، چنگ و دندان خود را تیز کردند، بر

بازوها فشار آوردند، گوینده ای گفت، فریادزننده ای فریاد زد، و در دام افتاد آن کس که در دام افتاد، و خارج شونده از دین به خروج خود ادامه داد.

گروهی با زبان بدون حقیقتی که از ایمان سرچشمه گرفته باشد اعتراف کردند، و گروهی با زبان و ایمان راستین اقرار نمودند، و خداوند دین خود را کامل گردانید و چشمان پیامبرش - که درود خدا بر او و آل او باد - و چشمان مؤمنان و پیروان او را روشن گردانید، و شد آنچه بعضی از شما گواه آن بودید و به برخی از شما خبرش رسید و نشانه و حجت نیکوی خداوند بر شکیبایان کامل گردید.

و خداوند آنچه فرعون و هامان و قارون و لشکریان ایشان بنا نهاده و اصل و اساس قرار داده بودند ویران ساخت، و عده ای پست و فرومایه از گمراهان باقی ماندند که در تباهی مردم هیچ کوتاهی نمی کنند، خدا آنان را در سرزمینشان هدف قرار می دهد و آثارشان را از بین می برد، و نشانه های ایشان را از میان برمی دارد، و به زودی حسرت ها و تأسف ها را به دنبال آنان روانه می کند و آنان را به کسانی که دست خود را به ستمکاری گشودند و گردنکشی کردند و بر دین خدا توانائی یافتند تا آن را دگرگون سازند و حکم خدا را تغییر دهند ملحق می سازد، و به زودی نصرت و یاری خداوند به سود محبوبش و به زیان دشمنش فرامی رسد و «خداوند باریک بین و آگاه است»، و کمتر از آنچه شنیدید شما را کفایت می کند و رساننده است.

پس بیندیشید - خدا شما را رحمت کند - در آنچه خداوند شما را به سوی آن فراخوانده و بر آن برانگیخته و تشویق نموده است. آهنگ راه او

را بنمائید و مسیر روشن او را بیمائید» و از راه های گوناگون پیروی نکنید که شما را از راه اصلی که راه خدا است دور کند» (۱۴۷).

إِنَّ هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ الشَّأْنُ، فِيهِ وَقَعَ الْفَرْجُ، وَرُفِعَتِ الدَّرَجُ، وَوَضَحَتِ الْحَجَجُ.

وهو يوم الإيضاح والإفصاح عن المقام الصُّراح، ويوم كمال الدِّين، ويوم العهد المعهود، ويوم الشَّاهد والمشهود، ويوم تبيان العقود عن النَّفاق والجُحود، ويوم البيان عن حقايق الإيمان، ويوم دَخر الشَّيطان، ويوم البرهان.

هذا يوم الفصل الّذي كنتم تُوعدون، هذا يوم الملا الأعلى الّذي أنتم عنه معرضون، هذا يوم الإرشاد، ويوم مِحنة العباد، ويوم الدليل على الرّواد.

هذا يوم أبدى خفايا الصُّدور ومضمرات الأمور، هذا يوم التّصوص على أهل الخصوص.

هذا يوم شيث، هذا يوم إدريس، هذا يوم يوشع، هذا يوم شمعون، هذا يوم الأمن المأمون.

هذا يوم إظهار المصون من المكنون، هذا يوم إبلاء السُّرائر.

بدون تردید امروز روزی است که شأن آن عظیم است و موقعیت های خطیری دارد، در آن گشایش اتفاق افتاد، درجه ها و مراتب بالا برده شد، و حجت ها واضح و آشکار گردید.

امروز روز واضح ساختن و پرده برداشتن از مقام پاک امامت است، روز کامل شدن دین است، روز آن عهدی است که از دیرزمان بسته شده، روز گواه و گواه گرفته شده است، روز آشکار شدن پیمان ها و قراردادهایی است که از روی نفاق و انکار حقایق بسته شده، روز بیان حقیقت ایمان است، روز راندن و دور کردن شیطان و روز دلیل روشن و آشکار است.

امروز روز جداسازی است که شما وعده داده می شدید، امروز روز خبر بزرگ است که شما از آن روی برمی گردانید، روز ارشاد و راهنمایی است، روز آزمایش بندگان است، روز دلیل بر جستجوگران و ره پویان است.

امروز روز ظاهر شدن پنهانی های سینه ها و کارهای پوشیده است، روز نصّ و تصریح صریح بر اهل شایستگی

و خاصّان است.

امروز روز «شیث» است، روز «ادریس» است، روز «هود» است، روز «یوشع» است، روز «شمعون» است، (کنایه از این که روز تعیین وصی و جانشین است).

امروز روز امنی است که ایمن شده، روز ظاهر کردن چیزی است که مصون و محفوظ مانده از پنهانی ها، روز پرده برداشتن از رازها و اسرار است.

پس امام علیه السلام پیوسته می فرمود: امروز روز، امروز روز... تا آن که فرمود:

پس خدا را مراقب خود بدانید و از او پروا کنید و کلام او را بشنوید و فرمانش را اطاعت کنید و از مکر و حيله پرهیز کنید و با او نیرنگ نزنید، و درون خود را تفتیش کنید و فساد نکنید، و با توحید و یکتا دانستن او و اطاعت از آنکه دستور به اطاعت او داده به خدا تقرّب جوئید «و به دست آویزهای کافران چنگ نزنید» و به گمراهی متمایل نشوید تا با پیروی از آنانکه خود گمراهند و مردمان را به گمراهی می کشانند از راه رشد و هدایت دور و به بیراهه دچار شوید.

خداوند فرموده است - که گوینده ای ارجمند است - در مورد گروهی که آنان را در کتابش با مذمت و سرزنش یاد کرده است که گفتند:

«إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنُومُ لَعْنَا كَبِيرًا» (۱۴۸)

ما اطاعت کردیم سروران و بزرگان خود را و آن ها ما را گمراه ساختند پروردگارا! آنان را دوچندان عذاب کن و مورد لعن فراوان خویش قرار بده.

و خداوند تبارک و تعالی فرمود: هنگامی که در میان آتش احتجاج می کنند، اشخاص ضعیف ناتوان به مستکبرین و زورگویان می گویند: ما پیرو شما بودیم، آیا اکنون می توانید چیزی از عذاب خدا را از ما دور کنید؟ گویند: اگر خدا ما را هدایت

می کرد ما هم به شما راه را نشان می دادیم.

آیا می دانید استکبار چیست؟ استکبار؛ رها کردن طاعت کسی است که به اطاعت او فرمان داده شده اید، و بزرگی کردن بر کسی است که به پیروی او فراخوانده شده اید، و قرآن زیاد در این مورد سخن می گوید، اگر شخص اندیشمند در آن بیندیشد او را از بدی بازمی دارد و پند می دهد.

ای مؤمنان؛ بدانید خداوند عزیز و بلندمرتبه فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُيُوتًا مَرْصُومًا» (۱۴۹)

بدون تردید خداوند دوست دارد کسانی را که در راه او به پیکار صف می کشند که گویا بنائی آهنین هستند.

آیا می دانید «راه خدا» چیست و چه کسی «راه او» است؟ و چه کسی صراط او و طریق او است؟

أنا صراط الله الذي من لم يسلكه بطاعه الله فيه هوى به إلى النار، وأناسيله الذي نصبني للإتباع بعد نبيّه صلى الله عليه وآله. أنا قسيم الجنه والنار، وأنا حجه الله على الفجار ونور الأنوار.

من صراط خدا هستم که اگر کسی به خاطر اطاعت خدا آن را نیپماید در آتش سرنگون گردد. و من راه او هستم که برای پیروی کردن مردم پس از پیامبرش - که درود خدا بر او و آل او باد - مرا منصوب کرد. من تقسیم کننده بهشت و دوزخم، و من حجت خدا بر بدکاران و نیکوکارانم، و روشنی بخش نورها هستم.

پس از خواب غفلت بیدار شوید و پیش از فرارسیدن مرگ به کار کردن شتاب کنید و به سوی آمرزش پروردگارتان پیشی بگیرید، پیش از آنکه دیواری زده شود که باطن آن و داخلش رحمت و ظاهر آن و خارجش عذاب باشد (میان مؤمنان و منافقان این دیوار زده می شود؛ یک طرف آن که داخل آن

است مؤمنان و طرف دیگرش منافقان هستند.) پس هر چه ندا کنید کسی ندای شما را نشنود و هر چه ضجه زنید و ناله و فریاد برآورید کسی به ناله های شما اعتنا نکند، و پیش از آن که استغاثه کنید و کسی به داد شما نرسد به اطاعت ها و انجام دستورات الهی شتاب کنید، پیش از آن که وقت از دست برود و از بین برنده لذت ها - یعنی مرگ - به سراغتان آید که دیگر هیچ راه گریزی و هیچ چاره ای برای رهائی نباشد.

خدای شما را رحمت کند پس از پایان یافتن این تجمّع و گردهم آئی باتوسعه دادن بر اهل و عیال خود و نیکی کردن به برادرانتان آن ها را دیدار کنید و شکر پروردگار را به خاطر نعمت هائی که به شما بخشیده بجای آورید، گردهم آئید خداوند پراکندگی شما را برطرف کند، و به یکدیگر نیکی کنید خداوند انس و الفت شما را زیاد گرداند، و نعمت های الهی را به یکدیگر هدیه کنید همانطور که خداوند پاداش گوارائی که چندین برابر عیدهای پیش از آن و بعد از آن است به شما عطا کند، و این عطا و بخشش الهی تنها مخصوص امروز و مثل امروز است، نیکی کردن در آن، مال را بارور می سازد و به عمر شما می افزاید، و مهر و محبت و دلسوزی داشتن به یکدیگر باعث جلب رحمت خدا و لطف اومی گردد، پس خودتان شادمان باشید و برادران خود را با لباس نیکو و بوی خوش و طعام دادن شاد گردانید.

و از آنچه در توان دارید و جود و بخشش کردن از آنچه برایتان موجود است امکاناتی برای برادرانتان و اهل و عیالتان فراهم آورید. گشاده روئی را در میان خود آشکار سازید و یکدیگر را با چهره خندان

و شادمان ملاقات کنید و سپاسگزار خداوند باشید بر آنچه به شما مرحمت فرموده است و کسانی را که امید و آرزوی خیر نسبت به شما دارند با خیر بیشتر دیدار کنید، و با ناتوانان در خوردنی های تان و آنچه در توان دارید به مقدار امکان خویش همیاری نمائید، یک درهم که امروز در راه خدا انفاق کنید معادل صد هزار درهم پاداش دارد و اگر خدا بخواهد بر آن پاداش می افزاید، و روزه امروز از اموری است که خداوند تبارک و تعالی مردم را به آن فراخوانده، و پاداش بزرگی برای آن به عهده گرفته است تا آنجا که اگر بنده ای از بندگان به عنوان مثال از آغاز دنیا تا انتهای آن روزها را روزه بدارد و شب ها را به شب زنده داری سپری کند به مرتبه آن کسی که امروز را مخلصانه روزه بگیرد نمی رسد.

کسی که ابتداءً (یعنی بدون تقاضا) برادر مؤمنش را مساعدت نماید و از روی میل به او نیکی کند و به او وام دهد پاداش کسی را دارد که امروز را روزه گرفته و شب آن را به عبادت پرداخته است و کسی که مؤمنی را در شام روز غدیر افطاری دهد گویا فئامی را و فئامی را و... (ده مرتبه آن را تکرار فرمود) افطاری داده است.

شخصی برخاست و عرض کرد: ای امیر مؤمنان؛ «فئام» چیست؟

امام علیه السلام فرمود: صد هزار پیامبر و صدیق و شهید است، پس چگونه خواهد بود پاداش کسی که گروهی از مردان و زنان مؤمن را افطاری دهد؟ و من ضامنم نزد خداوند که او را از کفر و فقر امان دهد، و اگر در همان شب یا همان روز یا روز بعد از آن تا عید غدیر آینده بمیرد و کبیره ای

مرتکب نشده باشد، پس پاداش او بر خداوند تبارک و تعالی است.

و کسی که وام بگیرد برای برادرانش و آنان را کمک کند، من ضامنم که اگر خداوند او را باقی بدارد آن را بپردازد، و اگر خدا جان او را گرفت من عهده دار آن باشم.

زمانی که یکدیگر را ملاقات می کنید همراه سلام کردن مصافحه کنید (دست در دست یکدیگر بگذارید) و انعام دادن را امروز آسان بگیرید.

و این مطالب را باید افراد جامعه به آنان که غایبند و آنان که گواهند به کسانی که جدا و دور هستند برسانند، و باید توانگر بر فقیر، و نیرومند بر ناتوان لطف و عنایت داشته باشد، رسول خدا - که درود بر او و آل او باد - مرا به آن فرمان داده است.

سپس آن حضرت، خطبه جمعه را شروع کرد و نماز جمعه اش را نماز عید قرارداد، و پس از نماز با فرزندان و شیعیانش به منزل حضرت ابو محمّد امام حسن مجتبی علیه السلام رفتند و غذائی را که آماده کرده بودند تناول نمودند و پس از آن، ثروتمند و فقیر آنان با هدایا و جوایز به سوی اهل و عیال خویش بازگشتند. (۱۵۰)

نویسنده کتاب «النشر والطنی» نقل کرده است: حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

آن گاه که روز قیامت فرا می رسد، چهار روز همانند عروس به سوی حجله، به درگاه الهی برده می شوند.

عرض شد: این روزها کدامند؟

فرمود: روز عید قربان، روز عید فطر، روز جمعه و روز عید غدیر و به راستی که عید غدیر در مقایسه با عید قربان، فطر و جمعه همانند ماه در میان ستارگان می درخشد.

روز غدیر، همان روزی است که خداوند، ابراهیم خلیل را از آتش نجات داد و آن حضرت آن روز را

برای سپاسگزاری از خدا، روزه گرفت و همان روزی است که خداوند دین خود را - به واسطه تعیین پیامبر، امیر مؤمنان علی علیهما السلام را به عنوان جانشین خود - کامل گردانید و فضیلت و جانشینی او را تبیین کرد و آن حضرت این روز را روزه گرفت.

روز غدیر، روز کمال و روز به خاک مالیده شدن شیطان و روزی است که اعمال شیعیان و دوستداران خاندان حضرت محمدصلی الله علیه و آله وسلم مورد پذیرش قرار می گیرند و همان روزی است که خداوند به اعمال مخالفان روی آورده و آن راهمانند گرد پراکنده، نابود می کند.

و همان روزی است که خداوند به حضرت جبرئیل علیه السلام دستور داد که تخت کرامت الهی را در مقابل بیت المعمور بگذارد و در این روز جبرئیل علیه السلام آن را بلند می کند و همه فرشتگان از همه آسمان ها به سوی آن گرد می آیند و حضرت محمدصلی الله علیه و آله وسلم را ستوده و برای شیعیان امیر مؤمنان و دیگر ائمه علیهم السلام و دوستداران آنان از فرزندان آدم علیه السلام طلب آمرزش می کنند.

و همان روزی است که خداوند به فرشتگان گرامی که اعمال بندگان رامی نویسند، دستور می دهند که تا سه روز بعد از عید غدیر دست از نوشتن گناهان دوستداران و شیعیان اهل بیت بردارند و به خاطر کرامت محمد و علی و امامان دیگر علیهم السلام هیچ یک از خطاهای آنان را ننویسند.

و همان روزی است که خداوند آن را ویژه محمد و آل محمد و نزدیکان آنان قرار داده است و همان روزی است که خداوند منزلت هر کس را که در آن به عبادت پردازد و بر اهل خانواده و خویشان و برادرانش توسعه دهد، بالا برده و او را از آتش جهنم نجات

می بخشد و همان روزی است که خداوند از تلاش شیعیان در آن روز سپاسگزاری نموده و گناهانشان را بخشیده و اعمالشان را می پذیرد.

روز غدیر، روز زدودن اندوه و ریختن بار گناه، روز پاداش و عطا، روز گسترش دانش، روز بشارت و بزرگ ترین عید و روزی است که دعا در آن مستجاب می گردد.

روز غدیر، روز جایگاه عظیم، روز پوشیدن جامه های زیبا] و برکندن جامه های سیاه و روزی است که [ولایت] در آن شرط شد. روز غدیر، روز برطرف شدن اندوه ها و چشم پوشی از شیعیان گناهکار امیر مؤمنان علیه السلام، روز یثتازی و روزی است که در آن باید بر محمد و آل محمد بسیار صلوات فرستاد.

روز غدیر؛ روز خشنودی، روز عید اهل بیت محمدصلی الله علیه وآله وسلم، روز قبولی اعمال، روز زیاده خواهی [از خداوند]، روز استراحت مؤمنان، روز معامله و دوستی و نیل به رحمت الهی، روز تزکیه و خودسازی، روز ترک گناهان به ویژه گناهان کبیره و روز عبادت و افطاری دادن به روزه داران است؛ زیرا هر کس در این روز به روزدار مؤمنی افطاری دهد، همانند آن است که «فِئام فِئام» نفر را افطاری داده باشد، تا این که ده «فِئام» را برشمرد.

سپس فرمود: آیا می دانید «فِئام» یعنی چه؟

عرض شد: خیر.

فرمود: یعنی صد هزار نفر. همچنین روز غدیر، روز تهنیت و تبریک گفتن شمابه یکدیگر است. بنابراین، هرگاه مؤمنی در این روز با برادر مؤمن خود برخورد کرد، بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ سِتَائِشِ خِدا را که ما را از چنگ زندگان به ولایت امیر الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَام.

مؤمنان و دیگر امامان علیهم السلام قرار داد.

نیز امروز، روز تبسم در برخورد با مؤمنان است. بنابراین، هر کس در روز غدیر هنگام برخورد با برادر مؤمن

خود به روی او تبسم کند، خداوند در روز قیامت بانظر رحمت به او می نگرد و هزار حاجت او را برآورده می کند و قصری از مرواریدسپید در بهشت برای او بنا می نهد و روی او را برافروخته و زیبا می گرداند.

و روز غدیر، روز آرایش است. بنابراین، هر کس برای روز غدیر خود را بیاراید، خداوند همه خطاهای او - اعم از کوچک و بزرگ - را می آمرزد و فرشتگانی را به سوی او گسیل می دارد که تا روز عید غدیر سال آینده اعمال نیک فراوان برای او بنویسند و درجات او را بالا می برند، به طوری که اگر بمیرد، شهید و اگر زنده بماند، نیکبخت به شمار می آید.

و هر کس در این روز مؤمنی را اطعام کند، مانند آن است که همه پیامبران و صدیقان را روزی داده باشد و هر کس به دیدار مؤمنی برود، خداوند در قبر او هفتاد نور وارد می کند و نیز قبر او را توسعه می دهد و در هر روز هفتاد هزار فرشته در قبر به دیدار او آمده و به او بشارت بهشت را می دهند.

در روز غدیر بود که خداوند، ولایت خود را بر همه اهل آسمان های هفتگانه عرضه کرد و اهل آسمان هفتم به پذیرش آن از همه پیشی گرفتند و در اثر آن، عرش بدان آراسته شد، آن گاه اهل آسمان زیرین به پذیرش آن شتافتند و در اثر آن به ستارگان آراسته شد.

سپس ولایت بر زمین ها عرضه گردید و «مکه» به پذیرش آن شتافت و در اثر آن به «کعبه» آراسته شد، سپس «مدینه» به پذیرش آن شتافت و در اثر آن به وجود محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم آراسته شد، سپس «کوفه» به پذیرش آن شتافت و

در اثر آن به وجود امیر مؤمنان علیه السلام آراسته شد.

بعد ولایت بر کوه ها عرضه شد و اولین کوه هایی که بدان اقرار کردند، سه کوه بودند: کوه عقیق، کوه فیروزه و کوه یاقوت که در اثر اعتراف به آن، کوه های این جواهرات و این جواهرات، بهترین جواهرات گردیدند، سپس کوه های دیگر به پذیرش آن شتافتند و در اثر آن معدن طلا و نقره گردیدند و هر کوهی که بدان اعتراف نکرد و آن را نپذیرفت، بی حاصل گردید.

نیز در این روز بود که ولایت بر آب ها عرضه شد و هر آبی که آن را پذیرفت، شیرین گردید و هر آبی که انکار کرد، شور و تلخ گردید.

و نیز بر گیاهان عرضه شد و هر گیاهی که آن را پذیرفت، شیرین و گوارا گردید و هر گیاه نپذیرفت، تلخ گردید.

سپس بر پرندگان عرضه گردید و هر پرنده ای که آن را پذیرفت، صدایش بلند و رسا گردید و هر پرنده ای که آن را انکار کرد، لال و ناگویا گردید.

مثل مؤمنان در پذیرش ولایت امیر مؤمنان در روز غدیر خم، همانند ماجرای سجده فرشتگان در برابر حضرت آدم علیه السلام بود، چنان که مثل انکار ولایت امیر مؤمنان در روز غدیر همانند انکار ابلیس بود و در این روز بود که آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (۱۵۱) نازل شد.

خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر آن که روز بعثت او در نزد او همانند روز غدیر بوده است و حرمت آن را شناسانده است؛ زیرا که وصی و جانشین بعد از آن پیامبر را در آن روز برای امت او تعیین کرده است. (۱۵۲)

امام محرم الحرام

گفتار حضرت امام رضاعلیه السلام درباره ایام عاشورا

گفتار حضرت امام رضاعلیه السلام ...

شیخ صدوق رحمه الله از حضرت امام رضاعلیه السلام روایت کرده که فرمودند:

هر کس در

روز عاشورا سعی در حاجت های خود را ترک کند، حق تعالی حاجت های دنیا و آخرت او را برآورد. و هر کس روز عاشورا روز مصیبت و حزن و گریه او باشد، حق تعالی روز قیامت را روز فرح و خوشحالی او گرداند و دیده اش در بهشت، به ما روشن گردد.

و هر کس روز عاشورا را روز برکت نام نهد و در خانه خود چیزی ذخیره کند، برکت نیابد در آنچه ذخیره کرده است و روز قیامت با یزید و عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنه در پائین ترین طبقه آتش جهنم محشور شود.

و نیز ایشان از ریّان بن شیب روایت کرده که گفت: در روز اول ماه محرم، خدمت حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب شدم. آن حضرت فرمود:

ای پسر شیب؛ امروز روزه هستی؟

عرض کردم: نه.

فرمود: این روز، روزی است که حق تعالی دعای حضرت زکریا را در آن مستجاب فرمود - و فرمایش خود را ادامه داد تا آنکه فرمود - :

ای پسر شیب؛ اگر برای چیزی خواستی گریه کنی، برای حسین بن علی علیهما السلام گریه کن که او را مانند گوسفند سر بردند و با آن حضرت از اهل بیت او هجده تن - که در زمین شبیه و نظیر نداشتند - کشته شدند.

و به تحقیق که آسمان های هفتگانه و زمین ها برای شهادت آن حضرت گریستند و به درستی که چهار هزار فرشته، به سوی زمین آمدند برای یاری آن حضرت، ولی زمانی رسیدند که آن حضرت شهید شده بود. پس ایشان نزد قبر آن حضرت ژولیده مو و گردآلوده اند تا آنکه قائم آل محمد صلوات الله علیه ظاهر شود، پس ایشان یاوران آن حضرت باشند و شعار ایشان در جنگ این کلمه است: «یا

لثارات الحسین علیه السلام».

ای پسر شیب؛ خبر داد مرا پدرم از پدرش از جدش که چون جدم حسین علیه السلام شهید شد، آسمان، خون و خاک سرخ بارید.

ای پسر شیب؛ اگر بر حسین علیه السلام گریه کنی تا آب از دیدگانت بر رویت جاری شود، حق تعالی هر گناه صغیره و کبیره تو را بیامرزد.

ای پسر شیب؛ اگر خواهی که در قیامت هیچ گناهی بر تو نباشد، آن حضرت رازیارت کن.

ای پسر شیب؛ اگر خواهی که در غرفه های بهشت با رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و خاندانش ساکن شوی، بر قاتلان آن حضرت لعنت کن.

ای پسر شیب؛ اگر خواهی که مثل ثواب کسی داشته باشی که با آن حضرت شهید شده باشد، هر گاه که او را یاد کنی بگو:

يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ، فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً. (۱۵۳)

ای کاش؛ با ایشان بودم، تا به رستگاری بزرگی نائل می گردیدم.

ای پسر شیب؛ اگر خواهی که در درجات بالای بهشت با ما باشی، از برای حزن ما محزون باش و از برای شادی ما شاد باش، و بر تو باد به محبت و ولایت ما؛ اگر مردی سنگی را دوست بدارد، خدا او را در روز قیامت با آن محشور گرداند. (۱۵۴)

روز اول ماه محرم، روزی است که حق تعالی دعای حضرت زکریا را درباره داشتن فرزند مستجاب فرمود و حضرت یحیی را به او عطا کرد، چنانچه از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر کس این روز را روزه بگیرد و دعا کند، حق تعالی دعای او را نیز مستجاب کند. (۱۵۵)

روز عاشورا

دعای حضرت فاطمه علیها السلام ...

جعفر بن عیسی گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام درباره روزه عاشورا سؤال کردم و آنچه مردم در مورد آن می گویند

به عرض رساندم، امام علیه السلام فرمود:

از روزه پسر مرجانه از من می پرسى؟ آن روز را زنازادگان از خاندان زیاد بخاطر کشتن امام حسین علیه السلام روزه گرفتند، و آن روزی است که آل محمد علیهم السلام آن را شوم و نامبارک می دانند و اهل اسلام آن را شوم می دانند، و روزی که اهل اسلام آن را شوم بدانند روزه گرفته نمی شود و به آن تبرک نمی جویند، و روز دوشنبه روز نحسی است که خداوند در آن پیامبرش را قبض روح نمود و آل محمد علیهم السلام دچار مصیبت نشدند مگر در روز دوشنبه، لذا آن را شوم و نامبارک می دانیم و دشمن ما به آن تبرک می جوید. (۱۵۶)

لعن بر یزید و پیروان او لعنه الله علیهم

راوندی رحمه الله در کتاب «سلوه الحزین» از فضل بن شاذان روایت کرده است که گفت: از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

هنگامی که سر مقدس امام حسین علیه السلام را به شام بردند یزید لعنه الله دستور داد آن را نزد او حاضر کردند، آنگاه در میان طشتی قرار داده و زیر تخت خود گذاشت و بساط شطرنج را گسترانید، آن خبیث شطرنج بازی می کرد و در ضمن از حسین و پدر و جد بزرگوارش یاد می کرد و استهزاء می نمود، و هر زمان که بر رفیقش غلبه می کرد سه جام شراب می نوشید و اضافه و باقیمانده ظرفش را در کنار طشت می ریخت، پس هر کس از شیعیان ما است باید آشامیدن شراب و بازی کردن با شطرنج را رها کند، و هر کس نگاهش به شراب و شطرنج افتاد باید یاد مظلومیت امام حسین علیه السلام کند و یزید و خاندان یزید و پیروان او را لعنت کند، خداوند هم به پاداش این عمل، گناهان او را گرچه به عدد ستارگان باشد می آمرزد و از

عبدالسلام بن صالح هروی گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

اوّل کسی که در اسلام برایش فّقاع (یعنی آبجو) ساختند، یزید ملعون در شام بود. آن را حاضر کردند در حالی که سر سفره نشسته و کنار آن، سر بریده امام حسین علیه السلام را قرار داده بود، آن خبیث از آن شراب می آشامید و به یارانش می داد و می گفت: «بنوشید که این شراب مبارکی است، و از برکت آن همین بس که ما اوّلین کسانی هستیم که می نوشیم در حالی که سر دشمن ما پیش روی ما است و کنار آن، سفره گسترانیده ایم، می خوریم در حالی که نفوس ما آرام گرفته و دل هایمان آرامش یافته است.»

پس هر کس از شیعیان ما است، باید از آشامیدن این شراب پرهیزد؛ زیرا آشامیدن دشمنان ما است و اگر پرهیز نکند او از ما نیست، به راستی پدرم از پدرش از پدرانش، از امیرالمؤمنین علیهم السلام روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

لباس دشمنان مرا بنوشید، طعام دشمنان مرا نخورید، و راه دشمنان مرا نپوئید که از دشمنان من شوید؛ همان گونه که آن ها دشمن من هستند. (۱۵۸)

دعای حضرت فاطمه علیها السلام در روز قیامت

ابو احمد داود بن سلیمان طائی گوید: در سال صد و نود و چهار هجری در مدینه محضر مقدّس حضرت امام رضا علیه السلام بودم، آن حضرت از پدرانش، از حضرت امیرالمؤمنین علیهم السلام، از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرد که فرمود:

دخترم فاطمه علیها السلام در قیامت وارد محشر شود در حالی که پیراهنی خون آلود به همراه دارد. او به رکنی از ارکان عرش بیاویزد و بگوید:

یا احکم الحاکمین؛ احکم بینی و بین قاتل ولدی.

ای حکیم ترین حاکمان؛ بین من و قاتل فرزندم حکم کن.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله

علیه و آله وسلم فرمود:

وَيَحْكُمُ لَابْنَتِي فَاطِمَةَ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ. (۱۵۹)

به پروردگار کعبه سوگند که خداوند برای دخترم فاطمه حکم خواهد کرد.

ابوالقاسم طائی از پدرش روایت کرده است که گفت: حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام از پدرش، از پدرانش علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، و آن حضرت از رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده که فرمود:

موسی بن عمران دست‌ها را بلند کرد و از پروردگارش درخواست کرد و عرضه داشت: پروردگارا؛ برادرم هارون از دنیا رفت، او را بیامرز.

خداوند تبارک و تعالی به او وحی فرمود:

يا مُوسى؛ لو سألتنى فى الأوّلین والآخِرین لأجبتک؛ ماخلاً قاتل الحسین بن علی، فإنى أنتقم له من قاتله. (۱۶۰)

ای موسی؛ اگر در مورد اولین و آخرین درخواست کنی به تو پاسخ می‌دهم جز در مورد قاتل حسین بن علی علیهما السلام؛ زیرا که من از قاتل حسین علیه السلام برای او انتقام خواهم گرفت.

کیفیت شهادت و دفن امام رضا

امام صفر

زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام در روز شهادت آن حضرت

علامه مجلسی رحمه الله فرموده است: بدان که زیارت آن حضرت در ایامی که فضیلتی برایش ذکر کرده اند و زمان‌هایی که شرافت و امتیازی دارند، مخصوصاً ایامی که اختصاصی به آن وجود مقدس دارند - مانند روز ولادتش که یازدهم ذیقعده است، و روز شهادتش که آخر ماه صفر یا هفدهم آن و یا روز چهاردهم ماه رمضان است، و روزی که بیعت شده با او برای خلافت که اول ماه رمضان یا ششم آن است - از نظر فضیلت و ثواب، برتری دارند. (۱۶۱)

بنابراین در روز آخر ماه صفر و نیز هفدهم آن - که روز شهادت جانگداز حضرت علی بن موسی الرضاعلیهما السلام نقل شده است - زیارت آن بزرگوار فضیلت بیشتری دارد.

کیفیت شهادت و دفن حضرت امام رضاعلیه السلام

اباصت هروی گفت: در حضور حضرت امام رضاعلیه السلام ایستاده بودم، به من فرمود:

ای اباضلت؛ در این قبه که قبر هارون در آن است وارد شو و از چهار جانب آن مقداری خاک بردار و بیاور.

من رفتم و آن را آوردم، و چون در پیشگاه او ایستادم فرمود:

این خاک را به من بده.

و آن خاکی بود که از نزدیک در برداشته بودم، آن را به ایشان دادم، از من گرفت و بوئید و سپس بر زمین ریخت و فرمود:

برای من در اینجا قبری حفر می شود، پس سنگ بزرگی ظاهر می گردد که اگر همه کلنگ هائی که در خراسان است برای کندن آن گردآید کندنش میسر نشود.

سپس در مورد خاکی از نزد پا و خاکی که از نزد سر آورده بودم مانند آن را گفت، آنگاه فرمود:

آن خاک دیگر را به من بده که آن از تربت من است.

سپس فرمود: برای من در اینجا گودالی حفر کنند، تو به آن ها

امر کنی که تاهفت پله به پائین بکنند و قبری برای من شکافته شود، اگر نپذیرفتند جزاینکه لحد بچینند، آن ها را امر می کنی که لحد را دو زراع و یک وجب قرار دهند همانا خداوند آن را به اندازه ای که بخواهد وسیع گرداند.

و چون چنین کردند نزد سرم رطوبتی می بینی و کلامی را که به تو می آموزم می گوئی: آبی می جوشد تا آنکه قبر پر از آب شود و در آن ماهی های کوچکی می بینی، برای آن ها نانی که به تو می دهم ریز کن، آن ها نان ها را می خورند، و چون چیزی از آن باقی نماند ماهی بزرگی خارج می شود و ماهی های کوچک رami بلعد تا هیچ کدام از آن ها نمانند و سپس پنهان می گردد و چون پنهان گشت دست خود را بر آب بگذار و به کلماتی که یادت می دهم تکلم کن، آب فرومی رود و چیزی از آن نمی ماند، و این کار را جز در حضور مأمون انجام مده.

آنگاه فرمود: ای اباصلت؛ فردا بر این فاجر وارد می شوم، اگر از نزد او با سربرهنه خارج شدم با من سخن بگو و من به تو پاسخ می دهم، و اگر هنگام بازگشتن سر را پوشیده بودم با من صحبت مکن.

اباصلت گفت: فردا چون صبح کردیم، امام علیه السلام لباس های خود را پوشید و در محراب به انتظار نشست، در همین حال ناگهان غلام مأمون وارد شد و به آن حضرت گفت: امیرالمؤمنین! را اجابت کن.

حضرت امام رضا علیه السلام نعلین بپا کرد و ردایش را پوشید و به راه افتاد و من به دنبال آن حضرت رفتم تا بر مأمون وارد شد. در پیش روی او طبقی از انگور و طبق های دیگری از میوه بود و به دست او شاخه انگوری بود که مقداری

از آن را خورده بود، چون حضرت امام رضا علیه السلام را دید از جا برخاست با او معانقه کرد و پیشانیش را بوسید و آن حضرت را کنار خود نشانید، سپس شاخه انگور را به او داد و گفت: ای پسر رسول خدا! انگوری بهتر از این ندیده ام.

امام علیه السلام فرمود:

چه بسا انگور خوبی که از بهشت می باشد.

گفت: از آن بخور. حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

مرا از آن معاف بدار.

گفت: گریزی از آن نیست، چه چیزی تو را از خوردن باز می دارد، شاید ما را متهم می کنی؟ خوشه انگور را گرفت و خودش مقداری از آن را خورد، سپس به حضرت امام رضا علیه السلام داد، و آن حضرت سه دانه تناول فرمود و آن را رها کرد و از جا برخاست، مأمون گفت: کجا می روید؟ فرمود:

به آنجائی که مرا روانه ساختی.

آن گاه ردای خود را به سر کشیده و خارج شد. لذا طبق دستور امام علیه السلام با او صحبت نکردم تا داخل خانه شد، فرمود: درب خانه را ببندید.

در را بستند و او وارد بستر شد، من در صحن حیاط اندوهناک و محزون ایستاده بودم، در این هنگام ناگهان جوان خوش سیمائی که شبیه ترین مردم به حضرت امام رضا علیه السلام بود بر من وارد شد، به سوی او شتافتم و عرض کردم: از کجا وارد شدی درحالی که درها بسته بود. فرمود:

کسی که مرا به آنی از مدینه به اینجا آورد، از در بسته نیز وارد خانه کرد.

گفتم: شما کیستید؟ به من فرمود:

ای اباصلت؛ من حجّت خدایم بر تو، من محمد بن علی هستم.

سپس به سوی پدرش رفت و دستور داد که من نیز به همراه او بر آن حضرت وارد شوم، چون نظر حضرت امام

رضاعلیه السلام به فرزندش افتاد، فوراً از جا برخاست با او معانقه کرد، به سینه اش چسباند و پیشانی او را بوسید، سپس او را به کنار بستر خود برد، محمد بن علی علیهما السلام او را دربرگرفت و او را می بوسید و پدرش با وی مطالبی را آهسته می گفت که من نفهمیدم، کفی سفیدتر از برف بر دو لب حضرت امام رضاعلیه السلام دیدم و محمد بن علی علیهما السلام را مشاهده کردم که با زبانش آن را می لیسید سپس دست خود را میان دو لباس و سینه اش داخل کرد و چیزی شبیه گنجشک از آن بیرون آورد و ابو جعفر علیه السلام آن را بلعید، و در این هنگام حضرت امام رضاعلیه السلام وفات یافت.

ابو جعفر علیه السلام به من فرمود:

ای اباصلت؛ برخیز محلی را برای غسل دادن پدرم آماده کن و برایم آب از صندوق خانه بیاور.

عرض کردم: نه جایی برای شستشو است و نه آبی در صندوق خانه هست.

فرمود:

آنچه به تو دستور می دهم انجام بده.

داخل صندوق خانه شدم، در آن آب و جای شستن دیدم، برداشته و بیرون آوردم و لباس هایم را بالا زدم تا او را غسل دهم، به من فرمود:

تو کنار برو ای اباصلت؛ زیرا غیر از تو کسی هست که مرا کمک کند.

پس آن بدن مطهر را غسل داد و سپس فرمود:

بار دیگر وارد صندوقخانه شو و زنبیلی که در آن کفن و حنوط است برایم بیاور.

وارد صندوق خانه شدم و در آنجا زنبیلی دیدم که هرگز ندیده بودم، برداشته و نزد آن حضرت آوردم، بدن پاک پدر را کفن کرد و بر آن نماز خواند، پس از آن فرمود:

تابوت برایم بیاور.

عرض کردم: نزد نجار روم و سفارش کنم تابوتی درست کند؟

فرمود: در میان صندوقخانه برو،

آنجا تابوتی هست بیاور.

داخل شدم تابوتی در آنجا یافتم که تا آن زمان ندیده بودم، آن را برایش آوردم، بدن پدر را برداشته در تابوت گذاشت و پاهایش را صاف کرد آنگاه دو رکعت نماز خواند و هنوز نماز را به پایان نرسانده بود که تابوت بالا رفت و سقف شکافت و از آن تابوت خارج شد و رفت.

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا؛ اگر مأمون هم اکنون پیش ما آید و حضرت امام رضا علیه السلام را مطالبه کند چه کنیم؟
فرمود:

ساکت باش، او بازمی گردد، ای اباصلت؛ هیچ پیامبری نیست که در مشرق بمیرد و وصی او در مغرب بمیرد مگر آن که خداوند بین ارواح و اجساد ایشان جمع کند.

و هنوز حدیث را تمام نکرده بود که سقف شکافته شد و تابوت پائین آمد و بر زمین نهاده شد، ابوجعفر علیه السلام بدن مطهر پدر را از تابوت بیرون آورد و در میان بسترش قرار داد؛ گویا هنوز غسل داده نشده و کفن بر او پوشیده نگشته است، سپس فرمود:

ای اباصلت؛ بلند شو و در را برای مأمون باز کن.

در را باز کردم مأمون و غلامان او پشت در بودند، پس وارد شدند در حالی که گریان و محزون بودند، گریبان چاک زده و بر سرش می زد و می گفت: واسیاده؛ ای آقای من؛ مصیبت تو مرا دردمند نمود، سپس وارد خانه شد و نزدیک سر آن حضرت نشست و گفت: شروع کنید به تجهیز او، و دستور داد به کنندن قبر، من آن محل را گود کردم، همه چیز آنطور که حضرت امام رضا علیه السلام توصیف کرده بود ظاهر شد.

بعضی از هم نشینانش به او گفتند: آیا عقیده نداشت که او امام است؟

گفت: بلی، امام نمی باشد مگر پیشاپیش مردم و جلوتر

از آنان، آنگاه دستور داد که در قبله برایش جایی را حفر کنند.

گفتم: به من دستور داده که هفت پله پائین روم و برایش قبرش را بشکافم.

گفت: به آنچه اباصلت به آن دستور می دهد انجام بده، جز قبر - که آن را اباصلت می شکافد - ولی برایش گود بکن و لحد درست کن.

و هنگامی که برای مأمون رطوبت و ماهی ها و غیر آن ظاهر شد گفت: علی بن موسی علیهما السلام همواره در دوران زندگی اش عجائبی را به ما نشان می داد و اکنون پس از مرگ از آن عجائب به ما می نمایاند.

وزیری که همراه او بود گفت: آیا می دانی حضرت امام رضاعلیه السلام با این کار، چه خبری به تو داد؟

گفت: نه.

گفت: خبر می دهد که ای بنی عباس، حکومت شما با زیادی تعدادتان و بلندی مدّتان مانند این ماهی ها است، مهلت شما پایان یابد و آثارتان منقطع گردد و دولتتان از بین رود و خدا شخصی از ما را بر شما مسلط نماید و او همه شما را نابود گرداند.

به او گفت: راست گفתי همینطور است، سپس به من گفت: ای اباصلت؛ آن کلامی را که به آن تکلم کردی به من یاد بده.

گفتم: به خدا قسم آن را در همین لحظه فراموش کردم و راست می گفتم.

مأمون دستور به حبس من داد، حضرت امام رضاعلیه السلام دفن گردید و من یکسال در زندان ماندم تا آنکه سینه ام تنگ شد، شبی را تا سحر بیدار ماندم و خداوند تبارک و تعالی را خواندم به دعائی و در آن از محمد و آل محمد علیهم السلام یاد کردم و از خداوند به حقّ آن ها درخواست کردم که بر من گشایشی مرحمت فرماید، دعایم تمام نشده بود که ابوجعفر محمد بن علی علیهما

السلام بر من وارد شد و فرمود:

روایت دیگر درباره شهادت ...

ای اباصلت؛ سینه ات تنگ شده؟

عرض کردم: آری بخدا قسم.

فرمود: برخیز و بیرون برو.

سپس با دست مبارکش بر آن بندها و زنجیرها زد و آن‌ها را باز نمود و دست مرا گرفت و از آنجا بیرون آورد، نگهبانان و غلامان مرا می‌دیدند ولی قدرت حرف زدن نداشتند و از در خانه خارج شدم، سپس فرمود:

برو در امان خدا و بدانکه هرگز به او نمی‌رسی و او هرگز به تو نمی‌رسد.

اباصلت گفت: پس از آن جریان، تاکنون مأمون را ندیدم. (۱۶۲)

روایت دیگر درباره شهادت حضرت امام رضاعلیه السلام

هرثمه بن اعین گفت: شبی در حضور مأمون بودم تا چهار ساعت از شب گذشت، آنگاه اجازه بازگشت به من داد، بازگشتم، و چون نیمی از شب گذشت کسی درب خانه را کوبید، یکی از غلام‌هایم پشت در رفت، به او گفت: به هرثمه بگو: آقایت را اجابت کن.

هرثمه گفت: با شتاب برخاستم و لباس‌هایم را پوشیده و به سوی آقام حضرت امام رضاعلیه السلام شتافتم، غلام پیشاپیش من داخل شد و من پشت سر او وارد شدم، در این هنگام سرورم حضرت امام رضاعلیه السلام را دیدم که در صحن خانه اش نشسته است، به من فرمود:

ای هرثمه. گفتم: لَبَّيْكَ ای مولای من.

فرمود: بنشین، و من نشستم.

فرمود: گوش بده و خوب بخاطر بسپار. ای هرثمه؛ هنگام کوچ کردن من بسوی خداوند تبارک و تعالی فرا رسیده و نزدیک است به جدّم و پدرانم علیهم السلام ملحق شوم و کتاب عمر من به پایان رسیده است و این شخص طغیانگر سرکش تصمیم گرفته مرا با انگور و انار سمّی مسموم کند.

او نخی را در سم فرو می‌برد و با نخ آن سم را جذب

انگور می کند، و اما انار، همانا او سم را در کف دست یکی از غلامانش می ریزد و انار را با دستش می مالد تا دانه هایش به آن سم آغشته گردد.

او در روز آینده مرا فرا می خواند، آن انار و انگور را نزد من می آورد و از من می خواهد که از آن دو بخورم و من می خورم تا حکم الهی و قضاء پروردگار در مورد من اجرا گردد.

وقتی من از دنیا رفتم خواهد گفت: من او را با دست خویش غسل می دهم، وقتی چنین گفت، از طرف من به او بگو - و بین تو و او کسی نباشد - : حضرت امام رضا علیه السلام به من فرموده است: به غسل دادن و کفن کردن و دفن من نپرداز که اگر چنین کنی آنچه از عذاب که از تو تأخیر افتاده به سرعت به سراغت آید و آن بلای دردناکی که از آن حذر می کنی بر تو وارد شود، او با این گفته تو خودداری می کند و بازمی ایستد.

هرثمه گوید: عرض کردم ای سرور من؛ چنین خواهد کرد؟! فرمود:

هنگامی که تو را برای غسل دادن من رها کرد و آزاد گذاشت، در مکان بلندی از ساختمانش می نشیند که مشرف بر محل غسل من است تا نگاه کند.

ای هرثمه؛ تو متعرض هیچ یک از کارهای غسل من مشو تا خیمه ای سفید را مشاهده کنی که در جایی از خانه زده شده، وقتی آن را دیدی مرا در لباس هایم که در آن هستم بردار و در آن خیمه بگذار و خودت پشت خیمه بایست و همراهانت نزد تو باشند، پرده خیمه را بالا نزن که مرا ببینی؛ زیرا هلاک می شوی.

مأمون از بلندی بر تو می نگرد و می گوید: ای هرثمه؛ آیا شما عقیده ندارید امام را جز

امامی مانند او غسل می دهد؟ پس چه کسی ابا الحسن علی بن موسی را غسل می دهد در حالیکه پسرش محمد در مدینه از شهرهای حجاز است و ما در طوسیم؟

وقتی چنین گفت، به او جواب بده و بگو: ما می گوئیم: امام را جز امام پس از او نباید کسی غسل دهد، و اگر زورگوئی چنین کاری کرد امامت امام به خاطرستمگری و زورگوئی غسل دهنده باطل نخواهد شد و نیز امامت امام بعد از او به اینکه کسی بر غسل پدرش چیره گشته است باطل نمی گردد، اگر حضرت امام رضاعلیه السلام را اجازه می دادند در مدینه باشد، پسرش محمد آشکار و بی پرده او را غسل می داد، اکنون هم کسی جز او بدن امام را غسل نمی دهد، ولی به صورت مخفی و پنهان است.

هنگامی که خیمه را بالا زدند مرا می بینی که در کفن پیچیده شده ام، بدن کفن پوشیده مرا بر تابوتم بگذار و آن را بردار، چون اراده کند قبر مرا حفر کندمی خواهد قبر پدرش هارون را قبله قبر من قرار دهد و آن هرگز نخواهد شد، ووقتی کلنگ ها را بر زمین زنند هیچگونه تأثیری بر زمین نگذارد و چیزی ولو به اندازه ناخن چیده شده ای حفر نگردد، چون تلاش خود را کردند و کار بر آنان دشوار گردید از طرف من به مأمون بگو:

او به من دستور داده است که یک کلنگ در قبله قبر پدرت هارون بر زمین زنم، ووقتی زدی در زمین فرو می رود و قبری کنده شده و ساخته و آماده آشکار شود ووقتی قبر ظاهر شد مرا در آن قرار مده تا آنکه از میان آن، آب سفیدرنگی بجوشد و قبر را پر کند به طوری که هم سطح زمین گردد، آنگاه یک ماهی

به طول قبر در آن نمایان گردد و حرکت کند، تا مادامی که ماهی تحرّک دارد مرادر قبر وارد نکنید و زمانی که ماهی پنهان گردید و آب فرو نشست مرا در قبرپائین ببر و در لحد بگذار و اجازه نده که آن ها خاک بر من بریزند؛ زیرا قبرخودش پوشیده می شود و پر می گردد.

هرثمه گفت: عرض کردم، اطاعت می کنم ای سرورم، سپس به من فرمود:

آنچه با تو عهد کردم حفظ کن و به آن عمل کن و مخالفت منما.

عرض کردم: پناه می برم بخدا از اینکه با فرمان شما مخالفت کنم.

هرثمه گفت: آن گاه گریان و محزون بیرون آمدم و پس از آن همواره مانند دانه ای که در تابه بریان شود بودم و جز خدا کسی از حال من آگاه نبود، سپس مأمون مراخواند نزد او رفتم و پیوسته ایستاده بودم تا روز بالا آمد، آنگاه مأمون به من گفت: ای هرثمه؛ برو نزد ابوالحسن و از طرف من به او سلام برسان و به او بگو: شما پیش مامی آئی یا ما پیش تو آئیم، اگر گفت: پیش او می آیم، از او بخواه که زودتر بیاید.

هرثمه گفت: نزد امام رفتم و چون مرا دید به من فرمود:

ای هرثمه؛ آیا آنچه به تو سفارش کردم به خاطر داری؟

عرض کردم: بلی، فرمود: کفش های مرا بیاور که من می دانم برای چه تو رافرستاده است.

هرثمه گفت: نعلین حضرت را حاضر کردم، آن را پوشید و به راه افتاد، وقتی داخل مجلس شد مأمون از جا برخاست و با آن حضرت معانقه کرد و پیشانیش را بوسید و کنار خود بر روی تخت نشانید، و آن گاه شروع کرد به صحبت کردن و از هرطرف سخن

گفتن تا مدتی گذشت، سپس به یکی از غلامانش گفت انگور و اناریاورد.

هرثمه گفت: چون آن را شنیدم نتوانستم صبر کنم و لرزه بر اندامم افتاد، خوش نداشتم که حالت من بر مأمون ظاهر شود، آرام آرام به عقب برگشتم تا از مجلس بیرون رفتم و در گوشه ای از حیاط خود را افکندم، نزدیک زوال خورشید احساس کردم سرورم از نزد مأمون خارج گشته و به منزل برگشته است، سپس دیدم از طرف مأمون دستوری صادر گشته که پزشکان و پرستاران را حاضر کنند و به بالین آن حضرت ببرند، سؤال کردم چه شده است؟

به من گفتند: بیماری بر علی بن موسی علیهما السلام عارض شده است مردم در شک و تردید بودند و من یقین داشتم که از کجا عارض شده است به خاطر آنچه از او می دانستم.

هرثمه گفت: هنگامی که ثلث دوم شب فرا رسید، صدای صیحه و ناله از خانه بالا رفت، من شتافتم در میان آنان که می شتافتند و خود را به آنجا رسانیدم، مأمون را دیدم با سر برهنه، دکمه ها را باز کرده، به حالت عزا ایستاده و گریه می کرد.

هرثمه گفت: من هم در میان آنان که ایستاده بودند ایستادم و آه سرد و اندوهباری کشیدم، آن شب را صبح کردیم، مأمون برای تعزیه نشست، پس از مدتی برخاست و خود را کنار جنازه سرورم رسانید و گفت: جانی را آماده کنید می خواهم خودم بدن او را غسل دهم، من نزد او رفتم و آنچه مولایم در خصوص غسل و کفن و دفن فرموده بود به او گفتم، گفت: من متعرض آن کار نمی شوم، خودت هر چه می دانی ای هرثمه انجام بده.

هرثمه گفت: من ایستاده بودم تا آن که دیدم خیمه ای زده شد، من و کسانی که درخانه

بودند در پشت خیمه بودیم، من صدای تکبیر و تهلیل و تسییح و بالا- و پائین رفتن ظرفها و ریختن آب را می شنیدم و بوی خوش عطری به مشامم می رسید که از آن خوش بو تر عطری را استشمام نکرده بودم.

هرثمه گفت: ناگهان مأمون از جایی که مشرف بود فریاد زد: ای هرثمه؛ آیا شما عقیده ندارید که امام را جز امامی مانند خودش غسل نمی دهد؟ محمّد بن علی فرزند او کجا است که بیاید و او را غسل دهد. او در مدینه و این در طوس.

به او گفتم: ما می گوئیم که امام را نباید جز امامی مثل او غسل دهد، پس اگر کسی ستم کرد و امام را غسل داد، امامت امام به خاطر ستم و تعدّی غسل دهنده باطل نمی شود و امامت امامی که بعد از او است با چیره شدن ظالمی بر غسل پدرش باطل نمی شود اگر حضرت امام رضاعلیه السلام در مدینه آزاد و رها بود، پسرش محمّد او را آشکار غسل می داد و اکنون او را جز او کسی غسل نمی دهد ولی به صورت پنهان.

مأمون ساکت شد و چیزی نگفت: سپس خیمه بالا رفت و آقام را دیدم که بدن مبارکش در کفن پیچیده شده است، او را در تابوت نهاده و مأمون با تمام حاضران بر آن جنازه نماز خواندند، آن گاه جنازه را برداشته تا به کنار قبر آمدیم، عدّه ای را دیدم که پائین قبر هارون کلنگ بر زمین می زنند تا قبر هارون را قبله برای قبر امام قرار دهند اما کلنگ ها بر زمین اثر نمی کرد و ذره ای از خاک زمین کنده نمی شد.

مأمون رو به من کرد و گفت: وای بر تو ای هرثمه؛ زمین را نمی بینی که چگونه از کندن قبری برای او خودداری می کند

و مانع می گردد؟

گفتم: ای امیرالمؤمنین!! او به من امر کرده که یک کلنگ در قبله قبر پدرت بر زمین زنم و جز یک کلنگ زنم.

گفت: با یک کلنگ زدن چه می شود؟

گفتم: او خبر داده است که روا نیست قبر پدر تو قبله قبر او باشد. و چون من یک کلنگ بزمن قبری آماده ظاهر گردد بدون آنکه دستی آن را بکند و ضریحی در وسط آن آشکار گردد.

مأمون گفت: سبحان الله! چقدر این سخن عجیب است و من از امر ابوالحسن علیه السلام تعجب نمی کنم اکنون تو کلنگ را بزنی تا ببینم چه می شود؟

هرثمه گفت: کلنگ را در دست گرفتم و در سمت قبله قبر هارون بر زمین زدم، قبری کنده شده و آماده ظاهر شد و ضریحی در وسط آن آشکار گشت و مردم به آن نگاه می کردند.

مأمون گفت: بدن را در میان قبر بگذار ای هرثمه.

گفتم: ای امیرالمؤمنین!! آقام دستور داده است که او را در میان قبر وارد نکنم تا آبی سفیدرنگ از آن جاری گردد و قبر از آن آب پر شود تا آن که آب به سطح زمین رسد، سپس یک ماهی به طول قبر در آن حرکت می کند، وقتی ماهی پنهان شد و آب فرو رفت او را در کنار قبر برم و در میان لحد قرارش دهم.

مأمون گفت: هر چه به تو دستور داده عمل کن.

هرثمه گفت: منتظر ظاهر شدن آب و ماهی شدم که ناگهان پدیدار گشت، سپس پنهان شد و آب فرو نشست و مردم نگاه می کردند، آن گاه جنازه را کنار قبر قرار دادم پس قبر با پارچه سفید رنگی که من آن را پهن نکردم پوشیده شد، سپس به وسیله غیردست من و دست حاضران به طرف قبرش پائین برده

شد، مأمون به مردم اشاره کرد که با دستهای تان خاک بیاورید و در قبر بریزید.

گفتم: چنین دستور نده ای امیرالمؤمنین!!

گفت: وای بر تو؛ پس چه کسی آن را پر می کند؟

گفتم: به من فرموده که خاک بر او ریخته نشود و خبر داده است که قبر از جانب خودش پر می شود، سپس با سطح زمین منطبق و چهار گوش می گردد، مأمون به مردم اشاره کرد که خودداری کنید، و آن ها آنچه در دست شان از خاک بود رها کردند، سپس قبر پر شد و با سطح زمین منطبق و چهار گوش گردید، مأمون باز گشت و من نیز باز گشتم.

پس از چندی مأمون مرا خواند، با من خلوت کرد و گفت: ای هرثمه؛ تو را بخدا سو گند می دهم و از تو می خواهم آنچه از ابوالحسن (قدس الله روحه) شنیدی به من راست بگوئی.

هرثمه گفت: به او گفتم: ای امیرالمؤمنین!! آنچه به من گفته بود به تو خبر دادم.

گفت: به خدا سو گندت می دهم که راست بگوئی نسبت به آنچه به تو خبر داده غیر از آنچه گفتمی.

هرثمه گفت: گفتم ای امیرالمؤمنین!! از چه چیزی از من سؤال می کنی؟

گفت: ای هرثمه؛ آیا چیزی غیر از آنچه گفتمی با تو مخفیانه در میان گذاشت؟

گفتم: آری.

گفت: آن چیست؟

گفتم: خبر انگور و انار.

هرثمه گفت: تا آن را گفتم، مأمون رنگ چهره اش تغییر کرد، گاهی زرد و گاهی سرخ و گاهی سیاه می شد، سپس غش کرد و بر زمین افتاد، از او شنیدم در حال بیهوشی اش که فریاد می زد و می گفت: (۱۶۳)

وای بر مأمون از سوی خدا؛ وای بر مأمون از رسول خدا؛ وای بر او از علی بن ابی طالب؛ وای بر مأمون از فاطمه زهرا؛ وای بر مأمون از حسن و حسین؛ وای بر مأمون از علی

بن الحسین؛ وای بر مأمون از محمد بن علی؛ وای بر مأمون از جعفر بن محمد؛ وای بر مأمون از موسی بن جعفر؛ وای بر مأمون از علی بن موسی الرضا، به خدا این خسران و زبانی است آشکار.

این را می گفت و تکرار می کرد، چون دیدم این حالت او به طول انجامید از او روی گرداندم و در یک طرف خانه نشستم.

هرثمه گفت: پس از مدتی مأمون نشست و مرا خواند، بر او داخل شدم درحالی که مثل انسان مست نشسته بود، گفت: به خدا قسم؛ تو بر من عزیزتر از اونیستی بلکه همه اهل زمین و آسمان از او عزیزتر نیستند، بخدا قسم اگر به من برسد که تو از آنچه دیدی و شنیده ای چیزی را دوباره گفته ای، تو را هلاک خواهم کرد.

گفتم: ای امیرالمؤمنین!! اگر بر چیزی از آن از سوی من مطلع شدی، خون من بر تو مباح باشد.

گفت: نه بخدا قسم؛ مگر آن که عهد و پیمانی بر کتمان این امر و ترک اعاده آن به من بدهی، پس عهد و پیمان گرفت از من و نسبت به آن تأکید کرد.

هرثمه گفت: وقتی از او رو گرداندم، دو دستش را بر هم می زد و می گفت:

«يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا» (۱۶۴).

می خواهند از مردم پنهان کنند و حال آنکه نمی توانند از خداوند پنهان کنند، و او با آنها است آن هنگام که گفتاری را که نمی پسندد شبانه تدبیر می کنند و خداوند به آنچه انجام می دهند کاملاً احاطه دارد و آگاه است. (۱۶۵)

مرحوم محدث قمی می نویسد: آخر کلامی که از آن حضرت شنیده شد، این آیه مبارکه بود:

«قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ

كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ...» (۱۶۶)

بگو: ای پیغمبر! اگر در خانه های خود هم بودید باز آنان که سرنوشت آنان در قضاى الهى كشته شدن است از خانه به قتلگاه به پای خود البتّه بیرون می آمدند.

و به روایت شیخ مفید، حضرت بعد از خوردن زهر، دو روز زنده بود و وفات کرد. مأمون يك روز و يك شب، وفات آن جناب را پنهان داشت. محمّد بن جعفر صادق را با جماعت آل ابوطالب كه حاضر بودند، طلبید و خبر وفات آن جناب را به ایشان اظهار کرد و گریست و حزن شدید اظهار کرد. پس ایشان را به نزد آن جناب آورد و بدن آن حضرت را به ایشان نمود و گفت: گواه باشید كه آسیبی از ما به او نرسیده است.

پس با جنازه آن حضرت خطاب کرد: ای برادر! بر من گران است كه تو را بدین حالت بینم و می خواستم كه پیش از تو بمیرم و تو خلیفه و جانشین من باشی و لكن باتقدیر خدا چه می توان کرد!

پس جنازه آن حضرت را بعد از غسل و تكفین حرکت دادند و در همین موضعی كه فعلاً مدفون است، دفن نمودند. قبر شریفش در خانه حمید بن قحطبه در قبله قبر رشید است و در وقت غسل و تكفین و نماز و دفن، پسرش حضرت جواد علیه السلام حاضر بود و این امورات بر دست آن جناب واقع می شد و مردم نمی دانستند.

در بعضی روایات است كه مأمون از ترس آن كه مبادا مردم فتنه كنند، جنازه حضرت را در شب حرکت داد و دفن نمود صلوات الله علیه.

من سرّه آن یری قبراً برؤيته

يفرّج الله عمّن زاره كربه

فليات ذا القبر إنّ الله أسكنه

سلاله من رسول الله متتجه (۱۶۷)

كسى كه دوست دارد قبرى را با

دیدگان خود ببیند، که خداوند گشایش می دهد گرفتاری کسی که او را زیارت کند؛

پس به زیارت صاحب این قبر بیاید که خداوند در آن، از سلاله پاک و منتخب پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم جای داده است.

ماه رجب

ثواب روزه در ماه رجب

حسن بن علی بن فضال از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هر کس روز اول ماه رجب را به اشتیاق ثواب و پاداش الهی روزه بگیرد، بهشت بر او واجب گردد. و هر کس یک روز در وسط ماه رجب روزه بگیرد در مثل ربیع و مضر (که دو طایفه پرجمعیت بودند) شفاعت کند. و هر کس یک روز در آخر آن روزه بگیرد، خداوند او را از اهل بهشت قرار داده و شفاعت او را در مورد پدر، مادر، پسر، دختر، خواهر، برادر، عمه، عمو، خاله، دایی، آشنایان و همسایگانش بپذیرد گرچه در میان آنان کسی باشد که سزاوار دوزخ است. (۱۶۸)

عبدالله بن صالح هروی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هر کس روز اول ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند از او خشنود گردد؛ روزی که او را دیدار کند. هر کس دو روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند از او راضی باشد روزی که او را دیدار کند. و هر کس سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند از او خشنود گردد و او را خشنود سازد و کسانی که با او مراغه دارند راضی سازد؛ روزی که او را دیدار کند یعنی روز قیامت.

و هر کس هفت روز از ماه رجب را روزه بگیرد، درهای هفت آسمان برای روح او گشوده گردد چون بمیرد تا آنکه به ملکوت اعلی رسد. و هر کس هشت روز از

ماه رجب را روزه بگیرد، درهای هشتگانه بهشت برای او گشوده گردد. و هر کس پانزده روز از ماه رجب را روزه بگیرد، هر حاجتی که دارد برآورده شود مگر آنکه درخواست او در گناه یا قطع رحم باشد.

و هر کس تمام ماه رجب را روزه بگیرد از گناهانش بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد گشته باشد و از آتش دوزخ آزاد و همراه برگزیدگان نیکوکار وارد بهشت شود. (۱۶۹)

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

من صام یوم الثامن والعشرين من رجب، کان صومه لذلك الیوم کفّارہتسعين سنه. (۱۷۰)

کسی که روز بیست و هشتم ماه رجب را روزه بگیرد روزه او در آن روز، کفّاره نودسال است.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

من صام یوم التاسع والعشرين من رجب، کان صومه ذلك الیوم کفّارہمائہ سنه. (۱۷۱)

کسی که روز بیست و نهم ماه رجب را روزه بگیرد روزه او در آن روز، کفّاره صدسال است.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

من صام یوم الثلاثین من رجب غفر الله له ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر. (۱۷۲)

کسی که روز سی ام ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد. (۱۷۳)

نواب زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در ماه رجب

مرحوم شهید فرموده است: قصد زیارت هر یک از امامان علیهم السلام در موسم ها و مناسبت های مشهور، و قصد زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در ماه رجب مستحبّ است و بدون تردید از بهترین و باارزش ترین کارها است. (۱۷۴)

در «عیون اخبار الرضا علیه السلام» و «کامل زیارات» به سند معتبر نقل شده که محمّد بن سلیمان از امام محمّد تقی علیه السلام پرسید:

شخصی حجّ واجب خود را انجام داد و به مدینه رفت و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم را زیارت نمود، بعد به نجف رفت و پدرتان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را

زیارت نمود وحقّ آن حضرت را می شناخت و می دانست که او حجّت خدا است بر خلق او، و اوباب خداست که از آن در به خدا باید رسید.

آنگاه به کربلا رفت و حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت نمود. سپس به بغداد رفت و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را زیارت کرد و به شهر خود برگشت.

در این وقت، خدا آن قدر مال به او روزی کرده است که می تواند به حجّ برود. آیا برای این مرد که حجّ واجب خود را انجام داده بهتر است که برگردد و باز حجّ کند یا به خراسان برود و پدرت حضرت امام رضا علیه السلام را زیارت کند؟

فرمود:

زیارت رجبیه ...

بلکه برود بر پدرم سلام کند افضل است و باید که در ماه رجب باشد و در این زمان که بر ما و شما از طرف سلطان خوف و وحشت است، انجام ندهید. (۱۷۵)

زیارت رجبیه

که در حرم های مطهر ائمه علیهم السلام در ماه رجب خوانده می شود

جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی قدس سره (سومین نایب خاصّ امام عصر ارواحنا فداه) می فرماید: اگر کسی این زیارت را در یکی از حرم ها و زیارتگاه های اهل بیت پیامبر علیهم السلام بخواند، حتماً با برآورده شدن حاجتش از آنجا بازخواهد گشت و دعای او در مورد دین و دنیا به اجابت خواهد رسید. اگر قصد این زیارت را داشتی، بر درگاه حرم مطهر امام علیه السلام بایست و بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَاءِهِ فِي رَجَبٍ، وَأَوْجِبَ عَلَيْنَا سِتَائِشِ وَيْزَهُ خَدَاوْنَدِي اسْتِ كِهْ مَا رَا دَرِ اَيْنِ مَاهِ رَجَبِ بَهْ
زِيَارْتِ گَاهِ وَ مَحَلِّ حَضُورِ اَوْلِيَايِ خُودِ حَاضِرِ گِرْدَانِيْدِ، وَ حَقُوْقِي چِنْدِ كِهْ مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ، وَ صَيَّلِي اللّٰهُ عَلَيِ مُحَمَّدِنِ
الْمُتَّجِبِ، وَ عَلِيَا زِ حَقِّ اَيْشَانِ بَرِ

ما لازم بود، واجب نمود؛ و درود پیوسته خداوند بر محمد برگزیده، و بر اوصیایه الحُجُبِ. اَللّٰهُمَّ فَكَمَا اَشْهَدْتَنَا مَشْهَدَهُمْ، فَانْجِزْ لَنَا وِصَايَا او که پرده دار حریم الهی هستند، نثار باد. بارالها! همان گونه که ما را به حضور ایشان حاضر گردانیدی، پس وعده ایشان مَوْعِدَهُمْ، وَاوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ غَيْرَ مُحَلِّينَ عَنْ وِرْدِ فِي دَارِ الْمُقَامِهَا نيز برای ما وفا کن، و ما را به محل ورودشان برسان که پس از آن، از ورود به جایگاه بهشت ابدی وَالْخُلْدِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اِنِّي قَصِدْتُكُمْ، وَاَعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْأَلَتِي و جاودانی نیز محروم نشویم. سلام بر شما؛ من به قصد دیدار شما آمده ام؛ و در مورد و حاجتی، وَهِيَ فَكَاكُ رَقِيَّتِي مِنَ النَّارِ، وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دَارِ دِرْخَوَاسْتِ و نیازم که رهایی من از جهنم، و ماندگاری من در بهشت در نزد شما، الْقَرَارِ، مَعَ شِيْعَتِكُمُ الْاَبْرَارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ هَمْرَاهُ بَا شِيْعِيَانِ نِيكُو كَارِ شِمَاسْتِ، بِه شِمَا اَعْتِمَادِ نَمُودِه اَم. سلام بر شما به خاطر آن که شکیبایی ورزیدید و صبر نمودید؛ پس چه خوب است عَقْبِي الدَّارِ. اَنَا سَا اَسْأَلُكُمْ وَاْمَلُكُمْ فِيمَا اِلَيْكُمْ التَّفْوِيضُ، وَعَلَيْكُمْ عَاقِبَتِ اَيْنِ خَانِه (در آخرت). من خواستار و آرزومند شما در مورد آنچه به شما واگذار شده هستم؛ و آنچه التَّفْوِيضُ، فَبِكُمْ يُجْبِرُ الْمَهِيضُ، وَيُشْفِي الْمَرِيضُ، وَا مَا تَزِدُ اَدْعُوْضِ كَرْدِنِ اَنْ بِه عَهْدِه شِمَاسْتِ، زِيْرَا تَنْهَآ بِه وَسِيْلِه شِمَا شَكْسْتِه جِبْرَانِ مِي شُودِ، و بِيْمَارِ بِيْهُودِ مِي يَابَدِ، و بِه وَسِيْلِه شِمَا الْاَرْحَامُ وَا تَغِيضُ، اِنِّي بِيَسْرَتِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ، وَعَلَى كَمِي و فِرُونِي دَر اِرْحَامِ اِنْجَامِ مِي پَذِيْرِد. من به طور واقعی به سر شما ایمان دارم، و تسلیم گفتارتان هستم، وَاللّٰهُ بِكُمْ مُقْسِمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي، وَقَضَائِهَا وَاِمْضَائِهَا، خُدَا رَا بِه شِمَا سُوْكَنْدِ مِي دِهْمِ كِه تَنْهَآ بَا پَاسِخِ مَثْبِتِ بِه خَوَاسْتِه هَايْمِ مَرَا بَر گِرْدَانْدِ

و آن‌ها را برآورده و امضاشده و اِنجَاحِهَا و اِبْرَاجِهَا، وَبِشُؤْنِي لَمَدَيْكُمْ وَصَيِّلَاحِهَا. وَالسَّلَامُ وَحَتْمِي وَانْجَامِ شَدَّةِ نَمَائِدِ وَ هَمَّه كَارِهَائِمِ نَزْدِ شَمَا رَا اَصْلَاحِ فَرْمَائِدِ. وَ سَلَامِ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُودِعٌ، وَلَكُمْ حَوَائِجُهُ مُودِعٌ، يَسْأَلُ اللّٰهَ اِلَيْكُمْ بِرِ شَمَا، سَلَامِ كَسِي كَه دَارْدِ خَدَا حَافِظِي مِي كَنْدِ وَ خَوَاسْتَه هَائِشِ رَا نَزْدِ شَمَا سِپْرَدَه، تَا بِرْ اَوْرَدَه شُود. اَزِ خَدَا مِي خَوَاهد كَه دُوبَارَه نَزْدِ الْمَرْجِعِ، وَسَعْيُهُ اِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ، وَ اَنْ يَرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ شَمَا بِيَايِدِ، وَ رَفْتِ وَ اَمْدِ اَوْ بَه اَيْنِ مَكَانِ مَبَارَكِ وَ نَزْدِ شَمَا پِيُوسْتَه بَاشْدِ، وَ مَرَا بِرْ گَرْدَانْدِ اَزِ حَضُورْتَانِ خَيْرِ مَرْجِعِ، اِلَى جَنَابِ مُمْرِعِ، وَ خَفِضِ جَعِيْشِ جِ مُوسَعِ، وَ دَعَهْبِه بَهْتَرِيْنَ بَا زْ گَشْتِ بَه سُوِيْ اَسْتَانَه اِيْ خَرْمِ وَ سَرَسَبِزِ وَ بَا اَسَايِشِ وَ پَرُوسَعْتِ، بَا رَا حْتِيْ وَ مَهْلِ اِلَى حِيْنَ اَلْاَجْلِ، وَ خَيْرِ مَصِيْرِ وَ مَحَلِّ فِي النِّعَمِ الْاَزْلِ، وَ اَسَانِيْ تَا هَنْگَامِ مَرَكِ، وَ بَهْتَرِيْنَ سَرَا نْجَامِ وَ جَايْگَاهِ دَرِ بَهْسْتِ هَمِيْشْگِي، وَ الْعَيْشِ الْمُقْتَبِلِ، وَ دَوَامِ الْاَكْلِ، وَ شُرْبِ الرِّحِيْقِ وَ السَّلْسَلِ، وَ زَنْدَگِيْ خُوشِيْ نُوِ وَ پَسَنْدِيْدَه، وَ خُورَاكِ هَمِيْشْگِي وَ اَشَامِيْدِنِيْ نَابِ وَ خَالِصِ وَ گُورَايِ دَائِمِ وَ بَاوَعِيْلِ وَ نَهْيِ، لَاسِيَّ اَمِّ مِنْهُ وَ لَا مَلَلِ، وَ رَحْمَه اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ خُورْدِنِيْ دُوبَارَه وَ سِيْرَابِ گَشْتِنِ بَدُوْنِ اَيْنِ كَه هِيْچِ خَسْتْگِيْ وَ مَلَالِ وَ دَلْتَنْگِيْ دَرِ اَنِّ هَا بَاشْدِ. وَ رَحْمَتِ وَ بَرَكَاتِ وَ تَحِيَّتِ هَا وَ اَحْتِرَامَاتِ خَدَاوَنْدِيْ عَلَيْكُمْ، حَتَّى الْعُودِ اِلَى حَضْرَتِكُمْ، وَ الْفُوزِ فِي كَرْتِكُمْ، تَا بَا زْ گَشْتِ بَه حَضُورِ شَمَا وَ كَامِيَا بِيْ دَرِ رَجْعَتِ شَمَا ثُوابِ رُوزَه وَ اسْتِغْفَارِ دَر...

وَ الْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَه اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ مَحْشُورِ شَدْنِ دَرِ زَمْرَه شَمَا، بِرِ شَمَا نَثَارِ بَادِ. وَ سَلَامِ وَ رَحْمَتِ وَ بَرَكَاتِ الهِيْ عَلَيْكُمْ، وَ صَلَواتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ، وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نَعْمَ الْوَكِيْلُ. (۱۷۶) بِرِ شَمَا بَادِ؛ وَ دَرُودِهَا وَ اَحْتِرَامَاتِ وِيْزَه خَدَاوَنْدِيْ نَثَارْتَانِ بَادِ، وَ اَوْ بَرَايِ مَا بَسِ اسْتِ وَ چَه پَشْتِيَا نِيْ شَايِسْتَه وَ نِيكُوسْتِ.

در اعمال

ماه شعبان از حضرت امام رضا علیه السلام نقل می کنیم که زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان بهتر از زمان های دیگر است.

ماه شعبان

ثواب روزه و استغفار در ماه شعبان

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از حضرت علی بن موسی الرضاعلیهما السلام روایت کرده است که فرمود:

روزه ماه شعبان کفاره گناهان بزرگ است، حتی اگر کسی به ریختن خون حرامی آلوده شده، پس چند روزی از این ماه را روزه گرفته و از دنیا رفته باشد برای او امید آمرزش دارم.

راوی حدیث - ابراهیم بن میمون - گوید: عرض کردم: بهترین دعا در این ماه چیست؟ فرمود:

استغفار، بی گمان کسی که در این ماه هفتاد مرتبه استغفار کند مانند کسی است که در غیر این ماه هفتاد هزار مرتبه استغفار نموده باشد.

عرض کردم: چگونه استغفار کنم و چه بگویم؟ فرمود: بگو:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ. (۱۷۷)

از خداوند طلب بخشش می کنم و از او درخواست پذیرش توبه می نمایم.

ثواب روزه و صدقه در ماه شعبان

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از عباس بن هلال روایت کرده است که گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

هر کس یک روز از ماه شعبان را بخاطر پاداش الهی روزه بگیرد، داخل بهشت گردد.

و هر کس در هر روز از ماه شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند، خداوند او را روز قیامت در زمره رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم محشور فرماید و سزاوار کرامت پروردگار گردد.

و هر کس در ماه شعبان صدقه ای دهد و لو به نیمی از خرما، خداوند جسد او را بر آتش حرام نماید.

و هر کس سه روز از آخر ماه شعبان را روزه بگیرد و آن را به روزه ماه رمضان متصل کند، خداوند برایش روزه دو ماه پیوسته نویسد. (۱۷۸)

دعا در هر روز ماه شعبان

ریان بن صلت گوید: از حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام شنیدم که فرمود:

کسی که در هر روز از ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ.

از خداوند طلب بخشش می کنم و از او درخواست پذیرش توبه می نمایم.

خداوند برایش رهائی از آتش و گذرنامه عبور از پل (صراط) را بنویسد و او را در بهشت - که جایگاه ثابت است - وارد کند. (۱۷۹)

زیارت امام حسین علیه السلام ...

نماز و... در شب نیمه شعبان

علی بن حسن فضال از پدرش روایت کرده است که گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد فضیلت شب نیمه شعبان پرسیدم، فرمود:

شبی است که خداوند در آن، دوزخیان را از آتش رهائی می بخشد و گناهان بزرگ را می آمرزد.

عرض کردم: آیا در آن شب، نمازی زیادت از سایر شب ها معین گشته است؟ فرمود:

چیزی به خصوص آن، واجب نگردیده است؛ ولی اگر خواستی کار مستحبی انجام دهی، تو را سفارش می کنم به خواندن نماز جعفر طیار، ذکر خداوند تبارک و تعالی. و در آن شب، زیاد استغفار کن و بسیار دعا نما؛ زیرا پدرم می فرمود: دعا در آن شب به اجابت می رسد.

عرض کردم: مردم می گویند که آن شب است که برای هر کس آنچه مقدرش باشد حواله می کنند. فرمود:

آنچه گفتمی مربوط به شب قدر در ماه رمضان است. (۱۸۰)

زیارت امام حسین علیه السلام در روز نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان

احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کردم در چه ماهی امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم؟ فرمود:

در نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان.

و در روایتی سؤال بدین گونه است: چه زمانی بهتر است امام حسین علیه السلام را در آن زمان زیارت کنیم؟ (۱۸۱)

دعا در روزهای آخر ماه شعبان

عبدالسلام هر وی گوید: در آخرین جمعه ماه شعبان خدمت حضرت امام رضا علیه السلام شرفیاب شدم، به من فرمود:

ای اباصلت؛ ماه شعبان بیشتر روزهایش سپری شده و این آخرین جمعه آن است، در مقدار کمی که از آن باقی مانده کوتاهی های گذشته را جبران کن، به کارهای ضروری و لازم روی بیاور و کارهای غیر لازم و بی فایده را رها کن.

زیاد دعا و استغفار و تلاوت قرآن کن، از گناهانت توبه کن، تا آنکه ماه خدا که آمد خود را برای خدا خالص نموده باشی، هر گونه امانتی که به عهده ات بوده آن را به صاحبش پرداخته، و از دلت کینه هر مؤمنی را بیرون کرده، و از هر گونه گناهی که مرتکب می شده ای دست کشیده باشی، تقوا پیشه کن و از خدا بترس، و بر او در امور پنهانی و آشکارت توکل کن.

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (۱۸۲)

کسی که بر خدا توکل کند، خدا او را بس است؛ همانا خدا امر خود را به انجام می رساند، خدا برای هر چیز اندازه ای قرار داده.

و در آنچه از این ماه باقی مانده است، زیاد بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تُكُنْ قَدْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَىٰ مِنْ شَعْبَانَ، فَاعْفِرْ خَدَاوَنَدَا؛ اگر ما را در آنچه از شعبان گذشته نیامرزیده ای، لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ.

در باقی مانده آن ما را بیامرز.

دعای توجه به خداوند...

زیرا

خداوند در این ماه افرادی از گرفتاران به آتش را به احترام ماه شعبان آزادی کند. (۱۸۳)

بخش دوازدهم

هشت دعا برای حفظ شدن از گرفتاری ها

در این بخش، هشت دعا برای حفظ شدن از بلاها و گرفتاری ها نقل می کنیم:

□

دعای توجّه به خداوند در بازار برای حفظ نفس

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هر کس هنگام وارد شدن به بازار این دعا را بخواند، به شماره آنچه خداوند تا روز قیامت خلق می کند، پاداش داده می شود:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَخِدَّةٌ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ پَاكٌ وَ مَنْزَهُ اسْتِخْدَانُهُ، وَ سِتَائِشِ از آن خداوند است، و معبودی جز خداوند نیست، او یکتا است و شریک ندارد، پادشاهی الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَفِرْمَانِروائی شایسته او است و او سزاوار ستایش است، زنده می کند و می میراند و او زنده ای است که هرگز نمی میرد، خیر و خوبی بدست او است وَهُوَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۱۸۴)

و او بر هر چیز توانا است.

دعا برای حفظ شدن در سفر...

دعا برای حفظ شدن از انواع بلا

هشام بن سالم گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود:

هر کس بگوید: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛

هیچ توانایی و نیروی جز به سبب خداوند بزرگِ با عظمت نیست.

خداوند او را از مبتلا شدن به هفتاد نوع بلا - که آسانترین آن تنگی نفس است - حفظ می کند. (۱۸۵)

دعا برای حفظ شدن از گرفتاری در سفر

برای حفظ شدن از بلاها و گرفتاری ها در مسافرت، خداوند را به حقّ حضرت امام رضا علیه السلام قسم دهید به این گونه:

مولای ما حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام، ساعت هشتم به مولای ما حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، ساعت نهم به مولای ما امام جواد علیه السلام، ساعت دهم به مولای ما امام هادی علیه السلام، ساعت یازدهم به مولای ما امام عسکری علیه السلام، و ساعت دوازدهم به مولایمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه اختصاص دارد.

سیدرحمه الله می گوید: انسان باید در هر ساعتی از آن دوازده ساعت، دعای مخصوص همان ساعت را بخواند؛ خواه روزهای تابستانی باشد که روزها بلند است یا روزهای زمستانی که روزها کوتاه است، فرقی نمی کند؛ زیرا روز به هر اندازه باشد باید به دوازده بخش تقسیم شود و دعاهای مخصوص دوازده بخش هستند.

پس هر گاه خارج شدن شما برای سفر در ساعتی که به یکی از امامان هدایتگر - که آنان را خداوند وسیله نجات بشر قرار داده - اتفاق افتد، این دعا را بخوان:

دعا دیگر هنگام خارج شدن...

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا فُلَانًا صَيِّمًا اَللّٰهُ عَلَيَّ اِنِّيْ اُسَلِّمُ عَلَيَّهِ، وَاِنِّيْ بَارَالِهَا؛ به مولای ما فلانی - که درود خدا بر او باد - برسان که من بر او سلام می فرستم، وَاَتَوَجَّهُ اِلَيْهِ بِاِقْبَالِكَ عَلَيَّهِ، فَيَ اَنْ يَّكُوْنَ خَفَارَتِيْ وَحِمَايَتِيْ بِهِ اَوْ رُوِيْ اَوْرَدَهُ اَمْ بِاَوْ رُوِيْ اَوْرَدَنِيْ تُوْبَرِ اَوْ، در اینکه بوده باشد پناه من و حامی من و سَلامَتِيْ وَكَمَالُ سَيِّعَادَتِيْ صِيْمَانَهَا بِكَ عَلَيَّهِ، حَيْثُ قَدْ تَوَجَّهْتُ وَوَسِيْلَهُ سَلامَتِيْ وَ كَمَالِ سَعَادَتِيْ مِنْ، به خاطر ضمانت و کفالت آن به وسیله تو بر او، چُوْنِ فِي السَّاعَةِ الَّتِي جَعَلْتَهُ كَالْخَفِيْرِ فِيْهَا وَحَدِيْثُهَا فِيْ ذَلِكِ اِلَيْهِ. در ساعتی که او را در آن ساعت مانند نگهبان و امان دهنده قرار داده ای روانه گشته ام.

و هنگامی که در منزلی فرود آمدی در ساعتی که به یکی از امامان علیهم السلام اختصاص دارد یا

می خواستی از آنجا کوچ کنی، بر آن امام درود فرست؛ به گونه ای که تو را به آن حضرت نزدیک گرداند و با او گفتگو کن که تو را در ساعت خود ضامن گردد، و اگر خداوند عظیم الشان چنین کاری را از تو نخواستہ بود تو را به آن راهنمایی نکرده بود و هنگامی که به این برنامه - که خدا تو را به آن هدایت کرده - عمل کردی (دعای مخصوص را خواندی) هر حرکت و سکون تو در سفر عبادت به حساب می آید و باعث سعادت و خوشبختی تو در آخرت می گردد. (۱۸۷)

دعا برای حفظ شدن از گرفتاری هنگام خروج از منزل

علی بن اسباط از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

هر گاه از منزل برای سفر، یا برای کاری در بیرون منزل خارج شدی، بگو:

بِسْمِ اللَّهِ، اَمِنْتُ بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ بِهَ نَامِ خِدا (ابتدا کردم)، بِهَ خِدا اِيْمَانِ آوَرْدَم، بِرِ خِدا تَوَكَّلَ كَرْدَم،
آنچه خدا خواهد همان شود، هیچ توانایی و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

و نیرویی جز به سبب خداوند نیست.

پس شیاطین با او ملاقات می کنند، فرشتگان بر صورت آنان می زنند و می گویند: راه نفوذی بر شما نگذاشته است؛ او که «بِسْمِ اللَّهِ» گفته، ایمان به خدا را اظهار کرده، توکل بر او نموده و گفته است: «ما شاءَ اللَّهُ، لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (۱۸۸)

دعای دیگر هنگام خارج شدن از منزل

حلبی رحمه الله از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

پدرم امام باقر علیه السلام هر گاه از منزلش خارج می شد، این دعا را می خواند:

بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ، وَبِسْمِ اللَّهِ وَلَجْتُ، وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ، وَلَا بِنَامِ خِدا خَارِجَ شَدَم، وَبِهَ نَامِ خِدا وَارَدَ شَدَم، وَبِرِ خِدا تَوَكَّلَ كَرْدَم،
و هیچ حَوْلَ و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

توانایی و نیرویی جز به واسطه خداوند بلندمرتبه بزرگ وجود ندارد.

محمد بن سنان گوید: حضرت امام رضا علیه السلام همواره هنگام خارج شدن از منزل، دعای مذکور را می خواند. (۱۸۹)

تسبیح حضرت زهرا علیها السلام و...

دعا برای حفظ شدن در شب

برادر دعبل خزاعی گوید: سرورم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روایت کرده اند که فرمود:

از پدرم جعفر بن محمد علیهما السلام شنیدم که در شبانگاه می فرمود:

إِذَا أَمْسَى أَمْسَيْنَا، وَأَمْسَى الْمَلِكُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِرْگَاهِ شَبَانْگَاهِ فَرَارَسْدِ شَامِ مِی کَنِیْمِ مَآ وَ شَامِ مِی کَنْدِ هَسْتِی کِه
از آن خداوند است که یگانه و بسیار چیره شونده است، و ستایش سزاوار خداوندی رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، الَّذِی أذْهَبَ بِالنَّهَارِ، وَجَاءَ
بِاللَّیْلِ وَنَحْنُ فِی اسْتِ کِه پُروردگار جهانیان است، آنکه روز را برده و شب را آورده و ما به لطف او در عافیه مِنْهُ. اَللّٰهُمَّ هَذَا
خَلَقَ جَدِیدٌ قَمَدٌ غَشَّانَا، فَمَا عَمِلْتُ فِیْهِ مِنْ عَافِیْتِ هَسْتِیْمِ. خِداوندا؛ این آفریده جدید است که ما را فرا گرفته و پوشانیده، آنچه
بخواهم از خَیْرِ فَسَدِ هَلُّهُ وَقَیْضُهُ، وَكَبُّهُ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً، وَمَا عَمِلْتُ فِیْهِ مِنْ خَیْرِ وَخُوبِیْ دَرِ آن بجاى آورم برای من ساده و آسان و
میسر گردان، و آن را چند برابر سنگین فرما، و آنچه از شَرِّ فَتَجَاوَزَ عَنْهُ بِرَحْمَتِكَ، أَمْسِیْتُ لَا أَمْلِکُ مَا أَرْجُو، وَلَا أَدْفَعُ بَدِیْ دَرِ
آن مرتکب شوم به رحمت خویش از آن

بگذرد. شام کردم در حالی که آنچه را امیدوارم مالک نیستم، و بدی شرّ ما اُخشی، اُمّسِی الأُمُرُ لِغَیْرِی، وَأُمْسِیْتُ مُرْتَهِنًا بِکَسْبِی، آنچه را می ترسم نمی توانم دور کنم، امور در دست غیر من است، و شام کردم در حالی که من در گرو آنچه کسب کرده ام می باشم. وَأُمْسِیْتُ لِأَفْقَرٍ مِنْی، فَاتَّسَعَ لِفَقْرِی مِنْ سَعَتِکَ مِمَّا کَتَبْتَ و شام کردم در حالی که فقیری از من فقیرتر نیست، فقر و تهیدستی مرا از توانگری خویش از نگه داشتن علی نَفْسِکَ التَّقْوَى مَا أَبْقِیْتَنِی، وَالْکَرَامَةَ إِذَا تَوَفَّیْتَنِی، وَالصَّبْرَ بِرِخْوَةٍ لَازِمَ دَانِسْتِهِ اِی بِرطرف کن تا مادامی که مرا در دنیا باقی داشته ای، و چون از دنیا بردی و جانم را گرفتی با من کرم و بزرگواری کن، وَعَلَى مَا ابْتَلِیْتَنِی، وَالْبَرَکَةَ فِیْمَا رَزَقْتَنِی، وَالْعَزْمَ عَلَی طَاعَتِکَ بِرِیاضَتِی صَبْرًا وَبَیاداری، و در آنچه بر من روزی کردی برکت، و بر طاعت خویش عزم و اراده مرحمت کن، فِیْمَا بَقِیَ مِنْ عُمُرِی، وَالشُّکْرَ لِمَکَّ فِیْمَا أَنْعَمْتَ بِه عَلَیَّ. (۱۹۰) در مدتی که از عمر من باقی مانده است، و برای نعمت هایت که بر من بخشیده ای توفیق شکرگزاری عنایت فرما.

تسبیح حضرت زهرا علیها السلام و «آیه الکرسی» برای حفظ شدن از گرفتاری ها

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

دو برادر نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمدند و گفتند: یا رسول الله؛ ما در نظر داریم برای تجارت به شام برویم، دعائی به ما تعلیم فرما.

نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هرگاه در منزلی فرود آمدید و نماز عشاء را قرائت کردید و خواستید بخوابید، تسبیح زهراء علیها السلام و «آیه الکرسی» را بخوانید و از هر گزندی محفوظ خواهید بود.

هنگامی آن ها از مدینه بیرون شدند چند نفر دزد دنبال آنان روان شدند، پس از اینکه در منزلی فرود آمدند، دزدان کودکی

را فرستادند تا بنگرند آن دو جوان بازرگان در چه حال هستند.

کودک رفت و جریان آن دو نفر را که در کجا خوابیده اند مشخص کرد و بازگشت و برای دزدان تعریف کرد.

آن دو بازرگان پس از اینکه نماز خواندند تسبیح حضرت زهراء علیها السلام و آیه الکرسی را قرائت کردند و خوابیدند، غلام بار دیگر برگشت که بازرگانان را به دزدان نشان دهد ولیکن مشاهده کرد یک دیواری دور آن ها کشیده شده است.

غلام بار دیگر نزد دزدان آمد و گفت: دیواری بر آن ها کشیده شده است و دسترسی به آنان نیست.

دزدان گفتند: خداوند تو را رسوا کند، از ترس دروغ می گوئی.

دزدان از جای خود برخاستند و آمدند و لیکن با دیواری بلند روبرو شدند و کسی را در آنجا مشاهده نکردند.

روز بعد در هنگام صبح دزدان نزد آن ها آمدند و گفتند: شما دیشب کجا بودید؟

گفتند: ما در همین جا بودیم و از جای خود حرکت نکرده ایم.

دزدان گفتند: ما آمدیم و در اینجا یک دیوار بلند مشاهده کردیم، اینک داستان خود را برای ما بازگو کنید.

آن دو بازرگان گفتند: ما نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم رفتیم، آن جناب تسبیح حضرت زهراء علیها السلام و آیه الکرسی را به ما تعلیم فرمود و ما هم طبق فرمان آن حضرت عمل کردیم.

دزدان گفتند: شما آسوده باشید به خداوند سوگند دیگر شما را تعقیب نمی کنیم و هیچ دزدی قدرت ندارد به شما دستبرد بزند. (۱۹۱)

دعا برای برطرف شدن ...

بخش سیزدهم

هشت دعا برای نجات از گرفتاری ها

در این بخش، هشت دعا برای رهایی یافتن از گرفتاری ها نقل می کنیم:

□

دعا برای برطرف شدن گرفتاری های مهم

سید بن طاووس رحمه الله گوید: از دعاهای حضرت امام رضاعلیه السلام دعایی است که آن را در کتاب اصل یونس بن بکر یافتیم.

یونس گوید: از سرورم حضرت امام رضا علیه السلام درخواست نمودم که دعایی به من بیاموزد تا آن را هنگام گرفتاری ها و سختی ها بخوانم.

حضرت فرمود:

ای یونس؛ آنچه برایت می نویسم حفظ کن و آن را در هر گرفتاری سخت بخوان که به اجابت می رسد و آنچه آرزو داری و تمنا می نمایی به تو عطا می شود.

سپس برایم نوشت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي وَكَثْرَتَهَا قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ، وَحَجَبَتْني خَدَائِكَ؛ گناهانم و زیادی آن مرا نزد تو شرمسار و بی آبرو نموده است، و مرا عین استیصالِ رَحْمَتِكَ، وَبَاعَدَتْني عَنِ اسْتِجَابِ مَغْفِرَتِكَ، وَلَوْلَا مَازِ شَايَسْتِكِي رَحْمَتُ تُو مَحْرُومِ كَرْدَه، وَ اَز سزاوار بودن آمرزش تو دور ساخته، و اگر نبودتَعَلَّقِي بِالْآيَاتِكَ، وَتَمَسُّكِي بِالذُّعَاءِ، وَمَا وَعَدْتَ أَمْثَالِي مِنْ آوِيخْتِن مِنْ بَه لطف و نعمت های تو، و چنگ زدندم به دعا، و آنچه به امثال من از الْمُسِيرِينَ، وَأَشْبَاهِي مِنَ الْخَاطِئِينَ، وَأَوْعَدْتَ الْقَانِطِينَ مِنْ گناهکاران، و نظائر من از خطاکاران وعده کرده ای، و بیم و تهدیدی که به ناامیدان از رَحْمَتِكَ بِقَوْلِكَ «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا رَحْمَتِي دَادَه اِي بَه اَيْن فرمایشت: «ای بند گانم که بر خویش زیاده روی و ستم روا داشته اید مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (۱۹۲). از رحمت خدا ناامید نشوید، خداوند تمام گناهان را می آمرزد، که همانا او آمرزنده و مهربان است، «وَخَيَّرْتَ الْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ، فَقُلْتَ «وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ وَنَاامِيدَان اَز رَحْمَتِي رَا بَر حذر داشته ای و فرموده ای: «و چه کسی از رحمت پروردگارش إِلَّا الضَّالُّونَ» (۱۹۳)، ثُمَّ

نَدْبِنَا بِرَأْفَتِكَ إِلَى دُعَائِكَ، فَقُلْتُ «أَدْعُونِي جَزْ كَمَا هِيَ نَادِيَةٌ تَدْعُو بِهَا رُحَمَاءُ اللَّهِ إِلَى دُعَائِهِمْ» سِيسَازِ رُحْمَى مَهْرٍ وَ مَحَبَّةٍ مَا رَا بِه دَعَاكَرْدَن وَ رَا ز وَ نِيَا ز بَا خُودَتِ خُواندِي وَ فَرمودِي: «مرا بخوانيد اَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ تَا شَمَا رَا اجابَتِ كَنَم، بَدُونِ تَرديدِ كَسَانِي كِه از عبادتِ مَن تَكْبِرِ وَرَزَنَدِ بِه زُودِي بَا خُوارِي وَ سَرافِ كَنَدِ كِي بِه دُوزخِ داخِرِينِ» (۱۹۴). اِلَهِي لَقَدْ كَانَتْ ذَلِكِ الْاِيَّاسِ عَلَيَّ مُشْتَمِلًا، وَالْقَنُوطُ سِرْنُ كُونِ شُونَدِ. خُدايِ مَن؛ بِه راسِتيِ اَيْنِ يَاسِ مَرا شامِلِ كَشْتِه، وَ نَااميدِي مَن رَحْمَتِكَ مُلْتَحِفًا. اِلَهِي لَقَدْ وَعَدْتَ الْمُحْسِنَ ظَنَّهُ بِكَ ثُوابًا، از رَحْمَتِ مَرا دَر بَر كَرفْتِه اسْت. خُدايِ مَن؛ بِه اَنكَه نَسِبتِ بِه تُو خُوشِ كَمانِ اسْت وَ عَدِه ثُوابِ وَ پاداَشِ دَادهِ اِي، ۱. سوره زَمَر، آيه ۲. ۵۳. سوره حَجَر، آيه ۳. ۵۶. سوره غَا فَر، آيه ۶۰.

وَ اُو وَعَدْتَ الْمُسِيءَ ظَنَّهُ بِكَ عِقَابًا. اَللَّهُمَّ وَ قَدْ اَمَسَكَ رَمَقِي وَ بِه اَنكَه بِه تُو بَد كَمانِ اسْت بِيَمِ كِيفَرِ وَ عِقَابِ دَادهِ اِي. خُداوندا؛ مَرا از هِلاكَتِ نَگَه دَاشْتِه وَ رَمَقِي دَر مَن باقِي كَذاشْتِه حُسْنِ الظَّنِّ بِكَ فِي عِنَقِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ تَعَمَّدِ زَلَّتِي وَ اِقَالَ هِخُوشِ كَمانِي اَم بِه تُو دَر اَزادِي اَم از اَتَشِ، وَ چِشْمِ پُوشِي از كَناهِ مَن وَ بَخِشِشْتِ از عِثْرَتِي. اَللَّهُمَّ قُلْتُ فِي كِتَابِكَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ لَغَزَشِ مَن. خُداوندا؛ تُو دَر كِتابِ خُودِ فَرمودِه اِي وَ كَفتارِ تُو حَقِّ اسْت تَخَلَّفَ نَداردِ وَ ثابِتِ اسْت وَ لا تَبْدِيلَ، «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُناسٍ بِاِمامِهِمْ» (۱۹۵) وَ ذَلِكِ يَوْمِ النُّشُورِ وَ دَگَر كُونِ نَمِي كَرَدَد: «رُوزِي كِه هَر كُروهي از مَرَدَمِ را با پِيشِوايِ شانِ فِراخُوانِيم» وَ اَن رُوزِ رَسْتاخِيزِ اسْت، اِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ وَ بُعِثَ ما فِي الْقُبُورِ» (۱۹۶). اَللَّهُمَّ فَاِنِّي اُوفِي هِنكَمِي كِه دَر صُورِ دَميدِه شُود، وَ «اَنچِه دَر مِيانِ كُورِها اسْت بِيرونِ اَفكَندِه شُود». خُداوندا؛ مَن وَ فَاكَندِه اَم، وَ اَشْهَدُ وَ اَقْرُّ وَ لا

أَنْكِرُ وَلَا أُجْحَدُ وَأُسِرُّ وَأُعْلِنُ وَأُظْهِرُ وَأُبْطِنُ وَ گواهی می دهم و اقرار می کنم و نفی می نمایم و هرگز انکار نمی کنم و در نهان و آشکار و ظاهر و باطن بر این عقیده ام بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا كَمَا بَدُونَ تَرَدِيدٌ تُو خدایی هستی که جز تو خدایی نیست، یگانه ای و شریکی برای تو نیست، و بدون تردید (حضرت) مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - که درود خدا بر او و آل او باد - بنده و فرستاده تو است، و این که حضرت علی امیر مؤمنان سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ، وَوَارِثُ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ، عِلْمِ الدِّينِ، وَمُبِيرُ سُرُورِ الْأَوْصِيَاءِ، وَوَارِثُ عِلْمِ پیامبران، نشانه دین، و نابودکننده الْمُشْرِكِينَ، وَمُمَيِّزُ الْمُتَنَافِقِينَ، وَمُجَاهِدُ الْمَارِقِينَ، وَإِمَامِي مُشْرِكَانَ، وَجَدَاكُنْدَةَ مُنَافِقَانَ، وَنَبِرْدَكُنْدَةَ بَاخْرَجَ شَدَّكَانَ از دین، و پیشوای من، وَحُجَّتِي وَعَزْوَتِي وَصِرَاطِي وَدَلِيلِي وَحُجَّتِي، وَمِنْ لَا أَتَقَى وَحُجَّتِي بِرِمْ، وَدَسْتِ آوِيْزِ مِنْ، وَرَاهِنَمَا وَدَلِيلِ مِنْ اسْتِ، وَ أَوْ كَسِي اسْتِ كَهْ مِنْ بَاعْمَالِي وَلَوْ زَكَّتْ، وَلَا أَرَاهَا مُنْجِيَةً لِي وَلَوْ صَلَّحْتُ إِلَيْهِ أَعْمَالِي - هر چند پاک باشد - اطمینان ندارم، و آن ها را - گرچه صالح و شایسته باشد - نجات دهنده خود نمی دانم مگر ۱. سوره اِسْرَاءِ، آیه ۲. ۷۱. سوره عادیات، آیه ۹.

بِوِلَايَتِهِ، وَالْإِئْتِمَامِ بِهِ، وَالْإِقْرَارِ بِفَضَائِلِهِ، وَالْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِهَا، بِوِلَايَتِهِ، وَاقْتِدَاكَرْدَنِ بِيهِ، وَاقْرَارِنَمُودَنِ بِيهِ فِضَائِلِهِ، وَبِذِيرْفَتَنِ از حافظان او، وَالنَّسْلِيْمِ لِرُؤَاتِهَا. وَأَقْرُ بِأَوْصِيَاءِهِ مِنْ أُنْبَاءِهِ أَيْمَةً وَحُجَجًا، وَتَسْلِيْمِ بُوْدَنِ دَرِ بَرَابَرِ نَاقِلَانِ وَرَاوِيَانِ فِضَائِلِ أَنْ حَضْرَتِ. وَاقْرَارِ مِي كُنْمَ بِي جَانَشِيْنَانِ أَوْ از فِرْزَنْدَانِش كِه اِمَامَانْدِ وَحُجَّتِ هَايِ الْهِي هَسْتَنْدِ، وَأَدِلَّهُ وَسُرْجًا، وَأَعْلَامًا وَمَنَارًا، وَسَادَّةً وَأَبْرَارًا،

وَأُوْمِنُ وَرَاهِنْمَايَانِ وَچَرَاغِ هَايِ هِدَايْتِنْدِ، وَنَشَانِهٖ هَايِ دِيْنِ وَمَحَلِّ تَابَشِ نُوْرِنْدِ، وَسِرُوْرَانِ وَنِيْكَوْكَارَانِنْدِ، وَبِسِيْرَتِهِمْ وَجَهْرِهِمْ، وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ، وَشَاهِدِهِمْ وَغَايِبِهِمْ، بِهٖ پَنِهَانِ وَآشْكَارِ اِيْشَانِ، وَظَاهِرِ وَبَاطِنِ شَانِ، وَحَاضِرِ وَغَائِبِ شَانِ، وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، لَا شَكَّ فِيْ ذَلِيْكَ، وَلَا اَزْتِيَابِ عِنْدَ تَحْوِيْلِكَ وَلَاوْ زَنْدِهٖ وَمِرْدِهٖ اِيْشَانِ اِيْمَانِ دَارِمِ، هِيْجِ گُوْنِهٖ شَكِّيْ دَرِ اَنْ نِدَارِمِ، وَنَزْدِ دِگَرِ گُوْنِ كَرْدِنْتِ وَانْقِلَابِ. اَللّٰهُمَّ فَادْعُنِيْ يَوْمَ حَشْرِيْ وَنَشْرِيْ بِاِمَامَتِهِمْ، وَانْقِذْنِيْ بَاَزْكَرْدَانِنْدِنِ تَرْدِيْدِيْ بِهٖ خُوْدِ رَاِهٖ نِمِيْ دِهْمِ. خِدَاوَنْدَا؛ رُوْزِ مَحْشَرِ وَرِسْتَاخِيْزِمِ مَرَا بِهٖ اِمَامَتِ اِيْشَانِ بَخْوَانِ، وَبِهِمْ يَا مَوْلَايَ مِنْ حَرِّ النَّيْرَانِ، وَ اِنْ لَمْ تَرْزُقْنِيْ رُوْحَ الْجِنَانِ، اَزْ حَرَارَتِ آتَشِ - اِيْ مَوْلَايَ مِنْ - بِهٖ وَاسِطَهٗ اِيْشَانِ مَرَا رِهَايِيْ بَخْشِ، وَ اِگَرِ چِهٖ آسَايِشِ وَرَاْحَتِيْ بَهْشْتِ رَا رُوْزِيْ مِنْ نِگَرْدَانِيْ؛ فَاِنْكَ اِنْ اَعْتَقْتَنِيْ مِنْ النَّارِ كُنْتُ مِنَ الْفَاٰتِزِيْنَ. اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اُضِيْبِحْتُ زِيْرَا اِگَرِ مَرَا اَزْ آتَشِ اَزَادِ كَرْدِيْ اَزْ رِسْتِگَارَانِ هِسْتِمِ. خِدَاوَنْدَا؛ اِمْرُوْزِ كِهٖ صَبِيْحِ كَرْدِهٖ اِمْ يَوْمِيْ هَذَا لَا ثِقَهٗ لِيْ وَلَا رَجَاآءَ وَلَا لَجَاآءَ وَلَا مَفْرَعًا وَلَا مَنجَا غَيْرَ هِيْجِ گُوْنِهٖ اِطْمِيْنَانِيْ وَاَمِيْدِيْ وَپَنَاهِيْ وَپَنَاهِگَاهِيْ وَنِجَاتِ بَخْشِيْ غِيْرِ اَزْ هِمَانِ مَنْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ اِلَيْكَ، مُتَقَرَّبًا اِلَى رَسُوْلِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرِجْوَارَانِيْ كِهٖ بُوَاسِطَهٗ اَنَانِ بِهٖ سُوِيْ تُو تَوَسَّلْ جِسْتِهٖ اِمْ بَرَايِ مَنْ نِيْسْتِ دَرِ حَالِيْ كِهٖ تَقَرَّبَ مِيْ جُوِيْمِ بِهٖ رَسُوْلِ تُو حَضْرَتِ مُحَمَّدٍ - كِهٖ دَرُوْدِ خِدَا بَرِ اَوْوَالِهٖ، ثُمَّ عَلِيٌّ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالزَّهْرَاءُ سَيِّدَهٗ نِسَاآءِ الْعَالَمِيْنَ، وَآلِ اَوْ بَادِ - سِپَسِ بِهٖ - حَضْرَتِ (عَلِيِّ اَمِيْرِ وَفَرْمَانْرُوْايِ مُؤْمِنَانِ وَ) حَضْرَتِ (زَهْرَا كِهٖ سِرُوْرِ زَنَانِ عَالَمِ وَجُوْدِ اسْتِ، وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيٍّ وَاِمَامِ حَسَنِ وَاِمَامِ حُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيٍّ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيٍّ وَمَنْ بَعْدَهُمْ

يُقِيمُ الْمَحَجَّةَ إِلَى الْحُجَّةِ، وَمَحْمِدٌ وَعَلِيٌّ وَحَسَنٌ وَآنُ كِه بَعْدَ اَز ايشان به پيامي دارد راه راست به سوي حَيِّتِ وَ دَلِيلِ
رَالْمَسِيءِ تُوْرَه مِنْ وُلْدِهِ، الْمَرْحُوُّ لِلْإِمَامَةِ مِنْ بَعْدِهِ. اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ فِيْ كِه اَز فرزندان خود پنهان است و اميد امت بعد از اوست.
خداوندا؛ هَذَا الْيَوْمِ وَمَا بَعْدَهُ حِصْنِي مِنَ الْمَكَارِهِ، وَمَعْقِلِي مِنَ الْمَخَافِ، امروز و بعد از آن ايشان را جاىگاه امن و نفوذناپذير من
در مقابل ناخوش آيندها، و پناهگاه من در برابر آنچه ترسناك است قرار بده، وَنَجِّنِيْ بِهِمْ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ وَطَاغٍ وَبَاغٍ وَفَاسِقٍ، وَمِنْ
شَرِّ مَا وَنَجَاتِ بَدَه مَرَا بَه وَاسطه ايشان از شَرِّ هَر دَشْمَن وَ سَتْمَكَارِ سَرَكَشِ، وَ تَجَاوُزْ كَر وَ تَبَه كَارِ، وَ اَز شَرِّ اَنْجِه اَعْرِفُ وَمَا
اُنْكَرُ، وَمَا اَسِيَّتَرَ عَنِّيْ وَمَا اُبْصِرُ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهِيْ سَنَاسَمِ وَ نَمِي سَنَاسَمِ، وَ اَنْجِه پوَشِيْدَه اَسْت اَز مَنْ وَ اَنْجِه مِي بِيْنَمِ، وَ اَز
شَرِّ هَر جَنْبِنْدَه اِي كِه رَبِّيْ اَخَذَ بِنَاصَةِ بَيْتِهَا، اِنَّكَ عَلَي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. اَللّٰهُمَّ بَتَوَسُّلِيْ بِهِمْ زَمَامِ اُو رَا پُروردگارم بدست دارد، كِه
همانا تو بر راه استواري. خداوندا؛ به خاطر توسلِي كِه به سبب ايشان اِلَيْكَ، وَتَقَرُّبِيْ بِمَحَبَّتِهِمْ، وَتَحْصُنِيْ بِإِمَامَتِهِمْ، اِفْتَحْ عَلَيَّ فِي
هَذَا بَه تُو دارم، وَتَقَرُّبِيْ كِه بَه وَاسطه مَحَبَّتِ وَ دُوسْتِي ايشان دارم، وَ پناهنگي ام به امامت ايشان، الْيَوْمِ اَبْوَابِ رِزْقِكَ، وَانْشُرْ
عَلَيَّ رَحْمَتِكَ، وَحَبِّبْنِيْ اِلَى خَلْقِكَ، امروز به رُوي من درهاي روزيت را بگشا، وَ رَحْمَتِ رَا بَر مَنْ بَگَسْتَرَانِ، وَ مَرَا مَحْبُوبِ
آفريدگانت فرما، وَحَبِّبْنِيْ بَغَضِهِمْ وَعَدَاوَتِهِمْ، اِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ وَ مَرَا اَز كِيْنَه وَ دَشْمَنِي ايشان دور فرما، كِه تُو بَر
هَر چيزي توانا هستي. خداوندا؛ وَلِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ ثَوَابٌ، وَلِكُلِّ ذِي شَفَاعَةٍ حَقٌّ، فَاسْأَلُكَ بِمَنْ جَعَلْتَهُ بَرَايِ هَر تَوَسِّلٍ جُويْنْدَه اِي
پاداشي، وَ بَرَايِ

هر شفاعت دارنده ای حقی است، از تو می خواهم به حق آن کسی که او را وسیلتی إِلَیْکَ، وَقَدَّمْتُهُ أَمَامَ طَلِبْتِي، أَنْ تُعَرِّفَنِي بَرَكَةَ یَوْمِ هَذَا وسیله و واسطه خودم به سوی تو قرار دادم، و پیشاپیش خواسته ام مقدم کردم، برکت این روز و شهری هذا وَعَامِ هَذَا. اللَّهُمَّ وَهُمْ مَفْزَعِي وَمَعُونَتِي فِي شِدَّتِي وَبَلَاتِي، وَنَوْمِي وَيَقْظَتِي، وَظِعْنِي وَإِقَامَتِي، وَرَفَاهِمِ، وَعَافِيَتِي وَرِخَائِي، وَخَوَابِي وَبِيدَارِي، وَكُوجِ كَرْدَنِي وَاقَامَتِي، وَعُشِيرِي وَيُسِيرِي، وَعَلَائِيَّتِي وَسِرِّي، وَإِضْبَاحِي وَإِمْسَائِي، وَسَخْتِي وَآسَانِي، وَآشْكَارِي وَپَنَهَانِي، وَبَامَدَامِي وَشامگاهم، وَتَقْلُبِي وَمَثْوَايَ، وَسِرِّي وَجَهْرِي. اللَّهُمَّ فَلَاتَخِينِنِي بِهِمْ مِنْ وَحْرَتِي وَسُكُونِي، وَنَهَانِي وَآشْكَارِي هَسْتَنْد. خداوندا؛ به حق ایشان مرا محروم نآئِدْکَ، وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْ رَحْمَتِکَ، وَلَا تُؤَيِّسِنِي مِنْ رَوْحِکَ، از عطایت مفرما، ناامید از رحمتت مکن، و مایوس از لطف و یاریت مدار، وَلَا تَبْتَلْنِي بِإِنْعِلَاقِ أَبْوَابِ الْأَرْزَاقِ، وَأَنْسِدَادِ مَسَالِكِهَا، وَارْتِيَاحِ وَرَا مَبْتَلَا مَکْنِ بِهَسْتَه بُوْدن دَرهَای رُوْزی هَا، وَبَسْتَه بُوْدن رُوْش هَای (بِه دَسْت آوَرْدن) آن هَا، وَرَاحَت بُوْدن مِذَاهِبِهَا، وَافْتِیْحِ لِي مِنْ لَدُنْکَ فَتَحًا یَسِیرًا، وَاجْعَلْ لِي مِنْ کُلِّ رَفْتِنِ بَه سُوْی رُوْزی هَا، وَاز نَاحِیَه خُوْدت گَشَایِش آسَانِی بَرَا یَمِ بَاز کُن، وَاز هَر ضَرْفِ نَکِ مَخْرَجًا، وَإِلَى کُلِّ سَبْعَةٍ مِنْهَجًا، إِنَّکَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ، وَصَلِّ لِي تَنَکْنِیَی مَحَلِّ خُرُوْجِی، وَبَه سُوْی هَر تُوَانِگَرِی وَآسَایِشِی رَاه آشْکَاری قَرَار بَدَه، کِه تُو مَهْرَبَانْتَرِین مَهْرَبَانَانِی، وَدَرُوْدَ اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ، اَمِینَ رَبِّ الْعَالَمِینَ. (۱۹۷) خداوند بر (حضرت) محمد و آل پاک و پاکیزه او باد، اجابت کن، (ای) پروردگار جهانیان.

دعای دیگر هنگام گرفتاری های سخت

... برای برطرف شدن هر درد...

سید بن طاووس رحمه الله از کتاب «تعبیر الرؤیا»

- تألیف محمّد بن یعقوب کلینی - چنین نقل کرده است: احمد از وشاء، و او از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

پدرم را در خواب دیدم، به من فرمود: پسر من؛ هرگاه در گرفتاری سختی قرار گرفتی، زیاد بگو: «یا رُؤُوفُ یا رَحِيمُ»؛ ای بسیار مهربان؛ ای رحم کننده»، و آنچه را در خواب می بینی مانند آن است که در بیداری بینی. (۱۹۸)

دعا برای برطرف شدن هر درد و مرض

خالد عبسی می گوید: حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام این عود و دعا را به من تعلیم نمود و فرمود:

آن را به برادران مؤمن خود یاد بده که آن، برای هر دردی است:

أُعِيذُ نَفْسِي بِرَبِّ الْأَرْضِ وَرَبِّ السَّمَاءِ، أُعِيذُ نَفْسِي بِاللَّذِي پناه می دهم نفس خود را به پروردگار زمین و پروردگار آسمان، پناه می دهم نفس خود را به کسی که لایضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ، أُعِيذُ نَفْسِي بِاللَّذِي اسْمُهُ بَرَكَهٌ وَشِفَاءٌ. (۱۹۹) با اسم او، مرض زبانی نمی رساند، پناه می دهم نفس خود را به کسی که اسم او برکت و شفا است.

دعای دیگر برای برطرف شدن هر درد و مرض

زکریا بن آدم - که در خراسان حضرت امام رضا علیه السلام را خدمت می کرد - گوید: روزی حضرت امام رضا علیه السلام مرا صدا زد و فرمود:

ای زکریا؛ عرض کردم: گوش به فرمان شما هستم ای فرزند رسول خدا.

فرمود: برای تمام دردها و بیماری ها این دعا را بخوان:

يَا مُنْزِلَ الشُّفَاءِ، وَمُذْهِبَ الدَّاءِ، أَنْزِلْ عَلَيَّ وَجِعِي الشُّفَاءَ. ای نازل کننده شفا؛ و از بین برنده درد؛ بر درد من شفا را نازل فرما.

به اذن خداوند تبارک و تعالی عافیت خواهی یافت. (۲۰۰)

دعا برای رهایی از چشم خوردگی

معمر بن خلّاد گوید: در خراسان با حضرت امام رضا علیه السلام بودم و بازار رفتن و خریدن اجناس به عهده من بود، روزی به من دستور داد تا برایش غالیه (ماده ای است خوش بو) تهیه کنم. هنگامی که خریدم و نزد آن حضرت آوردم مورد پسندش قرار گرفت و از آن خوشش آمد، نگاهی به آن کرد و به من فرمود:

ای معمر؛ بدون تردید چشم زدن حق است (یعنی چیزی است که تحقق پیدامی کند)، در کاغذی سوره «حمد» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «آیه الکرسی» را بنویس، و آن را در جلد این ظرف قرار بده. (۲۰۱)

دعا برای برطرف شدن سحر

دعا برای برطرف شدن تب

محمد بن عیسی گوید: از حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام در مورد سحر سؤال کردم، فرمود:

چنین چیزی هست، و آن ها ضرر و زیان می رسانند به اذن خداوند تبارک و تعالی، هنگامی که دچار شدی دستت را در برابر صورتت بالا ببر و این دعا را بخوان:

بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ، رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، إِلَهِنَا خَدَاوَنَدُ بَزْرَكُ مَرْتَبَه، بِنَامِ خَدَاوَنَدُ بَزْرَكُ مَرْتَبَه، پَرُورِدْ گَار و صَاحِبِ عَرْشِ عَظِيمِ، كَه ذَهَبَتْ وَأَنْقَرَضَتْ. (۲۰۲)

از بین روی و نابود شوی.

دعا برای برطرف شدن تب

از حضرت امام رضاعلیه السلام روایت شده است: برای برطرف شدن تب، این دعا به این صورت نوشته شود و مریض آن را همراه خود نماید: (۲۰۳)

بِنَامِ خَدَاوَنَدُ بَخْشَنَدَه مَهْرَبَان، «گفتیم: ای آتش؛ بر ابراهیم و آل ابراهیم سرد و سلامت باش» (۲۰۴) و درود فرست بر محمد و آل محمد، و بر فلان پسر فلان به اذن و فرمان پروردگار.

ادعا برای پیدا شدن گمشده

از حضرت امام رضاعلیه السلام روایت شده است که فرمود:

هر گاه چیزی از تو مفقود شد یا کالایی را گم کردی، بگو:

«وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ» و نزد او کلیدهای غیب است و جز او کسی به آن ها علم ندارد، و خداوند (به آنچه در خشکی و دریا وجود دارد علم دارد، و ما تسقط من ورقه إلا يعلمها ولا حبه في ظلمات الأرض و برگی از درخت نمی افتد مگر آنکه) خداوند (از آن آگاه است، و بذری در نهان زمین قرار ندارد، ولا رطب ولا يابس إلا في كتاب مبين» (۲۰۵).

و هیچ تر و خشکی نیست مگر آن که نام آن در کتابی روشنگر است».

سپس بگو: اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَهْدِي مِنَ الضَّلَالَةِ، وَتُنَجِّي مِنَ الْعَمَى، خَدَاوَنَدَا؛ به راستی که تو از گمراهی

به هدایت می کشانی، و از کوری رهایی می بخشی، وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفُزْ لِي، وَرُدُّوْ گمشده را باز می گردانی، بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا بیمارز، و ضالَّتِي، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِهِ وَسَلِّمْ. (۲۰۶)

گمشده ام را باز گردان، و بر محمد و آل او درود و سلام بفرست.

دعا برای غلبه بر دشمن و...

بخش چهاردهم

هشت دعا برای نجات از شرّ ظالم

در این بخش، هشت دعا برای نجات از شرّ ظالم نقل می کنیم:

۱۰

نفرین دشمنان

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هنگامی که یکی از شما دشمن خود را نفرین می کند، باید بگوید:

اللَّهُمَّ اطْرُقْهُ بِلَيْلِهِ لَا أُحْتِ لَهَا، وَأَبْحِ حَرِيمَهُ. (۲۰۷)

خداوندا؛ او را به حادثه ای (خطرناک) در شب گرفتار کن که برایش نظیری نباشد و حریم او را مباح گردان.

دعا برای غلبه بر دشمن و ناراحتی های دیگر

مولای ما حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام هنگامی که مأمون بر آن حضرت غضب کرده و خشمگین بود، این دعا را خواندند، پس آرام گرفت و خشم او فرو نشست:

بِاللَّهِ أَشْفَيْتُحُ، وَبِاللَّهِ أَشْتَجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ. اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِي بِه نام خدا آغاز می کنم، و از خداوند توفیق و کامیابی می طلبم، و به (حضرت) محمد صلی الله علیه و آله و سلم روی می آورم. خداوندا؛ خزونۀ امری کُلَّهُ، وَيَسِّرْ لِي صِيحُوبَتَهُ، إِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ سَخْتِي هَا وَ نَاهِمُواری هَایِ تَمَامِي كَارِم رَا هَمُوَارِ كِن، وَ دَشُواری هَایِ آن رَا آسَانِ كِرْدَان، كِه تُو نَابُوْد مِي كِنِي آنچِه رَا بَخُوَاهِي وَ تُثَبِّتُ، وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ.

و ثابت می گردانی، و نزد تو اصل کتاب آفرینش و لوح محفوظ است.

و مسنداً از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هرگز امری مرا اندوهناک نساخت و دچار تنگی معاش نشدم و با مبارزی روبرو نگشتم، و این دعا را خوانده باشم؛ مگر اینکه خداوند اندوه و غصه ام را برطرف کرد و گشایش در کارم داد و پیروزی بر دشمن را نصیب من ساخت. (۲۰۸)

دعای حجاب و حفظ شدن از شر دشمنان

دعای امام رضا علیه السلام برای حفظ شدن از شر دشمنان و پنهان ماندن از دسترس آنان:

إِسْتَسَلَمْتُ مَوْلَايَ لَكَ، وَأَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَتَوَكَّلْتُ فِي كُلِّ مَوْلَايَ مِنْ؛ خُود رَا تَسْلِيمِ تُو نَمُودِم، وَ خُوِيَشْتِن رَا بَه تُو وَ اَكْذَار كَرْدِم، وَ دَر هَمِه اُمُورِي عَلَيْكَ، وَأَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِيكَ، إِحْبَانِي اللَّهُمَّ فِي سِتْرِكَ كَارِهَائِم بَر تُو تَوَكَّل كَرْدِم، وَ مِنْ بِنْدِه تُو وَ پَسَر دُو بِنْدِه تُو اَم. خِداوند ا؛ مرا در پوشش دعا برای وارد شدن بر کسی...

عَنْ شَرَارِ خَلْقِكَ، وَاعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ أَذَى وَسُوءٍ بِمَنِّكَ، وَ اَكْفِنِي از آفَرِيدگان شَرُورَتِ پَنهَانِ بَدَارِ، وَ بَه لَطْفِ خُودِ از هَر اذِيَّتِ وَ آزارِي حَفْظِ كُن، وَ شَرَّ كُلِّ ذِي شَرِّ بِقُدْرَتِكَ. اَللَّهُمَّ مِنْ كَادَنِي اَوْ

أَرَادَنِي فَإِنِّي أَدْرَأُ بِهِ قَدْرَتِ بَدِي هَر تَبْهَكَارِي رَا نَسَبَتِ بِي مِن كِفَايَتِ كُن. خدَاوندَا؛ هَر كَس بِه مِن حِيَلِه كُنْد يَا قِصْد فَرِيْب مَرَا دَاشْتِه بَاشِد، بِي ۱. بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ۳۱۵/۹۴.

بِكَ فِي نَحْرِهِ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ مِنْهُ، وَأَسْتَعِيذُ مِنْهُ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، وَسِيلَهُ تُو أَن رَا دَفْعِ كَرْدِه وَبِه خُودَش بِرْمِي گَرْدَانِم، وَدَر بَرَابَرِ اُو اَز تُو يَارِي مِي جُويِم، وَ اَز شَرِّ اُو بِه تُوَانَايِي وَ نِيروِي تُو پَنَاهِ مِي بِرْم، وَشُدَّ عَنِّي أَيَّدِي الظَّالِمِينَ، إِذْ كُنْتُ نَاصِرِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَاو بِنَبَدِ اَز مِن دِستَانِ سَتْمِگَرَانِ رَا؛ زِيْرَا تُو يَاوَرِ مِن بُوْدِه اِي، جَز تُو خدَاوَنْدِي نِيَسْت، اِي أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَإِلَهَ الْعَالَمِينَ. أَسْأَلُكَ كِفَايَةَ الْمَآذِي، وَالْعَافِيَهُم بِأَنْتَ، وَ اِي خدَاوَنْدِ جِهَانِيَانِ. اَز تُو مِي خُوهَامِ كِفَايَتِ نَمُودِنِ اَز اذِيْتِ وَ آزارِ، وَ عَافِيَتِ وَالشِّفَاءِ، وَالنَّصِيْرَ عَلَيَّ الْأَعْيَادِ، وَالتَّوْفِيْقَ لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَاو شِفَا، وَ نِصْرَتِ وَ يَارِي بِرِ عَلِيَه دِشْمَنَانِ، وَ تُوْفِيْقِ اَنْچِه رَا كِه دُوسْتِ مِي دَارِي اِي پُرُورْدِ گَارِ مَاوْتَرُضِي، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، يَا جَبَّارَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، يَاو مِي پَسَنْدِي، اِي خدَايِ عَالَمِيَانِ؛ اِي مَسْلُطَ بَرِ آسْمَانِ هَا وَ زَمِيْنِ هَا، اِي رَبِّ مُحَمَّدٍ وَإِلَهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، صِيْلُوا تَكَ عَلَيَّهِمْ أَجْمَعِينَ. (۲۰۹) پُرُورْدِ گَارِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ پَاكِ وَ پَاكِيْزِه اُو، دُرُودِ تُو بِرِ هَمِه اَنَانِ بَاد.

دعا برای وارد شدن بر کسی که انسان از شر او می ترسد

حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام هر گاه می خواستند بر کسی وارد شوند که از او بیم (گرفتاری) داشتند، این دعا را می خواندند:

اللَّهُمَّ يَدُكَ فَوْقَ يَدِهِ، وَسُلْطَانُكَ أَعْظَمُ مِنْ سُلْطَانِهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي خدَاوَنْدَا؛ دِستِ تُو بَالَايِ دِستِ اُو، وَ نِيروِي تُو نِيروْمَنْدَتَرِ اَز نِيروِي اُو اِسْت. خدَاوَنْدَا؛ اَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيَّهِ، بِه وَسِيلَه تُو، اُو رَا دُورِ كَرْدِه وَ بِه خُودَش بِرْمِي گَرْدَانِم، وَ اَز شَرِّ اُو بِه تُو پَنَاهِ مِي بِرْم، وَ

به واسطه تو بر او یاری می جویم، ۱. مهج الدعوات: ۳۵۸، المصباح: ۲۹۳، البلد الأمين: ۶۴۴، المجموع الرائق: ۳۸۱/۱، بحار الأنوار: ۳۷۹/۹۴.

وَأَلْجَأَ إِلَيْكَ مِمَّا أَشْفَقْتَ عَلَى نَفْسِي مِنْهُ. اَللّٰهُمَّ فَكُنْ عِنْدَ ظَنِّي وَازْأَنْجِهْ بَرِ خُودِمِ مِي تَرْسَمِ اَزْ نَاحِيَهْ اَوْ بَهْ تُو پَنَاهِنْدَهْ مِي شُومِ. خداوند! پس بوده باش نزد گمانم بک فيما لم أجد فيه مفرعاً غيرك، ولا ملجأ سواك، فقد علمتُ به تو در آنچه پناهی غیر از تو در آن نمی یابم، و به تحقیق می دانم اَنْ عَدْلَكَ اَوْسَعُ مِنْ جَوْرِ الْجَائِرِينَ، وَإِنْصَافَكَ مِنْ وِرَاءِ كِهْ عَدْلُ تُو گسترده تر از ستم ستمکاران است، و حق طلبی تو در پی الظالمين، فَأَجِرْنِي مِنْهُ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ بِحَقِّكَ عَلَيَّكَ، فَإِنَّ أَحَدًا سَمَّكَرَانَ اسْت، پس مرا از او امان بده به حقّ خودت بر تو ای خداوند جهانیان، به راستی که هیچ کس لایعرفُ حَقَّكَ حَسْبِ مَعْرِفَتِكَ بِحَقِّكَ. حَسْبِي أَنْتَ يَا اَللّٰهُ، حَسْبِي حَقُّ تُو رَا نَمِي شَنَاسِدْ اَنّْ كُوهْ كِهْ تُو حَقُّ خُودِ رَا مِي شَنَاسِي. تُو مَرَا بَسْ هَسْتِي اِي خُودَا، اَنْتَ يَا اَللّٰهُ، حَسْبِي أَنْتَ يَا اَللّٰهُ، وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَيْكَ فَاَنْتَ حَسْبُهُ، تُو مَرَا بَسْ هَسْتِي اِي خُودَا، تُو مَرَا بَسْ هَسْتِي اِي خُودَا، وَ هَرْ كَسْ بَرِ تُو تَوَكَّلْ كُنْدِ اَوْ رَا بَسْ هَسْتِي، بِعَدْلِكَ جَرِي وَعَدُّكَ، وَنَطَقَ كِتَابُكَ، وَأَنْتَ اَوْفَى الضَّامِنِينَ، وَعَدَّةُ اَتِ بَهْ اَيْنِ قَاعِدَهْ جَارِي گشته و کتابت به همین مطلب گویا است، و تو وفاکننده ترین ضامنان هستی، سُبْحَانَكَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اَللّٰهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. (۲۱۰)

پاک و منزّهی (ای) پروردگار جهانیان، و درود خداوند بر محمد و آل او باد.

ادعا برای برطرف شدن شرّ ظالم

دعای برای برطرف شدن شرّ ظالم

حضرت امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کرده است که فرمود:

منصور دوانیقی کسی را به سوی جعفر بن محمد علیهما السلام فرستاد تا او

را به قتل رساند و شمشیر و آن بساطی را که زیر پای محکوم به قتل می گسترانند آماده کرد و به ربیع گفت: هنگامی که من سخن گفتم و دستم را به دست دیگر زدم گردن او را بزن.

همین که جعفر بن محمد علیهما السلام وارد شد و منصور از دور آن حضرت را دید، در روی بستر به خود حرکتی داد و گفت: خوش آمدی ای اباعبدالله؛ بسوی شما نفرستادم مگر به این امید که وام شما را پردازم و حق و حرمت شما را رعایت کنم.

سپس با مهربانی و لطف از اهل بیتش سؤال کرد و گفت: حتماً خدا بدهی شما را ادا و جایزه شما را پرداخت کرد. ای ربیع؛ کار سوئی را انجام نده تا جعفر بن محمد را بسوی خانه و خانواده اش بازگردانی.

وقتی امام علیه السلام بیرون رفت، ربیع به آن حضرت عرض کرد: آیا آن شمشیر و آن بساط چرمی را دیدید؟ منصور آن ها را برای شما آماده کرده بود، هنگام وارد شدن دیدم لب های مبارک شما بهم می خورد، چه دعائی می خواندید؟

امام علیه السلام فرمود: آری؛ چون شَرِّ و بدی در چهره منصور مشاهده کردم، گفتم:

حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، وَحَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، پروردگار بی نیازکننده من از هر پرورش یافته است، و آفریدگار بی نیازکننده من از هر آفریده شده است، وَحَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ، وَحَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، و روزی دهنده بی نیازکننده من از هر روزی داده شده است، و خدا مرا بس است که پروردگار جهانیان است، حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِي، حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا كَفَايَتِي مَي كُنْد مَرَا أَنكُه مَرَا كَافِي اسْت، كَفَايَتِي مَي كُنْد مَرَا أَنكُه هَمَوَارَه كَفَايَت كُنْدَه مَن اسْت، خَدَا اسْت أَنكُه جَز هُو، عَلَيَه تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. (۲۱۱)

او معبودی نیست، بر او

توکل کردم و او پروردگار عرش عظیم است.

دعای دیگر برای نجات از شرّ ظالم

سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و نسبت به کسی که به او ستم می نمود شکایت کرد، امام علیه السلام به او فرمودند:

چرا «دعای مظلوم» را که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به امیرالمؤمنین علیه السلام تعلیم فرمودند نمی خوانی؟ هیچ مظلومی آن را علیه ظالم نمی خواند مگر آنکه خدا او را یاری می دهد و از شرّ آن ظالم او را کفایت می نماید، و دعا این است:

اللَّهُمَّ طُمَّهُ بِالْبَلَاءِ طُمَّاً، وَعُمُّهُ بِالْبَلَاءِ عَمَّاً، وَقُمَّهُ بِالْأَذَى قَمَّاً، خَدَاوَنَدَا؛ او را در بلا فرو ببر، و او را به بلا بپوشان، و پی در پی بر او ناراحتی و آزار وارد کن، وَأَزْمِهِ يَوْمَ لَا- مَعَادَ لَهُ، وَسَاعِهِ لَا- مَرَدَّ لَهَا، وَأَبْحِحْ حَرِيمَهُ، و گرفتار کن به روزی که بازگشت ندارد (دائمی است)، و ساعتی که برایش گردانندنی نیست (جدا نشود)، و حرمتش را از بین ببر، وَصَيَّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَقِنِي وَدُرُودَ فَرَسْتِ بِرِ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِ أَوْ كَيْ سَلَامِ بَرِ أَوْ وَآنَانَ بَادِ، وَمَرَا زَشْرَهُ، وَاكْفِنِي أَمْرَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ، وَأَخْرِجْ قَلْبَهُ، وَسُدِّشْرَ أَوْ نَكْهَدَارِ، وَدَرِ أَمْرِ أَوْ مَرَا كَفَايَتِ كَنْ، وَمَكْرَ وَحَيْلَهُ أَوْ رَا زَمِنْ بَا زِ كَرْدَانِ، وَقَلْبِ أَوْ رَا دَرِ مَشَقَّتِ أَفْكَنْ، وَفَاهُ عَنِّي، «وَوَحَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا» (۲۱۲)، دهانش را از بدگویی من ببند. «و صداهای در برابر آن خدای مهربان خاموش شد پس نمی شنوی مگر آوازی آهسته»، «وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا» (۲۱۳)، «و چهره ها در برابر آن زنده پاینده به

خاک افتد و ناکام و زیانکار است کسی که بار ستمی بر دوش دارد» دعا برای سرکوب شدن دشمن...

۱. سوره طه، آیه ۲. ۱۰۸. سوره طه، آیه ۱۱۱.

«إِحْسُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ» (۲۱۴)، صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ صَهٍ (۲۱۵)

«به دوزخ درآیید و با من لب از سخن فرو بندید» ساکت باش، ساکت باش، ساکت باش، ساکت باش، ساکت باش، ساکت باش، ساکت باش، ساکت باش، ساکت باش، ساکت باش.

دعا برای سرکوب شدن دشمن و برطرف شدن ناراحتی های دیگر

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است:

یکی از اصحاب ورقی را یافت، آن را نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آورد، سپس برای نماز جماعت ندا دادند، هیچ زن و مردی تخلف نکرده و همه حضور پیدا کردند، آنگاه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بر روی منبر رفتند و آن را قرائت کردند، در حالی که نوشته ای از یوشع بن نون - وصی حضرت موسی علیه السلام - بود، و در آن چنین آمده بود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِنَّ رَبَّكُمْ لَرُؤُفٌ رَحِيمٌ، أَلَا إِنَّ خَيْرَ عِبَادِ اللَّهِ التَّقِيُّ الْخَفِيُّ، وَإِنَّ شَرَّ عِبَادِ اللَّهِ الْمُشَارُ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ.

بنام خداوند بخشنده مهربان، براستی که پروردگار شما هر آینه رؤوف و مهربان است، آگاه باشید؛ بهترین بندگان خدا کسی است که تقوا پیشه کند و گمنام باشد، و بدترین بندگان خدا کسی است که با انگشتان به او اشاره شود یعنی مشهور و سرشناس باشد.

هر کس دوست دارد پیمانۀ اش را برکنند و حقوقی که خدا بخاطر نعمت هایش بر او دارد ادا کند، پس باید هر روز بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَتَّبَعِي لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَمَا يَتَّبَعِي لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَتَّبَعِي لِلَّهِ، وَكَأَنَّ اللَّهَ كَمَا يَتَّبَعِي لِلَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا مَعْبُودِي جَزَ خَدَاوَنَدِ نِيسَتِ أَنْكَوَنَهَ كَهَ سَزَاوَارِ خَدَاوَنَدِي بَاشَد، وَ سِپَاسَ وَ لِلَّهِ كَمَا يَتَّبَعِي لِلَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا

در «بخش هفتم: ادعیه بعد از نمازهای مستحبّ ص ۲۱۲» می آوریم.

(۵) کتاب فی الزیارات والأدعیه (مخطوط): ۶۰.

(۶) این دعا را در «بخش هفتم: ادعیه بعد از نمازهای مستحبّ ص ۲۱۲» می آوریم.

(۷) کتاب فی الزیارات والأدعیه (مخطوط): ۶۰.

(۸) این دعا را در «بخش هفتم: ادعیه بعد از نمازهای مستحبّ ص ۲۱۳» می آوریم.

(۹) کتاب فی الزیارات والأدعیه (مخطوط): ۶۱.

(۱۰) بحار الأنوار: ۴۹/۱۰۲، عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲۶۶/۲ ح ۳۲، وسائل الشیعه: ۴۴۶/۱۰.

(۱۱) این دعا را در «بخش نوزدهم: ص ۴۱۱» می آوریم.

(۱۲) زاد المعاد: ۵۱۵، جمال الأسبوع: ۱۶۲، هدیّه الزائرین وبهجه الناظرین: ۶۳۶، بحار الأنوار: ۱۷۰/۹۱، مستدرک الوسائل: ۲۷۲/۶.

(۱۳)

(۱۴)

(۱۵) مکارم الأخلاق: ۱۱۶/۲، مستدرک الوسائل: ۳۱۹/۶، بحار الأنوار: ۳۵۵/۹۱.

(۱۶) یعنی در هر رکعت، قبل از رکوع و در رکوع و پس از رکوع و نیز در سجده اوّل و پس از سجده اوّل و در سجده دوّم و پس از آن در هر کدام پانزده مرتبه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند که در دو رکعت این سوره ۲۱۰ مرتبه تکرار می شود.

(۱۷) مصباح المتهدّج: ۵۳۲، وسائل الشیعه: ۲۵۸/۵، البلد الأمين: ۲۲۴، بحار الأنوار: ۳۵۳/۹۱.

(۱۸) مکارم الأخلاق: ۱۱۳/۲.

(۱۹) مصباح المتهدّج: ۳۴۱، وسائل الشیعه: ۶۱/۵، و در جمال الأسبوع: ۲۱۴ و بحار الأنوار: ۴۷/۹۰ با اندکی تفاوت.

(۲۰) فقه الرضاعلیه السلام: ۱۵۱، و در بحار الأنوار: ۵۴/۹۰ با کمی اختلاف.

(۲۱) بحار الأنوار: ۳۸۷/۹۱.

(۲۲) المجموع الرائق: ۴۲۵/۱، و در البلد الأمين: ۲۳۵ و ذخیره الآخره: ۶۶ با اندکی اختلاف.

٢٣) الدعوات: ٨٨ وسائل الشيعة: ٢٩٨/٥، مستدرک الوسائل: ٣٨١/٦.

٢٤) جمال الأسبوع: ١٧٩، بحار الأنوار: ١٨٩/٩١.

٢٥) فقه الرضا عليه السلام: ١٥٢، مستدرک الوسائل: ٢٤٦/٦، بحار الأنوار: ٢٦١/٩١.

(٢٦

(٢٧

(٢٨

٢٩) جمال الأسبوع: ١٨١، مستدرک الوسائل:

٣٠) مرحوم شيخ مفيد رحمه الله در كتاب «الإشراف: ٣١» فرموده است: در ركعت اول بعد از «حمد» سوره «إذا زلزلت»، و در ركعت دوم بعد از «حمد» سوره «عاديات» خوانده شود.

٣١) فقه الرضا عليه السلام: ١٥٥، مستدرک الوسائل: ٢٢٤/٦ و ٢٣١) باختصار، بحار الأنوار: ٢٠٩/٩١.

٣٢) رك: عيون اخبار الرضا عليه السلام: ١٧٨/٢.

٣٣) بحار الأنوار: ١٣٧/١٠٠، مستدرک الوسائل: ٢٣٣/٦ و ٤٠٢/١٠.

٣٤) زاد المعاد: ٥٢٠.

٣٥) زاد المعاد: ٥٢٠.

٣٦) جامع أحاديث الشيعة: ٤٩٣/٦، وسائل الشيعة: ٨١٦/٤، بحار الأنوار: ٢٧/٨٥.

٣٧) جامع أحاديث الشيعة: ٥٢٤/٦، وسائل الشيعة: ٢٣/٥، بحار الأنوار: ٢٥/٩٠) باختلاف).

٣٨) وسائل الشيعة: ٢٥/٥.

٣٩) وسائل الشيعة: ٣١/٥، بحار الأنوار: ٣٦٣/٩٠.

٤٠) مصباح المتهجد: ٨٣٨، عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٢٨، روضه الواعظين: ٤٠٢، وسائل الشيعة: ٢٠٢/٥.

٤١) بحار الأنوار: ٢٥/٩٨.

٤٢) بحار الأنوار: ٤٣/١٠٢.

٤٣) وسائل الشيعة: ١٨١/٥.

٤٤) هديّه الزائرين وبهجه الناظرين: ٥٨١، إقبال الأعمال: ٢٧، الصحيفة الصادقيه: ٦٠٠، مستدرک الوسائل: ٣٧٩/٦، بحار الأنوار:

٢. ٣٣٤/٩٨. هديّه الزائرين وبهجه الناظرين: ٥٨١.

٤٥) وسائل الشيعة: ٤/٣.

٤٦) وسائل الشيعة: ٥/٣.

٤٧) وسائل الشيعة: ٣٨/٣.

(٤٨) وسائل الشيعة: ٧٢٢/٤.

(٤٩) وسائل الشيعة: ٧٣٣/٤.

(٥٠) وسائل الشيعة: ٩٢٤/٤.

(٥١) وسائل الشيعة: ٩٤٤/٤.

(٥٢) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٨١/٢.

(٥٣) بحار الأنوار: ٢٤٣/٨٤.

(٥٤) فقه الرضا عليه السلام: ١٠٧، بحار الأنوار: ٢٠٨/٨٤، مستدرک الوسائل: ٤٠٣/٤ (با تفاوت).

(٥٥) مستدرک الوسائل: ٤٠٨/٤ (با اختصار)، بحار الأنوار: ٩١/٤٩.

(٥٦)

(٥٧)

(٥٨)

(٥٩) الدعوات: ٢٧٢، روضه الواعظين: ٣٢٠، مستدرک الوسائل: ٣٣١/٦، بحار الأنوار: ١٦١/٨٧.

(٦٠) بحار الأنوار: ٩١/٤٩.

(٦١) مهج الدعوات: ٧٩، البلد الأمين: ٦٥٤.

(٦٢) فقه الرضا عليه السلام: ١٣٤، بحار الأنوار: ١٥٥/٩١.

(٦٣)

(٦٤) سورة انبياء، آيه ٨٧ و ٨٨.

(٦٥) سورة آل عمران، آيه ١٧٣ و ١٧٤.

(٦٦) عدّه الداعي: ٣٠٧.

(٦٧) المصباح: ٢٢٣، البلد الأمين: ٥٣ (پاورقی)، بحار الأنوار: ٥٨/٨٦، مقباس

المصايح: ٥٤.

(٦٨) خواص آيات قرآن كريم: ٦٨.

(٦٩) المصباح: ٤١١.

(٧٠) خواص آيات قرآن كريم: ٧٠.

(٧١) جامع أحاديث الشيعة: ١١٢/٦، مقباس المصايح: ١٠٣.

(٧٢) بحار الأنوار: ٨٥/٨٧.

(٧٣) جامع أحاديث الشيعة: ١٠٤/٦، وسائل الشيعة: ١٠٥٣/٤.

(٧٤)

(٧٥)

(٧٦)

(٧٧)

(٧٨)

(٧٩) كتاب في الزيارات والأدعية (مخطوط): ٦٠.

(٨٠) كتاب في الزيارات والأدعية (مخطوط): ٦٠.

(٨١) كتاب في الزيارات والأدعية (مخطوط): ٦١.

(٨٢) أربعه أيام: ٥٣.

(٨٣) درباره چهار مورد آخر، زیارت مخصوصی وارد نشده و باید همان زیارات وارده خوانده شود، و چون این دعاها پس از نماز زیارت خوانده می شوند نه پس از زیارت، آن ها را در این بخش آوردیم نه در بخش «هشت دعا بعد از زیارت».

(٨٤) بحار الأنوار: ٢٧٨/٩١.

(٨٥) فقه الرضا عليه السلام: ١٠٩، بحار الأنوار: ٢١٠/٨٤ و ٧٤/٨٦، مستدرک الوسائل: ٩٦/٥ (با تفاوت).

(۸۶) مقباس المصاييح: ۲۰۲.

(۸۷) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ۲۱۹/۱، وسائل الشيعة: ۱۰۷۱/۴، بحار الأنوار: ۱۹۸/۸۶.

(۸۸)

(۸۹) فقه الرضا عليه السلام: ۱۰۶، بحار الأنوار: ۲۰۷/۸۴.

(۹۰) فقه الرضا عليه السلام: ۱۲۰، مستدرک الوسائل: ۴۱۵/۶.

(۹۱) فقه الرضا عليه السلام: ۳۹۳.

(۹۲) مهج الدعوات: ۳۰۶، الدعوات: ۴۶.

(۹۳)

(۹۴)

(۹۵)

(۹۶) بحار الأنوار: ۱۱۵/۱۰۲، صحيفه مهديه (مترجم، چاپ نهم): ۳۴۶.

(۹۷) المصباح: ۴۰۶، البلد الأمين: ۶۳۰، الجته الواقيه والجته الباقيه (مخطوط): ۵۹.

(۹۸) الدعوات: ۴۹.

(۹۹)

(۱۰۰)

(۱۰۱)

(۱۰۲) المصباح: ۱۸۷، مفتاح الفلاح: ۴۶۹، بحار الأنوار: ۳۴۹/۸۶، مقباس المصاييح: ۳۴۳.

(۱۰۳) و ۳. الدعوات: ۱۰۸.

(۱۰۴) در نماز هديه به حضرت امام رضا عليه السلام به جاي «فلان بن فلان» بگويد: «علي بن موسى الرضا».

(۱۰۵)

(١٠٦)

(١٠٧) بحار الأنوار: ٢٢٥/١٠٢.

(١٠٨) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٣٩/٢، مكارم الأخلاق: ١٤٦/٢، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام: ٢٣٩، بحار الأنوار: ١٣٥/٩٥ و ١٥٩.

(١٠٩)

(١١٠) نزهه الزاهد: ٢٤١.

(١١١) وسائل الشيعة: ٧١/٥، بحار الأنوار: ٣٥١/٨٩.

(١١٢) فقه الرضا عليه السلام:

۱۲۸، بحار الأنوار: ۹۵/۹۰.

(۱۱۳) وسائل الشیعه: ۴۶۹/۱۰.

(۱۱۴) عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲۳۰/۱، إقبال الأعمال: ۲۴۶.

(۱۱۵)

(۱۱۶)

(۱۱۷) إقبال الأعمال: ۳۴۵، زاد المعاد: ۱۱۷، بحار الأنوار: ۹۳/۹۸.

(۱۱۸) تتمه المنتهی: ۲۷۹.

(۱۱۹) بحار الأنوار: ۱۳۰/۴۹.

(۱۲۰) طبری: ۱۶۹/۷.

(۱۲۱) تاریخ الیمن: ۱۸۵.

(۱۲۲) در آن جا وادی بود که آن را «وادی زبید» می خواندند. محمد زبیدی در آن شهری جدید ساخت و آن را به تناسب این وادی، «زبید» نامید. این شهر در تهامه یمن واقع است و بیشتر ساکنانش از قبیله اشاعر هستند. (تاریخ الیمن: ۳۷ - ۳۶، المخلاف السلیمانی: ۱۰۷/۱)

(۱۲۳) ابن خلدون، العبر: ۲۴۳/۲.

(۱۲۴) بغیه المستفید: خطی، برگ ۴۵.

(۱۲۵) تاریخ الیمن: ۲۰۲.

(۱۲۶) دراسات فی العصور العباسیّه المتأخره: ۱۶ - ۱۲.

(۱۲۷) مبارزات شیعیان در دوره نخست خلافت عباسیان: ۳۹۹.

(۱۲۸) عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲۴/۲، و در صحیفه الإمام الرضاعلیه السلام: ۲۴۰ با تفاوت زیاد.

(۱۲۹) وسائل الشیعه: ۱۷۳/۵.

(۱۳۰) سوره بقره، آیه ۱۸۵.

(۱۳۱) جامع أحاديث الشيعة: ۱۸۱/۷، وسائل الشيعة: ۱۰۵/۵، بحار الأنوار: ۳۶۲/۹۰.

(۱۳۲) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ۱۴۷/۲، وسائل الشيعة: ۱۲۰/۵، بحار الأنوار: ۱۳۳/۴۹ و ۳۶۰/۹۰.

(۱۳۳) جامع أحاديث الشيعة: ۱۹۱/۷، وسائل الشيعة: ۱۳۸/۵، بحار الأنوار: ۱۰۵/۴۹.

(۱۳۴) مرحوم شيخ صدوق، ولادت آن حضرت را در يازدهم ماه ربيع الأول ذكر نموده، بنا بر اين نقل، زيارت آن بزرگوار در روز يازدهم ربيع الأول نیز دارای فضيلت بیشتری از ساير ايام است.

(۱۳۵) قطره ای از دریای فضائل اهل بیت عليهم السلام: ۶۷۱/۲ به نقل از بشاره المصطفى: ۲۱۵، الخرائج: ۶۵۳/۲ ح ۶) با اندکی اختلاف، بحار الأنوار: ۷/۴۹ ح ۱۱.

(۱۳۶) مسارّ الشيعة: ۳۴.

(۱۳۷) بحار الأنوار: ۱۹۸/۹۸.

(۱۳۸) بحار الأنوار: ۴۳/۱۰۲.

(۱۳۹) أربعة أيام: ۷۶.

(۱۴۰) این دعا را در «بخش هفتم: ادعیه بعد از نمازهای مستحبّ ص ۲۱۴» آوردیم.

(۱۴۱)

(۱۴۲) هدیه الزائرین

وبهجه الناظرين: ٥٦١، مستدرک الوسائل: ٢٥/١٠، بحار الأنوار: ٢١٦/٩٨.

(١٤٣) بحار الأنوار: ٣، ١٧١/٤٩. ايجاج الأحزان: ١٢٩.

(١٤٤) إقبال الأعمال: ٧٨٣، وسائل الشيعة: ٣٠٢/١٠، مصباح المتهجد: ٧٣٧.

(١٤٥) لَا يَشْفِقُونَ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِ يَعْمَلُونَ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ.»
«سوره انبياء، آيه ٢٧ و ٢٨»

(١٤٦) لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ.» «سوره انفال، آيه ٤٢»

(١٤٧) وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ.» «سوره انعام، آيه ١٥٣»

(١٤٨) سوره احزاب، آيه ٦٧ و ٦٨.

(١٤٩) سوره صف، آيه ٤.

(١٥٠) مصباح المتهجد: ٧٥٢، اقبال الأعمال: ٧٧٣، المصباح: ٩١٩.

(١٥١) سوره مائده، آيه ٣: «امروز دين شما را كامل كردم.»

(١٥٢) ترجمه كامل اقبال الأعمال: ٣٥٦/٢.

(١٥٣) وسائل الشيعة: ٣٢٤/١٠.

(١٥٤) هديّه الزائرین وبهجه الناظرين: ١٦٥، بحار الأنوار: ٢٨٥/٤٤.

(١٥٥) هديّه الزائرین وبهجه الناظرين: ٥٨١.

(١٥٦) بحار الأنوار: ٩٤/٤٥.

(١٥٧) الدعوات: ١٦٢، عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢١/٢.

(١٥٨) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢٢/٢.

(١٥٩) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٨/٢، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام: ٨٩ (با تفاوت).

(١٦٠) صحيفه الإمام الرضا عليه السلام: ٢٦٣.

(۱۶۱) بحار الأنوار: ۴۳/۱۰۲.

(۱۶۲) عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲/۲۴۴، و نظیر آن در الثاقب فی المناقب: ۴۸۹.

(۱۶۳) بازی گران سیاست گاهی از غم و اندوه دروغین، آگاهانه بیهوش می شوند و لحظه ای بعد، از شدت شادی همچون مستان می گردند.

(۱۶۴) سوره نساء، آیه ۱۰۸.

(۱۶۵) عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲/۲۴۸.

(۱۶۶) سوره آل عمران، آیه ۱۵۴.

(۱۶۷) وقایع الأيام: ۹۸.

(۱۶۸) عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۱/۲۲۶، روضه الواعظین: ۳۹۶.

(۱۶۹) وسائل الشیعه: ۷/۳۵۵.

(۱۷۰) إقبال الأعمال: ۱۸۸.

(۱۷۱) إقبال الأعمال: ۱۸۹.

(۱۷۲) إقبال الأعمال: ۱۹۰.

(۱۷۳) إقبال الأعمال: ۱۸۸ - ۱۹۰.

(۱۷۴) بحار الأنوار: ۱۳۶/۱۰۰.

(۱۷۵) کامل الزیارات: ۵۰۸، هدیه الزائرین و بهجه الناظرین: ۳۶۰.

(١٧٦) صحيفه مهديه (چاپ نهم): ٦٠٤.

(١٧٧) جامع أحاديث الشيعة: ٥٧٧/١٩.

(١٧٨) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ١٩٩/١، وسائل الشيعة: ٣٧٨/٧.

(١٧٩) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٥٧/٢، جامع الأحاديث الشيعة: ٥٧٦/١٩، روضه الواعظين: ٤٠٣، وسائل الشيعة: ٣٧٩/٧.

(١٨٠) مصباح المتهجد: ٨٣٨، عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٢٨، روضه الواعظين: ٤٠٢، وسائل الشيعة: ٢٠٢/٥.

(١٨١) وسائل الشيعة: ٣٦٤/١٠.

(١٨٢) سوره طلاق، آيه ٣.

(١٨٣) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٥١/٢، إقبال الأعمال: ٢٥٧، وسائل الشيعة: ٢١٨/٧.

(١٨٤)

(١٨٥)

(١٨٦) المحاسن: ٢٨٩، مستدرک الوسائل: ١٣٤/٨، بحار الأنوار: ٣٤/٩٤.

(١٨٧) الأمان من أخطار الأسفار والأزمان: ١٠١.

(١٨٨) الأمان من أخطار الأسفار والأزمان: ١٠٥، وسائل الشيعة: ٢٧٩/٨.

(١٨٩) المحاسن: ٢٩٠، وسائل الشيعة: ٢٨٠/٨.

(١٩٠) جامع أحاديث الشيعة: ٥٢٥/١٩، مستدرک الوسائل: ٣٨٢/٥.

(١٩١) اخبار و آثار حضرت امام رضا عليه السلام: ٥٨٢.

(١٩٢)

(١٩٣)

(١٩٤)

(١٩٥)

(١٩٧) مهج الدعوات: ٣٠٣، المصباح: ٣٧٠ (باختلاف) بحار الأنوار: ٣٤٦/٩٤.

(١٩٨) مهج الدعوات: ٣٩٧، بحار الأنوار: ٢٨٣/٩٥.

(١٩٩) بحار الأنوار: ٨/٩٥.

(٢٠٠) بحار الأنوار: ٥٥/٩٥.

(٢٠١) مكارم الأخلاق: ٢٣١/٢، بحار الأنوار: ١٢٨/٩٥.

(٢٠٢) مكارم الأخلاق: ٢٨٦/٢، بحار الأنوار: ١٢٩/٩٥.

(٢٠٣) بحار الأنوار: ٣٣/٩٥.

(٢٠٤) سورة انبياء، آيه ٦٩.

(٢٠٥) سورة انعام، آيه ٥٩.

(٢٠٦) مكارم الأخلاق: ٢٣٢/٢، الأنوار النعمانية: ١٦٧/٤، بحار الأنوار: ١٢٣/٩٥، و در «مستدرک الوسائل: ٢١٥/٨» باختلافى اندك.

(٢٠٧) مكارم الأخلاق: ١٤٩/٢، بحار الأنوار: ٢٢٢/٩٥.

(٢٠٨)

(٢٠٩)

(٢١٠) المجموع الرائق: ٣١٩/١.

(٢١١) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٢٣٧/١، بحار الأنوار: ٢١٤/٩٥.

(٢١٢)

(٢١٣)

(٢١٤) سورة مؤمنون، آيه ١٠٨.

٢١٥) مهج الدعوات: ٣٠٦، المصباح: ٢٧٣، بحار الأنوار: ٢١٥/٩٥، الجَنَّة الواقيه والجَنَّة الباقيه (مخطوط: ٤٩).

٢١٦) مهج الدعوات: ٣٠٦، بحار الأنوار: ٤/٨٧، الدعوات: ٤٦، مستدرک الوسائل: ٣٧٧/٥، الجَنَّة الواقيه والجَنَّة الباقيه (مخطوط: ٣٢) با کمی تفاوت).

٢١٧) خواص آيات قرآن کریم: ٨١.

بخش پانزدهم

هشت حرز از حضرت امام رضا عليه السلام

در این بخش، هشت حرز از حضرت امام رضا عليه السلام می آوریم

که افراد می توانند آن ها را به صورت مکتوب و نوشته، همراه خود نمایند: (۱)

حرز حضرت امام رضا علیه السلام یا رقعہ الجیب

یاسرِ خادم گوید: هنگامی که حضرت امام رضا علیه السلام وارد قصر حمید بن قحطبه شدند، لباس خود را بیرون آوردند و به حمید دادند، حمید آن را گرفت و به کنیزی دادتا بشوید، چیزی نگذشت که کنیز بازگشت در حالی که رقعہ ای در دست داشت، رقعہ را به حمید داد و گفت: آن را در جیب حضرت امام رضا علیه السلام یافتم.

حمید به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد: فدای شما بشوم؛ کنیز، رقعہ ای را در جیب پیراهن شما یافته است، ممکن است بفرمائید چیست؟ حضرت فرمود:

ای حمید؛ این عوذہ و حرزی است که هیچگاه از خود جدا نمی کنیم.

عرض کرد: ممکن است مرا از آن آگاه کنی و بر من منت گذاری؟ امام علیه السلام فرمود:

این حرزی است که هر کس در جیب خود نگهداری کند، بلا از او دور می گردد و او را از شرّ شیطانِ رانده شده حفظ می کند.

سپس آن را بر حمید املاء نمود و او نوشت، و آن حرز چنین است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللّٰهِ «إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» (۲) أَوْ غَيْرِ تَقِيٍّ. بنام خدا، همانا من به خداوند رحمان پناه می برم از تو، اگر پرهیزکننده باشی، یا نباشی. أَخَذْتُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْبَصِيرِ عَلَى سَمْعِكَ وَبَصْرِكَ، لَا سُلْطَانَ لَكَ بِهِ سَبَبٌ خَدَاوَنَد شَنَوَا وَبَيْنَا قَدْرَتِ شَنَوَايِي وَبَيْنَايِي رَا از تو گرفتم، هیچ گونه تسلطی برای توعلی، وَلَا عَلٰی سَمْعِي، وَلَا عَلٰی بَصِيرِي، وَلَا عَلٰی شَعْرِي، وَلَا بَر مَن نِيسْت، وَ نَه بَر كُوشْم، وَ نَه بَر چشمم، وَ نَه بَر مويِم، عَلٰی بَشْرِي، وَلَا عَلٰی لَحْمِي، وَلَا

عَلَى دَمِي، وَلَا عَلَى مُخِّي، وَنَهْ بِرِ بَوَسْتَم، وَنَهْ بِرِ كُوشْتَم، وَنَهْ بِرِ خُونَم، وَنَهْ بِرِ مَغْزَم، وَلَا عَلَى عَصَبِي، وَلَا عَلَى عِظَامِي، وَلَا عَلَى مَالِي، وَلَا عَلَى نَهْ بِرِ اعْصَابِم، وَنَهْ بِرِ اسْتِخْوَانِ هَايَم، وَنَهْ بِرِ مَالِ وَ ثِرْوَتَم، وَنَهْ بِرِ مَا رَزَقَنِي رَبِّي. سَتَرْتُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بِسْتَرِ النَّبُوَّةِ، الَّذِي اسْتَتَرَ أَنْجَحَهُ بِرِ بَرْدِ كَارَمِ بِهْ مِنْ رُوزِي فَرْمُودِهِ. بَيْنِ خُودَمِ وَ تُو رَا بِوَشِيْدَمِ بِهْ بِوَشِيْشِ نَبُوْتِ كِهْ أَنْبِيَاءُ اللّٰهِ بِهْ مِنْ سَيِّطَوَاتِ الْجَبَابِرَةِ وَالْفِرَاعِنَةِ. جِبْرَائِيلُ عَنْ پِيَامِبِرَانِ الْهِيْ خُودِ رَا بِهْ سَبَبِ أَنْ اَزْ خَطِرِ قَدْرِ تَمْنَدَانِ وَ فِرْعَوْنَ هَايِ زَمَانِ مِيْ بِوَشِيْدِنْدِ. جِبْرَائِيلُ اَزْ يَمِيْنِي، وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي، وَ اِسْرَافِيْلُ عَنْ وَرَائِي، وَ مُحَمَّدٌ طَرَفُ رَاسْتِ مِنْ، وَ مِيكَائِيلُ اَزْ طَرَفِ چپِ مِنْ، وَ اِسْرَافِيْلُ اَزْ پِشْتِ سِرْمِ، وَ) حَضْرَتِ (مُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَامِي، وَاللّٰهُ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ يَمْنَعُكَ مِنِّي، - كِهْ دَرُودِ خُودِ بِرِ اُو وَ آلِ اُو بِاَدِ - اَزْ پِشَاطِيشِ مِنْ، وَ خُودِ اَنْدِ آكَاهِ بِرِ حَالِ مِنْ مِيْ بِاَشْدِ تُو رَا اَزْ مِنْ بَاذِمِيْ دَارِدِ، ۱. سُورَةُ مَرِيْمَ، آيَةُ ۱۸.

وَيَمْنَعُ الشَّيْطَانَ مِنِّي. اَللّٰهُمَّ لَا يَغْلِبُ جَهْلُهُ اَنَاتَكَ اَنْ يَسْتَفِزَّنِي وَ شَيْطَانِ رَا اَزْ مِنْ دُورِ مِيْ كُنْدِ. خُودِ اَنْدِ؛ نَادَانِيْ اُو بِرِ بِرْدَبَارِيْ تُو چِيْرِهِ نَمِيْ كَرْدِدِ كِهْ مَرَا بِتِرْسَانْدِ وَيَسْتَخْفِنِي. اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ التَّجَاؤُ. اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ التَّجَاؤُ. اَللّٰهُمَّ وَ كُوجَكِ شَمَارْدِ. خُودِ اَنْدِ؛ بِهْ تُو پِنَاهِ اُوْرْدِهِ اَم. خُودِ اَنْدِ؛ بِهْ تُو پِنَاهِنْدِهِ كِشْتِهِ اَم. خُودِ اَنْدِ؛ اِلَيْكَ التَّجَاؤُ، وَ صَيَلَمِي اللّٰهُ عَلَيَّ اَشْرَفِ الْخُلُقِ كَافَّةً مُحَمَّدٍ وَآلِهِ دَرِ پِنَاهِ تُو اَمْدِهِ اَم، وَ دَرُودِ خُودِ اَنْدِ بِرِ بَزْرِ كُوَارْتَرِيْنِ اِنْسَانِ هَا اَزْ مِيَانِ هَمِهْ اَفْرِيْدِ كَانِ يَعْْنِي (حَضْرَتِ) مُحَمَّدِ وَ آلِ الطَّاهِرِيْنَ، صَلَوَاتِ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ. (۳)

پاك او باد، صلوات و درود خدا بر همه آنان باد.

سید بن طاووس رحمه الله فرموده است: برای این حرز قصه ای نیکو و حکایتی عجیب است که

آن را اباصلت هروی روایت کرده است.

اباصلت گوید: روزی مولای من علی بن موسی الرضاعلیه السلام در منزل خود نشسته بودند که فرستاده مأمون وارد شد و گفت: مأمون شما را خواسته است.

حضرت امام رضاعلیه السلام برخاست و به من فرمود:

او در چنین وقتی معمولاً نمی طلبد، حتماً نقشه ای و مکر و حيله ای در سرپرورانده است، ولی به خدا قسم نمی تواند بر ضرر من کاری انجام دهد؛ به خاطر دعایی که از جدّم رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم به من رسیده است.

اباصلت گوید: با حضرت امام رضاعلیه السلام از منزل بیرون آمدیم تا بر آن ملعون وارد شدیم. حضرت امام رضاعلیه السلام چون چشم مبارکش به مأمون افتاد، آن حرز را از ابتدا تا به آخر خواند و چون در پیش روی مأمون ایستاد، او نگاهی به حضرت کرد و گفت: ای ابالحسن؛ ما دستور دادیم که صد هزار درهم به شما دهند، خواسته های خویشاوندان و بستگان خود را بنویس و یادداشت کن.

هنگامی که حضرت امام رضاعلیه السلام از او روی گردانید، مأمون به آن حضرت از پشت سر نگاه می کرد و می گفت: من اراده ای کردم و خداوند اراده دیگری فرمود و آنچه خدا اراده فرمود بهتر است. (۴)

حرز دیگری نیز به نام رقعہ الجیب

سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» به سند مفصل خود از احمد بن محمد بن ابی نصر روایت کرده است که حضرت امام رضاعلیه السلام فرمود:

رقعہ الجیب پناه است برای هر چیز، و باعث حفظ و حراست می گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ «اِحْسَبُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون» (۵)، «إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ بِنَامِ خُدا» دور شوید با خواری در آن (در آتش) و سخن نگویید»، «همانا من پناه می برم مِنْكَ إِنْ كُنْتُ تَقِيًّا» (۶). أَخَذْتُ بِسَمْعِ

اللَّهُ وَبَصَرِهِ عَلَىٰ أَسْمَاعِكُمْ بِهِ خدایند رحمان از تو اگر پرهیزکننده باشی.» به شنوائی و بینائی خدا، شنوائی و أَبْصَارِكُمْ، وَبِقُوَّةِ اللَّهِ عَلَىٰ قُوَّتِكُمْ، لَا شَيْطَانَ لَكُمْ عَلَىٰ فُلَانٍ و بینائی شما را گرفتم، و به نیروی الهی نیروی شما را گرفتم، برای شما بر فلانی بِنِ فُلَانِهِ، وَلَا عَلَىٰ ذُرِّيَّتِهِ، وَلَا عَلَىٰ أَهْلِهِ، وَلَا عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ. پسر فلانی و بر فرزندانش، و اهل و عیالش تسلطی و قدرتی نیست. سَتَرْتُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ بِسِتْرِ التُّبُوَّةِ، الَّذِي اسْتَرْتُمُوهُ بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ بَيْنِ خُودِمْ و شما را به پوشش نبوت که خود را از شر

۱. مهج الدعوات: ۴۹، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۱۳۶/۲، البلد الامین: ۶۴۰، بحار الأنوار: ۳۴۳/۹۴.

۲. سوره مؤمنون، آیه ۱۰۸.

۳. سوره مریم، آیه ۱۸.

الْجَبَابِرَةِ وَالْفِرَاعِنَةِ. جَبْرَائِيلُ عَنْ أَيْمَانِكُمْ، وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِكُمْ، قدرتمندان و فرعون های زمانشان می پوشیدند پوشیدم. جبرئیل از طرف راست شما، و میکائیل از طرف چپ شما، وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَامُكُمْ، وَاللَّهُ يَطَّلِعُ عَلَيْكُمْ، بِمَنْعِهِ وَ مُحَمَّدٍ - که درود خدا بر او و آل او باد - پیشاپیش شما، و خداوند بر شما اشراف دارد و آگاه است، به نگه داشتن اَوْنَبِيِّ اللَّهِ وَبِمَنْعِ ذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ مِنْكُمْ وَمِنَ الشَّيَاطِينِ، مَا شَاءَ رَسُولُهُ وَمَا شَاءَ رُسُلُهُ، وَبِمَنْعِهِ وَ مُحَمَّدٍ - که درود خدا بر او و آل او باد - پیشاپیش شما، و خداوند بر شما اشراف دارد و آگاه است، به نگه داشتن اهل بیتش را از شر شما و شیاطین، آنچه خدا بخواهد، لا - حَوْلَ وَلَا - قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يَبْلُغُ جَهْلُهُ هَمَانِمْ شُود، هِيْجِ قَدْرَتِمْ وَ نِيْرُوِيْ جِزْ بِه سَبَبِ خدایند بزرگ بلندمرتبه نیست. خداوندا؛ جهل و نادانی او بر آناتک، وَلَا يَبْتَلِيهِ وَلَا يَبْلُغُ مَجْهُودُ نَفْسِهِ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ نِعْمَ بِرَبِّ بَارِي تُو نَمِي رَسَدِمْ وَ مَتُوْجِهْ آن نَمِي شُود، وَ به تلاش و کوشش نهایی خود نمی رسد، بر تو توکل نمودم، و تو خوب الْمُؤَلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ، حَرَسَكَ اللَّهُ

يَا فُلَانُ بَنَ فُلَانِهِ وَذُرِّيَّتِكَ مَوْلَا وَ سَرُورِي هَسْتِي وَ خُوبِ يَاوُورِي مِي بَاشِي، اِي فُلَانِي پَسَرِ فُلَانِي خُدَاوَنَدِ تُو وَ فِرْزَنَدَانَتِ رَامِمَا تَخَافُ عَلَيَّ أَحَدٍ مِّنْ خَلْقِهِ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. از آنچه بر یکی از آفریدگانش می ترسی حفظ فرماید، و درود خدا بر محمد و آل او باد. و آیه الکرسی را آن گونه که نازل شده است بنویس: «اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ كَيْفَ تَتَوَضَّعُ لَدَيْهِ وَلَا يَحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» (۷). آسمان ها و زمین را در بر می گیرد، و نگهداری زمین و آسمان او را به زحمت نمی اندازد، و او بلندمرتبه و بزرگ است». ۱. سوره بقره، آیه ۲۵۵.

و بنویس: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، هیچ جنبشی و نیرویی جز به سبب خداوند بلندمرتبه با عظمت نیست، لَا مَلْجَأَ مِنَ اللّٰهِ إِلَّا إِلَيْهِ ، وَحَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست، و خداوند مرا بس است و او خوب دفاع کننده و پشتیبانی است. وَأَسْلَمَ فِي رَأْسِ الشَّهْبَا فِيهَا لَمَّا لَسَلَسِيْلَا (لیها طللسسیلا)، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

وَالِه الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. (۸)

و درود خداوند بر (حضرت) محمد و آل پاک و پاکیزه او باد.

حِرْزِ دِیْگَرِی از حضرت امام رضاعلیه السلام

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

یا مَنْ لَا شَبِیْهَ لَهُ وَلَا مِثَالَ لَهُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَلَا خَالِقَ ای آنکه مشابهی برای او نیست و مثل و مانندی ندارد، تو خداوندی هستی که معبودی جز تو نیست، و هیچ آفریننده ای إِلَّا أَنْتَ، تُفْنِی الْمَخْلُوقِیْنَ وَتَبْقِیْ أَنْتَ، حَلَمْتَ عَمَّنْ عَصَاكَ، جز تو وجود ندارد، آفریدگان را از بین می بری و تو باقی می مانی، نسبت به کسانی که معصیت و نافرمانی تو کرده اند بردباری می نمایی، وَفِی الْمَغْفِرَةِ رِضَاكَ. (۹)

و در آمرزش رضایت و خشنودی تو است.

حِرْزِ دِیْگَرِی از حضرت امام رضاعلیه السلام برای برطرف شدن بیماری

و شاء گوید: شخصی بر حضرت امام رضاعلیه السلام وارد شد، امام علیه السلام به او فرمود:

چه شده، می بینم رنگ چهره ات زرد گشته است؟

عرض کرد: این تبی که هر چهار روز یک بار به سراغم می آید، مرا از پای درآورده است. امام علیه السلام قلم و دوات خواست و بر کاغذی نوشت:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، أَبْجِدُ هَوْرًا حَطِي عَنْ بِنَامِ خَدَاوَنَدِ بَخْشَنَدِه مَهْرَبَانَ، بَه نَامِ خَدَا وَ بَه یَارِی خَدَا، اَبْجَدُ، هَوْرًا، حَطِي (بیرون برو از وجود) فُلَانِ بِنِ فُلَانِه یَاذِنِ اللّٰهِ تَعَالٰی.

فلانی پسر فلان زن به اذن و فرمان خداوند تعالی.

سپس در زیر نوشته هفت مرتبه مهر زد «خاتم سلیمان»، و آن را پیچید. سپس فرمود:

ای معتب؛ نخعی به من بده که نه آب و نه آب دهان به آن نرسیده باشد.

آن را حاضر کرد، امام علیه السلام بر آن گرهی زد، سپس به دهان مبارک خود نزدیک کرد از طرفی چهار گره بر آن زد و بر هر گرهی سوره «حمد»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «آیه الكرسي» خواند، و بر طرف دیگر آن،

سه گره زد و بر هر گرهی همان سوره ها و «آیه الکرسی» را خواند، آنگاه آن را به مریض داد و فرمود:

بر بازوی راست خود ببند و «آیه الکرسی» را تا آخر بخوان، و تا مادامی که بر بازوبسته ای مجامعت نکن. (۱۰)

حرز دیگری از حضرت امام رضاعلیه السلام

فضل بن ربیع روایت کرده است که روزی هارون صبحانه شراب خورده بود، دربان خود را طلبید و به او دستور داد که حضرت امام رضاعلیه السلام را از حبس خارج کرده و در قفس شیران و جایگاه درندگان رها کند؛ من هر چه کردم که او را آرام کنم سودی نبخشید بلکه به خشم او افزوده و گفت: به خدا قسم؛ اگر او را در محل شیران نیفکنی تو را بجای او می اندازم.

می گوید: نزد امام علیه السلام رفتم و قصه را گفتم که هارون مرا چنین دستوری داده است.

حضرت امام رضاعلیه السلام فرمود:

تو آنچه مأمور شده ای انجام بده، من برای دفع شرّ او از خدا یاری می جویم.

آنگاه شروع کرد به خواندن دعا در حالی که با من راه می رفت تا به جایگاه شیران رسیدیم، من درب آن را گشودم و امام علیه السلام را در آنجا وارد کردم که در آن، چهل شیردزنده بود، در را که بستم دچار غم و اندوه و اضطراب شدم و نگران گردیدم که کشتن امام به دست من صورت گیرد، با این حال به منزل باز گشتم.

چون پاسی از شب گذشت خادم آمد و به من پیغام داد که هارون تو را می طلبد، نزد او رفتم، به من گفت: گویا امشب خطائی مرتکب شده یا کار زشت و بدی انجام داده ام که خوابی وحشناک دیده ام و مرا دچار ترس و دلهره ساخته است.

در خواب دیدم عده ای مردان مسلح بر

من وارد شدند، در میان آنان شخصی بود که چهره اش همچون ماه می درخشید و هیبتی از او در دلم وارد شد، یکی از آنان گفت:

این شخص، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است، نزدیک او آمدم تا پای مبارکش را ببوسم، مرا از خود دور کرد و این آیه را خواند:

«فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ» (۱۱).

آیا می خواهید که چون سروری و حکومت در روی زمین یافتید فساد بپا کنید و پیوندهای خویشاوندی را از هم بگسلید؟

سپس از من روی گردانید و بر دری دیگر وارد شد، من هراسان از خواب بیدار شدم.

به او گفتم: ای هارون؛ تو مرا فرمان دادی که علی بن موسی علیهما السلام را در پیش شیران بیفکنم.

گفت: وای بر تو؛ آیا تو هم این کار را کردی؟

گفتم: آری؛ به خدا قسم.

گفت: فوراً نزد او برو و ببین در چه حالی است؟

می گوید: شمع را روشن کرده و در دست گرفته و به راه افتادم، وقتی بدانجا رسیدم، امام علیه السلام را دیدم که ایستاده و نماز می خواند و شیران اطراف او زانو زده اند، باز گشتم و آنچه را دیده بودم به هارون خبر دادم، او باور نکرد و خودش به راه افتاد تا از نزدیک صحنه را مشاهده کند، چون امام را دید، عرض کرد: «السلام علیک یا بن عمّ»؛ «سلام بر تو ای پسر عمو».

امام علیه السلام پاسخ او را نداد تا از نماز فارغ شد، آنگاه جواب سلامش را مرحمت نمود و فرمود:

امید نداشتم که در مثل چنین جایی بر من سلام کنی.

هارون گفت: از گناه من چشم پوشی کن، من از تو عذر می خواهم.

امام علیه السلام فرمود:

خدا ما را به لطف خویش نجات داد، پس او را سپاسگزارم.

سپس دستور داد

تا آن حضرت را از آن جایگاه بیرون آوردند، و چون درپیش روی هارون حضور یافت، با امام علیه السلام معانقه کرد و آن حضرت را در بالای تخت خود نشانید و عرض کرد: ای پسر عمو؛ اگر مایل باشید اینجا بمانید، از شما پذیرائی می کنم و در رفاه و آسودگی خواهید بود و اگر بخواهی می توانی بازگردی، دستوردادیم که برای شما و خویشان شما مال زیاد و لباس و جامه فراوان آماده کنند و بدهند.

امام علیه السلام فرمود:

من نیازی به پول ها و لباس های تو ندارم، ولی در میان قریش افرادی هستند که نیاز دارند میان آنان تقسیم شود، و گروهی را نام برد.

هارون دستور داد هدیه ای به امام دهند و او را بر مرکب خوبی سوار کنند و به منزل برسانند و امر کرد که آن حضرت را مشایعت کنم، من برای مشایعت به همراه آن حضرت به راه افتادم و در بین راه عرض کردم: چقدر خوب است که به من لطف کنی و آن عوزه را که خواندی برایم بگویی.

امام علیه السلام فرمود:

ما اجازه نداریم که این عوزه را به هر کسی یاد دهیم، امّا چون تو حقّ صحبت و خدمت داری برایت می گویم، آن را نگهداری کن.

سپس آن را در ورقی نوشت و من آن را در پارچه ای در آستینم محکم بستم، پس از آن هیچگاه بر هارون وارد نشدم مگر آنکه به رویم تبسم کرد و خواسته هایم را برآورده ساخت، و هر سفری که رفتم حرز و نگهدارنده من بود و باعث ایمنی من از هر ترس و نگرانی بود، و هرگز در شدت و بلا و سختی گرفتار نشدم مگر اینکه آن را خواندم و گشایش و فرج در کارم ایجاد گردید،

سپس دعا را یادآوری کرد و قرائت فرمود.

سید بن طاووس رحمه الله می گوید: احتمال دارد که این قضیه در مورد حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام اتفاق افتاده باشد؛ زیرا او در حبس هارون محبوس بود، ولی برای رعایت امانت همان گونه که یافتیم آن را بازگو نمودیم، و آن دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، جَزَّ خُدا مَعْبُودِي نِيسْت، او يَكْتايِي اسْت كِه شَرِيك نَدَارِد، وَعَدَه اش را وفا كَرْد، و بنده اش را ياري نمود، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ. و لشكرش را تقويت كَرْد و چيره ساخت، و احزاب را درهم شكست، پس پادشاهي از آن او اسْت و او سزاوار ستايش اسْت. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَمْسَيْتُ وَأَصْبَحْتُ فِي حِمَى اللَّهِ الَّذِي سَتَائِشْ مَخْصُوصْ خُداوَنْدِي اسْت كِه پُروردگار جهانيان اسْت، صَبْح و شام كَرْدَم در پناه خداوند كِه (لَا يُسَبِّحُ تَبَاحُ، وَذَمَّتْهُ الَّتِي لَا تُرَامُ وَلَا تُخْفَرُ، وَفِي عِزِّ اللَّهِ الَّذِي رَاه دَادَه نَشُود، و در عهد و پيمان او كِه شكسته نَشُود و خيانت نَكِرْدَد، و در عِزَّت و اقتدار او كِه لَا يُدَلُّ وَلَا يُفْهَرُ، وَفِي حِزْبِهِ الَّذِي لَا يُغْلَبُ، وَفِي جُنْدِهِ الَّذِي خُوار و سَرَكُوب نَشُود، و در حِزْب او كِه مَغْلُوب نَكِرْدَد، و در لَشْكِر او كِه لَا يُهْزَمُ، وَحَرِيمِهِ الَّذِي لَا يُسَبِّحُ تَبَاحُ. بِإِلَّهِ اسْت تَجَرَّتْ وَبِإِلَّهِ أَصْبَحْتُ، شَكْسْت دَادَه نَشُود، و در حَرِيم او كِه حَرْمَتش بر باد نرود. بَه خُدا پناه جَسْتَم، و بَه كَمَك خُدا صَبْح كَرْدَم، وَبِإِلَّهِ اسْت تَنْجَحْتُ وَتَعَزَّزْتُ وَتَعَوَّذْتُ وَأَنْتَصِرْتُ وَتَقَوَّيْتُ، وَبِعِزَّتِهِ وَبِهِ وَاسَطَه خُداوَنْد تَوْفِيق و كَامِيابي طَلَب نمودم، و عِزَّت يافْتَم، و پناهنده شدم، و ياري گَشْتَم و تقويت شدم، و بَه عِزَّت و اقتدار اللَّهِ قَوَّيْتُ عَلَيَّ أَعْدَائِي، وَبِجَلَالِ

اللَّهُ وَكِبْرِيَاءَهُ ظَهَرَتْ عَلَيْهِمْ، خداوند بر دشمنانم نیرومند گشتم، و به جلال و کبریائی او بر آنان چیره شدم، وَقَهَرْتُهُمْ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ، وَاَسَدْتَعَنْتُ عَلَيْهِمْ بِاللَّهِ، وَفَوَّضْتُ وَبِهِ تَوَانِي و نیروی او آنان را سرکوب نمودم، و همواره به سبب خداوند بر آنان یاری جُستَم، وَأَمْرِي إِلَى اللَّهِ، وَحَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَتَرَاهُمْ يُنْظَرُونَ إِلَيْكَ كَارِمًا بِه خدا واگذار کردم، و خداوند مرا بس است و او خوب دفاع کننده و پشتیبانی است، و می بینی ایشان را که به سوی تو نگاه و هُم لَا يُبْصِرُونَ. أَتَى أَمْرُ اللَّهِ، فَلَجَتْ حُجَّهَ اللَّهِ، غَلَبَتْ كَلِمَتَهُ مِي كَنَد در حالی که نمی بینند. فرمان خدا آمد، پس حجت خدا پیروز گشت، حکم او علی اَعْدَاءِ اللَّهِ الْفَاسِقِينَ، وَجُنُودِ إِبْلِيسَ أَجْمَعِينَ، «لَنْ يَضُرُّوكُمْ بِرِهْمِ دِشْمَانِ تَبِه كَارِ، و لشکریان ابلیس چیره شد،» هرگز زبانی به شما نرسانند إِلَّا أَدَى وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُؤَلُّوكُمْ الْأُدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ ضَرِبَتْ جَزَائِنَهُ آزَار دَهْنَد، و اگر به مبارزه و نبرد با شما آیند میدان را ترک کرده و بگریزند و پس از آن هرگز یاری نشوند آن هَاعَلَيْهِمُ الدَّلَّةُ أَيْنَمَا تُقِفُوا» (۱۲) أَخَذُوا وَقَتَّلُوا تَقْتِيلًا، «لَا يُقَاتِلُونَكُمْ مَحْكُومًا بِه ذَلَّت و خواری شدند، هر کجا آنان پیدا شوند» باید گرفته و به شدت به قتل برسند، «با شما به طور دسته جمعی جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ حُدُودٍ بَأْسِهِمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ جَنَكُنْد مگر در قریه های حصار کشیده شده یا پشت دیوارها، ناراحتی و گرفتاری آن ها بین خودشان سخت و دشوار است، تَحَسَّبُهُمْ جَمِيعًا وَقَلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (۱۳)، آن ها را مجتمع و باهم می پنداری در حالیکه دل های شان پراکنده است، و این بخاطر آن است که آنها اندیشه نمی کنند، تَحَصَّنَتْ مِنْهُمْ بِالْحِصْنِ الْمَحْفُوظِ، «فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ خُود رَا حَفْظ مِي كَنَم از آنان به

حصار و دژی که محفوظ است، «پس نتوانستند که بر آن چیره شوند و مَا اسْتِطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» (۱۴). اُوِيْتُ إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ، وَالتَّجَارَاتُ إِلَيَّ نَتَوَانَسْتَنْدُ كَه بَه آن رَاه پیدَا كَنَنْد». در جایگاه محکمی مأوا گرفتیم، و در کَهْفِ رَفِيعٍ، وَتَمَسَّكْتُ بِالْحَبْلِ الْمَتِينِ، وَتَدَرَّعْتُ بِعِدْرِعِ اللّٰهِ پناهگاه بلندی پناهنده گشتم، و به ريسمان محکم چنگ زدَم، و به زره الحَصِينَةِ، وَتَدَرَّقْتُ بِعِدْرَقِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَتَعَوَّذْتُ بِعَوْدِهِمُ محکم الهی زره پوش شدم، و به سپر امیر مؤمنان سپر گرفتیم، و به تعویذِ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ، وَتَخَتَّمْتُ بِخَاتَمِهِ، فَأَنَا حَيْثُمَا سَلَكَتُ مِنْ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ تَعْوِيذَ آوِيخْتَمِ، و به انگشتر او تختم نمودم و آن را در انگشت کردم، لذا هر راهی بیمایم ایمن هستم مُطْمَئِنٌّ، وَعَيْدُؤِي فِي الْأَهْوَالِ حَيْرَانٌ، قَدْ حُفَّ بِالْمَهَانَةِ، وَأُلْبَسَ وَآرَامَش دَارَم، و دشمن من در میان وحشت ها سرگردان است، خواری و سستی گرد او را گرفته، و لباس ۱. سوره آل عمران، آیه ۱۱۱ و ۱۱۲.

۲. سوره حشر، آیه ۳. ۱۴. سوره كهف، آیه ۹۷.

الدُّلَّ، وَقُمَعَ بِالصَّغَارِ. ضَرَبْتُ عَلَى نَفْسِي سُرَادِقَ الْحِيَاظِ، ذَلَّتْ بَه تَن نَمُودَه، و با کوچکی و حقارت سرکوب گشته است. خیمه احاطه کننده بر خودم زدَم، وَلَبَسْتُ دِرْعَ الْحِفْظِ، وَعَلَّقْتُ عَلَى هَيْكَلِ الْهَيْبَةِ، وَتَوَجَّجْتُ بِتَاجِ وَزَرَه نَگَهْدَارِنْدَه پوشیدم، و هیكل هیبت بر خویشتن آویختم، و تاج الْكِرَامَةِ، وَتَقَلَّدْتُ بِسَيِّفِ الْعِزِّ الَّذِي لَا يُفْلُ، وَخَفَيْتُ عَنْ أَعْيُنِ كِرَامَتِ بَر سَر نَهَادَم، و شمشیر عزت و توانمندی که شکسته نمی شود بندش را بر گردن نهادم، و از چشم الْبَاغِينَ النَّاطِرِينَ، وَتَوَارَيْتُ عَنِ الظُّنُونِ، وَأَمِنْتُ عَلَى نَفْسِي، سَتَمَّگَرَان و تَجَاوُز کَارَانِی که مرا می بینند مخفی گشتم، و از گمان های بد پنهان شدم، و بر خود امتیت یافتیم، وَسَلِمْتُ مِنْ أَعْدَائِي بِجَلَالِ اللّٰهِ، فَهَمَّ لِي خَاضِعُونَ، وَعَنِي وَبَه جَلَالِ وَبزرگی پروردگار از

دشمنانم رهایی پیدا کردم، پس آن‌ها برای من فروتنی کردند، و از من نافرمان، «كَانَتْهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرِهِ» (۱۵)، قَصِيرَةٌ پراکنده شدند؛ «گویا گورخران گریزنده اند که از شیر شجاع فرار کرده اند»، «أَيَّدِيهِمْ عَنْ بُلُوغِي، وَعَمِيَّتْ أَبْصَارُهُمْ عَنْ رُؤْيِي، وَخَرِسَتْ دَسْتَانُ مِنْ رَسِيدِنَ بِه مِنْ كَوْتَاهُ اسْتِ وَدِيدِكَاغَانِ شَانِ از دیدار من نابینا است، وَأَلْسِنَتُهُمْ عَنْ ذِكْرِي، وَذَهَلَتْ عُقُولُهُمْ عَنْ مَعْرِفَتِي، وَتَخَوَّفَتْ زَبَانُهُمْ مِنْ ذِكْرِي وَبِلَا لَالِ اسْتِ، وَعَقْلُ وَخَرْدِ ایشَانِ از شناسائی من غفلت زده، وَقَلُوبُهُمْ، وَارْتَعِدَتْ فَرَائِضُهُمْ وَنُفُوسُهُمْ مِنْ مَخَافَتِي. يَا اَللَّهُ دِلِ هَايِ شَانِ تَرَسِنَاكُ، وَبِنْدَهَايِ بَدَنِ شَانِ لِرِزَانِ، وَجَانِ شَانِ از ترس من بیمناک است. اِي خِدَايِي اَلَّذِي لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ، يَا هُوَ، يَا مَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ، اُفْلَلُ جُنُودَهُمْ، كِهْ جِزِ اَوْ خِدَايِي نَيْسْتِ، اِي خِدَا؛ اِي اَنَكِهْ جِزِ اَوْ مَعْبُودِي نَيْسْتِ، لَشَكْرِيَانِ دَشْمَنِ رَا شَكْسْتِ بَدَهْ، وَاَكْسِرُ شَوْكَتَهُمْ، وَنَكْسِرُ رُؤْسَهُمْ، وَاعْمِ اَبْصَارَهُمْ، فَظَلَّتْ وَقَدْرَتِ وَعِظْمَتِ اَنِّ هَا رَا دَرِهْمِ شَكْنِ، وَبِزْرِكَاغَانِ اَنِّ هَا رَا سِرْنِكُونِ سَازِ، وَدِيدِكَاغَانِ شَانِ رَا نَابِينَا كِنِ، «تَا دَرِ نَتِيْجِهْ

۱. سوره مدثر، آیه ۵۰ و ۵۱.

أَعْنَاقُهُمْ لِي خَاضِعِينَ» (۱۶)، وَأَنْهَزَمَ جَيْشُهُمْ، وَوَلَّوْا مُدْبِرِينَ، كَرْدِنِ هَايِ شَانِ فِرُودِ اَمْدَهْ وَنَسْبَتِ بِه مِنْ سِرَاْفَكِنْدَهْ، «و لَشَكْرِشَانِ شَكْسْتِ خُورْدَهْ وَرُويِ كَرْدَانِيدَهْ بَاشِنْدِ». سَيِّئُهُمْ اَلْجَمْعُ وَيُؤَلُّونَ الدُّبْرَانَ بَلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةِ» بِه زُودِي جَمْعِ شَانِ شَكْسْتِ خُورْدَهْ شُودِ وَهَمِهْ مِي كَرِيزِنْدِ مِيْعَادِ كَاغِشَانِ رَسْتَاخِيْزِ اسْتِ وَرَسْتَاخِيْزِ اَذْهِيْ وَأَمْرٌ» (۱۷)، «وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ اِلَّا كَلَمَحِ الْبَصْرِ» (۱۸). عَلَوْتُ تَلَخْتُ وَسَخْتُ تَرَا اسْتِ، «و كَارِ رَسْتَاخِيْزِ جِزِ يَكِ چِشْمِ بَرِ هَمِ زِدِنِ نَمِي بَاشِدِ». بَرِ اَنَانِ بَرْتَرِي عَلَيهِمْ بِعُلُوِّ اَللَّهِ اَلَّذِي كَانُ يَعْلُو بِه صَاحِبُ الْخُرُوبِ، مَنَّكْسُ يَافْتَمِ بِه بَرْتَرِي خِدَاوِنْدِ كِهْ صَاحِبِ نَبْرَدَهَا، وَسِرْنِكُونِ كِنْنْدَهْ الرِّاْيَاتِ، وَمُبيدُ الْاَقْرَانِ، وَتَعَوَّذْتُ بِأَسْمَاءِ اَللَّهِ اَلْحُسْنَى وَكَلِمَاتِهِ پَرچَمِ هَا، وَهَلَاكِ كِنْنْدَهْ نَزْدِيكَاغَانِ اسْتِ، وَبِهْ نَامِ هَايِ نِيكُويِ

خداوند و کلمات ارزشمند او پناهنده العلیا، وَظَهَرْتُ عَلَى أَعْدَائِي بِبَأْسٍ شَدِيدٍ وَأَمْرٍ رَشِيدٍ، وَأَذَلَّتُهُمْ شَدْماً، و بر دشمنانم با نیرو و قوتی سخت و فرمانی استوار ظفر یافتم، و آن ها را خوار و ذلیل نموده وَقَمَعْتُ رُؤْسَهُمْ، وَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لِي خَاضِعِينَ، فَخَابَ مَنْ وَبزرگان آن ها را سرکوب کردم، و گردن های ایشان برای من خاضع گردید، پس کسی که ناوانی، وَهَلَكَكَ مَنْ عَادَانِي، وَأَنَا الْمُؤَيَّدُ الْمَنْصُورُ، وَالْمُظْفَرُّ بِهِ مِنْ قِصْدِ بَدِي نَمُودَ نَاكَامٍ مَانِدٍ، وَ كَسِي كِه بَا مِنْ دَشْمَنِي كَرْد هَلَاكٍ وَ نَابُودَ كَرْدِيدِ، وَ مِنْ تَأْيِيدِشْدِه وَ يَارِي شْدِه، وَ ظَفْرَمِنْدِ الْمُتَوَجِّحِ الْمُحْبُورِ، وَقَدْ لَزِمْتُ كَلِمَةَ التَّقْوَى، وَاسْتَمْسَكْتُ بِالْعُزِّ وَهِسْرَافِرَازِ وَ شَادْمَانِمِ، وَ بِه حَكْمِ تَقْوَا مُلْتَزِمِ وَ پَايِنْدِمِ، وَ بِه دَسْتِ آوِيْزِ الْوُثْقَى، وَاعْتَصَيْتُ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ، فَلَنْ يَضُرَّنِي كَيْدُ الْكَافِرِينَ مَطْمِنِ دَرِ آوِيخْتِه ام، وَ بِه رِيْسِمَانِ مُحْكَمِ الْهِي چِنْكَ زِدِه ام، پَس مَكْرِ حِيْلِه كِرَانِ وَحَسِيْدُ الْحَاسِدِيْنَ، أَيْدِ الْاِبْدِيْنَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِيْنَ، فَلَنْ يِرَانِي وَ حَسَدِ حَسُودَانِ دَرِ هِمِه رُوزْكَارَانِ وَ بَرَايِ هِمِيْشِه بِه مِنْ زِيَانِ نَمِي زِنْدِ، پَس هِرْكَزِ

۱. سوره شعراء، آیه ۲. ۴. سوره قمر، آیه ۴۵ و ۴۶.

۳. سوره نحل، آیه ۷۷.

أَحِيدٌ وَلَنْ يَقْدِرَ عَلَيَّ أَحَدٌ، «قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ كَسِي مَرَا نَمِي بِيْنِدِ وَ هِرْكَزِ بَرِ مِنْ قَدْرَتِ پِيْدَا نَمِي كِنْدِ،» بَكُو مِنْ تَنهَا پَرُورْدِ كَارِمِ رَا مِي خُوانِمِ وَ بَا او هِيْچِ أَحَدًا» (۱۹). أَسْأَلُكَ يَا مُتَفَضِّلٌ، أَنْ تَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ كَسِي رَا شَرِيْكَ نَمِي سَازِمِ. «از تو مِي خُواهِمِ اِي احْسَانِ كِنْنِدِه؛ كِه بَرِ مِنْ لُطْفِ كِنِي وَ اِمْنِ وَ اِيْمَانِ عَلَي نَفْسِي وَرُوحِي، بِالسَّلَامَةِ مِنْ أَعْدَائِي، وَأَنْ تَحُولَ بَيْنِي بَرِ جَانِ وَ رُوحِ مِنْ بَا سَالِمِ مَانْدِنِ از دَشْمَانِمِ بِه مِنْ عَطَا كِنِي، وَ فَاصلِه اِنْدازِي بِيْنِ مِنْ وَبِيْنِ شَرِّهِمْ بِالْمَلَأَيْكَةِ الْغِلَاطِ الشُّدَادِ،» لَايَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ شَرِّ أَنْانِ بِه وَاسطِه فَرَشْتِگانِ سَتْبِرِ

و سخت گیر» که آنچه خدا فرمان دهد سرپیچی نمی کنند، وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (۲۰). وَأَيُّدُنِي بِالْجُنْدِ الْكَثِيفَةِ، وَالْأَزْوَاحِ وَآنچه را بدان مأمورند انجام می دهند». و مرا با لشکر انبوه و ارواح العظيمة المطيعية، فَيُجِئُونَهُمْ بِالْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ، وَيَقْدِفُونَهُمْ بِالْحَجَرِ بزرگ فرمانبردار یاری کن، پس با حجت رسا به آن ها جواب دهند، و سنگ های نابودکننده به طرف آنان پرتاب الدامغ، وَيَضْرِبُونَهُمْ بِالسَّيْفِ الْقَاطِعِ، وَيَزْمُونَهُمْ بِالشَّهَابِ الثَّقِيبِ، کنند، و با شمشیر بران به آن ها بزنند، و تیرهای سوراخ کننده وَالْحَرِيقِ الْمُتَلْتِهِبِ، وَالشُّوَاطِظِ الْمُحْرِقِ، «وَيَقْدِفُونَ مِنْ كُلِّ وَآتش شعله ور، و زبانه های سوزنده به طرف آن ها رها کنند.» و از هر جانب دُحُوراً وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ» (۲۱)، قَدْ فَتَنَهُمْ وَزَجَرْتَهُمْ بِفَضْلِ سُوْهُ بِطرف آن ها بارش شود بارش شدید و عذاب دردناک همیشگی دارند». به آن ها پرتاب کردم و آنان را راندم به فضل بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، بِطه و یس وَالدَّارِيَاتِ وَالطَّوَّاسِيْنَ» بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، «به طه و یس و الداریات و طواسین) سوره هایی که با طس شروع شده (وَتَنْزِيلِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَالْحَوَامِیْمِ» (۲۲) وَبِكَهَيْعِصْ، وَبِكَافٍ كَفِيَتْ، و قرآن عظیم فرو فرستاده شده و به حوامیم و به کهیعیص، و به واسطه «کاف» کفایت شدم،

۱. سوره جن، آیه ۲. ۲۰. سوره تحریم، آیه ۳. ۶. سوره صافات، آیه ۸ و ۹.

۴. حوامیم؛ به سوره هایی گفته می شود که با «حم» شروع شوند.

وَبِهَاءٍ هُدَيْتُ، وَبِيَاءٍ يُسَّرَ لِي، وَبِعَيْنٍ عَلَوْتُ، وَبِصَادٍ صَدَقْتُ وَبِهِ هَدَايْتُ شَدْم، وَبِهِ وَاسْطَه «ياء» آسان شد برای من، و به واسطه «عين» برتری یافتم، و به «صاد» راست گفتم أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَبِنُونٍ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ، وَبِمَوَاقِعِ النُّجُومِ، که خدایی و معبودی جز او نیست، و به «ن» و قسم به قلم و آنچه می نگارد، و به جایگاه های ستارگان، وَبِالطُّورِ «وَكِتَابٍ مَّشِيَّ طُورٍ فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ»

وَالْبَيْتِ وَ سَوَّكَد بٲ كوه طور،» و به كتابي كه نگاهشٲه شده در صفحه اي كه انتشار يافته و سوكند به بيت الْمَعْمُورِ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَالْبَحْرِ الْمَسِيْجُورِ اِنَّ عَذَابَ الْمَعْمُورِ) كعبه آسمانيان (و آسمان برافراشته و دريای شعله ور شده كه عذاب رَبِّكَ لَوَاقِعٌ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ «(۲۳)، فَوَلُّوا مُدْبِرِيْنَ عَلٰى اَعْقَابِهِمْ پروردگارت فرارسيدني است بدون ترديد و هيچ چيز مانع آن نخواهد گرديد»، پس پشت كردندناكصين، وَفِي دِيَارِهِمْ خَائِفِيْنَ، «فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا بِهِ واپس گراييدند، و در شهر و ديارشان دچار ترس و بيم گشتند. «پس حقيقت آشكار شد و آنچه يَعْمَلُونَ فَعَلُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِيْنَ وَالْقِيَ السَّحَرَهُانِجَامِ مي دادند تباه گرديد و در آنجا بود كه خوار و حقير گرديدند و جادوگران ساجدين «(۲۴)، «فَوَقَاهُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا، وَحَاقَ بِالِ فِرْعَوْنَ بِهِ سِجْدَهُ افتادند»، «پس خدا او را از بدى هاى مكر و نيرنگ آن ها حفظ كرد و فرعونيان راسوء الْعَذَابِ، وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللّٰهُ وَاللّٰهُ خَيْرُ الْمَاكِرِيْنَ» (۲۵). «الَّذِيْنَ عَذَابُ دَرْدَنَاكِي دَرَبِرْگَرَفْت، و آنان نيرنگ زدند و خدا نيرنگ زد و خدا بهترين نيرنگ زننده است.» «آنان كه قال لَهُمُ النَّاسُ اِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَرَاذَهُمْ مردم به آنان گفتند: همانا مردم عليه شما گرد آمده اند، از آنان بترسيد، ولي اِيْمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَاَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللّٰهِ اِيْمَانِشان افزوده گشت و گفتند: خدا ما را بس است و او خوب دفاع كننده و پشتيباني است پس با نعمتي از سوي خداوند

۱. سوره طور، آيه ۲. ۸ - ۲. سوره اعراف، آيه ۱۲۰ - ۱۱۸.

۳. سوره آل عمران، آيه ۵۴.

وَفَضَّلِ لَمْ يَمَسَّيْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ ذُو فَضْلٍ وَ اِحساني كه به آن بدى و آسيبي نرسد بازگشتند، و خشنودي پروردگار را پيروي كردند، و

پوشش الهی باشد محفوظ است، خداوندی که کفایت می کند مرا بس است و جز او

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۷۳ و ۱۷۴. ۲. سوره مؤمنون، آیه ۹۷ و ۹۸.

۳. سوره بقره، آیه ۱۳۷.

أَحَدٌ سِوَاهُ، «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سِدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سِدًّا هَيْجَ كَس كَفَايْت نَمِي كَنْد، «و ما پيش روي آن ها سَدِي و پشت سرشان سَدِي و مانعي قرار داده ايم فَأَغَشَيْنَاهُمْ فَهَم لَإِيْبَصِرُونَ» (۲۹). أَللَّهُمَّ اضْرِبْ عَلَيَّ سِرَادِقَاتٍ و آن ها را پوشانده ايم که نَمِي بينند». خداوندا؛ بر من خيمه هاي حفظ و حَفِظِكَ، الَّذِي لَا يَهْتِكُهُ الرِّياحُ، وَلَا تَخْرِقُهُ الرِّياحُ، وَاكْفِنِي شَرَّ نَظَائِرِ رَايتِ رَا كِه بادها آن را نَمِي درد، و نيزه ها آن را پاره نَمِي كَنْد قرار بده، و مرا كَفَايْت كَن از شَرِّ مَا أَخَافُهُ بِرُوحِ قُدْسِكَ الَّذِي مَنَ الْقَيِّتُهُ عَلَيْهِ كَانَ مَسْتُورًا عَنِّ أَنْجِه مِي تَرَسَم بَه حَقِّ آن رُوحِ مَقْدَسْتِ كِه بَر هَر كَسِ آن رَا الْقَا كَنِي و بيفكني عُيُونَ النَّاطِرِينَ، وَكَبِيرًا فِي صُدُورِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ. وَوَفَّقْ از ديدگان تماشاگران پنهان مِي ماند، و در سينه مردمان، بزرگ جلوه مِي كَنْد. و لِي بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَبِكَلِمَاتِكَ الْعُلْيَا صَيِّحَاتِ فِي جَمِيعِ مَاسُوكِنْد بَه نَامِ هَاي نيكويت و كلمات بلندمرتبه ات مرا توفيق ده بَه آنچه مصلحت من است در تمام آنچه أُؤَمِّلُهُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاضْرِبْ عَنِّي أَبْصَارَ النَّاطِرِينَ، آرزو دارم از خوبي هاي دنيا و آخرت، و ديدگان بينندگان را از من بازگردان، وَاضْرِبْ عَنِّي شَرَّ قُلُوبِهِمْ وَشَرَّ مَا يُضْجِرُونَ إِلَى خَيْرٍ مَا لَا يَمْلِكُهُ و برگردان بدی افكارشان را و آنچه در سينه پنهان كرده اند بَه خوبي آنچه غَيْرُكَ. أَللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْتَ مَوْلَايَ وَمَلَاذِي، فَبِكَ الْوَدُ وَأَنْتَ غَيْرِ تُو آن رَا دارا نيست. خداوندا؛ تُو مَوْلَايَ مَن و پناهگاه مَن هستي، پس بَه تُو پناهنده مِي شوم، و تُو مَعَاذِي، فَبِكَ أَعُوذُ يَا مَن دَانَ لَهُ رِقَابُ الْجَبَابِرَةِ، وَخَضَعَتْ لَهُ پناه مَن هستي، پس

به تو پناه می برم ای کسی که گردن های زورگویان برای او فرو افتاده و ضعیف است، و عمالِیقُ الفراعنه، اَجْرِنِی اللّهُمَّ مِنْ خَزِیْبِکَ، وَکَشْفِ سِیْئَرِکَ، فرعون های زورگو در برابر او فروتنی نموده اند. خداوندا؛ مرا از رسوایی و خوارکردنت، و پرده دری ات،

۱. سوره یس، آیه ۹.

وَنَسِیَانِ ذِکْرِکَ، وَالْإِضْرَابِ عَنِ شُکْرِکَ، أَنَا فِی کَنْفِکَ لَیْلِی وَفِرَامُوشِی یَادَتِ، وَرُوی گرانیدن از شکرت پناه بده، من در شب وَنَهَارِی وَنَوْمِی وَقَرَارِی وَآئِتِبَاهِی وَآئِتِشَارِی، ذِکْرُکَ شِعْعَارِی، وَرُوزِی وَدِرْخَوَابِی وَدِرْوَاقِی وَوَقْتِی دِرْ رِفْتِ وَآمَدَمِ دِرْ نِگَهْدَارِی وَحَمَایَتِ تَوَامِ. یَادِ تُو شِعَارِ مَن اسْتِ، وَتَنَآؤُکَ دِئَارِی. اَللّهُمَّ اِنَّ خَوْفِی اَمْسِی وَاصْبِحْ مُسْتَجِیْرًا بِکَ وَتَنَآکُوثِی ذِکْرِ پَنهَانِ مَن اسْتِ. خِداوَندَا؛ هِمَانَا تَرَسِ مَن شَبِ رَا رُوزِ نَمُودَه وَرُوزِ رَا شَبِ نَمُودَه وَبِأَمَانِکَ مِنْ خَوْفِکَ وَسُوءِ عَذَابِکَ، وَاضْرِبْ عَلَی سِیرَادِقَاتِی دِرْ حَالِی کِه بِه دَامَنِ اَمَانِ تُو پَنَاهِنْدَه گِشْتَه، وَاز تَرَسِ تُو وَشَدَّتْ عَذَابَتِ بِه اَمَانِ تُو رُوی آوَرْدَه اَم، وَمَرَا دِرْ سِرَاطِی حِفْظِ وَحِفْظِکَ، وَارْزُقْنِی حِفْظَ عِنَایَتِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ، نِگَهْدَارِی خُودِ قَرَارِ بَدَه، وَتَوَجُّهَ وَرِعَایَتِ حِفْظِکُنْدَه ات رَا رُوزِی مَن گِرْدَانِ، بِه مَهْرَبَانِی وَرَحْمَتِ اِی مَهْرَبَانِ تَرِیْنِ مَهْرَبَانَانِ، اَمِیْنِ اَمِیْنِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ. (۳۰)

اجابت کن، اجابت کن، ای (پروردگار جهانیان).

حرز حضرت امام رضا علیه السلام و...

صاحب کتاب «جَنَاتِ الخلود» نوشته است: حرز حضرت امام رضا علیه السلام، حرز حضرت امام حسین علیه السلام می باشد و آن حرز این است:

یا مَنْ شَأْنُهُ الْکِفَايَةُ وَسِیرَادِقُهُ الرِّعَايَةُ، یا مَنْ هُوَ الْغَايَةُ اَنکِه شَأْنِ او کِفَايَتِ کِرْدَنِ بِنْدِگَانِ وَسِرَاطِی حِفْظِ وَنِگَهْدَارِی اسْتِ، اِی اَنکِه او هِدْفِ وَمَقْصُودِ النَّهَائِیَةِ، یا صَارِفِ السُّوءِ وَالسَّوَاءِ، اِصْرِیْفْ عَنِّی اَذِیَّهُو سِرَانِجَامِ وَخَاتَمَه اسْتِ، اِی بازدارنده بدی ها و زشتی ها؛ باز بدار از من اذیت

و آزار العالمین من الجن و الإنس أجمعین، بالأشباح النورانیة، همه جهانیان را از جن و انس، به وسیله اشباح نورانی، وبالأسیماء السریانیة، وبالاقلام یونانیة، وبالکلمات العبرانیة، و نام های سریانی، و قلم های یونانی، و کلمات عبرانی، و بما نزل فی الألواح من تعین الأیضاح. إجعلنی اللهم فی و به آنچه در الواح از مشخص کردن برهان های آشکار نازل گشته است. قرار بده مرا خداوندا؛ در حزبیك و حززك، و فی عبادك و فی سترک، و فی حفظک و فی حزب خود و در پناه محکم خویش، و در زمره بندگانت، و در پوشش و نگهداری و کنفک، من شر کل شیطان مارِد، و عدو مُرَاصِد، و لئیم مُعانِد، حمایت، از شر هر شیطان سرکش، و دشمن کمین کرده، و هر پست عنادپیشه، و ضد کبود، و من شر (کل حاسِد. بِسْمِ اللّٰهِ اسْتَعْتُ، و بِسْمِ و مخالف حيله گر، و از شر) هر حسودی. به نام خدا یاری می جویم، و به نام اللّٰهِ اکتفیت، و علی اللّٰهِ توکلت، فإلیه اسی تعذت علی کل ظالم خدا بسنده می کنم، و بر خدا توکل می نمایم، و به او پناه می برم از هر ظالمی ظلم، و غاشم غشم، و طارق طرق، و زاجر زجر، فالله خیر که ظلم کند، و هر ستمگری که ستم کند، و هر کاهنی که کهانت کند، و هر بازدارنده ای که بازدارد، پس خدا بهترین حافظاً، و هو أرحم الراحمین. (۳۱)

حافظ و نگهدار است، و او از هر مهربانی مهربانتر است.

حز دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام

محمد بن مسلم از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

این عود و دعا در کاغذ یا پوست نازک برای انسان یا حیوانی که دچار حمل است نوشته می شود:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللّٰهِ، بِسْمِ اللّٰهِ، «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»، «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ بُنَامَ خُدا، بُنَامَ خُدا، «همانا با دشواری آسانی است»، «بی گمان با دشواری يُسْرًا» (۳۲)، «یُریدُ اللّٰهُ

بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا آسَانِي اسْت» «خدا برای شما آسانی می خواهد و دشواری نمی خواهد، و باید الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ وَإِذْ أَعَدَدَ (ایام روزه) را کامل کنید، و خدا را به پاس اینکه شما را هدایت کرده بزرگ شمارید، و باشد که شکرگزاری کنید و هر گاه سَأَلَكِ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ بندگانم از تو درباره من سؤال کنند) بگو (من نزدیکم و دعای دعاکننده را چون مرا خواند اجابت کنم، فَلْيَسِّرْتَجِيبُوا لِي وَلِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (۳۳)، «وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ پس باید مرا پاسخ دهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند» «و (خداوند) در کارتارن أَمْرِكُمْ مِنْ فَجَاءَ هَا الْمَخَاضُ إِلَى جِدْعِ النَّخْلِهِ» او را با خود به مکان دورافتاده ای برد) و از دیگران کناره و کمال برای شما فراهم سازد، «و راه راست را نشان دادن بر عهده

۱. سوره انشراح، آیه ۲. ۵. سوره بقره، آیه ۱۸۵ و ۱۸۶.

۳. سوره كهف، آیه ۱۶.

السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِزٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ» (۳۵)، «ثُمَّ السَّبِيلَ خداوند است، برخی از راه ها بی راهه است، و اگر خدا بخواهد همه شما را هدایت کند» «سپس) خداوند (راهش رَايَسْرَهُ» (۳۶). «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا بَرًا وَهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ» (۳۷)، به هم پیوسته بودند و ما آن ها را باز گشودیم، و هر چیز را از آب، زنده قرار دادیم، آیا ایمان نمی آورند؟»، «فَأَنْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِدْعِ النَّخْلِهِ» او را با خود به مکان دورافتاده ای برد) و از دیگران کناره گیری کرد) «پس درد زایمان او را به کنار درخت خرمائی برد، قَالَتْ

یا لَیْتَنی مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَکُنْتُ نَسِیاً مِّنْسِیاً فَنَادِیْهَا مِنْ کَاش؛ پیش از این مرده بودم و از فراموش شده ها بودم پس از طرف پائین پایش (فرشته ای) ندا داد تَحْتِهَا أَلَمَّا تَحْزَنی قَدْ جَعَلَ رَبُّکَ تَحْتِکَ سَریّاً وَهَزَى إِلَیْکَ که اندوهگین مباش، پروردگارت از زیر پایت چشمه آبی را روان می سازد و این بِجِذْعِ النَّخْلِهِ تُسَاقِطُ عَلَیْکَ رُطْباً جَیِّباً فَکُلْی وَاشْرَبْی وَقَرِیْتَنه درخت خرما را به طرف خود تکان بده، رطب تازه بر تو فرو می ریزد پس بخور و بنوش وَعَیْناً فَاِمَّا تَرِیْنِ مِنَ الْبَشَرِ أَحَداً فَقُولِ اِنِّی نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ دَیْدَه رُوشن بدار، و اگر از مردم کسی را دیدی پس بگو: من برای خداوند مهربان روزه ای نذر کرده ام صَوْمًا فَلَنْ اُکَلِّمَ الْیَوْمَ اِنْسِیاً فَاَتَتْ بِه قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا یَا اَمْرُوزَ با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت آنگاه مریم آن (نوزاد) را دربر گرفته بود نزد قوم و خویشان خود آورد، گفتند: ای مَرْیَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَیْئاً فَرِیّاً یا اُخْتِ هَارُونَ ما كَانَ اَبُوکَ اَمْرًا مریم؛ به راستی کار بد و ناپسندی را مرتکب شده ای ای خواهر هارون؛ نه پدرت مرد سوءٍ و ما کانت اُمُّکَ بَعِیّاً فَاَشَارَتْ اِلَیْهِ قَالُوا کَیْفَ نُکَلِّمُ مَنْ بَدِی بُوَد و نه مادرت بدکاره بود پس اشاره به کودک کرد، گفتند: چگونه با

۱. سوره نحل، آیه ۲. ۹. سوره عبس، آیه ۲۰.

۳. سوره انبیاء، آیه ۳۰.

كَانَ فِی الْمُهَدِّ صَبِیّاً قَالَ اِنِّی عَبْدُ اللّهِ اتَانِی الْكِتَابَ وَجَعَلَنِی كُودِکَ گاهواره ای صحبت کنیم؟) کودک (گفت: من بنده خدایم، به من کتاب داده و به من نبیاً وَجَعَلَنِی مُبَارَکاً اَیْنِ ما كُنْتُ وَأَوْصَانِی بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ هِیَا مَبْرِی عطا کرده است هر جا که باشم مرا وجودی پربرکت قرار داده و تا زنده ام مرا به نماز و زکات سفارش ما دُمْتُ

حَيًّا وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا نموده است و به نیکی به پدر و مادرم توصیه فرمود، و مرا از زورگویان و سنگدل ها قرار نداد وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ذَلِكَ و درود بر من روزی که زاده شدم، و روزی که می میرم و روزی که برانگیخته می شوم این عیسی بن مریم (۳۸). «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ عِيسَى پسر مریم است.» و خدا شما را از شکم های مادران تان بیرون کرد در حالی که شئیئا وَجَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ چیزی نمی دانستید، و برای شما گوش و چشم و دل قرار داد، شاید شکرگزاری کنید أَوْلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمِيسِكُهُنَّ إِلَّا آيَا بَرَفَرَازِ آسْمَانِ به پرندگان که رام گشته اند نمی نگرند؟ آن ها را جز خدا کسی (در آسمان) نگه نمی دارد، اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۳۹)، كَذَلِكَ أَيُّهَا الْمَوْلُودُ بِي كَمَا نَرَى فِيهَا نِشَانَةَ هَبِيئِیْ اِسْتَبْرَأَ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۴۰) می آورند»، همان گونه - ای مولود - اُخْرِجْ سَوِيًّا يَأْذِنُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

راست و درست و کامل به اذن و فرمان پروردگار عزیز و بلندمرتبه خارج شو.

سپس بر او آویزان می کنند، هنگامی که امر ولادت صورت گرفت آن را از او جدای می کنند.

و باید کاملاً مراقب باشی که بعضی از آیه (۷۵) سوره نحل که در آخر حرز است (را رها نکنی، یا به موضعی از آن توقف نکنی تا آن را کامل گردانی.

و آیه این است: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا».

پس اگر به اینجا که رسیدی توقف کنی نوزاد لال بیرون می آید، و اگر نخواندی: «وَجَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»، نوزاد صحیح و سالم به دنیا نمی آید. (۴۰)

حرز برای حفظ از شر دشمنان اهل بیت علیهم السلام

این حرزی است که

در لباس آن حضرت یافت شد، گفته اند: هنگامی که حضرت امام رضا علیه السلام دار فانی را وداع کرد تعویذی از آن حضرت پیدا شد، و در آن، حرزی بود که گفته شده: پدران‌ش علیهم السلام فرموده اند که جدّ بزرگوارشان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به آن خود را از دشمنان حفظ می کرد و آن را در غلاف شمشیر نصب کرده و آویخته بود و در آخر آن نام های خداوند عزیز و بلندمرتبه بود، و آن حضرت بر فرزندان و بستگانش شرط کرده بود که آن را علیه کسی نخوانند؛ زیرا که این دعا هرگز از ناحیه پروردگار محجوب نمی ماند و رد نمی شود:

اللَّهُمَّ بِكَ أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ أَسْتَسْتَجِجُ، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَدَاوندا؛ به کمک تو آغاز می کنم، و به کمک تو کامیابی و توفیق می طلبم، و به محمد - که درود خداوند بر او و آل او باد - اتوجه. اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِي حُزُونَتَهُ وَكُلَّ حُزُونَةٍ، وَذَلِّلْ لِي صُعُوبَتَهُ رُوي می آورم. خداوندا؛ برای من سختی آن و هر سختی را آسان گردان، و ناهمواری آن و کُلَّ صُعُوبَةٍ، وَاكْفِنِي مَوْنَتَهُ وَكُلَّ مَوْنَةٍ، وَارزُقْنِي مَعْرُوفَهُ و هر ناهمواری را هموار کن، و رنج و زحمت آن و هر رنج و زحمتی را کفایت کن، و خیر و خوبی آن و وَوَدَّهُ، وَاصْبِرْ عَنِّي ضُرَّهُ وَمَعْرَتَهُ، إِنَّكَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ، و دوستی اش را روزی من فرما، و بدرفتاری و اذیت و آزارش را از من دور نما، که تو هر چه خواهی بزدایی یا ثبت فرمایی ۱. بحار الأنوار: ۴۰/۹۵.

وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ، «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»، «إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا»

إِلَيْكَ» (۴۲)، طه حم غصه ای می خورند»، (فرشتگان گفتند: «ما فرستادگان پروردگار تو هستیم و آنان هرگز به تو دست نمی یابند»، به احترام اسماء مقدس طه، حم لایبصرون، وَجَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ آن ها نمی بینند، و «ما بر گردن ها تا چانه های ایشان حلقه های آهنی قرار دادیم در نتیجه سر بلند کرده و چشمها را مُقْمَحُونَ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سِدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سِدًّا فَأُفْرُو بسته اند و از پیش روی ایشان سدی و از پشت سرشان سدی قرار داده فَأَعْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» (۴۳)، «اولئك الذين طبع الله على ايشان را پوشانیده ایم پس آن ها نمی بینند»، «آن ها کسانی هستند که خداوند برقلوبهم وسمعهم وأبصارهم وأولئك هم الغافلون» (۴۴). «لاجرم دل ها و گوش ها و دیدگان شان مهر نهاده و آنان غافل و بی خبرند». «ناگزیر آن الله يعلم ما يبصرون وما يعلنون» (۴۵)، «فسيكفيهم الله وهو آنچه آنان پنهان می کند و آنچه را آشکار می کند خدا می داند»، «پس به زودی خدا شر ایشان را از تو کفایت کند و او السميع العليم» (۴۶)، «وتريهم ينظرون إليك وهم لا يبصرون» (۴۷)، «شنوا و دانا است»، «و می بینی که به سويت نگاه می کنند ولی آن ها نمی بینند»، «صم بكم عمي فهم لا يزجون» (۴۸)، «طسم تلك ايات» آن ها کردند، لال اند، کورند و باز نمی گردند»، «طاسين ميم» از رموز قرآنی است (این آیه های الكتاب المبين لعلك باخع نفسك ألا يكونوا مؤمنين إن كتاب روشن و آشکار است گویا خودت را از غصه اینکه آن ها ایمان نمی آورند می خواهی به کشتن دهی اگر

۱. سوره یونس، آیه ۲. ۶۲. سوره هود، آیه ۸۱.

۳. سوره یس، آیه ۸ و ۴. ۹. سوره نحل، آیه ۱۰۸.

۵. سوره نحل، آیه ۶. ۲۳. سوره بقره، آیه ۱۳۷.

۷. سوره اعراف، آیه ۸. ۱۹۸. سوره بقره، آیه ۱۸.

نشأ نزل عليهم من السماء إيه فظلت أعناقهم

لَهَا خَاضِعِينَ» (۴۹). بخواهیم آیه و نشانه ای از آسمان بر آن ها فرو می فرستیم تا در برابر آن گردن فرود آورند. نام ها: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِالْعَيْنِ الَّتِيْ لَا تَنَامُ، وَبِالْعِزِّ الَّذِيْ لَا يُرَامُ، خَدَاوَنَدَا؛ از تو درخواست می کنم به دیدگانی که به خواب نمی رود، و به عزت و اقتداری که هیچ کس به آن نمی رسد، وَبِالْمُلْكِ الَّذِيْ لَا يُضَامُ، وَبِالنُّورِ الَّذِيْ لَا يُطْفَى، وَبِالْوَجْهِ الَّذِيْ وَبِهِ فَرْمَانِروایی و سلطنتی که مورد ستم و تجاوز قرار نمی گیرد، و به نوری که خاموش نمی شود، و به چهره ای که لایبیلی، وَبِالْحَيَاةِ الَّتِيْ لَا تَمُوْتُ، وَبِالصَّمَدِيَّةِ الَّتِيْ لَا تُقْهَرُ، فرسوده نمی شود، و به حیات و زندگی ای که دچار مرگ نمی شود، و به سرور و تَفَوْقِي که مقهور و مغلوب نمی شود، وَبِالدَّيْمُوْمَةِ الَّتِيْ لَا تَفْنَى، وَبِالِاسْمِ الَّذِيْ لَا يُرَدُّ، وَبِالرُّبُوبِيَّةِ وَبِهِ اَنْ جَاوَدَانِگی که از بین نمی رود، و به اسمی که بازگردانده نمی شود، و به پروردگاری و ربوبیتی الَّتِيْ لَا تُسْتَدَلُّ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَفْعَلَ بِيْ که ذلیل و خوار نمی شود، که بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فرستی، و با من كَذَا وَكَذَا، و حاجت خود را ذکر کن که برآورده شود ان شاء الله تعالى. (۵۰)

چنین و چنان کنی.

بخش شانزدهم

هشت دستور برای برطرف شدن هشت بیماری

در این بخش، هشت دستور برای برطرف شدن هشت بیماری نقل می کنیم:

□

دعا برای درد چشم

محمد بن علی بن جعفر، از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

بدون تردید شفای چشم در خواندن سوره «حمد»، «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»، «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «آیه الکرسی» و بُخور دادن با قسط (نوعی گیاه است) و مَرّ (صمغ درخت مَرّ مکی) و کُنَدَر است. (۵۱)

دعا برای برطرف شدن صرع

حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را که به بیماری صرع مبتلا بود مشاهده کرد، دستور داد ظرف آبی بیاورند، بر آن سوره «حمد»، «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» را خواند و در آن دمید، سپس دستور داد از آن آب بر سر و روی او بریزند، باین کار بیمار بهبودی یافت و امام علیه السلام فرمود: هرگز به سوی تو باز نمی گردد. (۵۲)

دعا برای برطرف شدن سردرد

اباصلت هروی از حضرت امام رضا علیه السلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده است که فرمود:

امام باقر علیه السلام فرمود: به شیعیان ما یاد بده که برای سردرد بگویند:

«یا طاهی، یا ذَرُّ، یا طمنه، یا طنات»

زیرا این ها اسماء اعظم هستند که نزد خداوند از ارزش والائی برخوردارند، و خداوند به برکت آن، سردرد را از ایشان برطرف می کند. (۵۳)

دعا برای برطرف شدن سلّ

حسن بن علی بن یقظین گوید: حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام فرموده است:

این دعائی است برای شیعیان ما، برای برطرف کردن سلّ:

یا اللَّهُ، یا رَبِّ الْأَرْبابِ، یا سَيِّدَ السَّادَاتِ، یا إِلَهَ الْأَلِهَةِ، یا مَلِكَ ای خداوند؛ ای پرورش دهنده پرورش دهندگان؛ و ای سرور سروان؛ و ای معبود معبودان؛ و ای پادشاه الملوک، و یا جَبَّارَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِشْفِنِي وَعَافِنِي مِنْ دَائِي پادشاهان؛ و ای آفریننده آسمان ها و زمین؛ مرا شفا بده و عافیت بخش از این ۱. بحار الأنوار: ۱۵۰/۹۵، المصباح: ۲۰۷) با اندکی تفاوت (۲. بحار الأنوار: ۵۴/۹۵.

هَذَا، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَإِبْنُ عَبْدِكَ، أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ، وَنَاصِيَتِي بِيَدِكَ. درد، که من بنده تو و فرزند بنده ات هستم، در قبضه قدرت تو حرکت می کنم و پهلو به پهلو می شوم، و زمام امورم به دست تو است.

این دعا را سه مرتبه می خوانی، و خداوند به نیرو و قدرت خویش تو را کفایت می کند انشاء الله تعالی. (۵۴)

دستور برای فرزنددار شدن و برطرف شدن مریضی

هشام بن ابراهیم به حضرت امام رضاعلیه السلام از بیماری و اینکه فرزندی برایش متولد نمی شود شکوه کرد، امام علیه السلام دستور داد که: در منزل با صدای بلند اذان بگوید.

هشام گوید: به دستور حضرت عمل کردم، خداوند بیماریم را از بین برد و فرزندم زیاد گشت. (۵۵)

دعا برای رفع زگیل

علی بن نعمان گوید: به حضرت امام رضاعلیه السلام عرض کردم: پسری دارم مبتلا به ثلول گشته، در بدنش لکه های قرمز و دانه های زگیل ظاهر شده است و مرا ناراحت نموده است. امام علیه السلام فرمود:

برای هر زگیل هفت دانه جو بگیر، و بر هر دانه جو، هفت مرتبه ابتدای سوره واقعه را تا «هَبَاءٌ مُّثَبِّثًا» بخوان، سپس آیه ۱۰۵ سوره «طه» «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا...» تا «وَلَا أَمْتًا» (۵۶) را بخوان، سپس جوها را یکی یکی بگیر و بر زگیل ها بمال، سپس آن ها را در پارچه جدیدی قرار بده و بر آن پارچه سنگی ببند و در جایی که آن را پنهان کند - مانند

چاه یا گودال - بینداز.

علی بن نعمان گوید: این دستور امام علیه السلام را انجام دادم، بخدا قسم روز هفتم یا هشتم که نگاه کردم مثل کف دست من صاف بود و اثری از آن ها نبود و فرموده اند:

شایسته است که این کار در شب های آخر ماه - که ماه دیده نمی شود - انجام گیرد، و ان شاء الله از بین خواهد رفت. (۵۷)

دستور برای بواسیر

شخصی از بواسیر به آن حضرت شکایت کرد، حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

سوره «یس» را با عسل بنویس و سپس آن را در آب ریخته و از آن آب بنوش. (۵۸)

ادعا برای رفع غده خنازیر (۵۹)

حسین بن سعید در کتاب دعاء به سند خود از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

کنیزی از کنیزان ما، در گردنش غده خنازیر ظاهر گشت، کسی آمد و به او گفت: باید بگویی: یا رُوُوفُ یا رَحِيمُ، یا رَبِّ یا سَيِّدِي.

ای بسیار مهربان؛ ای رحم کننده؛ ای پروردگار من؛ ای سرور من.

و آن را تکرار نمایی، آن

کنیز به این دستور عمل کرد و آن غده از بین رفت. (۶۰)

بخش هفدهم

هشت دستور برای وسعت رزق و رفع فقر

در این بخش، هشت دستور برای وسعت رزق و برطرف شدن فقر نقل می کنیم:

□

دعا برای طلب رزق

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: به حضرت امام رضاعلیه السلام عرض کردم: فدای شماشوم؛ از خداوند بخواه که مال حلال را روزی من گرداند، فرمود:

آیا می دانی حلال چیست؟

عرض کردم: به نظر ما مقصود، کسب پاکیزه است. فرمود:

علی بن الحسین علیهما السلام می فرمود: حلال، قوت برگزیدگان الهی است.

سپس فرمود: بگو: أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ. (۶۱)

خداوندا؛ از تو روزی واسع و فراوان می خواهم.

دعا هنگام رسیدن نعمت و کم شدن رزق و وارد شدن حزن و اندوه

حضرت امام رضاعلیه السلام از رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده اند که فرمود:

هر کس خدا به او نعمتی مرحمت می کند باید خداوند تبارک و تعالی را سپاس گوید، و هر کس روزی بر او به کندی برسد باید استغفار کند و از خدا آمرزش گناهایش را بخواهد، و هر کس امری او را غمناک نموده باشد باید بگوید:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (۶۲)

هیچ توانائی و نیروئی جز به سبب خداوند نیست.

دعا برای طلب روزی

برادر دعبل خزاعی گوید: سرورم حضرت علی بن موسی الرضاعلیه السلام فرمود:

پدرم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: پدرم حضرت جعفر بن محمد علیهما السلام، از پدرش حضرت محمد بن علی علیهما السلام روایت کرده است که فرمود: هنگامی که صبح کردی بگو:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي سَيْهَمًا وَإِفْرًا فِي كُلِّ حَسَبٍ أَنْزَلْتَهَا مِنَ السَّمَاءِ خَدَاوِنْدًا؛ برای من سهم فراوانی قرار بده در هر خیری که امروز از آسمان اِلَى الْأَرْضِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَاصْرِفْ عَنِّي كُلَّ مُصِيبَةٍ أَنْزَلْتَهَا بِه سَوِي فِرْسْتَادِي، وَ اَز مَن دُور گِرْدَان هِر مَصِيْبَتِ وَ بِلَانِي رَا كِه اَمْرُوز مِّنَ السَّمَاءِ اِلَى الْأَرْضِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَ عَافِنِي مِّنْ طَلَبِ مَا لَمْ اَز اَسْمَانَ بِه سَوِي زَمِيْن نَازِل كُنِي، وَ مَرَا مَعَاْفِ بَدَار اَز جِسْتَجُوِي اَنچِه تُتَقَدَّرُ لِي مِّنْ رِّزْقٍ، وَ مَا قَدَّرْتَ لِي مِّنْ رِّزْقٍ فَسَيَقُهُ اِلَيَّ فِي رِزْقٍ وَ رُوزِي كِه بَرَايِم مَقْدَّر نَفْرُودِه اِي، وَ اَنچِه اَز رُوزِي بَرَايِم مَقْدَّر فَرْمُودِه اِي يُسِرُّ مَنكَ وَ عَافِيَه، «اَمِيْن» سه مرتبه. (۶۳)

با آسانی و عافیت به سوی من بفرست، اجابت فرما.

گفتن اذان برای رفع فقر

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود:

شخصی به امام صادق علیه السلام از فقر و ناداری خود شکایت کرد، امام علیه السلام فرمود: هرگاه صدای اذان را شنیدی، به همراه مؤذن اذان بگو همانطور که او می گوید. (۶۴)

دستور برای برکت مال

محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت کرده است که فرمود:

هنگامی که کالائی خریداری نمودی سه بار تکبیر بگو و سپس این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ اَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ خَيْرِكَ، فَاجْعَلْ لِي فِيهِ خَيْرًا. خَدَاوِنْدًا؛ مَن اَيْن كَالَا- رَا خَرِيْدِه اَم دَر اَن خَيْر تُو رَا مِي جُوِيْم، پَس بَرَاي مَن دَر اَن، خَيْر وَ خُوبِي قَرَار بَدِه. اَللَّهُمَّ اِنِّي اَشْتَرَيْتُهُ اَلْتَمِسُ فِيهِ مِّنْ فَضْلِكَ.

خداوندا؛ من این جنس را خریداری نموده ام و در آن، فضل و احسان تو را می طلبم.

تا آخر حدیث، سپس گفت:

و سیره حضرت امام رضا علیه السلام چنین بود که بر روی کالائی که تهیه می کرد می نوشت:

«بَرَكَهَ لَنَا»؛ «برکت برای ما باشد». (۶۵)

دعای دیگر در هر روز برای برطرف شدن فقر

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: هر کس روزی صد مرتبه بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ»

«نیست خدایی جز خداوندی که مالک و حق آشکار است.»

به سبب آن، بی نیازی به سوی او جلب می شود، و تنگدستی از او دور می گردد، و درب جهنم به او بسته می شود، و درب بهشت به سوی او گشوده می شود. (۶۶)

دعا برای حفظ چیزی که خریداری شده

این روایت به حضرت امام رضا علیه السلام منسوب است:

هرگاه متاع، کالا، کنیز و یا چهارپائی خریدی بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ أَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ رِزْقِكَ، فَاجْعَلْ لِي فِيهِ خَدَاوِنْدًا؛ من این را خریده ام و در آن، روزی تو را می طلبم، پس برای من در آن رِزْقًا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَلْتَمِسُ فِيهِ فَضْلَكَ، فَاجْعَلْ لِي فِيهِ فَضْلًا. رِزْقًا و روزی قرار بده. خدایاندا؛ من در آن فزونی و لطف تو را می طلبم، پس برای من در آن فزونی قرار بده، اللَّهُمَّ إِنِّي أَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ خَيْرِكَ وَبَرَكَتِكَ وَسِعَةِ رِزْقِكَ، فَاجْعَلْ خَدَاوِنْدًا؛ در آن از خیر و برکت و روزی گسترده ات التماس می کنم، پس برای من لی فِيهِ رِزْقًا وَسِعًا، وَرَبْحًا طَيِّبًا، هَنِيئًا مَرِيئًا.

در آن، روزی گسترده و راحتی و آسایش خوش آیند، گوارا و دلپذیر قرار بده.

و این کلمات را سه مرتبه تکرار کن. (۶۷)

دعا برای حفظ شدن مال از تلف شدن و...

این روایت نیز به حضرت امام رضا علیه السلام منسوب است:

هر گاه خواستی کالای خود را در حفظ و حراست بداری، آیه الکرسی بخوان و بنویس و آن را در وسط کالا قرار بده و نیز بنویس:

«وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سِدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سِدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهْمًا» ما پیش روی آنان سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده ایم و دیدگانشان را پوشانیده ایم که لَا يُبْصِرُونَ» (۶۸)، لِأَضْمِيعَهُ عَلَى مَا حَفِظَهُ اللَّهُ «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ» آنچه را خدا حفظ کند تباہ نمی گردد «پس اگر روی گردانند بگو: اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (۶۹). خدا مرا بس است، هیچ معبودی جز او نیست، بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش باعظمت است.»

(پس اگر چنین کنی) آن را در حفظ و حراست قرار داده ای اگر خدا بخواهد و به آن به اذن و فرمان پروردگار بدی نرسد.

بخش هیجدهم

هشت دعای مهم

که حضرت امام رضا علیه السلام خوانده اند

در این بخش، هشت دعای مهم که حضرت امام رضا علیه السلام آن ها را خوانده اند نقل می کنیم:

۱۰

دعای توحید

اللَّهُمَّ إِنَّكَ كُنْتَ قَبْلَ الْأَزْمَانِ ، وَقَبْلَ الْكَوْنِ وَالْكَيْنُوتِ بِخَدَاوند؛ تو پیش از زمان ها، و پیش از وجود و ایجاد و الكائن، وَعَلِمْتَ بِمَا تُرِيدُ أَنْ تُكُونَ قَبْلَ تَكْوِينِ الْأَشْيَاءِ، و موجود، بوده ای، و پیش از به وجود آوردن موجودات به آنچه می خواستی هستی بخشی علم و آگاهی داشتی، وَكَانَ عِلْمُكَ السَّابِقَ فِيمَا تُرِيدُ أَنْ تُكُونَ قَبْلَ التَّكْوِينِ وَالْعِلْمِ، و علم تو پیشی داشته در مورد آنچه می خواهی به وجود آوری پیش از آفرینش و علم، فَعِلْمُكَ دَائِبُهُ غَيْرُ مُكْتَسَبٍ. لَمْ تَزَلْ كُنْتَ عَالِمًا مَوْجُودًا، پس علم و دانش تو پیوسته با تو بوده و اکتسابی نیست که بدست آورده باشی. تو همواره وجود داشته ای در حالی که عالم بوده ای، وَالْجَهْلُ عَنْكَ نَافِيًا، فَأَنْتَ بَادِي الْأَيِّدِ، وَقَادِمُ الْأَزْلِ، وَدَائِمٌ وَجَهْلٌ وَنَادَانِيٌّ از ساحت مقدس تو منتفی و دور است، تو آغازگر ابدی، و آینده ازلی، و همیشگی الْقَدَمِ ، لا تُوصَفُ بِصِفَاتٍ ، وَلَا تُنْعَتُ بِوَصْفٍ ، وَلَا تُلْحَقُ دِيرِينَهُ هَسْتِي، به صفات توصیف نمی شوی، و به وصفی صفت آورده نمی گردی، و بِأَبَالِحَوَاسٍ، وَلَا تُضْرَبُ فِيكَ الْأَمْثَالُ، وَلَا تُقَاسُ بِقِيَاسٍ، وَلَا تُحَدُّ حَوَاسٍ به تو نمی توان رسید، و در مورد تو نمی توان مثال زد، و به مقیاسی قیاس، و بِحُدُودٍ، لَيْسَ لَكَ مَكَانٌ يُعْرَفُ، وَلَا لَكَ مَوْضِعٌ يُنَالُ، لا به حدی محدود نمی شوی، مکان شناخته شده ای برایت نیست، و جایگاهی که بتوان به آن دست یافت نداری، نه فَوْقَكَ مُنْتَهَى ، وَلَا عَنْكَ ائْتِهَاءٌ ، وَلَا خَلْفَكَ إِدْرَاكٌ ، وَلَا بِالْأَيْدِي تَوَاجِهَ الْوَاجِهُونَ فَأَنْتَ هُنَاكَ لَمْ يَبْرَبْ أَمَامَكَ مُصَادِفٌ، بَلْ أَيْنَ تَوَجَّهَ الْوَاجِهُونَ فَأَنْتَ هُنَاكَ لَمْ يَبْرَبْ

با چیزی برخورد می کنی؛ بلکه هر کجا روی آورنده ای به تو روی آورد تو آنجا همیشه هستی، تَزَلْ، لَا يُحِيطُ بِكَ الْأَشْيَاءُ، بَلْ تُحِيطُ بِالْأَشْيَاءِ مُحْتَوٍ بِهَا، هیچ چیز تو را احاطه نمی کند، بلکه تو هر چیزی را احاطه کرده و در بر گرفته ای، مُحْتَجِبٌ عَنْ رُؤْيِهِ الْمَخْلُوقِينَ، وَهُمْ عَنْكَ غَيْرُ مُحْتَجِبِينَ، از دیدن آفریدگان پوشیده و پنهانی، و آنان از تو پنهان و پوشیده نیستند، تَرَى وَلَا تُرَى، وَأَنْتَ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى، تَسْمَعُ وَتَرَى، می بینی و دیده نمی شوی، و تو در جایگاه برتری، می شنوی و می بینی، وَتَعْلَمُ مَا يُخْفِي وَأَخْفَى، فَتَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُونَ و آنچه پنهان می شود و پنهان است می دانی، تو پاک و منزّه و بزرگ و برتری از آنچه مردم (می گویند عُلُوًّا كَبِيرًا). (۷۱)

برتری بزرگ.

دعای مهمی در عظمت خداوند

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از بعضی از اصحاب روایت کرده است که گفت:

حضرت امام رضا علیه السلام به قبری از قبرهای اهل بیتش مرورش افتاد، دست مبارک بر روی آن قبر نهاد، سپس این دعا را خواند:

إِلَهِي يَدَّتْ قُدْرَتُكَ وَلَمْ تَبْدُ هَيْئَهُ، فَجَهْلُوكَ وَقَدَّرُوكَ، خدای من؛ قدرت و توانائی تو ظاهر گشت و برایت کیفیت و شکل و صورتی آشکار نشد، پس نشناختند تو را و برایت اندازه معین کردند، وَالتَّقْدِيرُ عَلَى غَيْرِ مَا بِهِ وَصَفُوكَ، وَإِنِّي بَرِيءٌ يَا إِلَهِي مِنَ الْفُرْضِ وَالْأَنْدَازَةِ بِرِغْرِهَا، چیزی است که به آن تو را وصف کردند، و براستی من بیزارم - ای پروردگرم - از الذین بالتشبيه طَبَّوْكَ، لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ. إِلَهِي وَلَنْ يُدْرِكُوكَ كَسَانِي كَمَا تَوَرَّأْتُ بِالتَّشْبِيهِ، تو را با تشبیه می جویند، هیچ چیزی همانند تو نیست. خدایا؛ هرگز تو را در نمی یابند، وَظَاهِرٌ مَا بِهِمْ مِنْ نِعْمَتِكَ دَلِيلُهُمْ عَلَيْكَ، لَوْ عَرَفُوكَ وَفِي خَلْقِكَ وَآنچه از نعمت هایت برای ایشان ظاهر است آن ها را بر

تو دلالت می‌کنند اگر تو را بشناسند، و در آفریدگانت یا اِلهی مَنْدُوحَهٗ اِنْ يَتَنَاوَلُوْكَ بَلِّ سَوْوَكَّ بِخَلْقِكَ فَمَنْ تَمَّ لَمْ - ای خدای من؛ - راه فراخ و گسترده هست اگر به تو برسند، ولی آن‌ها تو را با مخلوقات مساوی دانستند و از آنجا است يَعْرِفُوْكَ، وَاتَّخَذُوا بَعْضَ اٰیٰتِكَ رِبًّا، فَبَدَّلِكَ وَصِفُوْكَ، فَتَعَالَيْتَ که تو را نشناختند، و بعضی از آیات و نشانه‌هایت را پروردگار گرفتند، و به آن جهت تو را توصیف کردند، تو بلندمرتبه و برتری رَّبِّي عَمَّا بِهِ الْمُشَبَّهَةُ نَعْتُوكَ. (۷۲)

پروردگرم؛ از آنچه تشبیه‌کنندگان تو را به آن وصف نمودند.

دعای مهم دیگری از حضرت امام رضاعلیه السلام

این دعا را حضرت امام رضاعلیه السلام در قنوت نماز برای نفرین نمودن به مأمون خواندند:

اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، وَالْمِنْنِ الْمُنْتَابِعَةِ، خَدَاوَنَدَا؛ ای کسی که دارای قدرتی فراگیر، و رحمتی گسترده، و احسان‌های بی‌پایی، وَالْاَلَاءِ الْمُتَوَالِيَةِ، وَالْاَيَادِي الْجَمِيْلَةَ، وَالْمَوَاهِبِ الْجَزِيْلَةَ، یاو نعمت‌های مستمر و الطاف زیبا، و بخشش‌های فراوان است، ای مَنْ لَا يُوصَفُ بِتَمْثِيْلِ، وَلَا يُمْتَلُّ بِنَظِيْرِ، وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيْرِ، یا مَنْ كَسَى كَسِي نَمِي تُوَان اُو رَا بَا مِثَال زَدَن تُوَصِيْفِ نَمُوْد، و با نظیر آوردن برایش مثال زد، و با مددکار و پشتیبان او را شکست داد، ای کسی که خَلَقَ فَرَزَقًا، وَاللّٰهُمَّ فَانْطَقْ، وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَعَلَا - فَارْتَفَعَ، وَقَدَّرَ آفَرِيْدَ و رُوْزِي دَاْد، و الهام نمود پس به سخن درآورد، و نوآوری کرد پس شروع نمود، و برتری یافت و رفیع گردید، و اندازه‌گیری نمود فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ فَاتَّقَنَ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ، وَأَعْطَى نِيْكَو اَنْدَاْزَه گِيْرِي كَرْد، و صورت‌آفرینی کرد و آن را استوار و متقن گردانید، و دلیل و حجت آورد و آن را رسا گردانید، و نعمت بخشید و آن را کامل فَأَجْزَلَ، وَمَنْحَ فَأَفْضَلَ. یا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاقَ خَوَاطِفَ كَرْدَانِيْد، و

عطا نمود و آن را فراوان ساخت، و بخشش نمود و آن را افزون گردانید. ای کسی که در عزت اوج گرفته و برتر از پرتوالبصیر، وَدَنَا فِي اللَّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ، یا مَنْ تَفَرَّدَ دِيدَانِ الْبَصَائِرِ، و در لطف و لطافت نزدیک گشته و والاتر از خطور، افکار و اندیشه ها است، ای کسی که بِالْمُلْكِ فَلَا نَمَدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ، وَتَوَحَّدَ فِي كِبَرِيَاءِئِهِ فَلَادِرِ پادشاهی یگانه است، و برایش در فرمانروائی و سلطنت شریکی نیست، و در کبریائی بی همتا است وَضَدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ شَأْنِهِ، یا مَنْ حَارَتْ فِي كِبَرِيَاءِ هَيْبَتِهِ برای او در عظمت شأنش مخالفی نیست، ای کسی که در بزرگی هیبت او دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ، وَانْحَسِرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ الْأَوْهَامِ و اندیشه ها سرگردان است، و برای درک عظمتش أَبْصَارِ الْأَنْامِ. یا عَالِمِ خَطَرَاتِ قُلُوبِ الْعَالَمِينَ، وَشَاهِدِ لَحْظَاتِ دِيدَانِ مَرْدَمِ دَرْمَانِدِهِ است. ای کسی که از خطورات دل های آدمیان آگاه و نسبت به أَبْصَارِ النَّاطِرِينَ، یا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ الرِّقَابُ زِيْرِ چشمی های بینندگان گواه است، ای کسی که چهره ها در برابر هیبت او به خاک افتاده و گردن ها لِعَظَمَتِهِ وَجَلَالَتِهِ، وَوَجَلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيْفَتِهِ، وَارْتَعَدَتِ در برابر عظمت و جلالت و بزرگی او فرود آمده، و دل ها از ترس او به لرزه درآمده، و از بیم او الْفَرَائِصُ مِنْ فَرْقِهِ. یا بَادِيٍّ یا بَدِيْعٍ، یا قَوِيٍّ یا مَنِيعٍ، یا عَلِيٍّ بِنْدَه‌ای بدن دچار رعشه گردیده. ای آغازگر؛ ای پدیدآورنده؛ ای توانا؛ ای بازدارنده؛ ای بلندمرتبه؛ یا رَفِيْعٍ، صَلَّ عَلَيَّ مَنْ شُرِفَتِ الصَّلَاةُ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ، وَانْتَقَمَ ای بلندپایه؛ درود فرست بر کسی که نماز با صلوات بر او شرافت یافت، و انتقام بگیرلی مِمَّنْ ظَلَمَنِي، وَاسْتَيْخَفَ بِي، وَطَرَدَ الشَّيْعَةَ عَنْ بَابِي، از کسی که به من

ستم روا داشته، و مرا کوچک شمرده و شیعیان را از درگاه من رانده، وَأَذِقَهُ مَرَارَةَ الدَّلِّ وَالْهَوَانِ كَمَا أَذَقْنَاهَا، وَاجْعَلْهُ طَرِيدَ الْأَرْجَاسِ وَبِهِ أَوْ تَلْخِي ذَلَّتْ وَپستی را بچشان همان گونه که به من چشانید، و او را آواره شده ناپاکان، وَشَرِيدَ الْأَنْجَاسِ، وَالْحَمِيدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ وَآوَارِهِ شَدِيدَةً تَبَهُ كَارَانَ قَرَارِ بَدِهِ. وَسَيَاسِ وَسَتَائِشِ سَزَاوَارِ خَدَاوَنَدِي اسْتِ كِه پُروردگار جهانیان است و درود و رحمت خداوند بر مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. (۷۳)

(حضرت) محمد و آل پاک و پاکیزه اش باد.

دعای حمد و شکرگزاری

ریان می گوید: شنیدم حضرت امام رضا علیه السلام کلماتی را می خواند، من آن ها را حفظ کردم و در هیچ دشواری آن ها را نخواندم مگر این که خداوند برایم گشایش فراهم نمود، و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقْتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ، وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ، خَدَاوَنَدَا؛ تُو دُر هِر گِرْفَتَارِي مَابِه اطمینان و آرامش من هستی، و تُو دُر هِر سَخْتِي اُمِيد مَن مِي بَاشِي، وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلُ بِي ثِقَّةً وَعُدَّةً، كَمَنْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعَفُ وَ تُو دُر هِر كَارِي كِه بَر مَن وَارِد شُود وَسِيلَه اطمینان و کمک من هستی، چِه بَسِيَار اسْتِ گِرْفَتَارِي كِه عَنَّهُ الْفَوَاضِلُ، وَتَقَلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ، وَتَعْيِي فِيهِ الْأُمُورُ، وَيَخْذُلُ قَلْبُ دُر آن سَسْتِ وَضَعِيف مِي گِرْدَد، وَ رَاه چَارَه دُر آن كَم مِي گِرْدَد، وَ كَارِهَا دُر آن بِه دَشْوَارِي مِي رَسَد، وَفِيهِ الْبَعِيدُ وَالْقَرِيبُ وَالصَّادِقُ، وَيَشْمُتُ فِيهِ الْعَدُوُّ، أَنْزَلْتَهُ دُور وَ نَزْدِيكَ وَ دُوسْتِ دُر آن خُوار مِي گِرْدَنَد، وَ دَشْمَنِ دُر آن شِمَاتِ مِي كَنَد، مَن آن رَابِعَكَ، وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ، فَفَرَّجْتَهُ بِه دُرْبَارَتِ آوَرْدَه، وَ از آن بِه تُو شَكَايَتِ نَمُودَم، از دِيگَرَانِ دُر آن گِرْفَتَارِي بِه سُوِي تُو مِيل كَرْدَم، پَسِ آن سَخْتِي

را گشایش داده و کشفته و کفینته، فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَصَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ، و آن را برطرف نموده و مرا از آن کفایت نمودی، پس تو سرپرست هر نعمتی هستی، و صاحب هر حاجتی می باشی، وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ، فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا، وَلَكَ الْمَنْ فَاضِلًا، و نهایت هر میلی می باشی، پس حمد بسیار برای تو باد، و منت زیاد از برای توست، بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ الصَّالِحَاتِ، یا مَعْرُوفًا بِالْمَعْرُوفِ مَعْرُوفٌ، و یا مَنْ به نعمت تو کارهای شایسته کامل می شود. ای شناخته شده ای که به بخشش مال شناخته شده ای؛ و ای کسی که هُوَ بِالْمَعْرُوفِ مَوْصُوفٌ، أَنْلَنِي مِنْ مَعْرُوفِكَ مَعْرُوفًا تُغْنِينِي او به این وصف توصیف شده است؛ از مال خود آن گونه به من بده که بِه عَنْ مَعْرُوفٍ مِنْ سِوَاكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۷۴) از مال غیر تو بی نیاز گردم، به رحمت خودت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

دعای مهمتی برای عافیت و عاقبت بخیر شدن

احمد بن موسی بن سعد گوید: با حضرت امام رضا علیه السلام در طواف بودم، چون برابر کن یمانی قرار گرفتیم، امام علیه السلام دست های مبارک خود را بالا برد و عرض کرد:

يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَيَا خَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَيَا رَازِقَ الْعَافِيَةِ، يَا خدایا؛ ای عهده دار عافیت؛ و ای آفریننده عافیت؛ و ای روزی دهنده عافیت؛ وَالْمُنْعِمُ بِالْعَافِيَةِ، وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، و نعمت دهنده با عافیت، و لطف کننده با عافیت بر من و بر تمام آفریدگانت، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَرَحْمَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۷۵)

عافیت را در دنیا و آخرت،

ای مهربانترین مهربانان.

۱. بحار الأنوار: ۱۸۷/۹۵.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۱۵/۲، الإقبال: ۴۶۵، وسائل الشیعه: ۴۱۷/۹، بحار الأنوار: ۱۳۷/۹۸. در «الإقبال» فرموده است: این دعا بعد از دو رکعت نماز در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان خوانده شود، بنابراین مربوط به طواف نیست.

ادعای تنزیه خداوند

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از فضل بن شاذان روایت کرده است که گفت: از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام شنیدم که در دعایش می خواند:

سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ، وَأَتَقَنَ مَا خَلَقَ بِحِكْمَتِهِ، وَوَضَعَ پَاكًا وَ مَنْزَهُ اسْتَكْسَى كَسَى كَمَا آفَرِنَشْ رَا بَه قَدْرَتِ خَوِيشِ آفَرِيدِ، وَ أَنْجَه آفَرِيدِ بَه حَكْمَتِ خَوِيشِ مَتَقِنِ وَ اسْتَوَارَ كَرْدَانِيدِ، وَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْهُ مَوْضِعُهُ بِعِلْمِهِ، سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ بِكُلِّ شَيْءٍ رَا بَه عِلْمِ وَ دَانَشِ خَوِيشِ دَر جَايِ خَوْدَشِ قَرَارِ دَادِ، پَاكًا وَ مَنْزَهُ اسْتَكْسَى كَسَى كَمَا خِيَانَتِ چَشْمِ هَاوَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. (۷۶) وَ أَنْجَه رَا كَه سِينَه هَا پَنَهَانِ مِي كَنْسَدِ مِي دَانَدِ، وَ هِيچ چيزِ مِثْلِ وَ مَانَسَدِ اَو نِيَسْتِ، وَ اَو شَنَا وَ بِيِنَا اسْتِ.

صلوات مهم حضرت امام رضا علیه السلام

مرحوم سید بن طاووس این صلوات را از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده است:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْمَآوِلَيْنِ، وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَدَاوَنَسَا؛ بَر مُحَمَّدٍ وَ آلِ اَو دَرُودِ فَرَسْتِ دَر مِيَانِ پِيَشِينِيَانِ، وَ بَر مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْآخِرِينَ، وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى، وَ آلِ اَو دَرُودِ فَرَسْتِ دَر مِيَانِ آيِنْدِگَانِ، وَ بَر مُحَمَّدٍ وَ آلِ اَو دَرُودِ فَرَسْتِ دَر مِيَانِ آسْمَانِيَانِ وَ فَرَشْتِگَانِ، وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ. اَللّٰهُمَّ اَعْطُوْا بَر مُحَمَّدٍ وَ آلِ اَو دَرُودِ فَرَسْتِ دَر مِيَانِ پِيَامْبِرَانِ وَ رَسُوْلَانِ. خَدَاوَنَسَا؛ بَه ۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۹۷/۱، بحار الأنوار: ۱۷۹/۹۴.

مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ) حضرت (محمد - که درود تو بر او و آل او باد - وسیله) مرتبه بلند آن حضرت در بهشت، بزرگی و سربلندی و برتری و الدرجه الکبیره. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَمْنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ رَتَبَهُ وَاَلَا عَطَا كُن. خَدَاوَنَسَا؛

من به (حضرت) محمد - که درود و سلام تو بر او و آله و سلم، وَلَمْ أَرَهُ فَلَا تَحْرِمْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ رُؤْيَتُهُ، وَأَرْزُقْنِي وَآلِ أَوْ بَاد - ایمان آوردم در حالی که او را ندیده ام، پس مرا از دیدار او در روز قیامت محروم مفرما، وَصِيحْبَتُهُ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ، وَاسْقِنِي مِنْ حَيْوُضِهِ مَشْرَبًا رَوِيًّا، همدمی و همنشینی با او را به من روزی کن، و مرا بر دین و آیین او بمیران، و از حوض و آبشخور پربرکت او سیراب گردان؛ لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ كَمَا أَمَنْتُ بِهِ كَوْنَهُ أَيْ كَمَا أَنَا أَتَمَنُّ بِكَ أَنْ تَكُونَ تَشْنَهُ نَشُومُ كَمَا تُوْبِرُ بِهَرِّ شَيْءٍ تَوَانِي. خداوندا؛ همان گونه که بِمُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَمْ أَرَهُ فَعَرَّفْنِي فِي الْجَنَانِ بِهِ (حضرت) محمد - که درود و صلوات تو بر او و آل او باد - ایمان آوردم و در حالی که او را ندیده ام پس در بهشت وَجْهَهُ. اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا. (۷۷) چهره مبارکش را به من بشناسان. خداوندا؛ به روح پاک (حضرت) محمد از طرف من سلام و درود فراوان برسان.

دعای مهم حضرت امام رضا علیه السلام در لعن

سید بن طاووس رحمه الله گوید: ما این دعا را به سند خود از سعد بن عبدالله در کتاب «فضل الدعاء» روایت کرده ایم.

محمد بن اسماعیل بن بزيع و سليمان بن جعفر گویند: ما بر حضرت امام رضا علیه السلام وارد شدیم در حالی که آن حضرت در سجده شکر بود، و آن را طولانی کرد، هنگامی که سر از سجده برداشت، به ایشان عرض کردیم: سجده را طولانی نمودید، فرمود:

هر کس این دعا را در سجده شکر بخواند، مانند کسی است که در روز بدر به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به طرف

دشمنان تیر رها کرده است.

عرض کردیم: اجازه می دهید آن را یادداشت کنیم.

حضرت فرمود:

بلی؛ هر گاه سجده شکر نمودید، بگویید:

اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلَا دِينَكَ، وَعَيَّرَا نِعْمَتَكَ، وَأَتَاهُمَا رَسُولَكَ خَدَاوَنَدَا؛ لعنت کن آن دو نفری را که دین تو را دگرگون کردند و نعمت را تغییر دادند، و رسول تو را صیلمی الله علیه و آله، و خالفاً ملَّتک، و صدّاً عن سبیلک، و کفراً - که درود خدا بر او و آل او باد - متهم ساختند، و با آیین تو مخالفت نمودند، و راهت را بستند، و کفرانالاءک، و ردّاً علیک کلامک، و اسبیه تهزءاً برسولک، و قتلأ ابن نعمت هایت کردند، و کلام تو را رد کرده و پذیرفتند، و پیامبرت را به مسخره گرفتند، و پسر نبیک، و حرّفا کتابک، و جحدایاتک، و سخرایاتک، و اسبتکبرایغمبرت را کشتند، و کتابت را تحریف کردند، و آیات تو را انکار کردند، و نشانه های تو را مسخره نمودند، و عن عبادتک، و قتلأ اولیاءک، و جلسا فی مجلس لم یکن لهما از عبادت تو سرپیچی کردند، و اولیاء و دوستانت را کشتند، و در جایگاهی نشستند که هرگز بحق، و حملما الناس علی اکتاف ال محمد. اللهم العنهما لعنأسزوار نبودند، و مردم را بر دوش آل محمد سوار کردند. خداوندا؛ آن دو را لعنت کن؛ لعنتی یتلو بغضه بغضاً، و احشزهما و أتباعهما إلی جهنم زرقاً. اللهم متصل و پی در پی، و آن ها را با پیروان شان به جهنم واصل گردان در حالی که از وحشت چشمان شان به کبودی مایل باشد. خداوندا؛ إنا نتقرب إلیک باللغنه لهما و البرأته منهما فی الدنیا و الآخره. ما با لعنت آن ها و بیزاری از آن دو در دنیا و آخرت به تو تقرب می جویم. اللهم العن قتله أمير المؤمنين، و قتله الحسین بن علی و ابن خداوندا؛ لعنت کن کشندگان امیر مؤمنان، و کشندگان حسین

فرزند علی و فرزند فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم. اَللّٰهُمَّ زِدْهُمَا فاطمه دختر پیامبر خدا را که درود و سلام خدا بر او و آل او باد. خداوندا؛ بیفزا به آن دو نفر عذاباً فوق عذاب، وَهَوَاناً فَوْقَ هَوَانٍ، وَذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ، وَخِزْيًا عَذَابٍ، وَرَوِي خَوَارِي، وَذَلَّتْ رَوِي ذَلَّتْ، وَرَسَوِي فَوْقَ خِزْيٍ. اَللّٰهُمَّ دَعَّهْمَا فِي النَّارِ دَعْيًا، وَأَرْكَسِيَهُمَا فِي أَلِيمٍ رَسَوِي. خداوندا؛ آن دو را با خشم و تندی و با سرافکنندگی به طرف آتش بکشان، و در کيفر عقابك رَكْسًا. اَللّٰهُمَّ اخْشِرْهُمَا وَاتَّبَاعَهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُمْرًا. و عذاب دردناک سرنگون کن. خداوندا؛ آن دو و پیروان شان را گروه گروه در جهنم محشور فرما. اَللّٰهُمَّ فَرِّقْ جَمْعَهُمْ، وَشَدِّتْ أَمْرَهُمْ، وَخَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَبَدِّدْ خَدَاوَنَدَا؛ جمع آنان را پراکنده، و کارشان را دچار پریشانی فرما، و اختلاف بین آنان بینداز، وَجَمَاعَتَهُمْ، وَالْعَنْ أَيْمَتَهُمْ، وَاقْتُلْ قَادَتَهُمْ وَسَادَتَهُمْ وَكُبْرَاءَهُمْ، جماعت آنان را درهم بریز، و پیشوایان آنان را لعنت کن، و فرماندهان، و سروران و بزرگان آنان را به قتل برسان، وَالْعَنْ رُؤَسَاءَهُمْ، وَأَكْسِرْ رَايَتَهُمْ، وَأَلْقِ الْبَأْسَ بَيْنَهُمْ، وَلَا تُبْقِ و سران ایشان را لعنت کن، و پرچم شان را سرنگون ساز، و ناراحتی و عذاب را بین آنان بیفکن، وَمِنْهُمْ دِيَارًا. اَللّٰهُمَّ الْعَنْ أَبَا جَهْلٍ وَالْوَلِيدَ لَعْنًا يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضًا، از ایشان کسی را باقی مگذار. خداوندا؛ ابو جهل و ولید را لعنت کن، لعنتی پیوسته که یکی پس از دیگری وَيَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا. اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَلْعَنُهُمَا بِهِ كُلُّ مَلَكٍ وَبِئْسَ دِيَارًا. خداوندا؛ آن دو را لعنت کن لعنتی که به آن هر فرشته مُقَرَّبٍ، وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، وَكُلُّ مُؤْمِنٍ نِ امْتَحَنَتْ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ. مقرب، و هر پیامبر مرسل، و هر مؤمنی که

قلبش را برای ایمان آزموده ای آن دو را لعنت کنند. **اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَتَعَوَّذُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ. اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا خَدَاوَنَدَا؛** آن دو را لعنت کن لعنتی که اهل آتش از آن به خدا پناه برند. **خَدَاوَنَدَا؛** آن دو را لعنت کن به لعنتی که لم يَخْطُرْ لِأَحَدٍ بِبَالٍ. **اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا فِي مُسْتَسِرِّ سِرِّكَ، وَظَاهِرِهِ فِكْرٍ وَانْدِيشِهِ كَسَى خَطُورٍ نَكْنَدُ.** خداوندا؛ آن دو را لعنت کن در پنهانی سرت، و ظاهر علانتیک، و عذبتهما عذاباً فِي التَّقْدِيرِ، وَشَارِكُ مَعَهُمَا ابْتِنَيْهِمَا، آشکارت، و آن دو را عذاب کن عذابی در تقدیر، و با آن دو دختران آن دو و اشیاعهما و مُحِبَّيْهِمَا وَمَنْ شَايَعَهُمَا، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، و پیروان و دوستان آن ها و هر کس از آن دو پیروی کند شریک گردان، به راستی که تو شنونده دعایی، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلِهِ أَجْمَعِينَ. (۷۸)

و درود خدا بر محمد و آل او همگان باد.

بخش نوزدهم

هشت دعای بسیار مهم که حضرت امام رضاعلیه السلام نقل کرده اند

در این بخش، هشت دعای بسیار مهمی را که حضرت امام رضاعلیه السلام از سایر معصومین علیهم السلام نقل کرده اند، نقل می کنیم:

□

دعای مهمی که حضرت امام رضاعلیه السلام

و سایر اهل بیت علیهم السلام آن را می خواندند

به حضرت امام رضاعلیه السلام منسوب است که فرمودند:

این از دعاهائی است که ما اهل بیت علیهم السلام بر آن مداومت داریم:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ. معبودی جز خداوند بردبار بخشنده نیست، معبودی جز خداوند بلندمرتبه با عظمت نیست، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَا يَأْكُ وَ مَنْزَهُ اسْتِ خَدَاوَنَدَى كِه پُروردگار آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه فیهنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ، وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، يَا اللَّهُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ فِي بَيْنِهَا وَ بَيْنِهَا اسْتِ خَدَاوَنَدَى كِه پُروردگار عرش عظیم اسْتِ. ای خدائی كِه چیزی شیء، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ مَانَدِ او نیست، بر محمد و آل محمد درود فرست. خداوندا؛ تو پادشاه حق المبین، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا، آشکاری، خدائی جز تو نیست، تو پاک و منزهی و من به ستایش تو مشغولم، بدی کردم وَظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفُزْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَعْفُرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. وَ به خود ستم نمودم، گناهان مرا بیامرزد كِه جز تو گناهان را نمی آمرزد. اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَعْبُدُ، وَ لَكَ أَصِلُّ، وَ بِكَ آمَنْتُ، وَ لَكَ أَسَلَمْتُ، خداوندا؛ تنها تو را پرستش می کنم، و برای تو نماز می گزارم، و به تو ایمان دارم، و تسلیم تو آم، وَ بِحَمْدِكَ اعْتَصِمْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ بِحَمْدِكَ اسْتَيْعَنْتُ، وَ لِمَكَ أَسْتَجِدُّ وَ به تو پناه آورده، و بر تو توکل نموده، و از تو یاری جسته، و برای تو سجده کرده وَارْكَعْ وَأَخْضِعْ وَأَخْشَعْ، وَ مِنْكَ أَخَافُ وَارْجُو، وَ إِلَيْكَ أَرْغَبُ، وَ رُكُوعَ نَمُودِه ام، وَ فِرُوتَنِي وَ

خشوع دارم، و از تو بیمناکم و به

تو امیدوارم، و به سوی تو میل و رغبت دارم، وَمِنْكَ أَخَافُ وَأُخِذَرُ، وَمِنْكَ أَلْتَمِسُ وَأَطْلُبُ، وَبِكَ اهْتَدَيْتُ، و از تو می ترسم و پرهیز می کنم، و از تو تقاضا نموده و خواهش می کنم، و به سبب تو هدایت یافته ام، وَأَنْتَ الرَّجَاءُ وَأَنْتَ الْمُرْجَى وَأَنْتَ الْمُرْتَجَى. اَللّٰهُمَّ اهْدِنِيْ وَتُوْا اَمِيْدَ وَمَا يَهْ اَمِيْدَ وَمُوْرِدَ اَمِيْدَ مِنْ هَسْتِيْ. خدائوندا؛ مرا هدايت كن فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنِيْ فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنِيْ فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، در ميان آنان كه هدايت كردي، و عافيت بخش در ميان آنان كه عافيت بخشيدی، و عهده دار امورم باش در ميان آنان كه سرپرستی نمودی، وَبَارِكْ لِيْ فِيمَا أُعْطِيْتُ، وَفِنِيْ شَرًّا مَا قَضَيْتَ، إِنَّكَ تَقْضِيْ وَبِرَكَتِ بَدَهْ بَهْ مِنْ دَرِ اَنْجَهْ عَطَا كَرْدِيْ، و مرا از شَرِّ اَنْجَهْ بَهْ فَرْمَانِ تُوْ پِيْشِ اَمِيْدِ حَفْظِ كُنْ كِهْ تُوْ فَرْمَانِ مِيْ دَهِيْ وَلاَ يُقْضَى عَلَيْكَ، لاَ مَنْجَا وَلاَ مَلْجَا وَلاَ مَفَرًّا وَلاَ مَهْرَبَ مِنْكَ وَكَسِيْ بَرِ تُوْ حَكْمِ نَمِيْ كَنْدِ وَفَرْمَانِ نَمِيْ دَهْدِ، رَسْتَنْگَاهْ وَپْناهْگَاهْ وَفَرَارْگَاهْ وَگَرِيْزْگَاهِيْ اَزِ تُوْ اِلَّا اِلَيْكَ، سُبْحَانَكَ وَحَنَانِيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُوْلُ جَزْ بَهْ سُوْیِ تُوْ نِيْسْتِ، پاك و منزه و بسيار مهربانی، و تُوْ والاتری و برتری بسیار از اَنْجَهْ الظَّالِمُوْنَ عُلُوًّا كَبِيْرًا. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُكَ بِهٖ سَتْمَكْرَانِ مِيْ گُوِيْنْدِ. خدائوندا؛ من از تُوْ درخواست می کنم همه آنچه را كه مُحَمَّدٌ وَالْهُ، وَاعُوْذُ بِكَ مِنْ كُلِّ مَا اَسْتَعَاذُ بِهٖ مُحَمَّدٌ وَالْهُ. مُحَمَّدٌ وَآلِ اَوْعَلِيْهِمُ السَّلَامِ اَزِ تُوْ درخواست نمودند، و به تُوْ پناه می برم از همه آنچه مُحَمَّدٌ وَآلِ اَوْعَلِيْهِمُ السَّلَامِ به تُوْ پناه بردند، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزِيْ، وَاعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ خدائوندا؛ به تُوْ پناه می برم از اينكه خوار و ذليل گرديم و كار ما به رسوائی كشد، و

به تو پناه می برم از شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَشَرِّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ تَبَهٍ كَارَانَ عَرَبٍ وَعَجَمٍ. و (از) شَرِّ پَرِيَانِ فَاجِرٍ وَانْسَانِ هَاي فَاسِقٍ. و از شَرِّ هَرْدِي شَرِّ، وَشَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ اخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّكَ عَلِي صِرَاطِشُرُورٍ وَ تَبَهٍ كَارِي، و (از) شَرِّ هَر جَنبِنْدَه اِي كِه زَمَامِش دَر اخْتِيَارِ تُو اَسْت، هَمَانَا تُو بَر رَاه مُسَيِّتَقِيمٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ رَاسِتَ وَ اَسْتَوَارِي، وَ بَه تُو پَنَاهِ مِي بَرَمِ اَز وَسُوسَه هَاي شَيَطَانِ هَا، وَ بَه تُو پَنَاهِ مِي بَرَمِ اَز اَيْنَكِه يَحْضُرُونَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوذُ بِكَ مِنْ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ، وَالْعَيْنِ نَزْدٍ مِنْ حَضُورِ دَاشْتَه بَاشِنْد. خَدَاوَنْدَا؛ مَن بَه تُو پَنَاهِ مِي بَرَمِ اَز حَشْرَاتِ وَ خَزَنْدَاگانِ سَمِي وَ بَدُونِ سَمِ، وَ چِشْمِ اللّٰعَامَةِ، وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، اِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرِ تَاثِيْرِ كَظَارِ، وَ اَز شَرِّ حُودَاثِ وَ پِيَشِ اَمْدَهَايِ شَبِّ وَ رُوزِ مَگَرِ پِيَشِ اَمْدِي كِه بَه خِيَرِ پِيَشِ اَيِدِ، يَا اَللّٰهُ. اَللّٰهُمَّ اصْرِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ وَالْاَفَاتِ وَالْعَاهَاتِ، وَالْاَسْقَامَ اِي خَدَا. خَدَاوَنْدَا؛ اَز مَن بَلَا وَ اَفَاتِ وَ اَسِيْبِ هَا وَ بِيْمَارِي هَا وَ دَرْدَهَاوَالْاَوْجَاعِ، وَالْاَلَامَ وَالْاَمْرَاضَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ، وَ نَارَاخْتِي هَا وَ مَرَضِ هَا رَا دُورِ كَرْدَانِ، وَ بَه تُو پَنَاهِ مِي بَرَمِ اَز فَقْرِ وَ تَهِيْدِسْتِي وَالضَّنْكَ وَالضُّيْقَ وَالْحِزْمَانَ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ وَشَمَاتِهِ الْاَعْيَادِ وَ تَنَكِّي وَ تَنَكَّدِسْتِي وَ مَحْرُومِيَّتِ وَ پِيَشِ اَمْدِ بَدِ وَ سَرزَنَشِ دَشْمَنَانِ وَالْحَاسِدِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ، وَجَبَّارٍ عَنِيْدٍ وَ حَسُودَانِ، وَ بَه تُو پَنَاهِ مِي بَرَمِ اَز هَر شَيَطَانِ رَاَنْدَه شَدَه وَ زُورِ كُويِ عَنَادِپِيَشَه وَسَيْلُطَانِ جَائِرٍ. اَللّٰهُمَّ مَنْ كَانَ اَمْسِيًّا وَاصْبَحَ، وَلَهُ ثِقَةٌ اَوْ رَجَاءٌ وَ سُلْطَانٌ سَتْمَكِرٍ. خَدَاوَنْدَا؛ هَر كِسي شَامِ كَنْدِ وَ صَبِيْحِ كَنْدِ وَ بَرَايشِ مَحَلَّ اطمِيْنَانِ يَا اَمِيْدِي غَيْرُكَ، فَانْتَ ثِقْتِي وَ سُوْلِي وَ رَجَائِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَاغِيْرَ تُو بَاشِدِ،

ولی تو مایه اطمینان من و خواسته و امید من هستی، ای بهترین کسی که از او درخواست شد؛ و ای اَکْرَمَ مِنْ اَسْمَاءِ اَکْرَمٍ، ویا اَرْحَمَ مِنْ اَسْتَرْحَمٍ، اِرْحَمَ ضَعْفَى وَذُلِّی بزرگوارترین کسی که از او بزرگواری طلب شد؛ و ای رحم کننده ترین کسی که از او تَرْحَمَ خواسته شد؛ به ناتوانی و خواری بَيْنَ يَدَيْكَ، وَتَضَرَّعِي اِلَيْكَ، وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ، وَذُلَّ مَقَامِي مِنْ دَرِ پيشگاهت و ناله و زاری من بسوی تو، و وحشتم از مردم و پستی جایگاهم بِيَابِجِكَ. اَللّٰهُمَّ اَنْظِرْ اِلَيَّ بَعِيْنَ الرَّحْمَةِ نَظْرَةً تَكُوْنُ خَيْرَةً، به در خانه ات رحم کن. خداوندا؛ به من با چشم مهربانی نگاه کن؛ نگاهی که در آن خیر باشد، اَسْمَاءُ تَأْهَلُنَا وَاِلَّا تَفْضَلْ عَلَيْنَا، يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِيْنَ، ویا اَجُوْدَ شايستگی آن را داشته باشیم و گرنه تفضل کن بر ما، ای کریم ترین بزرگواران، و ای بخشنده ترین اَلْاَجُوْدِيْنَ، ویا خَيْرَ الْغَافِرِيْنَ، ویا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، ویا اَحْكَمَ بَخْشندگان و ای بهترین آمرزندگان و ای مهربانترین مهربانان و ای حکیم ترین اَلْحَاكِمِيْنَ، ویا اَسْرَعَ الْحَاسِبِيْنَ، يَا اَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، یا حاکمان و ای سریع ترین حسابگران، ای شایسته تقوا و آمرزش، ای مَعِيْدِنَ الْجُوْدِ وَالْكَرَمِ. يَا اَللهُ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ كَانِ جُوْدٌ وَبَخْشٌ وَبِرٌّ كَانِ جُوْدٌ فَرَسْتُ بِرَ مُحَمَّدٍ بِنْدَةٍ وَفَرَسْتَادَةٍ وَنَبِيِّكَ، وَصَيِّفِيْكَ وَسَيِّفِيْرِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَصَيِّفُوْنَكَ مِنْ وَبِيْمَبْرَتِ، وَبِرْكَزِيْدَةٍ وَنَمَائِنْدَةٍ، وَاَخْتِيَارَشَدَةٍ اَزْ مِيَانِ مَوْجُوْدَاتِ، وَبِرْكَزِيْدَةٍ اَزْ خَلْقِكَ، وَزَكِيَّتِكَ وَتَقِيَّتِكَ وَنَقِيَّتِكَ، وَنَجِيَّتِكَ، وَوَلِيِّ مِيَانِ اَفْرِيْدْكَانَتِ، وَپَاكِ سَرَشْتِ وَتَقْوَاپِيْشَةٍ وَپَاكِ وَخَالِصِ وَهَمْرَازِ وَنِيْكَ نَزَادِ وَعَهْدَةِ دَارِعَهْدِكَ، وَمَعْدِنِ سِرِّكَ، وَكَهْفِ غَيْبِكَ، اَلطَّاهِرِ الطَّيِّبِ، اَلْمُبَارَكِ اَمُوْرَتِ وَمَعْدِنِ رَازَتِ، وَجَايْگَاهِ غَيْبِ وَپَنَهَانِيْ اَتِ، اَنِ پَاكِ پَاكِيْزَةِ مَبَارَكِ الزَّكِيِّ، اَلصَّادِقِ الْوَفِيِّ، اَلْعَادِلِ الْبَارِّ، اَلْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ، اَلنَّبِيِّ پارَسَايِ رَاسْتِگُوِيِ وَفَادَارِ، عَادِلِ

همه آن‌ها. و درود فرست بر پدر ما (حضرت) آدم و مادرمان حواء، وَبَيْنَهُمَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَاخْضِيْ صُ مُحَمَّدًا بِأَفْضَلِ پیامبران و رسولان از اولاد آن‌ها، و اختصاص بده (حضرت) محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به برترین الصلاه و التَّسْلِيمِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَبْرَأُ اِلَيْكَ مِنْ اَعْدَائِهِمْ وَمُعَاوَدِيْهِمْ دُرُود و سلام. خداوندا؛ من از دشمنان ایشان و آنان که گفتار حق ایشان را با آگاهی نمی‌پذیرند و به آنان و ظالمی‌ها. اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمْ، وَاَنْصُرْ سَتَم رُوا مِي دَارِنْد بِيْزَارْم. خداوندا؛ هر کس آنان را دوست دارد دوست بدار، و هر کس با آنان دشمنی کند دشمن بدار، و هر مَنْ نَصَرَهُمْ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَ عِبَادَكَ الْمُضِيْطَفِيْنَ الْاَخِيَارَ كَسِ اَنَان رَا يَارِي كِنْد يَارِي كِن، و هر کس بندگان برگزیده پر خیر الاتقیاء البررة. اَللّٰهُمَّ احْشُرْنِيْ مَعَ مَنْ اَتَوَلّٰى، وَاَبْعِدْنِيْ مِمَّنْ پَرِهِيْز كَار نِيْكَو كَار تُو رَا خُوَار كَرْدَانْد خُوَار فَرْمَا. خدایا؛ مرا با سرورانم محشور نما، و از کسانی که از آن‌ها بیزار می‌جویم اَتَبَرَّأُ، وَاَنْتَ تَعَلَّمْ مَا فِیْ ضَمِيْرِ قَلْبِيْ مِنْ حُبِّ اَوْلِيَاءِكَ، وَبُغْضِ دُوْر كَرْدَان، و تو می‌دانی چه مقدار در درون قلبم دوستی اولیای تو، و کینه اَعْدَائِكَ، وَكَفَى بِكَ عَلِيْمًا. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدِيْ، وَاَرْحَمْهُمَا دَشْمَنَات مِي بَاشْد، و تو از جهت آگاهی و دانستن کافی هستی. خداوندا؛ مرا و پدر و مادرم را بیامرز، و به آن دو رحم کن کَمَا رَيَّيَانِيْ صِيْغِيْرًا. اَللّٰهُمَّ اجْزِيْهُمَا عَنِّيْ بِأَفْضَلِ الْجَزَاءِ، هِمَان كُوْنَه كِه مَرَا دَر كُوْد كِي پَرُورْش دَادِنْد. خداوندا؛ به آن دو از طرف من بهترین پاداش را مَرْحَمْت كِن وَكَافِيْهُمَا عَنِّيْ بِأَفْضَلِ الْمُكَافَاةِ. اَللّٰهُمَّ بَدِّلْ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ، و به برترین تلافی زحمات آنان را تلافی کن. خداوندا؛ گناهان شان را به حسنات و نیکی‌ها تبدیل کن، وَاَرْفَعْ لَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ الدَّرَجَاتِ. اَللّٰهُمَّ اِذَا صِرْنَا اِلَى

ماو با حسنات، درجات ایشان را بالا ببرد. خداوندا؛ هنگامی که منتهی شدیم به سوی آنچه آن هاسارُوا إِلَيْهِ، فَأَمْرٌ مَلِكِ الْمَوْتِ أَنْ يَكُونَ بِنَا رَوْفًا رَحِيمًا. بسوی آن منتهی شدند، به ملک الموت دستور بده که به ما رئوف و مهربان باشد. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِجَمِيعِ إِخْوَانِنَا الْمَيِّتِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ خَدَاوَنَدَا؛ مرا و همه برادران و خواهران ایمانی ما و مردان و زنانی که وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ تَسْلِيمًا. اوامر خدایند، زندگان و مردگان را بیامرزد، و میان ما و ایشان بِالْخَيْرَاتِ، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ وَوَلِيُّ الْحَسَنَاتِ، يَا أَرْحَمَ بِه خَيْرَاتِ وَخوبی ها پیوند برقرار کن که تو اجابت کننده دعاها و صاحب حسنات هستی، ای مهربانترین الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ لَا تُخْرِجْنِي مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا إِلَّا بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ، مهربانان. خداوندا؛ مرا خارج مکن از این دنیا جز با گناه آمرزیده شده، وَسَيِّعِي مَشْكُورٍ، وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ، وَتِجَارَةٍ لَنْ تَبُورَ. اللَّهُمَّ اغْتَنِي وَتَلَّاشْ بِأَدَاشِ دَادَهْ شَدَهْ، وَعَمَلٍ بِذِرْفَهْ شَدَهْ، وَتِجَارَتِي كَهْ كَسَادَ نَمِي شُود. خداوندا؛ مرا مِنَ النَّارِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ طُلُقَائِكَ وَعُقَّتَائِكَ مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي آتَشِ رَهَائِي بَخْشْ، وَمَرَا از آزادشدگان و رهائی یافتگان از آتش قرار بده. خداوندا؛ گناهان لی ما مَضَى مِنْ دُنُوبِي، وَاعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي. اللَّهُمَّ كَذَشْتَهْ ام رَا بِبِامْرَزْ، وَدَرِ آنچه باقی مانده از عمرم به من مصونیت بده، و مرا از گناه حفظ کن. خداوندا؛ كُنْ لِي وَلِيًّا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا وَمُعِينًا، وَاجْعَلْنِي فِي حِرْزِكَ سَرِيسْتِ وَنَگَهِدَارِ وَيَارِ وَمَدْدَكَارِ مِنْ بَاشْ، وَمَرَا دَرِ حَفْظِ وَحِرَافِظِكَ، وَحِمَايَتِكَ وَكَنْفِكَ، وَدِرْعِكَ الْحَصِينِ وَفِي كَلَاءَتِكَ، وَحَمَايَتِ وَسَايَهْ اتِ وَدِرْزَهْ مُحْكَمِ نَگَهِدَارِيْتِ قَرَارِ بَدَهْ، عَزَّ جَارُكَ، وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ، وَلَا مَعْبُودَ سِوَاكَ. عزیز و نیرومند است آنکه در جوار تو است، و مدح و ثنایت والا است،

و خدایی غیر تو نیست، و معبودی جز تو نمی باشد. اَللّٰهُمَّ مَنْ اَرَادَنِيْ بِسُوْءٍ فَاَرِدْهُ. اَللّٰهُمَّ رُدِّ كَيْدَهُ فِيْ نَحْرِهِ. اَللّٰهُمَّ خداوندا؛ هر کس اراده بدی نسبت به من دارد به او اراده کن. خداوندا؛ مکر و نیرنگ او را در گلوگاهش بازگردان. خداوندا؛ بتر عمره، وَبَدِّدْ شَمْلَهُ، وَفَرِّقْ جَمْعَهُ، وَاسْتَأْصِلْ شَافَتَهُ، وَاقْطَعْ عَمْرَ او را قطع کن، و جمع او را پریشان، و جمعیت او را پراکنده ساز، و او را ریشه کن، و دنباله اش رادابره، وَقَتِّرْ رِزْقَهُ، وَائِلِهِ بِجُهْدِ الْبَلَاءِ، وَاشْغَلْهُ بِنَفْسِهِ، وَابْتَلِيْهِ قَطْعَ كُنْ، و روزیش را تنگ بگیر، و او را به بلای طاق فرسا مبتلا، و به خودش مشغول ساز، و به بیعالیه و ولیده، وَاصْرِفْ عَنِّيْ شَرَّهُ، وَاطْبِقْ عَنِّيْ فَمَّهُ، وَخُذْ مِنْهُ عِيَالِش و اولادش گرفتار کن، و شر او را از من بازگردان، و دهانش را از گفتار نسبت به من ببند، و امن و امان را از او ائمه مثل من اَخَذَ مِنْ اَهْلِ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ، وَاجْعَلْنِيْ مِنْهُ بَكِيْرًا مَّانِدًا اَنْجَحَ از اهل آن قریه که ستمکار بودند گرفتی، و مرا به حفاظت علی حذر بِحِفْظِكَ وَحِيَاظَتِكَ، وَادْفَعْ عَنِّيْ شَرَّهُ وَكَيْدَهُ وَمَكْرَهُ، و احاطه ات از او برحذر دار، و از من شر او و حيله و نیرنگ او را دور کن، وَاكْفِنِيْهِ وَاكْفِنِيْ مَا اَهْمَنِيْ مِنْ اَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِيْ. اَللّٰهُمَّ و مرا از شر او کفایت کن، و آنچه از امر دنیا و آخرتم مرا اندوهناک ساخته کفایت نما. خداوندا؛ لَا تَسْلُطْ عَلَيَّ مِنْ لَا يَرْحَمُنِيْ. اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِيْ شَأْنِيْ، كَسِيْ رَا كِه به من رحم نمی کند بر من مسلط مفرما. خداوندا؛ مرا و شؤون مرا اصلاح کن، وَاصْلِحْ فَسَادَ قَلْبِيْ. اَللّٰهُمَّ اشْرَحْ لِيْ صَدْرِيْ، وَنَوِّرْ قَلْبِيْ، و تباهی قلبم را اصلاح نما. خداوندا؛ سینه ام را گشایش بده،

و قلبم را نورانی فرما، وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَلَا تُشْهِمِ بِي الْأَعْيَادَ وَلَا الْحَاسِدَ. اللَّهُمَّ و امر مرا آسان گردان، و مرا مورد شماتت و سرزنش دشمنانم و حسودان قرار مده. خداوندا؛ أَغْنِنِي بِغِنَاكَ، وَلَا تُخَوِّجْنِي إِلَىٰ أَحَدٍ سِوَاكَ، تَفَضَّلْ عَلَيَّ عَنْ مَرَاةٍ بِبِي نِيَاةٍ خُود بِي نِيَاةٍ گُردان، و مرا محتاج کسی جز خودت مفرما، با تفضل خود فضل من سواك، يا قَرِيبُ يا مُجِيبُ، يا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ نِيَاةٍ مُنَدِ فَضْلٍ غَيْرِ خُودِ مَكْن، اِي نَزْدِيكَ؛ اِي اِجَابَتِ كُنُنْدَه؛ اِي خُدا؛ مَعْبُودِي جِز تُو نِيَسْت، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا، وَظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاغْفِرْ لِي يَا كَرِيمُ وَبِهِ سَتَايِش تُو مَشْغُولَم، بَدِي كُردَه ام و بر خود ستم نموده ام، پس گناهان مرا دُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ أَظْهِرِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ، بِيَا مَرِزْ كِه جِز تُو كَسِي گُناهان را نَمِي آ مَرِزِد. خُداوندا؛ حَقِّ وَ اِهْلِ اَنْ رَا پِيرو ز گُردان، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَقُولُ بِهِ وَأَنْتَ تَنْظُرُهُ. اللَّهُمَّ قَوْمِ قَائِمِ اِلِ مُحَمَّدٍ، و مرا از كسانِي قُرار بَدَه كِه قائل بَه اَنْ و در اَنْتظار اَنْ هِستَم. خُداوندا؛ قِيَا م كُنُنْدَه آل مَحْمَد عَلَيْهِمُ السَّلَام رَا اسْتِواري بَخِش، وَأَظْهِرْ دَعْوَتَهُ بِرِضَا مِنْ اِلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ أَظْهِرْ رَأْيَتَهُ، وَقَوِّمِ دَعْوَتَهُ رَا با خُشْ نو دِي آل مَحْمَدِ ظاهِر گُردان. خُداوندا؛ پَرچَمِش رَا بَرافِراشْتَه، وَعَزِّمَهُ، وَعَجِّلْ خُرُوجَهُ، وَأَنْصِرْ جُيُوشَهُ، وَأَعِزِّدْ أَنْصَارَهُ، عِزْمِ او رَا تَقْوِيَتِ، وَخُرُوجِش رَا شَتَابِ فَرْمَا، وَ لَشْكَرِش رَا ياري، وَ يارانش رَا پِشْتِيبَانِي نَمَا، وَأَبْلِغْ طَلِبَتَهُ، وَأَنْجِجْ أَمَلَهُ، وَأَصْلِحْ شَأْنَهُ، وَقَرِّبْ أَوَانَهُ، فَمَا نَكَ وَ او رَا بَه خُواستَه اش بَرسان، وَ بَه آرزوِش كَامِيَا ب كُن، وَ شَأْنِ او رَا اِصْلاَح، وَ دُورانش رَا نَزْدِيكَ گُردان كِه تُو تُو تِيْدِي وَ تَعِيْدِي، وَأَنْتَ الْغُفُورُ الْوَدُودُ. اللَّهُمَّ اَمْلِ اِلدُّنْيَا قَسِيطًا آغا ز كُنُنْدَه وَ با ز گُرداننْدَه اِي، وَ تُو آ مَرِزِنْدَه وَ بَسِيَا ر مَهْرَبَانِي. خُداوندا؛ دُنْيَا رَا پَر اِز عَدْلٍ وَ عَدْلًا كَمَا

مَلَيْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا. اللَّهُمَّ انصُرْ جُيُوشَ الْمُؤْمِنِينَ، و داد کن همانطور که پر از ظلم و ستم شده. خداوندا؛ یاری کن لشکر مؤمنان و سیرایاهم و مرابطیهم حیث كانوا وأین كانوا من مشارق و جنگجویان و مزداران آنان را در هر حالی هستند و هر کجایند در مشرق الأرض و مغاربها، و انصُرْهُمْ نَصْرًا عَزِيزًا، و افْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا و مغرب زمین. و عزتمندانه آن ها را یاری نما، و برای ایشان فتح و گشایشی یسیراً، و اجعل لنا ولهم من لدنك سلطاناً نصيراً. اللَّهُمَّ اجعلنا آسان بفرما، و از ناحیه خودت برای ما و ایشان سلطانی یاری شده قرار بده. خداوندا؛ ما را من أتباعه و المُستشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. اللَّهُمَّ العن الظلمهaz پیروان او و شهادت طلبان پیشاپیش او قرار بده. خداوندا؛ سران ستم پیشه و الظالمين، الَّذِينَ يَدُلُّوا دِينَكَ، و حَرَّفُوا كِتَابَكَ، و غَيَّرُوا سُنَنَهُو ستمگران را که دین تو را دگرگون، و کتابت را تحریف، و سنت پیامبرت را تغییر نییك، و دَرَسُوا الْأَثَارَ، و ظَلَمُوا عَلَى أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، و قَاتَلُوا أَوْلَادَكَ، و آثار را ناپدید، و بر اهل بیت پیامبرت ستم نمودند، و آن ها را کشتند و نَعَدُوا عَلَيْهِمْ، و غَصَبُوا حَقَّهُمْ، و نَفَسُواهُمْ (وَنَفَرُواهُمْ) عَنْ بُلْدَانِهِمْ، و به آنان تعدی کردند، و حق ایشان را غصب نموده و آنها را از شهرهایشان تبعید و از عَجُوهْم عَنْ أَوْطَانِهِمْ، مِنَ الطَّاغِينَ وَالتَّابِعِينَ وَالقَاسِطِينَ و از سرزمین های شان راندند، آن طغیانگران عصر رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم و آنان که پیامبر را ندیدند و كَجِرْوَانِ وَالمَارِقِينَ وَالتَّائِبِينَ، وَأَهْلِ الزُّورِ وَالكِذْبِ، أَلْكَفَرَةَ الْفَجْرَةِ. و خارج شدگان از دین و پیمان شکنان، و اهل زور و دروغ، کافران و فاجران را لعنت کن. اللَّهُمَّ العن أتباعهم، و جُيُوشَهُمْ وَأَصْحَابَهُمْ وَأَعْوَانَهُمْ خداوندا؛ پیروان آنان و لشکریان و همراهان و یاران و مُحِبِّهِمْ وَشِعْتِهِمْ، و أَحْشَرُهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقًا. اللَّهُمَّ عَذِّبْ و دوستان و شیعیان ایشان را لعنت کن، و با چشمان کبود به

جهنم محشورشان فرما. خداوندا؛ كَفَرَهُ أَهْلُ الْكِتَابِ وَجَمِيعَ الْمُشْرِكِينَ، وَمَنْ ضَارَعَهُمْ مِنْ كَافِرَانِ أَهْلِ كِتَابٍ وَ هَمَّ مُشْرِكِينَ، وَ
آن ها كه براى ايشان فروتنى مى كنند از الْمُنَافِقِينَ، فَإِنَّهُمْ يَتَقَلَّبُونَ فِي نِعْمِكَ، وَيَجْعَلُونَ آيَاتِكَ، مَنَافِقَانِ رَا عَذَابَ كُنْ، كه آن
ها در نعمت تو غوطه ورنند، و آيات تو را انكار و يُكَاذِبُونَ رُسُلَكَ، وَيَتَعَدُّونَ حُدُودَكَ، وَيَدْعُونَ مَعَكَ إِلَهًا، وَفَرَسْتَادِ كَانَتْ رَا
تكذيب، و از حدود و مقررات تو تجاوز مى كنند، و با تو خدای دیگری را مى خوانند، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا
يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا دَرِ حَالِي كه هيچ خدائی جز تو نيست، تو پاڪ و منزهي و تو برتر و والاتري از آنچه ستمگران كبراً. اللَّهُمَّ
إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشُّكِّ وَالشَّرِّكَ، وَالشَّقَاقِ مى گویند. خداوندا؛ من به تو پناه مى برم از شك و شرک و مخالفت و النِّفَاقِ
وَالرِّيَاءِ، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ، وَشَمَاتِهِو نِفَاقِ وَرِيَاءِ وَبَدْبِخْتِي وَبَدِي سِرْنُوشْتِ، وَسِرْزَنْشِ الْأَعْدَاءِ، وَسُوءِ الْمُتَقَلَّبِ.
اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ دَشْمَنَانِ، وَبَازْ كَشْتِ بَدِ. خداوندا؛ از من بپذير همان گونه كه از الصَّالِحِينَ، وَالْحَقِّقِي بِهِمْ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ افْسَحْ فِي شَايَسْتِ كَانِ پَذِيرْفْتِي، وَمَرَا بَهْ أَنَانِ مَلْحَقِ كُنْ اِي مَهْرَبَانْتَرِينِ مَهْرَبَانَانِ. خداوندا؛ در اَجَلِي، وَأَوْسَعِ
فِي رِزْقِي، وَمَتَّعْنِي بِطُولِ الْبَقَاءِ وَدَوَامِ الْعِزِّ، أَجَلِ وَ مَهْلَتِ مِنْ فِرَاخِي، وَدِرْ رِزْقِ وَ رُوزِيمِ كَسْتَرْدِ كِي قِرَارِ بَدِه، وَ مَرَا بَهْ مَانْدِنِ
طُولَانِي وَ عَزَّتِ پَايِدَارِ، وَتَمَامِ النَّعْمَةِ، وَرِزْقِ وَاسِعِ، وَأَعْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَنِعْمَتِ كَامِلِ وَ رُوزِي كَسْتَرْدِهْ بَهْرَهْ مَنْدِ سَازِ،
وَ بَهْ حَلَالِ خُودِ از حرامت بي نياز گردان، وَأَصْرِفْ عَنِّي السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ وَالْمُنْكَرَ. اللَّهُمَّ افْعِلْ بِي مَاوِ از من بدی و زشتی و
ناپسند و نامشروع را باز گردان. خداوندا؛ آنچه تو شايسته آن هستي أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، لَا تَأْخُذْنِي بِعَدْلِكَ، جُدْبَا
من انجام

بده، و آنچه را من شایسته آن هستم با من انجام مده، مرا به عدل خویش مؤاخذه مکن؛ بلکه عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَرَأْفَتِكَ وَرِضْوَانِكَ. اَللّٰهُمَّ عَفْوِكَ، به عفو و رحمت و رأفت و خشنودیت بر من جود و بخشش کن. خداوندا؛ عفو تو را تمنا دارم، لَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ، وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْقَانِطِينَ، ما را محروم بازمگردان، و امیدم را قطع مکن، و مرا از ناامیدان وَلَا مَحْرُومِينَ وَلَا مُجْرِمِينَ وَلَا اِيسِينَ وَلَا ضَالِّينَ وَلَا مُضَلِّينَ و محرومان و مجرمان و مأیوسان و گمراهان و گمراه کنندگان وَلَا مَطْرُودِينَ وَلَا مَغْضُوبِينَ. اَمِنَّا الْعِقَابَ، وَاطمئن بنا دَارَكَ و رانده شدگان و مورد غضب قرارگرفتگان قرار مده. ما را از کیفر ایمن بدار، و ما را به سرایت دَارَ السَّلَامِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَاِلِهٍ الطَّيِّبِينَ، سرای سلامتی - یعنی بهشت - مطمئن ساز. خداوندا؛ به راستی من به وسیله محمد و آل پاکش به سوی تو توَسَّلُ می جویم، وَاَتَشَفَّعُ اِلَيْكَ بِهِمْ، وَاَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِهِمْ، وَاَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِهِمْ. و به واسطه ایشان شفاعت می طلبم، و به سوی تو تَقَرَّبُ می یابم، و به درگاهت روی می آورم. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ بِهِمْ وَجِيهًا. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ بِهِمْ، وَتَجَاوَزْ عَنِّ خِطَايَا؛ خداوندا؛ مرا به واسطه ایشان آبرومند قرار بده. خداوندا؛ به واسطه ایشان مرا بیامرزد، و به خاطر ایشان سَيِّئَاتِيْ بِهِمْ، وَاَرْحَمْنِيْ بِهِمْ، وَاَشْفَعْنِيْ بِهِمْ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ اِزْ غَنَاتِنَا وَبِخَاتِرَاتِنَا؛ به خاطر ایشان به من رحم کن، و به واسطه ایشان مرا شفاعت فرما. خداوندا؛ به راستی من از تَوْحُّسِنَ الْعَاقِبَةِ، وَتَمَامَ النِّعْمَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اِنِّكَ عَلَيَّ كَمَلٌ سِرَانِجَامِ نِيْكَو، و نعمت کامل در دنیا و آخرت درخواست می کنم، که تو بر هر شئی ۱ قَدِيْرٌ. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَاَرْحَمْنَا، وَتُبْ عَلَيْنَا، وَعَافِنَا بِحَبْلِ رَحْمَتِكَ. خداوندا؛ ما را بیامرزد و رحمت

کن، و بازگشت کن بر ما، و عفو فرما و غنمنا و رفَعنا، و سدِّدنا و اهدنا، و اُرشدنا و عافنا، و کُن لنا و بهره مند ساز و بالا ببر، و استوار نما و هدایت کن، و راهنمایی فرما و عفو نما، و به نفع ما باش و لا تُکُن عَلینا، و اکفنا ما اَهَمَّنَا مِنْ اَمْرِ دُنْیانا و اِخْرَتنا، و بر ضرر ما مباش، و آنچه از امر دنیا و آخرت ما مهم است و ما را اندوهگین ساخته کفایت کن، و لا تُضِلَّنَا و لا تُهْلِكُنَا و لا تُضِعَّنَا، و اهدنا اِلی سِوَاءِ الصُّرَاطِ، و ما را گمراه مکن و هلاک مگردان و پست و فرومایه مساز، و به راه راست هدایت کن، و اتنا ما سألنا و ما لَمْ نَسْأَلْکَ، و زِدنا مِنْ فَضْلِکَ، اِنَّکَ اَنْتَ و آنچه از تو خواستیم و نخواستیم به ما عطا فرما، و از فضل خود بر آن بیفزای که تو بسیار المنان یا الله. رَبَّنَا اِتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً و فِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةٌ نَعْمَتٌ دَهْنَةٌ اِی اِی خداوندا. پروردگارا؛ به ما در دنیا نیکی و در آخرت نیکی عنایت کن، و قِنَا عَذَابَ النَّارِ» (۷۹)، اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ، اِغْفِرْ وَاَرْحَمْ و از عذاب آتش نگهدار، از خداوند پروردگرم آمرزش می طلبم و به سوی او بازمی گردم، بیامرز و رحمت کن و تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ، فَاِنَّکَ اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَكْرَمُ. (۸۰)

و از آنچه می دانی بگذر که براستی تو عزیزتر و گرامی تری.

در «بحار الأنوار» روایت شده که این، دعای قنوت نماز و تر است.

دعای مهمی در ستایش خداوند

این دعا پس از نماز رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم خوانده می شود:

لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ رَبُّنَا و رَبُّ اَبائِنَا الْاَوَّلِينَ ، لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ اِلهَا و اِحْدَا اِلهَادِی جَزْ خِداوَنَدِ یَکْتا نِیَسْتِ کِه اَو پَروردگارِ ما و پَروردگارِ پَدِراَنِ پِیشینِ ما اِست، هِیچِ مَعْبُودِی جَزْ خِدا نِیَسْتِ کِه مَعْبُودِی یَگانه اِست و نَعْنُ لَهْ مُسْلِموُنَ، لا اِلهَ

إِلَّا اللَّهُ لَانْعَبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ و ما سر تسلیم به درگاهش فرود آورده ایم، خدایی جز خداوند بی همتا نیست و ما جز او را پرستش نمی کنیم، و دین را برای او خالص الدینَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، کرده ایم گرچه اهل شرک نپسندند، معبودی جز خدا نیست، او یکتا و یگانه و بی همتا است، أَنْجَزَ وَعِدَّةَهُ، وَنَصِيرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَخِيَدَهُ، وعده اش را وفا کرد و بنده اش را یاری نمود و لشکرش را تقویت نمود، و گروه های بهم پیوسته دشمن را شکست داد، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ أَنْتَ پس فرمانروایی از آن او است و او سزاوار سپاس و ستایش است و او بر همه چیز توانا است. خداوندا! تَنْوِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ قَيَّامٌ روشنی بخش آسمان ها و زمین و هر کس در آن ها است هستی، پس تو سزاوار ستایشی، و تو برپادارنده ۱. سوره بقره، آیه ۲۰۱. ۲. فقه الرضاع علیه السلام: ۴۰۲، بحار الأنوار: ۲۱۱/۸۷.

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْحَقُّ، آسمان ها و زمین و هر کس در آن ها است هستی، پس تو سزاوار ستایشی، و تو حقی، وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَقَوْلُكَ الْحَقُّ، وَإِنْ جَاؤَكَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنَّارُ وَعْدَةٌ اتِ حَقٌّ، و گفتارت حق، و وفاکردنت به آن حق است و تخلفی ندارد، و بهشت و دوزخ حق. اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ أَمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَبِكَ حَقٌّ است. خداوندا! خود را تسلیم تو نمودم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل کردم، و به تو (با دشمنان دین) خاصمت، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، إِغْفِرْ لِي ماخصومت کردم، و حکومت و داوری را به پیشگاه تو آوردم، ای

إِلَهِي إِنْ لَعَمَ و ادب کن خداوندا؛ شتابزدگی و نرمی نکردن مرا با مهارقناعت (که به خاطر حکام دنیا خود را به پستی نیاندازم). بارالها؛ اِگَر تَبَدُّنِي الرَّحْمَةُ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ، فَمَنْ السَّالِكُ بِي إِلَيْكَ بِا تَوْفِيقِ نِيكُو پيشی نگرفته بود مرا رحمت و مهربانی ات، چه کسی مرا به سوی توفی واضح الطریق، وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي أَنْتَ لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنَى، در راه روشن می راند؟ و اگر مهلت دادنت مرا به رهرو آرزوها و خواهش ها واگذار می نمود، فَمَنْ الْمُقْبِلُ عَثْرَاتِي مِنْ كِبَوَاتِ الْهُوَى، وَإِنْ خَذَلْتَنِي نَصِيرُكَ چه کسی لغزش های مرا که از سرنگونی مرکب هوی و هوس پیدا می شد جبران می کرد؟ و اگر رها می کرد مرا یاری تو عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ فَقَدْ وَكَلْنِي خِذْلَانُكَ إِلَى حَيْثُ هَنَكَامِ نَبْرِدِ بَا نَفْسِ وَ شَيْطَانِ، به راستی یاری نکردنت مرا به النَّصِيبِ وَالْحِزْمَانِ. إِلَهِي أَتَرَانِي مَا أَتَيْتُكَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ الْأَمَالِ أَمْ رَنْجِ وَ نَاامیدی می افکنند. بارالها؛ می بینی و می دانی که به درگاهت نیامده ام مگر به خاطر آرزوهائی که دارم عَلِقْتُ بِأَطْرَافِ جِبَالِكَ إِلَّا حِينَ بَاعَدْتَنِي ذُنُوبِي عَنْ دَارِ الْوِصَالِ، و به رشته های ریسمانت چنگ نزده ام مگر هنگامی که گناهانم مرا از محلّ وصال و پیوند با تو دور کرد، فَبِئْسَ الْمَطِيئَةُ الَّتِي امْتَطَّتْ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا، فَوَاهَا لَهَا لِمَا سَوَّلَتْ بِسِئْرَتِهَا مَرْكَبِي اسْتَمْرَكِي كَيْفَ نَفْسِي مِنْ رُوحِ خَوَاهِشِهَا خُودِ سَوَارِ گشته، و وای لها ظُنُونُهَا وَمُنَاهَا، وَتَبَّأ لَهَا لِحْزَانُهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَمَوْلِيهَا. إِلَهِي بَرَاؤُكَ كَمَا هِيَ وَ تَمَنَاهَا بِرَأْسِ جِلْوَةِ كَرْدِ، وَ نَابُودِ بَادِ كَيْفَ بِرِ سُرُورِ وَ مَوْلَايِ خُودِ جِرَاتِ پيدا کرده است. بارالها؛ فَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِبِدِّ رَجَائِي، وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ لاجِئاً مِنْ فَوْطَرِ رَحْمَتِكَ رَا بِا دَسْتِ اميدم کوييدم، و به سوی تو گريختم در حالی که از زياده روی اهُوَأَيِّ، وَعَلَّقْتُ

بِأَطْرَافِ جِبَالِكَ أَنَامِلٌ وَلَا تَنِي، فَاصْرِفِ اللَّهُمَّ هَوَاهَا وَهُوسَ هَايِمٍ بِهِ تُوْ بِنَاهِنْدَةٍ گشته ام، و به رشته های ریسمانت با انگشتان و لا و دوستی چنگ زده ام. پس خداوندا؛ بگذر عَمَّا كُنْتُ أَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلَلِي وَخَطَايِي، وَأَقْلِنِي اللَّهُمَّ مِنْ صِرْعَازِ لَغْزَشِ هَا وَ خِطَاهَائِي كِه مَرْتَكَبِ شُدِه ام و - خداوندا؛ - از زمین خوردن ذاتی، فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي، وَأَنْتَ غَايَهُو تَبَاهِ شَدْنِ مَرَا نَكْهَدَارِي وَ دَسْتَكِيرِي كَنْ، كِه تُو سُرُورِ مَن وَ مَوْلَا وَ تَكِيه كِه گاه و امید من هستی و تُو نِهَائِي مَطْلُوبِي وَ مُنَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَ مَشْوَايَ. إِلَهِي كَيْفَ تَطْرُدُ مَسْكِينَانَ مَقْصُودَ وَ آرزوی منی در دنیا و آخرت. بارالها؛ چگونه از درگاهت می رانی مسکین بیچاره ای را كِه التَّجْرَأَ إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هَارِبًا، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرْشِدًا قَصِيدًا ز كِنَاهَانَ كَرِيخْتِه وَ به تُو پناهنده گشته؟ یا چگونه محروم می سازی کسی را كِه خَوَاسْتَارِ رَشْدِ وَ هِدَايَتِ اسْتِ إِلَى جَنَابِكَ سَاعِيًا، أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمَانًا وَرَدَّ عَلَى حِيَاضِكَ وَ شَتَابَانَ آهَنَكِ آسْتَانِ تُو نَمُودِه؟ یا چگونه دور می کنی تشنه ای را كِه بر چشمه های پَرآبْتِ وَ آردِ گشته شَارِبًا، كَلَّا وَ حِيَاضِكَ مُتْرَعَةً فِي ضَمْنِكَ الْمُحُولِ، وَ بِأَبْيُوكَ مَفْتُوحًا تَا جَرَعَهُ أَيِ بِيَاشَامِد؟ نِه؛ هِر كَرِ چِنِين نِيَسْتِ وَ حَوْضِ هَايِ تُو پَرآبِ اسْتِ در شَدْتِ خَشَكْسَالِي وَ بِيِ آبِي، وَ در گاه تُو گَشُودِه وَ بَاز اسْتِ لِلطَّلَبِ وَ الْوُغُولِ، وَأَنْتَ غَايَهُ الْمَسْئُولِ وَ نِهَائِيهِ الْمَيِّمُولِ. بَرَايِ در آمدن و در خواست كردن، وَ تُو انْتِهَائِي خَوَاسْتِه خَوَاسْتَارَانَ وَ نِهَائِي آمَالَ آرزو مَنْدَانِ هستی. إِلَهِي هَذِهِ أَرْزَمُهُ نَفْسِي قَدْ عَقَلْتُهَا بِعِقَالِ مَشِيَّتِكَ، وَ هَذِهِ أَعْبَاءُ بَارَالِهَا؛ اَيْنِ زَمَانِ نَفْسِ مَن اسْتِ كِه آن را بَا مِهَارِ مَشِيَّتِ تُو پاي بِنْد كَرْدِه ام، وَ اَيْنِ بَارِ كِرَانَ ذُنُوبِي دَرَاتُهَا بِعَفْوِكَ وَ رَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، وَ هَذِهِ أَهْوَائِي الْمُضِلُّهُ كِنَاهَانَ مَن اسْتِ كِه به پاي عَفْوِ وَ مِهْرَبَانِي وَ رَحْمَتِ اف كِنْدِه ام، وَ اَيْنِ هَوَاهَا وَ هُوسِ هَايِ كِمْرَاهِ كِنْدِه

من است که وکلتها إلى جناب لطفك ورأفتك. اللهم فصل على محمد وآل به ساحت لطف و رأفت تو سپرده و واگذار کرده ام. خداوندا؛ پس درود فرست بر محمد و آل محمد. فاجعل اللهم (صباحی هذا نازلاً على بضياء الهدى محمد. پس قرار ده (خداوندا؛) این بامدادم را فرودآینده بر من با روشنی هدایت وبالسلامه والعافیه فی الدین والدنیا والآخره، ومسائی جنه و سلامت و عافیت در دین و دنیا و آخرت، و شبم را سپری من کید الأعداء، ووقایه من مژدیات الهوی، فانک قادر علیاز مکر و حيله دشمنان، و پناهگاهی از پرتگاههای هواها و آرزوهای نفسانی گردان، که براستی توما تشاء، «توتی الملک من تشاء وتترع الملک من تشاء بر آنچه بخواهی توانائی، «فرمانروائی را به هر کس خواهی می دهی، و از هر کس خواهی می گیری، وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدک الخیر انک علی کمل شیء هر کس را بخواهی عزیز می گردانی و هر کس را بخواهی خوار می کنی، خیر و خوبی تنها در دست تو است که تو بر هر قدری تولج اللیل فی النهار وتولج النهار فی اللیل وتخرج چیز توانائی شب را در روز و روز را در شب وارد می کنی، الحی من المیت وتخرج المیت من الحی وتزق من تشاء و زنده را از مرده و مرده را از زنده خارج می کنی، و هر کس را خواهی بغير حساب» (۸۲)، لا إله إلا أنت، سبحانک اللهم وبحمدک من ذابدون حساب روزی می دهی «معبودی جز تو نیست، پاک و منزهی خداوندا؛ و من به ستایش تو مشغولم، چه کسی یعرف قدرتک فلا یخافک، ومن ذا یعلم ما أنت فلا یهابک، قدرت تو را شناخت و از تو بیمناک نگردید؟ و چه کسی دانست که تو

کیستی و مرعوب

هیت تو نشد؟ أَلْفَتْ بِقُدْرَتِكَ الْفِرْقَ، وَفَلَقْتَ بِرَحْمَتِكَ الْفُلُقَ، وَأَنْزَلْتَ بِكَرَمِكَ بِاِقْدَرْتِ خَوِيش پراکندگی ها و جدائی ها را
گرد آورده و پیوند داده ای، و به رحمت سپیده دم صبح را شکافته ای، و به بزرگواریت

۱. سوره آل عمران، آیه ۲۶ و ۲۷.

دِيَاغِي الْعَسَقِ، وَأَنْهَزْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّيَاخِيدِ عَذْبًا وَأُجَاغًا، تَارِيكِي هَاي شَب تَار رَا رُوشَن سَاخْتِه اِي، وَ آب هَاي شِيرِين وَ
شور رَا از دل سنگ های سخت و محکم روان کرده ای، وَأَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً تَجَاغًا، وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَ از ابرهای
فشرده آب فراوان و پیاپی را فرو فرستاده ای، وَ خورشید وَ ماه رَاللْبَرِّيَّةِ سِرَاغًا وَهَاجًا مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوبًا لِبرای
مردم چراغی فروزنده قرار داده ای، بدون اینکه در آنچه پدید آورده ای خسته و درمانده شوی وَلَا عِلَاجًا، فَيَا مَنْ تَوَخَّدَ بِالْعِزِّ
وَالْبُقَاةِ، وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ يَا لِبرای علاج و درمان کوشش کنی، پس ای کسی که یکتا و یگانه است به عزت و جاودانگی، وَ
بندگانش را به مرگ وَالْفَنَاءِ، صَيَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِإِهَةِ الْأَتْفِيَاءِ، (أَهْلِيكَ أَغْدَائِي،) (وَ نَابُودِي مَقْهُورِ سَاخْتِه، بِرِ مَحْمَدِ وَ آلِ
پرهیزکارش درود فرست،) (دشمنانم را نابود گردان،) (وَ اسْتَمِعْ نِدَائِي، وَ اسْتَجِبْ دُعَائِي، وَ حَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَ رَجَائِي،) وَ صَدَايِ
مرا بشنو، وَ دَعَائِمِ رَا بِه اِجَابَتِ بَرَسَانِ، وَ بِه فَضْلِ وَ كَرَمِ آرْزُو وَ اَمِيدِ مَرَا مَحَقَّقِ سَازِ، يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضُّرِّ، وَالْمَأْمُولِ
لِكُلِّ عُسْرٍ وَ يُسْرٍ، يَا اَيُّ بَهْتَرِينِ كَسِي كِه لِبرای بَرَطْرِفِ نِمُودَنِ بِيچارگي خواننده شده، وَ دَرِ هَرِ دِشْوَارِي وَ آسَانِي مَائِه اَمِيدِ وَ
آرْزُو اِسْتِ، اِي سَيِّدِي بِكَ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي فَلَا تُزِدْنِي مِنْ سَيِّئِي مَوَاهِبِكَ خَائِبًا، يَا سِرُورِ مَنْ؛ حَاجَتِمِ رَا بِه تُو عَرَضِه دَاشْتِه اَمِ پَسِ
مَرَا از بَخْشِشِ هَاي اَرْزِشْمَنْدَتِ مَحْرُومِ بَا زِمِگَرْدَانِ، اِي كَرِيمِ، يَا كَرِيمِ، يَا كَرِيمِ، بِرِ حَمَّتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ صَلَّى كَرِيمِ؛

ای بزرگوار؛ ای بخشنده، به رحمت ای مهربانترین مهربانان، و درود الله علی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ. (۸۳)

خداوند بر مُحَمَّد و آل پاک و همه خاندان پاک و پاکیزه او باد.

دعای دیگر بعد از دعای صباح

و از حضرت امام الجنّ و الإنس علی بن موسی الرضاعلیه السلام نقل شده که آن حضرت بعد از تمام شدن دعای صباح این دعا را (برای آموختن به ما) می خواندند:

إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ، وَنَفْسِي مَعْيُوبٌ، وَعَقْلِي مَغْلُوبٌ، وَهَوَايَ مَعْبُودٌ؛ قلب من در پرده و زنگار گرفته، و نفسم دچار عیب و زشتی، و عقلم شکست خورده، و تمایلات نفسانی ام غالب، و طاعتی قلیل، و معصیتی کثیر، و لسانی مقرر بالذنوب، چیره و پیروز، و اطاعتم اندک، و نافرمانیم بسیار، و زبانتم اقرار کننده به گناهان است، فَكَيْفَ حَيْلَتِي يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ، يَا سَتَّارَ الْغُيُوبِ، وَغَفَّارِيسِ چاره ام چیست ای دانای پنهانی ها؛ ای پوشاننده عیب ها؛ و آمرزنده الذنوب، فَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا يَا غَفَّارُ، يَا غَفُورُ، يَا حَلِيمُ، یا گناهان؟ همه گناهانم را بیامرزی ای بسیار آمرزنده؛ ای بخشنده؛ ای بردبار؛ ای رَحِيمُ، وَأَقْضِ حَاجَتِي بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَالنَّبِيِّ الْكَرِيمِ، مَهْرَبَانُ؛ و حاجتم را برآورده ساز به حق قرآنی که مرتبه اش عظیم است، و پیامبری که بزرگوار می باشد، وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، تُبْتُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ مِنْ جَمِيعِ و آل پاک و پاکیزه او، (به درگاه تو) توبه و بازگشت نمودم ای صاحب عظمت و بزرگی و بزرگواری؛ از همه الذنوبِ وَالْآثَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ غَنَاهِانِ و کارهای حرام، و سپاس و ستایش سزاوار پروردگار جهانیان است و درود خداوند بر مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْأَخْيَارِ. (۸۴) حضرت (مُحَمَّد و آل پاک و پاکیزه اش که معصوم و نیکوکارند. در بعضی از نسخه های دعای صباح، دعای دوم) با اختلاف نسخه ها)

جزو دعای صباح آورده شده است.

استغفار بسیار مهم

محقق سبزواری در کتاب «مفاتیح النجاه» از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، از پدران بزرگوارش علیهم السلام، از امام سجّاد علیه السلام، از امام حسین علیه السلام روایت کرده که فرمود:

روزی نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته بودم که مرد عربی آمد و عرض کرد: ای امیر مؤمنان؛ مردی عیال وارم و از مال دنیا بهره ای ندارم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای برادر عرب؛ چرا استغفار نمی کنی تا حالت نیکو شود.

عرب عرض کرد: ای امیر مؤمنان؛ من زیاد استغفار می کنم ولی دگرگونی و فزونی در حال خود نمی بینم.

امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: خدای تعالی فرموده: «به درگاه پروردگارتان استغفار کنید تا آسمان را بر شما ریزان کند و به مال و فرزندان تان کمک دهد و نهرها برای شما قرار دهد» (۸۵).

من استغفاری را به تو یاد می دهم که در هنگام خواب بدان استغفار کنی و روزی ات فراخ گردد.

آن گاه این استغفار را برای او نوشت و به مرد عرب داد و سفارش کرد هنگامی که به بستر خواب رفتی و آهنگ خواب کردی، این استغفار را بخوان و گریه کن و اگر گریه ات نیامد تباکی کن (و خود را به صورت گریه کنندگان در آور).

امام حسین علیه السلام فرمود:

این مرد عرب، سال دیگر نزد امیر مؤمنان آمد و عرض کرد: به راستی ای امیر مؤمنان؛ خدای تعالی نعمت خود را بر من تمام کرده به حدی که منطقه بر من تنگ شده و جایی برای نگهداری شتران و گوسفندانم از بس که زیاد شده اند نمی یابم.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ای برادر عرب؛ سوگند به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله وسلم را به رسالت برانگیخت؛ بنده ای نیست که این استغفار را بخواند جز آن که خدای تعالی گناهانش را بیمارزد و حاجت های مشروع او

را برآورد و مال و فرزندانش را به برکت این استغفار افزون کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَعْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ قَوِيٍّ عَلَيْهِ يَدْنِيْ بِعَافِيَّتِكَ، اَوْ مَعْبُودًا؛ از تو آمرزش می خواهم از هر گناهی که بدن من با عافیت و تندرستی که تو عنایت کردی به انجام دادن آن قوت یافت، یا نالته قُدرتی بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ، اَوْ بِسَطْتِ اِلَيْهِ يَدِيْ بِسَابِغِ رِزْقِكَ، قدرت من به برکت نعمت تو به آن رسید، یا به سبب روزی ریزان تو دست خود را به سوی آن دراز کردم، اَوْ اَتَكَلَّتْ فِيْهِ عِنْدَ خَوْفِيْ مِنْهُ عَلَيَّ اَنَا تِكَ، اَوْ اِحْتَجَبْتُ فِيْهِ مِنْ يَدِ هِنْكَامِ تَرَسِ خَوْدِ اَزْ اَنْ بَرْدَبَارِيْ تُو تَكِيَهْ كَرْدَمْ، يَا اَلنَّاسِ بِسِتْرِكَ، اَوْ وَثِقْتُ مِنْ سَطْوَتِكَ عَلَيَّ فِيْهِ بِحِلْمِكَ، اَوْ بِاِطْمَئِنِّيْنِ تُو خَوْدِ رَا اَزْ مَرْدَمِ پَنَهَانِ كَرْدَمْ، يَا اَزْ قَهْرِ تُو دَرْ اَنْ گَنَاهِ بَهْ حِلْمِ وَ شَكِيْبَايِيْ اِتْ تَكِيَهْ كَرْدَمْ، يَا عَوَّلْتُ فِيْهِ عَلَيَّ كَرَمِ عَفْوِكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَعْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ دَرْبَارَهْ اَنْ بَهْ بَزْرگُوَارِيْ گَدَشْتِ تُو تَكِيَهْ كَرْدَمْ. مَعْبُودًا؛ مِنْ اَزْ تُو اَمْرَزْشِ مِيْ خَوَاهَمْ اَزْ هَرْ گَنَاهِيْ كِهْ خُنْتُ فِيْهِ اَمَانَتِيْ، اَوْ بَخَسْتُ بِفِعْلِهِ نَفْسِيْ، اَوْ اِحْتَطَبْتُ بِهْ عَلَيِّهْ اَمَانَتِ خَوْدِ دَرْ اَنْ خِيَانَتِ كَرْدَمْ، يَا بَا اِنْجَامِ اَنْ، جَانِ خَوْدِ رَا اَلُوْدَمْ، يَا بَارِ گَنَاهِيْ بَرِيْدَنِيْ، اَوْ قَدَّمْتُ فِيْهِ لَدَّتِيْ، اَوْ اَثَرْتُ فِيْهِ شَهْوَتِيْ، اَوْ سَاعَيْتُ بَدَنِ خَوْدِ فَرَاهَمِ كَرْدَمْ، يَا لَدَّتِيْ رَا پِيْشِ دَاشْتَمْ، يَا خَوَاسْتَهْ دَلِ رَا بَدَانِ مَقْدَمِ دَاشْتَمْ، يَا فِيْهِ لَعِيْرِيْ، اَوْ اِسْتَعْوَيْتُ اِلَيْهِ مِنْ تَبِعْنِيْ، اَوْ كَايَدْتُ فِيْهِ مَنْ بَرَايِ دِيْگَرِيْ بَدْگُوِيْ وَ سَعَايَتِ كَرْدَمْ، يَا دَرْ صَدَدِ گَمْرَاهِيْ كَسِيْ كِهْ اَزْ مَنْ پِيْرُوِيْ مِيْ كَرْدِ بَرْ اَمْدَمْ، يَا كَسِيْ كِهْ مَرَا اَزْ مَنَعْنِيْ، اَوْ قَهْرْتُ عَلَيْهِ مِنْ عَادَانِيْ، اَوْ

غَلَبْتُ عَلَيْهِ بِفَضْلِ حِيلَتِي، كَجَبِي بَازِمِي دَاشْتُ فَرِيبِ دَادِمِ، يَا بَا كَسِي كَه بَا مَن دَشْمَنِي مِي كَرْد بَه قَهْرِ عَمَلِ كَرْدِمِ، يَا بَه كَمَكِ نِيرِنَكِ خُودِ بَرِ اَو چِيرِه شَدِمِ، اَوْ اَحَلْتُ عَلَيْكَ، مَوْلَايَ فَلَمْ تَغْلِبْنِي عَلَيَّ فِعْلِي، اِذْ كُنْتَ كَارِهًا يَا بَرِ تُو حَوَالِه كَرْدِمِ. مَوْلَايَ مَن؛ تُو بَا اَيْنِ كَه نَا فَرْمَانِي مَرَا نَاخُوش لِمَعْصِيَتِي فَحَلَمْتِ عَنِّي، لَكِنْ سَبَقَ عِلْمُكَ فَيَّ بِفِعْلِي ذَلِكْ لَمْ دَاشْتِي حَلْمِ وَرَزِيدِي، وَلِي عِلْمِ دِيرِينِه تُو دَر كَارِ مَن تُدْخِلْنِي يَا رَبِّ فِيهِ جَبْرًا، وَلَمْ تَحْمِلْنِي عَلَيْهِ قَهْرًا، وَلَمْ تَظْلِمْنِي مَرَا دَر اِنْجَامِ اَن مَجْبُورِ نَكْرَدِ اِي پَرُورْدِ گَارِ مَن؛ وَ بَه قَهْرِ وَ اِجْبَارِ مَرَا بَرِ اَن كَارِ وَا دَارِ نَمُودِ، وَ تُو هِيچِ كُونِه سَتْمِي فِيهِ شَيْئًا، فَاسْتَغْفِرُكَ لَهُ وَ لِجَمِيعِ ذُنُوبِي. اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَغْفِرُكَ دَر اَيْنِ بَارِهِ بَرِ مَن رُوا نَدَاشْتِي، وَ مَن اَز اَيْنِ گِناهِمِ وَ هَمِه گِناهِمِ اَز تُو اَمْرُوشِ مِي خُواهِمِ. خُدَايَا؛ مَن اَز تُو اَمْرُوشِ مِي خُواهِمِ لِكُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ اِلَيْكَ مِنْهُ، وَ اَقْدَمْتُ عَلَيَّ فِعْلِي، فَاسْتَغْفِرُكَ مِنْكَ بَرَايِ هَرِ گِناهِي كَه اَز اَن گِناهِ بَه دَر گَاهِتِ تُو بَه كَرْدِمِ وَلِي بَدَانِ دَسْتِ زَدِمِ، وَ دَر حَالِ اِنْجَامِ اَن اَز تُو شَرْمِ دَاشْتِمِ وَ اَنَا عَلَيَّهِ، وَ رَهْبَتُكَ وَ اَنَا فِيهِ تَعَاظِيْتُهُ، وَ عَدْتُ اِلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّي وَ اَز تُو دَر اَن حَالِ كَه بَدَانِ سَر گَرْمِ بُوْدِمِ بِيْمِ كَرْدِمِ وَ بَا اَيْنِ حَالِ دُو بَارِهِ بَه اَن گِناهِ بَا زِ گِشْتِمِ. مَعْبُودَا؛ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ كَتَبْتَهُ عَلَيَّ بِسَبَبِ خَيْرٍ اَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ اَز تُو اَمْرُوشِ مِي خُواهِمِ بَرَايِ هَرِ گِناهِي كَه بَرِ مَن نُو شْتِه وَ ثَبِتِ كَرْدِه اِي بَه سَبَبِ كَارِ خَيْرِي كَه اِنْجَامِ دَا دِه اَمِ وَ بَرَايِ تُو بُوْدِه فَخَالَطْنِي فِيهِ سِوَاكَ، وَ شَارَكَ فِعْلِي مَا لَا يَخْلُصُ لَكَ، اَوْ وَجَبَ وَلِي دِيگَرِي دَر اَن شَرِيكِ گِشْتِه وَ سَبَبِ شَدِه تَا خُلُوصِ اَز اَن گَرَفْتِه شُودِ، يَاعَلَيَّ مَا اَرَدْتُ بِهِ

سِوَاكَ، وَكَثِيرٌ مِنْ فِعْلِي مَا يَكُونُ كَذَلِكَ. اَللّٰهُمَّ بِرِمْ مَقْرَرٍ گَشْتَهٗ بَهٗ خَاَطِرِ اِيْنِ كِهٖ هَدْفَمِ اَزِ اَنِ كَارِ، فَرْدِ دِيْكَرِيْ جِزِ تُو بُوْدَهٗ بَا اِيْنِ كِهٖ بَسِيَاَرِيْ اَزِ كَاَرْهَايِمِ اِيْنِ گُوْنَهٗ نَبُوْدَهٗ. خُدَايَا؛ اِيْنِيْ اَسْتِغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوَرَّكَ عَلَيَّ بِسَبَبِ عَهْدِيْ عَاهِدَتِكَ عَلَيَّ اَزِ تُو اَمْرَزِشِ مِيْ خُوَاَهَمِ بَرَايِ هَرِ گِناهِی كِهٖ بَرِ مِنْ چِيْرَهٗ گَشْتَهٗ، بَهٗ خَاَطِرِ عَهْدِيْ كِهٖ بَا تُو بَسْتَمِ اَوْ عَقْدِ عَقْدَتُهُ لَكَ، اَوْ ذِمَّهٖ وَاثَقْتُ بِهَا مِنْ اَجْلِكَ لِاِحْيَايِ مِنْ خَلْقِكَ، يَا پِيْمَانِي كِهٖ بَرَايِ تُو بَسْتَمِ، يَا ذِمَّهٖ اِي كِهٖ بَهٗ خَاَطِرِ تُو بَرَايِ يَكِيْ اَزِ بِنْدِگَانْتِ تُوْثِيْقِ نَمُوْدَمِ، ثُمَّ نَقَضْتُ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرْوَرِهٖ لَزِمْنِيْ فِيْهِ، بَلِ اَسْتَنْزَلْنِيْ اِلَيْهِ سِيسِ بَدُوْنِ ضَرْوَرْتِ وَاِجْبَارِي كِهٖ پِيْدَا كِنَمِ اَنِ رَا شَكْسْتَمِ، بَلَكِهٖ اَنچِهٖ سَبَبِ پِيْمَانِ شَكْنِي مِنْ شَدِ خُوْدِ كَامِگِيْ دَرَعِنِ الْوَفَاءِ بِهٖ الْاَشْرُ، وَمَنْعِنِيْ عَنِ رِعَايَتِهِ الْبَطْرُ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ نَعْمَتُ بُوْدِ وَاَنچِهٖ مَانَعِ رِعَايَتِ اَنِ بُوْدِ سَرْمَسْتِي بُوْدِ. خُدَايَا؛ هَمَانَا مِنْ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ رَهَبْتُ فِيْهِ مِنْ عِبَادِكَ، وَخِفْتُ فِيْهِ غَيْرِكَ، اَزِ تُو اَمْرَزِشِ مِيْ خُوَاَهَمِ بَرَايِ هَرِ گِناهِی كِهٖ اَزِ بِنْدِگَانْتِ وَاَهْمَهٗ كَرْدَمِ وَاَزِ دِيْكَرَانِ جِزِ تُو تَرَسِيْدَمِ، وَاَسْتَحْيِيْتُ فِيْهِ مِنْ خَلْقِكَ ثُمَّ اَفْضَيْتُ بِهٖ فِعْلِيْ اِلَيْكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ وَاَزِ بِنْدِگَانْتِ شَرْمِ كَرْدَمِ، سِيسِ اِيْنِ كَارِ خُوْدِ رَا بَهٗ حَسَابِ تُو گِذَاْرْدَمِ. خُدَايَا؛ اَسْتِغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اَقْدَمْتُ عَلَيْهِ وَاَنَا مُسْتَيْقِنٌ اَنَّكَ تُعَاقِبُ عَلَيَّ اَزِ تُو اَمْرَزِشِ مِيْ خُوَاَهَمِ بَرَايِ هَرِ گِناهِی كِهٖ بَدَانِ اَقْدَامِ كَرْدَمِ دَرِ حَالِي كِهٖ يَقِيْنِ دَاشْتَمِ كِهٖ تُو مَرَا دَرِ اِنجَامِ اَنِ عَقَابِ اَرْتِكَاْبِهٖ فَارَزْتَكَبْتُهُ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتِغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ قَدَّمْتُ فِيْهِ خُوَاَهِي كَرْدِ پَسِ اَنِ رَا اِنجَامِ دَاْدَمِ. خُدَايَا؛ اَزِ تُو اَمْرَزِشِ مِيْ خُوَاَهَمِ بَرَايِ هَرِ گِناهِی كِهٖ شَهْوَتِيْ عَلَيَّ طَاعَتِكَ، وَاَثَرْتُ مَحَبَّتِيْ عَلَيَّ اَمْرِكَ، وَاَرْضَيْتُ شَهْوَتِ خُوْدِ رَا بَهٗ فَرْمَانِبَرَاْرِيْ تُو مَقْدَمِ دَاشْتَمِ، وَاَدْلُخُوَاَه

خود را بر فرمان تو ترجیح دادم، و فیه نفسی بسخطک وقد نهیتنی عنه بنهیک، وتقدمت إلیّ فیه نفس خود را با خشم تو خشنود ساختم، در صورتی که تو با منع کردنت مرا از آن بازداشتی، و یا عذارک، واحتججت علیّ فیه بوعدک. اللهم إنی استغفرک راه عذر تراشی را بر من بستی، و با تهدید خود بر من اقامه حجّت و دلیل کردی. خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم لکلّ ذنبٍ علمته من نفسی، أو ذهلته، أو نسیته، أو تعمّدته، برای هر گناهی از خود که دانسته انجام دادم یا از یاد برده یا فراموش کردم یا به عمد او اخطأته، ممّا لا أشکُّ أنّک سألنی عنه، وأنّ نفسی مرتنهّه یا به خطا انجام دادم، از آنچه تردید نداشتم که مرا به خاطر آن ها بازخواست می کنی، و جان من در گرویه لمدیک، وإنّ کنت قد نسیته، أو غفلت نفسی عنه. اللهم آن است، اگرچه فراموشش کردم، یا نفسم از آن غافل شد. خدایا؛ إنی استغفرک لکلّ ذنبٍ واجهتک به، وقد أیقنت أنّک ترانی، از تو آمرزش می خواهم از هر گناهی که رو در روی تو انجام دادم با این که یقین داشتم تو به خوبی مرا می بینی، وأغفلت أنّ أتوب إلیک منه، أو نسیت أنّ أتوب إلیک منه، أو ولی غفلت کردم که از آن به درگاهت توبه کنم یا فراموش کردم توبه کنم یا نسیت أنّ استغفرک له. اللهم إنی استغفرک لکلّ ذنبٍ دخلت فراموش کردم از تو آمرزش بخوام. خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم از هر گناهی که بدان دست زدم فیه، وأحسینت ظنی بک أنّ لا تعدّنی علیه، وأنّک تکفینی منه. و به تو خوش گمان بودم که مرا بدان عذاب نخواهی کرد و مرا از آن کفایت خواهی نمود. اللهم إنی استغفرک لکلّ

ذَنْبٍ نِ اسْتَوْجِبْتُ بِهِ مِنْكَ رَدَّ الدُّعَاءِ، خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم از هر گناهی که برای انجام آن سزاوار بود که دعایم را بازگردانی، وَحِزْمَانَ الْجَابِیهِ، وَخَبِیْهَ الطَّمَعِ، وَانْفِسَاخَ الرَّجَاءِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ وَ از اجابت محروم کنی، و طمعم را قطع کرده نومیدم گردانی. خدایا؛ اَسْتَغْفِرُكَ لِکُلِّ ذَنْبٍ یُعَقَّبُ الْحَسِرَةَ، وَیُورِثُ النَّدَامَةَ، وَیَحِیْسُ از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که افسوس در پی دارد و پشیمانی به بار آورد، الرَّزْقَ، وَیَزِدُّ الدُّعَاءَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَغْفِرُكَ لِکُلِّ ذَنْبٍ یُورِثُ وَ رِزْقَ وَ رُوزِیْ را حبس کند و دعا را بازگرداند. خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم از هر گناهی که اَلْاَسْقَامَ، وَیُعَقَّبُ الضَّنَاءَ، وَیُوجِبُ النَّقْمَ، وَیَكُوْنُ اِخْرَهُ حَسِرَةً هَبِیْمَارِیْ ها به بار آورد، و ناخوشی های سخت در پی دارد، و عذاب و شکنجه را سبب گردد، و پایان آن نیز افسوس وَنَدَامَةً. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَغْفِرُكَ لِکُلِّ ذَنْبٍ مَدَحْتَهُ بِلِسَانِیْ، اَوْ و پشیمانی باشد. خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که با زبانم آن را ستودم، یا هَشَّتْ اِلَیْهِ نَفْسِیْ اَوْ اَكْتَسَبْتُهُ بِیَدِیْ وَهُوَ عِنْدَكَ قَبِيْحٌ تُعاقِبُ نَفْسُ مِنْ بَدَانِ اَرَامِشْ گرفت یا به دست خود آن را کسب کردم، در صورتی که آن کار نزد تو زشت بود که عَلٰی مِثْلِهِ، وَتَمَقَّتْ مَنْ عَمَلَهُ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَغْفِرُكَ لِکُلِّ ذَنْبٍ به امثال آن عقوبت می کردی و از انجام آن خشم می کردی. خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که خَلُوْتُ بِهِ فِی لَیْلِ اَوْ نَهَارٍ، حَيْثُ لَا یُرَانِیْ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، فَمِلْتُ در شب یا روز برای انجام آن به جای خلوتی رفتم که کسی از خلق تو مرا نبیند و به جای آن که فِیْهِ مِنْ تَرْکِهِ بِخَوْفِكَ اِلٰی اِزْتِکَابِهِ بِحُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، فَسَوَّلْتُ از ترس تو آن را ترک کنم به علت خوش گمانی به

تو بدان میل کردم ولی نفسی الِإِقْدَامَ عَلَيْهِ فَوَاقَعْتُهُ، وَأَنَا عَارِفٌ بِمَعْصِيَتِي لَكَ فِيهِ. نفس من نیز آن را برایم آراست تا اینکه بدان دست زدم و انجام دادم با این که به خوبی می دانستم که نافرمانی تو را انجام می دهم. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْـَٔتِغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ نِ اَسْـَٔتَقَلَّلْتُهُ، اَوْ اَسْتَصِيْعَزْتُهُ، اَوْ خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که اندک به حساب آوردم یا کوچک شمردم، یا اَسْـَٔتَعْظَمْتُهُ وَتَوَرَّطْتُ فِيْهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْـَٔتِغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَا لَأْتُ بزرگش دانستم و با این حال گرفتار آن شدم. خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم از هر گناهی که همراه یکی از آفریدگانت به آن فيه على اَحَدٍ مِنْ بَرِيَّتِكَ، اَوْ زَيْنْتَهُ لِنَفْسِيْ، اَوْ اَوْمَاتٍ بِهِ اِلَى مِيلِ كَرْدَمٍ يَا اَنْ رَا بَرَاى خُود اَرَا سْتَم يَا بَه دِيْگَرى اِشَارَه غَيْرى، وَدَلَلْتُ عَلَيْهِ سِوَاى، اَوْ اَصِيْرَرْتُ عَلَيْهِ بَعْمَدى، اَوْ كَرْدَمٍ وَ دِيْگَرى رَا بَدَان رَا هِنْمَايى كَرْدَم يَا اَز رُوى عَمَد بَدَان اَصْرَار وَرَزِيْدَم، يَا اَقَمْتُ عَلَيْهِ بِحِيَلْتى. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْـَٔتِغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ نِ اَسْـَٔتَعَنْتُ بَا نِيْرِنِكِ خُود بَدَان اَقْدَام كَرْدَم. خدایا؛ از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که عَلَيْهِ بِحِيَلْتى بِشَىْءٍ مِّمَّا يُرَادُ بِهِ وَجْهَكَ، اَوْ يُسَيِّطَهْرُ بِمِثْلِهِ بَا نِيْرِنِكِ خُود بَرَاى اِنْجَام اَنْ اَز چيزى كَمَك كَرْتَم كَه بَرَاى نَزْدِيْكى وَ تَقَرَّبُ تُو بَه كَار رُود، يَا اَز اِمْتَال اَنْ عَلَى طَاعَتِكَ، اَوْ يَتَقَرَّبُ بِمِثْلِهِ اِلَيْكَ، وَوَارِيْتُ عَنِ النَّاسِ دَر رَا ه فَرْمَانْبَرْدَارى تُو كَمَك كِيْرِنْد، يَا بَه مَانْد اَنْ بَه دَر گَاه تُو تَقَرَّبُ جُويْنْد، ولى من آن را برای مردم وارونه جلوه دادم وَكَبَسْتُ فِيْهِ، كَأَنِّيْ اُرِيْدُكَ بِحِيَلْتى، وَالمُرَادُ بِهِ مَعْصِيَتِكَ، وَاطْوِيُو بِرْخِلَافِ اَنْچَه بُوْد نِشَان دَادَم، چنانچه گویا با این نیرنگم تو را می خواهم در صورتی که هدف من نافرمانی تو بود، وفيه مُتَصَرِّفٌ عَلَى غَيْرِ

طَاعَتِكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مِّنْ دَرِ اَنْ، خودخواهی نموده و آن را به غیر طاعت تو انجام دادم. خدایا؛ از تو
آمزش می خواهم برای هر گناهی که در پرونده ام کتبتۀ عَلَیَّ بِسَبَبِ عَجَبٍ کَانَ بِنَفْسِی، اَوْ رِیَاءٍ اَوْ سِیْمَعِهِ اَوْ خِیْلًا یَادِدَا
کرده ای به خاطر خودبینی من یا ریاکاری یا شهرت طلبی یا خودپسندی اَوْ فَرَحٍ اَوْ مَرَحٍ اَوْ اَشْرٍ اَوْ بَطْرِ اَوْ حَقْمٍ اَوْ حَمِیَّةٍ اَوْ
غَضَبٍ اَوْ یَا خُوشحالی یا شادمانی یا خودکامگی یا سرمستی یا کینه جویی یا تعصب یا خشم یَارِضِی اَوْ شَحِّ اَوْ بُخْلِ اَوْ ظَلَمٍ اَوْ
خِیَانِهِ اَوْ سِرْقَةٍ اَوْ کَذِبٍ اَوْ خُسْنُودِی یا بُخْلِ یا خِسْتِ یا ستم یا خیانت یا دزدی یا دروغ یَالْهَوِّ اَوْ لَعِبٍ، اَوْ نَوْعٍ مِّنْ اَنْوَاعٍ مَا
یُکْتَسَبُ بِمِثْلِهِ الذُّنُوبُ سرگرمی یا بازیگری یا نوع دیگری از انواع کارها یا امثال آن ها که گناه زاست وَ یَكُوْنُ بِاِجْتِرَاحِهِ
اَلْعَطْبُ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَتَغْفِرُكَ لِکُلِّ ذَنْبٍ سَبَقَ و انجام آن ها نابودی به بار آرد. خدایا؛ از تو آمزش می خواهم برای هر گناهی
که فی عِلْمِکَ اَنْتَی فَاعِلُهُ فَدَخَلْتُ فِیْهِ بِشَهْوَتِی، وَاجْتَرَحْتُهُ یَارَادَتِی، در علم تو گذشته است که من آن را انجام می دهم پس آن
را با خواسته دل و اراده خود انجام دادم، وَقَارَفْتُهُ بِمَحَبَّتِی وَ لَذَّتِی وَ مَشِیَّتِی، وَ شِئْتُهُ اِذْ شِئْتَ اَنْ اَشَاءَهُ، و با علاقه و لذت و خواسته
خود بدان دست زدم و خواستم هنگامی که تو خواستی که بخوایم وَ اَرَدْتُهُ اِذْ اَرَدْتَ اَنْ اُرِیْدَهُ، فَعَمِلْتُهُ اِذْ کَانَ فِی قَدِیْمٍ
تَقْدِیْرِکَ و اراده کردم هنگامی که تو اراده فرمودی که آن را اراده نمایم پس آن را انجام دادم، چون در تقدیر دیرینه ات
وَ نَافِذِ عِلْمِکَ اَنْتَی فَاعِلُهُ، لَمْ تُدْخِلْنِی فِیْهِ جَبْرًا، وَلَمْ تَحْمِلْنِی و علم نافذت آمده بود که من آن را

انجام می‌دهم و به اجبار مرا بدان وارد نکردی، و به صورت قهر و علیه قهراً، و لَمْ تَظْلِمْنِي فِيهِ شَيْئاً، فَاسْتَغْفِرُكَ لَهُ وَلِكُلِّ ذَنْبٍ بدون اختیار بر من تحمیل نمودی، و هیچ گونه ستمی در این باره بر من روا نداشتی، و اینک من به خاطر آن گناه از تو آمرزش می‌خواهم و همچنین جری به عِلْمِيكَ عَلَيَّ وَفِيَّ إِلَىٰ آخِرِ عُمُرِي. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ بِرَايِ كُلِّ غَنَآهٍ كِهْ عِلْمُ تُو دَر مُورِد مَن بَر اَن جَارِي شُدِه تَا پَايَانِ عُمَرُ مَن. خُدَايَا؛ اَز تُو اَمْرَزَش مِي خُوَاہَم لِكُلِّ ذَنْبٍ مَا لَ بَسَّ خَطِي فِيهِ عَن رِضَاكَ، وَمَا لَتْ نَفْسِي اِلَىٰ بِرَايِ كُلِّ غَنَآهٍ كِهْ خَشَم مَن سَبَبُ شُد تَا اَز خَشَنُوْدِي تُو رُوِي بَكْرَدَانَم دَر صُوْرَتِي كِهْ نَفْس مَن مَتَمَايِل رِضَاكَ فَسَيَّ خَطِيَّتُهُ، اَوْ رَهِيْتُ فِيهِ سَوَاكَ، اَوْ عَادَيْتُ فِيهِ اَوْلِيَاءَكَ، بِهْ خَشَنُوْدِي تُو بُوْد وِلِي مَن خَشَم كَرْدَم، يَا اَز دِيْگَرِي جَز تُو هِرَاس كَرْدَم، يَا بَا اَوْلِيَايِ تُو دَشْمَنِي كَرْدَم، اَوْ وَالَيْتُ فِيهِ اَعْدَاءَكَ، اَوْ اخْتَرْتُهُمْ عَلَيَّ اَصْفِيَاءَكَ، اَوْ خَذَلْتُ يَا بَا دَشْمَنَانَتِ دُوَسْتِي نَمُوْدَم يَا اَنَانِ رَا بَر اَنَسَانِ هَايِ بَر كَزِيْدِه اَتِ پِيَش اِنْدَاخْتَم، يَافِيهِ اَحْبَاءَكَ، اَوْ قَصَرْتُ فِيهِ عَن رِضَاكَ يَا خَيْرِ الْغَافِرِيْنَ. اَللّٰهُمَّ دُوَسْتَانَتِ رَا دَر بَارِه اَن گَنَاهِ خُوَار كَرْدَم، يَا اَز جَلْبِ خَشَنُوْدِي تُو كُوْتَاهِي نَمُوْدَم اِي بَهْتَرِيْنَ اَمْرَزَنْدَاگَان. خُدَايَا؛ اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ اِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ. وَاسْتَغْفِرُكَ اَز تُو اَمْرَزَش مِي خُوَاہَم بِرَايِ كُلِّ غَنَآهٍ كِهْ اَز اَن گَنَاهِ بِهْ دَر گَاہَتِ تُو بِهْ كَرْدَم، اَمَّا دُو بَارِه تُو بِهْ شَكْسْتَم، وَ اَز تُو اَمْرَزَش مِي خُوَاہَم لِمَا اَعْطَيْتَكَ مِنْ نَفْسِي ثُمَّ لَمْ اَفِ بِه. وَاسْتَغْفِرُكَ لِلنَّعْمَةِ الَّتِي بِرَايِ كُلِّ كَارِي كِهْ دَر اِنْجَامِ اَن بَا تُو عَهْدِ بَسْتَم وَ بَدَانِ وِفَا نَكْرَدَم. وَ اَز تُو اَمْرَزَش مِي خُوَاہَم بِرَايِ نَعْمَتِي كِهْ اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ

فَقَوِيْتُ بِهَا عَلَى مَعْصِيَتِكَ. وَأَسْأَلُكَ تَغْفِيرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ بِهِ مِنْ دَادِي وَلِي مِنْ بَا أَنْ نَعْمَتْ بِهِ نَافِرْمَانِي نِيرو گرفتَم. و از تو آمرزش می خواهم برای هر کار نیکی که آرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِي مَا لَيْسَ لَكَ. وَأَسْأَلُكَ تَغْفِيرُكَ لَمَّا دَعَانِي فِي آغَاذِ رِضَايِ تُو رَا فِي اِنْجَامِ آن در نظر داشتَم، ولی آنچه برای تو نبود با آن آمیخته شد. و از تو آمرزش می خواهم برای آنچه إِلَيْهِ الرُّخْصُ فِيمَا اشْتَبَهَ عَلَيَّ مِمَّا هُوَ عِنْدَكَ حَرَامٌ. وَأَسْأَلُكَ تَغْفِيرُكَ اِنْجَامِ آن به صورت اشتباه در نظر من آزاد بود در صورتی که در نزد تو حرام و غدقن بوده. و از تو آمرزش می خواهم لِلذُّنُوبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا غَيْرُكَ، وَلَا يَطَّلِعُ عَلَيْهَا سِوَاكَ، وَلَا تَحْتَمِلُهَا لِأَيِّ گناهانی که جز تو کسی از آن آگاهی و اطلاعی ندارد، وَإِلَّا حِلِّكَ، وَلَا يَسِيْرُ بِهَا إِلَّا عَفْوُكَ. وَأَسْأَلُكَ تَغْفِيرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ جِزِ حِلْمٍ وَ بَرْدْبَارِي ات چیزی دیگری تحمل آن نتواند، و جز عفو و گذشتت چیزی آن را فرانگیرد. و از تو آمرزش می خواهم و توبه می کنم مَظَالِمَ كَثِيرَةٍ لِعِبَادِكَ قَبْلِي يَا رَبِّ، فَلَمْ أَسِيْرُ رَدِّهَا عَلَيْهِمْ مِنْ حَقُوقِ بَسِيَارِي كَمَا مِنْ بِنْدِ گانت بر عهده من مقرر گشته پروردگارا؛ و من توان بازگرداندن آن ها و تَحْلِيلِهَا مِنْهُمْ، أَوْ شَهْدُوا فَاسِيْرُ تَحْيِيَّتِ مِنْ اِسِيْرِ تَحْلِيلِهِمْ وَالطَّلَبِ وَ قَدْرَتِ دَرْخَوَاسَتِ گزشت آنان را از این حقوق ندارم، یا اینکه حضور داشته اند ولی من از درخواستِ گزشت آنان إِلَيْهِمْ وَإِعْلَامِهِمْ ذَلِيْلِكَ، وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ تَسْتَوْهِنِي مِنْهُمْ، و آگاه کردنشان از این حقوقی که به گردن من دارند شرم کرده ام، و تو این قدرت را داری که گزشت آنان را از من فراهم کنی، وَتُرْضِيَهُمْ عَنِّي كَيْفَ شِئْتِ وَبِمَا شِئْتِ، يَا أَرْحَمَ الرَّحِمِينَ، وَأَحْكَمَ و از من خشنودشان سازی به هر گونه و به هر چه که بخواهی،

ای مهربان ترین مهربانان، و حاکم ترین الحاکمین، و خیر الغافرین. اَللّٰهُمَّ اِنَّ اَسْئِرَتَغْفَارِيْ اِيَّاكَ مَعَ الْاِصْرَارِ حَاكِمَانَ، و بهترین آمرزندگان. خدایا؛ آمرزش خواهی من از درگاهت با اصرار و پافشاری ام لُوْمٌ، وَ تَزَكِي الْاِسْمَةِ تَغْفَارًا مَعَ مَعْرِفَتِيْ بِسَيِّئِهِ جُوْدِكَ وَ رَحْمَتِكَ بر گناه از پستی و فرومایگی است، و آمرزش نخواستم و ترک آن نیز با شناختی که از وسعت بخشندگی و مهر تو دارم عَجْزٌ، فَكَمْ تَتَحَبَّبُ اِلَيَّ يَا رَبُّ وَاَنْتَ الْغَنِيُّ عَنِّي، وَ كَمْ اَتَبَغَّضُ عِجْزًا وَ دَرْمَانَدَ كِي اَسْت. ای پروردگار من؛ چه بسیار به من محبت و رزیدی با این که تو از من بی نیاز بودی، و چه بسیار تو را به اِيْلِكَ وَاَنَا الْفَقِيْرُ اِلَيْكَ وَاِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ وَعَدَ فَوْفًا، وَاَوْعَدَ خَشْمًا اَوْرَدَمًا با این که به تو و به رحمت و مهرت نیازمند بودم. پس ای خدایی که وعده کردی و به وعده ات وفا نمودی، و تهدید فَعَفَا، اِغْفِرْ لِيْ خَطَايَايَ، وَاَعْفُ وَاَرْحَمْ وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِيْنَ. (۸۶) کردی، ولی از انجام آن درگذشتی، خطاهای مرا بیامرز و از من بگذر و به من رحم کن که تو بهترین رحم کنندگانی.

نود و نه اسم خداوند

احمد بن فهد حلّی رحمه الله در کتاب «عده الدّاعی» از حضرت امام رضا علیه السلام و آن حضرت از پدرش، از پدرانش علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

اِنَّ لِّلّٰهِ تِسْعَةً وَ تِسْعِيْنَ اسْمًا، مِنْ دَعَا بِهَا اسْتَجِيْبَ لَهٗ، وَ مِنْ اَحْصَاها دَخَلَ الْجَنَّةَ.

برای خداوند، نود و نه اسم است؛ هر کس خدا را با آن ها بخواند دعایش مستجاب گردد، و هر کس آن ها را گرد آورد داخل بهشت شود:

اَللّٰهُ الْوَاحِدُ الْاَحَدُ الصَّمِيْدُ الْاَوَّلُ الْاٰخِرُ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ الْقَدِيْرُ الْعَلِيّ الْاَعْلَى الْبَاقِي الْبَدِيْعُ الْبَارِي الْاَكْرَمُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْحَيُّ الْحَكِيْمُ الْعَلِيْمُ الْحَلِيْمُ الْحَفِيْظُ الْحَقُّ الْحَسِيْبُ الْحَمِيْدُ الْحَفِيّ الرَّبُّ الرَّحْمَنُ الرَّحِيْمُ الدَّارِي الرَّازِقُ الرَّقِيْبُ الرَّؤُوْفُ الرَّائِي السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ

الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ السَّيِّدُ الشُّبُوحِ الشَّهِيدُ الصَّادِقُ الطَّاهِرُ الْعَيْدَلُ الْعَفُوفُ الْعَفُورُ الْعَيْتِيُّ الْغِيَاثُ الْبَاسِطُ الْقَاضِي الْمَجِيدُ الْوَلِيُّ
الْمَنَّانُ الْمُحِيطُ الْمُسِينُ الْمُقَيَّبُ الْمُصَوِّرُ الْكَرِيمُ الْكَبِيرُ الْكَافِي كَاشِفُ الضَّرِّ الْوَاتِرُ النُّورُ الْوَهَّابُ النَّاصِرُ الْوَاسِعُ الْوَدُودُ الْهَادِي الْوَفِيُّ
الْوَكِيلُ الْوَارِثُ الْبُرُّ الْبَاعِثُ التُّوَابُ الْجَلِيلُ الْجَوَادُ الْخَبِيرُ الْخَالِقُ خَيْرُ النَّاصِرِينَ الدَّيَّانُ الشَّكُورُ الْعَظِيمُ اللَّطِيفُ الشَّافِي. (۸۷)

خداوند یگانه، یکتا، بی نیاز، اول بدون ابتدا، آخر بدون انتها، شنوا، بینا، قدرتمند، توانا، بلندمرتبه، برتر، جاوید، پدیدآورنده، آفریننده، گرامی، پیدای، پنهان، زنده، حکیم، دانا، بردبار، نگهدارنده، حق، حسابگر، ستوده، نوازشگر، پروردگار، بخشنده، مهربان، آفریدگار، روزی دهنده، مراقب، مهرورز، بیننده، سلامت بخش، ایمنی دهنده، نگهبان، شکست ناپذیر، باجبروت و قدرت، دارنده کبریائی و بزرگی، سرور، منزّه، گواه، راستگو، سازنده، پاک، دادگر، بسیار عفوکننده، آمرزنده، توانگر، فریادرس، گستراننده، داور، باشکوه، سرپرست، نعمت دهنده، احاطه دارنده، آشکار، توانا به روزی دادن، صورت آفرین، بزرگوار، بزرگ، کفایت کننده، برطرف کننده سختی، یگانه، روشنی بخش، بسیار بخشنده، یاری دهنده، گسترش دهنده، دوست دارنده، هدایتگر، وفاکننده، پشتیبان، ارث برنده، نیکی کننده، برانگیزنده، توبه پذیر، باجلالت و شوکت، صاحب جود و بخشش، آگاه، به وجود آورنده، بهترین یاور، پاداش دهنده، قدردان، باعظمت، بسیار لطف کننده، شفادهنده.

دعای مهم برای طلب خیر

سید بن طاووس رحمه الله از محمد بن هارون تلعبیری نقل کرده است و او به سند خود از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت نموده است که فرمود:

از پدرم موسی بن جعفر علیهما السلام شنیدم و آن حضرت از پدرش امام صادق علیه السلام شنیده اند که فرمود: هر کس این دعا را بخواند، جز آنچه دوست می دارد در سرانجام کارش نمی بیند، و دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنَّ خَيْرَ تَكِّ تَيْلُ الرِّغَائِبِ، وَتُجْزَلُ الْمُوَاهِبِ، وَتُطَيَّبُ خَدَاوَنَدَا؛ بَدُونَ تَرْدِيدِ اخْتِيَارِ تُو خَوَاسْتِه هَا رَا عَطَا مِي كُنْد، وَ
بَخْشِش هَا رَا فَرَاوَان، وَ كَسْب وَ كَار رَا الْمَكَاسِبِ، وَتُغْنِمُ الْمُطَالِبِ، وَتُهَيِّدِي إِلَي أَحْمَدِ الْعَوَاقِبِ، وَتَقِي پَاك وَ گَوَارَا مِي نَمَائِد،
مَقْصِدَهَا وَ مَقْصُودَهَا رَا بَهْرَه مِي دَهْد، وَ بَسُوِي عَاقِبَتِ وَ سِرَانَجَامِي سْتُودَه رَاهِنَمَائِي مِي كُنْد، وَ مِنْ مَحْذُورِ

النَّوَّائِبِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْتَخِيْرُكَ فِيمَا عَقَدَ عَلَيْهِ رَاۤىِٕى، از حوادث و بلاهاى ناگوار حفظ مى كند. خداوندا؛ همانا من خیر و خوبی می جویم از تو در آنچه رأى و نظر من بر آن منعقد گشته، وَقَادَنِىْ اِلَيْهِ هَوَاۤى، فَاسْأَلُكَ يَا رَبَّ اَنْ تُسَيِّهَلَ لى مِنْ ذَلِكْ مَاو خواهشم مرا بسوى آن می كشاند، پروردگارا؛ از تو می خواهم دشوارى هاى آن راتَعَسَّرَ، وَاَنْ تُعَجِّلَ مِنْ ذَلِكْ مَا تَيَسَّرَ، وَاَنْ تُعْطِيَنِى يَا رَبَّ الظَّفَرَ آسان گردانى، و نسبت به آنچه آسان و راحت است شتاب نمائى، و پیروزی و کامیابی به من عطا کنی - ای پروردگار من - فِيمَا اَسْتَخِيْرُكَ فِىهِ، وَعَوْنًا بِالْاِنْعَامِ فِيمَا دَعَوْتُكَ، وَاَنْ تُعَجِّلَ در آنچه در مورد آن با تو استخاره کرده ام، و كمك کنی مرا به وسیله نعمت دادن در آنچه تو را خوانده ام، ویا رَبَّ بُعْدُهُ قُرْبًا، وَخَوْفُهُ اَمْنًا، وَمَحْذُورُهُ سَلْمًا، فَاِنَّكَ تَعْلَمُ دور آن را ای پروردگار من نزدیک، و بیم و هراس آن را ایمن گردانى، و آنچه درباره آن ترسیده می شود بی دغدغه قرار دهی، زیرا که تو می دانى وَلَا اَعْلَمُ، وَتَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ، وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. اَللّٰهُمَّ اِنْ و من نمی دانم، و تو می توانى و من نمی توانم، و تو به پنهانى ها آگاهى. خداوندا؛ اِگر يَكُنْ هَذَا الْاَمْرُ خَيْرًا لى فِى عَاجِلِ الدُّنْيَا وَ[اَجَلِ] الْاٰخِرَةِ، این کار برای من در این دنیای زودگذر و در آخرتى که در پیش دارم خیر است فَسَيَّهْلُهُ لى وَيَسَّرُهُ عَلَيَّ، وَاِنْ لَمْ يَكُنْ فَاصْبِرْهُ عَنى، وَاَقْدِرْ اَنْ رَاى مِنْ مُمْكِنٍ و آسان قرار بده، و اگر خیر من در آن نیست از من بازگردان، ولى فِىهِ الْخَيْرَةُ، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. (۸۸) در آن خیر مرا مقدر فرما که تو بر هر چیز توانائى، ای

دعای مهم برای رفع ترس و غم... (۸۹)

سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «جمال الأسبوع» گوید: هر کس از ناحیه سلطان یا دشمن حسودی دچار اندوه و غم باشد، روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیرد، شام روز جمعه - یعنی شب شنبه - دعا کند و در دعایش بگوید:

أَيُّ رَبَّاهُ أَيُّ سَيِّدَاهُ، أَيُّ سَنَدَاهُ أَيُّ أَمَلَاهُ، أَيُّ رَجَائَاهُ أَيُّ أَيُّ پروردگار من؛ ای سرور من؛ ای پشوتوانه من؛ ای آرزوی من؛ ای امید من؛ ای عماداه، أَيُّ كَهْفَاهُ أَيُّ حِصْنَاهُ، أَيُّ حِرْزَاهُ أَيُّ فَخْرَاهُ، بِكَ أَمْنْتُ، تَكِيه گاه من؛ ای پناه من؛ ای پناهگاه من؛ ای امان من؛ ای مایه افتخار من؛ به تو ایمان آوردم، وَلَمَّكَ أَسَلَمْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَلِبَابِكَ قَرَعْتُ، وَبِفَنَائِكَ نَزَلْتُ، وَخود را تسلیم تو نمودم، و بر تو توکل کردم، و درب خانه ات را کوبیدم، و به آستانه ات فرود آمدم، وَبِحَيْلِكَ اعْتَصِمْتُ، وَبِكَ اسْتَعْتَمْتُ، وَبِكَ أَعُوذُ، وَبِكَ الْوَدُودُ، وَبِهِ رِيسْمَانُ تُو چنگ زدَم، وَبِهِ تُو اسْتِغَاثَةُ نَمُودَم، وَبِهِ تُو پِنَاهُ مِي بَرَم، وَبِهِ تُو پِنَاهِنْدَه مِي شُوم، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَإِلَيْكَ الْخِيَا وَأَعْتَصِمُ، وَبِكَ أَسْتَجِيرُ فِي جَمِيعٍ وَبِر تُو تُو كَلِّ مِي كَنَم، وَخود را به تُو مِي سِپَارَم، وَبِهِ دَامِنُ تُو چَنگ مِي زَنَم، وَبِهِ تُو اَمَانُ مِي طَلِبَمُ دَر تَمَامِ أُمُورِي، وَأَنْتَ غِيَاثِي وَعِمَادِي، وَأَنْتَ عَضِيْمَتِي وَرَجَائِي، كَارِهَائِمُ، وَتُو فَرِيَادِرْسُ مَن وَتَكِيه گاه مَنِي، وَتُو نَگَهْدَارُ مَن وَ اَمِيْدُ مَنِي، وَأَنْتَ اللَّهُ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا، وَتُو خَدَاوَنْدُ پَرُورْدِگَارُ مَن هَسْتِي، خَدَائِي جَز تُو نِيَسْت. پَاك وَ مَنزَهِي وَ بَه سَتَائِشِ تُو مَشْغُولَم، بَد كَرْدَه اَم وَظَلَمْتُ نَفْسِي، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَبِهِ خُود سَتَمُ نَمُودَه اَم، پَس بَر مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ دَرُودُ فَرَسْت، مَرَا بِيَا مَرَزُ وَ

بر من رحم کن و خذ بیدی، وَأَنْقِذْنِي وَوَقِّنِي، وَآكْفِنِي وَآكْلَانِي، وَارْزُقْنِي فِي وَدَسْتَم رَا بَكِير، و مرا نجات بده و توفیقم مرحمت کن، و مرا کفایت کن، و حفظم کن، و نگاهبان من باش در لیلی وَنَهَارِي، وَإِمْسَائِي وَإِضْرِبَاحِي، وَمُقَامِي وَسَفَرِي. یاشب و روزم و شامگاهم و بامدادام و هنگام اقامتم و (وقتی) در سفرم. ای أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، وَيَا أَعْدَلَ الْفَاضِلِينَ، بخشنده ترین بخشندگان؛ و ای بزرگوارترین بزرگواران؛ و ای عادل ترین نیکی کنندگان؛ وَيَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَيَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ، وَيَا أَرْحَمَ وَ ای معبود پیشینان و آیندگان؛ و ای اختیاردار روز جزا؛ و ای مهربانترین الرَّاحِمِينَ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا حَيًّا لَا يَمُوتُ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا الْمَهْرَبَانَانُ؛ ای زنده؛ ای پایدار؛ ای زنده ای که نمی میرد؛ ای زنده که خدائی جز توأنتَ، بِمُحَمَّدٍ يَا اللَّهُ، بِعَلِيِّ يَا اللَّهُ، بِفَاطِمَةَ يَا اللَّهُ، بِأَلْحَسَنِ نِيَسْتِ؛ قسم به (حضرت) مُحَمَّدِ ای خدا؛ قسم به (حضرت) عَلِيّ ای خدا؛ قسم به (حضرت) فَاطِمَةَ ای خدا؛ قسم به امام حَسَنِ يَا اللَّهُ، بِأَلْحُسَيْنِ يَا اللَّهُ، بِعَلِيِّ يَا اللَّهُ، بِمُحَمَّدٍ يَا اللَّهُ.

ای خدا؛ قسم به امام حسین ای خدا؛ قسم به امام سجاد ای خدا؛ قسم به امام باقر ای خدا.

حسن بن محبوب گوید: این دعا را به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام عرضه داشتم، و ایشان مقداری به آن افزود که چنین است:

بِجَعْفَرٍ يَا اللَّهُ، بِمُوسَى يَا اللَّهُ، بِعَلِيِّ يَا اللَّهُ، بِمُحَمَّدٍ يَا اللَّهُ، بِعَلِيِّ قَسَمَ بِه امام صادق ای خدا؛ قسم به امام کاظم ای خدا؛ قسم به امام رضا ای خدا؛ قسم به امام جواد ای خدا؛ قسم به امام هادی يَا اللَّهُ، بِأَلْحَسَنِ يَا اللَّهُ، بِحُجَّتِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ يَا اللَّهُ، ای خدا؛ قسم به

امام عسکری ای خدا؛ قسم به حجّت و جانشینت در شهرهایت ای خدا؛ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَخُذْ بِنَاصِيَةِ مَنْ أَخَافُهُ - و او را به بر محمد و آل محمد درود فرست، و زمام کسی را که از او می ترسم بگیر

اسم نام ببر - وَذَلَّلْ لِي صَيْعَبُهُ، وَسَيِّئَهُ لِي قِيَادَهُ، وَرُدِّ عَنِّي نَافِرَةَ وَتَنَدٍ وَسِرْكَشَ بُوَدْنَشَ رَا بَرَايِمَ كَرْدَنَشَ رَا بَرَايِمَ آسَانِ كُنْ، وَتَنْفِرْ قَلْبِي أَوْ رَا از من قَلْبِهِ، وَأَرْزُقْنِي خَيْرَهُ، وَأَصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ. فَإِنِّي بِكَ اللَّهُمَّ بِرَطْفِ كُنْ، وَخَيْرِ أَوْ رَا رُوْزِي مِنْ فَرْمَا، وَشَرِّ وَبَدِي أَوْ رَا از من بازگردان، که من خداوند اَعُوذُ وَالْوُدُّ، وَبِكَ أَثِقُ، وَعَلَيْكَ أَعْتَمِدُ وَأَتَوَكَّلُ، فَصَلِّ عَلَيهِ تُو پناه آورده و پناهنده گشته ام، و به تو اطمینان دارم، و بر تو تکیه نموده و توکل کرده ام، پس بِرُمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَصْرِفْهُ عَنِّي، فَإِنَّكَ غِيَاثُ الْمُسْتَجِيرِينَ، مُحَمَّدٌ د و آل محمد درود فرست، و او را از من بازگردان، که تو فریادرس دادخواهان، وَجَارُ الْمُسْتَجِيرِينَ، وَلَجَأُ الْمَلَّاجِينَ، وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (۹۰)

و امان امان خواهان، و پناه پناهنده شدگان، و مهربانترین مهربانان هستی.

بخش بیستم

هشت دعای متفرقه

در این بخش، هشت دعای متفرقه نقل می کنیم:

۱۰۱

دعا هنگام رؤیت هلال

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از دارم بن قبیصه روایت کرده است که گفت: حضرت امام رضا علیه السلام از پدرش، از پدرانش علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل فرمود که:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هنگام دیدن ماه نو آن را مخاطب قرار می داد و می فرمود:

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ، الْمَتَّصِرُ فِي مَلَكُوتِ آيِ آفَرِيْدَه فَرْمَانِبِرِ پِيُوسْتَه دَر حَرَكْت سَرِيْع، (و ای) گَرْدَش كُنْنَدَه دَر مَلَكُوتِ الْحَجَبِ بَرُوْتِ بِالتَّقْدِيرِ، رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ. اللَّهُمَّ أَهْلِمْنَا بِالْأَمْنِ جَبْرُوتِ بَا اَنْدَازَه گِيْرِي هَاي مَعِيْن، پَرُورْد گَار مَن وَ پَرُورْد گَار تُو خُدا اَسْت. خُداوَنْدَا؛ اَنْ رَا بَا اَمْنِ وَالْإِيْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالسَّلَامِ وَالْإِحْسَانِ، وَكَمَا بَلَّغْتَنَا أَوْلَاهُ وَ إِيْمَانِ وَ سَلَامَتِ وَ اَحْسَانِ بَر مَانُو گَرْدَان، وَ هَمَانِ گُونَه كَه مَارَا بَه اَبْتَدَايِ اَنْ رَسَانْدِي بَلَّغْتَنَا اِخْرَهُ، وَاجْعَلْهُ شَهْرًا مُبَارَكًا، تَمُحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ، وَتَثْبُتْ بَه اِخْرِ اَنْ بَرَسَان، وَ اَنْ رَا مَاه مَبَارَكِي بَرَايِ مَاقَرَار بَدَه كَه گَنَاهَانِمَان رَا دَر اَنْ نَپَدِيْد وَ لَنَا فِيهِ الْحَسَنَاتِ، وَتَرْفَعْ لَنَا فِيهِ الدَّرَجَاتِ، يَا عَظِيمَ الْخَيْرَاتِ. (۹۱) حَسَنَاتِ وَ كَارِهَايِ نِيكُو رَا بَرَايِ مَادَر اَنْ ثَبْت فَرْمَائِي، وَ دَرَجَاتِ مَارَا دَر اَنْ بَالَا بِيْرِي، اِي (صاحب) خُوبِي هَاي فَرَاوَان.

دعا در روز دهم و یازدهم هر ماه

سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الظُّلْمَةِ، سُبْحَانَ خَالِقِ المِيَاهِ، پاک و منزّه است آفریننده روشنائی، پاک و منزّه است آفریننده تاریکی، پاک و منزّه است آفریننده آب ها، سُبْحَانَ خَالِقِ السَّمَاوَاتِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الأَرْضِينَ، سُبْحَانَ پاک و منزّه است آفریننده آسمان ها، پاک و منزّه است آفریننده زمین ها، پاک و منزّه است جخالِقِ الرِّياحِ وَالنَّبَاتِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الحَيَاةِ وَالمَوْتِ، سُبْحَانَ آفریننده بادها و گیاهان، پاک و منزّه است آفریننده زندگی و مرگ، پاک و منزّه است خَالِقِ الثَّرَى وَالفَلَوَاتِ، سُبْحَانَ اللّهِ وَبِحَمْدِهِ. (۹۲)

آفریننده خاک نمناک و بیابان های بی آب و علف، پاک و

منزه است خداوند و به ستایش او مشغولم.

محدث قمی رحمه الله در «سفینه البحار» از «دعوات» مرحوم قطب راوندی، تسبیح های رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و ائمه علیهم السلام را این گونه نقل کرده است:

تسبیح رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روز اول ماه، تسبیح امیرالمؤمنین علیه السلام روز دوم ماه، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام روز سوم ماه، و همچنین بقیه ائمه علیهم السلام تا حضرت امام رضا علیه السلام.

تسبیح حضرت امام رضا علیه السلام روز دهم و یازدهم هر ماه، تسبیح امام جواد علیه السلام روز دوازدهم و سیزدهم هر ماه، و همچنین تا مولای ما صاحب الزمان صلوات الله وسلامه علیه که تسبیح آن حضرت، از هیجدهم هر ماه است تا آخر آن ماه. (۹۳)

دعای عافیت

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است:

امام سجّاد علیه السلام مردی را دید که اطراف کعبه طواف می کرد و می گفت:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّبْرَ».

خداوندا! من از تو درخواست صبر دارم.

حضرت بر شانه اش زد و فرمود: درخواست بلا می کنی؟ بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ». (۹۴)

خداوندا! به من عافیت بده و شکر بر عافیت عنایت فرما.

دعا هنگام خوردن غذا یا شیر

حضرت امام رضا علیه السلام از حضرت علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم هر گاه غذائی می خورد، می فرمود:

«اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ، وَارْزُقْنَا خَيْرًا مِنْهُ».

خداوندا! به ما برکت بده در این غذا، و بهتر از آن را روزی ما گردان.

و هر گاه شیر می خورد و یا می آشامید، می فرمود:

هر کس مؤمنی را که از دنیا رفته زیارت کند، مقابل قبله نشسته به گونه ای که قبر در پیش روی او باشد، دست راست خود را بر قبر نهاده و این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَحَدِّثْهُ، وَانْسِ وَحْشَتَهُ، وَارْحَمْ غُرْبَتَهُ، وَاسْكُنْ خِداوند! تنهایی او را با ارتباط (با دیگران) برطرف فرما، و وحشت او را به انس تبدیل کن، و بر غربت او رحم نما، و

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۱۴۴/۲، بحار الأنوار: ۱۴۱/۴۹ و ۱۵۲.

إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمِهِ مَنْ سِوَاكَ، به سوی او رحمتی از رحمت خود برقرار فرما که با آن، از غیر تو بی نیاز گردد، و احشُرُهُ مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ مِنَ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ. (۹۹)

و او را محشور کن با کسانی که دوست داشت که ائمه طاهرين عليهم السلام هستند.

بخش بیست و یکم

آثار و خواص هشت سوره از سوره های قرآن

در این بخش، آثار و خواص هشت سوره از سوره های قرآن را که در کلمات حضرت امام رضا علیه السلام آمده است، نقل می کنیم:

□

اثر سوره «حمد» برای رفع سردرد

اشاره

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است:

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هر گاه مبتلا به سردرد یا غیر آن می شدند، دست های مبارک رامی گشود و سوره «حمد» را قرائت می کرد و آنگاه به صورت می مالید، آنچه از درد در وجود نازنین او بود بیرون می رفت. (۱۰۰)

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

هر کس دچار بیماری شود باید در کنار او هفت مرتبه سوره «حمد» خوانده شود، و اگر بهبود نیافت باید هفتاد مرتبه خوانده شود که در این صورت تسکین می یابد. (۱۰۱)

تفسیر آیه شریفه «الحمد لله رب العالمین»

حضرت امام رضا علیه السلام از پدرانیش عليهم السلام روایت کرده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

بسم الله یکی از آیات «فاتحه الكتاب» است، از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم می فرمود: خداوند متعال به من فرمود: ای محمد؛ ما به تو «فاتحه الكتاب» و قرآن را بخشیدیم و بر من منّت گذاشت و او را در مقابل قرآن قرار داد و فرمود: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» (۱۰۲)، و در میان سوره قرآن تنها از آن نام برد.

خداوند متعال محمد صلی الله علیه وآله وسلم را به بسم الله مخصوص گردانید و از پیغمبران خود کسی را در این باره با وی شریک قرار نداد، فقط به حضرت سلیمان علیه السلام عطا فرمود، و در داستان بلقیس در قرآن مجید فرمود: «الْقِيَّ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (۱۰۳).

اگر کسی آن را بخواند و معتقد به ولایت آل محمد باشد و از او امر آن ها اطاعت کند و به ظاهر و باطن آن آیه شریفه عمل کند، خداوند به هر حرفی از آن یک حسنه به او می دهد که هر یک از آن ها از همه خیرات دنیا و اموال آن بهتر است.

هر کس

گوش فرا دهد به کسی که بسم الله قرائت می کند، خداوند به همان اندازه که به قاری ثواب می دهد به گوش دهنده نیز عطا می کند.

اینک از این ثواب و خیر کثیر بهره گیرید و خود را از این نعمتی که به شما روی آورده محروم نکنید، و از این غنیمت هرچه می خواهید استفاده نمائید که بعد از این حسرت آن در دل شما خواهد ماند. (۱۰۴)

شخصی نزد حضرت امام رضا علیه السلام آمد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا؛ به من از تفسیر کلام خداوند عزّ و جلّ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» خبر بده.

حضرت فرمود:

پدرم از جدّم، و او از امام سجّاد، و آن حضرت از پدرش علیهم السلام روایت کرده است که شخصی محضر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: به من از گفتار پروردگار متعال: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» خبر بده که تفسیر آن چیست؟

آن حضرت فرمود: مقصود از گفتن «الحمد لله» این است که به بندگانش بعضی از نعمت هایش را اجمالاً بشناساند؛ زیرا آن ها توانائی ندارند که همه آن ها را به تفصیل بشناسند، چون نعمت های الهی بیشتر از آن است که شماره شود یا شناخته گردد. به آن ها فرمود: بگوئید: «الحمد لله على ما أنعم به علينا»؛ سپاس خداوند را بر نعمت هائی که به ما مرحمت فرموده است.

«رب العالمین»؛ و معنای آن، جمعیت ها از هر نوع آفریده و مخلوق از جمادات و حیوانات است. اما حیوانات؛ پس او آنان را با قدرت خویش دگرگون می کند با رزق و روزی خود به آن ها غذا می دهد و در حمایت خویش آن ها را نگهداری می کند و هر یک از آن ها را به مصلحتش تدبیر می کند.

اما جمادات؛ پس او آن ها را با قدرت خویش نگه می دارد، پیوسته آن ها را حفظ می کند از

اینکه گسسته گردد و گسسته آن‌ها را نگه می‌دارد از اینکه پیوسته گردد، و آسمان را حفظ می‌کند از اینکه جز به اذن و فرمان او بر زمین افتد، و زمین را از اینکه جز به فرمان او فرو رود نگه می‌دارد، که او نسبت به بندگانش رؤوف و مهربان است.

فرمود: «رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ یعنی خدا مالک آن‌ها و آفریننده و روزی رسان ایشان است از آنجا که می‌دانند و از آنجا که نمی‌دانند، روزی تقسیم شده است و آن به فرزند آدم می‌رسد در هر مسیری که در دنیا سیر کند، تقوای شخص متقی بر آن نمی‌افزاید و تبه کاری شخص تبه کار از آن نمی‌کاهد و بین ما و او پوششی است و آن، جوینده شخص است؛ اگر یکی از شما از روزی خود بگریزد روزی اش او را طلب می‌کند؛ همان گونه که مرگ در طلب او است و او را می‌جوید.

پس خداوند بزرگ مرتبه فرمود: بگوئید: خدا را سپاس بر آنچه از نعمت به ما مرحمت فرمود و ما را به خیر و خوبی در کتاب‌های پیشینیان یاد کرد پیش از آنکه ما بوده باشیم.

و این ایجاب می‌کند که محمد و آل محمد علیهم السلام و شیعیان ایشان او را شکر کنند زیرا که آنان را برتری داده است، و قصه اش این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

هنگامی که خداوند عزّ وجلّ حضرت موسی بن عمران علیه السلام را به پیامبری برانگیخت و او را به عنوان همراه خویش برگزید و دریا را برایش شکافت و بنی اسرائیل را رهائی بخشید و به او تورات و الواح را مرحمت فرمود، خود را دید که موقعیت و منزلتی نزد خداوند تبارک و تعالی دارد، عرض کرد: پروردگارا؛ مرا به کرامتی گرامی داشته ای که

به کسی پیش از من چنین کرامتی نفرموده ای.

از طرف پروردگار به او خطاب شد: ای موسی؛ آیا نمی دانی که محمدصلی الله علیه وآله وسلم نزد من برتر از تمام فرشتگان و همه آفریدگانم می باشد؟

موسی عرض کرد: پروردگارا؛ اگر محمدصلی الله علیه وآله وسلم نزد تو گرامی تر از همه آفریدگانم می باشد، آیا در خاندان پیامبران از خاندان من کسی گرامی تر هست؟

خداوند بزرگ مرتبه فرمود: آیا نمی دانی برتری آل محمدعلیهم السلام بر تمام اهل بیت پیامبران، مانند برتری محمدصلی الله علیه وآله وسلم بر تمام رسولان است؟

موسی عرض کرد: پروردگارا؛ اگر آل محمدعلیهم السلام چنین مرتبه ای دارند آیا در میان امت پیامبران از امت من امتی نزد تو برتر هست؟ ابرها بر امت من سایه افکنند، بر آنان من و سلوی (یعنی گزانگبین و بلورچین) فرو فرستادی و دریا را برای ایشان شکافتی!

خداوند بزرگ مرتبه فرمود: ای موسی؛ آیا نمی دانی فضیلت و برتری امت محمد بر همه امت ها مانند فضیلت و برتری او بر همه آفریدگانم می باشد؟

در این هنگام موسی عرض کرد: پروردگارا؛ کاش من آن ها را می دیدم.

خداوند به او وحی فرمود: ای موسی؛ تو هرگز آنان را نمی بینی و اکنون دوران ظهور ایشان نیست، ولی به زودی در بهشت آنان را خواهی دید. در بهشت عدن و فردوس در حضور محمدصلی الله علیه وآله وسلم در نعمت های بهشتی غوطه ورنند و در خیر و خوبی های آن شادمانند، آیا دوست داری کلام آنان را به گوش تو برسانم؟

عرض کرد: بلی؛ ای خدای من.

خداوند بزرگ مرتبه فرمود: در پیشگاه من بایست و دامن به کمر ببند مانند ایستادن بنده ای ذلیل در پیشگاه پادشاهی باجلالت و شکوه.

حضرت موسی به دستور پروردگار عمل کرد و آنگاه خداوند امت محمدصلی الله علیه وآله وسلم را ندا داد

و آن ها همگی در حالی که در صلب پدران و رحم مادران بودند در جواب گفتند:

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ وَالْمَلِكُ لَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.

خداوندا! لببیک، شریکی برای تو نیست لببیک، بی گمان سپاس و ستایش و نعمت و پادشاهی از آن تو است و شریکی نداری.

و خداوند این اجابت را شعار حجّ و حاجی ها قرار داد. سپس پروردگار عزیز ماندا داد: ای امت محمد؛ خواست من نسبت به شما چنین است که رحمتم بر غضبم پیشی گرفته، و عفو و گذشتم پیش از عقوبتم و کیفرم است، شما را پیش از آنکه مرا بخوانید اجابت کردم، و پیش از آنکه از من درخواست کنید عطا نمودم، هر کدام از شما مرا دیدار کند و گواهی دهد به اینکه معبودی جز خداوند یکتا نیست و او شریک ندارد، و این که محمد صلی الله علیه و آله وسلم بنده و فرستاده او است، و در گفتارش صادق و در کردارش موافق با حق است، و این که علی بن ابی طالب علیه السلام برادر او و جانشین بعد از او و عهده دار امور او است، و اطاعت او را بر خود لازم بداند؛ همانطور که ملتزم به اطاعت محمد صلی الله علیه و آله وسلم می باشد و این که اولیای پاک و پاکیزه - که به شگفتی های آیات خداوند و دلائل حجّت های او بعد از آن دو بزرگوار خبر می دهند - اولیای او هستند، چنین کسی را داخل بهشت می نمایم گرچه گناهایش مانند کف دریا باشد.

امام علیه السلام فرمود:

هنگامی که خداوند پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را به پیامبری برانگیخت به او فرمود: ای محمد؛ «وَمَا كُنْتُ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْتُنَا» (۱۰۵)؛ «و تو در کنار طور نبودی آنگاه ندا دادیم»

امت تو را به این کرامت.

سپس خداوند عزّوجلّ به محمّدصلى الله عليه وآله وسلم فرمود: بگو: سپاس خداوندی را که پروردگار جهانیان است بر این فضیلتی که مرا به آن اختصاص داد.

و به امت او فرمود: شما نیز بگوئید: سپاس خداوندی را که پروردگار جهانیان است بر این فضیلت ها که ما را به آن ها اختصاص داد.» (۱۰۶)

فضیلت سوره «انعام»

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود:

سوره «انعام» به یک مرتبه نازل شده و هفتاد هزار فرشته آن را مشایعت کرده اند در حالی که صدایشان به تسبیح و تهلیل و تکبیر بلند بود، هر کس این سوره را بخواند، برای او تا روز قیامت تسبیح می گویند. (۱۰۷)

ثواب خواندن سوره «یس»

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

کسی که سوره «یس» را پیش از آنکه بخوابد یا در میان روز بخواند، از محافظت شدگان و روزی داده شدگان باشد تا شب کند یا صبح نماید.

و کسی که آن را در هر شب بخواند خداوند دو هزار فرشته را بر او موکّل نماید تا او را از شرّ هر شیطان رانده شده و از هر آسیبی حفظ کنند.

و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد، خداوند او را وارد بهشت فرماید، و سی هزار فرشته در هنگام غسل او حضور پیدا کنند و همه آنان برای او طلب آمرزش کنند و در تشییع جنازه اش تا کنار قبرش شرکت نمایند. (۱۰۸)

ثواب خواندن سوره «زمر»

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

کسی که سوره «زمر» را بخواند، خداوند به او شرف و سربلندی دنیا و آخرت عطا کند و او را بدون مال و قبیله عزیز گرداند. (۱۰۹)

ثواب سوره «قدر»

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

هر کس آن را (سوره قدر) هنگامی که می خوابد و بیدار می شود بخواند، ثواب و پاداش آن، لوح محفوظ را پر می کند.

و از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

هر کس در یک شب آن را (سوره قدر) صد مرتبه بخواند، پیش از آنکه صبح گردد بهشت را ببیند.

مرحوم کفعمی نقل کرده است که ثواب قرائت سوره «قدر» قابل شمارش نیست. (۱۱۰)

اثر سوره «قدر»

برای رفع وحشت در روز قیامت

راوندی رحمه الله از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هر کس کنار قبر برادرش رود و دست خود را بر آن نهد و هفت مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را بخواند، از وحشت و پریشانی بزرگ قیامت ایمن گردد. (۱۱۱)

ثواب خواندن سوره «إِذَا زُلْزِلَتْ»

اشاره

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

کسی که سوره «إِذَا زُلْزِلَتْ الْمَأْرُضُ» را در نمازهای مستحب خود بخواند، هرگز دچار زلزله نشود و با زلزله، صاعقه، آفت و آسیبی از آفت های دنیامیرد. (۱۱۲)

ثواب دیگر برای سوره «إِذَا زُلْزِلَتْ»

حضرت امام رضا علیه السلام از پدراننش روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند:

هر کس سوره «إِذَا زُلْزِلَتْ» را چهار مرتبه بخواند، مانند کسی است که تمام قرآن را خوانده است. (۱۱۳)

ثواب خواندن سوره «نصر»

از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده است:

کسی که سوره «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» را در نماز مستحب یا واجب خود بخواند، خداوند او را بر تمام دشمنانش یاری دهد و مهم

او را کفایت فرماید. (۱۱۴)

فضیلت سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»

اشاره

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود از عبدالعزیز روایت کرده است که گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد توحید سؤال کردم، فرمود:

هر کس «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند و به آن ایمان آورد، توحید را شناخته است.

عرض کردم: چگونه آن را بخواند؟ فرمود:

همان گونه که مردم می خوانند.

و در آخر آن افزود: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي»؛ «این چنین است پروردگار من»، و آن را سه مرتبه تکرار فرمود. (۱۱۵)

ثواب خواندن سوره «توحید» در قبرستان

و نیز حضرت امام رضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده اند که فرمود:

کسی که از گورستانی عبور کند و یازده مرتبه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند، و ثواب آن را به مردگان هدیه کند، به عدد اموات (آن قبرستان) به او اجر و پاداش داده می شود. (۱۱۶)

بخش بیست و دوّم

هشت دستور درباره بعضی از آیات و سوره ها

در این بخش، هشت دستور را که حضرت امام رضا علیه السلام درباره بعضی از آیه ها و سوره ها بیان کرده اند، نقل می کنیم:

□

ثواب «آیه الکرسی»

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و آن حضرت از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده است که فرمود:

من قرأ آیه الکرسی مائه مرّه، کان کمن عبد الله طول حیاته. (۱۱۷)

هر کس «آیه الکرسی» را صد مرتبه بخواند، مانند کسی است که تمام عمرش را به بندگی خدا و پرستش او سپری کرده

است.

خواندن آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ...» برای حفظ خانه از خرابی

سید بن طاووس رحمه الله به سند خود از حضرت امام رضا علیه السلام و ایشان از پدر بزرگوارش روایت کرده اند که فرمود:

هرگز کسی این آیه شریفه را هنگام خواب نخوانده است که سقف خانه بر سر او خراب شده باشد.

یعنی هر کس آیه مذکور را هنگام خوابیدن بخواند، حتماً دچار خراب شدن خانه نخواهد شد:

«إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا - وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ بِرَاسْتِي خِدَاوَنَدَ آسْمَانِهَا وَزَمِينِهَا نَكَّةً مِي دَارِدُ تَا از جایشان

منحرف نشوند و اگر از مدارشان خارج شوند هیچ کس جز اَمْسِكُهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (۱۱۹). (۱۱۸)

خداوند نمی تواند آن ها را بعد از خروج از مدارشان نگه دارد، به راستی که خداوند دارای حلم و بخشنده است.

سه آیه برای پنهان شدن از چشم افراد بی ایمان

سلیمان جعفری از حضرت امام رضا علیه السلام و آن حضرت از پدرش علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

هشام بن سائب خدمت امام صادق علیه السلام رسید، امام علیه السلام به او فرمود: تو مفسر قرآنی و قرآن را تفسیر می کنی؟

هشام گوید: عرض کردم: آری.

امام علیه السلام فرمود: به من از این فرمایش خداوند عزّ وجلّ خبر بده که به پیامبرش فرمود:

«وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَشْتُورًا» (۱۲۰).

هنگامی که قرآن می خوانی میان تو و آنانکه به آخرت ایمان ندارند پرده ای پوشیده قرار می دهیم.

مقصود از این قرآنی که هر گاه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آن را بخواند از بی ایمانان محجوب و پنهان می ماند

چیست؟

عرض کردم: نمی دانم.

امام علیه السلام فرمود: پس چگونه گفتمی که قرآن تفسیر می کنی؟

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! اگر ممکن است لطف کن و آن را به من بیاموز.

امام علیه السلام فرمود: آیه ای در سوره «کَهِف» و آیه ای در سوره «نَحْل» و آیه ای در سوره «جَاثِيَه» است که در سوره

جائیه این است):

«أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصِيرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (۱۲۱).

آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود گرفت و خدا او را با علم و آگاهی گمراه گردانید و بر گوش و دلش مهر نهاد و بر دیده اش پرده ای افکند، چه کسی پس از خدا او را هدایت می کند، آیا به خود نمی آید و پند نمی گیرید؟
و در سوره «نحل» این آیه است:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (۱۲۲).

آنان کسانی هستند که خداوند بر دل ها و گوش ها و دیدگان شان مهر نهاده، و آنان بی خیراند.
و در سوره «کهف» این آیه است:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاؤُهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا» (۱۲۳).

کیست ستمکارتر از کسی که به آیات پروردگارش یادآوری شده و از آن روی گردانده، و آنچه پیش فرستاده از یاد برده؟ ما بر دل های آنان پوشش هائی نهاده ایم که آن را در نمی یابند و در گوش های ایشان ثقل و سنگینی است، و اگر آنان را به سوی هدایت بخوانی هرگز راه هدایت را نمی پویند. (۱۲۴)

ثواب خواندن پنجاه آیه بعد از نماز صبح

معمر بن خلاد گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود:

سزاوار است انسان بعد از تعقیب نماز صبح، پنجاه آیه از قرآن قرائت کند. (۱۲۵)

خواندن صد آیه برای رفع ترس

طبرسی به سند خود از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود:

هر گاه از چیزی ترسیدی، صد آیه از قرآن مجید را از هر جا که خواستی قرائت کن، و سپس سه مرتبه بگو:

اللَّهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ. (۱۲۶)

خداوندا! (این) بلا را از من برطرف کن.

اثر سه سوره، هنگام پوشیدن لباس نو

یاسر خادم گوید: امام هادی، از پدرش، از جدش حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت لباس را از طرف راست خود می پوشید، روزی لباس جدیدی را می خواست بپوشد ظرف آبی طلب کرد و بر آن، ده مرتبه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، ده مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و ده مرتبه «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» قرائت نمود، سپس از آن آب بر لباس پاشید و پس از آن فرمود:

هر کس پیش از آنکه لباس خود را بپوشد با آن چنین کند، تا مادامی که از آن رشته ای باقی مانده در زندگی مرفه و راحتی بسر خواهد برد. (۱۲۷)

خواندن چهار سوره برای رفع چشم خوردگی

محمد بن عیسی گوید: شخصی از آن حضرت در مورد تأثیر چشم سؤال کرد، امام علیه السلام فرمود:

واقعیت دارد؛ اگر گرفتار چشم کسی شدی، دو کف دست را بالا ببر تا در برابر صورت قرار گیرد، آنگاه سوره «حمد»، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» را بخوان، و بعد از آن، دو کف دست را به پیشانی ات بمال که به اذن پروردگار نافع و سودمند است. (۱۲۸)

پنج سوره برای رفع سردرد و دردهای دیگر

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است: هر گاه یکی از شما دچار سردرد یا درد دیگری شد، دو دست خود را بکشاید، سوره «حمد»، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» را بخواند، و پس از آن، دو دست خود را به صورت بمالد، آن درد از او برطرف خواهد شد. (۱۲۹)

بخش بیست و سوم

هشت ثواب برای بعضی از اذکار

در این بخش، هشت ثواب برای بعضی از اذکار را از حضرت امام رضا علیه السلام نقل می کنیم:

۱۰

ثواب «صلوات»

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

من لم يقدر على ما يكفر به من ذنوبه، فليكثر من الصلاة على محمد وآله؛ فإنها تهدم الذنوب هدماً.

هر کس توانایی ندارد بر انجام کاری که باعث آمرزش گناهانش گردد، باید زیاد بر محمد و آل محمد صلوات فرستد؛ زیرا صلوات، گناهان را به کلی از بین می برد.

نقل این روایت در اینجا مناسب است: حسن بن عبدالله تمیمی گوید: سرورم حضرت امام رضا علیه السلام برایم روایت کرد از پدرش موسی بن جعفر علیهما السلام، و آن حضرت از پدرش جعفر بن محمد علیهما السلام، و آن حضرت از پدرش محمد بن علی علیهما السلام، و آن حضرت از پدرش علی بن الحسین علیهما السلام و آن حضرت از پدرش حسین بن علی علیهما السلام، و آن حضرت از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است:

من كان آخر كلامه الصلوة عليّ وعلى عليّ دخل الجنة. (۱۳۰)

هر کس پایان گفتارش (در دنیا) صلوات بر من و علی (علیهم السلام) باشد، داخل بهشت گردد.

ثواب دیگر برای «صلوات»

و نیز حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

الصلاة على محمد وآله، تعدل عند الله عزّ وجلّ التسبيح والتهليل والتكبير.

صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد نزد خداوند، برابری می کند با تسبیح و تهلیل و تکبیر، (یعنی کسی که صلوات می فرستد، ثواب او مانند کسی است که «سُبْحَانَ اللَّهِ»، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، و «اللَّهُ أَكْبَرُ» می گوید. (۱۳۱))

ثواب «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

ابونصر گوید: پدرم حسین بن احمد گفت: از جدّم شنیدم و او از پدرش که گفت: هنگامی که حضرت امام رضا علیه السلام در ایام مأمون به نیشابور قدم نهادند، افتخار خدمتگزاری ایشان را داشتم و تا زمانی که در آن شهر اقامت داشتند کارهای ایشان را؛ ررماً انجام می دادم و چون به طرف مرو روانه شدند تا سرخس ایشان را بدرقه نمودم و خواستم تا مرو آن حضرت را همراهی کنم، مقداری که از سرخس گذشتیم سر مبارک خود را از کجاوه بیرون آورد و فرمود:

بازگرد، إن شاء الله موفق باشی، به آنچه واجب بود عمل کردی و تا حدّ مشایعت انجام وظیفه نمودی، بس است.

عرض کردم: تو را به حقّ محمد مصطفی و علی مرتضی و حضرت زهرا علیهم السلام حدیثی برایم بگو و مرا بهره مند گردان تا باز گردم.

فرمود:

از من حدیث می خواهی در حالی که خود از جوار جدم رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم بیرون شده ام و معلوم نیست سرانجام کارم به کجا می کشد.

دوباره عرض کردم: به حقّ محمّد مصطفی و علی مرتضی و حضرت زهراعلیهم السلام حدیثی برایم بگو تا به آن، قلب مرا شفا بخشی، و آنگاه باز گردهم.

فرمود:

پدرم از جدم، از پدرش امام باقر، و آن حضرت از پدرش امام سجّاد، و او از پدرش امام حسین علیهم السلام شنید که فرمود:
از پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم

که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: خداوند بلندمرتبه فرموده است:

«لا إله إلا الله» حصنی، من قالها مخلصاً من قلبه دخل حصنی، ومن دخل حصنی أمن من عذابی.

کلمه توحید یعنی «لا إله إلا الله» حصار من است، هر کس آن را با اخلاص قلبی بگوید در حصار من داخل گردد، و هر کس در حصار من باشد از عذاب من ایمن است. (۱۳۲)

ثواب دیگر برای «لا إله إلا الله»

حضرت امام رضا علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

إِنَّ «لا إله إلا الله» کلمه عظیمه کریمه علی الله عزّ وجلّ، من قالها مخلصاً استوجب الجنّه، ومن قالها کاذباً عصمت ماله ودمه وکان مصیره إلی النار. (۱۳۳)

بدون تردید «لا إله إلا الله» کلمه باعظمتی است که نزد خداوند عزیز گرامی و ارجمند می باشد، هر کس آن را از روی اخلاص بگوید بهشت بر او واجب گردد، و هر کس آن را به دروغ گوید جان و مالش محفوظ ماند و مسیر او به سوی دوزخ است.

ثواب گفتن «تسبیحات اربعه» با تسبیح تربت امام حسین علیه السلام

در کتاب «المزار» آمده است: حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است:

کسی که تسبیحی از تربت (یعنی خاک کربلای امام حسین علیه السلام) داشته باشد، آن را بچرخاند و بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.

پاک و منزّه است خداوند و سپاس و ستایش از آن او است، و معبودی جز خدا نیست و خداوند بزرگتر از هر گونه توصیف است.

با هر دانه ای که می چرخاند خداوند شش هزار حسنه و ثواب برایش بنویسد و شش هزار گناه او را از بین ببرد، و شش هزار درجه او را بالا ببرد، و برای اوشفاعت را مانند آن ثابت گرداند. (۱۳۴)

ثواب پنج ذکر و...

حسین بن خالد گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم؛ چگونه مهریه زنان پانصد درهم معادل دوازده و نیم اوقیه (۱۳۵) گردیده است؟

حضرت فرمود:

خداوند عزّ وجلّ بر خود واجب فرموده است که هر مؤمنی صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ»، صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و صد مرتبه «صلوات بر محمّد و آل محمّد» فرستد و بگوید:

اللَّهُمَّ زَوِّجْنِي مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ.

خداوندا؛ از حوریّه های بهشتی به ازدواج من درآور.

خداوند حوریّه ای از حوریّه های بهشتی به همسری او درآورد، از این جهت مهریه زنان پانصد درهم گردیده است.

و هر مؤمنی که از برادر دینی خود دخترش را خواستگاری کند و پانصد درهم به عنوان مهریه قرار دهد ولی او به این ازدواج رضایت ندهد، به راستی به او جفانموده و از خود رنجانیده است و سزاوار آن گردیده که خداوند از حوریّه های بهشتی به همسری او درنیاورد. (۱۳۶)

اثر گفتن «یا علی یا عظیم»

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند:

خداوند تبارک و تعالی برای خود نام هایی را اختیار فرموده که با آن ها خوانده می شود، و اوّل نامی را که اختیار نموده «العلیّ العظیم»؛ «بلندمرتبه بزرگ» است؛ زیرا که او از هر چیز برتر و بزرگتر است. (۱۳۷)

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است:

هر فرد مؤمن اگر با تبت خالص و توجّه به خدا و معنای این دو اسم مبارک: «یا علی یا عظیم» مداومت کند، دارای قدر و منزلت گردد. (۱۳۸)

اثر «یا مُمیت» برای نجات از نفس اماره

در کتاب «خواصّ آیات قرآن کریم» از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده است که فرمودند:

کسی که دارای نفس اماره است باید هنگام خواب، دست خود را بر سینه نهاد و با تبت خالص و توجّه به خدا و معنای ذکر، صد مرتبه بگوید: «یا مُمیت» تا به خواب رود، خداوند نفس اماره او را مطیع او می کند. (۱۳۹)

بخش بیست و چهارم

هشت ذکر مهمّ دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام

در این بخش، هشت ذکر از اذکار مهمّ که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده، نقل می کنیم:

«یا حیّ یا قیّوم»

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر شخص مؤمن این دو اسم را ورد خود سازد، عمرش دراز شود و در دل هاتصِرّف کند و محبوب خلاق گردد. (۱۴۰)

«یا حیّ یا قیّوم» دو اسم از اسماء جلاله الهی است که چون باهم گفته می شوند یک ذکر حساب می شود.

«یا مَلِک»

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر شخص مؤمن این اسم را نوزده مرتبه با نیت خالص و توجّه به خدا و معنای آن بخواند، از خلق بی نیاز گردد و در دنیا و آخرت مرفّه الحال شود. (۱۴۱)

«یا حَفِیظ»

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر شخص مؤمن اسم «حَفِیظ» را در روز جمعه بعد از نماز نهصد و نود و هشت مرتبه، با نیت خالص و توجّه به خدا و معنای آن بخواند، و با خطّ ریز بنویسد و آن را تعویذ ساخته بر بازو بندد، از وسوسه شیطان، شرّ سلطان، خیالات فاسده و باطله و ضرر درّندگان و حیوانات موزی در امان بماند. (۱۴۲)

«یا باسِط»

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر شخص مؤمن در وقت سحر با طهارت دست به سوی آسمان بردارد و ده مرتبه با نیت خالص و توجّه به خدا و معنای آن بگوید: «یا باسِط» و به روی خود بمالد، هرگز محتاج نگردد و از غم فقر و نیازمندی رهایی یابد و از جایی که گمان نداشته باشد نعمت به او رسد و روزی او فراوان شود. (۱۴۳)

«یا فَتّاح»

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

هر شخص مؤمن در روز جمعه بعد از نماز صبح، هفتاد مرتبه با نیت خالص و توجّه به خدا و معنای آن، دست بر سینه گذارد و بگوید: «یا فَتّاح»، غفلت از دل او خارج شود و خداوند متعال در دل او را به سوی عالم نور و معنی می گشاید. (۱۴۴)

«یا وَدُود»

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:

اگر کسی به جهت اُلفت و مهربانی میان زن و شوهر، هزار و یک مرتبه این اسم را بر مویز یا خوراکی دیگر با نیت خالص و توجه به خدا و معنای آن بخواند و مرد و زن هر دو از آن بخورند، میان ایشان اُنس و محبت شدید پیدا می شود. (۱۴۵)

«یا قُدُوس»

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده:

هر شخص مؤمن اوّل ظهر این اسم را صد و هفتاد مرتبه با نیت خالص و توجه به خدا و معنای آن بگوید، دل او نورانی شود و از وسوسه شیطان در امان باشد. (۱۴۶)

«یا سَلام»

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده:

هر شخص مؤمن صد و سی و یک مرتبه اسم «سَلام» را با نیت خالص و توجه به خدا و معنای آن بر بیمار بخواند، آن مرض برطرف شود.

و نیز آن حضرت فرمودند:

اگر شخص مؤمن این اسم را بر نقره نقش کند و همیشه همراه خود نماید به شرطی که با طهارت باشد، از شرّ شیطان حفظ گردد و بر دشمنان غلبه یابد و باایمان سالم از دنیا برود. (۱۴۷)

بخش بیست و پنجم

هشت روایت از حضرت امام رضا علیه السلام درباره نقش نگین انگشتر و دعای آن

در این بخش، هشت روایت از حضرت امام رضا علیه السلام درباره نقش نگین انگشتر و دعای آن نقل می کنیم:

□

نقش نگین انگشتر پیامبران و ائمه علیهم السلام

حسین بن خالد صیرفی گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: ... نقش نگین انگشتر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چه بوده است؟

حضرت فرمود:

چرا از کسانی که پیش از او بودند، نمی‌پرسی؟

عرض کردم: اکنون از آن‌ها می‌پرسم.

امام علیه السلام فرمود:

نقش نگین آدم «لا إله إلا الله، محمد رسول الله» بود؛ «معبودی جز خداوند نیست، محمد فرستاده خدا است»، و با همان به زمین هبوط کرد و فرود آمد.

نوح هنگامی که بر کشتی سوار شد خداوند عزّ و جلّ به او وحی فرمود: ای نوح؛ اگر از غرق شدن می‌ترسی هزار مرتبه بگو: «لا إله إلا الله»، سپس از من نجات خود و همراهانت را بخواه تا شما را از غرق شدن نجات دهم.

چون نوح و همراهانش در کشتی قرار گرفتند و طناب کشتی را رها کردند، بادتندی بر آنان وزید، نوح خود را از غرق شدن ایمن نیافت، باد هم به او مهلت نمی‌داد تا هزار مرتبه «لا إله إلا الله» بگوید، به زبان سریانی گفت: «هیلولیا ألفاً ألفاً، یا ماریا؛ یا ماریا؛ اتقن»، آنگاه موج دریا آرام شد و کشتی قرار گرفت، و نوح با خود گفت: کلامی که به سبب آن خدا مرا از غرق شدن نجات داد، سزاوار است که هرگز از من جدا نگردد، لذا بر نگین انگشتریش نوشت:

«لا إله إلا الله» ألف مرّه، یا ربّ اصلحنی.

معبودی جز خداوند نیست هزار مرتبه، پروردگارا؛ مرا اصلاح کن. (و این ترجمه همان کلام سریانی است).

ابراهیم هنگامی که در منجنیق قرار داده شد جبرئیل ناراحت شد، خداوند به او وحی فرمود: ای جبرئیل؛ چه چیز تو را ناراحت ساخته

است؟

عرض کرد: پروردگار من؛ ابراهیم، خلیل تو است و بر روی زمین کسی جز او تو را نمی پرستد، دشمنت و دشمنش را بر او مسلط ساخته ای.

خداوند به او وحی فرمود: ساکت باش، بنده ای مانند تو که می ترسد چیزی از دست او برود شتاب می کند، ولی من بنده ام در اختیارم می باشد هر زمان که بخواهم او را می گیرم.

امام علیه السلام فرمود: پس از شنیدن کلام پروردگار جبرئیل قلب و روحش آرام گرفت، و متوجه ابراهیم شد، به او گفت: آیا در این حالی که هستی حاجتی داری؟ فرمود: اما به تو هرگز حاجتی ندارم.

خداوند در حال فرود آمدن ابراهیم جبرئیل را نزد او روانه ساخت و انگشتی که بر آن شش کلمه نقش شده بود برایش فرستاد و آن کلمات چنین بود:

لا إله إلا الله، محمد رسول الله، لا حول ولا قوة إلا بالله، فوضت أمري إلى الله، أسندت ظهري إلى الله، حسبي الله.

معبودی جز خداوند نیست، محمد فرستاده خداوند است، هیچ توانائی و نیروئی جز به سبب خداوند نیست، کار خود را به خدا واگذار نمودم، پشت خود را به خدا محکم ساختم، خدا مرا بس است.

خداوند به او وحی فرمود: این انگشت را در انگشت خود کن و من آتش را بر تو سرد و سلامت می گردانم.

سپس حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

نقش نگین انگشت موسی دو کلمه بود که آن را از تورات برگرفته بود:

اصبرْ تُوجِرْ، اصدقْ تُنْجِ.

شکیبا باش تا اجر و پاداش داده شوی، راست بگو تا نجات یابی.

و نقش نگین سلیمان چنین بود:

سبحان من أجمع الجنّ بكلماته.

پاک و منزّه است خداوندی که جنّ را با کلمات خود لجام نهاد و مهار کرد.

و نقش نگین عیسی دو کلمه بود که از انجیل برگرفته بود:

طوبی لعبد ذکر الله من أجله، وویل لعبد نسی الله من أجله.

خوشا بحال بنده ای که بخاطر او خدا یاد شود، و وای بر بنده ای که بخاطر او خدا فراموش شود.

نقش نگین حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم: «لا إله إلا الله، محمد رسول الله» بود.

نقش نگین حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام «الملك لله» بود؛ یعنی جهان و فرمانروائی جهان از آن خداوند است.

نقش نگین حسن بن علی علیه السلام «العزّه لله» بود؛ یعنی عزّت و شکست ناپذیری برای خداست.

نقش نگین حسین بن علی علیه السلام «إنّ الله بالغ أمره» بود؛ یعنی خداوند امر خود را به انجام خواهد رسانید.

علی بن الحسین علیه السلام همان انگشتر پدر را در دست می کرد، امام باقر علیه السلام نیز همان انگشتر امام حسین علیه السلام را در دست می نمود.

نقش نگین جعفر بن محمد علیه السلام «الله ولیّی وعصمتی من خلقه» بود؛ یعنی خدا سرپرست من و نگهدار من از آفریدگانش می باشد.

نقش نگین موسی بن جعفر علیه السلام «حسبی الله» بود؛ یعنی خدا مرا بس است.

حسین بن خالد گوید: آن گاه حضرت امام رضاعیه السلام دست مبارک خود را گشود، انگشتر پدرش در انگشت مبارک او بود و نقشی که بر آن بود به من نشان داد. (۱۴۸)

نقش نگین انگشتر حضرت امام رضاعیه السلام

به روایت دیگر نقش انگشتر آن حضرت چنین بود: «وَلِيُّ اللَّهِ». (۱۴۹)

نقش نگین انگشتر حضرت امام رضاعیه السلام به روایت دیگر

یونس بن عبدالرحمان گوید: از حضرت امام رضاعیه السلام در مورد نقش نگین انگشتر خودش و پدر بزرگوارش سؤال کردم، فرمود:

نقش نگین انگشتر من «ما شاء الله، لا قوّة إلا بالله» آنچه خدا بخواهد همان می شود، هیچ نیروئی جز به سبب خداوند نیست، و نقش نگین انگشتر پدرم «حسبی الله» خدا مرا بس است (بود و من آن را در انگشت می کردم). (۱۵۰)

نقش نگین انگشتر حضرت امام رضاعیه السلام نیز به روایت دیگر

در کتاب «جنّات الخلود» می نویسد: نقش نگین انگشتر حضرت امام رضاعیه السلام این است:

ما شاءَ اللهُ، لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ.

آنچه خدا بخواهد، قوتی جز برای خداوند نیست.

نقش این جمله در نگین - خصوصاً اگر یمنی و زرد باشد - برای توانگری بسیار مفید است؛ مخصوصاً اگر در زیر آن، «محمد و علی» کنده شده باشد. (۱۵۱)

همراه داشتن انگشتر عقیق زرد و فیروزه در راه زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

قاسم بن علاء از خادم امام هادی علیه السلام روایت کرده است که گفت: از آن حضرت اجازه خواستم که برای زیارت حضرت امام رضا علیه السلام به شهر طوس بروم، فرمود:

باید همراه تو انگشتری باشد که نگین آن عقیق زرد رنگ باشد، و بر روی آن این جمله: «ما شاءَ اللهُ، لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ، أَسْتَعْفِرُ اللهُ»؛ «آنچه خدا بخواهد، هیچگونه نیروئی جز به وسیله خداوند نیست، از خدا طلب آمرزش می کنم»، و بر طرف دیگرش نام زیبای «محمد و علی» حک شده باشد؛ زیرا که آن، باعث ایمنی از دزدان گردنه و بین راه، و موجب سلامتی بیشتر و محفوظ ماندن دین تو است - تا آنکه فرمود: -

و باید با تو انگشتر دیگری از فیروزه باشد؛ اگر در میان راه بین شهر طوس و نیشابور شیری با شما برخورد کند و مانع از رفتن قافله گردد، تو پیش برو و آن انگشتر را به او نشان بده و بگو: مولای من به تو می فرماید: از سر راه کنار برو.

سپس فرمود: باید بر یک طرف آن این جمله: «اللَّهُ الْمَلِكُ»؛ «خداوند صاحب مُلک و پادشاه عالم است»، و بر طرف دیگرش: «الملك لله الواحد القهار»؛ «تمام هستی از آن خداوندی است که یکتا و شکست ناپذیر است» کنده کاری شده باشد که آن، انگشتر امیرالمؤمنین علیه السلام است.

- و کلامش را ادامه

داد تا آنکه فرمود: - و نگین آن فیروزه بوده است و آن باعث ایمنی از درندگان و پیروزی در جنگ ها است تا آخر روایت.

در این روایت، قاسم بن علاء دو معجزه امام علیه السلام را مشاهده کرده است. (۱۵۲)

قابل توجه است که در آن زمان، راه طوس بسیار خطرناک بوده است.

نقش نگین انگشتر فیروزه برای فرزنددار شدن

علی بن محمد نصیری گوید: با دختر جعفر بن محمود ازدواج کردم و او را بسیار دوست داشتم، ولیکن مدتی گذشت از وی فرزندی نیامد، خدمت حضرت امام رضاعلیه السلام رسیدم و موضوع را عرض کردم.

حضرت تبسم کرد و فرمود:

در انگشتری که نگین آن فیروزه باشد بنویس: «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» (۱۵۳)؛ «خداوندا! مرا تنها وامگذار و تو بهترین وارثانی». (۱۵۴)

انگشتر عقیق و دعا برای حفظ شدن از شرهای آسمانی و زمینی

از حضرت امام رضاعلیه السلام روایت شده است که فرمودند:

هر کس شب را به روز آورد در حالی که انگشتری که نگین آن عقیق است در دست راست او باشد، قبل از اینکه احدی او را ببیند نگین انگشتر را به طرف کف دست بگرداند و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را تا آخر بخواند سپس بگوید:

اَمَنْتُ بِاللَّهِ وَحَيْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَامَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَائِهِمْ. ایمان آوردم به خداوندی که یگانه است و شریکی برای او نیست، و ایمان آوردم به سر آل محمد و آشکار آنان.

خداوند در آن روز او را حفظ می کند از هر چه از آسمان فرود می آید و از آنچه به آسمان بالا می رود و از آنچه در زمین داخل می شود و از آنچه از زمین خارج می شود، و تا شب کند در حرز خدا و رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم است. (۱۵۵)

دعا هنگام دست نمودن انگشتر

این دعا از حضرت امام رضاعلیه السلام نقل شده است:

هنگامی که انگشتر به انگشت خود می کنی بگو:

اَللّٰهُمَّ سَيِّمِنِي بِسَيِّمَاءِ الْاِيْمَانِ، وَاخْتِمْنِي لِي بِالْخَيْرِ، وَاجْعَلْ عَاقِبَتِي خَدَاوَنَدًا؛ نشان ایمان در سیما و چهره ام آشکار کن، و پایان کارم را به خوبی قرار ده، و سرانجام مرا اِلَى خَيْرٍ، اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْكَرِيْمُ. (۱۵۶)

به خوبی قرار بده، که تو عزیز و بزرگوار هستی.

(۱) در بعضی از روایات این بخش، تصریح شده است که نه تنها همراه نمودن این حرزها، بلکه خواندن آن ها نیز مؤثر است.

(۲)

(۳) مهج الدعوات: ۴۹، عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۱۳۶/۲، البلد الامین: ۶۴۰، بحار الأنوار: ۱۹۲/۹۴ و ۳۴۳، المجموع الرائق: ۳۶۱/۱.

(۴)

(۵)

(۶)

(۷)

(۸) مهج الدعوات: ۵۱، و در هدیه الزائرین و بهجه الناظرین: ۶۰۹، البلد الامین: ۴۳۴، بحار الأنوار: ۳۴۴/۹۴، و ج

٩٥/٩٦ با تفاوتی اندک.

(٩) مهج الدعوات: ٥٢، بحار الأنوار: ٣٤٥/٩٤.

(١٠) مكارم الأخلاق: ٢٦٣/٢، و در بحار الأنوار: ٢١/٩٥ و ٢٨ با اختلاف.

(١١) سوره محمدصلى الله عليه وآله وسلم، آيه ٢٢.

(١٢)

(١٣)

(١٤)

(١٥)

(١٦)

(١٧)

(١٨)

(١٩)

(٢٠)

(٢١)

(٢٢)

(٢٣)

(٢٤)

(٢٥)

(٢٦)

(٢٧)

(٢٨)

(٢٩)

(٣٠) مهج الدعوات: ٢٩٨، بحار الأنوار: ٣٤٩/٩٤.

(٣١) جنّات الخلود: ٣٣.

(٣٢)

(٣٣)

(٣٤)

(٣٥)

(٣٦)

(٣٧)

(٣٨) سورة مريم، آيات ٢٢ - ٣٤.

(٣٩) سورة نحل، آية ٧٨ و ٧٩.

(٤٠)

(٤١)

(٤٢)

(٤٣)

(٤٤)

(٤٥)

(٤٦)

(٤٧)

(۴۹) سوره شعراء، آیه ۱ - ۴.

(۵۰) مهج الدعوات: ۲۹۷، بحار الأنوار: ۳۴۵/۹۴.

(۵۱) بحار الأنوار: ۹۰/۹۵.

(۵۲)

(۵۳)

(۵۴) بحار الأنوار: ۲۰/۹۵. ۲. الدعوات: ۱۸۹، روضه الواعظین: ۳۱۳.

(۵۵)

(۵۶) سوره طه، آیه ۱۰۵ - ۱۰۷.

(۵۷) الدعوات: ۱۹۹، و در البلد الأمين: ۶۱۹، المصباح: ۲۰۸ و بحار الأنوار: ۹۷/۹۵ با کمی تفاوت آمده است.

(۵۸) بحار الأنوار: ۸۲/۹۵.

(۵۹) خنازیر؛ غده هایی است که در گردن انسان ایجاد می شود.

(۶۰) الدعوات: ۱۹۷، مکارم الأخلاق: ۲۴۶/۲، بحار الأنوار: ۱۰۰/۹۵.

(۶۱) جامع أحادیث الشیعه: ۳۷۶/۱۹، بحار الأنوار: ۲/۱۰۳ ح ۴) با تفاوت در راوی حدیث).

(۶۲) عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۴۵/۲، صحیفه الإمام الرضاعلیه السلام: ۲۵۸.

(۶۳) جامع أحادیث الشیعه: ۵۲۷/۱۹، مستدرک الوسائل: ۳۸۲/۵، و در بحار الأنوار: ۲۴۹/۸۶ با اختلاف.

(۶۴) مکارم الأخلاق: ۱۵۰/۲، بحار الأنوار: ۲۹۵/۹۵.

(۶۵) وسائل الشیعه: ۳۰۴/۱۲.

(۶۶) صحیفه الإمام الرضاعلیه السلام: ۲۸۸.

(۶۷) بحار الأنوار: ۱۷۳/۷۶، فقه الرضاعلیه السلام: ۳۹۹.

(٤٨) سورة يس، آيه ٩.

(٤٩) سورة توبه، آيه ١٢٩.

(٧٠) بحار الأنوار: ١٧٤/٧٦، فقه الرضاعليه السلام: ٤٠٠.

(٧١) بحار الأنوار: ٣٥٧/٩٥.

(٧٢) عيون اخبار الرضاعليه السلام: ٩٥/١، و در بحار الأنوار: ١٨١/٩٤ ح ٩ با اختلاف.

(٧٣) مهج

الدعوات: ٤٥٩، المصباح: ٣٩٠، البلد الأمين: ٦٥٥، بحار الأنوار: ٢٥٧/٨٥.

(٧٤)

(٧٥)

(٧٦)

(٧٧) إقبال الأعمال: ٤٥٨، بحار الأنوار: ١٣٠/٩٨.

(٧٨) مهج الدعوات: ٣٠٧، مستدرك الوسائل: ١٣٩/٥، بحار الأنوار: ٢٢٣/٨٦.

(٧٩)

(٨٠)

(٨١) زاد المعاد: ٥١٥، جمال الأسبوع: ١٦٢، هديّه الزائرين وبهجه الناظرين: ٦٣٦، بحار الأنوار: ١٧٠/٩١، مستدرك الوسائل: ٢٧٢/٦.

(٨٢)

(٨٣) مجموعه الأدعيه (مخطوط): ١٠.

(٨٤) مجموعه الأدعيه (مخطوط): ٢٤.

(٨٥) سورة نوح، آيه ١١ و ١٢.

(٨٦) صحيفه علويّه: ٥٣٩.

(٨٧) البلد الأمين: ٦٦٩.

(٨٨) فتح الأبواب: ٢٠٤، مستدرك الوسائل: ٢٣٨/٦، بحار الأنوار: ٢٧٥/٩١، الجّنه الواقيه والجّنه الباقيه (مخطوط): ٧٥.

(٨٩) اصل اين دعا از حضرت امام صادق عليه السلام است و حضرت امام رضا عليه السلام تتمه دعا را به آن افزودند.

(٩٠) جمال الأسبوع: ١١٢، مصباح المتهجد: ٤٢٣، الصحيفه الصادقيه: ٩٥٤.

(٩١) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ٧٠/٢، بحار الأنوار: ٣٤٣/٩٥.

(۹۲) الدعوات: ۹۳، بحار الأنوار: ۲۰۷/۹۴.

(۹۳) سفینه البحار: مادّه «سَبَّح».

(۹۴) الدعوات: ۱۱۴، بحار الأنوار: ۲۸۵/۹۵.

(۹۵) عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۳۸/۲، صحیفه الإمام الرضاعلیه السلام: ۲۳۲ با اختلاف.

(۹۶) ۳. جامع احادیث الشیعه: ۴۵۸/۱۹، صحیفه الإمام الرضاعلیه السلام: ۲۸۸، مسند الرضاعلیه السلام: ۱۷۵.

(۹۷)

(۹۸)

(۹۹) ذخیره الآخره: ۱۶۷.

(۱۰۰) صحیفه الإمام الرضاعلیه السلام: ۲۷۷، مسند الرضاعلیه السلام: ۶۷.

(۱۰۱) فقه الرضاعلیه السلام: ۳۴۲، مستدرک الوسائل: ۲۹۹/۴.

(۱۰۲) سوره حجر، آیه ۸۷: «همانا ما هفت آیه با ثنا (در سوره حمد) و این قرآن با عظمت را بر تو فرستادیم».

(۱۰۳) سوره نمل، آیه ۲۹ و ۳۰: «نامه بزرگی به سوی من افکنده شده آن نامه از جانب سلیمان است و عنوانش به نام خداوند بخشنده مهربان است».

(۱۰۴) اخبار و آثار حضرت امام رضاعلیه السلام: ۵۷۶.

(۱۰۵) سوره قصص، آیه ۴۶.

(۱۰۶) عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲۲۰/۱.

(۱۰۷) تفسیر القمی: ۱۸۰، بحار الأنوار: ۲۷۴/۹۲ و المستدرک: ۲۹۶/۴.

(١٠٨) فقه الرضاعليه السلام: ٣٤٢.

(١٠٩) فقه الرضاعليه السلام: ٣٤٣.

(١١٠) البلد الأمين: ٥٨.

(١١١) الدعوات: ٢٧١، بحار الأنوار: ٢٩٥/١٠٢.

(١١٢) فقه الرضاعليه السلام: ٣٤٤.

(١١٣) بحار الأنوار: ٣٣٣/٩٢، عيون اخبار الرضاعليه السلام: ٣٦/٢، صحيفه الإمام الرضاعليه السلام: ٢٢٨.

(١١٤) فقه الرضاعليه السلام: ٣٤٤.

(١١٥) عيون اخبار الرضاعليه السلام: ١٠٩/١.

(١١٦) مسند الرضاعليه السلام: ٦٤.

(١١٧) عيون اخبار الرضاعليه السلام: ٦٥/٢.

(١١٨) سوره فاطر، آيه ٤١.

(١١٩) فلاح السائل: ٢٨١، وسائل الشيعه: ١٠٢٨/٤.

(١٢٠) سوره إسراء، آيه ٤٥.

(١٢١) سوره جاثيه، آيه ٢٣.

(١٢٢) سوره نحل، آيه ١٠٨.

(١٢٣) سوره كهف، آيه ٥٧.

(١٢٤) عدّه الداعي: ٣٣٨.

(١٢٥) جامع أحاديث الشيعه: ١٢٦/٦، وسائل الشيعه: ٨٤٩/٤.

(١٢٦) اخبار و آثار حضرت امام رضاعليه السلام: ٤٩٨.

(١٢٧) عيون اخبار الرضاعليه السلام: ٢٤٥/١.

۱۲۸) مکارم الأخلاق: ۲/۲۸۶، بحار الأنوار: ۱۲۹/۹۵.

۱۲۹) مکارم الأخلاق: ۲/۱۸۷، مسند الرضا عليه السلام: ۶۷ (با اختلاف).

۱۳۰) جامع أحاديث الشيعة: ۵۶۸/۱۹.

۱۳۱) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ۱/۲۲۹، روضه الواعظين: ۳۲۲، وسائل الشيعة: ۴/۱۲۱۲، جامع أحاديث الشيعة: ۵۳۸/۱۹.

۱۳۲) جامع أحاديث الشيعة: ۴۸۰/۱۹، مستدرک الوسائل: ۳۶۱/۵.

۱۳۳) جامع أحاديث الشيعة: ۴۸۲/۱۹ ووسائل الشيعة: ۱۲۲۶/۴.

۱۳۴) مستدرک الوسائل: ۱۰/۳۴۴، بحار الأنوار: ۱۰۱/۱۳۳ ح ۶۵.

۱۳۵) اوقيه: معیاری است برای وزن؛ پیش از این، برابر چهل درهم بود، بعداً برابر شصت درهم شد و در اصطلاح زرگران برابر دوازده درهم است.

۱۳۶) عيون اخبار الرضا عليه السلام: ۲/۸۳ ح ۲۶.

۱۳۷) المصباح: ۴۱۸.

۱۳۸) خواص آیات قرآن کریم: ۶۹.

۱۳۹) خواص آیات قرآن کریم: ۶۵.

۱۴۰) خواص آیات قرآن کریم: ۶۸.

۱۴۱) خواص آیات قرآن کریم: ۶۹.

۱۴۲) خواص آیات قرآن کریم: ۷۱.

۱۴۳) خواص آیات قرآن کریم: ۷۳.

۱۴۴) خواص آیات قرآن کریم: ۷۷.

۱۴۵) خواص آیات قرآن کریم: ۷۷.

۱۴۶) خواص آیات قرآن کریم: ۸۲.

(۱۴۸) عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۵۵/۲، وسائل الشیعه: ۴۱۱/۳ با اختلاف.

(۱۴۹) بحار الأنوار: ۷/۴۹.

(۱۵۰) وسائل الشیعه: ۴۱۰/۳.

(۱۵۱) جنّات الخلود: ۳۳.

(۱۵۲) وسائل الشیعه: ۳۱۴/۸.

(۱۵۳) سوره انبیاء، آیه ۸۹.

(۱۵۴) اخبار و آثار حضرت امام رضاعلیه السلام: ۷۳۶.

(۱۵۵) اکسیر الدعوات: ۳۵۱.

(۱۵۶) فقه الرضاعلیه السلام: ۳۹۵.

بخش بیست و ششم

هشت زیارت از زیارت های حضرت امام رضاعلیه السلام

در این بخش، هشت زیارت از زیارت های حضرت امام رضاعلیه السلام را نقل می کنیم. (۱)

آنچه رعایت آن برای زائرین محترم مهم است، توجه به معنای زیارتی است که می خوانند.

نکته مهم دیگری که باید به آن توجه داشته باشیم، این است که مقصود از توجه به معنای زیارت، فقط این نیست که مفهوم آنچه را که می خوانیم بدانیم؛ بلکه علاوه بر این، باید در فکر عمل به آن نیز باشیم.

به عنوان نمونه در زیارت اول حضرت امام رضاعلیه السلام، درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه می خوانیم: «وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛ «خداوند! ما را در دنیا و آخرت با آن حضرت قرار ده.»

توجه کامل به این جمله از زیارت، در صورتی است که تصمیم به معیت و همراه بودن با امام زمان ارواحنا فداه را در تمام حالات و مراحل زندگی خود داشته باشیم و این، فقط با لطف خدا و توجه و عنایت اهل بیت علیهم السلام ممکن و میسر است.

ان شاء الله زائرین گرامی پس از زیارت آن بزرگوار، اولین و مهمترین حاجت خود را تعجیل ظهور حضرت بقیه الله الأعظم

عَجَّلِ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ قَرَار دهنند؛ زیرا همان گونه که امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمودند، در میان کسانی که در عصر غیبت به امامت امام زمان ارواحنا فداه معتقد هستند، فقط کسانی از فتنه های آخرالزمان نجات می یابند که خداوند آنان را به

دعانمودن برای تعجیل ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه موفق نماید(۲).

آداب زیارت

اکنون به بیان آداب زیارت می پردازیم:

محدث قمی رحمه الله نقل کرده است: آداب زیارت بسیار است و در اینجا به چند چیز اکتفا می شود:

اول: پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت غسل نماید.

دوم: کلام بیهوده و لغو و دعوا و مجادله را در راه ترک کند.

سوم: برای زیارت هر امامی غسل نماید و دعایی که در هنگام غسل وارد شده است بخواند.

چهارم: با طهارت باشد.

پنجم: جامه های پاک و پاکیزه و نو بپوشد، و خوب است رنگ لباسی که می پوشد سفید باشد.

ششم: در وقت رفتن به روضه مقدسه گام ها را کوتاه برداشته و به آرامی و وقار سیر نموده و خاضع و خاشع باشد و سر به زیر اندازد و به بالا و اطراف خود التفات ننماید.

هفتم: در غیر زیارت امام حسین علیه السلام خود را خوش بو نماید.

هشتم: در وقت رفتن به حرم مطهر زبان را به ذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید مشغول نماید و به صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام دهان خود را با؛ ظگک معطر سازد.

نهم: بر در حرم شریف ایستاده و طلب اذن ورود به حرم نماید و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و شکستگی خاطر نماید، و در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور فکر کند، و باور داشته باشد که می بیند ایستادن او را، و می شنود کلام او را، و جواب می دهد سلام او را؛ چنانچه به همه این ها شهادت می دهد در وقت خواندن اذن دخول.

و اندیشه کند در محبت و لطفی که به شیعیان و زائران خود دارند و تأمیل کند در خرابی حال خود و جفایی که به آن بزرگواران کرده و

فرموده های بی شماری که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیت ها که از او به ایشان یا به خاصان و دوستان ایشان رسیده که برگشت آن به آزردهن ایشان است و اگر برآستی در خود نگردد قدم هایش از رفتن بازایستد و قلبش خاشع گردد و چشمش گریان شود و این، روح آداب زیارت است.

دهم: بوسیدن عتبه عالیه و آستانه مبارکه است. (۳)

و مرحوم شهید رحمه الله فرموده است: اگر زیارت کننده سجده کند و نیت کند که از برای خدا سجده می کنم به شکرانه این که مرا به این مکان رسانیده بهتر خواهد بود.

یازدهم: پای راست را در وقت داخل شدن مقدم داشته و پای چپ را در وقت بیرون آمدن مقدم بدارد، مانند آنچه در وارد شدن و خارج شدن از مسجد عمل می کند.

دوازدهم: نزد ضریح مطهر بایستد به گونه ای که خود را بتواند به آن بچسباند. و توهم آن که دور ایستادن ادب می باشد و هم است؛ زیرا که چسبیدن به ضریح و بوسیدن آن در روایت وارد شده است.

سیزدهم: در وقت زیارت پشت به قبله و رو به قبر منور بایستد، و ظاهراً این ادب مختص به زیارت معصوم است.

و چون از خواندن زیارت فارغ شد گونه راست را به ضریح بگذارد و به حال تضرع دعا کند، پس گونه چپ را بگذارد و بخواند خدا را به حق صاحب قبر که او را از اهل شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و در دعا مبالغه نموده و اصرار نماید. پس به سمت سر مطهر برود و رو به قبله بایستد و دعا کند.

چهاردهم: در وقت خواندن زیارت - اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پاو غیر این ها - بر روی پا بایستد.

پانزدهم: در هنگام دیدن قبر

مطهر پیش از شروع در خواندن زیارت، تکبیر بگوید.

و در خبریست که هر کس تکبیر بگوید پیش روی امام علیه السلام و بگوید: «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» برای او خشنودی خدای بزرگ نوشته شود.

شانزدهم: زیارت هایی که از ائمه علیهم السلام روایت شده بخواند و خواندن زیارت های ساختگی که بعضی از بی خردان از عوام آن ها را با بعضی از زیارات تلفیق کرده و نادانان را به آن مشغول ساخته اند، ترک نماید.

شیخ کلینی رحمه الله روایت کرده از عبدالرحیم قصیر که گفت:

وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و گفتم: فدایت شوم از پیش خود دعایی اختراع کردم.

حضرت فرمود:

واگذار مرا از اختراع خود، هر گاه تو را حاجتی روی دهد به حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم پناه بر و دو رکعت نماز بخوان و هدیه کن آن را به سوی آن حضرت الخ.

هفدهم: نماز زیارت را بخواند، و اقل آن دو رکعت است.

مرحوم شهید فرموده: که اگر زیارت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم است نماز را در روضه مطهره بجا آورد و اگر در حرم یکی از ائمه علیهم السلام است در بالای سر بجا آورد و اگر آن دو رکعت را در مسجد آن مکان یعنی مسجد حرم انجام دهد جایز است.

و علامه مجلسی رحمه الله فرموده: به نظر من اگر نماز زیارت و غیر آن را در پشت قبر یابالای سر انجام دهد بهتر است.

(و نماز خواندن جلوتر از قبر امام علیه السلام چون بی احترامی و بی ادبی نسبت به مقام مقدس آن بزرگوار است، جایز نیست.)

هیجدهم: در رکعت اول سوره «یس» و در رکعت دوم سوره «الرحمن» را بخواند؛ اگر کیفیت مخصوصی برای نماز زیارتی که می خواند وارد نشده باشد، و بعد از نماز به

آنچه وارد شده یا به آنچه در خاطر او می رسد برای دین و دنیای خود و برای عموم مؤمنین دعا کند؛ زیرا که آن به اجابت نزدیک تر است.

نوزدهم: مرحوم شهید فرموده: اگر کسی داخل حرم مطهر شود و ببیند نمازجماعت منعقد شده است اوّل نماز بخواند پیش از آنکه زیارت نماید. (در صورتی که شرایط شرکت در نماز جماعت برای او وجود داشته باشد)... .

بیستم: مرحوم شهید از جمله آداب زیارت، تلاوت کردن قرآن را نزد ضریح های مطهره و هدیه کردن آن را به روح مقدّس آن امام یا آن که زیارت می شود برشمرده و گفته است که این کار، فایده اش به زیارت کننده برمی گردد و نوعی احترام و بزرگداشت کسی است که زیارت می شود.

بیست و یکم: ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده و ترک اشتغال به صحبت های دنیویّه که همیشه در هر جا مذموم و قبیح و مانع رزق و باعث قساوت قلب است خصوص در این بقعه های مطهره و زیر این گنبد های بلند مرتبه و ارزشمند که خدای تعالی خبر می دهد از بزرگی و جلالت آن ها در سوره نور «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ يُزْفَعَ» (۴) تا آخر آیه.

بیست و دوّم: صدای خود را در وقت زیارت بلند نکند، چنانچه در «هدیه‌الزائرین» ذکر کردم.

بیست و سوّم: وقتی می خواهد مراجعت کند و از شهر خارج شود، با امام علیه السلام وداع کند به آنچه در روایات آمده یا به غیر آن.

بیست و چهارم: به سوی خدا بازگردد و از گناهان خویش استغفار نماید و کردار و گفتار خود را بعد از زیارت نسبت به پیش از آن بهتر نماید.

بیست و پنجم: به قدر توان بر خادمان آستانه شریفه انفاق نماید، و سزاوار است که خدّام آن مکان

شریف از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروّت باشند و تحمّل نمایند آنچه از زائرین می بینند و خشم خود را بر آن ها فرو نشانند و غلظت و درشتی بر آن ها ننمایند و بر قضاء حوائج محتاجین اقدام کنند و افراد غریب و ناآشنا را راهنمایی و دلالت کنند اگر راه را گم نمایند، و خلاصه باید خدام به حقیقت و راستی در خدمات لازمه از نظیف و حراست و محافظت زائران و غیره، مشغول باشند.

بیست و ششم: انفاق و احسان نماید بر مجاورین آن بقعه مبارکه که دچار فقر و ناداری هستند ولی آبرومندند؛ خصوصاً سادات و اهل علم که ترک دیار کرده اند و به تلخی غربت و تنگدستی مبتلایند و همواره پرچم تعظیم شعائر الهی را برپا نموده، وجهاتی را دارا هستند که ملاحظه هر یک از آنها کافی در لزوم اعانت به آن ها و رعایت حالشان است.

بیست و هفتم: مرحوم شهید فرموده: از جمله آداب این است که وقتی از زیارت بهره مند گردید، زودتر از آن مکان شریف بیرون رود، برای مزید تعظیم و احترام و شدّت شوق به رجوع.

و نیز فرموده: در وقتی که زن ها می خواهند زیارت کنند باید از مردان جدا باشند و تنها زیارت کنند و اگر در شب زیارت کنند اولی است و باید که وضع خود را تغییر دهند، یعنی لباس خوب و عالی را به لباس پست بدل کنند که شناخته نشوند و مخفی و پنهان بیرون آیند که کسی کمتر ایشان را ببیند و بشناسد و اگر با مردان زیارت کنند نیز جایز است اگرچه مکروه است.

از این گفتار معلوم شد کثرت قبح و زشتی آنچه متعارف شده که زن ها به اسم تشرّف به زیارت خود را آرایش

نموده با لباس های نفیس از خانه ها بیرون می آیند و در حرم های مطهره با نامحرمان برخورد می نمایند.

زنانی که در طرف قبله مردان می نشینند و با رفتار خود حواس مردم را پریشان می کنند، و زائرین و نمازگزاران و گریه کنندگان را از عبادت باز می دارند از گروهی شمرده می شوند که راه خدا را می بندند.

در واقع این گونه زیارت زنان از منکرات شمرده می شود نه از عبادات، و وسیله هلاکت است نه تقرب.

از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به اهل عراق فرمود:

یا اهل العراق؛ تبئت أن نساؤکم یوافین الرجال فی الطریق أمتستحیون؟

ای اهل عراق؛ به من خبر رسیده که زن های شما در راه به مردان می رسند یعنی در کوچه و بازار به نامحرمان برمی خورند، آیا شماها حیا نمی کنید؟

و فرمود:

لعن الله من لا یغار.

خداوند لعنت کند کسی را که غیرت ندارد.

بیست و هشتم: سزاوار است وقتی که زوار بسیارند کسانی که خود را زودتر به ضریح رسانده اند زیارت را کم نموده و کنار روند تا دیگران نیز مثل آن ها به نزدیک شدن به ضریح فائز گردند. (۵)

بیست و نهم: هنگام تشرّف به اماکن مقدّسه و حرم های مطهر اهل بیت علیهم السلام بهترین موقعیت از لحاظ مکان و حال زائر برای دعا نمودن برای تعجیل ظهور امام زمان ارواحنا فداه وجود دارد؛ بنابراین زائرین محترم باید به این وظیفه اساسی خود در همه اماکن مقدّسه توجه داشته باشند.

سی ام: چون انسان از هر کجا که بخواهد می تواند امام زمان ارواحنا فداه را زیارت کند، سزاوار است پس از خواندن زیارت در حرم های مطهر، به امام عصر ارواحنا فداه توجه نموده و با خواندن زیارت آن حضرت نیز قلب خود را صفا بخشیده و وظیفه خود را انجام دهد.

آغاز آداب زیارت

همان گونه که بیان کردیم آداب زیارت از

هنگام سفر به مشهد مقدس آغاز می شود، به این جهت زائرین گرامی نه تنها هنگام تشرّف به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام بلکه از وقتی که می خواهند سفر زیارت را آغاز کنند، باید از نظر فکری و روحی خود را آماده نموده تا از عنایات و توجّهات کریمانه حضرت امام رضا علیه السلام کاملاً بهره مند شوند.

راهنمایی هایی که در گفتار خاندان وحی علیهم السلام درباره آغاز سفر وارد شده است، دلیل واضح و روشنی بر این حقیقت می باشد که لازم است زائر از ابتداء سفر دارای طهارت باطنی و آمادگی معنوی باشد.

به این جهت در بعضی از زیارات مانند زیارت اول حضرت امام رضا علیه السلام، آداب زیارت از هنگام شروع سفر به مشهد مقدس وارد شده است.

مستحب است زائرین محترم از ابتداء شروع به سفر، آن ها را رعایت کنند و پس از ورود به مشهد مقدس آداب زیارت را از هنگام تشرّف به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام انجام دهند.

دعای اذن ورود به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام

اشاره

قبل از نقل زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام، این دعا را به عنوان اذن ورود به حرم مطهر آن حضرت، ذکر می نمایم:

(۶)

اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ خَدَاوَنَدَا؛ مَنْ أَيْسْتَادَهُ ام كِنَارِ دَرِي از درهای خانه های پیامبر که درود تو علیه و آله، وَقَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَيْهِ بِإِذْنِهِ، فَقُلْتُ «يَا بَرِ أَوْ آلِ أَوْ بَادِ، وَ تُو مَرْدَمِ رَا بَا زِدَا شْتَه اِي از این که بدون اجازه او وارد شوند، و فرموده ای: «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بَيْتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ» (۷). کسانی که ایمان آورده اید به خانه های پیامبر وارد نشوید مگر اینکه به شما اجازه داده شود.» اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ خَدَاوَنَدَا؛ مَنْ بَه حُرْمَتِ صَاحِبِ اَيْنِ مَكَانِ شَرِيفِ دَرِ فُقْدَانِ اُو مَعْتَقِدَم؛ كَمَا

فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًاوَأُورِدُ شَوْمَ بَهْتَرٍ أَجَازَهُ أَيُّ كَيْفٍ بِرَأْسِي مِنْ شَائِسْتِهِ أَنْ نَبِشُمُ، لِذَلِكَ، فَأَنْتَ أَهْلٌ لَهُ.

شما شایستگی آن را دارید.

پس اگر قلبت خاشع شد و اشک از چشمانت جاری گردید؛ این، نشانه اذن ورود به حرم مطهر است. (۹)

□

زیارت اول حضرت امام رضا علیه السلام

از معصومین علیهم السلام روایت شده است که فرمودند:

هرگاه خواستی برای زیارت مرقد پاک حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به مشهد مقدس بروی، پیش از خارج شدن از منزل غسل کن و در هنگام غسل کردن بگو:

اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِي وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي، وَاشْرَحْ لِي صِدْرِي، وَأَجِرْ عَلِيَّخِداوندا؛ مرا پاک گردان، و قلب و روحم را پاکیزه فرما، و سینه ام را گشایش بده، و لسانی متمدحتك و الثناء عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ مَدْحًا وَ ثَنًاي خود را بر زبانت جاری کن، که نیرویی جز به وسیله تو وجود ندارد. خداوندا؛ آن را لی طهوراً وشفاءً و نوراً.

باعث پاکی و بهبودی و روشنی من قرار بده.

و هنگام خارج شدن از منزل بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَإِلَى اللَّهِ وَإِلَى ابْنِ رَسُولِهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ بِنَامِ خِدا و به یاری خِدا، و به سوی خِدا و فرزند رسول او، خداوند مرا بس است، عَلَيَّ اللَّهُ. اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَإِلَيْكَ قَصَيْدْتُ، وَمَا عِنْدَكَ أَرَدْتُ. بر خِدا توکل کردم. خداوندا؛ به سوی تو روی آوردم، و آهنگ تو نمودم، و آنچه نزد تو است اراده کرده و خواهانم.

و چون از خانه بیرون آمدی، کنار درب خانه ات بایست و بگو:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَعَلَيْكَ خَلَّفْتُ أَهْلِي وَمَالِي وَمَاخِداوندا؛ به سوی تو چهره خود را گردانیدم، و با تکیه بر تو پشت سر گذاردم اهل و عیال و مال و دارائیم و آنچه خوالتنی، وَبِكَ وَثِقْتُ فَلَا تُخَيِّبْنِي،

یا مَنْ لَا يَخِيبُ مَنْ أَرَادَهُ، به من عطا کرده ای، و به تو اطمینان نمودم پس مرا بی بهره و ناامید مگردان، ای آنکه محروم نمی کند کسی را که او را اراده کند، وَلَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظَهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنِي وَتَبَاهِ نَمِي گرداند کسی را که او نگهداری کند، بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا بِحِفْظِكَ، فَإِنَّهُ لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَ.

با حفظ و نگهداری خود حفظ فرما، بدون تردید کسی را که تو حفظ کنی ضایع نمی گردد و تباه نمی شود.

هنگامی که به سلامتی وارد مشهد مقدس شدی، و قصد زیارت نمودی، غسل زیارت کن و هنگام غسل کردن بگو:

اللَّهُمَّ طَهِّرْ نِي وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَاشْرَحْ لِي صِدْرِي، وَأَجِرْ عَلِي خِدَاوَنَدَا؛ مرا پاک گردان، و قلب و روح را پاکیزه فرما، و سینه ام را گشایش بده، و لِسَانِي مَدْحَتَكَ وَمَحَبَّتَكَ وَالشَّاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، مَدْحٌ وَمَحَبَّةٌ وَثَنَاءٌ خُودِ رَا بَر زبَانِم جَارِي سَا، که نیرویی جز به وسیله تو نیست، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قُوَّةَ دِينِي، التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ، وَالِاتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، و می دانم که قوت دین من، سر نهادن به فرمان تو و پیروی کردن از سنت و راه و روش پیامبر تو، وَالشَّهَادَةُ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَنُورًا. و گواهی دادن بر تمام آفریدگان تو است. خداوندا؛ آن را برای من شفا و روشنایی قرار بده.

سپس پاکترین لباس هایت را بپوش، و پای برهنه با آرامش و وقار راه برو، و زبان را به گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ»، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «سُبْحَانَ اللَّهِ»، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و ستایش خداوند مشغول بدار، و قدم هایت را کوتاه بردار، و هنگامی که وارد حریم ملکوتی آن حضرت شدی، بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، بنام خدا و به یاری خدا و بر آئین و دین رسول خدا، گواهی می دهم که خدایی جز خداوند نیست، وَخِدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّ أَوْ يَكْتَا اسْتِ كَه شَرِيكِي نَدَارْد، وَ گواهی می دهم كه (حضرت) مُحَمَّد بنده و فرستاده او است، وَ بِي گَمَان عَلِيًّا وَلِيًّا اللَّهُ.

(حضرت) علی ولی خداوند است.

سپس به آن قبر نورانی اشاره کن و در طرف روبروی امام، قبله را بین دوشانه ات (پشت سرت) قرار بده و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَخِدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا گواهی می دهم كه معبودی جز خدا نیست، او یكتا است و شریکی برایش نیست، و گواهی می دهم كه مُحَمَّد عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ بنده و فرستاده او است، و او سرور پیشینیان و آیندگان است، و او سرور پیامبران وَالْمُرْسَلِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَرَسُولَانِ اسْت. خداوندا؛ بر مُحَمَّد بنده ات و فرستاده ات و پیامبرت وَسَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، صِيْلَاةً لَا يَتَقَوَّى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ. و سرور تمامی آفریدگانت درود فرست، درودی كه بر شمارش آن غیر از خودت کسی توانایی ندارد. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، عَبْدِكَ وَأَخِي خداوندا؛ درود فرست بر امیر و فرمانروای مؤمنان، عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، بنده ات و برادر رسولت، الَّذِي أَنْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ فَرَسْتَادِهِ وَرَسُولْتِ، أَنَكِهْ أَوْ رَا بَا عِلْمِ وَ آگَاهِيْ خُودِ بَر گزیدی، و قرار دادی او را هدایت کننده برای هر كه خواهی از خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلَ عَلِيٍّ مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ، وَذِيَانَ الدِّينِ بَعْدَكَ بِنِدَائِكَ، وَ رَاهِنْمَا بَرِ آَنَانِ كِهْ بِهْ رِسَالَتِ مَبْعُوثِ فَرْمُودِي، وَ پَادَاشِ دِهِنْدِهْ جَزَا بِهْ عَدَلِ وَ دَادَتِ وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلَامُ وَ

خاتمه دادن داوریت در میان آفریدگانت، و گواه و بپادارنده و نگهبان بر همه این امور. و سلام علیه ورحمه الله وبرکاته. **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فاطمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ**، و رحمت و برکات خداوندی بر او باد. خداوندا؛ درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت، و زوجه و لیتک، و امُّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابٍ و همسر ولایت، و مادر دو سبط رسالت امام حسن و امام حسین دو سید و سرور جوانان أَهْلِ الْجَنَّةِ، الطُّهْرَةَ الطَّاهِرَةَ، الْمُطَهَّرَةَ التَّقِيَّةَ، الرَّضِيَّةَ الرَّكِيَّةَ، اهل بهشت، آنکه دارای پاکیزگی و طهارت، و پاک بودن جسم و جان، تقوا، شایستگی و پاکی است، سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، صِالَةٌ لَا يَقْوَى عَلَيَّسُرور زنان اهل بهشت از همه آفریدگان است، درودی که جز تو نتواند اِحْصَاءُهَا غَيْرُكَ. **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ**، سَبْطَيْنِ، کسی آن را شمارش کند. خداوندا؛ درود فرست بر امام حسن و امام حسین، دو سَبْطَيْنِ، و سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الْقَائِمَيْنِ فِي خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلَيْنِ پیامبرت، و دو سرور جوانان اهل بهشت، دو قیام کننده به امر تو در میان آفریدگانت، و دو راهنما علی مَنْ بَعَثَتْ بِرِسَالَاتِكَ، وَدَيَّانِي الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَضْلِكَ بر آنان که آن ها را به رسالت مبعوث فرمودی، و دو حکم کننده و فرمانروای دین به عدلت و خاتمه دادن) فَضِّلْنِي (قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ. **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ** داوریت در میان آفریدگانت. خداوندا؛ درود فرست بر علی بن الحسین سَيِّدِ الْعَابِدِينَ، عَبْدِكَ وَالْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، سرور عبادت کنندگان، بنده ات و قیام کننده به امرت در میان مخلوقات، و جانشین تو بر آفریدگانت، وَالذَّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثَتْ بِرِسَالَاتِكَ، وَدَيَّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَضْلِكَ و راهنما بر کسانی که آنان را به رسالت مبعوث فرمودی، و حکم کننده و فرمانروای دین به عدلت و خاتمه دادن قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ. **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ**

عَلِيِّ، عَبْدِكَ داوریت در میان آفریدگانت. خداوندا؛ درود فرست بر محمد بن علی، بنده ات وَوَلِيِّ دِيَّتِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي
أَرْضِكَ، بِاقْرِ عِلْمِ النَّبِيِّنَ، الْقَائِمِ وَ سِرپرست دینت، و جانشینت در روی زمینت، شکافنده علم و دانش پیامبران، برپادارنده
بِعَدْلِكَ، وَالِدَاعِي إِلَى دِينِكَ وَ دِينَ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ، صِلَاهُ الْعِدَالَتِ، وَ دَعْوَتِ كُنْدَه بَه دینت و دین پدران راستگو و درست
کردارش، درودی که کسی لایقوی علی إحصائها غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ جِزْ خُودَتِ تَوَانَايِي شِمَارَشِ آن رَا
نِدَاشْتَه بَاشَد. خِداوندا؛ درود فرست بر جعفر بن محمد الصَّادِقِ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِيَّتِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، امام
صادق، بنده ات و سرپرست دینت، و حجتت بر همه آفریدگانت، الصَّادِقِ الْبَارِّ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ،
الْعَبْدِ الْبَارِّ رَاسْتِگُوی نیکوکار. خِداوندا؛ درود فرست بر موسی بن جعفر امام کاظم، بنده الصَّالِحِ، وَ لِسَانِكَ فِي خَلْقِكَ، الْنَّاطِقِ
بِعِلْمِكَ، وَالْحُجَّةِ عَلَيَّ شَايِسْتَه، وَ زَبَانَ گُویای تو در میان آفریدگانت، آنکه بَه علم و دانش تو گُویا، وَ حُجَّتِ بَرَبْرِيَّتِكَ، صِلَاهُ
لَا يَقُوی عَلَى إحصائها غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْنْدِگَانِ تُو اسْتِ، درودی که بر شِمَارَشِ آن غَیر از تُو کسی تَوَانَايِي نِدَارد.
خِداوندا؛ درود فرست بر عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، الْقَائِمِ عَلَيَّ بِنِ مُوسَى الرِّضَا، آن امام پسنْدیده،
بنده ات و سرپرست دینت، برپادارنده بَعْدْلِكَ، وَالِدَاعِي إِلَى دِينِكَ وَ دِينَ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ، صِلَاهُ الْعِدَالَتِ تُو، وَ دَعْوَتِ كُنْدَه بَه
دینت و دین پدران راست گفتار و درست کردارش، درودی که لایقوی علی إحصائها غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ
جِزْ تُو نَتَوَانْدِ آن رَا شِمَارَشِ كُنْد. خِداوندا؛ درود فرست بر محمد بن علی، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، وَالِدَاعِي إِلَى
سَبِيلِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ بِنْدَه ات وَ وِلِيَّتِ، آن قِیام كُنْدَه بَه امر و فرمان تُو، وَ دَعْوَتِ كُنْدَه بَه راه تُو. خِداوندا؛ درود فرست علی
عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ

دینک. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی بَر عَلٰی بْنِ مُحَمَّد، بنده ات و سرپرست دینت. خداوندا؛ درود فرست بر الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، الْعَامِلِ بِأَمْرِكَ، وَالْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، وَحُجَّتِكَ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، آن عمل کننده به فرمانت، و قیام کننده در میان آفریدگانت، وَحُجَّتِ الْمُؤَدَّى عَنْ نَبِيِّكَ، وَشَاهِدِكَ عَلِيٍّ خَلْقَتِكَ، الْمَخْصُوصِ بِكَرَامَتِكَ، که پیام رساننده از طرف پیامبرت، و گواه تو بر مخلوقات است، اختصاص یافته به کرامت و بزرگداشت تو، الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، فراخواننده مردم به اطاعت تو و اطاعت رسولت که درود و رحمت تو بر همه ایشان باد؛ صَلَاةٌ لَا يَتَّقُونَ عَلِيٍّ إِخْصَاءُهَا غَيْرُكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی حُجَّتِكَ درودی که جز تو بر شمارش آن توانایی نداشته باشد. خداوندا؛ درود فرست بر حُجَّتِ وَوَلِيِّكَ، وَالْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، صَلَاةٌ (تَامَّةٌ) نَامِيَةً بَاقِيَةً، تُعَجَّلُ وَوَلِيَّتِ، و قیام کننده در میان آفریدگانت، درودی (کامل)، فزاینده، پایدار، بِهَا فَرَجُهُ، وَتَنْصُرُهُ بِهَا، وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. که به واسطه آن فرجش را تعجیل فرمایی، و به وسیله آن او را یاری نمایی، و ما را در دنیا و آخرت با او قرار دهی. اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِزِيَارَتِهِمْ وَمَحَبَّتِهِمْ، وَأُوَالِي وَوَلِيِّهِمْ، خداوندا؛ به راستی من با زیارت و دوستی ایشان به تو تقرب می جویم، و دوستان آنان را دوست، وَأُعَادِي عَدُوَّهُمْ، فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاصْرِفْ وَدَشْمَانِ شَانِ رَا دَشْمَانِ مِي دَارْمِ، پَس خَيْرِ وَخُوبِي دُنْيَا وَآخِرَتِ رَا بَه وَاسَطَه ايشان بَه مَن رُوزِي گَرْدَانِ، وَعَنِي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

از من به واسطه ایشان شرّ و بدی دنیا و آخرت و ترس و بیم روز قیامت را دور فرما.

سپس در طرف بالاسر آن حضرت، می نشینی و می گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ سَلَامٌ بِرِ تَوَايِ وَلِيٍّ

خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ بر تو ای نور خدا در تاریکی های زمین، سلام بر تو ای رکن و اساس الدین، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ اَدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ، سلام بر تو ای ارث برنده از) حضرت (آدم که برگزیده خدا است، سلام بر تو ای وَاثِرَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، ارث برنده از) حضرت (نوح که پیامبر خدا است، سلام بر تو ای ارث برنده از) حضرت (ابراهیم که خلیل و دوست خدا است، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ سَلَامٍ بر تو ای ارث برنده از) حضرت (موسی که هم سخن با خدا است، سلام بر تو ای ارث برنده از عیسی رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ،) حضرت (عیسی که روح خدا است، سلام بر تو ای ارث برنده از) حضرت (محمد که حبیب خدا است، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ وُلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ سَلَامٍ بر تو ای ارث برنده از امیر و فرمانروای مؤمنان) حضرت (علی که ولی خدا است، سلام عَلَيْكَ يَا وَاثِرَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَرِئَةَ بر تو ای ارث برنده از) حضرت (فاطمه که سرور زنان جهانیان است، سلام بر تو ای وَاثِرَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ ارث برنده از امام حسن و امام حسین که دو سرور جوانان اهل بهشت هستند، سلام بر تو یا وَاثِرَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ارث برنده از) حضرت (علی بن الحسین که زینت عبادت کنندگان است، سلام بر تو ای وَاثِرَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بَاقِرِ عِلْمِ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ ارث برنده از) حضرت (محمد بن علی که شکافنده علم

و دانش پیشینیان و آیندگان است، سلام بر تو یا وارثِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّادِقِ الْبَارِّ، التَّقِيِّ النَّقِيِّ، السَّلَامُ ای ارث برنده از (حضرت) جعفر بن محمد که راستگو، نیکوکار، تقوایشه و پاک سرشت است، سلام عَلَیْكَ یا وارثِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْكَاظِمِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا بَرُّ تُوای ارث برنده از) حضرت (موسی بن جعفر که فروبرنده خشم و غضب است، سلام بر تو ای الصَّادِقِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَارُّ التَّقِيُّ، أَشْهَدُ رَاسْتَ كَفْتَارِ گواه، سلام بر تو ای وصی و جانشین نیکوکار تقوایشه، گواهی می دهم أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ كَه تُو نماز را بیاداشتی، و زکات را پرداختی، و به خوبی ها فرمان دادی، وَعَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَيَّدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، السَّلَامُ از زشتی ها بازداشتی، و خدا را خالصانه پرستش نمودی تا دنیا را وداع گفتی، سلام عَلَیْكَ یا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَهُ اللَّهَ وَبَرَكَاتَهُ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. بر تو ای ابا الحسن و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، به راستی که او ستوده و باعظمت و باشکوه است.

سپس خود را بر آن قبر پاک بینداز و بگو:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَيَّمْتُ مِنْ أَرْضِي، وَقَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءً رَحْمَتِكَ، خُداوندا؛ از سرزمین خود آهنگ تو کرده، و شهرها را به امید رحمت تو پیموده ام، فَلَا تُخَيِّبْنِي وَلَا تُزِدَّنِي بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَوَائِجِي، وَارْحَمْ تَقَلُّبِي عَلَيَّسِ مَرَا مَحْرُومِ مَفْرَمَا، و بدون برآمدن حاجتم مرا بازمگردان، و به گردیدنم در اطراف قَبْرِ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ صَيَّمْتُ اللَّهَ عَلَيْهِ وَآلِهِ. بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي قَبْرِ پسر برادر رسولت - که درود خدا بر او و آل او باد - بر من رحم کن. پدر و مادرم به فدایت؛ أَتَيْتُكَ زَائِراً وَاقْتِدَاءً، عَائِدَةً مِمَّا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، وَاخْتَطَبْتُ بِه زيارت شما آمده و به دربار شما وارد

شده ام، و از آنچه بر خود جنایت کردم، و بار سنگین گناهی که علی ظهری، فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى رَبِّكَ يَوْمَ فَقْرِي وَفَاقَتِي، فَإِنْ
بر دوش دارم به شما پناهنده گشته ام، پس برای من در پیشگاه پروردگارت روز فقر و نیازم شفیع باش، که لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا
مَحْمُودًا، وَأَنْتَ وَجِيهٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. برای تو نزد خدا مقام ستوده و شایسته ای است، و تو در دنیا و آخرت محترم و آبرومند
هستی.

سپس دست راست را بالا ببر، و دست چپ را بر روی قبر بگشا و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَبِمُوَالَاتِهِمْ، وَأَتَوَلَّى اخِرَهُمْ بِمَا خَدَاوَنَدَا؛ مَنْ بِي دُوسْتِي وَارَادَتِي كَمَا بِي دُوسْتِي وَارَادَتِي، فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى رَبِّكَ يَوْمَ فَقْرِي وَفَاقَتِي، فَإِنْ
تَقَرَّبَ مِي جُويم، و نسبت به آخرين آن ها عشق و ارادت مِي ورزم همانگونه تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَهُمْ، وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَوَلِيَجِهِ دُونَهُمْ.
اللَّهُمَّ الْعَنِ كَمَا نَسَبْتَ بِهِ أَوْلِيَيْنِ اِيشَانِ ارَادَتِي دَارَمِ وَ سُرُورِي اُو رَا پَدِيِرْفَتَه اِم، وَ اَز هِر دَسْتِ اُو يَزِي كَمَا غِيَرِ اِيشَانِ بَاشَدِ بِي زَارَمِ.
خداوندا؛ لعنت کن الَّذِينَ يَدُلُّوْا نِعْمَتَكَ، وَأَنْتَهُمْوَا نَبِيَّكَ، وَجَحِيْدُوْا بَايَاتِكَ، وَسَيَخْرُوْا اِنَانِ كَمَا نِعْمَتِ تُو رَا دِگَر گُوْنِ سَاخْتَنَدِ، وَ
پيامبرت را مَتَّهَمِ سَاخْتَنَدِ، وَ اَيَاتِ وَ نَشَانَه اِهَاتِ رَا اِنكَارِ نَمُوْدَنَدِ، وَ اِمَامِ وَ پِي شُوَائِي رَا كَمَا تُو مَعِيْنِ كَرْدِي بِاِمَامِكَ، وَ حَمَلُوْا
النَّاسَ عَلَيَّ اَكْتَاْفِ اِلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي بِه بَادِ مَسْخَرَه كَرَفْتَنَدِ، وَ مَرْدَمِ رَا بَرِ دُوشِ آلِ مُحَمَّدٍ سُوَارِ كَرْدَنَدِ (يعني بر عليه آنان
واداشتند). خداوندا؛ به راستی من أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللُّغْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَالْبِرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لعنت بر ایشان، و بیزاری جستن
از این ناپاکان در دنیا و آخرت به تو تقرب می جویم، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ.

ای بخشنده؛ ای مهربان.

سپس به پائین پای مبارک برو و بگو:

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، صَلَّى اللَّهُ

عَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، صَبَرْتَ دَرُودَ وَرَحْمَتَ خِدا بِرِ تَوَايِ اِبَا الْحَسَنِ؛ دَرُودَ خِدا بِرِ رُوحِ پَاكْتِ وَبَدَنِ مَقْدَسَتِ، شَكِيَّائِي پِيشِه كَرْدِي وَ اَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدِّقُ، قَتَلَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْاَيْدِي وَاللِّسَنِ. وَ تُو رَاسْتَكُو وَ تَصْدِيقِ شَدِه اِي، خِداوَنَدِ بَكْشَدِ كَسِي كِه تُو رَا بِا دَسْتِ هَا وَ زَبَانِ هَا آزارِ نَمُودِه وَ كَشْتَنَدِ.

سپس با لعنت کردن بر قاتل امیر المؤمنین علیه السلام و با لعنت کردن بر قاتلان امام حسین علیه السلام و بر تمام قاتلان اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، آن ها را نفرین کن. (۱۰)

«لعنت کردن بر آن جماعت به هر زبان که گفته شود خوب است و اگر این عبارت را - که قسمتی از ادعیه مأثوره است - بخواند مناسب است:

اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَقَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَقَتْلَةَ خِداوَنَدَا؛ دُورِ كُنْ اَز رَحْمَتِ خِودِ كَشْتَنَدِگانِ اَمِيْرِ وَ فَرْمَانِروايِ مُؤْمِنانِ (حَضْرَتِ عَلِي عَلِيَه السَّلَامِ) رَا، وَ كَشْتَنَدِگانِ حَسَنِ وَ حُسَيْنِ رَا، وَ كَشْتَنَدِگانِ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ. اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَعْدَاءَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَقَتْلَتَهُمْ، وَزِدْهُمْ اَهْلِ بَيْتِ پِيغمبرِ خِودِ رَا. خِداوَنَدَا؛ لعنتِ كُنْ دَشْمَنانِ آلِ مُحَمَّدِ رَا وَ كَشْتَنَدِگانِ اَنانِ رَا، وَ زِيادِ كُنْ اَن هَا رَا عِذاباً فَوْقَ الْعِذابِ، وَ هَواناً فَوْقَ هَوانِ، وَ ذُلًّا فَوْقَ ذُلِّ، وَ خِزْيًا عِذابِي بِالْا_تَرِ اَز هَرِ عِذابِ، وَ خِواري بِالْا_تَرِينِ مَرْتَبِهِ خِواري، وَ مَذَلَّتِي بِرْتَرِينِ مَرْتَبِهِ مَذَلَّتِ، وَ رَسِوايِي فَوْقَ خِزْيِ. اَللّٰهُمَّ دُعُهُمْ اِلَى النَّارِ دَعَاً، وَ اَرْكَسُهُمْ فِي اَلِيْمِ بِرْتَرِينِ مَرْتَبِهِ رَسِوايِي. خِداوَنَدَا؛ رِوانِه سَازِ اَن هَا رَا بِهِ آتَشِ رِوانِه سَاخْتَنِي، وَ سَرِنِگونِ كُنْ اَن هَا رَا دَرِ عِذابِكَ رِكْسًا، وَ اَحْشُرْهُمْ وَ اَتَّبِعْهُمْ اِلَى جَهَنَّمَ زُمرًا. (۱۱)

عذاب دردناك خودت سرنگون كردني، و محشور گردان آن ها و پيرون شان را به سوي جهنم گروه گروه. »

سپس به قسمت بالای سر مبارک امام علیه السلام برو، و آنجا دو رکعت نماز بخوان؛ در رکعت

اول بعد از «حمد»، «سوره یس» و در رکعت دیگر سوره «الرحمن»، و آنچه می توانی دعا و تضرع نما، و برای پدر و مادر و برادران مؤمن خویش زیاد دعا کن، و هر مقداری که می خواهی آنجا بمان، و سعی کن نمازت را کنار مرقد منور امام علیه السلام بجا آوری. (۱۲)

در کتاب «ذخیره الآخره» آمده است:

اگر نتوانست نماز زیارت را با سوره «یس» و «الرحمن» بخواند، با هر سوره ای که می تواند بخواند، سپس تسیح حضرت زهرا علیها السلام بگوید و هر دعایی که می خواهد بخواند، آن گاه سر به سجده نهاده و بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَنِي مِنْ ذَاتِ أَوْ كَمَكٍ مِى جَوِيْمٍ دَر حَالِي كِه اَز مَلَّتِ رَسُوْلِ اللَّهِ هَسْتَم، سَتَايش مَخْصُوْص خَدَاوَنْدِي اَسْت كِه مَرَا تَوْفِيْق

۱. مزار آقا جمال خوانساری: ۴۸.

۲. کامل زیارات: ۵۱۳، بحار الأنوار: ۴۴/۱۰۲.

بِزِيَارِهِ مَوْلَايَ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا. اَللّٰهُمَّ زِيَارَتِ مَوْلَايِمِ حَضْرَتِ اَبَا الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا رَا عِنَايَتِ فَرَمُوْد. خَدَاوَنْدَا! اِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ خَاشِعًا خَاضِعًا، فَاغْفِرْ لِي هَمَانَا مِنْ نَمَازِ خَوَانْدَمِ وَرُكُوْعِ وَسَجْدِهِ نَمُوْدَمِ بَرَايِ تُو دَر حَالِ خَشُوْعٍ وَخُضُوْعٍ، پَسِ خَطِيئَاتِي كُلَّهَا، وَتَجَاوَزْ عَنِّي كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ، بِحُرْمَةِ وَلِيِّكَ تَمَامِي گِنَاهَانِ مَرَا بَبَخْشِ، وَ اَز هَر گِنَاهِي كِه مَرْتَكَبِ شَدِه اَمِ دَر گَنْدَر، بِه اَحْتِرَامِ وَلِيِّ الرَّضِيِّ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا، وَتَقَبَّلْ مِنِّي زِيَارَتَهُ بِحُرْمَةِ رَاضِيَّتِ حَضْرَتِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا. وَ زِيَارَتِ او رَا اَز مِنْ بِيذِيْرِ بِه اَحْتِرَامِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِيْنَ. (۱۳)

(حضرت محمد و تمامی آل او.)

مؤلف گوید: این زیارت، از زیارت های بسیار معروف حضرت امام رضا علیه السلام است که بسیاری از علمای بزرگ آن را در کتاب های خود با اختلافی اندک نقل کرده اند. (۱۴)

زیارت دوم حضرت امام رضا علیه السلام

هر گاه از وطن خود به

قصد زیارت خارج شدید، این دعا را بخوانید:

اَللّٰهُمَّ اِنِّكَ اَخْرَجْتَ، وَ اِنِّكَ اَتَوَجَّهُ، وَ بِكَ اَمْنٌ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، خدایاندا؛ به سوی تو خارج می شوم، و به سوی تو متوجه می شوم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل نمودم، وَ بِكَ اَسْتَعْنُتُ، وَ اِلَى مَشَاهِدِ اَوْلِيَاءِكَ وَ اَصِيْفِيَّاتِكَ قَصِيْدْتُ، وَ اِنِّكَ وَ اَز تو طلب کمک می نمایم، و مشاهد اولیای تو و برگزیدگان را قصد نمودم، و به سوی تو رغبت، فَصَلَّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِيْنَ، وَ بَلَّغْنِيْ اَمَلِيْ مَا يَلِ اَبْنِ اَبِيْ طَالِبٍ، وَ اِنِّكَ اَخْرَجْتَ، وَ اِنِّكَ اَتَوَجَّهُ، وَ بِكَ اَمْنٌ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، خدایاندا؛ مرا به امید و رجائی فی زیارتی اِیَّاهُمْ، وَ قَصِيْدِيْ اِلَيْهِمْ فِیْ خَيْرٍ وَ عَافِيَةٍ اَرْزُوْمِ بَرَسَانِ دَرِ زِيَارَتِيْ كِهْ اَنْ هَا رَا مِيْ نَمَايْم، وَ قَصِيْدِيْ كِهْ بَهْ سُوِيْ اَنْ هَا دَارْم، دَرِ خَيْرٍ وَ عَافِيَةٍ وَ سِتْرٍ وَ سَيِّلَامَةٍ وَ اَمْنٍ وَ كِفَايَةِ، وَ رَدَّنِيْ مَقْبُوْلًا - مَبْرُوْرًا مِاْ جُوْرًا وَ حَفْظٍ وَ سَلَامَتِيْ وَ اَمْنِيَّتِيْ وَ كِفَايَتِيْ، وَ مَرَا بَرِگَرْدَانِ بَا زِيَارَتِ قَبُوْلِ شُدِهْ وَ نِيْكَوْ بَا اَجْرٍ مَوْفُوْرًا سَيِّعِيْدًا غَانِمًا، وَ اَرْزُقْنِيْ الْعُوْدَ. اَللّٰهُمَّ مَا اَبْقَيْتَنِيْ، فَلَا تَجْعَلْهُ فَرَاوَانًا وَ بَا سَعَادَتٍ وَ غَنِيْمَتٍ، وَ بَا زِگَشْتِ بَهْ اَنْ رَا رُوْزِيْمِ فَرْمَا. خدایاندا؛ مادامی که مرا نگه می داری اَنْ رَا اَخْرَجْتَ الْعَهْدِ لِزِيَارَتِهِ مَشَاهِدِهِمْ وَ مَعَارِجِهِمْ، اِنِّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ. اَخْرِيْمِ مَرْتَبَهْ بَرَايِ زِيَارَتِ مَحَلِّ شَهَادَتِ وَ عُرُوْجِ اَنْاَنْ قَرَارِ مَدَهْ كِهْ تُو رَحْمِ كَنْنَدِهْ تَرِيْمِ رَحْمِ كَنْنَدِگَانِ هَسْتِيْ. پَسْ هَرِ گَاهْ بَهْ شَهْرِ رَسِيْدِيْدِ اَزْ جَايِيْ كِهْ غَسْلِ وَ اَجْبِ اسْتِ غَسْلِ نَمُوْدِهْ، وَ دَرِ رَاهِ زِيَادِ خدَاوَنْدِ رَا تَسْبِيْحِ، تَحْمِيْدِ، تَهْلِيْلِ، تَكْبِيْرِ وَ تَمْجِيْدِ نَمَايِيْدِ، وَ بَا فَضِيْلَتِ تَرِ وَ جَامِعِ تَرِ اَزْ هَمِهْ اِيْنِ اسْتِ كِهْ بَگُوِيِيْدِ:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ سَتَائِشِ مَخْصُوْصِ خدَاوَنْدِ اسْتِ، وَ خدَاوَنْدِيْ غَيْرِ اَزْ اَللّٰهِ نِيْسْتِ، وَ خدَا بَزَرْگَتَرِ اَزْ اَنْسْتِ كِهْ تَوْصِيْفِ شُوْدِ، قَدْرَتِ قُوَّةَ

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ، وَقُوَّةِ أَيْ نِيَّتِ مَكْرَهُ بِسَبِيلِهِ خَدَاوَنَدِ بَزْرَكٍ وَبَاعْظَمَتِ، وَدَرُودِ خَدَاوَنَدِ
بر (حضرت) محمد پیامبر خدا، وَعَلَى إِلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَسَلَّم تَسْلِيمًا. (۱۵)

و بر آل پاک و طاهر او، و سلام فراوان بر آنان باد.

هنگامی که کنار مرقد پاک حضرت امام رضا علیه السلام رسیدید، بگوئید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْهَادِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ سَلَامٌ بِرِجْمِ هِدَايَتِكَ، سَلَامٌ بِرِجْمِ وَصِيٍّ وَجَانَشِينِ
الزَّكِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْبُرِّ التَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا پارِسا، سَلَامٌ بِرِجْمِ اِبْتِغَاءِ نِيكَوْكَارِ بَاتِقْوَا، سَلَامٌ بِرِجْمِ اِبْتِغَاءِ
الْمُطَهَّرِ مِنَ الذُّنُوبِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعَاءَ حُكْمِ اللَّهِ، شَخْصِيَّتِ بِرِجْمِ اِبْتِغَاءِ مَبْرَا وَپَاكَ هَسْتِي، سَلَامٌ بِرِجْمِ اِبْتِغَاءِ
ظَرْفِ حَكْمِ خَدَاوَنَدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ سِرِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَافِظُ لِوَحْيِ سَلَامٌ بِرِجْمِ اِبْتِغَاءِ اِسْرَارِ پَرُورْدِگَارِ،
سَلَامٌ بِرِجْمِ اِبْتِغَاءِ حَافِظِ وَنِگَهْدَارِنْدِه وَحْيِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُسْتَوْفِي فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ الْهَيْ، سَلَامٌ بِرِجْمِ اِبْتِغَاءِ
كَامِلِ دَرِ اِبْتِغَاءِ وَفَرْمَانِبَرْدَارِي خَدَاوَنَدِ، سَلَامٌ بِرِجْمِ اِبْتِغَاءِ اِبْتِغَاءِ لِكِتَابِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي إِلَى تَوْحِيدِ اِبْتِغَاءِ
كُنْدِه كِتَابِ خَدَا، سَلَامٌ بِرِجْمِ اِبْتِغَاءِ دَعْوَتِ كُنْدِه بِتَوْحِيدِ وَيَكْتَائِي اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُعَبِّرُ لِمُرَادِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا خَدَا، سَلَامٌ بِرِجْمِ اِبْتِغَاءِ بَازِگُو كُنْدِه مَقْصُودِ پَرُورْدِگَارِ، سَلَامٌ بِرِجْمِ اِبْتِغَاءِ اِبْتِغَاءِ لِحَالِ اللَّهِ، وَالْمُحَرَّمِ لِحَرَامِ اللَّهِ، وَالِدَّاعِي إِلَى
دِينِ اللَّهِ، حَلَالِ كُنْدِه حَلَالِ خَدَاوَنَدِ، وَ اِبْتِغَاءِ حَرَامِ كُنْدِه حَرَامِ خَدَاوَنَدِ، وَفَرَاخَوَانِنْدِه بِسَبِيلِ دِينِ خَدَا، وَالْمُعَلِّنُ لِأَحْكَامِ اللَّهِ،
وَالْفَاحِصُ عَنْ مَعْرِفَةِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ اِبْتِغَاءِ كُنْدِه اِحْكَامِ الْهَيْ، وَ كَاوَشِ كُنْدِه اِبْتِغَاءِ مَعْرِفَتِ خَدَاوَنَدِ. سَلَامٌ بِرِجْمِ اِبْتِغَاءِ بَحَارِ
الأنوار: ۳۲۳/۱۰۰.

يا أبا الحسن، أشهدُ يا مولاي أنك حجة

اللَّهِ وَأَمِينُهُ، وَصَفْوُهُ اللَّهُ أَي ابَا الْحَسَنِ، گواهی می دهم ای مولای من که تو حجت خداوند و امین او، و برگزیده خدا و حبیبه، وَخَيْرُهُ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَحُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ، أَشْهَدُ أَنَّهُ مَنْ وَ حبيب او، و انتخاب شده از میان آفریدگان او، و حجت او بر بندگانش می باشی، گواهی می دهم که هر کس والاكَ فَقَدْ وَالَى اللَّهِ، وَمَنْ عَادَاكَ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ، وَمَنْ اسْتَمْسَكَ تُو را دوست بدارد خدا را دوست داشته، و هر کس با تو دشمنی کند با خدا دشمنی نموده، و هر کس بِكَ وَالِائِمَّةِ مِنْ آبَائِكَ وَوُلْدِكَ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، به تو و دیگر امامان از پدران و فرزندان تمسک بجوید و به دامن شما چنگ زند به دست آویز مورد اطمینان چنگ زده و پیوسته است، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى، وَنُورٌ لِسَائِرِ الْوَرَى. و گواهی می دهم که شما نشانه تقوا، و پرچم های هدایت، و روشنی بخش همه جهانیان هستید.

سپس خود را بر آن قبر مطهر انداخته، بوسید و بگویند:

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي أَيُّهَا الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَنَ پدر و مادرم فدایت ای راست گفتار و درست کردار شهید، پدر و مادرم فدایت ای پسر امیرالمؤمنین و سید الوصیین، وَإِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَحُجَّةِ اللَّهِ امیر مؤمنان و سرور اوصیاء، و پیشوای مسلمانان، و حجت خدا علی الخلق أجمعین.

بر همه آفریدگان.

و نزد آن، دو رکعت نماز گزارده و وقتی فارغ شدید و خواستید وداع کنید بگویند:

يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، يَا مَوْلَايَ أَيُّهَا الرِّضَا، أَتَيْتُكَ زَائِرًا، أَي مَوْلَايَ مِنْ أَي ابَا الْحَسَنِ؛ أَي مَوْلَايَ مِنْ أَي امام رضا؛ به زیارت تو آمده ام، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ خَيْرُ مَرُورٍ بَعْدَ آبَائِكَ، وَأَفْضَلُ مَقْصُودٍ، وَأَشْهَدُ گواهی می دهم که تو بهترین زیارت شده بعد از پدرانت، و والاترین مقصود هستی، و گواهی می دهم أَنَّ مَنْ زَارَكَ فَقَدْ

وَصَلِّ رَسُوْلَ اللهِ، وَأُبْهِجْ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءٍ كَمَا هِيَ كَسْتُ تُوْرَا زِيَارَتِ كُنْدَ بَا رَسُوْلِ خُدَا خُوْشْرَفْتَارِي وَ نِيكُوِي كَرْدَه، وَ
(حضرت) فَاطِمَه سرور زنان جهانيان را شادمان و مسرور العالمين، وَ نَالَ مِنَ اللهِ الْفَوْزَ الْعَظِيْمَ، فَلَا جَعْلَهُ اللهُ اِخْرَ الْعَهْدِ سَاخْتَه، وَ بَه
رستگاری بزرگی از ناحیه خداوند دست یافته است. خداوند این زیارت را آخرین مِنْ زِيَارَتِكَ، وَ اِثْبَانِ مَشْهَدِكَ، وَ رَزَقَنِي
الْعُوْدَ ثُمَّ الْعُوْدَ اِلَيْكَ، زیارت از شما و دیدارتان، و آمدن به زیارتگاهتان قرار ندهد، و بازگشت دیگر و دیگر روزیم گرداند،
امین رَبِّ الْعَالَمِينَ. (۱۶)

این دعایم را به اجابت برسان (ای) پروردگار جهانیان.

زیارت سوّم حضرت امام رضا علیه السلام

برای زیارت، غسل نموده و کنار قبر مطهر ایستاده و می گوئی:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ وَابْنَ وَوَلِيَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّهَ اللهِ سَلَامٌ بَر تُو اِي وَلِيَّ خُدَا، وَ فَرْزَنْدِ وَلِيَّ اُو، سَلَامٌ بَر تُو اِي حُجَّتِ
خُدَا وَ ابْنِ حُجَّتِهِ وَ اَبَا حُجَّجِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اِمَامَ الْهُدٰی وَ الْعُرْوَةَ وَ هُوَ فَرْزَنْدِ حُجَّتِ خُدَا وَ پَدْرِ حُجَّتِ هَا ی اُو، سَلَامٌ بَر تُو اِي
پیشوای هدایت و دست آویز الوتقی وَ رَحْمَهُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ. اَشْهَدُ اَنَّكَ مَضِيَّتَ عَلٰی مَا مَضِيْمُوْرِدِ اَطْمِيْنَانَ، وَ رَحْمَتِ خُدَا وَ بَرَكَاتِ
اُو بَر تُو بَاد. گواهی می دهم که تو همان راهی را پیمودی عَلَیْهِ اَبَاؤُكَ الطَّاهِرُوْنَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ، لَمْ تُؤْتِرْ عَمِيَّ عَلٰی هُدٰی، که
پدران معصوم پاکت - که بر آنان درود باد - پیمودند، هیچگاه گمراهی را به جای هدایت برنگزیدی، وَلَمْ تَمَلْ مِنْ حَقِّ اِلٰی
باطل، وَ اَنَّكَ قَدْ نَصَيْتَ لِلَّهِ وَ لِرَسُوْلِهِ، وَ اَز حَقِّ بَه سُو ی باطل تمایل پیدا نکردی، وَ هَمُوَارَه بَر اِي خُدَا وَ رَسُوْلَش خِيْر خُوَاهِي
کردی، ۱. بحار الأنوار: ۵۰/۱۰۲.

وَ اَدَّيْتُ الْاَمَانَةَ، فَجَزَاكَ اللهُ عَنِ الْاِسْلَامِ وَ اَهْلِهِ خَيْرَ الْجَزَاءِ. وَ اَمَانَتِ رَا بَه خُوْبِي اِدَا نَمُوْدِي، پَس خُدَا وَ نَد اَز طَرْفِ

اسلام و اهل آن بهترین جزا و پاداش را به شما مرحمت کند. أَتَيْتُكَ بِأَبِي وَأُمِّي زَائِرًا، عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، پِدر و مادرم به فدای شما؛ به زیارت شما آمده ام در حالی که به حق شما معرفت دارم، با دوستان شما دوست، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ. (۱۷)

و با دشمنانتان دشمنم، پس برای من شفاعت نما نزد پروردگارت که با عظمت و عزیز است.

سپس خود را بر قبر مبارک بینداز و آن را ببوس و گونه هایت را بر آن بگذار و آنگاه سر بردار و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، سلام بر تو ای مولای من، ای فرزند رسول خدا، و رحمت خدا و برکات او بر تو باد، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي، وَالْمُوَالِي الرَّاشِدُ، وَالْوَلِيُّ الْمُجَاهِدُ، گواهی می دهم که تو پیشوای هدایتگر، و فرمانروای روشنگر، و سرپرست جهادگری، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمُوَالَاتِكَ، و به سوی خداوند بلندمرتبه از دشمنان تو بیزاری می جویم، و با دوستی و ولایت تو به خدا تقرب می یابم، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

درود خدا و رحمت و برکات او بر تو باد.

سپس دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن، آنچه دوست داری نماز بخوان، سپس پائین پای امام علیه السلام برو و آنچه می خواهی دعا کن و هنگامی که خواستی با آن حضرت وداع نمایی، هنگام بازگشتن کنار آن مرقد پاک بایست؛ همان گونه که ابتدا ایستادی و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، سلام بر تو ای مولای من ای ابا الحسن، سلام بر تو ای فرزند رسول

۱. بحار الأنوار: ۵۱/۱۰۲، المزار الكبير: ۵۵۱.

اللَّهُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، خدا و رحمت خدا

و برکات او بر تو باد، شما را به خدا می سپارم و بر شما درود می فرستم، اَمَّنَّا بِاللَّهِ وَبِمَا جِئْتُ بِهِ، وَدَلَّلْتُ عَلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ اَكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِيْنَ. ایمان آورده ایم به خدا و به آنچه از احکام و دستورات آورده ای و بر آن رهنمون گشته ای. خداوندا! نام ما را در زمره گواهان ثبت کن.

پس از آن، بار دیگر خود را بر روی قبر شریف بینداز و آن را ببوس و گونه هایت را بر آن بگذار و بازگرد. (۱۸)

زیارت جوادیه (۱۹) یا زیارت چهارم امام رضاعلیه السلام

مرحوم علامه مجلسی فرموده است: در نسخه ای قدیمی - که تاریخ تألیف آن، سال ۷۴۶ه ذکر شده و از تألیفات علمای پیشین بوده است - زیارتی را برای حضرت امام رضاعلیه السلام یافتیم و آن را همان گونه که یافته ام نقل می کنم:

در آن، مرقوم داشته اند: زیارت مولا و سرور ما حضرت امام رضا - که بر او و پدران و فرزندانش درود و رحمت الهی باد - در هر زمانی شایسته و نیکو است و بهترین زمان آن، ماه رجب است، و این زیارت از فرزندش امام جوادعلیه السلام برای آن حضرت روایت شده است:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ وَابْنَ اَوْلِيَآئِهِ. اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَفِيْرَ سَلَامٍ بَرِّتُوْا اِيَّيْ وَلِيَّ خَدَا و فرزند اولیای او، سلام بر تو ای نماینده اللّٰهِ وَابْنَ سَفِرَآئِهِ. اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّجَةَ اللّٰهِ وَابْنَ حُجَّجِهِ. خدا) در میان بندگانش (و فرزند نمایندگان، سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت های او.

۱. المزار الكبير: ۵۵۱.

۲. مرحوم محدث قمی، زیارت جوادیه را در «مفاتیح الجنان» نقل نکرده است ولی در «تحفه طوسیّه ص ۹۰» - که کتاب مختصری درباره حضرت امام رضاعلیه السلام و زیارت آن حضرت است - ذکر نموده است.

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ اللّٰهِ

فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَابْنِ أَنْوَارِهِ. سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی های زمین و فرزند انوار الهی، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِثَ الْأَنْبِيَاءِ سلام بر تو ای اساس دین، سلام بر تو ای ارث برنده (از) پیامبران وَالْمُرْسَلِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
وَاثِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ و رسولان، سلام بر تو ای ارث برنده (از حضرت) آدم برگزیده خداوند، سلام عَلَيْكَ يَا وَاثِثَ
نُوحٍ نَجِيَّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِثَ إِبْرَاهِيمَ بر تو ای ارث برنده (از حضرت) نوح همراز پروردگار، سلام بر تو ای ارث برنده
(از حضرت) ابراهیم خلیلِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ. السَّلَامُ دوست ویژه خداوند، سلام بر تو ای ارث برنده
(از حضرت) اسماعیل فدائی راه خدا، سلام عَلَيْكَ يَا وَاثِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِثَ عِيسَى بر تو ای ارث برنده
(از حضرت) موسی هم سخن با خداوند، سلام بر تو ای ارث برنده (از حضرت) عیسی رُوحِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِثَ مُحَمَّدٍ
(حَبِيبِ اللَّهِ وَرَسُولِ رُوحِ خُدا، سلام بر تو ای ارث برنده (از حضرت) محمد) دوست خدا و (فرستاده اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
وَاثِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ خُدا. سلام بر تو ای ارث برنده (از حضرت) امیر مؤمنان علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَلِيِّ اللَّهِ، وَوَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا - که بر او سلام و درود باد - وَلِيِّ خُدا و وصی و جانشین رسول خدا، سلام بر تو
ای وَاثِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ. ارث برنده (از حضرت) فاطمه زهرا، سرور زنان جهانیان، دختر
رسول خدا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِثَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ سَلام بر تو ای ارث برنده (از) امام حسن و امام حسین،
دو سرور جوانان اهل الْجَنَّةِ، (وَسِبْطِي رَسُولِ اللَّهِ). السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاثِثَ

عَلِيٌّ بَيْنَ بَهْشْتِ،) و دو سبط رسول خدا،(سلام بر تو ای ارث برنده)از حضرت (عَلِيٌّ بِنِ الْحُسَيْنِ، سَيِّدِ السَّاجِدِينَ وَزَيْنِ الْعَابِدِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا الْحَسِينَ، سرور سجده کنندگان و زینت اهل عبادت، سلام بر تو ای وارثِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، باقرِ عِلْمِ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ. السَّلَامُ ارث برنده)از حضرت (مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، شکافنده علم و دانش پیشینیان و آیندگان. سلام عَلَيْكَ يَا وَارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، الصَّادِقِ الْبَارِئِ التَّقِيِّ الْعَامِنِ. بر تو ای ارث برنده)از حضرت (جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ رَاسِتِ كُفْتَارِ نِيكُو كَارِ پروايشه امانتدار، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، الْعَالِمِ الْكَاطِمِ، سلام بر تو ای ارث برنده)از حضرت (مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، دانشمند، فرورنده خشم، الْحَفِيَّ الْحَلِيمِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ. السَّلَامُ مهربان، بردبار. سلام بر تو ای رَاسِتِ كُفْتَارِ شَهِيدِ. سلام عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الرَّضِيُّ، الْبَرُّ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدِيرٌ تَوَّابٌ وَصِيٌّ پسنديده، نيكوکار پروايشه، وفادار. گواهی می دهم كه تَوَاقَمَتِ الصَّلَاةُ، وَآتَيْتِ الزَّكَاةَ، وَأَمْرَتِ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتِ عَنِ النَّمَازِ رَا بَه پَا دَاسْتِي، وَزَكَاتِ پَرِدَاخْتِي، وَبِه خُوبِي هَا فَرْمَانِ دَادِي، وَازَالْمُنْكَرِ، وَعَيَّدَتِ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَازَشْتِي هَا نَهِي نَمُودِي وَبَاز دَاسْتِي، وَخَدَا رَا تَا فَرَا رَسِيدِنِ مَرْكَ خَالِصَانِه پَرَسْتَشِ كَرْدِي. سلام بر تو ای إِمَامَ قَصِيْبٍ، وَإِمَامَ نَجِيْبٍ، وَإِمَامَ بَعِيدٍ قَرِيْبٍ، وَإِمَامَ مَسْمُومٍ اِمَامِ بَزْرْگُوَارِ، وَ اِمَامِ نِيكِ نَزَادِ، وَ اِمَامِ بَعِيدِ)از آشنایان(و قَرِيْبِ)در میان دشمنان(، وَ اِمَامِي كِه مَسْمُومِ غَرِيْبِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ النَّبِيُّ، وَالْقَادِرُ الْوَجِيهُ، النَّازِحُ وَ غَرِيْبِ اسْتِ. سلام بر تو ای دانشمند بزرگوار؛ وَ اَرَزْشَمَنْدِ اَبْرُومَنْدِ، دُورَا فْتَا دِه عَنْ تُرْبَةِ جَدِّهِ وَ اَبِيهِ. السَّلَامُ عَلٰی مَنْ اَمَرَ اَوْلَادَهُ وَ عِيَالَهُ اَز مَرْقَدِ پَاكِ جَدِّ وَ پَدَرَشِ. سلام بر آن كه دَسْتُورِ دَادِ فَرَزَنْدَانِ وَ اهلِ وَ عِيَالِشِ رَا بَالِنِّيَا حِهْ عَلَيْهِ قَبِلَ وَ صُورِ الْقَتْلِ اِلَيْهِ. السَّلَامُ عَلٰی

دیارِ کُم که پیش از رسیدن شهادتش بر او نوحه سرایی کنند. سلام بر شهر و دیارتان که ازالِ مَوْحِشَاتِ، کَمَا اسْتَوْحَشتُ مِنْکُمْ مِنی وَعَرَفَاتُ. اَلسَّلَامُ عَلِیْجُودِ شَمَا خَالِی گشته؛ همان طور که مِنی و عرفات از وجود شما خالی مانده است. سلام بر ساداتِ العَبِیدِ، وَعُدَّةِ الوَعِیدِ، وَالْبِیْرِ المَعَطَّلِ، وَالْقَصْرِ المَشِیدِ. سروران بندگان، و سرمایه های روز جزا برای رفع وعده های عقاب، و امام حاضر و غائب (چاه پر آب و قصر باشکوهی که از آن ها استفاده اَلسَّلَامُ عَلِی غَوْثِ اللُّهْفَانِ، وَمَنْ صَارَتْ بِه اَرْضُ خُرَاسَانَ نَمِی شود.) سلام بر فریادرس دلسوختگان، و آن کسی که سرزمین خراسان به برکت او خراسان. اَلسَّلَامُ عَلِی قَلِیلِ الزَّائِرِینَ، وَقَرَّه عَینِ فَاطِمَةَ سَیِّدِهِ خُرَاسَانَ گشت. سلام بر آن که زائرین او اندکند، و نور چشمان (حضرت) فاطمه سرورنساءِ الْعَالَمِینَ. اَلسَّلَامُ عَلِی البُهْجَةِ الرِّضَوِیِّه، وَالْاَخْلَاقِ زَنَانِ جَهَانِیَانِ. سلام بر آن طراوت و نشاط رضوی، و اخلاق الرِّضَوِیِّه، وَالْغُصُونِ المْتَفَرِّعِ مِّن الشَّجَرَةِ الْاَحْمَیْ دِیِّه. اَلسَّلَامُ پسنندیده، و شاخه های روئیده شده از شجره طیبه احمدی. سلام عَلِی مِّن اَنْتَهی اِلَیْه رِئَاسَةُ المُلْکِ الْبَاعْظَمِ، وَعِلْمُ کُلِّ شَیْءٍ بِرِ کَسِی که ریاست مُلْکِ هستی و همه عالم وجود، و دانش هر چیز به او منتهی گشته لِتَمَامِ الْاَمْرِ المُحْکَمِ. اَلسَّلَامُ عَلِی مِّنْ اَسْمَاءُ وُھُمْ وَسِیلَةُ السَّائِلِینَ، تا حکم و فرمان قطعی خداوند کامل گردد. سلام بر آنان که نام های مبارک شان وسیله ای برای درخواست کنندگان، وَهَیَا کُلُّھُمْ اَمَانُ المَخْلُوقِینَ، وَحُجْجُھُمْ اِبْطَالُ شُبَیْهِ المُلْکِ دِینَ. و جسم پاکشان امان بخش آفریدگان، و دلایل شان باطل کننده شبهه های کافران بی دین است. اَلسَّلَامُ عَلِی مِّنْ کَسَبَتْ لَه وِسَادَةُ الْاِیْمَةِ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ، حَتّی سلام بر کسی که گسترده شده برای او مسند پدر بزرگوارش امیر مؤمنان، تَاخَصَمَ اَهْلَ الْکُتُبِ، وَتَبَّتْ قَوَاعِدَ الدِّینِ. اَلسَّلَامُ عَلِی عِلْمِ با اهل کتاب به بحث و گفتگو پردازد، و بر آن ها غلبه کند و ارکان و پایه های دین را ثابت و

استوار گرداند. سلام بر مهترالاعلام، وَمَنْ كَسَرَتْ قُلُوبُ شِيعَتِهِ بِغُرَّتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. مهتران، و کسی که دل های شیعیانش به خاطر غربت او شکسته و محزون است تا روز قیامت. السَّلامُ عَلَى السَّرَاجِ الْوَهَّاجِ، وَالْبَحْرِ الْعَجَّاجِ، الَّذِي صَارَتْ سَلامَ بِرِ چِراغِ فروزنده، و دریای عمیق پرتلاطم، آن که تَزَبُّتُهُ مَهَبَطُ الْأَمَلَاكِ وَالْمِعْرَاجِ. السَّلامُ عَلَى أَمْرَاءِ الْإِسْلَامِ، تربت پاک و مرقد منورش محل فرود آمدن فرشتگان و بالا رفتن آنان است، سلام بر فرمانروایان اسلام، وَمُلوِكِ الْإِيْمَانِ. السَّلامُ عَلَى باهْرِی النُّورِ، وَطاهِرِی الْوِلادَةِ، و پادشاهان ایمان، سلام بر نورهای تابان، و پاک ولادت یافتگان، وَمَنْ أَطْلَعَهُمُ اللَّهُ بِفَضْلِهِ عَلَى عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ، وَجَعَلَهُمْ وَكسانی که خدا به فضل و احسان خود آنان را بر علم غیب و شهود آگاه نموده، و آنان را بِإِفضالِهِ مَنَّعَ الْهُدَى، وَمَعِيدِنَ السَّعادَةِ. السَّلامُ عَلَى مَیْنِ ابْتِهَجاتِ بِه لطف خود سرچشمه هدایت و معدن سعادت قرار داده، سلام بر کسی که نشاطآفرین گردید بِه مَعالِمِ طُوسِ، حَيْثُ حَلَّ بِرَبِيعِها.

نشانه های راه طوس با ورود او برای خانه گرفتن در آن.

يا أَرْضَ طُوسِ سَقَاكَ اللَّهُ رَحْمَتَهُ اى سرزمین طوس؛ خداوند تو را از رحمتش سیراب گرداند ما ذا ضَمِنَتْ مِنَ الْخَیْراتِ يا طُوسُ چه گوهری از خوبی ها و کمالات در بر گرفته اى اى سرزمین طوس؟ طابَتْ بِقاعِکِ فى الدُّنْیا وَطابَ بِها بقعه هایت در دنیا دلپسند گشت و به آن خشنود گردید شَخْصٌ نَوى بِسَنابادِ وَمَرْمُوسٌ شَخْصِی که در سناباد آرمیده و در میان مرقد پاکش اقامت گزیده است شَخْصٌ عَزِيزٌ عَلَى الْإِسْلامِ مَضْرَعُهُ شَخْصِی که مدفن مبارکش بر اسلام، عزیز و گرانها است فى رَحْمَةِ اللَّهِ مَعْمُورٌ وَمَعْمُوسٌ در رحمت خدا فرو رفته و غرق گشته و پوشیده است يا قَبْرَهُ أَنْتَ قَبْرٌ قَدْ تَضَمَّنَهُ اى مرقد منور او؛ تو قبری هستی که در بر گرفته اى حِلْمٌ وَعِلْمٌ وَتَطْهِیرٌ وَتَقْدِیسٌ بردباری و دانش و پاکی

و همه صفات والا- رَافَافُحُزُ بِأَنَّكَ مَعْبُوطٌ بِجُثَّتِهِ پس افتخار کن که با دربر گرفتن آن جثه پاک، مورد رشک دیگران هستی وَبِالْمَلَانِكَةِ الْأَطْهَارِ مَحْرُوسٍ و با فرشتگان پاک الهی حراست و نگهبانی می شوی فِي كُلِّ عَصْرِ لَنَا مِنْكُمْ إِمَامٌ هُدَى در هر عصر و زمانی از شما خاندان پیشوای هدایتگری برای ما است فَرَبُّعُهُ أَهْلٌ مِنْكُمْ وَمَأْنُوسٌ و این سرا از وجود او شایستگی یافته و به او مأنوس گشته است أَمَسَتْ نُجُومٌ سَمَاءِ الدِّينِ أَفْلَهَسْتَارِگان آسمان دین غروب کرده و پنهان گشتند وَظَلَّ أَسَدُ الشَّرِّ قَدْ ضَمَّهَا الْخَيْسُ و شیران وادی شجاعت در بیشه خود آرمیدند و ماوا گرفتند غَابَتْ ثَمَانِيَةٌ مِنْكُمْ وَأَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ وَارْبَعَةٌ مِنْكُمْ وَارْبَعَةٌ مِنْكُمْ و چهار شخص دیگر تزیجی مَطَالِعُهَا ما حَنْتِ الْعَيْسُ طُلُوعِ و درخشش آنان امید می رود تا مادامی که شتران به فرزندان خود مهربانی و دلسوزی دارند[حَتَّى مَتَى يَزْهَرُ الْحَقُّ الْمُنِيرُ بِكُمْ كِي و چه زمانی آن حق روشنی بخش به وجود شما می درخشد؟ فَالْحَقُّ فِي غَيْرِكُمْ دَاجٍ وَمَطْمُوسٌ]حق در غیر شما تاریک و ناپدید و نابود است. السَّلَامُ عَلَى مُفْتَخِرِ الْأَبْرَارِ، وَنَائِبِ الْمَزَارِ، وَشَرْطِ دُخُولِ سَلَامٍ بِرِ آنکه مایه فخر و مباهات نیکوکاران است، و زیارتگاهش دور افتاده است، و (او) شرط داخل شدن الْجَنَّةِ وَالنَّارِ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ لَمْ يَقْطَعْ اللَّهُ عَنْهُمْ صِلَواتِهِ در بهشت (و در صورت نپذیرفتن ولایتش) دوزخ است، سلام بر کسانی که خداوند درود و صلواتش را فی اناء الساعاتِ، وَبِهِمْ سَيَكُنُّ السَّوَاكِنُ، وَتَحْرَكُتِ در همه لحظه ها و ساعت ها بر آنان پیوسته می فرستد و هرگز قطع نمی کند، و به برکت وجود ایشان ساکنان، سکونت و آرامش وَالْمُتَحَرِّكَاتِ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ جَعَلَ إِمَامَتَهُمْ مُمَيِّزَةً بَيْنَ حَرَكَتِ كُنْدِگان، تَحْرَكُتِ دارند. سلام بر کسانی که خداوند امامت شان را مایه امتیاز بین دو فرقه الْفَرِيقَيْنِ، كَمَا تَعَبَّدَ بِوِلَايَتِهِمْ أَهْلُ

الْخَافِقِينَ. السَّلَامُ عَلَيَّ) شیعه و سنی (و تشخیص آنها از یکدیگر قرار داده، همانطور که اهل مشرق و مغرب را نسبت به ولایت باطنی ایشان مطیع ساخته و مغلوب مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ بِهِمْ دَارِسَ حِكْمِ النَّبِيِّ، وَابْتَعَثَهُمْ بِوَلَايَتِهِمْ گردانیده است، سلام بر کسانی که خداوند به وسیله آنان احکام و آثار محوشده پیامبران را زنده گردانید، و آنان را با ولایت ایشان مبعوث گردانید، لِتَمَامِ كَلِمَةِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيَّ شُهُورِ الْحَوْلِ، برای کامل شدن نشانه خداوندی که پروردگار جهانیان است. سلام بر ماه های سال، وَعَدَدِ السَّاعَاتِ، وَعَدَدِ لَيْلٍ إِلَّا اللَّهُ فِي رُقُومِ (الرُّقُومِ) (و عدد ساعت های روز، و عدد «لا إله إلا الله» در حساب ابجد) که دوازده المَسَطَّرَاتِ. السَّلَامُ عَلَيَّ إِقْبَالِ الدُّنْيَا وَسِعُودِهَا، وَمَنْ سِئِلُوا مِي شُود. سلام بر روی آوردن دنیا با همه خیر و برکت و سعادتش، و کسانی که وقتی عَنْ كَلِمَةِ التَّوْحِيدِ، فَقَالُوا نَحْنُ وَاللَّهِ مِنْ شُرُوطِهَا. السَّلَامُ از کلمه توحید سؤال شدند فرمودند: به خدا قسم؛ ما از شروط آن هستیم، سلام عَلَيَّ مَنْ يُعَلِّلُ وُجُودَ كُلِّ مَخْلُوقٍ بِوَلَايَتِهِمْ، وَمَنْ خَطَبْتُ بر کسانی که وجود هر آفریننده ای به ولایت ایشان وابسته است، و کسانی که لَهُمُ الْخُطَبَاءُ.

خطباء برای آن ها خطبه خواندند.

بِسَبِّحَهُ أَبَاءِ، هُمْ مَا هُمْ؟ به نام هفت تن از پدران، که آن ها چه کسانی هستند آنان؟! هُمْ أَفْضَلُ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْعَمَامِ ایشان بهترین کسانی هستند که باران بر آن ها فرود آمده. السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ عَلا - مَخِيدُهُمْ وَتَنَاؤُهُمْ، وَفَاقَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ سلام بر کسانی که شکوه و عظمت و ثناء آنان والا است، و پدران شان و فرزندانشان بر اولینا باؤُهُمْ وَأَبْنَاؤُهُمْ. السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ افْتَحَرَ الْفَخْرَ بِفَخْرِهِمْ، و آخرین برتری دارند. سلام بر کسانی که بزرگی و شرف به بزرگواری ایشان افتخار می کند، وَعَلا بِهِمْ بِوُجُوبِ الصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ، وَطَهَارَةِ

ثِيَابِهِمْ. السَّلَامُ عَلِيَّو بَرْتَرِي يَافْتَه اَنَد بَه وَجُوب دَرُود فَرَسْتَادَن بَرِ آَنَان، وَ بَه پَاكِي لِبَاس شَان. سَلَام بَرِ آَن قَمَرِ الْأَقْمَارِ، وَفَخْرِ الْأَبْرَارِ، الْمُتَكَلِّمِ مَعَ أَهْلِ كُلِّ لُغَةٍ بِلِسَانِهِمْ، مَا هِيَ مِثْلُ مَا هِيَ، وَ اِفْتِخَارِ نِيكُوكَارَان، (آَن كَه) بَا اَهْلِ هَر لُغَتِي بَا زَبَانِ آَنَان سَخْنِ كُفْتَه اَسْت، الْقَائِلِ لِشِيَعَتِهِ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُوَلِّيَ إِمَامًا عَلَى أُمَّةٍ حَتَّى يُعَرِّفَهُ بِه يَكِي اَز شِيَعِيَانَش فَرَمُود: خَدَاوَنَد اَمَامِي رَا بَه عِنْوَانِ عَهْدِه دَارِ اَمُورِ اَمْتِ قَرَارِ نَمِي دَهْد تَا اَنَكِه اَوْ رَابِلُغَاتِهِمْ وَأَذْيَانِهِمْ. السَّلَامُ عَلَى فُرْحَةِ الْقُلُوبِ، وَفَرَجِ الْكُرُوبِ، بَه لُغَاتِ آَنَانِ وَ آئِينِ هَايِ آَنَانِ اَشْنَا كَرْدَانَد. سَلَامِ بَرِ شَادَمَانِي دِلِ هَا، وَ بَرِ طَرَفِ كَنَدِه غَمِ هَا، وَشَرِيْفِ الْأَشْرَافِ، وَمَفْخَرِ عِبْدِ مَنَافٍ، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مِنْ وَ بَزْرَكِ بَزْرِكَانِ، وَ مَايَه فُخْرِ وَ شَرَاْفَتِ عِبْدِ مَنَافٍ، اِي كَاشِ اَز الطَّائِفِيْنَ بِعَرَضِهِ حَضْرَتِهِ، مُسْتَشْهِدًا لِبَهْجِهِ مُؤَانِسَتِهِ.

طواف کنندگان در گاه مقدس او، و گواه طراوت همدمی و انس با او بودم.

أَطُوفُ بِبَابِكُمْ فِي كُلِّ حِينٍ دَرِ هَر لِحْظِه وَ سَاعَتِ بَه اَسْتَانِ شَمَا طُوَافِ مِي كَنَمِ كَأَنَّ بِيَابِكُمْ جُعِلَ الطَّوْفُ كَوِيَا طُوَافِ، بَرَايِ اَسْتَانِ شَمَا قَرَارِ دَادِه شُدِه اَسْت. السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الرَّؤُوفِ، الَّذِي هَيَّجَ أَحْزَانَ يَوْمِ الطُّفُوفِ، سَلَامِ بَرِ اِمَامِ رِئُوفِ وَ مَهْرِبَانِ، آَن كَه غَضَبِ هَايِ اَوْ يَادِ اَوْرِ خَاطِرِه غَمِ اَنَكِيْزِ صَحْنِه كَرَبَلَا- بُوْد، بِاَللّٰهِ اُقْسِمُ وَبِأَبَائِكَ الْأَطْهَارِ، وَبِأَبْنَائِكَ الْمُتَنَجِّبِينَ الْأَبْرَارِ، لَوْلَا بَه خَدَا سُوْكَنَدِ وَ بَه پَدْرَانِ پَاكْتِ، وَ بَه فَرَزَنْدَانَتِ كَه بَرِ كَزِيْدِ كَانِ نِيكُوكَارَانَد؛ اِگَر بَعِيْدُ الشُّقَّةِ حَيْثُ شَطَطَتْ بِكُمْ الدَّارُ، لَقَضَيْتُ بَعْضَ وَاجِبِ حَقِّكُمْ دُورِي رَا هِ بَه خَاطِرِ پَرَا كَنَدِ كِي خَاْنِه هَايِ شَمَا نَبُوْد، بَا تَكَرَّرِ زِيَارَتِ، بَعْضِي اَز حَقُوقِ وَاجِبِ شَمَا بَتَكَرَّرِ الْمَزَارِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُمَاهُ الدِّينِ، وَأَوْلَادَ النَّبِيِّينَ، رَا كَه بَه عَهْدِه مِنْ اَسْت اِدَا مِي نَمُودَم. سَلَامِ بَرِ شَمَا اِي حَامِيَانِ دِيْنِ، وَ فَرَزَنْدَانِ پِيَاْمَبْرَانِ، وَ سَادَةِ الْمَخْلُوقِيْنَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

و سرور آفریدگان، و رحمت خدا و

برکات او بر همه شما باد.

این زیارت از مولای ما، امام کلّ عاکف و باد، ابی جعفر الثانی محمّد بن علیّ الجواد علیه الصلاه والتسلیم روایت شده است. (۲۰)

محدّث قمی رحمه الله نوشته است: شیخ مفید رحمه الله فرموده: مستحبّ است بعد از نماز زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام، این دعا را بخوانند.

محدّث قمی رحمه الله پس از ذکر این دعا از علّامه مجلسی رحمه الله نقل کرده است که آن بزرگوار فرموده است: اگر در حرم مطهر حضرت امام رضاعلیه السلام زیارت جوادیّه را خواندید، خواندن این دعا را ترک نکنید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ، أَلَدَّائِمُ فِي مُلْكِهِ، أَلْقَائِمُ فِي عِزِّهِ، خَدَاوَنَدَا؛ هَمَانَا مِنْ أَسْمَاءِ تُو دَر خَوَاسْتِ مِي كَنَمِ اِي خَدَا، (خدایی که در پادشاهی اش پایدار، در عزّت و نیرومندی اش پابرجا، اَلْمَطَاعُ فِي سُلْطَانِهِ، اَلْمُتَّفَرِّدُ فِي كِبْرِيَايَتِهِ، اَلْمُتَّوَحِّدُ فِي دِيْمُومِيَّتِهِ در سلطنتش همه منقاد او، در کبریائی اش یگانه، در همیشگی بقاء و ماندگاریش یکتا و بی نظیر بقاءش، اَلْعَدِلُ فِي بَرِيَّتِهِ، اَلْعَالِمُ فِي قَضِيَّتِهِ، اَلْكَرِيمُ فِي تَأْخِيرِ اسْتِ، در میان آفریدگانش عدالت پیشه و دادگر، در حکم کردنش عالم و دانا، در تأخیر ا. بحار الأنوار: ۵۲/۱۰۲، أربعة أيام: ۵۵، تحفه طوسیّه: ۹۰ با تفاوت اندک.

عُقُوبَتِهِ. اِلَهِي حَاجَاتِي مَضْرُوفَةً اِلَيْكَ، وَ اِمَالِي مَوْقُوفَةً لَدَيْكَ، كَيْفَرَش كَرِيمٍ وَ بَزْر كُورِ اسْتِ. مَعْبُودَا؛ حَاجَاتِ هَاي مِنْ بَاز كُشْتَش بِه سُوِي تُو اسْتِ، وَ اَرزُو هَايِم بِه اَسْتَان تُو كَرِه خُورده، وَ كَلْمَا وَ قَفْتَنِي بِخَيْرٍ فَانْت دَلِيلِي عَلَيِّهِ، وَ طَرِيقِي اِلَيْهِ، يَا قَدِيرَا وَ هَر كَاِه بِه كَار خَيْرِي تُو فَيَقِم دَهِي تُو رَاهِنَمَاي مِنْ بَر اَن، وَ رَاه كُشَاي مِنْ بِه سُوِي اَن هَسْتِي، اِي تُو اَنَايِي كِه لَا تُو وُدَّهُ اَلْمَطَالِبُ، يَا مَلِيًّا يَلْجَا اِلَيْهِ كُلُّ رَاغِبٍ، مَا زَلْتُ مَضِيًّا حُوبًا دَر خَوَاسْتِ هَا اُو رَا دَر مَانْدِه نَمِي كَنْد، اِي مَهْر بَانِي كِه هَر مَشْتَا قِي بِه اُو پَنَاه مِي اُورْد، هَمُوارِه مِنْكَ بِالنَّعْمِ، جَارِيًّا عَلَي عَادَاتِ اِلْاِحْسَانِ وَ اَلْكَرَمِ. اَسْأَلُكَ بِا

تو است که شکرکنندگان تو را شکر می کنند، و تو مورد اعتماد و تکیه گاه برای گناهان هستی در عَفْوِكَ، وَالنَّاسِ تُرِ عَلَيِ
الْخَاطِئِينَ جَنَاحِ سِتْرِكَ، وَأَنْتَ الْكَاشِفُ عَفْوٍ وَبَخْشِشٍ، و گستراننده ای بر خطاکاران بال پوشش خود را، و تو بر طرف کننده
بیچارگی لِلضَّرِّ بِيَدِكَ. فَكَمْ مِنْ سَيِّئَةٍ أَخْفَاهَا حِلْمُكَ حَتَّى دَخَلَتْ، وَحَسَدٍ نَهَوَ زِيَانِكَ بِدَسْتِ خُودِ هَسْتِي. پس چه بسیار از
گناهان که آن را حلم و بردباری تو پوشانید تا از بین رفت، و (چه بسیار) کار خوبی ضَاعَفَهَا فَضْلُكَ حَتَّى عَظُمَتْ عَلَيْهَا
مُجَازَاتُكَ، جَلَلَتْ أَنْ يُخَافَ كَه فَضْلِ وَاحْسَانِ تُو آن را دو چندان نمود تا کیفیت بر آن بسیار شد، (تو) برتر از آن هستی که
از تو ترسیده شود (مِنْكَ إِلَّا الْعَيْدُ، وَأَنْ يُرْجَى مِنْكَ إِلَّا الْإِحْسَانُ وَالْفَضْلُ، فَاثْمُنْ مَكْرَهَ خَاطِرِ عَدَالَتِ) (تو)، و از تو جز
لطف و احسان امید برده شود، پس بر من عَلَيَّ بِمَا أَوْجِبُهُ فَضْلُكَ، وَلَا تَخْذُلْنِي بِمَا يَحْكُمُ بِهِ عَيْدُكَ. سَيِّدِي به آنچه فضل و
احسانت ایجاب می کند منت گذار، و به آنچه عدل و انصافت حکم می کند خوار مگردان. ای سرور من؛ لَوْ عَلِمَتِ الْأَرْضُ
بِعُدْوِي لَسَاخَتْ بِي، أَوِ الْجِبَالُ لَهَدَّتْنِي، أَوِ الْوَادِيَّ لَأَغْرَقْتَنِي، سَيِّدِي سَيِّدِي آسْمَانِ هَا بَدَانَدِ بِالسَّرْعَتِ مِي رَبَايِنَدِ، يَا اِكْرَ دَرِيَا هَا بَدَانَدِ
مِرَاغْرَقِ مِي سَازِنَدِ. سرور من؛ سرور من؛ سَيِّدِي، مَوْلَايَ مَوْلَايَ مَوْلَايَ قَدْ تَكَرَّرَ وَقُوفِي لِضِيَاْفَتِكَ، سرور من؛ مَوْلَايَ من؛ مَوْلَايَ
من؛ مَوْلَايَ من؛ مَانَدِنِ وَتَوَقَّفِ مِنْ بَرَايِ ضِيَاْفَتِ وَ مَهْمَانِي تُو پِيَايِي اِنْجَامِ كَرَفْتِه، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا وَعَدْتَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَسْأَلَتِكَ. يَا
مَعْرُوفَ پس از آنچه به درخواست کنندگان و گدایان و عده فرموده ای مرا محروم

مگردان. ای شناخته شده العارفين، يا معبود العابدین، يا مشكور الشاکرين، يا جلیس صاحبان معرفت؛ ای معبود عبادت کنندگان؛ ای شکرگزاری شده شکر کنندگان؛ ای همنشین الذاکرين، يا محمود من حمده، يا موجود من طلبه، یا کسانی که به یاد او هستند؛ ای ستایش شده کسی که او را ستایش کرده؛ ای یافت شده هر کس او را طلب کند؛ ای مؤصوف من و حده، یا محبوب من أحببه، یا عوث من اراده، توصیف شده هر کس او را یگانه بخواند؛ ای محبوب هر کس او را دوست بدارد؛ ای فریادرس هر کس او را اراده کند؛ یا مقصود من أناب إليه، یا من لا يعلم الغیب إلا هو، یا من ای مقصود هر کس به سوی او بازگشت کند؛ ای کسی که غیب و پنهانی را جز او نمی داند؛ ای کسی که لا یصرف السوء إلا هو، یا من لا یدبر الأمر إلا هو، یا من بدی را جز او باز نمی گرداند؛ ای کسی که تدبیر و چاره اندیشی امور را جز او نکند؛ ای کسی که لا یغفر الذنب إلا هو، یا من لا یخلق الخلق إلا هو، یا من لا ینزل گناه را جز او نیامرزد؛ ای کسی که آفریدگان را جز او نیافریند؛ ای کسی که الغیث إلا هو، صل علی محمد و آل محمد، و اغفر لی یا خیر باران را جز او نازل نکند؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا بیامرز ای بهترین الغافرين. ربّ انی استغفرک استغفار حیا، و استغفرک استغفار آمرزنده. پروردگارا؛ همانا من استغفار می کنم استغفاری که از روی حیا است، و استغفار می کنم استغفاری که رجاء، و استغفرک استغفار انابه، و استغفرک استغفار رغبه، از روی امید است، و استغفار می کنم استغفاری که از روی بازگشت است، و استغفار می کنم استغفاری که از روی اشتیاق است، و استغفرک استغفار رهبه، و استغفرک استغفار طاعه،

مگردان، ای فریادرس آنانکه از او فریادرسی و کمک بخواهد؛ وَأَبْلَغُ أُمَّتِي سَلَامِي وَدُعَائِي، وَشَفَعُهُمْ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ، و به امامان من و سلام و دعایم را برسان، و آنان را در تمام آنچه از تو درخواست نموده ام شفیع و واسطه من گردان، وَأَوْصِلْ هِدْيَتِي إِلَيْهِمْ كَمَا يَتَّبِعِي لَهُمْ، وَزِدْهُمْ مِنْ ذَلِكِ مَا وَهَدَيْهِ مَرَا آن طور که شایسته آنان است به ایشان برسان، و آن گونه که یَتَّبِعِي لَمَكَ، بِأَضْعَافٍ لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ، وَلَا - حَيْوَلٌ وَلَا - قُوَّةٌ إِلَّا شَايِسْتَهُ تو است بر آن بیفزا، افزودنی که غیر تو نتواند آن را شمارش کند، و هیچ توانایی و نیرویی جز بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللهُ عَلَيَّ أَطْيَبِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ به سبب خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست، و درود خدا بر عزیزترین رسولان، حضرت (محمّد و آلِهِ الطَّاهِرِينَ). (۲۱)

و آل پاک او باد.

زیارت پنجم حضرت امام رضا علیه السلام

مرحوم کفعمی و علامه مجلسی رحمه الله و دیگران، این صلوات را به عنوان زیارت نقل کرده اند و فرموده اند:

در روایت معتبر از ائمه معصومین علیهم السلام آمده است که چون به حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام وارد شدید، بگوئید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى، الْإِمَامِ التَّقِيِّ خَدَاوَنَدَا؛ درود فرست بر علی بن موسی که راضی و پسندیده شده است، پیشوای پرهیزکاران تقی، وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى، پاکیزه سرشت است، و حجت تو بر هر کس بالای زمین و بر هر کس در زیر خاک می باشد. الصّديق الشّهدید، صیلاه کثیره تامه (نامیه) زاکیه متواصلمهان بسیار راستگوی شهید، درود فراوان تمام، نشو و نماکننده یا افزون شونده (پاکیزه، بهم پیوسته، متواتره مترادفه، کافضل ما صلّیت علی احد من اولیائک. (۲۲) زیاد پی در پی، مانند برترین درودی که بر یکی از اولیای خود فرستادی.

مرحوم شیخ کفعمی فرموده است: بعد از اذن ورود،

در حالی که غسل زیارت کرده باشید، این زیارت را بخوانید. (۲۳)

زیارت ششم حضرت امام رضا علیه السلام

صاحب کتاب «روضه الأذکار» (۲۴) گوید: از جمله زیارات حضرت امام رضا علیه السلام زیارتی است که در هر روز و هر وقت که زائر در مشهد مقدس آن حضرت باشد، می تواند به این طریق آن حضرت را زیارت نماید:

چون قصد زیارت نمود، اول غسل نماید با آدابی که ذکر کردیم، و وقتی چشمش به گنبد افتاد بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَمَعْدِنَ الرَّسَالَةِ، وَخُزَانَ سَلَامٍ بِرِشْمَايِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّتِ، وَمَعْدِنَ رِسَالَتِ الْهَيْ، وَخِزَانَةَ دَارَانَ
عِلْمِ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَأُصُولَ الْكُرَمِ، وَقَادِمَةَ الْأُمَمِ، وَسُلْطَانَ دَانِشِ، وَنَهَائَةَ وَبَايَانَ حِلْمِ وَبَرْدْبَارِي، وَاسَاسَ وَرِيشَةَ هَايِ
بِزَرْگُوَارِي، وَفَرْمَانْدَهَانَ اَمْتِ هَا، وَبِيشُوَايَانَ الْعِبَادِ، وَدَعَائِمَ الْأَخْيَارِ، وَعَنْصَابَةَ الْأَبْرَارِ، وَمَنْصَابَةَ الْعِبَادِ، بِنْدِگَانِ، وَپَايَةَ هَايِ
پَا بَرَجَايِي خُوبَانِ، وَمَايَةَ هَايِ اَصْلِي نِيكَانِ، وَپَنَاهِگَاهِ مَرْدَمِ، وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءَ الرَّحْمَانِ، وَسَلَالَهُو نِگَهْدَارِنْدَه
وَ مَايَةَ اسْتُوَارِي شَهْرَهَا، وَدَرْهَا وَ مَحَلِّ هَايِ وَرُودِ بَه دَائِرَه اِيْمَانِ، وَ اَمِيْنَانَ خِدَاوَنْدِ رَحْمَانِ، وَ فَرْزَنْدَانَ وَ نَسْلَ بَابِرِكْتِ النَّبِيِّنَ،
وَ صِفْوَةَ الْمُتْرَسِيْلِيْنَ، وَ عَثْرَةَ خَيْرِهِ رَسُوْلِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، پِيَا مَبْرَانَ، وَ خِلَاصَه وَ كَزِيْدَه رَسُوْلَانِ، وَ عَتْرَتِ وَ خَانْدَانِ بَهْتَرِيْنَ فَرْسْتَاَدَه
پَرُورْدِگَارِ جِهَانِيَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

سلام بر شما و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

و چون به در روضه رسید، بایستد و دعای اذن ورود را به این طریق بخواند:

يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، أَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، الدَّلِيلُ بَيْنَ اِي مَوْلَايِ مِنْ وَ فَرْزَنْدِ مَوْلَايِمِ؛ مِنْ بَنْدَه تُو وَ فَرْزَنْدِ بَنْدَه تُو هِسْتَمِ، كَه
دَرِيْدِيْكَ، اَلْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكَ، جَاءَكَ مُسْتَجِيْرًا بِذِمَّتِكَ، قَاصِدًا حُضُورَ شِمَا خَوَارِ، وَ بَه حَقِّ شِمَا مُعْتَرِفٌ هِسْتَمِ، بَه خِدْمَتَانِ اَمْدَه
اسْتِ تَا دَر كِفَالَتِ شِمَا پَنَاهَنْدَه شُودِ، قَصْدِ لِحْرَمِيْكَ،

از سرور زنان جهانیان (حضرت) فاطمه زهرا، سلام عَلَیْكَ یا وارِثَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ عَلِیِّ بر تو ای ارث برنده از امام حسن و امام حسین، سلام بر تو ای ارث برنده (از حضرت) عَلِیِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَیْنِ الْعَابِدِیْنَ، اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ که زینت عبادت کنندگان است، سلام بر تو ای ارث برنده (از حضرت) مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ باقرِ عِلْمِ الْأَوْلِیْنَ وَالْآخِرِیْنَ، اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ جَعْفَرِ عَلِیِّ که شکافنده علم و دانش پیشینیان و آیندگان است، سلام بر تو ای ارث برنده (از حضرت) جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّادِقِ الْبَارِ الْأَمِیْنِ، اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ مُوسَى بْنِ مُحَمَّدِ که راستگو، نیکوکار، و امین است، سلام بر تو ای ارث برنده (از حضرت) مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْكَاظِمِ، اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الصِّدِّیقُ الشَّهِیدُ الْغَرِیْبُ بن جعفر که فروبرنده خشم و غضب است، سلام بر تو ای راست گفتار شهید غریب الْمَسْجُومِ الْمَقْتُولِ، اَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، مَسْمُومٌ كَشْتَهُ شَدَهُ، به خدا سوگند می خورم که تو نماز را بیاداشتی، و زکات را پرداختی، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَيَّذْتَ اللَّهَ مُخْلِصًاو به خوبی ها فرمان دادی، و از زشتی ها بازداشتی، و خدا را خالصانه پرستش نمودی حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِیْنُ، قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِیِ وَاللِّسَنِ. عَلَیْكَ تا دنیا را وداع گفתי، خداوند بکشد کسی که تو را با دست ها و زبان ها) آزار نموده و (کشتند. بر تو سَلَامُ اللَّهِ یا مَوْلَایَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

سلام ای مولای من، و رحمت خداوند و برکات او بر تو باد.

بعد از آن، قبر را ببوسد و گونه راست را بر آن گذارد و بگوید:

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ صَيَّمْتُ مِنْ اَرْضِي، وَقَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءً رَحْمَتِكَ، خداوندا؛ از سرزمین خود آهنگ تو کرده، و شهرها را به امید رحمت تو

پیموده ام، فَلَا تُخَيِّبْنِي وَلَا تَرُدَّنِي بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَيٍّ وَأَجَبِي، وَارْحِمِي تَقَلُّبِي عَلَيَّسِ مَرَا مَحْرُومٍ مَفْرَمًا، وَبِدُونِ بَرِّ آمَدِنِ حَاجَتِمِ مَرَا بَازِمَكْرَدَانِ، وَبِرِّ مَن رَحِمَ كُنْ بِهٖ كَرْدِيدِنَمِ دَرِ اطْرَافِ قَبْرِ ابْنِ أُخِي رَسُولِكَ صِلَاوَاتِكَ عَلَيِّهِ وَآلِهِ. يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي قَبْرِ پَسَرِ بَرَادَرِ رَسُولَتِ كِه دَرُودِ خُدَا بَرِ او وَ آلِ او بَاد. پَدَرِ وَ مَادَرَمِ بِهٖ فِدَايَتِ؛ أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَافِدًا، عَائِدًا مِمَّا جَنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِي، وَاحْتَطَبْتُ بِهٖ زِيَارَتِ شَمَا آمَدِهٖ وَ بِهٖ دَرِبَارِ شَمَا وَارِدِ شَدِهٖ ام،) بِهٖ شَمَا (پَنَاهِنْدِهٖ گِشْتِهٖ ام از آنچِهٖ بَرِ خُودِ جَنَايَتِ كَرْدَمِ، وَ بَارِ سَنَكِينِ عَلَيَّ ظَهْرِي، فَكُنْ لِي شَافِعًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ فَقْرِي وَفَاقَتِي، گَنَاهِي كِه بَرِ دُوشِ دَارَمِ، پَسِ بَرَايِ مَن دَرِ پِيَشْكَاهِ پَرُورْدِ گَارَتِ رُوزِ فَقْرِ وَ نِيَازِمِ شَفِيْعِ بَاشْ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَحْمُودًا، وَجَاهًا وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا كِه بَرَايِ تُو نَزْدِ خُدَا مَقَامِ سْتُودِهٖ وَ شَايَسْتِهٖ اِي اسْتِ، وَ دَرِ دُنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

و آخرت محترم و آبرومند هستی، و درود خداوند بر محمد و همه آل او باد.

آن گاه گونه چپ را بر قبر نهاده و بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ، خُداوَنْدَا؛ بِهٖ دُوسْتِي وَ ارَادَتِي كِه بِهٖ ايشان دارم به درگاه تو تقرب می جویم، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِوَلَايَتِهِمْ، وَأَتَوَلَّى اخِرَهُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَهُمْ، وَ بِهٖ سَبَبِ وِلَايَتِ آن ها به تو متوسل می شوم، وَ نَسَبْتِ بِهٖ آخِرِينَ آن ها عشق و ارادت می ورزم همانگونه که نسبت به اولین ایشان ارادت دارم وَوَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَلِيَجِهِ دُونَهُمْ. اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ يَدُلُّوْنَ نِعْمَتَكَ، سُرُورِي او را پذیرفته ام، وَ از هر دست آویزی که غیر ایشان باشد بیزارم. خُداوَنْدَا؛ لَعْنَتِ كُنْ آنان که نعمت تو را دگرگون ساختند، وَأَتَّهُمُوا نَبِيَّكَ، وَجَحِّدُوا بِأَيَاتِكَ، وَحَمَلُوا النَّاسَ عَلَيَّ أَكْتافٍ وَ پيامبرت را مَتَّهَمِ ساختند، وَ

آیات و نشانه هایت را انکار نمودند، و مردم را بر دوش الِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتَقَرَّبُ اِلَیْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَیْهِمْ، وَالبَرَاءِ هَالِ مُحَمَّدِ سَوار کردند (یعنی بر علیه آنان واداشتند). خداوندا؛ من با لعنت بر ایشان، و بیزاری جستن مِنْهُمْ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ.

از این ناپاکان در دنیا و آخرت به تو تَقَرَّب می جویم، ای مهربانترین مهربانان.

آن گاه نزدیک پایین پا آمده و بگوید: صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللهِ، درود خدا بر تو ای فرزند رسول خدا، صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا الْحَسَنِ، صَلَّى اللهُ عَلَى رُوحِكَ الطَّيِّبِ، درود خدا بر تو ای ابا الحسن؛ درود خدا بر روح پاکیزه، وَجَسَدِكَ الطَّاهِرِ، وَبَدَنِكَ الزَّكِيِّ، صِيْبَتَ وَاحْتِسَابَتَ، وَأَنْتَ وَجَسَدِ پَاكْتِ، وَبَدَنِ مَقْدَسَتِ، شَكِيَّائِي پِيشه كُردِي، وَبِهْ آن راضِي بودِي، وَتَوَالِصَادِقُ الْمُصَدِّقُ، قَتَلَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَكَ رَاسِتْگو وَتَصَدِيقِ شَدِهْ اِي، خِداوند بَكَشِد كَسِي كِهْ تُو را كَشْتِ، وَخِداوند لعنت كُند كَسِي كِهْ تُو رَا بِالْأَيْدِي وَاللُّسُنِ، عَلَيْكَ سَلَامُ اللهِ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ بِا دَسْتِ هَا وَزَبَانِ هَا سَتَمِ نَمُود. سَلَامِ خِداوند بر تو ای مولاي من وَپَسَرِ مولاي من وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهُدَى، وَالْوَلِيُّ وَرَحْمَتِ خِدا وَبَرَكَاتِ او. كُواهِی می دَهَم كِهْ تُو اِمَامِ هِدَايَتِي، وَسِرْپَرَسْتِ الْمُرْشِدِ، أَبْرَأُ اِلَى اللهِ مِنْ اَعْدَائِكَ، وَاتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ بِمُؤَالَاتِكَ، رَاهِنْمَايِي كُننْدِهْ اِي، بِهْ سُوِي خِداوند از دَشْمَنانِ تُو بِيزارِي می جُويم، وَبِهْ سُوِي خِدا بِهْ وَسِيْلِهْ دُوسْتِي شَمَا تَقَرَّبِ می جُويم، صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ.

درود خداوند و رحمت و برکات او بر تو باد.

سپس به طرف پشت سر رفته و روی به کربلای امام حسین علیه السلام نموده و آن حضرت را به این طریق زیارت نماید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ، وَعَلَى

الْمَأْرُوحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَاءِ تَكِّكَ، سلام بر تو ای ابا عبدالله؛ و بر جان ها و روان هایی که در آستانت آرمیدند، وَأَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ، عَلَيْكَ مِنْ سِلَاطِمِ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ وَ فِي مَنْزِلٍ وَ پناهگاه تو ماندگار شدند، سلام همیشگی خداوند از من بر تو باد تا هنگامی که من هستم وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمْ، السَّلَامُ شَبَّ وَ رُوزِ بَاقِي اسْت. وَ خِدا اَيْنِ زِيَارَتِ رَا اِخْرَيْنِ زِيَارَتِمِ از شِما قَرار نِدهد؛ سلام عَلَي الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلَي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَي اَوْلَادِ بَر حَسَنِ وَ حَسِينِ وَ بَر عَلِيِّ بِنِ الْحَسِينِ وَ بَر فَرزندانِ الْحُسَيْنِ وَعَلَي اصْحَابِ الْحُسَيْنِ، وَلَعْنَهُ اللَّهُ عَلَي قَاتِلِ الْحُسَيْنِ. حَسِينِ، وَ بَر يارانِ حَسِينِ، وَ لعنتِ خِداوندِ بَر قاتِلِ حَسِينِ باد. اَللّهُمَّ الْعَنِ اَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَ اِخْرَ تَابِعِ بارالها؛ لعنتِ كُنِ اَوَّلِينِ كَسِي رَا كِه در حَقِّ مُحَمَّدِ وَ آلِ مُحَمَّدِ ستمِ روا داشت، وَ ديگرِي رَا لِهْ عَلَي ذَلَمِكَ. اَللّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنِ، كِه در اَيْنِ ستمِ از او پيروِي كَرْد. خِدايا؛ لعنتِ كُنِ جِماعَتِي رَا كِه بِه نِبردِ با حَسِينِ پَرداخت، وَ شايِعَتْ وَ بايَعَتْ وَ تَابَعَتْ عَلَي قَتْلِهِ. اَللّهُمَّ الْعَنُوهُمْ جَمِيعًا. (۲۵) وَ گروهِي كِه در كِشتنِ اَنِ حَضْرَتِ از اَنانِ پيروِي، بِيعتِ وَ دِنباله روي كَرْدند. خِدايا؛ هِمه اَنِ ها رَا لعنتِ كُنِ. اَنِ گاهِ بَلايِ سَرِ اَمْدِه وَ بگويد: السَّلَامُ عَلَيكَ يَا مَوْلَايَ وَ ابْنَ مَوْلَايَ، سلامِ بَرِ تو اِي مَوْلَايَ مِنْ وَ پِسرِ مَوْلَايَ مِنْ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، اَشْهَدُ اَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي، وَ تَسْمَعُ كَلَامِي، وَ رَحْمَتِ خِدا وَ بَرَكَاتِ او. گواهِ مِي دِهْمِ كِه هِمانا تو شاهدِ حالِ مِنْ هِستِي، وَ كَلَامِ رَا مِي شِنوي، وَ اَنْتَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّكَ مَرْزُوقٌ، وَ نَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ قَضَاءً وَ تو زنده اِي در نِزدِ پَروردگارِ رُوزِي داده شده اِي، وَ

از خداوند که پروردگار من و پروردگار شما است می خواهم که حوائجی فی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

حاجت های مرا در دنیا و آخرت برآورد، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

بعد از آن به طرف پیش رو آمده و بگوید: السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ، سلام بر تو ای شهید،

۱. در «کتاب فی الزیارات والأدعیه: ۷۲» نیز - که یکی دیگر از کتاب های خطی «مؤسیسه کاشف الغطاء» نجف اشرف می باشد - در ضمن یکی از زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام، زیارت دیگری برای امام حسین علیه السلام نقل شده است.

السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَعْصُومُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ إِمَامِ الْمُضَلَّومِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَسْتَجِیْمُ الْمَعْتَمُومُ الْمَهْمُومُ، مَظْلُومٌ، سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ إِمَامِ مَسْمُومٍ غَمَزِدَهٍ اَنْدَوَهْگِیْنِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِی، وَالْوَلِیُّ الْمُرْتَشِدُ، أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ گَوَاهِی می دهم که تو امام هدایت کننده ای و سرپرست هدایتگری، بیزاری می جویم به سوی خدا از اَعْدَائِكَ، وَاتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمُؤَالَاتِكَ، صِلَى اللَّهِ عَلَیْكَ وَعَلَى دَشْمَنَانِ تُو، وَتَقَرَّبُ می جویم به سوی خدا به وسیله دوستی تو، درود خداوند بر تو و بر اَبَائِكَ وَأَوْلَادِكَ، بِرَحْمَتِكَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پدران و فرزندان باد، به رحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

آن گاه به طرف بالای سر رفته و دو رکعت نماز زیارت بخواند؛ در رکعت اول سوره «حمد» یک مرتبه و «قُلْ هُوَ اللَّهُ» پنجاه مرتبه یا کمتر، و در رکعت دیگر هر سوره که خواست بخواند.

و چون از نماز فارغ شد، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بگوید و برای خود، پدران، مادران، دوستان، مؤمنین و مؤمنات استغفار نماید، آن گاه سجده کند و دعایی را بخواند که بعد از نماز زیارت قدوم حضرت امام حسین علیه السلام خوانده می شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ

زیارت هفتم حضرت امام رضاعلیه السلام (زیارت هفت حدیث)

زیارت دیگر حضرت امام رضاعلیه السلام از ملحقات مصباح کفعمی رحمه الله چنین نقل شده است که بعد از غسل زیارت و انجام دادن آداب زیارت، پیش روی آن حضرت و پشت به قبله بایستد و بعد از نیت زیارت بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَخَيْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا غَوَاهِي مِي دَهْمِ كِه مَعْبُودِي جَزِ خَدَاوَنَدِ نِيَسْتِ، اَوِ يَكْتَا اسْتِ وِ بَرَايشِ شَرِيكِي نِيَسْتِ، وِ گَوَاهِي مِي دَهْمِ كِه (حَضْرَتِ) مُحَمَّدِصَلِيَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَوَلِيَّهُ وَوَصِيَّيْ رَسُولِهِ. اَللّهُمَّ بِنْدَه اَوِ وِ فَرَسْتَاده اَوِ اسْتِ، وِ گَوَاهِي مِي دَهْمِ كِه (حَضْرَتِ) عَلِي عَلِيه السَّلَامِ وَلِيّ اَوِ وِ وصِيّ رَسولِ اَوِ اسْتِ. خَدَاوَنَدَا؛ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَي مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ. بَرِ مُحَمَّدِ وِ آلِ مُحَمَّدِ دَرُودِ فَرَسْتِ. خَدَاوَنَدَا؛ بَرِ فَرَسْتِ كَانِ مَقَرَّبْتِ دَرُودِ فَرَسْتِ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَي الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَي الْأَنْبِيَاءِ خَدَاوَنَدَا؛ بَرِ پِيَا مَبْرَانِ وِ رَسولَانِ دَرُودِ فَرَسْتِ. خَدَاوَنَدَا؛ دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ اَمَامَانِ الْمَعْصُومِينَ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَي مَوْلَانَا وَمُقْتِدَانَا إِمَامِ الْهُدَى مَعْصُومِ) كِه اَزِ هَرِ گُونِه عَيْبِ وِ خَطَائِي بِه دُورِنَدِ. خَدَاوَنَدَا؛ دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ مَوْلَا وِ مَقْتِدَايِ مَا كِه پِيَشَوَايِ هِدَايَتِ وَالْعَزْوَهِ الْوُثْقَى، وَحُجَّتِكَ عَلَي أَهْلِ الدُّنْيَا، الَّذِي قَالَ فِي حَقِّهِ وَدَسْتِ آوِيَزِ مَورِدِ اطمینانِ، وَحُجَّتِ تُو بَرِ اَهْلِ دُنْيَا اسْتِ؛ هَمَانِ كَسِي كِه دَرِ حَقِّ اَوْسَيِّدِ الْوَرَى وَسَنَدِ الْبَرَايَا: «سَيَتَدَفَّنُ بَعْضَهُ مِنِّي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ سَرُورِ جَهَانِيَانِ وَتَكِيهِ گَاهِ آفَرِيْدِ كَانِ فَرْمُودِه اسْتِ:» بِه زُودِي پَارِه تِنِ مَنِ دَرِ سَرِزَمِينِ خُرَاسَانَ مَدْفُونِ گَرُدَدِ، اَوِ رَا هِيچِ مَا زَارَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كَرْبَهُ، وَلَا مَيْدَنْبٌ إِلَّا غَفَرَ ذَنْبَهُ» (۲۸) گَرَفْتَارِ اَنْدُوَهْنَا كِي زِيَارَتِ نَكُنْدِ مَگَرِ اَنَكِه خَدَاوَنَدِ گَرَفْتَارِي وِ اَنْدُوَهشِ رَا بَرطَرَفِ نَمَايَدِ، وِ هِيچِ گَنَهكَارِي بِه زِيَارَتِ

او نرود مگر آنکه خداوند گناه او را بیامرزد. «اللَّهُمَّ بِشَفَاعَتِهِ الْمُقْبُولِ، وَدَرَجَتِهِ الرَّفِيعِ أَنْ تُنْفَسَ بِهِ كَرْبِي، خُداوندا؛ به شفاعت مورد قبول او، و مرتبه رفیع و والایش تو را سوگند می دهم که بخاطر او گرفتاری و اندوه مرا برطرف کنی، وَتَغْفِرَ بِهِ ذَنْبِي، وَتُسَيِّمَهُ كَلَامِي، وَتُبَلِّغَهُ سَلَامِي. السَّلَامُ وَ گناهام را به واسطه او بیامری، و سخنم را به گوش او برسانی، و سلامم را به محضرش ابلاغ فرمائی. سلام عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَرَّ تَوَايِ حُجَّتِ خُدا، سلام بر تو ای نور الهی، سلام بر تو ای عَيْبَةَ عِلْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعِيْدِنَ حُكْمِهِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صِنْدُوقَ عِلْمِ خُداوندا، سلام بر تو ای معدن حکمت پروردگار، سلام بر تو یا حَامِلَ كِتَابِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ سِرِّ اللَّهِ، أَنْتَ الَّذِي آي دَر بَر دَار نَدِه كِتَابِ خُدا، سلام بر تو ای نگهدارنده اسرار آفریدگار، تو کسی هستی که قَالَ فِيكَ قَاتِلُ الْكُفْرَةِ، وَقَامِعُ الْفَجْرِه، عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ دَر بَارِه ات كَشَنْدِه كَافِرَانِ وَ سَر كُوب كَنَنْدِه تَبِه كَارَانِ، حضرت (علی امیر مؤمنان وَ وَصِيُّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، صَيْلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ: وَ جَانَشِينَ رَسُولِ پَرُورِد كَار جِهَانِيَانِ - كِه دَرُود خُدا وَ سَلَامَش بَرِ اَو بَاد - فَر مُودِه اسْت: «سَيَقْتُلُ رَجُلٌ مِّنْ وُلْدِي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ بِالسَّمِّ ظُلْمًا، إِسْمُهُ» به زودی مردی از فرزندان من در سرزمین خراسان با سم از روی کینه و ستم به شهادت می رسد، نام او إِسْحَمِي، وَ اسْمُ أَبِيهِ اسْمُ ابْنِ عِمْرَانَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَلَانَامِ مِنْ، وَ نَامِ پَدَرَش نَامِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ - كِه دَرُود بَرِ اَو بَاد - اسْت، بدانید و آگاه باشید فَمَنْ زَارَهُ فِي غُرْبَتِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ، هر کس او را در غربت و تنهائی اش

زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را ببامرزد؛

۱. امالی صدوق: مجلس ۲۵ ح ۲، عیون اخبار الرضا علیه السلام: باب ۶۶ ح ۱۴.

وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ عَدَدِ النُّجُومِ، وَقَطْرِ الْأَمْطَارِ، وَوَرَقِ الْأَشْجَارِ» (۲۹) گرچه به اندازه عدد ستارگان و قطرات باران و برگ درختان باشد. «مَوْلَايَ مَوْلَايَ هَا أَنَا ذَا وَقِفْ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَذُنُوبِي مِثْلُ عَدَدِ مَوْلَايَ مِنْ؛ مَوْلَايَ مِنْ؛ هَمْ أَكْتُونُ مِنْ دَرِ پِيشْكَاهِ تُو ايسْتَادِه وَ گناهانم به قدر عدد النجوم، وَقَطْرِ الْأَمْطَارِ، وَوَرَقِ الْأَشْجَارِ، وَلَيْسَ بِي (لِي) وَسَيْلُهُسْتَارِ گان، وَ قَطْرَه هَاي بَارَان، وَ بَرِگِ دَرِخْتَانِ است، وَ وَسِيلَه اِي اِلَى مَحْوِهَا اِلْمَا رِضَاكَ. مَوْلَايَ مَا أَحْسِبُ فِي صِيحِفَتِي عَمَلًا لِبرای از بين بردن آن، جَز رِضَايَتِ وَ خِشْنُودِي شِمَا نِدَارَم. مَوْلَايَ مِنْ؛ دَرِ پَرُونْدَه خُودِ عَمَلِي رَا اَرْجِي عِنْدِي مِنْ زِيَارَتِكَ، كَيْفَ وَقَدْ قَالَ فِي حَقِّهَا، بَاقِرُّ عِلْمِ اميدوار كننده تر از زيارت تو نمي پندارم، وَ چگونِه چنين نباشد در حالي كه شكافنده علوم الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، صِيَمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي، أَوَّلِينَ وَ آخِرِينَ،) پنجمين امام ما (- كه درود خدا بر او باد - فرموده است: «مردی از فرزندان من خارج گردد اِسْمُهُ اِسْمُ أميرالمؤمنين، فَيُدْفَنُ بِأَرْضِ خُرَاسَانَ، مَنْ زَارَهُ كِه نَامِ او نَامِ امير مؤمنان است، دَرِ سِرْزَمِينِ خُرَاسَانَ دَفْنِ شُود، هَرِ كَسِ عَارِفًا بِحَقِّهِ، أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ» (۳۰) با معرفت به حق او، وی را زیارت کند، خداوند پاداش کسی را که پیش از فتح (مکه) انفاق کرده و در راه خدا جنگیده است به او عطا فرماید. «فَأْتَيْتُكَ زَائِرًا لَكَ، عَارِفًا بِحَقِّكَ، عَالِمًا بِأَنَّكَ إِمَامٌ مُفْتَرَضٌ بِه محضرتو برای زیارتت شرفیاب گشته ام در حالی که به حق تو آشنایم، می دانم که شما امام و پیشوایی هستی که الطَّاعَةِ، غَرِيبٌ شَهِيدٌ، رَاجِيًا بِمَا قَالَهُ الصَّادِقُ، عَلَيْهِ الصَّلَاةُ طَاعَتِ

واجب است، غریب بوده و شهید گشته ای، به فرمایش امام صادق - که درود وَالسَّلَامُ: «يُقْتَلُ حَفْدَتِي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ فِي مَدِينَةِ يُقَالُ لَهَاوِ سَلَامٍ بِرِأْسِ بَادٍ - امیدوارم که فرمود: «نوه من در سرزمین خراسان در شهری

۱. امالی صدوق: مجلس ۲۵ ح ۵، عیون اخبار الرضاعلیه السلام: باب ۶۶ ح ۱۷.

۲. امالی صدوق: مجلس ۲۵ ح ۱، عیون اخبار الرضاعلیه السلام: باب ۶۶ ح ۳.

طُوسٍ، مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ، أَخَذَتْهُ بِيَدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بِنَامِ طُوسٍ بِه شهادت می رسد، هر کس او را زیارت کند در حالی که معرفت به حق وی دارد، روز قیامت دستش را گرفته و أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ، وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَائِرِ. قِيلَ لَهُ: مَا عَرَفَانُ وَوَارِدَ بَهْشْتِ گردانم گرچه از اهل کبائر (یعنی گناهان کبیره) باشد. به آن حضرت عرض کردند: عارف بودن حقّه، قَالَ: «الْعِلْمُ بِأَنَّهُ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ، غَرِيبٌ شَهِيدٌ، مَنْ زَارَهُ بِه حق ایشان چگونه است؟ فرمود: «بداند که او اطاعتش بر همگان واجب است، غریب بوده و به شهادت رسیده است، هر کس او عارفاً بِحَقِّهِ، أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ سَبْعِينَ شَهِيداً مِمَّنِ اسْتَشْهَدَ بَيْنَ رَا بِا معرفت و شناخت حَقِّشِ زِيَارَتِ كُنْد، خدایوند به او پاداش هفتاد شهید از شهیدانی که پیش يَدِي رَسُولِ اللَّهِ، صَيَلِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (۳۱) يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَبْتَغِي رُوي رسول خدا و در ركابِ وِي - که درود خدا بر او و آل او باد - به شهادت رسیده اند مرحمت فرماید. ای فرزند رسول خدا؛ بِيَارَتِكَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى غُفْرَانَ ذُنُوبِي وَذُنُوبِ الْوَالِدِي وَالْمُؤْمِنِينَ بِا زیارت تو از خدایوند بلندمرتبه آمرزش گناهان خود و گناهان پدر و مادرم و همه مردان و زنان مؤمن را درخواست می کنم، وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَأَسْأَلُكَ الْإِثْمَانَ الْمَوْعُودَ فِي مَوَاطِنِ الثَّلَاثِ: و از شما

تمنیا دارم که در جایگاه های سه گانه ای که وعده فرموده ای (یعنی) «عِنْدَ تَطَايُرِ الْكُتُبِ، وَعِنْدَ الصَّرَاطِ، وَعِنْدَ الْمِيزَانِ»، (۳۲) وَقُلْتُ «هنگامی که نامه اعمال را به دست آدمی می دهند، و هنگام عبور از پل صراط، و وقت حسابرسی و سنجش اعمال مرا دریابی». و فرموده ای وَقَوْلِكَ حَقٌّ: «إِنَّ شَرَّ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي زَمَانِي يَقْتُلُنِي بِالسَّمِّ ثُمَّ وَ كَفْتَارَتِ حَقٌّ است که: «بدترین خلق خدا در زمان من مرا با سم می کشد، سپس یَدْفِنُنِي فِي دَارِ مُضِيعِهِ، وَبِلَادِ غُرْبِهِ، أَلَا فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي، مرا در خانه تنها در دیار غربت دفن می کند، آگاه باشید کسی که مرا در غربتم زیارت کند،

۱. امالی صدوق: مجلس ۲۵ ح ۸.

۲. عن الرضا عليه السلام: قال: «من زارني على بُعد داري ومزارى، أتيته يوم القيامة في ثلاثة مواطن حتى أخلصه من أهوالها: إذا تطايرت الكتب يميناً و شمالاً، وعند الصراط، وعند الميزان.» (امالی صدوق: مجلس ۲۵ ح ۹، عيون اخبار الرضا عليه السلام: باب ۶۶ ح ۲)

كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ حَاجٍّ وَمُعْتَمِرٍ، وَمِائَةِ أَلْفِ خَدَاوْنِدٍ عَزَّوَجَلَّ بِرَأْسِ يَوْمٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا: إِذَا عَمِرَهُ رَفْتَهُ وَ صَدَ هَزَارُ مُجَاهِدٍ، وَحُشِرَ فِي زُمْرَتِنَا، وَجُعِلَ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنْ جِهَادِ كُنُودِ نَوَيْسِدٍ، وَ أُو دَرِ زَمْرِهِ مَا مَحْشُورٍ، وَ دَرِ دَرَجَاتِ عَالِيٍّ وَ الْوَالِيَّ الْجَنَّةِ رَفِيقِنَا.» (۳۳) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَنِي لِزِيَارَتِكَ فِي الْبُقْعَةِ الَّتِي بَهشتِ قَرَارِ دَادِهِ شُودِ دَرِ حَالِي كِه رَفِيقِ مَا بَاشِدُ.» سِپَاسِ خَدَاوْنِدِي رَا كِه بِه مِنْ تَوْفِيقِ زِيَارَتِ شِمَا رَا مَرَحْمَتِ فَرَمُودِ دَرِ اَيْنِ بَارِ گَاهِي قُلْتُ فِي حَقِّهَا: وَاللَّهِ رَوْضَهُ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، مَنْ زَارَنِي فِي كِه دَر بَارِهِ اَن فَرَمُودِهِ اِي: «بِه خَدَا سُو گَنْدُ؛ بَاغِي اَز بَاغِ هَايِ بَهشتِ اِسْتِ، هَر كَسِ مَرَا دَر تَلَكَّ الْبُقْعَةِ كَانَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

دوستان شما ارادت دارم، مُبَغِضٌ لِّأَعْدَائِكُمْ، عَائِدٌ لِّأَنْدِيقِيُورِكُمْ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ بِاَدْبَابِ دُشْمَانِ شِمَا كِيْنِه و دشمَنِ دَارِم، پناه آورنده و پناهنده به قبور (پاك) شما مي باشم. خداوندا؛ درود فرست بر مُحَمَّدِوَالِ مُحَمَّدِنِ النَّبِيِّ، وَالْوَصِيِّ وَالْبَتُولِ وَالسَّبْطَيْنِ وَالسَّجَّادِوِ آلِ مُحَمَّدٍ، پيامبر و وصي (حضرت علي عليه السلام) و (فاطمه) بتول و دو سبط پيامبر، و حضرت سجّاد، و الباقرِ وَالصّادِقِ وَالْكَاسِمِ وَالرّضَا وَالْتَّقِيَّ وَالْعَسِيْكَرِيَّ و امام باقر، و امام صادق، و امام كاظم، و امام رضا، و امام تقی، و امام نقي، و امام عسكری و الْمُهَيِّدِيَّ صَاحِبِ الزَّمَانِ، صَلِّوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. اَللّٰهُمَّ و مهدي (حضرت) صاحب الزمان، درود و صلوات تو بر همه آنان باد. خداوندا؛ هُوَلَاءِ سَادَتُنَا وَقَادَتُنَا وَهَيْدَاتُنَا وَدُعَاتُنَا. اَللّٰهُمَّ وَفَقْنَا لِطَاعَتِهِمْ، اين بزرگواران، سروران، رهبران، هدايتگران و دعوت كنندگان ما هستند، خداوندا؛ ما را به اطاعت ايشان موفق بدار، وَاَرْزُقْنَا شَفَاعَتَهُمْ، وَاَحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِمْ، وَاَجْعَلْنَا مِنْ خِيَارِ شَفَاعَتِ اَنَانِ رَا رُوْزِي مَا كَرْدَانِ، و در زمره ايشان محشور فرما، و ما را از بهترين مواليهيم، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ دُوسْتَانِ و ارادتمندان ايشان قرار بده، به رحمت اي مهربانترين مهربانان، و درود خداوند بر مُحَمَّدِوَالِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. و آل پاك و پاكيژه و معصوم او باد، و سپاس و ستايش سزاوار پروردگار جهانيان است.

سپس اگر خواست دعاهایی را (که روایت شده) با نهادن گونه راست و چپ بر زمین بخواند و گرنه به بالای سر مبارک امام علیه السلام رود، و دو رکعت نماز زیارت بجا آورده و برای بر آورده شدن حاجت های خود دعا کند. (۳۵)

زیارت هشتم حضرت امام رضا علیه السلام

اشاره

علّامه مجلسی رحمه الله گوید: این زیارت را یکی از افاضل ظاهراً از خطّ شهید رحمه الله نقل کرده و از مضمون زیارت فهمیده می شود که از ائمه علیهم

السلام روایت شده، به این جهت آن را نقل می‌کنیم: چون در برابر ضریح مقدس ایستادی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَخَيْدُهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا غَوَاهِي مِي دَهْمِ كِه مَعْبُودِي جَزِ خَدَاوَنَدِ نِيَسْتِ، اَوِ يَكْتَا اَسْتِ، شَرِيكِي نَدَارْدِ، وَ غَوَاهِي مِي دَهْمِ كِه) حضرت (مُحَمَّدَعْبِيدُهُ وَرَسُولُهُ، اَلْسَلَامُ عَلَي رَسُوْلِ اللّٰهِ، اَمِيْنِ اللّٰهِ عَلَي وَحْيِهِ، بِنْدَه وَ فَرَسْتَادَه اَوِ اَسْتِ، سَلَامُ بَرِ رَسُوْلِ خَدَا، اَمِيْنِ وَ مَوْرِدِ اَعْتِمَادِ خَدَاوَنَدِ بَرِ وَحِيْشِ، وَ عَزَائِمِ اَمْرِهِ، اَلْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَ اَلْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَ اَلْمُهَيِّمِ وَ تَصْمِيْمَاتِ اَمْرِشِ، اَنَكِه پَايَانِ بَخْشِ بُوْدَه اَسْتِ بَرَايِ اَنچِه دَرِ پِيْشِ بُوْدَه، وَ اَغَازِ گَرِ بُوْدَه نَسْبَتِ بَهِ اَنچِه پِيْشِ اَمْدَه اَسْتِ، وَ مَرَاقِبِ وَ عَلَي ذَلِكِ كُلِّهِ، وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ. اَلْسَلَامُ عَلَي مَوْلَانَا اَمِيْرِنَا اَمِيْرِنَا اَمِيْرِنَا اَمِيْرِنَا، وَ مَسَلَطُ بَرِ هَمِه اَن هَا، وَ رَحْمَتِ وَ بَرَكَاتِ خَدَاوَنَدِي بَرِ اَوِ بَادِ. سَلَامُ بَرِ مَوْلَايِ مَا اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَ سَيِّدِ الْوَصِيِّيْنَ، وَ اَبِ الْاَنْبِيَاءِ الْمَعْصُوْمِيْنَ، وَ رَحْمَتِ الْمُؤْمِنَانِ، وَ سُرُوْرِ اَوْصِيَاءِ، وَ پَدْرِ اَمَامَانِ پَاكِ وَ مَعْصُوْمِ، وَ رَحْمَتِ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ. اَلْسَلَامُ عَلَي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةَ النِّسَاءِ، وَ رَحْمَتِ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتِشِ بَرِ اَوِ بَادِ. سَلَامُ بَرِ) حضرت (فَاطِمَةَ زَهْرَا، سُرُوْرِ زَنَانِ، وَ رَحْمَتِ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ. اَلْسَلَامُ عَلَي الْاَنْبِيَاءِ الْمَعْصُوْمِيْنَ، سَادَةِ الْمُتَّقِيْنَ، خَدَا وَ بَرَكَاتِشِ بَرِ اَوِ بَادِ. سَلَامُ بَرِ اَمَامَانِ پَاكِ وَ مَعْصُوْمِ، سُرُوْرَانِ پَرِهِيْزِ كَارَانِ، ۱. رُوْضَةُ الْاَذْكَارِ) مَخْطُوْطِ (: ۷۱، كِتَابُ فِي الْزِيَارَاتِ وَالْاَدْعِيَةِ) مَخْطُوْطِ (: ۷۵).

وَ كُبْرَاءِ الصِّدِّيْقِيْنَ، وَ اَعْلَامِ الْمُهْتَدِيْنَ، وَ اَنْوَارِ الْعَارِفِيْنَ وَ رَحْمَتِهِ بَزْرگانِ رَاسْتِ گَوِيَانِ، وَ نَشَانِه اَي رَاهِ يَافْتِ گَانِ، وَ رُوْشْنَائِي اَي اَهْلِ عِرْفَانِ، وَ رَحْمَتِ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ. اَلْسَلَامُ عَلَي مَوْلَانَا وَ سَيِّدِنَا، اَلْاِمَامِ الْمَعْصُوْمِ اَبِي خَدَا وَ بَرَكَاتِشِ بَرِ اَن هَا بَادِ. سَلَامُ بَرِ مَوْلَايِ مَا وَ سُرُوْرِ مَا، پِيْشَوَايِ مَعْصُوْمِ وَ بَهِ دُوْرِ اَزِ هَرِ گُوْنِه عِيْبِ وَ خَطَا،) حضرت (اَبَا الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ. اَلْسَلَامُ الْحَسَنِ عَلِيَّ

بن موسی الرضا، و رحمت خدا و برکاتش بر او باد. سلام عَلَیْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند پیامبر الهی، سلام عَلَیْكَ يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، بر تو ای فرزند خاتم پیامبران، سلام بر تو ای فرزند سرور اوصیاء، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ إِمَامِ سَلَامِ بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند پیشوای الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ قَائِدِ الْعُرَى الْمُحَجَّلِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ پر هیز کاران، سلام بر تو ای فرزند فرمانده روسفیدان، سلام بر تو يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ ای فرزند فاطمه زهرا، سرور زنان جهانیان، سلام بر تو ای فرزند خدیجه الْكُبْرَى أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ خدیجه کبری مادر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند ابا عبدالله الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْحَسِينِ شهید (کربلا)، سلام بر تو ای فرزند علی بن الحسین زینت بخش الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ، الْبَاقِرِ لِعُلُومِ عِبَادَتِ كُنُودِ كَانِ، سلام بر تو ای فرزند ابا جعفر مُحَمَّدٍ، شكَافِنْدَه عِلُومِ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ، دین، سلام بر تو ای فرزند ابا عبدالله جعفر، راسْتَكْوَى امین و مورد اعتماد، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى الْكَاسِمِ وَرَحْمَهُ اللَّهِ سلام بر تو ای فرزند ابا الحسن موسی امام کاسم، و رحمت خدا وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَبِيبَ وَبَرَكَاتِ او) بر شما باد. سلام بر تو ای وَلِيَّ خُداوند، سلام بر تو ای حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ، خدا (و دوست ویژه او)، سلام بر تو ای برگزیده پروردگار، سلام بر تو ای

رکن و پایه دین، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا وَصِیَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا حُجَّهَ اللَّهِ، سلام بر تو ای جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای حجت خداوند، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا خَاصَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا خَالِصَةَ اللَّهِ، سلام بر تو ای بنده خاص پروردگار، سلام بر تو ای بنده خالص خداوند، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَوْضِعَ سِتْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا عَیْبَهُ عِلْمِ سلام بر تو ای صندوق علم الله، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا وَارِثَ الْأَنْبِیَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا وَصِیَّ خُداوند، سلام بر تو ای ارث برنده (از پیامبران، سلام بر تو ای جانشین الأوَصِیَّیَّ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَشْكَاهَ الضِّیَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا اَوْصِیَاءِ، سلام بر تو ای محل تابش نور، سلام بر تو ای مُنْتَهَى الْعُلَیَّیَّ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا صَاحِبَ الشَّرَفِ الْأَثِیْلِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا نَهِیْتُ بِلِنْدِی و بَرْتَرِی، سلام بر تو ای صاحب شرف استوار، سلام عَلَیْكَ یا ذَا الْفِعْلِ الْجَمِیْلِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا صَاحِبَ الْأَصْلِ بر تو ای دارنده رفتار نیکو و زیبا، سلام بر تو ای صاحب نژاد و نسب الْأَصِیْلِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا أَسَّ الْإِیْمَانِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا شَرِیْكَ اصیل، سلام بر تو ای اساس ایمان، سلام بر تو ای شریک و همتای الْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَعْدِنَ الْإِیْمَانِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا إِمَامَ قُرْآنِ، سلام بر تو ای معدن ایمان، سلام بر تو ای پیشوای الْأَبْرَارِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا وَصِیَّ الْمُخْتَارِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مُظَهَّرَ نِیْكَو كَارَانِ، سلام بر تو ای وصی اختیارشده، سلام بر تو ای آشکارکننده الْأَشِرَارِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا صَاحِبَ الْمُعْجَزَاتِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا رَازِی نَهِانِ، سلام بر تو ای صاحب معجزات، سلام بر تو ای مُوضِعَ بَحِّ الْبِیِّنَاتِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيْهَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِیْمُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا رَازِی نَهِانِ، سلام بر تو ای راه راست و استوار، سلام عَلَیْكَ أَيْهَا الدِّیْنِ الْقَوِیْمُ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ الْهُدَى، بر تو ای دین معتدل و دور از افراط و تفریط، سلام بر تو ای چراغ هدایت، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَأْوَى
التُّقَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَجْدَ الْحِجْبَى، سلام بر تو ای جایگاه تقوا، سلام بر تو ای شکوه خردورزی، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَوْدَ النَّهْيِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي إِلَى سَلَامٍ بِرِئَاسَةِ كَوْنِهِ عَقْلٌ وَخَرْدٌ، سلام بر تو ای دعوت کننده به المَحَجَّةِ الْعُظْمَى، وَالطَّاعِنُ إِلَى
الْغَايَةِ الْقُضْوَى، وَالسَّامِي إِلَى جَادَةِ بَرْكَ، و سیر دهنده به سوی مقصد نهائی، و بالابرنده به الْمَجْدِ وَالْعُلَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْعَالِمُ بِالتَّوْبِيلِ وَالذُّكْرَى، مقام والا و شکوهمند، سلام بر تو ای دانا به علم تأویل و آنچه باعث تذکر و یادآوری است، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا دَلِيلَ الرَّشَادِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السَّادَةِ سَلَامٌ بِرِئَاسَةِ رُشْدٍ وَرِسْتِغَارِي، سلام بر تو ای فرزند سروران
الْأَمْجَادِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْقَادَةِ الزُّهَادِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَافِرَازَ، سلام بر تو ای فرزند پیشوایان زاهد و بی رغبت به دنیا، سلام
بر تو ای مِصْبَاحَ الظُّلَمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يَتْبُوعَ الْحِكْمِ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ چِراغ روشن در تاریکی ها، سلام بر تو ای چشمه جوشان
حکمت ها، و رحمت خداو بَرَكَاتِهِ. أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ الْمُطِيعُ لِلَّهِ، الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ، وَبَرَكَاتِ اللَّهِ، او بر تو باد. گواهی می دهم ای
مولاى من که براستى تو مطيع و فرمانبردار خداوند، قيام کننده به امر خداوند، الْعَامِلُ بِإِرَادَتِهِ، الْفَائِزُ بِكَرَامَتِهِ، إِصْطِيفَاكَ اللَّهُ
لِعِلْمِهِ، وَاخْتَارَكَ عَمَلِ كُنْدَه به اراده او، رستگار به كرامت او هستيد، تو را خدا برای علم خویش برگزید، و برای راز لِسْتَرِهِ،
وَأَعَزَّكَ بِهَيْدَاهُ، وَخَصَّكَ بِبُرْهَانِهِ، وَأَيَّدَكَ بِرُوحِهِ، وَرَضِيكَ بِپنهانی خود اختيار کرد، و به هدایتش تو را عزت بخشید، و به
برهان خویش تو را اختصاص داد، و با روح خود تأییدت

نمود، و توخليفة في أرضه، وداعياً إلى حقه، وشهيداً على خلقه، وناصرًا به عنوان جانشين در روی زمينش، و دعوت کننده به حقش، و گواه بر آفریدگانش، و یاری کننده لدينه، و حجه على بریتة، و ترجماناً لتوحیه، و خازناً لعلمة، دینش، و حجت بر بندگانش، و بیان کننده وحیش، و گردآورنده علم و دانشش، و مستودعاً لحكمته، عصمك الله من الذنوب، و برأك من محل ودیعه نهادن حکمتش پسندید. خدا تو را از گناهان مصون داشته، و ازالعیوب، زرتك یا مولای عارفاً بحقك، مستبصراً بشأنتك، زشتی ها پاک و مبرا گردانیده است، زیارت کردم تو را ای مولای من در حالی که آشنا به حق تو، آگاه به شأن و موقعیت تو، مهتدياً بهداك، مقتضياً لأثرک، متبعاً لسننتك، متمسكاً بحبلک، هدایت یافته به هدایت تو، پوینده اثر تو، پیرو سنت و روش تو، چنگ زنده به ريسمان تو، مطيعاً لأمرک، مؤالياً لولیك، معادياً لعدوك، عالماً بأن الحق فرمانبردار فرمان تو، دوست دارنده دوست تو، دشمنی کننده با دشمن توأم، می دانم که حق لمتك و معيک، متوسلاً إلى الله بک، مستشفعاً إليه بجاهک، وحق برای تو و با تو است، به وسیله تو به سوی خدا توسل جسته ام، و به آبروی تو به درگاه او شفاعت می طلبم، و سزاوار است علیه أن لا یخيب سائله، و الراجی ما عنده لزاثرک المطيع لك. بر او که سائل خود و کسی را که به آنچه نزد او است امید دارد به خاطر این که زائر فرمانبردار شما است محروم نگرداند. پس دست ها را بلند نما و بگو: اللهم فكما وفقتني للإيمان بنبيك، خداوندا؛ پس همان گونه که مرا برای ایمان آوردن به پیامبرت، والتصديق بكتابك، ومنتت علي بطاعته واتباع ملته، وهديتني و تصديق کردن کتابت توفيق مرحمت کردی، و بر من به اطاعت او و پیروی از آئين او منت نهادی، و إلى

مَعْرِفَتِهِ وَمَعْرِفَةِ الْأَيْمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ، وَأَكْمَلْتَ بِمَعْرِفَتِهِمْ بِهِ سِنَاخَتِ أَوْ سِنَاخَتِ إِمَامَانِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ أَوْ هِدَايَتِ نَمُودِي، وَبِأَعْرِفَتِ وَ سِنَاخَتِ إِيْشَانِ الْإِيْمَانِ، وَقَبِلْتَ بِطَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ الْأَعْمَالَ، وَاسْتَعْبَدْتَ إِيْمَانِ مَرَا كَامِلِ سَاخَتِي، وَبِأَطَاعَتِ وَ وِلَايَتِ شَانِ أَعْمَالِ مَرَا مُورِدِ قَبُولِ وَ پِذِيرِشِ قَرَارِ دَادِي، وَ بِنِدْگَانَتِ رَابِالْصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ عِبَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ مِفْتَاحًا لِلدُّعَاءِ، وَسَيِّبًا لِلْإِجَابَةِ، بِهٖ دَرُودِ فَرَسْتَادِنِ بَرِ إِيْشَانِ وَادَاشَتِي، وَ آَنَانِ رَا سَرَاغَاذِ دَعَا، وَ وَسِيْلَهٗ اِجَابَتِ اَنِّ قَرَارِ دَادِي، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَعَلَى مَوْلَانَا وَسَيِّدِنَا أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ پَسِ دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ هَمِهٖ آَنَانِ وَ بَرِ مَوْلَايِ مَا وَ سَرُورِ مَا (أَبَا الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ بَنِ مُوسَى، وَ مَرَا بَهٗ وَاسِطَهٗ إِيْشَانِ نَزْدِ خُودَتِ دَرِ دُنْيَا وَ آخِرَتِ آَبْرُومِنْدِ وَ اِزَالْمُقَرَّبِينَ، وَاجْعَلْ ذُنُوبَنَا بِهِمْ مَغْفُورَةً، وَعُيُوبَنَا بِهِمْ مَسْتُورَةً، مَقْرَبِينَ) دَرِ گَاهَتِ (قَرَارِ بَدَهٗ، وَ قَرَارِ بَدَهٗ گَنَاهَانِ مَرَا بِهٖ خَاطِرِ إِيْشَانِ آمَرَزِيْدَهٗ شَدَهٗ، وَ زَشْتِي هَايِ مَرَا بِهٖ خَاطِرِ إِيْشَانِ پُوشِيْدَهٗ شَدَهٗ، وَفَرَأَيْضًا مَشْكُورَةً، وَنَوَافِلَنَا مَبْرُورَةً، وَقُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَوَجِبَاتِ مَرَا رَا پَادَاشِ دَاَدَهٗ شَدَهٗ، وَ مَسْتَحَبَاتِ مَرَا رَا پِذِيرْفَتَهٗ شَدَهٗ، وَ دَلِ هَايِ مَرَا بِهٖ ذِكْرِ وَ يَادِ خُودَتِ آَبَادَشَدَهٗ، وَأَنْفُسَنَا بِطَاعَتِكَ مَسْرُورَةً، وَجَوَارِحَنَا عَلَى خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً، وَ جَانِ وَ رُوحِ مَرَا بِهٖ فَرْمَانِبَرِدَارِيَتِ شَادِمَانِ، وَ اِعْضَاءِ وَ جَوَارِحِ مَرَا بِهٖ خُدْمَتِ خُويْشِ رَامِ شَدَهٗ، وَأَسْمَاءَنَا فِي خَوَاصِّكَ مَشْهُورَةً، وَأَرْزَاقَنَا مِنْ لَمَدْنِكَ مَبْدُورَةً، وَ نَامِ هَايِ مَرَا رَا دَرِ مِيَانِ بِنْدِگَانِ وَ يِزَهٗ اَتِ بَلِنْدِ آَوَازَهٗ، وَ رُوزِي مَرَا رَا اِزِ نَاحِيَهٗ خُودَتِ فَرَاوَانِ وَ سَرِشَارِ، وَخَوَاصِّجِنَا لَدَيْكَ مَبْسُورَةً، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و حاجت های ما را برآورده شده، به رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

پس به طرف بالاسر امام علیه السلام برو و بایست و بگو: السَّلَامُ عَلَي الْقَائِمِ مَقَامِ سَلَامِ بَرِ كَسِي كِه دَر

جایگاه الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْوَارِثِ عُلُومِ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اِيسْتَادِهْ اِسْت، سلام بر وارث علوم برگزیدگان، سلام بر خَلِيفَةِ اللَّهِ وَخَلِيفِهِ رَسُولِهِ، السَّلَامُ عَلَى زِمَامِ الدِّينِ، السَّلَامُ جَانَشِينِ خِداوند و جانشین رسول او، سلام بر شیرازه دین، سلام على نظامِ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَى صِيَاحِ الدُّنْيَا، وَعَمْدِهِبِ نِظْمِ دهنده امور مسلمانان، سلام بر اصلاح کننده امور دنیا، و ركن الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَصْلَ الْإِسْلَامِ النَّامِي، السَّلَامُ مُؤْمِنان، سلام بر تو ای اصل و اساس و ریشه اسلام بالنده و رشد کننده، سلام عَلَيْكَ يَا فَرْعَهُ السَّامِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بِهِ تَمَامُ الصَّلَاهِبِ تو ای شاخه بالارفته و سر بر فلک کشیده آن، سلام بر تو ای کسی که تمامیت نماز و الزکاه و الصَّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ، وَتَوْفُرِ الْفَنَى وَ الصَّدَقَاتِ وَ زَكَاتِ وَ روزه و حج و جهاد و کامل بودن آن ها، و پس انداز کردن غنائم و دریافت و جوهات و إِمضَاءِ الْحُدُودِ الْمُسَيَّمِيَاتِ، وَالْأَحْكَامِ الْمُبَيَّنَاتِ. السَّلَامُ و امضاء و اجرای حدود معین شده، و احکام بیان شده به وسیله شما است. سلام عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُحَلَّلُ حَلَالَ اللَّهِ، وَالْمُحَرَّمُ حَرَامَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بر تو ای کسی که حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می کنید، سلام بر تو أَيُّهَا الْمُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَأَحْكَامَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الذَّابُّ عَنْهُ ای اقامه کننده حدود الهی و احکام او، سلام بر تو ای دافع کننده از دینِ اللَّهِ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا دِينَ خِدا با حکمت و پند و اندرز نیکو، سلام بر تو ای الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ بِالْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ فَضْلُهُ دَعْوَتِ كُننده به سوی خداوند با حجت رسا، سلام بر تو ای کسی که فضیلت او كَالشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ الطَّالِعَةِ، الْمُجَلَّلِهِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ، السَّلَامُ مانند خورشید روشنی بخش آشکار است، که به نور خود جهان را روشن ساخته است، سلام عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الْمُنِيرُ، وَالسَّرَاجُ الطَّاهِرُ، وَالنُّورُ

السَّاطِعِ، بر تو ای آنکه همچون ماه تابان شب چهارده، و چراغ فروزان، و نور درخشان، وَالنَّجْمُ الْهَادِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَزَّ الْمُسْلِمِينَ، وَعَيْظُو سِتَارَهُ هِدَايَتِكُمْ هَسْتِي، سلام بر تو ای مایه عزت مسلمانان، و خشم المنافقين، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَوَارَ الْكَافِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مَنَافِقَانَ، سلام بر تو ای کسی که سبب هلاکت و نابودی کافران هستی، سلام بر تو ای پدر السَّادَةِ الْمِيَامِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عَجَزَتْ عَنْ ذِكْرِ فَضْلِهِ سُرُورَانَ خَجَسْتَهُ، سلام بر تو ای کسی که از ذکر فضیلت شما اشخاص بلیغ (که به خوبی می توانند البُلَغَاءُ، وَقَصُرَتْ عَنْ إِدْرَاكِهِ الْفَصْحَاءُ، وَتَحَيَّرَتْ فِي نَعْتِ فَضْلِهِ مَقْصُودِ خَوْشِ رَا بِا كُفْتَارِشَان بَر سَانَنْد) عاجز و ناتوانند، و از ادراک آن سخن پردازان نارسا، و از توصیف فضل شما الْخُطَبَاءُ، وَلَمْ تَنْتَه إِلَيْهِ الْحُكَمَاءُ، «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ خَطِيْبَانِ سَخْنِ سَرَا سَرِ كَرْدَانَنْد، وَ حَكِيْمَانِ بَه سَوِيْ اَنْ رَاهِ نَمِيْ يَابَنْد، اَيْنِ، فَضْلِ وَ بَخْشِشِ خُدا اسْتِ بَه هَر كَسِ بَخْوَهِدِ عِنَايَتِ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (۳۶)، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَىٰ آبَائِكَ مِي كَنْد، وَ خُداوَنْد دَارَايِ فَضْلِ وَ بَخْشِشِ بَسِيَارِ اسْتِ، سلام بر تو ای مولای من و بر پدران الْأَكْرَمِينَ، وَأَبْنَاءِ كَ الطَّاهِرِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

گرامی ات، و فرزندان پاکت، و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

پس ضریح را بوسیده و نماز زیارت بخوان و بگو:

يَا شَامِحًا فِي بُعِيدِهِ، يَا رُتُوفًا فِي رَحْمَتِهِ، يَا مُحِييَ الْأَمْوَاتِ، اِي بَلَنْد مَرْتَبَه دَر دُورِي اَش؛ اِي مَهْرَبَانِ دَر رَحْمَتِش؛ اِي زَنْدَه كَنْنَنْدَه مَرْدِ كَان؛ اِي مُخْرِجِ النَّبَاتِ، اِي ظَهْرَ اللَّاجِينَ، اِي جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، اِي بِيْرُونِ آوَرَنْدَه كِيَاهَان؛ اِي پَشْتِيْبَانِ پَنَاهَنْدِ كَان؛ اِي پَنَاهِ دَهَنْدَه حَمَايَتِ طَلْبَان؛ اِي أَسْمَعَ السَّمْعِينَ، اِي أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، اِي صَرِيخَ الْمُسْتَضْرِحِينَ، شَنْوَاتَرِينَ شَنْوَنْدِ كَان؛ اِي بِيْنَاتَرِينَ بِيْنَنْدِ كَان؛ اِي فَرِيَادِرْسِ دَادِ خَوَاهَان؛ اِي عِمَادًا مِنْ لَا عِمَادَ لَهُ، اِي سَنْدَ

مَنْ لَا سَيِّدَ لَهُ، يَا ذُخْرَ مَنْ لَا أَى تَكِيهَ گاه کسی که تکیه گاه ندارد؛ ای پشتوانه کسی که پشتوانه ندارد؛ ای اندوخته کسی که ۱. سوره جمعه، آیه ۴.

ذُخْرَ لَهُ، يَا حِرْزَ الضُّعْفَاءِ، يَا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، یا اندوخته ای برای او نیست؛ ای حافظ و نگهدار ناتوانان؛ ای گنج تهیدستان؛ ای امید بزرگ؛ ای مُنْقِذَ الْغُرَقَى، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، يَا إِلَهَ نَجَاتِ دَهْنَدِه غرق شدگان؛ ای زنده کننده مردگان؛ ای ایمنی بخش بیمناکان؛ ای معبود العالمین، يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، يَا جَابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ، يَا صَاحِبَ جَهَانِيَانِ؛ ای سازنده هر ساخته شده؛ ای التیام بخش هر شکسته؛ ای همراه كُلِّ غَرِيبٍ، يَا مُوْنِسَ كُلِّ وَحِيدٍ، يَا قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدٍ، يَا شَاهِدًا هَر غَرِيبٍ؛ ای همدم هر تنها؛ ای آنکه نزدیکی و دور نیستی؛ ای گواهی غَيْرَ غَائِبٍ، يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ، يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيِّ، يَا مُحْيِيَ كِه چيزی بر او پنهان نیست؛ ای چیره ای که چیزی بر او چیره نیست؛ ای زنده هنگامی که زنده ای نبوده؛ ای زنده کننده الْمَوْتَى، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا دَائِعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، أَنْتَ مَرْدَغَانِ؛ ای زنده که معبودی جز تو نیست؛ پدید آورنده آسمان ها و زمینی، تَوَالِقَاتِمُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ حَسَابِگَرِ هَر شَخْصٍ بِه آنچه انجام داده و به دست آورده است هستی، از تو می خواهم که بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً تُرْضِيهِمْ وَتُخَطِّبُهُمْ (تُخَطِّبُهُمْ)، وَتُبَلِّغُهُمْ أَقْصَى وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فَرَسْتِي، دَرُودِي كِه آنان را خشنود گردانی و بالا-بری، و به آخرین درجه رضاكَ، وَأَنْ تَرْحَمَ ذَلِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ، وَوَحْشَتِي رِضَايَتِ خَوِيْشِ رِسَانِي، وَرَحْمَ كُنِي بِه ذَلَّتْ وَخَوَارِي مِنْ دَرِ پِيْشِگَاهَتِ، وَنَالِه وَزَارِي ام بِه دَرِگَاهَتِ، وَبِيْگَانِگِي ام مِنَ النَّاسِ، وَأُنْسِي بِكَ يَا كَرِيْمُ، تَصَدَّقْ

عَلَيَّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ مَرْدَمٌ، وَأَنْسُ وَهَمْدِي أَمْ بِتَوْأَى بِزَرْغَوَارٍ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِرَمْنِ صَدَقَةٍ بَدَدْتُ وَبِرَحْمَتِ فَرْمَا بَرَحْمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ تَهْدِي بِهَا قَلْبِي، وَتَجْمَعُ بِهَا أَمْرِي، وَتَلْمُ بِهَا بَهَابَةَ رَحْمَتِي مِنْ نَاحِيَةِ خُودَتِ كَيْ بِهَ وَسِيلَةَ أَنْ قَلْبِي رَا هِدَايَتِ نَمَائِي، وَكَارَمِ رَا سَامَانَ دَهِي، وَبِرِيشَانِي أَمْ رَا شَعْثِي، وَتُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي، وَتُكْرِمُ بِهَا مَقَامِي، وَتَحُطُّ بِهَا بِرَطْفِ نَمَائِي، وَبِصُورَتَمِ رَا سَفِيدِ كَرْدَانِي، وَبِمَقَامَمِ رَا كَرَامِي وَبِرَجْمَنَدِ فَرْمَائِي، وَبَارِ كَرَانِمِ رَاعَنِّي وَزُرِّي، وَتَغْفِرُ بِهَا مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِي، وَتَغْصِي مَنِي بِهَاسِبِكِ سَازِي، وَبِزَرْغَوَارِ دُوشَمِ فَرُودِ آوَرِي، وَبِكَانَهَانَ كُذْشَتَهَ أَمْ رَا بِبِيَامَرِزِي، وَبِزَرْغَوَارِ مَنِي مِنْ عُمُرِي، وَتَسْتَعْمِلُنِي فِي ذَلِكَ كُلِّهِ بِطَاعَتِكَ، وَبِمَابَاقِي مَانَدَهَ عَمْرَمِ مَرَا) از گناه و آلودگی (مصون بداری، و به اطاعت خویش و آنچه باعث خشنودی تو و یزضیک عنی، و تختیم عملی بأحسینه، و تجعل لی ثوابه الجنة، رضایت از من می گردد و اداری و مشغول سازی، و کارم را به نیکوترین وجه پایان بخشی، و ثواب و پاداش آن را بهشت قرار دهی، و تشمک بی سبیل الصالحین، و تعیننی علی صالح ما أعطیتنی، و به راه صالحان و نیکوکاران رهنمون شوی و ببری، و بر آنچه مصلحت من است از آنچه مرا عطا کردی یاری رسانی، و لا تشمت بی حاسداً و لا عداً، و لا تکلنی إلی نفسی طوفهوا مرا مورد شماتت حسودان و دشمنان قرار ندهی، و هرگز مرا به خودم واگذار نکنی و رها نسازی عین ابداء، و لا أقل من ذلک و لا اکثر، یا رب العالمین. چشم به هم زدنی و کمتر یا بیشتر از آن، ای پروردگار جهانیان. و سعی کن در دعا کردن به آنچه می خواهی، پس قبر را در پیش روی خود قرار داده و بگو:

اللَّهُمَّ

إِنِّي زُرْتُ هَذَا الْإِمَامَ مُقَرَّراً بِإِمَامَتِهِ، مُعْتَقِداً لِفَرَضِ خِدَاوَنَدَا؛ مِنْ أَيْنِ إِمَامٍ رَا زِيَارَتِ كَرْدَمِ دَر حَالِي كِه بِه اِمَامَتِ اَوْ اِقْرَارِ وَ اعْتِرَافِ دَارَمِ، مَعْتَقِدَمِ بِه وَجُوبِ طَاعَتِهِ، فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبِي وَعُيُوبِي، وَمُوبِقَاتِ اِثَامِي، اِطَاعَتَشِ، پَسِ آهَنكَ زِيَارَتِ اَوْ نَمُودَمِ بَا هَمِه كِنَاهَانِمِ وَ بَدِي هَايِمِ، وَ نَا فَرْمَانِي هَايِمِ كِه هَلَاكَتِ بَارِ اسْتِ، وَ كَثْرَه سَيِّئَاتِي وَ خَطَايَايِ وَ مَا تَعْرِفُهُ مِنِّي، مُسِيءَةً تَجِيْرًا بِعَفْوِكَ، وَ كِنَاهَانِ وَ خَطَاهَايِ فَرَاوَانِمِ، وَ اَنچِه تُو اَز مِي دَانِي، دَر حَالِي كِه بِه عَفْوِ وَ بَخْشِشِ تُو پِنَاهَنْدِه كَشْتِه، مُسِيءَةً تَعِيْدًا بِحِلْمِكَ، لَاجِئًا اِلَى رُكْنِكَ، عَاقِبَةً بِرَأْفَتِكَ، مُسْتَشْفِعًا وَ بِه حِلْمِ وَ بَرْدْبَارِيْتِ پِنَاهِ آوْرْدِه، بِه نِيْرُويِ تُو تَكِيَه كَرْدِه، بِه رَأْفَتِ وَ مَهْرَبَانِيْتِ پِنَاهِ آوْرْدِه اَمِ، طَلَبِ شِفَاعَتِ مِي كِنَمِ اَز بُوْلِيْكَ وَ اَبْنِ اَوْلِيَاءِكَ، وَ صَفِيْحِكَ وَ اَبْنِ اَضْفِيَاءِكَ، وَ اَمِيْنِكَ وَ اَبْنِ وَلِيِّ تُو وَ فَرَزَنْدِ اَوْلِيَاءَتِ، وَ بَر كَزِيْدِه تُو وَ فَرَزَنْدِ بَر كَزِيْدِ كَانَتِ، وَ اِمَانْتِدَارِ تُو وَ فَرَزَنْدِ اَمْنَاءِكَ، وَ خَلِيْفَتِكَ وَ اَبْنِ خُلَفَائِكَ، اَلَّذِيْنَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيْلَةَ اِلَى اِمَامَانَتِ دَارَانَتِ، وَ جَانَشِيْنِ تُو وَ فَرَزَنْدِ جَانَشِيْنَانَتِ، اَوْ اَز كَسَانِيِ اسْتِ كِه (اَنَانِ رَا وَسِيْلَه رَحْمَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ، وَ اَلذَّرِيْعَه اِلَى رَأْفَتِكَ وَ عَفْوَانِكَ. اَللّٰهُمَّ رَحْمَتِ وَ خَشْنُودِيْتِ، وَ وَاسِطَه رَأْفَتِ وَ اَمْرُزْشِ خُوِيْشِ قَرَارِ دَاْدِه اِي. خِدَاوَنَدَا؛ وَ اَوْلِيِ حَاجَاتِي اِلَيْكَ اَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي عَلَيَّ بِالْاَتْرِيْنِ حَاجَتِ هَايِ مِنْ بِه دَر كِه تُو اِيْنَسْتِ كِه كِنَاهَانِ كَشْتِه اَمِ رَا بَا كَثْرَتِهَا، وَ اَنْ تَعْصِمَ مِنِّي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، وَ تُطَهِّرَ دِيْنِي مِمَّا زِيَادِي اَنْ هَا بِيَا مَرْزِي، وَ دَر بَاقِيِ مَانْدِه عَمْرِ مَرَا) اَز اَرْتِكَابِ كِنَاهِ (مَصُوْنِ دَارِي، وَ دِيْنِمِ رَا اَز اَنچِه يُدْنِسُهُ وَيَسِيْنُهُ وَيُزْرِي بِي، وَ تَحْمِيَهُ مِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِّ وَالْفَسَادِ اَنْ رَا اَلُوْدَه وَ زَشْتِ مِي كَرْدَانْدِ وَ لَكِه دَارِ مِي سَاَزْدِ پَاكِ كَرْدَانِي، وَ اَنْ رَا اَز هَر كَوْنِه شَكِّ وَ تَرْدِيْدِ وَ فَسَادِ الشُّرُكِ، وَ تُثَبِّتَنِي عَلَي طَاعَتِكَ وَ طَاعَه رَسُوْلِكَ، وَ ذُرِّيَّتِي وَ شَرِكِ بَا زِدَارِي، وَ مَرَا بَرِ اِطَاعَتِ خُودِ وَ اِطَاعَتِ رَسُوْلَتِ، وَ

ذَرِيَّةَ النَّجْبَاءِ الشُّعَدَاءِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتِكَ وَسِلاَمِكَ، بزرگوار سعادت مند او - که درود و رحمت و سلام و برکات بر آنان باد - ثابت بداری، وَتُحْيِيَنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ، وَتُمِيتَنِي إِذَا أَمَّتَنِي عَلِيُو تا مرا زنده داشته ای بر اطاعت ایشان زنده بداری، و هنگامی که میراندی بر طاعتِهِمْ، وَأَنْ لَا تَمُحُو مِنْ قَلْبِي مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ وَيُبْغِضَ اطَاعَتِ شَانِ بِمِيرَانِي، و از دلم ارادت و محبت شان و کینه اَعْدَائِهِمْ، وَمُرَافَقَهُ أَوْلِيَاءِهِمْ وَبِرَّهُمْ. وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَقْبَلَ دُشْمَانِ شَانِ، و رفاقت و همراهی با دوستان شان، و نیکی کردن به آنان را محو و نابود نگردانی. و از تو می خواهم پروردگارا؛ ذَلِكْ مِنْنِي، وَتُحِبِّبْ إِلَيَّ عِبَادَتَكَ، وَتُبْغِضْ إِلَيَّ مَعْاصِيَكَ، که آن را از من بپذیری و عبادتت را محبوب من و مورد علاقه من گردانی، و نافرمانی هایت را ناپسند من و مورد نفرت من گردانی، وَتَرْزُقْنِي تَوْبَةً نَصُوحاً تَرْضَاهَا، وَبِرَّهُمْ وَتَحْمِيْدُهَا، وَعَمَلًا صَالِحًا و به من روزی کنی توبه خالص و واقعی که به آن خشنود گردی، و نیت پاکی که آن را بپسندی، و عمل نیکو و شایسته ای تَقْبَلُهُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

که آن را بپذیری، به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

در هنگام زیارتِ وداع با حضرت امام رضا علیه السلام، نزد ضریح رو به قبر و پشت به قبله بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيَّ كَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلَى خَلْقِهِ، سلام بر شما ای امین خداوند در زمین او، و حجّت او بر آفریدگانش، وَخَازِنَ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّهِ، وَبَابَ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ، وَصِرَاطَهُ وَخَزِينَةَ عِلْمِ أُو، و جایگاه سر او، و باب امر و نهی او، و راه او که راست المُسْتَقِيمِ، سِلَاطِ مَوْدِعٍ وَلَا سِرِّمْ وَلَا قَالٍ وَلَا مَالٍ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَمُسْتَقِيمِ است. سلام کسی که وداع می نماید در حالی که از زیارت خسته نشده

و افسرده نگشته و ملالت ندارد، و رحمت خدا و بَرَکاتُهُ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَجْعَلْ غُدُوْنَا وِ بَرَکَاتِ او (بر تو باد). خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و قرار بده آمدن ما را مَقْرُونًا بِالتَّوَكُّلِ عَلَیْكَ، وَرَوَّاحِنًا عَنْكَ مَوْصُولًا بِالنَّجَاحِ مِنْكَ، مقرون به توکل بر تو، و بازگشت ما را از خدمتت به رستگاری به وسیله خودت، وَدُعَاءَنَا لَكَ مَقْرُونًا بِحُسْنِ الْاِجَابَةِ، وَخُضُوعَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ دَاعِيًا وِ دَعَايَ مَا رَا بَرَايَ تُو مَقْرُونًا بِاِجَابَتِ نَبِيْكَ، و فروتنی باطنی ما را اِلَى رَحْمَتِكَ، وَاَعْتِرَافَنَا بِمَذُنُوْبِنَا شَفِيْعًا اِلَى عَفْوِكَ، وَاَرْزُقْنَا الْعَوْدَ دَر حَضْرَتِ دَعْوَتِ كُنْدَه رَحْمَتِ، و اعتراف ما را به گناهان مان راه شفاعت به سوی عفو. و بازگشت اِلَى زِيَارَتِهِ، ثُمَّ الْعَوْدَ اِلَيْهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. اَللّهُمَّ به زیارتش را و پس از آن بازگشت دیگر را روزی ما گردان، به رحمت ای مهربان ترین مهربانان. خداوندا؛ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِّنَّا لِزِيَارَتِهِ سَيِّدِنَا وَاِمَامِنَا الْمَفْرُوضِ طَاعَتِهِ اَيْنَ زِيَارَتِ رَا اٰخِرِيْنَ دِيْدَارِ مَا بَرَايَ زِيَارَتِ سُرُوْر وِ پيشوای مان که اطاعتش بر ما واجب گشته است قرار نده، عَلَيْنَا، وَاَرْزُقْنَا زِيَارَتَهُ اَيَّدًا مَا اَبْقَيْتَنَا، اِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ، و زیارت او را به طور پیوسته و همیشگی تا مادامی که ما را باقی داشته ای روزی ما گردان، که تو صاحب فضل و احسان فراوان، وَالْمَنْ الْجَسِيْمِ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِيْنَ. (۳۷) و نعمت بسیار هستی، و درود خدا بر سرور ما (حضرت محمد و خاندان پاک او باد.

زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه در حرم شریف حضرت امام رضا علیه السلام

در پایان این بخش، زیارت حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه در حرم حضرت ثامن الحجج علیه آلاف التحية والثناء را نقل می کنیم:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِيْفَةَ سَلَامٍ بِر تُو اِي صَاحِبِ عَصْرِ وِ زَمَانٍ؛ سَلَام

بر تو ای جانشین خدای الرَّحْمَانِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا شَرِیْكَ الْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا رَحْمَان؛ سلام بر تو ای شریک و هم سنگ قرآن؛ سلام بر تو ای قاطع البُرْهَانِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا إِمَامَ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ، السَّلَامُ دَارِی دَلِیل و برهان قاطع؛ سلام بر تو ای امام آدمیان و جنیان؛ سلام عَلَیْكَ وَعَلَىٰ آبَائِكَ الطَّيِّبِينَ، وَأَجْدَادِكَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ بر تو و بر اجداد پاکت و پدران پاکیزه ات که معصوم بودند؛ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (۳۸)

و رحمت و برکت های الهی نثاران باد.

بخش بیست و هفتم

هشت دعای بعد از زیارت

در این بخش، هشت دعا از ادعیه جامعه را که مناسب است پس از زیارت حضرت امام رضاعلیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام خوانده شوند، (۳۹) نقل می کنیم:

□

دعای اول (عالیه المضامین)

سید بن طاووس رحمه الله فرموده است: این دعایی است که بعد از زیارت هر یک از ائمه علیهم السلام خوانده می شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذَا الْإِمَامَ مُقِرًّا بِإِمَامَتِهِ، مُعْتَقِدًا لِفَرْضِ خِدَاوْنَدَا؛ من این امام را زیارت کردم در حالی که به امامت او اقرار و اعتراف دارم، معتقدم به وجوب طاعتش، فَقَصَصْتُ دُنُوَّ مَشْهَدَهُ بِدُنُوِّي وَعُيُوبِي، وَمُوبِقَاتِ اثَامِي، اطاعتش، پس آهنگ زیارت او نمودم با همه گناهانم و بدی هایم، و نافرمانی هایم که هلاکت بار است، ۱. دعاهای مخصوص حرم حضرت امام رضاعلیه السلام را پس از زیارت های آن حضرت نقل کردیم.

وَكَثْرَةِ سَيِّئَاتِي وَخَطَايَايَ وَمَا تَعْرِفُهُ مِنِّي، مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، و گناهان و خطاهای فراوانم، و آنچه تو از من می دانی، در حالی که به عفو و بخشش تو پناهنده گشته، مُسْتَعِيدًا بِحِلْمِكَ، رَاجِيًا رَحْمَتَكَ، لَاجِيًا إِلَىٰ رُكْنِكَ، عَائِدًا وَبِهِ حِلْمٍ وَبِرْدَبَارِيَّتِ پناه آورده، به رحمت امید بسته، به نیروی تو تکیه کرده، بِرَأْفَتِكَ، مُسْتَشْفِعًا بِوَلِيَّتِكَ وَابْنِ أَوْلِيَاءِكَ، وَصَيْفِيَّتِكَ وَابْنِ بَهْرَبَانِيَّتِ پناهنده ام، شفیع خود گردانیده ام ولی تو و فرزند اولیاءت، و برگزیده تو و فرزند اَصْفِيَاءِكَ، وَأَمِينِكَ وَابْنِ أَمْنَائِكَ، وَخَلِيفَتِكَ وَابْنِ خُلَفَائِكَ، بِرِغْزِيدِ گانت، و امانتدار تو و فرزند امانت دارانت، و جانشین تو و فرزند جانشینانت را، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَىٰ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، وَالذَّرِيعَةَ إِلَيَّ (او از کسانی است که) آنان را وسیله رحمت و خشنودیت، و واسطه رَأْفَتِكَ وَغُفْرَانَتِكَ. اللَّهُمَّ وَأَوَّلُ حَاجَتِي إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَارَأْفَتِي وَآمْرُزْ خَوْشِي قَرَارِ دَادَةِ اِي. خدایاندا؛ و اولین حاجت من به درگاه تو اینست که سَلَفَ مِنْ دُنُوْبِي عَلَىٰ كَثْرَتِهَا، وَأَنْ تَعَصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ گناهان گذشته ام را با آن که زیاد است

بیماری، و در باقی مانده عمر مرا) از ارتکاب گناه (مصون داری، عمری، و تطهر دینی مِمَّا يُدْنِسُهُ وَيَشِينُهُ وَيُزْرِي بِهِ، وَنَحْمِيهِ وَ دِينِم رَا از آنچه آن را آلوده و زشت می گردانند، و لگه دار می سازد پاک گردانی، وَمِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِّ، وَالْفَسَادِ وَالشُّرُكِ، وَتُبَّتِنِي عَلَى طَاعَتِكَ از هر گونه شک و تردید، و فساد و شرک بازداری، و ثابت بداری مرا بر اطاعت خود و طاعه رسولک، وَذُرِّيَّتِهِ النَّجْبَاءِ السُّعْدَاءِ، صِلَاؤُكَ عَلَيْهِمْ و اطاعت رسالت، و ذریه بزرگوار سعادت مند او که درود و رحمتک و سِلاؤُكَ وَبَرَكَاتُكَ، وَتُحْيِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلِيو رحمت و سلام و برکات بر آنان باد، و تا مرا زنده داشته ای بر طاعتهم، وَتُمِيتَنِي إِذَا أَمَّتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ، وَأَنْ لَا تَمُحُو مِنِّي اطاعت ایشان زنده بداری، و هنگامی که میراندی بر اطاعت شان بمیرانی، و محو و نابود نگردانی از قلبی مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ وَبُغْضَ أَغْيَادِهِمْ، وَمُرَافَقَةَ أَوْلِيَائِهِمْ، دلم ارادت و محبت شان و کینه دشمنان شان، و رفاقت و همراهی با دوستان شان، وَبِرَّهُمْ. وَأَسْأَلُكَ يَا رَبَّ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ مِنِّي، وَتُحِبَّ إِلَيَّ وَنِيكِي كَرْدَنَ بِي بِأَنَانِي. و از تو می خواهم پروردگارا! که آن را از من پذیری، و عِبَادَتِكَ، وَالْمِوَاظَبَةَ عَلَيْهِا، وَتُنَشِّطَنِي لَهَا، وَتُبْغِضَ إِلَيَّ عِبَادَتِي وَمِوَاظَبَتِي بِأَنَانِي را محبوب من و مورد علاقه من گردانی، و بر انجام آن به من نشاط بخشی، وَمَعَاصِيَّكَ وَمَحَارِمِيكَ، وَتَدْفَعَنِي عَنْهَا، وَتُجَبِّتَنِي اللَّتْقَصِيرَ فِي نَافِرْمَانِي هَا وَمَحْرَمَاتِي رَا نَافِسند من و مورد نفرت من گردانی، و مرا از آن ها دور نمایی، و از کوتاهی کردن درصلاتی وَالْإِسْتِهَانَةَ بِهَا، وَالتَّرَاجِي عَنْهَا، وَتُوفِّقَنِي لِتَأْدِيتِهَا كَمَا نَمَاز وَكُوجَك شمردن آن، و سستی کردن در آن مرا باز بداری، و توفیق دهی برای انجام آن آنگونه که فَرَضْتَ وَأَمَرْتَ بِهِ، عَلَى سُنَنِ رَسُولِكَ صِلَاؤُكَ عَلَيْهِ وَاللهِ وَاجِبَ سَاخْتِه اِي وَبِه اَن

دستور

داده ای به روش پیامبرت - که درود تو بر او و آل او و رَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ، خُضُوعاً وَخُشُوعاً، وَتَشْرَحَ صَدْرِي لِإِيْتَاءِ وَرَحْمَتِ وَ
برکات باد - از نظر خضوع و خشوع. و به من شرح صدر عطا کنی برای پرداخت الزکاه، وَإِعْطَاءِ الصَّدَقَاتِ، وَيَذِلُّ الْمَعْرُوفِ
وَالْإِحْسَانَ، إِيْزَاكَاتِ، و دادن صدقات، و بخشش نیکی و احسان به شیعه الِ مُحَمَّدٍ وَمُؤَسَّاتِهِمْ، وَلَا تَتَوَفَّانِي إِلَّا بَعْدَ أَنْ تَزُفَنِي
حَيِّجِ پيروان آل محمد و یاری آنان، و مرا از دنیا مبر مگر بعد از آن که حج بیتیك الحرام، وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ، وَقُبُورِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمْ
السَّلَامِ. خانه خودت، و زیارت قبر پیامبرت، و قبور ائمه را - که بر آنان سلام باد - روزیم گردانی. وَأَسْأَلُكَ يَا رَبُّ تَوْبَةً نُّصُوحاً
تَرْضَاهَا، وَيَتَّهَ تَحْمِيدُهَا، وَعَمَلًاو از تو می خواهم - ای پروردگار من؛ - توبه خالص و واقعی که به آن خشنود گردی، و نیت
پاکی که آن را بپسندی، و عمل صالحاً تَقْبَلُهُ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي، وَتَهَيِّؤَنَّ عَلَيَّ نِيكُو و شایسته ای که آن را
پذیری، و هنگام وفاتم مرا مورد مغفرت و رحمت خویش قرار دهی، وَسَيِّئَاتِ الْمَوْتِ، وَتَحْشُرَنِي فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ صَلَوَاتُ
اللَّهِ سَخْتِي هَاي جَان كِنْدَن رَا بَر مَن آسَان كِنِي، و در زمره محمد و آل او - که درود تو عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَتُدْخِلْنِي الْجَنَّةَ
بِرَحْمَتِكَ، وَتَجْعَلَ دَمْعِي غَزِيرًاو بر آنان باد - محشور گردانی، و به رحمت خود مرا وارد بهشت نمایی، و گریه ام رافی
طَاعَتِكَ، وَعَبْرَتِي جَارِيَةً فِيمَا يُقْرَبُنِي مِنْكَ، وَقَلْبِي عَطُوفًاو راه اطاعت خویش فراوان، و اشک چشمانم را در آنچه باعث تقرب
من به تو می گردد جاری سازی، و قلب مرا علی أَوْلِيَاءِكَ، وَنُصُونِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا مِنَ الْعَاهَاتِ وَالْأَفَاتِ، نسبت به اولیاء و

دوستانت عطف و مایل فرمائی، و مرا در این دنیا از بیماری ها و آفت ها، وَالْأَمْرَاضِ الشَّدِيدَةِ، وَالْأَسْقَامِ الْمُرْمِنَةِ، وَجَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ و مرض های سخت، و دردهای زمین گیر کننده، و هر نوع بلا و حادثه ای مصون بداری، وَالْحَوَادِثِ، وَتَضَرِّفَ قَلْبِي عَنِ الْحَرَامِ، وَتُبْغِضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ، و قلبم را از حرام بازگردانی، و نافرمانی هایت را مورد تنفر من قرار دهی، وَتُحَبِّبَ إِلَيَّ الْحَلَالَ، وَتَفْتَحَ إِلَيَّ أَبْوَابَهُ، وَتُبَيِّنَ لِي وَفِعْلِي وَحَلَالَ رَا مَحْبُوبِ مَن وَ مَورِدِ پَسَنَدِمِ نِمَائِي، وَ دَرِهَائِشِ رَا بِه رَويِمِ بَگَشَائِي، وَ نَيْتِمِ رَا ثَابِتِ وَ كَارِمِ رَاعَلَيْهِ، وَتَمِدَّ فِي عُمُرِي، وَتُعَلِّقَ أَبْوَابَ الْمَحَنِ عَنِّي، وَلا تَسْلُبْنِي بِرِ آنِ اسْتَوَارِ سَازِي، وَ عَمَرَمِ رَا طَوْلَانِي، وَ دَرِهَائِ غَمِ وَ غَضِّهِ رَا بِرِ مَن بِيَنَدِي، وَ مَا مَنَنْتَ بِه عَلَيَّ، وَلا تَشْتَرِدْ شَيْئاً مِمَّا أَحْسَنْتَ بِه إِلَيَّ، وَلا تَنْزِعْ أَنْجَحَ بِرِ مَن عَطَا كَرَدِهَ وَ بَخْشِيدِهَ اِي از مَن مَكْغِيرِي، وَ چيزِي از آنچِه احسان كَرَدِه اِي بازنستاني، وَ مَنِّي النِّعَمَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ، وَ تَزِيدَ فِيمَا خَوَّلْتَنِي، وَ تَضَاعَفَهُ نِعْمَتِ هَائِي رَا كِه بِه مَن مَرَحْمَتِ فَرْمُودِه اِي جَدَا نَسَازِي، وَ آنچِه عَنائِتِ كَرَدِه اِي زِياد كَنِي، وَ آن رَا مَضَاعَفَ أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً، وَ تَزُوقْنِي مَالاً كَثِيراً وَاسِماً سَائِغاً، هَنِيئاً نَامِياً وَ چندين برابر گرداني، وَ مالِ زِيادِ فَرَاوانِ دَلِپَذِيرِ، كُوارا بِالنَدِهِ وَافِياً، وَ عَزْراً بَاقِياً كَافِياً، وَ جَهاً عَرِيضاً مَنيعاً، وَ نِعْمَةً سَابِغَةً كَاملِ، وَ عَزَّتِ پايِدَارِ كَفائِتِ كَنَدِه، وَ آبرُويِ بَسِيارِ بازدارنَدِه، وَ نِعْمَتِ سَرشارِعاً مَهَّ، وَ تُعِينِنِي بِعَدْلِكَ عَنِ الْمَطالِبِ الْمُنكَدِه، وَ الْمَوارِدِ الصَّعْبِه، فَرَاكِيرِ رَوزِي ام نِمَائِي، وَ مَرا بِه وَسيلَه آن از دَرخواستِ هَائِ نارِوا، وَ مَورِدِ هَائِ دَشِوارِ بِي نِيازِ گرداني، وَ تُخَلِّصَنِي مِنْها مُعافاً فِ دِينِي وَ نَفْسِي وَ وِلَمَدِي، وَ ما أَعْطَيْتَنِي وَ از آن رَهايِي بَخْشِي بِا عَافِيَتِ دَرِ دِينِ وَ جَانِ وَ فَرزَنَدِمِ، وَ (دَر) آنچِه عَطَا كَرَدِه اِي وَ مَنحَتَنِي، وَ تَحْفَظَ عَلَيَّ مَالِي وَ جَمِيعَ ما خَوَّلْتَنِي، وَ تَقْبِضَ عَنِّي وَ بَخْشِيدِه اِي،

و آنچه را دارم و به من داده ای برایم نگه داری، و ایدی الجبایره، و تَرُدُنِي إِلَى وَطَنِي، وَتُبَلِّغَنِي نِهَائِهِ أَمَلِي فِي دَسْتِ جِيَارَانِ وَ زورگویان را از تعدی کردن بر من ببندی و بازداری، و مرا به سرزمین خویش بازگردانی، و به نهایت آرزویم دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَتَجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِي مُحْمِيوَدَةً حَسَنَةً سَلِيمَةً، در دنیا و آخرت برسانی، و سرانجام کارم را پسندیده و نیکو و بی عیب قرار دهی، وَتَجْعَلَنِي رَحِيبَ الصُّدْرِ، وَاسْعَ الْحَالِ، حَسَنَ الْخُلُقِ، بَعِيدًا مَرَا شَكِيَا وَبَاحْوَصَلَهُ وَخُوشِ اخْلَاقِ، وَدُورَمِنَ الْبُخْلِ وَالْمَنْعِ، وَالنَّفَاقِ وَالْكَذِبِ وَالبُهْتِ، وَقَوْلِ الزُّورِ، از بخل و خودداری، و نفاق و دروغ و بهتان، و زورگویی و گفتار نادرست قرار دهی، وَتَرْسَخْ فِي قَلْبِي مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشِعْبَتِهِمْ، وَتَحْرُسْنِي وَدِر دِلْمِ مَحَبَّتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَانِ ايشان را رسوخ دهی و ریشه دار نمایی، و محفوظ بداری یا رَبِّ فِي نَفْسِي وَاهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَاهْلِي خُرَانْتِي وَإِخْوَانِي - ای پروردگارا؛ - خودم و اهل و عیالم و مالم و فرزندم و آنان که سرپرستی ایشان را به عهده دارم و برادرانم و اَهْلِي مَوَدَّتِي وَذُرِّيَّتِي بِرَحْمَتِكَ وَحُدُودِكَ. اَللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَاتِي وَدُوسْتَانِمِ وَذُرِّيَّةِ اِم رَا بِه رَحْمَتِ وَجُودَتِ. خدائوندا؛ اینها نیازهای من به عنْدِكَ، وَقَدْ اِسْتَكْتَرْتُهَا لِلْوَمِي وَشُحِي، وَهِيَ عِنْدَكَ صَیْغِرُهُدْرَگَاهِ تُو اِسْتِ، وَآن هَا رَا زِيَادِ مِي شِمَارْمِ بِه خَاطِرِ پَسْتِي وَبِخْلِ بَسِيَارْمِ، وَدِر حَالِي كِه آن نَزْدِ تُو حَقِيرَةٌ، وَعَلَيْكَ سَيِّئَةٌ يَسِيرَةٌ، فَاسْأَلُكَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمِ وَنَاجِيزِ اِسْتِ، وَانْجَامِ آن بَر تُو سَادِهِ وَآسَانِ اِسْتِ، پَس از تُو مِي خَوَاهِمِ بِه مَقَامِ وَمَنْزَلَتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَكَ، وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، وَبِمَا أُوجِبَتْ لَهُمْ، - که بر او و بر ایشان سلام و درود

باد - در پیشگاهت، و به حق ایشان بر تو، و به آنچه برای ایشان واجب گردانیدی، و بسایر انبیاءتک و رُسُلک و اَصِیْبَائک، و اَوْلِیَائک الْمُخْلِصِیْنَ مِنْ و به دیگر پیامبرانت و رسولانت و برگزیدگانت و اولیاء باخلاص و پاکت از میان عبادک، و بِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لَمَّا قَضَیْتَهَا کُلُّهَا، و اَسْعَفْتَنی بِنِدَائِکَ، و به نام بزرگت، به آن نام بزرگت که همه آن ها را برآورده سازی و مرا حاجت روا گردانی، بِهَا، و لَمْ تُخَيِّبْ أَمَلِی وَرَجَائِی، و شَفَّعْ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ فِیَّ. و مرا از آنچه آرزو و امید دارم محروم نکنی، و صاحب این قبر را در مورد من شفیع من گردانی. یا سَیِّدِی یا وَلِیَّ اللّهِ، یا أَمِینَ اللّهِ، أَسْأَلُکَ أَنْ تَشْفَعَ لِی إلی اللّهِ ای سرور من؛ ای ولیّ خدا؛ ای امین خدا و مورد اطمینان او؛ از تو درخواست می کنم که شفاعت کنی برای من به درگاه خداوند عَزَّ وَجَلَّ فی هَذِهِ الْحَاجَاتِ کُلُّهَا، بِحَقِّ آبَائِکَ الطَّاهِرِیْنَ، وَبِحَقِّ عَزِّ وَجَلِّ در مورد همه این نیازها و حاجت هایم، به حق پدران پاک، و به حق اَوْلَادِکَ الْمُتَنَجِّبِیْنَ، فَإِنَّ لَکَ عِنْدَ اللّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ، الْمَنْزِلَهْفَرَزَنْدَانِ بَرْگَزیده ات، که برآستی تو نزد خداوند - که نام هایش مقدّس است - مقام الشَّرِیْفَه، وَالْمَرْتَبَه الْجَلِیْلَه، وَالْجَاهَ الْعَرِیضَ. اَللّهُمَّ لَعُو عَرَفْتُ ارزشمند و رتبه والا و آبروی فراوان داری. خداوندا؛ اِگَر مَنْ هُوَ اَوْجَهٌ عِنْدَکَ مِنْ هَذَا الْاِمَامِ وَمِنْ اِبَائِهِ وَابْنَائِهِ الطَّاهِرِیْنَ کَسَانِی رَا مِی شناختم که نزد تو از این امام عزیز و پدران و فرزندان پاکش عَلَیْهِمُ السَّلَامُ وَالصَّلَاةُ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِی، وَقَدَّمْتُهُمْ اِمَامَ حَاجَتِی - که بر همه آنان سلام و درود باد - آبرومندتر باشد آنان را شفیع خود قرار می دادم، و آنان را پیشاپیش و طلباتی هَذِهِ، فَاسْمَعْ مِنِّی وَاسْتَجِبْ لِی، و اَفْعَلْ بِی مَا اَنْتَ اِیْنِ خَوَاسْتَهَا وَنِیَازَهَا مِی مَقْدَم،

پس دعایم را بشنو و برایم به اجابت برسان، و آنگونه که تو شایسته آن هستی با من اَهْلُهُ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ. اَللّٰهُمَّ وَمَا قَصَّرْتُ عَنْهُ مَسِيئَلَتِيْ وَلَمْ رَفْتَار كُنْ، ای مهربانترین مهربانان. خداوندا؛ و آنچه درخواست من نسبت به آن نارسا و نیرویم ناتوان تَبَلُّغُهُ فِطْنَتِيْ، مِنْ صَالِحِ دِيْنِيْ وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِيْ، فَاْمُنُّنْ بِهٖ وَتِيْزْهُوْشِيْ وَزِيْرَكِيْ ام به آن نمی رسد و صلاح دین و دنیا و آخرت من است، تو به آن عَلَيَّ، وَاحْفَظْنِيْ وَآخِرُسَيِّئِيْ، وَهَبْ لِيْ وَاغْفِرْ لِيْ، وَمَنْ اَرَادَنِيْ بِر مِنْ مِّنْتْ كَذَا، وَمَرَا نَكْهَدَار وَحَفْظ كُنْ، وَبِر مِنْ بِيْخْشَايِ وَمَرَا مُورِدِ اَمْرَزْشِ قَرَارِ بَدَهٗ، وَهَر كَسْ بِهٖ مِنْ اِرَادَهٗ بِسُوْءٍ اَوْ مَكْرُوْهِ مِنْ شَيْطَانٍ مَّرِيْدٍ، اَوْ سَيِّطَانٍ عَنِيْدٍ، اَوْ مُخَالَفٍ بَدِيْ يَآ نِيْتِ نَارَوَائِيْ دَارِدْ، شَيْطَانِ سِرْكَشِ بَاشِدْ، يَآ سَلْطَانِ عِنَادِيْشِهٖ مَنَحْرَفٍ، يَآ مَخَالَفِ دَاشْتِهٖ بَاشِدْ بَا مِنْ فِيْ دِيْنِيْ، اَوْ مُنَازِعِ فِيْ دُنْيَا، اَوْ حَاسِدٍ عَلَيَّ نِعْمَهٗ، اَوْ ظَالِمٍ اُوْدِرِ دِيْنِ، يَآ كَشْمَكْشِ دَاشْتِهٖ بَاشِدْ بِرِ سَرِ دُنْيَا، يَآ حَسَدِ وَرَزْدِ بِهٖ نِعْمَتِيْ كِهٖ دَارِمْ، يَآ سَتْمَكْرِ بَاشِدْ يَآبَاغٍ، فَاَقْبِضْ عَنِّيْ يَدَهٗ، وَاصْرِفْ عَنِّيْ كَيْدَهٗ، وَاشْغَلْهُ بِنَفْسِهٖ، جَنَآيْتِكَا، دَسْتِ اَوْ رَا نَسِبْتِ بِهٖ مِنْ بِيْنَدِ، وَمَكْرِ وَحِيْلَهٗ اَوْ رَا اَزِ مِنْ بَازْكَرْدَانِ، وَاَوْ رَا بِهٖ خُوْدَشِ مَشْغُوْلِ سَازِ، وَاَكْفِنِيْ شَرَّهٗ وَشَرَّ اَتْبَاعِهٖ وَشَيْطَانِيْهِ، وَاجْزِنِيْ مِنْ كُلِّ مَا يَضُرُّنِيْ وَشَرِّ اَوْ وَشَرِّ پِيْرَوَانِ وَشَيْطَانِيْنَ اَوْ رَا اَزِ مِنْ كَفَايْتِ كُنْ، وَمَرَا اَزِ اَنْجِهٖ بِهٖ مِنْ زِيَانِ رَسَانْدِ وَيُجْحِفُ بِيْ، وَاعْطِنِيْ جَمِيْعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، مِمَّا اَعْلَمُ وَمِمَّا لَا وَبِرِ مِنْ بِيْشِ اَزِ طَاقْتِمِ فِشَارِ اَوْرِدِ دَرِ اَمَانِ بَدَارِ، وَهَمِهٖ خُوْبِيْ هَا رَا اَزِ اَنْجِهٖ مِيْ دَانِمْ وَاعْلَمْ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ

لی وَلِوَالِدَيْ، نمی دانم به من عطا فرما. خداوندا؛ درود فرست بر محمّد و آل محمّد، و بیامرز مرا و پدر و مادرم را، وَلِإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي، وَأَعْمَامِي وَعَمَّاتِي، وَأَخْوَالِي وَأَخَالَاتِي، و برادران و خواهرانم را، و عموها و عمّه هایم را، و دایی ها و خاله هایم را، وَأَجْدَادِي وَحَدَّاتِي، وَأَوْلَادِهِمْ وَذَرَارِيهِمْ، وَأَزْوَاجِي وَذُرِّيَّاتِي و پدر بزرگ ها و مادر بزرگ هایم را، و فرزندان و نسل ایشان را، و همسران و فرزندانم را وَأَقْرَبَائِي وَأَصْدِقَائِي، وَجِيرَانِي وَإِخْوَانِي فِيكَ، مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِ وَهَمِهِ نَزْدِيكَانِمِ وَدُوسْتَانِمِ رَا، وَهَمْسَايْكَانِ وَبِرَادِرَانِ اِيْمَانِي اِم رَا، از مشرق زمین باشند وَالْعَرَبِ، وَلِجَمِيعِ اَهْلِ مَوَدَّتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ يَا مَغْرِبِ زَمِينِ، وَهَمِهِ كَسَانِي رَا كِه بَا مِنْ مَحَبَّتِ دَارِنْدِ اَز مَرْدَانِ وَزَنَانِ مُؤْمِنِ، زَنْدِه بَاشِنْدِ مِنْهُمُ وَالْأَمْوَاتِ، وَلِجَمِيعِ مَنْ عَلَّمَنِي خَيْرًا أَوْ تَعَلَّمَنِي عِلْمًا. يَا مَرْدِه، وَهَمِهِ كَسَانِي كِه بِه مِنْ كَارِ خُوبِ يَا مَطْلَبِ سُوْدْمَنْدِي اَمُوخْتِه بَاشِنْدِ يَا اَز مِنْ عِلْمِ وَدَانِشِي فِرَاگِرْفْتِه بَاشِنْدِ. اَللّهُمَّ اَشْرِكْهُمْ فِي صَالِحِ دُعَائِي، وَزِيَارَتِي لِمَشْهَدِ حُجَّتِكَ خُداوندا؛ شريك گردان همه آنان را در دعای شايسته من و زيارت حرم (باصفای) حَجَّتِ وَوَلِيِّكَ، وَأَشْرِكْنِي فِي صَالِحِ اَدْعِيَّتِهِمْ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ وَوَلِيَّتِ، وَشَرِيكَ نَمَا مَرَا دَر دَعَايِ نِيكُو وَشَايِسْتِه اَنان، بِه رَحْمَتِ اِي مَهْرَبَانْتَرِينِ الرَّاحِمِينَ، وَبَلِّغْ وَلِيِّكَ مِنْهُمْ السَّلَامَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ مَهْرَبَانان، وَاز طَرَفِ هَمِه اَنان بِه وَلِيِّ خُوِيشِ سَلامِ بَرَسان، وَسَلامِ بَر تُو وَرَحْمَتِ خُداوَبَر كَاتُه. يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ - يَا فُلانَ بَنَ فُلانٍ - صَيِّلِي اللّهُ عَلَيْكَ، وَبِرَكَاتِ او بَر تُو باد. اِي سَرورِ مَنْ؟ وَ مَوْلَايَ مَنْ؟ - اِي فُلانِ پَسَرِ فُلانِ - دَرودِ خُدا بَر تُو، وَعَلَى رُوحِكَ وَيَدِنِكَ، أَنْتَ وَسَيِّلتِي إِلَى اللّهِ، وَذَرِيعَتِي إِلَيْهِ، وَبِرُوحِ وَجَسْمِ تُو، تُو وَسَيِّلهِ مِنْ بِه سُوِي خُداوندا

و راه ارتباط من با او هستی، ولی حَقُّ مَوَالَتِي وَ تَأْمِيلِي، فَكُنْ شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي وَ مِنْ حَقِّ ارَادَتَمَنْدِي وَ آرزومندی به حضرتت دارم، پس شفیع من باش به درگاه خداوند تبارک و تعالی درالْوُقُوفِ عَلٰی قِصَّتِي هَذِهِ، وَصَيْرْزِي عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِالنُّجْحِ، وَبِمَامُورِدِ أَنْجَحِ آگاهی از قصه من و در مورد بازگشتم از این جایگاه محترم با موفقیت و روا شدن سَأَلْتُهُ كَلَّهُ، بِرَحْمَتِهِ وَ قُدْرَتِهِ. اَللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلًا كَامِلًا، وَ لِيَأْهَمَهُ خَوَاسْتَهُ هَايِمِ بِاَقْدَرْتِ وَ رَحْمَتِ اُو. خداوندا؛ به من عقل کامل، و اندیشه و خردراجها، وَ عِزًّا بَاقِيًّا، وَ قَلْبًا زَكِيًّا، وَ عَمَلًا كَثِيرًا، وَ اَدَبًا بَارِعًا، بيشتر، و عِزَّتِ پَايْدَارِ، و قلبی پاک، و عمل بسیار، و ادبی برتر و شایسته تر روزی فرما، وَ اَجْعَلْ ذَلِكْ كَلَّهُ لِي، وَ لَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۴۰) و همه آن ها را به نفع من قرار بده، و بر ضرر من قرار مده، به رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

دعای دَوِّم

مستحب است این دعا بعد از زیارت امام رضا علیه السلام و نیز سایر امامان علیهم السلام خوانده شود:

اَللَّهُمَّ اِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ اَخْلَقْتُ وَجْهِي عِنْدَكَ، وَ حَجَبْتُ خَدَاوَنْدَا؛ اِگر گناهانم مرا نزد تو بی آبرو ساخته، و دُعَائِي عِنْدَكَ، وَ حَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ، فَاسْأَلْكَ اَنْ تُقْبَلَ عَلَيَّ دَعَايِمِ را از رسیدن به درگاهت مانع گشته، و میان من و تو فاصله انداخته است، پس از تو می خواهم که بوجهک الکریم، وَ تَنْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ، وَ تُنْزِلَ عَلَيَّ بَرَكَاتِكَ. با چهره کریمانه ات بر من روی آوری، و رحمتت را بر من بگسترانی، و برکاتت را بر من نازل سازی. و اِنْ كَانَتْ قَدْ مَنَعَتْ اَنْ تَرْفَعَ لِي اِلَيْكَ صَوْتًا، اَوْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبًا، و اِگر گناهانم مانع شده از اینکه صدایم به سوی تو بالا رود، یا گناهم را بیامرزی، اَوْ تَتَجَاوَزَ عَنْ

خَطِيئَةٍ مُهْلِكَةٍ، فَهَا أَنَا ذَامِسٌ تَجِيرٌ بِكَرَمٍ وَجِهِيكَ يَا مِنْ خَطَا وَاشْتَبَاهِ هَلَاكَ كُنْدَةً كُنْدَةً كُنِي، بَسْ ائْكَونَ مِنْ بَهْ كَرَامَتِ وَ بَزْرَ كَوَارِي ذَاتِ وَعِزِّ جَلَالِكَ، وَتَوَسَّلْ إِلَيْكَ، وَتَقَرَّبْ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ، وَعِزَّتِ وَشَكْوَةِ جَلَالَتِ پَنَاهِنْدَه كَشْتَه، وَ بَه سَوِي تَوَسَّلِ جَسْتَه وَ تَقَرَّبِ مِي يَابِمِ بَه وَسِيلَه مَحْبُوبْتَرِينَ آفَرِيدِ گَانَتِ، وَأَكْرَمِهِمْ عَلَيْكَ وَأَوْلَاهُمْ بِسْكَ، وَأَطْوَعِهِمْ لَمَكَ، وَأَعْظَمِهِمْ مَنْزِلَهُوَ كَرَامِي تَرِينَ آنَانِ دَرِ پِيشْكَاهِ تَو، وَ شَائِسْتَه تَرِينَ آنَانِ نَسَبَتِ بَه تَو، وَ فَرْمَانِبَرِ دَارْتَرِينَ ايشانِ بَرَايِ تَو، وَ بَاعْظَمَتِ تَرِينَ آنَانِ اَزِ جِهَتِ مَنْزَلَتِ وَمَكَانًا عِنْدَكَ، مُحَمَّدٍ وَبِعِزَّتِهِ الطَّاهِرِينَ، أَلْمَأْتَمَهُ الْهُدَاهِ الْمَهْدِيَّينَ، وَ مَوْقِعِيَّتِ نَزْدِ تَو، (حَضْرَتِ) مُحَمَّدِ صَلِيَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَمَ وَ بَه وَسِيلَه عِزَّتِ پَاكَ اَو، اِمَامَانِ هِدَايَتِ يافته هِدَايَتِ كَر، الَّذِيْنَ فَرَضَتِ عَلَيَّ خَلْقِكَ طَاعَتَهُمْ، وَآمَرَتِ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَجَعَلْتَهُمْ كَهِ اطَاعَتِ شَانِ رَا بَرِ هَمَه مَرْدَمَانِ وَاجِبِ سَاخْتِي، وَ بَه مَوَدَّتِ وَ دُوسْتِي ايشانِ دَسْتُورِ دَادِي، وَ آنَانِ رَاوَلَاهِ الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِ رَسُولِكَ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. يَا مُذِلَّ كُلِّ بَعْدِ اَزِ پِيَامِبَرَتِ سِرْپَرَسْتِ اَمُورِ قَرَارِ شَانِ دَادِي، كَهِ دَرُودِ خُداِ بَرِ اَوِ وَ آلِ اَوِ بَادِ. اِي خُوارِ كُنْدَه هَرَجَبَّارِ عَنِيدِ، وَيَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ، بَلِّغْ مَجْهُودِي، فَهَبْ لِي نَفْسِي سَتْمَكِرِ زُورِ كُويِ عِنَادِ پِيشَه، وَ اِي عَزِيزِ كَرْدَانِنْدَه مُؤْمِنَانِ، تَابِ وَ تَوَانِمِ بَه پَايَانِ رَسِيدَه اَسْتِ، بَسْ ائْكَونَ مَرَا بِيخِشِ، السَّاعَةَ، وَرَحْمَةً مِنْكَ تَمُنُّ بِهَا عَلَيَّ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَ بَا رَحْمَتِي اَزِ نَاحِيَه خُودَتِ بَرِ مِنْ مَنَّتِ كُذَارِ، اِي مَهْرَبَانْتَرِينَ مَهْرَبَانَانِ.

سپس ضريح را ببوس و دو طرف گونه ات را بر آن بمال و بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذَا مَشْهَدٌ لَا يَرْجُو مَنْ فَاتَتْهُ فِيْهِ رَحْمَتُكَ، اَنْ يَنْالَهَا فِيْ خُداوَنْدَا؛ اَيْنِ، زِيَارَتِ گَاهِي اَسْتِ كَهِ كَسِي اَكْرِ رَحْمَتِ تَوِ دَرِ اَنِّ جَا اَزِ اَوْ فُوتِ شُودِ، اَمِيْدِي نِيَسْتِ كَهِ دَرْغِيْرَه، وَلَا اَحَدٌ اَشْقَى مِنْ اَمْرٍ قَصْدَهُ مُؤْمَلًا فَاَبَ عَنْهُ

خائباً. غیر اینجا بدست آورد، و کسی شقی تر از انسانی نیست که با آرزو و امید اینجا بیاید و محروم باز گردد. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْاِیَّامِ، وَخَیْبَةِ الْمُنْقَلَبِ، وَالْمُنَاقَشَةِ خِطَاوِنْدَا؛ به تو پناه می برم از بدی بازگشتن، و ناامیدی هنگام بازگشت، و مناقشه و کشمکش عِنْدَ الْحِسَابِ، وَحَاشَاكَ يَا رَبَّ اَنْ تُقْرَنَ طَاعَهُ وَلِیْكَ بِطَاعَتِكَ، وقت حسابرسی، و از ساحت مقدّس تو به دور است - پروردگارا؛ - که اطاعت و لیت را با اطاعت خویش، وَمُؤَالَاتِهِ بِمُؤَالَاتِكَ، وَمَعْصِيَتِهِ بِمَعْصِيَتِكَ، ثُمَّ تُؤَيِّسُ زَائِرَهُ، و دوستی و پیروی او را با دوستی و پیروی خویش، و معصیت و نافرمانی او را با معصیت و نافرمانی خویش مقرون گردانی، سپس زائرش وَالْمُتَحَمِّلَ مِنْ بُعْدِ الْبِلَادِ اِلَى قَبْرِهِ؛ وَعَزَّتْكَ يَا رَبَّ لَا یَنْعَقِدُ رَا و آن که سختی راه و دوری آن را تا کنار قبر مطهر او تحمیل کرده مایوس و ناامید گردانی، سوگند به عزّت - ای پروردگارا؛ - عَلٰی ذَلٰلِكَ ضَمِیْرِيْ، اِذْ كَانَتْ الْقُلُوْبُ اِلَيْكَ بِالْجَمِیْلِ تُشِیْرُ. (۴۱) که به خاطر من چنین چیزی خطور نمی کند؛ زیرا که دل ها به سوی تو تنها به خوبی و نیکی اشاره دارد.

دعای سوم

خواندن این دعا نیز پس از زیارت امام رضا علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام مستحب است:

یا وَلِیَّ اللّٰهِ؛ اِنَّ بَیْنَی وَبَیْنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوْبًا لَا یَأْتِیْ عَلَیْهَا اِلَّا اِیُّ وَلِیِّ خِدا؛ همانا میان من و خداوند عزیز والا گناहانی است که جز رضایت و خشنودی شما آن ها را از بین رضاک، فَبِحَقِّ مَنْ اِثْمَنَكَ عَلٰی سِرِّهِ، وَاسْتَرْعَاكَ اَمْرٌ خَلْفَهُ، نمی برد، پس به حق کسی که شما را امین راز خویش قرار داد، و سرپرستی امور عالم و نگهبانی خلق را از شما خواست، وَقَرَنَ طَاعَتِكَ بِطَاعَتِهِ، وَمُؤَالَاتِكَ بِمُؤَالَاتِهِ، تَوَلَّ صَلَاحَ حَالِی وَاطَاعَتِیْ شَمَا

الْخَلْقِ طَاعَتَهُ، قَدْ جَعَلْتَهُ بَيْنَ يَدَيَّ، أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ اطَاعَتِ او را بر همه خلق واجب کرده ای، که در پیش روی خود قرار داده ام، پروردگارا! از تو می خواهم بِحُرْمَتِهِ عِنْدَكَ، وَبِحَقِّهِ عَلَيْكَ، لَمَّا نَظَرْتَ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحِيمَةً مِنْ بَعْضِ حُرْمَتِ و آبروی او نزد تو، و به حق او بر تو نگاهی از روی رحمت و مهربانی به من کنی، نَظْرَاتِكَ، تَلَّمُ بِهَا شِعْنِي، وَتَصْلُحُ بِهَا حَالِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، که با آن نگاه، پریشانی و نابسامانی مرا برطرف کنی، و حالم را در دنیا و آخرت اصلاح نمایی، فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللَّهُمَّ إِنَّ دُنُوبِي لَمَّا فَاتَتِ الْعِدَّةَ، که تو بر هر چیزی توانایی. خداوندا! همانا گناهانم وقتی که از عدد گذشت وَجَازَتِ الْأَمَدَ، عَلِمْتُ أَنَّ شَفَاعَةَ كُلِّ شَافِعٍ دُونَ أَوْلِيَائِكَ تَقْضِيهِ رُوْزِ از اندازه تجاوز کرد، دانستم که شفاعت هر شفيعی غير از اوليائت کارساز نيست، عَنْهَا، فَوَصَيْتُ الْمَسِيرَ فِي بَلَدِي، قَاصِدًا وَإِلَيْكَ بِالْبُشْرَى، پس اين مسير را پيمودم و با شادمانی آهنگ ولي تو را نمودم، وَمُتَعَلِّقًا مِنْهُ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَهَا أَنَا يَا مَوْلَايَ قَدِ اسْتَشْفَعْتُ و از طريق او به دست آويز محكم و مورد اطمينان آويختم، و اکنون اين منم - ای مولای من؛ - بِه إِلَيْكَ، وَأَقْسَمْتُ بِه عَلَيْكَ، فَارْحَمْ غُرْبَتِي، وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي. که به وسیله او به درگاه تو شفاعت جسته ام، و به او تو را سوگند داده ام، پس به غربت و تنهایی من رحم کن، و توبه ام را بپذیر. اَللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَعُوذُ عَلَى صَالِحِهِ سِوَاكَ مِنِّي، وَلَا أَثِقُ بِحَسَنَةِ خَدَاوَنَدَا؛ همانا من بر عمل صالح و شایسته ای که در گذشته انجام داده ام تکیه نمی کنم، و به کار نیکویی که تَقَوْمٌ بِالْحُجَّةِ عَنِّي، وَلَوْ أَنِّي قَدَّمْتُ حَسَنَاتِ جَمِيعِ خَلْقِكَ، ثُمَّ از طرف من حجتی بپا دارد اطمینان

ندارم، و اگر خوبی های همه آفریدگانت را پیش فرستم، سپس خالفت طاعه اولیائیک، لكانت تلک الحسنات مزرجه لی عن با فرمان اولیاءت مخالفت کنم، و از اطاعتشان سرپیچی نمایم، هر آینه این خوبی ها مرا از جوارک، غیر حائله بینی و بین نارک، فلذیک علمت أن أفضل جوارت دور می گرداند، و میان من و آتش خشم تو فاصله نمی اندازد، پس به خاطر این دانستم که بهترین طاعتک طاعه اولیائیک. اللهم ارحم توجهی بمن توجّهت به اطاعتها همان اطاعت اولیاء تو است. خداوندا؛ رحم کن روی آوردنم را به خاطر کسی که به وسیله او به ایلیک، فلقد علمت انی غیر واجد اعظم مقداراً منهم، لمکانهم تو روی آورده ام، و به تحقیق می دانی که من پیدا نکردم کسی را که ارزشی بیشتر از آنان داشته باشد، به خاطر منزلتی که ایشان منک یا ارحم الراحمین. اللهم انک بالانعام موصوف، وولیک نزد تو دارند ای مهربانترین مهربانان. خداوندا؛ همانا تو به نیکی کردن و احسان توصیف شده ای، و ولیت بالشفاعه لمن اتاه معروف، فاذا شفّع فی متفضلاً، کان وجهک به شفاعت نمودن نسبت به آنکه به درگاهش آید شناخته شده است، پس هنگامی که در مورد من به فضل و کرم خویش شفاعت کند، تو با چهره علی مقلماً، و إذا کان وجهک علی مقلماً اصیبت من الجنه منزلاً. رحمت با من روبرو می شوی، و هنگامی که با چهره رحمت با من روبرو گشتی به درجه و رتبه ای از بهشت دست می یابم. اللهم فکما اتوسل به إلیک، أن تمنّ علی بالرضا والنعم، اللهم خداوندا؛ پس همان گونه که به وسیله او به تو توسل می جویم که بر من به خشنودی و نعمت ها منت گذاری؛ خداوندا؛ ارضیه عنا، ولا تسخطه علینا، واهدنا به ولا تضلنا فیهِ، واجعلنا او را از ما راضی گردان، و بر

ما خشمگین مساز، و ما را به وسیله او هدایت کن و در مورد او گمراه مفرما، و ما رافیه علی السبیل الذی تختارُهُ، وَأَضِفْ طَاعَتِي إِلَى خَالِصٍ در مورد او بر همان راهی که او را اختیار فرموده ای قرار بده، و اطاعتم را به نیت نیتی فی تَحِيَّتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى خِيَارِ خَالِصِمْ در تحیت و ارادتم بیفزا، ای مهربان ترین مهربانان. خداوندا؛ بر بهترین خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا أَنْتَ جَبْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَاخْتَرْتَهُمْ آفَرِيدِ كَانَتْ مُحَمَّدٍ و آل او درود فرست؛ همان گونه که ایشان را بر همه جهانیان برگزیدی، و از روی علمِ مِنَ الْمَأُولِينَ. اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ، وَصَيِّفُوتِكَ مِنْ عِلْمٍ و آگاهی آنان را از میان پیشینیان اختیار نمودی. خداوندا؛ و درود فرست بر حجت و برگزیده ات از میان بَرِيَّتِكَ، الْتَالِي لِنَبِيِّكَ، الْمُقِيمِ لِأَمْرِكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَصَلِّ مَخْلُوقَاتِ، آنکه در پی پیامبرت (و جانشین او)، بیادارنده امر تو بوده، یعنی حضرت (علی بن ابی طالب، و درود فرست علی فاطمه الزهراء سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بر) حضرت (فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان، و درود فرست بر امام حسن وَالْحُسَيْنِ شَفِئِي عَرْشِكَ، وَدَلِيلِي خَلْقِكَ عَلَيْكَ، وَدُعَاتِهِمْ إِلَيْكَ. و امام حسین دو گوشواره عرشت، و دو دلیل و راهنمای خلقت بر تو، و دعوت کننده آنان به سوی تو. اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيِّ وَمُحَمَّدٍ خُداوندا؛ و درود فرست بر امام سجاد، و امام باقر، و امام صادق و امام کاظم و امام رضا و امام جواد وَعَلِيِّ وَالْحَسَنِ وَالْخَلْفِ الصَّالِحِ الْبَاقِي، مَصَابِيحِ الظُّلَامِ، و امام هادی و امام عسکری، و جانشین شایسته باقی مانده؛ آن چراغ های فروزنده در تاریکی ها، وَحُجَجِكَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنَامِ، خَزَنَةِ الْعِلْمِ أَنْ يَغْدِمَ، وَحُمَاهِ الدِّينِ وَحِجَّتِ هَايَتِ بر همه مردمان، خازنان

علم و دانش از معدوم شدن آن، و حامیان دین أَنْ يَسْتَقِيمَ، صِيْلَةٌ يَكُونُ الْجَزَاءُ عَلَيْهَا أَتَمَّ رِضْوَانِكَ، وَنَوَامِيٍّ از بیمار شدن آن؛ درودی که پاداش تو بر آن کاملترین رضایت و خشنودیت، و برکات بَرَكَاتِكَ، وَكَرَامَاتٍ إِحْسَانِكَ. اَللّٰهُمَّ الْعَنِّ اَعْدَاءَهُمْ، مِنَ الْجِنَّ بِالنَّهْ، وَ اِحسان کریمانه ات باشد. خداوندا؛ دشمنان ایشان را از طایفه جِنِّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ، وَضَاعِفٌ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ الْمَلِيمُ، وَالسَّلَامُ و انس همگی را لعنت کن، و عذاب دردناکت را بر ایشان دو چندان گردان، و سلام عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (۴۳)

و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

دعای پنجم

يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، وَالْمِنَّةِ الْمُتَتَابِعَةِ، (خداوندا؛ ای دارای قدرت کامل و دربرگیرنده؛ و رحمت گسترده، و نعمت های پیاپی، وَالْأَلَاءِ الْمُتَوَاتِرَةِ، وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةَ الْجَلِيلَةَ، وَالْمَوَاهِبِ وَالطَّافِ پيوسته، و احسان های نیکو) بزرگ، و بخشش های الجزیله، صِيْلٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدِنِ الصَّادِقِينَ، وَأَعْطِنِي فراوان، درود فرست بر محمد و آل محمد که اهل صدق و راستی اند، و سُؤْلِی، وَاجْمَعْ شَمْلِي، وَلَمْ شَعْتِي، وَزَكِّ عَمَلِي، وَلَا تُزِلَّ قَدَمِي، خواسته ام را عطا کن، و پریشان خاطری و نابسامانی مرا برطرف کن، و عملم را پاکیزه گردان، و پایم را ملغزان، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَيْدَاءً، وَلَا تُحَيِّبْ طَمَعِي، وَلَا تُبَيِّدْ و چشم به هم زدنی مرا هرگز به خویش وامگذار، و طمع مرا ناکام مگردان، و عَوْرَتِي، وَلَا تُنْهَيْتْكَ سِتْرِي، وَلَا تُؤَيِّسْنِي، وَكُنْ بِي زَشْتِي مرا آشکار مساز، و پرده پوشش مرا کنار مزن، و مرا دچار وحشت مگردان و مأیوس مفرما، و نسبت به من رُؤُوفًا رَحِيمًا، وَأَهْدِنِي وَزَكِّنِي وَطَهِّرْنِي، وَصَفِّنِي وَاصْطَفِّنِي، رثوف و مهربان باش، و هدایت کن مرا و پاک و پاکیزه ام نما، و مرا باصفا گردان و برگزین، ۱. کتابُ فی الزیارات والأدعیه (مخطوط): ۳۶.

وَخَلِّصْنِي وَاسْتَخْلِصْنِي وَاصْنَعْنِي وَاصْطَنْعْنِي وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ، و مرا خالص فرما، و (از

بدی ها) رهائی ام بخش، و مرا نیکو ساز و تربیت کن، و به درگاه خویش نزدیک گردان، وَلَا تَبَاعِدْنِي عَنْكَ، وَالطُّفُّ بِي، وَلَا تُخْفِنِي (وَلَا تُخَيِّبْنِي)، و از خود دور مکن، و به من لطف کن، و مرا پوشیده و کنار مکن، (وَأَكْرِمْنِي وَلَا تُهِنِّي، وَمَا أَسْأَلُكَ فَلَا تُحَرِّمْنِي، وَمَا لَا أَسْأَلُكَ وَكَرَامِي أَم بَدَارٍ وَبَسْتَم مَكْن، وَآنچه از تو درخواست نمودم مرا از آن محروم مفرما، و آنچه نخواستم برایم فَاجْمَعُهُ لِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَأَسْأَلُكَ بِحُزْمِهِ وَجِهَتِكَ فَرَاهِمَ فَرَمَا، به رحمت ای مهربانترین مهربانان. و از تو می خواهم به حرمت ذات الْكَرِيمِ، وَبِحُزْمِهِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِحُزْمِهِ زَرْكَوَارَتِ، و به حرمت پیامبرت) حضرت (محمّد که درود تو بر او و آل او باد، و به حرمت أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ اهل بیت پیامبرت امیر مؤمنان) حضرت (علی و امام حسن و امام حسین، وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَجَعْفَرٌ وَمُوسَى وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَامام سجّاد و امام باقر و امام صادق و امام کاظم و امام رضا و امام جواد و امام هادی و امام عسکری وَالْخَلْفِ الْبَاقِي صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ وَآن جانشین باقی مانده ات - درود و برکات تو بر آنان - که بر همه آنان درود فرستی، أَجْمَعِينَ، وَتُعَجِّلَ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ، وَتَنْصُرَهُ وَتَنْصُرَهُ وَتَنْصُرَهُ بِه لَدِينِكَ، و در فرج قیام کننده ایشان به امرت شتاب نمایی، و او را یاری کنی و دینت را به وسیله او پیروز گردانی، وَتَجْعَلَنِي فِي جُمْلَةِ النَّاجِينَ بِه، وَالْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَتِهِ. وَأَسْأَلُكَ وَمرا در گروهی که به وسیله او رهایی می یابند، و در راه اطاعتش اخلاص دارند قرار دهی. و از تو می خواهم بِحَقِّهِمْ لَمَّا اسْتَجَبْتَ لِي دَعْوَتِي، وَقَضَيْتَ حَاجَتِي، وَأَعْطَيْتَنِي به حقّ ایشان که دعایم را

مستجاب کنی، و حاجتم را برآورده سازی، و سُؤلی، و کَفَيْتَنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، یا أَرْحَمَ خَوَاسْتَهُ ام را عطا کنی، و آنچه از امر دنیا و آخرتم مرا اندوهگین ساخته کفایت نمایی، ای مهربانترین الرَّاحِمِينَ، یا نُورُ یا بُرْهَانُ، یا مُنِيرٌ یا مُبِينٌ، یا رَبُّ إِكْفِنِي شَرَّ مَهْرَبَانَانَ. ای روشن؛ ای آشکار؛ ای روشنی بخش؛ ای آشکارکننده؛ ای پروردگار؛ بدی الشُّرُورِ وَآفَاتِ الدُّهُورِ، وَأَسْأَلُكَ النَّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ. (۴۴) بدی ها و آفت های روزگار را نسبت به من کفایت کن، و از تو می خواهم که مرا نجات دهی و رهایی بخشی روزی که در صور دمیده می شود.

دعای ششم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَدْعُ لِيْ فِيْ هٰذَا الْمَكَانِ خِدَاوَنَدًا؛ بر مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ درود فرست، و در این جایگاه ارزشمند الْمُكْرَمِ، وَالْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَجْتَهُ، و محترم، و حرم باعظمت و امگذار برای من گناهی را مگر آنکه آن را بیامیزی، و نه اندوهی را مگر آنکه آن را گشایش دهی، وَلَا كَرْبًا اِلَّا كَشَفْتَهُ، وَلَا غَمًّا اِلَّا اَذْهَبْتَهُ، وَلَا حُزْنَ اِلَّا سَلَبْتَهُ، و نه گرفتاری را مگر آنکه آن را برطرف سازی، و نه غمی را مگر آنکه آن را دور نمایی، و نه غصه ای را مگر آنکه آن را از بین ببری، وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ، وَلَا عَدُوًّا اِلَّا كَفَيْتَهُ (قَضَمْتَهُ)، وَلَا مَرِيضًا و نه قرضی را مگر آنکه آن را ادا کنی، و نه دشمنی را مگر آنکه آن را کفایت کنی (درهم شکنی او را)، و نه مریضی را اِلَّا شَفَيْتَهُ وَعَافَيْتَهُ، وَلَا عَارِيًّا اِلَّا كَسَوْتَهُ، وَلَا عَيْبًا اِلَّا سَتَرْتَهُ، مگر آنکه آن را شفا دهی و عافیت بخشی، و نه برهنه ای را مگر آنکه آن را بپوشانی، و نه عیبی

را مگر آنکه آن را پنهان داری، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسِيطَتُهُ، وَلَا خَوْفًا إِلَّا أَمْنَتُهُ، وَلَا شَمْلًا إِلَّا جَمَعْتُهُ، و نه روزی و رزقی را مگر آنکه آن را گسترش دهی، و نه بیم و ترسی را مگر آنکه آن را ایمن بخشی، و نه نابسامانی را مگر آنکه آن را سامان دهی، وَلَا غَائِبًا إِلَّا حَفِظْتُهُ وَأَدَيْتُهُ، وَلَا دَعْوَةً إِلَّا أَجَبْتَهَا، وَلَا مَسْأَلَهُوْهُنَّ غَائِبِي رَا مِغْر آنکه آن را حفظ کنی و بازگردانی، و نه دعایی را مگر آنکه آن را به اجابت برسانی، و نه درخواستی را إِلَّا أَعْطَيْتَهَا، وَلَا أَمَانَةً إِلَّا أَدَيْتَهَا، وَلَا فِتْنَةً إِلَّا صَبَّرْتَهَا، وَلَا مِغْر آنکه آن را عطا کنی، و نه امانتی را مگر آنکه آن را بازگردانی، و نه فتنه ای را مگر آنکه آن را دور نمایی، و نه ۱. کتاب فی الزیارات والأدعیه (مخطوط: ۳۲).

حَاجَةٌ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَكَ فِيهَا رِضَى وَ لِي فِيهَا حَاجَتِي مِنْ حَاجَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ - که در آن رضا و خشنودی تو و صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۴۵)

صلا ح من باشد - مگر آنکه آن را بر آورده کنی، ای مهربانترین مهربانان.

دعای هفتم

از کتب مزار نقل شده که در قسمت بالای سر (حرم های ائمه معصومین علیهم السلام) بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجُودِ الْأَبَدِيِّ، وَالْبَقَاءِ السَّرْمَدِيِّ، خَدَاوَنَدَا؛ از تو درخواست می کنم ای صاحب جود و بخشش همیشگی و پیوسته، و ماندگاری پایدار، الْمُنْعُوتِ بِصِفَاتِ الْجَلَالِ فِي أَزَلِ الْأَزَالِ وَأَبَدِ الْأَبَادِ، يَا مَنْ (ای آنکه متّصف به صفات جلال بوده ای و هستی در گذشته های بی ابتدا و در آینده های بی انتها، ای آنکه لا تَحْوِيهِ الْأَفْطَارُ، وَلَا يَمُرُّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا حَاضِرًا لَيْسَ كِرَانَهُ هَا و اطراف او را در بر نمی گیرد، و شب و روز بر او

نمی گذرد، ای آنکه در عین حضورِ مَوْجُودِ، یا غَائِباً لَيْسَ بِمَفْقُودِ، یا مَنْ لَيْسَ بِمَذْكَرٍ وَلَا أُنْثَى، وَلَا وجود محسوس ندارد، ای آنکه با غائب بودنش ناپیدا نیست، ای آنکه نه مذکر است و نه مؤنث، و نه قَوْلٍ وَلَا مَعْنَى، وَيَا مَنْ عَبَّرَتْ عَنْهُ الْعُقُولُ بِغَيْرِ مَعْرِفِهِ الْمَعْنَى، لَفْظٌ اسْتَوَى وَنَهَ مَعْنَى، وَ أَيْ أَنْكَهَ انْدِيشَه هَا وَ خَرْدَهَا از او تعبیر کرده و یاد نموده اند بدون معرفت معنا و شناخت حقیقت او، یا مَنْ لَمْ يَشِيقْ كَوْنُهُ أَوْلَا عَلَى كَوْنِهِ إِخْرَاءً، وَلَا كَوْنَهُ بَاطِنًا أَيْ كَسَى كَه أَوْلُ بُوْدُنْش بَرِ آخِرِ بُوْدُنْش، وَ بَاطِنِ بُوْدُنْش عَلَى كَوْنِهِ ظَاهِرًا، وَ جَعَلَ الْعُقُولَ فِي بَيْدَاءِ كَبْرِيَاءَتِهِ وَالْهَهْبِرَ ظَاهِرَ بُوْدُنْش پِيشَى نَكْرَفْتَه اسْتَوَى، وَ خَرْدَهَا رَا دَر صَحْرَاى كَبْرِيَاءَتِ اش حِيرَانِ وَ ۱. كِتَابُ فِى الزِّيَارَاتِ وَالْأَدْعِيَةِ (مَخْطُوطٌ: ۳۳).

حِيَارَى، يَا مَنْ لَيْسَ بِقَرِيبٍ فَيُنَاجَى، وَلَا بَعِيدٍ فَيُنَادَى، يَا اللَّهُ يَا سِرْگَرْدَانِ سَاخْتَه اسْتَوَى، أَيْ كَسَى كَه نَزْدِيكٌ مَحْسُوسَى نَيْسْت كَه بَا أَوْ نَجْوَا شُود، وَ أَنْگُونَه دُور نَيْسْت كَه بَا بَانْگِ وَ فَرِيَادِ أَوْ رَا بَخْوَانْدِ، أَيْ خَدَا، أَيْ أَعْيَدَلِ الْأَعْيَدَلِينَ، يَا مَنْ تَقَدَّسَ عَنْ أَفْعَالِ الْمَخْلُوقِينَ، وَيَا بَاعِثَ عَادِلَتَرِينَ عَادِلِ هَا، أَيْ كَسَى كَه مَنزَه اسْتَوَى از كَارَهَاى آفَرِيدِگَانِ، وَ أَيْ بَرَانْگِيزَنْدَه الْأَنْبِيَاءِ الْمَعْصُومِينَ أَصِيلاً وَفَوْعاً وَخُلُقاً وَخُلُقاً، لِيَتَّقَادَ إِلَى پِيَامْبَرَانِى كَه مَعْصُومَنْدِ از نَظَرِ رِيشَه، شَاخَه، خَلَقْتِ وَ خُوى، تَا عَقْلِ هَا تَبَاعِهُمُ عُقُولُ الْمَأْمُورِينَ، يَا مُسْتَخْلِفَ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، كَمَا وَ خَرْدَهَاى دَسْتُورْدَادَه شَدْگَانِ بَه پِيروى ايشان رَامِ گَرْدَدِ وَ فَرُوتَنِ نَمَايدِ، أَيْ أَنْكَهَائِمَه طَاهِرِينَ رَا خَلِيفَه وَ جَانَشِينَ خُودِ سَاخْتِ، هَمَانَطُورِ كَه جَرَتْ سُنَّتُهُ فِى الْأَمَمِ الْمَاضِينَ، يَا مَنْ عِلْمُهُ لَا يَحْتَاجُ إِلَى مَقَالٍ، سُنَّتِ الْهَى دَر اَمَّتِ هَاى پِيشِينَ چنين جريان داشته، اى كسى كه علم او احتياج به مقاله و كتاب، وَقَصْدُهُ لَا يَحْتَاجُ إِلَى سُؤَالٍ، يَا فَاعِلاً

بَغَيْرِ مُبَاشَرَةٍ، وَعَالِمًا بِغَيْرِ وَقْدٍ أَوْ نِيَازٍ بِسُئَالٍ نَادِرٍ، أَيْ ائْتِمَادِ دِهْنِدِه بِدُونِ مُبَاشَرَتِ، وَ دَانَايِ بَدُونِ مُعَاشَرَتِهِ، يَأْمَنُ تَقَدَّسَ عَنِ قَبْلِ وَبَعْدِ، لِأَنَّهُ لَا قَبْلَ وَلَا بَعْدَ، يَامَعَاشِرَتِ وَرَفْتِ وَآمَدِ دَاشْتَنِ، أَيْ كَسِي كِه اَز قَبْلِ وَبَعْدِ مَنزَهَ اسْتِ، زِيَرَا كِه بَرَايِ اَوْ نِه قَبْلِ وَ نِه بَعْدِي اسْتِ، أَيْ مَنْ يَسْبِقُ فِعْلُهُ عَلَيِ الْمَعْقُولَاتِ، لِأَنَّهُ فَاعِلٌ بِغَيْرِ مِثَالٍ وَلَا كَسِي كِه كَارِ اَوْ بَرِ مَعْقُولَاتِ پِيَشِي كَرَفْتِه، زِيَرَا اَوْ ائْتِمَادِ دِهْنِدِه اَيْ اسْتِ كِه بَرَايِ كَارِشِ الْكُوِّ وَأَدْوَاتِ، يَأْفُزِدًا لَمْ تُؤْنَسْهُ الْمَخْلُوقَاتُ، يَأْوَاحِدًا لَمْ تُوَحِّشْهُ ائْتِمَادِ نِيَازِ نَادِرٍ، اَيْ تَنَهَائِي كِه مَخْلُوقَاتِ مَآيِه اُنْسِ وَ اَرَامِشِ اَوْ نِيَسْتِنْدِ، اَيْ يِگَانِه اَيْ كِه الْعِدَمَاتُ، يَأْمُنِيًا لِلْمَوْجُودِ لَا لِلْسَّامِ، وَمَوْجِدًا لِلْمَعْدُومِ نِيَسْتِي هَا اَوْ رَا بِه وَحِشْتِ نِينْدَازِنْدِ، اَيْ نَابُودِ كِنْدِه مَوْجُودِ نِه بِه خَاطِرِ خِسْتِكِي، وَ هِستِي بَخِشِ بِه مَعْدُومِ لِإِظْهَارِ الْجُودِ وَالْكَرَمِ، وَلَا يَنْتَظِرُ حُضُورَ الْأَزْمِنَةِ الْمُسْتَقْبَلَاتِ، بَرَايِ أَشْكَارِ سَاخْتَنِ جُودِ وَ كَرَمِ، وَ اَيْ كَسِي كِه (حُضُورِ زَمَانِ هَايِ آيِنْدِه رَا اَنْتِظَارِ نَمِي كِشْدِ، يَأْمَنُ جَلًّا وَجُودُهُ الْأَزَلِّيُّ عَنِ حُلُولِ الْأَرْضِيْنَ وَالسَّمَاوَاتِ، اَيْ كَسِي كِه وَجُودِ هِمِيَشِكِي وَ بِي اِبْتِدَايِ اَوْ اِلَا تَرِ اسْتِ اَز اَيْنَكِه دَرِ زَمِينِ هَا وَ اَسْمَانِ هَا جَايِ كِيرِدِ، وَعَزَّتْ عِزَّتُهُ عَنِ السُّكُونِ وَالْحَرَكَاتِ، يَأْمَنُ لِاتِّحَادِيَةِ الْأَجْرَامِ، وَ عِزَّتِ وَ اِقْتِدَارِ اَوْ عَزِيْزْتَرِ اَز سَكُونِ وَ حَرَكَاتِ اسْتِ، اَيْ كَسِي كِه جِثَّه هَا وَ اَجْسَامِ بَا اَوْ بَرَابَرِ وَ مَقَابِلِ نَمِي كَرْدِدِ، وَلَا يَتَرَدَّدُ فِي النَّقْضِ وَالْإِبْرَامِ، صَلَّى عَلَيِ مُحَمَّدٍ، الَّذِي عَقَدْتَ وَ دَرِ حَالِ تَرَدُّدِ وَ بِي ثَبَاتِي دَرِسْتِ شَدْنِ وَ مُحْكَمِ شَدْنِ نَمِي بَاشْدِ، بَرِ) حَضْرَتِ (مُحَمَّدِ دَرُودِ فَرَسْتِ كِه بِه الْعَمَامِ ظُلْمًا، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً وَتَوَسَّلًا، خَيْرِ الْبَرِيَّةِ شَابَّابَهُ خَاطِرِ اَوْ اِبْرَهَا رَا سَايَه اَفْكَنْدِي، وَ اَوْ رَا رَحْمَتِ وَ وَسِيْلَه وَ وَاَسْطَه قَرَارِ دَادِي،) اَوْ (بِهْتَرِيْنِ مَرْدَمِ اَزِ جَوَانِ وَكَهْلًا، أَظْهَرَ

الْمُطَهَّرِينَ شِيمَةً، وَأَجُودِ الْمُسَدِّ تَمَطِّرِينَ إِحْسَانًا، و پیر، آشکار کننده ترین آنان از حیث خلق و خوی، و بخشنده ترین بارنده نیکی و احسان، وَأَعْظَمِ الْخَلْقِ جُرْثُومَهُ، الَّذِي أَوْصَحَتْ بِهِ الدَّلَالَاتِ، وَأَتَمَّتْ وَبَاعْظَمَتْ تَرِينَ اَفْرَادِ اَزْ جِهْتِ اَصْلِ وَبُنِ وَرِيشِه اَسْت، که به وسیله او دلالت ها را واضح ساختی، وَبِهِ الرِّسَالَاتِ، وَصَلَّ عَلَيَّ الْمَعْصُومِينَ مِنْ عَشْرَتِهِ، وَالطَّيِّبِينَ بِهِ وَسِيلَهُ اَوْ رِسَالَتِ هَا رَا کامل گردانیدی، و درود فرست بر معصومین از عترت او، و پاكان مِنْ اُسْرَتِهِ، وَشَرَّفَ لَدَيْكَ مَنَازِلَهُمْ، وَعَظَّمْتَ عِنْدَكَ مَرَاتِبَهُمْ، اَزْ خاندانش، و منزلت آنان را نزد خودت والا، و مقام و رتبه ایشان را عظیم گردان. وَاجْعَلْ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى مَجَالِسَهُمْ، وَارْفَعْ إِلَيَّ دَرَجَةَ رَسُولِكَ وَ مَحَلَّ جُلُوسِ اَنَانِ رَا دَرِ بَالَا- تَرِينَ جَايْگَاهِ بَهْشْتِ قَرَارِ بَدَه، وَ دَرَجَاتِ شَانِ رَا تَا دَرَجَه رَسُولْتِ بَالَا بِيْر، دَرَجَاتِهِمْ، وَتَمَّمْ بِلِقَائِهِمْ سُورَةَ، وَكَمَا أَنْجَزْتَ بِإِمَامَتِهِمْ وَعِدَّةً، وَسُرُورَ وَشَادِمَانِي اَوْ رَا بَه دِيْدَارِ اِيْشَانِ كَامِلِ گَرْدَانِ، وَ هِمَانْگُونَه كِه بَا اِمَامَتِ اِيْشَانِ وَعَدَه اَوْ رَا مَحَقَّقِ سَاخْتِي، فَأَقْرِرْ بِرُؤْيَيْتِهِمْ عَيْنَهُ، وَعَجَّلْ لَنَا فَرَجَهُمْ، وَافْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، بَه دِيْدَارِ اِيْشَانِ چَشْمِ اَوْ رَا رُوشَن كُنْ، وَ بَرَايِ مَا دَرِ فَرَجِ اَنَانِ شَتَابِ كُنْ، وَ بَا مَا چِنَان كُنْ كِه تُو شَايِسْتَه اَن هَسْتِي، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اِلَهِي كَرَمِ مِنْ بَلَاءِ صَيَّرَفْتُهُ عَنِّي، وَكَرَمِ مِنْ اِيْ مَهْرِبَانْتَرِينَ مَهْرِبَانَانِ. خُدَايِ مَنْ؛ چِه بَسِيَارِ بَلَاءِي كِه اَزْ مَنْ دُور كَرْدِي، وَ چِه بَسِيَارِ نِعْمَه اَقْرَزْتِ بَهَا عَيْنِي. اِلَهِي اَنْتَ الَّذِي اَجَبْتَنِي فِي الْاِضْطِرَارِ، نِعْمَتِي كِه بَا اَن چَشْمِ مَرَا رُوشَن سَاخْتِي. خُدَايِ مَنْ؛ تُو كَسِي هَسْتِي كِه دَرِ بِيچارْگِي مَرَا اِجَابَتِ نِمُودِي، وَكَلَيْتَ دَعْوَتِي عِنْدَ الْعِثَارِ، فَمَا وَحَيْدَتُكَ بَخِيلاً حِيْنَ طَلَبْتُكَ، وَ دَرِ لَغْزِشِ هَايِ هَلَاكْتِ بَارِ دَعْوَتِمْ رَا لِيِيكْ كَفْتِي، پَس تُو رَا دَرِ هَنْگَامِ خُواسْتَه اِم بَخِيْلِ نِيافْتِمْ، وَلا

مُنْقِضاً حِينَ أَرَدْتُكَ، بَلْ وَجَدْتُكَ لِدُعَائِي سَامِعاً، وَلِصَوْتِي وَچون تو را اراده کردم کناره نگرفتی، بلکه به دعایم تو را شنوا، و به صدایم راحماً، فَلَا عَدِمْتُ كَرِيمَ الْعِنَايَاتِ، وَلَا خَلَوْتُ مِنْ نِعْمِكَ رَحْمَ كُنْدَه یافتم، از عنایات کریمانه ات محروم نگشتم، و از نعمت های السَّابِغَاتِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُقْرِ بِمُحَمَّدٍ وَاَوْصِيَآئِهِ اٰئِمَّةً وَحُجَجًا، فِرَاوَانَتِ بِي بَهْرَه نماندم. خداوندا؛ من به (حضرت) محمدصلی الله علیه وآله وسلم و اوصیا و جانشینان او که پیشوایان و حجت ها، وَأَدِلَّآءَ وَسُرُجًا، فَادْعُنِي يَوْمَ حَشْرِي بِامَانَتِهِمْ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ رَاهِنَمَايَان و چراغان هدایتند اقرار دارم، پس مرا در روز محشر به امامت ایشان بخوان که تو فرموده ای: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَانِهِمْ» (۴۶)، فَهؤُلَاءِ أَيْمَتِي، فَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ» روزی که هر مردمی را با امام شان می خوانیم» پس این بزرگواران امامان من هستند، مِرَافِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اُولٰی دَر دُنْيَا و آخِرَتِ بَا اِيشَان قَرَار بَدَه. خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست؛ صَاحِبَانِ الْأَمْرِ الَّذِينَ أَمَرَتْ بِطَاعَتِهِمْ، وَأُولَى الْأَرْحَامِ الَّذِينَ أَمَرَتْ أَمْرِي كَمَا رَا بَه اطاعت ایشان دستور دادی، و خويشاوندانی که بِصِلَتِهِمْ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرَتْ بِمَسْأَلَتِهِمْ، وَذَوِي الْقُرْبَى بَه پيوند بَا اِيشَان اَمْر فرمودی، و اهل ذکری که بَه سئوال از آنان سفارش نمودی، و ذوی القربى يعنى نزديکان پیامبرالَّذِينَ أَمَرَتْ بِمِوَدَّتِهِمْ، وَالْمَوَالِي الَّذِينَ أَمَرَتْ بِمُؤَالَاتِهِمْ، که مودت و اظهار محبت به ایشان را از همگان خواسته ای، و سرورانی که بَه ارادت ورزیدن بَه آنان وَمَعْرِفَةِ حَقِّهِمْ، وَأَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، و شناخت حَقَّشان را مطالبه کرده ای، و اهل بيتی که پليدی و ناپاکی و هر گونه آلودگی را از ساحت ایشان دور ساختی، وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُ بِحَقَائِقِ الْاِيْمَانِ، وَصَدَقِ و آنان را از هر جهت پاک و پاکیزه قرار

بر تو وارد گردد، وَتَقُصَّ بَصْرَكَ عَنْ خَطِيئَتِي كَمَا أَمَرَتِ الْمُؤْمِنِينَ، لِأَنَّكَ أَوْلَىٰ بِهِ از خطای من چشم پوشی کنی همان طور که به مؤمنان چنین دستور داده ای؛ زیرا تو به آن مِنَ الْمَأْمُورِينَ. إلهی إِنْ أَخْلَقْتَ وَجْهِي كَثْرَةَ ذُنُوبِي، وَأَسْقَطْتَ از همه دستور داده شدگان سزاوارتری. خداوندا؛ اگر فراوانی گناهانم مرا بی آبرو ساخته، وَمَنْزِلَتِي كَثْرَةَ عُيُوبِي، وَمَنْعَنِي مِنْكَ إِحْسَانًا، وَزَادْتَنِي عَلَيَّكَ زِيَادِي عَيْبٍ هَايِمٍ مَرَا مِنْكَ مِنْكَ خَلْقَكَ بِأَكْرَمِ خَلْقِكَ عَلَيَّكَ مُحَمَّدٍ وَالِ خَوَارِي مِنْ أَفْرُودَةٍ، پَسِ بَرَاَسْتِي مِنْ بَهْ كَرَامِي تَرِينِ أَفْرِيدِ كَانْتِ نَزْدَ تَوِ (يعني) مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، إلهَا أَنْ عَفْوَتِ عَنِّي يَا مَوْلَايَ. وَأَوَيْلَاةُ عَصِيَّتُ مَنْ هُوَ مُحَمَّدٌ بَهْ پِيشْكَاهْتِ تَوَسَّلِ مِي جَوِيمِ كِهْ اَزْ مِنْ دَرْ كَذْرِي وَ مَرَا عَفْوِ كُنِي اِي مَوْلَايَ مِنْ. وَ اِي بَرِ مِنْ؛ نَافْرَمَانِي كَرْدَمْ كَسِي رَا كِهْ اَوَاشْفَقُ مِنَ الْأُمَّهَاتِ وَالْآبَاءِ، وَأَوَيْلَاةُ كَلَّمَا تُبْتُ عَرَضْتُ لِي بَهْ مِنْ اَزْ مَادَرَانِ وَ پَدَرَانِ مَهْرَبَانْتَرِ اسْتِ، وَ اِي بَرِ مِنْ؛ هَرْ كَاهِ تَوْبَهْ كَرْدَمْ خَطِيئَتُهُ أُخْرِي، وَأَوَيْلَاةُ وَقُوفِي ذَلِيلًا فِي الْمَلَأِ، وَأَوَيْلَاةُ إِنْ قَالَ خَطَايَ دِيْكَرِي بَرِ مِنْ غَلْبَهْ يَافْتِ، وَ اِي بَرِ مِنْ اَزْ ايسْتَادَنْ ذَلِيلَانَهْ اَمْ دَرْ حَضُورِ مَرْدَمِ، وَ اِي بَرِ مِنْ؛ اِكْرَرَبِّي «حُذُوهُ» (٤٧)، فَيَا لَهُ مِنْ مَرَا خُوذِ لَا يُقْبَلُ فِيهِ الْفِدَاءُ، وَلَا تَنْفَعُهُ پَرُورْدِ كَارْمِ بَكُوَيْدِ: «اَوْ رَا بَكُوَيْدِ»، اَنْكَاهِ چَهْ كَسِي اسْتِ بَرَايِ كَرْفْتَهْ شَدَهْ اِي كِهْ دَرْ مَوْرَدْ اَوْ هِيچْ كَوْنَهْ عَوْضِ قَبُولِ نَمِي شُودِ، وَالرَّشِي، وَأَوَيْلَاةُ تَرَكَتَنِي خَطِيئَتِي كَمَا الطَّيْرُ لَيْسَ لَهْ وَكَرٌّ وَلَا رَشْوَهْ دَادَنْ بَهْ اَوْ سَوْدِ نَمِي بَخْشَدِ؟ وَ اِي بَرِ مِنْ؛ خَطَاهايمِ مَرَا رَهَا كَرْدَهْ اَنْدِ مَانَنْدِ پَرَنْدَهْ اِي كِهْ بَرَايشِ لَاحِنَهْ وَمِأْوِي، وَأَوَيْلَاةُ يُبْلِي جِسْمِي وَ خَطِيئَتِي جَدِيدَهْ لَيْسَ تُبْلِي. مَاوَائِي نَيْسْتِ، وَ اِي بَرِ مِنْ؛ جِسْمِ مِنْ فَرَسُودَهْ مِي شُودِ وَ لِي خَطَايَ مِنْ تَاَزَهْ اِي اسْتِ كِهْ كَهْنَهْ نَمِي كَرْدَدِ. اَللَّهُمَّ إِنْ ذُنُوبِي لَمَّا فَاتَتْ الْعَدَدَ،

وَجَازَتْ أَلَمِيْدَ، عَلِمْتُ أَنْ خِدَاوَنِدَا؛ هَمَانَا كَنَاهَانَ مِنْ چُونِ اَز عِدَدِ فِرَوْنْتَرِ كَشْتِ، وَ اَز اَنْدَازَه كَشْدْتِ، دَانَسْتَم كِه شَفَاعَه كَلِّ شَافِعِ تَقْصِيْرُ عَنْهَا حَالَه اِعْرَاضِكْ، لِأَنَّكَ إِذَا أَرَدْتَ شَفَاعَتَ هَرِ شَفَاعَتِ كَنِنْدَه نَارَسَا اسْتِ وَ كَوْتَاهِي مِي كِنْدِ اَز اَن حَالَتِ رُوِي گِرْدَانِي تُو، زِيْرَا تُو هَر گَاهِ بَخَوَاهِي تَعْذِيْبَ الْمُعْذِبِيْنَ اَخْلِيْتِ ذِكْرَهُمْ مِنْ قُلُوْبِ الشَّافِعِيْنَ، وَلَا حَوْلَ اَهْلِ عَذَابِ رَا عَذَابِ كَنِي يَادِ اَنَانَ رَا اَز دَلِ هَايِ شَفَاعَتِ كَنِنْدِگَانَ بِيْرُوْنَ مِي بَرِي، وَ هِيچِ تُوَانِ وَلَا قُوَهَ اِلَّا بِكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَهَ اِلَّا بِكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَهُوْ نِيْرُوِي جِزْ بَه وَسِيْلَه تُو نِيْسْتِ، وَ هِيچِ تُوَانِ وَ نِيْرُوِي جِزْ بَه وَسِيْلَه تُو نِيْسْتِ، وَ هِيچِ تُوَانِ وَ نِيْرُوِي ۱. سُوْرَه دَخَانَ، آيَه ۴۷ وَ سُوْرَه الْحَاقَّه، آيَه ۳۰.

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَأُوْجِهْ جِزْ بَه وَسِيْلَه خِدَاوَنِدَا بَلِنْدِ مَرْتَبَه بَزْرَگِ نِيْسْتِ. پَسِ اَز تُو مِي خَوَاهِمِ بَه حَقِّ ذَاتِ بَزْرَگُوَارَتِ، وَ چِهْرَه هَايِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْمُشْرِقَاتِ لَدَيْكَ، وَمَقَامِهِمُ الْعَظِيمِ، وَأَسْأَلْكَ تَابِنَاكَ (حَضْرَتِ مُحَمَّدِ وَ اَهْلِ بَيْتِشِ، وَ مَقَامِ عَظِيْمِ اِيْشَانَ نَزْدِ تُو، وَ اَز تُو مِي خَوَاهِمِ بِحَقِّ اَسْمَائِكَ وَصِفَاتِكَ وَوَحْدَانِيَّتِكَ الَّتِي ضَلَّتْ عَنْهَا الْاِرَاءُ، بَه حَقِّ نَامِ هَايْتِ وَ صِفَاتِ وَ يَكْتَايْتِ كِه اِرَاءِ وَ اَفْكَارِ اَز اَن گِمْرَاهِ شُوْنْدِ) وَ دَرِ اَنِ، رَاهِ نَبْرَنْدِ (وَ تَاهَتْ فِيْهَا الْعُقُوْلُ، اِنْ كَانَ ذَلِكُ فِي مَعْلُوْمِكَ مِنِّي اِلَّا عَفُوْتٌ وَ عَقْلُهَا وَ اَنْدِيْشَه هَا دَرِ اَنِ سِرْگِرْدَانِ شُوْنْدِ - اِگَرِ اَيْنِ مَطْلَبِ دَرِ دَانَسْتَه هَايِ تُو اسْتِ نَسْبَتِ بَه مِنْ - كِه اَز مِنْ بَگَنْدَرِي وَ عَفُو كَنِي، عَنِّي، وَ حَيَوْلَتْ شَقَايْتِي اِلَى السَّعَادَةِ، فَاِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ شَقَاوَتِ مَرَا بَه سَعَادَتِ دَگَرِگُوْنَ سَاَزِي، هَمَانَا تُو اَنِچَه بَخَوَاهِي نَابُوْدِ مِي كَنِي وَ تَثْبِيْتُ، وَ عِنْدَكَ اُمُّ الْكِتَابِ. اِلَهِي عَصِيْتُكَ فِي بَعْضِ الْاَوْقَاتِ، وَ) اَنِچَه رَا بَخَوَاهِي (ثَابِتِ وَ اسْتُوَارِ مِي گِرْدَانِي وَ نَزْدِ تُو

اصل کتاب هستی و لوح محفوظ است. خدای من؛ تو را در بعضی اوقات نافرمانی کردم، و امانت بک فی کلّ الأوقات، فکیف یغلب بغض عُمري مُدنیاً و در همه اوقات به تو ایمان آوردم، پس چگونه بعضی از عمرم که آلوده به گناه است می تواند کُلّ عُمري مؤمناً. إلهی وَعَزَّتْكَ لَوْ كَانَ لِي صَبْرًا عَلَى عِذَابِكَ، بر همه عمرم که مؤمن بوده ام غلبه کند و چیره گردد؟ خدای من؛ به عزت و اقتدارت سوگند؛ اگر شکیبائی بر عذاب تو داشتم، أَوْ جَلَدًا عَلَى اِحْتِمَالِ عِقَابِكَ، لَمَا سَأَلْتُكَ الْعَفْوَ عَنِّي، وَلَصَبْرْتُ يَا بِر تَحَمُّلِ كَيْفَرْتِ تَوَانَا بُوَدْم، هرگز طلب نمی کردم که از من بگذری و عفو کنی، و برای عَلَيَّ اِنْتِقَامِكَ مِنِّي، سَخَطًا عَلَى نَفْسِي كَيْفَ عَصَيْتُكَ، وَمَقْتًا لَهَا اِنْتِقَامًا تُوَ اَزْ مِنْ صَبْرِي مِي كَرْدْم، به خاطر خشم و ناراحتی بر نفس خود که چگونه تو را نافرمانی کردی؟ و نفرت نسبت به آن، که كَيْفَ اَقْبَلْتَ عَلَيْهَا، وَأَذْبَرْتَ مُعْرِضَةً عَنكَ. إلهی كَيْفَ اَيَسَّ چگونه تو بر او روی آوردی و او از تو روی گردانید؟ خدای من؛ چگونه از رحمت تو مأیوس گردم مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَكَيْفَ اَرْجِعُ بِالْخِيْبَةِ عَنكَ در حالی که تو از همه مهربانان مهربانتر هستی؟ و چگونه ناامید از درگاہت بازگردم وَأَنْتَ اَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ، اَبَيْتَ اِلَّا اِغْفَاءً، وَلَسَأَلْتُكَ اِلَّا اِغْفَاءً. در حالی که تو از همه بزرگواران بزرگوارتری؟ نمی پسندی مگر عفو کردن را، و برای سائلت مگر عطا نمودن را. إلهی اَمَرْتُ بِالْعَفْوِ وَأَنْتَ اَوْلَى مَنْ فَعَلَهُ، وَنَدَبْتُ اِلَى الصَّفْحِ خَدَايَ مِنْ؛ به عفو کردن دستور دادی و خود سزاوارتر به انجام آن هستی، و به چشم پوشی نمودن (همگان را) فراخواندی، وَأَنْتَ اَوْلَى مَنْ عَجَّلَهُ، وَمِنْكَ بَدْوُهُ وَعَوْدُهُ، وَأَنْتَ الَّذِي يُصْلِحُ و تو به عمل کردن به آن شایسته تری،

و آغاز آن و بازگشت آن از تو است، و تو کسی هستی که الفاسدین، و یزید الشاردين، فكيف تعرض عن المقبلين إليك، تباہ گشتگان را اصلاح می کنی، و رانده شدگان را و آن ها را که رَمیده اند بازمی گردانی، پس چگونه از کسانی که به تو روی آوردند روی گردانی؟ وَلَهُمْ شُهُودٌ مِنْكَ عَلَيْكَ، سُبْحَانَكَ وَحَنَانِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. در حالی که برای ایشان گواہانی از تو بر تو است، تو پاک و منزّه (و بخشاینده) و بسیار مهربانی ای پروردگار جهانیان. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ «وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَاتَنْهَرْ» (۴۸)، وَأَنَا السَّائِلُ لَكَ خَدَاوِنَا؛ همانا تو فرموده ای: «و سائل را از خود مران»، و من سائل تو و الخائف منك، فَلَاتَنْهَرْ لِي رَبِّي، فَمَا أَوْلَاكَ بِحُسْنِ النَّظَرِ لِي، و بیمناک از توأم، پس دست رد بر سینه ام مزن پروردگار من؛ چه قدر تو شایسته ای به نیکو نظر کردن بر من، وَبِعْتَقِي إِذَا مَلَكَتْ رِقِّي، وَبِالْعَفْوِ عَنِّي إِذَا قَدَرْتَ عَلَيَّ الْإِنْتِقَامَ وَبِهِ آزَادَ كَرْدَنَ مَن چُونِ مَرَا مَالِكِ گشتی، و به عفو و گذشت از من هنگامی که بر انتقام گرفتن از من قدرت یافتی، مَنِّي. رَبِّ فَمَنْ ذَا الَّذِي يُسْتَعَاذُ بِهِ غَيْرُكَ، أَوْ يَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ سِوَاكَ، پروردگار من؛ چه کسی غیر تو است که به او پناهنده، یا به درگاه او ناله و زاری شود، أَوْ يُخَضَّعُ لَهُ إِلَّا أَنْتَ، يَا ذَا الْحَوْلِ الشَّدِيدِ الَّذِي لَا يُطَاقُ، یا برایش خضوع و فروتنی شود جز تو؟ ای دارای قدرت و توانائی شدیدی که کسی را طاقت آن نباشد؛ وَالْقُوَّةِ الْعَظِيمَةِ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، رَبِّ ارْحَمْ هَذِهِ النَّفْسَ وَنِيْرُوِي عَظِيْمِي كِه چيزِي در برابر آن ايستادگِي و مقاومت ندارد. پروردگار! رَحْمَ كَن بَرِ اِيْن نَفْسِ الْجَزُوْعِ، وَهَذَا الْيَدِ الْقَلْبُوْعِ، الَّذِي لَا يَسِيْطِيعُ صِيْوَتَ رَعِيْدِكَ، ناشكِيَا، و اِيْن بَدَنِ نَاسْتَوَارِ كِه قَدْرَتِ شَنِيدَن صَدَاي رَعْدَتِ

فَكَيْفَ يَسْمَعُ صَوْتًا (سَوِّطًا) غَضَبِكَ، وَلَا يَفْقَهُ عَلَى حَرِّسٍ چگونه توانائی شنیدن صدای (تازیانه) غضبت را خواهد داشت؟ او که بر حرارت شمسِک، فَكَيْفَ يَصْبِرُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ، فَوَعَزَّتْكَ لِمَا لَحَنَ عَلَيْكَ، و تابش خورشیدت استقامت ندارد، پس چگونه می خواهد بر حرارت آتش دوزخ صبر کند؟ قسم به عزّت که بر تو اصرار می کنم وَلَمَّا قَرَعَنَّ الْبَابَ أَيْدِ الدَّهْرِ، وَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ، و همواره در رحمت را می گویم گرچه مرا از پیشگاهت برانی، وَلَأَدْعُوَنَّكَ وَإِنْ حَرَمْتَنِي، إِذْ كَانَ بَدْءَ مِنْكَ وَعَوْدِي إِلَيْكَ. و پیوسته تو را می خوانم گرچه مرا محروم سازی؛ زیرا که آغاز من از تو و بازگشتم به سوی تو است. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَايِبٍ يَنْتَظِرُهُ خَدَاوَنَدَا؛ بر محمد و آل او درود فرست، و مرگ را بهترین پنهان شده ای قرار بده که رُوحی، وَالْقَبْرَ خَيْرَ بَيْتٍ أَشْرَكَتَهُ جَسَدِي، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُلْقِنِي رُوحَ مَنْ أَنْتَظَرُ مِنْ رُوحِ مَنْ قَدْ كَشَدَ، و قبر را بهترین خانه ای که جسد را در آن ساکن می گردانی، و از تو می خواهم که) تُلْقِنِي (حُجَّتِي، وَأَنْ تُرِينِي مَا تَقَرَّرُ بِهِ عَيْنِي، وَأَسْأَلُكَ أَنْ حُجَّتِم رَا بَه مِنْ تَلْقِينِ كُنِي، و به من نشان دهی آنچه باعث چشم روشنی من شود، و از تو درخواست می کنم که تَجْعَلَ مَلَكَ الْمَوْتِ الَّذِي تُرْسِلُهُ إِلَيَّ شَفِيقًا عَلَيَّ، مُتَعَطِّفًا عَلَيَّ فَرَسْتَه مَرَك رَا چُون بَه سَوِي مِنْ مِي فَرَسْتِي اُو رَا مَهْرَبَانِ وَ دِلْسُوْز بَه حَالِ مِنْ، رَحْمِ كَنْسَدَه ضَعْفِي، إِذَا أُرْسِلَ إِلَيَّ، رَبِّ وَإِذَا لَمْ يَكُنْ لِي ذَاكِرٌ مِنْ أَهْلِ بَه نَاتَوَانِي مِنْ قَرَارِ دَهِي، هَنْكَامِي كَه فَرَسْتَادَه شُوْد بَه سَوِي مِنْ، پَرُوْرْدِ گَارَا؛ وَ هَنْكَامِي كَه كَسِي اَز اَهْلِ الدُّنْيَا، فَكُنْ أَنْتَ الذَّاكِرُ لِي، وَالْمُؤَنَسَ لِرُوحَتِي، وَالصَّافِحَ عَنِ دُنْيَا مِرَا يَادِ نَكْنَد، پَس تُو يَادِ كَنْسَدَه مِنْ، وَ

خودداری می کند و بازمی گردد، ولی من از تو درخواست وَاِلْحُ عَلَيْكَ، لِثِقَتِي بِكَرَمِكَ وَجُودِكَ وَحَيَاةِكَ عَنْ رَدِّ سَائِلٍ می کنم و رهایت نمی کنم و اصرار می ورزم به خاطر اینکه اطمینان دارم به بزرگواری و بخشش تو و شرم و حیای تو از راندن گدائی مُسْتَعِطٍ لِمَعْرُوفِكَ، يَلْتَمِسُ صَدَقَتَكَ، وَيُنِيحُ بِفِنَائِكَ، وَيَطْرُقُ كَهْ خَوَاهَانِ عَطَا وَنِيكِي تُو اَسْت؛ صدقه از پیشگاهت می طلبد، و به آستانات رحل اقامت افکنده، و بِابِكَ، وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَوْ طَبَقَتْ ذُنُوبِي بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، در (رحمت) را می کوبد، به عِزَّتِ و جَلَالَتِ سوگند؛ اگر گناهانم بین زمین و آسمان را پر کند، وَخَرَقَتِ النُّجُومَ، وَبَلَّغَتْ أَسْفَلَ الثَّرَى، وَجَاوَزَتِ الْأَرْضِينَ وَ سِتَارِ الْكَانِ رَا دَرِنُورِدِدِ، و به پایین ترین نقطه زمین برسد، و اِزَالِ السَّابِغَةِ السُّفْلَى، وَأَوْفَتْ عَلَي الرَّمْلِ وَالْحَصَى، مَا رَدَدَنِي إِلَيَّ أَسْ طَبَقَاتِ هَفْتِگَانِهَ زَمِينِ بَگِذَرِدِ، و از ریگ ها و ماسه ها افزون گردد، يَا سَ مَرَا عَن تَوَقُّعِ غُفْرَانِكَ، وَلَا صَيَّرَفَنِي الْقُنُوطُ عَن اِنتِظَارِ رِضْوَانِكَ. از تَوَقُّعِ مَغْفِرَتِ و آمِرِزِشْتِ بَا زَنَمِي دَارِدِ، وَنَا مِیدِي مَرَا اِز اِنْتِظَارِ رِضْوَانِ و بَخِشِشِ تُو بَا زَنَمِي گِرْدَانِدِ. رَبِّ مَا أَحْسَنَ بِلَا تُنُوكَ عِنْدِي وَفِعَالُوكَ بِي، رَبِّ نَادَيْتُكَ مُطِيعاً پُرُورِدِ گَارَا؛ نَعْمَتِ نَزِدِ مَن دَر رِفْتَارَتِ بَا مَن چِه نِيكُو اَسْت، پُرُورِدِ گَارَا؛ تُو رَا صِدَا مِي زَنَمِ دَر حَالِي كِه مَطِيعِ و فِرْمَانِبِرْدَارِمِ مُسْتَضِي رِخَا فَا عِثْنِي، وَسَأَلْتُكَ عَائِلاً فَا عِثْنِي، وَنَأَيْتُ عَنْكَ فَكُنْتُ وَفِرْيَادِرِسي اِز تُو مِي طَلِبِمِ پَسِ بِه فِرْيَادِمِ بَرَسِ، و اِز تُو دَرخِوَاَسْتِ مِي كَنَمِ دَر حَالِي كِه نِيَا زَمِنْدَمِ پَسِ بِي نِيَا زَمِ نَمَا، و دُورِ گِشْتَمِ اِز تُو و لِي تُو بِه مَن قَرِيباً مَنِي، فَكَيْفَ لَا أَشْكُوكَ يَا إِلَهِي وَقَدْ أَطَلَقْتَ لِسَانِي نَزِدِيكِ بُوْدِي، پَسِ چِگُونِه اِي خُدَايِ مَن تُو رَا سِپَاَسِ نِگُوِيْمِ وَحَالِ اَن كِه تُو زَبَانِمِ رَابِجِدْ كَرِكِ رَحْمَةً لِي مَنِكِ، وَأَضَأْتُ بَصِيرِي حُجَّةً مَنِكِ عَلَيَّ، بِه ذِكْرِ و يَادِ خُودَتِ بِه خَا طَرِ رَحْمَتِ و لَطْفِي كِه

آماده کرده ای، پس مرا مَعَهُمْ، فَإِنِّي لَا أَفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ. إلهی اَتَّحِرِقُ بِالنَّارِ وَجْهِي با اینان قرار بده، که من میان هیچکدام از ایشان فرقی نمی گذارم. خدای من؛ آیا چهره ام را به آتش می سوزانی وَكَانَ لَكَ مُصِيبًا، إلهی اَتَّحِرِقُ بِالنَّارِ عَيْنِي وَكَانَتْ مِنْ خَوْفِكَ در حالی که برای تو نماز گزار بوده است؟ خدای من؛ آیا چشم مرا به آتش می سوزانی در حالی که از ترس تو بایکیه. إلهی اَتَّحِرِقُ بِالنَّارِ قَلْبِي وَكَانَ لَكَ مُجِيبًا. إلهی اَتَّحِرِقُ گریسته است؟ خدای من؛ آیا قلبم را به آتش می سوزانی در حالی که تو را دوست داشته است؟ خدای من؛ آیا بِالنَّارِ جِسْمِي وَكَانَ لَكَ خَاضِعًا. إلهی اَتَّحِرِقُ بِالنَّارِ لِسَانِي جِسْمِی مرا به آتش می سوزانی در حالی که در پیشگاهت خاضع و فروتن بوده است؟ خدای من؛ آیا زبانه ام را به آتش می سوزانی وَكَانَ لِلْقُرْآنِ تَالِيًا، وَلَكَ ذَاكِرًا. إلهی اَتَّحِرِقُ بِالنَّارِ أَرْكَانِي در حالی که تلاوت کننده قرآن بوده و ذکر تو می گفته است؟ خدای من؛ آیا دست و پایم را به آتش می سوزانی وَكُنْتُ لَكَ رَاكِعًا وَسَاجِدًا. إلهی رَجَائِي مِنْكَ إِحْسَانٌ، وَطَنِي در حالی که برایت رکوع و سجود کرده اند؟ خدای من؛ امیدم از حضرتت احسان و نیکی است، و گمانم بِكَ غُفْرَانٌ، فَأَقْلِنِي عَثْرَتِي فَقَدْ كَانَ الَّذِي كَانَ، إلهی بَقِيَّتِي بَيْنَ نَسَبٍ به تو مغفرت و آمرزش است، پس از لغزش هایم چشم پوشی کن، که شد آنچه شد. خدای من؛ میان خَوْفٍ وَرَجَاءٍ، فَخَوْفُكَ يُمِيتُنِي، وَرَجَاؤُكَ يُحْيِينِي، وَالذُّنُوبُ بِيْمٍ و امید مانده ام، بیم تو مرا می میراند، و امیدت مرا زنده می گرداند، و گناه کردن صِفَاتِي، وَالْعَفْوُ مِنْ صِفَاتِكَ. يَا مَنْ لَهُ رِفْقٌ بِمَنْ يُعَانِدُهُ، از صفات من، و عفو کردن از صفات تو است. ای کسی که نسبت به معاندان و دشمنان خود مدارا می کند، فَكَيْفَ بِمَنْ يَتَوَلَّاهُ وَيَسْتَعِظِفُهُ، يَا مَنْ كَلَّمَا

نُودِيْ أَجَابَ، أَنْتَ پَس چگونهُ بآ ارادتمندان و آنان كه از او مهر و عطوفت می جویند مدارا نكنند؟ ای كسی كه هر گاه صدا زده شود پاسخ گوید، توالذی قُلْتَ مِنَ الذی دَعَانِي فَلَمْ أُبَيِّهْ، وَمَنِ الذی سَأَلَنِي فَلَمْ كَسِي هَسْتِي كه فرموده ای: چه كسی مرا خواند و به او لیبك نكفتم؟ و چه كسی از من خواهشی كرد اُعْطِيهِ، وَمَنِ الذی أَقَامَ بِبَالِي فَلَمْ أُجِبْهُ، وَأَنْتَ الذی قُلْتَ أَنَا وَبِهِ اُو عطا نكردم؟ و چه كسی به درگاه من روی آورد و به او جواب ندادم؟ و تو كسی هستی كه فرموده ای: مِنَ الْجَوَادُ وَمِنِي الْجَوَادُ، وَأَنَا الْكَرِيمُ وَمِنِي الْكَرِيمُ، وَمِنْ كَرَمِي جَوَادٌ وَبَخْشِنْدِهِ اَم وَجُودٌ وَبَخْشِشِ اَز مِنْ سِرْچشمه گرفته است، و من كَرِيمٌ وَبِزْرِگوارم و كَرَمٌ وَبِزْرِگواری اَز مِنْ سِرْچشمه گرفته، وَعَلَى الْعَاصِيْنَ أَنْ أَكَلَمَهُمْ فِي مَضَاجِعِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَمْ يَعْصُونِي، اَز كَرَمٌ وَبِزْرِگواری مِنْ بَرِگنه كاران این است كه آنان را در بسترهای شان نگهداری می كنم گویا هرگز نافرمانی نكرده اند، وَأَتَوَلَّيْ حِفْظَهُمْ كَأَن لَمْ يُذْنِبُوا. رَبِّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَرَامِ وَنِگهداری ایشان را بر عهده می گیرم گویا هرگز گناه نكرده اند. بِرورِدگارم؛ همانا مِنْ اَز تُو می خواهم به مَرَحْمَتِ هَاوَالْمَكَارِمِ الَّتِي أَنْكَرْتَ بِهَا عَلَيَّ الْإِسِيْنَ مِنْ رَوْحِكَ، فَقُلْتَ وَ مَكْرَمَتِ هَايْتِ كه آن را بر مأيوس شدگان از رحمت نمی پسندی، و فرموده ای: «إِنَّهُ لَا يَبِيَّاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (۴۹)، إِلَّا مَا رَضِيْتَ» جَزِگروه كافران كسی از رحمت خدا مأيوس نمی گردد» كه از من خشنود گردی. عَنِّي. إِلَهِي لَا تَغْضَبْ عَلَيَّ فَلَسْتُ أَقَوْمٌ بِغَضَبِكَ، وَلَا تَتَّبِعْ مِنِّي خدای من؛ بر من غضب مكن كه در برابر غضبت پایداری ندارم، و از من دوری مكن فَإِنِّي مُلَازِمٌ لِخِدْمَتِكَ، فَلَسْتُ أَنْفٌ مِنْ خَجَلِ الْمَطْرُودِينَ، وَلَا كَه مِنْ هَمُواره مُلَازِمِ خِدْمَتِ هَسْتَمِ، پَس

ننگ ندارم از شرم رانده شدگان، وَأَنْقَبِضُ مِنْ رَدِّ السَّائِلِينَ، لِعَلَّمِي بِنَقْضِ مَا أُبْرِمْتَهُ مِنَ الشَّقَاءِ إِذَا چهره درهم نمی کشم از بازگرداندن گدایان، بخاطر آگاهیم به سست کردن آنچه آن را محکم ساخته ای از شقاوت زمانی که أَلَحَّ السَّائِلُ عَلَيْكَ بِأَكْرَمِ الْأَشْيَاءِ. یا مَنْ مَهَابَهُ عَيْدِلِهِ لَا تُؤَيِّسُ سَائِلٌ تُوْرَا به گرامی ترین نام هایت بخواند و التماس و اصرار کند. ای کسی که ترس از عدل او مسرفین یعنی زیاده روی کنندگان ۱. سوره یوسف، آیه ۸۷.

الْمُسْرِفِينَ، وَعُمُومُ فَضْلِهِ لَا يَطْمَعُ الْعَابِدِينَ، یا خَيْرٌ مَنْ تَذَلَّلَتْ فِي غِنَاهُ رَأْسًا مَأْيُوسٌ نَمِي گرداند، و فراگیر بودن فضل و احسانش عبادت پیشه گان را به طمع نمی اندازد، ای بهترین کسی که لَهُ الْوُجُوهُ، وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ، یا مَنْ لَيْسَ لِخَزَائِنِهِ قُفْلٌ وَلَا چهره ها برایش فروتنی کند و گردن ها برایش سرفراکنده شود، ای کسی که برای خزانه اش قفل و بندبواب، یا مَنْ حَيْثُ مَا دُعِيَ أَجَابَ، یا مَلِكُ الْمُلُوكِ، وَرَبُّ وَدَرْبَانِي نِيست، ای کسی که هر کجا و هر زمانی خوانده شود پاسخ می دهد، ای شاه شاهان، و مالِكِ الْأَرْبَابِ، ما فِي عِبَادِكَ أَقْسَى قَلْبًا مِنِّي، وَلَا مَوْلَى أَعْظَمَ مِنْكَ مَالِكًا، در میان بندگانت سنگدل تر از من نیست و سروری برای من با عظمت تر از تو نیست، لی، أَدْعُوكَ دُعَاءَ مُلِحٍّ لَا يَمْلُ الدُّعَاءَ، وَلَا يَقْطَعُ الرَّجَاءَ، دُعَاءَ تُوْرَا می خوانم خواندن اصرار کننده ای که از خواندن ملول و خسته نمی گردد، و امیدش را از تو قطع نمی کند، خواندن مُلِحٍّ تَوَاتَرَتْ عَلَيْهِ هُمُومُهُ، وَأَخْضَعَ لِمَكَ خُضُوعَ مَنْ قَهَرْتَهُ زَارِي كُنْندة ای که بر او چیره گشته عُمُومُهُ، فَوَحْيُوهُ وَجْهَكَ الْكَرِيمِ، وَعَزَّكَ الْقَدِيمِ، وَجُودَكَ غَمِّ هَائِشِ، قَسَمٌ بِذَاتِ بَزْرِ گَوَارَتِ، وَعَزَّتِ دِيرِينَةُ، وَجُودٌ وَبَخْشِشُ الْعَمِيمِ، لَوْلَا مَا

و برایش فروتنی نموده ام، آنچه خدا بخواهد در حالی که به خدا روی آورده، و به او اقرار و اعتراف نموده و تَوَكَّلًا عَلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ تَلَطُّفًا لِلَّهِ، وَاعْتِمَادًا عَلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ و بر او توکل کرده ام، آنچه خدا بخواهد در حالی که برای خدا نرمی نموده، و بر او تکیه کرده ام، آنچه خدا بخواهد و سَبِيلَهُ إِلَى اللَّهِ، وَإِلْحاحًا عَلَيْهِ، أَنْتَ اللَّهُ رَبُّنَا الَّذِي إِيَّاهُ نَعْبُدُ، در حالیکه به درگاه خداوند توسیل یافته و به پیشگامش اصرار و التماس می نمایم، تو خداوندی پروردگار ما که تنها او را عبادت می کنیم، وَكُنْتَ قَبْلَ الْأَيَّامِ وَالْأَزْمَانِ، وَكُنْتَ كُلَّ شَيْءٍ فَأَحْسِنْتَ كَوْنَهُ، و تو پیش از روزگاران و زمان ها بوده ای، و هر چیزی را هستی بخشیدی و هستی او را نیکو گردانیدی، فَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا تَضُمُّكَ الْجِهَاتُ، وَلَا يَحْوِيكَ الْمَكَانُ، فَأَنْتَ تُوخَدُونَ هِستى كه جهت ها تو را احاطه نمی کند، و مكان تو را دربر نمی گیرد، پس تَوَالَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، حَيُّ قَيُّوْمٌ، مَلِكٌ قَدُّوسٌ، دَائِمٌ مُتَعَالٍ، غَيْرُ خَدَّوْنَدِي (كه) هِيچ معبودي جز تو نيست، (تو) زنده، پايدار، پادشاه، در نهايت پاكي، هميشگي، بلندمرتبه، مَوْصُوفٍ وَلَا مَحْدُودٌ، تَعَظَّمْتَ حَمِيداً، وَتَجَبَّرْتَ حَلِيماً، توصيف نشوي و حد و اندازه اي براي نيست، تو داراي عظمتي در حالي كه ستوده اي، و داراي قدرتي در حالي كه بردباري، وَتَكَبَّرْتَ رَحِيماً، وَتَعَالَيْتَ عَزِيزاً، وَتَعَزَّزْتَ كَرِيماً، وَتَقَدَّسْتَ وَبِزْرَكٍ مَرْتَبَةً فِي حَالِيكَه رَحِيمٌ وَمَهْرَبَانِي، وَرَفِيعٌ وَبَلَنْدَمَرْتَبَةً فِي حَالِيكَه عَزِيزٌ وَشَكْسْتِ نَاطِرِي، وَدَارِي عَزَّتْ وَاقْتِدَارِي فِي حَالِيكَه كَرِيمٌ وَبِزْرَكُواري مَجِيداً، وَتَمَجَّدْتَ مَلِكاً، وَتَبَارَكْتَ قَدِيراً، وَتَوَحَّدْتَ رَبِّاً وَدَرِي حَالِيكَه بَاشكوهي، وَدَارِي شكوه و رفعت و بزرگواري هستي در حاليكه پادشاهي، وَبِرَكْتِ آفِرِينِي فِي حَالِيكَه تَوَانِي، وَيَكْتَانِي وَقَادِرًا عَالِمًا جَلِيلًا حَمِيداً عَلِيًّا كَبِيرًا، وَتَفَرَّدْتَ بِخَلْقِ الْخَلْقِ يَكَّانَةَ فِي دَرِي

حالی که پروردگار، توانا، دانا، والا مقام، ستوده، بلندمرتبه، و بزرگ هستی، و تنهایی در آفرینش همه مخلوقات، کَلِّهِ، فَمَا مِنْ بَارِيٍّ مُصَوِّرٍ مُتَّقِينَ غَيْرُكَ، وَتَفَضَّلْتَ قِيَوْمًا قَادِرًا هَيْجَ پدید آورنده صورت آفرین حادثی غیر تو نیست، و تو برتری در حالی که پایدار، توانا، مَحْمُودًا عَالِيًّا قَاهِرًا مُحْسِنًا مَعْبُودًا مَذْكُورًا مُبْدِئًا مُعِيدًا مُحْيِيًّا سَتُودَةً شَدِيدًا، والا، چیره، نیکوکار، ستایش شده، یادشده، آغازگر، بازگرداننده، زنده کننده، مُمِيتًا بَاعِثًا وَارِثًا، وَتَطَوَّلْتَ عَفْوًا غَفُورًا وَهَابًا تَوَّابًا رَحِيمًا میراننده، برانگیزنده، ارث برنده ای، و دارای فخر و برتری و مَنِّي در حالی که بسیار عفوکننده، آمرزنده، بخشنده، توبه پذیر، مهربان، رُؤُفًا وَدُودًا قَرِيبًا مُجِيبًا سَمِيعًا بَصِيرًا حَلِيمًا حَنَّانًا رُؤُفًا، دوست دارنده، نزدیک، اجابت کننده، شنوا، بینا، بردبار، صاحب حکمت و حکم و محبت مَنَانًا، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَقَّ بِهِ الْبَحْرُ، وَأُبْرِمَ الْأَمْرُ، وَقُدِّرُوا نِعْمَتَ فِرَاوَانِي، از تو می خواهم به آن نام مقدّست که به وسیله آن دریا شکافته، و هر امری محکم و استوار، وَالرِّزْقُ، وَأَسْبَلِ السُّتْرُ، وَأَنْزَلَ الْقَطْرُ، وَأَغْشَبَ الْعَمْرُ، وَأَسْبَجِرْ رِزْقًا وَرُزْقًا مَقْدَرًا وَرُزْقًا مَعِينًا، و پرده افکننده شود، و باران فرود آید، و صحرا سبز و خرم، و دریا پر آب الْبَحْرُ، وَنُورَ الْبَدْرِ، وَخُصَّ بِالذِّكْرِ مُحَمَّدًا عَلِيًّا الطُّهْرُ، وَعَلَى نِ الْبَدْرِ، و ماه منور گردد، و اختصاص بده به ذکر و یاد، حضرت محمّد را که پاک و طاهر است و حضرت علی را که همچون شب چهارده درخشانده و تابان است، وَوَلَاةِ الْأَمْرِ، حُكَّامُ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا الْإِلَهِ وَالْيَانِ امْرُؤًا حَاكِمًا وَفِرْمَانِ الْوَيْانِ شَبِّ قَدْرًا، ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به حقّ و حقیقت این کلمه مبارکه توحید یعنی «لا إله إلا أنت؛ یا لا إله إلا أنت، بِرَحْمَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ» (هیچ معبودی جز

تو نیست)؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به رحمت «لا إله إلا أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، بِعَظَمِهِ لا إله إلا أنت؛ یا لا إله إلا أنت، بِجَلَالِ لا إله إلا أنت؛ به عظمت «لا إله إلا أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به جلال و مرتبه «لا إله إلا أنت»؛ یا لا إله إلا أنت، بِكَمَالِ لا إله إلا أنت؛ یا لا إله إلا أنت، بِبِهَاءِ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به کمال «لا إله إلا أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به زیبایی لا إله إلا أنت؛ یا لا إله إلا أنت، بِقُدْرِهِ لا إله إلا أنت؛ یا لا إله إلا أنت «لا إله إلا أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به توانائی «لا إله إلا أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی إلا أنت، بِقُدْسِ لا إله إلا أنت؛ یا لا إله إلا أنت، بِسُبْحَانِ لا إله جز تو نیست، به قدس و پاکی «لا إله إلا أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به منزّه بودن «لا إله إلا أنت؛ یا لا إله إلا أنت، بِمَلَكُوتِ لا إله إلا أنت؛ یا لا إله إلا أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به ملکوت و باطن «لا- إله إلا- أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز أنت، بِجَبْرُوتِ لا- إله إلا أنت؛ یا لا- إله إلا أنت، بِفَضْلِ لا إله تو نیست، به جبروت و قدرت «لا إله إلا أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به فضل و برتری «لا إله إلا أنت؛ یا لا إله إلا أنت، بِعَدْلِ لا إله إلا أنت؛ یا لا إله إلا أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی

جز تو نیست، به عدل و اعتدال «لا إله إلا أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز آنست، بکرم لا إله إلا أنت؛ یا لا إله إلا أنت، بقوه لا إله إلا أنتو نیست، به کرم و بزرگواری «لا إله إلا أنت»؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به نیروی «لا إله إلا أنت»؛ یا لا إله إلا أنت، بصِدقِ لا إله إلا أنت؛ اَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ أَنْتَ؛ ای آنکه هیچ معبودی جز تو نیست، به صدق و راستی «لا إله إلا أنت»؛ از تو می خواهم به تمام الأقسامِ كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي أَيْنِ سَوَّغْتَهَا كَمَا بَرَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ فرستی، و با من رفتار کنی فِعْلًا عَزِيزًا تَضَرَّعَ إِلَيْهِ ذَلِيلًا فَرَحِمَهُ، وَفِعْلًا غَنِيًّا خَشَعَ لَهُ فَقِيرٌ رَفَاتًا مَقْتَدِرٌ شَكْسَتْ نَاطِقِي كَمَا بَرَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ درگاهش خوار بی مقداری تَضَرَّعَ وَزَارِي نَمُودَه وَبِهْ أَوْ رَحِمَ كَرَمَهْ اسْت، و رفتار ثروتمندی نیازی که فقیر تهیدست برایش خشوع فَنَفَعَهُ، وَفِعْلًا جَبَّارًا اسْتَسَلَمَ إِلَيْهِ خَائِفٌ فَاَمَنَهُ. رَبِّ امْنِي مِنْ وَ كَرْنَشِ نَمُودَه وَبِهْ أَوْ سَوَّدَ رَسَانَدَه اسْت، و رفتار قدرتمندی که شخص بیمنای تسلیم او گشته و به او ایمنی بخشیده است. پروردگارا؛ مرا از طردن و اِنْعَادِكَ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَكْرَمِ عِبَادِكَ، اَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ رَانْدَن وَ دُور كَرْدَن اِيْمَن كَرْدَان، وَ از گرمی ترین بندگانت قرار بده، از تو می خواهم به نام هایت الَّتِي إِذَا سَيَّمَتْ بِهَا عَلَيَّ طَوَارِقَ الْعُسْرِ عَادَتْ يُسْرًا، وَإِذَا كَانَتْ هَرَّ كَاهٍ بِهْ أُنْهَا نَامِيْدَه شُوي حَوَادِثِ دَشْوَارِ آسَان كَرْدَد، وَ هَرَّ كَاهٍ وَضِعَتْ عَلَيَّ الْجِبَالِ صَارَتْ هَبَاءً مَثُورًا، وَإِذَا رُفِعَتْ إِلَيَّ بِرِ كُوهَا نِهَادَه شُود، كَرْد وَ غَبَارِ پَرَاكَنْدَه كَرْدَنَد، وَ زَمَانِي كَمَا بَرَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ دَرُودِ اَبْوَابِ السَّمَاءِ تَفْتَحُ بِهَا الْمَغَالِقُ، وَإِذَا هَبَطَتْ إِلَى ظُلُمَاتِ دَرَاهِي آسْمَانِ بَالَا بَرْدَه شُوند دَرَاهِي بَسْتَه بَه

أَعِيدَ آتِكَ، هم بیوندند، و به وسیله او حقوق اولیائت را رها سازی و از چنگ دیگران بیرون آوری، و از دشمنان شرور و
بیدمنش انتقام بگیری وَ تَمَلُّاُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، وَ تَوَسَّعَ الْعِبَادَ بِظُهُورِهِ فَضْلًا و زمین را از عدل و داد پر کنی، و فضل و احسانت
را برای بندگانت با ظهور او گسترش دهی، وَإِحْسَانًا، وَ تَعِيدُ الْحَقَّ بِمَكَانِهِ عَزِيزًا حَمِيدًا، وَ تُرْجِعُ الدِّينَ وَ حَقَّ رَا به جایگاه خودش
در حالی که عزیز و ستوده باشد بازگردانی، و دین را با دست مبارک علی یدیه غَضًا جَدِيدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلِيٌّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ، او تر و تازه به گونه ای که برای مردم تازگی داشته باشد به شکل واقعی خودش بازگشت دهی، که بر محمد و آل
محمد درود فرستی فَقَدْ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ، وَقَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي به تحقیق به وسیله ایشان به درگاه تو طلب
شفاعت می کنم، و مقدم می کنم ایشان را پیش رویم و پیشاپیش حوائج و نیازهایم إِلَيْكَ، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ فِي
التَّوْفِيقِ لِمَعْرِفَتِهِمْ، به سوی تو، و (می خواهم) این که مرا برای شکر این نعمت که توفیق شناخت ایشان را عطا کردی، وَالْهِدَايَةِ
إِلَى طَاعَتِهِمْ، وَ تَزِيدَنِي قُوَّةً فِي التَّمَسُّكِ بِعَضِيْمَتِهِمْ، و مرا به اطاعت شان رهنمون گردیدی مَوْفِقَ نَمَائِي، و نیروی مرا در چنگ
زدن به دامن عصمت ایشان، وَالْإِقْتِدَاءِ بِسُنَّتِهِمْ، وَالْكَوْنِ فِي زُمْرَتِهِمْ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، و پیروی کردن از سنت شان، و بودن در
گروه و جمعیت شان بيفزائی، که تو ستوده و باشکوهی. سُبْحَانَ اللَّهِ الدَّائِمِ، فَكَأَنَّكَ الْمَغَارِمِ، رَازِقِ الْبُهَائِمِ، لَيْسَ فِي پَاكٍ وَ مَنْزَه
است خداوند همیشه پایدار، رهاکننده از وام ها و غرامت ها، روزی دهنده چهارپایان، در دِيْمُومِيَّتِهِ اَبْتِدَاءً وَ لَا زَوَالًا، وَ لَا فِي
أَبْدِيَّتِهِ اَنْتِهَاءً. وَلَا اسْتِقْبَالَ. پیوسته بودنش ابتدائی و انقطاعی نیست، و در جاودانگی اش نهایی و پایانی نیست. اَللَّهُمَّ اِنَّ

هَذَا مَشْهَدٌ لَا يَرْجُو مَنْ فَاتَتْهُ فِيهِ رَحْمَتُكَ أَنْ يَنَالَهَا خَدَاوَنَدَا؛ اَيْنَ، زِيَارَتِگَاهِ وَ جَايِگَاهِي اسْتِ كِه هِر كَسِ دَر اَن رَحْمَتِ رَا اَز دَسْتِ دِهْدِ اَمِيدِي نِيَسْتِ كِه فِي غَيْرِهِ، وَلَا أَحَدٌ أَشْقَى مِنْ اَمْرٍ قَصْدَهُ مُؤَمَّلًا فَابْ عَنْهُ دَر غَيْرِ اَن بَدَسْتِ اَوْرِدِ، وَ كَسِي بَدِخْتِ تَر نِيَسْتِ اَز شَخْصِي كِه بَا اَمِيدِ وَ اَرْزُو اَهْنِگِ اَن كَنْدِ وَخَائِبًا. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْاَيَابِ، وَخَيْبَةِ الْمُنْقَلَبِ، مَحْرُومِ اَز اَنْجَا بَا زِگَرْدِدِ. خَدَاوَنَدَا؛ بَرَاَسْتِي مَنْ بِه تُو پَنَاهِ مِي بَرَمِ اَز بَدِي بَا زِگَرَسْتِ، وَ نَا اَمِيدِي بَرِگَرَسْتِ، وَالْمُنَاقَشَةِ عِنْدَ الْحِسَابِ، وَحَاشَاكَ يَا رَبِّ اَنْ تُقَرِّنَ طَاعَهُو كَاوَشِ وَ بَرْرَسِي هَنْگَامِ حِسَابِ. وَ دُورِ اَز شَأْنِ تُو اسْتِ - اِي پُرُورْدِ گَارِ مَنْ - كِه طَاعَتِ اَوْلِيَا تَيْكَ بِطَاعَتِكَ، وَ مَعْصِيَتَهُمْ بِمَعْصِيَتِكَ، وَ مَوَالِيَتَهُمْ بِمَوَالِيَتِكَ، اَوْلِيَا تِ رَا بَا طَاعَتِ خُودِ، وَ نَا فَرْمَانِي اَيْشَانِ رَا بَا نَا فَرْمَانِي خُودِ، وَ دُوسْتِي وَ اِرَادَتِ اَيْشَانِ رَا بَا دُوسْتِي وَ اِرَادَتِ خُودِ مَقْرُونِ گَرْدَانِي ثُمَّ تُوَيْسِ زَا اَيْرُهُمْ، وَ الْمُتَحَمَّلِ اِلَى قُبُورِهِمْ مِنْ بُعْدِ الْبِلَادِ، لَا اَنْگَاهِ زَائِرِ اَيْشَانِ رَا كِه اَز شَهْرِ وَ دِيَارِ دُورِي بَسُوي مَرَقْدَشَانِ اَمْدِه وَ تَحْمِيلِ مَشْكَلَاتِ نَمُودِه مَأْيُوسِ وَ نَا اَمِيدِ بَا زِگَرْدَانِي، نِه وَ عَزَّتِكَ لَا يَنْعَقِدُ عَلَيَّ ذَلِيكَ ضَمِيرِي، اِذْ كَانَتْ الْقُلُوبُ اِلَيْكَ بِه عَزَّتِ وَ اِقْتِدَارَتِ سُو گَنْدِ؛ هِر گَزِ ضَمِيرِ وَ خَا طَرِ مَنْ بَرِ چِنِيَنِ چِيْزِي اسْتِوَارِ نِگَشْتِه، چُونِ دَلِ هَا بِه سُوي تُو بِالْجَمِيلِ تُشِيرُ، لَا سَيِّمًا وَقَدْ اَمَرْتِ عِبَادَكَ بِصَلَاةِ السَّائِلِيْنَ، بِه خُوبِي وَ زِيْبَائِي اِشَارِه مِي كَنْدِ، مَخْصُوصًا كِه بَنْدِگَانَتِ رَا بِه اِحْسَانِ كَرْدَنِ بِه گَدَايَانِ، وَ اِجَا زِهِ الْوَا فِدِيْنَ، وَ الْاِحْسَانِ اِلَى الْمُسِيْنِيْنَ، وَ اَسْأَلُكَ بِمَا وَ پَادَا شِ دَا دَنِ بِه وَا رْدَشْدِ گَانِ، وَ نِيْكي كَرْدَنِ بِه گَنْهَكَارَانِ دَسْتُورِ دَا دِه اِي. وَ اَز تُو مِي خُوَاهِمِ بِه اَنْجِه خَصَّصِيَتْ مُحَمَّدًا وَ اَلَّهُ مِنَ الْعِنَايَاتِ، وَ اَكْرَمْتَهُمْ بِاَحْسَنِ الصِّفَاتِ، اِخْتِصَا صِ دَا دِه اِي مُحَمَّدِ وَ اَلِّ اُو رَا اَز عِنَايَتِ هَا، وَ گَرَامِي دَا شْتِه اِي

ایشان را به نیکوترین صفات، حَتَّى بَرَزُوا عَلَى الْأَقْرَانِ، فَجَعَلْتَهُمْ أَئِمَّةَ الزَّمَانِ، وَشَرَطْنَا سِرَّ آمِدْ هَمْتَايَانِ گَرْدِيدَنْد، پس ایشان را امامان هر زمان، و شرطاً لایمان، حَيْثُ سَبَقُوا الْخَلَائِقَ إِلَى تَوْحِيدِكَ، فَخَلَقْتَ نُورَهُمْ اِيْمَانِ قَرَارِ دَادِي، چون آفریدگان را به توحید پیشی گرفتند، پس نور ایشان را مِنْ نُورِكَ، وَحَمَيْتَ أَجْسَادَهُمْ مِنْ أَرْجَاسِ الْكٰفِرِيْنَ لِيَتَمَامَ از نور خود آفریدی، و اجسادشان را از آلودگی ها و پلیدی های کافران بازداشتی و نگهداری فرمودی تَقَدَّرَكَ فِي رُؤْسَاءِ الْمَخْلُوقِيْنَ، إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي الرِّحْمَةَ الَّتِي مَقَدَّرْتَ خُودَ رَا دَر مِوَرْدِ سِرَانِ آفَرِيدِ كَانْتِ كَامِلِ كُنِي، كه برای من رحمتی كه كَتَبْتَهَا عَلَي نَفْسِكَ، وَاجْتَبَيْتَنِي لِنَفْسِكَ، وَخَلَّصْتَنِي مِنْ تَبِعَاتِ بَرِ خُودِ لَا زَمِ دَانَسْتِه اِي بِنُويَسِي، و مرا برای خودت برگزینی، و از حقوقی كه از مردم به عهده من است رها سازی، خَلَقِكَ، وَقُلْتَ لِإِدْعَائِي قَدْ أَتَيْتَكَ يَا عَيْدِي مَا سَأَلْتَنِي، وَأَرَدْتُكَ وَدَرِ پَاسِخِ دَعَايِمِ بَكُويِي: بِنْدِه اَمِ آنچِه از من درخواست نمودی به تو عطا كردم، و تو را خواستم حَيْثُ أَرَدْتَنِي، بِفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَعَزَّتْكَ يَا چُونِ مِرَا خُوَاسْتِي، به فَضْلِ وَكَرَمِ اِي مِهْرَبَانْتَرِينِ مِهْرَبَانَانِ. به عَزَّتْ وَاقْتِدَارِ سِو كَنْدِ اِي مَوْلَايَ لَتَفَعَّلَنَّ، سُبْحَانَكَ طَوْتِ الْأَبْصَارُ فِي صِيْنِعِكَ مَدِيدَتَهَا، مَوْلَايَ مِنْ؛ كه با من چنين كُنِي، پاك و مَنزَهِي؛ دِيدِ كَانِ دَرِ آفَرِينِشِ تُو رَا هِ بَه جَائِي نَبْرِدِ، وَثَنْتَ الْأَلْبَابُ عَنْ كُنْهِكَ أَعْنَتَهَا، فَأَنْتَ الْمُدْرِكُ غَيْرُ الْمُدْرَكِ، وَخَرْدِهَا از فَهْمِ حَقِيْقَتِ ذَاتِ عِنَانِ كَشِيدِ وَدَرْمَانْدِه كَشْتِ، پس تُو دَرِيَابَنْدِه اِي وَكَسِي تُو رَا دَرْنَمِي يَابِدِ، وَالْمُحِيطُ غَيْرُ الْمُحَاطِ، يَا مَأْمَنَ الْخَائِفِ، وَكَهْفَ اللَّاهِفِ، وَتُو بَرِ هَمِه چيزِ اِحاطِه داري وَچيزِي بَرِ تُو اِحاطِه نَدَارِدِ. اِي مَحَلِّ اَمِنِ بِيْمِنَاكِ، وَپِنَاهِ كَا هِ اَنْدِو هَكِيْنِ، وَجُنَّةَ الْعَائِدِ، وَغَوْثَ اللَّائِدِ، سُبْحَانَكَ مَا أَسْمَعُكَ إِذَا نُودِيْتِ، وَسِپَرِ پِنَاهِ بَرَنْدِه، وَفَرِيَادِرْسِ پِنَاهَنْدِه.

الْمَهَابَةِ فِي ضِدِّ دُورِ خُلُصَاتِهِ الْمَعْصُومِينَ، وَأَمْطَرَ سَيْحَاتِ رَعْدٍ وَغَرَشِ هَيْبَةٍ وَتَرَسٍ فِي سِيْنِهِ بِرِغْرِيدِ كَانِ پَاكٍ وَ مَعْصُومِشِ هَجُومِ آوْرَدِهِ، وَ اِبْرَهَائِ الْوَعِيدِ فِي عُقُولِ اَمَنَاتِهِ الْمُخْبِتِينَ، حَيْثُ وَصَفَهُمْ بِعِبَادِهِ بِيْمٍ فِي عَقْلِهَا وَ اَنْدِيْشِهِ هَائِ اَمِيْنَانَ فِرْمَانِبِرْدَارِشِ بَارِشِ نَمُودِهِ اَسْتِ، چُون اِيْشَانَ رَا بِهْ عِنْوَانَ بِنْدِ كَانِ صَالِحِ وَالصَّالِحِيْنَ، اَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ بِمُحَمَّدٍ وَاَوْصِيَاءِهِ الطَّيِّبِيْنَ، اَنْ شَائِسْتِهْ خُودِ تَوْصِيْفِ فِرْمُودِيْ، اَزْ تُوْمِيْ خُوَاهِمِ اِيْ مَوْلَايَ مِنْ؛ بِهْ حَقِّ مُحَمَّدٍ وَ جَانِشِيْنَانَ پَاكِشِ كِهْ تُعْتَقِ رَقِيْبَتِيْ، وَ تَفْسِيْحِ فِيْ اَجَلِيْ، وَ تُبَلِّغَنِيْ فِيْهِ اَمَلِيْ، وَ كَمَا مِرَا اَزَادِ گِرْدَانِيْ، وَ فِيْ اَجَلِ وَ مَهَلْتِ مِنْ تَوْسِعِهِ دِهِيْ، وَ مِرَا فِيْ اَنْ مَهَلْتِ (بِهْ اَرْزُو بَرَسَانِيْ، وَ هِمَانَ كُوْنِهْ كِهْ اَكْمَلْتِ خَلْقِيْ لِعِبَادَتِكَ، وَ عَقْلِيْ بِمَعْرِفَتِكَ، فَارْضَ عَنِّيْ، فَاِنِّيْ اَفْرِيْنِشِ مِرَا بَرَايِ عِبَادَتِكَ، وَ عَقْلَمِ رَا بَا شِنَاخْتِ خُوِيْشِ كَامَلِ گِرْدَانِيْدِيْ، پَسْ اَزْ مِنْ خَشْنُودِ بَاشِ، كِهْ مِنْ اَعْلَمُ اَنْنِيْ لَا اَصِيْلُحُ لِلْجَنَّةِ، وَ اَنْتَ تَعْلَمُ اَنْنِيْ لَا اَصِيْرُ عَلَيِ النَّارِ، مِيْ دَانَمِ كِهْ صِلَا حِيْتِ وَ شَائِسْتِ كِيْ بَهْشْتِ رَا نِدَارَمِ، وَ تُوْمِيْ دَانِيْ كِهْ مِنْ تَحْمِيْلِ آتَشِ رَا نِدَارَمِ، اَنَا الَّذِيْ اَحْلَلْتُ الْعُقُوبَةَ بِنَفْسِيْ، وَ اَوْبَقْتُهَا بِالْمَعَاصِيْ جُهْدِيْ، مِنْ كَسِيْ هَسْتَمِ كِهْ كِيْفِرِ رَا بَرِ خُودِ رُوَا دَاشْتَمِ، وَ بَا نَا فِرْمَانِيْ هَا كُوْشِشِ وَ تَلَاْشِ خُودِ رَا اَزْ بِيْنِ بَرْدَمِ، ۱. سُوْرَهْ رُوْمِ، آيَهْ ۴۷.

وَ عَرَضْتُهَا لِلْمَهَالِكِ بِكُلِّ قُوْتِيْ، وَ لَسْتُ بِذِيْ قُوَّةٍ فَاَنْتَصِرَ، وَ لَا وَ خُودِ رَا بَا تَمَامِ نِيْرُوْ فِيْ مَعْرُضِ هَلَاكَتِ وَ نَابُودِيْ اَفْكَنْدَمِ، وَ مِنْ قُوْتِ وَ نِيْرُوْتِيْ نِدَارَمِ تَا غَالِبِ گِرْدَمِ، وَ ذِيْ عُدْرٍ فَاَعْتَدِرْ، فَارْحَمِ اِنْ كَسَارِيْ وَ تَضَرُّعِيْ اِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، عَذْرِيْ نِدَارَمِ تَا عَذْرِ آوْرَمِ، پَسْ بِهْ شَكْسْتِ كِيْ مِنْ وَ نَالِهْ وَ زَارِيْ اَمِ بِهْ دِرْ گَاهْتِ رَحْمِ كُنِ اِيْ مَوْلَايَ مِنْ؛ يَا مَنْ لَا يَسِيْرُ تَحِيْبِيْ مِنْ مَسْأَلَتِهِ، وَ لَا يُرْجِيْ الْعَفْوَ اِلَّا مِنْ قَبْلِهِ، اِيْ كَسِيْ كِهْ اَزْ دِرْ خُوَاسْتِ كِرْدَنِ اَزْ اُوْ كَسِيْ شِرْمَنْدِهْ

نمی شود، و جز از ناحیه او امید عفو و بخشش نمی رود، اَشْكُوا إِلَيْكَ مَا لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، وَأَسْأَلُكَ مَا لَا يَعْظُمُ عَلَيْكَ، به تو شکایت می کنم آنچه را که بر تو پنهان نیست، و از تو می خواهم آنچه را که بر تو بزرگ نیست، وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ قَسَمٍ يُوجِبُ الزُّلْفَةَ لَمَدْيِكَ، أَنْ تُصَلِّئَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْطِيَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا سَأَلْتُكَ وَآلَ مُحَمَّدٍ دَرُودَ فَرَسْتِي، و عطا کنی به محمد و آل محمد برتر از آنچه لَهُمْ كُلُّ سَائِلٍ، وَأَجْزَلَ مَا رَغِبَ إِلَيْكَ فِيهِ كُلُّ رَاغِبٍ حَتَّىٰ هَرِ دَرُخَوَاسْتِ كُنُنْدَه اَي بَرَاي ايشان خَوَاسْتَه است، و بيشتر از آنچه هر رغبته کننده اى در آن رغبته نموده به درگاهت، تَأْتِفُضْلُهُمْ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَزِدْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنْ أَنْكَه أَنْانَ رَا بَر تَمَامِ آفَرِيدِ كَانَتِ بَر تَرِي بَخْشِي، و فراتر از آن، آنچه تو شايسته آن هستى از كَرَمَتِكَ وَطَوْلِكَ، أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُؤَالَ الْمُتَمَسِّكِ بِحَرَمِكَ، كَرَمٍ وَ لَطْفَتِ بَر ايشان بِيَفْزَايِي، از تو درخواست مى كنم اى مولاى من درخواست كسى كه به حرم تو پناه آورده، الْمُفْتَقِرِ مِنْ نَظَرِكَ، يَا مَوْلَايَ إِنَّ الْعَرَبَ إِذَا اسْتَجِيرَ بِأَطْنَابٍ وَ مَحْتَا جِ نَظَرِ لَطْفِ تُو اسْتِ، اى مولاى من؛ در ميان عرب رسم است كه اگر كسى به در ب و ديوار خانه آن ها پناهنده شود بِيُوتِهَا أَجَارَتْ، وَأَنْتَ سَيِّدُ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَقَدْ اسْتَجَرْتُ أُو رَا پناه دهند، و تو سرور عرب و عجم هستى، و من پناهنده گشته ام بِرُكْنٍ مِنْ أَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَبَيْتٍ مِنْ بِيُوتِ نَبِيِّكَ، وَتُرْبَةٍ مِنْ بَرَايَه اى از پايه هاى توحيدت، و خانه اى از خانه هاى پيامبرت، و تربتى از تَرَبِ خُلَفَائِكَ، الَّذِينَ أَظْهَرُوا سُلْطَانَكَ،

وَأَقَامُوا أَحْكَامَكَ، ياتربت های) پاک(جانشینات که سلطنت تو را آشکار نمودند، و احکامت را بپا داشتند، ای مُغِيثُ أَغْنِي، فَلِهَذِهِ الشُّدَّةِ رَجَوْتُكَ، يَا مَوْلَايَ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ فَرِيَادِرْس؛ به فریادم برس، برای رفع این سختی و دشواری به تو چشم امید دوخته ام، ای مولای من؛ از تو می خواهم به نام هایت الَّتِي كَتَبْتَهَا عَلَي قُلُوبِ أَصِيَابِيَاكَ بِمُحَمَّدٍ وَالِهِ أَمْنًا نِكَ، فَعَرَفُوا كِه بر دل های برگزیدگان (یعنی) محمّد و آل محمّد که امینان تو آند نوشتی، پس شناختند ما عَرَفْتَهُمْ، وَفَهُمُوا مَا فَهَّمْتَهُمْ، وَعَقَلُوا مَا أُوجِبْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَنِچِه به آنها شناساندى، و فهمیدند آنچه به آن ها فهماندى، و درك كردند و اندیشه نمودند آنچه از خَصَائِصِكَ وَعَزَائِمِكَ، وَضَرَبْتَ أَمْثَالَهُمْ، وَأَنْزَلْتَ بُرْهَانَهُمْ، وَبِزَكِي هَايِ وَدَسْتوراتِ به ایشان وحى فرمودى، آنگاه آنان را الكو قرار دادى و برهان و دليل شان را روشن ساختى، وَقَرَنْتَ بِأَسْمِكَ أَسْمَاءَهُمْ إِلَّا خَلَصْتَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَنَا فِيهِ، يَا نَامِ شان را قرين نام خودت گردانيدى، كه مرا از هر بدى كه بدان دچارم رها سازى، اى مُخْلِصَ الشَّجَرِ مِنْ بَيْنِ رَمِيلٍ وَطِينٍ وَمَاءٍ، وَيَا مُخْلِصَ اللَّبَنِ رَهَائِي بَخْشِ دَرِخْتَ از ميان ريگ و گل و آب، و اى رَهَائِي بَخْشِ شِيرِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ، وَيَا مُخْلِصَ النَّارِ مِنْ بَيْنِ الْحَدِيدِ وَالْحَجَرِ، از ميان چرك و خون، و اى رَهَائِي بَخْشِ آتَشِ از ميان آهن و سنگ، وَيَا مُخْلِصَ الْوَلَدِ مِنْ بَيْنِ مَشِيمِهِ وَرَحِمِ، وَيَا مُخْلِصَ الرُّوحِ و اى رَهَائِي بَخْشِ نوزاد از ميان مشيمه (پوستى كه بچه در رحم در آن باشد) و رحم مادر، و اى رَهَائِي بَخْشِ رُوحِ مِنْ بَيْنِ الْأَحْشَاءِ وَالْأَمْعَاءِ، خَلِّصْنَا مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، از ميان احشاء و امعاء) كه درون شكم آدمى است،) ما را از هول و هراس روز قيامت رَهَائِي بَخْشِ، إِلَهِي إِذَا لَمْ تَفْعَلْ بِي مَا أُرِيدُ فَصَيِّرْنِي عَلَي

ما تُرِيدُ، سَيِّدِي خدای من؛ هنگامی که آنچه می خواهم نسبت به من انجام نمی دهی، پس مرا بر آنچه تو می خواهی بگردان، سرور من؛ کَيْفَ أَفْرَحُ وَقَدْ عَصَيْتُكَ، وَكَيْفَ أَحْزَنُ وَقَدْ عَرَفْتُكَ، وَكَيْفَ چگونه شادمان باشم در حالی که نافرمانی تو نمودم؟ و چگونه غمناک باشم در حالی که تو را شناختم؟ و چگونه اَدْعُوكَ وَأَنَا عَاصٍ، وَكَيْفَ لَا اَدْعُوكَ وَأَنْتَ كَرِيمٌ، اَيْنَ مَعْرُقُ تُو را بخوانم در حالی که آلوده و گنه کارم؟ و چگونه تُو را بخوانم در حالی که تو کریم و بزرگواری؟ کجاست غرق کننده فِرْعَوْنَ لِمُوسَى، اَيْنَ نَاصِرٌ مُحَمَّدٍ يَوْمَ بَدْرٍ، اَيْنَ نَاصِرٌ عَلِيٍّ فِرْعَوْنَ به خاطر موسی؟ کجاست یاری کننده حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم در روز جنگ بدر؟ کجاست یاری کننده حضرت علی علیه السلام يَوْمَ الْأَحْزَابِ، اَيْنَ أَجِدُكَ يَا مَوْلَايَ، بَلْ اَيْنَ لَا- أَجِدُكَ وَأَنْتَ در روز جنگ احزاب؟ کجا تُو را بیابم ای مولای من؟ بلکه کجا تُو را نیابم که تُو أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، أَنْزَلُ عَلَيْكَ إِذَا نَزَلْتُ، وَأَرْحَلُ از رگ گردن نزدیکتری، بر تُو فرود می آیم هنگامی که فرود آیم، وَإِلَيْكَ إِذَا رَحَلْتُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ، وَأَرْحَمَ صَوْتِي مِنْ بَعْدِهِ سَوَى تُو کوچ می کنم هنگامی که کوچ کنم، پس بر محمد و آل او درود فرست، و دَرِيئِينَ الْمَصَوْتِينَ، وَلَا تَجْبِهْنِي بِالرَّدِّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، رَبِّ قَدَمِيانِ صِدَاقِ زَنَدَانِ بَه صَدَايِ مِنْ رَحْمِ كُنْ، وَ دَسْتِ رَدِّ بَه سِينِه ام مَزْنِ اَي مَهْرِبَانْتَرِينِ مَهْرِبَانَانِ. پَرُورِدْ گَارَا؛ أَجَبْتِكَ فَأَجِبْنِي، وَسَأَلْتِكَ فَأَعْطِنِي، وَأَرْضَ عَنِّي فَقَدْ أَرْضَيْتَنِي تُو را اجابت کردم پس مرا اجابت کن، و از تُو درخواست نمودم پس مرا عطا کن، و از من راضی و خشنود باش که تُو به راستی مرا راضی و خشنود بَحَقِّ أَمَانَتِكَ وَأَمِينِكَ، وَأَصْفِيَاءِكَ وَصَفِيَّكَ مُحَمَّدِينَ الْمَحْمُودِ، گردانیدی، به حَقِّ اَمِينَانْتِ وَ اَمِينْتِ، وَ

به حق برگزیدگان و برگزیده ات (حضرت) محمد صلی الله علیه وآله وسلم) آن (ستوده شده، ذی المقام المشهود، والحوض المؤرود، وبقی الرساله الی که صاحب مقام مشهود است، و صاحب حوضی است که بر آن وارد شوند، و به حق رسالتی که آداهای، والعباده الی اجتهد فیها، والمحنه الی صبر علیها، آن را به انجام رسانید، و عبادتی که در آن تلاش کرد، و به غم ها و غصه های که بر آن ها صبر و شکیبائی نمود، والمعرفه الی دعا الیها، والدیانہ الی حص علیها، وبقی و معرفت و شناختی که به سوی آن مردم را فراخواند، و دین و دیانتی که بر آن برانگیخت، و به حق اقواله الحکیمه، و افعاله الکریمه، و مقاماتیه المشهوده، گفتار حکیمانه، و رفتار کریمانه، و مقام ها و جایگاههای مشاهده شده، وساعاته المعیدوده، أن تصلمی علی و علی عترته المخلوقین و ساعت های ارزشمند شمرده شده اش، که بر او و بر عترتش که من لحمیه، الساده المتقین من تبعته، والقاآمین مقامه فی از گوشت و خون او آفریده شده اند، آن سروران پرهیزکار که پس از اویند، و عهده دار منصب او در بلاغ رسالتیه، والمخصوصین من قرآنته بأبنائه وعترته، علی ابلاغ پیام و رسالتش هستند، و آن ها که اختصاص دارند به خویشاوندی او به سبب فرزندان و عترتش) حضرت (علی علیه السلام) و اولاده المظهرین بطهارته، و أن تمسیح ما بی یمینک الشافیه، و فرزندان او که به طهارت و پاکی او آن ها نیز پاکند، که دستی بر سر و روی من با آن دست شفا بخش خود بکشی، و أن تنظر الی بعینک الراحمه، و أن تزقنی العفو والعافیه، و نگاهی با دیدگان رحمت بر من بیفکنی، و عفو و عافیت را به من روزی گردانی. رب لا تحیب رجائی، فإنه منوط بک، ولا تصفر کفأ ممدود هپورد گارا؛ امید من را که تنها به تو وابسته و

پیوسته است ناامید مفرما، و دستی را که به درگاہت دراز شده خالی برمگردان، إِلَيْكَ، وَلَا تُدِلْ نَفْسًا عَزِيزًا هَبِمَعْرِفَتِكَ، وَلَا تَسْلُبْ عَقْلًا مُسْتَضِيًّا وَجَانِيًّا رَا كِه به معرفت تو عزیز گشته خوار و ذلیل مکن، و عقلی را که بنور هِدَايَتِكَ، وَلَا تَقْمِدِرْ عَيْنًا فَتَحْتَهَا بِنِعْمَتِكَ، وَلَا تُخْرِسْ لِسَانًا بِه نور هدایت تو روشن گشته از من مگیر، و چشمی را که به نعمت خویش گشوده ای تنگ مگردان، و زبانی را که عَوْدَتُهُ الشَّاءَ عَلَيْكَ، وَكَمَا كُنْتُ أَوْلَى بِالْفَضْلِ فَكُنْ أَوْلَى بِه ثناگوئی خویش عادت داده ای گنگ مساز، و همان گونه که به فضل ابتداکننده بوده ای، پس بِالْإِحْسَانِ؛ النَّاصِيَةَ بِيَدِكَ، وَالْوَجْهَ صَانٍ لَكَ، وَالْخَيْرُ مُتَوَقَّعٌ مِنْكَ، به احسان و نیکی آغازکننده باش، زمام امر به دست تو است، و چهره خوار است برای تو، و خیر و خوبی از تو انتظار می رود، وَالْمَصِيرُ عَلَى كُلِّ حَالٍ إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأُمِّيِّ مُحَمَّدٍ، و به هر حال بازگشت همه به سوی تو است. خداوندا؛ درود فرست بر آن پیامبر اُمِّي (حضرت) مُحَمَّدِصَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَالْهَاشِمِيِّ أَحْمَدٍ، وَالنَّبِيِّ الْعَاقِبِ، وَالرَّسُولِ الْعَرَبِيِّ الْمَكِّيِّ که نسب هاشمی دارد و نامش احمد است، پیامبری که جانشین نیکوی گذشتگان و آخرین آنان است، و فرستاده و رسولی که از نژاد عرب، اهل مکه الْمَدِينِيِّ، السَّرَاجِ الْمُنْضِيِّ، السَّيِّدِ الْكَمِيِّ الْحَمِيِّ الْبُهِيِّ الْوَضِيِّ ءِو مَدِينَه است، (او) چراغ فروزنده، سرور دلیر، حمایتگر، خوش سیما، نورانی الرَّضِيِّ السَّخِيِّ التَّقِيِّ، صَاحِبِ الْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، الْمَدْفُونِ فِي پَسَنْدِيدِه، سَخَاوَتَمَنْدِ، پرهیزکار، صاحب متانت و بردباری و آرامش، مدفون در الْمَدِينَةِ الْعَبْدِ الْمُؤَيَّدِ، وَالرَّسُولِ الْمُسَدَّدِ، وَالْمُضِيَّ طَفِي الْأَمْجَدِ، (شهر) مَدِينَه است، (او) بنده ای مورد تأیید، و فرستاده ای نیکوکردار و استوار، و برگزیده ای باشکوه، أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى السَّيِّدِ الْمُطَهَّرِ، وَالْإِمَامِ) كَنِه اش (ابوالقاسم) و نام زیبایش (محمد است. خداوندا؛ و درود فرست بر

آن سرور پاک، و پیشوای الْمُظْفَرِ، وَالشُّجَاعِ الْغُضْنَفَرِ، أَبِي شُبَيْرِ وَشَبْرَ، الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ، پیروزمند، و شجاع شیر بیشه، پدر شبیر و شبیر (حسین علیهما السلام)، بریده شده از شرک و سرشار از علم و دانش، وَالْأَشْرَفِ الْمَكِينِ، وَالْعَلِمِ الْمُبِينِ، وَالنَّاصِرِ الْمُعِينِ، وَلِيِّ و شرافتمند توانا، و نشانه آشکار، و یار مددکار، و سرپرست الدین، الْمَرْضَةِ الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ، الْمَدْفُونِ بِالْغُرِيِّ، لَيْثِ بَنِي دِينَ، مورد رضایت و پسند، باخلاص، باصفا، مدفون در) سرزمین (نجف، شیری از تبار غَالِبِ، أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى شَكْسْتِ نَاطِرِ،) او که کنیه اش (ابوالحسن) و نام مبارکش (علی بن ابی طالب) است. خداوندا؛ و درود فرست بر آن السَّيِّدِ الْجَلِيلِ الْكَرِيمِ النَّبِيِّ، ذَاتِ الْأَخْزَانِ الطَّوِيلَةِ فِي بَانَوِي عَظِيمِ الشَّأْنِ بَزْرِ الْكُوَارِ الْكِرَامِي، صاحب غم ها و غصه های طولانی در الْمَدْفُونِ سِتْرًا، الْمَغْضُوبِ جَهْرًا، الْمَجْهُولِ هَمْدًا كَوَاتَه (عمر)، مظلومه ای که پنهان دفن شد، و آشکارا حَقِّشَ رَا غِصْبَ كَرْدَنَد، قَدْرًا، الْمَخْفِيَّ قَبْرًا، الْأَنْسِيَّ الْخُورَاءِ، فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ. اللَّهُمَّ قَدْرَ و ارزش او ناشناخته، قبرش مخفی ماند، او که حوریه و فرشته ای از لباس انسان،) و نام مقدسش (فاطمه زهرا) است. خداوندا؛ وَصَلِّ عَلَى السَّيِّدِ الْمُجْتَبِيِّ، الْإِمَامِ الْمُؤْتَجِي، سَبِيطِ الْمُضِيظِي، و درود فرست بر سرور برگزیده، پیشوائی که دلدادگان به او چشم امید دارند، سبط پیامبر مصطفی، وَلِدِ الْمُؤْتَضِي، الشَّفِيعِ ابْنِ الشَّفِيعِ، الْمَقْتُولِ بِالسَّمِ النَّقِيعِ، فرزند علی مرتضی، شفاعت کننده فرزند شفاعت کننده، آنکه با زهر کشنده به شهادت رسید، الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ الْبَقِيعِ، الْعَالِمِ بِالْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، صَاحِبِ دَرِ سِرْزَمِينِ بَقِيعِ دَفْنِ كَرْدِيدِ، دَانَا و آگاه به همه واجبات و مستحبات، دارنده الْجُودِ وَالْمِنَنِ، أَبِي مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ. اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى السَّيِّدِ جُودِ و بخشش و احسان، (کنیه اش) (ابو محمد) و نام مبارکش (حسن) است. خداوندا؛ و درود فرست بر آن سرور الزَّاهِدِ، (و) الْإِمَامِ الْعَابِدِ، الرَّكَعِ السَّاجِدِ، قَتِيلِ الْكَافِرِ الْجَاحِدِ، زَاهِدِ و پیشوای

عابد، او که به حق برای خدا رکوع و سجده کرد، به دست کافری که منکر حق بود به شهادت رسید، صاحبِ المَحْنَةِ وَالْبَلَاءِ،
 الْمَيِّدُونَ بِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ، مَوْلَى الثَّقَلَيْنِ، صاحبِ غم و اندوه و بلا، دفن شده در سرزمین کربلا، مولای دو جهان ابی عَبدِ اللَّهِ
 الْحُسَيْنِ. اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلِيَّ أَبِي الْمَأْتَمَةِ، وَسِرَاجِ حَضْرَتِ (اباعبدالله امام حسین علیه السلام. خداوندا؛ و درود فرست بر پدر
 امامان، و چراغ فروزان الامّه، وَكَاشِفِ الْغَمِّ، وَمُحْيِي السُّنَّةِ، وَوَلِيِّ النُّعْمَةِ، وَسِنِّي أُمَّتِ، و برطرف کننده غم و اندوه، و زنده کننده
 سنت، و صاحبِ نعمت، و بِالْهَمِّ، وَزَفِيعِ الرُّثْبَةِ، وَصَاحِبِ النُّدْبَةِ، الْمَيِّدُونَ فِي أَرْضِ هَمَّتِ بَلَدِ، و مرتبه والا، و دارنده ندبه ها و
 ناله ها، دفن شده در سرزمین طیبه، زَيْنِ الْعَابِدِينَ، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ. اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلِيَّ قَمَرِ پَاكِ (مدینه)، زینت عبادت پیشه گان،
 حَضْرَتِ (علی بن الحسین علیهما السلام. خداوندا؛ و درود فرست بر ماه الأَقْمَارِ، وَنُورِ الْأَنْوَارِ، وَسَيِّدِ الْأَبْرَارِ، وَقَائِدِ الْأَخْيَارِ، الْإِمَامِ
 ماه رویان، و روشنی روشنی ها، و سرور نیکان، و رهبر خوبان، پیشوای الوجیه، الْمَيِّدُونَ عِنْدَ حَيْدِهِ وَأَبِيهِ، الْحَبْرِ الْمَلِيَّ عِنْدَ
 الْعُدُوِّ آبرومند، دفن شده در کنار جدّ و پدرش، دانشمند سرشار از علم و دانش نزد دشمن وَالْوَلِيِّ، أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ مُحَمَّدِ بْنِ
 عَلِيٍّ. اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلِيَّ وَدُوسْتِ، ابُو جَعْفَرِ اِمَامِ بَاقِرِ حَضْرَتِ (محمد بن علی علیهما السلام. خداوندا؛ و درود فرست بر آن
 الصَّادِقِ الصِّدِّيقِ، الْعَالِمِ الْوَثِيقِ، الْحَلِيمِ الشَّفِيقِ، الْهَادِي إِلَى رَاسْتِ كَفْتَارِ دَرَسْتِ كَرْدَارِ، دَانَايِ مَورِدِ اطمینان، بردبار دلسوز،
 هِدَايَتِ كَرِ بِه الطَّرِيقِ، سَاقِي شِيَعَتِهِ مِنَ الرَّحِيقِ، وَمُبَلِّغِ أَعْدَائِهِ إِلَى الْحَرِيقِ، رَاهِ مَسْتَقِيمِ، سِيرَابِ كَنَنْدِه شِيَعِيَانَشِ از شرابِ خَالِصِ، و
 رَسَانَنْدِه دَشْمَنْنَشِ بِه طَرَفِ آتَشِ، صَاحِبِ الشَّرْفِ الْبَدِيعِ، وَالْفَضْلِ الْجَمِيعِ، الَّذِي شُرِّفَتْ بِجَسَدِهِ صَاحِبِ شَرَافَتِي عَالِي وَفَضِيلَتِي
 جَامِعِ،) كَسِي (که با جسم الطَّاهِرِ أَرْضِ الْبَقِيعِ، الْإِمَامِ الْمَمَّجِدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ پَاكِ او سرزمین بقیع شرافت یافت، پیشوای
 باعظمت

(حضرت) ابا عبدالله جعفر بن محمد. اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلَيَّ السَّيِّدِ الْكَرِيمِ، وَالْإِمَامِ الْحَلِيمِ، مُحَيِّدِ عَلَيْهِمَا السَّلَام. خداوندا؛ و درود فرست بر سرور بزرگوار، و پیشوای بردبار، الصَّابِرِ الْكَبِيمِ، سَمِيِّ الْكَلِيمِ، قَائِدِ الْجَيْشِ، الْمَدْفُونِ بِمَقَابِرِ شَكِيَّائِي که خشم خود را فرو می نشانید، همنام موسای کلیم، زمامدار و سردار لشکر، دفن شده در مقبره های قُرَيْشِ، صَاحِبِ الْمَحَلِّ الْأَنْوَرِ، وَالشَّرَفِ الْأَظْهَرِ، أَبِي إِبْرَاهِيمِ قَرِيشِ، دارای جایگاهی نورانی، و شرافتی درخشان، حضرت) ابا ابراهیم مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ. اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلَيَّ الْإِمَامِ الْمَعْصُومِ، وَالْغَرِيبِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ عَلَيْهِمَا السَّلَام. خداوندا؛ و درود فرست بر امام معصوم، و غریب المظلوم، وَالشَّهِيدِ الْمَشْمُومِ، وَالْقَتِيلِ الْمَرْحُومِ (المَحْرُومِ) (ستم‌دیده، و شهید مسموم شده، و کشته شده ای که مورد رحمت واقع شده) از حق خود محروم گشته (، وَالْعَلِيمِ الْمَكْتُومِ، وَالْبَدْرِ بَيْنَ النُّجُومِ، شَمْسِ الشُّمُوسِ، وَأَنْبَسِ وَدَانَائِي که از اسرار نهان آگاه بود و دم نمی زد، و ماه درخشان در میان ستارگان، خورشید خورشیدها، و همدم النُّفُوسِ، الْمَدْفُونِ فِي أَرْضِ طُوسِ، الرَّضِيِّ الْمُرْتَضَى، السَّيِّدِ جَانِهَا، که پیکر پاکش در سرزمین طوس مدفون گردید، او) مایه خشنودی و پسندیده، سروری الْمُجْتَبَى، وَالْإِمَامِ الْمُرْتَجَى، أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بَرَكزیده، و پیشوائی بود که همگان چشم امید به درگاهش داشته و دارند، حضرت) ابا الحسن علی بن موسی الرضا. اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلَيَّ الْإِمَامِ الْعَالِمِ الْعَامِلِ، وَالشُّجَاعِ الرِّضَاعِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَام. خداوندا؛ و درود فرست بر آن دانای عمل کننده، و شجاع الکاملِ، الْمَذْكُورِ فِي الْهَدَايَةِ وَالرِّشَادِ، جَوَادِ الْأَجُودِ، الْأَخِيذِ كَامِلِ، آنکه عهده دار هدایت و رهبری خلق، و در میان بخشنده ها بخشنده تر، دستگیر منْ شِيعَتِهِ بِالْأَعْضَادِ عِنْدَ قِيَامِ الْأَشْهَادِ، الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ بَغْدَادِ، شِيعَانِشِ دَرِ مَحْشَرِ وَرُوزِ رَسْتَاخِيزِ دَرِ حَضُورِ حَاضِرَانِ اسْتِ، و پیکر پاکش در سرزمین بغداد مدفون گشت، الْإِمَامِ الْهَاشِمِيِّ، وَالنُّورِ الْأَحْمَدِيِّ، الْمَلَقَّبِ بِالْتَّقِيِّ، الْمَكْنَى آن پیشوای هاشمی نسب، و نور تابان از سلسله احمد، که لقب مبارکش تقی،

و كنيه اش بِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْجَوَادِ. اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلَيَّ الْإِمَامَيْنِ ابَا جَعْفَرٍ، (حضرت) مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إمام جواد عليه السلام. خداوندا؛ و درود فرست بر دو پیشوای العالمین، الْأَعْلَمَيْنِ النَّقِيِّينِ، السَّيِّدَيْنِ الْفَاضِلَيْنِ الْجَبْرَيْنِ، دانا، دو پرچم هدایت، دو مهتر سرور، دو فاضل دانشمند، وارثی الْمَشْعَرَيْنِ، وَأَهْلِي الْحَرَمَيْنِ، كَهْفِي التَّقَى، وَذَخِيرَتِي دو وارث مشعر و منی، و دو اهل مکه و مدینه، دو اسطوانه تقوا، و دو ذخیره الْوَرَى، طُودِي النَّهْيِ، الْمَدْفُونَيْنِ بِسَرِّ مَنْ رَأَى، كَافِي الْمِحْنِ، برای روز نیاز مردم، دو کوه عقل و خرد، دو مدفون گشته در سامراء، دو کفایت کننده غم ها و غصه ها، أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَأَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ. (حضرت) ابا الحسن علی بن محمد علیهما السلام. اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلَيَّ الدَّعْوَةَ النَّبَوِيَّةَ، وَالْأُصُولَ (خداوندا؛ و درود فرست بر صاحب دعوت نبوی، و حمله های الْحَيْدَرِيَّةِ، وَالشُّهْبِ الْفَاطِمِيَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْحَسَنِيَّةِ، وَالشُّجَاعَةِ حَيْدَرِي، و درخشش فاطمی، و نیایش حسنی، و شجاعت الْحَسَنِيَّةِ، وَالْعِبَادَةِ السَّجَّادِيَّةِ، وَالْمَثَرِ الْبَاقِرِيَّةِ، وَالْآثَارِ حَسِينِي، و عبادت و پرستش سجدادی، و مفاخر باقری، و آثار الْجَعْفَرِيَّةِ، وَالْعُلُومِ الْكَاطِمِيَّةِ، وَالْحُجُجِ الرَّضَوِيَّةِ، وَالشُّرُوحِ جَعْفَرِي، و علوم و دانش کاظمی، و حجت ها و دلایل رضوی، و بیانات الْجَوَادِيَّةِ، وَالسِّيَرَةِ الْهَادِيَّةِ، وَالْهَيْبَةِ الْعَسْكَرِيَّةِ، الْقَائِمِ بِالْحَقِّ، جَوَادِي، و سیره و روش هادی، و هیبت عسکری، آن قیام کننده به حق، وَالدَّاعِي إِلَى الصِّدْقِ، كَلِمَةِ اللَّهِ، أَمَانِ اللَّهِ، حُجَّةِ اللَّهِ، الْقَائِمِ و فراخواننده به صدق و راستی، نشانه خدا، امان خدا، حجت خدا، پیا دارنده بِالْقِسْطِ اللَّهُ، الذَّابُّ عَنِ حَرَمِ اللَّهِ، النَّاصِرِ لِتَدِينِ اللَّهِ، الْحُجَّةِ بَيْنِ عَدْلِ و داد الهی، دفاع کننده از حریم پروردگار، یاری کننده دین خدا، (حضرت) حجت فرزند الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ إمام حسن عسکری فرزند امام هادی فرزند امام جواد فرزند امام

رضا

فرزند امام کاظم فرزند امام صادق فرزند مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، أَخِي الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، امام باقر فرزند امام سجّاد فرزند امام حسین، و او (برادر امام حسن فرزند) حضرت (علی بن ابی طالب است، أَخِي رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بْنِ هَاشِمٍ، و آن حضرت (برادر رسول خدا) حضرت (محمد فرزند عبدالله فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم می باشد، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. اللَّهُمَّ بِحَقِّهِمْ أَتَوْسَلُ إِلَيْكَ أَنْ تُصَلِّئَ لِي دَرُودَ وَ صَلَوَاتِ خَدَاوَنَدِ بِرِ هَمَّهٖ آنَانِ بَاد. خَدَاوَنَدَا؛ بِه حَقِّ اِيشَانِ بِه دَرِ گَاهَتِ تَوْسَلِ مِي جَوِيْمِ كِه بِرِ آنَانِ دَرُودِ فَرَسْتِي، عَلَيْهِمْ، وَأَنْ تَرْحَمَ غُرْبَتِي فِي الدُّنْيَا، وَصِيْرَعَتِي عِنْدَ الْمَوْتِ، وَ رَحْمَ كُنِي بِرِ غَرِبَتِ وَ تَنَهَائِي مِنْ دَرِ دُنْيَا، وَ بِرِ زَمِيْنِ اِفْتَادَنِمْ هَنِكَاْمِ مَرِكِ، وَوَحْشَتِي فِي الْقَبْرِ، وَذُلِّ مَقَامِي إِذَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ. اللَّهُمَّ لَكَ وَ وَحْشَتِي دَرِ قَبْرِ، وَ ذَلِيْلَانِهٖ اِيسْتَادَنِمْ دَرِ پِيْشِگَاهَتِ هَنِكَاْمِي كِه بِرِ تُو وَارِدِ گَرْدَمِ. خَدَاوَنَدَا؛ تُو رَا اَلْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتْ بِه نَفْسِكَ، وَحَمْدَكَ بِه اَلْحَامِدُوْنَ، سَتَايشِ مِي كَنَمِ مَانَدِ اَنْجِهٖ بِه اَنْ خُودِ رَا سْتُوْدِهٖ اِي، وَ سَتَايشِ كَنَنْدِگَانِ بِه اَنْ تُو رَا سْتُوْدِهٖ اِنْدِ، وَ مَجْدَكَ بِه اَلْمُمَجِّدُوْنَ، وَ كَبْرَكَ بِه اَلْمُكَبِّرُوْنَ، وَ عَظْمَكَ بِه وَ ثَنَا گُوِيَانِ تُو رَا بِه اَنْ ثَنَا گَفْتِهٖ اِنْدِ، وَ بَزْرِكِ دَارَنْدِگَانِ تُو رَا بِه اَنْ بَزْرِكِ دَاشْتِهٖ اِنْدِ، وَ اَلْمُعَظَّمُوْنَ حَتَّى يَكُوْنَ لَكَ مِنِّي وَحْدِي فِي كُلِّ طَرْفِهٖ عَيْنٍ وَاصِلًا تَعْظِيْمِ كَنَنْدِگَانِ تُو رَا بِه اَنْ تَعْظِيْمِ نَمُوْدِهٖ اِنْدِ تَا اَنْكِهٖ بِرَسَدِ بَرَايِ تُو تَنَهَا اَزِ طَرْفِ مِنْ دَرِ هَرِ چَشْمِ بِهَمْ زَدَنِي مِنْ حَمْدِكَ مِثْلَ حَمْدِ اَلْحَامِدِيْنَ، وَ تَوْحِيْدِ اَصِيْنَاْفِ اَلْمُخْلِصِيْنَ، اَزِ سَتَايشِ هَمَّهٖ سَتَايشِ كَنَنْدِگَانِ، وَ تَوْحِيْدِ هَمَّهٖ اَهْلِ اِخْلَاصِ، وَ تَقْدِيْسِ اَجْنَاْسِ اَلْعَارِفِيْنَ، وَ ثَنَاءِ جَمِيْعِ اَلْمُهَلِّلِيْنَ، وَ مِثْلِ مَاوِ تَقْدِيْسِ وَ مَنَزَّهٖ دَانَسْتَنِ هَمَّهٖ اَهْلِ عِرْفَانِ، وَ ثَنَا گُوِيِ هَمَّهٖ تَهْلِيْلِ كَنَنْدِگَانِ يَعْنِي «لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ» گُوِيَانِ، وَ مَانَدِ

آنچه أَنْتَ بِهِ عَارِفٌ وَمَحْجُوبٌ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْخَيَوَانِ، تو به آن عارف و آشنائی و از همه آفریدگانت از زندگان محجوب و پنهان است، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي بَرَكَهٍ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ، فَمَا أَيْسَرَ مَاوَا بِالتَّمَّاسِ از تو می خواهم در برکت دادن آنچه به آن زبانم را گویا ساختی از ستایشت، پس چه اندک است آنچه کَلَّفْتَنِي مِنْ حَقِّكَ، وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ، إِبْتِدَاءً تَنِي مَرَا تَكْلِيفَ نَمُودَه اِي از حَقِّ خُودِ، و چه عظیم و بسیار است آنچه مرا وعده فرموده ای بر شکرگزاری، تُو بِالنَّعْمِ فَضْلاً وَطَوْلًا، وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقًّا وَعَدَلًا، وَوَعَدْتَنِي بِه لَطْفٍ وَاحْسَانٍ اِبْتِدَاءً كَرْدِي بِه نَعْمَتِ هَا، وَ بِه حَقِّ وَ عَدَلِ دَسْتُورِ دَادِي مَرَا بِه شُكْرِ كَرَارِي، وَ وَعَدَه كَرْدِي عَلَيْهِ أَضْعَافًا وَمَزِيدًا، وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ رَأْفَتِكَ وَاسِعًا كَثِيرًا، كِه بِرِ آن بِيْفَرَائِي وَ نَعْمَتِ رَا چنَد بَرَابَر كَنِي، وَ از رُوي مَهْرَبَانِي عَطَايِ بَسِيَارِ بِه مِنْ نَمُودِي، وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ يَسِيرًا صَغِيرًا، وَاضِيَةً طَفِيئَةً مُحَمَّدًا بِأَعْظَمِ الشَّانِ، وَ دَر مَقَابِلِ از مِنْ دَرخُواسْتِي اِنْدَكِ وَ آسانِ فَرمودِي، وَ (حَضْرَتِ مُحَمَّدِصَلِيَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَا بَرایِ بزرگترینِ مأمُورِيَّتِ بَرگَزِيدِي، وَأَوْجَبْتَ بِه وَبِعَثْرَتِهِ الْأَمَانَ، فَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَ بِه وَجُودِ او وَ عَتْرَتِ پاكشِ مَرْدَمِ رَا از اَمَنِ وَ اَمَانِ بَرخُوردارِ ساختِي، پس بِه حَقِّي كِه ايشانِ بَر تو دارنَد از تو مِي خُواهم كِه بِيامرُزي ما لا يَسْعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُكَ، وَ لا يَلْحَقُهُ إِلَّا عَفْوُكَ، فَلَيْسَ لِأَمْرِكَ نَسَبٌ بِه مِنْ آنچه جَزِ مَغْفِرَتِ وَ آمِرزشِ تو آن رَا فَرَاكِرِ نِيسْتِ، وَ جَزِ عَفْوِ وَ كَذاشتِ تو آن رَا مَلْحَقِ نَمِي سَازدِ، پس اَمْرِ وَ فَرْمَانِ تو رَا مُدْفِعِ، وَ لا عَنَ قَضَائِكَ مُمْتَنِعِ، فَبِكَ أَصُولُ عَلَى الْأَعْدَاءِ، هِيچِ دَفْعِ كُننْدَه اِي، وَ حَكْمِ وَ خُواسْتَه ات رَا هِيچِ بازدارنْدَه اِي نِيسْتِ، پس بِه وَسِيلَه

تو بر دشمنان هجوم آورده و حمله می کنی، وَمِنْكَ أَرْجُو وَلاَئِهِ الْأَحْبَاءُ، فَمَا أَكْثَرَ مَا أُؤَلِّتُ مِنْ عَوَائِدِ دُوسْتِي دُوسْتَانِ رَا اَز تُو
امید دارم، چه بسیار است آنچه احسان کرده ای از عطاهاى إِفْضَالِكَ، وَأَعْطَيْتَ مِنْ أَلْوَانِ إِفْضَادِكَ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، تَرَدَّدَيْتَ
فراوانت، و بخشیده ای از بخشش های گوناگونت، خدائی و معبودی جز تو نیست، الْمَخْدُودُ بِالْعِزِّ، وَتَعْظُمَتِ (تَغَطَّيْتَ) الْعِزُّ
بِالْكِبْرِيَاءِ، وَتَزَيَّنْتَ جَامَهُ بِزُرْكَى وَشَكْوَهُ بِوَشِيدِى بِه وَسِيلَهُ قَدْرَتِ وَاقْتِدَارِ، وَلِبَاسِ عَزَّتِ بِه تَن كَرْدِى بِه وَسِيلَهُ كِبْرِيائِيَّتِ، وَ
زِينَتِ الْكِبْرِيَاءِ بِالنُّورِ، وَتَعَشَّيْتَ النُّورَ بِالْبَهَاءِ، وَتَجَلَّلْتَ الْبَهَاءَ بِكِبْرِيائِيَّتِ يَافْتِى بِه وَسِيلَهُ نُورِ، وَ پَرْدَه اِى اَز نُورِ بِرِ خُودِ اِفْكَندِى بِه
وسيله زيباى، وَ جَلالِى اَز بَهَاءِ يَافْتِى بِالْمَهَابَةِ، لَكَ الْمَنْ الْبَارِخُ، وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ، وَالْجُودُ الْوَاسِعُ، بِه وَسِيلَهُ هَيْبَتِ، مَنَّتِ وَ نَعْمَتِ
بِزُرْكَى، وَ سُلْطَنَتِ شامخِ وَ وَالا، وَ جُودِ وَ بَخْشِشِ كَسْتَرْدَه اَز اَن تُو اَسْتِ، إِذْ خَلَقْتَنى سَمِيعاً بِصِيراً صَحيحاً سَويّاً سَالمَاً مُعافِاً، لَمْ
تَشْغَلْنى كِه مِرا شِنَوا، بَينا، صَحيح، مَعْتَدَل (رَاسْتِ قَامَتِ)، اَسْتِوار، سَالمِ وَ باعافِيتِ آفَرِيدِى، مِرا بافِى نُقْصانِ مِنْ بَدَنِى، وَ لَمْ تَمْنَعْ
كَرَامَتِكَ إِياى، وَ فَضْلَ مَنائِحِكَ كَمبُودِ وَ نَقْصِ بَدَنِى مَشْغُولِ نَدَاشْتِى، وَ كِرامَتِ وَ بِزُرْكَوارِى، وَ بَخْشِشِ هَياى فِراوانتِ رَا اَز مَن
دِريغِ نَفِرمُودِى، عَلَى، إِذْ وَسَّعْتَ عَلَى الدُّنْيا، وَ جَعَلْتَ لى سَمِيعاً يَعْزِلُ اِياكَ، چُونِ دُنْيا رَا بِرِ مَن فِراخِ كِردانِيدِى، وَ بَراى مَن
گوشِى شِنَوا قِرارِ دادِى) تا بَشَنُودِ (وَ دَرِ اِياتِ اَنديشَه كَندِ، وَ بَصِراً يَرى قُدْرَتِكَ، وَ فُؤُداً يَعرِفُ، وَ اَنَا بِفَضْلِكَ حَامِدٌ لَكَ، وَ دِيدَه
اِى عِنايَتِ كِردِى تا قَدْرَتِ رَا بَنَگِردِ، وَ قَلْبِى كِه بَشَناسدِ، وَ مَن بِه فَضْلِ وَ اِحسانِ تُو سَتايشِگَرِ تُوامِ، وَ نَفْسِى شاكِرَه بِحَقِّكَ،
شاهِدَه بِاَنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَ حَيٌّ وَ جانِ مَن بِه حَقِّ تُو شَكَرْگِزارِ اَسْتِ، وَ گِواهِ بِه اِينَكِه

واسطه اعتقاد به یکتائیت، و تمجیدک و تهلیلک و تکبیرک و تعظیمک و نورک و رافیک و به ثناگوئی ات و نفی عبودیت و الوهیت از غیر تو، و به بزرگداشت و تعظیمت و نور و رافت، و رحمتک و علو و قارک و جمالک و منک و کمالک و جلالک و رحمت و متانت والا و جمال و نعمت و کمال و بزرگی و سلطانک و قدرتک و نبیک محمد و عترته الطاهرین، ان و سلطنت و قدرت، و به پیامبرت و عترت پاک او که لا تحرمنی فو آئدک و مواهبک، فانه لا نغتریک لکثره ما یسرت مرا از عطایا و بخشش هایت محروم نگردانی، زیرا که بر تو به خاطر زیادی من العطایا عوایق البخل، و لا ینقص جودک التقصیر فی شکر عطا و بخشش بخلی که بازدارنده است عارض نمی شود، و کوتاهی کردن در شکر نعمت از جود تو نمی کاهد، نعمتک، و لا تؤثر فی جودک العظیم نجاتک الفایضه الجلیله، و در جود و بخشش عظیم تو عطای فراوان تو که به سوی خلق سرازیر است اثر نمی گذارد، و لا تخاف ضیم إملاق، فوسیلتی إلیک یا الله التوحید، و ذریعتی و تو هرگز از تنگدستی بیم نداری. خداوندا؛ وسیله من به سوی تو توحید، و دست آویز من آنی لم اشرک بک شیئا، فاغفر لی ما بینهما، انک علی کل شیء اشرک نورزیدن به تو است، پس آنچه بین این دو (از خطا و اشتباه) دارم بیامرز که تو بر هر چیزی قدیروز. الهی ما فی جسمی شعره نابته ایا و تحتها نعمه ثابتة. توانا هستی. خدای من؛ در جسم من موئی نروئیده مگر آنکه در زیر آن نعمتی ثابت است. الهی انت الجواد اللطیف و انا الفقیر الضعیف. الهی ان الکریم معبودا؛ تو بخشنده و بسیار لطف کننده ای و من فقیر و ناتوانم. خدای من؛ همانا شخص کریم و بزرگواری منا لیغفو عمن ظلمه، فکیف لا تغفو عمن لم یظلمک و انما که در میان ما هست از کسی که

به او ستم کرده گذشت می کند، پس چگونه تو از کسی که به تو ستم نموده، بلکه ظلم نفسه، وَأَنْتَ أَوْلَى الْأَكْرَمِينَ بِالْعَفْوِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَتْلُهُمْكَ به خویش ستم کرده گذشت نکنی؟ در حالی که تو از همه اشخاص کریم سزاوارتری به عفو کردن. خداوندا؛ از تو می خواهم حُسن شُکرِکَ، وَأَسْتَتَوْهَبُكَ بِسِدِّطِ لِسَانِي فِي الْإِشَادِ لِمَادِحِكَ، که شکرگزاری نیکویت را به من الهام کنی، و باز شدن زبانم را در مدح و ثنایت و راهنمایی ثناگویت مرحمت نمائی، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي تَشْدِيدِي بِمَا يَكْتَسِبُ مَزِيدَكَ، وَأَعُوذُ بِكَ وَنَالَهِ وَزَارِي مِي كُنْم تَا مِرَا يَارِي كُنِي وَاسْتَوَارِ سَاوِي بِه أَنِجِه بَاعْث مَزِيدَ لَطْفِ تُو مِي كَرْدَد، وَبِه تُو پناه می برم مِمَّا يَسْتَدْعِي حُلُولَ غَيْرِكَ، فَأَعِنِّي عَلَى الدُّنْيَا بِالْقِنَاعَةِ، وَعَلَىٰ از آنچه فرامی خواند وارد شدن غیر تو را، پس مرا در امر دنیا به وسیله قناعت، و درالدین بِالْعِضَّةِ مَه وَالزَّهَادَةِ، وَأَعِنِّي بِالْإِفْتِقَارِ إِلَيْكَ، وَلَا تُفْقِرْ لِي امر دین به وسیله خودداری و زهد ورزیدن کمک کن، و مرا با نیازمندی به درگاہت بی نیاز، و بِابَالِإِسْتِغْنَاءِ عَنْكَ، إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ بِي نیازی از خودت فقیر مگردان، همانا امر تو چنین است که هر گاه اراده کنی چیزی باشد فَيَكُونُ، فَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِطَاعَتِكَ أَنْ تَدْخُلَ فِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ مِي بَاشَد، پس به رحمت خویش به اطاعت بگو که در هر عضوی از اَعْضَائِي، ثُمَّ لَا تُفَارِقْنِي حَتَّىٰ أَلْقَاكَ، وَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِمَعْصِيَتِكَ اِعْضَايَ مِنْ وَارَد شُود، سِپَسِ از من جدا نگرَد تا تو را ملاقات نمایم، وَبِه رَحْمَتِ بِه معصیت و نافرمانیت بگو آن تَخْرُجَ مِنْ كُلِّ عَضْوٍ مِنْ اَعْضَائِي، ثُمَّ لَا تُقْرَبْنِي حَتَّىٰ أَلْقَاكَ، که از هر عضوی از اِعْضَائِي مِنْ خَارِجِ كَرْدَد، سِپَسِ به من نزدیک نشود تا تو را دیدار کنم، وَأَرْزُقْنِي

مِنَ الدُّنْيَا، وَتُرْهَدُنِي فِيهَا، وَلَا تَزُوها عَنِّي، وَتُرْعَبُنِي وَ از دنیا به من روزی کن ولی مرا در آن بی اعتنا گردان، و آن را از من دور مساز، در حالی که مرا فيها، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا مَنْ لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْهُ بُدٌّ وَلَا بِهِ أَنْ مَائِلٌ وَ مشتاق فرموده باشی، ای خدا ای بخشنده ای مهربان، ای کسی که برای کسی از او چاره ای نیست، وَلَا أَحَدٌ عَنْهُ غَنَى، يَا رَازِقَ الْمُقَلِّينَ، وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ، وَيَا ذَا بَرَأِي كَسِي از او بی نیازی نیست، ای روزی دهنده تهیدستان؛ و ای رحم کننده بینویان؛ و ای دارای الْقَوَّةِ الْيَتِيمِ، يَا إِلَهَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَيْنِ رُوئِي اسْتَوَار؛ ای معبود معبودان؛ ای مهربانترین مهربانان؛ بِرْمُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَآخِرَ مُحَمَّيدٍ وَ آلٍ او درود فرست، و با من چنان کن که تو شایسته آن هستی، ای پیش از هر ابتدا، و پس از اواخرین. اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي لِرَفْضِ الْبِدْعِ وَالرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ، وَوَفَّقْنِي از هر انتهاء. خداوندا؛ بر ترک بدعت ها و آراء و عقاید ساختگی مرا موفق فرما، و به آنچه لِتِي هِيَ أَذْكَى. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَصِفُ وَلَا يُوصَفُ، وَيَعْلَمُ بِأَكْثَرِ وَ پاکیزه تر است توفیق مرحمت کن. سپاس خداوندی را که وصف می کند و توصیف نمی شود، و آگاه است وَلَا يَعْلَمُ، أَنْتَ صَاحِبِي فِي كُلِّ شَدِيدَةٍ دَخَلْتُ عَلَيْ، وَلَا أَنْكَرُو به او آگاهی داده نمی شود، تو در هر سختی که بر من وارد شود یار من هستی، وَفَضْلِكَ لِأَنَّكَ مُفْرَجُ كُلِّ بَلْوَى، وَلِكُلِّ عَظِيمَةٍ تُدْعَى، وَلِكُلِّ فَضْلٍ وَ احسان تو را انکار نمی کنم؛ زیرا که تو برطرف کننده هر مصیبت و بلائی، و برای هر امر مهمی خوانده می شوی، و برای هر شَدِيدَةٍ تُرْجَى، وَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ الْمُشْتَكِي، أَنْتَ

الْمُرْتَجَى، فَمَامشكلى به تو امید می رود، و به درگاه تو - ای مولای من؛ - شَكوه و شکایت است، تو مایه امیدى، چه أَكْبَرُ هَمِّى إِنْ لَمْ تُفَرِّجْهُ، وَأَذَلَّ لِسَانِى إِنْ لَمْ تَبْسِطْهُ، وَأَخْفَّ بَسِيَارِ اسْتِ اِنْدُوهِ مِنْ اِگَر بَرطرف نَسَازِى اَن رَا، وَ چِه بَسِيَار لَغْزَش دَارِد زبَان مِنْ اِگَر اَن رَا نِگَشَائِى، وَ چِه بَسِيَار سَبِك اسْت مِيزَانِى إِنْ لَمْ تُثَقِّلْهُ، فَصَلِّ عَلِى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِى. اِلَهَى مَامِيزَان اَعْمَال مِنْ اِگَر اَن رَا) بَا كَرَم خُود(سَنگِين نِگَرْدَانِى، پَس بَر مُحَمَّد وَ آل او دَرُود فَرَسْت وَ بَر مِنْ رَحْم كُن. خُدَاى مِنْ؛ هَر گَاه تَوَهَّمْتُ نِقَمَتِكَ اِلَّا وَكَانَتْ نِعْمَهُ عَفْوِكَ تَقَرُّعُ مَسَامِعِى اَنْ قَدْبَهُ خِيَالِ اِنْتِقَامِ تَوَا فِتَادِمِ نِعْمَتِ عَفْوِ تُو بَر دَر گُوشِمْ نِغْمَه زِد كِه غَفَرْتِ لِى، فَصِيْدُقْ يَا مَوْلَاى ظَنِّى، وَكَذَّبْ خَوْفِى، وَحَقِّقْ مِى اَمْرِزِى مَرَا، پَس مَوْلَاى مِنْ؛ گَمَان مَرَا اِثْبَات كُن، وَ بِيْم وَ تَرَس مَرَا اِنكَار نَمَا، وَرَجَائِى يَا رَجَاءَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُتَوَكِّلِينَ، يَا مُجِيبَ اَمِيْدِم رَا تَحَقِّقْ بَخْشِ اِى اَمِيْد اَهْل اِيْمَان، اِى فَرِيَادِرْس تُو كَل كِنْدِگَان، اِى اِجَابَت كِنْدِه التَّوَّابِينَ، تُبِّ عَلَيَّ يَا اَللَّهُ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيْمُ، يَا رَبُّ يَا مَلِكُ، تُوْبَه كِنْدِگَان، تُوْبَه مَرَا بِيْذِيْرِ اِى خُدَا؛ اِى بَخْشِنْدِه؛ اِى مَهْرَبَان؛ اِى پَرُورْدِگَار؛ اِى پَادِشَاه؛ يَا مُحِيْطُ يَا قَدِيْرُ، يَا عَلِيْمُ يَا حَكِيْمُ، يَا تَوَّابُ يَا وَاسِعُ، يَا اِى اِحَاطَه دَارِنْدِه؛ اِى تُوَانَا؛ اِى دَانَا؛ اِى حَكِيْم؛ اِى تُوْبَه پَذِيْرِ؛ اِى گَسْتِرَانِنْدِه؛ اِى يَدِيْعُ يَا سَمِيْعُ، يَا كَافِى يَا رُوْوفُ، يَا شَاكِرُ يَا اِلَهُ يَا وَاحِدُ، يَا پَدِيْدِ اَوْرِنْدِه؛ اِى شِنُوَا؛ اِى كَفَايَت كِنْدِه؛ اِى رِئُوْفُ؛ اِى سِپَاَسْگَزَار، اِى مَعْبُود، اِى يِگَانَه؛ اِى غُفُوْرُ يَا حَلِيْمُ، يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا عَلِيُّ يَا اَمْرَزِنْدِه؛ اِى بَرْدَبَار؛ اِى قَبْض كِنْدِه؛ اِى بَسْطِدِهِنْدِه؛ اِى زِنْدِه؛

ای پایدار؛ ای بلندمرتبه؛ ای عالی، یا عَظِيمُ یا وَلِيٌّ، یا غَنِيٌّ یا حَمِيدٌ، یا قَائِمٌ یا وَهَّابٌ، یا الوالامقام؛ ای باعظمت؛ ای سرپرست؛ ای بی نیاز؛ ای ستوده؛ ای پادارنده؛ ای بخشنده؛ ای سَرِيْعُ الْحِسَابِ، یا خَبِيرٌ یا رَقِيبٌ، یا حَسِيبٌ یا شَهِيدٌ، یا آنکه سریع به حساب مردم رسیدگی می کنی؛ ای آگاه؛ ای مراقب؛ ای حسابگر؛ ای حضوردارنده؛ ای غَفُورٌ یا مُغِيْثٌ، یا وَكِيْلٌ یا فَاطِرٌ، یا قَاهِرٌ یا قَادِرٌ، یا لَطِيْفٌ یا بسیار آمرزنده؛ ای فریادرس؛ ای پشتیبان؛ ای به وجودآورنده؛ ای چیره شونده؛ ای توانا؛ ای لطف کننده؛ ای حَكِيمٌ، یا مُحِيْبٌ یا مُمِيْتٌ، یا نِعَمَ الْمَوْلَى، یا نِعَمَ النَّصِيْرِ، یا حَكِيمٌ؛ ای زنده کننده؛ ای میراننده؛ ای بهترین مولا؛ ای بهترین یاور؛ ای حَفِيْظٌ یا قَرِيْبٌ، یا مُجِيْبٌ یا قَوِيٌّ، یا مَجِيْدٌ یا وَدُوْدٌ، یا نَگَهِدَارٌ؛ ای نزدیک؛ ای اجابت کننده؛ ای نیرومند؛ ای باشکوه؛ ای دوست دارنده؛ ای مُسْتَعَانٌ یا غَالِبٌ، یا قَاهِرٌ یا كَبِيْرٌ، یا مُتَعَالَى یا مَنَّانٌ، یا خَالِقٌ مَدَدكَارٌ؛ ای غلبه کننده؛ ای چیره شونده؛ ای بزرگ؛ ای بلندمرتبه؛ ای نعمت دهنده؛ ای هستی بخش؛ یا صَادِقٌ، یا وَاْرِثٌ یا غَافِرٌ، یا كَرِيْمٌ یا بَاعِثٌ، یا حَقٌّ یا ای راست گفتار؛ ای ارث برنده؛ ای آمرزنده؛ ای بزرگوار؛ ای برانگیزنده؛ ای حَقٌّ؛ ای مُبِيْنٌ، یا نُورٌ یا هَادِيٌّ، یا فَايْسِحٌ یا شَكُوْرٌ، یا غَافِرَ الذَّنْبِ، یا آشکار؛ ای روشنی بخش؛ ای هدایتگر؛ ای گشاینده؛ ای جزادهنده؛ ای آمرزنده گناه؛ ای قَابِلَ التَّوْبِ، یا شَدِيْدَ الْعِقَابِ، یا ذَا الطَّوْلِ، یا رَازِقٌ، یا ذَاپَذِيْرِنْدَه توبه؛ ای سخت کیفر؛ ای صاحب لطف و احسان؛ ای روزی دهنده؛ ای صَاحِبَ الْقُوَّةِ الْمَتِيْنِ، یا بُرِّ یا مَلِيْكٌ، یا مُقْتَدِرٌ یا باقی، یا ذَا الْجَلَالِ نِيْرُوِي اسْتَوَار؛ ای نیکوکار؛ ای دارنده ملک و هستی، ای مقتدر؛ ای ماندگار؛ ای صاحب بزرگی وَالْاِكْرَامِ، یا اَوَّلٌ یا اٰخِرٌ، یا

ظاهر یا باطن، یا قُدُوسُ یا سَلام، و بزرگواری؛ ای اوّل بدون ابتدا؛ ای آخر بدون انتها؛ ای آشکار؛ ای پنهان؛ ای در نهایت پاک؛ ای بی عیب؛ یا مُؤْمِنُ یا مُهَيِّمُنْ، یا عَزِيزُ یا جَبَّارُ، یا مُتَكَبِّرُ یا خَالِقُ، یا ای ایمنی بخش؛ ای نگهبان؛ ای شکست ناپذیر؛ ای قدرتمند؛ ای بزرگ مرتبه؛ ای آفریننده؛ ای باریُّ یا مُصَوِّرُ، یا ذَا الْمَعَارِجِ، یا مُبْدِئُ یا مُعِیدُ، یا اَعْلَى یا ایجاد کننده؛ ای صورت آفرین؛ ای صاحب درجات؛ ای آغازگر؛ ای بازگرداننده؛ ای برتر؛ ای اَكْرَمُ، یا اَحَدُ یا صَمَدُ، یا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْرًا تَرَةً؛ ای یکتا؛ ای به خود پاینده و بی نیاز؛ ای آنکه نه زاید و نه زاده است و هیچ کس کُفُوءاً اَحَدُ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَافْعَلْ هَمَّتَايَ او نبوده است؛ بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فرست و در فرج ایشان تعجیل فرما، و چنان کن بنا ما اَنْتَ اَهْلُهُ، یا اَللّهُ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ مَا كَه تُو شایسته آن هستی، ای خداوند؛ ای مهربانترین مهربانان؛ و هیچ حرکت و جنبش و نیروئی اِلَّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلِّ عَلٰی اللّهِ عَلٰی طَيْبِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدِنِ جِزْ بِه سَبَبِ خَدَاوَنَدِ بَلَنْدِ مَرْتَبَه بزرگ نیست، و درود خدا بر پاکترین فرستاده شدگان (حضرت) مُحَمَّد الْمُصْطَفَى، وَعَلٰی اَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْمُرْتَضَى، وَعَلٰی ذُرِّيَّتِهِمَا الطَّاهِرِينَ، مُصْطَفَى، و بر برادرش علی مرتضی، و بر ذرّیه پاک این دو بزرگوار امین یا رَبِّ الْعَالَمِينَ. (۵۱)

به اجابت برسان ای پروردگار جهانیان.

دعای هشتم دعا بعد از زیارت به نیابت از دیگری

هنگامی که زائر، نائب از طرف شخص دیگری است، بعد از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام یا سایر ائمه علیهم السلام این دعا را بخواند:

اَللّهُمَّ اِنَّ فُلَانًا بِنِ فُلَانٍ اَوْ فِدَنِي اِلَى مَوَالِيهِ وَمَوَالِي لِبِ اَزْوَرِ خَدَاوَنَدَا؛ هَمَانَا - فُلَانِي بِسِرِ فُلَانِي - مَرَا بِه سُوِي

سرورانش و سرورانم روانه ساخته تا از طرف او زیارت عنه، رجاء لجزیل الثواب، و فراراً من سوء الحساب. اللهم کنم، به امید ثواب فراوان، و گریز از بدی حساب. خداوندا؛ ۱. کتاب فی الزیارات والأدعیه (مخطوط): ۴۰.

إِنَّهُ يَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِأَوْلِيَايَتِكَ، الدَّالِّينَ عَلَيْكَ، فِي غُفْرَانِكَ ذُنُوبَهُ، او به وسیله اولیای تو که دلیل و راهنمای بر تو آند به سوی تو روی آورده تا گناهانش را بیامرزی، وَحَطَّ سَيِّئَاتِهِ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهِمْ، عِنْدَ مَشْهَدِ إِمَامِهِ صَلَوَاتُ و بار گناه او را فروریزی، و به واسطه آن ها در زیارتگاه و محلّ شهود امامش - که دروداللّه علیه. اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنْهُ، وَأَقْبَلْ شَفَاعَةَ أَوْلِيَايَةِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ خدا بر او باد - به سوی تو توّسّل می جوید. خداوندا؛ از او بپذیر، و شفاعت اولیانش را - که درود خدا علیهم فيه. اللَّهُمَّ جَاذَهُ عَلَى حُسْنِ نَيْتِهِ، وَصِيحِ عَقِيدَتِهِ، بر آنان باد - در مورد او قبول کن. خداوندا؛ بر نیت نیکو، و عقیده صحیح، وَصِيحِهِ مُوَالَايَتِهِ، أَحْسَنَ مَا جَاذَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبِيدِكَ الْمُؤْمِنِينَ، و درستی ارادتش به او پاداش بده، بهتر از آنچه به یکی از بندگان مؤمنت پاداش داده ای، وَأَدِمَ لَهُ مَا خَوَّلْتَهُ، وَاسْتَعْمَلَهُ صَالِحًا فِيمَا أَيْتَيْتَهُ، وَلَا تَجْعَلْنِي و آنچه به او عطا کرده ای برایش همیشگی و پایدار گردان، و لطفی کن که آنچه را به او عطا کرده ای در کارهای شایسته به کاراخر و اَفِدْ لَهُ يُوفِّدَهُ. اللَّهُمَّ أَعْتِقْ رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيْهِ گیرد، و مرا آخرین فرستاده ای که او فرستاده قرار مده. خداوندا؛ او را از آتش رهایی بخش، وَمِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَاجْعَلْهُ مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، روزی حلال پاک خود را بر او فراخ گردان، و او را از یاران و همراهان محمد و آل محمد قرار بده، وَبَارِكْ لَهُ

فِي وَلَدِهِ، وَمَالِهِ وَأَهْلِهِ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَدِرْ فِرْزَنَدِ وَ مَالِ وَ خَانَدَانِ وَ أَنْجِه رَا مَالِكِ اسْتِ وَ دِرْ اِخْتِيَارِ اوسْتِ بَرَكْتِ بَدَه. خدَاوندَا؛ عَلِيٌّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحُلٌّ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ، حَتَّىٰ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دِرُودِ فِرْسْتِ، وَ مِيَانِ اُو وَ لَغْزَشِ هَا وَ نَا فِرْمَانِي هَا يْتِ فَا صِلَه بِيْنْدَا، تَالَا يُعْصِيكَ، وَاعْنَهُ عَلِيٌّ طَاعَتِكَ وَطَاعَهُ اَوْلِيَاءِكَ، حَتَّىٰ لَا تَفْقُدَهُ تُو رَا نَا فِرْمَانِي نَكْنَدِ، وَ بَرِ اطَاعَتِ خُودِ وَ اطَاعَتِ اَوْلِيَاءَتِ يَارِيَشِ فِرْمَا، تَا حَيْثُ اَمْرَتُهُ، وَلَا تَرَاهُ حَيْثُ نَهَيْتَهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلِيٌّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اِي اَمْرِ فِرْمُودَه اِي وَجُودِشِ نَا پِيْدَا نَبَا شَدِ، وَ اَنْجَا كِه نَهِي نَمُودَه اِي اُو رَا نِيْنِي. خدَاوندَا؛ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَاعْفُ عَنْهُ وَعَنْ جَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ مُحَمَّدٍ دِرُودِ فِرْسْتِ، وَ اُو رَا بِيَا مِرْزِ وَ اُو رَا رِحْمَتِ كَنْ، وَ اُو وَ هَمِه مِرْدَانِ وَ الْمُؤْمِنَاتِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلِيٌّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْزُدْهُ مِنْ وَ زَنَانِ مُؤْمِنِ رَا مُورِدِ عَفْوِ وَ كِذْشْتِ خُويَشِ قِرَارِ بَدَه. خدَاوندَا؛ بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دِرُودِ فِرْسْتِ، وَ اُو رَا پِنَاهِ بَدَه اَزْ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ، وَ مِنْ فِرْعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سُوءِ الْمُنْقَلَبِ، وَ مِنْ ظُلْمِ هِتْرَسِ آخِرْتِ، وَ اَزْ هِرَا سِ رُوزِ قِيَامَتِ وَ بَدِي بَا زْ كِشْتِ، وَ اَزْ تَارِيْ كِي الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِيْهِ، وَ مِنْ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ قَبْرِ وَ وَحْشَتِ اَنْ، وَ اَزْ جَا يْ كَا هَا ي خُوَارِي دِرْ دُنْيَا وَ آخِرْتِ. خدَاوندَا؛ صَلِّ عَلِيٌّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ جَائِزَتَهُ فِي مَوْقِفِي هَذَا بَرِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ دِرُودِ فِرْسْتِ، وَ جَائِزَه وَ پَادَا شِ اُو رَا دِرْ اِيْنِ مَوْقِفِ مِنْ) كِه نَا يْبِ اُو هِسْتِم (عُفْرَانِكَ، وَتُحَفَّتُهُ فِي مَقَامِي هَذَا عِنْدَ اِمَامِي صَلِّيَ اللهُ عَلَيْهِ اَنْ اَمْرِ زَشْتِ، وَ هَدِيَه اُو رَا Dِرْ اِيْنِ مَوْقِعِيْتِ وَ مَنْزِلْتِيْ كِه نَزْدِ اِمَامِم - دِرُودِ خدَا بَرِ اُو بَا دِ - دَارْمِ تُقِيْلَ

حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، بِرَأْسِ أَلِ وَأَبِ - پیروی کردی تا آنکه خداوند تو را به جوار رحمت خود فراخواند، پس به اختیار خود به سوی خویش برد، وَأَلْزَمَ أَعْيَادَكَ الْحُجَّةَ، مَعَ مَا لَمْ يَكَمْ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَيْهِ حُجَّتْ رَأْسَ دُشْمَانَتِ ثَابِتٍ كَرْدٍ وَتَمَامِ كَرْدَانِيدِ، بَا أَنْكِهِ تَو دَلَائِلِ رَسَائِي بِرَجْمِيعِ خَلْقِهِ. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِهَيْتَمَامِ آفَرِيدِ كَانَشِ دَاشْتِي. خِداوند! قَرَارِ بَدَه نَفْسِ وَجَانِ مَرَا بِه مَقْدَرَاتِ خُودِ مُطْمَئِنِّ، وَبِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لِصِفْوَةِ أَوْلِيَاءِكَ، بِه قَضَا وَحُكْمِ خُويشِ رَاضِي وَخُشْنُودِ، دَلْبَاخْتِه وَبِي قَرَارِ ذِكْرِ وَدَعَايَتِ، دُوسْتِ دَارِنْدِه اَوْلِيَاءِ بِرِگَرِيدِه اَتِ، مَحْبُوبَةٍ فِي أَرْضِكَ وَسَيِّمَاتِكَ، صَابِرَةً عَلَي نَزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً مَحْبُوبِ دَرِ زَمِينَتِ وَآسْمَانَتِ، شَكِييَا بِرِ فَرُوفَرَسْتَادِنِ بِلَايَتِ، شُكْرِ كَزَارِ لِفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ، ذَاكِرَةً لِسُوَابِغِ الْآيَتِكَ، مُشْتَاقَةً إِلَى فَرَحِ نِعْمَتِ هَايِ افزُونَتِ، يَادِ آوَرِ الطَّافِ فَرَاوَانَتِ، مُشْتَاقِ دِيدَارِ مَسْرَتِ بَخْشَتِ،

۱. این فقره از زیارت، در حرم امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام خوانده شود.

لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً مِنَ التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتِنَّةً بِسَيِّئِنِ أَوْلِيَاءِكَ، اِنْدُوخْتِه كِنْدِه تَوْشِه تَقْوَا بِرَايِ رُوزِ جَزَا وَپَادَاشْتِ، پُويِنْدِه رَاهِ وَرُوشِ اَوْلِيَاءَتِ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتَنَائِكَ. فَاصلِه گيرِنْدِه از خُلُقِ وَخُويِ دُشْمَانَتِ، مَشْغُولِ گِشْتِه از دُنْيَا بِه حَمْدِ وَتَنَائِ خُودَتِ.

آنگاه گونه مبارک خود را بر قبر مطهر نهاد و گفت:

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّ، وَسَيِّئِلِ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ خِداوند! هَمَانَا دَلِ هَايِ خَاشِعَانِ وَفَرُوتِنِي كِنْدِ كَانِ بِه پِيشْگَاهِ تُوِ وَالِهِ وَشِيدَا اَسْتِ، وَرَاهِ هَايِ مُشْتَاقَانِ بِه سُوِي تَوْشَارِعَةٍ، وَأَعْلَامِ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةً، وَأَفْتِدَةَ الْعَارِفِينَ بَازِ وَنَمَايَانِ اَسْتِ، وَنِشَانِه هَا بِرَايِ آن هَا كِه آهَنْگِ تُو كَرْدِه اِنْدِ رُوشِنِ وَآشْكَارِ اَسْتِ، وَقُلُوبِ اَهْلِ مَعْرِفَتِ مِنْكَ فَازِعَةً، وَأَصْوَاتِ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةً، وَأَبْوَابِ الْإِجَابَةِ تُو دَرِ هِرَاسِ اَسْتِ،

و صداها و ناله های دعاکنندگان به سوی تو بالارونده، و درهای اجابت لَهُمْ مُفْتَحَةٌ، و دَعْوَهُ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ، و تَوْبَهُ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ به روی آنان گشوده است، و دعای کسی که با تو نجوا کرده و راز و نیاز می کند مستجاب، و توبه کسی که به سوی تو بازگشت نموده مقبوله، و عَبْرَهُ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ، و الْإِعَانَةُ لِمَنْ پذیرفته شده، و اشک گریه کننده که از ترس تو روان گشته مورد رحمت قرار گرفته، و فریادرسی برای آن که به پیشگاه تو استغاث بَكَ مَوْجُودَةٌ، و الْإِعَانَةُ لِمَنْ استعان بَكَ مَبْدُودَةٌ، استغاثه کند موجود است، و کمک و یاری برای کسی که از تو مدد بخواد بخشیده شده است، و عِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجَزَةٌ، و زَلَلَ مَنْ اسْتَعَانَكَ مُقَالَهٌ، و أَعْمَالٌ و وعده هایت برای بندگانت قطعی و انجام شده است، و لغزش کسی که از تو طلب چشم پوشی کند پوشیده شده است، و عمل های الْعَامِلِينَ لِمَدِيكَ مَحْفُوظَةٌ، و أَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ آنانکه عملی انجام داده اند نزد تو نگهداری شده، و روزی های تو به سوی (همه) آفریدگانت از ناحیه تونازله، و عَوَائِدُ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ واصله، و ذُنُوبُ الْمُسِيئِينَ سَرَّازِيرٌ است، و بخشش ها و بهره های زیاد به ایشان عطاکننده ای، و گناهان استغفارکنندگان مَغْفُورَةٌ، و حَوَائِجُ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ، و حَوَائِزُ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ و آمرزش طلبان آمرزیده شده، و حاجت های آفریدگانت نزد تو برآورده شده است، و پاداش درخواست کنندگان نزد تو مَوْفُورَةٌ، و عَوَائِدُ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ، و مَوَائِدُ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ، فراوان است، و عطاها و نیکی ها پیاپی، و سفره ها برای آن ها که طعام خواهند فراهم، و مَنَاهِلُ الظَّمَاءِ مُتْرَعَةٌ. اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، و أَقْبَلْ ثَنَائِي، و آبشخورها برای تشنگان پر آب است. خداوندا؛ دعایم را به اجابت برسان، و مدح و ثنایم را بپذیر، و اجمع بینی و بینِ أَوْلِيَائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَهُوْا و سرورانم را گردهم آور، به حق

(حضرت) محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین، إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَائِي، وَمُنْتَهَى مُنَايَ، وَغَايَهُو حَسَن و حَسِين عَلَيْهِم السَّلَام كه تو صاحب نعمت های من، و منتهای آرزوی من، و نهایت رجائی فی مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ.

امید من در دنیای من و آخرت من هستی.

در کتاب «کامل الزیارات» بعد از این زیارت، این فقرات را نیز آورده است:

أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، إِغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا، وَكُفِّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا، تو خدای من و سرور من و مولای من هستی، دوستان ما را بیامرز، و دشمنان ما را از ما بازدار، و اشغَلْهُمْ عَنُّ أَدَانَا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا، وَأَدْحِضْ و آنان را از اذیت و آزار ما (به کار دیگری) وادار، و پرچم حق را آشکار ساز و آن را بالا ببر، و كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پرچم باطل را متزلزل کن و آن را پائین آور، که تو بر هر چیز توانا هستی.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

هر کس از شیعیان ما، این زیارت و دعا را کنار قبر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام یا قبر یکی از ائمه علیهم السلام بخواند، خدای متعال آن را در نامه ای از نور بالامی برد، و مهر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را بر آن می زند، و آن نامه را نگه می دارند تا به قائم آل محمد علیهم السلام تسلیم نمایند، و آن نامه با بشارت و تحیت و کرامت به استقبال صاحبش می آید ان شاء الله تعالی. (۵۶)

زیارت جامعه کبیره

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «من لایحضره الفقیه» و «عیون اخبار الرضا علیه السلام» چنین روایت می کند:

موسی نخعی می گوید: به حضرت امام هادی علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا؛ مرا زیارتی با بلاغت و کامل تعلیم فرما، که هر گاه خواستم یکی از

شما رازیارت کنم آن را بخوانم.

حضرت فرمود:

هر گاه خواستی یکی از ما را زیارت کنی غسل کن، و چون به آستانه حرم یکی از ائمه معصومین علیهم السلام رسیدی بایست و شهادتین را بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا غَوَاهِي مِي دَهْمِ كِه خِدَائِي جَزِ خِدَاوند نِيست، او يگانِه است و شَرِيكِي بَرَايش نِيست، و گَوَاهِي مِي دَهْمِ كِه (حضرت) مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

- که درود خدا بر او و آل او باد - بنده او و فرستاده اوست.

وقتی وارد شدی و قبر را دیدی، بایست و سی مرتبه بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ، اندکی با آرامش روح و جسم قدم بردار، و گام ها را نزدیک یکدیگر بگذار، آن گاه بایست و سی مرتبه بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ، سپس نزدیک شو و چهل مرتبه بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ که در مجموع صد تکبیر می شود، آن گاه بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ سَلَامِ بَرِ شَمَا اِي اَهْلِ بَيْتِ نَبَوْتِ، وَ جَايْگَاهِ رِسَالَتِ الهِي، وَ مَحَلِّ رِفْتِ وَ اَمْدَالِ مَلَائِكَتِكِه، وَ مَهْبِطِ الوَحْيِ، وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ، وَ خُزَانِ العِلْمِ، فَرَشْتِگَانِ، وَ جَايْگَاهِ فِرود آمدنِ وَحْيِ وَ پِيَامِ خِدَاوندِ، وَ مَعْدِنِ رَحْمَتِ وَ خِرَانِه دَارَانِ عِلْمِ وَ دَانِشِ، وَ مُمْتَنِّيهِ الحِلْمِ، وَ اَصْوَالِ الكَرَمِ، وَ قَادَةَ الأَمَمِ، وَ اَوَّلِيَاءِ النُّعْمِ، وَ نِهَائِتِ وَ پَايَانِ حِلْمِ وَ بَرْدبَارِي، وَ اَسَاسِ وَ رِيشِه هَايِ بَزَرِ گَوَارِي، وَ فَرْمَانِدِهَانِ وَ پِيشُوَايَانِ اَمّتِ هَا، وَ صَاحِبَانِ وَ اَخْتِيَارِ دَارَانِ نَعْمَتِ هَا، وَ عَنَاصِرِ الأَبْرَارِ، وَ دَعَائِمِ الأَخْيَارِ، وَ سَاسَةِ العِبَادِ، وَ اَرْكَانِ وَ اَصْلِ وَ اَسَاسِ آفَرِينِشِ نِيكوكَارَانِ، وَ پَايِه هَا وَ مَايِه قَوَامِ خُوبَانِ، وَ مَدَبِّرَانِ وَ مَصْلِحَتِ اَنديشانِ اَمُورِ بِنْدِگَانِ، وَ نِگَهْدَارِنْدِه وَ مَايِه البِلَادِ، وَ اَبْوَابِ الإِيْمَانِ، وَ اَمْنَاءِ الرَّحْمَانِ، وَ سِيْلَالَةِ النَّبِيِّينَ، اَسْتُوَارِي شَهْرِهَا، وَ دَرِهَا وَ مَحَلِ هَايِ وَرُودِ بِه دَائِرِه اِيْمَانِ، وَ اَمِينَانِ خِدَاوندِ رَحْمَانِ، وَ فِرزَنْدَانِ وَ

نسل بابرکت پیامبران، وَصِيَّةُ فَوْهَ الْمُزْسَلِينَ، وَعِثْرَةَ خَيْرِهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَخِلاصَهُ وَكَزِيدَهُ رَسُولَانَ، وَعِثْرَةَ وَخاندان
بهترین برگزیده پروردگار جهانیان، وَرَحْمَتِ خِداوَبَرِ كَاتُهُ. اَلْسَّلَامُ عَلٰى اَئِمَّةِ الْهُدٰى، وَمَصَابِيحِ الدُّجٰى، وَأَعْلَامِ وَبَرَكَاتِ او) بر
شما باد). سلام بر پیشوایان هدایت، و چراغ های فروزان در تاریکی ها، و علامت ها و نشانه های الثقی، وَذَوِي النَّهْيِ، وَأَوْلِي
الْحِجْبِ، وَكَهْفِ الْوَرَى، وَوَرَثَتَهُتَقْوَا، وَدارندگان خرد و اندیشه، و صاحبان عقل و ذکاوت، و پناهگاه مردم، و ارث برندگان
الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ الْمَعْلَى، وَالِدَعْوَةِ الْحُسَيْنِي، وَحَجَّجِ اللَّهِ عَلِيَّازِ پیامبران، و نمونه اعلی و برتر، و نیکوترین دعوت کنندگان، و
حجّت های خداوند بر اهل الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَوْلَى، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرِ كَاتُهُ. اَلْسَّلَامُ اهل دنیا و آخرت و پیشینیان، و رحمت خدا و
برکات او بر آنان باد. سلام عَلٰى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِنِ بَرَكَهِ اللَّهِ، وَمَعَادِنِ حِكْمِهِ اللَّهِ، بر محل های معرفت و شناخت
خداوند، و منزلگاه های برکت خدا، و معدن های حکمت خداوند، وَحَفَظِهِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلِهِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَّةِ يَأْتِي نَبِيَّ اللَّهِ،
وَذُرِّيَّهُو حافظان سرّ خداوند، و دربردارندگان کتاب خدا، و جانشینان پیامبر خدا، و فرزندان رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،
وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرِ كَاتُهُ. اَلْسَّلَامُ رسول خدا که درود خدا بر او و آل او، و رحمت خدا و برکاتش بر آنان باد. سلام عَلٰى الدُّعَاةِ اِلٰى
اللَّهِ، وَالْأَدِلَّةِ عَلٰى مَوْضِعَاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقَرِّينَ بر فراخوانان مردم به سوی خداوند، و راهنمایان بر آنچه رضا و خشنودی خداست،
و آنان که ثابت و استوارند فی اَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِدر امتثال فرمان خدا، و کاملند در دوستی
خدا، و خالصند در توحید و یگانه پرستی اللَّهِ، وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ، الَّذِينَ خُدا، و آشکارکننده امر و
نهی خداوندند، و بندگان گرامی اویند، که لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ

محکم کردید، و در پنهان و آشکار برای او خلوص نشان دادید، وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَيَدَلُّكُمْ وَبِالْحِكْمَةِ وَبِالْمَعْرُوفِ، وَأَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ. وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنَبِهِ، فِي رَاهِ رِضَايَ أَوْ بَدَلِ جَانِ نَمُودِيدِ، وَدَرِ كِنَارِشِ بِيهِ أَنْجَحَ مِنْ مَصَائِبِ وَمَشْكَالَاتِ كِهْ بِرِ شَمَا وَارِدِ شَدِ شَكِيَايِي وَرَزِيدِيدِ، وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتُمْ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ النَّمَازِ بِمَا دَاشْتِيدِ، وَزَكَاتِ پَرْدَاخْتِيدِ، وَبِهْ خُوبِي هَا فَرْمَانِ دَادِيدِ، وَازَالْمُنْكَرِ، وَجَاهِدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، زَشْتِي هَا بَا زِدَاشْتِيدِ، وَدَرِ رَاهِ خُودَا أَنْكُونِهْ كِهْ شَايِسْتِهْ بُوْدِ جِهَادِ كَرْدِيدِ وَكُوشِيدِيدِ تَا دَعْوَتِ أَوْ رَا أَشْكَارِ، وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ، وَوَجِبَاتِشِ رَا بِيَانِ كَرْدِيدِ، وَحُدُودِشِ رَا اِقَامِهْ نَمُودِيدِ، وَ أَحْكَامِ دِينِشِ رَا مَنْتَشِرِ سَاخْتِيدِ، وَسَيَّنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَصَرَرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ وَرُوشِ أَوْ رَا سُنَّتِ نِهَادِيدِ، وَ دَرِ تَمَامِ اَيْنِ اَمُورِ رِضَا وَخَشْنُودِي أَوْ مُورِدِ نَظَرِ شَمَا بُوْدِ، وَالْقَضَاءِ، وَصَدَقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى. فَالزَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ، بِهْ حُكْمِ أَوْ تَسْلِيمِ شَدِيدِ وَ اَنِّ رَا پَذِيرَا گَشْتِيدِ، وَرَسُولَانَ گَزِشْتِهْ أَوْ رَا تَصْدِيقِ نَمُودِيدِ. اَنِّ كِهْ اَزِ شَمَا رُويِ گَرْدَانِدِ اَزِ دِينِ خَارِجِ شُدِهْ، وَاللَّازِمُ لَكُمْ لِاحِقٌ، وَالْمُقَصَّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَ اَنِّ كِهْ مَلَا زِمِ شَمَا بَاشَدِ بِهْ حَقِّ پُوسْتِهْ، وَ اَنِّ كِهْ دَرِ حَقِّ شَمَا كُوتَاهِي كَنْدِ نَابُودِ گَشْتِهْ اَسْتِ، وَ حَقِّ بَا شَمَا وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعِيدُهُ، وَمِيرَاثُ النَّبِيِّ هُوَ دَرِ وَجُودِ شَمَا وَ اَزِ شَمَا وَ بِهْ سُويِ شَمَا اَسْتِ، وَ شَمَا اَهْلِ اَنِّ وَ مَعْدَنَشِ هَسْتِيدِ، وَ مِيرَاثِ پِيَا مِيرِي عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَضْلُ نَزْدِ شَمَا اَسْتِ،

بازگشت خلق به سوی شما، و حساب آنان بر شما است، و فیصله داوری الخطابِ عندکم، و آیاتُ اللهِ لَدَیْکُمْ، و عَزَائِمُهُ فِیْکُمْ، و نُورُهُ و حکم قطعی پیش شماست، و آیات خداوند نزد شما است، و امور ثابت و حقوق حتمی الهی در شماست، و نور و برهان و وَبُرْهَانُهُ عِنْدَکُمْ، و أَمْرُهُ إِلَیْکُمْ. مَنْ وَالَاکُمْ فَقَدْ وَالَى اللّٰهَ، و مَنْ دَلَّائِلُ رُوشِنِ او نَزْدَ شِمَاسْتِ، و امر و فرمان خدا در امور مردم به شما واگذار شده. هر کس ولایت شما را پذیرفته باشد ولایت خدا را پذیرفته، و عَادَاکُمْ فَقَدْ عَادَ اللّٰهَ، و مَنْ أَحَبَّکُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللّٰهَ، و مَنْ أَبْغَضَکُمْ هَر کَسِ بَا شِمَا دَشْمَنِی کَنْدِ بَا خِداوَنْدِ دَشْمَنِی کَرْدِه اسْتِ، و هر کس شما را دوست بدارد خدا را دوست داشته، و هر که نسبت به شما کینه فقد أَبْغَضَ اللّٰهَ، و مَنْ اعْتَصَمَ بِکُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللّٰهِ، أَنْتُمْ بَوْرَزْدِ بِه خِدا کِیْنِه و رَزِیْدِه اسْتِ، و هر کس به شما بیبوندد به خدا پیوسته است. شِمَا الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، و شُهْدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ، و شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، راه استوار و پایدار، و گواهان این سرای زودگذر، و شفیعان سرای جاویدان، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ، وَالْحَمَايَةُ الْمَخْزُونَةُ، وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ، و رحمتی هستی که پیوسته می رسد، و نشانه پنهان شده، و امانت حفظ شده، وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِه النَّاسِ. مَنْ أَتَیْکُمْ نَجَى، و مَنْ لَمْ یَأْتِکُمْ و آن دری هستی که وسیله آزمایش مردمان است. هر کس به آن درآید اهل نجات، و هر کس نیاید هَلْکَ، إِلَی اللّٰهِ تَدْعُونَ، و عَلَیْهِ تَدْلُونَ، و بِهِ تُؤْمِنُونَ، و لَهُ هَلَاکَ و نابود است، به سوی خدا فرامی خوانید، و بر او دلالت می کنید، و به او ایمان دارید، و تُسَلِّمُونَ، و بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، و إِلَی سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، و بِقَوْلِهِ تَسْلِمُونَ، و به فرمان او عمل می کنید، و به راه او راهنمایی می نمائید، و طبق گفتار

اللَّهُ أَنْ احاطه کننده قرار داد تا آنکه بر ما به وجود شما منت گذاشت و شما را در خانه هایی قرار داد که فرمان داده تَرْفَعُ وَيُذَكِّرُ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صِيَالَتَنَا (صَلَوَاتِنَا) عَلَيْكُمْ، وَمَارْفِعٍ و بلندمرتبه باشند و نام او در آن یاد شود، و درود و تحیت ما را بر شما و آنچه را که خَصَّنَا بِهِ مِنْ وِلَايَتِكُمْ، طيباً لِخَلْقِنَا، وَطَهَارَةً لِنَفْسِنَا، وَتَرْكِيهِمْ مَخْصُوصٌ كَرْدَانِيْدَه مَا رَا بَه آن از ولايت شما باعث پاکيزگي آفرينش ما، و پاكي جان ما، و تركيه لنا، وَكَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا، فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَلِّمِينَ بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفِينَ بَاطِنِ مَا، و كَفَّارَه گناهان ما قرار داد، پس ما نزد او تسليم فضل و برتري شما بوده، و به بَتَضِيْدِيْقِنَا اِيَّاكُمْ. فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمَكْرَمِينَ، وَأَعْلَى تَصْدِيْقِ كَرْدَن شَمَا شَنَاخْتَه شده بوديم، پس خداوند شما را به باارزش ترين محل صاحبان كرامت، و برترين مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ جَايْگَاه مَقْرَبَان، و رفيع ترين مرتبه رسولان رسانيد؛ به طوري كه هيچ ملحق شونده اي لاحق، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِه بَه آن ملحق نشود، و هيچ برتري جوئي به آن برتري نيابد، و هيچ پيشي گيرنده اي به آن پيشي نگيرد، و هيچ طمع كننده اي به طامع، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلِكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا صِدِّيقٌ دَرِيَاْفَتِ آن طمع نكند؛ تا آنجا كه هيچ فرشته مقربى، و پيامبر مرسلى، و صديق وَلَا شَهِيْدٌ، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا ذَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا وَ شَهِيْدِي، و دانا و نادانى، و پست و بلندمرتبه اي، مُؤْمِنٌ صَالِحٌ، وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ، وَلَا شَيْطَانٌ وَ مُؤْمِن شايسته، و بدكار ناشايسته اي، و زورگوي معاند، و شيطان مريد، وَلَا خَلَقٌ فَيْمَا بَيْنَ ذَلِكْ شَهِيْدٌ اِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَه اَمْرِكُمْ، سركشي، و هيچ آفريده اي در اين ميان نماند جز اينكه جلالت امر

شما، وَعِظَمَ خَطْرِكُمْ، وَكَبَّرَ شَأْنَكُمْ، وَتَمَامَ نُورِكُمْ، وَصِدْقَ وَعِظَمَ مَوْجِعَتِ شَمَا، وَبِزَرَكِي شَأْنِ شَمَا، وَكَامِلَ بُوْدِنِ نُوْرِ شَمَا، وَرَاسْتِي وَدِرَسْتِي مَقَاعِدِكُمْ، وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ، وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، جَايْگَاهِ شَمَا، وَپَايْدَارِي مَقَامِ شَمَا، وَشِرَافَتِ مَرْتَبَةِ وَمَنْزِلَتِ شَمَا رَا دَر نَزْدِ خُوْدَشِ بِهَ آن هَا مَعْرِفِي فَرْمُوْدَه، وَكِرَامَتِ وَكِرَامَتِكُمْ عَلَيِّهِ، وَخَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ. بِأَبِي وَبِزَرَكُوَارِي شَمَا رَا بَرِ خُوْدَشِ، وَمَخْصُوْصِ بُوْدِنْتَانِ رَا دَر پِيْشْگَاهَشِ، وَنَزْدِيكِي مَقَامِ وَمَنْزِلَتَانِ رَا نَسْبَتِ بِهَ خُوْدَشِ بِهَ آن هَا شِنَاسَانْد. پِدْرَانْتُمْ وَأُمِّي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي، أَشْهَدُ اللّٰهَ وَأُشْهَدُكُمْ أَنِّي وَمَادِرْمِ وَأَهْلِ وَعِيَالِمِ وَمَالِ وَدَارَانِيْمِ وَهَمِهَ كِسَانِمِ فِدَايِ شَمَا بَاد، خُدا رَا وَشَمَا رَا گُوَاهِ مِي گِيْرِمِ كِهَ مِنْ مُؤْمِنِي بِيكُم، وَبِمَا اَمْنَتْمِ بِيهِ، كَافِرِي بَعْدُوْكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِيهِ، بِهَ شَمَا وَبِهَ آنْجِهَ اِيْمَانِ دَارِيْدِ مُؤْمِنِم، بِهَ دَشْمَنِ شَمَا وَبِهَ آنْجِهَ شَمَا قَبُوْلِ نِدَارِيْدِ وَكَافِرِيْدِ مِنْ نِيْزِ كَافِرِم، مُسْتَبْصِرِي بِشَأْنِكُمْ، وَبِضَلَالِهِ مَنْ خَالَفَكُمْ، مُيُوَالِي لَكُمْ بِهَ شَأْنِ وَشَخْصِيَّتِ شَمَا وَبِهَ گَمْرَاهِي مَخَالَفِيْنِ شَمَا آگَاهِي وَبَصِيْرَتِ دَارِم، نَسْبَتِ بِهَ شَمَا وَأَوْلِيَايِكُمْ، مُبْغِضِي لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادِي لَهُمْ، سِيْلَمِي لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَدُوْستَانِ شَمَا اِرَادَتِ دَارِم، بَا دَشْمَانِ شَمَا كِيْنِهَ وَدَشْمِنِي دَارِم، بَا هَرِ كَسِ بَا شَمَا سَازَشِ دَارِدِ دَرِ صِلْحِ وَسَازَشِم، وَحَزْبِي لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقِّقِي لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلِي لِمَا أَبْطَلْتُمْ، وَبَا هَرِ كَسِ بَا شَمَا دَرِ جَنْكِ وَنَبْرِدِ اسْتِ دَرِ جَنْكِم، آنْجِهَ رَا شَمَا حَقِّ وَثَابَتِ بَدَانِيْدِ حَقِّ وَثَابَتِ مِي دَانِم، وَآنْجِهَ رَا شَمَا بَاطِلِ بَدَانِيْدِ بَاطِلِ مِي دَانِم، مُطِيْعِي لَكُمْ، عَارِفِي بِحَقِّكُمْ، مُقَرَّرِي بِنَفْسِكُمْ، مُحْتَمِلِي لِعَلِيكُم، فَرْمَانِبَرْدَارِ شَمَا هَسْتِم، بِهَ حَقِّ شَمَا آشِنَايِم، بِهَ فَضِيْلَتِ وَبِرْتَرِي شَمَا اَقْرَارِ دَارِم، عِلْمِ وَدَانَشِ شَمَا رَا پَذِيْرَايِم، مُحْتَجِبِي بِذَمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفِي بِيكُم، مُؤْمِنِي بِأَيَابِكُمْ،

مُصِدِّقٌ در پناه شما پناهنده ام، به شما اعتراف دارم، به بازگشت شما ایمان دارم، بِرَجَعْتِكُمْ. مُتَنْظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، اخذُ بَقَوْلِكُمْ، رجعت شما را تصدیق کننده ام و باور دارم. در انتظار امر شما و چشم به راه دولت شما، گفتار شما را فراگیرنده ام، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَكُمْ، لَائِدٌ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ، و به امر شما عمل کننده ام، به شما پناه آوردنده ام، زائر شما و پناه گیرنده و پناهنده به قبور پاک شما، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَ مُتَقَرَّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَ مُقَدِّمٌكُمْ به واسطه شما به سوی خدای عز و جل شفاعت می جویم، و به درگاه او تقرب می یابم، و شما را اَمَامَ طَلَبْتِي وَ حَوَائِجِي، وَ إِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي، پیشاپیش درخواست ها و نیازهایم، و اراده ام در همه حالاتم و امورم قرار می دهم، مُؤْمِنٌ بِسَرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، وَ شَاهِدٌكُمْ وَ غَائِبٌكُمْ، وَ أَوْلُكُمْ ایمان دارم به پنهان شما و آشکار شما، و حاضر شما و غایب شما، و اول شما و آخر شما، وَ مُفَوِّضٌ فِي ذَلِكِ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَ مَسِيَّلٌ فِيهِ مَعَكُمْ، و در همه این ها امرم را به شما وامی گذارم، و در آن پذیرای خواسته شما هستم، وَ قَلْبِي لَكُمْ مُسِيَّلٌ، وَ رَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ، وَ نُصِيْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى وَ قَلْبِي تسلیم اراده شما و نظرم تابع نظر شما است، و یاری من برای شما آماده می باشد؛ تَائِيحِي اللَّهُ تَعَالَى دِيْنَهُ بِكُمْ، وَ يَزِدُّكُمْ فِي أَيَّامِهِ، وَ يُظْهِرُكُمْ خَدَاوَنِدَ بَلَنْدِ مَرْتَبَةِ دِيْنِش رَا به واسطه شما زنده گرداند، و شما را در ایام خودش بازگرداند، وَ لِعَدْلِهِ، وَ يُمَكِّنُكُمْ فِي أَرْضِهِ. فَ مَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ، برای عدل و دادگریش ظاهر سازد، و در روی زمینش قدرت و توانایی دهد. آنکه با شما است، به همراه شما است نه همراه غیر شما، اَمَنْتُ بِكُمْ، وَ تَوَلَّيْتُ اخْرَجَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ، وَ بَرَّيْتُ إِلَيْكُمْ به شما ایمان آوردم، و به

آخر شما ارادت دارم همانطور که به اول شما دلبسته ام و سروری او را پذیرفته ام، و بیزاری می جویم به الله عزوجل من اعید انکم، و من الجبت والطاغوت والشیاطین سوی خداوند عز وجل از همه دشمنان شما، و از جبت و طاغوت و شیطان ها و حزبهم الظالمین لکم، الجاحدین لحقکم، و المارقین من و حزبها و گروه های آنان که به شما ستم کرده، حق شما را انکار نموده، و از ولایتکم، و الغاصبین لارثکم، الشاکین فیکم، المنحرفین ولایت و سرپرستی شما خارج گشته، و ارث شما را غضب کرده، درباره مقامات شما دچار تردیدند، و عنکم، و من کذل و لیجه دونکم، و کذل مطاع سواکم، و من الائمه از شما منحرف گردیده اند و از هر دست آویزی غیر شما، و هر فرمانروائی جز شما، و از پیشوایانی الذین یدعون الی النار. فثبتنی الله ایداً ما حییت علیکه به سوی آتش می خوانند. خداوند مرا تا زنده ام برموالاتکم و محبتکم و دینکم، و وفقنی لطاعتکم، و رزقنی ولایت و دوستی و دین شما ثابت بدارد، و برای فرمانبرداری شما توفیق دهد، و شفاعتکم، و جعلنی من خیار موالیکم، التابین لما دعوتم شفاعت شما را روزی ام گرداند، و از بهترین ارادتمندان شما قرار دهد که به آنچه دعوت کرده اید متابعت الیه، و جعلنی ممن یقتض اثارکم، و یسلک سبیلکم، و یهدی و پیروی می کنند، و مرا از کسانی قرار دهد که در پی آثار شما و روایت کننده آن است، و راه شما را می پیماید، و یهدیکم، و یحشر فی زمرتکم، و یکر فی رجعتکم، و یملک به راه شما راه یافته، و در زمره شما محشور می شود، و در رجعت شما بازمی گردد، و فی دولتکم، و یشر فی عافیتکم، و یمن فی ایامکم، و تقر در دولت شما حاکمیتی پیدا می کند، و در عافیت شما شرافت می یابد، و در دوران شما به او تمکن و قدرت داده می شود، و عینه

غَدَاً بِرُؤْيَيْتِكُمْ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، فردا چشمش به دیدار شما روشن می گردد. پدرم، مادرم، جانم، اهل و عیالم، مال و دارائیم فدای شما، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِيَدَيْكُمْ، وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنُكُمْ، وَمَنْ قَصَّيْدَهُ تَوَجَّهَ كَسَى که خدا را اراده کند به شما ابتدا کرده، و کسی که خدا را به یکتائی توصیف کند از شما پذیرفته، و کسی که آهنگ او کند به بکم. مَوَالِي لا أُحْصِي ثَنَاءَكُمْ، وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمِدْحِ كُنْهَكُمْ، سوی شما روی آورد. سروران من؛ ثنای شما را نمی توانم شماره کنم، و به حقیقت و غایت مدح شما هرگز نمی رسم، وَمِنْ الْوَصْفِ قَدْرُكُمْ، وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ، وَهَدَاهُ الْأَبْرَارِ، و از توصیف قدر و منزلت شما ناتوانم، و شما روشنی بخش خوبان، و باعث هدایت نیکوکاران، وَحُجَّجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَبَحَّ اللَّهُ، وَبِكُمْ يَخْتُمُ اللَّهُ، وَبِكُمْ يُنَزَّلُ وَحُجَّتِ هَي هَي خدایانند جبّارید، خدا به وجود شما هستی را آغاز کرده، و به شما پایان می بخشد، و به واسطه شما الْغَيْثُ، وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، باران رحمت را فرو می فرستد، و به واسطه شما آسمان را نگاه می دارد از اینکه بر زمین افتد مگر به اذن او، وَبِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ، وَيَكْشِفُ الضَّرَّ، وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، و به واسطه شما غم و اندوه را می زداید، و تنگدستی و بیچارگی را برطرف می کند، و نزد شما است آنچه فرستادگانش آن را نازل کرده، وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ، وَإِلَى حَيْدِكُمْ - و اگر زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد و فرشتگانش آن را فرود آورده اند، و به سوی جدّ شما - بجای و إِلَى حَيْدِكُمْ بگو: وَإِلَى أَخِيكَ - بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ. اِتَاكُمْ و به سوی برادرت - روح الأمين برانگیخته شده است. اللَّهُ مَا لَمْ يُوْتِ أَحَدًا

مِنَ الْعَالَمِينَ، طَاطَأَ كُلَّ شَرِيفٍ لَشَرَفِكُمْ، خداوند به شما قدر و منزلتی داده که به هیچ یک از جهانیان نداده است، هر شرافتمندی در برابر شرافت شما سر فرود آورده، وَيَخَعُ كُلُّ مُنْكَبِرٍ لِطَاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ وَهْمٍ مُتَكَبِّرٍ، برای فرمان شما گردن نهاده، و هر زورگویی برای فضل و برتری شما خاضع گشته، و هر چیزشئیء لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفَازَ الْفَازُونَ بِوِلَايَتِكُمْ، برای شما رام و سرافکنده است، زمین به نور شما درخشیده، و رستگاران به ولایت شما رستگار شده اند، بِكُمْ يُسَبِّحُكَ إِلَى الرِّضْوَانِ، وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَلايَتِكُمْ غَضَبٌ به واسطه شما می توان به رضوان الهی و بهشت جاودان راه یافت، و کسی که ولایت شما را انکار کند مشمول خشم و غضب الرَّحْمَانِ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، ذِكْرُكُمْ فِي خَدَائِدِ رَحْمَانٍ است. پدرم، مادرم، جانم، اهل و عیالم و مال و دارائی ام فدای شما، یاد شما درالذِّكْرِينَ، وَأَسْمَاءُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ، یادکنندگان، و نام های شما در نام ها، و جسدهای شما در جسدها، وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ، و آثار شما در ارواح، و شخص شما در میان شخص ها، و آثار شما در میان الآثار، وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ. فَمَا أَحْلَى أَسْمَاءِكُمْ، وَأَكْرَمَ آثَارِ، و قبرهای شما در میان قبرها است. پس چه چیزی نام های شما را شیرین نموده، وَأَنْفُسِكُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنِكُمْ، وَأَجَلَ خَطَرِكُمْ، وَأَوْفَى عَهْدِكُمْ، وجود شما را گرامی و باکرامت کرده، و شأن شما را عظیم نموده، و موقعیت شما را بزرگ کرده است، و پیمان شما را وفا کرده، وَأَصْدَقَ وَعْدِكُمْ. كَلَامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمْ وَعْدَةٌ، و وعده شما را درست گردانیده است؟ سخن شما روشن و روشنی بخش، و امر و فرمان تان باعث رشد و کمال

و هدایت، و سفارش شماالتقوی، وَفَعَلَكُمْ الْخَيْرُ، وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانَ، وَسَجَّيْتُكُمْ الْكُرْمَ، تقوا و پرهیزکاری، و کار شما همه خوبی، و عادت شما نیکی کردن، و طبیعت شما بزرگواری، وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَالصَّدَقُ وَالرَّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَثْمٌ، وَرَأْيُكُمْ وَشَأْنُكُمْ حَقُّ طَلْبِي وَرَاسْتِغْوِي وَمَدَارَا كَرْدَن، وَكَفْتَارِ شَمَا قَاطِعِ وَمَحْكَمِ، وَرَأْيِ وَنَظَرِ شَمَا عَلِمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصِيلَهُ، وَفَزَعَهُ دَانِشِ وَبَرْدْبَارِي وَدُورَانْدِيشِي اسْتِ، اگَر از خیر و خوبی یاد شود شما ابتدای آن، ریشه و شاخه آن وَمَعْوِدِنَهُ، وَمَأْوِيَهُ وَمُنْتَهَاهُ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، كَيْفَ وَمَعْدَن وَجَايْگَاهِ آن وَانْتِهَائِي آن هَسْتِيد. پَدَرَم، مَادَرَم وَجَانَمِ فِدَائِي شَمَا، چَگونَه أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ، وَأُحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ، وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ خُوبِي هَائِي شَمَا وَثَنَائِي نِيكُوي شَمَا رَا وَصَفِ كَنَمِ وَنَعْمَتِ هَائِي فَرَاوَانِ شَمَا رَا شَمَارِشِ نَمَايِم؟ وَبِهِ سَبَبِ شَمَا خَدَاوَنَدِ مَا رَامِنَ الدُّلِّ، وَفَرَجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ از خُوَارِي وَذَلَّتْ خَارِجِ كَرْدِ، وَغَمِ هَا وَغَضَبِ هَا وَكَرْفَتَارِي هَائِي عَمِيقِ رَا از مَا بَرطَرَفِ كَرْدِ، وَازِ پَرْتِگَاهَائِي الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا هَلَاكَتِ بَارِ وَازِ آتَشِ جَهَنَمِ رَهَائِي بَخَشِيدِ. پَدَرَم، مَادَرَم وَجَانَمِ فِدَائِي شَمَا، بَا پَذِيرْفَتِنِ وَلايَتِ شَمَااللَّهُ مَعَالِمِ دِينِنَا، وَأَصِيلِحِ مَا كَانِ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ خَدَاوَنَدِ مَعَالِمِ وَحَقَائِقِ دِينِ رَا بِهِ مَا آمُوخَتِ، وَآنچه از دُنْيَائِي مَا فَاسَدِ بُوَدِ اَصْلَاحِ نَمُودِ، وَبَا وَلايَتِ شَمَا تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ، وَاتَّخَذَتِ الْفُرْقَةُ، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ كَلِمَةُ حَقِّ كَامَلِ، وَنَعْمَتِشِ بَزْرَگِ وَبَرِ مَاتَمَامِ گِشْتِ، وَپَرَاكَنْدِگِي بِهِ الْفَتِ وَاتِّحَادِ تَبْدِيلِ شُدِ، وَبِهِ وَلايَتِ شَمَا تَقَبَّلِ الطَّاعَةَ الْمُفْتَرَضَةَ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةَ الْوَأَجِبَةَ، وَالذَّرَجَاتُ طَاعَتِ وَاجِبِ پَذِيرْفَتِهِ مِي شُودِ، وَمُودَّتِ وَ

اظهار محبت نسبت به شما واجب است، و شما دارای درجات الرفیعہ، والمقام المحمود، والمكان المعلوم عند الله عزوجل، و مراتب رفیع، و مقام ستوده، و جایگاه شناخته شده نزد خداوند بلندمرتبه، والجاه العظیم، والشأن الكبير، والشفاعه المقبوله. «ربنا امناو وجاهت زیاد، و شأن عظیم، و شفاعت پذیرفته شده هستید. پروردگارا؛ بما انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين» (۵۷)، «ربنا لا ترغ به آنچه فرو فرستادی ایمان آوردیم و از رسول تو پیروی کردیم، پس ما را از گواهان ثبت فرما. پروردگارا؛ قلوبنا بعید اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمہ انک انت دل های ما را پس از هدایت دچار انحراف مکن، و از ناحیه خود رحمتی بر ما ببخش، که توالوهاب» (۵۸)، سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا. یا ولی الله، ان بسیار بخشنده ای، پاک و منزّه است پروردگار ما، و حتماً وعده اش انجام شده خواهد بود. ای ولی خدا؛ همانا بینی و بین الله عزوجل ذنوباً لایاتی علیها إلما رضاکم، فبحق میان من و خدای عزیز و بزرگ گناہانی است که جز رضایت و خشنودی شما آن ها را از بین نمی برد، پس به حق من ائتمنکم علی سرّه، واسترعاکم امر خلقه، وقرن طاعتکم آن که شما را بر راز خود امین قرار داد، و رعایت امور آفریدگان را به شما سپرد، و طاعت شما را بطاعتیه، لَمَا اسئوهبتُم ذنوبی، وکنتُم شفاعائی، فإنی لکم مطیع، به اطاعت خودش قرین گردانید که برای گناہان من طلب بخشش کنید، و شفیعان من باشید، که من فرمانبردار شمایم، من اطاعکم فقد أطاع الله، و من عصاکم فقد عصی الله، و من هر کس شما را اطاعت کند در حقیقت خدا را اطاعت نموده است، و هر کس از فرمان شما سرپیچی کند در واقع نافرمانی خدا کرده است، و هر ۱. سوره

آل عمران، آیه ۲. ۵۳. سوره آل عمران، آیه ۸.

أَحَبُّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهُ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهُ. اَللّٰهُمَّ اِنِّي لَوَ كَسِ شَمَا رَا دُوسْتَا بَدَارِدُ خُدَا رَا دُوسْتَا دَارِدُ، وَ هَر كَسِ بَا شَمَا دُشْمَنِي كُنْدُ بَا خُدَا دُشْمَنِي كَرْدَه اَسْت. خُدَاوَنْدَا؛ بَه رَا سْتِي اِگَر مَن وَ حَيَّدْتُ شُفَعَاءَ اَقْرَبَ اِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ الْاَخْيَارِ، الْاَيْمُّهُ شَفِيعَانِي مِي يَافْتَمُ كَه دَر پِيشْگَاه تُو مَقْرَب تَرَا ز (حَضْرَت (مُحَمَّد و اَهْل بَيْتِ خُوب اُو؛ اَن پِيشْوَايَا نِ الْمَأْبُرَارِ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي اَوْجِبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ، نِيكُو كَار بَاشَنْد، حَتْمَا اَن هَا رَا شَفِيعِ خُود قَرَار مِي دَا دَم، پَس بَه حَقِّي كَه بَرَاي ايشان بَر خُود تِ وَاجِب فَر مُودِي وَ لَانِزَم دَانَسْتِي، اَسْئَلُكَ اَنْ تُدْخِلْنِي فِي جُمَّلِهِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ، وَ فِي زُمْرِهَا ز تُو مِي خُوَاهَم كَه مَرَا دَر رَدِيف كَسَانِي قَرَار دَهِي كَه نَسَبْت بَه اَن بَزُر گُورَا ن وَ حَقِّ ايشان اَشْنَائِي دَارَنْد، وَ دَر زَمْرَه الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، اِنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَ صَدَّقْتَنِي اَللّٰهُ عَلَيَّ كَسَانِي جَاي دَهِي كَه بَه شَفَاعَتِ اَنَا ن مَورِد رَحْمَتِ تُو قَرَار گَر فْتَه اَنْد، كَه تُو مَهْرَبَانْتَرِينَ مَهْرَبَانَا ن هَسْتِي، وَ دَرُودِ خُدَاوَنْدِ مُحَمَّدٍ وَ اِلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ سَلَّمَ كَثِيْرًا، وَ حَسْبُنَا اَللّٰهُ وَ نَعْمَ الْوَكِيْلُ. (۵۹) وَ سَلَامُ فَرَاوَا ن اُو بَر مُحَمَّدٍ وَ آلِ پَاكِ اُو بَا د، وَ خُدَا مَا رَا بَس اَسْت وَ اُو خُوب مَدَا فَع وَ پِشْتِيَا نِي اَسْت.

زيارت جامعه سؤم

اين زيارت را مرحوم علامه مجلسي در «بحار الأنوار» از يك كتاب قديمي به عنوان «زيارت جامعه ثالثه» نقل کرده است:

هنگامي كه به پيشگاه اين بزرگواران شريفاب شدي، بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ اِذَا اَنْ خُدَاوَنْدَا اَسْت كَه پَرُورِد گَار جَهَانِيَا ن اَسْت، بَخَشْنَدَه وَ مَهْرَبَا ن اَسْت، اَنْكَه هِيچ

۱. مفاتيح الجنان: ۱۰۷۱، مزار آقا جمال خوانساري: ۶۰، عيون اخبار الرضا عليه السلام: ۲۷۷، مستدرک الوسائل: ۴۱۶/۱۰، بحار

شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، چیز همانند او نیست و او شنوا و دانا است، و معبودی جز خداوندی که پادشاه حق آشکار است نمی باشد، وَسَيُبْحِنُ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، صِلَاوَاتُ اللَّهِ وَتَحِيَّاتُهُ وَرَأْفَتُهُ وَبَاكٌ وَمَنْزَهُ است خداوند، پروردگار عرش با عظمت، درود خدا و تحیّات های او و رأفت او وَمَعْفِرَتُهُ وَرِضْوَانُهُ وَفَضْلُهُ وَكَرَامَتُهُ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَصِلَاوَاتُ و آمرزش او و خشنودی او و بخشش او و کرامت او و رحمت او و برکات او و درود مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَآئِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ فرشتگان مقربش، و پیامبران مرسل او، و شهیدان و صدیقان وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِيَاءِ وَبندگان شایسته اش و هر کس پروردگار جهانیان را از پیشینیان وَالْمَأْخِرِينَ، مِلْمَأُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمِلْمَأُ كُلِّ شَيْءٍ، وَعَيَّدُوْا پَسِينِيَانِ تَسْبِيْحِ كَفْتَه اسْت، بَه پُری آسْمَانِ هَا وَزَمِيْنِ هَا، وَ پُری هِر چِيز، وَ (بَه) تَعْدَادُ كُلِّ شَيْءٍ، وَزَنَهُ كُلِّ شَيْءٍ أَبَدًا، وَمِثْلَ الْأَبَدِ، وَبَعْدَ الْأَبَدِ مِثْلَ هِر چِيز، وَ هِم سَنَكْ هِر چِيز اَبَدِي، وَ مِثْلِ اَبَدِي، وَ بَعْدَ اَز اَبَدِ مَانِنْدِ الْأَبَدِ، وَأَضْعَافَ ذَلِكَ كُلِّهِ، فِي مِثْلِ ذَلِكَ كُلِّهِ سَرْمَدًا دَائِمًا مَعَ اَبَدِ، وَ دُوچِنْدَانِ هِمَه اَن، دَر مَانِنْدِ هِمَه اَن پِيوسْتَه وَ هِميشْگِي وَ دَائِمِي بَادُوَامِ مُلْكِ اللَّهِ وَبَقَاءِ وَجْهِهِ الْكَرِيمِ، عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَاتَمِ دَوَامِ پَادشَاهِي خِداوِنْدِ وَ باقِي بُوْدِنِ ذَاتِ بَزْرگُوَارِ اُو، بَر سِرورِ رَسُوْلانِ، وَ پايانِ بَخْشِ النَّبِيِّينَ، وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ، وَمَلَائِكَةِ الْعَالَمِينَ، وَسِرَاجِ پِيامبرانِ، وَ پيشوایِ پَرهيزكارانِ، وَ سِرپرستِ اهلِ ايمانِ، وَ پناهگاهِ جِهانِيانِ، وَ چِراغِ النَّاطِرِينَ، وَ أَمَانِ الْخَائِفِينَ، وَ تَالِيِ الْإِيْمَانِ، وَصَاحِبِ الْقُرْآنِ، بِيِنِنْدِگَانِ، وَ اِيْمَنِي بَخْشِ بِيْمَناکانِ، وَ دَر پِي آيندِه ايمانِ، وَ هِمراهِ قُرْآنِ، وَ نُورِ الْأَنْوَارِ، وَ هَادِيِ الْأَبْرَارِ، وَ دَعَامَةِ الْجَبَّارِ، وَ حُجَّتِهِ عَلَيَّ وَ رُوْشَنائِيِ بَخْشِ نورهَا، وَ هِدائِيِ كِنِنْدِه نِيكوكارانِ، وَ پِشْتُوانِه) خِداوِنْدِ (جَبَّارِ،

از طرف همه مردان و زنان مؤمن، الْأَخْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأُمَمَاتِ، وَمِنِّي وَمِنْ وَالِدَتِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي زنده و مرده ایشان، و از طرف من و پدر و مادرم و اهل و عیالم و فرزندانم وَإِخْوَتِي وَأَخَوَاتِي وَأَهْلِي وَقَرَابَاتِي، فی حیاتی ما بَقِيْتُ، وَبَعْدَ وِ برادرانم و خواهرانم و اهل و نزدیکانم، در دوران زندگی ما مادامی که هستم، و پس از وفاتی، وَمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ، عَلَيْهِمْ سَلَامٌ اللَّهُ فِي وَفَاتِي، و تا زمانی که خورشید طلوع و غروب می کند. سلام خدا بر آنان در میان الْأَوْلِيَيْنَ، وَعَلَيْهِمْ سَلَامٌ اللَّهُ فِي الْآخِرِينَ، وَعَلَيْهِمْ سَلَامٌ اللَّهُ يَوْمَ پِشِينِیَانِ، و سلام خدا بر آنان در میان پِشِينِیَانِ، و سلام خدا بر آنان روزی که يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ. سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ مَرْدَمِ دَرِ پِشِگَاةِ پُرُورِدْگَارِ جِهَانِیَانِ مِی اِیستند. سلام بر تو ای پیامبر و رحمت خدا وَبَرَکَاتُهُ، سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَبَرَکَاتِ او بر تو باد. سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای انتخاب شده خداوند مِنْ خَلْقِهِ، وَصَه فُوتَهُ مِنْ بَرِيَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ عَلِيَازِ مِیَانِ آفَرِیدْگَانَشِ، و برگزیده او از میان موجوداتش، سلام بر تو ای امین پروردگار بَرِرسَالَتِهِ، وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، الْخَاتِمَ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحَ لِمَا عَلَقَ، رسالت او، و فرمان حتمی او، آنکه پایان بخش نسبت به گذشتگان، و گشاینده درهای بسته، وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَمَرَاقِبِ بَرِهمه آن بوده، و رحمت و بَرَکَاتِ خِداوند بر تو باد. سلام بر تو یا سَيِّدَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سُرُورَ رِسُولَانِ، سلام بر تو ای خاتم پیامبران، سلام بر تو یا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا پِشِوایِ پَرِهیزْکَارَانِ،

سلام بر تو ای سرپرست مؤمنان، سلام بر تو یا مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ، ای مولای مسلمانان، سلام بر تو ای حجت خدا بر جهانیان، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ اللَّهِ وَخَلِيلَهُ وَحَبِيبَهُ وَصِدِّيقَهُ مِنَ الْأَوْلِيَاءِ، سلام بر تو ای خالص گردیده برای خدا و دوست و دوستان و برگزیده او از میان گذشتگان و الماخیرین، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آيِنِدْگَان، سلام بر تو ای بشارت دهنده و بیم دهنده، سلام بر تو ای مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ وَعَلَى الْكَمَّةِ مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، سلام بر تو ای ابا القاسم و بر آل تو وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَمَوْضِعَ رَحْمَتِ خَدَاوند و برکات او (بر شما)، سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، و جایگاه الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ، وَمَعْيَدِنَ الرَّحْمَةِ، رسالت الهی، و محل رفت و آمد فرشتگان، و فرود آمدن وحی، و معدن رحمت، وَمَعَادِنَ السَّكِينَةِ، وَخَزَائِنَ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْجِلْمِ، وَأُصُولَ وَمَنْزِلَگَاهِ آرَامِش، و خزانه های دانش، و آخرین حد بردباری، و ریشه های الْكِرْمِ، وَقَادَةَ الْأَمَمِ، وَأَوْلِيَاءَ النَّعْمِ، وَعَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمَ كِرَامَتِ و بزرگواری، و فرماندهان و پیشروان اُمَّتِ هَا، و متصدیان نعمت هَا، و مایه های اصلی نیکوکاران، و پشتیبانان خدَاوند الْجَبَّارِ، وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءَ جَبَّارِ، و اداره کنندگان امور بندگان، و پایه های استوار شهرها، و درهای ورودی ایمان، و امینان خدَاوند الرَّحْمَانِ، وَسَيِّلَةَ النَّبِيِّينَ، وَصِفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَالْإِسْمِ، وَعَثْرَهُمَّهْرِيَانِ، و نسل پیامبران، و گزیده رسولان، و خاندان یس، و عترت خَيْرِهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّهَبْتَرِينَ انتخاب شده پروردگار جهانیان، و رحمت خدا و برکات او بر شما باد. سلام بر شما ای پیشوایان الْهُدَى، وَمَصَابِيحَ الدُّجَى، وَأَهْلَ التَّقْوَى، وَأَعْلَامَ التَّقَى، وَذَوِي هِدَايَتِ، و چراغ های فروزان

(در تاریکی ها)، و اهل تقوا، و پرچم ها و نشانه ها برای یافتن پرهیزکاری، و دارندگان النّهی، و اُولی الحِجّی، و سَادَةَ الْوُورِی، و بُدُورَ الدُّنْیَا، و وَرَثَهَعْقَل و خرد، و صاحبان هوش و درایت و زیرکی، و سروران همه مردم، و ماه های کامل و درخشنده دنیا، و وارثان الْأَنْبِیَاءِ، و الْمَثَلِ الْأَعْلَى، و الدَّعْوَةَ الْحُسْنَى، و الْحُجَّةَ عَلَی مَنْ پِیَامِبِرَان، و بالاترین مثل و نمونه، و نیکوترین فراخوان، و حَیَّتِ بر همه آنان که فی الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَالْمَاخِرَةِ وَالْمَأُولَى، و رَحْمَهُ اللَّهِ و بَرَكَاتُهُ. در زمین و آسمان و آخرت و دنیایند، و رحمت خدا و برکات او بر شما باد. السَّلَامُ عَلَی مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، و مَسَاكِنِ بَرَكَهِ اللَّهِ، و مَعَادِنِ سَلَامِ بر جایگاه و محلّ های شناخت خداوند، و منزلگاه های برکت خداوند، و گنجینه های معادن حِكْمَةِ اللَّهِ، و خَزَائِنِ عِلْمِ اللَّهِ، و حَفَظِهِ سِرِّ اللَّهِ، و حَمَلِهِ كِتَابِ اللَّهِ، حکمت الهی، و خزانه داران علم خدا، و حافظان سرّ خدا، و حاملان کتاب خدا، و وَرَثَةِ رَسُولِ اللَّهِ، و رَحْمَهُ اللَّهِ و بَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَی الدُّعَاهِ و وارثان رسول خدا، و رحمت خدا و برکات او بر شما باد. سلام بر دعوت کنندگان اِلَی اللَّهِ، و الْأَدِلْمَاءِ عَلَی اللَّهِ، و الْمُؤَذِّنِينَ عَنِ اللَّهِ، و الْقَائِمِينَ بِحَقِّ به سوی خداوند، و راهنمایی کنندگان به خداوند، و اذن دهندگان از جانب خدا، و قیام کنندگان به حَقِّ اللَّهِ، و النَّاطِقِينَ عَنِ اللَّهِ، و الْمُسْتَوْفِرِينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ، و الْمُخْلِصِينَ خِطَابَهُ، و کامل گردانندگان امر و فرمان خدا، و فرمانبرداران مخلص فی طَاعَةِ اللَّهِ، و الصَّادِعِينَ بِحَدِيثِ اللَّهِ، و التَّآمِينَ فِي مَحَبَّتِهِ اللَّهِ، خدا، و حکم کنندگان بین مردم به دین خدا، و کامل در محبّت و دوستی خدا، و عِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْتَبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، و بندگان گرامی و ارزشمندی که به گفتار بر او پیشی نمی گیرند و همواره به دستور او عمل می کنند، و رَحْمَهُ اللَّهِ و بَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَی الْأَيْمَةِ الدُّعَاهِ، و الْقَادِهِو رحمت خدا

و برکات او بر شما باد. سلام بر پیشوایان دعوت کننده، و زمامداران الهیاده، وَالسَّادَةِ الْوُلاَئِهِ، وَالذَّادَةَ الْحُمَاهِ، وَالْأَسَادِ الشُّقَاهِ، وَأَهْلِ هِدَايَتِ كُنْنِدِهِ، و سروران سرپرستی کننده، و مدافعان حمایت کننده، و آقایان سیراب کننده، و اهل و شایسته الذِّكْرِ وَأَوْلَى الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرِيَّتِهِ وَصَيْفُوتِهِ وَحَزْبِهِ وَعَيْنِهِ ذَكَرٍ وَصَاحِبَانِ امْرِ، و بازمانده خداوند و انتخاب شده و برگزیده او، و حزب او و چشم بینای او، وَحُجَّتِهِ وَجَنِّهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنْ وَحَّجْتُ اَوْ، وَنَزَيْكُ اَوْ، وَرَاهِ اَوْ وَنُورِ اَوْ، وَرَحْمَتِ خِدا وَ بَرَكَاتِشِ بِرِ شِما بِاد. گواهی می دهم كه لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ مَعْبُودِي جِزِ خِدا نِست، يَكْتا است و شَرِيكِي بِرايِ اَوْ نِست، هِمانِ كِونِه كِه خِودِشِ دِرِ مِوردِ خِويشِ گِواهِیِ دادِه، وَلَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَرَشْتَكَا اَوْ وَعَالِمَانِ آكَاهِ اِزِ مِيانِ آفَرِيدِ كَا نِشِ بِرايِ اَوْ گِواهِیِ دادِه اِند، جِزِ اَوْ كِه نِرومِندِ وَ حَكِيمِ است خِدايِي نِست، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ الْمُجْتَبَى، وَنَبِيُّهُ الْمُزْتَجَى، وَحَبِيبُهُ وَ اِينَكِه (حَضْرَتِ مُحَمَّدِ بِنْدِهِ وَ فَرَسْتادِه اِنتِخابِ شُدِه اَوْ، وَ پِيامبَرِشِ كِه مایِه اَمِیدِ است، وَ دُوستِ الْمُضِيْطَفِي، وَ اَمِينُهُ الْمُزْتَضِي، اَرْسِيْلَهُ نَذِيْرًا فِي الْاَوَّلِيْنَ، وَرَسُولًا بِرِ كَزِيْدِه اَوْ، وَ اَمِينِ پَسَنْدِيْدِه اشِ مِي بَاشِد، اَوْ را بِيْمِ دِهَنْدِه دِرِ پِشِينِيانِ، وَ پِيامِ رِسانِ دِرِ مِيانِ فِي الْاَخِرِيْنَ بِالْهُدٰى وَ دِيْنِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلٰى الدِّيْنِ كُلِّهِ وَ لَوْ پَسِينِيانِ بِه هِدَايَتِ وَ دِيْنِ حَقِّ فَرَسْتادِ، تا اَوْ را بِرِ هِرِ دِيْنِ وَ اَئِينِي پِروزِ كَرْدانِدِ كِرْجِه كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. فَصَدَعَ بِمَا أَمَرَ بِهِ، وَبَلَغَ مَا حُمِّلَ، وَنَصَحَ لِأُمَّتِهِ، مُشْرِكَا را ناخِوشِ آينِدِ بَاشِد. پِسِ اَنْجِه را بِه اَنْ اَمْرِ شُدِه بُوْدِ اَشْكارِ ساختِ، وَ اَنْجِه بِرِ دُوشِ دَاشتِ رِسانِيْدِ، وَ بِرايِ اَمْتِشِ خِيرِ خِواهِیِ نِمُودِ وَ جَاهِدًا فِي

سَبِيلِ رَبِّهِ، وَدَعَا إِلَيْهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، و در راه پروردگارش جهاد کرد، و با کلمات حکیمانه و پند و اندرزهای نیکو مردم را به سوی او فراخواند، وَصَبَرَ عَلَى مَا أَصَابَهُ فِي جَنبِهِ، وَعَبَدَهُ صَادِقًا مُصَدِّقًا صَابِرًا و بر مشکلاتی که در کنار آن به او رسید شکیبایی ورزید، و او را پرستش کرد در حالی که با صداقت، تصدیق کننده و پایدار بود مُخْتَسِبًا، لَا وَايَا وَلَا مُقْصِرًا حَتَّىٰ أَتَاهُ الْيَقِينُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ وَرَضَىٰ خُدا را اراده نموده بود، هیچگونه سستی و کوتاهی نکرد تا جهان را وداع گفت. و گواهی می‌دهم که الدِّينَ كَمَا شَرَعَ، وَالْكِتَابَ كَمَا تَلَا، وَالْحَلَالَ مَا أَحَلَّ، وَالْحَرَامَ دِينِ هِمَانِ اسْتِ كِه او ابلاغ کرد، و کتاب همان است که او تلاوت فرمود، و حلال آن است که او حلال گردانید، و حرام آن است ما حَرَّمَ، وَالْفَضْلَ مَا قَضَىٰ، وَالْحَقَّ مَا قَالَ، وَالرُّشْدَ مَا أَمَرَ، که او حرام فرمود، و حکم میان حق و باطل آن است که او قضاوت نمود، و حق گفتار او است، و رشد و کمال در فرمان او است. وَأَنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوهُ وَخَالَفُوهُ، وَكَذَّبُوا عَلَيْهِ، وَجَحَدُوا حَقَّهُ، و (اینکه کسانی که او را تکذیب کردند، و با او مخالفت نمودند و بر او دروغ بستند، و حقش را نشناختند، وَأَنْكَرُوا فَضْلَهُ وَأَتَّهَمُوهُ، وَظَلَمُوا وَصِيَّهُ، وَاعْتَدُوا عَلَيْهِ، و فضیلت او را انکار کردند و او را متهم ساختند، و به وصی او ظلم کردند، و بر او ستم روا داشتند، وَغَضَبُوهُ خِلَافَتَهُ، وَنَقَضُوا عَهْدَهُ فِيهِ، وَحَلُّوا عَقْدَهُ لَهُ، وَأَسَّسُوا خِلَافَتَهُ او را غاصبانه گرفتند، و عهد و پیمان او را در موردش نقض کردند، و قراردادی که برای او بسته بود گشودند، وَالْجَوْرَ وَالظُّلْمَ وَالْعُدْوَانَ عَلَىٰ

إِلَيْهِ، وَقَتَلُوهُمْ وَتَوَلَّوْا غَيْرَهُمْ، اساس ظلم و بیداد و دشمنی بر خاندان او را بنا نهادند، و آنان را کشتند و غیر ایشان را سرپرست خود قرار دادند، ذَاتِقُوا الْعَذَابَ الْعَلِيمَ فِي أَشْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، لَا يُخَفَّفُ عَذَابَ دَرْنَاكِي رَا دَر پائین ترین مرتبه دوزخ خواهند چشید که هرگز آن عذاب کاهش عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا وَهُمْ فِيهِ مُلْسُونَ، مَلْعُونُونَ نَاكِسُوا رُؤُوسِهِمْ، داده نمی شود و امید خلاصی در آن ندارند، از رحمت به دور و سرافکنده اند، فَعَايَنُوا النَّدَامَةَ وَالْخِزْيَ الطَّوِيلَ، مَعَ الْأَرْذَلِينَ الْأَشْرَارِ، قَدْ كُتِبَ بِسِيشِمَانِي وَ خَوَارِي طَوْلَانِي رَا هَمْرَاه بَا اِرَاذِل وَ اَشْرَار مَشَاهِدَه مِي كَنَنْد، در حالی که عَلٰی وَ جُوْهِهِمْ فِي النَّارِ، وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَصِدْقُهُ وَنَصِيْرُهُ بَا چهره هایشان در آتش افتاده اند، (ولی) و آنانکه به او ایمان آورده و او را تصدیق نموده و یاری کرده وَوَقَرُّوهُ وَاجَابُوهُ وَعَزَّرُوهُ وَاتَّبَعُوهُ، وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ وَ بزرگ داشته و اجابت کرده و کمک نموده و از او و نوری که با او نازل شده پیروی کرده، مَعَهُ، أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ، وَالْفَوْزِ الْعَظِيمِ، ایشان همان رستگاران هستند، در باغ های پر نعمت و کامیابی عظیم، وَالْغَيْثِ وَالسُّرُورِ، وَالْمُلْكِ الْكَبِيرِ، وَالثَّوَابِ الْمُقِيمِ فِي الْمَقَامِ وَ شَادِي وَ شَادِمَانِي وَ دَارایی زیاد و پاداش پایدار در جایگاه الْكَرِيمِ. فَجَزَاهُ عَنَّا أَحْسَنَ الْجَزَاءِ وَخَيْرَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَن أُمَّتِهِ، ارزشمند بسر می برند. پس خداوند به او از طرف ما نیکوترین و بهترین پاداشی که به پیامبری از طرف امتش، وَرَسُولًا عَمَّنْ أُرْسِلَ إِلَيْهِ، وَخَصَّهُ بِأَفْضَلِ قِسْمِ الْفَضَائِلِ، وَبَلَّغَهُ وَ رَسُولِي از طرف کسانی که به سوی او فرستاده شده داده مرحمت فرماید، و او را به برترین بهره از فضائل اختصاص دهد، و اوْأَعْلَى شَرَفِ الْمُكْرَمِينَ مِنَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فِي أَعْلَى عَلِيَيْنَ، رَا بَه بِالَاترین شرف و

مرتبۀ بزرگواران از مراتب والا در اعلیٰ علیین، «فی جَنَاتٍ وَنَهْرٍ فِی مَقْعِدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِیْکِ مُقْتَدِرٍ» (۶۰)، در باغ ها و نه‌های جاری، در جایگاه صدق و راستی نزد پادشاه توانا و مقتدر برساند، «وَأَعْطَاهُ حَتَّىٰ یَرْضَىٰ، وَزَادَهُ بَعْدَ الرِّضَا، وَجَعَلَهُ أَقْرَبَ الْخَلْقِ مِنْهُ وَبِهِ أَوْعَاظٌ كَثِيرَةٌ»، و بعد از رضایت بر او بیفزاید، و قرار دهد او را مقرب ترین خلق نسبت به خویش از نظر مجلساً، وَأَذْنَاهُمْ إِلَيْهِ مَنْزِلًا، وَأَعْظَمَهُمْ عِنْدَهُ جَاهًا، وَأَعْلَاهُمْ جَايْغَاهُ، و نزدیکترین آنان از جهت مقام و منزلت، و بزرگترین ایشان نزد او از حیث آبرو، و والاترین آنان در لَدَيْهِ كَعْبًا، وَأَحْسَنَهُمْ عَلَيْهِ ثَنَاءً، وَأَوَّلَ الْمُتَكَلِّمِينَ كَلَامًا، وَأَكْثَرِیْبِشْكَاهِشْ از جهت سرافرازی و بزرگواری، و نیکوترین آنان بر او از جهت ثناگوئی، و اولین تکلم کنندگان از جهت کلام، و بیشترین النَّبِیِّینَ أَتْبَاعًا، وَأَوْفَرَ الْخَلْقِ نَصِیْبًا، وَأَجْرَلَهُمْ حَظًّا فِی كُلِّ پیامبران از جهت پیرو، و فراوان ترین خلق از جهت نصیب، و زیادترین آنان از جهت بهره خیر هُمُوهُ قَاسِمُهُ بَيْنَهُمْ، وَأَحْسَنَ جَزَاءَهُ عَنْ جَمِیْعِ الْمُؤْمِنِیْنَ مِنْ دَرِّ خَیْرٍ وَخُوبِیِّ كِهْ اَوْ مِیَّانِ اَنَّاانِ تَقْسِیْمِ كُنْدِ، وَ نِیْكَوْتَرِیْنَ جِزَا وَ پاداش خود را از طرف همه اهل ایمان اَزِ اَلْاَوَّلِیْنَ وَ اَلْاٰخِرِیْنَ. وَأَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَلْاَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ اَلْمَهْدِيُّونَ، پِیْشِیْنِیَّانِ وَ اَیْنِدْگَانِ بِهْ اَوْ مَرْحَمْتِ فَرْمَایْدِ. وَ گَواهِیْ مِیْ دِهْمِ كِهْ شَمَا پِیْشِوایانِ رَاہِ یَاْفْتِهْ، هِدَایْتِ شَدْهْ، اَلْمَعْصُومُونَ اَلْمُكْرَمُونَ، اَلْمُقَرَّبُونَ اَلْمُتَّقُونَ اَلْمُصِیْفُونَ، اَلْمُطِیْعُونَ مَعْصُومٌ وَ پاكِ اَزِ هَرِ پَلِیْدِیْ، گَرَامِیْ، مَقْرَبْ، پَرهیزكار، بَرگَزِیْدِهْ، فَرْمَانِبَرْدَارِلَلَّهِ، اَلْقَوَّامُونَ بِاَمْرِهِ، اَلْعَامِلُونَ بِاِرَادَتِهِ، اَلْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ. پَرورْدِگَار، قِیَامِ كُنْدِهْ بِهْ اَمْرِ اَوْ، عَمَلِ كُنْدِهْ بِهْ اِرَادِهْ اَوْ، پِیروزْمَنْدِ بِهْ كَرَامْتِ اَوْ هَسْتِیْدِ. اَصِیْفَاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَ اَصِیْفَنَعَكُمْ لِنَفْسِهِ، وَ اَزْتَضَاكُمْ لِغِیْبِهِ، وَ اَخْتَارَكُمْ خِدَاوَنْدِ (شَمَا رَا بِهْ عِلْمِ خُودِ بَرگَزِیْدِ، وَ بَرَایِ خُوبِشِ پَرورْشِ دَاْدِ، وَ بَرَایِ رَازِ خُودِ پَسَنْدِیْدِ، ۱. سوره قمر،

لِسِرِّهِ، وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ، وَخَصَّكُمْ بِبِرَاهِينِهِ، وَبِهِ سِرَّشِ اخْتِيَارِ فَرَمُودِ، وَبِهِ قُدْرَتِشِ فَرَاهِمِ آوَرْدِ، وَبِهِ هِدَايَتِشِ عَزَّتِ بَخَشِيدِ، وَبِهِ دَلِيلِ هَا وَبِرَهَانِ هَايِشِ اخْتِصَاصِ دَادِ، وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَ يَكُمُ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَبِرَى نُورِشِ اِنْخِتَابِ نَمُودِ، وَبَارُوحِ خُودِ يَارِي كَرْدِ، وَبِهِ عِنْوَانِ جَانِشِينَانِ دَرِ رُويِ زَمِينِشِ پَسَنَدِيدِ، وَجَعَلَ كُمْ حُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ، وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ، وَحَفَظَهُ لِحُكْمِهِ، وَشَمَا رَا حُجَّتِ هَا بِرَبِنْدِ گَانِشِ، وَ يَارِي كِنْدِ گَانِ دِينِشِ، وَ حَافِظَانِ حَكْمِ وَ فَرْمَانِشِ، وَخَزَنَةَ لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعًا لِحُكْمِهِ، وَتَرَا جِمَّةً لِتَوْحِيهِ، وَأَزْكَانَاوُ خَزَانَهُ دَارَانِ عِلْمِ وَ دَانِشِشِ، وَ مَحَلَّ وِدِيْعِهِ نِهَادِنِ حَكْمَتِشِ، وَ تَرْجَمَهُ كِنْدِ گَانِ وَ حِيْشِ، وَ پَايَه هَايِ لِتَوْحِيدِهِ، وَسَيَفْرَأْ عَنْهُ، وَشَهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَسْبَابًا إِلَيْهِ، تَوْحِيدِشِ، وَ نَمَائِنْدِ گَانِ اَزِ طَرْفِ اُو، وَ گَوَاهَانِ بِرِ آفَرِيدِ گَانِشِ، وَ رَاهِ هَايِ بِه سُوِيِ اُو، وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ، وَسُبُلًا إِلَى جَنَّتِهِ، وَأَدِلْمَاءَ وَ عِلَامَتِ هَايِ آشِكَارِ كِنْدِ رَاهِ بَرَايِ بِنْدِ گَانِشِ، وَ مَحَلَّ هَايِ نُوْرَافِشَانِيِ دَرِ شَهْرَهَايِشِ، وَ رَاهِ هَايِ رُوشِنِ بِه سُوِيِ بَهْشِتِشِ، وَ نِشَانِ دِهِنْدِ گَانِ عَلَى صِرَاطِهِ. عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَأَكُمُ مِنَ الْعُيُوبِ، رَاهِشِ قَرَارِ دَادِ. خِداوِنْدِ شَمَا رَا اَزِ گِنَاهِ مِصُونِ دَاشْتِ، وَ اَزِ هَرِ گُونَهِ عَيْبِ مَبْرَا گَرْدَانِيدِ، وَانْتَمَنَكُمُ عَلَى الْعُيُوبِ، وَجَبَّتْ كُمْ الْآفَاتِ، وَوَقَاكُمُ السَّيِّئَاتِ، وَبِرِ رَا زَا هَا اَمِينِ دَانِستِ، وَ اَزِ آفْتِ هَا وَ گَزِنْدَهَا دُورِ سَاخْتِ، وَ اَزِ بَدِيِ هَا وَ زِشْتِيِ هَا حَفِظِ كَرْدِ، وَطَهَّرَكُمُ مِنَ الدَّنَسِ وَالزَّرِيعِ، وَنَزَّهَكُمُ مِنَ الزَّلَّلِ وَالْخَطَا، وَ اَزِ نَپَاكِيِ وَ اِنْحِرَافِ پَاكِ فَرَمُودِ، وَ اَزِ لَغْزِشِ وَ خِطَا بِرِ كِنَارِ نَمُودِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ، وَآمَنَكُمُ مِنَ الْفِتَنِ، وَاسْتَرَعَاكُمُ الْأَنَامَ، وَ هَرِ گُونَهِ پَلِيدِيِ وَ آلُودِ گِيِ رَا اَزِ شَمَا (اهل بيت) دُورِ نَمُودِ، وَ شَمَا رَا اَزِ فِتْنَه هَا اِيْمَنِ نِگَه دَاشْتِ، وَ شَمَا رَا نِگَهْبَانِ مَرْدَمِ قَرَارِ دَادِ، وَفَوَّضَ إِلَيْكُمُ الْأُمُورَ، وَجَعَلَ لَكُمْ التَّدْبِيرَ، وَعَرَّفَكُمُ الْأَسْبَابَ، وَ اُمُورِ رَا بِه

سوی شما واگذار نمود، و تدبیر کارها را برای شما قرار داد، و از سبب‌ها و دست‌آویزها آگاه نمود، وَأُورَثَكُمُ الْكِتَابَ، وَأَعْطَاكُمُ الْمَقَالِيدَ، وَسَيَخَّرْ لَكُمْ مَا خَلَقَ. و وارث کتاب گردانید، و کلیدها را به شما عطا کرد، و آنچه آفریده مسخر شما نمود، فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَهَيَّيْتُمْ عَظَمَتَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، و شما در برابر جلال و شکوه او تعظیم نمودید، و شأن او را بزرگ، و عظمتش را گرامی داشتید، و کرم او را تمجید، وَأَدْمَنْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ عَرَى طَاعَتِهِ، و یادش را ادامه دادید، و عهد و پیمان‌ش را استوار، و قرارداد طاعت او و رشته فرمانبرداریش را محکم ساختید، وَنَصَّيْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحُكْمِ هُوَ لِأَنَّ فِيهِ حِكْمًا، وَنَصَّيْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحُكْمِ هُوَ لِأَنَّ فِيهِ حِكْمًا، و پند و الموعظه‌ی الحسینیه، وَبَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ، وَصَبَرْتُمْ وَانْدَرَزْتُمْ نِيكَو مَرْدَمَ رَاهِ أَوْ فَرَاخَوَانْدِيدِ، و برای جلب رضا و خشنودی او بذل جان نمودید، وَعَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ، وَصَدَعْتُمْ بِأَمْرِهِ، وَتَلَوْتُمْ كِتَابَهُ، بِرَآنِجِهْ دَر كِنَارِشْ بِهْ شِمَا وَارْد شَدَّ شَكِيَا بُودِيدِ، و امر و فرمانش را آشکارا بیان کردید، و کتابش را تلاوت کردید، وَحَدِّدْتُمْ بِأَسْهُ، وَذَكَّرْتُمْ أَيَّامَهُ، وَوَفَّيْتُمْ بَعْهِيدَهُ، وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ، و از خشم و عذاب او برحذر داشتید، و ایام الله را یادآوری نمودید، و به عهد و پیمان‌ش وفا کردید، و نماز را پیا داشتید، وَأَتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمُ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُمْ زَكَاتِ پَرْدَاخْتِيدِ، و به خوبی‌ها دستور دادید، و از زشتی‌ها و ناپسندها بازداشتید، فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَجَادَلْتُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، حَتَّى أَعْلَنْتُمْ وَدَر رَاهِ خُدَا بِهْ تَمَامِ مَعْنَا جِهَادِ كَرْدِيدِ آن‌گونه که سزاوار بود، و به آن روشی که

نیکو بود مجادله نمودید، تادَعُوتهُ، وَقَمَعْتُمْ عِدْوَهُ، وَأَظْهَرْتُمْ دِينَهُ، وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ دَعْوَتِ او را آشکار، و دشمنش را سرکوب، و دینش را پیروز ساختید، و واجبات آن را بیان، وَحُدُودَهُ، وَشَرَعْتُمْ أَحْكَامَهُ، وَسَيَّيَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَصَبَرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ حدودش را اجرا کردید، و احکام آن را قانون نهادید، و سنت آن را وضع نمودید، و در این مورد اِلَى الرِّضَا، وَسَيَّلْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ، وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى بِهِ رِضَا وَخَشَنُودِي او منتهی شدید، و در قضا و سرنوشت تسلیم او شدید، و رسولان گذشته او را تصدیق نمودید. الرَّاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ، وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ، وَالْمُقَصَّرُ عَنْكُمْ زَاهِقٌ، کسی که از شما روی گرداند از دین خارج گشته، و کسی که با شما باشد به حق پیوسته، و کسی که نسبت به شما کوتاهی کند به حق نرسیده است، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعِدِنُهُ، وَحَقُّ بِشما و در شما و از شما و به سوی شما است، و شما شایسته آن و معدنش هستید، وَمِيرَاثُ التُّبُوهِ عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، و میراث پیامبری نزد شما، و بازگشت خلق به سوی شما، و حساب آنان بر عهده شما است، وَفَضْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ، وَإِيَاتُهُ لَمَدِيكُمْ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَنُورُهُ وَحَكْمُ قَطْعِي وَنَهَائِي که حق و باطل را فیصله دهد، و آیات و نشانه های او نزد شما است، و اراده قوی او در شما، و نور او مَعَكُمْ، وَبُرْهَانُهُ مِنْكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ. مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللّٰهَ، بِشما، و برهان او از شما بروز می کند، و امر او متوجه شما است. کسی که شما را سرپرست خود قرار دهد در واقع خدا را سرپرست خود قرار داده، وَمَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللّٰهَ، وَمَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ

اللَّهُ، وَمَنْ وَهَر كَس شَمَا رَا اطَاعَت كَنَد خَدَا رَا اطَاعَت كَرَدَه، وَهَر كَس شَمَا رَا دُوسَت بَدَا رَد خَدَا رَا دُوسَت دَاشْتَه، وَهَر كَس اَعْتَصَم بِكُمْ فَقَدْ اَعْتَصَم بِاللَّهِ، اَنْتُمْ يَا مَوَالِيَّ وَنِعْمَ الْمَوَالِي، بَه شَمَا پَنَاه بِيرَد بَه خَدَا پَنَاه بَرَدَه اَسْت، شَمَا اِي سِرُورَان مَن؟ - كَه خُوب سِرُورَانِي هَسْتِيد -السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ، وَالصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ، وَشُفَعَاءُ شَاهِرَاه بَزْرَكِ، وَرَاه اَسْتَوَارِيد، وَگُوهَان دَر اِيْن سِرَاي فَانِي، وَشَفِيعَان اَخْرَتِيد كَه دَارِ الْبَقَاءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمُؤَصُّوْلَةُ، وَالْآيَةُ الْمَخْرُوْنَةُ، وَالْأَمَانَةُ سِرَاي بَاقِي وَجَاوَدَان اَسْت، وَرَحْمَت پِيُوسْتَه، وَآيَت وَنَشَانَه شَكْفَت اَنگيز ذَخِيرَه شَدَه، وَامَانَت الْمَحْفُوظَةُ، وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِه النَّاسُ. مَنْ اَتَاكُمْ نَجَا، وَمَنْ نَكَهْدَارِي شَدَه اِيد، وَدَرگَاهِي هَسْتِيد كَه مَرْدَم بَه وَسِيلَه اَن اَزْمُودَه مِي شُونَد. هَر كَس بَه شَمَا پِيُونَدَد اَهْل نَجَات اَسْت وَهَر كَس اَبَاكُمْ هُوِي، اِلَى اللّٰهِ تَدْعُوْنَ، وَبِه تُؤْمِنُوْنَ، وَلَه تُسَلِّمُوْنَ، وَبِأَمْرِهِ اَمْتِنَاع وَرَزْد هَلَاك مِي گَرَدَد، بَه سُوِي خَدَا دَعُوْت مِي كَنِيد، وَبَه اُو اِيْمَان دَارِيد، وَتَسْلِيم فَرْمَان اُو هَسْتِيد، وَبَه دَسْتُورَش تَعْمَلُوْنَ، وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُوْنَ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُوْنَ، وَإِلَيْهِ تُنْيَبُوْنَ، عَمَل مِي كَنِيد، وَبَه رَاه اُو اَرشَاد مِي نَمَائِيد، وَبَه كَفْتَار اُو حَكَم مِي كَنِيد، وَبَه پِيَشگَاه اُو اِنَابَه وَبازگَشْت دَارِيد، وَإِيَّاهُ تُعْظَمُونَ، سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ، وَخَابَ مَنْ وَ اُو رَا تَعْظِيم مِي نَمَائِيد، هَر كَس وِلَايَت شَمَا رَا پَذِيرَفْت بَه سَعَادَت رَسِيد، وَهَر كَس بَا شَمَا دَشْمَنِي كَرْد هَلَاك گَرْدِيد، وَهَر كَس جَهْلَكُمْ، وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنَ مَنْ شَمَا رَا نَشْنَاخْت نَاكَام، وَهَر كَس اَز شَمَا جَدَا گَرْدِيد گَمْرَاه، وَهَر كَس بَه شَمَا پِيُوسْت كَامِيَاب وَپِيُوز شَد، وَكَسِي كَه بَه شَمَالَجَا اِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ

صِدْقَكُمْ، وَهُدَىٰ مَنِ اغْتَصَمَ بِكُمْ. مَنِ پناهنده گردید ایمنی یافت، و کسی که شما را تصدیق کرد سالم ماند، و کسی که به دامن شما چنگ زد هدایت شد. هر کس اَتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ، وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ، وَمَنْ جَحَدَكُمْ از شما پیروی کند بهشت جایگاه او است، و هر کس با شما مخالفت کند دوزخ منزلگاه او است، و هر کس شما را انکار کند کافر، وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فَفِي أَسْفَلِ دَرَكٍ كَافِرٌ است، و هر کس با شما نبرد کند مشرک است، و هر کس شما و گفتار شما را رد کند در پائین ترین مرتبه الجحیم، أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى، وَجَارٍ لَكُمْ فِيمَا دُوخُ است، گواهی می دهم که اینها همه در گذشته برای شما پیشی گرفته، و در آینده بقی، وَأَنَّ أَنْوَارَكُمْ وَأَجْسَادَكُمْ وَأَشْبَاحَكُمْ وَظِلَالَكُمْ وَأَرْوَاحَكُمْ نِيز جَارِي است، و اینکه انوار و اجساد و اشباح و سایه ها و ارواح وَطِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ، جَلَّتْ وَعَظُمَتْ وَبُورِكَتْ وَقَدِّسَتْ وَطَابَتْ و سرشت شما یکی است، باشکوه و عظمت و برکت و مقدس و پاک وَطَهَّرَتْ بَعْضًا مِنْ بَعْضٍ، لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ وَعِنْدَهُ، وَفِي وَپاکیزه گردیده برخی از برخی دیگر، پیوسته در مراقبت خدا و در پیشگاه او هستید، و امر و مَلَكُوتِهِ تَأْمُرُونَ، وَلَهُ تَخْلُقُونَ، وَإِيَّاهُ تُسَبِّحُونَ، وَبِعَرْشِهِ فرمان شما در ملکوت عالم نیز نافذ است، و برای او جانشینی می کنید، و او را تسبیح می گوئید، و اطراف عرش او مُحَدِّقُونَ، وَبِهِ حَافُونَ، حَتَّى مَرَّ بِكُمْ عَلَيْنَا، فَجَعَلَكُمْ «فِي بِيُوتِ حَلَقِهِ زَدَهُ وَگردد آن برآمده تا آنکه شما را پیش ما آورد، پس شما را» در خانه هایی قرار داد که أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ اذن و فرمان داد

بلندمرتبه گردد و نام او در آن ها یاد شود، و صبح و شام او را در آن تسبیح گویند، رجال» (۶۱) تَوَلَّى عَزَّ ذِكْرُهُ تَطْهِيرَهَا، وَأَمَرَ خَلْقَهُ بِتَعْظِيمِهَا، مردانی که «پاکی ایشان را خداوندی که یادش ارجمند است به عهده گرفته، و خلق خود را به تعظیم و بزرگداشت آنان دستور داده است، ۱. سوره نور، آیه ۳۶ و ۳۷.

فَرَفَعَهَا عَلَى كُلِّ بَيْتٍ قَدَّسَهُ فِي الْأَرْضِ، وَأَعْلَاهَا عَلَى كُلِّ پَسِ خَانِهٖ هَآئِشَان رَا بَر هَر خَانِهٖ آي كِه دَر رُوي زَمِينِ اَو رَا تَقْدِيسِ مِي كَنْد رَفْعَتِ بَخْشِيدِه، وَ بَر هَر خَانِهٖ آي كِه بَيْتٍ طَهَّرَهُ فِي السَّمَاءِ، لَا يُوَازِيهَا خَطَرٌ، وَلَا يَسِيْمُو إِلَى سَمَكِهَا وَ رَا دَر آسْمَانِ طَاهِرِ كَرْدَانِيدِه بَر تَرِي دَادِه اسْت، هِيچ قَدْر وَ مَنزَلَتِي دَر رَدِيفِ آن قَرَار نَمِي كِيرِد، وَ بِه سَقْفِ آن الْبَصِيرُ، وَلَا يَطْمَعُ إِلَى أَرْضِهَا النَّظَرُ، وَلَا يَقَعُ عَلَى كُنْهَآ الْفِكْرُ، دِيدِه آي بِالَا- نَمِي رُود، وَ بِه زَمِينِ آن نِگَآهِي طَمَعِ نَمِي كَنْد، وَ هِيچ فِكْر وَ اَنديشِه آي بِه كُنْهٖ آن وَ حَقِيقَتَش رَا نَمِي يَابِد، وَلَا يُعَادِلُ سِكَانَهَا الْبَشَرُ، يَتَمَنَّى كُلُّ أَحَدٍ أَنَّهُ مِنْكُمْ، وَلَا تَتَمَنُونَ وَ هِيچ بَشَرِي بَا سَاكِنَانِ آن بَرَابَرِي نَمِي كَنْد، هَر كَسِي از آنان آرزو مِي كَنْد كِه از شما باشد، وَ شما هِيچ گَآه آرزو نَمِي كَنيد أَنكُمْ مِنْ غَيْرِكُمْ، إِلَيْكُمْ انْتَهَتِ الْمَكَارِمُ وَالشَّرَفُ، وَمِنْكُمْ كِه از غير خودتان باشيد، همه مَكْرَمَتِ ها وَ شَرَاْفَتِ ها بِه شما مَنتهِي مِي كَرْدِد، وَ همه اسْتَفْرَتِ الْأَنْوَارِ وَالْعِزَّةِ وَالْمَجْدِ وَالسُّؤْدُدِ، فَمَا فَوْقَكُمْ أَحَدٌ إِلَّا رُوشَنِي ها وَ عَزَّتِ وَ شَكُوهِ وَ بَزْرُگِي از شما ثَابِتِ گِشْتِه وَ قَرَارِ يَافْتِه اسْت، پَس بَر تَر از شما هِيچ كَسِ جَزَا اللّٰهُ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ، وَلَا أَقْرَبَ إِلَيْهِ وَلَا أَحْصَى لَمَدِيهِ، وَلَا أَكْرَمَ خَدَاوَنَدِ بَزْرُگِ بَلَنْدَمَرْتَبِه نِيسْت، وَ كَسِي نَزْدِيكْتَر بِه دَر گَآهِ اَو وَ خِصُوصِي تَر دَر پِيشگَآهِ اَو، وَ گَرَامِي تَر عَلَيِّهِ مِنْكُمْ. أَنْتُمْ سَكُنُ الْبِلَادِ،

وَنُورُ الْعِبَادِ، وَعَلَيْكُمْ الْإِعْتِمَادُ نَزْدَ أَوْ مِنْكُمْ نَجْمٌ، أَوْ أَفَلٌ مِنْكُمْ نَجْمٌ، أَطْلَعَ رُوحَ قِيَامَتِ بِرِ شَمَا اسْتِ، هَرِ گَاهِ از شَمَا حِجَّتِي پَنَهَانِ گَرْدَدِ يَ اسْتَارَهِ اِي التَّنَادِ، كُلُّ مَا غَابَ مِنْكُمْ حُجَّةٌ أَوْ أَفَلٌ مِنْكُمْ نَجْمٌ، أَطْلَعَ رُوحَ قِيَامَتِ بِرِ شَمَا اسْتِ، هَرِ گَاهِ از شَمَا حِجَّتِي پَنَهَانِ گَرْدَدِ يَ اسْتَارَهِ اِي نَپَدِيدِ شُودِ، اللَّهُ لِيَخْلُقَهُ عَقِبَهُ خَلْفًا، إِمَامًا هَادِيًا، وَبُرْهَانًا مُبِينًا، وَعَلَمًا نِيرًا، خَدَاوَنَدِ بَرَايِ آفَرِيدِ گَانَشِ بَعْدِ از اَوِ جَانَشِينِي رَا ظَاهِرِ نَمَايَدِ كِهِ پِشَوَايِ هِدَايَتِ گَرِ، وَ بَرَهَانَ آشكَارِ، وَ عِلَامَتِي نُورِ دِهَنَدِهِ وَ دَرِخْشَانَ بَاشَدِ، وَاعِ عَنِّ وَاعِ، وَهَادِي بَعْدِ هَادِي، حَزَنَهَ حَفْظَهَ، لَا يَغِيضُ عَنْكُمْ حَفْظُكُمْ (بَعْدِ) (از حَفْظِ كُنَنَدِهِ اِي) وَ هِدَايَتِ گَرِي بَعْدِ (از) هِدَايَتِ گَرِي، دَلْسُوزِ وَ نَگَهَدَارِ، كَمِ نَمِي كَنَدِ از شَمَا غَزَرَهَ، وَلَا يَنْقَطِعُ مَوَادُّهُ، وَلَا يَسِيلُ مِنْكُمْ إِزْتَهَ، سَبَبًا مَوْصُولًا فَرَاوَانِي اَشِ رَا، وَ قَطْعِ نَمِي گَرْدَانَدِ مَائِهِ اَصْلِي وَ مَوَادُّشِ رَا، وَ نَمِي گِيرَدِ از شَمَا ارْتِشِ رَا، رِشْتَهِ اِتِّصَالِ وَ اِرْتِبَاطِي اسْتِ مِنْ اَللّهِ اِلَيْكُمْ، وَ رَحْمَهَ مِنْهُ عَلَيْنَا، وَ نُورًا مِنْهُ لَنَا، وَ حُجَّهَ مِنْهُ از خَدَا بِهِ سَوِي شَمَا، وَ رَحْمَتِ وَ لَطْفِي اسْتِ از اَوِ بَرِ مَآ، وَ نُورِي اسْتِ از نَاحِيَهِ اَوِ بَرَايِ مَآ، وَ حِجَّتِي اسْتِ از جَانِبِ اَوِ عَلَيْنَا، تُرْشِدُونَنَا اِلَيْهِ، وَ تُقَرِّبُونَنَا مِنْهُ، وَ تُزَلُّونَنَا لَدَيْهِ، وَ جَعَلَ بَرِ مَآ، مَآ رَا بِهِ سَوِي اَوِ اِرْشَادِ مِي كَنِيدِ، وَ بِهِ دَرِ گَاهِ اَوِ نَزْدِيكِ مِي گَرْدَانِيدِ، وَ دَرِ پِشْگَاهِ اَوِ مَقَامِ وَ مَنزَلَتِ مِي بَخْشِيدِ، وَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ، وَ ذِكْرِنَا لَكُمْ، وَ مَا خَصَّنَا بِهٍ مِنْ وَايَتِكُمْ، صَلَوَاتِ وَ دَرُودِ مَآ رَا بَرِ شَمَا، وَ يَادِي كِهِ از شَمَا مِي كَنِيمِ، وَ اَنِچِهِ وِيزَهِ مَآ گَرْدَانِيدِهِ از وَايَتِ شَمَا، وَ عَرَفْنَا مِنْ فَضْلِكُمْ، طَيِّبًا لِيَخْلُقْنَا، وَ طَهَارَهَ لِأَنْفُسِنَا، وَ بَرَكَهَ فِينَا، وَ آگَاهِي بَخْشِيدِهِ از فَضِيلَتِ شَمَا، هَمِهِ رَا وَ سِيلَهِ پَاكِيزِ گِي آفَرِينَشِ مَآ، وَ پَاكِي جَانِ وَ رُوحِ مَآ، وَ بَرِ كَتِ دَرِ وَ جُودِ مَآ قَرَارِ دَادِهِ اسْتِ، إِذِ

كُنَّا عِنْدَهُ مَوْسُومِينَ [فِيكُمْ]، مُعْتَرِفِينَ بِفَضْلِكُمْ، مَعْرُوفِينَ كَمَا نَزَدَ أَوْ دَارَى نِشَانِ (در مورد شما) بودیم، به فضیلت و برتری شما
 اعتراف کننده، بتصدیقنا ایّاكُمْ، مَذْكُورِينَ بِطَاعَتِنَا لَكُمْ، وَمَشْهُورِينَ بِإِيمَانِنَاوْ بِتَصْدِيقِ شِمَا شَنَاخْتَهْ شَدَهْ، وَبِهْ فَرْمَانِبَرْدَارَى شِمَا
 یادشده بودیم، و به ایمان داشتن به شما مشهور بودیم. بِكُمْ. فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكُمْ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ الْمَكْرَمِينَ، وَأَعْلَى مَنْزِلِ پَسْ
 خداوند شما را به ارزشمندترین جایگاه گرامی شدگان، و بالاترین منزلگاه الْمُقَرَّبِينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ
 لِاحِقٌ، مَقْرَبَانِ، وَرَفِيعِ تَرْتِيبِ رَسُولَانِ رَسَانِيدِ، بِهْ كَوْنِهْ أَيْ كِهْ هَيْچْ مَلْحَقْ شُونْدَهْ أَيْ بَدَانِ نَبِيُونْدَهْ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا يَسْبِقُهُ
 سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهْ طَامِعٌ، وَهَيْچْ بَرْتَرَى جَوئَى بِهْ آن بَرْتَرَى نَجْوِيدِ، وَهَيْچْ پِيشَى گِيرِنْدَهْ أَيْ بَدَانِ پِيشَى نَكِيرِدِ، وَهَيْچْ
 طَمَعْ كِنْنْدَهْ أَيْ بِهْ دَرِيافْتِ آن طَمَعْ نَكِنْدِ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا تَا آنجا كِهْ فَرَشْتَهْ مَقْرَبِي
 نماند، وَنَهْ پِيَامِبَرِ مَرَسَلِي، وَنَهْ صِدِّيقِي وَنَهْ شَهِيدِي، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا دَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ شَهِيدِي، وَنَهْ عَالِمِي وَنَهْ
 ناداني، وَنَهْ انْسانِ پَسْتِي وَنَهْ شَرِيفِي، وَنَهْ مُؤْمِنِ صَالِحِي، وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ، وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ، وَلَا دَرَسْتِ كَارِي، وَنَهْ
 گنه كار بدكاري، وَنَهْ زورگوي عنادپيشه اي، وَنَهْ شَيْطَانِ سَرَكَشِي، وَنَهْ خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَاهِدٌ مَا هُنَالِكَ، إِلَّا عَرَفَهُ جَلَالُهُ
 أَمْرِكُمْ، خَلْقِي كِهْ دَرِ اَيْنِ مِيَانِ گِوَاهِ بَاشِنْدِ مَكْرَ آنكِهْ مَعْرِفِي نَمُودِ بِهْ اَوْ شَكُوهْمَنْدِي اَمْرِ شِمَا، وَعَظْمٌ خَطَرِكُمْ، وَكَبِيرٌ شَأْنِكُمْ،
 وَجَلَالُهُ قَدْرِكُمْ، وَتَمَامٌ نُورِكُمْ، وَعَظْمَتِ قَدْرِ وَنَزَلْتِ شِمَا، وَبَزَرگِي شَأْنِ شِمَا، وَوَالِئِي مَرْتَبَهْ شِمَا، وَكَامَلِ بُوْدَنِ نُوْرِ
 شِمَا، وَصِدْقِ مَقْعِدِكُمْ، وَثَبَاتِ مَقَامِكُمْ، وَشَرَفِ مَحَلِّكُمْ، وَمَنْزِلَتِكُمْ وَدَرَسْتِي جَايگَاهِ شِمَا، وَپَايِدَارِي مَقَامِ شِمَا، وَشَرَاْفَتِ
 مَوْقِعِيْتِ شِمَا، وَنَزَلْتِ شِمَاعِنْدَهْ، وَكِرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ، وَخَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ،

وَقُرْبَ مَجْلِسِكُمْ مِنْهُ. نزد او، و اعزاز و اکرام شما بر او، و خصوصی بودن شما در پیشگاه او، و نزدیکی محلّ معنوی شما نسبت به او را. ثُمَّ جَعَلَ خَاصَّةَ الصَّلَاةِ وَأَفْضَلَ لَهَا، وَنَامِيَ الْبَرَكَاتِ وَأَشْرَفَهَا، سپس قرار داد درودهای ویژه و برترش را، و برکات بالنده و شریفترش را، وَزَاكِيَ التَّحِيَّاتِ وَأَتَمَّهَا، مِنْهُ وَمِنْ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَرُسُلِهِ وَتَحِيَّتِ هَيَاكِلِهَا، وَكاملترش را، از ناحیه خودش و فرشتگان مقربش، و رسولان و انبیاءه الْمُتَّجِبِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، مِنْ عِبَادِهِ الْمُخْلِصِينَ، و پیامبران برگزیده اش، و شهداء و شایستگان از بندگان بااخلاصش، كَمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ، أَبَدًا عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ. أَشْهَدُ اللَّهَ هَمُورَهُ بِرَهْمِهِ شَمَا أَنْ كُونَهُ كَمَا هُوَ شَمَا شَائِسْتَهُ أَنْ هَسْتِيد. خدایا او را اَشْهَدُكُمْ يَا مَوَالِيَّ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي أَنِّي عَبْدُكُمْ، و شما را - ای سروران من؛ - گواه می گیرم - پدر و مادرم و جانم فدای شما - که من بنده شما هستم، وَطُوبَى لِي إِنْ قَبِلْتُمُونِي عَبْدًا، وَأَنْتَى مُؤْمِنٌ بِكُمْ، وَبِمَا أَمَنْتُمْ وَخُوشَا بَه حَالِ مِنْ أَكْرَمَا بَه بِنْدَاكِي بِيذِيرِيد، وَإَيْنِ كَه مِنْ بَه شَمَا إِيْمَانِ دَارِم، وَبَه أَنْجَه شَمَا إِيْمَانِ دَارِيد مُؤْمِنِم، بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالِهِبَه دَشْمَنِ شَمَا وَبَه أَنْجَه شَمَا كَفْرُ بُوْرزِيدِ كَافِرِم، بَه شَأْنِ وَمَوْقِعِيْتِ شَمَا، وَكَمْرَاهِي مَنْ خَالَفَكُمْ، مَوَالٍ لَكُمْ، مُجِبٌّ لِأَوْلِيَائِكُمْ، وَمُعَادٍ لِأَعْدَائِكُمْ، مَخَالَفَانِ شَمَا أَكَاهِم، إِرَادَتْمَنْدِ شَمَا إِمِيم، إِرَادَتْمَنْدَانْتَانِ رَا دُوسْتِ دَارِم، وَبَا دَشْمَنَانِ شَمَا دَشْمَنِم، لِأَعْنُ لَّهُمْ، مُتَبَرِّئُ مِنْهُمْ، مُبْغِضٌ لَهُمْ، سَلَمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، حَرْبٌ أَنْ هَا رَا لَعْنُ وَنَفْرِينِ مِي كْنِم، وَازِ أَنْ هَا بِيْزَارِم، وَنَفْرَتِ دَارِم، هَرِ كَسِ بَا شَمَا سَازَشِ دَارِدِ سَازَشِ دَارِم، هَرِ كَسِ بَا شَمَا دَرَلِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَكُمْ، نَبْرِدِ اسْتِ دَرِ

نبردم، آنچه را حق و درست و راست بدانید حق می دانم، و آنچه از نظر شما باطل باشد باطل می دانم، من فرمانبردار شما، عارف بحقکم، مقرّب بفضایکم، مقتد بکم، مسّلم لقولکم، محتمل آشنا به حق شما، اقرارکننده به فضیلت و برتری شما، اقتداکننده به شما، تسلیم گفتار شما، لعلمکم، محتجب بدیتکم، موقن بایاکم، مصدق برجعیتکم، علم و دانش شما را پذیرا هستم، در پوشش ضمانت شما، به بازگشت شما یقین دارم، رجعت شما را تصدیق کننده ام، منتظر لایامکم، مرتقب لدولتکم، اخذ بقولکم، عامل بامرکم، انتظار ایام شما را می کشم، مشتاق دولت شما هستم، گفته شما را می گیرم، امر شما را به کار می بندم، مستجیر بکم، معصم بحیلکم، محترس بکم، زائر لکم، لاند پناهنده به شما، چنگ زنده به ریسمان شما، در حراست و نگهداری شما هستم، زائر شما، بقبورکم، عائد بکم، مستشفع إلی الله بکم، ومتوسّل بکم إلیه. به قبور پاک شما پناهنده گشته، به شما پناه آورده ام، به واسطه شما به (درگاه) خدا شفاعت می طلبم، و به سبب شما به او توسّل می جویم. و انتم عدتی للقاءیه، وحسبی بکم، ومتقرّب بکم إلیه، ومقدمکم و شما ساز و برگ من برای دیدار او هستید، و مرا به شما کفایت است، و به وسیله شما به او تقرّب می یابم، و شما را امام طلیتی و خیراتی و ایدتی فی کمال احوالی و اموری، فی پیشاپیش خواسته ها و حاجت ها و اراده ام در همه حالاتم و کارهایم در دنیای و دینی و آخرتی و منقلبی و منوائی، و مؤمن بسرکم دنیا و دینم و آخرتم و در هر حرکت و سکونم قرار می دهم، و به نهان و علانیتکم، و شاهدکم و غائبکم، و اولکم و آخرکم، و مفوض فی و آشکار شما، و به حاضر و غایب شما، و اول و آخر شما ایمان دارم، و درذک کله إلیکم، و مسّلم فی لکم، و رأیی

تا زنده هستم و پس از وفاتم مرا برموالاتکم و محبتکم و دینکم، و وفقنی لطاعتکم، و رزقنی ولایت و دوستی و دین شما ثابت بدارد، و به اطاعت و فرمانبرداری از شما موفّق سازد، و شفاعتکم، و جعلنی من خیار موالیکم، التّابعین ما دعوتکم إِلَیْهِ، شفاعت شما را روزی من گرداند، و مرا از بهترین ارادتمندان و نوکران شما قرار دهد، از آنانکه به آنچه فرامی خوانید متابعت می کنند، مِمَّنْ یَقْفُو اِثَارَکُمْ، وَ یَسِیْلُکَ سَبِیْلُکُمْ، وَ یَقْتَدِی بِهْدِیْکُمْ، وَ یَقْتَصِّ وَ دِنْبَالَهُ رُوْ اِثَارِ شَمَا هَسْتَنْد، وَ رَاهِ شَمَا رَا مِی پیمایند، و از راهنمایی شما پیروی می نمایند، و در پی منهاجکم، وَ یَکُونُ مِنْ حِزْبِکُمْ، وَ یَتَعَلَّقُ بِحُجْرَتِکُمْ، وَ یُحْشَرُ فِی رَاهِ رُوشِنِ شَمَا، و از حزب و گروه شما، و دست به دامن شما هستند، و در زمّرتکم، وَ یَکْرُ فِی رَجْعَتِکُمْ، وَ یَمْلَکُ فِی دَوْلَتِکُمْ، وَ یُشْرَفُ زَمْرَه شَمَا محشور می شوند، و در رجعت شما بازمی گردند، و در دولت شما به حکومت می رسند، وَ فِی عَافِیَتِکُمْ، وَ یُمْکِنُ فِی اَیَّامِکُمْ، وَ تَقَرُّ عَیْنُهُ غَدًا بِرُؤِیَتِکُمْ. در عافیت شما شریف و بزرگوار، و در ایام شما توانا و مقتدر می شوند، و چشمانشان فردا به دیدار شما روشن می گردد. بِأَبِی اَنْتُمْ وَ اُمِّی وَ نَفْسِی وَ اَهْلِی وَ مَالِی، مَنْ اَرَادَ اللّٰهُ یَدَا بِکُمْ، پدر و مادرم و جانم و اهل و عیالم و آنچه دارم همه فدای شما باد، هر کس خدا را اراده کرد به شما آغاز نمود و مَنْ اَحَبَّهُ اتَّبَعْتُکُمْ، وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبِلَ عَنکُمْ، وَ مَنْ فَصَدَهُ تَوَجَّهَ وَ هر کس او را دوست داشت از شما پیروی می کرد، و هر کس او را به یکتائی توصیف کرد و بی همتا دانست از شما پذیرفت، و هر کس آهنگ او بکم. لَا اُحْصِیْ یَا مَوَالِیْ فَضْلَکُمْ، وَلَا اَعْدُّ ثَنَاءَکُمْ، وَلَا اَبْلُغُ مِنْ کَرَمِ شَمَا رُوْی اَوْرَدْ، فضائل شما را - ای

بُنُورِكُمْ. طغیانگر سرکشی در برابر فضل و برتری شما فروتنی نموده، و هر چیز برای شما رام گشته و ذلیل است، و زمین به نور شما روشن و تابناک گشته. فَفَازَ الْفَائِزُونَ بِكُمْ، وَبِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ، وَعَلَى مَنْ يَسِيرُ يَوْمَئِذٍ بِسَبَبِ شِمَا پیروز و کامیاب شدند، و به وسیله شما راه به سوی رضوان پیموده می شود، و بر آن کسی که یَجْحَدُ وَلَا يَتَّكُمُ يَغْضِبُ الرَّحْمَانَ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَلَايْتِ شِمَا را نشناسد خداوند مهربان غضب می کند. پدرم، مادرم، جانم، وَأَهْلِي وَمَالِي، ذِكْرُكُمْ فِي الدَّائِرِينَ، وَأَسْمَاءُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، اهل و عیالم و همه آنچه دارم فدای شما باد، یاد شما در میان یادکنندگان، و نام های مقدس شما در میان نام ها، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ، وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ و اجساد مطهر شما در میان اجساد، و ارواح پاک شما در میان ارواح، و جان های شما فی النُّفُوسِ؛ فَمَا أَحَلَّى أَسْمَاءَكُمْ، وَأَكْرَمَ نَفُوسَكُمْ، وَأَعْظَمَ در میان جان ها است؛ پس چه چیز نام های مبارک شما را شیرین، و جان های شما را گرامی، وَشَأْنَكُمْ، وَأَحْيَلَّ أخطاركم، وَأَعْلَى أَقداركم، وَأَوْفَى عَهْدَكُمْ، شَأْنُ و مرتبه شما را عظیم، و ارزش شما را والا، و منزلت شما را بلند، و شما را به عهد و پیمان باوفا، وَأَصْدَقَ وَعْدَكُمْ. كَلَامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمْ و در مورد وعده راستگو گردانیده است؟ سخن شما روشنی بخش، و امر و فرمانتان باعث رشد و کمال، و سفارش شما التَّقْوَى، وَفِعْلُكُمْ الْخَيْرُ، وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ، وَسَيِّجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ، پای بند به تقوا، و کردار شما همه خوب، و خوی شما نیکی کردن، و سرشت شما جوانمردی و گذشت، وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَخَزْمٌ، إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ و شأن شما حق، و رأی و عقیده شما آگاهی و دوراندیشی است، اگر از خیر و

خوبی یاد شود شما اول و ابتدای آن وَأَضَلَّهُ وَفَزَعَهُ وَمَعَدِنَهُ، وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي واصل و فرع آن و معدن و جایگاه و منزلگاه و نهایتش هستید. پدر و مادرم و نفسی، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ، وَأُحْصِي جَمِيلَ بِلَائِكُمْ، و جانم فدای شما؛ مدح و ثنای نیکوی شما را چگونه وصف کنم، و آزمون نیکوی شما را شماره نمایم؟ وَيَكُفُّكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ، وَأَطْلَقَ عَنَّا رَهَائِنَ الْعِثْلِ، وَوَضَعَ عَنَّاو به واسطه شما خدا ما را از خواری و ذلت رها کنید، و از غل ها و زنجیرهایی که ما در گرو آن بودیم آزاد ساخت، وَالْأَصَارَ، وَفَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا حُفْرِهِ مِنْ بَارِهَائِ سَنَكِينِ را از دوش ما فرو نهاد، و غم ها و گرفتاری های انبوه را از ما برطرف نمود، و از لب پرتگاههای نابودی النَّارِ. بِمُؤَالَاتِكُمْ أَظْهَرَ اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ نَجَاتِ دَاد. با) پذیرش (ولایت شما خداوند نشانه ها و علامت های راهنمایی کننده دین ما را آشکار ساخت، و آنچه مِنْ دُنْيَانَا، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ، وَاتْتَلَفَتِ از دنیای ما فاسد و تباه گشته بود اصلاح کرد، و با ولایت شما دلیل و حجت کامل گردید، و نعمت عظیم گشت، وَالْفُرْقَةُ، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تُقِيلُ الطَّاعَةَ الْمُفْتَرَضَةَ، وَأَعْظَمَ بِهَا طَاعَةَ، پراکندگی از بین رفت، و با) پذیرش (ولایت شما اطاعت واجب الهی پذیرفته می شود، و طاعت عظیم و ارزش پیدا می کند، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَأَكْرَمُ بِهَا مَوَدَّةٌ؛ لَكُمْ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ، وَمَوَدَّةٌ و اظهار دوستی که واجب است از آن شما است، و به خاطر موالات شما مودت با ارزش تر می شود؛ شما دارای مراتب رفیع، وَالْمَأْنَوَارُ الزَّاهِرَةُ، وَالْمَقَامُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، و انواری درخشان، و جایگاهی شناخته شده نزد خداوند هستید، و مقام شما عظیم وَالْقَدْرُ

الْجَلِيلُ، وَالشَّانُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ. «رَبَّنَا آمَنَّا وَمَنْزِلَتْ شِمَا وَالْآءُ وَشَانَ شِمَا بَزْرَكُ، وَشَفَاعَتِ شِمَا مُورِدِ قَبُولِ اسْتِ. «پروردگارا! به آنچه بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَآكُتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (۶۲)، «رَبَّنَا لَا تُزِغْ فِرْوُ فِرْسْتَادِهِ اِي اِيْمَانِ آوْرَدِهِ وَازِ فِرْسْتَادِهِ اِي اِيْمَانِ آوْرَدِهِ، پَسِ مَارَا بَا گَوَاهَانِ بِنُويسِ» (۶۳)، «پروردگارا! ۱. سوره آل عمران، آیه ۵۳.

قُلُوبِنَا بَعِيدٍ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ دَلَّالٌ عَلَى الْغَيْبِ، وَتَجَالَّتْ وَتَكَبَّرَتْ بَاعِظَتِ، گُوشِ بِي اِيْمَانِ آوْرَدِي مُنْحَرَفِ مَكْرَدَانِ، وَازِ نَاحِيَةِ خُودِ رَحْمَتِي بِرِ مَا بَبَخَشِ، بِرَاسْتِي تَوَالُوْهَابُ» (۶۳)، «رَبَّنَا إِنَّا سَيِّعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِسَيِّئِ مَا بَخَشْتُمْ» (۶۴). لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ مُجَابًا، وَمُسِيْمًا جَلِيلًا، وَمُنَادِيًا بِسَيِّئِ مَا بَخَشْتُمْ اِيْمَانِ آوْرَدِيْمُ. خُودِ اِيْمَانِ آوْرَدِيْمُ؛ گُوشِ بِرِ فِرْمَانِ تُوْأْمِ، تُوْ رَا لَبَّيْكَ مِي گُوِيْمُ كِهِ اِيْجَابَتِ شُدِهِ اِي، اِي بِرِ گُوشِ رِسَانْدِهِ بَلَنْدِ مَرْتَبِهِ، وَ اِي نَدَا دِهَنْدِهِ عَظِيْمًا، لَبَّيْكَ وَسَيِّعَدِيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ وَتَجَالَّلْتَ، وَتَكَبَّرْتَ بَاعِظَتِ، گُوشِ بِرِ فِرْمَانِ تُوْأْمِ وَ تُوْ رَا كَمَكِ مِي كَنْمِ، بِرِ كَتِ اَفْرِيْنِ وَ بَلَنْدِ مَرْتَبِهِ اِي، وَ اِلْمَقَامِ وَ بَزْرَكِي، وَتَعَظَّمْتَ وَتَقَدَّسْتَ، لَبَّيْكَ رَبَّنَا وَسَيِّعَدِيْكَ، اِيْقْرَارًا بِرُبُوبِيَّتِكَ، وَبَاعِظَتِ وَ پَاكِي، اِي پِرُوْرِدِ گَارِ مَا؛ گُوشِ بِرِ فِرْمَانِ تُوْأْمِ، وَ تُوْ رَا مَسَاعِدَتِ وَ كَمَكِ مِي كَنْمِ، بِرِ پِرُوْرِدِ گَارِيْتِ اِقْرَارِ مِي كَنْمِ، وَ اِيْقَانًا بِحُكْمِكَ، وَتَصْدِيْقًا بِكِتَابِكَ، وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ، هَا اَنَا ذَا عَهْدِكَ وَ بِرِ تُوْ يَقِيْنِ دَارِمِ، وَ كِتَابَتِ رَا تَصْدِيْقِ مِي نَمَايْمِ، وَ بِرِ عَهْدِ وَ پِيْمَانَتِ وَ فَادَارِمِ، اِكْنُونِ مِنْ اَنْ بَنْدِهِ تُوْ هِسْتَمِ بَيْنَ يَدَيْكَ، لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، تَلْبِيْهِ الْخَائِفِ مِنْكَ، اِلْرَّاجِي لَكَ، دَرِ پِيْشِ گَاهَتِ گُوشِ بِرِ فِرْمَانِ تُوْأْمِ، خُودِ اِيْمَانِ آوْرَدِيْمُ؛ نَدَايِ تُوْ رَا جَوَابِ مِي دِهْمِ، لَبَّيْكَ كَسِي كِهِ اَزِ تُوْ بِيْمَنَاكِ اسْتِ، بِرِ تُوْ اِيْمِدِ دَارِدِ، اِلْمُسْتَجِيْرِ بِكَ، رَضِيْنَا وَ اَحْبَبْنَا وَ سَمِعْنَا وَ اَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا بِرِ تُوْ پِنَاهِ آوْرَدِهِ اسْتِ، خُشْنُوْدِيْمِ وَ دُوْ سْتِ دَارِيْمِ وَ

شنیدیم و اطاعت نمودیم و آمرزش تو را خواهانیم ای پروردگار ما، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، وَأَنْتَ إِلَهُنَا وَمَوْلَانَا. لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ إِنْ كَانَ وَبازگشت کار و سرانجام آن به سوی تو است، و تو معبود ما و سرور ما هستی. ندای تو را جواب می دهم ای دعوت کننده ما به سوی خدا؛ اِغْرَلَمْ يُجِيبَكَ يَدْنِي، وَلَمْ أُدْرِكْ نُصَيْرَتَكَ، فَهِيَ أَنَا ذَا عَيْدِكَ وَزَائِرِكَ، تو را بدلم پاسخ نگفت، و به یاریت نشتافت، اکنون این بنده تو و دیدار کننده تو، وَزَائِرُ الْإِكِّ وَعِثْرَتِكَ، وَالْمَحِلُّ بِسَاحَتِكُمْ، قَدْ أَجَابَكُمْ قَلْبِي وَنَفْسِي وَزِيَارَتِ كُنْدَه خاندان و عترت تو، و واردشونده به ساحت مقدس شما است، شما را قلب و جان و رُوحی وَسَمِعِي وَبَصِيرِي بِالتَّسْلِيمِ وَالْإِيمَانِ بِكَ، وَبِأَخِيكَ وَرُوحِ وَغُوشِ وَچشمم پاسخ گفته است با سر تسلیم فرود آوردن و ایمان آوردن به تو، و برادران. سوره آل عمران، آیه ۲. ۸. سوره آل عمران، آیه ۱۹۳.

وَوَصِيَّتِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَأَبْنَتِكَ فَاطِمَةَ سَيِّدَهُ وَوَصِيَّتِي وَجَانِشِينَتِ امِيرِ مُؤْمِنَانِ، وَسُرُورِ اَوْصِيَاءِ، وَدَخْتَرِ فَاطِمَةَ سُرُورِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَسَبْطِيكَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ زَنَانِ عَالَمِيَانِ، وَدُوسَبْطِ عَزِيْزَتِ امَامِ حَسَنِ وَامَامِ حَسِيْنِ، دُوسُرُورِ جَوَانَانِ اَهْلِ الْجَنَانِ، وَبِالْأَدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ، الْأَنْثَمَهُ مِنْ عِثْرَتِكَ وَذُرِّيَّتِكَ الطَّاهِرِينَ، بهشت، و به آن ها كه دليل و راهنما هستند بر خداوند، (يعني) امامان از عترت و ذريه پاکت، وَنُصَيْرَتِي لَكُمْ مَعِيَدَةً، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بِأَذْنِهِ، وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ. و یاری من برای شما آماده است، تا خداوند به اذن و فرمانش حکم کند، و او بهترین حکم کننده گان است. لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَعِيًّا إِلَيْكَ وَإِقْبَالًا، لَبَّيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، تَعَلَّقَانْدَايِ تُو رَا پَسَخِ مِي دَهْمِ اِي رَسُوْلِ خَدَا؛ به سويت شتابان و به تُو رُوِي آوَرْدِه ام، ندای تو

را جواب می دهم ای پیامبر خدا؛ بِحَبْلِكَ وَاعْتِصَامًا، لَبَّيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، تَعُوذًا بِحَبْلِكَ وَلِوَاذًا، لَبَّيْكَ يَا بَه رِيسْمَانِ تُو وَابْسْتَه وَ پيوسْتَه ام، ندای تو را پاسخ می دهم ای حبیب خدا؛ به سوی تو بازگشته ام و پناهنده گشته ام، ندای تو را پاسخ می دهم ای نُورِ اللَّهِ، يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْقَاسِمِ، تَذَلُّلًا نُورِ خِدا؛ ای مُحَمَّد بن عبدالله؛ ای برگزیده خدا؛ ای ابا القاسم؛ در برابر عِزَّتِكَ، وَطَاعَةً لِأَمْرِكَ، وَقَبُولًا لِقَوْلِكَ، وَدُخُولًا فِي نُورِكَ، وَإِيمَانًا عَزَّتْ ذَلِيلٌ وَ خوارم، و به امر تو فرمانبردارم، و گفتارت را پذیرا هستم، و در نور و روشنائی تو وارد گشته ام، وَبِحَبْلِكَ وَبِأَخِيكَ وَوَصِيَّتِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَبْلُ وَعِزَّتِكَ الطَّاهِرِينَ، به تو و به برادرت و وصی و جانشینت امیر مؤمنان و خاندان و عترت پاکت ایمان آورده ام، وَتَصَدِيقًا بِمَا جِئْنَا بِهِ مِنْ عِنْدِ رَبِّكَ. «رَبَّنَا فَاعْفُ رَنَا ذُنُوبَنَا وَآنِجِهَ بَرَايَ مَا از نزد پروردگارت آورده ای راست و درست می دانم. «پروردگارا؛ گناهان ما را بیامرز، وَكُفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا وَاز زشتی های ما چشم پوشی کن، و ما را با نیکان بمیران پروردگارا؛ به ما عنایت کن آنچه را که عَلَى رُسُلِكَ وَلا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْوَعْدَ» (۶۵)، بر رسولانت وعده فرمودی، و ما را روز قیامت خوار و سرافکنده مگردان، که تو خلاف وعده نمی کنی» (۱). سوره آل عمران، آیه ۱۹۳ و ۱۹۴.

رَبَّنَا اتِّنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ پروردگارا؛ به ما در دنیا نیکی، و در آخرت نیکی مرحمت فرما، و به رحمت خویش از عذاب النَّارِ، «سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا» (۶۶)، عذاب دوزخ نگهدار، «پاک و منزّه است پروردگار ما و وعده پروردگاران حتماً انجام شده است» (۱) «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ»

عَمَّا يَصِفُونَ نَوَسِيْلًا عَلَى الْمُزْسِلِيْنَ» پاک و منزّه است پروردگارت صاحب عزّت و شکوه از آنچه توصیف می کنند و سلام بر فرستاده شدگان، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ «(۶۷). اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اُشْهَدُكَ اَنَّ هَذِهِ قُبُوْرُو سِيَّاس و ستایش از آن خداوندی است که پروردگار جهانیان است.» خداوندا؛ تو را گواه می گیرم که این ها قبور پاک اَوْلِيَاءِكَ وَمَشَاهِدُهُمْ وَاثَارُهُمْ، وَمُعَيَّبِيْهِمْ وَمَعَارِجُهُمْ، اَلْفَائِزِيْنَ اَوْلِيَايَ تو، و زیارتگاه و آثار، و محلّ پنهان شدن و جایگاه عروج ایشان است، که به کرامت تو بِكَرَامَتِكَ، اَلْمُفْضَلِيْنَ عَلَى خَلْقِكَ، اَلَّذِيْنَ عَرَفْتَهُمْ تَبِيَّانَ كُلِّ فَايْزٍ و کامیاب گردیدند، و بر همه آفریدگانت برتری دارند، کسانی که آن ها را از بیان هر شیئی، و حُبُوْتَهُمْ بِمَوَارِيْثِ الْاَنْبِيَاءِ، وَجَعَلْتَهُمْ حُجَجَكَ عَلٰیجِزِ آگاه نمودی، و میراث پیامبران را به ایشان بخشیدی، و آن ها را حَبَّتِ هَايِ خُوِيْشِ بِرَبْرِيَّتِكَ، وَاْمَنَاكَ عَلَى وَحِيَّتِكَ، وَخُرَانَكَ عَلَى وَحِيَّتِكَ. اَللّٰهُمَّ اَفْرِدْ كَانْتِ، و امینان بر وحیت، و خزانه داران بر آن قرار دادی. خداوندا؛ فَبَلِّغْ اَرْوَاحَهُمْ وَاَجْسَادَهُمْ فِيْ هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِيْ كُلِّ وَقْتٍ وَاَوَانٍ از طرف ما به ارواح و اجساد پاک ایشان در این ساعت و در هر وقت و هنگام و حِيْنٍ و زَمَانٍ مِّنَّا السَّلَامَ، وَاْرُدُّدْ عَلَيْنَا مِنْهُمْ السَّلَامَ، وَاَلْسَلَامُ و دوران و زمان سلام برسان، و از طرف آنان پاسخ سلام ما را به ما بازگردان، و سلام عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ. اَشْهَدُ اَنَّكُمْ تَسْمَعُوْنَ اَلْكَلامَ، بر شما و رحمت خدا و برکات او) بر شما باد.) گواهی می دهم که شما سخن ما را می شنوید، وَتَرُدُّوْنَ السَّلَامَ. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ و سلام ما را پاسخ می گوئید. خداوندا؛ همانا تو از زبان پیامبرت - که درود تو ۱. سوره اِسْرَاءِ، آیه ۲. ۱۰۸. سوره صافات، آیه ۱۸۰ - ۱۸۲.

عَلَيْهِ وَعَلَى اِلٰهِ، وَقَوْلِكَ الْحَقُّ «وَبَشِّرِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَنَّ لَهُمْ قَدَمٌ بِرِ اَوْ

و بر آل او باد - فرموده ای و گفتار تو حق است: «بشارت بده به آنانکه ایمان آورده اند که صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (۶۸). اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ قَدْ اَمَنْتُ بِكَ وَبِهِمْ، وَصَدَقْتُ نَزْدَ پُروردگارشان پیشینه نیکوئی دارند». خداوندا! من به تحقیق به تو و به ایشان ایمان آوردم، و تصدیق کردم، وَسَيَمَعْتُ وَأَطَعْتُ وَأَسْلَمْتُ، فَلَا تُؤَقِّنِيْ اَیْدِیْاً مَّوَاقِفَ الْخِزْيِ فِیْ وَشَنیدم و اطاعت کردم و تسلیم گردیدم، پس هیچگاه مرا در جایگاه خواری و رسوایی درالدُّنْیَا وَالْمَاخِرَةِ، وَأَعْطِنِیْ سُوْلِیْ، وَاجْعَلْ صِلَواتِیْ بِهِمْ مَقْبُولَةً، دُنْیَا وَ آخِرَتِ مَتَوَقَّفِ مفرما، و خواسته ام را عطا کن، و نمازهایم را به واسطه آن بزرگواران قبول کن، وَدُعَائِیْ بِهِمْ مُسْتَجَاباً، وَسِعْیِیْ بِهِمْ مَشْكُوراً، وَذَنْبِیْ بِهِمْ وَدَعَائِیْمِ را به خاطر آنان به اجابت برسان، و سعی و تلاشم را به وسیله آنان پاداش بده، و گناهم را به خاطر آنان مَغْفُوراً، وَذِكْرِیْ بِهِمْ رَفِیعاً، وَكَعْبِیْ بِهِمْ عَلِیّاً، وَیَقِیْنِیْ بِهِمْ بِیَاْمِرِیْ، وَیاد و نامم را به خاطر آنان بالا ببر، و به خاطر آنان شریف و سرافرازم گردان، و یقینم را به خاطر آنان ثابِتاً، وَرُوحِیْ بِهِمْ سَیْلِمَةً، وَجِسْمِیْ بِهِمْ مُعَافاً مَرْزُوقاً، سَعیداً استوار، و روحم را به خاطر آنان بی عیب، و جسمم را به وسیله آنان سالم و (مرا) تندرست و روزی داده شده، سَعادتِمْ، رَشیداً، تَقِیّاً عَالِماً، زَاهِداً مُتَوَاضِعاً، حَافِظاً زَكِیّاً فَقیهاً مُوَفَّقا، راه یافته، پرهیزکار، دانشمند، اهل زهد، فروتن، حفظکننده، پاکیزه، آگاه، مَوْفِقاً، مَعْصُوماً مُؤَیِّداً قَوِیّاً عَزِیزاً، وَلا تَقْطَعْ بَیْ عَنَّهُمْ، وَلا تُفَرِّقْ نَگه داشته شده، تأییدشده، نیرومند و عزیز گردان، و رشته اتصال مرا از آنان قطع مکن، وَبَیْنِیْ وَبَیْنَهُمْ فِی الدُّنْیَا وَالْمَاخِرَةِ، اَمِینَ رَبِّ الْعَالَمِینَ. (۶۹) میان من و آن بزرگواران در دنیا و آخرت جدایی میفکن، به اجابت برسان) دعاهایم را ای (پروردگار جهانیان).

زیارت جامعه چهارم

سید بن طاووس رحمه الله فرموده

است: این زیارت از امام هادی صلوات الله علیه روایت شده است: اجازه ورود به حرم می خواهی ... سپس داخل می شوی در حالی که پای راست خود را بر پای چپ مقدم می داری و می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِه نام خدا و به یاری خدا، و بر آئین رسول خدا که درود خدا بر او و آل او باد، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا غَوَاهِي مِي دَهْمِ كِه مَعْبُودِي جَزِ خَدَاوَنَدِ نِيَسْتِ، اُو يَكْتَا اِسْتِ شَرِيكِي نَدَارَدِ، وَ گَوَاهِي مِي دَهْمِ كِه (حَضْرَتِ) مُحَمَّدِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا.

بنده و فرستاده او است، درود خدا و سلام فراوان خداوند بر او و آل او باد.

سپس ضریح مقدس را مقابل رویت و قبله را پشت سرت قرار می دهی، و پس از گفتن صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» می گوئی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ، گَوَاهِي مِي دَهْمِ كِه مَعْبُودِي جَزِ خَدَاوَنَدِ نِيَسْتِ، اُو يَكْتَا اِسْتِ شَرِيكِي بَرَايشِ نَمِي بَاشَدِ، هَمَانِ گَوْنِه كِه خَدَاوَنَدِ بَرَايِ خُوِيَشِ گَوَاهِي وَشَهِدْتُ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ دَادِه وَ فَرَشْتِ گَانَشِ وَ صَاحِبَانِ عِلْمِ وَ دَانَشِ اَزِ مِيَانِ آفَرِيْدِ گَانَشِ بَرَايِ اُو گَوَاهِي دَادِه اَنَدِ، خَدَائِي جَزِ اُو كِه شَكَسْتِ نَآبَذِرِ الْحَكِيمِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُتَّحِبُّ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، وَ حَكِيمِ اِسْتِ وَ جُودِ نَدَارَدِ. وَ گَوَاهِي مِي دَهْمِ كِه (حَضْرَتِ) مُحَمَّدِ بَنَدِه بَرِ گَزِيْدِه وَ فَرَسْتَادِه پَسَنَدِيْدِه اُو اِسْتِ، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ اُو رَا بِه هِدَايْتِ وَ دِينِ حَقِّ فَرَسْتَادِه اِسْتِ تَا بَرِ تَمَامِ اَدِيَانِ چِيْرِه گَرْدَانَدِ گَرِچِه خُوشِ آيِنْدِ الْمُشْرِكُونَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ

صَلَوَاتِكَ وَأَكْمَلَهَا، وَأَنْمِي مَشْرَكَانَ نَبَاشِدًا. خدائوندا؛ قرار بده برترین درودهایت و کامل ترین آن را، و فزاینده ترین بَرَکاتِکَ وَأَعْمَمَهَا، وَأَزْكَى تَحِيَّاتِكَ وَأَتَمَّهَا، عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ بِرَكَاتٍ و فراگیرترین آن را، و پاکیزه ترین تحیت هایت و تمام ترین آن را بر سرور ما (حضرت) مُحَمَّدِ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَنَجِيَّتِكَ وَوَلِيِّكَ وَرَضِيَّتِكَ وَصَفِيَّتِكَ وَخَيْرَتِكَ بنده و فرستاده و همراز و ولی و پسندیده و برگزیده و اختیارشده وَخَاصَّتِكَ وَخَالِصَتِكَ وَأَمِينِكَ، أَلشَّاهِدِ لَكَ، وَالذَّالِّ عَلَيْكَ، و ویژه و خالص و امین و مورد اعتمادت که گواه است برای تو، و دلالت کننده است بر تو، وَالصَّادِعِ بِأَمْرِكَ، وَالنَّاصِحِ لَكَ، أَلْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ، وَالذَّابِّ وَآشکارکننده امر و فرمان تو، و خیرخواه و نصیحت کننده است برای تو، که در راه تو جهاد کرد وَعَنْ دِينِكَ، وَالْمَوْضِعِ لِبِرَاهِينِكَ، وَالْمُهَيِّدِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْمُرْشِدِاز دین تو حمایت نمود، و دلایل قاطع تو را روشن و آشکار ساخت، و به طاعت و فرمانبرداریت رهنمون گشت، و به آنچه إِلَى مَرْضَاتِكَ، وَالْوَاعِي لَوْحِيَّتِكَ، وَالْحَافِظِ لِعَهْدِكَ، وَالْمَاضِي مَوْرِدِ پَسْنَدِ و خَشْنُودِ تو است راهنمایی فرمود، و وحی تو را حفظ کرد، و عهد و پیمان تو را نگهداشت، وَعَلَى إِنْفَازِ أَمْرِكَ، أَلْمُؤَيِّدِ بِالنُّورِ الْمُضِيِّ، وَالْمُسَدِّدِ بِالأَمْرِاجِرَا نمود فرمان نافذ تو را، آنکه با نوری تابنده مورد تأیید و با امری پسندیده استوار، أَلْمَرْضِي، أَلْمَعْصُومِ مِنْ كُلِّ خَطَاٍ وَزَلَلٍ، أَلْمُنْتَزِهِ مِنْ كُلِّ دَنْسٍ و از هر خطا و لغزشی مصون، از هر گونه آلودگی و تباهی پاک است، وَخَطَلٍ، وَالْمَبْعُوثِ بِخَيْرِ الأَدْيَانِ وَالْمَلَلِ، مُقَوِّمِ الْمَيْلِ وَالْعَوَجِ، و به بهترین دین ها و آئین ها برانگیخته شد، راست کننده کجی ها و انحرافات، وَمُقِيمِ البَيِّنَاتِ وَالْحَجَجِ، أَلْمَخْصُوصِ بِظُهُورِ الْفَلَاحِ، و ایضاح و اقامه کننده دلایل روشن و حجت های آشکار، (او) به ظاهر نمودن پنهانی و روشن ساختن الْمَنْهَجِ، أَلْمُظْهِرِ مِنْ تَوْحِيدِكَ مَا اسْتَتَرَ، وَالْمُحْيِي مِنْ عِبَادَتِكَ رَاهِ و یژگی داشت،

از توحید تو آنچه پوشیده بود ظاهر ساخت، و از پرستش تو آنچه زنگار گرفته ما دُثِر، وَالْخَاتِمَ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحَ لِمَا انْغَلَقَ، الْمُجْتَبَى مِنْ زنده نمود. و پایان بخش آنچه پیشی گرفته و گشاینده درهای بسته بود، از میان خَلَائِقِكَ، وَالْمُعْتَمَ لِكَشْفِ حَقَائِقِكَ، وَالْمَوْضِحَ بِهِ أَشْرَاطُ أَفْرِيدِ گانت برگزیده شد، و برای کشف حقایق و دینت انتخاب گردید، و به وسیله او چراغ های الهیدی، وَالْمَجْلُوبُ بِهِ عَزِيبُ الْعَمَى، دامغ جیشاتِ الْأَبَاطِيلِ، هدایت روشن، و تاریکی های جهالت برطرف شد. (او) سرکوب کننده شکوه باطل، وَدَافِعِ صَوْلَاتِ الْأَضَالِيلِ، الْمُخْتَارِ مِنْ طِينِهِ الْكَرَمِ، وَسَلَالَهُوْ از بین برنده هجوم گمراهی بود، از سرشت کرم و بزرگواری، و نسلی که الْمَجِيدِ الْأَقْدَمِ، وَمُغْرَسِ الْفَخَّارِ الْمُعْرَقِ، وَفَرْعِ الْعَلَاءِ الْمُشْمِرِ دارای عظمت و شکوه دیرینه اند اختیار شده است. و محلّ رویش درخت ریشه دار فخر و کرامت، و شاخه پرمیوه المورقِ، الْمُتْتَجِبِ مِنْ شَجَرِهِ الْأَصْفِيَاءِ، وَمَشْكَاهِ الضِّيَاءِ، وَذَوَابِهِوْ برگ ارزش های والا، برگزیده شده از شجره برگزیدگان، و چراغدان نور و روشنائی، و سرآمد العُلَیَاءِ، وَسُرَّهِ الْبَطْحَاءِ، بَعِيَّتِكَ بِالْحَقِّ، وَبُرْهَانِكَ عَلَى جَمِيعِ عَزَّتِ و شرف و برتری ها، و شریف ترین کسی که نشو و نما پیدا کرده در زمین مکه، فرستاده شده تو به حق، و بیان واضح تو بر همه الخلقِ، خَاتَمِ أَنْبِيَاءِكَ، وَحُجَّتِكَ الْبَالِغَةِ فِي أَرْضِكَ وَسَيِّمَاتِكَ. آفریدگان، خاتمه دهنده پیامبرانت، و حجت رسایت در زمینت و آسمانت. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيِّهِ صَلَاةً يَنْغَمِرُ فِي جَنْبِ انْتِفَاعِهِ بِهَا قَدَرُ الْإِنْتِفَاعِ، خداوندا؛ بر او درودی فرست، درودی که در کنار سود بردن به سبب آن قدر و قیمت سود بردن ناپدید گردد، وَيَحْوِزُ مِنْ بَرَكَهِ التَّعَلُّقِ بِسَبَبِهَا مَا يَفُوقُ قَدَرَ الْمُتَعَلِّقِينَ بِسَبَبِهَا، و از برکت تعلق به آن فراگیرد چیزی را که از ارزش وابستگان به او برتری یابد، وَزِدَّهُ بَعْدَ ذَلِكَ [بِهِ] مِنَ الْإِكْرَامِ وَالْإِجْلَالِ، مَا يَتَقَاصَرُ عَنْهُ و

پس از آن بیفزا به سبب آن از گرمی داشت و بزرگداشت آنچه را که آرزوهای گسترده و بلند نسبت فسیحِ الأمالِ، حَتَّى يَغْلُو مِنْ كَرَمِكَ أَعْلَى مَحَالِّ الْمَرَاتِبِ، به آن کوتاهی کند، تا آنکه از کرم و بزرگواریت به عالی ترین مرتبه بالا-رود، وَيَزْقَى مِنْ نِعْمِكَ أَشْيَئِي مَنَازِلِ الْمَوَاهِبِ، وَخُذْ لَهُ اللَّهُمَّ بِحَقِّهِ و از نعمت هایت به برترین قلّه و جایگاه بخشش ترقّی کند. و خداوندا؛ حَقِّ او و آنچه وَوَجِبِهِ، مِنْ ظَالِمِيهِ وَظَالِمِي الصَّفْوَةِ مِنْ أَقَارِبِهِ. اللَّهُمَّ وَصَلِّ سَزَاوَارِ اسْتِ بَرَايِ او از آنان که به او و برگزیدگان از خویشانش ستم کرده اند بگیر. خداوندا؛ و درود فرست علی وَلِيِّكَ، وَدَيَّانِ دِينِكَ، وَالْقَائِمِ بِالْقِسْطِ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ عَلِيَّ بَرِ و لَيْتِ و حاکم حکومت و به پادارنده عدالت بعد از پیامبرت (یعنی حضرت (علی بن ابی طالب، أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَسَيِّدِ الْوَصِيَّةِ بْنِ ابِي طَالِبِ، امیر مؤمنان، و پیشوای پرهیزکاران، و سرور اوصیاء، وَيَعْسُوبِ الدِّينِ، وَقَائِدِ الْعُرِّ الْمُحْجَلِينَ، وَقَبْلَهُ الْعَارِفِينَ، وَعَلَمِ و رَئِيسِ و رَهْبَرِ دِينِ، و زمامدار و فرمانده روسفیدان، و قبله عارفان، و نشانه و راهنمای الْمُهْتَدِينَ، وَعُزْوَتِكَ الْمُؤْتَقِي، وَحَيْلَتِكَ الْمَيْتِينَ، وَخَلِيفَةِ رَسُولِكَ هِدَايَتِ يَافْتِگَانِ، و دست آویز مورد اطمینانت، و ریسمان محکمت، و جانشین پیامبرت عَلِيَّ النَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَوَصِيَّةِ فِي الدُّنْيَا وَالدِّينِ. الصَّديقِ بَرِ همه مردم، و وصی او در امر دین و دنیا. آنکه در میان مردم در نیروی ایمان الْأَكْبَرِ فِي الْأَنَامِ، وَالْفَارُوقِ الْأَزْهَرِ بَيْنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، نَاصِرِ و صَحْتِ آن پس از پیامبر قرار داشت، و جداکننده روشن بین حلال و حرام، یاری کننده الْإِسْلَامِ، وَمُكَسِّرِ الْأَصْنَامِ، مُعِزِّ الدِّينِ وَحَامِيهِ، وَوَاقِيِ الرَّسُولِ اسْلَامِ، و شکننده بتها، عزیزگرداننده دین و حمایتگر آن، و سپر بالای پیامبر و کافیه، الْمَخْصُوصِ بِمُؤَاخَاتِهِ يَوْمِ الْإِحَاءِ، وَمَنْ هُوَ مِنْهُ بِمَنْزِلِهِو حَفْظِ كُنْدِه او، اِخْتِصَاصِ يَافْتِه به برادری او در روز اخوت،

و کسی که او جایگاهش نسبت به پیامبر مانندهارون من موسی، خامس اصحاب کساء، و بعل سیدهارون نسبت به موسی است، پنجمین اصحاب کساء، و همسر سرورالنساء، المؤثر بالقوت بعید صر الطوی، والمشکور سغیه فی زنان، آنکه قوت و غذای خود را با گرسنگی شدید ایشار کرد، و سعی و تلاش او درهیل اتی. مضیباح الهیدی، و میاوی التقی، و محل الحجی، و طودسوره «هل اتی» سپاسگزاری شد. چراغ هدایت، و جایگاه تقوا و پرهیزکاری، و محل عقل و زیرکی، و کوه خردالنهی، الداعی الی المحجه العظمی، و الظاعن الی الغایهو اندیشه، دعوت کننده به سوی شاهراه عبودیت، و کوچ کننده به سوی کرانه های القصوی، و السامی الی المعجد و العلی، و العالم بالتأویل دور، و اوج گیرنده به سوی قله عظمت و شکوه و برتری، و دانای به تأویل (باطن قرآن (والذکری، الّذی اخدمته خواص ملائکتک بالطاس و المندیل و بیان، آنکه فرشتگان ویژه با ظرف آب و حوله در خدمت او بودند حتی توضاً، و رددت علیه الشمس بعید دنو غروبها، حتی اذی تا وضو گیرد، و خورشید را پس از نزدیکی غروبش به خاطر او بازگرداندی تافی اول الوقت لک فزضاً، و اطعمته من طعام اهل الجنة حین نماز واجب را در اول وقت آن پیا دارد، و از خوراک اهل بهشت به او خوراندی هنگامی که منح المقصد فزضاً، و باهت به خواص ملائکتک، اذ شری نفسه قرض دریافتی خود را به مقدار بخشید، و به وجود او بر فرشتگان خاصت مباحات نمودی، زمانی که جان خود را ایتغاء مراضاتک لترضی، و جعلت ولایتته احدى فراضک. در طلب رضایت تو برای حفظ جان پیامبرت در طبق اخلاص نهاد، و ولایت او را یکی از فرائض و واجبات قرار دادی. فالشقی من اقر بغض و انکر بغضاً، عنصر الأبرار، و معدن پس شقی و

بدبخت کسی است که به بعضی از این فضائل اقرار کند و برخی را انکار نماید. اصل و اساس نیکوکاران، و معدن الفخار، وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، صَاحِبِ الْأَعْرَافِ، وَأَبِي الْأَيْمَنِ الْفَخْرِ وَكَرَامَتِ، وَتَقْسِيمِ كُنُودِ بَهْشْتِ وَدُوزَخِ، صَاحِبِ الْأَعْرَافِ (۷۰)، و پدر امامان الْأَشْرَافِ، الْمَظْلُومِ الْمُعْتَصِبِ، وَالصَّابِرِ الْمُحْتَسِبِ، وَالْمَوْتُورِ بزرگوار، که از جهت حسب و نسب از عموم مردم برترند، ستمدیده ای که حق او غصب شده، و شکیبائی که برای رضای خدا صبر کرد، و شهیدی ۱. جایگاهی میان بهشت و دوزخ است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آنجا نشیند و مردم را به سیمای آنان بشناسد.

فِي نَفْسِهِ وَعِزَّتِهِ، الْمَقْصُودِ فِي رَهْطِهِ وَأَعِزَّتِهِ، صِيْلَةٌ لَأَنَّكَ انتِقَامُ أَوْ وَعِزَّتِ بِكَشِ الْغَرَفَةِ نَشْدَةَ، عَزِيْزِيْ كَمَا فِي مِيَانِ قَوْمِ وَقَبِيْلَةِ وَ عَزِيْزَانِشْ مَوْرِدِ هَدَفِ قَرَارِ كَرَفْتِ، دَرُودِيْ كَمَا انْقِطَاعِ لِمَزِيْدِيْهَا، وَلَا انْقِطَاعِ لِمَشِيْدِيْهَا. اَللّٰهُمَّ اَلْبِسْهُ حُلَّ لِبرای زیادتی آن انقطاعی، و برای بنیان آن سستی نباشد. خداوندا؛ به او جامه های الْأَنْعَامِ، وَتَوَجَّهْ تَاجَ الْاِكْرَامِ، وَارْفَعْهُ اِلَى اَعْلَى مَرْتَبَتِهِ وَمَقَامِ، نِعْمَتِ بِيُوشَانِ، وَ تَاجِ كَرَامَتِ بَرِ سَرِّ اَوْ بَگِذَارِ، وَ اَوْ رَا بَهْ بِالْاَتْرِيْنِ مَقَامِ وَ مَرْتَبَةِ بِالْاَبْرِ، حَتَّى يَلْحَقَ نَبِيَّكَ عَلَيْهِ وَعَلَى اِلَهِ السَّلَامِ، وَ اَحْكُمْ لَهُ اَللّٰهُمَّ عَلِيْتَا اَوْ رَا بَهْ بِبِامْبَرْتِ - كَمَا بَرِ اَوْ وَ آلِ اَوْ دَرُودِ بَادِ - مَلْحَقِ سَازِيْ، خِداوَنْدَا؛ بِرِظَالِمِيْهِ، اِنَّكَ الْعَدْلُ فِيمَا تَقْضِيْهِ. اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ الطَّاهِرِ هَسْتَمِگْرَانِيْ كَمَا بَهْ اَوْ سْتَمِ كَرْدَنْدِ حَكْمِ كَنْ، كَمَا تُوْ دَرِ اَنْجِهْ قِضَاوَتِ وَ دَاوَرِيْ مِيْ كِنِيْ عَادِلِ وَ دَا دَگَرِيْ. خِداوَنْدَا؛ دَرُودِ فَرَسْتِ بَرِ اَنْ اَلْبَتُوْلِ الرَّهْرَاءِ، اِنَّهُ الرَّسُوْلُ، اُمُّ الْاَيْمَةِ الْهَادِيْنَ، سَيِّدَةُ نِسَاءِ وَجُوْدِ پَاكِ بِيْ نَظِيْرِ دَرِخْشَنْدِه، دَخْتَرِ پِيَامْبَرِ، مَادَرِ اِمَامَانِ هِدَايْتِگَرِ، سَرُوْرِ زَنَانِ الْعَالَمِيْنَ، وَارِثِهِ خَيْرِ الْاَنْبِيَاءِ، وَقَرِيْبِهِ خَيْرِ الْاَوْصِيَاءِ، الْقَادِمِ هَجْهَانِ، وَارِثِ بَهْتَرِيْنَ پِيَامْبَرَانِ، وَ

قرین بهترین اوصیاء، آنکه عَلَیْكَ مُتَّالِمَةٌ مِنْ مُصَابِهَا بِأَبِيهَا، مُتَّالِمَةٌ مِمَّا حَلَّ بِهَا مِنْ بَرِّ تُوَّارِدِ گَرْدِیدِ دَرِ حَالِیْ کِه دَر دِنَاکِ بُوَد
از مِصِیْبِتِ فِقدَانِ پَدَرش، وَ شَاکِی بُوَد از سِتمِی کِه غَاصِبِیْهَا، سَاخِطَةٌ عَلَیْ أُمَّهِ لَمْ تَرَ عَ حَقَّکَ فِی نُصِیْرَتِهَا، بِدَلِیلِ غَاصِبِ حَقَّش
بِر او رُوا دَاشت، خِشْمَنَاکِ بُوَد بَر اَمَّتِی کِه رِعايَتِ حَقِّ تُو را دَر یاری او نَکَرَد، بِه دَلِیلِی کِه دَفِنِهَا لِیْلًا فِی حُفْرَتِهَا، اَلْمُعْتَصِبِ بَیْه
حَقَّهَا، وَ اَلْمُعْتَصِبِ بِرِیقِهَا، شَبَانَه دَر آرا مِگَاهش دَفِنِ گَرْدِیدِ، حَقَّش رِبوَدَه، وَ غِصَّه کِلو گِیرِ او شَد، صَلاَةٌ لا غَايَةَ لِأَمَدِهَا، وَ لا نِهَايَةَ
لِمَدَدِهَا، وَ لَمَّا انْقَضَاءَ لِعَمَدِهَا. دَر وِدی کِه پایانی بَرای پایانش، وَ نِهایتی بَرای گِستَرْدِگی وَ دَر ازیش، وَ تَمَامِی بَرای عِدْدِش
نِباشَد. اَللَّهُمَّ فَتَكْفُلْ لَهَا عَنِ مَكَارِهِ دَارِ الْفَنَاءِ فِی دَارِ الْبَقَاءِ بِأَنْفَسِ خِداوند؛ بَرای او دَر سَرای جَاوَدانی بِه جَای ناروائی هَا وَ
دِشْواری هَای دِنِیا اَلْأَعْوَاضِ، وَ أَنْلِهَا مِمَّنْ عَانَدَهَا نِهَايَةَ الْأَمَالِ وَ غَايَةَ الْأَغْرَاضِ، بَهِتَرِیْنِ وَ ارزِشْمِنْدَتَرِیْنِ عَوْضِ وَ جَايِگِزِیْنِ را عَهدَه
دَارِ باش، وَ او را دَر مَورِدِ کِسانی کِه با او عِنادِ وَ رِزِیدِند وَ دِشْمَنِی کَرْدِند بِه بَا لَتَرِیْنِ حَتَّى لا یَبْقِیَ لَهَا وَ لِئِی سَاخِطٌ لِسِی خَطِهَا إِلَّا
وَ هُوَ رَاضٍ، إِنَّکَ أَعَزُّ آرزو هَا وَ اَهْدَافِ بَر سان، تا آنکِه باقی نِمانَد بَرای او ارادِ تَمَنَدِی کِه بِخاطِرِ خِشْمِ او خِشْمَنَاکِ گَرْدِیدَه مِگَر
آنکِه رَاضِی وَ خِشْنُودِ گَرْدَد، مَنِ أَجَارَ الْمُظْلَمِیْنَ، وَ أَعِیدَلُ قَاضٍ. اَللَّهُمَّ اَلْحَقِّهَا فِی الْبِإْکْرَامِ کِه تُو عَزِیز تَرِیْنِ پِناهِ دَهنَدَه
سِتمِیدِگانِ وَ عَادِل تَرِیْنِ دَاوِری. خِداوند؛ او را دَر گِرامِی دَاشتِنِ بَیْغِیْهَا وَ أَبِیْهَا، وَ خُذْ لَهَا الْحَقَّ مِنْ ظالِمِیْهَا. اَللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَیْ بِه
شُوهرِ وَ پَدَرش مَلْحَقِ نِما وَ حَقِّ او را بَر ایشِ از سِتمِگِرانِش بَگِیر. خِداوند؛ وَ دَر وِدِ فَرِستِ بَرِ الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِیْنَ، وَ الْقَادَةَ الْهَادِیْنَ،
وَ السَّادَةَ الْمُعْصُومِیْنَ، اِمَامانِ رَاهِ یافْتَه، وَ زَمَامِدارانِ هِدایتِگَر، وَ سَرورانِ پاکِ وَ مِعْصُوم، وَ الْأَتْقیاءِ الْأَبْرارِ، مَأْوِی السَّکِینَةِ وَ الْوَقارِ،
وَ خُزَّانِ الْعِلْمِ، وَ پَرهیز کارانِ نِکو کار،

جایگاه آرامش و وقار، و خزانه داران علم و دانش، و مُنتَهی الحِلْمِ وَالْفَخَارِ، ساسه العباد، وَأَرْكَانِ الْبِلَادِ، وَأَدْلُهُو نهایت حلم و بردباری و فخر و بزرگواری، مدبّر امور بندگان، و رکن شهرها، و راهنمایان الرّشادِ، الْأَلْبَاءِ الْأَمْجَادِ، الْعُلَمَاءِ بِشَرَعِكَ الرَّهَادِ، وَمَصَابِيحِ رَاهِ كَمَالِ، خردمندان ارجمند، عالمان دینت، زهدپیشه گان، و چراغ های روشنی بخش الظُّلَمِ، وَيَنَابِيعِ الْحِكْمِ، وَأَوْلِيَاءِ النَّعْمِ، وَعِصَمِ الْأَمَمِ، قُرْنَاءِ تَارِيكِي هَا، و چشمه های جوشان حکمت، و صاحب اختیاران همه نعمت ها، و پناه مردمان، قرین التَّنْزِيلِ وَآيَاتِهِ، وَأَمْنَاءِ التَّأْوِيلِ وَوَلَايَتِهِ، وَتَرَاجِمِهِ الْوَحْيِ قُرْآنِ وَ آيَاتِ آن، و امینان تأویل و سرپرستان آن، و مترجمان وحی و دِلَالَاتِهِ، أَيْمَمِهِ الْهُدَى، وَمَنَارِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ التَّقَى، وَكُهُوفِ وَ اِشَارَاتِ آن، پیشوایان هدایت، و نورافکن تاریکی ها، و پرچمداران تقوا، و پناهگاه الوری، وَحَفَظِهِ الْإِسْلَامِ، وَحُجَجِكَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنَامِ، الْحَسَنِ بَشَرِ، وَحَافِظَانِ اسْلَامِ، وَحَبَّتِ هَاىِ تُو بر همه آفریدگان، امام حسن وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَسَيِّدَى نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، و امام حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت، و دو سبط پیامبر رحمت، وَعَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ السَّجَادِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ وَ) حضرت (علی بن الحسین امام سجاد زینت عبادت کنندگان، و) حضرت (محمد بن علی شکافنده علم الدین، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ، و) حضرت (جعفر بن محمد راستگو و امین) پروردگار، و) حضرت (موسی بن جعفر الكاظم الحليم، وَعَلَى بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْوَفِيِّ، وَمُحَمَّدِ بْنِ فَرُورِنْدَه خَشْمِ وَ بَرْدْبَارِ، و) حضرت (علی بن موسی رضایت دارنده و وفاکننده، و) حضرت (محمد بن علی بن البرّ التّقیّ، وَعَلَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُتَنَجِّبِ الزّکیّ، وَالْحَسَنِ عَلِي نیکوکار پرهیزکار، و) حضرت (علی بن محمد برگزیده پارسا، و) حضرت (حسن بن علی بن الهادی الرّضیّ، وَالْحُجَّهَ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ بْنِ عَلِي هِدَايَتِ نگر پسندیده، و) حضرت (حجت بن الحسن صاحب عَصْرِ الزَّمَانِ، وَصِيّ الْأَوْصِيَاءِ، وَبَقِيَّةِ الْأَنْبِيَاءِ، الْمُسْتَتِرِ عَنْ خَلْقِكَ، وَزَمَانِ، وَصِيّ اَوْصِيَاءِ،

و باقی مانده پیامبران، آنکه پوشیده از دیدگان آفریدگانت وَالْمُؤْمِلِ لِإِظْهَارِ حَقِّكَ، الْمَهْدِيِّ الْمُتَنْظِرِ، وَالْقَائِمِ الَّذِي بِهِ وَ
 آرزومند آشکار کردن حق تو است، هدایت شده ای که انتظار او کشیده می شود، و قیام کننده ای که به وسیله او یُنْتَصَرُ. اللَّهُمَّ
 صِلْ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، صَلَاةً بَاقِيَةً فِي الْعَالَمِينَ، دین تو یاری می شود. خداوندا؛ بر همه آنان درود فرست؛ درودی پایدار در
 جهانیان، تُبَلِّغُهُمْ بِهَا أَفْضَلَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ. اللَّهُمَّ أَلْحِقْهُمْ فِي الْإِكْرَامِ که با آن ایشان را به برترین جایگاه گرامی شدگان
 برسانی. خداوندا؛ ملحق ساز آنان را در بزرگداشت بَجَدِّهِمْ وَأَبِيهِمْ، وَخُذْ لَهُمُ الْحَقَّ مِنْ ظَالِمِيهِمْ. أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ بِجَدِّ وَ پدر
 بزرگوارشان، و حق آنان را برایشان از ستمگرانشان بگیر. گواهی می دهم ای مولای من؛ أَنْتُمْ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ،
 الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ که شما فرمانبرداران فرمان حق، پیادارندگان امر او، عمل کنندگان به اراده اش، و رستگاران
 بِكَرَامَتِهِ. اِضْرِبْكُمْ بِعِلْمِهِ، وَاجْتَبَاكُمْ لِعَنِيهِ، وَاخْتَارَكُمْ بِسِرِّهِ، به کرامت او هستید. (خداوند) شما را به علم و دانش خود برگزید،
 و برای امور پنهانی خود پسندید، و برای راز نهانی خود اختیار کرد، وَأَعَزَّكُمْ بِهَيْدَاهُ، وَخَصَّكُمْ بِجِوَارِهِ، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ،
 وَرَضَّيَكُمْ و با هدایت خود عزت بخشید، و به برهان خویش اختصاص داد، و به روح خود تأیید فرمود، وَخُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ،
 وَدُعَاءَ إِلَى حَقِّهِ، وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَنْصَارًا بِعُنْوَانِ جَانَشِينَانِشِ در روی زمین، و دعوت کنندگان به حق او، و گواهان بر
 آفریدگانش، و یاران لِدِينِهِ، وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ، وَتَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، دینش، و حجت های او بر بندگانش، و بیان
 کنندگان وحیش، و خزانه داران علم و دانشش، وَمُسْتَوْدَعًا لِحُكْمَتِهِ. عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأَكُمْ مِنْ وَ مَحَلِّ و دایره نهادن
 حکمتش پسندید. خداوند شما را از گناهان مصون داشت و ازالِ الْعُيُوبِ، وَائْتَمَنَكُمْ عَلَى الْعُيُوبِ. زُرْتُكُمْ يَا مَوْلَايَ عَارِفًا عَيْبِهَا
 پاک نمود، و بر امور

دادی، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا بِسِوَاكَ بِرِهْمِ آتَانِ دَرُودِ فَرَسْتِ، وَ مَرَا بِيهِ وَاسْطَهٗ اِيشَانِ نَزْدِ خُودَتِ دَرِ دُنْيَاوَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ ذُنُوبَنَا بِهَمِّ مَغْفُورَةٍ، وَ آخِرَتِ اَبْرُومِنْدِ وَ اَزِ مَقْرَبِينَ (دَرِ گَاهَتِ) گَرْدَانِ. خُداوَنَدَا؛ قَرَارِ بَدَهٗ گَنَاهَانِ مَا رَا بِيهِ وَاسْطَهٗ اِيشَانِ اَمْرَزِيْدَهٗ شَدَهٗ، وَ عَيْوَبِنَا مَسْتُوْرَهٗ، وَ فَرَايِضَنَا مَشْكُوْرَهٗ، وَ نَوَافِلَنَا مَبْرُوْرَهٗ، وَ عِيُوْبِ وَ زَشْتِي هَايِ مَا رَا پُوْشِيْدَهٗ شَدَهٗ، وَ وَاجِبَاتِ مَا رَا پَادَاشِ دَاْدَهٗ شَدَهٗ، وَ مَسْتَحَبَاتِ مَا رَا پَزِيْرَفْتَهٗ گَشْتَهٗ، وَ قُلُوْبَنَا بِذِكْرِكَ مَعْمُوْرَهٗ، وَ اَنْفُسَنَا بِطَاعَتِكَ مَسْرُوْرَهٗ، وَ جَوَارِحَنَاو دِلِ هَايِ مَا رَا بِيهِ يَادِ خُودَتِ اَبَادَشَدَهٗ، وَ جَانِ مَا رَا بَا فَرْمَانِبَرْدَارِيْتِ شَادَشَدَهٗ، وَ اَعْضَاءِ وَ جَوَارِحِ مَا رَا عَلٰی خِدْمَتِكَ مَقْهُوْرَهٗ، وَ اَسْمَاءَنَا فِيْ خَوَاصِّكَ مَشْهُوْرَهٗ، بِرِ خِدْمَتِ رَامِ شَدَهٗ، وَ نَامِ مَا رَا دَرِ مِيَاْنِ بِنْدِگَانِ وَ يِزْهَاتِ بَلَنْدِ اَوَازَهٗ، وَ اَرْزَاقَنَا مِنْ لَدُنْكَ مَدْرُوْرَهٗ، وَ حَوَائِجَنَا لَدَيْكَ مَيْسُوْرَهٗ، بِرِ رَحْمَتِكَ وَ رُوْزِيْ مَا رَا اَزِ نَاحِيَهٗ خُودَتِ فَرَاوَانِ وَ سَرِشَارِ، وَ حَاجَتِ هَايِ مَا رَا بَرَأُوْرَدَهٗ شَدَهٗ، بِرِ رَحْمَتِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. اَللّٰهُمَّ اَنْجِزْ لِهَمِّ وَ عِيْدِكَ، وَ طَهِّرْ بِسَيِّفِ اِيْ مَهْرِبَانْتَرِيْنِ مَهْرِبَانَانِ. خُداوَنَدَا؛ بِرِ وَعْدَهٗ اَتِ نَسِبْتِ بِرِ اِيشَانِ وَ فَا كُنْ، وَ بَا شَمَشِيْرَقَائِمِهِمْ اَرْضِكَ، وَ اَقِمْ بِرِ حُدُوْدِكَ الْمَعْطَلَّةٗ، وَ اَحْكَامَكَ الْمُهْمَلَهٗ قِيَامِ كُنْدَهٗ اَنَانِ زَمِيْنَتِ رَا پَاكِ فَرْمَا، وَ بِپَا بَدَارِ بِرِ وَ سِيْلَهٗ اَوْ حُدُوْدَتِ كِهٖ تَعْطِيْلِ شَدَهٗ، وَ اَحْكَامَتِ كِهٖ بَكَارِ گَرَفْتَهٗ نَشَدَهٗ وَالْمِيَدَلَّةٗ، وَ اَحْيِ بِرِ الْقُلُوْبِ الْمَيِّتَةَ، وَ اَجْمَعْ بِرِ الْاَهْوَاءِ الْمُتَفَرِّقَةَ، وَ دِگَرِ گُونِ گَشْتَهٗ، وَ دِلِ هَايِ مُرْدَهٗ رَا بِرِ وَ سِيْلَهٗ اَوْ زَنْدَهٗ گَرْدَانِ، وَ خَوَاسْتَهٗ هَا وَ خَوَاشِ هَايِ پَرَا كُنْدَهٗ رَا بِرِ وَ سِيْلَهٗ اَوْ مَتَّحِدِ نَمَا، وَ اَجَلِ بِرِ صَدَاءِ الْجُوْرِ عَنْ طَرِيْقَتِكَ، حَتّٰى يَظْهَرَ الْحَقُّ عَلٰى زَنْگَارِ اِنْحِرَافِ رَا بِرِ وَ سِيْلَهٗ اَوْ اَزِ اَتِيْنِ خُودِ بَزْدَايِ، تَا اَنْكِهٖ حَقِّ رَا يَدِيْهِ فِيْ اَحْسَنِ صُوْرَتِهٖ، وَ يَهْلِكَ الْبَاطِلُ وَ اَهْلُهُ نُبُوْرِ دَوْلَتِهٖ، بِرِ دَسْتِ اَوْ دَرِ نِيكُوْتَرِيْنِ صُوْرَتِشِ اَشْكَارِ گَرْدَانِدِ، وَ بَاطِلِ وَ اَهْلِ بَاطِلِ رَا

به نور دولت خود از میان بردارد، وَلَا يَسِيءُ تَخْفِي لَشَيْءٍ مِّنَ الْحَقِّ مَخَافَهُ أَحَدٍ مِّنَ الْخَلْقِ. اَللّٰهُمَّ وَ هِيْجِ حَقِّيْ رَا بَه خَا طَر تَرَسِ اَز كَسِي پَنَهَان نَدَارَد. خَدَاوَنَدَا؛ عَجَلُ فَرَجِهِمْ، وَأَظْهَرُ فَلَجِهِمْ، وَاسْئَلُكَ بِنَا مِنْهُمْ، وَأَمِنَّا عَلَى فَرَجِ إِيشَان رَا تَعَجِيلِ فَرْمَا، وَ پِيروزي شَان رَا ظَاهِر نَمَا، وَ مَا رَا بَه رَاه رُوشَن أَنَان بِيَر، وَ بَرُوْلَا يَتِيهِمْ، وَ أَحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِمْ وَ تَحْتَ لُؤَا ئِيهِمْ، وَ أُوْرِدْنَا وِلَا يَتِ شَان بَمِيْرَان، وَ دَر زَمْرَه اِيْشَان وَ زِيْر پَرچَمَشَان مَحْشُور گَرْدَان، وَ حَوْضَهُمْ، وَ اسْئَلُنَا بِكَاسَتِهِمْ، وَ لَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ، وَ لَا تَحْرِمْنَا دَر كِنَار حَوْضِ شَان (كُوْثَر) وَ اَرْد كُن، وَ اَز جَامَشَان سِيْرَابِ فَرْمَا، وَ بِيْن مَا وَ اِيْن بَزْر گُوَارَان جَدَائِي مِيْاَنْدَا ز، وَ شَفَاعَتَهُمْ، حَيْثِي نَظْفَرَ بِعَفْوِكَ وَ غُفْرَانِكَ، وَ نَصِيْرٍ اِلَى رَحْمَتِكَ اَز شَفَاعَتِ شَان مَا رَا مَحْرُومِ مَكْرَدَان، تَا اَنَكِه بَه عَفْوِ وَ اَمْر زَشْتِ دَسْتِ يَا بِيْم، وَ مَشْمُولِ رَحْمَتِ وَ رِضْوَانِكَ، اِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ. يَا قَرِيْبَ الرَّحْمَةِ مِنْ وَ رِضْوَانَتِ گَرْدِيْم، اِي (مَعْبُود بَه حَق)؛ وَ اِي (پَرُوْر دِگَارِ جِهَانِيَان. اِي اَنَكِه رَحْمَتِ وَ مَهْرَتِ بَه الْمُؤْمِنِيْنَ، وَ نَحْنُ اَوْلِيَاؤُكَ حَقًّا لَا اِرْتِيَابًا، يَا مَنْ اِذَا اَوْحَشْنَا مُؤْمِنَانِ نَزِيْدِيْكَ اَسْت، وَ مَا وَا قَعًا نَه بَا شَكِّ وَ تَرْدِيْدِ اَز دُوسْتَانِ تُو هَسْتِيْم، اِي كَسِي كِه چُونِ التَّعَرُّضِ لِعُضْبِهِ، اَنَسْنَا حُسْنَ الظَّنِّ بِهِ، فَ نَحْنُ وَ اِثْقُونِ بِيْنَ رَغْبِهِرُويِ اُوْرْدِنِ خَشْمِ وَ غَضْبِشِ مَا رَا بَه وَ حَشْتِ اَنْدَا زِد، خُوشِ گِمَانِيِ بَه اُو مَا رَا اَرَامِشِ بَخَشْد. پَسِ مَا بِيْنِ بِيْمِ وَ اَمِيْدِ خَا ضَعَانَه مَطْمَئِنِّ وَ رَهْبِيْنِ اِرْتِقَابًا، قَدْ اَقْبَلْنَا لِعَفْوِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ طُلَابًا، فَاذْلَلْنَا هَسْتِيْم، وَ بَه عَفْوِ وَ اَمْر زَشْتِ تُو طَلْبِ كُنْدَه رُويِ اُوْرْدِيْم، پَسِ دَرِ بَرَابَرِ لِقْدَرَتِكَ وَ عِزَّتِكَ رِقَابًا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدِ الطَّاهِرِيْنَ، قَدْرَتِ وَ عِزَّتِ گَرْدِنِ مَا رَا فَرُودِ اُوْر وَ مَا رَا مَتَوَاضِعِ گَرْدَانِ، پَسِ بَرِ مُحَمَّدِ وَ آلِ پَاكِ مُحَمَّدِ دَرُودِ فَرَسْتِ، وَ اجْعَلْ دُعَاءَنَا بِهِمْ مُسْتَجَابًا، وَ وِلَاءَنَا لَهُمْ مِنْ

النَّارِ حِجَابًا. و دعای ما را به واسطه ایشان مستجاب شده، و ارادت و دوستی ما را نسبت به آنان مانع از رسیدن به آتش قرار بده. اَللّٰهُمَّ بَصِّرْنَا قَصِيْدَ السَّبِيْلِ لِتُعَمِّدَهُ، وَمَوْرِدَ الرُّشْدِ لِتُرِدَّهُ، وَيَدْلُ خِدَاوِنْدَا؛ راه راست را برای ما آشکار کن تا بر آن اعتماد کنیم، و مسیر کمال را به ما بیاموز تا به آن وارد شویم، و خطایانا صواباً، وَلَا تُرْغِ قُلُوْبِنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتِنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ نَادِرْسْتِي هَا رَا به درستی تبدیل کن، و دل های ما را پس از آنکه هدایت کردی دچار انحراف مکن، و ازلمدنک رَحْمَةً، يَا مَنْ تُسَمِّي جُوْدَهُ وَكَرَمَهُ وَهَابًا، وَاتِنَا فِيْ پِيْشْكَاهِ خُودِ رَحْمَتِيْ رَا به ما ارزانی دار، ای کسی که به خاطر جود و کرم فراوان، «وهاب» یعنی بسیار بخشنده نامیده شده ای، و به الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً، وَفِنَا عَذَابِ النَّارِ، اِنْ حَقَّتْ مَا دَرِ دُنْيَا وَآخِرَتِ نِيْكَى عَطَا كُنْ، و ما را از عذاب آتش نگهدار؛ گرچه ما عَلَيْنَا اِكْتِسَابًا، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

سزاوار آن گردیده باشیم، به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

سپس بازمی گردی و در کنار ضریح می ایستی و می گوئی:

يَا وَلِيَّ اللّٰهِ، اِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوْبًا لَا يَأْتِيْ عَلَيَّهَا اِلَّا اَيُّ وَلِيٍّ خُدا؛ بدون تردید میان من و خداوند شکوهمند و عزیز گناهانی است که جز رضایت و رضا، فَبِحَقِّ مَنْ اِثْمَنَكَ عَلٰى سِرِّهِ، وَاسْتَرْعَاكَ اَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرْنَ خَشْنُودِيْ شَمَا اَنْ هَا رَا اَز بِيْنَ نَمِي بَرْد، پس به حق کسی که شما را بر راز پنهانی خود امین قرار داد و سرپرستی امور آفریدگانش را به شما سپرد، طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ، وَمُؤَالَاتِكَ بِمُؤَالَاتِهِ، تَوَلَّ صَلَاحَ حَالِي مَعَ اللّٰهِ وَ طَاعَتِ شَمَا رَا قَرِيْنَ طَاعَتِ خُودِ، و دوستی و ارادت شما را قرین دوستی و ارادت

خود قرار داد، درستی حال و نیکوئی رفتار مرا با عز و حیل، وَاجْعَلْ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكَ، تَخْلِيطِي بِخَالِصِي زُورِكَ، خداوند
والامرته عهده دار باش، و بهره مرا از زیارتت آمیخته گشتنم با زائران خالص خود قرار بده، الَّذِي تَسْأَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي عِتْقِ
رِقَابِهِمْ، وَتَرْغَبُ إِلَيْهِمْ فِي آنَانِ كَمَا أَنَّكَ تَسْأَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي عِتْقِ رِقَابِهِمْ، وَتَرْغَبُ إِلَيْهِمْ فِي آنَانِ كَمَا أَنَّكَ تَسْأَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي عِتْقِ
مَنْد شدن از ثواب و حُسنِ ثَوَابِهِمْ، وَهَا أَنَا الْيَوْمَ بِقَبْرِكَ لَا تَدُّ، وَبِحُسْنِ دِفَاعِكَ عَنِّي پاداش نیکوی آنان، و اینک من امروز به
مرقد پاک شما روی آورده، و به دفاع نیکوی شما از من عَاتِدٌ، فَتَلَا فَنِي يَا مَوْلَايَ وَأَذْرِكُنِي، وَاسْأَلِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي
أَمْرِي، پناهنده گشته ام، پس به دادم برس ای مولای من و مرا دریاب، و از خداوند الامرته در مورد کار من درخواست کن
فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا كَرِيمًا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا. که برای شما نزد خداوند مقام ارزشمندی است، درود خدا و سلام
فراوان او بر تو باد.

سپس ضریح را ببوس، و رو به قبله دست هایت را بلند کن و بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَمَّا فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ، وَأَكْرَمْتَنِي بِمُؤَالَاتِهِ، عَلَّمْتَنِي خِدَاوَنَدَا؛ هنگامی که تو اطاعت این امام را بر من واجب
گردانیدی، و مرا به دوستی و پیوستن با او گرامی داشتی، دانستم أَنَّ ذَلِكَ لِجَلِيلِ مَرْتَبَتِهِ عِنْدَكَ، وَنَفِيسِ حَظِّهِ لَدَيْكَ، وَلِقُرْبِ
که این به خاطر مرتبه والای او نزد تو، و بهره گرانبهای او در پیشگاه تو، و تقریبی است که او نزد تو دارد، مَنَزَلَتِهِ مِنْكَ، فَلِذَلِكَ
لُحِذْتُ بِقَبْرِهِ، لَوَازِمٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّكَ لَا تَرُدُّ لَهُ پَسْ بَعْدَ هَمِينِ خَاطِرٍ بِقَبْرِ شَرِيفٍ أَوْ پَنَاهِ آوْرَدَه، پَنَاهِ آوْرَدَن كَسِي كَمَا مِي دَانَد بَدُون
تردید شفاعت او رد نمی گردد، شَفَاعَةً، فَبَقْدِيمِ عِلْمِكَ فِيهِ، وَحُسْنِ رِضَاكَ

عَنْهُ، إِرْضَ عَنِّي پَسِ بِه عِلْمِ دِيرِينِ تُو دِرْبَارِه اُو، وَ بِه رِضَايَتِ نِيكُوبِي كِه اَز اُو دَارِي، اَز مَنْ وَعَنْ وَالِإِمْدَى، وَلَا تَجْعَلِ لِلنَّارِ عَلَيَّ سَيِّئًا وَلَا سُلْطَانًا، بِرَحْمَتِكَ وَ اَز پِدَر وَ مَادَرَمِ رَاضِي بَاش، وَ بَرای آتَشِ بَرِ مَنْ رَاهِي قَرَارِ مَدِه وَ آن رَا بَرِ مَنْ مَسْلَطِ مَفْرَمَا، بِه رَحْمَتِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای مهربانترین مهربانان.

سپس از جای خود حرکت کن و پایین قبر بایست و آن را روبروی خود قرار بده و دست هایت را بلند کن و بگو:

اللَّهُمَّ لَوْ وَجِدْتُ شَفِيعًا أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ خَدَاوَنَدَا؛ اِگَر شَفِيعَانِي رَا مِي يَافْتَمِ كِه دَر پيشگاهِ تُو نَزديكْتَر (وَ گَرَامِي تَر) اَز مُحَمَّدِ وَ اهلِ بَيْتِ الْأَخْيَارِ، الْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، لَأَسْتَشْفَعُ نِيكُوكَارِ اُو بُوَد - كِه تَنديسِ تَقْوَا وَ نِيكِي هِسْتَنَدِ وَ بَرِ اُو وَ هَمِه آنانِ دَرُودِ وَ سَلَامِ بَاد - آن هَا رَا بِه دَر گاهتِ شَفِيعِ قَرَارِ مِي دَادَم، بِهْمِ إِلَيْكَ، وَ هَذَا قَبْرُ وَلِيِّ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، وَ سَيِّدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ، وَ اِين، قَبْرِ وَلِيِّ اَز اُولِيَايِ تُو وَ سَرُورِي اَز بَر گزیدگانِ مِي بَاشَد، وَ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ الْخَلْقِ طَاعَتَهُ، قَدْ جَعَلْتَهُ بَيْنَ يَدَيَّ، أَسْأَلُكَ وَ كَسِي اسْتِ اَطَاعَتِ اُو رَا بَرِ هَمِه آفَرِيدگانِ وَ اِجَبِ نَمُودِي، آن رَا پيشاپيشِ خودِ قَرَارِ دَادِه ام، اَز تُو مِي خَواهمِ يَا رَبِّ بِحُرْمَتِهِ عِنْدَكَ، وَ بِحَقِّهِ عَلَيَّكَ، لَمَّا نَظَرْتُ إِلَيْكَ نَظَرًا هِرُورِدِ گارا؛ بِه اِحْتِرامِ اُو نَزْدِ تُو، وَ بِه حَقِّي كِه بَرِ تُو دَارَد، بَرِ مَنْ نِگاهِي رَحِيمَه مِنْ نَظَرَاتِكَ، تَلَّمُ بِهَا شَعْنِي، وَ تَصْلُحُ بِهَا حَالِي فِي اَز نِگاهِي محبَّتِ آميزِ خودِ كِنِي كِه بَا آن نِگاهِ، پَرِيشَانِي مَرَا بَرِ طَرَفِ نَمَائِي، وَ حَالِ مَرَا دَرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، فَإِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنَّ دُنُوبِي لَمَادُنْيَا وَ آخِرَتِ اصْلاحِ فَرْمَائِي وَ نِيكُوكَارَدَانِي، كِه تُو بَرِ هَرِ چيزِي

توانائی. خداوندا؛ چون گناهانم فاتتِ العَدَدِ، وَجَازَتْ أَلَمَدَ، عَلِمْتُ أَنَّ شَفَاعَةَ كُلِّ شَافِعٍ دُونَكَ مِنْ عَدَدِ كَلِمَاتِكَ، وَكَانَتْ تَجَاوِزُ كَلِمَاتِكَ، دَانِسْتُمْ كِه شَفَاعَتِ هِر شَفَاعَتِ كِنْدِه اِي جَزْأَوْلِيَاءِكْ تَقْصُرُ عَنْهَا، فَوَصَلْتُ الْمَسِيرَ مِنْ بَلَدِي، قَاصِدًا وَلِيَكَّ اَوْلِيَاءَتِ كَمْ مِي آوَرْدِ، پَس طَيِّ طَرِيقِ كَرْدَمِ وَ اَز شَهْرِ خُودِ بِه رَاهِ اِفْتَادِه، وَ بَا دَلِ خُوشِي آهَنِكْ وَلِيَّ تُو رَابِ الْبُشْرِي، وَمُتَعَلِّقًا مِنْهُ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَهَا أَنَا يَا مَوْلَايَ قَدِنَمُودَم، وَ بِه دَسْتِ آوِيَزِ مُورِدِ اطمینانی پیوستم، وَ اَكُنُونِ مِنْ اِي مَوْلَايِ مِنْ؛ اِسْتَشْفَعْتُ بِه اِلَيْكَ، وَ اَقْسَمْتُ بِه عَلَيْكَ، فَارْحَمْ غُرْبَتِي، وَاقْبَلْ بِه وَسِيلَه اُو بِه دَرگَاهِ تُو شَفَاعَتِ جِسْتِه، وَ بِه حَرَمَتِ اُو بَرِ تُو قِسْمِ مِي دِهَم، پَس بِه غَرِبَتِ وَ تَنهَائِي مِنْ رَحْمِ كَنْ، وَ تَوْبَتِي. اَللّٰهُمَّ اِنِّي لَا اَعُوْلُ عَلٰى صَالِحِهٖ سِوَلَفْتِ مَنِي، وَلَا اَتَّقُ تَوْبَه اَمِ رَا بِيْذِيْر. خِداوَنْدَا؛ مِنْ هِر كَزِ تَكِيَه نَمِي كَنْمِ بَرِ عَمَلِ صَالِحِي كِه اَز مِنْ اَنْجَامِ كَرْفْتِه، وَ اطمینان ندارم بِحَسَنِيَه تَقْوَمُ بِالْحُجَّه عَنِّي، وَلَوْ اَنِّي قَدَّمْتُ حَسَنَاتِ جَمِيْعِ بِه كَارِ نِيكُوْنِي كِه بَتُوَانَدِ اَز طَرَفِ مِنْ اِقَامَه حُجَّتِ كَنْدِ، وَ اِكْر مِنْ خُوبِي هَا وَ كَارِهَايِ نِيكُوِي خَلْقِكْ، ثُمَّ خَالَفْتُ طَاعَه اَوْلِيَاءِكْ، لَكَانَتْ تِلْكَ الْحَسَنَاتِ هَمِه اَفْرِيْدِ كَانَتْ رَا پِيْشِ فَرَسْتَادِه بُوْدَم، سِپَسِ بَا اِطَاعَتِ اَوْلِيَايِ تُو مَخَالَفَتِ مِي كَرْدَمِ، تَمَامِ اَنْ خُوبِي هَا مُزْعَجَه لِي عَنْ جِوَارِكْ، غَيْرُ حَائِلِه بَيْنِي وَبَيْنَ نَارِكْ، فَلِذَلِكَ مَرَا اَز جِوَارِ تُو مِي رَانَدِ وَ نَمِي تُوَانَسْتِ مِيانِ مِنْ وَ آتَشِ (عَذَابِ) تُو حَائِلِ كَرْدَدِ وَ فَاصله اِيْجَادِ كَنْدِ، وَ لِذَا عَلِمْتُ اَنَّ اَفْضَلَ طَاعَتِكْ طَاعَه اَوْلِيَاءِكْ. اَللّٰهُمَّ اِرْحَمْنَا تَوْجُّهِي دَانِسْتُمْ كِه بَرْتَرِيْنِ طَاعَتِ تُو اِطَاعَتِ اَوْلِيَايِ تُو اَسْتِ. خِداوَنْدَا؛ رَحْمِ كَنْ رُوِي آوَرْدَنْ مَرَابِمَنْ تَوْجُّهْتُ بِه اِلَيْكَ، فَلَقَدْ عَلِمْتُ اَنِّي غَيْرُ وَاْجِدِ اَعْظَمُ بِه كَسِي كِه بِه وَسِيلَه اُو بِه دَرگَاهَتِ رُوِي آوَرْدِه اَمِ، پَس بِه رَاسْتِي دَانِسْتُمْ

خداوندا؛ درود فرست بر حُجَّتِكَ، وَصَّ فُؤَاتِكَ مِنْ بَرِّيَّتِكَ، اَلْتَّالِي لِنَبِيِّكَ، اَلْمُقِيمِ لِأَمْرِكَ حُجَّتِ، و برگزیده ات از میان آفریدگانت، آنکه مقامی پس از مرتبه پیامبرت دارد، پیادارنده امر و فرمان تو است عَلِيُّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَصَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءٍ یعنی حضرت (علی بن ابی طالب، و درود فرست بر) حضرت (فاطمه زهرا که سرور زنان العالمین، وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ شَفِئِي عَزِّتِكَ، وَدَلِيلِي جِهَانِيَانِ است، و درود فرست بر امام حسن و امام حسین که دو گوشواره عرش تو، و دو دلیلند خَلْقِكَ عَلِيَّكَ، وَدُعَاتِهِمْ إِلَيْكَ. اَللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ كَخَلْقٍ رَأَى نَبِيَّهُمْ، وَبِهِ سَوَى تُو فَرَاخَوَانِد. خداوندا؛ و درود فرست بر علی بن الحسین و محمد بن علی وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ وَالْخَلْفِ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى وَجَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ وَحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَانَشِينَ الصَّالِحِ الْبَاقِي، مَصَابِيحِ الظُّلَامِ، وَحُجَجِكَ عَلَى جَمِيعِ الْاَنَامِ، صَالِحِ وَنِيكُوكَارِي كِهْ اَزْ اَنَانِ بَاقِيْمَانِدِهْ اَسْت، چراغ های روشن در تاریکی ها، و حُجَّتِ هَاي تُو بَرْ هَمِهْ مَرْدَمِ، خَزَنَةِ الْعِلْمِ اَنْ يَغِيْدَمَ، وَحُمَاهِ الدِّيْنِ اَنْ يَشِيْقَمَ، صِيْلَاهُ يَكُوْنُ خَزَانَهُ دَارَانِ عِلْمِ كِهْ مَانَعِ نَابُوْدِي اَنْ شُوْنِدْ وَحَامِيَانِ وَمَدَافِعَانِ دِيْنِ كِهْ مَانَعِ بِيْمَارِي اَنْ گَرْدَنْد، دَرُوْدِي كِهْ اَلْجَزَاءُ عَلَيَّهَا اَتَمَّ رِضْوَانِكَ، وَنَوَامِي بَرَكَاتِكَ، وَكَرَائِمِ اِحْسَانِكَ. پاداش آن کاملترین رضایت تو، و فزاینده ترین برکات تو، و ارزنده ترین احسان تو باشد. اَللَّهُمَّ الْعَنْ اَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْاِنْسِ اَجْمَعِيْنَ، وَضَاعِفُ خَدَاوْنِدَا؛ هَمِهْ دَشْمِنَانِ اَنَانِ رَا اَزْ جِنِّ وَاَنْسِ لَعْنَتِ كُنْ، وَعَلَيْهِمُ الْعَذَابُ الْاَلِيْمُ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ. عَذَابِ دَرْدِنَاكَ رَا بَرِ اَيْشَانِ دُوچِنْدَانِ نَمَا، و سَلَامِ وَرَحْمَتِ وَبَرَكَاتِ خَدَاوْنِدِ بَرْ تُو بَاد. سَبَسِ دَعَا كُنْ

به دعای عهدی که دستور داده شده در دوران غیبت خوانده شود (و آن دعا، این است):

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّوْرِ الْعَظِيْمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيْعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ خَدَايَا؛ اى پروردگار روشنى بزرگ؛ اى پروردگار جاىگاه بلندمرتبه؛ اى پروردگار درياى الْمَسِيْحُورِ، وَمُنْزَلَ التَّوْرِيهِ وَالْاِنْجِيْلِ وَالرُّبُوْرِ، وَرَبَّ الظِّلِّ متلاطم؛ و اى فرو فرستنده تورات و انجيل و زبور؛ و اى پروردگار سايه وَالْحُرُوْرِ، وَمُنْزَلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيْمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِيْنَ، و گرمى آفتاب؛ و اى فرو فرستنده قرآن بزرگ؛ و اى پروردگار فرشتگان مقرب؛ وَالْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِيْنَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ، وَبِنُورِ اى پروردگار پيامبران و رسولان؛ بار خدايا؛ من از تو درخواست مى كنم به ذات كريمت، و به روشنى وَجْهِكَ الْمُنِيْرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيْمِ، يا حَيُّ يا قَيُّوْمُ، اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ ذَاتِ رُشْنِيْ بَخْشْتِ، و فرمانروايى بى آغازت؛ اى زنده؛ اى پايدار؛ درخواست مى كنم به واسطه نامت، الَّذِيْ اَشْرَقَتْ بِهِنَّ السَّمَاوَاتُ وَالْاَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِيْ يَصْلُحُ هَمَانَ نَامِيْ كِه اَسْمَانِهَا وَزَمِيْنِهَا بِه سَبَبِ اَنْ رُشْنَ كَرْدِيْد؛ هَمَانَ نَامِيْ كِه بِه الْاَوَّلُونَ وَالْاٰخِرُونَ، يا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، و يا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ پيشينيان و آيندگان با آن اصلاح مى شوند. اى زنده پيش از هر زنده؛ و اى زنده پس از هر حَيٍّ، و يا حَيًّا حِيْنَ لَا حَيٍّ، يا مُحْيِيْ الْمُوْتِيْ وَمُمِيْتِ الْاَحْيَاءِ، زنده؛ و اى زنده اى كه زنده بودى در حالى كه هيچ زنده نبود؛ اى زنده كننده مردگان؛ اى ميراننده زندگان؛ يا حَيُّ لَا اِيْلَهَ اِلَّا اَنْتَ. اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْاِمَامَ الْهَادِيَّ الْمُهْدِيَّ اى زنده اى كه جز تو معبودى نيست؛ بار خدايا؛ به مولاي ما، يعنى پيشواى هدايت گر هدايت شده اى الْقَائِمَ بِاَمْرِكَ، صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَعَلَى اَبَائِهِ الطَّاهِرِيْنَ، عَنْ كِه قِيَامِ كُنْنِدِه اِسْتِ بِه اَمْرِ تُو - كِه دَرُودِ خُدَا بَرِ اُو وَ بَرِ تَمَامِ نِيَاكَانِ پَاكِيْزِه اَشْ بَاد - سلام برسان؛ سلام و درودى از جميع

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، طَرَفِ هَمَّةٍ مُرْدَانٍ وَزَنَانِ بَايْمَانَ، كَمَا فِي شَرْقِ وَغَرْبِ زَمِينِ، سَيْهَلِهَا وَجَبَلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنْيَ وَعَيْنِ وَالْتَدَى، مَتْنِ بِيَابَانَ وَكُوهَسَارِ، دَرِيَا وَيَا خَشْكَی زَمِينِ هَسْتَنْدِ. سَلَامِي از طرف من و پدر و مادرم. الصَّلَاةِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمَتَدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ، سَلَامِهَا وَدُرُودِهَا، كَمَا فِي عَرْشِ اللَّهِ، وَبِهِ قَدْرٌ كَسْتَرْدُكِي كَلِمَاتِ أَوْ بَاشِدِ. أَنْ قَدْرُ كَمَا عِلْمُ خَدَا أَنْ رَا شَمَارَه كَنْدِ، وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحِهِ يَوْمِي هَذَا، وَكِتَابِ اللَّهِ بِه أَنْ أَحَاطَهُ دَارِدِ. بَارِ خَدَايَا؛ مِنْ دَرِ أَيْنِ صَبْحَدَمِ وَدَرِ اِبْتِدَايِ اَيْنِ رُوزِ نُو، وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَبْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَأَوْ تَمَامِي أَيَّامِ زَنْدِ كَانِيمِ، عَهْدِ (زَبَانِي) وَبِيمَانِ (قَلْبِي) وَبِيَعْتِ (عَمَلِي) رَا بَا أَنْ عَزِيزِ تَجْدِيدِ مِي كَنْمِ كَمَا أَحْوَلُ عَنْهَا، وَلَا أَرْوُلُ أَبِيدًا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، هَيْجِ كَاغِ وَبِهِ هَيْجِ وَجِهَ از آن بَرِنَخَوَاهِمِ كِشْتِ وَهَرَكِزِ آن رَا از بَيْنِ نَمِي بَرَمِ. خَدَاوَنْدَا؛ مَرَا از ياران و كَمَكِ رَسَانَانِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَلِينَ وَحَمَايَتِ كَنْدِ كَانِ وَمَدَافِعَانِ آن بَزْرِكُوارِ قَرَارِ دِه؛ جَزُو كِرُوهِي كَمَا بِيهِ سَرَعَتِ بَرَايِ اَنْجَامِ خَوَاسْتَه هَايِ أَوْ بِيهِ سَوِيشِ مِي شَتَابَنْدِ؛ جَزُولِ أَوْ اَمْرِهِ، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ دَسْتَه اِي كَمَا دَسْتُورَاتِ أَوْ رَا بَدُونِ كَمِ وَزِيَادِ اَنْجَامِ مِي دِهَنْدِ؛ جَزُو حَمَايَتِ كَنْدِ كَانِ از او و پيشي كِيرَنْدِ كَانِ بَرَايِ اَنْجَامِ أُمُورِ دَلْخَوَاهِ أَوْ بَيْنَ يَدَيْهِ. اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَيُوتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ وَشَهِيدِ شُونْدِ كَانِ دَرِ پيشِ رُويِ أَوْ قَرَارِ دِه. بَارِ خَدَايَا؛ از تو مِي خَوَاهِمِ كَمَا اِكْرُ مَرْكُ - كَمَا أَنْ رَا يَكُ اَمْرِ حَتْمِي وَقَطْعِي عَلَيِ عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِی، مُؤْتِرًا كَفْنِي، بَرَايِ بَنْدِ كَانْتِ قَرَارِ دَادَه اِي - بَيْنِ مِنْ

و آن عزیز حایل شد، مرا از قبرم در حالی خارج کن که کفنم را به کمر بسته ام؛ شاهراً سِنْفِي، مُجَرِّدًا فَنَاتِي، مُلْبِيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي، فِي الْحَاضِرِ شَمَشِيرِم رَا كَشِيدَه و بالا برده ام، نیزه ام را آماده کرده ام و فراخوانی شخصی را که دعوت کننده به سوی اوست لَبِيكَ گفته و پاسخ مثبت می دهم؛ فراخوانی وَالْبَادِي . اَللّٰهُمَّ اَرِنِي الطَّلَعَ الرَّشِيدَه ، وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَه ، همان کسی که در شهرها و صحراها ندا می دهد. بار خدایا؛ آن رخسار زیبای جَدَّاب، و روی نورانی دوست داشتنی را به من نشان بده؛ وَاكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظْرِهِ مِنِّي اِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَيِّئْهُلْ مَخْرَجَهُ، و سرمه دیده ام را نگاهی بر آن عزیز قرار ده، و در فرج و گشایش امورش شتاب کن، و شرایط قیام او را آسان گردان، وَاَوْسِعْ مِنْهَجَهُ، وَاَسْئَلُكَ بِي مَحَجَّتَهُ، وَاَنْفِذْ اَمْرَهُ، وَاَشْدُدْ اَزْرَهُ. و راهش را برای دستیابی به مقاصدش گسترش ده، و مرا در راه روشن او راه ببر، و فرمان او را مطاع و قابل اجرا گردان، و پشتش را محکم کن. وَاَعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهٖ بِلَادَكَ، وَاَحْيِ بِهٖ عِبَادَكَ، فَاِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ خَدَايَا؛ با حضور او سرزمین ها و شهرهایت را آباد گردان، و بندگانت را زنده گردان؛ زیرا، تو فرموده ای - به خوبی نیز می دانم که گفته های تَوَالِحُ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ اَيْدِي النَّاسِ» (۷۱)، حَقَّ اسْت - : که - «پیش از آنکه آن بزرگوار ظهور فرماید - فساد در خشکی و دریا آشکار شده که به دست مردمان به بار آمده است»؛ فَاَظْهَرَ اللّٰهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ، وَاِبْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، اَلْمُسَيَّمِي بِاسْمِ اَي (خدایا، ولی و نماینده خودت را که پسر دختر پیامبرت می باشد و هم نام فرستاده تو - مُحَمَّد صلی الله علیه و آله وسلم - است؛

برای ما آشکار رسولک، حَتَّى لَا يُظْفَرَ بِشَيْءٍ مِّنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَقَهُ، وَيُحَقِّقْ كُنْ، تا هر باطل و نادرستی را نابود کند و بر آن پیروز گردد، وَحَقِّقْ وَيُحَقِّقُهُ. وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا رَأِيًّا پایداری و محقق فرماید. و بار خدایا؛ قرار ده او را پناه بندگان ستمدیده ات، و یار و یاور لمن لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِسَانِي که جز تو یاورى برای خود نمی یابند، و تجدید کننده آن دستورات کتابک، وَمُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى كِتَابَتِ الْقُرْآنِ (که تعطیل شده است؛ و محکم کننده نشانه های آشکار دینت، و روش های نیکوی پیامبرت که درودالله علیه واله، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ. خدا بر او و آل او باد. خدای من؛ او را جزو کسانی قرار ده که از بدی و عذاب تجاوزکاران در امان می داری. اللَّهُمَّ وَسِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيِيَّتِهِ، وَمَنْ خَدَايَا؛ پیامبرت (حضرت) محمد - که درود بر او و آل او باد - را با دیدن این فرزند شایسته اش و کسانی که تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ. اللَّهُمَّ اكْشِفْ از دعوت او پیروی نموده اند، شاد و خوشحال فرما؛ و به بیچارگی ما) که با غیبت او به وجود آمده است (رحم کن. خدایا؛ ۱. سوره روم، آیه ۴۱.

هَذِهِ الْغَمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأَمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجَّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ این اندوه و افسردگی را با حضور آن عزیز پنهان شده، از این اُمت برطرف کن؛ و در ظهور و آشکار شدن او شتاب کن؛ چرا که آنها) دشمنان تو (يَرَوْنَهُ بَعِيدًا، وَتَرِيَهُ قَرِيبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. زمان ظهور او را دیروقت می پندارند، ولی ما آن را نزدیک می دانیم؛ البتّه، به امید رحمت و مهربانی

تو؛ ای مهربان ترین مهربانان؛

آن گاه سه مرتبه دست بر ران راست خود می زنی و در هر مرتبه می گویی:

اَلْعَجَلُ، اَلْعَجَلُ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ.

بشتاب؛ بشتاب؛ ای مولای من؛ ای صاحب اختیار زمان.

سپس بگو:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِيْ مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً خِدَاوَنَدَا؛ جَان و رَوَان مَرَا بَه مَقْدَرَاتِ خُودِ مَطْمَئِنِّ، وَ بَه قَضَا وَ حَكْمِ خُويش خَشُنُودِ گِرْدَانِ، دَلْبَاخْتَه وَ بِي قَرَارِ بِيْذِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ، مُجَبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِيْ اَرْضِكَ ذِكْرٍ وَ دَعَايَتِ، دُوسْتِ دَارِنْدَه اَوْلِيَآءِ بَرِگَزِيْدَه اَتِ، مَحْبُوبِ دَرِ زَمِيْنَتِ وَسَيِّمَاتِكَ، صَابِرَةً عَلٰى نُزُوْلِ بَلَائِكَ، مُشْتَاقَةً اِلٰى فَرْحِهِ لِقَائِكَ، وَ اَسْمَانَتِ، شَكِيْيَا بَرِ فَرُوفَرَسْتَادِنِ بِلَايَتِ، مُشْتَاقِ دِيْدَارِ مَسْرَتِ بَخْشَتِ، مُتَرَوِّدَهِنِ التَّقْوٰى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَسِيْنَةً بِسَيِّنِ اَوْلِيَآئِكَ، مُفَارِقَهَانْدِوْخْتَه كِنْدَه تُوْشَه تَقُوْآ بَرَايِ رُوزِ جَزَا وَ پَادَاشْتِ، پُوِيْنْدَه رَاه وَ رُوشِ اَوْلِيَآئَتِ، فَاصلَه گِيْرِنْدَه لِاَخْلَاقِ اَعْيَادِكَ، مَشْغُوْلَه عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ ثَنَائِكَ. (۷۲) از خُلق و خُوي دشمنانت، و مشغول گشته از دُنْيا بَه حَمْدِ وَ ثَنَائِ خُودِ قَرَارِ بَدَه.

زیارت جامعه پنجم

این زیارت را سید بن طاووس و ابن مشهدی - مؤلف «المزار الکبیر» - نقل کرده و گفته اند: از ائمه طاهرين عليهم السلام روایت شده است: هر گاه خواستی برای زیارت سفر کنی، هنگام اراده و نیت آن بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَزْمِيْ بِالْتَّحْقِيْقِ، وَ نِيَّتِيْ بِالْتَّوْفِيْقِ، وَ رَجَائِيْ خِدَاوَنَدَا؛ اَرَادَه اَم رَا تَحَقَّقِ بَخْشِ، وَ نِيْتَم رَا قَرِيْنِ تُوْفِيْقِ قَرَارِ بَدَه، وَ اَمِيْدَم رَا بِالْتَّصْدِيْقِ، وَ تَوَلَّ اَمْرِيْ، وَ لَا تَكِلْنِيْ اِلٰى نَفْسِيْ، فَاحْلُ عَقْدَهَا ثَبَاتِ كُنْ وَ رَاسْتِ گِرْدَانِ، وَ كَار مَرَا سِرْپَرَسْتِيْ نَمَا، وَ مَرَا بَه خُودِمِ وَ اَمْگِذَارِ كِه دَرِ الْحَيْرَه، وَ اَتَخَلَّفُ عَنْ حُضُوْرِ الْمَشَاهِدِ الْمُقَدَّسَه.

بند حیرت افتم، و از حضور در زیارتگاه ها و حرم های پاک جا بمانم و بازایستم.

و پیش از خارج شدن، دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتُوْدِعُكَ دِيْنِيْ وَ نَفْسِيْ وَ جَمِيْعَ حُرَاةِنِيْ. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خِدَاوَنَدَا؛ دِيْنِمِ وَ خُودِمِ وَ هَمَمِ

اهل و عیالم را به تو می سپارم. خداوندا! تَوَالِّصَاحِبِ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةَ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ. اَللّٰهُمَّ هَمْرَاه هسٲى در سفر، و جانسینی در میان اهل و مال و فرزند. خداوندا! اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ سُوْءِ الصُّحْبَةِ، وَ اِخْفَاقِ الْاَوْبَةِ. اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ لِّیْ بِرَمِیْ اَز بَدِیْ هَمْرَاهِیْ وَ بَاز گسٲتن بدون مراد. خداوندا! هَمْرَاهِیْ كُنْ لِیْ اَزْ بَرَامِیْ اَنْ یَّسِّرَ عَلَیْنَا مُسْتَعَزَّرَ مَا نَزُوْحٌ وَ نَعْدُوْا لَهٗ، مَا اَنْدُوْه اَنْچِهٗ تَخِیْلُ مِیْ كُنِیْمُ كِهٖ بِهٖ نَظْرُ مَا نَزْدِیْكَ مِیْ اَیْدِ و لِیْ دُوْر اَسٲت، وَ اَسَانِ كُنْ بِرِیْ مَا اَنْچِهٖ فَرَاوَانِ بَرَامِیْ اَوْ رَفْتِ وَ اَمْدِ مِیْ كُنِیْمُ دَرِ شَبِّ وَ رُوْزِ اِنْكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ.

كه تو بر هر چیز توانا هستی.

و هنگامی كه به راه افتادی باید فكر و اندیشه ات پیرامون آنچه برایش به راه افتاده ای مشغول باشد، و با همراهانت نیکو رفتار کنی و زیاد حمد و ثنای خداوند تبارك و تعالی نمایی و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرستی، و چون خواستی برای زیارت غسل کنی در حال غسل کردن بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، وَفِي سَبِيْلِ اللّٰهِ، وَعَلٰی مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ. اَللّٰهُمَّ بِنَامِ خِدا وَ بِهٖ كَمَكِ خِدا وَ دَرِ رَاهِ خِدا وَ بَرِ اَثْمِیْنِ رَسُوْلِ خِدا. خِداوندا! اَعْغِیْبْ عَنِّیْ دَرْنَ الدُّنُوْبِ، وَ وَسِیْخَ الْعُیُوْبِ، وَ طَهِّرْ نِیْ بِمَاءِ چَرَكِ گِناهانِ وَ اَلُوْدِ كِیْ عِیْبِ هَا رَا اَزْ مَنِ بَشُوْیْ، وَ بَا اَبِ التَّوْبَةِ، وَ اَلْبِسْ نِیْ رِداَّ الْعِضْمَةِ، وَ اَیْدِیْ بِلُطْفِ مَنَّكَ یُوْفِّقْنِیْ تُوْبِهٖ پَاكِ گِرْدَانِ، وَ جَامِهٖ عِصْمَتِ وَ مِصُوْتِیْتِ اَزْ گِناهِ رَا بِرِ مَنِ بِپوشان، وَ بِهٖ لُطْفِ اِحْسانِ یاری كُنْ تا لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ، اِنْكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیْمِ.

به اعمال شایسته موفقم گردانی كه تو صاحب فضل و بخشش بزرگ هستی.

و چون نزدیک درب زیارتگاه رسیدی، بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ وَفَّقَنِیْ لِقَاصِدِ

سپاس خدای را که مرا توفیق داد آهنگ و لیله، و زیاره حجتیه، و اوردنی حرمه، و لم یخسینی حظی ولی او کرده، و به زیارت حجتش بیایم، و اکنون مرا به حرم او وارد نمود، و بی بهره من زیاره قبره، و النزول بعقوه مغیبه و ساحه تربته، الحمد از زیارت قبرش، و فرود آمدن به صحن و سرایش و ساحت تربت مقدسش قرار نداد. سپاس لله الذی لم یسمنی بحرمان ما املته، و لا صرف عنی ما خدای را که مرا نسبت به آنچه آرزو داشتم دچار محرومیت نکرد، و آنچه را امید داشتم از من بازگردانید، رجوتی، و لا قطع رجائی فیما توقعتی، یل البسینی عافیتیه، و در آنچه توقع داشتم ناامیدم نمود، بلکه بر من لباس عافیتش را پوشانید، و افادنی نعمته، و اتانی کرامته.

و از نعمتش برخوردار کرد، و از کرامت و بزرگواریش مرا بهره مند ساخت.

و هنگامی که داخل زیارتگاه شدی، کنار آن ضریح پاک بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَئِمَّهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ سَادَةِ الْمُتَّقِينَ، وَ كُبْرَاءِ الصَّادِقِينَ، سَلَامٌ بِرِ شِمَا اِمَامَانِ مَرْدَمِ بَا اِیْمَانِ، وَ سُرُورَانِ اَهْلِ تَقْوَا، وَ بَزْرگانِ اَفْرَادِ رَاسِتِ كَفْتَارِ وَ دَرَسِتِ كَرْدَارِ، وَ اَمْرَاءِ الصَّالِحِينَ، وَ قَادَةِ الْمُحْسِنِينَ، وَ اَعْلَامِ الْمُهْتَدِينَ، وَ اَنْوَارِ فَرْمَانِ رَوَايَانِ شَايَسْتِگانِ، وَ پِيشوایانِ نِیکوکارانِ، وَ نِشانه های هِدایتِ بَرایِ هِدایتِ یافْتگانِ، وَ رُوشنیِ بَخشِ اَعْرَافِیْنَ، وَ وَرَثَةِ الْاَنْبِیَاءِ، وَ صَفْوَةِ الْاَوْصِیَاءِ، وَ شُمُوسِ الْاَثَقِیَاءِ، عَارِفَانِ، وَ وَارِثانِ پِیامبرانِ وَ بَرگزیدگانِ اَوْصِیاءِ، وَ خُورشیدهایِ تَابناکِ پَرهیزکارانِ، وَ بُدُورِ الْخُلَفَاءِ، وَ عِبَادِ الرَّحْمَنِ، وَ سُرْكَاءِ الْقُرْآنِ، وَ مَنهَجِ وَ ماہِ هایِ دَرخشانِ جانشینانِ، وَ بندگانِ خُداوندِ رَحمانِ، وَ شَرِیکانِ قُرْآنِ، وَ رَاهِ رُوشنِ الْاِیْمَانِ، وَ مَعادِنِ الْحَقائِقِ، وَ شَفَعَاءِ الْخُلایِقِ، وَ رَحْمَةِ اللَّهِ اِیْمَانِ، وَ مَعَدنِ هایِ حَقائِقِ، وَ شَفِیعانِ خُلایِقِ، وَ رَحْمَتِ خُدا وَ بَرکاتِهِ. اَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَبْوابُ اللَّهِ، وَ مَفاتِیحُ رَحْمَتِهِ، وَ مَقالیدُ بَرکاتِ او بَر شِمَا. گواهی می دهم که شما درهایِ گشوده پَروردگارِ، وَ کلیدهایِ رَحمتِ او، وَ وسیله هایِ مَغْفَرَتِهِ، وَ سَحائِبُ رِضوانِهِ، وَ مَصابیحُ جِناهِ، وَ حَمَلَهُ فُرْقانِهِ، اَمْرُشِ او، وَ

ابراهیم خشنودی او، و چراغ های بهشت او، و حاملان قرآن او، و خزانة علمه، و حفظه سره، و مهبط وحیه، و امانات النبوه، و خزانة داران علم او، و حافظان اسرار او، و محل فرود آمدن وحی او، و امانت های نبوت، و ودایع الرساله. انتم امناء الله، و اجباؤه و عبادته و اضیافاؤه، و ودیعه های رسالت هستید. شما امین و مورد اعتماد پروردگار، و دوستان او و بندگان او و برگزیدگان او، و انصار توحیده، و ازکان تمجیده، و دعائیه الی کتبه، و خزسیه یاوران توحید او، و پایه های تمجید و بزرگداشت او، و فراخوانان به سوی کتاب هایش، و نگهبانان خلائیقه، و حفظه و دآئعه. لایسبکم ثناء الملائکه فی الاخلاص خلایقش، و حافظان امانت هایش هستید. مدح و ثنای فرشتگان شما را در اخلاص و خشوع پیشی نمی گیرد، و الخشوع، و لایضادکم ذو اینهال و خضوع؛ انی و لکم القلوب و دعاکنده باخلاص و ناله و خضوع با شما مخالفت و ضدیت ندارد؛ کجا می تواند چنین باشد در حالی که برای شما دل هائی است الی تولی الله ریاضتها بالخوف و الرجاء، و جعلها اوعیه للشکر که خداوند عهده دار ریاضت و پرورش آن با خوف و امید گردیده است و آن را ظرف های شکر و الثناء، و امنها من عوارض الغفله، و صفاها من شواغل الفتره ثناء قرار داده، و از عوارض غفلت و بی خبری ایمن داشته، و از عوامل سستی زوده است، بیل یتقرب اهل السماء بحبکم، و بالبرآه من اعدائکم، و تواتر بلكه اهل آسمان به دوستی شما، و اظهار بیزاری از دشمنان شما، و پیوسته البكاء علی مصابکم، و الایسیتغفار لشیعتکم و محیبکم. فانا کریستن بر مصائب شما، و طلب آمرزش برای شیعیان و دوستان شما تقرب می جویند. پس من اشهد الله خالقی، و اشهد ملائکته و انبیاءه، و اشهدکم یا موالی، خداوند آفریننده ام را گواه می گیرم، و فرشتگان و پیامبران او و شما سرورانم را گواه می گیرم انی مؤمن بولایتکم، معتقد لامامتکم، مقرب بخلافیتکم، عارف که

من به ولایت شما ایمان دارم، و به امامت شما معتقدم، به خلافت و جانشینی بحق شما اقرار می نمایم، بِمَنْزِلَتِكُمْ، مُوقِنٌ بِعِضِّ مَتِكُمْ، خاضِعٌ لَوْلَايَتِكُمْ، مُتَقَرَّبٌ إِلَى اللَّهِ بِه قدر و منزلت شما آشنایم، به عصمت و پاکی شما یقین و باور دارم، در برابر ولایت شما خاضع و فروتنم، به خداوند بِحُبِّكُمْ وَبِالْبِرِّ آءِهِ مِنْ أَعْيَدِ آئِكُمْ، عَالِمٌ بِأَنَّ اللَّهَ قَدْ طَهَّرَكُمْ مِنْ بَا مَحَبَّتِ شَمَا وَبِيزَارِي از دشمنانتان تقرب می جویم، آگاهم به اینکه خداوند به راستی شما را از الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، وَمِنْ كُلِّ رِيْبِهِ وَنَجَاسَةٍ زشتی ها و گناهان آشکار و پنهان، و از هر گونه شك و ناپاکی، وَدَيْبِهِ وَرَجَاسِهِ، وَمَنْحَكُمْ رَايَةَ الْحَقِّ الَّتِي مَنْ تَقَدَّمَهَا ضَلَّ، و از هر پستی و آلودگی پاک گردانیده است، و پرچم حق را به شما بخشیده که هر کس بر آن پیشی جوید گمراه، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا زَلَّ، وَفَرَضَ طَاعَتَكُمْ عَلَى كُلِّ أَسْوَدٍ وَأَبْيَضٍ. و هر کس از آن عقب ماند دچار لغزش گردد، و اطاعت شما را بر هر سیاه و سفید واجب فرموده است. وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ وَفَيْتُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَدِمَّتِيهِ، وَبِكُلِّ مَا اشْتَرَطَ عَلَيْكُمْ و گواهی می دهم که شما به عهد و پیمان الهی، و به تمام آنچه فی کتابه، وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ، وَأَنْفَذْتُمْ طَاقَتَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ، در کتابش بر شما شرط کرده وفا نمودید، و مردم را به راه او فراخواندید، و توان و طاقت خود را در رضا و خشنودی او به کار بردید، وَحَمَلْتُمْ الْخَلَائِقَ عَلَى مِنْهَاجِ النَّبِيِّ وَمَسَالِكِ الرِّسَالَةِ، وَسَبَّزْتُمْ و آفریدگان را به پیمودن راه روشن نبوت و شیوه های رسالت واداشتید، وَفِيهِ بِسِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَمَذَاهِبِ الْأَوْصِيَاءِ، فَلَمْ يُطِعْ لَكُمْ أَمْرٌ، به سیره پیامبران و روش اوصیاء سیر کردید، (ولی) امر شما اطاعت نشد، وَلَمْ

تُصْنَعُ إِلَيْكُمْ أُذُنٌ، فَصَيَّرَ اللَّهُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ. و فرمان شما را گوش نشنید، پس درود خدا بر ارواح پاک و اجساد مقدس شما باد. سپس خود را بر روی قبر می افکندی و می گویی: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا حُجَّهَ پَدْرٍ و مادرم به فدایت ای حجت الله، لَقَدْ أَرْضَيْتَ بِنَدَى الْإِيمَانِ، وَفُطِمْتَ بِنُورِ الْإِسْلَامِ، وَغُدِّيْتَ خِدا؛ با پستان ایمان شیر داده شدی، و با نور اسلام از شیر گرفته شدی، و بَبَرْدِ الْيَقِينِ، وَالْبَسْتِ حُلَّ الْعِضْمَةِ، وَاصْطَفَيْتَ وَوَرَّثْتَ عِلْمَ با آرامش یقین غذا داده شدی، و جامه های عصمت بر تو پوشیده شد، و برگزیده شدی و علم کتاب به تو ارث داده الکتاب، وَلَقَنْتَ فَضْلَ الْخِطَابِ، وَأَوْضَحَ بِمَكَانِكَ مَعَارِفَ شد، و فصل الخطاب یعنی حکم قاطع و رد ناشدنی که به داوری پایان دهد به شما تلقین گردید، و جایگاه علمی شما معارف ظاهر التنزیل، وَغَوَامِضَ التَّأْوِيلِ، وَسَيَّلَتْ إِلَيْكَ رَأْيَهُ الْحَقِّ، وَكَلَّفَتْ قِرْآنَ و مشکلات پیچیده باطنی آن، واضح و آشکار شد، و پرچم حق به تو واگذار گردید، وَهَدَايَةَ الْخَلْقِ، وَنَبَذَ إِلَيْكَ عَهْدَ الْإِمَامَةِ، وَالزَّمَمْتَ حِفْظَ الشَّرِيعَةِ. به هدایت خلق گماشته شدی، و عهد امامت به سوی تو افکنده شد، و نگهبانی دین و آئین بر تو لازم و واجب گردید. وَأَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِشَرَايِطِ الْوَصِيَّةِ، وَقَضَيْتَ مَا لَزِمَكَ و گواهی می دهم - ای مولای من؛ - که شما به همه شرایط وصیت و جانشینی وفا کردی، و آن مقدار من حِدِّ الطَّاعَةِ، وَنَهَضْتَ بِأَعْبَاءِ الْإِمَامَةِ، وَاحْتَدَيْتَ مِثَالَ النُّبُوَّةِ، از اطاعت که بر تو لازم بود انجام دادی، و بارهای سنگین امامت را به دوش کشیدی، و در برابر قرار دادی الگوی نبوت رافی الصَّبْرِ وَالْإِجْتِهَادِ وَالنَّصِيحَةِ لِلْعِبَادِ، وَكَظَمَ الْغَيْظِ، وَالْعَفْوِ عَنِ در صبر و شکیبائی و کوشش و

تلاش و خیرخواهی برای بندگان، و فرونشاندن خشم و غضب، و عفو و بخشش از النَّاسِ، وَعَزَمَيْتَ عَلَيَّ الْعَيْدِلِ فِي الْعَبْرِيَّهِ، وَالنَّصِيحَةِ فِي الْقَضِيَّهِ، مردم. و بر اجرای عدالت در میان مردم، و انصاف و دادگری در قضاوت و داوری تصمیم جدی گرفتی، وَوَكَّدْتَ الْحُجَجَ عَلَى الْأُمَّةِ بِالذَّلَائِلِ الصَّادِقَةِ وَالشُّوَاهِدِ النَّاطِقَةِ، وَحِجَّتْهَا رَأْمَتَ بِنِشَانِهِ صَادِقٍ، و شاهدهای گویا تحکیم نمودی، وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحُكْمِ الْبَالِغِ، وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسِنَةِ. فَمَنْعَتْ وَأَنْهَاهَا بِسُورَةِ خُدَا خُونَدِي بِاِحْكَامِ رِسَا، و موعظه نیکو. پس بازداشته شدی مِنْ تَقْوِيمِ الزَّيْغِ، وَسَدِّ الثَّلَمِ، وَإِصْلَاحِ الْفَاسِدِ، وَكَسْرِ الْمُعَانِدِ، از راست و درست کردن انحراف، و بستن شکاف، و اصلاح تباهی، و درهم شکستن مخالف حق، وَإِحْيَاءِ السُّنَنِ، وَإِمَاتِهِ الْبِدْعِ، حَتَّى فَارَقْتَ الدُّنْيَا وَأَنْتَ شَهِيدٌ، و زنده کردن سنت ها، و میراندن بدعت ها، تا آن که دنیا را وداع گفتی در حالی که به شهادت رسیدی، وَلَقِيتَ رَسُولَ اللَّهِ وَأَنْتَ حَمِيدٌ، صَيِّمَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ تَرَادُفٌ وَتَزِيدٌ. و رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم را دیدار کردی در حالی که ستوده ای، درود خدا پیوسته و فراینده بر تو باد. سپس به پائین پای مبارک برو و بگو: یا سادتی یا ال رَسُولِ اللَّهِ، إِنْ بِي سُرُورَانِ مِنْ أَيْ خَانِدَانِ رَسُولِ خُدَا؛ مَنْ بِي سَبَبِ شِمَا أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَعَلَا، بِالْخِلَافِ عَلَى الَّذِينَ غَدَرُوا بِكُمْ، بِي خُدَاوَنَدِ بَزْرَكٍ وَبَلَنْدِ مَرْتَبَةِ تَقَرَّبِ مِي جُويمِ، بِاِمخَالَفَتِ كَرْدَنِ بَا كَسَانِي كِه بِي شِمَا نِيرَنَكِ زَدَنَدِ، وَنَكْشُوا بِيَعْتَكُمْ، وَجَحَدُوا وَلايَتَكُمْ، وَأَنْكَرُوا مَنَزِلَتَكُمْ، وَخَلَعُوا پِيْمَانَ شَكْنِي كَرْدَنَدِ، وَوَلَايَتِ شِمَا رَا اِنْكَارِ نَمُودَنَدِ، وَقُرْبِ وَ مَنَزَلَتِ شِمَا رَا نَشَاخْتَنَدِ، وَاز رِبْقَه طَاعَتِكُمْ، وَهَجَرُوا أَسْبَابَ مَوَدَّتِكُمْ، وَتَقَرَّبُوا إِلَى فِرَاعَتِهِمْ اطاعت شما سرباز زدند و شانه خالی کردند، و اسباب مودت و پیوند دوستی با شما را بریدند، و به

فرمانروایان متکبر و سرکش بِالْبُرْآءِ مِنْكُمْ، وَالْبِغْضِ عَنْكُمْ، وَمَنْعُكُمْ مِنْ إِقَامَةِ الْجِدُودِ، خود با بیزاری و روی گرداندن از شما تقرّب جستند، و شما را از پیداشتن حدود، وَاسْتِثْصَالِ الْجُودِ، وَشَعْبِ الصَّدْعِ، وَلَمَّ الشَّعْثِ، وَسَدِّ الْخَلَلِ، و ریشه کردن کفر و انکار، و از بین بردن شکاف و جدایی، و سامان دادن به نابسامانی و پراکندگی، و برطرف کردن رخنه ها و تباهی ها، وَتَثْقِيفِ الْأُودِ، وَإِمْضَاءِ الْأَحْكَامِ، وَتَهْذِيبِ الْإِسْلَامِ، وَقَمْعِ الْأَثَامِ، و راست کردن کجی ها، و اجرای احکام، و آراستن اسلام، و نابود ساختن گناهان بازداشتند، وَأَرْهَجُوا عَلَيْكُمْ نَقْعَ الْحُرُوبِ وَالْفِتَنِ، وَأَنْحُوا عَلَيْكُمْ سَيُوفَ وَغِبَارِ جَنْكٍ وَفِتْنَةٍ رَا بِرِ عَلَيْهِ شَمَا بِرَانِكِيخْتَنَد، و شمشیرهای کینه را به طرف شما کشیدند، الْأَحْقَادِ، وَهَتَكُوا مِنْكُمْ الشُّتُورَ، وَابْتَاَعُوا بِخُمْسِكُمُ الْخُمُورَ، و پرده های حرمت شما را دریدند، و با خمس که از آن شما است شراب خریدند، وَصَدَّ رَفُوعًا صَدَقَاتِ الْمَسَاكِينِ إِلَى الْمُضْجِكِينَ وَالسَّاحِرِينَ. و صدقاتی را که حق مساکین و بینوایان است برای دلچک ها و مسخره کننده ها مصرف کردند. وَذَلِكَ بِمَا طَرَقَتْ لَهُمُ الْفَسَيْقَةُ الْغَوَاةُ، وَالْحَسِيْدَةُ الْبُغَاةُ، أَهْلُ وَايْنِ، بَدَانِ جِهَتِ بُوْدِ كِه رَا بَرَايِ آنَا نِ هَمُوَارِ نَمُوْدَنَدِ فَاسْقَانِ كَمَرَاهِ، وَحُسُوْدَانِ سْتَمِ پِيْشِه، اهل النَّكْثِ وَالْغَدْرِ وَالْخِلَافِ وَالْمَكْرِ، وَالْقُلُوبِ الْمُتْنَتِهِ مِنْ قَدْرِ بِيْمَانِ شَكْنِي وَنِيْرِنَكِ وَمُخَالَفَتِ وَحِيْلِه كِرِي، وَدَلِ هَايِ كَنْدِيْدِه وَبَدْبُو از آلودگی الشُّرُوكِ، وَالْأَجْسَادِ الْمُشْحَنَةِ مِنْ دَرَنِ الْكُفْرِ، الَّذِينَ أَضَبُّوا عَلَيِ شَرِكِ، وَبَدْنِ هَايِ پَر از چرك و كَثَاْفَتِ كُفْرِ، آن ها كه نِفَاقِ خُوْدِ رَا پَنِهَانِ النَّفَاقِ، وَأَكْتَبُوا عَلَيِ عِلَاقِ الشَّقَاقِ. فَلَمَّا مَضَى الْمَضِي طَفِيْكَرْدَنَد، وَدَرَبَنَد تَكْبِرِ وَخُوْدخَوَاهِي كِرْفَتَارِ شَدَنَد. پَسِ هَنْكَامِي كِه آن پِيَاْمَبِرِ بَرِ كَرِيْدِه شَدِه صَيَلَمَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيِّهِ وَآلِهِ، اِحْتَطَفُوا الْغَرَّةَ، وَأَنْتَهَزُوا الْفُرْصَةَ، - كِه دَرُوْدِ خُودَا بَرِ او و آل او باد - جِهَانِ رَا وِدَاعِ كِفْتِ، بِه سَرْعَتِ غَفْلَتِ رَا رِبُوْدَنَد، وَفَرْصَتِ رَا غَنِيْمَتِ شَمَرْدَنَد، وَأَنْتَهَكُوا

با پیامبر نفی نمودند، و موَدّت و دوستی با او را ترک کردند، و اطاعتش را کنار گذاشتند، وَجَحَدُوا وَلايَتَهُ، وَأَطَمَعُوا الْعَبِيدَ فِي خِلَافَتِهِ، وَقَادُوهُ إِلَى وَلايَتِهِ رَا انكار کردند، و بردگان را در خلافت او به طمع انداختند، و مردم را به بِيَعْتِهِمْ، مُضِيْلَتَهُ سَيُوقَفُهَا، مُقَدِّعَهُ أَسِنَّتَيْهَا، وَهُوَ سَاخِطُ الْقَلْبِ، هَايِجِ بِيَعْتِ بَا آنان کشاندند، در حالی که شمشیرها را از نیام کشیدند، و دندان های پلید خود را تیز کردند، و او قلبش خشمگین وَالْغَضَبِ، شَدِيدُ الصَّبْرِ، كَاظِمُ الْغَيْظِ، يَدْعُوْنَهُ إِلَى بِيَعْتِهِمْ الَّتِي غَضِبْش بَرَانْكِخْتَه شده بود، اَمَّا بَسِيَارِ شَكِيْبَائِي مِي كَرْد، خَشْمِ خُودِ رَا فَرُو مِي نَشَانْد، او را به بیعت با آنان که عَمَّ شُومَهَا الْإِسْلَامَ، وَزَرَعَتْ فِي قُلُوبِ أَهْلِهَا الْآثَامَ، وَعَقَّتْ شُومَ وَبَدِيْشِ اسْلَامِ رَا فَرَا كَرَفْتَه بُوْد فَرَامِي خُوانْدَنْد، و (بیعتی که) در دل های اهلش گناهان را بذرافشانی نمود، وَسَيَلْمَانَهَا، وَطَرَدَتْ مَقْدَادَهَا، وَنَفَسَتْ جُنْدَبَهَا، وَفَتَقَتْ بَطْنَ عَمَارِهَا، سَلْمَانِش رَا رَنْجِ وَ آزار داد، و مقدادش را راند، و ابوذرش را تبعید کرد، و شَكْمِ عَمَارِشِ رَا پاره نمود، وَحَرَفَتْ الْقُرْآنَ، وَبَدَلَتْ الْأَحْكَامَ، وَغَيَّرَتْ الْمَقَامَ، وَأَبَا حَتِّ وَ مَعْنَايِ قُرْآنِ رَا تحریف، و احكام را دگرگون، و مقام و منزلت را تغییر داد، وَالْخُمْسَ لِلطُّلُقَاءِ، وَسَيَلَطَتْ أَوْلَادَ اللُّعْنَاءِ عَلَى الْفُرُوجِ، وَخَلَطَتْ خُمْسِ رَا بَرَايِ آزادشده ها مباح کرد، و اولاد لعینان را بر ناموس مردم مسلط ساخت، وَالْحَلَالَ بِالْحَرَامِ، وَاسْتَخَفَّتْ بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ، وَهَدَمَتِ الْكُعْبَةَ، حَرَامِ رَا بَا حَلَالِ دَر آمیخت، و ایمان و اسلام را کوچک شمرد، و كعبه رَا ویران کرد، وَأَغَارَتْ عَلَى دَارِ الْهَجْرَةِ يَوْمَ الْحَرَّةِ، وَأَبْرَزَتْ بِنَاتِ الْمُهَاجِرِينَ وَ دَر رُوزِ حَرَّةِ شَهْرِ هَجْرَتِ (یعنی مدینه) رَا بَه غَارَتِ كَشِيد، و دختران مَهاجِرِ وَالْأَنْصَارِ لِلنَّكَالِ وَالسَّوْءِ، وَالْبَسْتَهُنَّ ثُوبَ الْعَارِ وَالْفَضِيحَةِ، و انصار را برای کيفر و شکنجه و بدرفتاری آشکار

کرد، و لباس عار و ننگ و رسوائی بر آنان پوشانید، وَرَخَّصَتْ لِأَهْلِ الشُّبْهَةِ، فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ الصَّفْوَةِ، وَإِبَادِهِو برای اهل شبهه که حق و باطل بر ایشان نامعلوم است کشتن اهل بیت برگزیده، و تباه ساختن نسلیه، وَاسْتِیْصَالَ شَأْفَتِهِ، وَسَبَّحِي حَرَمِهِ، وَقَتْلِ أَنْصَارِهِ، وَكَسْبِ رِنْسَلِ او، و از ریشه برکندن آنان، و اسیر کردن اهل بیتش، و کشتن یاراننش، و شکستن میثربه، وَقَلْبِ مَفْخَرِهِ، وَإِخْفَاءِ دِينِهِ، وَقَطْعِ ذِكْرِهِ. یا مَوَالِیِّ فَلَوْ مَنَبْرَش، و وارونه کردن مفاخرش، و پنهان کردن دینش، و از بین بردن یادش را اجازه و رخصت داد. ای سروران من؛ اِگْرَاعَايْنِكُمْ الْمُضِيْطَفَى وَسَهَامِ الْأَمَّةِ مُعْرِقَهُ فِي أَكْبَادِكُمْ، وَرِمَاحَهُمْ پیامبر، شما را مشاهده کند در حالی که تیرهای امت در جگرهای شما فرو رفته، و نیزه های ایشان مُشْرِعَهُ فِي نُحُورِكُمْ، وَسَيُوفَهَا مَوْلَعَهُ فِي دِمَائِكُمْ، يَشْفِي أَبْنَاءُ در گلوگاه شما راه یافته، و شمشیرهای شان به خون شما رنگین گشته، بهودی می بخشد زنازادگان الْعَوَاهِرِ غَلِيْلِ الْفِسْقِ مِنْ وَرَعِكُمْ، وَغَيْظِ الْكُفْرِ مِنْ إِيْمَانِكُمْ، سوزش فسق و نافرمانی خود را از ورع شما، و خشم کفرشان را از ایمان شما، وَأَنْتُمْ بَيْنَ صَرِيحٍ فِي الْمِحْرَابِ، قَدْ فَلَقَ السَّيْفُ هَامَتَهُ، وَشَهِدَ فِي حَالِي كِه بَعْضِي از شما در محراب عبادت بر زمین افتاده و شمشیر سر مبارک او را شکافته، و برخی پس از شهادت فَوْقَ الْجِنَازَةِ قَدْ شَكَّتْ أَكْفَانُهُ بِالسَّهَامِ، وَقَتِيلٍ بِالْعَرَاءِ قَدْ رُفِعَ رُؤْيُ جِنَازَةِ كَفَنَش بر اثر تیرها سوراخ سوراخ گشته، و برخی در بیابان کربلا کشته شده و سر مقدس او فَوْقَ الْقَنَازِ رَأْسُهُ، وَمُكَبَّلٍ فِي السَّجْنِ قَدْ رُضَّتْ بِالْحَدِيدِ بِالْأَي نِزِه رَفْتِه، و برخی در زندان به بند کشیده شده و اعضاء بدنش بر اثر غل و زنجیر آهنین کوبیده اَعْضَائُهُ، وَمَسْمُومٍ قَدْ قَطَّعَتْ بِجُرْعِ السَّمِّ أَمْعَائُهُ، وَشَمْلِكُمْ شده، و برخی مسموم

گشته و با آشامیدن زهر همه اندرونش پاره پاره شده است، و جماعت شما را عبادید تَفْنِيهِمُ الْعَيْدُ وَأَبْنَاءُ الْعَبِيدِ. فَهَلِ الْمَحْنُ يَا سَادَتِي إِلَّا بِنِدْغَانِي قَرَارِ دَادَنْدِ كِه نَابُودِ مِي كَنْدِ آن هَا رَا بِنْدِگَانِ وَ فِرْزَنْدَانِ بِنْدِگَانِ. پَسِ اِي سِرُورَانِ مَن؛ اِيَا مَحْنَتِ وَ غَمِي هَسْتِ جِزَالْتِي لَزِمْتِكُمْ، وَالْمَصَائِبُ إِلَّا الَّتِي عَمَّتْكُمْ، وَالْفَجَائِعُ إِلَّا الَّتِي آنِجِه بِه شِمَا هِمْوَارِه پِيُوسْتِ؟ وَ كِرْفَتَارِي وَ مَصِيْبَتِي هَسْتِ جِزِ اَنْجِه شِمَا رَا فِرَا كِرْفْتِ؟ وَ بِلَايِي هَسْتِ جِزِ اَنْجِه خَصَّتْكُمْ، وَالْقَوَارِعُ إِلَّا الَّتِي طَرَقَتْكُمْ، صَيَلَمَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ بِه شِمَا اِخْتِصَاصِ يَافْتِ؟ وَ حَادِثِه نَاكُوَارِي هَسْتِ جِزِ اَنْجِه بَرِ شِمَا وَارِدِ شُدْ؟ دِرُودِ خُدَا بَرِ شِمَا وَعَلَى اَرْوَاحِكُمْ وَ اَجْسَادِكُمْ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و بر جسم و جان پاک شما، و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

سپس قبر را بیوس و بگو: بِأَبِي وَأُمِّي يَا آلَ الْمُضِيِّ طَفِي، إِنَّا لَأَنْمَلِكُكَ إِلْمَا پِدِرِ وَ مَادِرْمِ فِدَايِ شِمَا اِي خَانْدَانِ پِيَامْبِرِ؛ مَا تُوَانَايِي نِدَارِيْمِ جِزْ اَنْ نَطُوفَ حَوْلَ مَشَاهِدِكُمْ، وَنُعَزِّي فِيهَا اَرْوَاحِكُمْ، عَلَي هَذِهِ اَيْنِكِه كِرْدِ مِزَارِ شِمَا طُوَافِ كِنِيْمِ وَ اِرْوَاكِ پَاكِ شِمَا رَا بَرِ اَيْنِ الْمَصَائِبِ الْعَظِيمَةِ الْحَالِهِ بِفِنَائِكُمْ، وَالرَّزَايَا الْجَلِيلَةِ النَّازِلِهِمْصِيْبَتِ هَايِ بِزِرْگِي كِه بِه سَاخْتِ مَقْدَسِ شِمَا وَارِدِ شُدِه وَ رَنْجِ هَا وَ كِرْفَتَارِي هَايِ بِزِرْگِي بِسَاخْتِكُمْ الَّتِي أُثْبِتَتْ فِي قُلُوبِ شِيْعَتِكُمُ الْقُرُوحِ، وَأَوْرَثَتْ كِه بِه شِمَا رَسِيْدِه، وَ دِرِ دِلِ هَايِ شِيْعِيَانِ تَانِ زَخْمِ اِيْجَادِ كِرْدِه، وَ اَكْبَادَهُمُ الْجُرُوحِ، وَ زَرَعَتْ فِي صُدُورِهِمُ الْعُصِيَصَ. فَنَحْنُ نُسْهَدُجِرْهَايِ اِيْشَانِ رَا مَجْرُوحِ نِمُودِه، وَ دِرِ سِيْنِه هَايِ شَانِ بِنْدِرِ غَمِ وَ غَصْبِه اِفْشَانْدِه تَسْلِيْتِ دِهِيْمِ. مَااللّٰهُ اَنَّا قَدْ شَارَكْنَا اَوْلِيَاءَكُمْ وَ اَنْصَارَكُمْ الْمُتَقَدِّمِيْنَ، فِي اِرَاقِهِ خُدَا رَا كُوَاھِ مِي كِرِيْمِ كِه بَا دُوسْتَانِ وَ يَارَانِ پِيْشِيْنِ شِمَا دِرِ رِيْخْتِنِ دِمَاءِ النَّاَكِيْنِ وَالْقَاسِيْنِ وَالْمَارِقِيْنِ، وَقَتْلِهِ اَبِي عَبْدِاللّٰهِ سَيِّدِ خُونِ نَاپَاكِ پِيْمَانِ شِكْنَانِ وَ سَتْمِگِرَانِ وَ

از دین خارج شدگان و قاتلان حضرت اباعبدالله سرور شبابِ اهلِ الجَنَّةِ یَوْمَ کَرْبَلَاءَ، بِالنِّیَّاتِ وَالْقُلُوبِ، وَالتَّاسُّفِ جَوَانَانَ اهلِ بهشت در سرزمین کربلا با نیتِ ها و دل های مان شرکت داشته ایم، وَعَلَى فَوْتِ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الَّتِي حَضَرُوا لِنُصْرَتِكُمْ، وَعَلَيْكُمْ مَنَابِرُ از دست دادن آن مراکزی که آنان برای یاری شما حاضر شدند تأسف و اندوه می خوریم، السَّلَامُ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و سلام ما و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

سپس قبر منور را میان خود و قبله قرار بده و بگو: اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الَّتِي خَدَاوَنَدَا؛ ای دارنده قدرتی که صَدَرَ عَنْهَا الْعَالَمُ مُكُونًا مَبْرُوءًا عَلَيْهَا، مَفْطُورًا تَحْتَ ظِلِّ از آن عالم تکوین ایجاد گردیده و آفریده شد، و در زیر سایه الْعُظْمَةِ، فَنَطَقَتْ شَوَاهِدُ صُرُوعِكَ فِيهِ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الْعَظَمَتُ به وجود آمد، پس شواهد کار تو در آن گویا است به اینکه تو خداوندی و جز آنست، مُكُونُهُ وَبَارئُهُ وَفَاطِرُهُ، إِنِّي دَعْتُهُ لَا مِنْ شَيْءٍ وَلَا عَلَىٰ تَوْخِيدِي نِيست، به وجود آوردنده و هستی بخش و آفریننده آن (توئی)، آن را پدید آوردی نه از چیزی و نه بر شئی، وَلَا فِي شَيْءٍ، وَلَا لَوْ حَشِيهِ دَخَلَتْ عَلَيْكَ إِذْ لَا غَيْرَكَ، چیزی، و نه در چیزی، و نه به خاطر وحشتی که به تو راه یافته باشد که تنها بودی، وَلَا حَاجَةٌ بَدَتْ لَكَ فِي تَكْوِينِهِ، وَلَا لِاشْتِعَانِهِ مِنْكَ عَلَىٰ مَا وَهَّاجِي فِيهِ وَجُودِ آوَرْدَنِ آن داشتی، و نه به خاطر این که از آن هَاتَخْلُقُ بَعْدَهُ، يَلِ أَنْشَأْتَهُ لِيَكُونَ دَلِيلًا عَلَيْكَ، بِأَنَّكَ بَأْتِنُ مِنْ پَسِ از آفرینش مدد بگیری، بلکه ایجاد کردی تا دلیل روشنی باشد بر تو، به این که تو جَدَا از الصُّنْعِ، فَلَا يُطِيقُ الْمُنْصِفُ لِعَقْلِهِ إِنكَارَكَ، وَالْمَوْسُومُ بِصِحِّهِمْ پدیده ها و مخلوقات هستی، پس عقل هیچ

با انصافی تاب انکار تو را ندارد، و هیچ انسانی که از نظر المَعْرِفَةِ جُحُودَكَ. أَشَأْلُكَ بِشَرَفِ الْإِخْلَاصِ فِي تَوْحِيدِكَ، معرفت سالم باشد نشاید که تو را نشناسد. از تو می خواهم به شرف و بزرگی اخلاص در توحید و یگانگی ات، وَحُزْمَهُ التَّلُقُّ بِكِتَابِكَ، وَأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى آدَمَ و حرمت ارتباط و وابستگی به قرآنت، و اهل بیت پیامبرت، که درود فرستی بر آدم بَدِيعِ فِطْرَتِكَ، وَبِكْرِ حُجَّتِكَ، وَلِسَانِ قُدْرَتِكَ، وَالْخَلِيفَةِ فِي پدید آمده آفرینشت، و اولین حجت، و زبان گویای قدرتت، و جانشین در بسطتت، وَعَلَى مُحَمَّدِنِ الْخَالِصِ مِنْ صَفْوَتِكَ، وَالْفَاحِصِ عَنِ زَمِينِ پهناورت، و بر محمّد بنده خالص از برگزیدگان، و کاوشگر از معرفتت، وَالْغَائِصِ الْمَأْمُونِ عَلَى مَكْنُونِ سِرِّرَتِكَ، بِمَا أَوْلَيْتَهُ معرفت، و راه یافته امین بر اسرار پنهانت، به آنچه مِنْ نِعْمَتِكَ بِمَعُونَتِكَ، وَعَلَى مَنْ بَيْنَهُمَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُكْرَمِينَ از نعمت به یاری خویش به او مرحمت کردی، و بر همه آنهايي که بین این دو (حضرت آدم و خاتم الانبیاء) از پیامبران و مقربان وَالْأَوْصِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَأَنْ تَهْبِنِي لِإِمَامِي هذا.

و اوصیاء و تصدیق کنندگان رسولانت بودند، و این که مرا به خاطر این امامی که در محضرش هستم ببخشی.

و گونه ات را بر روی قبر مطهر بگذار و بگو: اللَّهُمَّ بِمَحَلِّ هَذَا السَّيِّدِ مِنْ خَدَاوِنْدَا؛ به جایگاهی که این آقا از طاعتت، وَبِمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكَ، لَا تُمِئْتَنِي فُجْأَةً، وَلَا تَحْرِمْ نِي تَوْبَةً، اطاعت تو دارد، و به مقام و منزلت او در درگاه تو، مرا ناگهانی نمیران، و از توبه کردن محروم مفرما، وَأَرْزُقْنِي الْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ دِينًا وَدُنْيَا، وَأَشْغَلْنِي بِالْآخِرِ هُوَ وَرِعَ نَسَبْتِ بِه آنچه از نظر دین و دنیا حرام کرده ای روزی من گردان، و به جای دنیا طلبی مرا به کار آخرت عَنْ طَلَبِ الْأُولَى، وَوَفَّقْنِي لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، وَجَنِّبْنِي اتِّبَاعَ مَشْغُولِ بَدَارِ، و به آنچه

دوست داری و می پسندی موفق فرما، و از پیروی کردن هوای الهوی، وَالْأَغْتِرَارَ بِالْأَبَاطِيلِ وَالْمُنَى. اَللّٰهُمَّ اجْعَلِ السُّدَادَ فِي نَفْسِ، و مغرور شدن به کارهای باطل و بیهوده و آرزوها بازبدار. خداوندا؛ راستی درقولی، وَالصَّوَابَ فِي فِعْلِي، وَالصَّدَقَ وَالْوَفَاءَ فِي ضَمَانِي كَفْتَارَم، و درستی در کردارم، و صدق و وفا در ضمان و وَعَيْدِي، وَالْحِفْظَ وَالْإِيْنَاسَ مَقْرُونِينَ بَعْهَيْدِي وَوَعَيْدِي، وَالْبِرَّ وَالْوَفَاءَ فِي ضَمَانِي، و پای بندی و مراقبت در عهد و پیمانم، و نیکی وَالْإِحْسَانَ مِنْ شَأْنِي وَخُلُقِي، وَاجْعَلِ السَّلَامَةَ لِي شَامِلَةً، و احسان را از منش و اخلاق من قرار بده، و سلامتی را شامل گردان، وَالْعَافِيَةَ بِي مُحِيطَةً مُلْتَفَّةً، وَلَطِيفَ صُنْعِكَ وَعَوْنَكَ مَضْرُوفًا وَعَافِيَةَ فِرَاقِي رَا كِه هَمِه وَجُودَم رَا دَرِبَرِبَكِرِد بِه مَن عَنَآيَت كَن، و لطف زیبا و یاریت را متوجه من کن، اِلَآئِي، وَحُسْنَ تَوْفِيقِكَ وَبِرِّكَ مَوْفُورًا عَلَيَّ، وَآحْيِنِي يَا رَبَّ وَتَوْفِيقَ نِيكَوِيَتِ وَآسَآنِيَتِ رَا بَر مَن فِرَاوَان فِرْمَا، و مرا - ای پروردگار من - سَـ عِيدًا، وَتَوْفَنِي شَهِيدًا، وَطَهَّرْنِي الْمَوْتَ وَمَا بَعْدَهُ. اَللّٰهُمَّ سَعَادَتَمُنْد زَنْدِه بَدَار، و شهید بمیران، و برای مرگ و پس از آن پاک گردان. خداوندا؛ وَاجْعَلِ الصَّحَّةَ وَالنُّورَ فِي سَمْعِي وَبَصْرِي، وَالْجِدَّةَ وَالْخَيْرَ فِي صَحَّتِ وَنُورِ رَا دَر كُوشِ وَچشمم، و توانائی و دارائی و خیر رَا دَر طُرُقِي، وَالْهُدَى وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَمَذْهَبِي، وَالْمِيزَانَ أَبْدَارَاهِم، و هدایت و بینائی رَا دَر دِينِ وَمَذْهَبِم، و میزان رَا هَمَوَارِه نَضَبِ عَيْنِي، وَالذِّكْرَ وَالْمَوْعِظَةَ شِعَارِي وَدِثَارِي، وَالْفِكْرَ هَمْدَ نَظْمِ، و به یادداشتن و پندپذیری رَا هَمچُون لِبَاسِ زِيرِ وَرُومِ، و اندیشیدن وَالْعِبْرَةَ أُنْسِي وَعِمَادِي، وَمَكِّنِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَاجْعَلْهُ أَوْثَقَ وَعِبْرَتَ كَرْتَنِ رَا اِنْسِ وَآرَامَشِ وَآسَاسِ كَارَمِ قَرَارِ بَدِه، و یقین رَا دَر قَلْبِ مَن قُوی گُردان، و آن رَا مَطْمَنِ تَرِينِ الْأَشْيَاءِ فِي نَفْسِي،

وَأَعْلِيَهُ عَلَى رَأْيِي وَعَزْمِي، وَاجْعَلِ الْإِزْشَادَ چيز نزد من گردان، و آن را بر رأی و نظر و تصمیم من چیره ساز، و قرار بده تهذیب روحی رافی عَمَلِي، وَالتَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ مِهَادِي وَسَيِّدِي، وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ در عملم، و فرمانبرداری بی چون و چرایت را بستر و تکیه گاه من، و راضی بودن به خواسته و قَدَرِكَ أَقْصَى عَزْمِي وَنَهَائِي، وَأَبْعَدَ هَمِّي وَغَايَتِي، حَتَّى لَا وَمَقْدَرَاتِ را نهایت عزم و اراده من، و بالاترین همت و آرزوی من، تا آنجا که أَتَّقَى أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ بِدِينِي، وَلَا أَطْلُبُ بِهِ غَيْرَ اخِرَتِي، وَلَا از هیچ یک از آفریدگانت نسبت به دینم پروا نکنم، و به آن جز آخرت را نجویم، أَشِدَّ دَعْوِي مِنْهُ إِطْرَائِي وَمِدْحِي، وَاجْعَلِ خَيْرَ الْعَوَاقِبِ عَاقِبَتِي، و مدح و ستایش خود را تمنا نمایم، و عاقبتم را بهترین عاقبت، وَخَيْرَ الْمَصَائِرِ مَصِيرِي، وَأَنْعَمَ الْعَيْشِ عَيْشِي، وَأَفْضَلَ الْهُدَى وَبِأَكْثَرِ بَازْغَشْتِ، و زندگیم را فراخ ترین زندگی، و هدایتم را برترین هدایت، وَأَوْفَرَ الْحُظُوظِ حَظِّي، وَأَجْزَلَ الْأَقْسَامِ قِسْمِي وَنَصِيْبِي، هِدَايَتِ، و بهره ام را فراوان ترین بهره، و بیشترین قسمت ها را قسمت و نصیب من قرار بده، وَكُنْ لِي يَا رَبِّ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلِيًّا، وَإِلَى كُلِّ خَيْرٍ دَلِيلًا وَقَائِدًا، و برای من - ای پروردگار من - نسبت به هر بدی و خطر نگهبان باش، و به هر خیر و خوبی راهنما و پیشوا و سوق دهنده وَمِنْ كُلِّ بَاغٍ وَحَسُودٍ ظَهِيرًا وَمَانِعًا. اللَّهُمَّ بِكَ اغْتِدَادِي و از هر ستمگر و حسودی بازدارنده و پشتیبان باش. خدایم اعتماد من وَعِصْمَتِي، وَثِقَتِي وَتَوْفِيقِي، وَحَوْلِي وَقُوَّتِي، وَلِمَكَ مَحْيَايَ و پناهم و اطمینانم و توفیقم و توانایم و نیرویم به تو بستگی دارد، و زندگی وَمَمَاتِي، وَفِي قَبْضَتِكَ سُكُونِي وَحَرَكَتِي، وَبِعِزَّتِكَ الْوُثْقَى و مرگم برای تو است، و آرام گرفتن و حرکت در اختیار

تو است، و به ریسمان محکم تو اَسَدِ تَمَسَاكِي وُضِّلْتِي، وَعَلَيْكَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا اعْتِمَادِي وَتَوَكَّلِي، چنگ زدن و متصل گشتن من است، و بر تو در همه کارهایم تکیه و توکل من است، وَمِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَمَسَّ سِقَرِ نَجَاتِي وَخَلَاصِي، وَفِي دَارِ أُمَّتِكَ وَاز عذاب جهنم و رسیدن به آتش دوزخ نجات و رهائی من، و در خانه امن و کرامتتک مَثْوَايَ وَمُنْقَلَبِي، وَعَلَى أَيْدِي سَادَاتِي وَمِيوَالِيِّ الِ و کرامت تو جایگاه و بازگشت من است، و بر دست سرورانم و عزیزانم خاندان الْمُصِطَفِي فَوْزِي وَفَرَجِي. اَللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، مصطفی علیهم السلام رستگاری و گشایش من است. خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست، وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، وَاغْفِرْ لِمَنْ هَمَّ مَرْدَانٍ وَزَنَانِ مَوْمِنٍ وَزَنَانِ مُسْلِمَانٍ رَا بِيَامِرِزَلِي وَلَوْلَا اَلدِّي وَمَا وَلَدَا وَأَهْلَ بَيْتِي وَجِيرَانِي، وَلِكُلِّ مَنْ قَلَدَنِي وَ مِنْ وَ پَدْرٍ وَ مَادْرَمٍ وَ أَنْجَحَ بَدْنِيَا آوْرَدَه اَنْدِ وَ اَهْلٍ وَ عِيَالَمٍ وَ هَمْسَايْكَانَم يَدَا مِنْ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ. وَالسَّلَامُ وَ هَر مَرْدٍ وَ زَن بَا اِيْمَانِي كِه بَه مِنْ اِحْسَانِي كَرْدَه بِيَامِرِز، كِه تُو صَاَحِب فَضْلٍ وَ بَخْشِش فِرَاوَان هَسْتِي. وَ سَلَام عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ. (۷۳)

بر تو و رحمت و برکات خداوندی بر تو باد.

زیارت جامعه ششم

این زیارت، بیعت با امامان علیهم السلام و تجدید عهد با ایشان است، از آن بزرگواران روایت شده است که فرموده اند:

زیارت ما در واقع تازه کردن عهد و میثاقی است که به عهده بندگان است. هنگام زیارت بگو:

جِئْتُكَ يَا مَوْلَايَ زَائِرًا لَكَ، وَمَسِيئًا عَلَيْكَ، وَلَا نِدَاءَ بِكَ، وَقاصِدًا أَي مَوْلَايَ مِنْ؛ در پیشگاه شما حضور یافته ام تا شما را زیارت کرده و بر شما سلام گویم، و به شما پناهنده گشته، و آهنگِ اِلَيْكَ، اُجَدُّ مَا أَخَذَ اللّٰهُ لَكُمْ فِي رَقَبَتِي

مِنَ الْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ شَمَا نَمُودَه ام، با شما تجدید می کنم در آنچه خداوند از عهد و میثاق وَالْوَلَايَةِ لَكُمْ، وَالْبَرَآءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، مُعْتَرِفًا بِالْفُرْضِ مِنْ طَاعَتِكُمْ. و ولایت شما، و بیزاری و براءت از دشمنانتان بر عهده من نهاده است، در حالی که به وجوب اطاعت شما اعتراف کننده ام. سپس دست راست خود را بر قبر بگذار و بگو:

هَذِهِ يَدٌ مُصَافَقَةٌ لِمَكَ عَلَى الْجَبِيحَةِ الْوَاجِبَةِ عَلَيْنَا، فَأَقْبِلْ مِنِّي أَيْنَ دَسْتِي اسْتِ كِه در دست شما به عنوان بیعتی که بر من واجب گشته نهاده ام، پس آن را از من بپذیر ذلک یا امامی، فَقَدْ زُرْتُكَ وَأَنَا مُعْتَرِفٌ بِحَقِّكَ مَعَ مَا أَلَزَمَ اللَّهُ أَيْ پيشوای من؛ به راستی که به زیارت شما آمده و به همه آنچه خداوند سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى مِنْ نُصَيْرَتِكَ، وَهَذِهِ يَدِي مُصَافَقَةٌ عَلَيَّ مَا أَمْرًا پاك و منزّه و بلندمرتبه بر من لازم دانسته از یاریت معترفم، و این دست من است که در دست شما نهاده ام به عنوان آنچه فرمان داده اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ مَوْلَايَكُم، وَالْإِقْرَارِ بِالْمُفْتَرَضِ مِنْ طَاعَتِكُمْ، اسْتِ خداوند تبارک و تعالی از ارادت شما، و اقرار به وجوب اطاعت شما، وَالْبَرَآءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَالسَّلَامِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. و بیزاری و براءت از دشمنان تان. و سلام بر شما و رحمت خداوند و برکات او بر شما باد. سپس ضریح را ببوس و بگو:

يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَإِمَامِي الْمُفْتَرَضَ طَاعَتَهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ بَقِيَّةُ أَيْ سرور و مولای من؛ و امام من که اطاعتش واجب گشته است، گواهی می دهم که تو عَلَيَّ الْوَفَاءَ بِالْوَعْدِ، وَالِدَّوَامِ عَلَيَّ الْعَهْدِ، وَقَدْ سَلَفَ مِنْ جَمِيلِ بَرِّ وَفَايَ بَه وَعَدَه وَ نُوَيْدَتِ بَاقِي مَانَدَه، وَ بَرِّ عَهْدِ خُودِ اسْتُورِ وَ پَابِرْجَائِي، وَ بَه رَاسْتِي تَحَقَّقْ يَافْتَه اَز وَعْدِكَ لِمَنْ زَارَ قَبْرَكَ مَا أَنْتَ الْمَرْجُوعُ لِلْوَفَاءِ بِهِ، وَالْمُؤَمَّلِ وَعَدَه نِيكُوِيَتِ

خدا، سلام عَلَیْكَ یا خَیْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَأَمِیْنَهُ عَلَی وَحْیِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ بر تو ای بهترین خلق خدا، و امین او بر وحیش، سلام بر تو یا مَوْلایِ یا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مَوْلایِ، أَنْتَ حُجَّهَای مَوْلایِ من ای امیر اهل ایمان، سلام بر تو ای مَوْلایِ من، تو حَجَّتِ اللَّهُ عَلَی خَلْقِهِ، وَبَابُ عِلْمِهِ، وَوَصَّیْتُ نَبِیَّهِ، وَالْخَلِیْفَهُ مِنْ بَعْدِهِ خَدا بر آفریدگانِش، و باب علمش، و وصی پیامبرش، و جانشین بعد از پیامبر فی اُمَّتِهِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً غَضِبَ بِتَنَكُّ حَقِّكَ، وَقَعَدَتْ مَقْعَدَكَ، أَنْادِرَ مِیْانِ اُمَّتِش هستی، خداوند لعنت کند اُمَّتِی را که حق خلافت را غضب کردند و در مقام تو غاصبانه نشستند، من بَرِیٌّ مِنْهُمْ وَمِنْ شِیْعَتِهِمْ إِلَیْكَ. السَّلَامُ عَلَیْكَ یا فَاطِمَةُ البْتُولُ، از آنان و از پیروان شان نزد تو بیزاری می جویم. سلام بر تو ای فاطمه زهراى بتول، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا زَیْنِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا بِنْتَ سَلام بر تو ای زینت زنان اهل عالم، سلام بر تو ای دختر رسولِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَیْكَ وَعَلِیْهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ رسولِ خَدا پروردگارِ عالمیان، درود خَدا بر تو و بر او (پدر بزرگوارت) باد، سلام بر تو یا أُمُّ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً غَضِبَ بِتَنَكُّ حَقِّكَ، وَمَنْعَتِكَ مَاى مَادِرِ اِمَامِ حَسَنِ و امام حسین، خداوند لعنت کند اُمَّتِی را که حق تو را غضب نمودند، و ارثی را که جَعَلَهُ اللَّهُ لَكَ حَلَالًا، أَنَا بَرِیٌّ مِنْهُمْ وَمِنْ شِیْعَتِهِمْ. السَّلَامُ خَداوند بر تو حلال کرده بود از تو منع نمودند، من بیزاری می جویم نزد تو از آن ها و از پیروان شان. سلام عَلَیْكَ یا مَوْلایِ یا أبا مُحَمَّدِینِ الْحَسَنِ الزَّكِيِّ، السَّلَامُ عَلَیْكَ بر تو ای مَوْلایِ من؛ ای ابا مُحَمَّد (امام) حسن؛ پاکیزه صفات، سلام بر تو یا مَوْلایِ، لَعَنَ

اللَّهُ أُمَّهُ قَتَلْتِكَ، وَبَايَعْتُ فِي أَمْرِكَ وَشَايَعْتُ، أَنَا أَيُّ مَوْلَايَ مِنْ، خَدَاوَنَد لَعْنَتِ كُنْدِ أُمَّتِي رَا كِه تُو رَا بِه قَتْلِ رَسَانِيدَنْد، وَ بَرِ
دَشْمَنِي بَا تُو بِيَعْتُ وَ مَتَابَعْتُ (بَا مَعَاوِيَه) كَرْدَنْد، مِنْ بَرِيءٍ إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيَعَتِهِمْ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا بِيْزَارِي مِي جُوِيْم
نَزْد تُو اَز اَن هَا وَ اَز پِيْرُوَان شَان. سَلَام بَر تُو اِي مَوْلَايَ مِنْ؛ اِي اَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، صَيِّمَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى
أَيِّكَ) حَضْرَت (اَبَا عَبْدِ اللَّهِ حَسِيْن بِنِ عَلِيٍّ، دَرُوْد وَ سَلَام خُدا بَر تُو وَ بَر پِدْرَت وَ جَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَيِّمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لَعْنَةُ اللَّهِ
أُمَّهِنِ اسْتَحَلَّتْ وَ جَدَّتْ) حَضْرَت (مُحَمَّدٍ كِه دَرُوْد خُدا بَر اُو وَ آلِ اُو بَاد، خَدَاوَنَد لَعْنَتِ كُنْدِ أُمَّتِي رَا كِه خُوْن تُو رَا حَلَالِ
شَمْرْدَنْد، دَمِيْكَ، وَ لَعْنَةُ اللَّهِ أُمَّهُ قَتَلْتِكَ وَ اسْتَبَاحْتُ حَرِيْمَكَ، وَ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ خَدَاوَنَد لَعْنَتِ كُنْدِ أُمَّتِي رَا كِه تُو رَا شَهِيْدِ نَمُوْدَنْد وَ
هَتَكِ حَرِيْمَتِ رَا مَبَاحِ كَرْدَنْد، وَ خُدا لَعْنَتِ كُنْدِ اَشْيَاعَهُمْ وَ اَتْبَاعَهُمْ، وَ لَعْنَةُ اللَّهِ اَلْمُمَهِّدِيْنَ لَهُمْ بِاَلْتَّمُكِيْنَ مِنْ شِيْعِيَانِ وَ
پِيْرُوَانِ اَنَانِ رَا، وَ خُدا لَعْنَتِ كُنْدِ كَسَانِي رَا كِه بَسَاطِ تَمَكِيْنِ مَرْدَمِ رَا دَرِ قَتَالِ بَا شِمَاقْتَالِكُمْ، اَنَا بَرِيءٌ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ بَر اَن هَا بَكْسْتَرْدَنْد) يَعْنِي بِه خِلَافَتِ بَا اَن هَا بِيَعْتُ كَرْدَنْد، مِنْ بِيْزَارِي مِي جُوِيْم نَزْد خُدا وَ نَزْد شَمَا اَز
اَنَانِ. سَلَام بَر تُو اِي مَوْلَايَ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا مَن؛ اِي اَبَا مُحَمَّدِ عَلِيٍّ بِنِ حَسِيْنِ، سَلَام بَر تُو
اِي مَوْلَايَ مِنْ؛ اِي اَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ اَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ؛ سَلَام بَر تُو اِي مَوْلَايَ
مِنْ؛ اِي اَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا

داشته باشد، و دشمنم با کسی که با شما دشمنی می کند، و دوستم با کسی که با شما دوستی می کند تا روزالقیامه، وَلَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكُمْ وَغَاصِبِيكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ أَشْيَاعَهُمْ قِيَامَتِ، و خداوند لعنت کند ظلم کنندگان به شما را و غصب کنندگان (حقوق) شما را، و خداوند لعنت کند شیعیان آن ها را وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَهْلَ مِذْهَبِهِمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ. (۷۵) و پیروان آن ها را و اهل مذهب آن ها را، و من از آنان به درگاه خدا و به شما بیزاری می جویم.

زیارت جامعه هشتم

زیارت جامعه دیگر برای ائمه اطهار علیهم السلام: پس از اذن ورود می گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَحَالَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَسَاكِينَ سَلَامٍ بِرِشْمَايَ جَايْغَاهِي مَعْرِفَةِ الْهِي، سَلَامٍ بِرِشْمَايَ مَنزَلْغَاهِي بَرَكَهِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْعِيَةَ تَقْدِيسِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِرِكَتِ خَدَاوَنَدِي، سَلَامٍ بِرِشْمَايَ ظُرُوفِ تَقْدِيسِ رِبُوبِي، سَلَامٍ بِرِشْمَايَا حَفْظَةِ سِرِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَنِ انْتَجَبَهُمُ اللَّهُ لِخَلْقِهِ أَي حَافِظَانَ سِرِّ خَدَاوَنَدِي، سَلَامٍ بِرِشْمَايَ كِسَانِي كِه خَدَاوَنَدِي شِمَا رَا بَرَايَ آفَرِيدْگَانَشِ بِه عَنَوَانِ أَعْلَامَا، وَلِدِينِهِ أَنْصَارَا، وَلِعَلْمِهِ وَسِرِّهِ خُزَانَا، وَرَثَتِكُمْ كِتَابَهُ، رَاهِنَمَا، وَبَرَايَ دِينَشِ يَارِ وَيَاوَرِ، وَبَرَايَ عِلْمِ وَدَانَشِ وَرَازَشِ خَزَانِه دَارِ بَرِگَزِيدِ، شِمَا رَا وَارِثِ كِتَابَشِ گَرْدَانِيدِ، وَخَصَّكُمْ بِكَرَائِمِ التَّنْزِيلِ، وَضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ نُورِهِ، وَأَجْرِيوِ ارْزَنْدِه تَرِينِ وَبَرِگَزِيدِه تَرِينِ قَسْمَتِ قَرَّانِ رَا بِه شِمَا اِخْتِصَاصِ دَادِ، وَبَرَايَ شِمَا مَثَلِ از نُورِ خُودِ زِدِ، وَفِيكُمْ مِنْ رُوحِهِ، فَصَلِّ لِي اللَّهُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِي وَمَوَالِي. السَّلَامُ دَرِ وُجُودِ شِمَا از رُوحِ خُودِ جَارِي سَاخْتِ، پَسِ دَرُودِ خَدَاوَنَدِي بَرِ شِمَايَ سَرُورَانِ مَنِ وَ مَوَالِيَانِ مَنِ. سَلَامٍ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ نِ الْمُؤْتَضَى، بَرِ شِمَايَ مُحَمَّدِ مُصْطَفَى، سَلَامٍ بِرِشْمَايَ عَلِيٍّ مُرْتَضَى، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا أَيُّهَا السَّيِّدَانِ سَلامٌ بِرِشْمَايَ فَاطِمَةَ زَهْرَا، سَلامٌ بِرِشْمَايَ دُو سُرُورِ مَن ۱. مَفَاتِيحُ الْجَنَانِ: ۱۰۸۷، مَسْتَدْرِكُ الْوَسَائِلِ: ۳۶۹/۱۰، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ۳۷۴/۱۰۱.

الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ أَمَامَ حَسَنٍ وَ أَمَامَ حُسَيْنٍ، سَلامٌ بِرِشْمَايَ عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ، سَلامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ بِرِشْمَايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، سَلامٌ بِرِشْمَايَ صَادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ مُحَمَّدٌ، سَلامٌ بِرِشْمَايَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، سَلامٌ بِرِشْمَايَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُوسَى، سَلامٌ بِرِشْمَايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، سَلامٌ بِرِشْمَايَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، سَلامٌ بِرِشْمَايَ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، سَلامٌ بِرِشْمَايَا حُجَّجَةَ اللَّهِ الْمُتَنْظِرِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعِيدِنَا أَيُّهَا حَسْبُ خَلْقِ (أَمَامِ) مُتَنْظِرِ. سَلامٌ بِرِشْمَايَ أَهْلِ بَيْتِ نَبَوْتِ، وَ جَايِغَاةِ الرَّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الدَّعَايِمُ رِسَالَتِ الْهَيِّ، وَ مَحَلِّ رِفْتِ وَ أَمَدِ فَرِشْتِغَانِ، سَلامٌ بِرِشْمَايَ پَايَةِ هَاوَالِ الْأَرْكَانِ، الْمَخْصُوصُونَ بِالْإِمَامَةِ، أَنَا وَ لِيَّكُمْ وَ زَائِرُكُمْ، وَ أَسَاسُ وَ أَرْكَانُ هَسْتِي كِهْ بِهْ أَمَامَتِ وَ پِيشْوَانِي اِخْتِصَاصِ يَافْتِيدِ، مَن ارَادَتَمَنَدِ شَمَا وَ زَائِرِ شَمَائِمِ كِهْ الْمُتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، أُوَالِي وَ لِيَّكُمْ، وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ بِكُمْ مَن بَا دُوسْتِي شَمَا بِهْ خَدَاوَنَدِ تَقَرَّبِ مِي جُويِمِ، وَلِيَّ شَمَا رَا فَرْمَانِبَرْدَارِمِ، وَ بِهْ دَرِگَاةِ خَدَاوَنَدِ اَزْ عِيدُوكُمْ، وَ اسْتَشْفِعُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ اسْأَلُهُ أَنْ يُصَيِّمَنِي عَلِيدِشَمَنَانِ شَمَا بِيْزَارِي مِي جُويِمِ، وَ بِهْ سُوِيِ پَرُورْدِگَارِ مَتَعَالِ شَمَا رَا شَفِيعِ خُودِ مِي گَرْدَانِمِ، وَ اَزْ اُو مِي خُوَاهِمِ كِهْ بِرِشْمَايَ مُحَمَّدٍ

کامش در مقام فرقت و مهاجرت از آن روضه مقدّسه، به اندازه شوق و انبساطو فرح و نشاط او است در اوّل ورود، و درجات آن مختلف است به حسب درجات معرفت و محبّت که به آن ذوات مقدّسه و ارواح طیّبه دارد، اگر صادق است در آن دعوی. و پست ترین مرتبه آن، این است که به راستی وجود مقدّس امام علیه السلام نزد او محبوبتر باشد از اهل و مال و اولاد و آنچه که به آن ها دل بسته و علاقه پیدا کرده.

پس اگر در وقت وداع حالش چنان است که می خواهد از عزیزترین خلق و محبوبترین ایشان مفارقت کند و از او جدا شود، پس ناچار دلش سوزان و اشکش ریزان و پایش لرزان خواهد بود. پس خدای را بر این نعمت عظمی شکر کند و اگر نه، در دعوی خویش کاذب و رجایش خائب است. (۷۸)

□

زیارت وداع پس از زیارت «امین الله»

مؤلف گوید: در کتاب «الإقبال» مرحوم سیّد بن طاووس و «الصحیفه الصادقیه» و نیز در دو کتاب خطّی دیدم که زیارتی از امام صادق علیه السلام به عنوان وداع، پس از زیارت «امین الله» نقل شده است:

جابر می گوید: روایت حضرت امام باقر علیه السلام درباره زیارت «امین الله» را خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم. امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر گاه خواستی یکی از ائمه علیهم السلام را وداع نمایی، این دعا را (پس از زیارت امین الله) اضافه کن:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ سَلَامَ بَرِّ تَوَايَ أَمَامٍ وَرَحْمَتِ خَدَاوْنَدٍ وَبَرَكَاتِ أَوْ بَرِّ تَوَا بَادٍ، تَوَا
به خدا می سپارم، وعلیّک السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. اَمَّنَّا بِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ وَرَحْمَتِ خَدَا وَبَرَكَاتِ
او بر تو باد. ایمان آورده ایم به

پیامبر، و به آنچه از احکام و دستورات آورده اید، به، و دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اَجْرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي و بر آن رهنمون گشته اید. خداوندا! این زیارت را آخرین زیارت از زیارت من و لِيَّكَ. اَللّٰهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَ مَزَارِهِ الَّذِي اَوْجَبْتَ لَهُ، وَيَسِّرْ لِيَّ رَاحَتَهُ را قرار نده. خداوندا! مرا محروم مکن از ثواب زیارتی که آن را واجب گردانیده ای، و لَنَا الْعَوْدَ إِلَيْهِ اِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالَى. (۷۹)

برگشت به سوی حضرتش را بر ما آسان فرما ان شاء الله تعالى.

۱. هدیه الزائرین و بهجه الناظرین: ۴۰۹.

۲. الإقبال: ۷۸۷، الصحیفه الصادقیه: ۲۹۰، کتاب فی الزیارات والأدعیه (مخطوط): ۱۵.

زیارت دَوْم وداع

هر گاه اراده بازگشت و وداع نمودی، بگو:

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ، سَلَامٌ مُودِعٌ، لَا سِيِّمٌ وَلَا سَلَامٌ بِرِشْمَايَ أَهْلِ بَيْتِ پِيَامْبَر، سَلَامٌ شَخْصٌ وَدَاعٌ كُنْنَدَه اِي كِه اَز ديدارت نه خسته گردیده و نه دوست دارد كه قال، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، سَلَامٌ وَلِيٍّ غَيْرِ دُور شُود، وَ رَحْمَتِ خِدا وَ بَرَكَاتِ او بِرِشْمَا كِه او سِتُودَه وَ بَاشُكُوه وَ عَظْمَتِ اسْتِ، (سَلَامٌ بِرِشْمَا) سَلَامٌ ارادتمندی كه رَاغِبٌ عَنكُمْ، وَلَا مُسْتَبَدِلٌ بِكُمْ، وَلَا مُؤَثِّرٌ عَلَیْكُمْ، وَلَا مُنْحَرِفٌ اَزِ شِمَا رُوي گردان نیست، وَ كَسِي رَا جايگزين شِمَا نَمِي سَازَد، وَ دِيكُري رَا بِرِشْمَا تَرَجِيحِ نَمِي دَهْدِ وَ اَزِ رَا هِ شِمَا مَنَحَرِفِ نَمِي شُود، عَنكُمْ، وَلَا - زَاهِدٌ فِي قُرْبِكُمْ، وَإِثْيَانٌ مَشَاهِدِكُمْ. وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ، وَ بِي اَعْتِنَائِي دَرِ نَزْدِيكِ بُوْدَنِ بَا شِمَا وَ آمَدَنِ بَه زيارتگاه شِمَا نَدَارَد. وَ سَلَامٌ بِرِشْمَا، وَ حَسْرَتِي اللهُ فِي زَمْرَتِكُمْ، وَأَوْرَدَنِي حَوْضِكُمْ، وَ جَعَلَنِي مِنْ وَ خِداوند مرا دَرِ زَمْرَه شِمَا مَحْشُورِ گرداند، وَ دَرِ كِنارِ حَوْضِ شِمَا (كُوثِر) وارد فرمايد، وَ اَزِ حَزْبِ وَ حِزْبِكُمْ، وَأَرْضَاكُمْ عَنِّي، وَ مَكَّنَنِي فِي دَوْلَتِكُمْ، وَأَحْيَانِي فِي گِرُوهِ شِمَا قَرارِ دَهْدِ، وَ قَلْبِ نازنين شِمَا

را از من راضی و خشنود نماید، و در دولت شما به من قدرت و توانائی دهد، و در رجعتکم، و مَلَکَنی فی آیامکم، و شکر سَعِی بکم، و غَفَرَ ذُنُوبِی رَجَعْتَ شَما زَندَه گِردانَد، و در دوران شما بهره مند فرماید، و سعی و تلاش مرا به واسطه شما پاداش دهد، و گناهم را بِشَفَاعَتِکُم، و أَقَالَ عَثْرَتِی بِمَحَبَّتِکُم، و اَعْلَى کَعْبِی بِمُؤَالَاتِکُم، به شفاعت شما بیامرزد، و از خطا و لغزشم بخاطر محبت داشتن به شما چشم پوشی نماید، و با ولایت شما مرا سرافراز فرماید، و وَشَرَّفَنی بِطَاعَتِکُم، و اَعَزَّنی بِهُدَاکُم، و جَعَلَنی مِمَّنِ انْقَلَبَ با اطاعت و فرمانبرداری از دستورات شما به من شرافت و بزرگی بخشد، و مرا به هدایت و رهبری شما عزیز گرداند، و از کسانی قرار دهد مُفْلِحاً مُنْجِحاً، غَانِماً سَالِماً، مُعَافاً غَیْباً، فَأَئِزّاً بِرِضْوَانِ اللّهِ که با کامیابی و رستگاری، بهره مند، سلامت و عافیت و توانگری و پیروزمند به رضوان و خشنودی خداوند و فَضْلِهِ وَکِفَايَتِهِ، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُؤَارِکُمْ و فضل و احسانش و سرپرستی او بازمی گردند، بهتر از بازگشتی که هر یک از زائرین شما و مَوَالِیکُمْ، و مُحِیْبِکُمْ وَشِيعَتِکُمْ، و رَزَقَنی اللّهُ العُودَ ثُمَّ العُودَ اِذْ تَمَدَّدْتُمْ شَما، دُوسْتان شَما و شِيعیان شَما دارند، و بار دیگر بازگشتن را، و بار دیگر اَبْداً ما اَبْقَانی، بِنَبِیِّهِ وَايْمَانِ وَتَقْوَى وَإِحْبَابِ، و رَزَقِی وَاسِعاً تا مادامی که زنده ام به طور پیوسته، با نیت خالص و ایمان و تقوا و فروتنی و روزی فراوان حلالِ طَيِّبٍ. اَللّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اِخْرَ الْعُهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَذِكْرِهِمْ حَلالِ پاکِ روزی من گرداند. خداوندا! این سفر را آخرین عهد من از زیارت ایشان و یادشان وَالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ، وَأَوْجِبِ الْمَغْفِرَةَ وَالْخَيْرَ وَالْبَرَكَهَ وَالنُّورَ و درود فرستادن بر روح پاکشان قرار مده، و مرا شایسته آموزش و خیر و برکت و نور و اَلْإيْمَانَ وَحُسْنَ

الْجَابِهِ، بِمَا أُوجِبَتْ لِأَوْلِيَائِكَ الْعَارِفِينَ وَ إِيْمَانٍ وَ اجَابَتِ نِيكُو بفرما، به آن گونه كه اولياء و عزيزانت را سزاوار آن ساختی؛ آنان كه به بِحَقِّهِمْ، الْمَوْجِبِينَ طَاعَتَهُمْ، وَالرَّاعِيْنَ فِي زِيَارَتِهِمْ، الْمَتَّقِينَ حَقَّ اَيْن بزرگواران معرفت دارند؛ از دستورات شان فرمانبرداري مي كنند؛ در زيارت آنان اشتياق دارند، وَإِلَيْكَ وَإِلَيْهِمْ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي، اِجْعَلُونِي فِي بِهِ سوي تو و ايشان تَقَرَّبَ مي جويند. پدر و مادرم، جانم و اهل و عيالم فدای شما، مرا مورد همتكم، وَصِيَّيرُونِي فِي حَزْبِكُمْ، وَأَدْخِلُونِي فِي شَفَاعَتِكُمْ، تَوَجَّهْ خود قرار دهيد، و در حزب و گروه خویش راه دهيد، و در شفاعتتان وارد كنيد، وَأَذْكُرُونِي عِنْدَ رَبِّكُمْ. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَنزد پروردگارتان از من ياد نماييد. خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، وَأَبْلُغْ أَرْوَاحَهُمْ وَأَجْسَادَهُمْ مَنِي السَّلَامِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَاز طرف من به ارواح پاك ايشان و بدن های مطهرشان سلام برسان، و درود و عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَرَحْمَتِ وَبَرَكَاتِ خدائند بر او و بر همه آنان باد، و درود خداوند بر سرور ما (حضرت) مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. (۸۰)

و آل او باد، و سلام زياد از روی تسليم، و خداوند ما را كافي و خوب و كيلي است.

زيارت سوم وداع

عَلَّامَه مَجْلِسِي رَحْمَه الله در «بحار الأنوار» فرموده است: هنگامي كه خواستي با هر يك از ائمه عليهم السلام وداع كني، بگو:

سَلَامُ اللَّهِ وَتَحِيَّاتُهُ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَي خَيْرِهِ اللَّهُ وَأَصِيْفِيَّاهُ دَرُودِ خدَا وَسَلَامِ وَرَحْمَتِ وَبَرَكَاتِ او بر اختيارشدهگان خدا و برگزیدهگان وَأَحِبَّائِهِ وَحُجَّجِهِ وَأَوْلِيَائِهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ، وَآلِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَدُوسْتَانِ وَحُجَّتِ هَا وَأَوْلِيَائِش (حضرت) مُحَمَّدِ رَسُولِ او، وَآلِ او امير مؤمنان عَلَيَّ، الْحَسَنِ، الْحُسَيْنِ، عَلَيَّ، مُحَمَّدٍ، جَعْفَرٍ، مُوسَى، عَلَيَّ، (حضرت) عَلِي، امام

حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، مُحَمَّد، عَلِيٌّ، حَسَن، الْخَلْفِ الصَّالِحِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
جَمِيعًا السَّلَامُ امام جواد، امام هادی، امام حسن عسکری، و جانشین شایسته اش، که بر او و بر همه آنان سلام وَالرَّحْمَهُ.
السَّلَامُ عَلٰی خَالِصِهِ اللّٰهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَصِيَّ فَوْتِهِ مِنْ وَرَحْمَتِ خُدا باد. سلام بر بنده خالص و گزیده خدا از میان آفریدگان، و
بر گزیده او از بربریت، وَأَمْنًا عَلَيْهِ عَلٰی وَحْيِهِ، وَحُجَّجِهِ عَلٰی عِبَادِهِ، وَخُزَّانِهِ عَلِيمِيَانِ موجوداتش، و امینان او بر وحیش، و حجت های او
بر بندگان، و خزانه داران او بر

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲/۲۷۵، المزار الکبیر: ۵۳۵، بحار الأنوار: ۱۰۲/۱۳۳.

عَلِمِهِ، وَعَلَيْهِمْ مِنَ اللّٰهِ دَائِمُ الصَّلَوَاتِ، وَزَاكِي الْبَرَكَاتِ، وَنَامِي عِلْمِش، و بر آنان از طرف خداوند دروهای همیشگی و پیوسته،
و برکات پاکیزه و فزاینده وَالتَّحِيَّاتِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ مَوَالِيَّ أُمَّتِي وَقَادَتِي، وَنِعْمَ الْمَوَالِيَّ تَحِيَّاتِ بالنده. سلام بر شما ای (سروران
و پیشوایان و زمامداران من، و شما خوب سرور و الْأَيْمَةُ وَالْقَادَةُ أَنْتُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ، وَالسَّلَامُ لَكُمْ مِنْ قَلِيلٍ، و پیشوا و
زمامدارانی هستید، و سلام بر شما، و سلام من برای شما اندک است، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ الِ يَاسِينَ، سَيَلَامًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا
مُتَّبِعًا سلام بر شما ای) خاندان پیامبر، سلام فراوان، پاک، مبارک پی در پی، سَيَزِيدًا، دَائِمًا أَبَدًا، كَمَا أَنْتُمْ أَهْلُهُ، مِنْ مَن
وَالِدِيَّ وَأَهْلِيَّ جَاوِيدِ، پایدار و همیشگی، آن گونه که شما سزاوارید، از طرف من، پدر و مادرم، اهل و عیالم و وُلْدِي، وَإِخْوَتِي
وَأَخْوَاتِي، وَمِنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، و فرزندانم، و برادرانم و خواهرانم، و از طرف همه مردان و زنان مؤمن، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ
وَالْأَمْوَاتِ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ زَنَدِگَانِ وَ مَرْدِگَانِ آنان، و رحمت خدا و برکات او بر شما. سلام بر شما سَلَامٌ
مُودِعٌ لَا سَيِّمٌ وَلَا

قَالَ وَلَا مَالٌ، وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ سَلَامٌ وَدَاعٍ كُنْدَهُ أَيْ كَهْ مِنْ زِيَارَتِ شِمَا نَهْ خَسْتَهْ شَدَهْ وَ نَهْ اْفَسْرَدَهْ گَشْتَهْ وَ نَهْ مَلُولِ گَرْدِيدَهْ، وَ رَحْمَتِ خَدَا وَ بَرَكَاتِ اْوَعْلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ اِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، غَيْرِ رَاغِبٍ عَنكُمْ، وَلَا بَرِ شِمَا اَهْلِ بَيْتِ، كَهْ اْو سْتَوْدَهْ وَ بَاشْكُوَهْ اَسْتِ، نَهْ اَزْ شِمَا رُوِي گَرْدَانِمِ، وَ نَهْ مُنْحَرِفٍ عَنكُمْ، وَلَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكُمْ، وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكُمْ، وَلَا مَنْحَرِفِمِ، وَ نَهْ كَسِي رَا بَرِ شِمَا تَرْجِيحِ مِي دَهْمِ، وَ نَهْ بِي اَعْتِنَايِي بَهْ نَزْدِيكَ بُوْدِنِ بَا شِمَا، وَ نَهْ اَبْتَنِي بِكُمْ بَدَلًا، وَلَا عَنكُمْ حَوْلًا، وَلَا اَتَّخِذُ بَيْنَكُمْ سُبُلًا، وَلَا كَسِي رَا جَايْگَرِيْنِ شِمَا مِي نَمَايِمِ، وَ نَهْ اَزْ شِمَا بَرْمِي گَرْدَمِ، وَ نَهْ دِيگَرِي رَا دَرِ بَيْنِ شِمَا رَا هِ خُوْدِ قَرَارِ مِي دَهْمِ، وَ نَهْ اَشْتَرِي بِكُمْ ثَمَنًا. لَا جَعَلَهُ اللَّهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمْ، وَتَعْظِيمِ شِمَا رَا بَهْ بَهَايِي مِي فَرْوَشِمِ. خَدَاوَنْدِ اَيْنِ دِيْدَارِ رَا اٰخِرِيْنِ زِيَارَتِ اَزْ شِمَا، وَ بَزْرْگَدَاشْتِ ذِكْرِكُمْ، وَتَفْخِيْمِ اَسْمَائِكُمْ، وَ اِيْتِيَانِ مَشَاهِدِكُمْ وَ اِثَارِكُمْ، وَ الصَّلَاةِيْدِ شِمَا، وَ گَرَامِي دَاشْتِ نَامِ شِمَا، وَ اَمْدِنِ بَهْ زِيَارَتْگَا هِ شِمَا وَ دِيْدِنِ اَثَارِ شِمَا، وَ دَرُوْدِ فَرْسْتَاْدِنِ، لَكُمْ، وَ التَّسْلِيْمِ عَلَيْكُمْ، بَلْ جَعَلَهُ اللَّهُ مَثَابَةً لَنَا، وَ اَمْنًا فِي دُنْيَانَا وَ سَلَامٌ كَرْدِنِ بَرِ شِمَا قَرَارِ نَدَهْدِ، بَلْ كَهْ اَنْ رَا پَنَاهْگَا هِ مَا، وَ مَحَلِّ اَمْنِ مَا دَرِ دُنْيَايِ مَا وَ اٰخِرَتِنَا، وَ ذِكْرًا وَ نُورًا لِمَعَاْدِنَا، وَ اَمَانًا وَ اِيْمَانًا لِمُنْقَلَبِنَا وَ مَثْوَانًا. وَ اٰخِرَتِ مَا قَرَارِ دَهْدِ، وَ يَادْ اَوْرِ وَ رُوْشْنِي بَخْشِ بَرَايِ مَعَاْدِ مَا، وَ بَاعْثِ اَمِّيَّتِ وَ اِيْمَانِ دَرِ هَرِ حَرْكَتِ وَ سَكُوْنِ مَا بَاشْدِ. وَ جَعَلَنِي اللَّهُ مِمَّنْ اِنْقَلَبَ عَنِ زِيَارَتِكُمْ وَ ذِكْرِكُمْ، وَ الصَّلَاةِ لَكُمْ، وَ خَدَاوَنْدِ مَرَا اَزْ كَسَانِي قَرَارِ دَهْدِ كَهْ اَزْ زِيَارَتِ شِمَا وَ يَادِ شِمَا، وَ دَرُوْدِ فَرْسْتَاْدِنِ وَ التَّسْلِيْمِ عَلَيْكُمْ، مُفْلِحًا مُنْجِحًا، غَانِمًا سَالِمًا مُعَاْفًا غَيِّبًا فَآئِرًا وَ سَلَامٌ كَرْدِنِ بَرِ شِمَا بَا زِ مِي گَرْدَدِ دَرِ حَالِي كَهْ

رستگار، کامیاب، بهره مند، به سلامت و عافیت، بی نیاز و پیروزمند برضوانِ الله و رَحْمَتِهِ، وَفَضْلِهِ وَكِفَايَتِهِ، وَنَصِيرِهِ وَأَمْنِهِ، وَمَغْفِرَتِهِ به خشنودی خدا و رحمت و فضل و کفایت، و یاری و امتیّت، و آمرزش و نُورِهِ، وَهُدَاةً وَحَفِظَهُ، وَكَلَامَتَهُ وَتَوْفِيقَهُ وَعِصْمَتَهُ، وَرِزْقِنِي وَنور، و هدایت و حفظ، و نگهداری و توفیق و عصمت او باشد، و مرا بازگشت العُودِ ثُمَّ العُودِ أَبَدًا ما أَبْقَانِي رَبِّي إِلَيْكُمْ بَيْنَهُ وَإِيمَانٍ وَتَقْوِيدِ بَارِهِ وَپس از آن بازگشت دیگر را همیشه به سوی شما روزی گرداند تا مادامی که پروردگارم مرا باقی داشته است با نیت (نیکو) و ایمان و تقوا و اِحْبَابِ، وَنُورٍ وَإِيقَانٍ، وَأَرْزَاقٍ مِنْ فَضْلِهِ وَاسْتِعْمَهُ، طَيِّبِهِ دَارِهِ، و فروتنی و نور و یقین، و از فضل گسترده اش، روزی های پاک سرشار هَنِيئَةً مَرِيئَةً، سَلِيمَةً مِنْ غَيْرِ كَدٍّ، وَلَا مَنْ مِنْ أَحَدٍ، وَنِعْمَةً سَابِغَةً، دَلْنَشِينَ، گوارا، بی عیب بدون زحمت، و بدون مَنّت کسی، و با نعمت فراوان وَعَافِيَةً سَالِمَةً، وَأَوْجِبَ لِي مِنَ الْحَيَاةِ وَالْكَرَامَةِ وَالْبَرَكَاتِ، و عافیت کامل. و واجب گرداند برای من از حیات و کرامت و برکت، وَالصَّلَاحِ وَالْإِيمَانِ، وَالْمَغْفِرَةَ وَالرِّضْوَانَ، مِثْلَ مَا أُوجِبَ وَدَرَسْتِي وَإِيمَانِ، وَآمُرْش وَرِضْوَانِ، مانند آنچه را واجب گردانیده است لِأَوْلِيَائِهِ وَصَالِحِي عِبَادِهِ مِنْ زُورَاهِمُ وَوَأْتِدِيهِمْ، وَمَوَالِيهِمْ برای اولیائش و بندگان شایسته از زائران، وارد شدگان، اردتمندان، وَمُحِبِّيهِمْ، وَحَزْبِهِمْ وَشِيَعَتِهِمْ، الْعَارِفِينَ حَقَّهُمْ، الْمُؤَجِبِينَ دُوسْتَانِشَانِ، وَحِزْبِ وَگروه ایشان و شیعیان شان، آن ها که معرفت به حق آنان دارند، طَاعَتَهُمْ، الْمَدْمِنِينَ ذِكْرَهُمْ، الرَّاغِبِينَ فِي زِيَارَتِهِمْ، الْمُتَنْظِرِينَ اطاعت شان را واجب می دانند، دائم در یاد آن ها می باشند، مشتاق زیارت شان هستند، أَيَّامَهُمْ، الْمُطْبِعِينَ لَهُمْ، الْمُتَقَرِّبِينَ بِذَلِكَ إِلَيْكَ وَإِلَيْهِمْ. اللَّهُمَّ دوران ایشان را انتظار می کشند، مطیع و فرمانبردار آنانند، و به این وسیله به درگاه تو و به سوی آن بزرگواران تقرب می جویند. خداوندا! أَنْتَ خَيْرٌ مَنْ وَفَدْتَ إِلَيْهِ الرِّجَالَ،

وَشَدَّتْ إِلَيْهِ الرَّحَالُ، وَصَيَّرَفَتْ تُو بَهْتَرِين كَسِي هَسْتِي كِه اَشْخَاص بَه سُوِي اُو كُوچ كَنَنْد، وَ دَر آسْتَانِه اَش رَحْل اَقَامْت اَفْكَنَنْد، وَنَحْوَهُ الْأَمَالُ، وَارْتَجَى لِلرَّغَائِبِ وَالْإِفْضَالِ. وَأَنْتَ يَا سَيِّدِي آرْزُوها رَا مَتَوَجِّهْ اُو سَازَنْد، وَ بَرَاي رَسِيدَنْ بَه خَوَاسْتِه هَا وَ بَخْشِشْ هَاي فَرَاوَان بَه اُو اَمِيد دَاشْتِه بَاشَنْد. وَ تُو اِي سُرُور مَن؛ أَكْرَمُ مَا تُبِي، وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ مُلْتَمِسٍ مَا عِنْدَكَ كَرَامِي تَرِين كَسِي هَسْتِي كِه بَه دَرگَاهَش آيَنْد، وَ كَرَامِي تَرِين زِيَارْت شَدِه اِي، وَ تُو بَه رَاسْتِي بَرَاي هَر كِه خَوَاهَان عَنَايْت تُو وَ آنچِه نَزْد تُو جَزَاءً، وَلِكُلِّ رَاغِبٍ إِلَيْكَ هَبَّهُ، وَلِكُلِّ مَن فَرَعَ إِلَيْكَ رَحْمَةً، اسْتِ جَزَا وَ پَادَاشِي، وَ بَرَاي هَر كِه مَشْتَاق تُو اسْت وَ بَه تُو رُوِي آوَرْدِه بَخْشِشِي، وَ بَرَاي هَر كَس بَه پَنَاهْت آمَدِه رَحْمَتِي، وَلِكُلِّ مَتَضَرِّعٍ إِلَيْكَ إِجَابَةً، وَلِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ إِلَيْكَ عَفْوَاً، وَقَدْ جِئْتُكَ وَ بَرَاي هَر كِه بَه سُوِي تُو نَالِه وَ زَارِي مِي كَنْد اِجَابَتِي، وَ بَرَاي هَر كِه بَه تُو تَوَسَّلِ جَسْتِه عَفْوِ وَ رَحْمَتِي قَرَار دَادِه اِي، وَ مَن زَاثِرًا لِقُبُورِ أَجْبَاءِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ اِفْدَا بَرَاي زِيَارْت قُبُورِ پَاكِ اَوْلِيَاءِ تُو وَ دُوسْتَانِ تُو، وَ بَرِگَزِيدِگَانْتِ اَز مِيَانِ بَنْدِگَانْتِ آمَدِه اَم، وَ اِلَيْهِمْ، نَازِلًا بِنِزَاتِهِمْ، قَاصِدًا لِحَرَمِهِمْ، رَاغِبًا فِي شَفَاعَتِهِمْ، بَه سُوِي اَنَانِ كُوچ كَرْدِه، وَ بَه آسْتَانِ مِبَارَكِ ايشَانِ فَرُودِ آمَدِه، وَ آهَنْگِ حَرَمِ ايشَانِ رَا دَارْم، بَه شَفَاعَتِ شَانِ مَائِلِ وَ مَشْتَاقِم، مُلْتَمِسًا مَا عِنْدَهُمْ، رَاجِيًا لَهُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَيْكَ بِهِمْ، وَحَقُّ عَلَيْكَ خَوَاهَانِ عَنَايْتِ شَانِ وَ آنچِه نَزْدِشَانِ هَسْتِ مِي بَاشْم، اَمِيد بَه اَن هَا بَسْتِه، وَ بَه وَسِيلِه ايشَانِ بَه دَرگَاهِ تُو تَوَسَّلِ جَسْتِه اَم، وَ سَزَاوَارِ اسْتِ كِه اَلَّا تُحَيِّبَ سَائِلَهُمْ وَوَاْفِدُهُمْ، وَالنَّازِلَ بِنِزَاتِهِمْ، وَالمُنِيخَ بِسَاحَتِهِمْ تُو گَدَايِ ايشَانِ وَ وَاْرْدِشْدِه بَرِ ايشَانِ، وَ اَن كِه بَه آسْتَانِ اَنَانِ فَرُودِ آمَدِه، وَ دَر

صحن و سرای شان اقامت گزیده، مِنْ حَزْبِهِمْ وَأَشْيَاعِهِمْ، وَوَقَفْتُ بِهَذَا الْمَقَامِ الشَّرِيفِ، رَجَاءً مَاوٍ مِنْ حَزْبِ وَگروه و پیروان آن ها است محروم مگردانی، و در این مقام باشرافت) آمده و (توقف کرده ام به امید عنایتی عِنْدَكَ لِرُؤُوسِهِمْ، وَالْمُطِيعِينَ لَهُمْ، مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَالْفَضْلِ که به زائران و فرمانبرداران ایشان، از رحمت و آمرزش، و لطف وَالْإِنْعَامِ، فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَخْيَبِ وَفِدِكَ وَوَفْدِهِمْ، وَأَكْرَمِنِي وَبَخْشِشِ دَارِي، پس مرا از محروم ترین کسانی که نزد تو و نزد ایشان آمده قرار مده، و بِالْجَنَّةِ، وَمَنْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ، وَجَمَلْنِي بِالْعَافِيَةِ، وَأَجْزِنِي بِالْعَتَقِ بِهشت را بر من کرامت کن، و با آمرزش بر من مَنّت بگذار، و با عافیت مرا زینت ده، و با رهایی مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ رِزْقَكَ الْحَلَالِ، وَفَضْلَكَ الْوَاسِعَ الْجَزِيلَ، از آتش مرا پناه بده، و روزی حلال، و لطف گسترده زیادت را بر من فراخ گردان، وَاذْرَأْ عَنِّي أَبَدًا شَرَّ كُلِّ ذِي شَرٍّ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَهَمواره شرّ و بدی هر صاحب شری از جنّ و انس را از من دور گردان. پدروأمی یا سادتی، أَتَقَرَّبُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ، وَأَتَوَجَّهُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ، و مادرم فدای شما ای سروران من؛ به وسیله شما به خدا تقرب می جویم، و به واسطه شما به خدا روی می آورم، وَأَطْلُبُ بِكُمْ حَاجَتِي مِنَ اللَّهِ، جَعَلَنِي اللَّهُ بِكُمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَآخِرَتِهَا، وَتَحَنُّنًا عَلَيَّ، و آخرت آبرومند و از مقرّبان) درگاهتان) قرار دهد. پدر و مادرم و جانم فدای الْمُقَرَّبِينَ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، تَحَنُّنًا عَلَيَّ، و آخرت آبرومند، وَاذْكُرُونِي عِنْدَ رَبِّكُمْ، و مرا مورد توجه خود قرار

دهید، و از من نزد پروردگارتان یاد کنید، و کونوا عَصَمْتِي، وَصَيِّرُونِي مِنْ حَزْبِكُمْ، وَشَرَّفُونِي بِشَفَاعَتِكُمْ، و پناه من باشید، و مرا از حزب و گروه خود گردانید، و با شفاعت خویش شرافت بخشید، و مکنونی فی دَوْلَتِكُمْ، وَاخْشَرُونِي فِي زُمْرَتِكُمْ، وَأُورِدُونِي فِي دَوْلَتِكُمْ، و حکومتتان توانا و قدرتمند سازید، و در زمره خودتان محشور فرمائید، و حَوْضَ كُمْ، وَأَكْرِمُونِي بِرِضَاكُمْ، وَأَسْعِدُونِي بِطَاعَتِكُمْ، وَخَصُّونِي فِي كِنَارِ حَوْضِ خَوِيْشِ (کوثر) وارد نمائید، و با رضایت و خشنودی خویش گرامی دارید، و به طاعت خویش یاری کنید، و بِفَضْلِكُمْ، وَاحْفَظُونِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَشَرِّ الْإِنْسِ بِه فَضْلٍ وَاحْسَانٍ خَوِيْشِ اخْتِصَاصِ دَهِيْدِ، و مرا از ناپسندی ها و ناخوش آیندهای دنیا و آخرت، و (از) شَرِّ اِنْسٍ وَالْجِنِّ، وَكُلِّ ذِي شَرٍّ بِقُدْرَتِكُمْ، فَيَدْمَهُ اللّٰهُ وَذِمَّتِكُمْ، وَجَلَالِ وِجْنِ، و (از) شَرِّ هر دارنده شَرِّی به قدرت خویش محفوظ بدارید، پس به ضمان خدا و ضمان شما، و جلال اللّٰه، وَكِبْرِيَاءِ اللّٰهِ، وَمُلْكِ اللّٰهِ، وَسَيِّطَانِ اللّٰهِ، وَعَظْمَةِ اللّٰهِ، وَعِزِّ خُدَا، وَكِبْرِيَاءِ خُدَا، وَسُلْطَنَتِ خُدَا، وَعِظْمَتِ خُدَا، وَعِزَّتِ اللّٰهِ، وَكَلِمَاتِهِ الْمُبَارَكَاتِ، أَمْتِنِعْ وَأَخْتَرِسْ وَأَسْتَجِيْرُ وَأَسْتَتَغِيْثُ خُدَا، وَكَلِمَاتِ بَابِرْكَتِشِ خُدَا رَا بَا زَمِي دَارْمِ، وَحَفْظِ مِي كَنَمِ، وَپناه می برم، و كمك می خواهم، وَأَخْتَرِزُ، وَأَهْلِي وَوَلَمْدِي وَمَالِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ أَبَدًا فِي وَنَگه می دارم، و اهل و عیال و فرزندانم و آنچه دارم و برادران مؤمنم را برای همیشه درالدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَبِكُمْ أَرْجُو النَّجَاةَ، وَأَطْلُبُ دُنْيَا وَآخِرَتِ، از هر بدی، و به وسیله شما نجات را امیدوارم، و درستی الصَّلَاحِ، وَآمِلُ النَّجَاحَ، وَأَسْتَشْفِي مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ، وَإِلَيْكُمْ وَنِيكِي رَا خَوَاهَنَمِ، وَمَوْفَقِيَّتِ رَا آرزو دارم، و شفا از هر درد و مرضی را می خواهم، وَمَفْرَى مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَعَلَيْكُمْ مَعُوْلِي

عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ وَرَخَاءٍ. گریزگاه من از هر بیم و هراسی به سوی شماست، و تکیه گاه من در هر سختی و سستی بر شما است. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا اَنْتَ وَهَمَّ اَهْلُهُ، خداوند! بر محمد و بر آل محمد درود فرست، آن گونه که تو و ایشان شایسته آن هستید، وَأَدْخِلْنِيْ فِيْ كُلِّ خَيْرٍ دَعَوَا اِلَيْهِ، وَدَلُّوْا عَلَيَّ، وَأَمْرُوْا بِهٖ، و مرا در هر خیری که به سوی آن دعوت کردند، و بر آن راهنمایی نمودند، و به آن دستور دادند، وَرَضُوْا بِهٖ، قَوْلًا وَفِعْلًا، وَنَجِّنِيْ بِهَمِّ مَنْ كُلِّ مَكْرُوْهٍ، وَأَخْرِجْنِيْ وَازِ اَنْ خَشِنُوْا، از نظر گفتار و رفتار وارد کن، و به وسیله آنان مرا از هر ناخوش آیندی رهایی بخش، وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَأَعْصِمْنِيْ مِنْ كُلِّ مَا نَهَوْا عَنْهُ وَأَنْكَرُوْهُ، از هر بدی خارج کن، و مرا از آنچه نهی کرده اند و مورد پسندشان نیست، وَخَوَّفُوْا مِنْهُ وَخِدَّرُوْهُ، وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ وَفَرِّجْنَا بِهِمْ، وَأَهْلِكْ وَازِ اَنْ تَرَسَانِيْدَهٗ وَبِرْحَدْرٍ دَاشْتَهٗ اَنْدِ مَصُوْنٍ بَدَارٍ وَحَفْظِ كُنْ، و در فرج ایشان و فرج ما به وسیله ایشان شتاب کن، وَعَيِّدْوَهُمْ مِنَ الْاِنْسِ وَالْجِنِّ، وَبَلِّغْ اَرْوَاحَهُمْ وَاَجْسَادَهُمْ اَبْدَادِشْمَانِ شَانِ رَا از اِنْسَانِ هَا وَازِ جَنِّ نَابُوْدِ گِرْدَانِ، وَبِهٖ جِسْمٍ وَجَانِ پَاكٍ وَمَقْدَسِ اِيْشَانِ هِمُوَارَهٗ مِّنِّي السَّلَامُ، وَارْدُدْ عَلَيْنَا مِنْهُمْ السَّلَامُ، وَالسَّلَامُ عَلَيْنِهِمْ از طرف من سلام برسان، و سلام ایشان را به ما بازگردان، و سلام وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ. (۸۱)

و رحمت و برکات خداوند بر همه آنان باد.

زیارت چهارم وداع

این زیارت را نیز علامه مجلسی رحمه الله در «بحار الأنوار» برای وداع با ائمه صلوات الله عليهم نقل نموده است:

السَّلَامُ عَلَيْنِكُمْ يَا سَادَةَ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَأَيْمَةَ الْمُتَّقِيْنَ، وَأَعْلَامَ سَلَامٍ بَرِ شَمَا اِي سُرُوْرَانِ اِهْلِ اِيْمَانِ، وَبِيْشُوْاِيَانِ اِهْلِ

تقوا، و نشانه ها برای الْمُهْتَدِينَ، وَوَرَثَةَ النَّبِيِّينَ، وَسَيِّلَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَقُدْوَةَ الصَّالِحِينَ، راه یافتگان، و وارثان پیامبران، و فرزندان رسولان، و مقتدای صالحان،

۱. بحار الأنوار: ۱۵۷/۱۰۲.

وَحَيَّجَ اللَّهُ عَلَى الْعَالَمِينَ، قَدْ أَنْ لَكُمْ مِنْنِي الْوِدَاعُ، وَحَانَ وَحَجَّتْ هَي هِي بِرِجْهَانِيَانِ، اَيْنِكَ هِنِكَامِ وِدَاعِ مِنْ بَا شِمَا وَالتَّعْجِيلُ لَهُ وَالْإِسْرَاعُ، لَا مِنْ سَيِّمٍ لَكُمْ، وَلَا مَلَلٍ لِلْمَقَامِ عِنْدَكُمْ، شَتَابَ وَ سَرَعَتِ بَرَايِ أَنْ فَرَارِ سَيِّدِهِ، الْبَتَهُ نَهْ بِخَاطِرِ اَيْنِكَ اَزْ دِيْدَارِ شِمَا خَسْتَهْ شَدَهْ وَ اَزْ مَانْدَنِ نَزْدِ شِمَا اَفْسَرْدَهْ وَ مَلُولِ گَشْتَهْ بَاشِمِ، لَكِنْ لِأَسْبَابٍ مَانِعَةٍ، وَمِلَمَاتٍ عَنِ الْإِقَامَةِ دَافِعَةٍ، يَنْضَحُ لَهَا بَلِكِهْ بِخَاطِرِ جِهَاتِي كِهْ مَانَعَنْدِ وَ حَوَادِثِي كِهْ مَرَا اَزْ مَانْدَنِ بَا زَمِي دَارْدِ، الْإِعْتِدَارُ، وَيَتَعَدَّرُ مَعَهَا اللَّبْتُ وَالْقَرَارُ. فَاسْتَوْدِعْكُمْ اللَّهُ، عَذْرَ آوَرْدَنِ أَنْ رَا أَشْكَارِ مِي كَنْدِ، وَ تَوَقَّفِ وَ دَرَنْگِ رَا بَرَايِ مِنْ نَامْمَكِنْ وَ دَشْوَارِ مِي سَاZَدِ، لَذَا شِمَا رَا بَهْ خُدا سَپَرْدَهْ، وَأَسْأَلُهُ بِكُمْ رِضَاهُ، وَدَاعِ عَاZِمِ عَلَى الْعُودِ إِلَيْكُمْ، مُتَأَسِّفٍ وَ بَهْ وَاسِطَهْ شِمَا رِضَايَتِ اَوْ رَا مَسْأَلَتِ مِي نَمَايِمِ، (وِدَاعِ مِي كَنْمِ) وَدَاعِي كَسِي كِهْ تَصْمِيْمِ بَهْ بَاZْگَشْتِ بَهْ سُوِي شِمَا رَا دَارْدِ، وَلِتَعِدُّرِ الْمَقَامِ لَمَدِيكُمْ، وَكَيْفَ لَا يَتَأَسَّفُ عَلَى فِرَاقِ مَشَاهِدِكُمْ بَهْ خَاطِرِ نَامْمَكِنْ بُوْدَنِ مَانْدَنِ نَزْدِ شِمَا اَنْدُوْهَكِيْنِ اَسْتِ وَ چِگُوْنَهْ تَأَسَّفِ نَخُوْرْدِ وَ اَنْدُوْهَكِيْنِ نَبَاشْدِ بَرِ جِدَائِي اَزْ جَايْگَاهِ الشَّرِيْفِهِ الْمُعْظَمِهِ، وَبُقَاعِ قُبُوْرِكُمْ الْمُبَارَكَةِ الْمُكْرَمَةِ، وَفِيهَا شَرِيْفِ وَ بَاعْظَمْتِ حُضُوْرِ نُوْرَانِي شِمَا وَ بَارْگَاهِ مَبَارَكِ وَ گَرَامِي وَ اَرْزِشْمَنْدِ شِمَا، دَرِ حَالِي كِهْ دَرِ أَنْ يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ، وَبُصْرِ رَفِ السُّوءِ وَالْبَلَاءِ، وَبُحْبِحِي الشَّقَاءَ، دَعَا مَسْتَجَابِ وَ بَدِ وَ بَلَاءِ-دُوْرِ مِي گَرْدَدِ، وَ سَخْتِي وَ بَدْبَخْتِي اَزْ بِيْنِ مِي رُوْدِ، وَيَشْفِي الدَّاءَ، وَبِكُمْ يُؤْمِنُ الْعَذَابُ، وَتَهَوَّنُ الصُّعَابُ، وَيُنْجِحُ وَ دَرْدَهَا دَرْمَانِ مِي شُوْدِ، وَ بَهْ وَاسِطَهْ شِمَا اَزْ عَذَابِ اِيْمَنِي مِي يَابَنْدِ، وَ دَشْوَارِي هَا آسَانِ، وَالطُّلَّابُ، وَيُرْجِحُ الثَّوَابُ، وَبِكُمْ تَبِيْمُ النُّعْمَةُ، وَنَعْمُ الرَّحْمَةُ، جُوِيْنْدِگَانِ كَامِيَابِ مِي شُوْنْدِ، وَ بَهْ ثَوَابِ

و پاداش بیشتر الهی می رسند، و به سبب شما نعمت تمام، رحمت فراگیر، و تَنَدَفِعُ النَّقْمَةَ، و تَنَكْشِفُ الْعَمَّةَ، وَتَقْبِلُ التَّوْبَةَ، وَغُفِرَ الْحَوْبَةُ، عقوبت و بلا دور، غم و غصه برطرف، توبه پذیرفته، گناه آمرزیده، و تَزْكُو الْأَعْمَالُ، وَتَنَالُ الْأَمَالَ، وَيَتَحَقَّقُ الرَّجَاءُ، وَتَبْلُغُ السَّرَّاءُ، اعمال پاکیزه، آرزوها برآورده گردد، امید تحقق یافته و به شادمانی رسد، و تَدْفَعُ الضَّرَّاءَ، وَتَهْدِي الْمَرَّاءَ، وَتَرَشُدُ الْمَاهِوَاءَ، وَتَحْضِيْلُ و ضرر و زیان دفع، آراء هدایت و خواسته ها رشد پیدا کند، و السِّيَادَةُ، وَتَكْمِلُ السَّعَادَةَ، وَيَقْبِلُ الْإِيمَانَ، وَيَذْرُكُ الْأَمَانَ، سروری حاصل، سعادت کامل، ایمان قبول و آرامش و اطمینان یابد و وَتَدْخُلُ الْجَنَانَ، وَعَنْكُمْ يُسْأَلُ الْإِنْسُ وَالْجَانُّ. فَوَا أَسِيفًا لِمُفَارِقَةِ دَاخِلِ بَهْشْتِ شُود، و در مورد شما و ولایت شما است که از هر انسان و جنی سؤال شوند. چه قدر اندوه و تأسف می خورم بخاطر جدائی جنابکم، و وَا شَوْقَاهُ إِلَى تَقْبِيلِ أَعْتَابِكُمْ، وَالْوُلُوجِ بِإِذْنِكُمْ از آستان شما، و چه قدر شوق و اشتیاق دارم به بوسیدن درگاه شما، و وارد شدن به لُأَبْوَابِكُمْ، وَتَغْفِيرِ الْخَطِّ عَلَيَّ أَرْيَحُ تُرَابِكُمْ، وَاللِّيَاذِ بِعَرَصَاتِكُمْ، بارگاهتان با اجازه شما، و مالیدن صورت را بر خاک خوشبوی شما، و پناه آوردن به صحن و سراوَمَحَالِّ أَبْدَانِكُمْ وَأَشْخَاصِكُمْ، الْمَحْفُوفَهُ بِالْمَلَائِكَةِ الْكِرَامِ، و محل فرود آمدن جسم پاک و پیکر شریف شما، که فرشتگان بزرگوار اطراف آن گرد آمده، وَالْمَتَّحُوفَهُ مِنَ اللَّهِ بِالرَّحْمَةِ وَالسَّلَامِ، وَدَدْتُ أَنْ كُنْتُ لَهَا وَرَحْمَتِ و سلام خداوند گرداگرد آن را فرا گرفته است، دوست داشتم که دربان این آستان بودم، سَادِنًا، وَفِي جَوَارِهَا قَاطِنًا، لَا يَزِعْجَنِي عَنْهَا الرَّحِيلُ، وَلَا يَفُوتُنِي وَ در جوار آن ساکن می شدم، بَانِكِ وَرَحِيلِ وَ كُوجِ كَرْدَنِ مَرَا از آن دور نمی گرداند و با آن خوابگاه از دستم بِهَا الْمُقْبِلُ، لِيَكْتُرَ بِهَا إِمَامِي، وَاسْتَيْلَامِي لَهَا وَسَيْلَامِي. فَاسْأَلُ نَمِي رَفْتِ، تا دیدار من زیادتر و و استلام سنگهای

و اخلاق کریمانه و خلق و خوی پاکیزه و سیره محبت آمیز شما و اعراقکم، و کرمکم علی ربکم، و عنایتکم بزائرکم و محبتکم، از چنین رفتاری به دور است، و کرامت شما نزد پروردگار و عنایتی که به زائر و دوستدار خود دارید آن یزد سؤاله، أو یحیی لده اماله، و یأبی الله الما تصدیق باعث می شود که درخواست او رد نشود یا محروم نسبت به آرزوهایش نگردد، و خداوند نمی پسندد مگر آنکه و عدکم، و تحقیق الرجاء بقصدکم، إشعافاً و إکراماً لقاصدکم، وعده شما را به آنکه قصد و آهنگ شما نموده راست گرداند و امیدش را برآورد، بخاطر گرمی داشتن و روی آوردن به آنکه به شما روی آورده، و إتحافاً بالخیرات لزائرکم، و كذلك الظن بکم، و المرجو من و هدیه دادن خیرات به زائران، و گمان ما به شما چنین است و امیدی که از فضل و فضله لشیعتکم. و أشهد الله و أعهد علیه، و أشهدکم أنى علیاحسان شما نسبت به شیعیانان می رود اینگونه است. و خدا را گواه می گیرم و بر آن با خدا پیمان می بندم، و (نیز) شما را گواه ما عاهدتہ علیه من الإقرار بولایتکم، و الاعتقاد لفرض می گیرم که من بر آن عهدی که با شما بسته ام در مورد «اقرار به ولایت شما، و معتقد بودن به وجوب طاعتکم، و الاعتراف بفضلیکم، و القيام بنصیرکم، و التقرّب إلی اطاعت شما، و اعتراف به فضل و برتری شما و یاری کردن شما و به خدا تقرّب جستن به الله بحبکم، و الطاعه له بالکون معکم، و هذه یدی علی ما أمر دوستی شما، و اطاعت فرمان او با بودن با شما» هستم. و این تعهد من است نسبت به آنچه الله به من الوفاء بعهدکم، و البیعہ الواجبہ لکم، لا أبغی ببدلک خداوند فرمان داده است از وفا نمودن به عهد و پیمان با شما و بیعتی

را آخرین دیدار من برای زیارت اولیائت و عتبه بوسی بارگاه حُجَجِکَ وَأَصْفِيَاءِکَ، وَالْهَمْنِي بِهَا شُكْرَ الْاِثْمِکَ، وَالْاِلْحَاحَ حَجَّتِهَا و برگزیدگانت قرار ندهی، و به برکت این زیارت شکر الطاف و عنایات و اصرار ورزیدن بِمَسْأَلَتِکَ وَدُعَائِکَ، وَاسْتَجِبْ لِي مَا دَعَوْتُکَ، وَأَعْطِنِي بِفَضْلِکَ در دعا و درخواست گدائی از خودت را به من الهام فرما، و آنچه دعا کردم برایم مستجاب نما، و به فضل و احسانت کُلِّ مَا سَأَلْتُکَ، وَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً وَاِزْعَةً، وَارْحَمْنِي بِجُودِکَ آنچه درخواست نموده عطا کن، و مرا بیامرز آمرزشی که بازدارنده از گناه باشد، و به جود و کرمت به من رحم کن رَحْمَةً وَاِسْمَعَهُ يُؤْمِنُنِي بِهَا مِنْ سَخَطِکَ وَالنَّارِ، وَتُسَبِّحُنِي رَحْمَتِي که گسترده و فراگیر باشد و با آن مرا از خشم و غضبیت و آتش دوزخت ایمن داری، و به بَفَضْلِکَ بِهَا دَارَ الْقَرَارِ مَعَ الْاَئِمَّةِ الْاَطْهَارِ، وَشِيعَةِ الْاَلِ مُحَمَّدِ بْنِ لُطْفِ خُوَيْشِ در سرای جاودانی در جوار ائمه طاهرین و شیعیان اهل بیت الأبرار. وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَسْرُوتَ حِسَابَهُ، وَأَحْسِنْتَ اِلَيْکَ مَا بَهُ، نیکوکار پیامبر ساکن گردانی. و مرا قرار بده از کسانی که حسابش را آسان می گیری، و بازگشتش را به سوی خودت نیکو می گردانی وَمَحْوَتَ سَيِّئَاتِهِ، وَضَاعَفْتَ حَسَنَاتِهِ، وَحَشَرْتَهُ فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ و گناهانش رانابود و خوبی هایش را دوچندان می نمائی و در زمره محمد اِوَالِ مُحَمَّدِ بْنِ الطَّاهِرِينَ، صِلَاوَاتِکَ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَاعْفِرْ و آل پاک او - که درود تو بر همه آنان باد - محشور می فرمائی، و بیامرز لُوَالِدِیَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۸۲)

پدر و مادرم و همه مؤمنان را به رحمت بی کرانت ای مهربانترین مهربانان.

زیارت پنجم وداع

علّامه مجلسی رحمه الله در «بحار الأنوار» فرموده است: در زیارت وداع بگو آنچه روایت شده از امام صادق علیه السلام که در وداع با پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم

فرمود، یعنی بگو:

لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ.

خداوند این سلام را آخرین سلام من بر شما قرار ندهد.

و اگر خواستی بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. سلام بر تو ای ولی خدا، و رحمت خداوند و برکات او بر تو باد. اَللّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي ابْنَ نَبِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلِيْخِداوندا؛ این زیارت را آخرین دیدار من و آخرین زیارت من از پسر پیامبرت، و حجتت بر خلقک، و اجمعی و ایاه فی حجَّتک، و اخصونی معهُ وَفِي حِزْبِهِ، آفریدگانت قرار مده، و مرا با او در بهشت قرین گردان، و با او و در حزب و گروه او محشور فرما، مع الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسُنَ اَوْلِيَّكَ رَفِيْقًا، وَاسْتَوْدِعْكَ با شهیدان و اشخاص صالح و شایسته، و آنان خوب همراهان و همدمانی هستند، و شما را الله و استزعیک، و اَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، اَمَّنًا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ به خدا می سپارم، و می خواهم که مرا مراقبت و نگهداری کنی، و بر شما سلام و درود می فرستم، به خدا و رسول و بما حجت به، وَدَلَّلْتَ عَلَيْهِ، فَكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. (۸۳)

و آنچه آورده ای، و مرا بر آن راهنمایی فرموده ای ایمان آورده ایم، پس نام ما را با گواهان بنویس.

کلام مرحوم علامه مجلسی ظهور در اختصاص این زیارت به وداع با حضرت امام رضاعلیه السلام ندارد.

زیارت ششم وداع

در کتاب «المزار الکبیر» روایت کرده است: هنگامی که خواستی وداع کنی، بگو:

سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَنْتَ لَنَا جُنَّةٌ مِنْ سَلَامِ بَرِّ تَوَايَ مَوْلَايَ مِنْ، وَرَحْمَتِ خِدا و بَرَكَاتِ او بَرِّ تَوَايَ، تَوَايَ
برای ما سپری از العذاب، وَهَذَا أَوْ أَنْصِرَ رَافِي عَنكَ، غَيْرَ رَاغِبٍ عَنكَ، وَلا عَذَابِ هَسْتِي، وَ اَكْنُونِ زَمَانِ بَا زَكْشْتِ مِنْ فَرَارِ سَيِدِهِ،
در حالی که از شما روی برنگردانده، و کسی را مُسْتَبَدِّلِ

بِكَ، وَلَا مُؤَثِّرَ عَلَيْكَ، وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكَ، وَقَدْ جِئْتُ جَائِغِينَ شَمَا نَسَاخْتَهُ، وَدِيْغِي رَا بِرِ شَمَا تَرْجِيْحِ نَدَادَهُ ام، وَ دَرِ نَزْدِيْكَ بُوْدَن بَا شَمَا بِي اِعْتَنَا نِيْسْتَم، وَ بَه تَحْقِيْقِ بِنَفْسِي لِلسَّيِّئَاتِ، وَتَرَكْتُ الْاَهْلَ وَالْاَوْلَادَ وَالْاَوْطَانَ، فَكُنْ لِي جَانِ خُوْد رَا دَرِ بَرَابَرِ حُوَادِثِ رُوْزِ گَارِ قَرَارِ دَادَم، وَ اَهْلٍ وَ عِيَالٍ وَ اَوْلَادٍ وَ سِرْزَمِيْنِ خُوْد رَا رَهَا كَرْدَهُ ام، پَس شَا فِعَالًا يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي، يَوْمَ لَا يَغْنِي عَنِّي الْاِثْمُ وَلَا وُلْدِي. شَفِيْعٌ مَن بَاشِ رُوْزِ نِيَاْزَمَنْدِي وَ تَهِيْدِسْتِي ام، رُوْزِي كِه نِه پَدْرَم وَ نِه فَرْزَنْدَم مَرَا بِي نِيَاْز مِي كَنْد. اَسْأَلُ اللّٰهَ الَّذِي قَدَّرَ رَحِيْلِي اِلَيْكَ اَنْ يُنْفِسَ بِكُمْ كُرْبَتِي، وَ اَسْأَلُ اَزْ خُدَاوَنْدِي كِه كُوْچِ كَرْدَنْم رَا بَه سُوِي شَمَا مَقْدَّرَ فَرْمُوْد مِي خُوَاهَم كِه بَه وَسِيْلَه شَمَا اَنْدُوْهَم رَا بَرَطْرَفِ كَنْد، وَاللّٰهُ الَّذِي قَدَّرَ عَلَيَّ فِرَاقَ مَكَانِكَ اَنْ لَا يَجْعَلَهُ اِخْرَ الْعَهْدِ مِنْ اَزْ خُدَاوَنْدِي كِه دُوْرِي اَزْ مَكَانِ تُو رَا بَرِ مَن مَقْدَّرَ فَرْمُوْد مِي خُوَاهَم كِه اَيْنِ زِيَاْرَتِ رَا اَخْرِيْنِ دِيْدَارِ وَ اَخْرِيْنِ رُجُوْعِي اِلَيْكَ، وَ اَسْأَلُ اللّٰهَ الَّذِي اَبْكِي عَلَيْكَ عَيْنِي اَنْ يَجْعَلَهُ رَجُوْعٌ مَن بَه سُوِي شَمَا قَرَارِ نَدَهْد، وَ اَزْ خُدَاوَنْدِي كِه چَشْمِ مَرَا بِرِ شَمَا گَرِيَاْنِ نَمُوْد مِي خُوَاهَم كِه اَنْ رَالِي سَيْنَدًا وَذُخْرًا، وَ اَسْأَلُ اللّٰهَ الَّذِي اَرَانِي مَكَانِكَ، وَهَيْدَانِي بَرَايِ مَن پَشْتُوَانَه وَ ذَخِيْرَه قَرَارِ دَهْد، وَ اَزْ خُدَاوَنْدِي كِه مَكَانِ وَ جَايْگَاهِ شَمَا رَا بَه مَن نَشَانَ دَاد، وَلِلتَّسْلِيْمِ عَلَيْكَ، وَ زِيَاْرَتِي اِيَّاكَ اَنْ يُورِدَنِي حَوْضُكُمْ، وَيَرْزُقَنِي بَرَايِ سَلَامِ كَرْدَنِ بَرِ شَمَا، وَ زِيَاْرَتَتَانِ هِدَايْتِ كَرْدِ مِي خُوَاهَم كِه مَرَا دَرِ كَنَارِ حَوْضِ شَمَا وَاْرِدِ كَنْد، وَ مُرَافَقَتَكُمْ فِي الْجَنَانِ. اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَيِّفُوْهُ اللّٰهُ، اَلسَّلَامُ هَمْرَاهِ بُوْدَن بَا شَمَا رَا دَرِ بَهْسْتِ رُوْزِي ام گَرْدَانْد. سَلَامِ بَرِ تُو اِي بَرِ گَزِيْدَه خُدَاوَنْدِ، سَلَامِ عَلَيْكَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ، وَوَصِيَّ بَرِ تُو اِي

رسول خدا، سلام بر تو ای امیر و فرمانروای مؤمنان، و وصی و جانشین رسول رب العالمین، وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ
رسول پروردگار جهانیان، و پیشوای روسفیدان، سلام برالحسن والحسين سيدى شباب اهل الجنة، السَّلَامُ عَلَيَّ الْأَيْمَهُ حَسَنَ وَ
حسين دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر امامان - و بقیه امامان را نام می بری (علیهم السلام) - وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. و
رحمت خدا و برکات او) بر آنان باد.(السَّلَامُ عَلَيَّ مَلَائِكَهَ اللَّهِ الْمُقِيمِينَ الْمَسْبُوحِينَ، الَّذِينَ هُمْ بِأَمْرِ سَلَامٍ بِرَفَرَشْتِكَا خَدَاوَنَدَ كَه
در این مکان اقامت گزیده و تسبیح گویند، آنان که به دستور ربهم یعملون، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ
پروردگارشان عمل می کنند، سلام بر ما و بر بندگان شایسته خداوند. خداوند! لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ
فَأَحْسُنِي مَعَهُ أَيْنَ زِيَارَتِ رَا آخِرِينَ دِيدَارِ مِنْ وَ آخِرِينَ زِيَارَتِ مِنْ أُو رَا قَرَارِ نَدَه، وَ اِگَر قَرَارِ دَادِي مَرَا بَا أُو وَمَعَ أَبَائِهِ الْمَاضِينَ،
وَإِنْ أَبْقَيْتَنِي يَا رَبِّ فَارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَيْدَاؤَ هَمْرَاهِ پَدْرَانِ گَزَشْتَه اش مَحْشُورِ فَرْمَا، وَ اِگَر عَمْرِي دَادِي وَ بَاقِي گَزَاشْتِي مَرَا اِي
پروردگار من؛ پس همواره تا مادامی که ما أَبْقَيْتَنِي، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

مرا باقی داشته ای زیارت او را روزیم گردان، که تو بر هر چیز توانا هستی.

و می گویی: أَشِيْتُودُعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، أَمَّا تُو رَا بَه خَدَا مِي سِپَارِمِ وَ اَز تُو نَگَهْبَانِي مِي طَلِبِمِ، وَ بَر تُو
سلام بازگشت می کنم، بِاللَّهِ وَبِمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي بَه خَدَا وَ اَنچَه بَه سُوِي اَن دَعُوْتِ كَرْدِي
ایمان آوردیم. خداوند! مَا رَا بَا گَوَاهَانِ بَنُويس. خداوند! مَوَدَّتَهُمْ أَيْدَاؤَ مَا أَبْقَيْتَنِي، السَّلَامُ عَلَيَّ مَلَائِكَهَ اللَّهِ وَزُوَارِ اِبْنِ مَوَدَّتِ وَ
دوستی ایشان را همیشه تا مادامی که

مرا باقی داشته ای روزیم گردان، سلام بر فرشتگان خداوند و زائران) محترم (پسر رسول الله، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنِّي أَبَدًا مَا بَقِيَتْ دَائِمًا وَإِذَا فَنِيَتْ، رسول خدا، سلام من بر تو همواره تا مادامی که باقی هستم و زمانی که از دنیا رفته‌ام، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

سلام بر ما و بر بندگان صالح و نیکوکار خداوند.

و چون از بارگاهش بیرون آمدی، تا هنگامی که از چشمت پنهان نگشته است رویت را از آن بر مگردان. (۸۴) این وداع را بعضی از بزرگان در باب زیارت های حضرت امام رضا علیه السلام آورده اند ولی ظاهراً مخصوص وداع با آن حضرت نیست.

زیارت هفتم وداع

مرحوم کفعمی فرموده است: در وداع با آن بزرگواران بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَتَمَّهُ الْهُدَى، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَسْتَوْدِعُكُمْ سَلَامَ بَرِّ شِمَاوِيَّانِ هِدَايَتِ، وَرَحْمَتِ خُودِ بَرَكَاتِ او بَرِّ شِمَاوِيَّانِ، شِمَاوِيَّانِ بِه خُودِ مِي سِپَارِمِ، اللَّهُ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ، أَمَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ، وَبَرِّ شِمَاوِيَّانِ مِي فَرَسْتَمِ، ائِمَانِ آوْرْدِه ائِم بِه خُودِ وَبِه پِیَامْبِرِ وَبِه اَنچِه از احکام و دستورات آورده اید، وَدَلَّلْتُمْ عَلَيْهِ. اَللَّهُمَّ اَكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، وَلَا تَجْعَلْهُ اِخْرَ الْعَهْدِ وَبَرِّ شِمَاوِيَّانِ رَهْمُونِ گِشْتِه ائِد. خُودِ اَوْنِدَا؛ نَامِ مَارَا دَر زَمْرِه گِوَاهَانِ ثَبِتِ كُنْ، وَ ائِنِ زِيَارَتِ

۱. المزار الكبير: ۶۵۳، بحار الأنوار: ۴۸/۱۰۲. و در روضه الأذکار (مخطوط: ۷۴ و کتاب فی الزیارات والأدعیه) مخطوط: ۷۹ با اندکی اختلاف نقل شده است.

مِنْ زِيَارَتِهِمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (۸۵)

را آخرین زیارت از زیارت ایشان قرار نده، و سلام بر شما و رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

زیارت هشتم وداع

هنگامی که خواستی وداع کنی بگو: قَدْ قَضَيْتُ يَا مَوْلَايَ بَعْضَ الْإِرْبِ مَوْلَايَ مِنْ؛ بعضی از آداب زیارتت را بجای آوردم، مِنْ زِيَارَتِكَ، وَلَوْ فَعَلْتُ يَا مَوْلَايَ مَا يَجِبُ عَلَيَّ، لَجَعَلْتُ وَ اِگَر بَخِوَاهَمِ اَنچِه بَر مَن وَ اِجِبِ اسْتِ اَنجَامِ دَهْمِ بَايِدِ صَحْنِ تُو رَا عَرَضِيَّةً تَكْ دَارِ اِقَامِهِ، وَلَكِنِّي مِنْ اَبْنَاءِ الدُّنْيَا اَكْدَحُ فِيهَا كَمَا سَرَايِ اِقَامَتِ خُوِيْشِ قَرَارِ دَهْمِ، وَ لِي چِه كُنْمِ كِه از فرزندان دنيايم وَ دَر رَاهِ اَن تَلَاشِ مِي كُنْمِ هِمَا نَطُورِ كِه جَزَتْ عَادَةَ مَنْ مَضَى، فَاسْأَلُ اللَّهَ الْبَارَّ الرَّحِيمَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ اَعْدَاتِ كِذِبَتَانِ بَرِ اَن جَارِي گِشْتِه اسْتِ، پَس از خداوند نیکوکار مهربان می خواهم که بر مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ لَا يَجْعَلَهُ اِخْرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمْ، مُحَمَّدٌ وَ اَلِ مُحَمَّدٌ دَرُودِ فَرَسْتَمِ، وَ ائِنِ دِيْدَارِ رَا اَخْرِيْنِ دِيْدَارِ از زیارت شما وَ جَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ،

إِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. و همه مؤمنان قرار ندهد که او مهربانترین مهربانان است، و او بر هر چیز توانا است.

سپس زیاد دعا کن به آنچه می خواهی که برآورده می شود انشاء الله تعالی. (۸۶)

مؤلف گوید: مرحوم سید بن طاووس گفتاری درباره وداع با ماه مبارک رمضان فرموده است که بی مناسبت نیست آن را در اینجا بیاوریم:

ایشان می فرماید: همانا در بعضی از این وداع ها ادعا می کنی که جدا شدن از ماه رمضان و فقدان آن، تو را محزون ساخته و دلت را به درد آورده است به خاطر آنچه از فضل و بهره اش از دست داده ای، پس از تو خواسته می شود که در ادعایت صادق باشی به این که آثار حزن و مصیبت بر چهره ات باشد و آخرین روز آن را با دروغ در گفتار و تباهی در کردار به پایان نرسانی.

و از وظایف شیعیان - بلکه از وظایف امت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله وسلم - این است که در این زمان ها احساس ترس و بیم داشته باشند و در چنین موقعیت ها تأسف بخورند بر آنچه از دوران حضرت مهدی علیه السلام - که جد بزرگوارش حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بشارت و وعده آن راداده - از دست داده اند و اگر آن بزرگوار در میان آنان حضور داشت به وسیله او به سعادت ها می رسیدند، تا خداوند خلوص و وفای آن ها را نسبت به ایشان که سبب سعادت دنیا و آخرت شان هستند ببیند، و قریب به این مضامین باید بگویند:

أَرَدُّدُ طَرْفِي فِي الدِّيَارِ فَلَأْأْرِي

و جوه أحبائي الذين أريد

چشم خود را در گوشه و کنار شهرها می چرخانم ولی نمی بینم چهره آن دوستانی را که می خواهم.

در حقیقت، مصیبت فقدان آن حضرت بر مردمان متدین، از

مصیبت فقدان ماه رمضان سخت تر است.

آیا اگر پدر دلسوز یا برادر مددکار همراه و یا فرزند نیکوکار مهربانی را از دست داده بودند، برای دوری و فقدان او دچار ترس و وحشت و اضطراب نمی شدند و دلشان به درد نمی آمد؟ در حالی که بهره و منفعتی که از وجود آنان می برند هرگز قابل مقایسه با بهره و انتفاعی نیست که از وجود حضرت مهدی ارواحنا فداه نصیب آنان می شود؛ او که جانشین خاتم پیامبران و امام حضرت عیسی در نماز و فرمانروایی است، و از بین برنده انواع بلاها و اصلاح کننده امور همه کسانی است که در زیر آسمان به سر می برند. (۸۷)

بخش سی ام

هشت زیارت از زیارت های اهل بیت علیهم السلام

که از حضرت امام رضاعلیه السلام نقل شده است

در این بخش، هشت زیارت از زیارت هایی را که حضرت امام رضاعلیه السلام بیان فرموده اند نقل می کنیم:

۱۰

زیارت رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم در حرم آن حضرت

ابراهیم بن ابی البلاد گوید: حضرت امام رضاعلیه السلام به من فرمود:

در سلام کردن بر رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم چه می گوئید؟

عرض کردم: آنچه معروف است و آن را روایت کرده اند. فرمود:

آیا می خواهی بهتر از آن را به تو بیاموزم؟

عرض کردم: بلی فدای شما شوم. امام علیه السلام به خط مبارک خودش نوشت و آن را بر من خواند در حالی که در محضرش نشسته بودم:

هنگامی که کنار قبر مبارک رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم ایستادی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدٌ غَاوَاهِي مِي دَهْمُ كِه مَعْبُودِي جَزِ خَدَاوَنَدِ نَمِي بَاشَد، اَوِ يَكْتَا اسْتِ
وَ شَرِيكِي بَرَايشِ نَيْسْت، وَ غَاوَاهِي مِي دَهْمُ كِه تُو مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، بِنِ
عَبْدِ اللَّهِ هَسْتِي وَ غَاوَاهِي مِي دَهْمُ كِه تُو فَرَسْتَادِه خَدَاوَنَدِي، وَ غَاوَاهِي مِي دَهْمُ كِه تُو خَاتَمِ پِيَامِبِرَانِ وَ پَايَانِ بَخْشِ آنَانِ
هَسْتِي، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَةَ رَبِّكَ وَ نَصَّيْتَ حَتَّ لِأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ وَ غَاوَاهِي مِي دَهْمُ كِه تُو وَحِي الهِي وَ پِيَامِ پَرُورْدِ گَارْتِ
رَا اِبْلَاغِ وَ بَرَايِ اُمَّتِ خَوِيشِ خَيْرِ خَوَاهِي نَمُودِي، وَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَ عَزَّيْدَتْهُ حَيَّتِي أَتَاكَ اليَقِينُ، وَ أَدَّيْتِ الَّذِي عَلَيكَ دَرِ رَاهِ

پروردگارت جهاد کرده و او را تا هنگام رحلت پرستیده ای، و حقی که بر عهده داشتی من الحقیق. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَجِّبِكَ آن را ادا کردی و پرداخته ای. خداوندا؛ بر محمد بنده ات و فرستاده ات و نیک نژادت و اَمِينِكَ
وَصَفِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ اَمِينت و خالص و برگزیده ات از میان آفریدگانت درود فرست

برتر از آنچه بر آید مِنْ أَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ. اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا يَكِي از پیامبران و رسولانت فرستاده ای. خداوندا؛ بر محمد و آل محمد سلام فرست همانگونه که سَلَّمْتَ عَلَي نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ، وَآمَنْتُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِرِ نوح در جهانیان سلام فرستادی، و بر محمد و آل محمد بده کَمَا مَنَنْتَ عَلَي مُوسَى وَهَارُونَ، وَبَارَكْتَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ هَمَا نَطُورِ که بر موسی و هارون نعمت بخشیدی، و بر محمد و آل محمد برکت عطا کن کَمَا بَارَكْتَ عَلَي إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ هَمَا نِ كَوْنِهِ که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت دادی، که تو ستوده و باشکوه و با عظمتی. خداوندا؛ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمْ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. بر محمد و آل محمد درود فرست و بر محمد و آل محمد مهربانی کن. اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ، وَرَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَرَبَّ الرُّكْنِ خِداوندا؛ ای (پروردگار بیت الحرام) خانه کعبه، و پروردگار مسجد الحرام) مسجدی که کعبه در آن است (و پروردگار رکن وَالْمَقَامِ، وَرَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ، وَرَبَّ الْمَشْعَرِ وَمَقَامِ، و پروردگار بلد الحرام) مکه، و پروردگار حِلِّ و حَرَامِ) آنجا که خارج از احرام اند و آنجا که در حال احرامند) و پروردگار مشعر الحرام، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ السَّلَامِ. (۸۸) الحرام، به روح پاک (حضرت) محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - از طرف من سلام برسان.

از یارتِ دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در حرم آن حضرت

ابن قولویه رحمه الله به سند خود از احمد بن محمد بن ابی نصر روایت کرده است که گفت: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: چگونه کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

بر آن حضرت سلام عرض کنم؟

امام علیه السلام فرمود: می گویی:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، سلام بر رسول خدا، سلام بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای محمد بن عبد الله، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ سلام بر تو ای انتخاب شده خداوند، سلام بر تو ای دوست خدا، سلام

۱. بحار الأنوار: ۱۵۴/۱۰۰، هدیّه الزائرین وبهجه الناظرین: ۳۰۶.

عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ بِرِئَاسَتِكَ بِرَسُولِ اللَّهِ، سلام بر تو ای امین خداوند، سلام بر تو ای امین خداوند و مورد اعتماد او، گواهی می دهم که تو رسول الله، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ رَسُولُ خَدَائِي، و گواهی می دهم که تو محمد بن عبد الله هستی، و گواهی می دهم که تو نَصَّحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ بِرَأْسِ أُمَّتِ خَيْرِ خَوَاصِي نَمُودِي، و در راه خدا جهاد کردی، و او را تا هنگام اَلْيَقِينِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ. اَللَّهُمَّ صَلِّ رَحْلَتِ پَرَسْتِيدِهِ اِي، پَسِ خَدَاوَنَدِ بِي شَمَا جَزَا وَ پَادَاشِ دِهَدِ بَهْتَرِ اَزِ اَنچِه بِي پِيَا مَبْرِي اَزِ طَرَفِ اَمْتَشِ مَرَحْمَتِ فَرْمُودِهِ اَسْت. خَدَاوَنَدَا؛ عَلِي مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا صِيَلَيْتَ عَلِي اِبْرَاهِيمَ وَالِ بَرِ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدِ دَرُودِ فَرَسْتِ بَرْتَرِ اَزِ اَنچِه بَرِ اِبْرَاهِيمَ وَ اَلِ اِبْرَاهِيمَ، اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. (۸۹)

ابراهيم فرستاده ای، که تو ستوده و باشکوه و باعظمتی.

زیارت سۆم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در حرم آن حضرت

کلینی رحمه الله به سند خود از بزنی روایت کرده است که گفت: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: چگونه کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بر آن حضرت سلام عرض

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَضَلَّ الْأَسْلَامِ النَّامِي، وَفَزَعَهُ السَّامِي، سلام بر شما ای اصل و اساس و ریشه اسلام بالنده و رشد کننده، و شاخه بالا-رفته و سر بر فلک کشیده آن. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَنْ بِهِمْ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصِّيَامِ وَالْحَجِّ سلام بر شما ای کسانی که تمامیت نماز و زکات و روزه و حج و جهاد، وَتَوَفُّرِ الْفَيْءِ وَالصَّدَقَاتِ، وَإِمْضَاءِ الْحُدُودِ الْمَسْمُومَاتِ، و جهاد و کامل بودن آن ها و برقرار بودن شان، و پس انداز کردن غنائم و دریافت وجوهات، و امضاء و اجرای حدود معین شده، وَالْأَحْكَامِ الْمُبَيَّنَاتِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَنْ بِهِمْ تَمَنَعُ التُّغُورُوْ احكام بیان شده به وسیله ایشان است. سلام بر شما ای کسانی که به سبب آن ها کناره ها و مرزهای شهرها حفظوا المَاطِرَافُ، وَتَجْرَى أُمُورُ الْخَلْقِ بِإِمَامَتِهِمْ عَلَى الْقَصِيدِ وَالْإِنصَافِ، می شود، و کارهای مردمان با امامت و پیشوائی ایشان بر مبنای عدل و اعتدال و انصاف جریان پیدا می کند. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمُحَلَّلُونَ حَلَالَ اللَّهِ، وَالْمُحَرَّمُونَ حَرَامَ اللَّهِ، سلام بر شما ای حلال کنندگان حلال خدا، و حرام کنندگان حرام خدا، وَالْمُقِيمُونَ حُدُودَ اللَّهِ، وَالذَّابُّونَ عَنِ دِينِ اللَّهِ، وَالِدَّاعُونَ إِلَيْهِ اقامه کنندگان حدود الهی، و دفاع کنندگان از دین خدا، و دعوت کنندگان به سبیل الله، بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَالْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ. راه خدا با حکمت و پند و اندرز نیکو، و حجت رسا و برهان قاطع. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَنْ فَضَّلَهُمُ كَالشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ الطَّالِعَةِ، سلام بر شما ای کسانی که از نظر فضیلت مانند خورشید روشنی بخش آشکارید، الْمَجَلَّلَهُ بِنُورِهَا الْعَالَمِ، وَهِيَ فِي الْأَفْقِ بِحَيْثُ لَا تَنَالُهَا الْأَيْدِيُ که به نور خود جهان را روشن ساخته، و در افقی است که از حیث بلندی و ارتفاع دست کسی به آن نمی رسد و از جهت زیادی نور و الأبصار. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْبُدُورُ الْمُنِيرَةُ، وَالسَّرُجُ الزَّاهِرَةُ، هیچ چشمی

قدرت دیدن آن را ندارد. سلام بر شما ای ماه های تابان (شب چهارده)، و چراغ های فروزان، وَالْأَنْوَارُ السَّاطِعَةُ، وَالنُّجُومُ الْهَادِيَةُ، فِي غِيَابِ الدُّجَا، وَطُرُقِ وَنُورِهَايِ دَرِخْشَانِ، وَ سِتَارِگَانِ هِدَايَتِگَرِ، دَر شَدَّتِ تَارِيكِي هَايِ شَبِ، وَ رَاهِهَايِ الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَ لَجَجِ الْبِحَارِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَنْ حُبُّهُمْ كَالْمَاءِ شَهْرَهَايِ كَوِيرِ بِي آبِ وَ عِلْفِ، وَ عَمَقِ هَايِ دَرِيَاها. سلام بر شما ای کسانی که دوستی و محبتشان مانند آب الْعَيْذِ عَلَى الظَّمَاءِ، وَالْغُدَاءِ الْمَرِيءِ، النَّافِعِ عَلَى الطُّوْيِ، شِيرِيْنِ گَوَارَا دَر حَالِ تَشْنَكِي، وَ غِذَايِ گَوَارَا وَ نَافِعِ دَر زَمَانِ گَرَسَنَكِي اسْتِ، اَلدَّالُّونَ عَلَى الْهُدَى، وَالْمُنْجُونَ مِنَ الرَّدَى، وَالنَّارِ عَلَى الْيَفَاعِ شَمَا رَاهِنَمَا وَ رَاهِبِرِ رَاهِ هِدَايَتِ، وَ نَجَاتِ بَخْشِ از فَرَوَاقِدَانِ وَ هِلَاكَتِ، وَ هَمِچُونِ آتَشِ رُوِي تَبِيَهِ وَ بَلَنْدِي نِشَانِ دِهَنْدِهِ رَاهِ لِمَنْ اِهْتَدَى وَ اصْطَلَى. السَّلَامُ عَلَى الْاَدْلَاءِ فِي الْمَهَالِكِ، بَرَايِ كَسِي كِه رَاهِ رَا بَجُوِيْدِ، وَ كَانُونِ حَرَارَتِ هَسْتِيْدِ بَرَايِ اَنَكِهِ بَخَوَاهِدِ گَرْمِ شُوْدِ. سلام بر راهنمایان دَر پَرْتِگَاهايِ هِلَاكَتِ، اَلْمُفَارِقُ لَهُمْ هَالِكٌ، وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ اَنَكِهِ از شَمَا جِدا گَرْدَدِ هِلَاكَتِ او حَتْمِي اسْتِ، وَ اَنَكِهِ هَمْرَاهِ شَمَا وَ مِلَازِمِ رِكاَبِ شَمَا بَاشَدِ بِهِ مَقْصُوْدِ مِي رَسَدِ وَ بِهِ حَقِ مِي پِيُوْنَدَدِ. سلام بر کسانی که عُلُوْمُهُمْ كَالسَّحَابِ الْهَاطِلِ، وَالْغَيْثِ الْمَاطِرِ، وَالسَّمَاءِ الظَّلِيلَةِ، عِلْمِ وَ دَانِشِ اِيْشانِ هَمَانْدِ اَبْرِ بَارَنْدِهِ وَ بَارَانِ پِيُوْسْتِهِ رِواَنْ، وَ آسْمَانِ سَايِهِ اَفْكَنِ، وَالْأَرْضِ الْبَسِيْطَةِ، وَالْعَيْنِ الْغَزِيْرَةِ، وَالْغَدِيْرِ وَالرَّوْضَةِ. السَّلَامُ وَ زَمِيْنِ گَسْتَرْدِهِ، وَ چِشْمِهِ اِي جِوشَنْدِهِ، وَ بَرَكِهِ وَ بَسْتَانِ اسْتِ. سلام عَلَيْكُمْ يَا مَنْ هُمْ كَالْأَمِيْنِ الرَّفِيْقِ، وَالْوَالِدِ الشَّفِيْقِ، وَالْأُمِّ الْبَرِّهِيرِ شَمَا اِي كَسَانِي كِه اِيْشانِ مَانَنْدِ اِمَانْتَدَارِي نَرْمِ خُو وَ مَدَارَا كَنْنَدِهِ، وَ هَمِچُونِ بَدْرِي مَهْرِبَانِ وَ دِلْسُوْزِ، وَ بِهِ مَنْزَلِهِ مَادْرِي نِيكُو كَارِ بِالْوَلَدِ الصَّغِيْرِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا فَرَجِ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ، بَرَايِ بِيْچِهِ صَغِيْرِ وَ كوچِكِ هَسْتَنْدِ. سلام بر شما ای

گشایش بندگان در سختی های عظیم، وَحُجَّتُهُمْ الْوَاضِحَةُ الشَّافِيَةُ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَمَنَاءَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، وَحَجَّتْ آشْكَارَ وَقَاطِعَ وَقَانِعَ كُنْدَةِ إِيشَان. سَلَامٌ بِرِ شَمَا اِي اَمِينَانِ الهِي دَر مِيَانِ مَرْدَمِ، وَحُجَّتُهُ عَلَي عِبَادِهِ، وَخُلَفَاءُهُ فِي أَرْضِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا وَحَجَّتْ اَو بِرِ بِنْدِگَانَش، وَجَانَشِينَانِ اَو دَر رُويِ زَمِينِ. سَلَامٌ بِرِ شَمَا اِي الدُّعَاةُ اِلَى اللّٰهِ، اَلدُّعَاةُ عَن حَرِيمِ اللّٰهِ. السَّلَامُ عَلَي الْمُطَهَّرِينَ دَعْوَتِ كُنْدِگَانِ مَرْدَمِ بِه سُوِيِ خَدَا، دِفَاعِ كُنْدِگَانِ اَز حَرِيمِ پَرُورِدِگَارِ (كِه اَن رَا اَز وَرُودِ نَامِحْرَمَانِ وَنَاَهْلَانِ حَفِظَ مِي كُنِيد). سَلَامٌ بِرِ پَاكِ شِدِگَانِ مِّنَ الدُّنُوبِ، اَلْمُبَرِّئِينَ مِّنَ الْعُيُوبِ. السَّلَامُ عَلَي الْمَخْصُوصِينَ اَز گِنَاهَانِ، وَمِيرَاشِدِگَانِ اَز هَر گُونِه عِيَبِ. سَلَامٌ بِرِ مَخْصُوصَانِ بِالْعِلْمِ الْمَلْهُومِ، وَالْحِلْمِ الْمَعْلُومِ، وَالْفَضْلِ كُلِّهِ، وَأَهْلِ الْخَيْرِ بِه عِلْمِ الهِي الهَامِي، وَبِرْدَبَارِي مَعْرُوفِ وَشِنَاخْتِه شُدِه، وَتَمَامِ فَضْلِ وَفَضِيلَتِ، وَاهْلِ خَيْرِ وَخُوبِي وَابْدَلِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا نِظَامَ الدِّينِ، وَعِزَّ الْمُسْلِمِينَ، وَعَيْظُوْا بَدَلَ وَبِخَشَشِ. سَلَامٌ بِرِ شَمَا اِي سَامَانِ دِهِنْدِگَانِ دِينِ، وَمَايِه عِزَّتِ مَسْلَمَانَانِ، وَخَشَمِ الْمُنَافِقِينَ، وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ. السَّلَامُ عَلَي مَن لَّا يَدَانِيهِمْ فِي مَنَافِقَانِ، وَهَلَاكَتِ وَنَابُودِي كَافِرَانِ. سَلَامٌ بِرِ شَمَا كِه هِيچِ كَسِ دَر فَضِيلَتِ هَمِ سَطْحِ فَضْلِهِمْ أَحَدٌ، وَلَا يُوجَدُ فِي وَلَايَتِهِمْ بَدَلٌ. السَّلَامُ عَلَي السَّادِثِمَا نِيَسْتِ وَبِه شَمَا نَزْدِيكِ نَمِي گَرْدِدِ، وَدَرِ وِلَايَتِ وَسِرْپَرَسْتِي بِرَايِ شَمَا جَايِگَزِينِ يَافِتِ نَمِي شُودِ. سَلَامٌ بِرِ سِرُورَانِ الْمَيَامِينِ، وَمَن عَجَزَتْ عَن ذِكْرِ فَضْلِهِمُ الْبُلْغَاءُ، وَقَصُرَتْ عَن خَجْسَتِه، وَكَسَانِي كِه اَز ذِكْرِ فَضِيلَتِ شَمَا اشْخَاصِ بَلِيغِ - كِه بِه خُوبِي مِي تَوَانِنْدِ مَقْصُودِ خُويِشِ رَا بِاِ گِفْتَارِشَانِ بَرَسَانِنْدِ - عَاجِزِ وَنَا تَوَانِنْدِ، وَإِذْرَاكِهِمُ الْفَضِيحَاءُ، وَتَحَيَّرَتْ فِي نَعْتِ فَضْلِهِمُ الْخُطْبَاءُ، وَلَمْ تَنْتَهَ اَز اِدْرَاكِ اَن سَخْنِ پَرْدَازَانِ، نَارِسَا وَاَز تَوْصِيْفِ فَضْلِ شَمَا، خَطِيْبَانِ سَخْنِ سِرَا سِرْگَرْدَانِنْدِ، وَإِيَّهِ الْحُكْمَاءُ، وَنَصَاعَرَتْ عَن قَدْرِهِمُ الْعُظْمَاءُ. السَّلَامُ عَلَي حَكِيمَانِ

به سوی آن راه نمی یابند، و بزرگان (بشر) در برابر قدر و منزلت شما کوچک اند. سلام بر من هُم كَالنُّجُومِ مِنْ يَدِ الْمُتَنَاوِلِ. اَلسَّلَامُ عَلَي الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ كَسَانِي كِه هَمچون ستاره از دسترس به دوريد. سلام بر عالمانی كه لَا يَجْهَلُونَ، وَالِدُعَاةِ الَّذِينَ لَا يَنْكِلُونَ. اَلسَّلَامُ عَلَي مَعِيَدِنِ الْقُدْسِ نَادَانِي نَادَانِي نَادَانِي، وَ دَعْوَتِ كِنْدِگَانِي كِه تَرَس وَ ضَعْفِ نَادَانِي، وَ هَر كَز كِنَارِ نَمِي كَشِيد. سلام بر كانون قدس وَالطَّهَارَةِ، وَالنُّشُكِ وَالزَّهَادَةِ، وَالْعِلْمِ وَالْعِبَادَةِ. اَلسَّلَامُ عَلَي وَ پَاكِي، وَ طَاعَتِ وَ زَهْدِ وَ عِلْمِ وَ عِبَادَتِ. سلام بر الْمَخْصُوصِينَ بِدَعْوَةِ الرَّسُولِ، وَ نَسَبِ الطُّهْرِ الْبُتُولِ. اَلسَّلَامُ مَخْصُوصَانِ بِه دَعْوَتِ رَسُولِ، وَ نَزَادِ پَاك (حضرت زهراي) بتول. سلام عَلَي مَنْ لَا يَسْبِقُهُمْ أَحَدٌ فِي نَسَبٍ، وَلَا يُدَانِيهِمْ فِي حَسَبٍ، بر كسانِي كِه هِيچ كَسِ از نَظَرِ اصَالَتِ نَسَبِي بر شما پيشِي نَكْرَفْتِه، وَ از جِهتِ كَرَامَتِ وَ شَرَافَتِ بَا شَمَا بَرَابَرِي نَمِي كِنْد، اَلْبَيْتُ مِنْ قُرَيْشٍ، وَالذَّرْوَةُ مِنْ هَاشِمٍ، وَالْعَتْرَةُ مِنَ الرَّسُولِ، (شما) از قَبِيلِه شَرَافَتْمَنْدِ قُرَيْشِ، وَ از نَسَلِ شَرِيفِ وَ بَزَر گَوَارِ هَاشِمِ، وَ از عَتْرَتِ پِيَامْبَرِ، وَالرِّضَا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، شَرَفُ الْأَشْرَافِ، وَالْفَرْعُ مِنْ بَنِي وَ مَوْرِدِ رِضَا وَ خَشْنُودِي خَدَاوَنْدِ عَزِيزِ وَ الْوَالَا، از هر شَرِيفِي شَرِيفِ تَر، وَ جَدَاشْدِه از عَبْدِ مَنْافِ. اَلسَّلَامُ عَلَي الْمُصْطَفَيْنِ بِالْإِمَامَةِ، اَلْعُلَمَاءِ بِالسِّيَاسَةِ، عِبْدِ مَنْافِ هَسْتِيد. سلام بر بَر كَزِيد گَانِ بِه اِمَامَتِ، آگَا هَانِ بِه تَدْبِيرِ اَمُورِ جَامِعِه وَ مَصْلَحَتِ اَنْدِيشِي، اَلْمُفْتَرَضِينَ الطَّاعَةِ، اَلسَّلَامُ عَلَي مَنْ اخْتَارَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى لِلْإِمَامَةِ، وَ وَاجِبِ گَشْت گَانِ اطَاعَتِ. سلام بر كسانِي كِه خَدَاوَنْدِ تَبَارَكِ وَ تَعَالَى اَنَانِ رَا بَرَايِ اِمَامَتِ اخْتِيَارِ فَرَمُود، وَ شَرَحِ صُدُورِهِمْ لِذَلِكَ، وَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ، فَلَمْ وَ بَرَايِ اَنِ شَرَحِ صَدْرِ وَ تَحْمَلِ لَازِمِ رَا بِه اَنَانِ مَرْحَمَتِ كَرْد، وَ چَشْمِه هَايِ جُوشَانِ حَكْمَتِ رَا دَر قَلُوبِشَانِ بِه وَدِيعِه نِهَادِ، لَذَا هَر كَزِيْعِيؤَا بِجَوَابِ، وَلَمْ يَقْضُوا عَنْ صَوَابِ. اَلسَّلَامُ عَلَيكُمْ أَيُّهَادِرِ پَاخِ هِيچ

سؤالی در مانده نمی شوند، و هیچگاه به خطا نمی روند. سلام بر شما ای السَّادَةُ الْمَعْصُومُونَ الْمُؤَيَّدُونَ، الْمُؤَفَّقُونَ الْمُسَدَّدُونَ، السَّلَامُ سرورانی که از هر گونه اشتباهی مصون و همواره مورد تأیید و یاری پروردگار، موفّق و استوارید. سلام عَلَيْكُمْ يا مَنْ أَمِنُوا الْعِشَارَ وَالزَّلَلَ، وَالْخَطَأَ وَالْخَطْلَ، الشُّهْدَاءَ بِرِشْمَا اِی كسانی که از هر گونه خطا و لغزش، و اشتباه و گول خوردن ایمن هستید، گواهان عَلَى الْخَلْقِ، وَالْأَمْنَاءَ عَلَی الْحَقِّ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى اِبَائِكُمْ بر همه خلق، و امینان بر حق. سلام بر شما و بر پدران الْأَكْرَمِينَ، الَّذِينَ آتَاهُمُ اللَّهُ فَضْلَهُ، وَهَدَى بِهِمْ سُبُلَهُ، وَأَوْضَحَ بِهِمْ كَرَامِي شَمَا؛ آنانی که خداوند فضل خویش را به آن ها مرحمت فرموده، و به وسیله ایشان راههای هدایت را نشان داده، و شیوه پیمودن مِنَ الدِّينِ مَنَهَجَهُ، وَأَفْتَحَ بِهِمْ مُقَفَّلَهُ وَمُرْتَجَهُ، «ذَلِكُ فَضْلُ اللَّهِ دِينَ رَا بِه وَسِيلَهُ آنَانِ آشْكَارِ سَاخْتَه، وَ دَرَاهِ وَ دَرَوَازَه هَای بَسْتَه رَا بِه سَبَبِ آنَانِ كَشُودَه اِسْت. اِیْنِ، فَضْلُ وَ بَخْشِشِ خُدا اِسْت يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (۹۲)، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. به هر کس بخواهد عنایت می کند، و خداوند دارای فضل و بخشش بسیار است، و رحمت خدا و برکات او (بر شما باد).

سپس ضریح را ببوس و نماز زیارت و نمازهای دیگری که می خواهی بخوان، پس از آن برای آنچه دوست داری دعا کن و از خدا بخواه و بگو:

یا شامِخاً فی بُعْدِهِ، یا رُتُوفاً فی رَحْمَتِهِ، یا مُخْرِجَ النَّبَاتِ، یا ای بلندمرتبه در دوری اش؛ ای مهربان در رحمتش؛ ای بیرون آورنده گیاه؛ ای مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ، یا ظَهْرَ اللَّاجِينَ، یا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، یا زنده کننده مردگان؛ ای پشتیبان پناهندگان؛ ای پناهنده حمایت طلبان؛ ای أَشِيعَ السَّامِعِينَ، یا أَبْصِرَ النَّاطِرِينَ، یا صَيْرِيحَ الْمُسْتَضْرِحِينَ، شنواتر از شنوندگان؛ ای بیناتر از بینندگان؛ ای فریادرس دادخواهان؛ یا عِمَادَ

مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، يَا سَيِّدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ، يَا ذُخْرَ مَنْ لَا أَى تَكِيهَ گاه کسی که پشتوانه کسی که پشتوانه ای برای او نیست؛ ای اندوخته کسی که ذُخْرَ لَهُ، يَا حِرْزَ الضُّعْفَاءِ، يَا كَثْرَ الْفُقَرَاءِ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، یا اندوخته ای برای او نیست؛ ای حافظ و نگهدار ناتوانان؛ ای گنج تهیدستان؛ ای امید بزرگ؛ ای مُنْقِذَ الْغَرْقَى، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، يَا إِلَهَ نَجَاتِ دهنده غرق شدگان؛ ای زنده کننده مردگان؛ ای ایمنی بخش بیمناکان؛ ای معبود العالمین، يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، يَا جَابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ، يَا صَاحِبَ جَهَانِيَانِ؛ ای سازنده هر ساخته شده؛ ای التیام بخش هر شکسته؛ ای همراه كُلِّ غَرِيبٍ، يَا مُوَسِّسَ كُلِّ وَحِيدٍ، يَا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ، يَا شَاهِدَ غَرِيبٍ؛ ای همدم هر تنها؛ ای نزدیکی که دور نیستی؛ ای گواه كُلِّ غَائِبٍ، يَا غَالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ، يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيٌّ، يَا مُحْيِيَ هر پنهان؛ ای چیره ای که چیزی بر او چیره نیست؛ ای زنده هنگامی که زنده ای نبوده؛ ای زنده کننده

۱. سوره جمعه، آیه ۴.

الْمَوْتَى، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَدْبِغُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، أَنْتَ مُرْدِكَانِ؛ ای زنده که معبودی جز تو نیست؛ که پدید آورنده آسمان ها و زمینی، تَوَالِقَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، سپس برای آنچه می خواهی دعا نما. (۹۳) حسابگر هر کس به آنچه انجام داده و به دست آورده هستی.

زیارت هنگام وداع با هر کدام از ائمه علیهم السلام

این زیارت را - که حضرت امام رضاعلیه السلام بیان فرموده اند - برای وداع با هر یک از ائمه علیهم السلام می توان خواند:

برای وداع همان گونه که برای زیارت ایستاده بودی (رو به ضریح مطهر و پشت به قبله) می ایستی و می گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَمْنَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّجَهُ عَلَى خَلْقِهِ، سَلَامٌ بِرِشْمَايِ امِينَانَ الْهَىٰ دَرِ زَمِينِ اُو، وَ حَجَّتِ هَايِ اُو

العَهْدِ مِنَّا لِيَارِهِ سَادَاتِنَا وَأَيْمَتِنَا، الْمَفْرُوضِ قَرَارِ مَدِهِ اَيْنَ دِيدَارِ مَا رَا آخِرِينَ دِيدَارِ اَزِ سِرورَانِ وَ پيشوایانِ مانِ كِه بِرِ مَا وَاجِبِ كَرْدِه اِي عَلَيْنَا طَاعَتُهُمْ وَمَعْرِفَتُهُمْ، وَالرُّجُوعِ إِلَيْهِمْ، وَالْكَوْنُ مَعَهُمْ. اطاعت و شناخت و رجوع به ایشان و بودن با آنان را. اَللّهُمَّ فَاشْهَدْ بِأَنَّا قَدْ أَجَبْنَا دَاعِيَتَكَ، وَلَيِّنَا مُنَادِيَتَكَ، وَامْتثلْنَا خِداونداه؛ تو شاهد باش كه ما دعوتِ كُننده ات را اجابت كرديم، و منادی تو را لبيك گفتيم، وَأَمْرَهُ، وَاقْتَفَيْنَا أَثَرَهُ. اَللّهُمَّ فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. اَللّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ فِرمانش را اجرا نموديم، و راه او را پيموديم. خِداونداه؛ ما را در زمره گواهان بنويس. خِداونداه؛ اِخْرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِيَارَتِهِمْ وَذِكْرِهِمْ، وَالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ، وَارْزُقْنَا اَيْنَ حُضُورِ اَزِ مَا رَا آخِرِينَ حُضُورِ بَرایِ زيارتِ ایشان و يادشان، و درود فرستادن بر آنان قَرارِ مَدِهِ، وَذَلِكَ أَعواماً كَثِيرَةً، فَإِذَا تَوَفَّيْتَنَا فَاشْهَدْ بِأَنَّا سَامِعُونَ، مُطِيعُونَ، سَـالِ هَـایِ مَتَوالیِ ما را رَوزیِ كُنْ، وَچونِ اَزِ دُنیا رَفتيم گَواهیِ بَدِه كِه ما شنيديم، اطاعت كرديم، مُؤْمِنُونَ، مُصَدِّقُونَ غَيْرَ مَكْذِبِينَ، مُقَرَّبُونَ غَيْرَ جَائِدِينَ، ايمان آورديم، تصديق نموديم، و تكذيب ننموديم، اقرار كرديم و انكار نكرديم، وَلِأَمْرِكَ مُسْلِمُونَ، وَبِحَيْلِكَ مُعْتَصِمُونَ، وَلِأَيْمَتِنَا طَائِعُونَ، و تسليم فرمادت، و چنگ زنده به ريسمانت بوديم، و از امامان خويش فرمان برديم، وَلِأَمْرِهِمْ وَحُكْمِهِمْ خاضِعُونَ، لا مُسْتَكْبِرِينَ وَلا مُتَكَبِّرِينَ، و در برابر امر ایشان و حكم شان سر فرود آورديم، گردنكشي نكرديم و تكبر نورزيديم، وَبِمَا رَضَيْتَ لَنَا راضُونَ، وَلِما أَعْطَيْتَنَا إِحْذُونَ، وَلِأَنْعَمَتِكَ وَبِه آنچه برای ما پسندیدی خشنود بوديم، و آنچه ما را عطا کردی گرفتيم، و برای نعمت هایت شاكزُونَ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ إِلَيْنَا، وَالْهِمْنَا شُكْرَكَ لِمَا أَنْعَمْتَ سِپاسگزارِي نموديم. (خِداونداه؛) و از فضل خويش بر ما بيفزا، و شکر نعمت هایت را به ما الهام فرما، بِه عَلَيْنَا، امينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيكُمْ اجابت كن دعایِ مِرا اِي پروردگارِ جِهانِيانِ،

و درود و سلام پیوسته ما بر شما أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَجِيَّاتُهُ اهل بیت، که او ستوده و باشکوه است، و رحمت خدا و برکات او و الطاف او همواره ما هَطَلْ غَمَامٌ، وَهَتَفَ حَمَامٌ، وَتَعَاقَبَتِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامُ. تا ابری می بارد، و کیوتری آواز می خواند، و شب ها و روزها از پس یکدیگر می آیند بر شما باد.

سپس زیاد دعا کن و آنگاه در حالی که - إن شاء الله - مورد آمرزش و رحمت پروردگار قرار گرفته ای باز گرد. (۹۴)

زیارت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و سایر ائمه علیهم السلام (۹۵)

«حسن بن علی و شاء گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد زیارت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم که آیا همانند زیارت امام حسین علیه السلام است؟

فرمود: بلی. (۹۶)

حسن بن محمد قمی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

هر کس قبر پدرم را در بغداد زیارت کند، همانند آن است که قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت کرده باشد؛ با این تفاوت که برای رسول خدا و امیرالمؤمنین علیهما السلام فضل و برتری ثابت است. (۹۷)

ابن سنان گوید: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: کسی که قبر پدر شما را زیارت کند چه پاداشی دارد؟

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

بهشت پاداش آن است، پس او را زیارت کن. (۹۸)

حسن بن بشّار واسطی گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدم: کسی که قبر پدر شما را زیارت کند چه ثوابی برای او است؟

حضرت فرمود:

آن حضرت را زیارت کن.

عرض کردم: چه فضیلتی در آن است؟

فرمود: زیارت او فضیلتی مانند فضیلت زیارت پدرش یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دارد.

عرض کردم: من بیمناکم و برایم داخل شدن در حرم مطهر آن حضرت ممکن نیست چه کنم؟

فرمود:

آن‌ها همراه باشد و بی‌یونددفقدِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ. أَشْهَدُ اللَّهَ فِي حَقِيقَتِ بَا خِدا پِیوسته، و کسی که از آن‌ها جدا باشد در حقیقت از خدا جدا گشته است. خدا را گواه می‌گیرم اَنِّي سَلِّمُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَحَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسَيِّرِكُمْ که من با کسی که سرسازش با شما دارد در صلح و صفا و سازش، و با کسی که با شما در جنگ و مبارزه است ناسازگار و در نبردم، به پنهان شما و علائبتکم، مَفْوُضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، لَعَنَ اللَّهُ عِدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ وَآشْكَارَ شِمَا اِیْمَانِ دَارم، در همه این‌ها امر خود را به شما واگذار نموده‌ام، خداوند لعنت کند دشمن شما آلِ مُحَمَّدٍ رَامِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ، از جن و انسان، از پیشینیان و آیندگان، و به سوی خداوند از همه آنان بی‌زاری می‌جویم، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

و درود خدا بر (حضرت) محمد و آل پاک او باد.

مرحوم شیخ صدوق فرموده است: خواندن این زیارت برای هر امام جایز است.

پس از زیارت، بر پیغمبر و اهل بیت او علیهم السلام زیاد صلوات فرستاده و نام آنان را بربید، و از دشمنان شان بی‌زاری جسته و لعن و نفرین کنید، و آنچه می‌خواهید برای خود و مردان و زنان مؤمن دعا کنید. (۱۰۱)

زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

اشاره

اکنون زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را - که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده - نقل می‌کنیم، سپس با بیان مطلب مهمی کتاب را به پایان می‌رسانیم:

مرحوم علامه مجلسی گوید: در بعضی از کتب زیارت دیدم که علی بن ابراهیم از پدرش، از سعد، از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت کرده است که

یا مُحَمَّدَ بْنَ سُرُورِ عِبَادَتِ پِيشِه گان و روشنی چشم بینندگان، سلام بر تو ای (حضرت) مُحَمَّد بن عَلِيّ، بِاقْرِ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، عَلِيّ شِكَافِنْدَه عِلْم و دَانِش پَس از پِيَامِبِر، سلام بر تو ای (حضرت) جَعْفَر بن مُحَمَّد، الصَّادِقَ
الْبَارَّ الْأَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ، الطَّاهِرَ رَاسِتْگُوی نیکوکار امین. سلام بر تو ای (حضرت) موسی بن جَعْفَر، پاک
الطُّهْرَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا المُرْتَضَى، پاکیزه، سلام بر تو ای (حضرت) عَلِيّ بن موسی الرضا، پسندیده
شده، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيّ نِ التَّقِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيّ سلام بر تو ای (حضرت) مُحَمَّد بن علی مظهر تقوا، سلام بر
تو ای (حضرت) عَلِيّ بْنَ مُحَمَّدٍ، النَّقِيِّ النَّاصِحِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ مُحَمَّدٍ، پاک خالص شده و خیرخواه بی
آلایش امین، سلام بر تو ای (حضرت) حَسَن بن عَلِيّ، السَّلَامُ عَلَی الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی نُورِكَ عَلِيّ، سلام بر وصی
و جانشین پس از او. خداوندا؛ درود فرست بر جلوه گاه نورت و سِرِّ رَاجِحِكَ وَوَلِيِّ وَوَصِيِّ وَوَصِيَّتِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَی
خَلْقِكَ. و چراغ تابنده ات و آنکه ولایت و سرپرستی دارد از طرف ولایت و وصایت و جانشینی دارد از طرف وصی ات، و
حُجَّتِ توست بر همه آفریدگانت. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ سَلَامِ بر تو ای دختر رسول خدا،
سلام بر تو ای دختر فاطمه زهرا وَخَدِيجَه، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَخَدِيجَه كَبْرِي، سلام بر تو ای
دختر امیر مؤمنان، سلام بر تو ای بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ دَخْتَرِ اِمَامِ حَسَنِ وَ اِمَامِ حَسِينِ،
سلام بر تو ای دختر ولی خدا، سلام عَلَيْكَ يَا أُخْتِ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ

وَلِيُّ اللَّهِ، أَلْسَلَامُ بر تو ای خواهر ولی خدا، سلام بر تو ای عمه ولی خدا، سلام عَلَیْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَرَحْمَهُ اللَّهُ
وَبَرَكَاتُهُ. أَلْسَلَامُ بر تو ای دختر (حضرت) موسی بن جعفر و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد. سلام عَلَیْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا
وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ، وَحَشَرْنَا فِي زُمْرَتِكُمْ، بر تو، خدا میان ما و شما در بهشت آشنایی برقرار کند، و ما را در زمره شما محشور
فرماید، وَأَوْرَدَنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقَانَا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ وَدَرِ كِنَارِ حَوْضِ پیامبرتان وارد گرداند، و با جام جدتان از
دست (حضرت) علی بن ابی طالب، صَلَمَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ. أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ السُّرُورَ ابیطالب سیراب فرماید. درود خدا بر
همه شما باد. از خدا می خواهم که شادمانی و گشایش را در مورد شما (با ظهور امام زمان علیه السلام) به ما نشان
دهد، وَالْفَرَجَ، وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ وَ مَا وَ شَمَا رَا دَرِ زَمْرَه وَ گروهِ جَدَّتَانِ (حضرت) محمد گرد
آورد که درود خدا علیه و آله، وَأَنْ لَا يَسُدُّ لُبْنَا مَعْرِفَتِكُمْ، إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ، أَتَقَرَّبُ إِلَىٰ بَرِ اَوِ و آل او باد، و معرفت شما را از ما نگیرد،
که او اختیاردار توانا است. تَقَرَّبَ مِي جَوِيمَ بَهِ اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، وَالْبِرَّ آءَهَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ، رَاضِيًا دَرِ گَاهِ خَدَا بَهِ وَسِيلَه
دوستی شما، و بیزاری از دشمنانتان، و تسلیم بودن در برابر حق، در حالی که به آن خشنودم، بِهِ، غَيْرِ مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، وَعَلَى
يَقِينٍ مَا أَتَىٰ بِهِ مُحَمَّدٌ، وَبِهِ نَهِ اَنكَارِ كُنْدَه اَم وَ نَه اَز پذيرفتن آن خودداری می نمایم، و بر آنچه (حضرت) محمد صلی الله علیه
وآله وسلم آورده است یقین دارم، و به آن راضی راضٍ. نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالدَّارَ وَخَشْنُوْدَم.

این جهت از سرنگون شدن در جهنم سوزان حفظ شده و در بهشت برین جای خواهد گرفت.

این گونه زائران که دارای معرفت و شناخت مقام باعظمت بانوی دو جهان هستند سزاوار راه یافتن به بوستان های بهشت هستند؛ زیرا به خاطر آگاهی و معرفتی که دارند، زیارتشان مورد قبول و پذیرش در گاه الهی قرار می گیرد.

گروهی دیگر از زائران بارگاه ملکوتی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام معرفت و آشنایی چندانی با مقام بس والای آن حضرت ندارند، ولی با شور و شوقی که در نهادشان نسبت به مقام اهل بیت علیهم السلام وجود دارد خود را به این بارگاه رسانده و با شرمساری از آن حضرت خواستار ورود به بهشت می شوند، و با شفاعت آن بزرگوار راهی بهشت برین می شوند.

بنابراین، این گروه نیز همچون گروه اول از حضرت معصومه علیها السلام می خواهند که سبب ورود آنان به بوستان های بهشت گردد.

هر روز هزاران نفر از راه دور و نزدیک به زیارت آن حضرت نائل می شوند و هر سال میلیون ها نفر به بارگاه باعظمت آن بزرگوار روی می آورند، اما در این میان چه تعداد از زائرین حضرت معصومه علیها السلام، از شخصیت و عظمت آن بزرگوار آگاه هستند؟ و چند نفر با مقام معنوی و قدرت ولایت آن حضرت آشنا می باشند؟

متأسفانه شخصیت بسیار باعظمت شیعه روز قیامت، حضرت معصومه علیها السلام برای جامعه شیعه - آنگونه که باید - شناخته نشده است.

فخرالواعظین مرحوم سید محمدباقر خلیلی در کتاب «جئات ثمانیه: ۸۵۸» و مورخ نامی مرحوم سپهر در «ناسخ التواریخ: ۳۳/۷» روایت نموده اند که حضرت امام رضا علیه السلام درباره فضیلت زیارت حضرت معصومه علیها السلام فرمودند:

من زار المعصومه بقم (فی قم) کمن زارنی.

کسی که (خواهرم) معصومه را در قم زیارت نماید مثل کسی می باشد که مرا زیارت نموده است.

این روایت

به خوبی گویای عظمتِ شخصیتِ حضرت معصومه علیها السلام می باشد.

توجه به روایتی که درباره ظهور شخصیتِ حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در روز قیامت است - و در زیارت آن بزرگوار به آن اشاره شده - ما را تا حدودی با عظمت شأن و مقام آن حضرت، آشنا می کند.

حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند:

... و تدخل بشفاعتها شيعتى الجنة بأجمعهم. (۱۰۳)

... و به وسیله شفاعت او (حضرت فاطمه معصومه علیها السلام) شیعیان من همه وارد بهشت می شوند.

بنابر این روایت، در روز پرهیاهوی رستاخیز و قیامت، توده های عظیم مردم باوساطت و شفاعتِ حضرت معصومه علیها السلام به سوی هشت درب بهشت روان می گردند. ما همه در زیارت آن بزرگوار خدمت شان عرض می کنیم:

یا فاطمه؛ اشفعی لی فی الجنة.

ای فاطمه؛ برای من بهشت را شفاعت کن.

یک نکته مهم درباره شفاعت نمودن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

در اینجا به بیان نکته ای مهم درباره حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و شفاعت آن بزرگوار از دوستان و شیعیانشان می پردازیم:

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از دو جهت دارای شخصیتِ عظیم معنوی می باشند:

۱ - انتساب آن بزرگوار به ائمه طاهرين عليهم السلام و مقام قرب و نزدیکی بودن نسب آن حضرت به معصومین عليهم السلام؛ زیرا حضرت معصومه علیها السلام دختر امام، خواهر امام، عمه امام، نوه امام و... می باشند. در زیارت آن حضرت می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ... السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ.

۲ - علاوه بر مقام قرب ظاهری و نسبتِ نزدیک حضرت فاطمه معصومه علیها السلام با معصومین عليهم السلام، آن بزرگوار از نزدیک بودن و قرب معنوی بسیار عجیب برخوردارند.

این نکته قابل توجه و دقت است که در میان امام زادگان عظیم الشأن از نظر نسبت ظاهری و قرب نسبی افراد زیادی همانند حضرت معصومه علیها السلام می باشند؛ ولی از نظر قرب معنوی و شخصیتِ عظمت روحی،

همچون حضرت معصومه علیها السلام نیستند.

نکته جالب توجه این است که این مقام باطنی و قرب معنوی حضرت معصومه علیها السلام سبب دارابودن مقام شفاعت آن حضرت می باشد.

با توجه در زیارت آن بزرگوار و مطالبی که حضرت امام رضا علیه السلام درباره شخصیت حضرت معصومه علیها السلام در ضمن این زیارت بیان فرموده اند، به این حقیقت می رسیم که: حضرت معصومه علیها السلام علاوه بر دارابودن شخصیت عظیم معنوی از نظر انتساب به خاندان وحی، شخصاً نیز دارای مقام ولایت می باشند.

حضرت امام رضا علیه السلام پس از بیان نسبت آن حضرت به معصومین علیهم السلام، برای این که به همگان بفهمانند حضرت معصومه علیها السلام از مقام عظیم شفاعت برخوردارند، به این نکته استدلال نمی کنند که آن حضرت از نسب نزدیک به ائمه هدی علیهم السلام برخوردارند بلکه دستور می دهند که زائران به این تعبیر «یا فاطمه؛ اشفعی لی فی الجنه» از آن حضرت تقاضای شفاعت نمایند.

جالب توجه است که این جمله با «یا بنت رسول الله» یا با جمله «یا بنت امیرالمؤمنین و...» شروع نشده است که شفاعت خواهی زائران از حضرت معصومه علیها السلام به خاطر این باشد که آن بزرگوار دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم یا دخت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر معصومین علیهم السلام یا خواهر و عمه امام علیه السلام هستند؛ بلکه با جمله «یا فاطمه؛ اشفعی» درخواست شفاعت از حضرت معصومه علیها السلام می شود که بالطافتی که حضرت امام رضا علیه السلام در این تعبیر بکار برده اند، به ما می فهمانند که مقام عظیم شفاعت ایشان برای همه، نه به خاطر انتساب آن حضرت به خاندان وحی علیهم السلام؛ بلکه آن بزرگوار شخصاً دارای این مقام بزرگ می باشند.

جالب توجه است که برای روشن شدن این حقیقت، فرازهای زیارت را این گونه ادامه می دهند: «فإن لك عند الله شأناً من الشأن»

که این جمله برای بیان این واقعیت است که آن حضرت در نزد خداوند برخوردار از شأنی از شأن قرب الهی و ولایت می باشند.

بنابراین همان گونه که در این زیارت می بینیم، با این که فرازهایی از این زیارت بایان جمله هایی همچون دختر رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و... و یا خواهر و عمّه امام علیه السلام به توصیف حضرت معصومه علیها السلام پرداخته، ولی آنگاه که نوبت به شفاعت خواهی از آن بزرگوار می رسد، تعبیر زیارت عوض می شود و به جای استفاده از عبارات گذشته، نام آن حضرت برده می شود و از آن حضرت تقاضای شفاعت و ورود به بهشت برین می شود.

این نکته سزاوار دقت است: همان گونه که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می توانند در روز قیامت، مردم را از صحنه پرخطر قیامت نجات داده و آن ها را روانه بهشت نمایند، همینطور در عصر غیبت نیز آن بزرگوار این شأن و مقام را نزد خداوند دارد که مردم را از گرفتاری های زمان غیبت نجات داده و با وساطت و شفاعت به درگاه خداوند بزرگ، همه را از نابسامانی ها نجات داده و واسطه گشوده شدن درب بهشت ظهور امام عصر ارواحنا فداه شوند.

بدیهی و واضح است وقتی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دارای این مقام و عظمت باشند، چهارده معصوم علیهم السلام نیز به طریق اولی برخوردار از این مقام می باشند.

بنابراین، زائرین محترم لازم است به این نکته توجه داشته باشند که هنگام تشرّف به مکان های بزرگ معنوی نه تنها برای نجات خود بلکه برای نجات جهان و جهانیان، و ظهور قدرت ولایت در سراسر گیتی دعا کنند؛ و این درخواست را در سرلوحه خواسته ها و حاجت های خود قرار دهند تا إن شاء الله شاهد حکومت جهانی حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه

باشند و در همین دنیا، نظاره گر بهشتِ موعود شوند.

(۱) دو زیارت دیگر برای حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که چون مخصوص روز چهارشنبه است، آن دو زیارت را در «بخش دهم: اعمال عبادی ایام هفته ص ۲۴۳ و ۲۴۴» نقل کرده ایم.

(۲) رجوع کنید به بحار الأنوار: ۲۴/۵۲.

(۳) مؤلف گوید: درباره عتبه بوسی و بوسیدن در گاه مطهر آستان مقدس ائمه اطهار علیهم السلام در کلمات اهل بیت عصمت علیهم السلام عبارات بسیار مهمی وارد شده است.

در زیارت وداع ائمه اطهار علیهم السلام که مرحوم علامه مجلسی آن را در «بحار الأنوار: ۲۰۵/۱۰۲» نقل کرده، وارد شده است:

... وا شوقاه إلى تقبيل أعتابكم، والولوج بإذنكم لأبوابكم، وتعفير الخدّ علی اریح ترابکم، واللیاذ بعرضاتکم، ومحالّ أبدانکم وأشخاصکم، المحفوفه بالملائکه الکرام، والمتحوفه من الله بالرحمه والرضوان

«چقدر شوق دارم به بوسیدن آستانه در گاه شما و وارد شدن با اذن شما به خانه شما و خاک آلود نمودن گونه ام را با خاک خوش بوی شما و پناه بردن به سرای شما را و مکانهای ابدان و اشخاص شما که از ملائکه کرام احاطه شده و مشمول رحمت و سلام از سوی خداوند شده است.»

بنابراین، بوسیدن در گاه مقدس و خاک آلود نمودن گونه خود با خاک مشک بوی آستان مقدس آنان و پناه بردن به حرم های مطهر آن بزرگواران، نه تنها مورد تأیید آن بزرگواران است، بلکه آرزو و اشتیاق آن نیز باعث تقرب به خداوند متعال می شود.

نکته بسیار مهمی که در هنگام عتبه بوسی باید به آن توجه داشت این است که عتبه حرم اهل بیت عصمت علیهم السلام قدمگاه حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه است، که حضرتش در طول غیبت صغری و کبری، مکرر بر عظمت و شرافت آن مکان های مقدس افزوده اند و

با قدوم خود آن‌ها را مورد توجّه و عظمت بیشتر قرار داده اند.

ما جلد قرآن را به خاطر قرآن می‌بوسیم، به خاطر احترامی که برای قرآن مجید قائل هستیم، همین‌گونه عتبه حرم‌های مطهر ائمه اطهار و اهل بیت عصمت علیهم السلام را می‌بوسیم هم به خاطر شرافتی که برای آنان قائل هستیم و هم به این جهت که آنجا محلّ رفت و آمد حضرت بقیه‌الله الأعظم ارواحنا فداه و قدمگاه محترم آن بزرگوار و همچنین جای قدم اولیاء خدا است.

مگر نه این است که در مدّت سال‌های طولانی، عتبه مقدّسه اهل بیت علیهم السلام محلّ رفت و آمد و جایگاه قدم مبارک امام عصر ارواحنا فداه بوده و می‌باشد، پس چرا این مکان‌های مقدّس را نبوسیم؟

مرحوم آیه‌الله سیّد احمد مستنبط فرموده است:

از آداب زیارت، بوسیدن عتبه مقدّسه است و ما در رساله خود یادآور شدیم که این از مصداق سجده خارج است، بلکه از باب محبّت و مهر ورزیدن است مانند آن که انسان برای بوسیدن فرزند خود خم شود، زیرا کسی گمان نمی‌کند که این کار سجده (یا رکوع) برای اوست.

و نقل شده است که از مرحوم آیه الله شیخ انصاری درباره بوسیدن عتبه‌های مقدّسه ائمه اطهار علیهم السلام سؤال شد، ایشان فرمودند:

من عتبه حرم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را می‌بوسم تا چه رسد به عتبه حرم ائمه اطهار علیهم السلام آن هم به خاطر این است که آنجا، قدمگاه زوّار حضرت ابوالفضل علیه السلام است.

از بعضی از علماء ربّانی دیده شده که عتبه زیارتگاه حرّ بن یزید ریاحی رضوان الله علیه را می‌بوسید. (الزیاره‌البشاره: ۱۳/۱) و نیز ایشان فرمودند:

از آداب زیارت بوسیدن زمین در برابر امام علیه السلام است. به خاطر روایتی که در وسائل از

کتاب «عیون» در باب ۱۲۹ از ابواب «عشره» از کتاب حجّ با سند از صفوان بن یحیی نقل شده است که ایشان گفت:

ابوقرّه مصاحب جاثلیق به من گفت که او را به حضور حضرت امام رضا علیه السلام برسانم، من از آن بزرگوار در این باره اذن خواستم، فرمودند: او را بیاور.

چون بر حضرت وارد شد، بساط حضرت را بوسید و عرض کرد در دین ما بر ما لازم است که نسبت به بزرگان عصر خود این گونه رفتار کنیم.

امام علیه السلام او را از این کار منع نفرمودند. و معلوم است که سکوت در برابر امر منکر از معصوم علیه السلام صادر نمی شود.

و همین گونه روایت دیگری متضمّن این مطلب است که قافله ای از قم خدمت حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه رسیدند و آن حضرت از علامت و نشانه های اموالی که آورده بودند به آن آنان خبر دادند.

آنان خود را به عنوان شکر الهی به زمین افکنده و زمین را در برابر آن حضرت از باب احترام بوسیدند.

پی نوشتها

(الزیاره والبشاره: ۱۷/۱)

(۴) سوره نور، آیه ۳۶.

(۵) مفاتیح الجنان: ۶۱۵.

(۶)

(۷)

(۸) در زیارت هر یک از ائمه معصومین صلوات الله عليهم اجمعین به جای نام حضرت امام رضا علیه السلام، اسم آن امام را ذکر کنید.

(۹) البلد الأمين: ۳۹۱ و مصباح الزائر: ۴۱۸ با اختلاف.

(۱۰) کامل الزیارات: ۵۱۵، مزار آقا جمال خوانساری: ۳۲.

(۱۱)

(۱۲)

(۱۳) ذخیره الآخره: ۱۶۵.

(۱۴) پس از این زیارت، وداعی نقل کرده اند که چون صراحت در مخصوص بودن آن به وداع با حضرت امام رضا علیه السلام ندارد، آن را جزء زیارات وداعیه جامعه ص ۷۰۶ نقل می کنیم.

(۱۵)

(۱۶)

(۱۷)

(۱۸)

(۱۹)

(۲۰)

(۲۱) بحار الأنوار: ۵۵/۱۰۲، مفاتیح الجنان: ۱۱۴۵، کتاب فی الزیارات والأدعیه

(مخطوط: ۳۴).

(۲۲) بحار الأنوار: ۵۰/۱۰۲، تحفه الزائر (مخطوط: ۲۹۱، مزار آقا جمال خوانساری: ۵۶).

(۲۳) البلد الأمين: ۴۰۰.

(۲۴) کتاب «روضه الأذکار» از عالم جلیل القدر محمّد بن محمّد بن تبریزی است که به صورت مخطوط باقی مانده و در کتابخانه های نجف اشرف و... موجود است. گنجینه های مهمّ و ارزشمندی از علمای بزرگ شیعه در مکتبه های جهان وجود دارد که متأسفانه هنوز به زیور طبع آراسته نشده؛ «روضه الأذکار» یکی از آن ها است.

(۲۵)

(۲۶) این دعا را در «بخش اوّل: هشت نماز زیارت ص ۱۴۳» نقل کرده ایم.

(۲۷) روضه الأذکار (مخطوط: ۶۷).

(۲۸)

(۲۹)

(۳۰)

(۳۱)

(۳۲)

(۳۳)

(۳۴)

(۳۵)

(۳۶)

(۳۷) تحفه الزائر (مخطوط: ۲۹۷).

(۳۸) صحیفه مهدیّه: ۶۱۰.

(۳۹)

(۴۰) مصباح الزائر: ۴۶۸، بحار الأنوار: ۱۶۹/۱۰۲، کتاب فی الزیارات والأدعیه (مخطوط): ۲۴.

(۴۱) مصباح الزائر: ۴۷۱، بحار الأنوار: ۱۷۲/۱۰۲، کتاب فی الزیارات والأدعیه (مخطوط): ۲۸.

(۴۲)

(۴۳)

(۴۴)

(۴۵)

(۴۶)

(۴۷)

(۴۸)

(۴۹)

(۵۰)

(۵۱)

(۵۲)

(۵۳) مقصود از زیارت های جامعه، زیارت هایی است که می توان به وسیله آن ها همه ائمه علیهم السلام را زیارت نمود.

(۵۴) زیارت رجبیه نیز از زیارت های جامعه است ولی چون مخصوص به ماه رجب می باشد در «بخش یازدهم: هشت ماه واعمال عبادی آن ها» آورده ایم، و نیز دو زیارت جامعه دیگر و یک زیارت وداعیه که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده و مناسب با «بخش سی ام» کتاب است در آن بخش می آوریم.

(۵۵)

(۵۶) مفاتیح الجنان: ۶۹۸، مصباح المتهدّج: ۷۳۸، بحار الأنوار: ۲۶۶/۱۰۰، و در مصباح الزائر: ۴۷۴، و مزار آقا جمال خوانساری: ۹۸ با اندکی تفاوت، بحار الأنوار: ۱۷۶/۱۰۲.

(۵۷)

(٥٨)

(٥٩)

(٦٠)

(٦١)

(٦٢)

(٦٣)

(٦٤)

(٦٥)

(٦٦)

(٦٧)

(٦٨) سورة يونس، آية ٢.

(٦٩) بحار الأنوار: ١٠٢/١٤٦.

(٧٠)

(٧١)

(٧٢) بحار الأنوار:

۱۷۸/۱۰۲، مصباح الزائر: ۴۷۶.

(۷۳) مصباح الزائر: ۴۶۰، المزار الكبير: ۲۹۱، بحار الأنوار: ۱۶۲/۱۰۲.

(۷۴)

(۷۵)

(۷۶) بحار الأنوار: ۲۰۷/۱۰۲.

(۷۷) زیارات وداعیه ای که در این بخش می آوریم همه از زیارات وداعیه جامعه هستند، یعنی آن ها را در وداع با همه ائمه علیهم السلام می توان خواند. قابل توجه است که چند زیارت وداع دیگر را به خاطر اختصاص داشتن آن ها به وداع با امام رضا علیه السلام پس از نقل زیارت های آن حضرت در «بخش بیست و ششم» آورده ایم، و یک زیارت وداع دیگر که از امام رضا علیه السلام روایت شده به مناسبت بخش آخر کتاب (یعنی زیارت هایی که از امام رضا علیه السلام روایت گردیده)، در آن بخش می آوریم.

(۷۸)

(۷۹)

(۸۰)

(۸۱)

(۸۲) بحار الأنوار: ۲۰۴/۱۰۲.

(۸۳) بحار الأنوار: ۵۰/۱۰۲، و در البلد الأمين: ۴۰۰ با اختلاف.

(۸۴)

(۸۵) الجُنة الواقیه والجُنة الباقیه (مخطوط): ۷۶.

(۸۶) بحار الأنوار: ۲۰۷/۱۰۲.

(۸۷) إقبال الأعمال: ۵۵۹.

(۸۸)

(۸۹)

(۹۰)

(۹۱)

(۹۲)

(۹۳)

(۹۴) مصباح الزائر: ۴۸۸، بحار الأنوار: ۱۸۷/۱۰۲، روضه الأذکار (مخطوط): ۹۸.

(۹۵) این زیارت از حضرت امام رضاعلیه السلام درباره حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام وارد شده و در روایت دیگر از حضرت امام رضاعلیه السلام روایت شده که حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام خواندن این زیارت را در حرم حضرت امام حسین علیه السلام دستور دادند (بحار الأنوار: ۸/۱۰۲)؛ ولی همان گونه که خواهیم گفت، این زیارت را در تمام مشاهد مقدسه می توان خواند.

(۹۶) الکافی: ۵۸۳/۴ ح ۳. ۲. الکافی: ۵۸۳/۴ ح ۱.

(۹۷)

(۹۸) التهذیب: ۸۲/۸ ح ۳.

(۹۹) التهذیب: ۸۲/۶ ح ۴، بحار الأنوار: ۵/۱۰۲ ح ۲۵.

(۱۰۰) روضه الأذکار (مخطوط): ۶۴.

(۱۰۱) عیون اخبار الرضاعلیه السلام: ۲۷۶/۲، المصباح: ۶۶۹ (با تفاوت) مستدرک الوسائل: ۳۵۴/۱۰، وسائل الشیعه: ۴۳۱/۱۰، بحار الأنوار: ۸/۱۰۲ (با اختصار) و ص ۱۲۶.

(۱۰۲)

بحار الأنوار: ۲۶۵/۱۰۲.

(۱۰۳) سفینه البحار: مادّه «فطم».

منابع و مصادر کتاب

قرآن کریم

«الف»

أبواب الجنّات فی آداب الجمعات:

تألیف: آیها لله سیّد محمد تقی موسوی اصفهانی، مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام - قم

اخبار و آثار حضرت امام رضا عليه السلام:

تألیف و تحقیق: دانشمند محترم آقای عزیزالله عطاردی، کتابخانه صدر - تهران

الإشراف:

تألیف: عالم جلیل القدر مرحوم شیخ مفید، ناشر: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد رحمه الله

إقبال الأعمال:

تألیف: عالم جلیل القدر سیّد بن طاووس رحمه الله، مؤسسه مطبوعاتی اعلمی - بیروت

الأمان من أخطار الأسفار والأزمان:

تألیف: عالم جلیل القدر سیّد بن طاووس رحمه الله، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم

الأنوار النعمانيّة:

تألیف: محدث خبیر مرحوم سیّد نعمه الله جزائری، انتشارات مکتبه بنی هاشمی - تبریز

ایجاج الأحزان فی وفاه غریب خراسان:

تألیف: عالم جلیل القدر شیخ عبدالرضا اوالی بحرانی از علمای قرن دهم هجری قمری، با تحقیق و... دکتر محمد ابراهیم

مالمیر، انتشارات انصاری - قم

«ب»

بحار الأنوار:

تأليف: علامه محمدباقر مجلسی رحمه الله، منشورات مکتبه اسلامیه - تهران

البلد الأمين:

تأليف: عالم بزرگوار شیخ ابراهیم کفعمی، مؤسسه علمی - بیروت

بهجه النظر:

تأليف: محدث خیر سید هاشم بن سلیمان بحرینی، تحقیق و تصحیح: عبدالرحیم مبارک، آستان قدس رضوی - مشهد مقدس

«ت»

تحفه الزائر:

تأليف: مرحوم علامه مجلسی، نسخه عکسی

تحفه طوسیّه:

تأليف: مرحوم محدث قمی، انتشارات فؤاد - تهران

تفسیر القمی:

تأليف: ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی از اعلام قرن ۴ - ۳ ق، با تصحیح آقای سید طیب موسوی جزائری، منشورات مکتبه

الهدی - نجف اشرف

«ث»

الثاقب فی المناقب:

تأليف: فقیه عمادالدین طوسی معروف به ابن حمزه از اعلام قرن ششم، تحقیق: نبیل رضا علوان، مؤسسه انصاریان - قم

ثواب الأعمال:

تأليف: عالم جلیل القدر شیخ صدوق رحمه الله، منشورات مطبعه حیدریّه - نجف اشرف

«ج»

جامع احاديث الشيعة:

تأليف: حجّه الإسلام والمسلمين حاج شيخ اسماعيل معزّي ملايرى، ناشر: مؤلف - قم

جامع الأثر:

تأليف: حجّه

الإسلام والمسلمين آقای سید حسن آل طه، مؤسسه نشر اسلامی - قم

جمال الأسبوع:

تأليف: عالم جلیل القدر سید بن طاووس رحمه الله، مؤسسه آفاق - تهران

جنّات الخلود:

تأليف: عالم بزرگوار امامی خاتون آبادی، چاپ سنگی

جنّات ثمانیه:

تأليف: فخر الواعظین مرحوم سید محمدباقر خلیخالی، ترجمه: آقای محمدرضا انصاری قمی، انتشارات دلیل ما - قم

الجَنَّة الواقیه والجَنَّة الباقیه (مخطوط):

تأليف: عالم بزرگوار ابراهیم بن علی العاملی الکفعمی رحمه الله، از مخطوطات مؤسسه کاشف الغطاء - نجف اشرف، شماره

مخطوط ۱۷۹۰

«خ»

خواص آیات قرآن کریم:

تأليف: آیه الله محمدتقی بن محمدباقر نجفی اصفهانی، کتابفروشی فلسفی - تهران

«د»

دعبل شاعر امام رضا علیه السلام:

تأليف: دکتر حسین چوبین، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی - دزفول

الدعوات:

تأليف: عالم شهیر قطب الدین راوندی رحمه الله، مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام - قم

«ذ»

ذخیره الآخرة:

تأليف: عالم جليل القدر علي بن محمّد بن علي بن عبدالصمد سبزواری از علمای قرن ششم هجری، به کوشش آقای رسول جعفریان، انتشارات انصاریان - قم

«ر»

رساله أربعه أيام:

تأليف: عالم نامی مرحوم میرداماد، ناشر: دبیرخانه کنگره آقاحسین خوانساری - قم

روضه الأذکار (مخطوط):

تأليف: حاجی محمّد بن محمّد التبریزی، از مخطوطات مؤسسه کاشف الغطاء - نجف اشرف، رقم مخطوط ۱۱۳۳

روضه الواعظین:

تأليف: علامه ابن قتال نیشابوری از اعلام قرن پنجم و ششم هجری، منشورات الرضی - قم

«ز»

زاد المعاد:

تأليف: مرحوم علامه مجلسی، مکتبه اسلامیّه - تهران

«س»

سفینه البحار:

تأليف: مرحوم محدّث قمی، انتشارات فراهانی - تهران

«ص»

صحیفه الإمام الرضا علیه السلام:

تحقیق و نشر: مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام - قم

الصحیفه الصادقیه:

تأليف: آیهالله شیخ احمد بحرانی قطیفی، تحقیق: دار المصطفی صلی الله علیه وآله وسلم - قم

صحيفه مهديّه:

تأليف: سيد مرتضى مجتهد سيستاني، نشر الماس - قم، چاپ دهم

«ع»

عدّه الداعي:

تأليف: عالم ربّاني احمد بن فهد حلّي رحمه الله، منشورات مكتبه وجداني - قم

عيون اخبار الرضا عليه

السلام:

تأليف: عالم جليل القدر مرحوم شيخ صدوق، از منشورات المطبعه الحيدريه - نجف اشرف

«ف»

فتح الأبواب:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس رحمه الله، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم

فرهنگ اصطلاحات روز:

تأليف: دكتور محمد غفراني و دكتور مرتضى آيت الله زاده شيرازي، انتشارات امير كبير - تهران

فرهنگ دانشگاهي:

تأليف: آقاي احمد سيّاح، انتشارات اسلام - تهران

فقه الرضا عليه السلام:

منسوب به حضرت امام رضا عليه السلام، تحقيق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، نشر: المؤتمر العالمي للإمام الرضا عليه

السلام - مشهد مقدس

فلاح السائل:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس رحمه الله، منشورات دار الإسلاميه - بيروت

«ق»

قطره ای از فضائل دریای اهل بیت عليهم السلام (ترجمه كتاب شريف القطره):

تأليف: مرحوم علامه سيد احمد مستنبط، نشر حاذق - قم

«ك»

كامل الزيارات:

تأليف: محدث خير جعفر بن محمد بن قولويه رحمه الله، نشر الفقاهه - قم

کتاب فی الزیارات والأدعیه (مخطوط):

تألیف: بعض الأصحاب، از نسخه های خطی مؤسسه کاشف الغطاء - نجف اشرف، شماره مخطوط ۶۷۰

«گ»

گنجینه لغات:

تألیف: دانشمند محترم آقای نصرالله آژنگ، انتشارات گنجینه - تهران

«م»

مجموعه الأدعیه (مخطوط):

تألیف: بعض الأصحاب، از مخطوطات مؤسسه کاشف الغطاء - نجف اشرف، شماره مخطوط ۱۸۷۲

المجموع الرائق من ازهار الحدائق:

تألیف: محدث بزرگوار سید هبهالله موسوی، وزارت ارشاد - تهران

المحاسن:

تألیف: محدث جلیل القدر احمد بن محمد بن خالد برقی رحمه الله، از منشورات مکتبه الحیدریه - نجف اشرف

المزار:

تألیف: عالم جلیل القدر مرحوم شیخ مفید، مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام - قم

المزار الكبير:

تألیف: عالم بزرگوار ابو عبدالله محمد بن جعفر مشهدی، نشر قیوم - قم

مزار:

تألیف: عالم جلیل القدر آقا جمال خوانساری، ناشر: دبیرخانه کنگره آقا حسین خوانساری - قم

مستدرک الوسائل:

تألیف: مرحوم محدث نوری، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم

مسند الرضا عليه السلام:

تأليف: داود بن سليمان الغازي از اعلام قرن سوم، تحقيق: آقاي سيد محمد جواد حسيني جلالى،

انتشارات دفتر تبلیغات - قم

المصباح:

تأليف: عالم جليل القدر ابراهيم عاملى كفعمى رحمه الله، منشورات مؤسسه اعلمى - بيروت

مصباح الزائر:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس رحمه الله، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم

مصباح المتهجد:

تأليف: شيخ الطائفة ابو جعفر محمد طوسى رحمه الله، مؤسسه فقه الشيعة - بيروت

المعجم الذهبى:

تأليف: دكتور محمد تونجى، توزيع دار الروضه - بيروت

مفاتيح الجنان:

تأليف: مرحوم محدث قمى، كتابفروشى محمدحسن علمى - تهران

مفتاح الفلاح:

تأليف: عالم بزرگوار بهاء الدين عاملى، مؤسسه نشر اسلامى - قم

مقياس المصاييح:

تأليف: مرحوم علامه مجلسى، چاپ سنگى

مكارم الأخلاق:

تأليف: محدث نامى شيخ حسن بن فضل طبرسى، منشورات مؤسسه نشر اسلامى - قم

منتهى الآمال:

تأليف: مرحوم محدث قمى، انتشارات هاتف - مشهد مقدس

مهج الدعوات:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس رحمه الله، دارالكتب اسلاميه - تهران

«ن»

ناسخ التواريخ:

دانشمند شهير مرحوم عباس قلي خان سپهر، انتشارات كتابفروشي اسلاميه - تهران

نزه الزاهد:

تأليف: يكي از اعلام قرن ششم، اهل قلم - تهران

«و»

وسائل الشيعه:

تأليف: محدث بزرگوار شيخ حرّ عاملی رحمه الله، از منشورات دار احیاء التراث الإسلامی - بيروت

«ه»

هدیه الزائرین وبهجه الناظرین:

تأليف: مرحوم محدث قمی، انتشارات دهقان - تهران

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

